میهن ما

شماره ۳۳ — پنجشنبه ۹ شهریور ماه ۱۳۲۹ — تکشماره سه ریال

مسئله کره و فرمز دستور روز مجمع عمومی سازمان

ملل متفق ـ تضادهای سیاست امریکا

بقیه در صفحه ۲

آزادی مطبوعات باید تضمین شود

پس از دوهفته تعطیل ، باز روزنامه نیسان باخوانندگان عزیز خود روبرو می شود . توقیف های اخیر جراید روزنامه مارا نیز از خطر خود مصون نداشت وبا آنکه لحن متین وروش منطقی روزنامهٔ نیسان مورد تصدیق دوست ودشمن است ، این روزنامه نیز بجرم انتشار حقیقت ازطرف دولت توقیف شد و مجبور گردید چند هفته بانامهای دیگری انتشار یابد . اکنون نمیخواهیم دوباره تکرار کنیم که روزنامه نیسان روش حقیقت جویانه گذشته خودرا ادامه خواهد داد وازراه وروش کلی خود قدمی منحرف نخواهد گشت .

این حقیقت را خوانندگان ما باندازه کافی آزموده اند وثبات ما رادردفاع از منافع ملت ایران بخوبی میدانند . موضوعی که میخواهیم دربارهٔ آن صحبت کنیم مربوط به روش زننده وغیر قانونی دولت نسبت به مطبوعات است .

درست است که اکنون همه روزنامه های توقیف شده دردنباله اعلامیه آقای نخست وزیر آزادشده اند ، اما حتی آزادی این روزنامه ها بترتیبی صورت گرفت که درنزد تمام علاقمندان به آزادی باناخوشایندی تلقی شد .

آقای نخست وزیر در اعلامیه خود نگفت که این روزنامه ها واقعا برخلاف قانون توقیف شده اند نگفت که سیاست توقیف غیرقانونی مطبوعات سیاست اشتباهی است و دولت قصد دارد اقدامات خلاف قانون خود را متروک بدارد . ایشان در اعلامیه خود برعکس چنین ادعا کردند که توقیف این روزنامه ها برطبق قانون صورت گرفته است ! واگر اکنون آزاد میشوند فقط درنتیجه «ارفاق» و «شفقت» ادعائی شخص آقای نخست وزیر است که قدرت دارند اگر بخواهند یك جریان «قانونی» را منقطع سازند واراده خود را مفوق «قانون» قرار دهند!

این اعلامیه آقای نخست وزیر ازطرفی نمودار روحیه حکومت فردی واز طرف

بقیه در صفحه ۸

آنچه که درباره تصمیمات

هیئت تصفیه باید گفت

یکسال و چند روز پیش از این ، بموجب قانون تصفیه تشکیلات دولت ، هیئتی مامور شد تا اولا سازمان اداری کشور را مورد تجدید نظر قرار دهد و موسسات زائد و غیر مفید را حذف کند و ثانیا با توجه بسوابق مستخدمین دولتی ومراجعه بمدارك و اسناد واطلاعات موجوده آنان را بنا براینکه مفید شناخته شوند بعنوان مشمولین بند الف ابقا نماید و باقی را که نالایق ویا نادرستند بنام مشمولین بند « ب » و « ج » اخراجشان را از خدمات دولتی مقرر دارد .

بموجب قانون مربوطه تصمیمات هیئت مذکور لازم الاجرا شناخته شد و دولت باجرای آن ملزم گردید مگر آنکه مجلس شورای ، راسا بالغاء آن جلسه تصمیم گیرد ، درعین حال ، دوره اختیارات بمدت یکسال پیش بینی شد .

بقیه در صفحه ۷

درباره مذاکرات تجارتی

ایران و شوروی

مذاکرات بازرگانی بین مقامات همسایه شمالی ایران اتحاد جماهیر شوروی با آقای نخست وزیر و مقامات دیگر دولت ایران هنوز ادامه دارد ولی ازطرف دولت هیچگونه خبری از کیفیت جریان مذاکرات به روزنامه ها و افکار عمومی ایران داده شده است .

بقیه در صفحه ۳

مسافرتهای مرموز وفعالیت های تحریك آمیز دو گلاس

آنجا که دولت روزنامه های حقگو را متهم بنشر اخبار تحریك آمیز میکند ، دو گلاس ها با آزادی عمل کشور ما را مانند خانه خود بزیر پا بگذارند تا عکسها و نقشه های تهیه شده را « برای مطالعات عمیق » بوزارت خارجه امریکا بفرستند و فتنه انگیزترین مقالات درباره کشور ما منتشر سازند .

بقیه در صفحه ۳

استقلال

هندوستان تا چه اندازه

باواقعیت همراه است

در صفحه ۶

نهضت صلح در دنیا و میهن ما

فعالیتهای جمعیت ایرانی هواداران صلح

به نتایج درخشانی رسیده است

« گرك بابره یکجا سکرت خواهد
« داشت و پلنك با بزغاله در یك
« محل امکان زندگی پیدا خواهند
« نمود ـ گوساله و شیرو پرداری
« باهم و طفل کوچك آنهارا خواهد
« راند
« گاو باخرس خواهد چرید وبچه
« های آنها باهم خواهند خوابید
« طفل شیرخواره بر سوراخ مار بازی
« خواهد کرد و بچه یکساله دست
« خود را برلانه ، افعی خواهد
« گذاشت بدون اینکه براو گزندی
« رسد ـ در تمامی کوه مقدس من
« ضرر و فسادی وجود نخواهد داشت
« آن ستمکار معدوم خواهد شد و آن
« جور پیشه نابود خواهد گردید ،
« آنکه ملتهارا بخشم ، صدمه متوالی
« میزند و برمردم بغضب با جفای

بقیه در صفحه ۲

ترجمه از مطبوعات فرانسه

اگر جنك کره در فرانسه

اتفاق افتاده بود چه میشد ؟

بعید نبود که پیاده شدن نیرو های متفقین در نرماندی که آنقدر انتظار آن میرفت انجام نشود در اینصورت آنگلوساسون ها که از دریای مدیترانه آمده بودند باآرتش فاتح سرخ نه در کرانه « الب » بلکه مثلا در روی « سن » یا « لوار » برخوردمی کردند . بین مناطق اشغالی دو آرتش حدی معین می شد سپس روسها بکشور خود باز گشته وبجای آنها در پاریس حکومتی روی کار می آمد که خود بخود از نهضت مقاومت زمان شورش منی ایجاد شده بود و بوسیله قهرمانان ملی اداره میشد آمریکائیها شش ماه بعد تصمیم می گرفتند

بقیه در صفحه ۷

ارایلیا ارنبورك

ترجمه باروخ

در راه صلح

تقدیم بجمعیت ایرانی طرفداران صلح

مقاله زیر کتاب بسیار جالب توجهی بقلم آقای پالم دات مرد سیاسی برجسته انگلستان را معرفی میکند .

دراین کتاب نشان داده شده است که چگونه امپراطوری انگلستان در تضادها و بحرانهای داخلی خود غرق شده و قدرت ادعائی این امپراتوری درنتیجه کوشش مصمم ملت های مستعمره بکسب آزادی تبدیل به ضعف و بحران شده است .

ما ضمن دعوت خوانندگان به قرائت این مقاله امیدواریم عین این کتاب بزبان فارسی ترجمه شود .

بحران امپراطوری بریتانیا

در صفحه ۴

فردای زندگی

نهضت صلح در دنیا و میهن ما

بقیه از صفحه ۱

«بیحد حکمرانی میکنداز بین‌خواهد
«رفت تمامی‌زمین‌آرام شدوساکت
«خواهند گردید وباواز بلندسرود
«صلح خواهند نواخت .
«اینکه ملتها را ذلیل می‌ساختی
چگونه بزمین افکنده شده‌ای توکه
«در دل خود میگفتی بآسمان‌صعود
«نموده کرسی‌خودرا بالای‌ستارگان
«خواهم افراشت بربلندی های
«مافوق‌ابرهابالارفته خدائی‌خواهم
«کرد اکنون باعاق هاویه فرو
«خواهی رفت آنان که‌ترا بینندبر
«توچشم دوخته و درتو تامل نموده
«خواهند گفت آیا این همانست که
«جهانرا متزلزل و ممالک‌رامرتعش
«میساخت که ربع مسکونراویران
«میبود و شهرهایش را منهدم
«میکرد.»

این ملات انعکاس فشاری است که دوهزار سال پیش اسیر کنندگان ملتها بر مردم وارد میساختند ـ نویدی است که یکی از اسیران قوم یهود (پیشوای) برای بلابردن روحیه مبارزه کنندگان برعلیه ظلم و جور آنروزبردم زنجیرشده داده است اگر تحقق این آرزوهای بشری از آنروزها تا ایام کنونی بطول انجامیده است اکنون دیگر وضع بدان منوال نیست صحیح است که عوامل فشار و ظلم بنحو شدید و غیر قابل وصفی بر تحریکات خود افزوده اند .

درست است که استمرار گران برای برده نمودن مردم آزاد و بحالت اسیر نگاهداشتن مردمی که هنوز توانسته‌اند کاملا زنجیرگران اسارت‌را از خود دور سازند سخت در تکاپو و جنب و جوشند خود بازار فروش‌محصولات وامانده خود جنگ خونینی را بسرای ملتها تهیه می بینند ـ صحیح است که سوداگران مستعمره طلب می‌خواهندجهانی رادرخون بغلطانند و دنیارا در آتش سیوهای اتمی وایدروژنی وسلاح‌های وحشتناک بسوزانند و با خاک یکسان سازند و آزمایشی را که اکنون در کشور کره بمرحله اجرا در آورده اند در سایر نقاط جهان عملی نمایند .

ولی درعین حال نیروی ملتهای‌صلح طلب رانبایداز نظر دور داشت نهضت جهانی صلح را که اخیرا در دنیا رشدو نمو پیدا کرده است نباید امری نادیده گرفت .

امروز از دهات دور افتاده کشور فرانسه که درتجیه بیمارانهای وحشیانه نازیها قسمت اعظم‌سکنه خود را ازدست داده اند گرفته تا دهکده های ویران شده کشورکره که‌چندروز اخیر درنتیجه حمله امریکایی استیلاگر بساخاك یکسان گشته اند .

از کیوتس های کشور اسیرائیل که درآن باقیماندگان قتلزهام نازیها بطور دستجمعی زندگی جدیدی را پی ریزی می کنند گرفته تا اهالی کشور امریکا که اکنون در آن خدایان‌لار ونفت‌دوی خدائی‌برسرتاسرجهان‌را دوسرمیبرواند و در داخل کشور ملت خود را از سیاه پوست تامفید‌چهره‌تحت شدیدترین‌فشارها قرار داده و در خارج ملتها را غارت می کنند دستر نجشان را بربابنه و در مقابل کوچکترین جنبش مردم بانیب ومسلسل و نیروی مهاجم بیدادان پاسخ می‌دهند بالاخره در هر گوشه از جهان که بگریم ندای طرفداران از صلح طنین اندازاست همه‌جا صحبت از صلح و علاقه ملتها در نگهداری و حفظ آن است .

اکنون میتوان گفت‌شهر ودهکده‌ای در جهان وجودندارد که بیانیه استکهلم و کیوتز صلح یکسو بدانجاه راه نیافته باشد در کشور ما بامعه فشارها ـ بامعه تحریکات و تخیفات‌جمع آوری امضا بنفع صلح روز بروز توسعه پیدامیکند جوانان ـ مردان ـ زنان افراد روشن فکر روحانیون مردم زحمتکش کارگرو دهقان همه باین نکته پی برده اند که اکنون درجهان‌دوصف در مقابل یکدیگر تشکیل شده‌اند

یکی صف حرص و استیلاجوئی و استعمار طلبی‌صلبی که می خواهد با بربا نمودن جنك زندگی طفیلی خود را حفظ نماید و سقوط و ورشکستگی قطعی خود را چندروزی بتاخیر اندازد دیگری صف مردمی که جان خود و فرزند و برادر و خواهرخود را دوست میدارندمردمیکه اکثریت عظیم جهان را تشکیل میدهندو و میدانند که جنك خانه وکاشانه شانرا ویران خواهد کرد ـ فرزندانشارا‌خواهد کشت ـ توجهی که ملت ایران بامرصلح از خود نشان میدهد معرف اینست که بقعوی‌اینده صف را شناخته و پیوستگی خود را بصف دوم اعلام نموده است .

بیانیه استکهلم مبنی برتحریم سلاح اتمی وخیانت‌کارشمردن اولین دولتی که بمب اتمی را برای منظوز جنگی‌بکار برد بوسیله شخصیت های برجسته‌علمی و سیاسی ومذهبی کشورما انضماء و مورد تایید واقع شده‌است .

آقایان آیت‌الله حاج‌سید ابوالقاسم کاشانی ، حاج سید رضا فیروز آبادی ، شیخ‌الاسلام ملایری،آیت‌الله صدرالدین شهرستانی ،حجت‌الاسلام‌بوالحسین‌شرافی ونیز آقایان زین‌العابدین‌رهنا ،سرلشکر شفائی هادی‌اشتری ،مهندس‌مرتضی‌قاسمی دکتر امیر سکوت وهینطور۲۴ مدیر روزنامه که ازبین آنها روزنامه های صدای‌مردم ، باختر امروز ،خبر ، بسوی آینده ، مرد روز ،نیسان ، ستاره صلح ، حاجی بابا ، فروغ‌آزادی و ... را می توان نام برد بیانیه استکهلم را امضاء کرده وطرفداری خود رااز‌اعلام‌صلح اعلام داشته‌اند روزنامه های بیك صلح ، بسوی آینده ، علی‌باباستاره صلح رکیار امروز ، نیسان وانتقادرا میتوان از این زمره‌نام برد .

علاقه به‌حفظ صلح وهواداری از آن اکنون بدون توجه ببرز ها و حدود کشورها ، بدون در نظر گرفتن‌اختلافات سیاسی ـ نژادی ـ مذهبی وعقیده جنبه همگانی بخودگرفته است ـ مردم هادی که ناظر فجایع جنك اخیربوده‌اند کسانی که نمیخواهند دیگر داغ فرزند و برادر خود را ببینند بطرفداری‌ازصلح برخاسته‌اند ـ تعداد امضاءها در سراسر جهان‌از ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ متجاوز است تنهادر کشور نوبنیاد اسیرائیل کشوریکه جمعیت آن در حدود یك میلیون‌نفر است در حدود ۴۰۰ هزار نفر موافقت جدی خوددرطرفداری‌ازصلح‌تصریح نموده‌اند

مسافری که از اسرائیل مراجعت نموده بود گفت مردمی که در کیوتس‌ها زندگی میکنند (کیوتس دهاتی‌است که در آنجا اصولی شبیه ـ سوسیالیسم‌برقرار است) هر آن گوش برادیو و چشم به نقشه کره دارند هر لحظه در انتظارند که خبرهای جدیدی راجع به شکست‌ها نیروهای جنك‌طلب و پیشرفت وموفقیت مردم کره بشنوند ـ اکنون بشر میفهمد که مسئله بقاء صلح در رأس کلیهٔ امور مربوط بزندگی اوقرار دارد ـ یکنفرادر امریکایی‌درضمن‌نامه که به«آرتور کلی» (نماینده موطن خود درمجلس)فرستاده است مینویسد :

« آنانهم اکنون میخواهم سه‌دختر کوچك خود را که در آغوش گرفته‌ام برخیزدایشان بیرم...

من یکزن‌ساده‌ای‌بیش نیستم‌خواست های من تا چیز ـ من میخواهم وظیفه مادری ، وظیفه دیرین خود را اجرا کنم میخواهم که بآرامی آینده خود و کودکان خود را پی‌ریزی کنم میخواهم روزپایان تحصیلات آن ها را مشاهده نمایم ، می خواهم در عروسی آن ها شرکت کنم و بآن ها یاری دهم و بالاخره میخواهم فرزندانم را نگهداری و محافظت نمایم صدای من بسیار ضعیف و نسا رسا است اما در سخنان من نیروی بزرگی نهفته است ملیونها انسان در هواطف من‌سهیم اند حالامن‌بشما می‌نویسم،بشما بیك‌انسان پیدر یك خانواده ـ بنماینده کنگره ـ من از شما تقاضا میکنم که در مقابل نماینده کان برخیزید و سخن گوئید شاید درست ندانم که درمحافل دولتی ... چه میگذرداما از یك‌چیز مطمئنم ـ مطمئنم که یك فاجعه عظیم دیری نمانده‌است باید تمام مساعی خودتان‌وتمام کوششهای حقیقی را برای محو جدائی ها بکار اندازیم ... تصور نمیکنم که دولت ما حتی بصلح و کوشش و مجاهدت در راه برقراری آن لحظه ای فکر کرده باشد تصور نمیکنم که دولت ما از مساعی خود درراه جنك ـ تهیه بمب اتمی وخرج ملیونها دلاربرای تسلیحات نه کاسته باشد .

من میگویم وظیفه مقدس یك‌نماینده تنهاکوشش وفعالیت برای تامین‌وتضمین صلح میباشد .

صلح بایدار موردخواست همه ملتها است بندای مهنها نیتوان‌گوش نداد » هالیفاکس هم جزاین نمیگوید :

فیلیپ موریس فوبیس‌مشهوری که در ایجاد بمب اتم شرکت موثری داشته است اینطور مینویسد :

«من که یکی از آن کسانی‌هستم که بادستهای خود اولین بمب اتمیك را ساخته ام هیشه معتقد بوده ام که ملل جهان استفاده ازچنین اسلحه ای را درراه جنك های مغرب تحریم خواهند کرد» استادداشگاه پادشاهی لندن(می‌چیون) اعلام داشته است که : « من بر علیه ساختن اسلحه اتمیك که علم را بلجن میکشد بر‌میخیزم»

دکتر کاور فیزیک‌دان استرالیائی ذیل بیانیه استکهلم‌را با این‌جملات‌امضا کرده است : «من هرگز بکسانی که یک جنگ‌جدیدی را دامن میزنندخدمت نمیکنم ـ من از اینکه خود را در مقابل افروزندگان جنك قرار میدهم بیخود می‌نالم » فریدریك ژولیو کوری‌میگوید: دانشمندان نباید کمك کنند‌که یك سازمان غلط اجتماعی‌از نتایج کار ایشان برای منظور های خودسرانه و غلط استفاده نماید »

حضرت آیة‌الله سید هبت الدین شهرستانی در نامه خود می‌نویسند « یك لشکرگاه بزرك دیگری نیز وجود دارد که طرفدار صلح است ومیخواهند باصلح و صفامشکلات را حل کنند .. ماازمنادی روس و انگلیس‌کاری نداریم ولی‌ازدهن هر کس ندای صلح را بشنویم دهان اورا می بوسیم .

اگر این بار خدای نخواسته جنك شروع شود نه تنها اسلام از بین میرود بلکه بشریت‌محو ونابود خواهد گردید» جامعه یهود ایران نیز درقبال حفظ صلح ـ صلحی که وثیقه زندگی افرادو است وظیفه بزرگی عهده دارد ـ ما باید بدانیم که درنتیجه جنك گذشته متجاوز از ۶ملیون برادران خودرا فدای حرص وآز جهانخواران‌نمودیم این فاجعه نباید یکبار دیگر تکرار شود برادران ایسرائیلی ما بندای صلح پاسخ شایسته میدهند ـ ماهم درایران باید دست صلح طلبان رافشاریم ـ به پیروی‌ازپدیده‌ترین هیوطنان غیرپهودی خود بیانیه استکهلم راامضاء کنیم و باجمع آوری‌امضاءتصمیم جدی خود را درباره جلوگیری از ایجاد فاجعه خونین بدنیا اعلام نمائیم

مسئله کره و فرمز

بقیه از صفحه ۱

ماه اوت دیروز سرآمد واکثریت امریکائی شورای امنیت موفق شد از اخلال درکار عادی شورای امنیت از حل مسالمت آمیز مساله کره ممانعت کند. ترس از مواجهه با دلائل منطقی نماینده شوروی درباره غیرقانونی بودن تصمیمات قبلی شورای امنیت بحدی بود که طریقی جز اخلال کار شوری‌نظر نمایندگان امریکا و انگلیس نرسید.

با اینوجود حضور نماینده اتحاد شوروی درشورای امنیت مانع ازآن شد که تصمیمات غیر قانونیی وسخره‌آمیز دیگری درشورای امنیت اتخاذگردد.

عدول از سیاست تقویت و اعاده صلح ودوستی از کره زمین ، که علت وجودی سازمان‌ملل متفق وشورای‌امنیت شما میرود، موجودیت سازمان ملل متفق را دچار خطر بزرگی کرده‌است. این خطر بطور دائمه وفهمیده ازطرف گردانندگان‌چرخ سیاست خارجی‌امریکا تشدید میشود.

آنانیکه در جریان مهاجمه‌اعراب قسمت عربی نشین فلسطین (که بموجب رای سازمان ملل متفق بایستی دولت مستقلی داشته باشد) فقط به تعیین یك میلیاتی رای دادند ، و در جنك هند و پاکستان در مورد کشمیر بهمین طرز عمل کردند ودر مورد حمله هندوستان به حیدر آباد دکن روش سکوت در پیش گرفتند در مورد جنك داخلی کره ، یکباره بدون توجه‌بنص صریح‌منشور ملل متفق درباره‌تعریف تجاوز ، بدون امضای دلائل وشواهد طرفین دعوی،فقط باستناد یك تلگراف مستند به‌اظهارات حکومت بوشالی‌لی سینمان ، جمهوری دیمکراتیك کره را «متجاوز» شناختند ؛ و بهمین بهانه قدمی هم فراتر نهادند وبا مداخله مسلحانه در کره ،شورای امنیت رادربرابر عمل انجام شده قراردادند.

و تازه همه این اقدامات بسرخلاف نص صریح وبدون اتهام منشورملل متفق انجام گرفت در آنجا گفته میشود « هر گونه رای شورای امنیت باید اجباراً با اکثریتی مرکب از آرای پنج کشور بزرك : ممالك متحده امریکا ، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ، چین ، انگلستان وفرانسه اتخاذ شود » . و در مورد کسره شورای امنیت بدون حضور نمایندگان شوروی و ارغباب نماینده واقعی ۴۵۰ میلیون مردم چین ، باتخاذ تصمیم دست زد .

شورای امنیت با ترکیب‌همان‌روز خود ، علاوه بر تائید تجاوز امریکا در کره ، نسبت بمداخله‌مسلحانه این کشوردر امور داخلی چین (فرمز) به‌توصیهٔ‌سکوت متوسل گردید وضربت جدیدی براساس سازمان ملل متفق وارد آورد

با توجه بهمه این مقدمات کاملا آشکار میشود ، همچنانکه سابقا نیز در ستونهای روزنامه نیسان اشاره شده بود ، سیاست کلی امریکا و بلوك آتلانتیك درست درراه تخریب‌پایه‌های سازمان‌ملل متفق وباره کردن «منشورسانفرانسیسکو» پیش میرود.

اصل اتفاق آراء پنج کشور بزرك که مبنی و اساس کار شورای امنیت و سازمان ملل متفق را تشکیل میدهد ، عملا زیرپا انداخته شده است واکنون با آغاز سپتامبر و نزدیك شدن‌افتتاح دوره‌اکلاسیه مجمع‌عمومی سازمان ملل متفق ، امریکا میل دارد‌مجمع‌عمومی را به آلت اجرای منویات خود مبدل سازد ، و همین امر موجودیت سازمان ملل را بیش از پیش در معرض مخاطره قرارمیدهد.

بطوریکه آشکار است در جلسات آینده‌مجمع عمومی سازمان ملل متفق ، اتحاد شوروی قطعنامه‌هائی دائر به‌قطع تجاوز مسلحانه‌امریکا در کره ؛قطع تجاوز بشمایت‌ارضی چین‌ازطرف‌امریکا،عضویت نماینده واقعی چین در سازمان ملل ، و امضای دلائل و گزارشهای نمایندگان جنوبی‌وشمالی کره پیشنهاد خواهد کرد.

در مقابل امریکا مایل است کلیه تجاوزات آن دولت نسبت بحقوق‌حاکمیت ملی چین و کره مورد تایید مجمع عمومی قرارگیرد . حتی وزارت امور خارجه امریکا اخیرا اعلام داشته است که در نظر دارد ، مساله فرمز را بصورت دیگری در مجمع عمومی مطرح کند .

بطوری که قبلا نیز یکبرات اشاره کرده بودیم ، فرمز بنا به تصمیمات کنفرانس قاهره (موافقت امریکا و انگلیس‌وچین) و کنفرانس یالتا (موافقت اتحاد شوروی وامریکا وانگلیس) جزو لاینجزای‌چین شمرده میشود وبهمین علت بلا فاصله پس از تسلیم بلاقید و شرط ژاپن تحویل مقاماك کومین تانك داده شد . در اظهارات رسمی کاخ سفید و وزارت امور خارجه امریکا در جریان سال ۱۹۴۹ و اوایل امسال نیز بدفعات تاکید شده است که فرمز بنا بتصمیمات همین کنفرانسها جزو خاك چین شمرده میشود و امریکا «بهیچوجه درنظرندارد در امور این‌جزیره مداخله کند »

از اظهارات اخیر وزارت امور خارجه امریکا مفهوم میشود که امریکا درنظر دارد از مجمع عمومی درخواست کند که به تجزیه فرمز ازچین رای بدهد و این درخواست درموقعی تسلیم‌سازمان ملل میشود که ناوگان امریکاهلاسلنطقه فرمز را بتصرف در آورده است و بدین ترتیب مجمع عمومی باید تجاوز امریکارا صورت قانونی بدهد.

از نامه‌ای که اخیرا بوسیله ترومن به وارن‌آستین فرستاده‌شده و روش سیاست امریکا در باره فرمز تشریح گردیده ، معلوم میشود ، امریکا در نظر دارد در ضمن تسجیل استقرار خود درفرمز نماینده قرار یار کومین‌تانك را همچنان بعنوان عضو دائمی شورای امنیت ابقا کند.

ولی‌طرح این مسئله درسازمان ملل متفق وضع بغرنجی‌برای دیپلماسی‌امریکا درخاورودور و اروپا بوجود خواهدآورد.

زیرا انگلستان و گروه کشورهای امپراطوری بریتانیا وهمچنین کشورهائی که دولت مائوتسه تونك را برسمیت شناخته‌اند نمیخواهندرسما به تجزیه خاك چین رای بدهند و از این حیث ازمدتها پیش درمطبوعات نزدیك‌انگلستان انتقادات کما بیش شدیدی نسبت بروش امریکا در فرمز انتشار مییابد و دولت انگلیس نیز از پشتیبانی بدون قید و شرط رفتار امریکا در فرمز سرباز زده است .

گواینکه درکنفرانس‌وزرای‌امور‌خارجه امریکا و انگلستان (مقدمه کنفرانس‌ژنو که درروز هاقبل ازافتتاح‌مجمع عمومی‌در نیویورك تشکیل خواهد شد) ممکن است در اثر فشار امریکا و داد و ستد های سیاسی ، روش‌ملایم‌تری‌ازطرف‌انگلستان‌اتخاذ‌شود، هر گونه‌رائی‌به‌تجزیه فرمز،عملا‌بمعنای‌طرد چیانگ‌کیشك ازسازمان ملل‌باید تلقی‌شود .

زیرا اگر سازمان ملل رای بدهد که فرمز سرزمین خارج از خاك اصلی چین است ، در اینصورت حضور نماینده حکومت فرمز بنام‌دولت چین در شورای امنیت کار مسخره‌ئی خواهد بود .

از پیام‌اخیر ملك آرتور که علوم‌هم ترومن‌انتشاریافته ومورد استفاده‌تبلیغاتی حزب جمهوریخواه نیز قرار گرفته است، بخوبی‌معلوم میشود که‌وزارت امورخارجه امریکا و خود رئیس جمهور در‌برابرعمل انجام‌شده‌ئی‌قرار گرفته‌اند‌واصولا‌تصمیمات مربوط بمداخله درفرمز، کره وهندوچین و تاخیر درهند عهد نامه جداگانه صلح، بایتکار داودسته نظامیان ووزارت‌دفاع ملی‌امریکا‌انجام گرفته‌است .بقیه‌درصفحه۷

مسافرتهای مرموز وفعالیتهای تحریك آمیز ...

بقیه ازصفحه ۱

بیادداریم چندی قبل که آقای نخست وزیر دستور آزادی روزنامه‌ها را که بر خلاف حق و قانون توقیف شده بودند صادر کردند خواستند از لحاظ اینکه از ادامه فشار غیرقانونی برمطبوعات کشور کاسته اند منتی بر سر جامعه مطبوعات بگذارند ؛ و ضمن صدور یك اعلامیه بلند بالا اشاره کرده بودند اکنون که دولت بر سر مهر آمده و از در صفا با روزنامه ها وارد شده بهتراست روزنامه ها هم ازشر اخبار تحریك آمیز جدا خودداری کنند.

با کمال تاسف باید بگویم که این بیان از طرف آقای نخست وزیر تا حد زیادی مضطحك آمیزبود وهیچ همته‌ای‌از واقعیت درآن وجود نداشت .زیرا ملت ایران اکنون این مسئله را بسیار خوب میداند که همیشه روزنامه های فحاش ، ناشرین اخبار تحریك آمیز ، مروجین افکاری که بدر محور فتنه انگیزی و ماجراجوئی میگردد مورد لطف خاص دولتهای وقت بوده اند و همیشه این دولتها که خود بزرگترین پشتیبان روزنامهای فحاش و ناشرین اخبار تحریك آمیز هستند در ضمن از اد گزاردن این گروه روز نامه با روح خصومتی خونین بجنك روزنامه های حق گو که مدافع حقوق طبقات‌اسیر ملت هاهستند میشتابند و آنها را بجرم نشر اکاذیب و مطالب تحریك آمیز دربند میکنند ؛ همیشه در عرف دولتهای ماتمام آن مطالبی که بر محور حفظ منافع و مصالح ملت ایران نگارش یافته تحریك آمیز تلقی‌شده و تحت این عنوان قلم حقگوی نویسندگان آنها شکسته و آنچه نصیب این‌نویسندگان گردیده حبس وتبعید ودربدری وبیخانمانی بوده است .

اینها را ملت ما خوب تجربه کرده و خوب میداند .

بااین‌وجود اخیرا کار این رسوائی بجاهای خیلی باریکتری کشیده شده و نه تنها روزنامهای مغرب که با نشر مطالب خلاف واقع و تحریك آمیز روزگار سخت و سهمگینی برای خلق ایران تهیه می بینند در تمام مدت دولت آقای رزم‌آرا واملاف ایشان از‌آزادی کامل برخوردار بوده اند بلکه تحریکات عمال سیاستهای استعماری نیزبآنها‌افزوده شده و یك سلسله آموده‌شده‌ها‌ومسافرتهای تحریك آمیز همه این مقدمات راتکمیل میکند .

بهترین شاهد مثال ما میتواند مسافرتهای آقای دوگلاس « قاضی عالیرتبه امریکائی » بعنوان کوه گردی در ایران‌باشد.

یکسال پیش بود که برای بار اول آقای دو گلاس کشور ما رابقدوم میمون خود مزین فرمودند. این بار نیز مسافرت جناب ایشان بایران‌عنوان کوه ـ گردی داشت ولی از همان ابتدای امر هر کودك دبستانی هم طفل روستائی،هر بچه کارگر درسراسر کشور ما اینراخوب میدانست که این جناب کوه‌نورد و قاضی عالیمقام که یکی از برگزیدگان محافل مالی امریکا میباشدبهیچ‌وجه بایران نیامده و ماموریتهائی دارد‌که‌تماما بزیان ملت ایران میباشد.

ولی در همان هنگام اولیاء امور کشور ما که یك وظیفه بیشتر برای خود در داخل مملکت ما نمیشناسند و آنهم عبارتست از دشمنی لجوجانه باتمام‌آنچه که بمصلحت کشور ما میباشد در صدد برآمدند سربوشی بروی‌واقعیت‌بگذارند مسئله مسافرت اورا جنبه شخصی بدهند و در انظار مردم مملکت ما رااز‌اهمیت واقعی آن بکاهند.

ولی مدتها در ایران بلکه درخارج از ایران نیز مردمان واقع بین در زیر این‌پرده‌ظاهری‌مقاصد نامنجاری میدیدند که صرفا ازطرف جنگجویان ماوراء دریاها وبزیان قطعی ملت ماجریان‌دارد روزنامه‌خیر هم نقل از مجلات فرانسوی در این‌باب مینویسد :

«یکسال‌پیش‌دو گلاس‌بایران‌مسافرت کرده بود تا اطلاعات جامعی درخصوص مناطق مشترك مرزی ایران جمع آوری نموده وبامریکا ببرد ولی.. ولی‌حادثه‌ای که برای مدت یکسال اورا ازفعالیت ما هم ازنشر اخبار تحریك آمیز جدا خودداری کنند.

با کمال تاسف باید بگویم که این بیان از طرف آقای نخست وزیر تا حد زیادی مضطحك آمیزبود وهیچ همته‌ای‌از واقعیت درآن وجود نداشت .زیرا ملت ایران اکنون این مسئله را بسیار خوب میداند که همیشه روزنامه های فحاش ، ناشرین اخبار تحریك آمیز ، مروجین افکاری که بدر محور فتنه انگیزی و ماجراجوئی میگردد مورد لطف خاص دولتهای وقت بوده اند و همیشه این دولتها که خود بزرگترین پشتیبان روز‌نامهای فحاش و ناشرین اخبار تحریك آمیز هستند در ضمن از اد گزاردن این گروه روز نامه با روح خصومتی خونین بجنك روزنامه های حق گو که مدافع حقوق طبقات‌اسیر ملت هاهستند میشتابند و آنها را بجرم نشر اکاذیب و مطالب تحریك آمیز دربند میکنند ؛ همیشه در عرف دولتهای ماتمام آن مطالبی که بر محور حفظ منافع و مصالح ملت ایران نگارش یافته تحریك آمیز تلقی‌شده و تحت این عنوان قلم حقگوی نویسندگان آنها شکسته و آنچه نصیب این‌نویسندگان گردیده حبس وتبعید ودربدری وبیخانمانی بوده است .

اینها را ملت ما خوب تجربه کرده و خوب میداند .

بااین‌وجود اخیرا کار این رسوائی بجاهای خیلی باریکتری کشیده شده و نه تنها روزنامهای مغرب که با نشر مطالب خلاف واقع و تحریك آمیز روزگار سخت و سهمگینی برای خلق ایران تهیه می بینند در تمام مدت دولت آقای رزم‌آرا واملاف ایشان از‌آزادی کامل برخوردار بوده اند بلکه تحریکات عمال سیاستهای استعماری نیزبآنها‌افزوده شده و یك سلسله آموده‌شده‌ها‌ومسافرتهای تحریك آمیز همه این مقدمات راتکمیل میکند .

بهترین شاهد مثال ما میتواند مسافرتهای آقای دوگلاس « قاضی عالیرتبه امریکائی » بعنوان کوه‌گردی در ایران‌باشد.

یکسال پیش بود که برای بار اول آقای دو گلاس کشور ما رابقدوم میمون خود مزین فرمودند. این بار نیز مسافرت جناب ایشان بایران‌عنوان کوه ـ گردی داشت ولی از همان ابتدای امر هر کودك دبستانی هم طفل روستائی،هر بچه کارگر درسراسر کشور ما اینراخوب میدانست که این جناب کوه‌نورد و قاضی عالیمقام که یکی از برگزیدگان محافل مالی امریکا میباشدبهیچ‌وجه بایران نیامده و ماموریتهائی دارد‌که‌تماما بزیان ملت ایران میباشد.

ولی در همان هنگام اولیاء امور کشور ما که یك وظیفه بیشتر برای خود در داخل مملکت ما نمیشناسند و آنهم عبارتست از دشمنی لجوجانه باتمام‌آنچه که بمصلحت کشور ما میباشد در صدد برآمدند سربوشی بروی‌واقعیت‌بگذارند مسئله مسافرت اورا جنبه شخصی بدهند و در انظار مردم مملکت ما رااز‌اهمیت واقعی آن بکاهند.

تجاوز آمیز او و امثال او تحمل کرده است نیفتد :

برای تمام ملتهای ستم دیده مشرق زمین نام منفور جرچیل همراه‌با وحشت انگیزترین خاطرات و اسارتهائی که نصیب آنها گردیده می‌باشد .

با وجود این ترمات ولی‌باخطوط درشت در صفحه اول روزنامه اطلاعات منتشر می گردد و در آنجا چنین‌وانمود می‌شود که اولا عامل جنگهای کره دولت شوروی میباشد و ثانیاً شوروی درمرحله بعد « ممکن است بایران و تبت‌هم‌حمله کند . » !

و در‌جای دیگر همین روزنامه باز هم می‌نویسد «در صورت وقوع تجاوز دیگری از ناحیه شوروبها هواپیما های بمب‌افکن امریکابایدشهرمسکورا‌بمباران نمایند »

این اخبار در همان صفحه‌ای منتشر می‌شود که آثارا‌شك‌تسماخ درآن‌مشاهده میگردد و این‌روزنامه از « فاجعه کره» درس میگیرد !

در تمام‌مدتی که‌مذاکرات‌بازرگانی ایران و شوروی تحت تاثیر افکارعمومی ملت ایران جریان دارد روزی نیست که دو یا سه یا حتی چهار مقاله دراین‌قبیل روزنامه ها که اطلاعات و کیهان‌در سر سلسله آنها قرار دارند انتشار نیابد : روزی‌نیست که‌از تیر کزنیوهای‌شوروی در مرز ایران داستانها و افسانه های الف‌الیل از طرف دوز کلاسها منتشرنشود و درصفحات این‌روزنامه‌ها منتشرنگردد

آیا اینها است آن اخبار تحریك آمیزی که دولت آقای رزم بملت ستاده‌است آن اخبار تحریك آمیز مبادرت به توقیف‌روزنامه‌ها میکند یا اخباری که کاملا درعکس‌جهت این شایعات تحریك‌آمیز میرود و بنای خود را برحفظ منافع خلق ایران قرارمیدهد.

امروز کمتر کسی هست که نداند سیاست خشن و جابرانه امریکا استعمار کشور ما را مطمح نظر خود قرار داده و سعی دارد این سرزمین را مبدل‌به‌خط مقدم جبهه جنك خود بنماید ..هم‌اکنون آمار این سیاست شوم در تمام نظائر زندگی اقتصادی و اجتماعی و سیاسی ما پدیدار است . فقروفلاکت روزافزون ، توسعه بیکاری ، تشدیدتیره‌شوربختیهائی که ملت ما رابروزسیاه‌افکنده ، تعطیل شدن صنایع جوان‌ما ، ویخته شدن قسمت اعظم بودجهٔ کشور ما بجیب سودگران مرك و صاحبان صنایع اسلحه‌سازی ویرانی آبادانیهای‌ما، پرشدن زندانهای کشورماازشرافتمندترین فرزندان‌شایسته ملت ایران ، اینها همه نتیجه مستقیم استیلاء سیاست جهانگیرانه‌ای است که مانند مارهکتوب بردست‌وپای ملل‌شرق پیچیده‌است .مظاهراین‌سیاست‌خانمان‌برباد ده برای توسعه اعمال شیطنت‌بارو تحریك‌آمیز خود بر آزادی کامل دارند دولتهای ماهیچگاه‌دست‌خودرابرعلیه‌عاملین این فتنه‌وفساد بلندنمیکنند و باوجودابن آقای نخست‌وزیر در اعلامیه‌خود « نشر اخبار تحریك آمیز » را دلیل توقیف روزنامه‌ها بشمار آورده‌اند. وقتی‌درقبال چنین وضعیتی آقای نخست‌وزیر از‌«نشر اخبار تحریك‌آمیز » دم‌بزند مردم خیلی زود ذاتاً تشخیص میدهند که منظور از نشر اخبار تحریك آمیز انتشارهر گونه خیر و مقاله‌ای است که از آن دفاع از حقوق پایمال‌شده‌ملت‌ما میباشد .

درباره مذاکرات تجارتی ایران و شوروی

بقیه‌ازصفحه ۱

از خلال روزنامه های منتسب به معافل حاکمه ، اخباری بروز میکند که نشان‌میدهد وضع این مذاکرات رضایت بخش نیست، جنبه هادی ندارد و مثل‌این است که نیروهائی از خارج برای اخلال وکارشکنی در این مذاکرات به فعالیت مشغولند . جریان بنحوی در آمده است که اگر بزودی اخباری دائر بر موفقیت مذاکرات منتشر نشود، مردم حق دارند این جریان را نیز با موارد مشابه آن که درگذشته بعقصد عوام فریبی تعقیب میشدو بکوچکترین نتیجه مثبتی‌نمی رسید مورد مقایسه قرار دهند .

آنچه برای ما مسلم است همسایه شمالی ایران اتحاد شوروی بطور حتم در این موضوع حسن نیت دارد .

سیاست شوروی چنانکه تجربه نشان داده است از دروغ و تظاهر کاملا متنفر است واز این‌جهت وقتی این سیاست بموضوع روابط تجارتی با ایران‌اظهار علاقه نمود باید صددرصد اطمینان داشت که این علاقه به بسر قراری روابط حسنه بازرگانی بین ایران و شوروی از طرف سیاست مربور حقیقتا و واقعا موجود است. ازاین جهت اگر دولت بخواهد عدم‌موفقیت احتمالی درمذاکرات رابدوش مقامات همسایه شمالی بگذارد از هم اکنون باید بداند‌که مردم ایران این ادعا را باور نخواهندکرد و به مقتضای تجربیات مکرری که در این باب دارند بهیچ وجه اتهام « عدم تمایل » «کارشکنی» و یا « مانور» را نسبت باتحاد جماهیر شوروی نخواهند پذیرفت.

بر عکس روش و مسئولیت مقامات دولتی ایران در این باره کاملا مورد توجه و دقت مردم ایران است. تجربه نشان‌داده است که متاسفانه مقامات دولتی ایران خیلی بندرت ممکن‌است تصمیم مستقلی از خود اتخاذکنند وآنرا بدون‌توجه بنفوذ های مضر خارجی بطورمستقیم‌تعقیب نمایند .

دولت های ایران در اکثر اوقات ترجیح داده‌اند به توصیه ها ونظریات خصوصی مقامات سیاسی آن کشور های خارجی که آنهارا باصطلاح تکیه گاه بین المللی خود میدانند بدون چون و چرا تن در دهند .

بخوبی مشاهده میشود که این کشور های‌خارجی یعنی قدرت های‌استعماری آمریکا و انگلستان‌با موفقیت مذاکرات بازرگانی ایران و شوروی وانعقادقرار دادی که صددرصد بسود اقتصادیات ایران خواهد بود موافقتی ندارند و به انواع و اقسام وسائل در راه آن‌کار شکنی میکنند .

گذشته از لحن تلخ وتند خبر گزاریها و مطبوعات آمریکائی وانگلیسی که آشکارا در این باره اظهار نگرانی میکنند فعالیت هـای دیگری از طـرف مقامات آمریکائی و انگلیسی برای کار شکنی و اخلال در مذاکرات بـه وقوع پیوسته است .

روزنامه‌های تهران بکفست ازفعالیت‌های سیاسی‌ویلیام دوگلاس‌امریکائی راتصروف خنثی کردن مذاکرات ایران و شوروی دانسته اند .

البته دولت هائی مثل‌دولت فعلی که تکیه گاه ملی ندارد و بسایه‌داری واداره‌حکومت خود را ازقدرت های غیرملی خارجی و داخلی میداند ممکن است بآسانی درنتیجه تحریکات مقامات خارجی صاحب نفوذ تسلیم بشود و بزیان ملت ایران جریان مذاکرات باهمسایه شمال ایران شوروی را به‌وضع غیر مناسبی در آورد .

در این صورت همه می‌دانند که مسئولیت عدم موفقیت مذاکرات مزبور مستقیما بعهدهٔ دولت ایران است .

البته دولت درصورتیکه بخواهد بدستور دیگران ، مذاکرات ایران و شوروی را بی نتیجه ختم کند این قضیه موزیانه را آشکارا نمی‌گوید بلکه‌سعی خواهدکرد بوسیلهٔ مطرح ساختن موضوعات تحریك آمیز و تقاضاهای بی‌ماخذ عملا موضوع اساسی را زیربا بگذارد و انجام قرار داد تجارتی را به شرایطی‌بی معنی موکول نماید .

: این گونه مانورها نیز از چشم اندازافکار عمومی ایران مخفی نخواهدماند مثلا چنانکه در بعضی جراید مشاهده‌میشود مقامات دولت ایران در مذاکرات‌خود موضوعاتی از قبیل لحن رادیوهای اتحاد شوروی و مسائل مربوط به بازرگانیها و یا بناهندگان سیاسی آذربایجان را مطرح ساخته اند .

واضح است مطرح کردن این‌قبیل مسائل که درآن نقطهٔ نظر دولت ایران بسیار باغفلهٔ نظرمقامات‌دولتی همسایه شمالی تفاوت دارد و اصولا بیان آن‌بطرزی که تاکنون دولت های ایران کرده‌اند بکلی تحریك آمیز و بی‌معنی است تنها بدین‌مقصود است که اصل مذاکرات در میان لاینبرزت این گونه عنوانهای بی‌ماخذ از میان برود و درآخر مسئولیت عدم موفقیت درمذاکرات

بحـــــــــــران امپراطوری بریتانیا

-۱-

«پالم دات» (R.Palm Dutt) یکی ازشخصیت‌های برجسته انگلستان ؛ دراین اواخر کتاب مهمی تحت عنوان «بحران امپراطوری بریتانیا» منتشر نموده که بواسطه دقت وامانتی که‌در تنظیم آن بکار رفته شهرت فراوانی بدست آورده‌است .

ازخصوصیات مهم این کتاب یکی آنست که‌مولف کوشیده با استناد بمدارك تاریخی واحصائیه‌های رسمی، مسئله انقراض امپراتوری انگلستان را موردبررسی قراردهد وآشکار کند که چرا وچگونه امپراطوری بریتانیا دربحرانی علاج‌شدنی گرفتارشده باسرعت راه اضمحلال ونیستی رادرمی نوردد، چگونه وچرا این امپریالیسم سالخورده وافسونگر، که روزی درسراسر جهان طبل فرمانفرمائی میکوفت بچنان روزگاری دچارشده‌ودر مقابل امپریالیسم تازه‌نفس امریکا زانوبرزمین زد.

خواننده وقتی بواپسین سطور این کتاب میرسد که تقریبا تمام‌زوایای‌تاریك دربرابر دیدگانش روشن گردیده و از میزان تاثیر عوامل مختلف انقراض امپریالیسم بریتانیا آگاه‌شده است .

یکی دیگرازخصوصیات این کتاب انعکاس صحیح و منطقی تاثیر شگرفی است که ازبرملت های‌دربند کشیده در تشدید «بحران امپراطوری بریتانیا» دارد .

اسناد مشروحه در کتاب موید آنست که انقلاب کبیرا کثیر فصل نوینی در تاریخ بشریت باز نمود ،فصلی که از آغاز قرن انقلابات واز آزادی مستعمرات سخن میگوید .

پیروزی این انقلاب ملت‌های اسیر را بجنبش درآورد وپیروزی فرزندان انقلاب برفاشیسم رادرهم‌شکستن استعمار طلبان را همواره ساخت وبآدمیانی که در زنجیر استعمارشکنجه می‌بینند امکان داد بندهارابگسلند وبآرمان دیرینه خود تحقق بخشند .

ایجادجمهوری توده‌ای‌چین یکی از نوزادان نهضت مردم آزاده طلب میباشد فتح انقلاب اکتبر باعث شد که سلطه جهانی استعمار شکسته شود و در قلب عالم سرمایه داری دنیائی‌نو بااتسان‌ها و اشیائی‌نو بوجود آید .

فتح انقلاب عظیم‌چین برای‌باردوم بر پیکر دردمند وفرتوت جهان کهنه‌ضربه‌ای شکافنده کوبید ومدافعین پرنفوذ «تمدن» سرمایه داری رااز آسمان بزمین آورد . واقعه هیجان انگیزی که‌در سر زمین پهناورچین روی داد درهمان‌حال که سر انجام تکاپوی ملت‌ها را در تصویر روشنی بچهانیان نمایاندودر نبای خیالی خداوندان پول وزور را تیره وتارساخت وقشه‌های امپریالیسم انگلوساکسن را چون‌طوماری درهم‌پیچید .

«پالم دات» ازتشریح نتایج‌دومین جنگ جهانی باین نتیجه میرسد که‌درعرصه جهان تناسب قوا دائما درتغییر و تحویل است ، واین تغییر و تحول بنفع جبهه صلح ودمکراسی وبرضرراردوی استعمار طلبان و دژخیمان انجام می‌پذیرد .

جبهه صلح و دمکراسی روز بقدرت و عظمت است در کامیابی های درخشان اتحاد شوروی در زمینه اقتصاد وفرهنگ، در پیروزی پردامنه کشورهای دمکراسی نوین ، در غلبه پرشکوه مردم چین، در استحکام ونفوذ جمهوری دمکراتیك آلمان در موفقیت های بزرك مردم ویتنام ، در رستاخیز عظیم انسان هائی که برضدظلم و اسارت عصیان کرده‌اند ، درهوشیاری و بیداری ملت هائی که بدفاع از صلح برخاسته اند ــ در همه جا و در همه چیز یك جریان‌امید بخش و روشن بچشم می خورد و آن قدرت وعظمت روز افزون جبهه صلح و دمکراسی است .

اردوی‌جنك طلبان وزندانبانان خلق « ساخت انگلیس » پر بود و در همه محافل اقتصادی از انگلستان بنام «زداد خانه صنعتی دنیا » یاد میشد . صنعت بریتانیا تقریبا یکه‌تاز میدان های فروش بشمار میرفت و بهیچ کشوری اجازه‌عرض اندام ورقابت نمیداد .

میزان فراورده های رشته ذوب فلزات

	سال ۱۸۸۰	سال ۱۹۰۰	سال ۱۹۱۳
انگلستان	۱/۳ میلیون تن	۴/۹ میلیون تن	۷/۷ میلیون تن
آلمان	۷۰۰ هزار «	۶/۴ «	۱۸/۹ «
امریکا	۱/۲ میلیون تن	۱۰/۲ «	۳۱/۳ «

اما این فرمانروائی انحصاری بریتانیا دیری نپائید و با آغاز نیمه‌دوم‌قرن گذشته رو بافول گذارد . کم کم ممالك جدیدی پیدا شدند که درزمینه قدرت تولیدی‌پای انگلستان رسیدند وباین‌هم قناعت‌نکرده بر آن نیز سبقت جستند .

یکی‌از قوانین ذاتی امپریالیسم‌این است که در این دوره تکامل اقتصادی و سیاسی ممالك سرمایه داری با ناموزونی خاصی صورت میگیرد :

«عده‌ای‌از کشورها بطئی‌معلوم‌بسرعت پیش میشتابند وپاره‌ای‌دیگربا بحاران کود می‌افتند ویاباآهستگی‌تمام بجلو میروند . از اینجا تعادل قدرت ها بهم میخورد و عدم توازن شدیدی ظاهر میگردد . براثر این جریان و قانون است که در اواخر قرن نوزدهم و اوائل قرن بیستم بریتانیا ابتدا از ممالك متحده امریکا و بعدا از آلمان عقب افتاد .

این ناموزونی‌تکامل وعقب‌افتادگی امپراطوری انگلستان درتابلو زیربخوبی محسوس و مشهوداست :

در این روزگار با اینکه بریتانیا فرمانفرمائی خودرادرزمینه‌تولید ازدست میداد ، سلطه او بر مستعمرات همچنان پابرجا بود وحتی توانست زنجیر اسارت خویش را بگردن ملت های دیگری هم حلقه نماید .

هنوز دریایه‌های این‌قدرت تزلزلی وجودنداشت انگلستان بزرگترین‌محتکر بازارها و عمده‌ترین دولتی بود که در سرزمین متصرفی او آفتاب هیچگاه‌روی پنهان نمیکرد . بورژوازی انگلستان از پیکر بیشتر ملت‌هاعصاره زرین‌میمکید .

جمعیت کشورهائی که درکاردزندان امپراطوری بریتانیا افتاده‌اند ۱۱بار از جمعیت خود انگلستان بیشتر است . مستملکات رسمی و غیر رسمی انگلستان وسعتی برابربیك چهارم کره ارض(۱۴/۲ میلیون کیلو متر مربع) را اشغال کرده است . درست است که تا این لحظه از قلمرو استعماری بریتانیا چیزی کم‌شده، ولی ، بطلی که بعدهاخواهیم گفت‌دیگر امپراطوری بریتانیا یك قلعه مستحکم و «مطمئن» نیست‌بلکه انبار باروتی‌است که هردقیقه‌انتظار انفجارآن ، و در هم ریختن بنای امپراطوری‌بریتانیا ، میرود.

از مدتها پیش انگلستان از« منبع صدورکالا» به «سرچشمه‌صدورسرمایه» مبدل گردیده : موسسات انحصاری این کشور قسمت اعظم سرمایه‌های خود را در مستعمرات بکار انداختند وچون‌ازاین راه سودهای افسانه آمیزی رسیده‌اند ، برمیزان این سرمایه همچنان میافزایند .

یکی از نوابغ جهان در این باره میگوید : «تا موقعی که سرمایه‌داری سرمایه‌داری است سرمایه اضافی در راه بهبودی زندگی مادی توده های وسیع کشور بمصرف نخواهد رسید زیرا چنین عملی بمعنی کاهش دادن منافع سرمایه‌داران‌است . سرمایه اضافی درراه‌افزایش میزان سود بکار خواهد رفت و این امر بوسیله‌صدورسرمایه بکشورهای‌عقب‌مانده صورت میگیرد .

درممالك اخیر معمولا میزان سود خیلی بیشتراست زیرا مقدار سرمایه‌ثابت کم ، ارزش زمین ناچیز ، مزد تولید ــ کننده‌گان پائین‌ومواد‌خام‌ارزان میباشد» . بهمین جهت است که سرمایه های مالی خارجی(۱) انگلستان از۲ میلیارد درسال ۱۹۰۵ به۴میلیارد درسال ۱۹۱۳ بالغ گردید .

سودی که از این قبیل سرمایه‌ها بطبقه حاکمه انگلستان میرسد و روزگاری دراز یکی از ارکان قدرت امپراطوری را تشکیل میداد ، اکنون چون بندی بر حلق امپریالیسم بریتانیا پیچیده‌است .

این یکی ازتضادهای‌داخلی‌سرمایه‌داری است : سودهای هنگفت ابتدا سرمایه‌های انگلیسی را بستمرات کشید وبعدا اقتصاد انگلستان را بصورت‌طفیلی درآورد .

دیرزمانی است که دستگاه‌اقتصادی وسیاستی انگلستان انگل تروتهای‌طبیعی واجتماعی مستعمرات شده‌است . فساد و عاطل ماندن سیستم اقتصادی یك کشور امپریالیست از نتایج طبیعی وحتمی‌صدور سرمایه‌است .

« پالم‌ذات » بااستناد بمدارك گوناگون نتیجه‌میگیرد که: «برای‌اینکه سودهای کلانی براساس استثمار مردم مستعمرات تحصیل گردد ، بطور روز افزونی کوشش میشد تا سرمایه های بیشتری در ممالك مستعمره بکار انداخته شود و در نتیجه کشور بیش از پیش یك تابع بارازیتی از باج وخراج کشورها، خارج شد ، وازاینجا صنایع و کشاورزی انگلستان مورد بی‌اعتنائی‌قرار گرفت و براه اضمحلال افتاد» (صفحه۲۴) .

وارفتگی وفسادی که امپریالیسم انگلستان را فراگرفته بخصوص در آن رشته‌هائی از صنایع مشهوردر است که روزگاری اساس‌اقتدار اقتصادی‌انگلستان را تشکیل میدادند (صنایع بافندگی ، کشتی‌سازی واستخراج‌معادن ذغال‌سنك). این عاطلی وارفتگی درزمینه کشاورزی نیزمدتهاسابقه‌دارد .

جریان دیگری که بپوسیدگی و انگل شدن اقتصاد انگلستان کمك می کند این است که قسمت مهمی از سرمایه گذاریهای داخلی در زمینه‌های‌غیرتولیدی وتجملی ، مانند ساختمانهای مهما نخانه‌ها وصنایع مشروب سازی ، بکار انداخته میشود .

اتائاً اقتصاد بورژوازی انگلستان تقریباً درهمه‌امور خود باتجارت خارجی بستگی حیاتی داشته و تحت تاثیر آن بوده است .

واین امرناشی از آنست که همیشه میزان و اردات این کشور از میزان‌صادراتش بیشتر است مثلا در سال های ۱۸۵۹ ــ ۱۸۵۵ واردات انگلستان هر ساله بطور متوسط ۳۰ میلیون‌لیره ازصادرات زیاد تر بوده واین تفاوت در سال ۱۹۱۳ به ۱۳۴ میلیون و در۱۹۳۸ به ۳۰۲میلیون لیره افزایش یافت ارقام فوق نشانه این است که امپریالیسم بریتانیا در جریان مبارزه رقابتی نتوانسته است در مقابل حریفان تازه وارد ایستادگی‌بخرج بدهد. تاقبل از جنگ اول ارزش صادرات انگلستان چهار پنجم ارزش واردات این کشور را تامین مینمود و دولت بریتانیا این اختلاف را بوسیله عواید سرمایه های مالی خارجی ، در آمد کشتی های حمل و نقل جهان و بر طرف میکرد . اما در سالهای قبل از جنگ اخیر هم اختلاف موجود بمیزان ۲ پنجم واردات افزایش یافت وهم از مقدار در آمدهای خارجی کم شد، بطوریکه دولت‌انگلستان در سال ۱۹۳۸ مبلغی در حدود هفتاد میلیون‌ریال کسربود چه پیدا کرد .

-۳-

سیاست غارتگرانه ای که بریتانیا در مستعمرات پیش گرفته است طبعاً بدون عکس العمل نمی‌ماند این سیاست ملتهای مستعمرات را برانگیخت وآنانرا در راه پیکار انداخت .

«بحران امپراطوری بریتانیا» بیا نشان میدهد که این پیکار ، پیکاری که مردان و زنان بسرای تحصیل آزادی و استقلال براه انداخته‌اند ، باتاریخ‌تشکیل امپراطوری‌بریتانیاهمزمان‌است .در گهای تاریخ مستعمرات از جنگهای استعماری و اختناق وحشیانه قیام های ملی پرشده است ؛ (صفحه ۳۰) . ولی این نبرد های قهرمانانه ، این کوششهای پیدربغ کسانی که ازاستعمار خشن بریتانیا کرده ای زخمین بر دوش می کشند ،

فقط وقتی سرو سامانی بخود گرفت که کمر امپریالیسم جهانی در زیر ضربه نیرومند انقلاب اکتبرخورد شد . از این پس قیام های مستعمرات خصوصیت جدیدی پیدا می کنند . جنبش انسان‌هائی

بقیه درصفحه ۶

(۱) منظورسرمایه‌هائی است که از کشورمستعمره دار بمستعمرات صادرمیشود.

فردای زندگی

خروش

گرسنه‌ای که می‌میرد ، برهنه‌ای که جان می‌سپرد ، بینوائی که از دست میرود ، بی‌گناهی که‌محکوم میشود ، ... همه بحساب خواهد آمد ... .

آن ناکسان قرومایه که بطفیل ملیونها ، ملیونها انسان زجرکشیده و زنجیر شده زندگی می کنند ، آنها که مدتهاست سر موفقیت وخوشبختی خود را دزبی‌نوائی وسیه روزی دیگران‌جستجو کرده‌اند ، آنها که با همه ادعا ها جز نگهداری زنجیرها ، جز محکم کردن بندها ، برای ادامه این زندگی مرگبار زحمتی بخود راه نمی دهند ، آنها باید بدانند که این ایام عقرب سیری خواهد شد .

هردمی را بخاك سیاه نشاندن و خود بربالین آنها پای کوبیدن ومستانه‌قهقهه زدن همیشه پایدار نخواهد بود ... هرنشستنی برخاستنی دارد... زنهار برخاستن ملیونها نزدیك شده است .....

هرقدر زندگی سخت‌تر شود ، تکاپوی اصلاح آن شدیدتر وثمر بخش‌ترمیشود ، وهر قدر زمان بگذرد زندگی سخت‌ترمیشود، همین سختی است ،همین فشار است که مغزها را بکار می‌اندازد ، بندهارا پاره‌می کند ،زنجیرها را میگسلد،چه‌بخواهید چه‌نخواهید،چه بخواهید چه‌نخواهید ، تلاش کنید ، چه ساکت بنشینید ، دیگر فایده‌ندارد دیگر... کار از کار گذشته است .....

وقتی که مغزها بکار افتاد ، دستها ازآستین بیرون می‌آید، فریادها از حلقوم‌ها برمیخیزد ، قدمها سنگین وبی گیر ومحکم‌براه می‌افتند ، پیش می‌رود ، پیش می‌رود تا خرابیهارا آبادان سازد ، بدبختیهارا درمان کند : تا خوشبخت و سعادتمند سر بلند و مفتخر بزندگی برنمست و شکوه ، زندگی مرفه و آزاد ادامه دهند .....

فراموش کردم بگویم **که قبلا حساب ها همه تصفیه خواهد شد ...**

•••

در فروغ صبحدم فردای زندگی باهم رقص گرم ودلپذیر خوشبختی‌ها را که از چنگال منحوس دونان آزاد شده‌اند نظاره‌خواهیم کرد

آن‌زمان است که جز یادی ازخاطره تلخ بدبختیها ،رنجها و شکنجه‌ها در مغزها نخواهدماند واین‌خاطرات تلخ راهم‌فرزندان ما نخواهند داشت

درود بروان آنان که‌دراین‌راه ، راه فردا ، راه خوشبختی جان سپردند ! ، سلام بی‌پایان بآنانکه بخاطرها ، بخاطر محرومان و در راه تحقق بخشیدن آرزوهای مقدس ما جان بکف نهاده قهرمانانه فداکاری کردند!

پنجسال قبل ، مردم‌ما نگرانی در انتظار بهار بسر میبردند، گرچه غرش طوفان و وزش باد های سرد وجود زمستان را ثابت میکرد، اما گرمای ناگهانی ، وبزش برصدای قطرات آب، شعاع روان‌بخش آفتاب‌و آواز پرندگانی که دوباره‌جان میگرفتند، مژده پایان زمستان وفرا رسیدن‌بهار رامیدادند. بنظر میرسید که هیچگاه مثل آن‌سال پرخاطره مردم‌در انتظار بهار بسرنبرده بودند.آزمایش بزرگی که بعهده ملتها افتاده بود نزدیك به پایان و جنك آخرین ماههای خود را طی مینمود . سربازان شوروی به رود « ادر » رسیده و ، عقاب‌کردن کج پروسی در لانه خود خزیده و ، مجسمه های خونخوار « والکری » را هرق قبل از مرك فراگرفته بود. مردم تمام جهان چون ممدتجیانی که در اثر ریزش معدن از استنشاق هوا محروم شده و در انتظار هوای آزاد بسر برند ، منتظر صلح بودند . ملت های جهان سربازان شوروی راکه به آخرین دژهای فاشیستی حمله میبردند، کارگران اورال و کشاورزان سیبری راکه قهرمانانه در شرایط فقر و اندوه فعالیت میکردند . مردمی‌را که استحکام پیمانه روحی، فداکاری و شجاعت خود را بمنصه ظهور می رسانیدند ، تقدیس مینمودند .

چه کسی در آن زمان میتوانست تصور کند که حتی یکسال از پایان جنك نگذشته. بدل نسخه های فاشیستی یعنی مدعیان جدید فرمانروائی جهانی ــ شارلاتان ها ، میلیئن « اسلحه سری » و

کیمیاگرانی که خیال دارند خون‌انسانی راتبدیل بطلا نمایند ، هکاران ستین ، فلگر ، گروپ ، وارتین معنوی فوهرد با بمرصه وجود خواهند گذارد ؟

چه کسی در آن زمان میتوانست پیش بینی کند که حتی یك سال نگذشته ، روزنامه های کشورهائی ، که رهائی‌خود را مرهون قهرمانان استالینگراد‌هستند بدگوئی‌های گوبلز «احمق» راتکرار خواهند کرد ؟ منجیان خود را به زشتی یاد خواهند نمود ؟ چه کسی باور میکرد که حتی یك سال‌نگذشته آدمخوارانی که هنوزبحساب منافع خود نرسیده بودند و در پی آغاز جنك جدید خواهند بود ؟

در سال ۱۹۴۶ هنگامیکه هنوز یکسال از پایان‌جنك جدید نگذشته بود ، روزنامه نگار امریکائی داوید لورنس اصرار داشت بیدرنك جنك برضد شوروی آغاز شود ، او میگفت وبگذارید هم اکنون جنك شروع شود قبل از اینکه اسلحه ما زنك بزند» ولی، جنك در سال ۱۹۴۶ شروع نشد . ملتها از صلح دفاع کردند .

در سال ۱۹۴۷ بارها درمجلس امریکا ، دلالان مرك، ملت امریکا رادعوت بجنك کردند دیپلمات امریکائی « ارل » نعره‌میزد « باید روسها را تربیت کرد» برای این منظور ما بانواع سلاحهای وحشتناك احتیاج داریم» در سال ۱۹۴۷ هم جنك آغاز شد. ملت شوروی با تیز بینی از صلح دفاع میکیرد .

در سال ۱۹۴۸ رونامه های امریکا در تمام صفحات خود جنك قریب‌الوقوعی راطلاع میدادند، دیپلمات های آمریکامشغول مذاکره درباره عقد پیمان های نظامی بودند . آقای (مونه) عضو کنگره جلات مآبانه‌اعلام نمود که «بزودی بمب ها شروع بریزش خواهند نمود » .

در سال ۱۹۴۸ نیز جنك بوقوع نه پیوست . ملتهای صلح دوست نقشه‌های بانکی های‌در منش‌را درهم ریختند در سال۱۹۴۹ مطبوعات امریکا فقط درباره یکچیز قلمفرسائی میکردند و آن هم «جنك» بود صفحات روزنامه‌ها به بمبهای اتمی ، باکتری های‌وبا و انواع میکروب ها اختصاص یافته بود .

دولت امریکا موافقت نامه های نظامی امضا می نمود . در آسیا و اروپا ، سربازان جدیدی مسلح می کرد

و با سروصدای زیادی دنیا را از نقشه‌های خونخوارانه خود مطلع میساخت . ولی علی رغم کوششهای مذبوحانه اربابان بنکه دنیای درسال ۱۹۴۹ هم جنك شوروی نشد.

ملت شوروی تاکید کرد که میخواهد با تمام ملل در صلح وصفا زندگی کند . ملت شوروی با خونسردی بآنان که او را از بمب میترسانند یادآور شد که او نیز بدون اسلحه نیست . او توانسته است ملتهای اروپا و آسیا را برای دفاع از صلح درگرد خود جمع سازد.

بنظر می‌آمد که اعضای دیوانه صفت کنگره ، ژنرالها و دیپلماتهای امریکائی و روزنامه نگاران میتوانند آرام بگیرند . ولی خیر ، آنها ببازی کثیف خودادامه میدهند. آنها همه چیزرابا صدای صلحجویانه ابوه انسانها ، فصول چهارگانه سال ، خوشه ها و اطفال را فراموش کرده‌اند وفقط درباره یك چیز ، درباره جنك جدید گفتگومیکنند ومقاله مینویسند . اما ملت‌شوروی ، دوستداران صلح درجهان قوی‌تر، متشکل‌تر، تیزبین‌تر ازپیش گردیده‌اند

ممکن است برآشفته بگویند : اگر بسرای ایجاد موافقت اراده دوستانه دوطرف شرط است ، درمورد جنك اراده غضب‌آلود یك طرف کافیست .

بدون شك سرنوشت پرسر وصدا ولی‌بدون افتخارفاشیستهای آلمانی این حقیقت را بار دیگر تایید میکند ، ولی آخر مردم‌عبث و بیهوده در دنیا زندگی نمیکنند ، بی نتیجه زجر نمی‌کشند ، کار نمی کنند ، مبارزه نمینمایند ، آنها روزبروز قویتروعاقلترمیگردند.

هیتلر میتوانست جوانان نابالغ آلمان‌را متقاعدسازد که‌حمله بسوی مسکوبیك نیك خوش آیندی است و باغنائم جالبی همراه‌است ولی‌اینك جوانان نابالغ آمرکائی خوب میفهمند که شوروی ــ کشوری است قوی ، اگر ما برا‌جویان عضو کنگره. توانستند

نهم ژانویه
از گورکی
توسط بنگاه مطبوعاتی ناقوس
بزودی منتشر میشود

چاپ سینا

از ایلیا ارنبورك

ترجمه با روخ

در راه صلح

تقدیم بجمعیت ایرانی طرفداران صلح ب.باروخ

در عرض چهار سال جنجال دو باره جنك را بدل بجنك حقیقی نمایند فقط برای اینست که آنها قدرت اینکار را ندارند .

آنها نقشه های دقیقی برای بسیج طرح نموده بودند ولی سربازانی را که بتوانند بسیج کنند در اختیار نداشتند .

آمرکائی‌ها دوست دارند جوانی‌خود را برخ دیگران بکشند وبگفته آنها آمریکائیان هیچگاه تقلید نمیکنند همیشه مخترعند . وقایع چهارسال بعد از جنك آمریکا شاهد خوبی است براینکه بعضی آمریکائیان استعداد عجیبی درتقلید کور کورانه‌دارند آنها وجزخانیهای دیوانه وارفاشیستهای آلمانی را کلمه بکلمه تکرار میکنند صحبتهای آنها در باره تفوق (طرز زندگانی آمریکائی) وترجمه کتب هیتلر و گوبلزو روز لبرك چیز دیگری نیست .

درهزارها روزنامه آمریکائی حکایاتی دیده میشود که سرگذشتهائی راهزنانه (مافوق بشرها) راتحسین میکنند ، ولی‌آخر (مافوق بشرها) ابده‌آلهای افراداس اس بودند .

یانکی‌های جنك طلب نه‌تنها عملیات اولیه هیتلر را تکرار مینمایند بلکه غروب‌زندگی اورابز تقلید میکنند ، آنها برای‌اینکه روحیه هیوطنان خودرا تقویت نمایند ، طرق جدید آدمکشی را تعریف وتمجیدمیکنند هیتلر نیز قبل‌از اینکه‌بمرك موهش متوسل شود همین کارها را میکرد .

اوآن زمان‌فریاد میکشید : «مادارای سلاحهای سری‌هستیم وبکمك‌آنها پیروز خواهیم شد »

چهار سال تمام آمریکائی‌ها بمب اتمی را بالای سرخود میچرخاندند ، حالا که اثر این بمب بکلی از بین رفته آنهادوباره بیدرنك جنك برضد شوروی آغاز شود ، او میگفت وبگذارید هم اکنون جنك شروع شود قبل از اینکه اسلحه ما زنك بزند» ولی، بمبها قبل از هرچیز شانتاژ است . آنها فکر میکنند که ما مردمان شوروی اعصاب ضعیفی داریم .

من نمیگویم که ما فاقد عصب میباشیم ، منما یاندازه کافی حساس وقابل نفوذ هستیم ، مادر دوران جنك خیلی چیزهادیده‌ایم. آمریکائیان درآن موقع‌پول درمی‌آوردند ولی مابکام مرك‌میرفتیم.

زنهای‌آنها رادیوهای جدید برای خود میخریدند ، امازنهای ما صدای سوت خطر و انفجار بمبها را میشنیدند و بکار خود ادامه میدادند . زنهای آنها بیجان میخریدند لیکن زنهسای ما از سرما میلرزیدند وبا آخرین نیروی خود کارمیکردند و یك مثل قدیمی وجود دارد « تیت ، بیا بسرویم گندمها را آسیاب کنیم » ــ «دلم درد میکند» .

«تیت بیالرزالك بخور» .

«قاشق بزرك‌من کو؟»

ماتیتهای امریکائی راخوب‌شناخته‌ایم.

وقتی که جنك شعله‌ورشد آنها برای جنك چندان‌شتاب نمی کردندولی وقتی پیروزی را درآغوش کشیدند قاشق‌هایشان واقعا بزرك‌شده بودند .

آری‌ما عصب داریم ، حافظه‌هم‌داریم ، ما درزندگی رنج بسیار دیده‌ایم . اما آنهائیکه خیال‌می کنندپس ازاظهارنظر هائی که آقای ترومن در کنفرانس‌های مطبوعاتی هفتگی بنمایندما دست های خود را بالاخواهیم‌برد (تسلیم شدن) اشتباه میکنند. ما بدتر ازآنها را بیاد داریم .

صدای زنجیرتانك‌ها ، انفجار بمبها و غرش نارنجك انداز های شش‌لوله‌ای تاکنون در گوش‌ماطنین‌انداز است .مادر آن‌روزها خود رابباغنیم ، نه ما بلکه کسانی که از روی حماقت میخواستند ما را بترسانند دستهای خود را بالابردند

بگذار بقالها وخرازی‌فروشها دست بکاردیگری‌بشوند .

بگذار درباره سهام‌خود ومافوق بمب‌های خود تبلیغ کنند ،بگذار جمهوریخواهان ودموکرات‌ها ازبرملا کردن‌کارهای کثیف‌طرفین‌یك دیگرراباتوسانند. ولی آنچه که درموردمافکرمیکنند‌بایدگفت که بیهجت تلاش میکنند آنها ما راازجنك میترسانند ولی آخربرای‌جنك سربازلازم است . جنك کنفرانس مطبوعاتی نیست . آنها ژنرال هیتلری گودریان را بکمك‌میطلبند . ما خوب بیادداریم که ژنرال مذکور چگونه بسوی مسکو میتاخت و ما همچنین بیاد داریم که چگونه او افسارش را بعقب برگردانید . آمریکائیان نتیجه گرفته‌اند که ژنرال‌شکست خورده هیتلری‌بر ژنرال‌های‌خودشان که نه‌شکست‌خورده ونه جنك دیده‌اند برتری دارد .عیب‌ندارد یکنفر دیگر برتعداد ژنرالهایشان اضافه خواهدشد اصلا آنها ژنرال های زیاد دراختیاردارند .

ژنرالهای‌آمریکائی و انگلیسی وفرانسوی وحتی یك ژنرال لوکزامبورگی . ولی آنها سرباز کم دارند و سربازهایشان هم مورد اطمینان نیستند زیرا دیگرملتی که‌مایل بجنك‌باشدوجودندارند آمریکائیان کور کورانه دربی‌منافع خودهستندآنرافراط کاری های خود نیرومندنیستند .دیلی‌نیوز مینویسد : « مافوق‌بشرها» را میتوان (مافوق عاقل نامید) . اما نه «مافوق بشرها را باید نیمه عاقل‌ویا ساده‌تر دیوانه نامید» .

اگریکی‌ازاعضای کنگره‌پیشنهادمیکند که‌دولت آمریکابایك واگن متحرك انتقال یابد دیگری برای انتقال بربسر زمین نقشه می کشد.

چندی قبل روبرت ریچ نماینده ایالت پنسیلوانیا پیشنهاد بموقعی‌نمود :

او تقاضاکرد که تمام اعضای دولتهای ایالتی واعضای‌مسئول دولت مرکزی از جمله ساکنین‌کاخ سفیدبوسیله دستگاه‌پسیکولوژی معاینه شوند .

متاسفانه این پیشنهاد مورد توجه واقع نگردید .دیوانه‌ها همانطور که میدانیدازدست پسیکولوژیستها فرار میکنند . ملت آمریکا مانند سایرملل‌دنیا مایل بجنك نیست ولی درآمریکااشخاص ساده‌لوح و فاقد شعور سیاسی بسیارند. این افراد را تاموقع‌معینی میتوان گول‌زد .

درموقع‌شروع بانتخابات ترومن بکلی‌لفت (بمب)رافراموش کرده‌بود . اوفقط ازصلح صحبت میکرد . او تازمانی‌دم‌ازصلح می زد که بریاست جمهوری انتخاب نشده‌بود وبمحض‌اینکه نتایج‌انتخابات را فهمید مثل اینکه آنا کلمه صلح را فراموش کرده باشد درباره بمبها شروع به گفتگو نمود .

لیکن در خود امریکا روز بروزتنفر ملت از جنك بیشترمی شود . اگر یك ملیون نفراز بمب اتمی متنفر شده بودند از مافوق بمب اتمی ده ها ملیون نفر غضبناك گردیده . هرقدرکه اعضای کنگره امریکا هوچیگری کنند امریکا ــ نه خانه سفید است و نه خانه زرد. امریکائیان‌مانند سایرملل دنیا می‌دانند که‌ما ملت‌شوروی از جنك بیزاریم . مامیل داریم با تمام ملل درصلح و صفا زندگی کنیم . ما نظریه خود را یکبار دیگر در موقع انتخابات اظهار خواهیم نمود مابرای صلح رای خواهیم ریخت . ما نه تنها میدانیم برای چه رای میدهیم بلکه ما میدانیم به چه کسانی رأی می دهیم ما میدانیم که در بین نمایندگان ماصاحبان‌سهام منفعت طلب کارخانه های فولاد ریزی، سرمایه‌داران بزرك، مستعمره طلبان وبورس‌بازها که‌جنك‌برایشان غایدی‌میآورد وجود ندارند .ما میدانیم که‌ولکای انتخابی ما واقعا از صلح دفاع خواهندکرد . نیروی مادر صلحجوئی ماست : ما مانندکارگردان های دیوانه تاریخ را لجن مال نمیکنیم ووارد بازیهای خطرناك آینده نمیشویم .

ما ارزش خود وارزش دوستان خودرا بخوبی درك میکنیم. ده سال قبل برچم کار و کوشش بریك ششم جهان در اهتزازبود و اکنون یك سوم‌نفوس بشر زیر این برچم‌کرد آمده‌اند، ما اطمینان داریم که نه فرانسویها ، نه ایتالیائی‌ها و نه‌انگلیسها بخاطرما کنین مجنون کاخ سفید ویا کاخ زرد بجنك مانخواهندآمد.

ما دوستان بسیار داریم و باینموضوع کاملا واقفیم وقتی ما برای صلح رای میدهیم ممثایش اینست که برای برادری ملتها و خوشبختی وحستکشان تمام جهان رای داده‌ایم . هر فرد شوروی‌درك میکند که یاری دادن درراه صلح کار مهم وپر مسئولیتی را انجام میدهد : رای از اخطار دیگری است بکسانی که در آرزوی جنك بسرمیبرند .رای اوسپری‌است که از طفلش ازشهرش و از درختان باغش محافظت خواهدکرد .

هرقدر بورانها شدید باشند هراندازه که بادهای سردبیشتر بوزند ، بهار نزدیکتر خواهد شد .بزودی سبزه دشتها خواهدمید. بزودی اطفال بباغها،بارکها و باغچه ها هجوم خواهند نمود ، در عرض یکسال‌آنها رشد کرده ویك قدم دیگر بهدف بزرك وروشن ما نزدیکترشده‌اند.

دربین آنها بچه‌های یتیم زیاد وجود دارند : پدران آنهسا در استالینگراددرنیپر ، ویسلا ، و یا اودر جان سپرده‌اند. پدران آنها برای این کشته شدند که دیگر هیچگاه بورشهای فاشیستها تجدید نشود و اطفال ما آنچه را که خود دیده‌ایم دوباره نبینند وظیفه ما دفاع از صلح است وما آن‌را انجام خواهیم‌داد.

بگذار همه بدانند که همان افکار همان احساسات در قلوب افراد شوروی اکنون شعله‌ور است ، صلح برای ملتها ، صلح‌برای شهرها و دهات ، صلح برای پیران و جوانان !

پایان

بحران امپراطوری بریتانیا

بقیه ازصفحه ٤

که بر ضد استثمار و استعمار مهیب امپریالیسم صف آراسته اند بایکبار خلاق طبقه کارگر ، پیکار خلاق کارگرانی که برانداختن مبانی استثمار و استعمار راهدف خود قرار داده اند درهم میامیزد و جنبش نضضت تحت رهبری پیشقراولان این طبقه واقع می شود .

پیروزی ملت ها برفاشیسم بازهم روش نوینی بدوستداران آزادی و استقلال تعلیم داد . قهرمانیهای شگفت انگیز مزدمی که مرلدرا بربند گی ترتیج میدادند و نتایجی که از این کوشش حاصل آمد روح آزاد طلبی و مبارزه جوئی رنجبر شده ها را بیدارتر و قویتر ساخت .

شکست فاشیسم و برانو درآمدن امپریالیسم آلمان وژاپن نیز بنوبه خود بسیاری نکات را برای آنان روشن نمود این حوادث افسانه شکست ناپذیری امپریالیسم غربی را درهم فرو ریخت میلیونها سرباز مستعمرات بسرای این از خانه خود دور شدند که ملل اروپا را از بردگی فاشیسم آلمان نجیات بخشند ازاینجا خواه ناخواه ، این مسئله برای آنها بوجود آمد که « آیا برای آزادی شخصی خودشان نیز نباید به پیکار بر - خیزند » (صفحه ۳۳)

جریان جنگ دوم جهانی در عین حال که نبرد آزادیخواهانه مستعمرات رابطور بی سابقه ای وسعت داد آنرا بمرحله دیگری از تکامل جلو برد .

نخستین خصوصیت این مرحله پیروزی ملت چین است که در نتیجه آن تناسب قوا در مقیاس جهانی بهم خورد و کار آزادی ملت های مستعمرات تسهیل و تسریع شد .

دومین خصوصیت این مرحله تشکیل دولتهای مستقل و دمکراتیک جدیدی مانند ویت نام و کره شمالی است که در تشویق بیشتر روان آزادی مستعمرات و توسعه نهضت های ملی ممالک غیرمستقل تاثیر فراوانی دارد .

سومین خصوصیت این مرحله ، قیام های مسلحانه و جنگ های استقلال طلبانه ایست که در عده ای از کشورهای مستعمره مانند برمه و مالایا ایجاد شده است و باعث تضعیف قوای امپریالیسم و توفیق جبهه صلح و دمکراسی می باشد .

چهارمین خصوصیت این مرحله کوشش مرزهای جغرافیائی نهضت های آزادی خواهانه ملی است که از آسیا به امریکای لاتین و افریقا نیز کشیده شده است .

پنجمین خصوصیت این مرحله نقش فعال و بسیار مهم احزاب پیشرو است که رهبری جنبش های ضد امپریالیستی را عملا در دست گرفته و از آخرین تئوریهای علمی و مترقی پرور مبارزه پیروی می کنند .

وسناخیز مردمی که در زیر تازیانه امپریالیسم رنج میبرند همواره وسیع تر و شدیدتر میگردد و در بحران عمومی سرمایه داری منعکس میشود .

بورژوازی معاصر قیام ملت ها را با هاری و وحشت زیاد مورد حمله قرار می دهند . البکارش مالی در میان کهبه این قیام ها یک آهنگ رعب انگیزی میشود و آن « ناقوس مرگی است که برای رویم امپریالیسم ، برای اقتصاد طفیلی مانند این رژیم ، برای کوروبسون سیاسی بورژوازی در کشور های امپریالیست اروپای غربی وامریکا ، نواخته می شود » (صفحه ۳٦) . بهمین جهت است که امپریالیست ها تمام قوای خودش را بیدان ریخته اند تامگر چرخ تاریخ را مهار نمایند وساعت مرگ خود را بعقب اندازد . کشتار گاههای خونین ترتیب میدهند ، بمشکنجه های حیوانی دست می یازند ، دارها بپامی کنند ،

ترورها و قتل ها مرتکب میشوند ، خلاصه بهرخار وخاشاک توسل می جویند تاموجودیت اقتصادی وسیاسی خود را از ورطه دهشتناک نیستی رهائی دهند .

اما نیک تاک ساعت تکامل باکسال سراحت برای رژیم استعمار مارش فزا میزند .

روشهای اختناق آوری که امپریالیسم در جنوب شرقی آسیا اعمال میکند از همه جانیوانی تراست ، وعلت نیز آنست که بخصوص دراین نقطه بربیکر استعمار ضربه نواخته میشود . ولی علی رغم تمام این کوشش های ضد انسانی ، مبارزه مردم ویت نام ، اندونزی ، برمه ، مالایا وسایر کشور های مستعمره همچنان ادامه دارد .

بقول « بالم دات » : « دراین قسمت از جهان سیستم مستعمراتی خرد شده و هیچ قدرتی نمیتواند تیکه پاره های این سیستم را بهم پیوندد هم وروز گاری چون « عطر طلائی » گذشته باز آورد .

« بالم دات » ضمن تحلیل کنفرانس دوگانه « آسیائی » که در ۱۹٤۹ در دهلی تشکیل شد و همچنین تشریح کنفرانس نخست وزیران دومینیون های بریتانیا در آوریل ۱۹٤۹ ، میگوید که دسته بندی های سیاسی وبلوف های نظامی جز اینکه رستاخیز ملت ها را متحدتر و وسیع تر کند نتیجه دیگری ندارد .

—٤—

کاهش شدیدی که درعواید خارجی امپریالیسم بریتانیا حاصل شده است ، جریانی که خود ناشی از بحران سیستم مستعمراتی است ، یکی از عوامل « بحران امپراطوری بریتانیا » و نماینده این بحران میباشد .

دراینجا تنها موضوع در این نیست که براثر جنگ دوم جهانی ، یک چهارم از سرمایه های مالی خارجی انگلستان از بین رفت واکنون مجموع این سرمایه ها از ۳ میلیارد لیره تجاوز نمی کند . مهم اینجاست که از میزان عواید سرمایه های اخیر خیلی کاسته شده و این کاهش روز بروز زیادتر میگردد .

مثلا مجموع عواید سرمایه های مالی خارجی دولت بریتانیا که در سال ۱۹۲۹ بیش از ۲۵۰ میلیون لیره بود در سال ۱۹۳۸ به ۱۷۵ میلیون لیره و در ۱۹٤۸ به پنجاه میلیون لیره (۲ هفتم عواید قبل از جنگ) تقلیل یافت . و در نتیجه دولت انگلستان در ۱۹۳۸ مبلغ ۷۰ میلیون لیره و در ۱۹٤٦ مبلغ ۳۸۰ میلیون لیره و در سال ۱۹٤۷ مبلغ ٦۳۰ میلیون لیره کسر بودجه پیدا کرد .

این کاهش روز افزون نه تنها در عواید مالی بلکه در در آمد های دیگر امپراطوری بریتانیا نیز ایجاد شده است .

مقدار مواد خامی که انگلستان از مستعمرات خود برداشت میکند و با آن قسمتی از کمبود توازن تجارتی خود را جبران مینماید ، کم و کمتر میشود .

روزنامه « تایمس » با اشاره باین جریان چنین مینویسد :

« در ازاء نیم میلیون تن کائوچو و ٦۰ هزار تن قلعی که حد متوسط تولید سالیانه مالایا در دوران قبل از جنگ بود . ونیز در ازاء برنج ، سنگهای معدنی و چوب های بیرمانی ، انگلستان مقداری دلار اضافی از منطقه استرلینک دریافت کرد . »

استقلال هندوستان تاچه اندازه باواقعیت همراه است

بقیه ازشماره قبل

گرچه ملت هند هنوز سخن های خود را نگفته است ولی جنبش روز افزون توده و مقاومت آنها در مقابل مرتجعین هندی و اربابان خارجی آنها ثابت میکند که ملت هند مایل نیست هندوستان بصورت مستعمره انگلیسی باقی بماند و بپایگاه امریکائی تبدیل گردد . ملت مصمم گردیده سرنوشتش را دردست خود گیرد و آینده خود را با همکاری با ملتهای دموکرات جهان و در وهله اول با همکاری با اتحاد جماهیر شوروی وچین جدید تضمین نماید .

دیگر ایام وعده های شجاعانه و دستهای دموکراتیک وسیع و گفتگو در باره فرمانروائی کار و کوشش درمزارع و کارخانجات سپری و فراموش شده اند. بجای آنها استثمار زارعین و کارگران روز بروز زیاد میشود .

در عین حال که مزدکارگران تنزل مینماید نرخ رسمی کالاهای ضروری قوس صعودی را می پیماید .

در سال ۱۹٤۵ نهرو با کمال شجاعت اظهار داشت که محتکرین بازار سیاه را بر روی نزدیکترین درخت بدار خواهد آویخت .

او افراد بسیاری را بدار زد ولی هیچیک آنها از تجار و محتکرینی که فعلا دورش را گرفته اند و عملیات دولت او را کنترل میکنند نبودند .

همه میدانند که کثافت کاری یک سرمایه دار معروف در مورد پرداخت مالیاتها چگونه ماست مالی شد و برای اینکه قضیه را لوث کنند چگونه وزیر دارائی را (چتی) عوض کردند. درصورتیکه مبلغ مورد اختلاف یک رقم نجومی بود .

تمام ثروت و منابع اقتصادی کشور در دست خانواده های (تا تا) (برلا) (دالمیا) (گوئنکا) و (والچاند) متمرکز گردیده و فشار آنها است که از ملی شدن صنایع جلوگیری میکند .

باین خانواده ها و باربابان خارجی ، نها قول داده که تا ده سال دیگر هیچیک از رشته های صنعتی ملی نخواهند شد . حتی پاتل موکدا قول داد که بعد از سپری شدن ده سال نیز ازملی شدن صنایع ترسی نداشته باشند سیاست فعلی هند نه تنها ارتجاعی است بلکه کشور را بنابودی میکشاند .

اقتصاد ملی هند در آستانه فقر و و فلاکت قرار گرفته است .

باایجاد بستگی بین روپیه واسترلینک و نیازمند کردن کشور به صادرات مواد غذائی و کالاهای ضروری کشورهای متحد امریکا و انگلستان دولت هند با دست خود بحران هند را تسریع میکند در - صورتیکه میداند بعدا قادر بجلوگیری از آن نخواهد بود .

وزیر دارائی هند (ماتهای) که نماینده (تاتا) در دولت هند بشمار میرود اظهار داشت که دزدیهای سال گذشته تجارت هند بهیچوجه رضایت بخش نبود و ۲۰۰۰ ملیون روپیه میان صادرات و واردات اختلاف مشاهده شد . مسئله صنعتی نمودن کشور تاکنون لاینحل مانده و درشرایط سیاست اقتصادی فعلی دولت امکان حل آن وجود ندارد .

مقدار محصولات صنعتی نه تنها ترقی نمیکند بلکه تنزل هم نموده است . درصنعت فولاد سازی که پایه تمام صنایع بشمار میرود کمتر از سالهای جنگ فولاد تهیه میشود در صورتیکه محصول فولاد هندوستان در زمان جنگ نیز چندان زیاد نبوده ونصف محصول فولاد کشور کوچک لوکزانبوک بر آورده گردید . درشرایط اقتصادی وضع هند بحرانی تر از سایر رشته هاست . برای اینکه جبره نار بخور و نمیری باهالی داده شده باشد هند مجبور است سالی ٤ میلیون تن گندم وارد کشور نماید .

حتی امروز باوجود اینکه مقدار فراوانی غله وارد کشور میشود در بسیاری از نواحی هند قحطی حکمفرماست . کسی تا کنون برای حل مسئله اساسی (یعنی انقلاب کشاورزی) در هند دست بعملی نزده ونخواهد زد .

درمقابل ارتجاع وظلم وستم شدیدی که در داخل کشور حکمفرماست و باوجود سیاست تسلیمی که درصحنه سیاست جهانی توسط رهبران بورژوازی پیش گرفته شد روح مبارزه جویانه ، کارگران ، دهقانان وروشنفکران مترقی و متشکل روز بروز رشد میکند . توده بیش از پیش متقاعد میشود که بورژوازی مستعمراتی واز آنجمله بورژوازی هند بهیچوجه میل بایجاد انقلاب دموکراتیکی ندارند . بورژواها بصورت منفقین امپریالیستهای متجاوز در آمده اند ومیخواهند زنجیرهای اسارت جدیدی بر گردن ملت اندازند . مبارزه در هندوستان اکنون بمنتهی درجه رسیده . نمونه این مبارزه را دهقانان تلنگان نشان داده اند . در تحت لوای حزب کمونیست آنها نه تنها توانستند هزارها دهکده را از زیر سلطه مالکین و پلیسهای نظام (نظام حیدر آباد) و دستجات فاشیستی بیرون آورده و بلکه عملا نمونه رهبری یک انقلاب رابه ملت هند نشان دادند .

باوجود نیروهای انتظامی که دولت هند به تلنگان اعزام داشت و باوجود اینکه تمام وسایل جدید جنگی را از قبیل : تانک ، توپ صحرائی و هواپیما را بکار انداختند منطقه تلنگان هنوز هم بصورت منطقه مبارزه بین آرتش و ملت هند باقی مانده است .

این قبیل مبارزات در دیگر مناطق هند مثل : مالباره اندر خره ، بنگال و پنجاب شرقی نیز بوقوع پیوسته منتهی بوسعت مبارزه اهالی تلنگان نبوده اند.

باوجود خرابکاری های جاسوسان و سرمایه داران هند یعنی رهبرای سوسیالیست طبقه کارگر هند وفاداری خود را نسبت به کنگره (حادیه های سر تاسری هند ثابت نمود . این تنها سازمانی است که پیوسته از منافع طبقه کارگر هندوستان دفاع نموده ودرسندیکای جهانی کارگران که جنبش کارگران جهان را اداره میکند عضویت دارد .

از مشخصات مرحله جدید مبارزه اینست که جبهه وسیعی متشکل از تمام میهن پرستان با شرافت و افراد مترقی هند ایجادشده و احتیاج بتشکیلات صحیح دارد و اینهم کار آسانی نیست زیرا باید حقه بازیهای لیدرهای سوسیالیست را در نظر بگیریم و ضد فداری آنها را از سوسیال دموکراتهای دست راستی مانند بلوم واتلی ، بوین وسیک و شوماخر در نظر داشته باشیم . آنها بزحمتکشان وعده های بسیار میدهند ولی از طرف دیگر با بورژوازی سازش میکنند.

با وجوداین در دهات وکارخانجات علاقه مردم به اتحاد نیروهای مبارز روز بروز دراز دیاد است موفقیت در تشکیل جبهه واحد نیروهای دموکراتیک هنداز اینجا ناشی میشود که در ایام جنبش نجات بخش ملی طبقه متشکل از کارگران که بوسیله حزب کمونیست اداره میشوند قرار دارند .

این حزب تجربه های انقلابی زیاد دارد و نسبت به جنبش کارگری همیشه وفادار بوده ومساج به مترقی ترین تئوری های انقلابی ومغلوب نشدنی جهان میباشد

مولف نامه ش . ر . د . ا . بطور کلی مسئله حکمفرمائی انگلستان در هند را متذکر گردید در صورتیکه امپریا - لیزم امریکا سعی دارد بیش از پیش در تمام شئون زندگی هندوستان نفوذ نماید. این نفوذ از سالهای جنگ دوم جهانی شروع میشود .

درسال ۱۹٤۲ یک ملیون از متخصصین امریکا برای بررسی منابع اقتصادی کشور بهندوستان آمدند .

انحصار امریکائی ژنرال موتور و کیبالی فرد ، ایاز فروش وسائل موتوری حمل نقل را در ایام جنگ از دولت هند گرفتند و از همان سالهای جنگ نجسات امریکا و هند رو بتوسعه نهاد .

پس از خاتمه جنگ مقدار سرمایه های امریکا در هند ۸ برابر سرمایه های قبل از جنگ بر آورد گردید .

مبارزه در راه استقلال حقیقی در راه نان و زمین را ملت هند با مبارزه در راه صلح و دوستی با شوروی را که رهبری اردوی دموکرات و ضد امپریا - لیستی را بعهده گرفته توام میداند علاقه بصلح و استقلال تمام ملت هند از این جا پیداست که نهضت طرفداران صلح در آن کشور رو بتوسعه و ازدیاد است نهضت صلح از متینگها و جلسات کوچک در مراکز بزرگ مسکونی هند شروع شد . بصورت جنبش متشکلی درآمد

کنفرانسهای ایالتی هواداران صلح محیط را برای اعقاد کنفرانس صلح سرتا سری هند در سال گذشته در شهر کلکته آماده ساخت این واقعه اهمیت ملی داشت .

کافی است بگوییم که ۱۵۰۰ نماینده از ۱۲۳ سازمان که دارای ۲٫٦۰۰۰۰۰ عضو هستند در این کنفرانس شرکت کردند .

کمیته دائمی هواداران صلح با اتکاء بسازمان های وسیع زحمتکشان مبارزه خودرا باآتش افروزان انگلیسی وامریکائی و همقطاران هندی آن ها تشدید نموده است .

دموکراسیون های وسیع زحمت - کشان در کاپور ، امریتسار ، مظفر پور کنفرانس دانشجویان اتحادیه پنجاب شرقی اینست مدارک ناچیزی که تشدید جنبش کارگران و دهقانان را در راه صلح و زمینی و دموکراسی ثابت مینماید شورای عالی کنگره اتحادیه های سرتاسری هند اعلام نموده طبقه کارگر هند با هر گونه تشبثی برای وارد کردن هند در جنگ ضد شوروی و ضد کشورهای توده - ای خواهد کرد . طبقه کارگر هند همیشه از دولت شوروی — کشور سوسیالیزم پیروز شده — طرفداری خواهد کرد .

پایان

اطاق شمار ٦۵

از چخوف

توسط بنگاه مطبوعاتی

ناقوس منتشر شد

اگر جنگ کره . . .

بقیه ازصفحه ۱

که در « دویش » حکومتی مرکب از افرادی از قماش دریاسالار « دارلان » وآقایان « ژوزنه » و « مارکه » و اعوان وانصار آنها تشکیل دهند وسیاست دولت ویشی را بسلمانان عمال وهمان پلیس عملی کنند و قایعی که در الجزیره اتفاق می افتاد باین فرض چندان ناجور نبود منکامیکه تمام آزاد کنندگان کشور فرانسه را ترک می کردند هر فرانسوی فقط یک فکر داشت و آن این بود که حدود بین دوقسمت حذف شود و اوبتواند هنگام تعطیلات به « بیاریز » یا « باری - بلاژ » ویا برای دیدن مادر بزرگ خود به « بوانر » یا « آلزاس - بسرود » ولی دریاسالار « دارلان » که نزدیک او یک میلیون آمریکائی باقیمانده و هر سال صد میلیون دلار ازداشتگن دریافت می کند یک ارتش صدهزار نفری از چریک های قدیمی و پانصد مستشار امریکائی تشکیل داده است (به هلل سیاسی که حدس زدن آن آسان است) از اتحاد ایامی کند حد فاصل دو منطقه تبدیل به یک جبهه حقیقی شده وهر هفته وقایعی آنجا اتفاق می افتد سپس دریاسالار انتخاباتی در منطقه خود ترتیب میدهد و قبلا احتیاطات لازم را مراعات کرده و تمام احزاب چپ وحتی سوسیالیست را « منحله » اعلام می کند کاندیدهای مخالف توقیف می شوند ، تقریبا بانزده تابیست هزار زندانی سیاسی در کشور وجود دارد ؛ ارتش اسلحه بدست از صندوقهامراقبت می کند . واوجودهمه اینها این « دارلان » فرضی فقط بیست درصد آراء را بدست می آورد وکاندیدهائی که خواهان وحدت ملی هستند تقریبا درتمام نقاط انتخاب می - شوند ، فرانسوی های منطقه شمالی با شور و شعف باین انتخابات که طلایه انهدم شکنجه ملت است درود میفرستند و پیشنهادی باین مضمون می کنند :

دوجنبه شمال وجنوب باهم مجتمع ویکی شوند واین مجلس واحد حکومت واحد را تعیین کند تا بالاخره مشقات مولود جنگ از میان برداشته شود ، ویشی از بحث دراین موضوع ابا کرده وشروع بتبلیغات مخالف می کند آقای « جون - فوسنل دالس » باهواپیما میسدوارتش جنوب را بازدید کرده و نطقی باین مضمون ایراد می کند :

« شما در جبهه مقدم دنیای آزاد هستید ؛ سازش با کمونیست شمال غیر ممکن است ، ممالک متحد امریکا شمارا تا رسیدن بمقصود حفظ خواهد کرد » درهمین هنگام آقای « جون سن » و « ژ رال برادلی » استحکامات نظامی امریکا را در انگلیس بازدید می کنند .

یک هیئت نمایندگی از سازمان ملل متفق سرزمین دو تابیشنهادات منطقه شمالی را دریافت کند ، مسلسل چی ها سه ساعت تمام درمرز آتش می کنند تا اینکه از رفتن آنها جلوگیری کنند ، فردا صبح سه نماینده از پاریس عازم ویشی میشوند که پیشنهادات وحدت در قسمت را به محافل آنجا تسلیم کنند ولی این محافل آنهارا دروزنه ان میاندازند.

محافل ویشی که به ارتش صد هزار نفری منظم خود وعده های آقای « فوستر دالس » پشت گرمی دارند وقایع مرزی را چنین برابر تشدید می کنند و مقصود خودشان را که از هم پاشیدن قوای توده ای منطقه شمالی واشغال این منطقه است پنهان نمی کنند ، واقعه ای سخت تر از سایر وقایع سبب پیدایش جنگ داخلی دارند ، ویشی میشود ، جنگ داخلی شروع میشود ، بسبب افکن ها و تفنگداران دریائی آمریکائی تمام قوای خود بیدان می آیند . فرانسه را با کره ، ویشی را باستول ومرحوم « دارلان » را باسالولی سین مان » عوض کنید ، آنوقت تقریبا تابلوی وقایعی را که امروز یک کشور بدبخت را بخون کشیده وصلح جهان را تهدید می کند درجلوی خود خواهید داشت ، دراین قضیه متجاوز کیست ؟

مسئولیت این وقایع باچه کسی است ؟ اگر امریکائیها بقول خود در جنوب یک نظم دموکراتیک و حتی میانه رو ترین دموکراسی بورژوازی را ترتیب می دادند واگر بعد از آن در زندگی داخلی کشور برای حفظ یک رژیم ضد توده ای که سبب این جرائمی است دخالت نمی کردند مدتها بود که کره در کمال خوشبختی وبدون رها کردن یک تیر تفنگ واحد شده متحد بود

آنوقت یک فرانسوی متوسط مانند قدیم نمیداشت سئول کجاست و کره ای ها که بحال خود گذاشته شده بودند باهر عقیده ای که داشتند ابتدا سعی می کردند که روابط هادی بادو دولت همسایه خود یعنی اتحاد جماهیر شوروی وچین توده ای برقرار کنند.

آری ، اما حقیقت قضیه اینست که کره نزدیک ژاپن است و نقطه سوق الجیشی مهم قاره آسیاست ومخصوصا از رقبی که « چیان کای چک » از آسیا رانده شده است کره برای آمریکائیها اهمیت بیشتری پیدا کرده است .

بنابراین ملاحظات واگزاری حقوق ملل بخود آنها و احترام بدموکراسی حقوق ژرفه ای هم مراعات نشده است افلا باید با تمال صداقت این موضوع را درک کرد . ما دراین باره اظهارات وقیحانه « آقای « جونسون » وزیر دفاع را از کرمی کنیم که باشور شعف گفته بود زمانی که تصمیم فرستادن نیروی دریائی وهوائی آمریکا بکمک لی سین مان که افراد او عدم توانائی خود را برای ایفای رلی که برای انجام آن وجود آمده بودند گرفته شد « بهترین ساعت تاریخ اتازونی بود » و همچنین شادی موحش مالک آرتور پیرمرد ۷ ساله را در نظر میگیریم که گفته بود « بالاخره شد » ، مااین اظهارات را صحیح تر از کمدی مقتضحانه ای میدانیم که میخواهد بعد از انجام تجاوز ، براهزنی را تحت عنوان حفظ مردم و خوشبتی امپریالیستی رایشت ماسک توجیه بقوانین بین المللی پنهان کند

اما راجع بشورای امنیت ، همه کس میداند که چون پنج دولت دراین تصمیم هم رای نبوده وحتی بعضی از آن ها را رای هم نداده اند ، تصمیش غیر قانونی است ، دراین باره چه میتوان گفت ؟

این شورا در یکساعت بحث بدون تحقیق و بدون داشتن هیچ خبر دیگری بجز یک تلگراف از مشول و گزارش نماینده آمریکا وحتی بدون اینکه بخواهد شرح وقایع را از طرف مخالف بشنود تصویب می کند که تجاوز اتفاق افتاده است و کره شمالی مجرم است و باید به کره جنوبی کمک کرد شورای امنیت که خود در مقابل عمل انجام شده دخالت آمریکا قرار گرفته است آنرا تایید می کند خود این تصمیمات غیر قانونی هم برای نماینده فرموکه بنام ٤۵۰ میلیون اهالی چین توده اظهار نظر کرده است چنین یک تصمیم تصویب شده را بخود گرفت

از اینجا علت لجاجت آمریکائیها واضح میشود که با نمایندگی چین دموکراتیک در سازمان ملل متفق مخالفت می کنند ضربه کره نتوانست بمثل اول کار پنهان بماند و نتوانستند بامعقه بازی این امر را قانونی نشان دهند و مردم شجاع بی اطلاع راساکت کنند .

ذخائر مسلحانه قوای آمریکا که تنها بدستور ترومن و مالک آرتور عملی شده این جنگ داخلی را بیک توطئه بین — المللی تبدیل کرده است وآن را همه به عنوان تجاوز آشکاری تلقی کرده اند .

این مالک هم بزودی دریده شد و نتوانست مدت زیادی مردم را گول بزند دنیای امروز مقامات آمریکائی را آن طور که هستند می شناسد ومی بیند که آن ها تصمیم دارند زمانی که زور گوئی وفساد کفایت نمی کند « بشام وسایل و حتی

بمک متوسل بشوند »

آنچه که درباره تصمیمات هیئت تصفیه

بقیه ازصفحه ۱

ها همچنانکه باتوجه باساس پوسیده و منحط سازمان حاکمه موجود انتظار میرفت ، هیئت تصفیه در انجام وظائف محوله ، نامراد و ناکامیاب بود ؛ قسمت بیشتر عمر هیئت ، بجلسات مقدماتی بیسر و بن و بحث در اختلافات وسلیقه های گوناگون مصروف گردید اغلب اعضاء هیئت ، هریک بعنوانی استعفا می کردند. کارهای هیئت در نتیجه اکدمی ماندوبس از مدتی اعضاء تازه ای بجای مستعفی ها می آمدند و مجددا مناقشات و مبادلات از نو آغاز میشد .

کم کم نام و عنوان « تصفیه » نیز در ردیف کلمات مسخره و مضحکه در آمد ، کم کم این مسئله هم در ردیف سایر مسائل وشئون هیئت جا نه همچون « برنامه هفت ساله » ، « لوله کشی » « کمک امریکا » و از این قبیل ، تنها در محل شوخی و استهزاء استعمال میشد تا سرانجام روزی اعلام گردید که گویا معجزه ای از طرف هیئت بوقوع پیوسته و سازمان وزارت عدلیه مورد مطالعه و تجدید نظر قرار گرفته است :

اما وقتی نتیجه این مطالعات آشکار شده وقتی معلوم شد که نه فقط « ردی » از کرده تشکیلات وزارتخانه مزبور برداشته نشده بلکه با آش درهم جوش دستپخت هیئت تصفیه ، بر وبرانی بنیان افزوده ، وقتی بدون حذف بستها ، بدون تقلیل مشاغل پوچ و بی پا ، مثلا ادارات بازرسی امور اداری ، بازرسی کل کشور ، فنی و حقوقی را در شکم اداره نظارت جای داده و نام این هیکل متورم را « تنظیم و تقلیل تشکیلات » گذاشته اند همه کس بمیزان « توفیق و کامیابی » هیئت تصفیه ، دراین مهم که بعهده داشت پی برد !

تجدید نظر درسازمان وزارت کشور یکسره با رای منفی مجلس شورای ابطال گردید و تنظیم امور برخی موسسات دولتی دیگر نیز بسرنوشت « ترتیب » وزارت دادگستری دچار شد.

چندی قبل ، عمر قانونی هیئت تصفیه بپایان رسید و ضمن اعلام اجلال خود ، نتیجه مطالعات خویشرا نسبت بکارمندان دولت ، دومین وظیفه ای که بعهده داشت برای اجرا تسلیم دولت کرد .

لیست تنظیم شده ، شامل نام قریب یکهزار نفر از مستخدمین دولت بود که از آن میان چهار صد واندی بعنوان کارمندان زائد ، غیر مفید و نالایق در شمار عناصر نامالح سوء استفاده چی و نا درست در زمره بند « ج » محسوب گردیده و باقی که مشمولین بند « الف » بودند بنام عناصر صالح ودرستکار شناخته شده و استفاده از وجود آنان توصیه گردیده بود .

بقیه درصفحه ۸

مسئله کره و فرمز

بقیه از صفحه ۲

بدین ترتیب آشکار میشود که جریان حوادث ، هرگونه امکان و ابتکاری را برای حفظ موازنه بین نظریات نظامیان ودیپلماتها را ازدست ترومن خارج ساخته است.

از نامه ملک آرتور استنباط میشود که او و همکارانش باهرگونه ملاحظه و احتیاط سیاسی و تاکتیکی امریکا که بیشتر از توصیه ها ومخالفتهای انگلستان سرچشمه میگیرد ، مخالفند ومیخواهند کار تجاوز را بحد نهائی خود برسانند.

با چنین مقدماتی ، سازمان ملل متفق در برابر مسائل بسیار بغرنج ودوخیی قرار داده میشود .

واگر لااقل بعلت مخالفت انگلستان با تشکیل یک مجمع ملل تحت رهبری امریکا ، برنامه بست ماده ئی تریگولی و یا پیشنهاد هندی با تدبیت نهرو مورد تصویب و تائید سازمان ملل قرار نگیرد ضربه اساسی به هستی و آبروی سازمان ملل متفق وارد خواهد آمد .

صاحب امتیاز ش انور

محل اداره از سه راه سیروس

خیابان بوذرجمهری

وجه اشتراک سالیانه ۱۳۰ ریال

« « شش ماهه ۷۰ «

دختر سروان

منتشر شد

امریکائیها برخلاف تصور خود می بینند که طرف آن ها اتحاد جماهیر شوروی نیست وهوروی در این کار هیچ ولی بعهده ندارد .

این مطلب را خودشان هم هنگام شروع جنگ داخلی در کره اقرار کردند « این جنبشی است که هر کشوری برای آزادی خود بآن دست می زند ، انها می خواهند این جنبش را با آهن و آتش خورد کنند

برای اطلاع عموم اعلام میشود که :

۱ — دبیرخانه جمعیت ایرانی هواداران صلح واقع در خیابان فردوسی جنب خیابان ثبت کوچه سام همه روزه از ساعت ۵ تا ۷ بعد ازظهر دائر میباشد

۲ — روزنامه مصلحت ، ارگان رسمی جمعیت ایرانی هواداران صلح ، فعلا بطور هفتگی در روزهای سه شنبه منتشر میشود.

دبیرخانه جمعیت ایرانی هواداران صلح

تعلیم رانندگی اتومبیل

رانندگی در همه جا بدرد شما میخورد

(بدارا تعلیم رانندگی دوخانگی مراجعه فرمایند)

(از هر حیث نظر شما را تامین مینماید)

شاهرضا دروازه دولت جنب خیابان بهار

همه جا با گاردین ماک !

نه تنها در خانه بلکه هنگام سفر نیز گاردین ماک را فراموش نمیکنم !

زیرا قرص گاردین ماک یگانه مسکن سردرد دندان درد - کمردرد - وردهای ماهیانه بانوان شناخته شده است

نیمروز

شماره ۳۴ — پنجشنبه ۱۶ شهریور ماه ۱۳۲۹ — تکشماره سه ریال

عشایر و سربازان ایرانی قربانی سیاست‌های

استعماری میشوند حمله به ایل جوانرود چه حقایقی را روشن نمود؟

در این هفته بطور ناگهان و بدون هیچگونه مقدمه قبلی در روز نامه ها اطلاع داده شد که واحدهای تیپ کرمانشاه و کردستان بطرف ایل جوانرود برای خلع اسلحه آنها حمله کرده اند. در این حمله هواپیماهای دولتی نیز شرکت داشته اند و مواضع جوانرود بهار اچندین بار بمباران نموده اند.

انتشار این خبر دو هنگامی که فعالیت‌های مختلف عمال سیاست امریکائی در ایران مصروف تسلیح عشایر شده و مقامات نظامی امریکا علنا پایه های کار خود را در ایران روی وقوع یك جنگ غیر منظم و بازتیزانی غیرمتناسب ساختن عشایر جهت تامین این مقصود قرار داده اند در هنگامی که ویلیام و گلاس مرتبا در بین عشایر نقاط حساس ایران گردش میکند و آنها را بوعده و نوید های امریکا دلخوش میسازد و حتی شایع میشود که یك کشتی امریکائی پر از اسلحه مخصوص ایل قشقائی در سواحل جنوب لنگر انداخته است ظاهرا بسیار غیر منتظره و تعجب آور بنظر میرسد.

مخصوصا موضوع از این لحاظ جلب توجه میکند که دولت خود اقرار دارد عشایر دیگر غیر از جوانرودیها خلع اسلحه نشده اند وحتی برای نبرد باعشایر وافرود دولت از افراد مسلح عشایر دیگر

بقیه در صفحه ۸

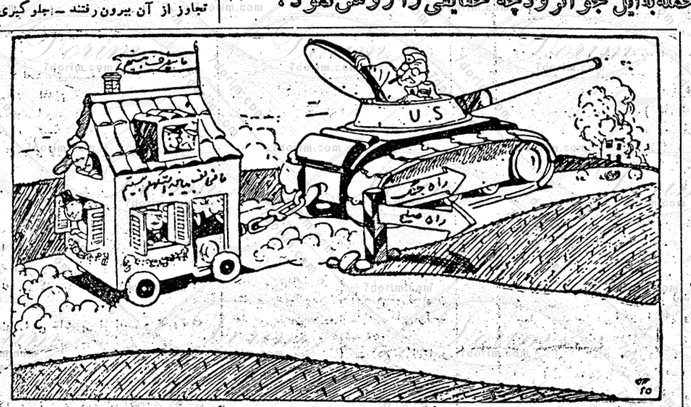

آئین و راه ((بیطرفها))!!

سمت و هدف واقعی دیپلماسی

امریکا در سازمان ملل متفق و

نظریه ما درباره اشغال کرسی ریاست مجمع عمومی بدست نماینده ایران

تدوین کنندگان منشور سازمان ملل متفق بسال ۱۹۴۵، سال پیروزی بر فاشیسم، جهت حفظ صلح جهانی باز گذاشتن دریچه‌ای جهت حل مسالمت آمیز اختلافات بین کشورهای بزرك، این اصل اساسی را رعایت کردند که این ارکان جهانی آلت دستی برای تحمیل مقاصد یکجانبه ومغرضانه دسته بندی عده معینی از کشور های بزرك نشود.

آنها میخواستند از تکرار مجمعی نظیر «جامعه ملل» که آلت اجرای انگلستان و فرانسه بود — و بالنتیجه هدفی از کشورهای بزرك یا از اول در آن شرکت نکردند و یا بعد جهت تهیه تجاوز از آن بیرون رفتند — جلوگیری کنند.

بهمین جهت بود که اصل اساسی اتفاق آراء پنج کشور بزرك را در شورای امنیت، یا ارکان مجریه سازمان ملل متفق قرار دادند.

زیرا که رعایت اصل اتفاق آراء ناچار مستلزم تبادل نظر بین کشورهای پیرو تئوری ورژیم های متضاد میشود و آنها را از توسل براهی غیرازراه حل مسالمت

بقیه در صفحه ۸

دولت و مجلس

در بن بست

در این هفته تعطیلات مجلس بپایان رسید و قرار بود روز یکشنبه جلسه علنی رسمی تشکیل شود. ولی در نتیجه جریانات پیرنج و پیچیده سیاست خارجی و داخلی وبخصوص مسئله تصمیمات هیئت تصفیه، مجلس و دولت مجالنداربن بست مخصوصی گرفتار شده‌اند که قادر نیستند حتی در یك جلسه رسمی باهم مواجه شوند.

ابتدا جلسه یکشنبه دو روز عقب انداخته شده به روز سه‌شنبه موکول گردید بعدا روز سه‌شنبه هم جلسه تشکیل نشده به امروز موکول شد.

این سیاست دست بدست کردن کاملا نشان میدهد که دولت و مجلس گرفتار چه وضع اسفناکی شده‌اند از طرفی رئیس مجلس و عده‌ای از نمایندگان متنفذ مشمول بند جیم شده‌اند و از طرف دیگر دولت رزم آرا درمیان تضادهای داخلی دست و پا میزند و اخذ تصمیم یا عدم تصمیم درباره اجرای تصمیمات هیئت تصفیه هریك بترتیبی برای وی خطرناك است.

اکنون مجلس و دولت مشغول یافتن راهی هستند که بتوانند مشکلات موجود را «حل» کنند. این راه حل همانطور که تجربه نشان داده است همیشه نتیجه‌اش ساخت وباخت افراد مختلف هیئت حاکمه بذریان ملت ایران و برای پوشانیدن جنایات غاصبین وجنایتکاران است.

اما دوهرصورت دستگاه حاکمه نمی‌تواند ورشکستگی خودرا از نظر افکار عمومی پنهان بدارد.

جرائد درباره هیئت تصفیه

چه مینویسند؟ - اگر عده‌ئی

بیچاره و بی دست و پا را توی این «بند» ها

گذاشته بودند. قانون رسیدگی بجرائم سیاسی درمحاکم سیاسی وخاتمه حیات امنیت قضائی ودمکراسی در کشور - لایحه تصاحب اموال حزب بوده - تصفیه ارتش از عناصر نامطلوب و تصفیه دستگاه دولت - تحول ازبالا - چرا قانون خرید اسلحه ازامریکا وفشنك ازانگلستان تصویب شد - مسخرگی ساعد - تقسیم اراضی - شرکت ایرانکار. وقدردانی آقای نخست وزیر ازوزارت راه.

بقیه در صفحه ۳

ساعات آزمایش

از نویسنده نامی ایلیا ارنبورك

بقیه در صفحه ۴

قلم های فروخته شده

بقیه در صفحه ۳

موضوع ((کمك)) امریکا

«و یاس محافل سیاسی ایران»

قبل از اینکه راجع بمسئله‌ای که تحت عنوان دروغین و فریبنده «کمك» از مدتها پیش در ایران مطرح بود و زمامداران ما را بطمع دانه سرقدم ساخته در دام افکنده و برای مردم روزگاری چنین نکبت بار فراهم نموده است وارد بحث گردیم باید نکته‌ای را تذکر دهیم و با این تذکر ملت ایران را ازاتهامی که سمی دارند بآن نسبت دهند مبری سازیم.

امروز که آرام آرام «کمك امریکا» از پرده تظاهر وریاکاری خارج میگردد بعضی از جراید ما که از زبان ملت ایران به کله برخاسته‌اند. روزنامه داد در سر مقاله شماره ۱۸۹۸۵ خود چنین می نویسد.

«ملت ایران که آن اعلامیه بلندبالای آچسن را بهنگام راجعت از کنفرانس لندن درخصوص ابراز علاقه کامل دولت امریکا در کمك بایران چندماه قبل شنید، مرکز باور نمیکرد امریکا با اعلام اینکه سرحد جنك را از مرزهای ایران حساب مینماید فقط از نقطه نظر سوق الجیشی بایران نگریسته هیچ فکر نمیکند که در این قطعه خاك پانزده میلیون جمعیت نیز بنام ملت ایران حق حیات داشته بایدازحداقل خوراك و پوشاك ومسکن استفاده کنند..»

در این مورد باید با کمال صراحت گفت که برای جلب آنچه آنرا خواسته‌اند

بقیه در صفحه ۲

بحران امپراطوری بریتانیا

بقیه در صفحه ۵

انتقاد — کتاب

زندگی من

نامه سرگشاده

کارمندان بانکملی ایران

کارمندان بانکملی ایران در بدو تصدی آقای زند مدیر کل درخواستهائی کرده بودند که مبین احتیاجات واقعی کارمندان وخلاصه نظریاتی که هموم کارمندان وکارکنان بانك داشتند وتصور بدرخواستهای آنان ترتیب اثری بدهد اکنون مدت یکماه و نیم از انتشار نامه سرگشاده بانکملی می گذرد و مدیر کل ابدا اعتنائی بتقاضا های مشروع آنان نکرده‌اند وشاید هم خیال میکنند باتوطئه وسکوت ممکن است احساسات زنده رادر روانها خفه کرده وبا توسل ببروزمان ممکن است کارمندان را از تعقیب نظریات خودبازداشت. لیسانسیه‌های بانك باتوجه بحق قانونی خود درخواست کرده بودند که یکهزار ریال حق لیسانس دربارهٔ آنان پرداخت شود وهمچنین کارمندان دیپلمه قدیمی بانك تقاضا کرده بودند نسبت بترمیم حقوق آنان اقدام شود.

آنها می گفتند بانك کارمندان جدید را بقدیمی ها که سوابق و اطلاعات بانکی دارند ترجیح میدهد و در شرائط حاضر حقوق یك کارمند جدید الاستخدام مساوی بابیشتر از حقوق یك کارمند قدیم است. دودسته از کارمندان بانك بدین ترتیب از آقای مدیر کل درخواست کرده

بقیه در صفحه ۷

بقیه از صفحه ۷

آنچه که درباره تصمیمات هیئت تصفیه باید گفت

آنچه که در بادی امر جلب نظر می کرد مشمول بند «ج» برگروهی از عناصر نشاندار دستگاه حاکمه بود، در میان دویست و چند نفر مذکور، تمام جمعی از مطرودین افکار عامه، عده‌ای از آن کسان که در طول عمر «خدمات» دولتی خویش، بزرگترین دشمنیها را با مصالح ملت نشان داده بودند یافته می شدند، آقای سردار فاخر حکمت رئیس مجلس شورای و صدر قوه مقننه که روزی از «ناسپاسی» مردم گله داشتند که چرا مجسمه ایشانرا در هرکوی و برزن بسر نمی افرازند، دکتر منوچهر اقبال، موجد قانون «تصفیه»، وزیر دائمی کابینه ها مردی که در توطئه های ضد آزادی همیشه کوشیده است تا رول «قهرمان داستان» را بازی کند و اینك بشکرانه آن «خدمات» بر آذربایجان عزیز و رنجدیده، بربهنه ستارخان وموطن حیدر عمواغلی و خیابانی مسند فرمانروائی گسترده است، دکتر مشرف نفیسی «متقدم نامدار!» که در روزهای تیره پس از «بهربور»، بنام ترمیم وضع اقتصادی و تثبیت نرخ لیره بیهای هستی مردم ذیلانه ترین خدمات را بدرگاه استعمار عرضه داشت.

خسرو هدایت مؤسس اتحادیه پلیسی «اسکی» که هنوز در کنار تایمور بنام طبقه زحمتکش ایران، بدسائس ضد کارگری سرگرم است و جماعتی ازاین قبیل در سلك بند جیمی‌ها خودنمائی می کردند حتی اعضاء هیئت تصفیه که خود از پنگروه چندان تمایزی ندارند کسانی که خود عامل و مبعوث اینسازمان نابسا مانند ناچاربعدم صلاح اینجمع اقرار کردند و آنان را قاتل تصفیه شمردند، حتی اعضاء هیئت تصفیه هم پیرده پوشی گذشته تاریك ایندسته توفیق نیافتند!

در زمرهٔ مشمولین بند «ب» آنها که ملایق و غیر مفید شناخته شدهٔ بودند نیز نامهائی از قبیل بوذری وزیر عدلیه کابینه فعلی و دکتر علی امینی، فرزند خانم فخرالدوله فئودال معروف وجود داشت.

اما لیست «هیئت تصفیه» بهیچوجه اصلاح طلبان واقعی را اقناع نمی کرد آنها ضمن آنکه جدا پای میفشارند تا مشمولین بند های «ب» و «ج» فورا طرد و ازاله شوند نمی‌توانند این کار ناتمام و کم‌عق را تصفیه بمعنای واقعی آن بیکارند، آنها روا نمی‌دارند که تنها ششصد و چند نفر بنام ملایق و نادرست از کار برکنار شوند و هزاران ناپاك یغماگر، بخرابکاری و افساد ادامه دهند درد تشکیلات زنك زده و پوسیده اداری و سیاسی ایران تنها از فساد و یا عدم لیاقت چند صد نفر مشمولین بندهای «ج» و «ب» نیست، بسرکناری، تعقیب و کیفر چند ده هزار نفر کارگردانان رژیم منحط موجود، آرزو وهدف دوستداران واقعی سعادت و رفاه ملت ایرانست، این چند قدم ناچیز نمی‌تواند مردم را قانع کند و تمایلات اصلاح طلبانه را راضی نماید، بخصوص که بررسی مجموعه لیست تنظیم شده، باز هم بیشتر تاثر آور است، در میان مشمولین بند «الف»، عناصریکه بعقیده هیئت تصفیه بایستی «خدمات ذیقیمت!» خود رادنبال کنند بکسانی از قماش ساعد و سهیلی بر می خوریم، چگونه می توان چنین کسانی را اندك مزیتی بر سزاوارترین مشمولین بند «ج» قائل شویم، ساعد که دردوران زمامداری خود بزرگترین ضربات را بر بنای آزادی وارد ساخت، ساعد که بر اساس حکومت ملی قلم بطلان کشید، ساعد که کشور را در بست بدامان استعمار طلبان افکند، چنین کسی را چگونه می توان در زمره بند «الف» آورد، چگونه می توان «بهره گیری» از وجود نامبردهرا را توصیه کرد؟!

از آن طرف نام جمعی از کارمندان شریف وخوش سابقه را در شمار بند «جیمی» ها می یابیم.

کسانیکه کمترین سابقه سوئی در جریان خدمات دولتی خویش نداشته و بیاکدامنی ودرستی، روزگار گذاشته‌اند کسانیکه اصولا شاغل مقام حساسی نبوده اند تا در بارهٔ آنان بتوان تصور سوئی داشت، این نشان می دهد که اغراض خصوصی و تبعیضات «در اخذ تصمیم» ژئر بوده و هیئت تصفیه را در پاره‌ای موارد بقضاوتی نادرست برانگیخته است.

بهر حال با وجود همه نواقص کار، با آنکه تصمیمات هیئت تصفیه، بهیچوجه افکار عمومی را قانع نمی کرد، با آنکه هیئت تصفیه، تنها با شمول بند «ب» و «ج» برگروهی ناچیز، هزاران عضو نالایق و نادرست را «تطهیر» می نمود، با آن که هیئت تصفیه جمعی از ناصالح ترین محکومین در قبال افکار عمومی را در لیست بند «الف» گرد آورده ونقاب «قدس» بر رخسار کریهشان نهاده بود، با آنکه هیئت تصفیه گروهی از شایسته ترین مستخدمین دولت را درشمار دزدان، بدکاران آورده وحق وعدالت را جریحه دار کرده بود، باابنهمه هنان چند ضربه کوچکی که بدرست برمغز کارگردانان تیره دل دستگاه حاکمه وارد شده بود آنان را بمقاومت بر انگیخت و جنجالی عجیب بوجود آورد، آنها که یکمرحق ملت لاغصب کرده وخون مردم را درشیشه نموده‌اند، آنها که کاخها و کیسه ها انباشته ودر جامه میش، گرك وار جان خلق تاخته‌اند برای نخستین بار اندکی از منافع نبعد وحساب خودرا درمعرض خطر یافتند وبجنبش برخاستند.

وزیر عدلیه که خود در شمار بند «ب» آمده بود، معطی ا- قضات «هالوتیه» دیوان کشور بیزاراست و آنان را باظهار نظر منفی، علیه تصمیمات هیئت تصفیه برگماشت، مستشاران مذکور نیز بحسب حال، «شم قضائی» را بکار انداختند و به «شش دلیل»، تصمیمات هیئت را باطل انگاشتند، آنها گفتند که تصویب لایحه «تصفیه» در کمیسیون دادگستری بعمل آمده و حال آنکه امر تصفیه مربوط بامور استخدامی است و کمیسیون مذکور صلاحیت تصویب آنرا نداشته است، آنها اظهار عقیده کردند که مصوبات کمیسیون دادگستری بطور موقت قابل اجراست وحال آنکه نتایج تصمیمات هیئت تصفیه بطور دائم نافذ و مجری است، آنها نظر دارند که بموجب قانون تصفیه، اعضای هیئت بایستی از عناصر درستکار، پاکدامن و بی نظر انتخاب شوند وحال آنکه اینعدت، در انتخاب آنان بعمل نیامده‌است و براهین وادله‌ای دیگر از بقبیل... وحال آنکه افکار عمومی ارزش این نظریات را تشخیص میداد، مردم میدانستند که سالها کمیسیون دادگستری، بخلاف مفاد قانون اساسی، بوکالت مجلس شورای رأی قانونگزاری کرده و قوانین مدنی و جزائی بوجود آورده و اجرای آنرا مقرر داشته واین «قانون شناسان» دم برنیاورده اند مردم دیده بودند که بموجب تصمیمات «موقت» کمیسیون دادگستری، صدها و هزار ها نفر، محکوم بترك شدند و بخواب ابدی فرو رفتند، «حسبهای موقت وموبد کشیدند واین «مجتهدین هوشیار»

کمترین مخالفتی نشان ندادند، مردم خبر داشتند که کمیسیون دادگستری در پائز همین دورهٔ قانونگزاری، تفاوت دربارهٔ مرام، عقیده ورویه سیاسی واجتماعی خلق را از محاکم قانونی سلب کرده و بدست نظامیان که از نظر فنی، علمی، صنفی و قانونی فاقد صلاحیتند بسپرد و این «فتوی دهندگان هالیفاکس» خودرا منسوخ گردیده، بر حرمت و مصونیت وشرف و حیثیت «مردم» خط قرمز کشیده شده و بالاخره «کیهان» تهدید کرد که گویا «انقلاب» «بند جیمی ها!» دمار از جان رژیم موجود برخواهد آورد!

بیقین از عزم حکومت «مشروطه» ایران می گذرد و ملت ما از مظالم و بیقانونیهای دولتهای «قانونی» زجر می کشد و شکنجه می بینند، چه عدالتها پایمال ستم شده وچه مشتهای قلدری که دهان حقیقت را در هم شکسته است، حقوق ملت یکسره پایمال عدوان گردید و جنایات بالاشیان آزادی، حرمت و مصونیت جان و مال و شرف وهمه چیز خلق را بباد داد، اما چه بسیار ازین «حامیان عدالت» که چشم بر هم‌اندند وبخصوصی و سکوت بر گزار کردند و تنهاامروز که جمعی از یغماگران، گروهی ازغاصبین حقوق ملت را در معرض زیانی با چیز می‌یابند ناگهان با مشتهای گره کرده بدفاع از «عدالت!» برمیخیزند و درخشانترین وزیباترین کلمات وجملات را نثار پای معاندین مردم مینمایند.

اینك نه فقط اثری از اجرای تصمیمات هیئت تصفیه مشهود نیست بلکه دولت برای ارضاء مشمولین بندهای «ب» و «ج» دست بکار شده است تا مگر کمیسیونهای دادگستری مجلسین شوری و سنا را بلغو تصمیمات متخذه برانگیزد و حال آنکه این از صلاحیت کمیسیونهای مذکور بیرونست و تنها مجلسین، راسا می توانند در این باره ابراز نظر موثر نمایند وبصحت یا نادرستی تصمیمات هیئت تصفیه تصمیم بگیرند خودداری از اجرای تصمیمات مذکور نقض آشکار قانون محسوب می‌شود وقابل تعقیب ومجازات می باشد.

هر چه که بر این قانون شکنیها می افزاید «مردم وطن ما، ماهیت سازمان منحط و منفور مدیره کشور را بهتر می‌شناسند و جدی تر و محکمتر، امیدواز «اقدامات اصلاحی!» وی برمیگیرند، مردم بی پرده تر بی می برند که نبایستی بر این رژیم نا بسامان، چشم امید بدوزند، حکومت متملق به سردار فاخرها واتابالها ومشرف بسیها نمی‌تواند بازاله وطرد این قماش دست زند، بدین سان مردم قطعی تر ومحکمتر برای قطع ریشه فساد بکوشش برمیخیزند.

مردم تشنه اصلاحات مردم مسی خواهند که دست دشمنان رسوای حق از ساحت فرمانروائی قطع گردد و اراده عامه براجتماع فرمان راند، امروز هیئتی که مبعوث همین دستگاه منفورست، خود ناچار بصحت مدعای مردم اذعان کرده و «شخصیتهای ذیقیمت!» را مهر بطلان زده است اما این چند قدم ناچیز که از طرف هیئت تصفیه برداشته شده در مانی بدرد مردم نمی گذارد.

مردم خواهان یك تصفیه عمیق و قطعی در سازمان حاکمه هستند، آنها میخواهند که دست دزدان وخیانت کاران را از مقامات دولتی قطع کنند، بمحاکمه فراخوانند وبشدیدترین جزائی که درخورند برسانند.

اما این زاهم می دانند که حصول چنین توقعی را نمیتوان از سازمان موجود داشت، میدانند که تنهایك تحول عمقی، تحول منکی بملت، تحولی که از میان خلق ریشه گرفته باشدمی‌تواند به اعماق دستگاه فاسد فرمانروا دست یابد وفساد را از ریشه مقلوع سازد، مردم نمی‌توانند بسراب‌های فریبنده دل خوش دارند و بامید تاج «نر بخش» این جار وجنجال ها و تشنگیها بنشینند

مردم باتفکر عمیقتر و نظری وسیعتر وعزمی جزم تر در تلاش تصفیه عمیق، در تکاپوی اصلاح واقعی محیط اجتماعی خویش هستند!

آزادی مطبوعات

بقیه از صفحه ۱

دیگر بمنزله توهینی نسبت بمطبوعات است.

در آن اعلامیه بطور ضمنی روزنامه‌ها مورد تهدید قرار گرفته اند که بازمیکن است بسهولت دچار سرنوشت قبلی شوند واز این جهت لازم است مراقب نوشته های خود باشند!

اکثریت روزنامه‌های ایران که از سیاست اختناق آمیز دولتها درباره مطبوعات به تنك آمده‌اند خواهان آنند که امنیت آنها تضمین شود ومورد حمایت قانون قرار گیرند نه آنکه مقدرات توقیف وآزادی آنها مبتنی براراده ویا اعلامیه افراد بخصوص باشد.

جالب توجه است که اخیرا پس از اعلامیه آقای نخست وزیر مبنی برآزادی جراید توقیف شده، یاسخی ازطرف دولت ایران به پرسش مقامات سازمان ملل متفق درباره وضع مطبوعات در ایران انتشار یافت.

ضمن این نامه دولت ادعا کرده بود که «آزادی مطبوعات در ایران اصل است» و مقامات دولتی ایران پشتیبان آزادی جراید هستند! این ادعا بنظر ساده ترین فرد ملت ایران که جریان وقایع را بچشم خود میبیند بسیار مضحکه آمیز و خنده آور است.

مطبوعات ایران نمیتوانند هم زمانی اعلامیه نخست وزیر و نامه دولت بسازمان ملل متفق را تصادفی بدانند و از توجه بدین حقیقت سود داری کنند که اعلامیه دولت تنها یك مانور موقتی برای اثبات «اصل بلامن آزادی مطبوعات» در ایران بوده و احتمالا بزودی دولت سیاست خشن خود را در بارهٔ مطبوعات از سر خواهد گرفت.

تا دولت برای آزادی مطبوعات ضمانت اجرای واقعی قائل نشود بهیچوجه نمیتوان از خطر اختناق و مطبوعات غافل ماند.

روزنامه هائی که در ایران بآزادی مطبوعات دلبستگی دارند نباید تنها یك اعلامیه ظاهر فریب دولت راکافی بدانند بلکه باید بخواهند که اختیار مطبوعات ازدست اراده‌های فردی ومقامات اجرائی خارج شود وآزادی جراید در اظهار عقیدهٔ خود واقعا تضمین گردد و متجاوزین آزادی مطبوعات بعنوان یك مجرم مورد محاکمه و مجازات قرار گیرند.

ما همکاران مطبوعاتی خود را به پیش گرفتن یك روش استوار و مبارز در قبال ماموران وتشبثات مقامات دولتی دعوت می کنیم و یقین داریم اگر روزنامه های طرفدار آزادی، مطبوعات در یك صف متحداً و جداً بمبارزه و کوشش بر خیزند نیروئی تشکیل خواهند داد که دولتها مجبورند آن را در محاسبات خود وارد کنند.

ما سیاست فعلی دولت را در بارهٔ مطبوعات بهیچ وجه نمی پسندیم وجدا می خواهیم که یك سیاست درست مبنی برحفظ حقوق مطبوعات وتضمین آزادی قطعی آنها پیش گرفته شود.

ستاره صلح

بجای یك صاح

شنیه منتشر میشود

زندگی من

بقیه ازصفحه ۳

سر هم که بادارات مختلف رفتم قسمت عمده رقم راصرف بیکاری کردم اسم،این راگذاشته بودند کار فکری ! ..

اشتغال من ، چه در محیط تحصیلی و چه در خدمت اداری ، نه هوش و فراست لازم‌داشت ، نه ذوق و شایستگی شخصی و نه قوه ابتکار ، برعکس کارم حکم ماشین را پیدا کرد .

اینطور فعالیتها را من‌ازکاردستی هم پائین ترمیدانم.این نوع کارها پست است وگمان نمیکنم بهیچوجه از بیکارگی و لاابالیگری جدا باشد - زیرا خود اینکار هم فریب‌است ، نوعی از ولنگردی‌است.»

میسائیل ، پس از رهاکردن کار اداری ، بهتربیشکی دست میزند ، نقاشی می کند ، بمملکی دست میزند و سرانجام با دختر مهندسی زناشوئی میکندودختر مهندس نیز پس از مدتی بامریکا میرود و میسائیل را حیران و سرگردان بجا میگذارد .

چخوف :معلوم نیست بچه علت، با دهقانان و روستائیان نظر بسیار خوبی ندارد و با اینکه آنان را شایسته تربیت و تعلیم میداند و برای آنها زندگی بهتری را آرزومیکند،اما مثل اینست که از حشر ونشر وسر و کله زدن با آنان عصبانی و ناراضاست .

«چه‌ضرر هائی که‌دهقانها بما میزدند ؛ امیدهای شادمان و این مساههای بهاری همه باطل بوده وتم برای ساختمان دیستان اقدام‌کرد . برای یك مدرسه شصت شاگردی نقشه ای کشیدم که مورد تصویب انجمن محلی واقع شد . . . در آغاز ماه آوریل با دهقانها به جلسه عمومی تشکیل دادیم و کوشش کردیم بآنها بفهمانیم که مدرسه شان خیلی کوچك است و لازمست بنای تازه ای ایجاد کرد . . .

دهقانها پس از هر جلسه ای که دورهم جمع میشدند و تقاضای یك کپ ودکا میکردند ، بطوری بما فشارمی‌آوردند که گرمان میشد ، زود خسته‌میشدیم و ناراضی و فرسوده بخانه بر میگشتیم . . . از همان اولین هفته ای که دهقانان کورپاولوکا ودوچینا محصول بهاری خود را جمع آوری کردند کاربهای این دو دهکده برای تهیه آجر وآهك براه افتادند اول‌صبح میرفتند و آخر شب که بر میگشتند همه کاربچه ها مست و بیحال بودند ... کاربهائی که ازشهر می‌آمدنداز توی خیاط ماهبور میکردند .

منظره کثیفی بود . . . کم کم محوطه جلوی خانه پر از اسب و تیروتخته میشد . دهقانها وزنهایشان که یاوروسی و دامنهای بالا زده‌کار میکردند، از روی خشم وغضب به‌پنجره های اطاق‌ما نگاه میکردند وبافریاد «خانم،راصدامیکردند وفحشهای زشت میدادند . . . »

کتاب بسیار خوب ترجمه شده و آقای «نکار» کوشیده اند با انتخاب معانی دقیق مطلب را با امانت و درستی بفارسی بر گردانند و سبك نگارش چخوف را نیز حفظ کنند . اما گاهگاه این رعایت احتیاط و امانت باعث شده است که مترجم لغاتی را که دربان فارسی استعمال نمیشود بکار ببرد یا درجایی غیراز جای اصلی استعمال کند . استعمال تخته بست بجای چوب‌بست« گچ‌مالی» بجای سفیدکاری یاکچکاری را بعنوان میزان مثال ذکر کرد .

لغت «لندرك» نیز که درصفحه ۱٤ بعنوان صفت برای آنمزه ایوانسف ذکر شده است . صفت نیست واسم است و بمعنی جوجه برندگانی است که تا مدتی قادر بحرکت نیستند و مادرشان برای آنها از خارج آب و دانه می‌آورد مانند جوجه کبوتر و بچه گنجشك در ابتدای پیرو آمدن از تخم .

بعضی لغتهای فارسی با الف و ت که علامت جمع مونث در عربی است وجمع‌بسته شده است مانند نمایشات و بساوجود اینکه این عمل غلط مشهوری است هم نازیباست و هم بسیار غلط است و باید از استعمال لغات باینصورت خودداری کرد .

اما بوریوبم باید باقای «نکار» که توانسته اند « زندگی من» را باین خوبی و دقت ترجمه کنند تبریك گفت .

برای اطلاع عموم اعلام میشود که:

۱- دبیرخانه جمعیت ایرانی هواداران صلح واقع در خیابان فردوسی جنب خیابان ثبت کوچه سام همه روزه از ساعت ۵تا۸ بعد ازظهردائرمیباشد

۲- روزنامه مصلحت ، ارگان رسمی جمعیت ایرانی هواداران صلح ، فعلا بطورهفتگی درروزهای سه‌شنبه منتشرمیشود.

دبیرخانه جمعیت ایرانی هواداران صلح

نمایندگان‌نامه‌نیسان درشهرستانها توجه فرمایند

از این تاریخ در آخر هرماه بدهی خود را که توسط برات‌بانکی بحساب شماره ۳٦٤٥٦ بانك‌ملی بازارحواله میشود واریز نمائید ودو صورت‌عدم پرداخت بدهی خود در آخر هر ماه از ارسال روزنامه جهت شما خودداری خواهد شد .

متمنی است بدهی، خود را هرچه زودتر تا آخرمردادماه با این اداره‌تصفیه نمائید

اداره روزنامه نیسان

اهالی محترم ورامین

روزنامه نیسان را ازبنگاه مطبوعاتی کبوتر صلح تهیه فرمائید

قلم‌های فروخته شده

بقیه‌ازصفحه۳

آنها هیچیك از وقایع کم و بیش مهم را که ممکن است مورد استفاده ناشرین روزنامه قرار گیرد بدون‌تفسیر نمیگذارند ، صاحبان روزنامه از صرف میلیونها دلار جهت تکمیل وسایل فنی چاپخانه و بدست‌آوردن وسائل‌انحصاری کسب اخبار خودداری نمیکنند . آنها کابلهای تلگرافی را اجاره کرده وبرای خود ایستگاههای گیرنده وفرستنده می‌سازند .

اداره‌های این روزنامه‌ها بهترین وسائل ارتباطی مجهز هستند . دراینجا ده‌ها دستگاه تلگرافی بدون سر و صدا اخبار را باحروف الفبا بچاپ میرسانند و دستگاه‌های اتوماتیك رادیو در تمام ۲٤ساعت شبانه‌روز از قطب‌شمال گرفته تاقطب جنوب درجستجوی اخبار منظماً کار میکنند و اخبار تمام قاره‌ها را که بوسیله گوینده‌گان رادیو پخش می شوند در روی نوار کاغذی ثبت میرسانند .

دستگاه‌های اتوماتیك اظهارات مخبرین را که بوسیله تلفون از مسافت هزارها میل صورت میگیرد یادداشت نموده و دستگاه بیله تلگراف عکسهائی را که‌از آن طرف اقیانوس مخابره می شود بچاپ میرسانند .

روزی‌رفتیم بشناسائی چاپخانه واداره روزنامه نیویورك تایمز که یکی از روزنامه‌های مؤثر مطبوعات‌سرمایه‌داری می باشد ، کارمندان نیویورك تایمز از اینکه روزنامه‌شان از لحاظ داشتن اخبار متنوع ودارابودن‌شبکه‌وسیع خبرنگاران خارجی دربین مطبوعات امریکایی رقیب است بسیار مغرور هستند .

واقعاً هم‌صفحات متعدد نیویورك تایمز دارای اخبار گوناگون و متنوعی هستند ولی بسیاری اوقات این روزنامه‌مطالب دروغ و موهومی را بنام اخبار حقیقی قالب‌میزند . اینگونه اخبارچگونه‌ازاستثار بشمار میروند .

نیویورك تایمز ازسامان روزنامیس حکومت شوروی وضع ضد شوروی‌بخود گرفت و در سالهای جنك داخلی‌شش‌بار متوالی‌خبرداد که بطرزبورك‌تسلیم گردید.

سه بار نوشت که‌در شرف‌تسلیم‌است و دوبار شایع نمودکه بطزبورك بکلی سوخته است و همچنین دو بار اطلاع‌داد که هرج و مرج‌در شهر حکمفرماست‌و شش بار اعلان کرد که انقلاب‌ضدشوروی در آنجا بوقوع پیوسته .

دولت شوروی بواسطه تبلیغات دروغ‌مجبور گردید خبرنگاران‌این‌روزنامه‌را از شوروی اخراج نماید .

درصفحه سیاست داخلی‌نیزنیویورك تایمز در عرض چندین‌ده سال اخیر روش ضدکارگری اتخاذ کرده‌است‌درصفحات این روزنامه بارها نصایحی که صرفاً صورت خریداری داشته بکار فرمایان امریکائی داده‌شده،مثلابکبار نوشته بود :

بر شعور و انضباط صنعتی کارگران نیتوان تاثیر نمود باید متوجه‌شکم شد.

روزنامه نیویورك تایمز سالهای متمادی برای روشن کردن جنك نژادی کوشش نموده و بطوری که روزنامه نگاران امریکائی اظهار میدارند ادلف اوکس صاحب قبلی روزنامه که در سال۱۸۹٦ آن‌را شروع چاپ کرده بود و با انتشار ۱۸۹۰۰ نسخه در روز چرخ اداره آن را بزور می گردانید در سال ۱۹۳۵ روزنامه را بصورتی در آورد که سالی ۲۰ میلیون نفع میبرد و روزنامه‌اش‌یکی از مطبوعات مهم امریکا بشمارمیرفت .

بدین ترتیب‌جنبه هیجان انگیز روزنامه‌ها را در امریکا مافوق هرچیز میدانندولی بخاطر چه‌چیزی این ورق پاره‌ها راچنان هیجانی‌در لجن‌زارهای‌شهر بزرك فروميكنند؟

برای‌چه . جزئیات‌جنایتها و دعواها را چنان کنجاوانه تفسیر میکنند ؟

خود خبر هیجان انگیز که مورد توجه ناشر روزنامه نیست . آنهامنظور های‌معین سیاسی‌از این‌کار دارند گوری ٤۰ سال قبل از این وقتی دزیادداشتهای مسافرت خود بامریکا نوشت که این هو و جنجال « اجتماع را گیج میکند و نمیگذارد حقیقت بکوش اجتماع برسد » حقیقت امرراکاملا روشن ساخت . یکی ازقهرمانان‌امریکائی‌یادداشتهای گورکی اظهار میدارد :

«اگر در رودخانه‌ای مقداری خس وخاشاك بریزیم ممکن است تنه درخت بزرگی در میان این خس و خاشاك از رود خانه بگذرد بدون اینکه ما متوجه بشویم ویاآنگرشما در حین بریدن چوب هسایه‌خودناشیگری کردیدچنانچه‌بتوانید بوقع توجه‌جمعیت را بطرف بچه ای که چند فال گردو دزدیده است جلب نمائید این عمل ممکن است شما را از افتضاح بزرگی نجات‌دهد . . فقط بلند تر فریاد بکشید . ای‌دزد ، ای دزد ! . . . . زیرا دزدیهای بزرك بادزدیهای کوچك استثار میگردند و بطور کلی تمام جنایتهای عظیم با ذهواهای کوچك ماست مالی میشوند . . . ملت همیشه در حالت هیپنوتیزم بسر میبرد که‌وقت فکر کردن مستقل راندارد‌وتنها گوش‌بزنك‌روزنامها است روزنامه ها هم بیلیونها تعلق دارند . . . شما میفهمید ؟ . . . »

آنچه مربوط به اخبار بزرك سیاسی است،در این‌موردورق‌پاره‌ها ومطبوعات کنار خیابان سعی دارند آنها رابصورت هیجیبی درآورده‌دگرگون‌جلوه‌کرساخته بخورد خوانندگان خود بدهند این مطبوعات هیچگاه نخواهند نوشت که واقعا چه اتفاقی افتاده است اما در هوش تمام شاخ و برگها را جمع آوری نموده و درصفحات خود منعکس‌مینماید . از تغییرات سیاسی این روزنامه‌ها بوی بیشرمی وقیحانه و دروغ پردازیهای وژیلانه ای بساحت چندین کیلومترمشام میرسد . در همین نوع روزنامه است که کانکترهای مطبوعاتی امثال دیو پیرسن (روزولت او را دروغ پرداز اخبارنامیه) قیافه خودرا ظاهر میسازند . دیوپرسن درروزنامه دیلی میرور هر روز بنوشتن مزخرفات خود تحت عنوان « چرخ فلك واشینگتن» ادامه میدهد . ولی «روزنامه های بزرك » قدری موقر تر بنظر میرسند . واشینگتن پست،نیویورك هرلدتریبون و نیویورك تایمز برای‌عده محدودتری ازخوانندگان‌ایجاد گردیده‌اند آنها رأ سناتور ها ، کارخانه داران ، وکلا و روز نامه نگاران در موقع صرف صبحانه ورق میزنندتیراژ آنها به ۲۰۰-٤۰۰- ٦۰۰هزار نسخه میرسد.

وظیفه این روزنامه احساس ترو مودبانه تر است در روی صفحات پهن این روزنامها که حروف ریزی سر تاسر آنهارا فرا گرفته سیاست امریکاساخته و پرداخته میشودو باوجود اینکه اینها نیز جای زیادی برای اخبارهیجان‌انگیز باقی میگذارالبته‌بازهم درصفحه روزنامه جاهای خواندنی نیز داردا محیط‌مسائلی که این «روزنامه‌ها»مورد‌بحث‌قرار میدهند وسیعتر ومقالات آنها بلند تر وبغرنج‌تراست . کارمندان روزنامه های بزرك امریکائی خود را افراد بسیار مطلع میدانند .

فصلی از طوفان

بقیه از صفحه ۱

«بریا ! » کشیده ای بصورت پرفسور کوفت . وقتی‌آلبانی رفت (دوما)بادست‌صورت خودرا پوشانید . بفکرفرف . اینك‌ساعات آزمایش فرارسیده‌است پیر است شاید قدرت‌تحمل‌شکنجه راندانشته باشد . ولی در عوض خود را بخوبی می‌شناسد میداند که تسلیم نخواهدشد . و تقاضای بخشش نخواهدنمود . او (نازیها) راحشرات درشتی میداند . چنین حشراتی فقط باید بمیرند .

— اوهوی پرفسور !

کنار پنجره رفت و گوش‌فرا داد

— آقای پرفسور ! ژرژ یکی از دانشجویان که سردرس‌شما حاضر میشده بشما پیام‌میفرستد . میگویدمحکوم به‌اعدامش کرده‌اند. بزودی تیرباران خواهد شد . درود می‌فرستد . . . صبر کن . . . میخواهد چیزی بگوید . . می گوید که از دیدن شما در اینجا برخورد می‌بالد . »

(دوما) اندیشید. خوشبختانه آن(بوش) کثیف‌اینجانیست. خیال‌میکرد که از دست او بگزیر افتاده‌ام . هر گز این ژرژ را نخواهم شناخت در آمفی تأتر کنار سایرین نشسته بوده . . . محکوم به اعدامش کرده‌اند . برمن درود می‌فرستد. مرا برسر جرأت می‌آورند . . اینجا قدرت از چشمان متوقف میشود: اینجا نمی‌توانند‌مردم رابه‌بستی و بی‌شرافتی محکوم کنند . . . دراینصورت چه مردم شجاعی داریم ! . . ادعامیکنند که فرانسه منحط شده‌است. در این ادعا حقایقی هست . اتحاد بین ما کمتر است . قدرت ما کم است . عده زیادی را بیه گرفته است . . . ولی چه کسانی ؟ « مای‌قلب‌بین. » . . . (شاریته) و (دیدی) خائن‌اند . . . ولی تعداد آنها چقدر است . . . فرانسویها خصوصیتی دارند وآن انسانیت است . البته مسلم است ما انسانیم هم در قهرمانی و هم در دوران ضعف ، هم در سرسفره ، هم در مماشرت با زنان و هم در باریکاه‌ها . من با انگلیسی‌ها ، نروژی‌ها و حتی با (کوتهز) کار کرده‌ام . شاید آنها تبرتر . قوی‌تر اشرافی‌ترند . ولی‌ما انسانیت‌مان بیشتر است . فاشیست‌ها هر چه بخواهند به نویسند . شایستگی‌بشری وجود دارد. این شایستگی‌است که ژرژ را وادار میکند با آرامش بانتقبال مرك‌بشتابد . همین شایستگی است که مرا بزندان کشانده است .خیلی‌ها شایستگی دارند . ماری . . . و کسی که بردیوار کلبه (استالینگراد) نوشته است . آن که شعار می‌نویسد در فکر انتقام‌جوئی یا ترس از مجازات نیست . برای افتخارات و سوداگری در کنفرانسهای بعد از جنك خود را بخطر نمی اندازد . او در باره شایستگی می‌اندیشد . میداند که آهن قادر بدرهم شکستن (انسانیت) نیست . گوشت را میتوان بریدا‌ستخوان‌رامیتوان شکست‌ولی‌انسانیت‌را . . . هرگز نمیتوان! . .

(دوما) لبخند سعادتمندانه‌ای زد . آلبا او را بسا دیده اندوهباری نگریست پیش خود گفت : پیر مرد از ترس دیوانه شده است . . . .

م . صبحدم — انتقاد کتاب

زندگی من

بدون تردید امروز آنتوان پاولویچ چخوف یکی از سر شناس ترین نویسندگان دنیاست و کمتر زبانی است که آثار این نویسنده نابغه و هنرمندبدان ترجمه نشده باشد .

وضع محیط چخوف و زمینه‌یی که‌وی در آن نویسندگی خود را آغاز کرد ، طوری بود که اورا وا میداشت مطالب خود را در لباس ظن و استهزا بپوشاند و بحقایق تلخ و غم انگیز صورتی هزل انگیز دهد . روزگاری که چخوف نخستین مراحل زندگانی ادبی خویش را میگذرانید ، دوران احتناق شدید آزادی و بستن زبانها و شکستن قلمها بود و برای اشاعه افکار آزادی‌خواهانه و نبودن راه زندگی درست ، راهی که به بهروزی تودهٔ مردم منتهی میشود ، هیچ وسیله یی جز نوشتن داستانهای انتقادی هزل آمیز وجود نداشت آنتوان چخوف نیز در آن روز ها یك محصل سادهٔ دانشکده پزشکی بود ، ناچار افکار خودرادر روزنامه های فکاهی ، روزنامه‌هایی که درآفروز گار ومد تمام صفحاتشان بشرح دعوای عروس و مادر شوهر ، و داماد و پدر زن در پرسش خانمها و روده درازی خاله قزیها وعمه قزیها اختصاص داده شده بود انتشار دهد .

از این گذشته چون صفحات روزنامه های فکاهی گنجایش داستان های دراز را نداشت و نوشتن یك داستان در شماره های متوالی یك روزنامه فکاهی کار خوبی نبود ، چخوف ناگزیر ، آنچه را که میخواست بیان کند ، درقالب کوتاهترین الفاظ و عبارات میریخت و از حاشیه رفتن اجتناب میکرد . این‌دو قید ، با اینکه در ابتدای کار نوشته هنرمند و نابغه روس را آزار میداد ، سر انجام ویرا در نوشتن داستانهای کوتاه و انتقادی چنان ورزیده و استاد کرد که دیگر کسی نتوانست حتی از سبك او تقلید کند .

روش چخوف در نویسندگی ، سهل ممتنع‌نویسی است . همانگونه که امروز پس از هفتصد سال کسی نتوانسته است از انشاء سعدی و دبیری او تقلید کند و جمله هائی برواني‌وسلاست‌و زیبائی وی بسازد ، چخوف نیز درنویسندگی تا کنون بی رقیب مانده و کلماتی را که برای‌بیان مقصودخویش انتخاب میکرده است ،چنان بلیغ و جاندار‌وروانی‌مقصودبوده‌است که‌هنوز نیز تقلیدازآن‌کارمشکلی بنظر میرسد .

چخوف در نوشتن نوول ، مهارتی‌حیرت انگیز داشت .

همین کوتاهی و سادگی بیان و بلاغت فوق العاده و دید وسیع و دقت نظر عجیب وافکار مترقی و عاطفه بشر دوستانه و انشای شیرین و جذاب چخوف باعث شد که‌درانندك‌مدتی‌باوج‌شهرت‌وافتخار برسدو نوشته‌های‌او درسراسر گیتی‌خوانده فراوان پیدا کند .

خصوصیت‌دیگری که‌درنوشته‌های چخوف هست واز نظرما ایرانیان بسیار حائز اهمیت است اینست که نوشته‌های او ، بیش از آثار قلمی هرنویسنده دیگر خارجی ،بزبان فارسی قابل ترجمه است و جمله‌های کوتاه و مقطع و زیبای وی چنان لباس فارسی می‌پوشد که گویا نویسنده آن را بزبان فارسی برشته تحریر درآورده است :

این خاصیت آثارچخوف باعث شده است که از دیر باز ، مترجمین‌ایرانی بترجمه آثار این نویسنده بزرك همت گمارند و این توجه بترجمه آثار چخوف بیشتر به برگردانیدن داستانهای کوتاه وی بفارسی معطوف شد و اینك بعضی از نوولهای چخوف را میتوان یافت که دو سه بار ، وتوسط دو سه مترجم بفارسی درآمده است .

کارساده نویسی و ایجاد کلامٔ چخوف بجایی رسید که خود نویسنده نیز دیگر نمیتوانست آثارها کند مانند بعض نویسندگان دیگر با طناب و تطویل کلام بپردازد درین هنگام از قدرت فوق‌العاده خویش را درین باره احساس کرده و ادعا کرده است که « من قادرم تا در باره موضوعات مفصل باختصار سخن گویم .»

در نوشته‌های چخوف علاقه‌شدیدبه بهبود زندگی‌طبقات‌محروم وزحمتکش اجتماع دیده میشود یکی از دلایل شاخص تمدن آثار او نیز همین است که اومی کوشید برای نخستین بادر برابر نویسندگان اشراف منش روس از قبیل ایوان تورگنیف‌ولوتالستوی که قهرمانان داستانهای خود را از میان کنتها و دوکها و بزرگان قوم و متشکین « و نجبا »انتخاب می‌کردند،تمام قهرمانان‌داستانهای خود را از میان مردم‌عادی وزحمتکش ، مردم محروم ، پیشه‌وران ،کارگران، روشنفکران‌نیمه‌است وطبقات پائین اجتماع انتخاب کند و قیافهٔ واقعی زندگی مردم روس را با رنجهایی که میبرند و زحمتهایی که میکشند و محرومیتها می که متحمل می‌شوند نقاشی کند . در ابتدای امرسچوف بشودن راه بهروزی و سعادت خلق چندان توجه نداشت ولی همچه بسر فساد اجتماع روسیه تزاری افزوده میشد و هرچه‌دستگاه حاکمه بیشتر درلجنزار فساد وتباهی غوطه‌ور میشد و هرچه‌مردم بیشتر زیرفشار فقر وتهیدستی غوطه‌ورمیشدند ،چخوف که خود از میان مردم برخاسته‌واز آنان نیرو گرفته و زندگی آنانرا‌الهام‌بخش آثار جاویدان خویش قرار داده بود ازاینکه نمیتوانست راهی‌را که بمقصد عالی قهرمانان داستانهای‌او منتهی می‌شود بدانهانشایابد رنج میکشیدو افسردگی‌خاطر خویش.با این عبارت بیان‌میداشت: تواگرنمیتوانی‌باین‌سئوال‌مهم‌واصلی‌جواب‌دهی دیگرنوشتن‌توجه میدهد‌ازآن‌کارمشکلی

کتاب « زندگی من » گوشه‌ای از سرگردانیهای جوانی را که‌میخواهد در راه زندگی شرافتمندانه گام بردارد نشان میدهد . این جوان ازیك خانوادهٔ قدیمی و نجیب است که امروز تمام خواسته های‌خود را از دست داده اند.میسائیل قهرمان داستان — پدری محافظهٔ کار دارد که‌تنها‌معمار شهر است و «فکرهنرش از حدود اطاق و سالن تجاوز نمیکند . » میسائیل که از بدبختی مردم رنج میبرد و نمیخواهد از کیسه‌مردم نقره‌راهشه کندوسربار آنان باشد « افتخارات» خانوادگی خویش را بهیچ می انگارد و بزندگی « اداری » خویش پشت پا میزند : «آخر

بقیه درصفحه٦

قلم های فروخته شده

« روزنامه ها را تروستها منتشر میکنند ، تروستهـا و کارگـردانان تروستها خود را به صاحبان منفازه های اونیورسال و آگهی دهندگان بزرك فروخته اند بطور کلی روزنامه ها بعدی گـران فروخته شده اند که مطبوعات امریکا را بهیچوجه نمیتوان رشوه‌خور نمود . پولی که با آن بتوان روزنامه‌نگاران‌فروخته شده رادوباره خریداری کرد وجود ندارد »

مایا کفسکی « کشـف امریکای من»

در سال۱۹۲٦ مایاکوفسکی‌نوشت « افکار عمومی » امریکا را روزنامه ها میسازند . از آن وقتتا امروز آب زیادی از غلیج هودسن جاری شده و امریکائی متوسط الحال از خیلی چیز ها عقیده اش بر گشته است و اینك طرز انتقاد از «خدای روحی » را که بوسیله ۱۲۸۰٤روزنامه و۱۹٤۹۷نوع‌انتشارات نامرتب دیگر برایش فراهم میکردند فراگرفته‌است — بـا این وجود اگرما بخواهیم کوشش‌وسیع‌و مجدانه روزنامه های رنگارنك ولی یکنواخت و خسته کننده امریکا رادر مورد‌تلقین «افکار عمومی » نا چیز بشماریم بسیار اشتباه کرده ایم .

در باره ما هیئت مطبوعات سرمایه داری امریکا راجع به رسوم و روشهای مطبوعاتی آن کتب جالب زیادی نوشته شده ولی فقط زمانی ممکن است صورت حقیقی مطبوعات امریکارا پیش‌خودمجسم نمود که انسان آشنائی بیشتری با آن پیدا کند و طرز کار آنها را عملا ببیند .

من برای اولین بار در تابستان سال ۱۹٤٦ در کنفرانس صلح‌پاریس‌توانستم کار خبر نگاران‌آمریکائی رابطرزدقیقی مشاهده نمایم . در کنفرانس ۲۸٤ روزنامه نگار ویژه اعزامی از آمریکا حضور داشتند و از همان وهله اول طرز کار « مخصوص » آنها به چشم میخورد .

آنها بسیار سریع ، دقیق و مبهم کار میکردند مثل اینکه پشت‌یك‌دستگاه اتوماتیك قرار گرفته باشندهمانطورکه در کارخانه ها تقسیم کار وجود دارد ، بعضی روزنامه نگاران‌در سالن کنفرانس کشیك داده اظهـارات ناطقین را یادداشت‌میکردند‌دیگران‌یادداشت‌ها را تصحیح نموده و تبدیل بگزارش میبودند ودسته سوم گزارشها را بوسیله تلفن ویا تلگراف مخابره میکردند . در دقایق بیکاری روز نامه نگاران کتابهای خود را بیرون آورده بپشت صندلیها میآویختند و در کناردستگاه های تلفن وتلگراف خود با وجود صدای ده ها ماشین تحریر مشغول ورق بازی میشدند

یك خبرنگار امریکائی بمن گفت که — کارکار است‌چه‌فرق میکند انسان مقاله بنویسد‌و آبجو بفروشد ویاخانه بسازد ؟

فقط باید عایدات خوب داشته باشد.

روز نامه مرا ارتجاعی می نامند

اربابان من در صنائع پارچه بافی منافعی دارند و اینموضوع خطی مشی روز نامه را مشخص مینماید ولی‌آخرچه ربطی بکار من دارد؟!

این خبر نگار ازدرآمد خودراضی بود و تنها از این بابت که اربابا بش مدت مدیدی او را دراروپا نگاه داشته بودند ناراحت بنظر میرسید . . اواساسا خبرنگار جنگی است و اکنون مجبور گردیده خود را برای روشن کردن کار های کنفرانس سیاسی آماده سازد . دسته کوچکتر دیگری از مفسرین‌سیاسی که شایع است در (سیاست سازی کمك میکنند) بکلی زندگی دیگری داشتند آنها اصولا درتالار کنفرانس حضوربیدا نمیکردند و وقایع آنجا بهیچوجه مورد توجهشان واقع نمیشد . زندگی آنهادر بارها وسالن‌های‌مشاوره‌سپری میگردید.

در آنجا ممکن است خبرجالبی را از یك کارمند آشنائی بدست آورد و روحیه نمایندگان امریکائی‌را تعیین نمود وبعدا طبق اخبار موجوده مقاله خودراتهیه‌دید.

ولی این‌نوع‌روزنامه نگاران‌اشراف منش نیز دارای همان خصوصیاتی‌هستند که وقایع نگاران کوچك دارند — کاربنفع ارباب وطبق سفارش ارباب .

نماینده یکی از بزرگترین‌روزنامه های امریکا در کنفرانس صلح پاریس مفسری بود که در زمان جنك بعنوان خبرنگار نظامی درشوروی بسر میبرد . درآن سالها او وضع زندگی حقیقی کشور شوروی را روشن میساخت وحتی کتاب خوبی درباره ارتش سرخ نوشت . آن وقت ناشرین امریکائی بچنین کتابها احتیاج داشتند . این مفسر هنوز هم بسیاری از اوقات احساسات دوستانه‌خود را نسبت به شوروی تکرار مینمایدلیکن اینموضوع بهیچوجه‌مانع این نیست که در تفسیرات‌روزانه‌خودروش‌حقیقی‌نمایندگان شوروی را بغلط تفسیر نماید .

این تفسیرات زورکی با خط مشی روزنامه موافقت دارد ومفسر مجبوراست ازوجدان خود صرفنظرنماید .

ولی اکنون‌شما در امریکا هستید و آنچه که ازگوشه وکنار در کنفرانس پاریس منعکس میگردد در اینجا انسان را بی اختیار گیج و متعجب می کند و چشمانش را میسوزاند...

درامریکا درتمام ساعات شبانه روز روزنامه منتشرمیشود . آمارگران‌حساب کرده‌اند که در امریکا هر۳۰ ثانیه یك روزنامه ازبرج چاپ خارج میگردد . در هرساعت شبانه‌روز که بخواهیدمیتوانید روزنامه قطور و تازه چاپی که هنوز رطوبت رنك چاپخانه‌اش از بین نرفته از کیوسك روزنامه فروشی ابتیاع فرمائید .

این روزنامه‌ها از ۲٤ تا صد صفحه به‌تفاوت میباشند .

مطبوعات را در امریکا « صنعت تولید افکار عمومی» مینامند وانصافاباید گفت که سازمان مطبوعات امریکاکاملا صورت صنعتی پیدا کرده‌است .

سرمایه‌های هنگفتی‌در‌رشته‌مطبوعات کارگمارده شده‌وانحصارهائی که‌مطبوعات را در دست دارند واقعا صاحب قدرت عجیبی میباشد .

ظاهرا درامریکا آزادی مطبوعات وجود دارد ولی همانطور که خود امریکائیان میگویند کسی که اقلا ۱۰ و یا پانزده میلیون دلار پول نقد در بانك نداشته باشدهیچوقت‌بفکرتاسیس‌روزنامه نخواهد افتاد .

سیستم انحصارهامطبوعات رامحکم در دست خود نگاهداشته اند وطبق نوشته روزنامه‌نگار امریکائی ژرژمربون در‌کتاب «مطبوعات آزاد» تمام‌روزنامه های۲۵ شهر بزرك امریکا به سه نفر تعلق دارند . .

دروغ پردازی های هندی مطبوعات ارتجاعی امریکامانندمطبوعات «پرست» «روی‌هوارد» و پاترسن- ماك کرومیك و لیبخواهد از کیسه‌مردم نقره‌راهشه کندوسربار آنان باشد « افتخارات» خانوادگی خویش را بهیچ می انگارد و بزندگی « اداری » خویش پشت پا میزند : «آخر

بقیه درصفحه٦

رقم یکچهارم تعدادتمام روزنامه هائی‌است است که‌روزهای یکشنبه و روز های معمولی در امریکامنتشر میشوند .

روزنامه های دیگر را نیز که‌رسما به انحصار های مذکور بستگی ندارند ولی اخبار خود را از خبر گزاری (اینترناشیونال‌نیوز)متعلق‌به هرست کسب میکنند .

باید باین عده اضافه نمود . علا تعدادروزنامه‌های‌امریکائی که‌باخبرهای مافوق ارتجاعی خود افکار خوانندگان را مسموم مینمایند به ۲۲ میلیون میرسد !

اینست صورت‌نامرئی‌وپشت پرده‌ای مطبوعات آمریکا اینست دستگاهی که ماشین عظیم و بغرنج «سازنده افکار عمومی کشور » را بکار میاندازد .

حال یك کیوسك معمولی روزنامه فروشی را در نظر بگیریم . گمان نمیرود روزنامه فروش ساده که در پشت دستگاه ایستاده است متوجه باشد که در خدمت باین ماشین عظیم چه ولی را انجام میدهدو با کالای‌زهرآلودی‌تجارت میکند .

اکنون بسوی کیوسك‌روزنامه‌فروشی بر گردیم‌و کالای‌رنگارنك‌اورابررسی‌نمائیم.

روزنامه‌هائی که‌در ۷۰ صفحه‌و بقطع نصف مجلات معمولی با گراورهای‌بسیار قشنك وقیمتی که برای‌عده‌زیادی‌خوانده تهیه شده در جلوی شما افتاده است‌اینها ارزان ترین مطبوعات امریکا هستند — قیمت تکفروشی‌هر شماره ۲ سنت(تقریبا ده شاهی) تمام صفحه اول چنین روزنامه ها را (دیلی نیوز و یا .دیلی میرورز) آگهی‌بزرگی که با حروف‌یك(دویمی) چاپ شده اشغال نموده است و مهیج ترین عکس روز در زیر آن گراور گردیده : جسد آخرین قربانی راه‌زنان، هوا پیمای مشتعل، عکس قاتل و یا کسی که جبرا ازاله بکارت نموده و لحظه ها ی‌پیش گرفتار شده اتفاقاً همین روزنامه ها است که بتعداد زیاد چاپ میشودمثلا دیلی نیوز در۲ میلیون نسخه ودر روز های یکشنبه در ٤ میلیون نسخه منتشر میگردد . تیترهای این روزنامه هاشما را گیج میکند . یا دو سنت شما را از جزئیات تمام آدمکشی ها ، سوانح ، کلاهبرداری‌ها ، عروسی ها و شب‌نشینی های رجال که یك ساعت قبل‌بوقوع پیوسته بحد اشباع باخبرمیسازند .

« بزرگترین آتش سوزی‌درتاریخ امریکا ، حریق مهمانخانه ۱۱ — وآتلانتا ۱۲۵ نفر زنده‌زنده‌در آتش‌سوخته‌اند؟» و در زیر این کلمات عکسی کلیشه شده زنی که ازطبقه‌چهاردهم عمارت مهمانخانه بر روی پیاده‌رو سقوط مینماید .

« اولین زنانی که در تور نتو (کانادا) بانهام راهزنی محکوم باعدام شده‌اند » و باز هم گراور .

اگر روز بروز شماره های این روزنامه‌ها را مطالعه کنید بی اختیار فکر خواهید کرد که در امریکا غیر ازقتل ، سواغ ، محاکمه های پر سر و صدا و اعدام وقایع دیگری رخ نمیدهد — صفحات این روز نامه‌هاسلو است از دقیق ترین عکسها. اتومبیل شکسته اجساد کشته ها و صحنه‌های زد و خورد هیچگونه‌ایراد فنی باین عکسها نمیتوان گرفت و هر قدر آنها و حشتناك تر و مثیر کننده باشند شماره روزنامه را عالی تر میدانند . آخر روزنامه باید خوانده را گیج و متعجب نماید .

لازم بتذکر نیست که سیل اینگونه اخبار مهیج روحیه (پسیکو لوژی) خوانندگان و مخصوصا جوانان را فاسد و آنها را جانی بار میآورد وبدینطریق بر تعداد جنایتها میافزاید اما اگر کسی بخواهد بر ضد این سبك روزنامه هاقیام نماید فوراً او را متهم بسلب آزادی کذائی ازمطبوعات امریکا خواهندنمود.

بقیه درصفحه٦

از ایلیا ارنبورگ — ترجمه م ـ هوشیار

فصلی از طوفان

ساعات آزمایش

فرانسه در زیر چکمه سربازان هیتلری است

(ماری) خوشحال بود : پروفسور(دوما) تقبیر اخلاق داده . با اشتهادو بشقاب سوپ بیاز خورده وگفته بود : «خیلی خوشمزه است » بعد لباس پوشیده بیکردش رفته بود . تاکنون(ماری)نتوانسته بود اورا به‌خروج ازمنزل و گردش وراه پیمائی وادار کند همیشه پاسخ می‌شنید که هوای آزاد باقی نگذاشته اندهمه جا گرد طاعون پاشیده اند» ولی امروز به(ماری)گفته بود :

ـ بشهر میروم به بینم‌چه خبر است ،حالادیدنشان لذت دارد . گردش وتفریح میکنند هر چه زودتر گورشان کنده میشود...

(دوما) دمبار بیشتر ازچنك (استالینگراد) و جریان‌حوادث آنجا برای (ماری) صحبت کرده بود . بااینحال (ماری) تغییراخلاق ناگهانی او را به دهاهای که درباره اش کرده بود نسبت میداد . اوقاتش‌تلخ شده‌بود میدید پرفسوراز منزل بیرون نمیرود اشتهایش کم‌شده مرتبا پیپ میکشد . دکتر (موریلو) اظهار کرده بود : «خربان قلبش نامنظم است »

هر یکشنبه(ماری)ازحضرت‌مریم برای‌پرفسور شفامیخواست از دعای خود چیزی به (دوما) نمیگفت : برایم میخندد ،ولی‌خنده ندارد . داشتند است اما بعضی چیزها رانمیداند ...

(دوما) شکنول بود ازهرچیز خوشش میآمد . ازهوای‌خنك وشفاف ، بچه‌هائی که ازسکو می‌پریدند ؛ پیرمردی که باتول‌سك موریغته اش‌گردش میکرد . ازجلو کلیسائی میگذشت . ماری هر یکشنبه در اینجا برایش دعامیخواند. عده زیادی جمع شده‌بودند: افسران آلمانی ، ماموربن‌پلیس ،وزجال مایس باباس هزا ،«موش خرمائی‌ها» و زنان فرانسوی بیگفتگو مجلس ختم‌یکی‌از شخصیت های بزرك آلمانی برپا بود . فقید مسلما‌زدکاوت‌بهره‌وربود : در انتظارمجازات تاریخی نمانده است ...

اشخاص ساده لوح در جلوخان کلیسا ازدحام میکردند :

(دوما) پرسید :

ـ چه کسی مرده است؟

یکی جواب داد :

ـ برای مدافعین اروپائی استالینگراد دعا میکنند .

(دوما)روزنامه نمیخواند.محرمانه به اخبارادیولندن‌ومسکو گوش میداد . از اینرو اصطلاح «مدافعین اروپائی » بنظرش مضحك رسید . خیلی تلاش کرد تا جلو خنده اش را بگیرد . بعدا‌کی گفت :

ـ ؛ رمودید اروپائی ؟ نه لابد میخواهید بگوئید آلمانی. به بینید من فکرمیکنم‌او وبائیم.زنرال‌رو کوسوسکی هم نه آسیائی است ونه‌امریکائی...

راه خود بیش گرفت بالذت پاك‌های عیقی به پیپ میزد . هرچه بخواهند حاضرم تقدیم کنم برای آنکه « همکار عزیزم » را یکبار دیگر ملاقات کنم . چه بوقع برایش گفتم :بضررتان تمام خواهد شد ... میگفت از ما تقاضا میکنید که از: دانش و تمدن و بشریت دفاع کنیم . بارها از پیشرفت بشریت برایش صحبت کردم بهتر بود چیزهای دیگری نیز به او میگفتم ولی چگونه ناگهان کله شقی اش گل کرد ...

(دوما) پس ازدو ماه بیماری و دلتنگی اولین باربود که از منزل خارج می شد . بملاقات (لئو) شتافت . دربان جلویش را گرفت .

ـ ازاینجا رفته اند ...آلمانهایی آلپرت‌میگفتند پریروز دوباره برای تحقیقات آمدند . ازمسن جای شانرا پرسیدند ...

(دوما)غریدا:

ـ چه جماعتی ! مجلس دعـابر پا میکنند در عین حال چشم دیدن مرد با شرفی را ندارند . غولان خونخوار! دربان میلرزید :

ـ آقاشما را بخدا قدری‌آهسته تر ! ..مستاجرینی داریم که میخواستم سربه تن شان نباشد..

آرامش(دوما) رخت بربسته بود از خشم میلرزید . به‌اولین آلمانی که مصادف شود بامشت حمله خواهد کرد و بدون‌اینکه در انتظار قضاوت تاریخ نشیند برود (سن) پرتش خواهد نمود .

از خیابان وارد کوچه تنك و قدیمی شد . بر دیوار با کچ نوشته بودند : «استالینگراد »(دوما) خنده اش گرفت: همه‌میدانند که (بوش) ما روزهای آخر عمرشان است چه خوب که (لئو) تغییر مکان‌داد مدتی است (آنا) برایم نمیآید .بلای سرش نیامده باشد ! ... آه‌اگر نیروئی در ساحل فرانسه پیاده می‌شدکار تمام‌بود طرابلس راگرفته اندکار خوبی است پاریس‌نیز ارزش آن دارد که دو باره اش ببینندشد ...

بعد از استالینگراد آلمانها دیگرنمیتوانند کبوترست کنند. این‌آخرین رپتیسون است .

به به چه عمارت زیبائی ! دست کم سیصدسال پیش ساخته شده... درانیجا مرد خوشبختی باکلاه پردار (کاندید) را بعنوان تازه ترین کتابها مطالعه کـرده است. ژاکوبن ها سوگند یاد کرده‌اند : «یا مرك یاآزادی !» آنوقت نازیها کوشیده‌اند این شهررا تفریحگاه سربازان خود کنند !

(دوما) باز کلمه استالینگراد را بر پله‌ای نوشته دید. برسر در خانهایله کاها این کلمه نقش‌بسته بود .

ـ خفه‌شو ! والا تراهم جلب‌میکنم .

(ماری) گریه‌اش گرفت . ناگهان بخاطـر آورد وقایـع استالینگراد راکه از پرفسور شنیده بود بخاطر آورد :

آنجا اینقدر از (بوش) ها را نابود کرده اندکه بشماره نمیآید . پرفسور گفته بود چقدر از آنها راکشته اند ولی (ماری) فراموش کرده‌بود.

بهر حال «ه» زیادی از آنها راکشته اند و چه کار خوبی کرده اند . باید همه‌شانرا از بین برد . مخصوصا این افسرك کثیف را . بچه چرائی سربرفسور داد میزد؟..

(ماری) شروع به دعاکرد . هرگز با چنین سوز دل دعـا نخوانده بود . می‌فهمید که گناه است‌با اینحال مرتب تکرارمیکرد: « خداوندا‌همه شانرا بکش ! خداوندا کاری بکن که‌این‌مردم‌آزارتا فردا صبح کشته‌شود ! خداوندا وسیله‌ای‌فراهم نما که پاریس‌استالین گراد ثانی شود ! »

(دوما) فکر کرد : میخواهند بازپرسی کنند . بایدجوابها را آماده نمود ... نکندقدامات‌او را برای رهائی بهودیان گزارش داده اند ؟ و یا شاید سخنان او را بر درخانه (لئو) شنیده اند ؛ یا اینکه (نیول) خیانت کرده است؟ باید بگوید : « انگارنمیکنم من دانشمند علم‌مردم شناسی هستم . شورپهای شما مهملاتی بیش‌نیست من یهودی نیستم ؛ شماستاره‌زردرا بصورت نشان شهدادر آورده‌اید» شاید حرفهایی‌راکه هم امروز در جلوخـان کلیسا زده ام گزارش داده اند؟ دراینحال‌جوابشان رامیدهم : « هانری٤میگفت که پاریس ارزش مراسم دعائی را دارد. هیتلر نیز عقیده دارد که استالینگراد به مراسم تدفین مردگان میارزد...»

سروان خواب آلودی نام و سن و شغل و محل تولدش را پرسید . دخترك موفرفری سئوال وجوابها را ماشین میکرد.یکبار گفت : « نام تانرا هیچی کنید .. »

ساعت و قلم خودنویس و قرصهای مسکن راکه برای‌رفع سردرد میخورد ،مصادره کردند . پیپ را بخودش پس دادند ولـی توی توتونها را گشتند . سپس بسوی زندان (فرن) روانـه اش ساختند .

سلول تاریك بود . (دوما) همه جا را وارسی کرد. جمله هائی راکه برخنت یا ناخن یـا سنجاقی بر دیوار نوشته بودنـد میخواند : « بخاطرفرانسه میمیرم. ژان موریته ۱۹ نوامبر۱۹٤۲» « مواظب (شارتیه) باشید . خائن است.»

« به مادام دوریاك ساکن (بولوا) بگـوئید که پسرش آنطور که شایسته بود مقاومت کرد و در آستانه مرك اوتوامی بوسد . »

(دوما) حس کرد که تنها نیست . حس کرد تمام این مرده ها همراه اویند «شارتیه » بر جنـس‌لعنت ! .. ولـی (موتیه) ، (دور پاك) - اینها انسانهای حقیقی هستند .وقتی چنین انسانهائی وجود دارنـد .مرك‌هـر گزوحشت آور نیست ...

فردا صبح (دوما)صدای مبهمی شنید . گوش خوابانید کم‌کم صحبت هارا تشخیص میداد .

زندانیان با یکدیگر ازشکاف در صحبت میکردند . اینکار قدغن بود ولی مردانی که رهسپار دیار مرگـند ازمجازات باکی ندارند .

(دوما) بدقت گوش‌میداد . (پیتو) با (رنه) و (پیر)با(سرن) صحبت میکردند (سروژ) چلیك ساز را صدامیکرد ولی جوابی نمی شنید.. از بازپرسی‌ها سخن میراندند :

(پیتو) را دوباره شکنجه داده اند . او گذشته را بیاد می آورد : «یه‌سن بکو روزی راکه درجنگل راه گم کردیم بخاطر آورد » خبرهای مهم را بیکدیگر باز میگفتند :

ویکتور تیریاران شده است . باید مواظب (دبدی) بود .

(دوما) فهمید که رشته‌ای اینان را بهم مربوط میسازد . خود رادراین میان غریبه میدید . از اینرو اندوهگین‌شد .

سپس شنید :

ـ اوهوی ! تازه وارد ! درباز پرسی خودرا چه‌کسی‌معرفی کرده‌ای !

ـ پروفسور دوما .

ـ کجا دستگیرت کردند ؟

ـ منزلـم داشتم کتاب میخواندم دو (بوش) بایك جاسوس مرموز رسیدند .

کتابهابرا بهم ریختند .

سکوتی‌برقرارشد . (دوما)خوشحال‌شد: اگرهم‌جزءتشکیلات شان نیستم باز بامن صحبت میکنند. لابد میپهند که من خیانتکار نیستم و گرنه با زندان سروکاری نداشتم ...

ـ اوهوی ! پرفسور ! از خارج چه‌خبر ؟

(دوما) بهیجان آمده آنچه از استالینگراد میدانست شرح داد آلمانها مراسم دعا برای کشتگان خود برپـا کرده‌انـد . بعد اضافه کرد :

این کثافت‌ها خود را (اروپائی) می‌نامند !

آهسته ترلازم نیست دذیرنی... واقعا که‌عجیب است: دعا برای مردگان در آن دورها کله‌ای طنین انداخته بود !

«استالینگراد» این کلمه از سلولی به سلول دیـگر همراه گفته‌های پرفسور دمان بدهان میگشت .

سپس سکوت برقرارشد . یکنفر آلمانی وارد سلول(دوما) شده‌بود نعره‌زد :

بقیه درصفحه٦

بقیه‌ازشماره پیش

بیهوده نیست که مولف معتقد است تو سمه نهضت های مردم مستعمرات از عوامل مهم «بحران امپراطوری بریتانیا» میباشد . براثر همین نهضت ها ست که منبع اصلی در آمد های ممالك مستعمره دارو‌ممالکی که‌بحساب‌ملت‌های‌مستعمرات طفیلی گری مینمایند، رفته‌رفته می‌خشکد و بحران سیستم امپریالیسم را عمیق تر و شدید تر میکند ، شیون‌داول اروپای غربی و در موزد کمبود عواید وافزایش مخارج ،درموود کسر بود چه وقفدان‌ارز ، پایه از همین جریان نتیجه گرفت .

« بالم دات » مینویسد : بحران نیستم استعماری پـایه های اقتصاد فساد یافتـه و طفیلی شده را در هم ریخته و انگلستان را با اروپای غربی به‌بحران دلار کشانده است . کاهش حاصل در در آمد مستعمرات ، عواید کشتی رانی و بند وبست های مالی ـ کاهش که از بحران سیستم استعماری سرچشمه میگیرد ـ کاهش ساده‌ای نیست کـه در جریان تجارتهای‌مستعمراتی بوجود آمده‌باشد... این کاهش نشانه آنست که کشورهای مزبور نمیتوانند حساب کالا های منطقه دلار‌را‌اتصفیه نمایند .بحران‌سیستم‌استعماری بشکل بحران دلار ظاهر شده است .

مـولف سپس بـه تشریح « نقشه مارشال » میپردازد وبااستفاد بیك سلسله مدارك بـاین نتیجه منطقی میرسد کـه « نقشه مارشال » قدرت این را ندارد که عدم توازن واردات وصادرات را از بین بـبرد ومشکلات مادی و ارزی اروپای غـربی را مرتفـع سازد زیرا این‌جریان‌نظاهرات‌بحران‌سیستم‌استعماری است و این بحران نیز تـا زمانی که امپریالیسم وجود دارد ، باقی است و روزبروز شدیدتر میگردد .

« بالم دات » در همین حال اثبات می کند که اساسا هدف« نقشه‌مارشال» این نیست که گریبان اروپای غربی را از این مشکلات حل‌نشدنی‌رهائی بخشد. او برای تأیید این حقیقت از اسنادرسمی امریکا استفادمی‌جوید :«آرزش صادرات امریکا نسبت به واردات این کشور در سال ۱۹۳۷ از ۲٦٥میلیون دلارتجاوز نمیکرد ولی ایـن مبلغ در ۱۹٤۷ به ۹٦۰۷میلیون‌دلار بالغ شد . رقم‌اخیر نشان‌میدهد که هدف « نقشه مارشال » وسیع کردن‌بازارهای وال‌ستریت و آب نمودن کالاهای ساخت امریکاست .

امپریالیستم امریکا با سرعت تمام ذخایر دلار و طلای ممالك دیگر را از چنگال آنان بیرون میکشد و از ایـن راه‌این کشورها را در گرداب مشکلات مالی‌چنان‌سردر گم میکند که‌مجبورشوند بفروبوزگی پیش‌امپریالیسم امریکا بروند و استقلال و آزادی مردم‌خود را تقدیم وال‌ستریت کنند .

ـ٥ـ

« بحران امپراطوری بریتانیا» در متابعت روزافزون امپریالیسم انگلستان از امپریالیسم امریکا تظاهر می کند . درهم فروریختگی موقعیت بریتانیا در مستعمرات ، کاهش دائمی عواید ممالك مستعمره ، عدم توازن بودجه ،فقدان‌دلار، و خلاصه بحرانـی که دامنگیر سیستم اقتصاد بارازیتی انگلستان شده است‌این کشور را در زنجیر بندگی واشنگتن گرفتار ساخته . این حقیقت بخصوص‌در مسئله «وام» امریکابخوبی متمکس‌است. انگلستان چشم بدست امریکا دوخته‌است تاکی این رقیب آزمند درمقابل شرایط سنگین و طاقت‌فرسا مقداری دلار پیش او اندازد .

امپریالیسم امریکا کشورهای غربی را بچنین روزی‌نشانده است که‌دولت‌های آنها ،جزقبول اسارت واشنگتن‌و اجرای دستورات خداوندان دلار چاره‌دیگری در پیش ندارند! تنزل ارزش پول این کشورها ، که برحسب دستور امریکا و برای تزئید منافع وال‌استریت صورت گرفت،نمایش‌ازاین‌اسارت‌وفرمانبرداری است . « اصل‌چهارم » برنامه ترومن، و قبول آن از طـرف معافل حـاکمه کشورهای اروپای غربی ، بهتر ازهرچیز دیگر سلطه امریکا را میرساند .

وال‌ستریت این « اصل » را برای آن تنظیم نموده که زمینه را برای نفوذ سرمایه‌های خود درمستعمرات کشورهای اروپای غربی تأمین کندو آخرین‌اقتدار آنهارا از بین‌برده خـود بر مستعمرات آقائی‌نماید. «بالم‌دات »ازتحلیل‌اوضاع باین نتیجه میرسد که «امپریالیست‌های بریتانیا تنها راهی کـه در پیش دارند این است که بکوشند تـا امپراطوری انگلستان را تحت‌نظارت و تبول‌مشترك امریکا تقویت نمایندو حاضرشوند که‌تمام عواقب‌ناشی‌ازاین‌بستگی بند کانه راتحمل کنند.» (ص٥٥)

مولف نشان می‌دهد که روابط دو امپریالیسم امریـکا و انگلستان مانند رابطه دوشریك متضادالمنافعی است که مدارك بـاین نتیجه منطقی میرسد کـه « نقشه مارشال » قدرت این را ندارد که عدم توازن واردات وصادرات را از بین بـبرد ومشکلات مادی و ارزی اروپای غـربی را مرتفـع سازد زیرا این‌جریان‌نظاهرات‌بحران‌سیستم‌استعماری است و این بحران نیز تـا زمانی که امپریالیسم وجود دارد ، باقی است و روزبروز شدیدتر میگردد .

« بالم دات » در همین حال اثبات می کند که اساسا هدف« نقشه‌مارشال» این نیست که گریبان اروپای غربی را از این مشکلات حل‌نشدنی‌رهائی بخشد. او برای تأیید این حقیقت از اسنادرسمی امریکا استفادمی‌جوید :«آرزش صادرات امریکا نسبت به واردات این کشور در سال ۱۹۳۷ از ۲٦٥میلیون دلارتجاوز نمیکرد ولی ایـن مبلغ در ۱۹٤۷ به ۹٦۰۷میلیون‌دلار بالغ شد . رقم‌اخیر نشان‌میدهد که هدف « نقشه مارشال » وسیع کردن‌بازارهای وال‌ستریت و آب نمودن کالاهای ساخت امریکاست .

امپریالیستم امریکا با سرعت تمام ذخایر دلار و طلای ممالك دیگر را از چنگال آنان بیرون میکشد و از ایـن راه‌این کشورها را در گرداب مشکلات مالی‌چنان‌سردر گم میکند که‌مجبورشوند بفروبوزگی پیش‌امپریالیسم امریکا بروند و استقلال و آزادی مردم‌خود را تقدیم وال‌ستریت کنند .

ـ٥ـ

« بحران امپراطوری بریتانیا» در متابعت روزافزون امپریالیسم انگلستان از امپریالیسم امریکا تظاهر می کند . درهم فروریختگی موقعیت بریتانیا در مستعمرات ، کاهش دائمی عواید ممالك مستعمره ، عدم توازن بودجه ،فقدان‌دلار، و خلاصه بحرانـی که دامنگیر سیستم اقتصاد بارازیتی انگلستان شده است‌این کشور را در زنجیر بندگی واشنگتن گرفتار ساخته . این حقیقت بخصوص‌در مسئله «وام» امریکابخوبی متمکس‌است. انگلستان چشم بدست امریکا دوخته‌است تاکی این رقیب آزمند درمقابل شرایط سنگین و طاقت‌فرسا مقداری دلار پیش او اندازد .

امپریالیسم امریکا کشورهای غربی را بچنین روزی‌نشانده است که‌دولت‌های آنها ،جزقبول اسارت واشنگتن‌و اجرای دستورات خداوندان دلار چاره‌دیگری در پیش ندارند! تنزل ارزش پول این کشورها ، که برحسب دستور امریکا و برای تزئید منافع وال‌استریت صورت گرفت،نمایش‌ازاین‌اسارت‌وفرمانبرداری است . « اصل‌چهارم » برنامه ترومن، و قبول آن از طـرف معافل حـاکمه کشورهای اروپای غربی ، بهتر ازهرچیز دیگر سلطه امریکا را میرساند .

وال‌ستریت این « اصل » را برای آن تنظیم نموده که زمینه را برای نفوذ سرمایه‌های خود درمستعمرات کشورهای اروپای غربی تأمین کندو آخرین‌اقتدار آنهارا از بین‌برده خـود بر مستعمرات آقائی‌نماید. «بالم‌دات »ازتحلیل‌اوضاع باین نتیجه میرسد که «امپریالیست‌های بریتانیا تنها راهی کـه در پیش دارند این است که بکوشند تـا امپراطوری انگلستان را تحت‌نظارت و تبول‌مشترك امریکا تقویت نمایندو حاضرشوند که‌تمام عواقب‌ناشی‌ازاین‌بستگی بند کانه راتحمل کنند.» (ص٥٥)

مولف نشان می‌دهد که روابط دو امپریالیسم امریـکا و انگلستان مانند رابطه دوشریك متضادالمنافعی است که مدارك بـاین نتیجه منطقی میرسد کـه « نقشه مارشال » قدرت این را ندارد که عدم توازن واردات وصادرات را از بین بـبرد ومشکلات مادی و ارزی اروپای غـربی را مرتفـع سازد زیرا این‌جریان‌نظاهرات‌بحران‌سیستم‌استعماری است و این بحران نیز تـا زمانی که امپریالیسم وجود دارد ، باقی است و روزبروز شدیدتر میگردد .

« بالم دات » در همین حال اثبات می کند که اساسا هدف« نقشه‌مارشال» این نیست که گریبان اروپای غربی را از این مشکلات حل‌نشدنی‌رهائی بخشد. او برای تأیید این حقیقت از اسنادرسمی امریکا استفادمی‌جوید :«آرزش صادرات امریکا نسبت به واردات این کشور در سال ۱۹۳۷ از ۲٦٥میلیون دلارتجاوز نمیکرد ولی ایـن مبلغ در ۱۹٤۷ به ۹٦۰۷میلیون‌دلار بالغ شد . رقم‌اخیر نشان‌میدهد که هدف « نقشه مارشال » وسیع کردن‌بازارهای وال‌ستریت و آب نمودن کالاهای ساخت امریکاست .

امپریالیستم امریکا با سرعت تمام ذخایر دلار و طلای ممالك دیگر را از چنگال آنان بیرون میکشد و از ایـن راه‌این کشورها را در گرداب مشکلات مالی‌چنان‌سردر گم میکند که‌مجبورشوند بفروبوزگی پیش‌امپریالیسم امریکا بروند و استقلال و آزادی مردم‌خود را تقدیم وال‌ستریت کنند .

ـ٥ـ

« بحران امپراطوری بریتانیا» در متابعت روزافزون امپریالیسم انگلستان از امپریالیسم امریکا تظاهر می کند . درهم فروریختگی موقعیت بریتانیا در مستعمرات ، کاهش دائمی عواید ممالك مستعمره ، عدم توازن بودجه ،فقدان‌دلار، و خلاصه بحرانـی که دامنگیر سیستم اقتصاد بارازیتی انگلستان شده است‌این کشور را در زنجیر بندگی واشنگتن گرفتار ساخته . این حقیقت بخصوص‌در مسئله «وام» امریکابخوبی متمکس‌است. انگلستان چشم بدست امریکا دوخته‌است تاکی این رقیب آزمند درمقابل شرایط سنگین و طاقت‌فرسا مقداری دلار پیش او اندازد .

امپریالیسم امریکا کشورهای غربی را بچنین روزی‌نشانده است که‌دولت‌های آنها ،جزقبول اسارت واشنگتن‌و اجرای دستورات خداوندان دلار چاره‌دیگری

هم اکنون امریکا در مستعمرات انگلستان نفوذ نموده.این نفوذ را مرتبا گسترش میدهد . طبـق احصائیه های رسمی در بین سالهای ۱۹٤۸ ـ ۱۹۳۹ صادرات انگلستان بکاناداسه برابر و صادرات امریکا چهار برابر شده ، ونیز صادرات انگلستان بهندوستان‌چهاربرابر وصادرات امریکا هفت برابر گردیده و بالاخره صادرات انگلستان و امریکابه مالایا بترتیب کمتر از ۳برابر وبیشتر از ۸برابر افزایش یافته است.این‌نفوذ در زمینه سرمایه گذاری نیز مشهود است چنانچه سرمایه مالی امریکا درکاناداکه در سال ۱۹۳۹ از یك میلیارد تجاوز نمیکرد درسال ۱۹٤۷ به پنج‌میلیاردلار بالغ شد .

ـ٦ـ

« بالم دات » همینکه از تشریح عوامل‌وعلل«بحران امپراطوری‌بریتانیا» فارغ میشود به‌بحث پیرامون روشهائی میپردازد که انحصار طلبان انگلستان بمنظور رهائی از این بن بست نابود کننده اتخاذ مینمایند و بدست دولت «کار گری» انجام میدهند . اودر اینجا آشکارمیسازد که سیاست استعماری‌دولت فعلی انگلستان بر اساس حفظ امپریالیسم فرتوت بریتانیا و اختناق جنبش ملتها گذارده شده است .

«تئوری دان‌ها» ی لیبوریست ادعا می کنند که« امپریالیسم کهن سال مرده است » وبنا بر این مبارزه بامپریالیسم باین میماند که «لاشه یك اسب مرده را بباد شلاق بگیرند » آنها برای« اثبات» مدعای خود از « استقلال » هندوستان پاکستان ،برمه وسیلان سخن میخرانند و «آزادی» این ممالك را نشان « مرك امپریالیسم کهن سال » بریتانیا تلقی می نمایند .

«بالم‌دات» ماهرانه از این عبارت پردازیها پرده‌بر میدارد و آنرا کوششی دوراه نجات امپریالیسم خونخوار بریتانیا میخواند .

مسئله « استقلال » هندوپاکستان، مالایا‌وسیلان‌در کتاب«بحران‌امپراطوری بریتانیا » مورد بحث و بررسی قـرار گرفته و مولف با زبردستی تمام ثـابت نموده‌است که اقدامات‌دولت «کار گری» انگلستان دراین زمینه فقط شکل‌حاکمیت امپریالیسم را عوض نموده است :

در دوران جنك انگلستان ناگزیر شد برای جلب رضایت ملت های اسیر بالبدا وعده دهد که بلافاصله‌پس ازخاتمه جنك با نها استقلال و آزادی کامل تقدیم کند ، و هنگامی هم که جنك تمام‌شد بریتانیا نتوانست مانندوران پس‌ازجنك اول جهانی قول خود رابدست فراموشی سپارد زیرا این بار ملت ها بیدار شده بودند و دیگر حاضر نبودندفرنار سابق نسبت بآنها تکرار گردد . از این رو امپریالیسم بریتانیا نـا گزیر شد بدست دولت « کار گری » چیزی‌بنام «استقلال» به‌این کشورها « اعطا نماید » .

البته این قبیل نشئات خدعه آمیز درتاریخ امپریالیسم‌تازگی‌ندارد.انگلستان در سال ۱۹۲۲ نیز طبق یك قرار داد به مصر « استقلال »داد ولی‌همه‌میدانند که‌مصر تا چه‌اندازه‌از استقلال‌برخوردار است.

تکنیك «اعطای استقلال» باظاهری فریبنده بوجود می‌آید .

این تکنیك دارای چند خصوصیت تفکیك ناپذیر است :

۱ ـ کشور « استقلال » یافته باید صورتی بخود بگیرد که منافع سرمـایه های مالی انگلستان کاملا تامین شود .

۲ ـ کشور « استقلال یافته» باید قـوای نظامی خود را تحت نظـارت میسیونهای نظامی بریتانیا قرار دهد.

۳ ـ دولت کشور « استقلال‌یافته» باید قبل از هر چیز نهضت های ملی و بخصوص جنبش کار گری را خاموش و خفه کند .

« استقلال » هند ، پاکستان،مالایا وبرمه نیز در کادر همین شرایط و بر اساس همین تکنیك استوار شده است .

ضمنا امپریالیستهای انگلستان نه‌ازروی میل بلکه جز اثر فشار ازرستاخیز ملت های اسیر بود که حاضر شد در شکل حاکمیت خویش‌تغییری دهد. امپراطوری بریتانیا‌نیز در مقابل سیل غضب وخروش مستعمرات جز این « گذشت » چارهٔ دیگری‌نداشت. در پنجم مارس ۱۹٤۷ سر استافرد کریپس در مقابل اعتراض محافظه کاران ناگزیر شد اعتراف کند که انگلستان‌برای خاموش کردن وقایع مستعمرات «نیروئی دراختیار نداشت » دیگرمبارزه‌مغلی کانمی‌هم‌خواست بنفع امپریالیسم بریتانیا سری در برابر تمایلات استقلال طلبانه مردم هندوستان ایجاد کند از همین‌رو «دولت کار گری»

زندگی من

بقیه ازصفحه ۳

سر هم که بادارات مختلف رفتم قسمت عمده رقم راصرف بیکاری کردم اسم این راگذاشته بودند کار فکری ! ..

اشتغال من ، چه در محیط تحصیلی و چه در خدمت اداری ، نه هوش و فراست لازم داشت ، نه ذوق و شایستگی شخصی و نه قوه ابتکار ، برعکس کارم حکم ماشین را پیدا کرد .٠

اینطور فعالیتها را من ازکاردستی هم پائین ترمیدانم. این نوع کارها پست است وگمان نمیکنم بهیچوجه از بیکارگی و لاابالیگری جدا باشد ـ زیرا خود اینکار هم فریباست ، نوعی از ولگردی است.»

میسائیل ، پس از رهاکردن کار اداری ، بهنربیشگی دست میزند ، نقاشی می کند ، بعملگی دست میزند و سرانجام با دختر مهندسی زناشوئی میکند ودختر مهندس نیز پس از مدتی بامریکا میرود و میسائیل را حیران و سرگردان بجا میگذارد .

چخوف : معلوم نیست بچه علت، با دهقانان و روستائیان نظر بسیار خوبی ندارد و با اینکه آنان را شایسته تربیت و تعلیم میداند و برای آنها زندگی بهتری را آرزومیکند، اما مثل اینست که از حشر ونشر وسر و کله زدن با آنان عصبانی و ناراضاست .

«چه‌ضرر هائی که‌دهقانها بما میزدند ؟ امیدهای شادمانی این ماههای بهاری همه باطل بوده زنم برای ساختمان دبستان اقدام کرد . برای یك مدرسه شصت شاگردی نقشه ای کشیدم که مورد تصویب انجمن محلی واقع شد . . . در آغاز ماه آوریل با دهقانها سه جلسه عمومی تشکیل دادیم و کوشش کردیم بآنها بفهمانیم که مدرسه شان خیلی کوچك است و لازمست بنای تازه ای ایجاد کرد . . .

دهقانها پس از هر جلسه ای که دورهم جمع میشدند و تقاضای یك کپ ودکا میکردند ، بطوری بما فشارمی‌آوردند که گرمشان میشد . زود خسته میشدیم و ناراضی و فرسوده بخانه بر میگشتیم . . . از همان اولین هفته ای که دهقانان کورباوکا ودوجینا محصول بهاری خود را جمع آوری کردند برای آبیاری دو دهکده برای تهیه آجر وآهك براه افتادند . اول صبح میرفتیم و تا غروب شب که بر میگشتند همه کارچی ها مست و بیحال بودند . کارهایشان که از عهده بر می آمدند از توی حیاط ماعبور میکردند .

منظره کثیفی بود . . . گرم گرم بوسیله شاگرد ها پر از آب و تیرو تخته میشد . دهقانها وزنهایشان که تاروسری و پیراهنهایشان را روی کمر بسته بودند از روی خشم وغضب به پنجره های اطاق ما نگاه میکردند و بفریاد و داغ و اعدامیکردند وبحثهای زشت میدادند . . .»

کتاب بسیار خوب ترجمه شده ، آقای [illegible] کوشیده اند با انتخاب معانی دقیق مطلب را با امانت و درستی بفارسی ترجمه کنند و شیك نگارش چخوف را نیز حفظ کنند . اما کاهگاه این رعایت اعتبار و امانت باعث شده است که مترجم لغاتی را که درزبان فارسی استعمال نمیشود بکار ببرد یا درجایی غیراز جای اصلی استعمال کند . استعمال تخته بست بجای چوب بست « کج مالی» بجای سفیدکاری یا کجکاری را بعنوان میزان مثال ذکر کرد .

لغت «لندورك» ، که درصفحه ۱۴ بعنوان صفت برای آندوره ایوانف ذکر شده است . صفت نیست واسم است و یعنی جوجه برندگانی است که تا مدتی قادر بحرکت نیستند و مادرشان برای آنها از خارج آب و دانه می‌آورد مانند جوجه کبوتر و بچه کنجشك در ابتدای بیرو آمدن ازتخم .

بعضی لغتهای فارسی با الف و ت که علامت جمع مونث در عربی است وجمع‌بسته شده است مانند نمایشات و بساوجود اینکه این عمل غلط مشهوری است هم نازیباست و هم بسیار غلط است و باید از استعمال لغات باینصورت خودداری کرد .

اما ما برویم باید بآقای «فکار» که توانسته اند « زندگی من» را باین خوبی و دقت ترجمه کنند تبریك گفت .

برای اطلاع عموم اعلام میشود که:

۱ـ دبیرخانه جمعیت ایرانی هواداران صلح واقع در خیابان فردوسی جنب خیابان ثبت کوچه سام همه روزه از ساعت ۵ تا۸ بعد ازظهردائرمیباشد

۲ـ روزنامه مصلحت ، ارگان رسمی جمعیت ایرانی هواداران صلح ، فعلا بطورهفتگی درروزهای سه‌شنبه منتشرمیشود .

دبیرخانه جمعیت ایرانی هواداران صلح

نمایندگان نامه‌نیسان درشهرستانها توجه فرمایند

از این تاریخ در آخر هرماه بدهی خود راکه توسط برات‌بانکی بحساب شماره ۳۶۴۵۶ بانك‌ملی بازارحواله میشود واریز نمایید ودر صورت‌عدم پرداخت بدهی خود در آخر هر ماه از ارسال روزنامه جهت شما خودداری خواهد شد .

متمنی است بدهی خود را هرچه زودتر تا آخرمردادماه با این اداره تصفیه نمایید

اداره روزنامه نیسان

اهالی محترم ورامین

روزنامه نیسان را ازبنگاه مطبوعاتی کبوتر صلح تهیه فرمائید

قلم‌های فروخته شده

بقیه ازصفحه۳

آنها هیچیك از وقایع کم و بیش مهم را که ممکن است مورد استفاده ناشرین روزنامه قرار گیرد بدون‌تفسیر نمیگذارند ، صاحبان روزنامه از صرف میلیونها دلار جهت تکمیل وسایل فنی چاپخانه و بدست‌آوردن وسائل‌انحصاری کسب اخبار خودداری نمیکنند . آنها کابلهای تلگرافی را اجاره کرده وبرای خود ایستگاه‌های گیرنده وفرستنده می‌سازند .

اداره‌های این روزنامه‌ها بهترین وسائل ارتباطی مجهز هستند . دراینجا ده‌ها دستگاه تلگرافی بدون سر و صدا اخبار را با حروف الفبا بچاپ میرسانند و دستگاه‌های اتوماتیك رادیو در تمام ۲۴ ساعت شبانه‌روز از قطب‌شمال گرفته تاقطب جنوب درجستجوی اخبار منظماً کار میکنند و اخبار تمام قاره‌ها را که بوسیله گویندگان رادیو بخش می شوند در روی نوار کاغذی ثبت میرسانند . دستگاه‌های اتوماتیك اظهارات مخبرین را که بوسیله تلفون از مسافت هزارها میل صورت میگرد یادداشت نموده و دستگاه پیله تلگراف عکسهائی را که‌از آن طرف اقیانوس مخابره می شود بچاپ میرسانند .

روزی‌رفتیم بتماشای چاپخانه واداره روزنامه نیویورك تایمز که یکی از روزنامه‌های مؤثر مطبوعات سرمایه‌داری می باشد ، کارمندان نیویورك تایمز از اینکه روزنامه‌شان از لحاظ داشتن اخبار متنوع ودارابودن‌شبکه‌وسیع خبرنگاران خارجی دربین مطبوعات امریکایی رقیب است بسیار مغرور هستند .

وواقعاً هم‌صفحات متعددنیویورك تایمز دارای اخبار گوناگون و متنوعی هستند ولی بسیاری اوقات این روزنامه‌مطالب دروغ و موهومی را بنام اخبار حقیقی قالب‌میزند . اینگونه اخبارمکنوع استثنار بشمار میروند .

نیویورك تایمز ازهمان روزتاسیس حکومت شوروی وضع ضد شوروی‌بخود گرفت و در سالهای جنك داخلی شش‌بار متوالی‌خبرداد که بطزبورگ‌تسلیم گردید.

سه بار نوشت که‌در شرف‌تسلیم‌است و دوبار شایع نمود که بطزبورك بکلی سوخته است و همچنین دو بار اطلاع‌داد که هرج و مرج‌در شهر حکمفرماست و شش بار اعلان کرد که انقلاب‌ضدشوروی در آنجا بوقوع پیوسته .

دولت شوروی بواسطه تبلیغات دروغ‌مجبور گردید خبرنگاران‌این‌روزنامه‌را از شوروی اخراج نماید .

درصفحه سیاست داخلی‌نیز نیویورك تایمز در عرض چندین‌ده سال اخیر روش مزدکارگری اتخاذ کرده است درصفحات این روزنامه بارها تصاویحی که صرفاً صورت خریداری داشته بکار فرمایان امریکائی داده‌شده‌مثلایکبار نوشته بود : بر شورو و انضباط صنعتی کارگران نمیتوان تاثیر نمود باید متوجه‌شکم شد.

روزنامه نیویورك تایمز سالهای متمادی برای روشن کردن جنك نژادی کوشش نموده و بطوری که روزنامه نگاران امریکائی اظهار میدارند ادلف اوکس صاحب قبلی روزنامه که در سال۱۸۹۶ آن‌را شروع بچاپ کرده بود و با انتشار ۱۸۹۰۰ نسخه در روز چرخ اداره آن را بزور می گردانید در سال ۱۹۳۵ روزنامه را بصورتی در آورد که سالی ۲۰ ملیون نفع میبرد و روزنامه‌اش‌یکی از مطبوعات مهم امریکا بشارمیرفت .

بدین ترتیب‌جنبه هیجان انگیز روزنامها را در امریکا مافوق هرچیز میدانندولی بخاطر چه‌چیزی این ورق پاره‌ها راچنان عیقانه‌درلجن‌زارهای‌شهر بزرگ‌فرومیکنند؟

فصلی از طوفان

بقیه از صفحه ۱

«بریا ! » کشیده ای بصورت پرفسور کوفت . وقتی آلبالی رفت (دوما)بادست‌صورت خودرا بوشانید . بفکررفت . اینك‌ساعات آزمایش فرارسیده‌است پیر است شاید قدرت‌تحمل‌شکنجه راندا‌شته باشد . ولی در عوض خود را بخوبی می‌شناسد میداند که تسلیم نخواهدشد . و تقاضای بخشش نخواهدنمود . او (نازیها) راحشرات درشتی میداند . چنین حشراتی فقط باید بمیرند .

ـ اوهوی پرفسور !

کنار پنجره‌رفت و گوش‌فرا داد

ـ آقای پرفسور ! ژرژ یکی از دانشجویان که سردرس‌شما حاضر میشده بشما پیام‌میفرستد . میگوید‌محکوم به‌اعدامش‌کرده‌اند. بزودی تیرباران خواهد شد . درود می‌فرستد . . . صبر کن . . . میخواهد چیزی بگوید . . می گوید که از دیدن شما در اینجا برخورد می‌یافت .»

(دوما) اندیشید. خوشبختانه آن(بوش) کثیف‌اینجانیست. خیال‌میکرد که از دست او بگریه افتاده‌ام . هر گز این ژرژ را نخواهم شناخت در آمفی تآتر کنار سایرین نشسته بوده . . . محکوم به اعدامش کرده‌اند : برمن درود می‌فرستد. مرا برسر جرأت می‌آورند . . اینجا قدرت از چشمان متوقف میشود؛ اینجا نمی‌توانندمردم رابه‌پستی و بی‌شرافتی محکوم کنند . . . دراینصورت چه مردم شجاعی داریم ! . . ادعامیکنند که فرانسه منحط شده‌است. در این ادعا حقایقی هست . اتحاد بین ما کمتر است . قدرت ما کم است . عده زیادی را پیه گرفته است . . . ولی چه کسانی ؟ « مای‌فلیپ‌بین » . . . (شارپته) و (دیدی) خائن‌اند . . . ولی تعداد آنها چقدر است . . . فرانسویها خصوصیتی دارند وآن انسانیت است . البته مسلم است ما انسانیم هم در قهرمانی و هم در دوران ضعف ، هم در سرسفره ، هم در معاشرت با زنان و هم در بارنیکادها . من با انگلیسی‌ها ، نروژی‌ها و حتی با (کوتوز) کار کرده‌ام . شاید آنها تمیزتر ، قوی‌تر اشرافی‌ترند . ولی‌ما انسانیت‌مان بیشتر است . خاشیست‌ها هر چه بخواهند به نویسند . شایستگی‌بیشری وجود دارد. این شایستگی‌است که ژرژ را وادار میکند با آرامش باستقبال مرك‌بشتابد . همین شایستگی است که مرا بزندان کشانده است . خیلی‌ها شایستگی دارند . ماری . . . و کسی که بردیوار کلمه (استالینگراد) نوشته است . آن که شعار می‌نویسد در فکر انتقام‌جوئی یا ترس از مجازات نیست . برای افتخارات و سوداگری در کنفرانسهای بعد از جنك خود را بخطر نمی اندازد . او در باره شایستگی می‌اندیشد . میداند که آهن قادر بدرهم شکستن (انسانیت) نیست . گوشت را میتوان بریداستخوان‌رامیتوان شکست‌ولی‌انسانیت‌را . . . هرگزنمیتوان . . .

(دوما) لبخند سعادتمندانه‌ای زد . آلبا او را با دیدهٔ اندوهباری نگریست پیش خود گفت : پیر مرد از ترس دیوانه شده است . . .

برای‌چه .جزئیات‌جنایتها و دعواها را چنان کنجاوانه تفسیر میکنند ؟

خود خبر هیجان انگیز که مورد توجه ناشر روزنامه نیست . آنهامنظور های‌معین سیاسی‌از این‌کار دارند.گورکی ۴۰ سال قبل از این وقتی درپیدادداشتهای مسافرت خود بامریکا نوشت که این هو و چنجال « اجتماع چاپ میکنند و نیمکدارد حقیقت بکوش اجتماع برسد » حقیقت امرراکاملا روشن ساخت . یکی ازقهرمانان‌امریکائی‌یادداشتهای گورکی اظهار میدارد :

«اگر در رودخانه‌ای مقداری خس وخاشاك بریزیم ممکن است تنه درخت بزرگی در میان این خس و خاشاك از رود خانه بگذرد بدون اینکه ما متوجه بشویم ویناگرشا در حین بریدن جیب همسایه‌خودناشیگری کردیدچنانچه بتوانید بموقع توجه‌جمعیت را بطرف بچه ای که چند فال گردو دزدیده است جلب نمائید این عمل ممکن است شما را از افتضاح بزرگی نجات‌دهد . . فقط بلند تر فریاد بکشید ـ ای‌دزد ، ای دزد ! . . . زیرا دزدیهای بزرك بادزدیهای کوچك استثنار میگردند و بطور کلی تمام جنایتهای عظیم با دعواهای کوچك ماست مالی میشوند . . . ملت همیشه در حالت هیپنوتیزم بسر میبرد که‌وقت فکر کردن مستقل راندارد‌وتنها‌گوش‌بزنك‌روزنامها است روزنامه ها هم بیلیونر ها تعلق دارند . . شما میفهمید ؟ . . . »

آنچه مربوط به اخبار بزرك سیاسی است،در این‌موردوق‌پاره‌ها ومطبوعات کنار خیابان سعی دارند آنها رابصورت عجیبی درآورده‌د گرگون‌جلوه گرساخته بخورد خوانندگان خود بدهند. این مطبوعات هیچگاه نخواهند نوشت که واقعا چه اتفاقی افتاده است اما در عوض تمام شاخ و برگها را جمع آوری نموده و درصفحات خود منعکس‌مینماید. از تفسیرات سیاسی این روزنامه‌ها بوی بیشرمی وقیحانه و دروغ پردازیهای رذیلانه ای بمساحت چندین کیلومتر بمشام میرسد . در همین نوع روزنامه است که کانکترهای مطبوعاتی امثال دیو پیرسن (روزولت او را دزوغ پرداز اخبارنامید) قیافه خودرا ظاهر میسازند . . دیوپرسن درروزنامه دیلی میرور هر روز بنوشتن مزخرفات خرد تحت عنوان « چرخ فلك واشینگتن» ادامه میدهد . . ولی «روزنامه های بزرك » قدری موقر تر بنظر میرسند . واشینگتن پست،نیویورك هرلدتریبون و نیویورك تایمز برای‌عده محدودتری ازخوانندگان‌ایجاد گردیده‌اند آنها را سناتور ها ، کارخانه داران ، وکلا و روز نامه نگاران در موقع صرف صبحانه ورق میزنندتیراژ آنهابه ۲۰۰ـ۴۰۰ـ ۶۰۰هزار نسخه میرسد.

وظیفه این روزنامه‌ها حساس‌تر و مودبانه تر است در روی صفحات پهن این روزنامها که حروف ریزی سر تاسر آنهارا فرا گرفته سیاست امریکاساخته و پرداخته میشودو باوجود اینکه اینها نیز جای زیادی برای اخبارهیجان‌انگیز باقی میگذاردبازهم درصفحه روزنامه جاهای خواندنی نیز دارد؛ محیط‌مسائلی که این روزنامه‌هامورد‌بحث‌قرار میدهند وسیعتر ومقالات آنها بلند تر وپرنیج‌تراست . کارمندان روزنامه های بزرك امریکائی خود را افراد بسیار مطلع میدانند .

بررسی جراید

بقیه ازصفحه ۲

روزنامه «حاجی‌بابا» هم کار تصفیه را تمام شده فرض کرده بآو ازکوچه باغی «ولش کن گریه کرده» بند جیبی‌هارا اینطور بدرقه مینماید

«ولش کن بند جیمه»

فلان عضو اداری ـ که با دزدان سهیمه
ز مکاری‌مقلب ـ بشیطان رجیمه
دلم سوزد بحالش ـ که‌اوضاعش وخیمه
درین قسمت اگرچه ـ ازاعضای قدیمه
ولش کن بند جیمه ـ ولش کن بند جیمه

فلان رندی که دائم ـ بفکر لفت ولیمه
بدستش هرچه میدی ـ میریزه توی کیسه
بجای کار مردم ـ خبر ماشین نویسه
همیشه در اداره ـ فقط با او نفیسه
ولش کن بند جیمه ـ ولش کن بند جیمه

فلان آقا که از بس ـ گرفته‌رشوه ازما
شده با پول چاکسر ـ همه چیزش مهیا
برون رفت از اداره ـ کنون‌باضرب تیپا
ازش میره دمادم ـ چو ظرف بی لعیمه
ولش کن‌بندجیمه ـ ولش کن بند جیمه

انتخابات هیئت‌مدیره جامعه‌لیسانسیه‌ها

بانوان وآقایان لیسانسیه محترم دانشرایمالی ودانشکده‌های علوم و ادبیات جلسه عمومی برای انتخاب هیئت مدیره جامعه‌لیسانسیه‌های دانشرایمالی‌ساعت ۵ بعد از ظهر روزدوشنبه ۲۰ شهریور ماه جاری در تالار اجتماعات دانشرایمالی تشکیل میشود خواهشمنداست باتشریف‌فرمائی وشرکت درانتخاب‌هیئت‌مدیره‌علاقمندی خود رانسبت‌بجامعه اثبات وموجبات تشویق‌هیئت‌مدیره را فراهم فرمایید.

باتقدیم احترامات رئیس‌جامعه‌لیسانسیه‌های‌دانشرایمالی

محمد درخشش

سدور

هفتگی-روش هشانا کیپوری

و شالوص رغاصیم صیصیت وتفیلین وارد شد

سفارش از شهرستانها با ارسال وجه پذیرفته‌می‌شود

کتابفروشی نسترین-خیابان نادری تلفن ۴۷۵۳ ۱-۲

نامه سرگشاده

بقیه ازصفحه ۱

بودند که بتقاضاهای مشروع‌آنان ترتیب اثر بدهد با علاقمندی کارمندان را بکار و کوشش بیشتری جلب نماید .

آقای مدیرکل بجای آنکه بتقاضاهای این دو دسته جواب دهند دستور تهدید آمیزی صادر کردند که:«وعموم‌کارمندان از امضاء نامه‌های دسته جمعی باید خود-داری کنند و چون این امر برخلاف انضباط و مقررات است موجب مواخذه وتنبیه خواهدبود»

درنامه سرگشاده کارمندان‌بانکملی ایران دربند ۵ چنین نوشته شده بود «ابلاغ آئین نامه‌های‌موجود و مصوب‌به بکارمندان » بدیهی است که کارمندان بانك‌درروابط‌اداری‌وبطور کلی‌درشرایط کارکردن در بانك ملی مطابق آئین نامه‌ای پذیرفته شده‌اندو اطلاع داشتن‌از تمام مواد آئین نامه حق مسلمی است برای کارمندان در صورتیکه کارگزینی تمام آئین نامه را در انحصار خود قرار داد هیچکس حق و یا جرئت استفاده از آئین نامه را نداردابن طرز کار ازطرف هیئت مدیره بانك موجب شده است که کارمندان از آئین نامه بی اطلاع بمانند و بالنتیجه آقای مدیر کل بدون توجه بمواد آئین‌نامه بضمائمه ای صادر نمایند و کارمندان را که‌درخواست هائی‌مشروع‌دارند تهدید کنند .

مدیرکل بانك چون‌در حالت‌انفرادی بهتر می‌تواند میدان وسیع بزرگی‌برای انجام تمایلات شخصی وسیاسی خوددداشته باشد ازاین‌لحاظ‌از قدرت عمومی‌کارمندان ترس دارد ولی کارمندان بانك که تیپ جوان و فعال کشور هستند از این تهدید هانمیترسندو میدانند این سیاست اداری بموازات‌روشی‌است که امروزه‌درسرتاسر ایران برای خفه کردن درخواستهای‌مردم و برای سرکوبی قدرت دسته‌جمعی آن‌ها اعمال‌و اجرامیشود .

کارمندان بانك دربند (۲) نامه سر گشاده درخواست کرده بودند که تجدید نظر در ساعات کار اداری وپرداخت‌حق اضافه کار مانند سایر وزارت خانه ها و تقسیم صحیح و عادلانه کار ما بین کارمندان عملی گردد برای انجام کار روزانه ساعاتی بیشتر از ساعات اداری که وزارتخانه ها کار میکنند لازم‌نیست از این لحاظ باید ساعات کاراداری و امثال ساعات وزارتخانه ها کنند وبرای اضافه کار کارمندان نیزبه‌تناسب ساعات اضافه کار پرداخت گردد آئین نامه بانك در خصوص اضافه کار خیلی ناقص‌وغلط است.

بانك انتظار دارد که کارمندان در روز یك یا دو ساعت اضافه کار بکنند ساعات کار اضافی‌در هر ماه بین ۳۰الی ۵۰ ساعت نوسان دارد پرداخت دویست ریال اضافه کارظلمی‌است که‌درباره کارمندان اعمال می‌شود بایدحق اضافه کار طبق یك شرایط صحیح عادلانه ای تنظیم بشود .

کار گزینی نسبت باضافات کار باید حتما مقررات بند ج از تبصره ۲ ماده ۲۶ را تغییر دهد و پرداخت حق اضافه کلی را بتناسب ساعات اضافی تعیین کند تاازظلم‌اداری نسبت‌بکارمندان‌جلو گیری شود.

کارمندان بانك در مقابل کار خسته کننده‌که اغلب آن‌ها را بکسالت بدنی و خستگی اعصاب میکشاند میخواهند سالی یکماه‌از بدواستخدام بآن‌هامرخصی داده شود درصورتیکه آئین نامه جدید طبق بند ب از ماده ۳۳ این‌حق رابرای مدت ۳ سال از آن‌ها سلب کرده است .

تحویلداران می‌خواهند امتیازات کارمندان در باره آنها تعمیم پیدا کند و تبصره ۱ از ماده۳ که‌راه‌ترقی‌حقوق آنان است ملغی گردد در پرداخت کسر صندوق آنان طبق‌قوانین کشورتجدیدنظر بعمل آید و آنها را در مقابل عوارضی که از تماس با اسکناس بروز می نماید تامین کنند.

و همچنین بانوان بانك عدم تعمیم امتیازات کارمندان مرد را در باره خود اجحاف بزرك و ظالمانه میداند و بطور کلی‌در وضع‌حقوق‌ومزایای‌خدمتگذاران و نگهبانان و کارگران چاپخانه باید تجدیدنظر شود و ماده ۱ و ماده ۲۱ از آئین‌نامه بانك در باره خدمتگذاران لغو شود تا از لحاظ معیشت و تامین رفاه خانواده‌خود کمتر درعسرت و تنگدستی باشند و اضافات کارگران بسوان لیاقت و جدیت آنها پرداخت‌شود.

تجدیدنظری درامتیازات کارگران ونگهبانان بانك بعمل آیدکارمندان بانك اجرای مقررات سابق نسبت‌بماله تحت تکفل درموردخواربار واجدا خواستارند و انتظار دارند استفاده مجانی کارمندان و عائله آنان نیز از کلیه وسائل‌بهداری و بیمارستان و داروخانه عملی بشود در کشورهای متمدن و مترقی‌استفاده‌مجانی از موسسات بهداشتی کشور درباره کلیه ساکنین اجرا میشود تا سلامتی افراد خانواده‌های آنان تأمین گردد

و هم‌آهنك با این استفاده مجانی تمام کارمندان و تحویلداران و کارگران و خدمتگذاران و نگهبانان بانك رانیز بیمه نماید .

بالاخره کارمندان در بانك بر طبق آئین‌نامه کار میکنند تمایلات فردی هیچکس نباید آنها را ملعبه خود کند تمایل‌و انفصال کارمندان‌و بالاخره‌اخراج آنان از کار بانك که‌تاثیر فوق‌العاده‌ای در زندگی و حیات خانوادگی آنان دارد باید و حتماً با نظر یك دادگاه اداری انجام گیرد کارمندان بسانکملی ایران عملی‌ساختن درخواستهای خود را جدا خواستارند و این‌تقاضاآرزوی‌قلبی عموم‌کارکنان‌است .

عدم‌توجه‌مدیر کل بدرخواست های کارمندان اجباراکارکنان بانك را یك مجرای واحدی هدایت خواهد کرد تا قدرت دسته‌جمعی آنها محرك دستگاه اداری بانك برای عملی‌ساختن درخواست‌ها باشد.

کارمندان بانك‌باید در یك صف‌واحدومتشکل قرار بگیرند تا بتوانند درصورت‌عدم اعتنای هیئت‌مدیره آنهاراوادار نمایند که بدرخواستهای عمومی کارکنان بانك توجه بکنند و خواسته‌های آنها را دقیقا اجرا نمایند .

همه روزه

رشت — همه روزه
اصفهان — »
شیراز — »
تبریز — یکشنبه ـ سه شنبه ـ ه شنبه
مشهد — همه روزه
رضائیه — مستقیم بزودی .

برای تهیه بلیط به ت‌ت‌خیابان شاه‌رضا ت‌ت‌چهارراه یوسف‌آبادو یاشعبات آن مراجعه فرمائید تلفن ۵۱۲۳

خیابان فردوسی تلفن ۷۱۲۹ — شعبه خیابان تلفن ۸۹۹۹

تبریز — اردبیل — آستارا — رضائیه — میانه — بندر پهلوی — رشت — رامسر — چالوس — تهران — مشهد — شاهرود — زنجان — قزوین — بهبهان — کرمانشاه — بغداد — اصفهان — شیراز

همیشه همه جا با میهن تور تم

خط سیر مسافربری شرکت میهن تور

فروش کارهای دستی بانوان

با اتو کارهای آخرین مدل

ایران پیما

همه روزه به گیلان گرگان مازندران...

نشانی: خیابان سعدی پشت بانك شاهنشاهی تلفن ۵۷۱۱
شعبه خیابان بوذرجمهری مقابل بازار آهنگرها ۷۲۹۱
۹۲۷۹ پامنار

اتو کرکاشاه

اگر نظم و آسایش در مسافرت‌راطالبید باتو کرمانشاه‌مسافرت کنید

نیمروز

شماره ۳۵ — ۲۳ شهریور ماه ۱۳۲۹ — تکشماره سه ریال

کارکنان نامه نیسان ایام «روش هشانا» وحلول سال جدیدرا بعموم یهودیان ایران شادباش میگویند

***

بمناسبت تصادف روز پنجشنبه آینده باروز «کیپور» تعطیل عمومی یهودیان روزنامه استثنائاً روز چهار شنبه مورخه ۲۹ شهریور ۱۳۲۹ منتشر خواهد شد

تضاد های خارجی و داخلی در صحنه

سیاست ایران و موقعیت دولت آقای رزم آراء

وضع دولت رزم‌آراء پس ازافتتاح مجلس تحت تاثیر یك سلسله وقایع و تضادهای سیاسی داخلی و خارجی شکل مخصوصی یافته است .

از طرفی این دولت آشکارا ضعف خودرا در انجام نقشه هائی که از آغاز برایش تعیین شده بود نشان داده‌وتاحدی هلت وجودی خود را فاقد شده است.

از طرف دیگر در نتیجه تضاد های داخلی اخیر و مخصوصا ماجرای تصفیه و نقش معینی که در این میان بعهده گرفته است تا حدی درنگاه‌داری موقتی کابینه موفقیت نسبی یافته است .

۱- جریان تصفیه چه تضاد هائی را نشان داد؟

در گیر و دار جریان تصفیه که احتمال برفت دولت مورد حمله «هدیه‌دیه‌نیس‌ها» مشمولین تصفیه قرار گیرد و منوقیتش تهدید شود کابینه رزم آراء تاکنیك «سلب مسئولیت از خود» اتخاذ کرد بدین ترتیب که مخصوصا تمام مسئولیت تهیه لیست بنه جیبی‌ها رابعهده‌مقامات دربار گذاشت و بند جیبی ها را که اختلال غیرقابل بسر ضد او تحریك شوند بسر ضد دربار تحریك نمود .

از این جهت بود که جهت حمله بند

بقیه در صفحه ۸

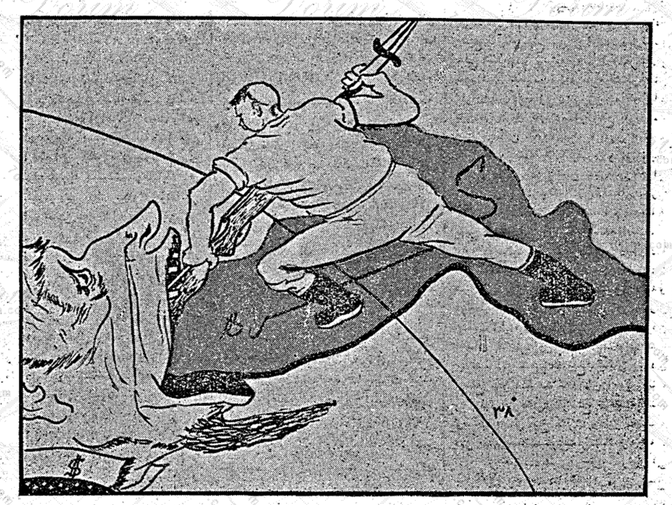

موازنه ئی که هرگز حاصل نمیشود

از ۱۹۴۶ یعنی سال بعد از خاتمه جنگ دوم‌جهانی اساس‌سیاست دیپلماتهای واشنگتن و لندن بر یك اصل قرار گرفته است و آن عبارت از ایجاد قدرت و تحمیل نظریات باختر برخاور میباشد.

جنگ‌دوم جهانی چنان‌ضربتی برسیستم سرمایه داری واستعمار وارد ساخته بود که بلافاصله پس از خاتمه جنگ ،علی‌رغم خرابیهای سرسام آور جنگ و تلفات بیشمار انسانی‌و مادی‌اتحادشوروی بلوك سرمایه داری جهان باوجود منابع دست نخورده وغول آسای امریکاوحتی بمب اتمی آن خودرا در منتهای‌ضعف‌وناتوانی حس‌میکرد.

فوران بسابقه نهضتهای استقلال و نجات ملی در مستعمرات آسیائی ، و جریانهای اجتماعی ضد فاشیست در کشورهای اصلی اروپائی دوش بدوش مسائل بغرنج اقتصادی و سیاسی ناشی‌از جنگ کلیه‌سیستم سرمایه‌داری رادرمعرض خطر انهدام قرارداده بود.

ملتها در خاك اصلی ودرمستعمرات تقاضای‌آزادی سیاسی واقتصادی خود را بلند کرده‌بودند.

درچنین شرائطی‌روز بعد از جنگ بازگشت به اصول فاشیسم و دیکتاتوری و سیستم استعماری سابق غیرممکن بود نفرت شدید ملتها از جنگ و آدمکشی چنین حربه‌ئی زابرای تهدید رقیب‌سیاسی بین‌المللی کند و غیر قابل استفاده ساخته بود .

درچنین شرائطی‌فاتحین باختری‌جنگ ناچار بودند در کنفرانسهای بین‌المللی ، در مجامع عمومی بعوض حل مسائل مورد اختلاف جهانی آزاد منشانه ترودنکرات مآب‌تر رفتار کنند.

بقیه در صفحه ۲

هیروشیما بهشت بمب اتم

در صفحه ٤

صلح خواهی منحصر بکشور یا جمعیت بخصوصی نیست

دور افتاده ترین دهات و قصبات‌هم فوق عیقی پیدا کرده است .

مردم جهان باشوق و هیجان‌مافوق تصوری این بیانیه را امضا میکنند بلکه با رقابت شرافتمندانهٔ برای جمع آوری امضا بر یکدیگر سبقت میجویند آن ها که راه زندگی پلید خود را از طریق کشتار مردان و زنان و از بین بردن فرهنك و تمدن ملتها می جویند، آنانکه در کنگره ها و پارلمانها فتوای قتل عام بشریت‌رابابمب اتمی وهیدروژنی وسایراسلحه های‌مخرب میدهندچارسر گیجه عجیبی شده‌اند

این گروه که بحق‌باید نام‌جهانخوار بر آن گذارد برای‌اینکه بتواندچندصباحی دیگر خود را از ورشکستگی قطعی‌دور نگهدارد کارخانجات خود را تبدیل به

بقیه در صفحه ۳

درشهرستانها چه خبراست

درصفحه ۳

موضوع کمك امریکا

بقیه در صفحه ۲

لقمهٔ دندان شکن

اثر هاری ترویا

سر گیجه

درصفحه ۵

احمد پارسا

یك بحث قضائی

آیا

باین اوراق حسن جعفری را محکوم توان کرد؟

این روزهادر دیوانعالی جنائی‌تهران قضیهٔ که در کار اختتام‌است که نه از نظر حکمی که محکمه‌در شرائط کنونی‌خواهد داد و نه از لحاظ سرنوشتی که متهم را ازدنبال‌خواهد آمد‌بلکه از این رهگذر که گفتار و کلاه‌برده از رازها برمیدارد و دستگاهی که پخرج ملت بخاطر حفظ ناموس و ایمنی مردم تاسیس‌یافته است مورد‌تهمت‌قرارمی‌یابدشایان‌بسی‌تأمل‌است

ماکاری بشخصیت مقتول و احوال روحی متهم نداریم ، از این‌سخنی بمیان نمیآوریم که مقتول مردی بد نام و دهن آلوده و شاید یوسف دریده بوده‌و‌نه‌تنها در صفحات سیاه جریده‌که عنوان و نام آن را در دست داشته ،به‌بیشتاران خلق ایران دشنام می‌داده و دولت را باعدام هر که دم از آزادی و استقلال میزده تشویق‌میکرده است‌بلکه‌جوانان‌ودختران را به‌فحشا، بدو شوهر کردن با شوهر پیرعقد رسمی داشتن و با رفیق‌جوان نرد محبت باختن میخوانده و پروائی نداشته است.

بقیه‌درصفحه ٦

ماجرای «تصفیه» بکجا انجامید؟

صحنه‌های عبرت آور که برای ملت ما آموزنده است

تاکنون بکرات در این روزنامه ، درباره «هیئت تصفیه» و نتایج‌اقدامات آن سخن رانده ایم ، بدلایل‌مبین‌و متقن ثابت کردیم که در شرائط امروزایران اجرای یك‌تصفیه‌عمیق و قطعی بمعنی‌واقعی آن امکان پذیرنیست .

سیاستهای استعماری که بخلاف تمایلات ملت ، دستگاهی نا صالح و ضد ملی را مسلط داشته اند حاضر نخواهند بود بیل خود ، این اساس نسامیون را متزلزل سازند و بربنیان آن خللی وارد آورند .

پس از آنکه هیئت تصفیه ، نتایج تصمیمات خود را نسبت بگروهی از مستخدمین دولت اعلام‌داشت بخلاف‌انتظار درمیان‌تصفیه‌شدگان ، نام گروهی‌معدود از منصوبین درگاه‌ملت‌آنها، که‌دردشمنی با مصالح و منافع مردم امتحانها داده بودند ملاحظه گردید و این خود برخی عناصر سطحی و زود باور را بابراز خوش‌بینی مبالغه آمیزی وا داشت ، ما

بقیه‌درصفحه۳

بحران اقتصادی و جنك سرد

امپریالیسم‌امریکا نمیتواندموجودیت خود را بدون‌جنك حفظ کند ، تدارکات جنك ، که همراه با مسابقه تسلیحاتی است ، و نیز خود جنك برای‌سرمایه‌هائی که‌در راه اسلحه سازی و اسلحه فروشی بکارمی‌افتند،سودهای‌بس‌هنگفتی‌دربردارد

زمامداران آمریکا ، که همگی با سوداگران‌مرك بستگی وخویشاوندی دارند ، سیاست امریکا رابر میلیتاریزه کردن کشور ، تهیه مقدمات جنك‌وفشار بطبقه کارگر استوار نموده و نام این روش خشونت آمیز واغیر انسانی را «اقتصاد تنظیم شده» گذارده اند .

– اینهاست افضل مطالبی که در کتاب «بحران اقتصادی و جنك سرد» مورد بحث قرارگرفته است .

بقیه‌در صفحه٤

نیمروز

۷ سپتامبر ۱۹۵۰ — شماره ۳٤

سمت هدف واقعی دیپلماسی

بقیه ازصفحه ۱

آمیزمسائل مورد اختلاف باز میدارد

نظری بتصمیمات کنفرانس سای‌بند از جنك کشور های بزرك‌وجلسات‌اولیه شورای امنیت که با حسن نیت بیشتر و باتفاق آراء اتخاذ تصمیم کرده‌اند نشان میدهد که این‌طریقه کار تا چه حد بنفع صلح‌جهانی‌ومنافع ملی‌وبین‌المللی‌است .

اصل اتفاق ، آرا‌این‌امکان رامیدهد که کشور های بزرگی که رای‌واقدام آنها در حفظ و یا خلل دارکردن صلح جهان تاثیر قاطع دارد ولی در مجامع بین المللی بعلت رژیمهای حکومتی خود و یا دسته بندیهای سیاسی کشور های بزرك دیگر در اقلیت واقع شده اند ، بتوانند با بر خور داری از حق تساوی در رای و توسل به « وتوی»حق حاکمیت ملی خودرا حفظ کنند و از تجاوز و تعطی بحق خویش مخالفت بعمل‌آورند.

یکی از مبتکرین‌وطرفداران‌اساسی « اصل اتفاق آرا » درحین تدوین‌منشور سانفرانسیسکو ، دولت امریکا بود که با توجه بریشه و نفوذو سنت لیبرومنه «امپراطوری انگلیس» وقدرت آن‌دولت در ایجاد دسته بندی‌های سیاسی ، از ترس واقع شدن دراقلیت با اصرار هرچه تمامتر‌خواهان رعایت این اصل‌بود. ولی از۱۹۵٤ تا ۱۹۵۰ جریان حوادث مسیر دیگری پیدا کرده و جمهوری گوشه نشین‌ممالك‌متحده امریکا باداعیه «رهبری جهان» بعنوان بزرگترین دولت‌سرمایه داری وبا نقشه‌های جهانگشایانه بسابقه وبی‌نظیری واردمیدان سیاست‌بین المللی شده است .

استقرار ریشه‌های نفوذ اقتصادی و نظامی این امپراطوری جدید در شئون قسمت اعظم کشور های سرمایه داری مستعمره و نیمه مستعمره قاره های قدیم (اروپا ، آسیا وافریقا) و نیازمندی و دربوزگی کشور های معظم سرمایه‌داری در آستانه «فتوت» عموم ، منجر به ایجاد دسته بندیهای نظامی و سیاسی برهبری امریکا گردیده‌است

از روزی که بر خواستاران سیادت جهانی ، در آتوی اقیانوس آشکار گردید که تامین بازارها ، مواد اولیه و مناطق سرمایه گذاری در مناطق نفوذ کشور های بزرك دیگر و مستعمرات از طریق رعایت اصول حقوق بین‌المللی و مخصوصا برنسیب‌های منشور ملل متفق امکان ناپذیر است بااستفاده از ضعف و ناتوانی دیگر کشورهای بزرك اروپائی که هر یك در داخل خود و در عرصه مستعمرات پهناور خویش با نهضتها و قیامهای اجتماعی و استقلال طلبانه ئی مواجه بودند، دست درکار ایجاد اتحادیه ها ودسته بندیهای نظامی شدندومقدمات عدول از اصل « اتفاق آراء» را فراهم کردند .

انعقاد پیمانهای نظامی باکشورهای امریکای جنوبی ، ایجاد اتحادیه اروپای باختری، تشکیل پیمان اتلانتیك شمالی ، تثبیت جهت ایجاد پیمان اقیانوس‌آرام ، اتحادیه خاور میانه واتحادیه مدیترانه‌از مظاهر این‌سیاست است .

هدف همه‌این‌اقدامات بدست‌آوردن امکان و قدرت‌تحمیل درمراجع‌بین‌المللی و مخصوصا سازمان ملل متفق و بالنتیجه عدول از روح منشور سانفرانسیسکو انجام میگیرد .

برهیچکس‌پوشیده نیست که‌ازاوائل ۱۹٤۷ ببعد قسمت اعظم محافل سیاسی و دولتی امریکا خواهان تجدید نظر در اساس سازمان ملل متفق و اخراج اتحاد شوروی و کشورهای دارای سیستم اقتصاد سوسیالیستی ازسازمان ملل و یا لااقل تقلیل دادن نقش آنها بدرجه نقش یك اقلیت بی اثر در آن مجمع میباشد

پیروزی انقلاب در چین (یکی از اعضای دائمی شورای امنیت) وشکست دیپلماتیك و بیکوزیك کشور های استعماری و مخصوصا امریکا در آسیا کشورهای غربی و مخصوصاامریکا را برای تسریع در اعمال‌سیاست تخریب منشور سازمان ملل تشجیع و تحریص کرد .

اظهارات آقای آچسن در کنفرانس سابق سه وزیر امور خارجه غربی‌در لندن‌دائربه « دیپلماسی توتال » و مخصوصا مخالفت امریکا و انگلستان و فرانسه با برنامه پیشنهادی تریگولی جهت حل بحران‌سازمان ملل سمت اساسی سیاست امریکا راکاملا روشن‌میکرد .

بژرگترین‌عامل تردید بلوك‌باختری در پیروی کور کورانه از سیاست مورد نظر امریکا اختلاف نظر و تضاد هائی است که درمیان اعضای این‌بلوك درامور مربوط بمناطق نفوذ جهان وجود دارد . مخصوصا دولت انگلیس از اینکه دراثر بهم خوردن اصل اتفاق آرا و اخراج‌چین و شوروی ازسازمان ملل در برابر دسته بندیهای امریکادراقلیت واقع شود این تردید و دودلی را تشدیدمیکند

تحریك جنك داخلی کره از جانب امریکا در دوره غیبت نمایندگان واقعی چین و اتحادشوروی‌در شورای امنیت و قبلی‌کردن آن بنام«تجاوز کمونیستی» و آغاز تجاوز علنی امریکائی در کره و فرمز با قراردادن سازمان‌ملل‌متفق در برابر یك عمل انجام گرفته ، هنگامی اتفاق‌افتاد که در افکار عمومی‌بین‌المللی و مخصوصاً درداخل دولتهای متعدد،فکر شناسائی رژیم جدید چین و پشتیبانی از عضویت آن در سازمان ملل متفق قوت میگرفت .

در ضمن‌بااستفاده‌از جنك‌تحریك‌شده کره ، امریکا توانست شورای امنیت‌را برای اولین‌بار به نقض اصل اتفاق‌آرا و اتخاذ تصمیم بر خلاف موازین قانونی واداز کند.

درصورتیکه هنین شورای امنیت‌در دوره چهار سال بعد از جنك ، با همین ترکیب‌اکثریت خودوباوجودپیشنهادهای صریح و قاطع اتحادشوروی کوچکترین اقدام مؤثری در مورد تجاوزهای صریح و آشکاری نظیر تجاوزهانده‌راندونزی، تعرض اعراب به‌اسرائیل و منطقه عربی فلسطین ،تجاوز هندوستان بر حیدرآباد خودداری‌ورزید.

وهمین اکثریت‌امریکائی وانگلیسی شورای‌امنیت در طی‌دوره‌یکساله‌ریاست نماینده اتحادشوروی در شوری با توسل بطرق‌و وسائل گوناگون ازطرح‌واتخاذ تصمیم قانونی‌دربارهٔ‌حل‌مسالمت‌آمیزمسئله کره ، عضویت نماینده حقیقی چین،تجاوز امریکا‌به‌تمامیت‌ارضی چین درفرمز،بمباران اراضی‌چین‌ازطرف هواپیماهای امریکائی ممانعت بعمل‌آورد.

اکنون کلیه‌هم‌امریکا وهم‌پیمانهای نظامی آن مصروف براین میشود که دو دوره اجلاسیه آینده‌سازمان ملل متفق ، تصمیمات شورای امنیت در مورد کره تسجیل گردد ، از ورود چین بسازمان ملل ممانعت بعمل‌آید ، فرمزازچین‌محروم گردد و از تهاجم امریکا در کره‌وفرمز و چین پشتیبانی و حمایت‌ضمنی بعمل‌بیاید.

کنفرانس‌جدید سه‌وزیر امورخارجه که در روزهای قبل از افتتاح مجمع عمومی باید درنیویورك تشکیل‌یابد،برای تامین‌این‌نظرمی‌باشد.

بطوریکه دیده میشوددوره‌اجلاسیه جدید مجمع عمومی ، بیش از دوره‌های سابق در سردراهی‌قرار گرفته‌وانتظار بلوك‌امریکائی‌ازاین مجمع‌برای قبض‌اصول بین‌المللی و زیرپا گذاشتن‌قوانین‌ومقررات بیشتر است .

در مجمع عمومی جدید قطعنامه‌های مختلف و متضاد و اساسی مطرح‌خواهد شد . قسمتی از این قطعنامه‌ها بطوریکه در بالاگفته شد ، از طرف بلوك امریکا و جهت تائید کورکورانه مقاصد وزارت امور خارجه امریکا تدوین و تقدیم خواهد شد .

قسمتی دیگر از طرف اتحادشوروی پیشنهاد میشود که بطور قطع در بیانیه استکهلم، پیشنهادتقلیل سلاح و نیروهای صلح ،تقبیح تجاوز امریکا در کره‌وچین و پیشنهاد عضویت چین جدید درسازمان ملل متفق در آن مندرج خواهد بود .

اتحاد شوروی تنهادرچین تهیه قطعنامه های خود به افکار عمومی جهان وکاری که کلیه‌ارگانهای دولتی آن کشور برای متوجه ساختن مردم عادی جهان بمقاصد خویش انجام گرفته متکی خواهدبود.

مبارزه بی گیر طرفداران صلح در سرتاسر جهان برای گرد آوری امضاء در زیر بیانیه‌استکهلم و کامیابی‌درخشان آنها در این راه مبارزه‌ه،ملل‌در کشور های سرمایه داری بانقشه‌های‌جنگجویانه دولتهای خود مانند جلوگیری از حمل اسلحه ومهمات‌بمقصد کشورهای آتلانتیك‌و هند و چین و توسعه نهضتهای نجات ملی در مستعمرات نشانه‌ئی از قدرت‌این‌تکیه گاه جهانی است.

در برابر این دو قطب سیاست بین المللی ، از طرف آنهائیکه هنوزعلاقمند به موجودیت سازمان ملل متفق هستند و بدلائل اقتصادی و اجتماعی و سیاسی مرکب این سازمان را برای‌خودخطرناك تشخیص می‌دهند نیز قطعنامه های میانه گیری تقدیم خواهد شد.

و در فضای متشنج و الکتریکی مجمع عمومی آینده ، فقط فشار افکار عمومی جهانی و حسن نیت دولتهائی که کوچکترین نفعی از تخریب پایه های سازمان ملل متفق و غلطیدن دنیادر راه جنك برای آن‌ها متصور نیست، میتواند از اجرای نقشه‌های خطرناك و مضر به صلح ممانعت کند .

در چنین محیطی و با تلاشی که جهت ریاست نماینده ایران می‌شود ، در صورت پیروزی آقای انتظام در اشغال پست ریاست مجمع عمومی ؛ دل و رای هیئت‌نمایندگی ایران اهمیت زیادی کسب خواهد کرد .

با توجه به تبلیغات تحریك آمیز امریکائی در بارهروابط ایران‌وشوروی و اختلافهائی که ازآن جانب‌درمذاکرات بازرگانی دو کشور بعمل میآید،هرگونه تصمیم قانونی‌دربارهٔ‌حل‌مسالمت‌آمیزمسئله کره ، عضویت نماینده حقیقی چین،تجاوز امریکا‌به‌تمامیت‌ارضی چین درفرمز،بمباران اراضی‌چین‌ازطرف هواپیماهای امریکائی ممانعت بعمل‌آورد.

اکنون کلیه‌هم‌امریکا وهم‌پیمانهای نظامی آن مصروف براین میشود که دو دوره اجلاسیه آینده‌سازمان ملل متفق ، تصمیمات شورای امنیت در مورد کره تسجیل گردد ، از ورود چین بسازمان ملل ممانعت بعمل‌آید ، فرمزازچین‌محروم گردد و از تهاجم امریکا در کره‌وفرمز و چین پشتیبانی و حمایت‌ضمنی بعمل‌بیاید.

کنفرانس‌جدید سه‌وزیر امورخارجه که در روزهای قبل از افتتاح مجمع عمومی باید درنیویورك تشکیل‌یابد،برای تامین‌این‌نظرمی‌باشد.

بطوریکه دیده میشوددوره‌اجلاسیه

عشایر وسربازان ایرانی

بقیه ازصفحه ۱

نظیر « ایل‌لهونی » که بقرار معلوم با «ایل جوانرود » اختلافاتی داردا‌ستفاده نموده است اعلامیه سناد ارتش مدعی‌است که ازمدتی پیش جوانرودیها بدرخواست دولت مبنی بر تسلیم اسلحه ووی مخالف نشان مسیداده اند چندین بار بدانها اولتیماتوم‌داده شده ولی نتیجه‌ای نبخشیده است تسا اینکه اخیرا در صدد مقاومت برآمده وموقعیت جنگی بخود گرفته اند حتی اعلامیه سناد مدعی‌است که‌حمله ابتدا ازطرف ایل جوانرود شروع شده‌است

امااین اعلامیه دولت بهیچوجه قانع کننده بنظرنمیرسد هیچکس البته نمیتواند باسیاست خلع اسلحه عشایر مخالف‌باشد ولی اولا باید این مسئله عمومی باشد یعنی همه‌عشایر خلع سلاح شوند ثانیاراه خلع سلاح کردن آنها توسل به تهدیدو ارهاب و نشان دادن سر نیزه و بمباران مناطق آنها نیست بایستی بدانها اطمینان داد که امنیت آنها تامین است بایدبرای بهبود وضع زندگی اقتصادی ، اجتماعی فرهنگی وبهداشتی آنها قدم های عملی برداشت .

آنوقت مسلما سیاست خلع سلاح عشایر بانهایت‌موفقیت و بدون‌خون‌ریزی عملی خواهد شد . اما در مورد حمله به ایل جوانرود سیاست دولت را بهیچوجه نمی‌توان صحیح‌دانست .

از طرفی دولت بملاحظات مختلف در اینمورد تبعیض بکار میبرد که بعضی از عشایر مرتبا‌اسلحه میدهد وآن‌هارا میدان تاخت و تاز عمال امریکائی قرار میدهد ولی نسبت‌ببعضی دیگر قیافه‌ظاهر فریب « طرفداری ازخلع اسلحه عشایر» بخود میگیرد و میخواهدبازور وسرنیزه آنهارا سرکوب سازد . همه کس میداند که معرك واقعی دولت ازحمله به عشایر جوانرود طرفداری از خلع سلاح عشایر بطورعموم نبوده است‌وگرنه چرا اجازه میداد عشایر مناطق دیگر مرتبا اسلحه جدیدبگیرند وبصورت مراکزخطر برای امنیت ایران در آیند . معرك دولت و ستاد ارتش در این حمله ناگهانی به عشایر جوانرود از جاهای دیگر آب میخورد . مسئله مسلما مربوط بجریانات سیاست خارجی است . چه بسا ایل جوانرود تحت تاثیر سیاست های معینی نخواسته است بطورکامل از اسلحه خود برای‌تامین‌مقاصدی که امثال آقای‌ذوگلاس‌از فعالیت سیاسی‌خود درایران‌دارند استفاده کنند و حاضر نشده است در نقشه های خائنان براندازآنها شرکت‌نماید چه بنا راه انداختن جنك « ایل جوانرود » پاسخی از طرف سیاست رقیب خصومی امریکا در ایران به سیاست تسلیح‌عشایر باشد تابدان وسیله به امریکائی ها ثابت کنند که نقشه تازه آنها مبنی بر گذاشتن اساس‌کار بر نیروی عشایر تا چه اندازه اشتباه آمیز است . بطوریکه در باره ایل جوانرود گفته میشود سران‌این ایل‌با همسایه غربی‌ایران‌عراق که نفوذ انگلیس درآن بسیار محسوس‌است و رابطه‌حسنه‌ای دارند ومرتبا بدان کشور پناهنده میشوند و مورد‌پذیرائی قرارمیگیرند‌دراینصورت هیچ بعیدنیست که‌عشایرجوانرود ازطرف سیاست پشتیبان آن‌مورد استفاده بازیهای سیاسی قرار گیرند .

آنچه مسلم است هم افرادعشایر جوانرود که‌در کمال‌زیرآتش توپ‌وبمبارانهای هوا پیما های دولتی زندگی خود را از دست میدهند وهم‌سربازان‌تیپ کرمانشاه و کردستان که جان خود را در معرض خطر نبرد سخت در مناطق کوهستانی می بینند ، هر دو قربانی مقاصد سوء سیاست های استعماری شده اند .

افراد عشایر نشین ایرانی وسربازان ایرانی باهم تضادی ندارند که برروی هم شمشیر بکشند و یکدیگر راقتل عام کنند .

این سیاست های مرموزامپریالیستی است که تا این حد زمامداران مارا در طلسم خود اسیر کرده و آنهارا آماده برای اطاعت‌همه‌قوانین خداوندان استعمار پرورش‌داده است .

همه میدانند که در این ماجرانه افراد عشایر جوانرود مسئولیت داردنه سربازان ایرانی .مسئولیت واقعی بدوش آنهائی است که برای انجام منظورهای ضد بشری و جنایت کارانه خود کشور مارابار ها صحنه‌جنك برادر کشی کرده‌اند واکنون‌نیز برای‌برداشتن موانع از جلوی نقشه‌های مرموز خود ملت ما را قتل عام میکنند .

حمله به ایل جوانرود و راه افتادن جنك در آن منطقه چه‌مطلبی‌را روشن نمود؟

در مرحله اول جریان این فاجعه نشان داد که استعمار طلبان امریکائی قادر نیستند نقشه های ماجرا جو یانه خود را در ایران راجع به تسلیح عشایر و بخدمت گرفتن آنها با موفقیت انجام دهند .

آنها عملا بتوانی‌بر خوردخواهند کرد که این سیاست خشن آنها را نیز مانندسیاست‌های‌مختلف‌دیگرشان‌شکست خواهد داد .

در مرحله‌دوم‌حمله‌به ایل‌جوانرود نشان داد که عشایر ایران درهر صورت با وضع‌فعلی هیچگاه تامین‌نخواهندداشت و نبایدبه وعده های ظاهر فریب عمال استعمار خارجی و نوکران ایرانی آنها دلخوش کنند وخود را آلت بلا اراده مقاصد آنها سازند .

در مرحله سوم واقعه جوانرود به ملت‌ایران نشان داد که بزرگترین معرك‌فتنه و آشوب‌در کشورما دست‌های استعمار خارجی است ووظیفه مردم‌میهن ماست که‌تنفر وانزجارملی خودرا بیش‌از پیش بدشمنان خارجی‌وداخلی ایران‌نشان دهند.

ایام روش هشانا و کیپور

برای برگذاری مراسم (طقبا) در ایام روش هشانا وکیپور کانون خیرخواه باغ مدرسه عراقیهای مقیم تهران واقع درخیابان شاهرضا جنب دانشگاه را بنفع نرمانگاه کانون بابهترین وجهی آماده نموده و در ایام نتامبرده اجرای مراسم مذهبی توسط جناب آقای ساحام یدیدیا شوفط وسایر (شالیح سیبورهای)مشهور بعمل خواهدآمد

برای تهیه صندلی قبلا بمراکز ذیل مراجعه شود

۱- ناصرخسرو عبده فروشی‌آقای عبدالله دهمشتی

۲- ناصرخسرو تجارتخانه فروزان تلفن ۷٤۰۱

۳- لاله‌زار طورایفل تلفن۷۳٦۳

٤- نادری مرادایفل تلفن۹۷۷۲

۵- یوسف‌آبساد داروخانه هور تلفن۸۱۱۹٦

٦- بازار امیر آقای الیاس قدسیان

۷- سرای امیر « عبدالله ذهابیان

۸- صدیه « یدیدصیون

۹- خیابان سیروس دفتر درمانگاه کانون

۱۰- شاهرضا داروخانه صبا

۱۱- خیابان کاخ داروخانه لیك کانون خیر خواه

موازنه‌ئی که هرگز.....

بقیه از صفحه ۱

تصمیمات مقول وقابل قبول کنفرانسهای پتسدام ، مسکو وجلسات ابتدائی شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل متفق در سانفرانسیسکو ناشی از این وضع بود

با اینوصف از همان سال ۱۹٤٦ مقدمات تشکیل بلوکهای نظامی وسیاسی جهت تحمیل نظریات یکجانبه فراهم میشد بهمین مناسبت مولوتف وزیر امورخارجه وقت شوروی و رئیس هیئات نمایندگی آن کشوردرمجمع عمومی طی نطقی گفت اگـر اشخاص تـصور میکنند کـه بـا اتکاء بزوروتهدید میتوان دولت شوروی رابتسلیم وادار کرد من رسما اعلام میکنم که دولت شوروی در طول تاریخ خـود ثابت کرده است تنها دولتی است که از هیچگونه تهدیدی نمیهراسد.

اکنون چهارسال تمام ازاین اظهارات میگذرد .

در ظرف این چهار سال اقدامات متوالی ومتواتری نظیر : طرح مارشال آتین ترومن ، اتحادیه باختری اتحادیه اروپا ، بلوك اتلانتیك ، قرار داد کمك نظامی بکشور های اروپـای باختری ، اصل چهارم ترومن ، واسوا و اسلحه و مهمات ایطالی بدولتهای پوشالی درچین، فیلی‌بین ، هندوچین ، کره و ... جهت تهیه قدرت کافی بمنظور تحـیل مقاصد سیاست‌های باختری باتحـاد شوروی و کشورهای دموکراسی اوین بعمل آمد.

ازآن زمان تا امروز سیاستمداران باختر زمین اعم از چرچیل (در فولتون ۱۹٤٦) بن‌تز ، مارشال ،ژنرال‌سیاتس، دوگل ،ترومن ،آچسن بکرات گفته‌اند که منظور از این اقدامات بدست آوردن توانائی و قدرت است تابتوان برای حل اختلافات دو جبهه باخد تماس با شرق پرداخت .

در ظرف این چهار سال تمام دنیا شاهد اظهارات متواتری دائر بـه ضعف روز افزون باختر و نیرومندی خاور است . آیا چه قدرتی جبهه خاوری را کـه مصائب ومتاعب اصلـی جنك راتحمل کرده وهنوز با شورو شتاب تمام مشغول احیای اقتصادیات هادی و زمان صلح است بر قسمت اعظم جهان که کلیه منابع صنعتی ومواد خام آن دراختیار کشورهای عضواتحادیه های مختلف و متنوع باختری است برتـری میدهد ؟

چه‌چیز است که بـا وصف صرف میلیاردها دلار جهت « احیای اقتصادیات اروپای باختری و کشورهای دیگر» وتجهیز نظامی موازنه‌ای که اینهمه‌در انتظارش هستند حاصل نمیشود ؟

بطوریکه میدانیم از ماه مه گذشته اصطلاح جدیدی از طرف آقـای آچسن به قاموس لغات دیپلماسی جهانی افزوده شدو آن « دیپلماسی توتال » بود .

هدف این دیپلماسی آنست که کلیه منابع سیاسی و اقتصادی ومالی واجتماعی کشورهای بلوك باختری را جهت ایجادو قدرت وتفوق نظامی بمنظور «تامین امنیت و صلح »و«حل اختلافات خاور و باختر» تجهیز کنند .

هم اکنون بمناسبت افتتاح کنفرانس جدید سه‌وزیر امـور خارجه باختری در نیویورك مجددا بهمین اظهارات وبیانات بر میخوریم .

بانظری به‌حوادث سیاسی چهار ساله اخیر آشکار میشود که دیپلماسی شوروی همواره بااستقلال و استقامت خاصی پیش رفته و همچنانکه مولوتف گفته بود تاثیر ناپذیری خودرادربرابر اینگونه‌دسته بندیها

وزور نمایها باثبات رسانده است.

پالاکرفتن نوشتهای نجات ملی درمالزی، هندوچین ، فیلی‌بین بیرمانـی و کره و مهمتر از همه پیروزی کمونیسم درشبه‌قاره ٤٥۰ میلیون‌نفری چین نشان می‌دهند که ضعف اصلی و اساسی رژیم سرمایه داری را نمیتوان‌با انعقاد قراردادها و تصمیمات کنفرانسها حل کرد .

استفاده عملی و تبلیغاتی که‌ازجنك داخلی کره به نفع‌مقاصد دیپلماسی توتال بعمل میآید و تدابیری که برای «ایجاد موازنه » (بقول آقـای آچسن) اتخاذ می‌شود نشان می‌دهد که اقدامات جدید میتکرین دیپلماسی توتال‌رابه‌هدف نزدیك نمی کند .

از مصاحبه‌های رسمی مطبوعاتی‌سه وزیر امورخارجه کاملا آشکار می شود که واشنگتن و لندن، بازهم « قدرت» را در تحکیم پایه‌های نظامی و بالابردن تجهیزات وعده افراد زیر پرچم جستجو می کنند .

سیاست تحریم مبادلات بازرگانـی در روابط اقتصادی بـا سیستم اقتصاد سوسیالیستی ، تـوأم بـا از دست رفتن بازارهای وسیع مستعمرات سابق (چین و کره اخیرا و کشورهای‌جنوب‌خاوری و مرکزی اروپا) سیستم‌سرمـایه‌داری اقتصاد را در بن بست بسیار وحشتناکی قرار داده است که نشانه‌های بارز آن بصورت بیکاری وگرسنگی ،ازدیادتولید برمصرف تقلیل‌قدرت‌خرید‌طبقات‌زحمتکش در سرتاسر منطقه سرمایه داری جهان مشهود است.

دیپلماسی توتـال از نظر اقتصادی می‌خواهد با تبدیل تولید زمان صلح به «تولیدزمان‌جنك پایه‌های متزلزل‌اقتصاد سرمایه‌داری رامونتاژتحکیم کند و درعین حال‌ازنظر نظامی برقدرت کشورهای عضو این‌سیستم بیفزاید.

ولی اینگونه توجیه اقتصادی بناچار انفلاسیون و سقوط قدرت خرید مردم و بالنتیجه افزایش کشمکشهای اجتماعی و اقتصادی و بالنتیجه‌سیاسی‌رادر پی‌خواهد داشت .

حادثه کره ، از این حیث نیزبدرد آقای ترومن خورد ، دستور وی دربارهٔ بسیج نیروهای نظامی امریکابه کشورهای بلوك اتلانتیك بتاز تملق پـذیـرفت ، رئیس‌جمهوراز همه اعضـای اتحادیـه تقاضا کرد که دوره خدمت نظام وظیفه را بالا ببرند . و این عمل‌راهرطاسی دریافت کمك نظامی ازامریکا قرارداد.

اخیار واصل شده از انگلستان و فرانسه و سایر کشورهای عضو بلوك اتلانتیك اطاعت سران این کشورهاراز فرمان ترومن نشان میدهد . علاوه‌براین از نظر ایدئولوژیك و مبارزه سیاسی و عقیده‌ئی با مخالفین داخلی این پروگرام نظامی‌وسیاسی ـ اقتصادی‌نیزدر کنوهائی به دول فرانسه و ایتالیا صادر شده است افرادی‌نظیر شلبا(وزیرداخله ایتالیا)

بل رینو و ژرژ بیدو مـأمور « تبلیغ حقیقت » گردیده‌اند.سازمان‌های ایتالیا و فـرانسه بر اساس جنك داخلی جهت سرکوب کـردن قیام‌هـای محتمل‌الوقوع ضدجنگی تجدید سازمـان می‌یابد . اردوکشی تبلیغاتـی به نفع « حقیقت »توأم با فشارهای‌پلیسی‌است.

از نظر اجتماعی «دیپلماسی‌توتال» بـوی‌احـیـای فـاشیـم و سلب امـکان مبارزات اقتصادی‌وسیاسی‌از سازمان‌های کارگـری و زحمتکش کشور های عضو پیمان اتلانتیك‌سیرمیکند .

از نظر نظامی تجدید سلاح آلمان باختری ، افزایش تولیدات متراژوبك

موضوع کمك آمریکا و«یأس محافل سیاسی ایران»

قبل از اینکه راجع بمسئله ای که تحت عنوان دروغین و فریبنده «کمك» از مدتها پیش در ایران مطرح بـود و زمامداران ما را بطمع دانه سرقدم‌ساخته در دام افکنده و برای مردم روزگاری چنین نکبت بار فراهم نموده است وارد بحث گردیم باید نکته ای را تذکردهیم و با این تذکر ملت ایران را از اتهامی که سعی دارند بـآن نسبت دهند مبری سازیم .

امروز که آرام آرام «کمك آمریکا» از پرده تظاهر و ریاکاری‌خارج میگردد بعضی از جراید مـا اززبـان ملت‌ایران به‌گله برخاسته‌اند.

روزنامه‌دادادرسرمقاله‌شماره ۱۸۹۸ خود چنین مینویسد :

« ملت ایران که آن اعلامیه بلند بالای‌آچسن رابهنگام‌مراجعت‌از کنفرانس لندن در خصوص ابراز علاقه‌کامل دولت امریکا درکمك بایران چند ماه قبل شنید، هرگز باور نمیکرد امریکا با اعلام‌اینکه سر حد جنك را از مرزهای ایران‌حساب مینماید فقط از نقطه نظر سوق الجیشی بایران نگریسته هیچ فکر نمیکنند‌که در این قطعه خاك پانزده میلیون جمعیت نیز بنام ملت ایران‌حق حیات داشته باید از حد اقل خوراك و پوشاك‌ومسکن‌استفاده کنند...»

دراین‌موردباید با کمال‌صراحت گفت که‌براستی برای‌جلب آنچه‌آن‌راخواسته‌اند

بقیه درصفحه ۸

در آن کشور ، افزایش قـوای مسلح کشورهای بـاختر اروپا بحساب کمك مارشال ومهمتر از همه افزایش‌نیروهای امریکائی‌مقیم اروپا دراوائل سال ۱۹۵۱ مطمح‌نظر و مورد مطـالعه کنفرانس جاری سه وزیرامورخارجه در نیویورك است .

در اظهارات اخیر آقای آچسن در بارهٔ هدف این سیاست دو بهانه متضاد بچشم میخورد . یکی «ایجاد موازنه » و دیگری « تأمین صلح‌بوسیله افزایش نیروهای نظامی » و تکذیب « جدی» «جنك طلبی» .

وزیر امورخارجه امریکا گفته است که فقط پس از ارتقاء قدرت‌نظامی دول باختری و ایجاد موازنه با قدرت خـاور میتوان اختلافات موجودرا حل کرد.

ولی مقدمهٔ دولت متبوع‌وی‌باتوسل به تهدید قطع کمك مارشال میطلبد که روابط اقتصادی‌خودرابا کشورهای شرقی قطع کند.

لیست جدیدی برای محدودتر کردن صادرات بمنطقه سوسیالیستی تهیه‌ومنتشر میسازد . بـا توجه بـاین مقدمات کاملا آشکار میشود که واشنگتن بکمانه راه « حل اختلافات » را « تحمیل و دیکته کردن شرائط امریکائی» به‌اتحادشوروی و کشورهای هم‌پیمان و یا هم رژیم آن تلقی میکند .

از هم اکنون با توجه بـه عواقب اقتصادی و اجتماعی وخیم این سیاست‌در سرتاسر کشورهای غربی ، (و حتی در صورت‌تشدید حملات پلیسی)عکس‌العملهای شدید سیاسی و شاید انقلابی آن میتوان پیشگوئی کرد که موازنه موردنظرآقای آچسن‌هرگزحاصل‌نخواهد شد.

در شهرستانها چه خبراست ؟

مدعیان

((اصل آزادی مطبوعات))

چگونه از انتشار روز نامه های آزادیخواه جلوگیری می کنند وچطور فرزندان شرافتمند میهن‌ما را بجرم صلح‌طلبی بزندان می کشند؟

چگونه درتحت توجهات دولت «حلقه طلائی» یك کار گرزیر آب را باتهام دزدیدن سك حسابدار

بشلاق میبندند!

در این هفته نامه های زیـادی از شهرستان‌ها باداره‌روزنامه رسیده است ، این نامه‌ها همه‌سندمحکومیت رژیم‌منحطی است که از « پشتیبانی معنوی دیپلمات های آمریکائی مقیم تهران» بر خوردار است ، سه نفر از دانش آموزان شیراز نامه‌ای فرستاده‌واینطور مینویسند :

«٤٦ روز قبـل اینجـا نیسان احمد بنی‌هاشمی ، ابراهیم ارجمند و حشمت‌الله مسیح باتهام جمع آوری امضاء ذیل‌بیانیه صلح استکهلم بوسیله‌اداره آگاهی‌شیراز بازداشت شدیـم ، دادرسی لشکر شش فارس پس ازمحول شدن پرونده‌اینجانبان بان دائره نه تنها دستور رفع بازداشت مـارا صادر نـموده بلکه ا ذنون مـدت مدیدیست کـه بلاتکلیف دور از محیط مقدس تحصیل در زندان شهربانی شیراز بسر میبریم، گرچه‌تا کنون‌نامه‌های‌مکرر بکلیه مقامات مسئول نوشته ایم متاسفانه هیچ کدام آنها جوابی داده‌نشده‌است .

درحالیکه درتمام جهان مردم‌آزاده‌ا شرافتمندوخیرخواه فریاد اعتراض‌خودرا علیه آتش افروزان جنك بلند‌نموده‌اند و درحالیکه‌ملت شرافتمند‌ونجیب‌مابارهبری جمعیت ایرانی هواداران صلح باکـاردن امضای خویش ذیل بیانیه استـهلم نشان میدهند که تسلیم مطامع دشمنان آزادی وصلح نخواهند شد سه‌دانش آموزبیگناه را بانهام طرفداری ازصلح توقیف‌میکنند ومدتها بدون هیچ مدرك ودلیل ای کـه دال برجرم باشد درزندان‌نگاه میدارند .

از مقامات‌مسئول‌درخواست‌رسیدگی بکار مان‌را نموده ، امیدواریم با رفـع بازداشت‌از اینجانبان اجازه دهند‌بتحصیل خویش ادامه داده ، بتوانیم خودرا برای خدمت بعلق حاضرسازیم»

نامه دیگری باضاءه۲۵ نفرازشاهی رسیده که دران نسبت به جلو گیری از انتشار روزنـامه‌مصلحت ارکان جمعیت ایرانی هواداران صلح بوسیله فرمانداو نظامی اعتراض شده وباینطورمینویسد :

«رئیس‌ا گاهی شهر باامیکاری‌علی فرمانداری نظامی‌وشهربانی که درواقع حکومت فعلی ومایتمالی شهررا بسرمهمه دارند‌ازانتشارروزنامه مصلحت جلوگیری بعمل آورند ... بدین ترتیب عوامل قدرت وانتظامی شهر با کمال شدت از انعکاس صدای واقعی ملت و فعالیت‌های صلح‌جویانه جلوگیری میکنند»

خوانندگان محترم ، توجه میکنید که دولت علیه چگونه با فعالیت وسرسختی‌میخواهدازانعکاس‌صدای‌رسای صلح دوستان‌درقشرهای‌وسیع‌ملت‌ماجلو گیری کند

شایدمخالفت باکار بردن‌سلاح اتمی‌وصلح طلبی مخالف‌سیاست خارجی وداخلی دولت است!

واقعا عجیب است ، در حـالیکـه بزرگترین شخصیت های دینی ، قضائی و سیاسی بیانیه صلح رااامضاء کرده. اند عده‌ای‌را بجرم جمع آوری امضاءبجرم صلح دوستی بزندان می کشند و تا آنجا که از دستشان ساخته است در پاره‌آزار و شکنجه آنها فروگزار نمی‌کنند ؛ لابد کسان می کنند که باین‌وسیله‌میتوانند مردم را بنفع سیاست های آتش افـروز خاموش کنند ، ولی تجربـه های متعدد نشان داده است که آنها در این راه تا چه اندازه بخطا می‌روند . کسی که از جنك بیزار است، کسی که مادر و خواهر و فرزند و دوست و آشنـای خـود را دوست دارد و نمی‌خواهد مرك و بی جانمانی و در بدری آنها رابخاطرتأمین منافع مشتی آدمخوار نظاره کنند ، **این شخص راهر قدر بفرفشارش گذارید ، هرقدر شکنجه اش دهید و بزندانش بیفکنید،جنك طلب نخواهد شد ، بشمانخواهد پیوست ، شاید این عزیزی باشد که توده ها خواهان صلح و آرامش اندرهرحال‌هرچه هست همین‌است‌وهمین شمارا ناکام خواهد کرد**

و اما در زیر آب !

نامه ای باضمای ۳۳ نفر کار گران زحمتکش‌زیر آب‌رسیده‌واینطورمی‌نویسد:

« کار گری ۱۸ ساله را بنام محمد که از ٦ سالگی در معدن کار میکرده است بعنوان لو گری بمنزل حسابدارمعدن کارده میبردیم تاریخ ۱۹ و۲۹ ۵ ۵ سك آقای حسابدار مفقود می گردد ، حسابدار پس از آنکه خودداور ابستخی میزند

تحویل حکومت نظامی‌اش می‌دهد، بخشدار نظامی او را بازداشت ودرکنج کلا مقابل پاسدارخانه بشلاق می‌بندد و پس از مدتها شکنجه او را بقید ضمانت آزاد می کنند» و نامه اینطور پـایان می یابد !

«مازحمتکشان کارگران معدن زیرآب که همیشه مورد کینه و آزاربیرحمانه عوامل‌دولتی و متنفذین بوده‌ایم‌بدینوسیله از قعر تونلهای خفقان‌آور و چنگلهای دورافتاده زیرآب که هرگز اثری از انسانیت و تمدن در مسئولین ایـن‌ناحیه دیده نمیشود. فریاد و نارضایتی‌خود را بلند کرده و تسلیت باین وحشیگریهـای آشکار اعتراض می کنیم و خواهان قطع تجاوزات‌غیرانسانی‌هستیم»

اینست نمونه رفتاری که‌ارکان گران محروم میهن مامیشود ، قدرت‌حکومت مقتدر ، در بزنجیر کشیدن کار گـران محروم ، تار و مار کردن مشایر بیگناه بدستور بیگانگان و از بین‌بردن بقایای آزادی فردی و اجتماعی مـردم است ، اصلاحات شش مـاهه ، اصلاحات بنفع سیاست‌های بیگانه و در راه‌تحقق‌بخشیدن امیال پلید آنهاست ،اینجاست که بملت «پشتیبانی‌معنوی دیپلمات‌های آمریکائی مقیم تهران » پی می‌بریم . بقیه‌درصفحه ۷

صاحب امتیاز : ش انور
محل‌اداره سه راه سیروس
خیابان بوذرجمهری
وجه اشتراك سالیانه ۱۳۰ ریال
« « شش ماهه ۷۰ «
مقالات وارده‌مسترد نمیشود‌اداره در حك و اصلاح و درج آن مختار است

ماجرای ((تصفیه)) بکجا انجامید ؟

بقیه از صفحه ۱

نکات ضعف تصمیمات هیئت تصفیه ، سطحی بودن‌کار ، غرض‌رانیها و اهـمال نظرهای نامشروع را کـه درقسمتی از اقدامات هیئت آشکار است نشاندادیم و بعوانع رنگا رنك جنجالیها ، دسته‌بندیها و فعالیتها که‌درراه اجرای قسمت‌صحیح تصمیمات هیئت تصفیه‌موجود است اشاره نمودیم .

این یك حساب ساده است که هر انسان هادی با اندك تفکر می‌تواندبدان راه یابد ، چگونه مـی توان امید داشت هیئت حاکمه ایران بتصفیه اساسی خویش دست زند ؟

تصفیه این عمل انقلابی را که‌دراثر پیروزی طبقه یا طبقاتی از ملت علیه‌فرمان روایان رژیم کهنه و درهم شکسته‌اعمال میشود چگونه‌میتوان ازموجدین وموجبین نظم سیاه‌حاکم‌منتظر بود ؟ چگونه‌ممکن است آنان حتی نام «تصفیه» را بزبان راندند جز آنکه از آن مخدری براعصاب مردم فراهم سازند ؟

تجربه بزودی نشان‌داد که دستگاه حاکمه ایران نه میخواهد و نه می‌تواند بکقدم اصلاحی بردارد ، کاری که حتی بقدر پشیزی موافق تمایلات عمومی باشد از این سازمان برنمی‌آید .

مخالفتهائی که برعلیه‌تصمیمات‌هیئت تصفیه آغاز شده‌بود باعدم تعطیل‌تابستانی مجلس شوری شدت گرفت و بخصوص در جلسه خصوصی که برای بحث اظهارنظر در بارهٔ‌تصمیمات هیئت تصفیه تشکیل‌یافته بود ، مشمولین بند «ج» و وابستگـان آنها جنجال عجیبی برپا کردند و حتی بتهدید رژیم حکومتی دست زدند .

بخصوص کـه جهت تصفیه تاحدی روشن بود ، هنگامی که از میان نخست وزیران سابق تنها قوام‌السلطنه مشمول بند «ج» گردیده و اکثریت قریب‌باتفاق اعوان و انصار او نیز مورد بی لطـفی هیئت تصفیه قرار گرفته «بعکس» رجال صدر مشروطیت از قبیل حکیم الملك و وحیدالملك شیبانی و ازینقبیل جزوغنائم ملی بحساب آمـده و « استفاده» از وجودشان توصیه گردیده و حتی « تقی زاده» باین بهانه که پس از سالهاوکالت وزارت و سفارت گویا هنوز سابقه‌خدمت دولتی ندارد ( ) ازشمول تصفیه‌معوبت یافت ، مخالفین تا حدی توانستند بفهمند که از کجاضربه خورده و صلاح‌متقابله را بکدام سمت بایستی متوجه دارند !

البته این «جهت» بحدکافی روشن بود غرض ورزیهای خصوصی اخـتلاف نظرهای شخصی ، تصفیه حسابها و ازین قبیل که ترکیب هیئت حاکمه را هرچه آشفته تر می‌نمایاند کار خود را کرده و چه بسا«رگ کلیهای سرسید» دسته‌ها و دسته‌های گوناگون را کـه بدام تصفیه گرفتار کرده بود .

در جلسه علنی روز پنجشنبه گـذشته نمایندگان «جبهه‌ملی» دولـت را مورد حملات شدید قرار دادند و از اینکـه بخلاف قانون‌تصفیه ، از اجرای تصمیمات هیئت ، تعلل‌ورزیده است بشدت‌اعتراض کردند .

آقای نریمان در اینزمینه بیاناتی کردند و دولت را که بخـلاف ماده ۹ قانون‌تصفیه ، پس‌از ابلاغ تصمیمات‌هیئت از اجرای خود خـودداری کـرده مورد سواخذه قراردادند و در عین‌حال نومیدی ملت ایران را از اقدامات « اصلاحی» دستگاه حاکمه‌بدینبیان اعتراف نمودند

مردم در اثر تجربیات تلخ و یاسی که از نتیجه کارهای دستگاههای دولتی داشته بهیچوجه‌امیدوار نبودند که بحساب عملیات گذشته کارمـندان دولت ، یك رسیدگی واقعی و مثبتی بشود و از این قانون نتیجه مطلوبه بدست آید .»

و آقای دکتر مصدق گفتند :

«نظر باینکه در تاریخ دوم مراد ۱۳۲۹ هیئت‌تصفیه قانون را ابلاغ‌نموده ولی دولت آنرا بموقع اجرا نگذارده دولت مشمول مقررات قـانون مجازات عمومی است و هریك از نمایندگان حق دارند برعلیه دولت اعلام جرم نمایند

و جای بسی تعجب است ازاینه‌دولت که خود را بجامعه مقدم برای اصلاحات معرفی نموده ولی‌از بدو تشکیل‌تا کنون کوچکترین کاری نکرده است و اوقات گرانبهای مملکت را صرف در اموری نموده که‌اساسی نیست و اگرهست مملکت را دچار خطر می‌نماید .»

با اینهمه ، آقـای نخست وزیـر کوشیدند با بیاناتی کـه بهیچوجه قانع کننده نبود برهدم اجرای تصمیمات هیئت تصفیه دلیل‌بتراشند واز رویه دولت‌خود دفاع کنند ، آقای نخست‌وزیر گفتند :

«پس از اینکه دولت این گزارش را ازهیئت تصفیه دریافت کرد و پس از مطالعه‌درباب اینموضوع باین نتیجه‌رسید که عملیات هیئت‌تصفیه در اینمدت‌تاحدی مخالف نص صریح خود قانون بود یعنی درقسمت ماده سوم‌مربوط به‌بند(ج)نوشته شده است که هیئت موظف است‌بپرونده کلیه کارمندانی که مشمول قانون بـاز نشستگی نیستند رسیدگـی نمایند در صورتیکه از اینمده که پرونده آنها را هیئت‌تصفیه رسیدگی کرده است درحدود ۲۰۰ نفرازآنها مشمول قانون‌بازنشستگی میباشندو ملاحظه میفرمایند که عمل‌هیئت تصفیه مخالف قانون بوده است .

دولت پس از اینکه گزارش هیئت تصفیه را دریافت کرد در حدود ٤۰۰نفر ازکارمندان دولت را طبق قوانین موجود بازنشسته کرد و عده‌ای دیـگر نیـز در انتظار خدمت داخل شده‌اند و اینعمل را دولت از این نظر انجام داد که بتواند قانون‌رااجرا کند .

ولی در اینصورت اسامی سه دسته از اشخاص ذکرشده است مثلا درصورت مذکور اسامی عـده‌ای از سناتورها و نمایندگان مجلس شورای ملی و همچنین عده‌ای از قضات ذکرشده است و بهمین جهت دولت نتوانست عین‌تصمیات هیئت تصفیه را اجرا کند زیرا برطبق قانون اساسی محاکمه قضات و رسیدگی بکار آنها مربوط بـدستگاه خـاصی است و هیئت تصفیه حق چنین‌کاری رانداشته است .

دادن دولت نمیتوانست برخلاف قانون‌عمل کند ناگزیرشد که این‌موضوع را بعرض مجلس شورابعلی برساند و از مجلس کسب دستور کند .

در جواب سئوالات آقایان دکتر مصدق و نریمان باید عرض کنم که‌دولت وظیفه خودش را انجام داده است زیـرا بعض‌دریافت گزارش در تاریخ ۲۹/۵/۳ در حـدود چهـار صـد نـفر از کارمندان را از بر کنار کرده است ولی ملاحظه‌میفرمایید که این کار تاآن اندازه که تصور میفرمایند آسان نبوده است که فورا دولت بتواند انجام دهد بلکـه بـایستی دولت بتدریج انجام میداد ... »

از سوی‌دیگر این اظهارات ، ضعف منطق هویداست ، همانطور که آقای دکتر مصدق نیز متذکر شدند تنها پس‌از اعلام تصمیمات هیئت تصفیه بود کـه دولت باشتاب مخصوص ، برای بی اعتبار جلوه دادن تصمیمات بصدور حکم باز نشستگی برخی از کارمندان مورد نظر اقدام کرد بعلاوه مگر دولت مقنن است تا بتواند در بارهٔ قانونی بودن یا نبودن تصمیمات هیئت تصفیه اظهار نظر کند ونظر خود را اعمال نماید ؟

دولت ، طبق مادهٔ پنج قانون‌تصفیه، بدون قید و شرط وظیفه دارد فورا تصمیمات هیئت را بمرحله اجرا گذارد و در هیـن حـال ، چنانچه آنجلسه را نادرست ومخدوش می یابد لایحهٔ قانونی برای اصلاح عمل بمجلس تسلیم دارد و بانتظار اتخاذ تصمیم از ناحیهٔ مقام قانون گزاری بنشیند ، امادولت بخلاف وظیفهٔ خود قریب دو ماه هست که از اجرای تصمیمات هیئت تصفیه خود داری کرده و اینك نیز درمقام‌دلیل‌تراشی‌برآمده‌است !

آقای‌نخست وزیر ، بازنشسته کردن وبا منتظرخدمت نمودن جمعی‌ازمشمولین بند «ج» را که بقول خودشان بموجب قوانین موجود انجام گرفته است بحساب اجرای تصمیمات هیئت می گذارند وحال آنکه منتظرین خدمت را می‌توان‌مجددا بخدمت دعوت کرد ونیز مادام کـه در انتظار خدمتند مقرری قانونی پـرداخت بخلاف مشمولین بند «ج» که میبایستی با دریافت مبالغی که تاماهانه‌بعنوان‌صندوق بازنشستگی پرداخته اند برای همیشه از خدمات دولتی بر کنار گردند وهمچنین مقررات مربوط بباز نشستگان حسابی‌دارد که بالمره جدا از وضع مشمولین «ج» و رویه ایست کـه نسبت بایشان باید اتخاذ گردد .

همه کس میداند که چه کسانی از مشمولین بند«ج» را دولت‌منتظرخدمت کرده‌است ، گروهی ازمستخدمین‌با کدامین وشرافتمند دولت که بنا براغراض سوء درشمار بند «ج» و «ب» آمده اند و اینجمعی از کارمندان بیدست وپـا و بی پشت وپناه که نتوانسته اند در سازمان حاکمه ریشه بدوانند ، آیـن هـا هستند تنها کسانی که قربانی تظاهردولت به «تبعیت » از تصمیمات هیئت تصفیـه گردیده‌اند !

تمام آن کسانی که اگر مردم‌وطن ما برای‌اجرای‌تصمیات هیئت تصفیه پای میفشاردند تنها برای دفع فساد ایشانست همچنان برسر پستهای خود باقی مانده‌و در‌دام بندهای «ج» و «ب» می افتد تا ازاین پس «خدمات بیشائبه» را بخانه‌و خانواده خویش‌مصروف‌دارند‌وبامیلیونها کمه‌در اثر « زحمت صادقانه » فراهـم آورده‌اند باقی عمررا بعیش‌وطرب‌نشینند فریاد از درو دیوار برمیخیزد ، دامها و موانع در سر راه‌سیر می‌شود.مشتهای گره کرده و چشمهای خون گرفته بدفاع از «حق و عدالت !» برمیخیزد و رئیس دولت را معترف بعجز وناتوانی می‌نماید، اینست‌طرز‌کارزدستگاهی که‌قانون‌اساسیش عموم اهالی کشور را از غنی و فقیر در مقابل‌قوانین ومقررات ، یکسان‌ومتساوی الحقوق تصور است !

عذر دیگر دولت دراجرای‌تصمیمات هیئت تصفیه آنست که جمعی از وزیران، وکیلان و قضات دادگستری نیز مشمول تصفیه شده اند و حالی آنکه‌طبق‌مقررات قانون اساسی ، تغییر و بر کناری قضات مقررات خاصی دارد .

بفرض آن‌که‌قانون اساسی،تصمیات هیئت تصفیه را در مورد قضات ، ابطال نموده باشد آیا دیگر برای چه‌وکیلان‌و وزیران را مصون از مقررات تصفیه می‌شرند ،مگر قانون اساسی ، بجزدرتعقیب و محاکمه وزیران و نمایندگـان مجلس مقررات و مزایای خاصی را برای آنان قائل شده است ، مگر ممکن نیست

بقیه درصفحه ۷

زن ومردکارگر انبار چای خانمه دهد ، وبا حکم دیگری یکدخانه‌ا امین آباد حوالتشان نماید امـا تنها درایتوقـع ، هنگامی که بگوشه‌ای‌ازمصالح کارگـردانان هیئت‌حاکمه خللی دراردمی آید ، هنگامی که تنی چند عناصر سیکبارا تصادفاپای دردام بندهای «ج»و «ب» می افتد تا ازاین پس «خدمات بیشائبه» را بخانه‌و خانواده خویش‌مصروف‌دارند‌وبامیلیونها که‌در اثر « زحمت صادقانه » فراهـم آورده‌اند باقی عمررا بعیش‌وطرب‌نشینند فریاد از درو دیوار برمیخیزد ، دامها و موانع در سر راه‌سیر می‌شود.مشتهای گره کرده و چشمهای خون گرفته بدفاع از «حق و عدالت !» برمیخیزد و رئیس دولت را معترف بعجز وناتوانی می‌نماید، اینست‌طرز‌کارزدستگاهی که‌قانون‌اساسیش عموم اهالی کشور را از غنی و فقیر در مقابل‌قوانین ومقررات ، یکسان‌ومتساوی الحقوق تصور است !

باید با کوشش مداوم خوداسلحه ارهاب و تهدید و شانتاژ و آرامش تبهکاران خارج ساخت رفاه و آرامش بشری باین وظیفه بستگی‌دارد.

صلح‌خواهی منحصر بکشور یا

بقیه ازصفحه ۱

اسلحه خانه نموده ماشینهای خودرادرراه تهیه سلاح اتمی بکار انداخت وبرای‌این که محلی برای مصرف این کالای ضـد بشری خود پیدا نماید چون چندان هوم ندای جنك در داد .

اکنون سیل اظهاماتی که در زیر بیانیه استکهلم گذاشته شده است حلقوم این گروه را میفشارد و راه را بر اسلحه فروشان و تجار مرك و خون هر لحظه مسدود تر میسازد .

مسئله طرفداری از صلح موضوعی مربوط بیکی دو کشور نیست .

جمیع ملل‌واقوام جهان کلیه‌وستجاتی که در هر ملت وجود دارند جزآن عده قلیلی که امر صلح زندگـی سراسر ننك آنان را دچار خطر میسازد همه یکدل و یك زبان جنك و یکانه اهرم آن سلاح اتمی‌راموردخشم وتنفرخود قرار داده و نظریه‌خودرا باامضای‌بیانیه‌استکهلم‌مهمترین وثیقه صلح‌عمومی ابرازداشته‌اند.

در کشور ماهم‌این جنبش‌مقدس روز بروز قویتر ودامنه دارتر میگردد دوهر مسئله طرفداری از صلح مطرح است ـ ازروحانی مسلمان‌تاراب‌یهودی‌ازدانشمندی که علاقه بحیات خود و فرزند خود دارد تا کارگری که برای بهبود زندگی خود میکوشد همه هما منك بطرفداری ازصلح بـرخاسته‌اند ـ روزنامه مصلحت ارکان جمعیت طـرفداران صلح حدود اسامی افراد سرشناسی را که‌ذیل بیانیه رامضا نموده‌اند منتشر ساخته است

اکثریت رجال ومستعدین عالیرتبه کشور ـ قاطبهٔ‌وکلاء دادگستری وقضات ودانشمندان وعنوم ارباب جراید درزمرهٔ این اشخاص قرار دارند

جناب آقای دهخدا دربرابر امضای خود نوشته‌اند ، جنك برای توسعه ملك و مزید مال بدترین یادگار عهد توحش است وبدترین‌اشکال آن جنك باسلاحهای اتمی وامثال آن است که بر بیگناهان نیز ابقاء نمیکند .

هیچ مشکلی نیست که نتوان آنرا باصلح و حسن تفاهم حل کـرد حکما گفته‌اند ، صحیح هـم هست که الصلح سیدالاحکام

«حاغام یدید یـاشوفط» شخصیت مذهبی یهودیان ایران بیانیه را امضا و ذیل آن چنین نوشته‌اند :

« بـزرگترین آمال یهودیان طبق دستورات مذهبی ... بر قراری صلح عمومی میباشد زیرا اوامر الهی مصرف بیهود اوضاع اجتماعی بشر از طـریق صلح میباشد و باتکاء دستور تـورات مقدس که اولاد آدم رابـه بشردوستی هدایت فرموده‌اخداوندمتعال‌خواستار یم مردم صلح‌جوی حقیقی جهان را همواره تقویت فرمایند.

عدهٔ از خیرخواهان یهود در طـی نامهٔ قاطبهٔ یهودیان را بامضای‌بیانیه‌صلح دعوت نموده‌اند ـ این نامه درهمین‌شماره بطور جداگانه چاپ‌شده‌است .

شخصیت‌های روحانی یهودیان‌ایران از جمله حضرت آقای راب‌لیو ـ آقای خاخام سلیمان کاهـن ـ حضرت آقـای هدید شوفط و شخصیت‌های اجتماعی از قبیل جناب آقای دکتر آقاخان‌طوب‌مدیر مجله سینا و جناب آقای مظفر مسن‌این نامه را امضاء نموده و نـه تنها خـود بطرفداری از امر صلح پیشقدم شده‌انـد بلکه هموم یهودیان را در ایـن فعالیت بشردوستانه تشجیع و تشویق نموده‌انـد آقای مظفر مسن در ذیل این نوشته‌اند « چون در هر دوره و درهر جنگی‌قوم بیشدیده‌یهود نسبت‌بعده خود ازهر ملت دیگری بیشتر‌قربانی داده و همواره‌فدای امیال مسببین‌جنك بوده‌اند بنام این قوم اصولا جنك را تقبیح کرده مخالفت‌خود را اعلام میدارم » ایتها و هزاران نموله دیگر آن نشان میدهد که ملت ایـران نیز موقعیت جهانی خود را درك نموده وضع حساس خود را تشخیص‌داده‌و برای رهائی فرزندان‌خود از مهلکه و خطر نابودی‌بطرفداری‌ازصلح برخاسته‌است .

آنهائی که تاکنون بیانیه استکهلـم را امضاء ننموده و یا در امضای آن دچار تردید شده اند باید متوجه باشند که اگر بب اتمی تحریم نگردد و ازابزاء امکان وقوع جنك‌جهانی ازبین‌نرودممکن است بشریت بطورعموم روبه نیستی‌وفنا رود اگر بمبی‌دیگری از شهر های ما بیفتد طرفدار ومخالف جنك‌را نمیشناسد همه را یکسره خواهد سوزاند و یکـی ابقا نخواهد کرد بنابر این برای حفظخود ونسل خود برای جلوگیری ازنابودی زن فرزند خود و برای حفظ و حراست خانه و کاشانه خود هر فـرد ذیشعوری موظف است به صف طرفداران صلـح بپیوندد و با امضای بیانیه‌استکهلم رائی‌به میلیونها‌آرا محکوم کننده جنك بیفزاید در م

بقیه ازصفحه ۱

کتاب « بحران اقتصادی و جنك سرد » در اواخر سال ۱۹۶۹ در ۱۲۴ صفحه درنیویورك چاپ و منتشر گردید. دستگاه های تبلیغاتی سرمایه داران امریکا برای پوشاندن حقایق و گمراه ساختن اذ هان مردم مدارك و آمار هائی بنفع خود جعل می کند یعنی آنچه را که صلاح میدانند بنام واقعیت ها بمردم عرضه میدارند .

آنان با این عمل بعلم وداانش دهن کجی میکنند و بریش سپیدمردمی که درراه کشف وبیان حقیقت استخوان خورد نموده اند قهقهه زنان میخندند .

اکثر دانشمندان و دانش دوستان امریکا ازچنین خیانتی که آشکارا نسبت بعلم میشود دل پر خونی دارند و هر جا که امکان می یابند زبان بملامت و اعتراض می گشایند .

کسانی که بانتشار کتاب «بحران اقتصادی و جنك سرد » دست برده اند از همین هاصیان بال بسته هستند .

آنان قبل از هر چیز کوشیده اند تا با استناد بدارك واسناد معتبر حقایق را آنچنان که هست بمردم جهان نشان دهند ، نشان دهند که چرا و بچه علت سیاست طبقه حا کمه اتا زونی براه جنك و آدم کشی افتاده است ، چرا و بچه علت ادعای زمامداران این کشور در مورد « اقتصاد تنظیم شده» پوچ وبی معنی است .

در اینجا ثابت میشود که در ممالکی که با اقتصاد سرمایه داری اداره میشود و افراد اجتماع در دو قطب مخالف بر ضد هم صف آرائی کرده اند ، صحبت از یك اقتصاد متمرکز ورهبری شده اساسا بیهوده است .

کتاب « بحران اقتصادی و جنك سرد » بوسیله عده ای از اقتصاد دانان امریکا ، تحت نظر « ج . آلن »(۱) و «دبویکلر س » (۲) نوشته شده است .

اسناد و مدارك مورداستناد مولفین کتاب در کنفرانسی که در « مدرسه جفرسن ـ قسمت علوم اجتماعی » باحضور عده زیادی از معاریف ، صاحب نظران ، نمایندگان نهضت کارگری امریکا ترتیب داده شد . قبلا مورد بررسی و تصویب واقع گردیده است .

اینك خلاصهٔ در هم نشرده ای از مطالب کتاب :

اقداماتی که از طرف دولت امریکا ، بمنظور تدارك یك جنك جدید درزمینه اقتصادیات صورت میگیرد ، طرحهائی است که مشاورین اقتصادی رئیس جمهور (که غالبا در ترستهای بزرك شرکت دارند) برای یك « اقتصاد تنظیم شده» خلق کرده اند

هنگامی که انسان باین خیمه شب بازیها نگاه میکند از جهل و بیخبری اقتصاد دانان بورژوازی بحیرت می افتد .

یکی از معروفترین صاحب نظران جهان مدتها پیش ثابت نمود که سرا سر مسئله مربوط به منظم نمودن امور تولید و کنترل اقتصادیات یك اجتماع وابسته باین است که « چه کسی عمل نظارت را بعهده دارد» یعنی کدام طبقه ازاجتماع ناظر است و کدام طبقه تحت نظارت قرار میگیرد » .

آن جا که صاحبان سرمایه های بزرك حاکم بر اجتماع هستند ، دخالت دولت در امر اقتصادی بطورقطع موجب میشود که از طرف سرمایه های تمر کز یافته فشار شدیدتری بر نیروی کار وارد گردد برای اینکه در این قبیل جوامع کسانی برمسند مقامات دولتی تیکیه میزنند که فرمانبردار تر است ها و کارتل ها میباشند و چنین اشخاصی نیز هیچگاه قدمی در جهت مخالف با منافع اربابان خود بر

معرفی یك کتاب

بحران اقتصادی و جنك سرد

اکبر

نخواهند داشت .

در کشور های سرمایه داری معمولا مواقع طرح «دخالت دولت دراقتصادیات» بعنوان گذارده میشود که نفع کمپانی های بزرك لزوم چنین امری را ایجاب میکند تاریخ سرمایه داری نشان میدهد که بخصوص در دوران بحرانهای اقتصادی ، تدارکات جنگی و در ایام جنك چنین نواهائی از حلقوم بورژوازی بیرون میآید .

این حقیقت رامادر سر گذشت خولین فاشیسم بطور وضوح مشاهده میکنیم ونیز مشاهده میکنیم که چگونه « دخالت » دولتهای بورژوازی نمیتواند طبع هرج ومرج زای اقتصاد سرمایه داری را واژ گون سازد .

مادام که تولید بر اصول سرمایه داری استوار است ، از هم گسیختگی و پریشانی در زمینه اقتصادیات همواره حکومت می کند چه در این شرایط اشیاء بر انسانها حاکم هستند نه انسانها بر مخلوقات دست خود .

« دخالت » و « نظارت » دولت های بورژوازی فقط علامت این است که ثروت ها و کارتل ها تصمیم گرفته اند دستگاه دولتی را برای تحصیل سودهای جدیدتر وجدیدتری بکاراندازند .

کوششهای مقتصدین بورژوازی در این زمینه بهیچ وجه موجب تمر کز و انتظام تولیدی نمی گردد ، این کوششها آنارشی تولید را شدیدتر ، رقابت ممالك سرمایه داری را عمیق تر و تضادهای عالم کاپیتالیسم راوسیع تر میسازد .

تارهای مستحکمی که عنکبوت سرمایه داری بردست وپای خود بسته است با هر تکانی محکم تر و در هر قدمی فشرده تر می گردد .

نویسندگان کتاب «بحران اقتصادی وجنك سرد» با اتکاء بیك رشته مدارك متقن اثبات نموده اند که **«اقتصاد تنظیم شده» ترومن همان سیاست میلیتاریسم ، امپریالیسم و جنك است**(صفحه ۷) . چرا انحصار طلبان امریکائی اینقدر در راه میلیتاریزه کردن اقتصادیات امریکا کوشش می کنند ؟

فهم این نکته چندان مشکل نیست : «میلیتاریزه کردن» اقتصادیات یك کشور با تولید فراوان اسلحه توام است وتولید اسلحه برای ثروتسها وکارتلهای بزرگی که از نخستین روزهای جنك دوم صنایع خودرا بصنایع زمان جنك مبدل کرده و هنوزهم گوئی درهرشرایط جنك بسرمیبرند، چند خاصیت مهم دارد : نخست آنکه تولید اسلحه متضمن سودهای سرشاری است و علاوه بر این چون سفارشات جنگی از طرف دولتها داده میشود ، به آسانی میتوانند با اهمال نفوذ وتضیع سفارشاتی راایجاد ویاتجدید کنند .

دوم آنکه تولید اسلحه هیستری جنك را دامن میزند و این امر برسرمایه های بزرك امکان واجازه میدهد بیرنامه عمومی خود درمورد بسط و تحکیم فاشیسم تحقق بخشد . و بالاخره تولید اسلحه با مقاصد توسعه طلبی امپریالیسم جهانی کاملا تطبیق می کند . امپریالیسم جهانی تشخیص داده است که وقتی میتواند موجودیت و بقای خود را تامین نماید که نهضت توده های جهان را درهم بشکند و تنها زمانی باین آرزوخواهد رسید که پایگاه اصلی و نیرومند این نهضت ، یعنی اتحاد شوروی را از بین ببرد روی همین تصور

هیروشیما پشت بمب اتم

اخیرا مخبر روزنامه لوموندپاریس مصاحبه ای با رئیس انجمن شهرهیروشیما که به اروپا مسافرتی نموده است انجام داد که ما خلاصه آنرا ترجمه مینمائیم

رئیس انجمن شهر هیروشیما گفت من مایلم هستم که میلیونها مردم این جهان صدای اهالی هیروشیما را بشنوند وبفهمند که دیگر نباید جنك جدیدی تکرار شود.

جنك جدیدی پایان تمدن خواهدبود و بمب اتم و استعمال سلاح امثال آن منجربه نابود ساختن جهان است .

ما بشدت برضد استعمال بمب اتم در کره یادر هرنقطه دیگر زمین اعتراض میکنیم .

در ۶ اوت ۱۹۴۵ بمب اتم روی شهر هیروشیما در ژاپن افتاد و بنا به گفته ، رئیس انجمن شهر عدهٔ مرده های این شهر تاکنون بیش ازدویست هزار نفر است .

هیروشیما شهر چوبی بود یعنی اغلب بناهای آن محل از چوب بود اما امروز ثابت گردیده که دیوارهای داخلی سبك که با آهن و سیمان ساخته شده اند(مانند دیوارهای ابنیه شهرنیویورك) کوچکترین مقاومت هم در برابر بمب اتم ندارند و نیویورك هم مثل هیروشیما از بین خواهد رفت اگر مورد حمله اتمی واقع گردد

رئیس انجمن شهر هیروشیما منظره خرابی شهررا درهمان ۶ اوت پنجسال پیش اینطور شرح میدهد :

«دائره مرك حتمی یك کیلو متر اطراف محل سقوط بمب بود یعنی دراین ناحیه بطور یقین هیچکس جان سالمی در نبرده تا ناحیه دو کیلومتر اطراف بمب هم تقریبا همه چیز ازبین رفت بجز چند نفر که در پناهگاههای مخصوص و خیلی محفوظ بودند .

روز حمله بیشتر کودکان مدارس شهر در کوچه هاو معابر پرا کنده بودند و اعلام خطرهوائی تاثیری نداشت .

دوسه کیلومتری بمب خانه ها خراب شد و بادی عجیب برپا گردید کلیه پشت بام های علفی خانه ها ناگهان آتش گرفتند .

«امروز از نوزندگی درشهرشروع شده ولی جمعیت آن نصف نفوس قبلی است خوشبختانه بچه های کسانیکه از بتیجه بمب جان بسلامت در بردند افراد تندرست هستند و هیچگونه آسیبی ازاین حیث در تولد و نهاد کودکان آینده در میان نیست .

اماامااهالی هیروشیما بدنیا میگویم شماهاجلو بمب اتم را بگیرید چنین مناظر مرگبار نباید در دنیای متمدن و متفکر تجدیدشود .

بافزایش نیروهای جنگی خود میپردازد و قسمت اعظم بودجه کشور را به مصرف تولید اسلحه میرساند .

اگرمامی بینیم که مخصوصاامپریالیسم امریکا فرهنك ، بهداشت و بطور کلی سعادت مردم امریکا را در زیرپای اهریمن جنك قربانی کرده است و متجاوز از ۷۰ درصد بودجه کشور را در راه تدارکات جنگی خرج مینماید برای این است که مونو پولیستهای این مملکت خیال فرمانفرمائی جهانی را در سرمیپرورانند اگر جنك جدید حاکمیت مارا بسر جهان تضمین می کند ، بگذار دنیای بخون کشیده شود ! بگذار کوههای عظیمی از لاشه های انسانی بوجود آید ! بگذار بشریت تمدن بشری سراسر ویران گردد

این است شعارهای جهنمی وخواسته های حیوانی انحصار طلبان امریکائی .

برای آفرینندگان فاشیسم زیبائی های طبیعت و آرزوهای انسانی واساسا خود انسانها تاموقتی ارزش دارند که مانع راه حرص وآز بی پایان آنها نشوند

«سرمایه داران بزرك وال استریت آشکارا راه جنك را بر گزیده اند .

جنك برای این اشخاص امری لازم وضروری است چه فقط در اینصورت است که همه موسسات و کارخانه های آنها میتوانند بکارخود ادامه دهند وهم خودشان ـ سرمایه داران قادر خواهند بود سیاست امپریالیستی و روش توسعه طلبی خویش را تعقیب نمایند»(صفحه ۸)

خصلت جنگی اقتصاد امریکا روز بروز آشکارتر و عمیق تر میگردد

در دوران امپریالیسم در آخرین مرحله سرمایه داری در روز کاری که از یکطرف قدرت تولیدی صنایع رو بافزایش است و از سوی دیگر بر اثر رشد صنایع ملی کشورهاوفقر روزافزون مصرف کنندگان ، بازارهامحدودمیگردد و قدرت خریدکاهش میپذیرد ؛ در چنین شرایطی بحرانهای اقتصادی مانند اجل معلق بر فراز اقتصادیات سرمایه داری جولان میزنند .

امریکا هم اکنون در آستانه این بحران قرار دارد وبهمین جهت می کوشد تابوسیله میلیتاریزه کردن کشور و دامن زدن هیستری جنك ، سنگینی تولید را بر بودجه نظامی بگذارد .

این همان راهی است که فاشیسم آلمان پیمود و سر انجام بناکامی جان سپرد .

زمامداران اتازونی راه آزموده را دو باره میآزمایند ، و چاره ای هم جز این ندارند یا افلاس و ورشکستگی اقتصادی و سیاسی ، یا ایجاد کشتار گاه های انسانی این است راههائی که در پیش پای تروستها و کارتلهای سرمایه داری قرار دارد .

مونوپولیست ها ، که گردانندگان واقعی ایالات متحده هستند خوب میدانند که صنایع امریکا بیمار است .

آنها این نکته را درك می کنند که این ماشین عظیم صنعتی که ازخونهای ریخته شده در سالهای جنك اخیر آماس ورورم کرده است ، نسبت بامکانات بازار سرمایه داری جهانی بیش از اندازه پیش رفته است » (صفحه ۵)

اقتصاد امریکا از زمان جنك دوم جهانی بسرعت دررا ه تولید جنگی جلورفت و هنوزهم به پیشروی خود دراین راه ادامه میدهد باین امید که از اینطریق تقلیل و کاهش تقاضا را جبران و از رکود و بحران جلوگیری نماید .

امروز بودجه امریکادرحقیقت بودجه نظامی است دولت و کنگره هردو دست بدست هم هزینه های جنگی را پیشنهاد و تصویب مینمایند .

هیچ چیزی بهتر ازبودجه سال مالی ۱۹۵۰ امریکا مبین این واقعیت نیست ارقامی که آشکارا در این بودجه برای اجرای نقشه های « جنك سرد » بچشم میخورد نزدیك به ۲۲ میلیارد دلار (در حدود ۸۸ میلیارد ریال)است اگردر نظر بگیریم که امریکا در سال ۱۹۳۹ برای این منظور کمتر ازیك میلیاردلار تخصیص داده بود جریان « میلیتاریزه شدن »امریکا را بهتر درك مینمائیم

اکنون در امریکا قسمت اعظم کارخانه ها، موسسات ونیروی کارصرف « احتیاجات » جنگی میشود بهمین جهت است که زمامداران امریکا اینقدراز پیشرفت جبهه صلح بوحشت افتاده اند .

پیروزی صلح بمعنی افلاس همه جانبه طبقه حاکمه امریکاست در آینده درخشان جبهه صلح سرنوشت تیره و تار امپریالیسم جهانی ، و بخصوص امپریالیسم امریکارا بخوبی میتوان دید.

میلیتاریزه شدن امریکا در عین حال که امید «رفع» بحران را در مغز های خشك سرمایه داران امریکا بوجود آورده است سودهای سرشاری نیز بآنها میدهد در جریان سالهای ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۸ مجموع منافع کور پراسیونهای امریکا ۴۲۳ درصدو افزایش یافته است(صفحه ۷۱) . فقط در سال ۱۹۴۸ طبق مدارك رسمی و محاسبه دقیق ، سود کور پراسیونها پس از وضع مالیاتهای متعلقه بالغ بر ۳۴۸۰۰۰۰۰۰۰۰ دلار (۱۳۹۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال) شده است میلیتاریزه شدن امریکا و سیاست «جنك سرد» باعث میگردد که سرمایه متمرکزتر شده و قدرت مونوپولها شدید ترشود .

«نقشه مارشال » و حیله گریهای دیگر بسرمایه داری انحصاری دولتی(۱) صدور کالا ها را بیش از پیش در دست تروستها وکارتلها متمرکز میسازد . صدور سرمایه نیز در دست مشتی کور پراسیون عمده می افتد

در کشورهائی که سلطه شوم نیروهای مسلح امریکا بر زندگی مردم حکومت میکند ترست های امریکائی امکان دارند آشکارا ومستقیم اقتصادیات آنها را تحت کنترل خود قرار دهند چنانچه صنایع فولاد سازی روز بوسیله کمپانی امریکائی **«یونایتداستیس استیل کورپرشین** اداره و نظارت میشود.

جریان تمر کز سرمایه در ممالك متحده بقدری سریع شده که در هرش کمتر ازپنج سال ۶۵ درصد ازکارخانه های نظامی به تصاحب و اختیار کور پراسیونهای بزرك درآمده است . سرعتی که این تمر کز دردوران بعد از جنك پیداکرده یك قسمت نتیجه این است که مونوپولها توانسته اند در شاخه های جدیدی ازصنایع حاکمیت پیدانمایند .۱۰ این جمله از تولید کاتوچوك مصنوعی و انرژی اتمی که برای دولت چندین میلیارد دلار خرج شده است و اکنون در دست مونوپولها میباشد .

در اینجا باید از نقشی که سفارشات جنگی در توسعه جریان تمر کز سرمایه صنعتی بازی کرده است اندکی صحبت کرد . متنها در دوماه فوریه و ژانویه ۱۹۴۸ بیش از ۹۳ درصداز تمام کنترانها بوسیله مونوپولهای عمده برداشته شده و از مامه تانوامبر همین سال ۹۸ درصدداز سفارشات جنگی نیروی دریائی و هوائی امریکا بمبلغ متجاوز از ۱۰۰۰ میلیون دلار بتراست ها و کارتل های بزرك داده شده است .

. . .

کتاب « بحران اقتصادی و جنك سرد »حاوی یکسلسله مدارك مفصل و غیرقابل انکاری است که هم سنگی شدید دولت امریکا را با مونوپولها نشان میدهد .

« گروه های مختلف انحصار جهان عمده که می بینند نقشه آنها درزمینه تحصیل فرمانروائی جهانی بامقاومت شدید ملت برخورد نموده

بقیه درصفحه ۷

مادموازل باسکال صورت لاغری داشت ، گونه هایش مثل زیر بغل دختر بچه ها فرورفته و پلکهای چشمش مثل پلك مرغان موذی خاکی بود .

موهای شوره نشسته اش را بعقب کشیده ودرپس گردن با سنجاقهای سبخ سیغی جمع کرده بود .

تنهازینتی که او برای لباس پشمی تیره رنك خود بکاربرده بود یك سنجاق بشکل میزان الهوا و یك غنچه گل سرخ بود که از ماده اسفنجی ساخته شده و خود اومیگفت که از «سنك افغانستان است شال سبز رنگی با منگوله های آویزان و مفلوك شانه های اورا می پوشاند .

حرکاتش تند و کوتاه بود .

او دست شمارا ، مانند اینکه دستگیره دری را بپیچانند ، می فشرد .

چهار سال بود که مادموازل باسکال معاون اداره اعتراضات در وزارت وادبع بین المللی و خطوط مواصلاتی بود .

بعضی پیش آمدهای نامساعد موجب تاخیر در پیشرفت او شده بود ولی درعین حال معتقد بود که در اداره کار کردنی روح انصاف حکمفرماست .

همه موقعیت ها برای شرمنده کردن او مساعد بودند و باین جهة با وجودیکه اهمیت کارش ایجاب میکرد که سه یا چهار نفر منشی در اطراف خود داشته باشد بیش از یکی باو نداده بودند و این یکی هم تازه از کادر منشی ها بیرون آمده وبهیچوجه شایستگی قبول وظیفه ای را که باو واگذارمیشد نداشت .

نام او «هوش» بودرنك چهره اش پریده خنازیری پلکهایش آویزان و لبانش شل بود .

سبیل کوچك روسی زیر بینی اش مثل یك قطعه تمبر بست چسبیده بود .

او همیشه ذکام بود .

مادموازل باسکال درباره اومیگفت : «تازه کار است .ولی اقلا مشروب نمی خورد . عرق را میشود از بوی دهان فهمیداینطور نیست ؟ » و با حقارت بسیار سردی با او رفتار میکرد و جز برای احتیاجات اداری با اوصحبت نمی کرد ، کارهای خسته کننده را بعهده او میگذاشت ، و هروقت او را مدت مدیدی درکنار خود میدید بهانه کسب بعضی اطلاعات ویرا بیك نقطه دور دست وزارت خانه میفرستاد :

قوز بالاقوز این بود که میزهای آنها درست مقابل یك دیگر بود و اطاق هم آنقدر کوچك بود که امکان نداشت میزها را طور دیگری قرار داد .

یك روز آقای هوش یکساعت دیرتر باداره آمد صورتش را از ته تراشیده و لباس نو پوشیده بود ، و مثل یك جوان کمرو لبخند میزد .

به نرمی معذرت خواست

ـ بله . امروزبعداز ظهر برای نقاشی دومین سالن « دسته هنری کارمندان وزارت ودایع بین المللی و خطوط مواصلاتی ... » ایستاد تا نفس تازه کند ، بعدچشمانش را پائین انداخت ، لبانش را غنچه کرد و مثل زن خوشگلی که دستمالش را پرتاب کند این کلمات را ادا کرد .

ـ من درنمایشگاه شرکت دارم .

این بیان مادموازل باسکال را متعجب کرد و چهره اش درمیان ابراز علاقه و دلسوزی از یکطرف وخشونت اداری ازطرف دیگر یك لحظه مردد ماند و بالاخره گفت :

ـ بسیارخوب برای تماشا خواهم آمد

ـ طبقه اول است؛ درکانون « کامینا» ورودهم مجانی است

ـ خیلی خوب! خیلی خوب ! اما کارها مانده است . آیا بیادداشت آقای « کاردبوش »جواب نوشتید در موضوع اعتبار بخارج سرپرستی مخصوص تولیست جامعه ملی س . پ . ل ن ؟

آقای هوش مثل یك ساقه درو شده علف ، پشت میزش نشست و مادموازل باسکال از اینکه منشی خود رابا طرز چنین جدی بحقایق اداری متوجه کرده است بخود تبریك گفت .

ساعت پنج ، پس از آنکه مادموازل کار مهمی را تمام کرد تصمیم گرفت که بتماشای گالری تصاویر بطبقه پائین برود . شال گردنش را مرتب کرد ، بر انبوه موهای متراکش شانه کشید وبا شکوه و عظمت کشتی که از ساحل دور می شود ، از اطاق اداره بیرون آمد .

دومین سالن « دسته هنری » عبارت بود از یك اطاق وسیع خاکستری رنك و سرد که بمحض عبور از آستانه در سکوتی نظیر سکوت اطراف تابوت از شما استقبال می کرد عده تماشاچیان انگشت شمار بود ، آهسته و پنهانی زمزمه میکردند . مادموازل باسکال با اندوه ناشی از پشیمانی به تابلو ها نزدیك شد .

تالیر این نمایشگاه فقط از جهة ایجاد اطمینان در دستگاه اداری نسبت بروحیه کارمندان قابل اهمیت بود . پرده های نقاشی بطور یکنواختی غروب آفتاب را در رنگی که بخیر درد دندان میماست ، برگه های سبز رنك ، مزارع گندم ، که رنك بور اکسیژنی آن شقایق را میرنجاند ، نشان میداد . همچنین تعداد بیشماری کربه های کوچك در میان سیدها ، یا چشمانی شبیه یدگه

اثر هانری ترویا

نویسنده پوپولیست معاصر

سرگیجه

های بوتین ، بزغاله ها با پشمهای خشی رنك ، خرگوشهای کوچك با بینی های قرمز دیده میشدند و گلهای پریچ در زمینه برده های کهنه طلائی رنك ! همه اینها جذاب ، آسوده و خفته ، بی آزار بود مادموازل باسکال در خود هنفکری کاملی با سابرهمکارانش که اوقات بیکاری را بچنین کارهای نجیبانه صرف میکردند احساس کرد .

تماشایش تمام شده بود که چشمش بچهار تابلو بزرك دریك قسمت از نمایشگاه افتاد و از حالت بهت و گیجی بیرون آمد . این تابلوها زنان لختی را نشان میداد . یك زن بیحیا ، با موهای روسی و بدن سر شیری رنك ، روی بستر نرم یك صندلی آویزان کردهٔ بود . یکی دیگر ، دو بایش را از دو طرف صندلی آویزان کردهٔ در حالیکه باتکاء شهوت انگیز مخصوصی این قبیل زنان برو برو مینگریست ، سیگار می کشید .

سومی ، پیشت ایستاده ، وبطرز تحریك کننده ای خودرامقابل آئینه آرایش میکرد .

چهارمی با حالت ترس آلودی یاهایش را به تشت مینائی زنگی نزدیك می کرد . وتمام این بدنها با یکنوع واقعیت هیجان آور، وبیزارکنی شرم آوری که دل را بهم میزد نقاشی شده بود .

حتی یك پرده توری نازك ، حتی کمترین هوای مه آلود و ابهام بخش که عفیفانه گسترده شده باشد ، حتی کوچکترین شاخه درخت که به حیله و تعمد بر گذاز باشد ، بکار نرفته بود . همه چیز پیدا بود !

مادموازل باسکال که از اثر هیجان و آشفتگی سرخ شده بود بطرف تابلوها رفت تا اسم هنرمند را بخواند . همینکه چشمش بامضاها افتاداحساس کرد که ازیك فشارناگهانی بیهوش میشود.

در زیر این تابلوهای وقیح امضا شده بود : «هوش» با حال عصبانیت شدیدی باطاق اداره بازگشت .

حالا چه رفتار باید داشته باشد ؛ باید از منشی خود تحسین کند ؛ درینصورت کارهای خارج از تراکت او را تائید کرده است .

آیا باید خشم و خشونت ابراز کند ؛ بچه حقی ؟ آیا باید سکوت کند ؛ بالاخره وی این فکر آخری توقف کرد .

ولی از همان فرداانگشتهای روحی او شروع شد.درراهروها مردم درباره او چه میگویند؟

مسلماً از اینکه مدت هشت ساعت در یك اطاق با مرد شروری که سر و کارش با این قبیل چیزهای مخالف عفت و حیاست محبوس میباشد در باره او دلسوزی میکردند !امااگر به بینوائی او نخندند.

شاید حتماً قصه ای در باره جفت « پاسکال ـ هوش » ورد زبانها باشد ؟ « او نباید ازهم صحبتی باچنین مرد دلزنده کهنه کاری ناراحت باشد!» این فکر برای اوغیر قابل تحمل بود.

از این پس با دقت تازه ای بمنشی خود نگاه میکرد. ومتعجب بود از این که چطور تابحال متوجه این نشانهای مبهم و مشکوك هرزگی و فساد درچهره او نشده است . این صورت پریده رنك واین چشمان خسته و خاموشی از بیداری های پرمشقت بعمازشبهای عیاشی و خوشگذرانی حکایت میکرد.

این دستهای لرزان از افراط وزیاده روی در عمال جنسی خبر میداد این طرز صحبت دشوار، انسان را بیاد نا معصوم بودن زبان شهوت میانداخت .

آه ! مادموازل باسکال کارگاهی را تصور میکرد که مملو از بالشهای عربی ؛ مجمرها و خزها است و در آنجا آقای هوش مشغول ترتیب و اصلاح هیکل زن لختی است و تاچند دقیقه دیگر بنوازش این بدن خواهد پرداخت و پس ازآنکه گونه های ناپاك او را می بوسد باطاق اداره میآید ، مقابل او می نشیند پرونده ها را مطالعه میکند ،امافکرش هنوز با آن چیزهای زشتی که خلق کرده مشغول است .

وقتی که مادموازل باسکال باین وسوسه دچار میشد احساس میکرد که نگاه چسبنده آقای هوش مثل حلزون بروی او میماند می چسبد و گردش میکند . این مرد با نگاه خوداورالخت میکرد . و این زن درمقابل اوبمنزله یکی ازمدلهای نقاشی او بود.

جریان حرارتی بصورتش راه یافت . مثل مار روی صندلی می پیچید از جا برخاست ، براهرورفت . ولی همینکه باطاق بازگشت مردمك چشمان پر اضطراب منشی اش او را مجددا زیر نظر گرفت و او از نواخاس کرد که مثل یك کنیز در بازار برده فروشان غربی مورد وارسی و تعین ارزش قرار گرفته است . فکر میکرد که دیر یا زوداز بمن دست درازی خواهد کرد . » وتاموقع خروج از اداره مثل برك درخت میلرزید.یك روزصبح دونفر کارگر وزارتخانه داخل اطاق شدند.

ـ نیکست راحتی که باداره ملزومات داده بودید برای شما آورده ایم .

قلب مادموازل باسکال یك لحظه از حرکت ایستاد .

مخفیانه باو نگاه کرد او متعجب بنظر میرسید . وتاکید کرد که پاسخ نوع ورقه مفارشی راامضاء نکرده است .

تحقیق بعمل آمد ومعلوم شد که در شخص شارش دهنده اشتباه شده است وتخت را بر گردانده اند .

مادموازل باسکال آنروز تاشب از تشویش ولج میبرد .

ازاین واقعه بعد ، زن بدبخت دائما در ترس ونگرانی بود « آیا امروز خواهد بود ؛ فرداست ؟ » هرلحظه بنظرش میآید که آقای هوش از کنار میزش مثل یك پلنك میخواهدباو حمله کند . بعضی کلمات واصطلاحات اداری برای او معنی خاص وتحریك کننده پیدا میکرد ودر نتیجه بطور مطبوعی مضطرب میشد . درکارخود مسامحه میکرد . دیگر جرئت نداشت بامرئوس خود بخشونت رفتار کند .

قوای او در انتظار وحشت آمیز واقعه غیر قابل احترازی تحلیل میرفت . اما آقای هوش هیچوقت تصمیم نمی گرفت و بالاو. مثل بازی گربه باموش رفتار میکرد . مادموازل می پرسید :

ـ شما ازروی طبیعت نقاشی میکنید ؟

اوچشمان خودرا بااخم مخصوص مردان هرزه جمع میکرد وجواب میداد :

ـ غالب اوقات . ولی هروقت بموضوع قابل توجهی بر خورد کنم ، از حافظه استفاده میکنم !

مسلما او نقش مادموازل باسکال را در حافظه خود جاداده بود . کشوهای میزش مملو از تصاویری باید باشد که نقش اورا مانند سایر دخترانناشناس نشان میدهد .

آیا ممکن است این طرحها را در سالن آینده بنمایش بگذارد ؟ باین ترتیب تمام اعضای «وزارت ودایع بین المللی وخطوط مواصلاتی » اورا بآن صورتی که هرکز . کسی ندیده است خواهند دید . فکر میکرد که بااین تحقیر مخالفت نخواهد کرد حتی در چنین حالی شادی دور ازعفافی در قلب اواره می یافت .

آری ، هرچه هفته ها میگذشت او قدرت و تفوق عجیب آقای هوش را بیشتر حس میکرد . از این مماشرت نزدیك خیال میکرد که فساد او بخودش سرایت کرده است . رؤیاهای مبتذلی شبها بخواب او میآمد و صحنه های فحشاء را بی پرده در میان کارتن های سبز رنك اداره میدید.

آقای هوش او را دست مالی میکرد . واو مثل یك زن فاحشه موهای سرش را نوازش میداد . وقتی بیدار میشد کاملا گرم شده بود و احساس تشنگی میکرد . از اینکه آقای هوش در ابراز تمایل خود تملق میکرد خشمگین بود اوخیله داشت که زودتر با این مرد در گرداب هرزگی و فحشاء غرق شود و بیش از این نمیتوانست صبر کند .

یك روز با جامه روشن و بزك غلیظی باداره آمد صدایش را نازك کرد و پرسید :

ـ نقاشی صورت من میتواند شمارا مشغول کند؟

ـ من هیچوقت صورت نمی سازم .

دخترك از فرط اضطراب حس کرد که بیحال میشود

ـ چرا من خوب میدانم :شما متشخص تصاویر برهنه هستید .

آقای هوش سرش را تکان دادو گفت:

ـ آه ، نه ! آن تصویرهای برهنه نمایشگاه رافراهکار من آقای «روش» دبیر کل ساخته است.

بعد بالبخند کودکانه ای إضافه کرد.

ـ آن گربه های کوچك را من نقاشی کرده بودم.

پایان

بحران اقتصادی و جنگ سرد

بقیه ازصفحه ٤

ویلیم آن میرود که پاپای توسعه بحران اقتصادی ،مبارزه طبقاتی درکشور رو بشدت گذارد ، کوشش می کنند تاقدرت و حاکمیت خودرا برروی حکومت محکم تر نموده ودستگاه دولتی رابیك حکومت مونوپولیستی مبلتاریزه شده مبدل نمایند وازاین طریق تسلط سیاسی را برای خودتامین کنند » (صفحه ۱۰۰)

امروز ماشین دولتی امریکا بوسیله عده‌ای از مونو پولهای بزرك و نظامیها اداره میشود ونظارت سرمایه های عمده برروی آن روزبروز وسیع تر وشدید تر میگردد .

هم اکنون پست‌های حساس و مهم واشنگتن‌دردست‌سرمایه‌داران‌ونماینده‌گان وسعی آنها قرار دارد .

از ۱۲۵ نفری که در جریان‌سالهای ۱۹٤۸-۱۹٤٦ بوسیله ترومن،بمقامات دولتی،منصوب شده اند ٦٦ نفرفینانسیه ، کارخانه دارو مشاور قضائی کوورپراسیونها هستند و۳۱ نفرژنرال ، ادمیرال ونظامی‌های‌دیگر میباشند صدها کارخانه‌دار ، فینانسیه و مشاور قضائی کمپانی‌ها در کمیسیونهائی که وظایف‌فنی وتخصصی دولت متعهدرا انجام میدهند عضویت دارند (صفحه ۱۰٤) .

اختلاط واتصال سرمایه مالی بایاته نظامی و دستگاه دولتی امریکا بقدری وسیع شده است که درسالهای‌پس‌ازجنك یك دور تسلسل دائمی‌از افراد واشکنتن ووال استریت جریان‌دارد‌مثلاوال‌استریت « هارلمان » و « جونسون » رابیرون میاندازدتا واشکنتن بتواند پست های حساسی را بعهده آنها بگذارد یا

چارلز ویلسون سهامدار «جنرال الکتریك» ،از موسسه‌خود دریورك خارج میگردد تا بوزارت جنك امریکا منصوب شود وزارت جنك نیز بنوبه خود عده مینی‌از اعضاء خود را بر کنارمیسازد تاپست‌های‌عالی کوورپراسیونهارا اشغال نماید (برای نونه ممکن است بنا‌ژنرال «سامرول» اشاره بکنیم که درایام جنك فرمانده‌ی لیژوهای کمکی را بعهده داشت واکنون رئیس کمپانی «ملونس کوپرس» میباشد ، و نیز نام ژنرال « الیور اکولس » راذکر مینمائیم که در زمان جنك رئیس اداره امور هواپیمائی بود و حالا رئیس مجتمع کارخانه‌داران رشته هواپیما سازی‌است)

روش عمومی‌سیاست‌امریکاراشورای امنیت‌ملی تعیین می کند . در این شورا رئیس جمهور ، وزرای امور خارجه ، دفاع ملی ،ارتش ، نیروی‌دریائی ،نیروی هوائی و رئیس اداره ذخایر امنیت ملی شرکت مینمایند.

این اشخاص‌باسازمان‌های مونوپولیستی بستگی وارتباط بسیار نزدیکی دارند . مثلا **«جونسون»** وزیر دفاع ، سابقا مدیر کمپانی **«کنسولی دیتل والت ایکراف کوورپرشین»** که دومین کمپانی هواپیما سازی امریکاست بوده و اکنون نیز مدیر یکی از کمپانی های «ای ـ ك ـ فارابینت دوستری » و رئیس کمپانی « جنرال دلتافت » میباشد . و همچنین منشی مسئول شورا **«سایرس»** فیلامدیر کمپانی،هواپیمائی

بقیه از صفحه۱

از متهم بقتل هم‌حرفی نمیزنیم وتنها به‌بحث‌قضائی میپردازیم .

روزششم‌خردادماه ۱۳۲۹،روزنامه ها اعلام کردند‌که آقای احمد دهقان وکیل خلخالی در اطاق کار خود بدست آقای جعفری مجروح شده و پس‌ازانتقال بمریضخانه شماره ۲ نظامی‌چندساعت‌بعد فوت کرده است .

مستنطق کشیك فورا بمریضخانه شتافته و پس از حضور رئیس دژبان و رئیس رکن ۲ستادارتش ورئیس آگاهی را مشغول بازپرسی متهم دیده است .

بعد از آن قرار بازداشت‌متهم‌صادر و در محکمه تائید و بدنبال این واقعه دستوردستگیری عده‌ای‌دیگر آبادان‌واهوازو تهران داده شده و خلاصه چنان که همه می‌دانند کار بدینجاکشیده که از روز بیستم‌شهریور آقای‌حسن‌جعفری‌دردیوانجنائی تهران بدفاع از خود پرداخته‌است .

بنظر ما در رسیدگی به اتهام قتل این انحرافات روی داده است:

۱ ـ بموجب ماده ۱۸ و ۲۰ و۲٦ « قانون اصول محاکمات جزائی که اینك » آورده می‌شود :

الف‌ماده ۱۸ :

تحقیقات مقدماتی‌جزائی که‌محاکمه آن‌ها راجع بمحاکم جنحه‌وجنایات‌است بعهده مستنطق است .

ب : ماده ۲۰

کمیسرهای پلیس و قائم مقام‌آنان همینکه از وقوع جرمی مطلع‌شدند‌هرگاه جرم بدرجه جنایت باشد فورا مراتب را بمدعی‌العموم یا معاون او اطلاع میدهند اگر جرم از درجه جنحه یا خلاف باشد تحقیقات نموده صورت مجلس‌رادرصورت اولی (جنحه) نزد مدعی‌العموم ابتدائی و درصورت ثانوی (خلاف) نزد امین صلح میفرستند .

ماده۲٦

کمیسر نظمیه بعداز ورود مستنطق یامدعی‌العموم‌تحقیقاتی‌راکه کرده‌بشرالیه داده و دیگر مداخله نمیکند مگر اینکه تعلیمات یا مامور بنی‌ازطرف‌مستنطق یا مدعی‌العموم بکمیسری نظمیه رجوع شود»

وقتی امری که دردرجه‌جنایت‌وقوع یابد هیچکس نه کمیسر پلیس‌و نه حتی مدعی‌العموم حق ندارد دخالت کند و استنطاق متهم بجنایت فقط با مستنطق است.

چنانکه‌بر طبق‌مستفاد از ماده ٤۰ اصلاحی و ٦۹ و رویه های‌مکرردیوان عالی تمیز اگر حکمی بر مجازات متهم بجنایتی بدون دخالت مستنطق‌صادر شود قابل نقض خواهد بود .

پس وقتی بازجوئی رئیس آگاهی و حتی مدعی‌العموم از متهم بجنایت قبل از ورودمستنطق ممنوع‌است‌دیگرشرکت رئیس دژبان و رئیس رکن ۲در تحقیقات جز اینکه غصب‌عنوان وبرطبق‌ماده۱۲۵ قانون مجازات عمومی قابل تعقیب است محمل دیگری نخواهد داشت .

۲ ـ بموجب ماده ۱۲٤ همان‌قانون اصول محاکمات :

« استنطاق در هر موقع غیر علنی است » پس دخالت رئیس آگاهی تهران دراستنطاق‌با وجودا‌خطار‌بازپرس و مقاومت وی موجب‌بی‌اعتباری‌تحقیقات است.

۳ ـ انتقال مجروح به مریضخانه نظامی با این توضیح که وی‌غیر نظامی بوده و از محل وقوع (خیابان‌لاله‌زار) تا چند بیمارستان مجهز (بیمارستان سینا رازی ـ نجیه ـشفا) وچندمطب‌جراحی راه نزدیك تری وجود داشته و بعلاوه می‌باید مجروح در اختیار پزشکانی قرار گیرد که مطبع‌دستور بازپرس‌ودادستان‌غیر نظامی باشند‌نه در مریضخانه نظامی .

پس‌بااین‌انحرافی که‌درانتقال‌مجروح بمریضخانه نظامی روی داده و تعللی که و کلا در دادگاه عنوان کرده اند‌بهرتقدیر چون مجروح آنا فوت‌نکرده‌معلوم‌میشود که ضربه مؤثر نبوده ـ چون‌مطابق‌رویه دیوان کشور اگر مجروح بامضروب‌بعلل خارج پس از مدتی‌در گذرد تقصیربکردن ضارب و مشمول عنوان « ضرب منتهی بفوت ماده ۱۷۱ قانون مجازات عمومی نیست پس نمی توان سرك آقای احمد دهقان رابرارتضربه‌داشت وتعلل‌درمعالجه ویرا نادیده انگاشت .

٤ ـ مطلب دیگر انتقال متهم از توقیف‌گاه موقت‌بزندان قصر است، هر چند در قوانین جزائی ایران اشاره بدین نکته نشده‌ولی‌چون سالهازندان‌قصرخاص محکومین قطعی بوده و هروقت انتقالی صورت‌گرفته مقاصدی بهمراه داشته‌است اینست که ادعای وکلا بر این پایه که‌در آنجا اعترافاتی بفکنیچه ازوی‌گرفته‌شده است پذیرفتنی خواهد بود.

٥ ـ عمده بحث بر سر این است که استنطاق متهم ناقص صورت‌گرفته و در اطراف قتل‌تحقیق هیچ بانجام‌نرسیده است‌بنظرماملازم بود که بازپرسی از این مسائل باز پرسیده باشد .

الف :

متهم از کجی وارد خدمت شرکت شده چرا مرخص‌گرفته و در اعطاء مرخصی وی که دخالت داشته است‌بعلاوه مین روسیه استخدامی متهم هم‌بایدبرروی

«آویشین کورپرشین » بوده و وزیر هواپیمائی فعلی در دوران جنك ریاست کمپانی «امریکن الکتریك» را بعهده داشته‌است .

کمیسیون‌انرژی اتمی‌با اینکه عنوان یك اداره دولتی‌را دارد، در جنك کمپانیهای خصوصی واقع است. امور مربوط به‌انرژی اتمی بوسیله دو موسسه بزرك : **«جنرال الکتریك»و«کار بایند اند کاربن کمیکلز»** تصاحب شده‌است .

هر طرح جدید و هر بررسی که در جریانات تازه اتمی بشود ازطرف این دو کمپانی و سایر مونوپولهای شیمیائی صورت میگیرد .

مشهورترین نماینده سرمایه‌های‌مالی **(مانند،اولیس اشترائوس‌از کمپانی «کون لب »** درکمسیون انرژی اتمی رخنه کرده وعضویت یافته‌اند .

هفت نفر ازنمایندگان سرمایه مالی امریکاجزومشاوربن‌این کمسیون‌هستند،اینها بلندگوی‌تمایلات‌وکفار ،مرگان، دیوبین و ملون میباشند.

اقتصاد امریکا با شتاب روزافزونی تابع تدارك یك جنك جدید میشود.

روی همین اصل معافل‌حاکم‌که‌امریکا سعی دارند‌کوششهای انسانهای‌صلح طلب را مانند یك نهضت « زبان آدر » و « کوتاه » معرفی کنند .

آن‌ها با بی شرمی تمام‌اعلام‌میدارند که صلح پایدار بمنزله مصیبت بزرگی است ، و در حقیقت نیز صلح پایدار‌برای صاحبان سرمایه‌های بزرك امریکا سانحه شکننده‌ای میباشد .

گروه های مالی و صنعتی امریکا حتی بدون آن که‌ظواهر اخلاقی‌وانسانی یك انسان را حفظ کنند بـا شیوه هـای گوناگونان و رسوا شده خود به تحریك اعصاب مردم جهان میپردازند و با شدت زیاد هیستری جنك را دامن میزنند تا از این رهگذر مسابقه تسلیحاتی را بوجود آورند و ایشان کثیف خود را ازسیم وزر اباشته‌دارند . پاتمام

یك بحث قضائی

میراستنطاق گذاشته شود.

ب : در تهران باکه ملاقات کرده است.

مستنطق لازم بود از هرکسی درهر مقامی تحقیق کرده باشد خاصه که متهم از یك شبکه قتل و آدم کشی سخن‌میگوید وکسانی راکه مشاغل مهم‌برعهده دارند آدم کش و وحشت انگیز میخواند.

ج : سلاحی که‌منسوب باوست‌از کجا آمده و اثر انگشت که‌بر روی‌سلاح‌دیده شده است.

د : بموجب ماده ٦۳ قانون اصول محاکمات جزائی « شکایات برای‌شروع به تحقیقات کافی است نه‌مستنطق‌می‌تواند در این مورد استنکاف از تحقیقات‌نماید‌نه مدعی‌العموم . و باز بموجب‌ماده ٦۰ : جهات یعنی جهات قانونی برای شروع‌به تحقیقات محسوب میشود :

۱ ـ شکایات و اعلام‌مدعی‌خصوصی و سایرأشخاص.

مدتها صاحبان جرائدسرشناس‌ویکی دو وکیل مجلس در پارلمان ایران‌اظهار کردند‌که در تهران یك شبکه‌قتل‌وترور سیاسی تشکیل یافته و قتل آقـای محمد مسعود مدیر روزنامه مرد امروز و سوم قصد بحیات اعلیحضرت شاه و ترور آقای عبدالحسین هژیر وزیر دربار و توطئه‌بر ضدعده‌ازرجال‌ارتش‌به‌همین دسته‌بندی‌بوده و حتی‌بعقیده نویسنده دراینجا جرح‌منتهی بنقض عضو آقای امام جمعه تهران هم دست این جماعت‌دخالت‌داشته‌است.

پس بااین اظهارات با این قرائن، باوصول نامه‌های با امضاء وبی امضاء مستنطق مکلف بود که بر طبق مواد ٦۰ و ٦۲ و ٦۳ دوسه سیاسی قتل مرحوم مسعود سوءقصد باعلیحضرت شاه و قتل هژیر را از ضبط بیرون آورد و با اختیاروسیع خود بهر کس بدگمانست بازداشت کند و این دسته‌بندی خطرناك را برملاسازد.

در صورتی که نه‌تنها بازپرسی چنین کاری را نکرد و بلکه‌یك مهندس اهل ذوقی را از زیر دوش‌آب‌بیرون آورد. و یك جوانی را که از چهار ماه پیش بجرم داشتن عقیده مخالف توقیف بوده تحت تعقیب قرارداده و بمد یکباره بایك قلم ، قرار منع‌تعقیب همه را صادر کرده و همه حرف‌ها و شایعات را تاسیواب انگاشته‌است.

چطور شد برای تحقیق قضیه‌هرکه را یك روز همسکار متهم بوده توقیف میکنند و در آبادان و اهواز و اکناف کشور بتهران میآورند وآنوقت‌کسانی را که محرك و معاون مهم‌تر از میاشر جرمند حتی بنام مطلع هم بسر صندلی استنطاق نشانده و تامین حقیقی هم از آنان نکرده وتنهااسامی آنها رابترادف آورده و آب طهارت برسرهمه‌ریخته‌اند آیا این خروج از بیطرفی نیست آیااین کار با ماده ٤٥ همان قـانـون که میگوید :

ماده٤٤ مستنطق‌بایدباکمال‌بی‌غرضی تحقیقات را نموده در کشف احوال و اوضاعی که بر نفع یا ضرر متهم است فرقی نگذارد »مخالفت آشکارا‌ندارد.

بدین ترتیب ، کسی را بی آنکه معلوم شود چگونه ازهرکث‌فت‌مرخصی گرفته ، که در کاروی دخالت ورزیده، در تهران بـا کدامین مقـام رفتیدو‌آمد داشته آیم باتهام قتل عامده‌ای مجروحی که براثر تعلل مأمورین در گذشته است باستناداینکه‌در اطراف‌محل‌واقعه‌دستگیر شده و میگویند هفت تیری داشته است مرتکب قتل شناخته و تحویل دیوانعالی جنائی تهران‌داده‌اند»

هر کس تصورمیکرد که در دادگاه جنائی و باوجود قضاتی که علی‌القاعده باید کار کرده‌تر و بیطرف‌تـر بـاشند دیگر اینگونه انحرافات روی نخواهد داد و این‌دوران‌برداخته هرچه‌بی‌اعتبارتر خواهدشد .

اما دادگاه جنائی هم یا نخواست و یا نتوانست که پـرده از ایـن راز سربسته بـردارد اسرار این دسته‌بندی خطرناك‌را بملتی که نگران امثال این وقایع‌است آهکارا باز گوید.

دادگاه جنائی محاکمه را بحضور آقای دکتر شایگـان و کیل متهم آغاز کرد و از احضار شرکاء و معاونین‌جرم با اصرار متهم وو کلاء حتی بنام شاهد و مطلع سرباززد و بدنبال راهی کـه دادسرای تهران رفته بود،دادرسی‌را آغاز و بدینجاررسید.

اما دفـاع و کلاء جعفری بخصوص دفاع مستدل وقانونی آقای شریعت زاده اوراق‌برداخته‌رابی‌اعتبار کرد.

اکنون که این مقاله را می‌نویسیم هنوز نطق آقای دکتر بقائـی آخرین وکیل متهم معلوم نشده و هنوز آخرین دفاع متهم وو کلاء وی باقی‌مانده‌است .

هنوز معلوم نیست هیئت پنج‌نفری‌دادگاه چه تصمیمی خواهند گرفت و بـا ایـن مدافعات مستدل و قانونی چه خواهند کرد ، از خود باز میپرسم که آیا با این اوراق بی اعتبار ، حسن جعفری را محکوم‌توان کرد؟

روزنامه‌های « بی‌هدف و مشغول کننده » پایتخت که همواره‌دنبال‌مطلب میگرده‌ند و فکر سرگرمی خوانندگان مختلف خود هستند خیلی در اطراف‌این معاکمه گفتگو کردند ، وبرطبق‌معمول خودهرچه شهربانی وداد‌سرا گفت وحی منزل و حرف‌متفقن شمرده ، وقوع قتل و سایقه جنائی متهم را مثل «مدیردفتر قیافه‌شناس دادسرا » ثابت دانسته سیلی از نفرت و دشنام بچـانب وی سرازیر کردند.شهربانی آقای‌فرخ هم‌حماسه ها در این‌باره برزبان آورد و در آنجا بر صفحات جرائد بی‌مزه‌منعکس کرد،آقای نماینده دادستان استیناف تهران هم‌هرچه توانست گفت و مردی را که باندازه‌یك محصل مدرسه متوسط‌سواد ادبی نداشت و جریده خود را از مقالات تحریك‌آمیز و مخالف عفت عمومی انباشته میکرد ، چنین کسی را نویسنده توانـا و مقتدرو نماینده ملت تاریخی ایران‌نامید ، لیکن هیچ یك از این گفتگوها نظر ملت را تغییر نخواهد داد و بر روی حقائق که آشکارا‌تر از آفتاب است پرده اغتشاش نخواهد کشید .

این اوراق ازنظر قضائی یك پول سیاه نمی‌ارزد ، تحقیق ازمتهم‌اگربرطبق اصول صورت نگیرد اعتبار ندارد.

اما ازهمه گذشته ازاین انحرافی که دررسیدگی نخستین‌روی‌داده ، از آن‌که آقـای فرخ رئیس شهربـانی سـابـق بـا جـرائـد در میان گذاشته از آن غایبات مفصل و گشادهٔ که بیش آمده ازاین نقض قانونی که دیوانجنائی بعمل آورده و بالاتر از اینها دردفاع سراپا استدلال و کیلان متهم گذشته از آنکه پرده از خفیات برداشته شده ، گذشته‌از اینکه « اتهام قتل عـامدانه متهم آنهم بدون معاونت و دخـالت دیگران » خنده‌آور نموده وبکوش هیچ کس نرفته است گذشته ازآن این‌نکته مسلم‌وثابت شده است که این قتل‌های چندسال اخیر بی‌مقدمه و ناگهانی‌نبوده که‌محمدمسعود را همان کسی کشته که درکارسوءقصد بحیات اعلیحضرت بیست واهانه که در دورترین نقطه در قتل هژیر دخیل بوده که آخریکی درهمان‌دسته،بقول‌روزنامه‌ها پیدای روشی شده که خودعقیده بر آن داشته» که ایراد جرح بروحانی‌مشهوری‌را چون آقای امام‌جمعه‌شهرهم‌کارهمین‌دسته

بقیه در صفحه ۷

ماجرلی تصفیه

بقیه از صفحه ۳

با سقوط کابینه ، وزیر آن بیست دولتی دیگری کماره شود وکارمند دولت گردد،مگراین آقایان«وجهاء ملی» که به « نمایندگی » مردم بر کرسی های پارلمان تکیه کرده‌اند باورنکردنی است که روزی « مقبولیت عام ! »را از دست بدهند و بخواهند مشاغل‌دولتی سابق‌خود را احراز نمایند ، دراینصورت برآیچه نیابستی بحساب‌سوابق‌استخدامی ایشان رسید و صلاحیت آنانرا درامکان مداومت بخدمات‌دولتی تشخیص‌داد ؟

بفرض آنکه دولت اجرای‌تصمیمات هیئت تصفیه را در مورد قضات مغایر با قانون اساسی تشخیص داد آیانمی‌توانست مقررات هیئت رادر موارد دیگر اجرا کند و در اینصورت از مجلس کسب تکلیف نماید ؟!

دولت می‌توانست و نکرد زیرا به اقرار خود او « کار بابن آسانیها نبود» زیرا او نمی توانست درراهی گام‌گذارد که درآن‌اندك زیانی بر پیچ ومهره‌های هرزه ایندستگاه در هم شکسته‌متصور باشد !

در همان‌جلسه ، دولت برای‌احتراز از موانعی که بقول خود او در راه‌اجراء تصمیمات هیئت تصفیه موجود است ماده واحده ای پیشنهاد کرد که بموجب آن دو هیئت تشکیل خواهند گردید . هیئت بدوی‌مرکب از هشت نفر« پنج نفرعضو اصلی وسه‌نفرعلی‌البدل »امابرای‌رسیدگی بوضع استخدامی کارمندان دولت وهیئت تجدید نظر مرکب از ده نفر« هفت نفر عضو اصلی و سه نفر علی‌البدل »برای رسیدگی‌بتقاضای تجدید نظر کارمندانی که از تصمیم هیئت بدوی‌ناراضی‌هستند.

۱۸ نفر اعضاء اصلی و علی البدل هیئتهای بدوی و تجدید نظر ، متساویا از مجلس شورای بانتخاب نمایندگان آن مجلس ، وسنا» بانتخاب نمایندگان‌مذکور و نیزدیوان کشور بانتخاب دولت‌برگزیده خواهند شد ، در مدت سه سال وظیفه خود را سر انجام خواهند داد و قبل‌از همه‌پرونده ۹۰۰ نفری که در هیئت تصفیه سابق نسبت بایشان اظهارنظر شده‌است‌دست‌خواهندزد .

باین ترتیب دولت یکسره خود را در اختیار تمایلات آنها که باستحقاق‌در بندوح » آمده اند، دراختیارخواستهای آنکسان‌که قانون تصفیه رابعنوان‌سلاحی علیه‌عناصر شرافتمند و تسلیم ناپذیر دستگاههای دولتی می‌خواهند قـرار داده است !

باین ترتیب ، دولت بوسیله لایحه جدیدپیشنهادی آچنانکه از اظهارات نخست وزیرومقدمه‌لایحه مبنی‌بر«خبط» هیئت سابق تصفیه در شمول وزراوو کلا خطری را که برای گروهی اندك از بازیگران صحنه فجیع سیاست‌روزمنصور بود بر طرف داشته وفرصتی‌فراهم کرده است تا با چشمان باز از ابراد هر گونه خدشه ای بر ساحت مطامع آنان برحذر باشد و تنهادستگاه دولتی را از وجود همه آنکسان که مخل نظم سیاه‌موجودند بیراسته است .

اینك نمایندگان جبهه ملی درمجلس باتهام تخلف از مقررت‌قانونی وسرپیچی از اجرای تصمیمات هیئت تصفیه ، علیه آقایان رزم آرا نخست وزیر و بوذری وزیر عدلیه مشمول بند « ب » ایشان اعلام جرم کرده اند ، اما بدیهی است آنها که آنکارا همه اصول و مرازین دموکراسی‌رابه‌پشتیبانی نظام‌منحط‌بروزی لگد مال می کند از « اعلام جرم»باکی نخواهند داشت ، تنها آنگاه که قدرت ، بلا مانع متجلی شود و ملت ، بهوت و کوشش بی گیر خود ؛ حقوق مغصوبهٔ خویش رااحیاء نمایدبحساب‌اعمال و افعال زیانکاران خواهد رسید و بی تشویش از دسیسه این و اخـلال آن ، اراده خودرابرحله‌اجراخواهد گذارد !

یهودیان ایران نیز بطرفداری از صلح برخاسته اند

یکعده از شخصیت های برجسته مذهبی واجتماعی یهود برای همکیشان خود پیامی در باره بیانیه استکهلم بعضون ذیل فرستاده اند که مورد استقبال عموم یهودیان واقع شده‌است

برادران‌و خواهران یهودی

در این روز ها دنیا ساعات حساسی را میگذارند ـ خطر جنك و حشتناکی حیات بشری را تهدید میکند جنگی که اگـر درگیر شود بهیچ ملتی ابقا نخواهد کرد . در جنك گذشته قوم مانیبی از بهترین فرزندان خود را از دست داد متجـاوز از شش ملیون پیر و جوان و کودك یهودی فـدای حرص وآز جهان خواران گردیدند اکنون جنك مهیب تری بشریت را میلـرزاند جنگـی که اگر بیداری و همـت مردم دنیا موفق بجلو گیری از وقوع آن ـ نگردد‌با خطر ناکترین و کشنـده ترین سلاحها ملاح انتهی بشریت را دچار بلای عظیم وفاجعه خونینی خواهد کرد . انزری اتم که بایستی برای بهبود وضع زندگی مردم دنیـا بکار رود امروز بـرای کشتار دستجمعـی مردم ذخیره شده است .

شمالای برادران برای اینکه خواهر و برادر و زن و فرزند و پـدر و مادر خود را از مهلکه نجات دهید و شما ای خواهران برای اینکه دچار سوگـواری مرك عزیزان و فرزندان خـود نشوید ذیل بیانیهٔ استکهلم را که نمود ازتفر طلبهای جهان از جنك و معرف رای‌قاطع بشری علیهٔ کسانی است کـه در بکار بردن سلاح مهیب اتمی پیشدستی نمایند امضاء کنید / مطمئن باشید که هر یك از شما با امضای این ورقه یك قدم در راه خدمت بصلح جهانی و سعادت خود و خـانوادهٔ و هـموطـن و برادر خود برداشته‌اید .

جامعهٔ یهود هـمانطور که تاکنون نشان داده است همیشه حامی صلح عمومی و طرفدار دوستی‌و و داد بین ملتها بوده است بنابراین اکنون نیز باید طرفداری خود را نسبت بصلح عمومی ابراز دارد و مانند کلیهٔ مردمان خیر خواه جهان بخواهد کـه استعمال سلاح اتمی ممنوع گردد .

هارباب‌هلوی حاخام سلیمان کهن حاخام یدید یا شوطط دکتر آقاخان طوب مدیر مجلهٔ سینا مظفر مسنن.

مدعیان اصل آزادی

بقیه از صفحه ۲

هنگامیکه‌دو گلاس‌این‌قاضی‌مالبرتیه و کوه‌نوردی که درقلل‌مرتفع کوههای جنوب دژ جستجوی کشتی نـوح مدتها پرسه می‌زد مردم مهمن‌ما را بخاك‌وخون می کشد ، زمانیکه مخبرین جرایدبیگانه همه کاره‌و فعال‌مایشاء کشور ماشده‌اند، هنگامیکه بی‌قـانونی‌و خیانت سراسر دستگاه مدیره کشور ما رااحاطه کرده است ، یك کار گر بیگناه‌را بجرم‌دزدیدن سك حسابدار بشلاق می‌بندد واین‌کار هم توسط دائره انتظامی‌محل‌صورت‌میگیرد، واقعا عجب‌نظم‌وانتظامی!

ولی علی‌رغم همه اینها مردم‌محروم از این آزارها و شکنجه‌ها ، از ایـن تضییقات و فشارها لبی هراسند و قدم سست‌نمی کنند‌آنها بااینان‌شگفت‌آوری راه سعادت و آزادی را پیش گرفته‌اند و در راه برقرار کردن ، روزی نو ، دنیائی‌آزادوخوشبخت گام‌می‌نهند ، این تشبثات جز اینکه اراده مقدس آنها را محکم‌تر و ثابت‌تر گردانند اثر دیگری نخواهد داشت . بامید‌خوشبختی‌توده‌ها!

یك بحث قضائی

بقیه از صفحه ۷

بوده است .

دادگاه هرائی بدهقا تفاوتی‌ندارد خواه حسن جعفری متهم‌بایراد جرح منتهی بفوت آقای احمد دهقان وکیل خلخالی و مدیر تماشاخانه تهران ، بمرك وبا حبس طویل‌المدة محکوم شود خواه با گردن افراخته ، با حکم برائت ازدربیرون‌رود فرقی نمیکند ، بالاتر ازاین دادگـاه و اصولی تر وپای بندتر از این تشریفات ، ملتی وجود دارد که نیك داوری میکند نیك بقضایای پیرامـون خود مینگرد و خصم رابهرلباسی که درپیاید بازمیشناسد

رأی محکومیت دادگاه مردم را باشتباه نخواهد افکند و پرده بر چهره تابناك وقایع‌نخواهد کشید‌امارأی‌برائت ادعای اهل خیرراباثبات‌خواهدرسانید .

تا کسانی که حکومت‌ایـران را دموکرات‌میخوانند‌وهرشکایت‌واعتراضی را تحریك دیگران میدانند بدانند‌که در مملکتی بدین آشکاری کسانی‌که حافظ ناموس‌و جـان مردمند ، در کار قتل و ترساندن خلق ، گام بر میدارند . گاه آشکارا با قوانین مستبدانه‌آزادی مردم را محدود میکنند ، بیگناهان‌را بزندان می‌افکنند و دهان جرائد را می بندنـد و بیت‌المال را بیغما میبرند‌و گاه پنهانی هرکه‌دم‌زند خاموش می کنند وهرکه‌را بعیات آزاد عـلاقه دارد بجاهسار مرك سرنگون میسازند و بیشتر اوقات دسته خودرا هم میبرند و همکاران خود راهم گرك‌آسا میدرند و ازاین نمط برحشت و جاه خود میافزایند چنین‌است راه‌وروش حکومت ما.

چاپ سینما

اولین فستیوال-سینمای‌شوروی

بطوری که‌اطلاع‌حاصل‌شده نخستین فستیوال فیلم های شوروی از طرف انجمن روابط فرهنگی ایران باتحاد شوروی ازروز ۲٤ شهریور الی ٦ مهر ۲۹ درمحل انجمن مزبوردایرخواهدبود.

برای مراسم افتتاح فستیوال که ساعت ٦ عصر روز جمعه ۲٤ شهریور برگذار خواهدشد. ازطرف جناب آقای مستشار الدوله رئیس انجمن از هیئت دولت ونمایندگان مجلس وسنا وروزنامه نویسان و عده‌ای ازنویسندگان‌ومتنورین ورجال‌و اعضاء انجمن مزبور دعوت بعمل آمده‌است .

سدور

هفتگی-روش هشانا کیپور

و شالوش رغالیم صیصیت و تفیلین وارد شد

سفارش از شهرستانها با ارسال وجه پذیرفته میشود

کتابفروشی نسترین-خیابان نادری تلفن ٤۷۵۳ ۱-۲

تعلیم رانندگی اتومبیل

رانندگی در همه جا بدرد شما میخورد

(بدارالتعلیم رانندگی دوخاتسکی مراجعه فرمایند)

(از هرحیث نظر شما را تامین مینماید)

شاهرضا دروازه دولت جنب‌خیابان بهار

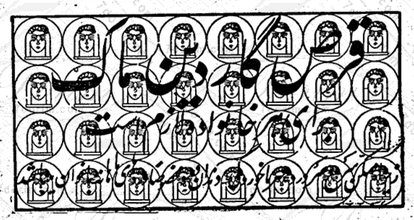

نوید آزادی

مدافع حقوق زحمتکشان

بزودی منتشر میشود

نهم ژانویه

بزودی منتشر میشود

حتما بخوانید

اتو کرمانشاه

اگر نظم و آسایش‌در مسافرت‌راطالبید باتو کرمانشاه مسافرت کنید

تسلیت

در گذشت جانکاه‌ازابراهیم کاچین‌ناکام رابخانواده مصیبت‌زده و دوستانش‌تسلیت عرض مینمائیم .

م : انور ، ذبیحی ، لاله‌زاری

نیسان

موضوع کمك امریکا

بقیه از صفحه ۲

بنام کمك امریکا بعوانند از امید ها و انتظارات ملت ایران بنیان آوردند جز یك سفسطهٔ توهین آمیز نیست بملت ایران چیز دیگری نمیتواند باشد .

توده‌های رنجبر شده و زجر دیده و محروم ایران باهمه درماندگی وفلاکت و تیره بختی انتها نایذیر خود هیچگاه و درهیچ‌مورد برای تحصیل «حداقل خوراك و پوشاك و مسکن» چشش به‌عنایت! دشمنان مسلم خود نبوده است .

ملت ایران در اواخر جنك ناظر بود و دید چگونه دولت حریص امریکا مشتی آهن پاره را که در جاهای دیگر در صحراها باقی گذاشت و رفت در کشور ما از تصدق بندو بست با نخبه‌ها و بر گزیدگان همان «هزار فامیل» کذایفیت دولار بما قالب کرد و پول آن از جیب فقیر ترین طبقات کشورما پرداخته شد و منافع آن بجیب همان بندوبست چپاولی که وطن و ملیت برای آنها مفهومی جز نفع طالمانه طبقاتی آنها ندارد صرازیر گردید !

ملت ایران ناظر بوده دیده است چگونه دومدت جنك سیل مستشاران امریکائی بریاست دکتر میلسپو عامل مستقیم و مزدور کارخانه داران امریکا تحت نظر دستگاهی که نام خود را دولت ایران گذاشته بود آخرین تیشه‌را بریشه صنایع تازه و جوان ما فرود آورد :

با حقه بازی ، پایند و بست ، با صدور دستور های ضدملی کارخانه ها را بدست تعطیل سپرد تا زمینه برای کالای امریکائی فراهم گردد!

ملت ایران در تمام جریان امور این چندساله ناظر بوده ودیده است چگونه سیاست خشن و بیرحم امپریالیسم تازه بدوران رسیده آمریکا بدست زمامداران بومی تمام حقوق مدنی و اجتماعی را از ملت ایران سلب کرد .

سرنیزه‌خودرابرای سرکوبی آزادی ملت ایران بکار برد ، و خود را پشت و پناه و پشتیبان بزرگترین دشمنان داخلی ایران اعلام کرد .

ملت ایران در چنین دولتی هیچگاه انتظار حمایت و کمك نداشته است واگر منظور آقای هیدی نوری از ملت ایران که چشش بدست سرمایه داران حریص و طماع امریکائی بوده و هنوز هم امید خود را بکرم و فتوت آنها بسته است همان هزار فامیل معروف باشد که ما حرفی نداریم ولی خود تصدیق بفرمائید که اطلاق کلمه عبارت «ملت ایران» باین هزار نفران جلیل و چند خانواده تازه بدوران رسیده که با نها ضمیمه گردیده اند نسبت بملت واقعی و طبقات شرافتمند و زحمتکش ملت ایران توهین است .

ماباخرف روز قبل آقای هیدی نوری موافق هستیم که ملت ایران برای تهیه حد اقل خوراك و پوشاك و مسکن خود احتیاج بمقامات عالیه جهانگیران وجهان خوران ینگی دنیائی ندارد :

آن دقیقه‌ای که سیاستهای شوم استعماری هم‌نشان باسیاست ظالمانه وضد ملی دولتهای ما دست از سرملت ایران بردارد ملت ما خواهد توانست حداعلای وسائل آسایش و سعادت را برای خود فراهم سازد .

ولی‌چه‌شده است که ایشان بفاصله یکروز از حرف خود عدول نموده وبنام ملت ایران و بعنوان تامین «حداقل» وسائل زندگی ملت ایران از امریکا کله کرده اند؟ ملت هرچه باشد واقعیت یکی است . و آن اینست که ملت ایران از این تهمت‌ها بیزی میباشد و این «کمکها» را جز زنجیرهائی برای اسارت بیشترخود هیچ چیز دیگری نمیداند .

اما در موضوع اصل قضیه : برای‌ما که بماهیت سازمان اقتصادی امریکا آشنا بودیم از آغاز امر از آفتاب روشن تر بود که معلل است امریکا بتواند بملتی کمك اقتصادی وصنعتی بنماید یا رضا دهد که ملتی بروی پای‌خود بایستد و اقتصادیات خود را از گرو خواستهای صاحبان تروست امریکائی خارج‌سازدما میدانستیم و متوجه بودیم که هر گونه کمکی ،برای احیاء اقتصادیات و صنایع ملتی برای فروشندگان وکارخانه داران امریکائی که حاکم‌مطلق‌دستگاه‌حکومتی آن نمیباشد نقش غرض میباشد زیرا این همه خونابهائی که ریخته شده و می شود اینهمه ویرانیها وقتل عام ها و فجایع برای این بوده است که پول صاحبان سرمایه‌در کشورهای لیم‌متمرده‌ومستعمره بکار بیفتد وکالاهای آن هابفروش برسد ماباربارها درصفحات همین روز نامه فریاد زدیم هیچ ملتی در هیچ نقطه دنیا نمی تواند منتظر کمك واقعی اقتصادی از امریکا باشدبلکه آن‌چه که بکمك امریکامشهور شده آن‌چه که اساس و پایه برنامه مارشال را تشکیل میدهد فقط وفقط و منحصرا بر محور «کمك» نظامی دور می‌زند و که مشتی اسلحه‌های بنجل کارخانه‌داران امریکائی را بدستگاههای حاکمه کشور های مستعمره تحویل دهند تا از طرفی آن هارا بر ملتها مسلط سازند یا تسلط آنها را حفظ کنند و از جانبی هم خود آخرین مایه هستی مردم را برای این اسلحه‌های فرسوده بربایند وملتهارا بخاك سیاه فقر و فلاکت بنشانند .

منتها ازهمان آغاز امر کسانی که انتظار داشتند در جریان این معامله ضد ملی و ایران بر باده لقمه های چربی دراداءحق دلالی نشکن‌خود بدست آورند با وعده ووعید و دروغ و فریب سعی کردند مردم کشور ما را سرگرم سازند و امروزکار این رسوائی بجائی کشیده است که ستی روزنامه کیهان بس‌ازمدتها صبر و انتظار و صابون مالی که بدل‌خود مالید باآه و اسف و افسوس بگوید:

«اگرهزینه‌هائی که تاکنون از این بابت (پذیرائی دولت از نمایندگان اعزامی بانك بین‌المللی) وهمچنین پرداخت حقوق بمشاورین ومتخصصین امریکائی دولت متحمل شده‌صرف عمران کشورمیگردید ممکن بود لااقل دوکارخانه قند جدید در این کشور دایر گردد باین طریق احتیاجات مردم دراین باره تامین‌شود . »

معهذاروزنامه کیهان که هنوزحاضر نیست رشته امید خود را قطع کند هنوز جای مهری باقی میگذارد ودرصدد انتقال از «همکاری صمیمانه» بین‌هیئت اعزامی و سازمان برنامه تشکر مینماید . اما روزنامه دادکمی بیشتر پرده رابالا زده وتصریح میکند که امریکای‌دمو کرات! در تمام این مدت با وعده پوچ کمك‌عده ازمامورین خودرابعنوان مستشار وبفرج دولت ایران بکشور ما فرستاد وکار را در این زمینه بجائی رسانیدند که یحتی **امضاءکننده قرارداد نفت ایران دربحرین باشیخ غاصب بحرین را باسم‌رئیس مستشاران برنامه‌ایران باحقوق‌ماهی هفت‌هزاردوپانصد دلار برای مافرستاده تااز پول مردم‌فقیر وپریشان این کشوریك چنین‌ناز شستی‌بچنین کسی‌داده شود**

درهرحال بانك بین‌المللی بیکباره خط بطلان بروی تمام وعده ووعیدهای دیرین کشید و شانه از زیر بار وام دادن بدولت ایران خالی کرد .

ولی دولت ما فراموش نشود که باردیگر حلقه نیاز بردن بانك صادرات و واردات امریکا بزند . دولت ایران تصور می کرد که بانك بین المللی جز یك موسسه کاملا آمریکائی می‌تواند‌چیز دیگری باشد . فکر میکرد که آمریکا «خیر خواه» البته راضی نخواهد شد دولت ایران را از درگاه شفقت خود با دست خالی رد کند و اگر بانك بین‌المللی با این تیرنك دو سال از وقت دولت ایران و ده ها ملیون دولار پول ملت بدبخت ایران را تلف کرده‌ارباب آمریکائی حاضرخواهدبود دست‌عطوفتی برسردولت ایران بکشد .

باین امید دست بدامن‌بانك‌صادرات و واردات آمریکا گردید ولی بزودی معلوم شد که چه بانکی که عنوان‌بین‌المللی داردو چه بانك صادرات‌وواردات آمریکا هر دوستقیما ودرهرجا اول‌تحت نفوذ عاملداران آمریکائی میباشند وآنها هستند که چرخ‌امور این هردوراباحرکت می‌آورند وآنها هستند که طبعا محال است بتوانند بکشوری کمك اقتصادی و صنعتی کنند تاآن کشور بروی پای خودش بایستد .

روزنامه داد احتمال میدهد که رویه اخیرآمریکادر مورد مایوس کردن‌دولت رزم آرا از کمك آمریکا ، بااینکه این دولت مواد مورد نظر شان‌را بآمریکا میباشد،(قول روزنامه‌داد) از آنجاناشی شده که این دولت در صدد برقراری روابط بازرگانی با اتحاد شوروی بر - آمده است .

روزنامه مزبور تعجب می کند که چرا امریکا دژخدمی بااتحاد شوروی تا این درجه سرسخت باشد که راضی نباشد اجازه دهد با نزدیکترین همسایه خود و یکی‌از مقتدرترین دولتهای جهان دارای روابط و داد آمیز باشد . بنظر ما این تعجبی ندارد .

زیرا در جائی که حتی بانك بین‌المللی توسعه و ترمیم نیز که مدعی کمك بکشورهای خسارت دیده درجنك است، بنابراعتراف خود روزنامه داد فقط برای این بوجود آمده که طبق نقشه مارشال از آن‌برای « مبارزه‌با کمونیزم» استفاده شود دیگر در این مورد جای تعجبی نخواهد بود . بلکه تعجب این است که چطور دولتهای پرتال و کوبال مانا این حد ذلت و سرافکندگی برای خود می‌پسندند که برای کوچکترین قدمی که مدعی هستند میخواهندبردارند ، چشمشان بدهان اربابان انگلیسی‌یا امریکائی باشد .

اگر هما نگونه که روزنامه داد نوشته است این صحیح است که دولت برطبق تمایل ودر اثر مساعی کار کنان سفارت امریکا بوجود آمده است طبعا چنین دولتی نخواهد توانست قدمی‌بسود خلق ایران بر دارد .

واگر هم عنوانی از انعقاد قرار داد بازرگانی با اتحاد شوروی در میان می‌آورد این جز یك مانور عوام فریبانه برای اثبات « حسن نیت » خود نیست تا فردا بتواند بگوید من‌خواستم قدمی بصلاح ملت ایران بردارم اما نگذاشتند و خود اربابان امریکائی و انگلیسی نیز از این بابت اطمینان دارند .

اگر جز این باشد . اگر واقعا دولت آقای‌رزم آرا برای افکار عمومی ارزشی قائل هستند اگر زمامداری خود رابرای تامین خیرو صلاح خلق ایران میدانند که برای خواست عمروزید نباید پای برسر منافع و مصالح حیاتی ملت ایران بگذارند .

در هر حال جریانهای آینده نشان خواهند داد که دولتی نظیر دولت آقای رزم آرا تا چه‌حدمیتواندور ازاعمالی کردن و عده های خود پیش برود .

پوزش از خوانندگان محترم

همانطور که خوانندگان محترم متوجه شده واغلب بیاد دکر داده‌اند درشماره گذشته دراثر سهل انگاری‌وغفلت ماشینچی چاپخانه اشتباه فاحشی درصفحات روزنامه رخ داد که باعث کمال تأسف کارکنان این روزنامه گردید بدینمعنی که بجای صفحه ۲ سهواً صفحه ۶ دو مرتبه بزبر چاپ رفت ومطالب آن تکرار گردید .

اکنون پس‌ازپوزش‌ازخوانندگان گرامی‌وجهت‌تکمیل مطالب روزنامه مقاله «موضوع کمك آمریکا» رادر این شماره مجددا چاپ مینمائیم‌امیدواریم‌متعهد اینگونه اشتباهات تکرارنشود .

تضادهای خارجی و داخلی

بقیه از صفحه ۱

چینی ها از کابینه رزم آرا منعطف شده گذشته از مقامات دربارو شخص‌شاهنشاه مقامات وزارت دربار نیز از مسئولیت تهیه لیست اشخاص مورد تصفیه بی‌نصیب نماندند چون وزیر دربار آقای حکیمی از زعمای‌جمعیت هامیون است ونیزازاین جهت که اکثریت اعضاء هیئت تصفیه از جمعیت‌هامیون بوده اند و مخصوصا بیشتر افراد حزب هامیون را در بندالف قرار داده اند از این جهت تجربان حمله برضد زعمای حزب هامیون و منجمله حکیمی ، تقرزاده و نجم‌الملك فرمانسوپهای نمره یك شدید تر شده که آن ها موردد این اتهام قرار گرفتند که میخواهند ریاست مجلس را بیکی از افراد وابسته بدین حزب بدهند واز همین‌جهت سردار فاخر را مشمول بند جیم کرده اند .

نتیجه این شد که چنین وانمود شود لیست تصفیه بدست‌حزب‌انگلوفیل‌هامیون تهیه شده و از این جهت آمریکا نیها گرچه موضوع تصفیه را بار ها مطرح ساخته بودند‌نمی‌توانستند‌به‌چنین تصفیه‌ای که ازطرف‌باندمخالف آنها تهیه شده موافقت کنند .

زمزمه عدم رضایت آمریکائی ها از تصمیمات کمیسیون تصفیه این هفته در جرایدانتشار یافت و مخصوصا بعقیده بعضی روزنامه هاملاقات ویلیام‌دوگلاس با سردار فاخر حکمت در منزل‌خود او این جریان را تایید نموده .

کابینه رزم آرا هم اکنون از تضاد بند چینی ها با دربار ، تضاد بندچینی‌ها با حزب هامیون و هم چنین تضاد دربار با حزب‌هامیون که منجر به زمزمه استعفای حکیم‌الملك از وزارت دربار شده است استفاده‌مینماید و سعی می کند خود را از مسئولیت ماجرای تصفیه دور نگاهدارد .

۲ - جریان حوادث در عشایر ایران چه‌ماهیتی دارد؟

تردیدی نیست که اختلافات و زدو خورد بین‌قزای‌دولتی وعشایر نتیجه مستقیم تضاد بین‌دوسیاست آمریکا وانگلیس‌است .

اما در صحنهٔ داخلی نیز این تضاد بصورت خاص در آمده است .

بقرار اطلاع جراید چند روز قبل‌در شیراز و فارس اعلامیه‌ای از طرف جمعی از رؤسای عشایر منتشر شد که در آن حمله شدیدی به اصول مرکزیت ونقامات دربار شده‌و درخواست گردیده است که قانون اساسی ایران در جهتی که مطابق تمایل آنهاست تغییر یابد .

در این اعلامیه به دولت آقای رزم آرا حمله ای نشده است .

روزنامهٔ آتش مخالف‌دولت،حکومت آقای‌رزم‌آرا را باحکومت قوام‌مقایسه میکند.

همانطور که قوام برای نگاهداری قدرت‌خود وجلوگیری‌ازسقوط مرتبا‌حوادث‌مصنوعی جدیدی میتراشید ودربلواهای‌خوزستان و فارس واصفهان‌شخصابوسیله‌مظفر فیروز دست‌داشت ، رزم‌آرا نیزبنظر روزنامه مزبورهمان نقش وبازیرا میکند و قسمتی از بازیها و زد خورد هائی که دربابلات اتفاق‌می‌افتدومخصوصاتحریکاتی که‌میشود ساخته و پرداخته‌خود کمك کند .

شکی نیست که تحریکات عشایر نه تنها اصولا نتیجه تضادهای دو سیاست آمریکا و انگلیس است بلکه مقامات داخلی نیزهریك برطبق منافع خاص‌خودسعی دارندازاین تضادواختلاف بهره بر گیرند .

۳ - مشکلات اقتصادی و پولی ایران چه وضعی دارد؟

دراین هفته اعلام شد که بالاخره شرکت نفت انگلیس موافقت‌نموده است هشت میلیون لیره به‌دولت‌ایران‌بپردازد. سه‌میلیون‌لیره‌فورا میدهد وبعدا ماهی یك‌میلیون‌لیره‌تا ۵ ژانویه ۱۹۵۱ خواهد داد . درموقعی که یاس ونومیدی از بروز یك قرضه از طرف بانك بین‌المللی وبایکاك صادرات‌وواردات درمحافل‌سیاسی ومطبوعاتی ایران حکمروائی میکرد انگلیسها برای جلب نظردولت ومقامات ایرانی مرتکاب آمریکائی‌ها‌باین‌اقدام دست زدند . آمریکائیها نیز که از عدم موفقیت خوددرجلب نظر مقامات ایرانی نگران شدند طبق معمول خود به‌چندین اعلامیه پرانی دست زدندو وعده‌هائی از کمك‌بدولت ایران داده‌اند . یك روزنامهٔ طرفدار دولت‌چنین اظهار نظر کرده است که آمریکانا ۱۵ سپتامبر ۱۰ میلیون دلارخواهدپرداخت این رقابت ها در تحمیل وام فقط برای شکاردولت‌ایران‌ومتعرف‌ساختن‌نظرمقامات خاکه ایران ازسیاست رقیب می باشد .

۴ - قرارداد بازرگانی ایران وشوروی بکجا کشید؟

دراین هفته نیز خبری ازمذاکرات تجاری ایران وشوروی نشد . بعضی روزنامه‌ها اخبار مایوسانه‌ای راجع‌به‌این موضوع منتشر ساختند ومخصوصا شیاعت دولت رزم آرا را با دولت های قبلی که به چنین مذاکراتی دست زده بودند برملا ساختند . اکنون بتدریج ثابت میشود که دولت رزم‌آرا در مسائل مربوط به آن قسمت جریانات‌سیاست خارجی‌وداخلی که مورد توجه‌افکار عمومی ملت ایران‌است ازقبیل مذاکرات‌تجارتی ایران‌وشوروی باز گرداندن‌زندانیان‌سیاسی ودادن‌آزادی عمل بیشتر به ملت ایران طرفدارسیاست قریب وتزویراست یعنی فقط وعده‌میدهد ولی اجرای آن‌را بهیچ وجه ارزشی نمی دهد . دولت‌های ایران‌نظیر دولت آقای رزم آراءفقط باساختن حوادث مصنوعی، جلب‌توجه‌سیاست‌های‌خارجی استعماری ، توسل به آقای‌آچسن جهت تایید‌پشتیبانی آمریکا و فریب دادن ملت ایران در مسائل خارجی‌وداخلی مورد توجه آن‌می خواهند خودشان‌را نگاه‌دارند . آیاواقعا این‌دولت‌ها آنطور که ادعا میکنند‌وطن پرستند‌و‌یا برای‌خوشبختی‌ملت کارمیکنند ؟ مسلمانا هیچ فرد عاقلی تصور نخواهد کرد که این ادعاها صحیح است .

برای نجات اقتصاد ایران

چه باید کرد؟

آقای دکتر نصر وزیر دارائی ، هنگامی که برای‌شرکت در مجمع عمومی بانك بین‌المللی ، تهران‌را ترك می گفتند ضمن مصاحبه‌ای که با مخبر اطلاعات به عمل آوردند از « تدابیر » خویش که گویا در بهبود وضع اقتصادی کشور موثر بوده است‌سخن رانده وتصمیماتی را از قبیل‌ایجادتسهیلات دراامر صادرات‌جزو این تدابیر محسوب داشته‌اند .

شاید کمتر شماره‌ای از روزنامه « نیسان » را می‌توان یافت که درباره وضع اقتصادی کشور در آن سخن نرفته علل و عوامل وضع نا مطبوع موجود تشریح نگردیده و چاره جوئی اساسی نشده باشدومایکبار نیزدرموردهمین‌تدابیر اقتصادی آقای وزیر دارائی بتفصیل بحث کردیم و نشان‌دادیم که این تصمیمات نه فقط کوچکترین اثری در اصلاح وضع اقتصادی و توازن تجاری نتوانه داشت بلکه سبب بالا رفتن هزینه زندگی ، گرانی کالاهای وارده و رواج بازار سیاه « ارز » خواهد گردید .

اگر چرخ اقتصاد ایران در راه بی‌سرانجامی که اینك در پیش دارد‌همچنان پیش تازد ویك‌تجدید نظر اساسی متینی بر مصالح معاشی عمومی در آن نشود چگونه می‌توان بیك سلسه تصویبنامه و مقررات خشك و جامد ذل عوش داشت و از آن در تحسین امور اقتصادی بهره گرفت ؟

بقیه‌در صفحه ۸

حکم دادگاه مطبوعات در بارهٔ روزنامه «نیسان»

خوانندگان محترم بخاطر دارند که روزنامه «نیسان» قریب دو ماه ونیم قبل تنها بموجب تشخیص یك دایره از اداره سیاسی شهربانی « کمیکار » شناخته شد ، بتوقیف آن اقدام گردید و آقای دادستان تهران نیز که گویا تنها مجری قوانین شهربانی بحساب می آیند بدون مداقه و مطالعه ، پرونده امر رابرای‌تعیین « کیفر» روزنامه ومدیر آن بدادگاه جنحه مخصوص رسیدگی بجرائم مطبوعاتی فرستادند که در تاریخ ۲۶ر۵ر۲۹ منجر بصدور حکم گردید . اینحکم جزبرائت روزنامه چیزی نبود .

بقیه‌در صفحه ۲

جغدجنك

در نخستین کنفرانس جمعیت ایرانی هواداران صلح آقای قهرمان منظومه استاد بهار را که‌در بحر نامطبوع ودر مدح صلح سروده بودند در میان هلهله حضار قرائت کردند . منظومه علاقه شنوندگان استاد گرانمایه مجبور شد خود را به تریبون رسانده و از احساسات پاك و مقدس طرفداران صلح برله «مدیحه سرای صلح» صمیمانه تشکر کند .

ما عین منظومه بی نظیر نامبرده را جهت علاقمندان‌صلح و استفاده‌خوانندگان نیسان درانجا نقل میکنیم .

فغان زجغدجنك ومرغوای(۱)او — که تا ابد بریده باد نای او
بریده‌باد نای او وتا ابد — گسسته‌و شکسته پروپای او
زمن بریده‌کرد آشنای من — کزو بریده باد ازبلای او
چه باشداز بلای جنك صعبتر — که کس امان نیابد ازبلای او
شراب اوزخون مردرنجبر — وزاستخوان کارگرغذای او

بقیه‌در صفحه ۲

انتقاد کتاب — م . صبحدم

اطاق شماره ۶۵

اثر آلتون چغوف — ترجمه قاسم انصاری — قطع قمی — ۱۴۸ صفحه — ناشر بنگاه مطبوعاتی نافوس چاپخانه تابش — بها ۲۵ ریال .

← شناسائی میکنید؟ آقایانی امثال شما ، رابا آینده سروکاری نیست ، اما آقای محترم ، مطمئن باشید که بزودی زمان بهتری خواهد رسید .

شمامیتوانید بسخنان من بخندید و آنها را بوچ و بیمعنی بشمارید . اما بدانید که سپیده‌دم زندگانی نوینی درحال دمیدن است و بالاخره حق و عدالت پیروز خواهد شد و مردم شهرما برای این پیروزی چشن خواهند گرفت .

بقیه‌در صفحه ۶

از میدان مبارزه انتخاباتی تا میدان جنك کره

ماك آرتور در عملیات جدید خود کامیاب نخواهد شد

ورشکست شدن نقشه سه ارتش ها و نظامیان امریکائی در تحریر قوای لی‌سینمان جهت حمله باراضی جمهوری دمکراتیك کره و با شکستهای متوالی نظامی قوای امریکا در آن کشور که باعث از بین رفتن افسانه شکست ناپذیری و نیروی فوق‌العاده امریکا در برابر افکار عمومی جهان گردید ، تغییرات متوالی و موثری در مقامات نظامی امریکا ایجاد کرد .

جونس وزیر دفاع امریکا که یکی ازعمال معروف کمپانیهای فولادامریکا بود ، و خود ازعامر حزب دمکرات بشمار میرفت ، در برابر حملات شدید مخالفین جمهوری‌خواه و هیچ‌چین دار و دسته‌آچسن و وزارت‌امورخارجه ،مجبور باستعفا گردید .

وی متهم بود که در تضعین قوای جمهوری کره و تعیین ارزش واقعی‌ارتش لی‌سینمان دچار اشتباه شده‌است .

بقیه‌در صفحه ۳

نیسان

شماره ۳۶۰ — ۲۹ شهریور ماه ۱۳۲۹ — تکشماره سه ریال ونیم

بعلت گرانی بهای کاغذ موقتاً تکشماره روزنامه سه ریال ونیم میباشد

در باره بخشنامه آقای نخست وزیر

آیا این بخشنامه ها برای جلو گیری از اعمال نفوذهای خارجی کافی است؟

هفته گذشته دو بخشنامه ازطرف آقای نخست‌وزیرصادر شده است : یکی در باره ممنوعیت مسافرت وابسته های نظامی سفارتخانه‌های خارجی به‌خارج تهران به‌دون اجازه صریح شخص نخست‌وزیر و دیگری ممنوعیت اخذ تماس مامورین موسسات دولتی با مقامات دیپلماسی خارجی .

با این دو بخشنامه ظاهرا آقای‌نخست وزیر در برابر تحریکات و فعالیت های زیان بخش اخیرمقامات رسمی امریکائی در امور داخلی ایران ،مخصوصا تماس با عشائر و تسلیح آنها « عکس العمل » نشان داده اند ولی از قرار اطلاعات معلوم دامنه دخالت وتحریك‌عمال استعماری خارجی در کشور ما بقدری زیاد است که بخشنامه‌های نخست وزیر حقیقتا دربرابر آن کم میشود .

بقیه‌در صفحه ۶

معرفی یك کتاب

اکبر (۲)

بحران اقتصادی و جنك سرد

آنچه بدست گریدی

کاشته شد بدست دو گلاس هاوسروان پل کاکارین هادرومیشود

معامله گردانندگان چرخ دستگاه دولتی ما با مأمورین فتنه و فساد امریکائی از چشك زدهای پنهانی گذشته و صورت یك مماشاته آشکار و افتضاح آمیزی پیدا کرده که معلوم نیست نتایج وخیم آن چه‌روز گار تیره‌تری برای خلق کشور ما ببار خواهد آورد هر روز که میگذرد بیشترین مرك وفنای امریکائی وآنها که با خود زنجیرهای زرین برای دربند نگاهداشتن ملل اسیر می‌آورند ، با آزادی بیشتری نسبت بروز قبل در کلیه شئون حیاتی مارخنه میکنند و زمامداران مافانتها با سکوت‌ورضایت ناظر فعالیتهای ضد ملی آنها هستندبلکه خود مبدل بآلت بی اراده تمنیات و خواسته‌های آنها گردیده وبغیبت‌سعادت و آینده ملت ایران ،اجرای دستورها و نقشه‌های آنها کمرمی بندند .

وروزی که آقای گرایدی‌سفیر کبیر سابق امریکا در آتن بایران‌انتقال یافت مردم آگاه و بیداردل کشور ما آینده تاریکی را برای ملت اسیر ما پیش‌بینی می‌نمودند . دو ایشوع‌تمام روزنامه‌هائی که پیوند خود را با ملت ایران گسسته و بمنافع و مصالح حیاتی طبقات‌ستم‌کش و غارت شده ملت ایران نظر دارند ، روزنامه‌هائی که حاضر نیستند در مقابل توطئه‌گران بین‌المللی و جهان‌خواران

بقیه‌در صفحه ۳

نخستین فستیوال فیلم های شوروی درانجمن روابط فرهنگی ایران و اتحاد جماهیر شوروی

ازروز جمعه گذشته فستیوال‌باشکوه فیلم های شوروی در انجمن فرهنگی ایران‌و شوروی آغاز شده است‌و هرشب صدها‌نفر از مردم روشنفکر ،مردوست‌و فهیم ایران با اشتیاق وشور خاصی برای تماشای نمونه های هنر مترقی جامعه سوسیالیستی شوروی باانجمن می‌آیند.

تا کنون‌فیلم های برجسته اول‌مادمه ۱۹۵۰ در مسکو ، جوانان جهان ، قزاقان کوبان ، دو عروسی ، فیلم های سندی و جنك استالین گراد نشان داده شده است .

ما در اینجا نمیخواهیم بتفسیر هریك از این فیلم ها بپردازیم و نظریات کلی خودرا درباره مجموعه فستیوال درشماره آینده خواهیم نگاشت .

ولی در اینجا بی‌مناسب نمی دانیم متذکرشویم که‌فستیوال‌معظم ،فیلم‌شوروی حتی در نظر محافظه‌کارترین افرادتفوق هنری صنعت فیلم برداری شوروی را چه از لحاظ عکس برداری و رنك آمیزی و چه ازلحاظ مضمون کاملا نشان داده است وبتجلیهای هولیود دربرابراین نمونه‌های هنر پخردوستانه و مترقی شوروی وضع رقت‌آوری بخود میگیرد . همه مردم دوستدار هنر در تهران ازخود می‌پرسند آیاامقامات دولتی ایران بامنوع ساختن نمایش چنین آیات لطف هنر بشری بزرگترین تقصیر را نسبت به مردم ایران

بقیه‌در صفحه ۷

منظرهٔ جالبی ازوضع سیاسی فیلیپین

نظم « آمریکائی» بنام « استقلال» حکومت میکند

جشن سالیانه استقلال فیلی‌پین در چهارم ژوئیه امسال نه تنها دوراشکنکن حتی در مابیل خیلی بی سروصدابرگذار شدبزیرا‌حکومت‌دست نشانده «کوئی‌رینو» مشغول مطالعات دستورات ترومن بود، خلاصه این اوامر این بود که‌فیلیپین باید یك سنگر قدم امریکائی برای تجاوز برعلیه مردم آسیا و یاخودسکانه فیلی‌پین واقع شود . بدینجهت افسانه استقلال‌واستقلال‌بخشی‌امریکاچندی نپایید .

بقیه‌ازصفحه ۲

نامه سرگشاده افسران محکوم به آقای نخست وزیر

سرهنك‌طالب‌بیگ سرهنك‌شامه سرهنك‌سالی کیلانشاه،سرهنك‌صاح‌وزیری،سرهنك‌رسالی بدادرسی دستورداده‌اند که‌ازجانب‌اعلیحضرت همایونی کرده بودید بدادگاههای ارتش تحویل‌دادبدوطبق‌نامهٔ ۲۰۲۴-۲۹/۱/۲۴ بدادرسی دستورداده‌اند که « پرونده‌تهامی متهمین از دادگاه‌خارج‌ازنوبت‌رسیدگی وبادورنظر گرفتن‌شدت قانونی‌رای‌منفی‌صادو وتنبیه‌را گزارش‌دهید» بقیه‌درصفحه ۸

وقتی که حکومت عراق پس‌از سه سال وچندماه شکنجه‌غیرانسانی ماافسران پناهنده‌رابمقامات ایرانی تحویل‌دادشما که آنروزریاست‌ستادرابرعهده‌داشتید بماگفتید: «وضع مشقت بارشما اعلیحضرت همایونی را متاثر کرده ودستور عفوشما از ناحیه ایشان صادر شده‌است .

ولی اگر کوچکترین عملی‌درخارج ازشما سربزند بی‌محاکمه ودفاع تیرباران خواهید شد .»

آقایان سرتیپ دفتری ، سرتیپ

جغد جنك

بقیه ازصفحه ۱

همی زندصلای مرك ونیست کس
همی دمدندای خوف ومی رسد
همی تندچودبوپای (۲) درجهان
چو خیل مور کرد پارهٔ شکر
بهر زمین که باد جنك بروزد
درآن زمان که نای حرب دردمد
بکوشهاخروش تندر (٤) اوفتد
جهان شود چو آسیا و دمبدم
همی خرد چواژدهاودرچمد
چو پر بکنرد عقاب آهنین
هزار بیضه هردمی فرو نهد
کلنك (٦) سان دو برنده بیکری
چو پاره پاره ابر کافکند همی
بهر کرانه دستگاهسی آتشین
زدود و آتش وحریق ولرزله
برزمگه (خدای جنك) بگذرد
اهل جهان زقمقع سلاح وی
بغوی (۷) نهفته چوشن وپناه (۸) وی
بهر زمین که بگذرد بکشره
دوچشم و گوش دهر کور و کر شود
جهانه دران گنجیر به جنك بر
بقای غزل جنك هست دردما
ازغول جنك وجنگیار گی بتر
الاحذر ز جنك و جنگیار گی
ببینی آنکه ساختند از اتم
که برفش ار بکوه خاره بگذرد
تف سموم او بدشت ودر کند
شود چو شهر لوط شهره بقعتی
نماند ایچ جانور بجای بر
بزاین اندرون یکی دوبیب از آن
تو گفتی آنکه دوزخ اندر ودهان
سپس بدم فرو کشید سر بسر
شد آدمی بسان مرغ بازبن (۱۱)
بود یقین کزی خراب ره برد
بخاك مشرق ازچه روزنامه ره
گرفتم آنکه دیك شد کشاده سر
کسیکه دردلش بجزهوای زر
وفاء و ایمنی طمع مدارهسان
بخویشتن هوان وخواری افکند
نهند منت نداده بسرسرت
به نان ارزت باز وکن حذر
بسان که، که سوی کوبر یا رود
نه دوستیش خواهم ونه دشمنی
همه فریب وحیلت است ورهزنی
فنای اوست زاشك چشم لجین
عطای او نخواهم ولقاش را
لقای او پلید چون عطای وی

• • •

کجاست روزگار صلح وایمنی؟
کجاست عهد راستی ومردمی ؟
کجاست دور یاری وبرابری
زهی کبوتر سپید آشتی
رسیدوقت آنکه جغد جنك را
که جان برد زصدمت صلای او
بهر طرف کشیده تارهای او
فتد بجان آدمی عنای (۳) او
بحلقها کره شود هوای او
زمانه بی نوا شود زنای او
زبانك توپ وغرش وهرای او
بغون تازه گردد آسیای او
هزار کوش کر کند صدای او
بهردلی شرنك (٥) جانگزای او
شکار اوست شهروروستای او
اجل دوان چوجوجه ازقفای او
بهندسی صفوف خوش قبای او
تکرك مرك ، ابرمرگزای او
جحیمی آفریده در فضای او
زاشك وآه وبانك هابهای او
چوچشم شیر ، المنکون قبای او
اجل دوان بسایهٔ لوای او
بغون کشیده موزه وردای او
نهیب دردومرك وویل ووای او
چو برشود نفیر کرنای او
مسلطند وولوج وابتلای او
فنای جنگیارگان (۹) دوای او
مرشت جنگباره و بقای او
که آهرمین است مقتدای او
تمامتر سلیحی اذ کیای (۱۰) او
شود دوباره کوه ازلقای او
ز جا نور تفیده تا کیای او
کزاین سلاح داده شد جزای او
نه کاخ وکوخ ومردم وسرای او
فتاد وکشت باژگون بنای او
گشادوم برون زد اژدهای او
زخلق وحش وطیر وچارپای او
فریب خاه گشت گرد باغ (۱۲) او
کسی که شد غراب رهنمای او
جها خوران غرب واولیای او
کجاست شرم گربه وحیای او
نیافریده بربه بر (۱۳) غدای او
زکشوری که گشت مبتلای او
کسیکه دردل افکند هوای او
وگردهند چیست ماجرای او ؟
زکندم وجو ومس و طلای او
رود زر تو سوی کیمیای او
نترسم از غرور و کبریای او
مغرور فریب جاه و اعتلای او
مبین بچشم ساده در غنای او
که هوشتر لقایش از عطای او
عطای وی کریه چون لقای او

شکفته مرز و باغ دلکشای او
فروغ عشق و تابش وضیای او
حیات جاودانی و صفای او
که دل برد سرود جانفزای او
جدا کنند سر به پیش پای او

مدیح صلح گفتم و ثنای او
که پارسی شناسد وبهای او
«فغان ازین غراب بین وای او»

بهار طرح من شکفته شد چومن
براین چکامه آفرین کند کسی
شد افتدا به اوستاده امغار (۱٤)
آ...

۱ مرغوا ـ بضم میم و غین معجمه ـ فال بد و شوم و بمعنی نفرین هم.
۲ دیوپای ـ هنکبوت
۳ عنا ـ رنج
۴ نذر ـ بضم اول ـ رعد
۵ شرنك ـ زهرکشنده
٦ کلنك ـ نوعی پرنده است که او را « درنا » هم گویند
۷ خوی ـ عرق
۸ پنام ـ دهان بند
۹ جنگیاره ـ بفیاس (غلامباره ـ هنکیباره) دلبسته ومستمدجنك
۱۰ اذکیا ـ جمع (ذکی) هوشیاران
۱۱ بازبن ـ سیخ کباب
۱۲ فریب ـ چوب بزرگی که باآن سقف خانه را پوشند
« گردنا » نوعی سیخ کباب

منظره جالبی از وضع سیاسی فیلی پین

نظم «امریکائی» بنام «استقلال» حکومت میکند

بقیه ازصفحه ۱

دست نشاندگان امریکائی که در فیلیپین بر مسند حکومت قرار دارند دارای وضعیت متزلزلی میباشند بدینجهت مقامات «پنتاگن» (کاخ ۵ ضلعی وزارت جنك امریکا) درنظر دارند با اعزام نیرو و مداخلات مسلحانه نظم پیش «نظم امریکائی» را درآن خطه برقرار نمایند.

مجله «نیوزویك» منتظمه امریکا از ترس وواهمه که بین محافل رسمی امریکا از نهضت آزادیخواهی ساکنین این مرزوبوم ایجاد شده یاد نموده و می نویسد مقامات وزارت جنك و خارجه بدولت امریکا توصیه های مقدماتی راقبل از حدوث فاجعهٔ کوشزد می نمایند.

همچنین جریده «کریشن ساینس مونیتوز» در شماره ۲٤ ژوئن خود اظهار میکند که اقدام و مداخله فوری برای حفظ دولت دست نشانده و منفور فیلی پین فوق العاده لازم است وروی همین اظهارات و نوشته هاست که دولت امریکا فوراً سعی نموده از قوای زمینی و هوائی خود عدهٔ را باین دیار گسیل دارد، و همچنین میلیون اقتصادی جهة رو براه کردن این ایالت چهل ونهم هازم آن دیار نموده.

در ژوئیه ۱۹٤٦ زمانیکه پرچم امریکا از مؤسسات دولتی مسائیل باین آورده شد استعمارچیان آمریکا میل داشتند با این مانور احساقه خود اهالی فیلی پین را که برای آزادی می جنگند گول زنند واین افسانه را که آمریکا طالب دموکراسی ملل وخودداعطاء کننده آنست در مغزمردم جای دهند.

اما باید این نکته را ناگفته نگذاشت که قسمت اعظم اینگونه مانورها و واگذاری امورمردم در دست دولت در اثر از خودگذشتگیها و نهضت مردمانی پاکباز بود که تاکنون هیئت دولت امریکا رابدان امرواداشت.

در آوریل ۱۹٤٦ قانون «بل» بتصویب کنگره رسید که بموجب آن تجارت بین آمریکا وفیلیپین رابرای مدت ۲۸ سال تعیین نمود وطبق این قانون در قانون اساسی فیلیپین به سرمایه داران امریکایی اختیار داده شده که در بهره برادری از منابع فیلی پین باشرکتهای محلی همکاری و سود حاصله بالمناصفه تقسیم شود اما قبل از تصویب این قرار داد تراستهای امریکائی تمام موسسات و کارخانجات فیلیپین را که قبلا توسط ژاپونیها تصرف شده بود دردست گرفتند و قانون جدید نیز دست امضا کنندگان آنرا دربهره برداری بیشتر باز گذارد.

در ۲۳ ژوئیه ۱۹٤۸ برای مدت ۲۵ سال امتیازات تحت بوسیله کپیانی «استاندارد واکیوم» از دولت گرفته شد حوضه امتیازی ۲ ملیون وچهار صد وهفتاد ویك جریب میباشد که پس از ۲۵ سال مجددا میتوانند بیپزان همین مدت تمدید نمایند.

چون ازوارداتی امریکائی حقوق گمرکی اخذ نمیشود اینست که بازار افیلی پین یکلی درتحت اختیار سرمایه داران امریکائی بوده و مواد اولیه این مجمع الجزایر را برایگان غارت مینمایند.

مثلا باینکه توتون در این سرزمین کاشته میشود هرسال باید ۲٤ ملیون دلار جهة سیگار امریکائی به سرمایه داران امریکائی تقدیم شود.

ازنظر نظامی نیز دولت استقلالی نداشته وطبق پیمانهای منعقده دراین جزیره دولتی ما بقدری خراب و عوامل آن بقدری فاسدند و رشاء وارتشاء بقدری سرتا پای هیئت حاکمه و عمال آنان را فراگرفته که امید قطعی جهت اضمحلال این دستگاه خائن میرود.

در بازار بقدری سفته بازی رواج دارد که حتی روزنامه های «کازت» و «دیلی» می نویسد چقدر هیئت حاکمه از این بازار استفاده ها میکنند و پول کلان دست رنج مردم بجیب مقامات کشوری ولشکری میرود.

مثلا هنگامیکه ژنرال ماك آرتور در اوائل جنك اخیر فیلیپین را اداره می کرد اسهام زیادی در موسسات محلی و معادن طلا بدست آورد و می توان گفت منافع شخصی ماك آرتور درسیاست استراتیژیکی فیلیپین رل عمده را بعهده دارد.

در انتخابات ریاست جمهوری سال قبل محیط ترور و خفقان شدیدی وجود داشت رئیس جمهور با اقدامات وحشیانه جلو تظاهرات و سخن رانیها را گرفت طبق آمار رسمی از چهٔ های ۱۲ ساله نیز استفاده شد مردم ایالت لاناؤ امی - گفتند بقدری جسن نیت موجود است که حتی برندگان و درختها هم رای دادند شیوه رذیلانه حکومت جابر کوئی رینو بقدری برخلاف قانون بود که حتی عده از بازرسان انتخاباتی که برشیوه انتخابات اعتراض داشتند مورد ضرب وشتم، وحتی قتل واقع گردیدند.

این سیره بد، این روشهای غیر انسانی باعث شده است که تمام قشرهای اجتماع، تمام مردمان فهیم و آزاده - تمام توده های رنجبر و اسیر دور هم جمع شوند - بر ضد امپریالیستها قیام کنند.

حزب کمونیست و پارتیزانهای فیلیپینی که جزء آرتش آزادی بخش «هوك بونك» است این عده مردم را راضی و مطیع میکند طبق گفته مخبر اسوشیتد پرس ۱۰ در صد اهالی چهار ایالت مرکزی جزء جمعیت پارتیزانها و هواخواهان استقلال کشور هستند در ایالت لوزن و توابع و بیشترقسمت های این خطه مردم روز بروز برابر جمعیت افزوده میشوند.

بقیه درصفحه ۷

حقوق مشترك دموکراسی غرب میرنند ضدتبلیغات خود را درمحله های پائین شهر مانیل بخصوص بچشم می بینند - وضعیت توده کارگر فقر و بیکاری وآمار مردمان بی سواد که ۵۲ در صد اهالی راتشکیل میدهند گویای این حقیقت است که دموکراسی امریکائی و حکومت «کوئی رینو» جز زجر و بدبختی جز برنجیر کشیدن آزاد بخواهان و حبس وتبعید وگرسنگی مردم چیزی دربر ندارد.

هرچند بخواهند مردم را با «برنامه های ۱۰ سالهٔ» سرگرم کنند وزراعت برنج را سر و صورت دهند جز اینکه مردم درك نمایند که امپریالیستهای امریکائی بوسیله سران ارتجاعی و فئو دالهای محلی می خواهند آنان را فریب دهند اثر دیگری ندارد.

این سران - این فئودالهای خون - خوار همان کسانی اند که در گاه ژاپن بودند که امروز بوسیله سرنیزه امریکائی مقامات مهمه را اشغال و فساد را در دستگاه دولتی شیوع داده اند.

روزنامه «مانیلا کرونیکل» می نویسد: «روز بروز دستگاه دولتی رو بنابودی و ورشکستگی میرود، دستگاه دولتی ما بقدری خراب و عوامل آن بقدری فاسدند و رشاء وارتشاء بقدری سرتا پای هیئت حاکمه و عمال آنان را فراگرفته که امید قطعی جهت اضمحلال این دستگاه خائن میرود.

این اقدامات جنك طلبانه وضدملی که دامنگیر ملت شده باعث ازدیاد تنفر و فاقه وبیکاری شده و از ۲۰ میلیون جمعیت این مجمع الجزایر ۳ میلیون آن بیکارند فقط یك درصد از جمعیت که بادوکری سرمایه داران امریکائی را قبول نموده اند زندگی راحتی دارند.

اولیاء امور و عمال امریکائی آنها که بوسیله جراید و صدای امریکا دم از توقیف خارج نگردیده است حکم برائت او صادر و مقرر میدارد از توقیف خارج گردد.

دادرس دادگاه مخصوص رسیدگی بجرائم مطبوعاتی
مورخه ۲۹/۵/۲٦ حسینی

حکم دادگاه مطبوعات

بقیه ازصفحه ۱

ما در اینجا حکم دادگاه را عینا نقل می کنیم تاخوانندگان محترم اززبان یك مرجع قضائی «نمودار» از بی باکی اتهامات پوچ و مغرضانه را که بسبب توقیف و تعطیل جراید ملی ونیك اندیش می توانند شد بشنوند و برنامه انتیقا و مظالم نامنجار دلیلی دیگر یابند.

درهین حال روز نامه «نیسان» وظیفه خود می داند از آقای ذکی حسینی دادرس محترم دادگاه بمناسبت حکم عادلانه ایکه در اینزمینه داده اند تشکر نماید ونیات عقیدت آیشان را در دفاع از حق و عدالت تبریك گوید، ثبات و شهامتی که اگرچه بخلاف موازین قانونی موجب برکناری و تغییر ایشان گردید اما شرافت وخوشنامیشانرا محفوظداشت.

اینك رای دادگاه:

نامه ۱٦۱۷ ر ۷۵۱ ر امورخه ۲۹/٤/۷ اداره شهربانی حاکیست که مقالات مفسده انگیزدر شماره ۲۸ مورخه ۲۲-٤-۲۹ روزنامه نیسان نوشته شده و موضوع منطبق با بند الف قانون اصلاح قانون مطبوعات مصوب اسفند ۲۷ میباشد درصورتیکه بامطالعه مقالات روزنامه مزبور مطلبی که مفسده انگیز بمعنی قانون نامبرده باشد درآن دیده نشد چه منظور ماده مزبور نوشتن مقاله مفسده انگیز است که مردم را بقیام و اقدام برعلیه حکومت ملی تحریك و تحریص نماید وبدیهی است نوشتن مطالب انتقاد آمیز ازروشهای مختلف که موره پسند نویسنده قرار نمیگیرد جرم نمیباشد و چون مدیر روزنامه از دایره صلاحیت نویسندگی خود خارج نگردیده است حکم برائت او صادر و مقرر میدارد از توقیف خارج گردد.

دادرس دادگاه مخصوص رسیدگی بجرائم مطبوعاتی
مورخه ۲۹/۵/۲٦ حسینی

۱۳ بویه ـ خواهش ـ آرزو
۱۴ اوستاد دامغان ـ مراد استاد منوچهری دامغانی است که قصیده‌ای بمطلع ذیل دارد.
« فغان ازاین غراب بین وای او که درانوافکندمان نوای او»

ماك آرتور در عملیات جدید خود

بقیه ازصفحه ۱

پست جونسن به ژنرال مارشال، نظامی وابسته بمحافل جمهوری خواه، وزیر امور خارجه سالهای ۱۹٤٦ - ۱۹٤۷ امریکا واگذار گردید که گویا در مورد خاور دور دارای اطلاعات و نظریات جامع و مفیدی است.

ازطرف دیگر شایعاتی دائر باستعفای یك وزیر دیگر کابینه ترومن (مانیترس وزیر دریا داری) وجود دارد که در اظهارات تحریك آمیز خود درباره جنك پیشگیرانه با اتحاد جماهیر شوروی شهرت بسزائی دارد.

در این هنگام که انتخابات فرعی امریکا برای تجدید نمایندگان مجلس نمایندگان و یك ثلث سنا نزدیك است و ترومن مجددا بسرای کسب اکثریت برای حزب دمکرات ناچار از تظاهرات صلح جویانه ایست این تغییرات اهمیت خاصی احراز میکند.

بی کفایتی خاصی، که ماك آرتور در اداره عملیات نظامی کره ازخودنشان داده بود و با اختلاف نظرسیاسی مشهوری که با وزارت امور خارجه وشخص ترومن داشت، خطر عزل و احضار وی را از ژاپن تقویت میکرد.

در مقابل چنین وضعی، ژنرال مزبور عملا برای حفظ موقعیت خود و ظاهرا بیهانه اعاده حیثیت ملل متفق نقشه افتتاح یك جبهه دوم در کره را به ستاد ارتش امریکا تحمیل کرده است.

از اظهارات ژنرال کالینز رئیس ستاد نیروهای زمینی امریکا معلوم می‌شود که در محافل نظامی مرکزی واشنگتن با اجرای این نقشه موافقتی وجود نداشته و با اینوصف ماك آرتور با تهدید نقشه خود را تحمیل کرده است.

در اخبار و اطلاعات منتشر شده از واشنگتن اظهار اطلاع میشود که ژنرال ماك آرتور درمحافل حزب جمهوری خواه و اطرافیان جنك طلب امریکا زمینه و طرفداران نیرومندی دارد و درصورت کسب موفقیتهائی درخاور دور باحتمال قوی کاندید ریاست جمهور حزب اخیر در انتخابات سال ۱۹۵۲ خواهد بود.

ماك آرتور مایل است جریان افتتاح جونسن رادر شکستهای خاوردور پرچم پیروزی خود در تبلیغات انتخاباتی آینده قرار دهد و عملیات اخیر پیاده کردن قوا در اپچان برای تهدید عقبه نیروهای جمهوری دمکراتیك کره ازهمین جاسرچشمه میگیرد.

ولی عملیات اخیر از هر حیث بیك قمار نظامی و بالتبیعه سیاسی شباهت دارد:

فرض نظامی ژنرال ماك آرتور اینست که با تهدید عقبه قوای مهاجم جمهوری دمکراتیك کره و از طریق اشغال مهمترین مرکز مواصلاتی صحنه عملیات نظامی جنوب (سئول) میتوان یك پیروزی سریع و آسان نائل آمد. و شروع این کار مقارن آغاز پنجمین دوره اجلاسیه مجمع عمومی سازمان ملل متفق میتواند موجب تقویت تز امریکا در سازمان مذکور گردد.

نماینده کره جنوبی در سازمان ملل متفق با اتکاء بهمین نظر و بدستور ماك آرتور اعلام داشته است که «کره تایپان مادسیتامبر آزاد خواهد شد» لیکن نظری بواقعیات اوضاع کره و قوانین و مقتضیات سوق الجیشی و تاکتیکی وصول چنین هدف سریعی را عملا تکذیب میکند.

برای درك حقایق اوضاع در کره بایستی چند نکته اساسی توجه داشت:

۱ - پیاده کردن نیرو در یك یا چند بار با داشتن تفوق قطعی در دریا و هوا (و نقدان سیستم دفاعی مستحکم و مجهز بتوپهای دقیق ساحلی در اراضی حریف) ازطریق ایجاد یك سد آتش بسیار نیرومند وتلفیق شده دریائی و هوائی کار بسار آسانی است و این همان کاری است که بگفته خود امریکائیها بیش از دویست تاو جنگی و یك ناو هواپیما بر در اپچان پیش بند سئول انجام گرفته. ولی برای اداره موفقیت آمیز عملیات بعدی (یك تعرض زمینی) این کار قدم اول را تشکیل میدهد.

بطوریکه در سال ۱۹٤٤ مشاهده شد، عملیات پیاده کردن نیرو در نرماندی باوجود دیوار معروف آتلانتیك وتوپهای ساحلی دورزن، زیر دریائیها و نیروی هوائی آلمان باسهولت انجام گرفت و بعلت وجود علل سیاسی و پسیکولوژیك خاصی تنقیب عملیات تعرضی در روی زمین نیز با پیروزی وکامیابی مواجه شد. اما شرائط خاص موجود در کره عکس چنین نتیجه‌ها را نوید میدهد.

۲ - قسم دوم در اداره عملیات، تدارك وارسال کافی و بموقع قوای امدادی اسلحه و مهمات خوار بار و سازرك به نیروهای پیاده شده در ساحل میباشد.

مخصوصا در موقعیت خاص کره که قوای مهاجم بهیچوجه نمیتوانند نسبت بدوستی وحسن قبول اهالی محلی امیدوار باشند، اهمیت این قدم باکمال وضوح ظاهر می‌شود.

ممکن است تصور شود که با وجود ذخائر عظیم تدارکاتی امریکا و نیروی دریائی بزرك و نیرومندی که در اختیار ژنرال ماك آرتور هست اجرای این عمل کار آسانی باشد.

ولی اگر در نظر گیرفته شود که جنك در دو جبهه بهمان اندازه که برای دشمن مشکل است، برای فرماندهی قوای خودی که مجبور است هر دو جبهه را از راه دریا تقویت و تغذیه کند مشکل تر است.

زیرا قوای دریائی امریکا که موظف بود فقط پایگاه بوسان را تقویت کند، اکنون مجبور است توجه خود را بدو نقطه بسیار دور از یکدیگر معطوف دارد.

۳ - مهمترین قدم پس ازتامین دو شرط فوق توانائی اداره عملیات زمینی است. نمونه ای از این حیث در نرماندی مشهود افتاد و نیروهای امریکائی وانگلیسی موفق شدند درزمان بسیار معدودی ارتش های آلمانی را از خاك فرانسه بیرون برانند.

ولی سهولت عمل درفرانسه نتیجه چند عامل اساسی بود:

آ) مشغول بودن عمده قوای آلمان در جبهه شرق و حملات دامنه دار ارتش سرخ که متوجه قلب آلمان بود.

ب) نبودن یك ذخیره سوق الجیشی کافی در دست فرماندهی عالی آلمان جهت مقابله با مهاجم باحتری و پر کردن شکاف های ایجاد شده و اقدام بحمله متقابله.

ج) عملیات تخریبی موثر پارتزانها وملت فرانسه برضد قوای اغراضی آلمانی از طریق تخریب راه آهنها، منفجر ساختن پلها و انبارهای ذخائر و مهمات آلمانی و قیامهای مسلحانه.

حتی پاریس قبل از ورود تانکهای امریکائی وارتش ژنرال لکلرك فرانسوی بدست خود مردم آزاد شد.

د) نزدیك بودن پایگاه مقدم تدارکات متفقین در جزائر انگلستان.

باهمه این احوال دیده شد که فرماندهی آلمان با تشبث به تعرض متقابله نیرومند و معروف مارشال رومل توفیق شدت در مرز بلژیك نزدیك بود یکبار دیگر مانند ۱۹٤۰ قوای متفقین رابدریا بریزد و فقط تثبیت چرچیل به مارشال ستالین و آغاز پیش از موقع تعرض بهاری ارتش سرخ توانست از تکرار چنین وضعی جلوگیری کند.

اکنون باید دید آیا چنین وضعی دوکره نیز وجود دارد؟

پاسخ این سئوالات بانوجه بعوادث ۸۵ روزه کره کاملا منفی است. برای اینکه:

اولا) برخلاف ادعای منابع امریکائی همه قوای ارتش جمهوری کره، درجبهه جنوب دوگیر نیست.

فرماندهی ارتش جمهوری دمکراتیك کره در اثر استقبال شایان مردم کره اعم از جنوبی و شمالی ازمبارزه ضدامریکائی ذخیره بی پایانی از افراددر اختیار خود دارد و میتواند قاطبه اهالی رابرای جنك با اشغالگران بسیج کند و درموقع مقتضی بحمله متقابله دست بزند.

ثانیا - سلاحی و آدمکشی بی پروای امریکائیها در کره و موج نفرت مردم کره نسبت برژیمی که ماك آرتور مامور تحمیل آن است، همه ملت کره رابرای قیام علیه متجاوز متحد ساخته است.

در اعلامیه های ماك آرتور واخبار جراید امریکائی موارد متعددی ازعملیات نیروی پارتیزانی درپشت جبهه جنك ذکر شده است.

تعدد جبهات جنك ونزدیك تر کردن آن بپایتخت جمهوری، چیزی از این حقایق را تغییر نمیدهد. واز این حیث نیز وضع نیروهای امریکائی در کره کاملا عکس وضعی است که در ۱۹٤٤ در نرماندی از آن برخور دار بودند.

ثالثا تکیه گاه اچان ازوضع مساعدی نظیر نرماندی ازحیث نزدیکی پایگاه آمریکا درژاپن برخوردار نیست وهمین امرمشکل اساسی دیگری جهت ادامه بعدی عملیات ایجاد میکند.

نتایج حاصله از عملیات چهار روزه اخیر نیروهای امریکائی در اپچان که نسبت آنها بقوای نظامی محلی بیست بسریك بوده است (٤۰ هزار نفر دربرابر دو هزار نفر) این حقیقت را تایید میکند. قوای امریکائی دراینمدت فقط توانسته اند ۱٤ کیلومتر پیشروی کنند.

دلائلی که دربالا ذکر شد بخوبی نشان میدهد که پیروزی ارتش آمریکا در کره ممکن و سهل الوصول نیست. توجهی به زمینه‌های عملیاتی مشابه در هندوچین، فیلی پین، مالزی و بیرمانی شاهد زندهی براین حقیقت است.

کلیه اقدامات انگلستان برای سرکوب کردن نهضت پارتیزانی درمالزی باوجود بکارانداختن صد هزار نفر افراد وزرهه وزبده، نیروی هوائی، تانك وتوپخانه پس ازدوسال باناکامی تمام مواجه شده واکنون قوای مهین پیمتان مالایائی به ۱۰۰ هنك منظم بالغ گردیده است.

درهندوچین سیصد هزار نفر نیروی اشغالی فرانسه فقط دربندر هانوی و سایگون وچند شهر دیگر را دردست دارند و درخود این شهرها هم شب در اثرعملیات قوای پارتیزانی امنیت وجود ندارد.

منتهای پیروزی وکامیابی که امریکائی ها میکنند در کره بدان نائل آیند باتوجه بقدرت نظامی ومهارت ورزیدگی ارتش دمکراتیك کره چنین فرضی قریب بمحال است) بیش از موفقیت انگلستان و فرانسه درمالزی وویت نام نخواهدبود، درصورتیکه باید تاکید کرد که در شرائط کنونی کرهچنین امکان اصلا وجود ندارد. وبدون تردید ژنرال ماك آرتور به آرزوی پیروزی سریع الوصول در میدان جنك کره وانتخابات ریاست جمهور آینده هرگز نائل نخواهد آمد.

آنچه بدست گرایدی...

بقیه ازصفحه ۱

جنك طلب سکوت کنند، آنها که مایل نیستند کشور ما بدول به پایگاه جنگی سوداگران مرك گردد و فرزندان میهن ما گوشت دم توپ خدایان زورو زر گردد یا صراحت تمام نوشتند که ورود نامبردن گرایدی، همان کسی که ملت متمکش یونان او را قصاب آزادی لقب داده، ملت ما و کشور ما را بوسیله بیشتر در دست گرفتن دستگاه حاکمه ما دچار فشارهای بیشتر و بدبختی های زیادتری خواهد کرد همه با کمال وضوح خاطرنشان ساختند که این مأموریتی پروای کارخانه داران وسوداگردان مرك امریکا که در یك دست وعده‌های پوچ و دروغ و خلاف حقیقت و در دست دیگر زنجیر و سرنیزه دارد، برای ملت ما فقر بیشتر، بیکاری دامنه دارتر، فشاری زیادتر بارمغان خواهد داد: او بدست شرکای ایرانیسی نمای خسود برگردنهای آزادگان ملت ما و خدمتگذاران صلح و آزادی سلسله های محکمتری خواهد افکند: مقدمه ماجراهای بسیاری رافراهم خواهد ساخت وسرانجام ایران را بخاك وخون خواهد کشید.

این مسئله ای نبود که کسی آنرا نداند و علل و موجبات آنرا نفهمد توجهات وعنایات خاصه گرایدی زندانیان ملت ما و استقبال بی نظیر این زندانیان از این نماینده سرنیزه، و گلوله بغوی کیفیت روابط نزدیك و همفکری عمیق آنهارا و نتایجی که همکاری آنها برای ملت ما ببار می آورد نشان میداد.

بیلان ماموریت آقای گرایدی در این مدت قلیل هما طور که همه میدانیم عبارتست از بسته شدن صدها بیشتری از کارخانه ها رواج بیشتر بیکاری و فقر سیاه تحمیل مقدار بیشتری از اسلحه های زنك زده کارخانه داران امریکائی بدستگاه بی شخصیت حاکمه کشور ما تبدیل بیشتر کشور مابیك پایگاه جنگی ونظامی بسود سرمایه داران امریکائی وهزاران تیره - بختیها و مصائب دیگر.

یکی از صدها نشانه های تسلیم بلا شرط دستگاههای دولتی ما که خودساخته و برداخته این سیاستهای ضد ملی میباشند باین ماجرا و ماجراجوئیها، موقعی بر ملا و آشکار گردید که آقای دو کلاس «قاضی عالیمقام امریکائی» بعنوان کوه نوردی کشور مارا قدوم خودمزین کرد تا آنچه که بدست آقای گرایدی کاشته شده بدست این سیاست مدار «بیطرف» وآشوبگر آزموده و ماهر درو شود.

میتوان جرات گفت که درمدت هر حکومتهای چندین ساله کشورما مخصوصا در این دوران «دموکراسی» آن اندازه تسهیلات که برای این مرد توطئه گر و ماجرا جو فراهم شده تا بسا فراغت تمام اطراف واکناف کشور مارا برسه زند، برای هیچکدام از مامورین کشوری ما فراهم نشده است.

ویلیام دو کلاس آزاد و راحت و بادست باز بهر جا رفت، باسران عشایر خلوت کرد، وارتش های مسلح چریك» بدستور خوانین وگردنکشان کشور ما در مقابل اورژه رفتند، وسائل تحویل و تحول کشتی های قاچاق اسلحه را باین گردنکشان فراهم ساخت تعلیمات لازمه را بانهاد اد نقشه های مقتضی را بدست آنها سپرد ومراجعت کرد و مانند فاتحی که ازبازدید سر زمین مفتوحی باز گردد بتهران بازگشت تا نتایج درخشان ایسن دوره گردی ماجراجویانه را در دانشکده حقوق شرح دهد!

این تسهیلات از طرف دولتی برای او فراهم شد که بنا باعتراف فردوسی خبر نگار اسوشیتدپرس درداخانه کشور «هیچ حزب یا دسته سیاسی ندارد تا از او حمایت کند: وحمایت معنوی دیپلماتهای امریکائی مقیم تهران بزرگترین پشتیبان وی بشمار میرود.»

بعبارت ساده تر و خودمانی تر این اندازه آزادی عمل یك ماجراجوی دسیسه کار و آشوبگر از طرف دولتی داده شده که در داخل کشور و در بین ملت ایران هیچگونه تکیه‌ای ندارد اتکای آن بحمایت سیاست مداران ماوراء بحاراست و بهمین دلیل نمیتواند درمقابل خواست آنها چون و چرا برخیزد.

اولین ثمره این گردش ودیدو بازدید عبارت بود از حوادث تاثر انگیز کردستان و برخورد ایل جوانرودی با نیروهای دولتی بااین ترتیب میتوان باقطعیت تمام گفت که مسئول خون سرباز ان یکنامی که دراین برخورد تحریك آمیز درکام گرك اجل فرو رفتند، مسئول مرك ده‌ها نفر از برادران کرد ماکه خودشانهم درست نمیدانند برای چه وچرا باید در خاك و خون بغلتند، شخص آقای دو کلاس و دیپلماتهای دیگر امریکا هستند.

بالاتر از آنها سئول این گفت و کشتارها قشون کشی‌ها، برخورد های زیان انگیز که ملت تیره بخت مارا بیش از پیش در لجه فقروفلاکت غرقه میسازد نوع دولت هائی هستند که با متامت از نقشه های استعماری دست دو کلاس هارا بازمیگذارند تا درمقابل از آنها برای بقای موجودیت خود تضمین بیشتر بگیرند.

اینهمه رنج ومصیبت که شامت نحست سیاستهای ماجراجویانه سوداگران مرك تسلیم دولتهائی است که چون در داخله ریشه وپشتیبان ندارد بنقشه‌های ضدایرانی تن درمیدهند وماموریت اجرای این نقشه هارا بعهده میگیرند.

مسافرت ناگهانی آقای سروان بل کاکارین که بدینگونه بی سروصدا گذشت، مکمل این آمد ورفتها ودید وبازدیدها وآشوبگریها است. بل کاکارین وابسته نظامی سابق امریکا در ایران سوابق زیادی دارد.

بل کاکارین یکی دیگر ازمامورینی است که مسافرت اخیر آو شبکه تحریکات دیپلماسی امریکائی را تشامل غربی کشور ماو خطوط آستارا واردبیل می گستردد.

این شخص اخیرا مانند یك فرد بسیار عادی بایران ورودنمود وبا همان سهولتی که آقای دو کلاس از آن برخوردار بود بطرف اردبیل و استارا رفت تشابه در آنجا نیز عشایر وایلات بعنوان «قشون چریك» درمقابل اورژه بر بوند و مقدمات آشوبها و پرابیانها وتیره بختی های دامنه داری فراهم کردند. ونکته درااینست که ازطرف دولت ما کوچکترین توضیحی واطلاعی دراین باره بمردم داده نشد!

ملت ایران با چشم نفرت و خشم به اعمال ماجراجویانه دو کلاسها مینگرد. فتنه‌ها وفسادها وتیره بختی هائی که از دخالت علنی مامورین بی پروای امریکائی درتمام شئون حیاتی ما تولید شده یکی از سیاه‌ترین وننگین‌ترین صفحات تاریخ تسلط استعمارراد کشورما تشکیل میدهد.

امروز استعمار خشن و سیاهکار آمریکائی بدست دست نشاندگان ایرانی نمای خود، بعون رادع وماح در کشور ما مستقر میگردد، ولی تسلیم دستگاههای حاکمه ما از مقاومت ملت ایران درمقابل این ماجراجوئیها نخواهد کاست، نه این آشوبگریها نه حکومت ترور واختناق و طناب و دارهیچکدام از اینها نمی توانند بشریت امروز را درینه نگاهدارد.

بحران اقتصادی و جنگ

در بین گروه‌اخیر کسانی از تشکیلات لیبرال « امریکائیهای طرفدار عمل دموکراتیک » و عده‌ای از نوسال - دموکراتهای دست راست و دسته‌ای از بورو کراتهای محافظه کار اتحادیه های کارگری وجود دارند ، اینها درحالیکه اقدامات پیروان رفورمیست « کینس » را تصویب می کنند برنامه ارتجاعی تسلیحات وانیز جدا مورد پشتیبانی قرار میدهند...»

(صفحه ٥)

اینجا یکی ازنقاط قابل انتقاد کتاب بچشم میخورد چه آنکه درحقیقت امردر این میان رفورمیست و مرتجع بعنوان‌دو صورت مختلف و جدا از هم وجودنداردو در دهها سال پیش یکی از اقتصاد دانان بزرگ جهان‌در تشریحی که از « کنیس » این خدای کوچك الیگارشی مالی نموده‌است اثبات کرده که این شخص یك بورژوای مطلع ، یکی از دشمنان پیرحم دمکراسی تیپ نوین است(١) ٠٠٠٠ (جلد بست و پنجم ازتالیفات این دانشمند صفحه ٣٣٤) واگر نویسندگان بنوشته های این شخصیت ترك بیشتر توجه میکردند باین اشتباه دچار نمیشدند .

اصول « کینس » چیزدیگری نیست جز تئوری سرمایه انحصاری آنهم در زمانی که این سرمایه در تنگنای بحران‌عمومی سرمایه داری گیر کرده است . زمانی که سرمایه داری آن « استحکام و ثبات » سابق خود را از دست داده وایام عمرش بشماره افتاده است .

الیگارشی مالی وقتی باین « تئوری » تجهیز که برای نجات سیستم لیسه جان سرمایه داری دست و بامیزد و بهر خار و خاشاکی دست میاندازد .

بایك بررسی دقیق از « تئوری » کینس میتوان فهمید .

که در اینجا کوشش زیادی در راه تقلیل مدعی هستند که میتوان اندیشه صلح را بجای افکار سود پرستانه سوداگران مرك گذاشت .

آن‌ها مدتهای مدیدی است که همین حرف را میزنند و زمان درازی است که این بندارهای مالیخولیانه را بین مردم رواج میدهند .

این قبیل « تئوری » ها با تئوری مینگل ورسوا شده ای که درسال ١٩١٥ بوسیله « کائوتسکی » عرضه شد، ازلحاظ اصول ، از لحاظ اینکه درهردو واقعیت ها بهیچ شمرده شده ، ریشه واحدی دارند

کائوتسکی با « تئوری » « والترآمریالیسم » خودمدعی بود که کوباميتوان تضادهاو بر خوردهای امپریالیسم را در کادر سرمایه داری مرتفع نمود و رژیم‌توی برپایه اتحاد امپریالیستها ، و با حفظ اصول سرمایه داری انحصاری ، ایجاد کرد . این « تئوری » در موقع خود چنان ازطرف اهل علم و دانش کوبیده شد که حتی امروز هم هیچ یك از تئوریسین های بورژوازی و سوسیال - دمکراتهای دست راست جرات علم کردن آنرا ندارند .

آنچه تاکنون واقعیت مانشان‌داده‌اند با آنچه که این آقایان ادعا می کنند تضادومباینت کاملی دارد . تشدیداستثمار فقر روز افزون زحمت کشان ، بحرانهای متناوب اقتصادی ، تصادمات سیاسی وجنگی ممالك سرمایه داری از طبایع ذاتی امپریالیسم است و جزبا مرك امپریالیسم از بین نمیرود - این است آنچه‌واقعیت ها بما آموخته ومیآموزند .

این تودها ازصفات گذرنده سرمایه داری است و میتوان از امپریالیستها انتظار داشت که با روی منافع مادی و حیاتی خود گذارده سیاست جدیدی مبتنی بر منافع توده‌های مردم اتخاذ نمایند - این است آنچه که بقشاگران و عمال آنها میخوانند و بقصد فریب مردم بصورتهای گوناگون دائما تکرارش می کنند .

اشتباهی که مولفین خردمند « بحران اقتصادی و جنگ سرد » در این زمینه نموده‌اند با تمام خردی و کوچکی خود، درس بزرگی به پیشتازان جنبش ملتها میدهد . باید با تمام قواپرده از روی مواعید فریبنده‌امپریالیسم ، که گاهی در لباس « تئوری » و « دانش » ظاهر میشود ، فرو کشید و ماهیت اغفال کننده این شیوه‌های مذموم را آفتابی کرد، باید قوانین تفکیك ناپذیرجهان کهن‌واجتناب‌تحلیل وروشن کرد که حتی قشرهای ساده و زود باور مردم نیز گول سخنان چرب و نرم نگهبانان فقروبدبختی را نخورند .

• • •

آن دسته ازدانشمندانی که قلم و فکر خودرا درزنان تیروتار دنیای کهنه اسیر نساخته‌اند ، سالهاست درکنفرانس ها ، سخن رانیها ، وکتابهای خود گفته ومیگویند که سیاست تروهن در زمینه کنترل اقتصاد امریکا (که روی تولید احتیاجات جنگی قرارگرفت) نمی‌تواند بحران اقتصادی را ازسر راه این کشور بردارد .

در کتاب « بحران اقتصادی و جنگ سرد » نیز با استناد بمدارك تاریخی و ضمن تحلیل منطقی عوامل مختلف اجتماعی ثابت شده است که هزینه های هنگفت دولت فقط بطور موقت و آن هم جزئی می‌تواند اقتصاد امریکا را تقویت نماید . تضادهای ریشه‌دار تولید سرمایه‌داری را نمی‌توان بکمك « اقتصاد تنظیم شده » ترومن ازبین برد .

مدعی هستند که میتوان اندیشه صلح را بجای افکار سود پرستانه سوداگران مرك گذاشت .

آن‌ها مدتهای مدیدی است که همین حرف را میزنند و زمان درازی است که این بندارهای مالیخولیانه را بین مردم رواج میدهند .

این قبیل « تئوری » ها با تئوری مینگل ورسوا شده ای که درسال ١٩١٥ بوسیله « کائوتسکی » عرضه شد، ازلحاظ اصول ، از لحاظ اینکه درهردو واقعیت ها بهیچ شمرده شده ، ریشه واحدی دارند

کائوتسکی با « تئوری » « والترآمریالیسم » خودمدعی بود که کوباميتوان تضادهاو بر خوردهای امپریالیسم را در کادر سرمایه داری مرتفع نمود و رژیم‌توی برپایه اتحاد امپریالیستها ، و با حفظ اصول سرمایه داری انحصاری ، ایجاد کرد . این « تئوری » در موقع خود چنان ازطرف اهل علم و دانش کوبیده شد که حتی امروز هم هیچ یك از تئوریسین های بورژوازی و سوسیال - دمکراتهای دست راست جرات علم کردن آنرا ندارند .

آنچه تاکنون واقعیت مانشان‌داده‌اند با آنچه که این آقایان ادعا می کنند تضادومباینت کاملی دارد . تشدیداستثمار فقر روز افزون زحمت کشان ، بحرانهای متناوب اقتصادی ، تصادمات سیاسی وجنگی ممالك سرمایه داری از طبایع ذاتی امپریالیسم است و جزبا مرك امپریالیسم از بین نمیرود - این است آنچه‌واقعیت ها بما آموخته ومیآموزند .

این تودها ازصفات گذرنده سرمایه داری است و میتوان از امپریالیستها انتظار داشت که با روی منافع مادی و حیاتی خود گذارده سیاست جدیدی مبتنی بر منافع توده‌های مردم اتخاذ نمایند - این است آنچه که بقشاگران و عمال آنها میخوانند و بقصد فریب مردم بصورتهای گوناگون دائما تکرارش می کنند .

علی‌رغم این تشبثات و کوششها ، نشانه‌های یك بحران اقتصادی باشدت و وسعت روزافزونی ظاهر میگردند واین بهترین دلیلی است براینکه نه « اقتصاد تنظیم شده » ترومن ونه انتشار احصائیه های جعلی دستگاه‌های تبلیغاتی آمریکا هیچکدام قادر نیستند در ماهیت و کیفیت طرز تولید سرمایه داری تغییر کیفی ایجاد نمایند .

بحران رامیشود بابرپاساختن کارخانه های اسلحه سازی برای مدت کمی بتاخیر انداخت ولی باهیچ‌وسیله‌ای نمی‌توان آن را نابودساخت .

هرچند که بودجه جنگی امریکا در بعضی ازشاخه های صنعتی موقتا تاثیر بخشیده ولی احصائیه های منتشره نشان میدهد که تلهای بزرگ دلار نتوانسته است ازسقوط عمومی تولیدوتوسعه بیکاری جلوگیرد .

با اینکه درچند سال اخیر نزدیك به پنج‌میلیون کارگر (یعنی ٨درصدسکنه امریکا) در صفوف ارتش یا در کارخانه‌هائی که تجهیزات نظامی درست می کنند کشیده شده‌اند معهذا شماره‌بیکاران‌وتهیه بیکاران حتی طبق اعتراف مقامات رسمی امریکا ، از ١٧ میلیون نفر تجاوز کرده‌است .

« • • • • سیاست « اقتصاد تنظیم شده » ترومن در راهی که بسوی جنگ میرود قرار گرفته است . هرچه‌موقعیت صنایع نایابدارتر می شود و امپریالیسم امریکا باحسرت بیشتری سیاست توسعه طلبی خود را دنبال می کند ، بهمان نسبت تمایل زیادتری در زمینه افزایش مقدارمفرطات جنگی پیدا می‌شود و سیاست خارجی ما بیش‌ازپیش‌جنبه‌تجاوزکارانه بخودمیگیرد . این رویه بست وشرارت‌آمیز می‌بایستی بجنك منتهی شود ، ولی این در صورتی خواهدبود که مردم صلح‌طلب امریکادر این کارداخالتی ننمایند» (ص٨) .

• • •

مطلب مهم‌دیگری که‌در « بحران اقتصادی و جنك‌سرد » مورد بحث قرار گرفته‌مسئله ناموزونی تکامل‌سرمایه‌داری است . در اینجا نشان داده میشود که چگونه این تئوری علمی با واقعیت‌ها کاملا تطبیق می کند و چگونه ناموزونی تکامل‌اقتصادی وسیاسی ممالك‌سرمایه‌داری شدیدتر و عمیق‌ترشده است .

جنك بین‌المللی‌دوم‌جریان‌ناموزونی تکامل سرمایه‌داری را از هرجهت‌تقویت نمود . این جنك باعث شد که ایالات متحده‌امریکاقدرت‌و توانائی‌بیشتری‌بدست آورد و سایر کشورهای سرمایه‌داری کاملا ضعیف گردند ، و ، درنتیجه ، عدم تعادل قدرت اقتصادی و سیاسی این‌ممالك تشدید شود .

تمرکز بی‌سابقه قدرت تولیدی و سرمایه امریکا در دست چند گروه انحصاری ، امپریالیستهای این کشور را بفکر انداخت که با شیوه‌های تجاوز کارانه در صحنه بین المللی یکه تازی نمایند و داعیه فرنفرمائی جهانی را در سر بپرورانند . میدان نفوذ مونوپولیهای امریکا همراه با نیروهای مسلح این کشور بقلب آسیا ، اروپا ، افریقا و امریکای لاتین کشیده شد ؛ هر جا که تکیه گاه قوای امریکامیگشت بلا فاصله عرصه خود نمائی سرمایه های مالی امریکائی میگردید و هر جا که این سرمایه ها چشم طمع بدان‌میدوختند سریعا بپایگاه نظامی امریکا تبدیل میافت .

اما این نقاط مناطق آزادی نبودند که تجاوز سرمایه داران امریکا بدون رادع‌ومانعی از طرف سایر امپریالیستها صورت گیرد .

تجاوزامپریالیسم‌امریکادرامریکای لاتین ، کانادا ، آسیای جنوبی و خاور میانه با از دست رفتن بازارهای امپریالیسم انگلستان ، فرانسه ، هلند ، ایتالیا ، ژاپن و غیره توام میباشد . امپریالیسم انگلستان ، فرانسه ، هلند ایتالیا و ژاپن نمیتوانند در مقابل توسعه میدان نفوذ سرمایه مالی امریکا خاموش به نشینند .

« نقشه مارشال » زمینه را برای نفوذ سرمایه امریکائی در مستعمرات کشورهای اروپا مستعد ساخت ولی این مقدار « پیشروی » برای مونوپولهای فربه شده امریکا کافی نبود . بهمین‌جهت ترومن با « نقشه متهورانه جدید » خود برای گرفتن مستعمرات ، بوسیله سرمایه‌گذاری ، قدم پیش گذاشت طبق این نقشه دولت‌اتازونی بایدبسرمایه داران تضمین بدهد که منافع آنها در زمینه صدور سرمایه و کالا گرفته خواهد شدواموال آنان در همه جا حفظ خواهد گردید . از همین جاست که زمامداران امریکا هیئت های حاکمه ممالك عقب افتاده و میخرند و بدست آنها اموال ملت ها را بجیب سرمایه داران امریکائی میریزند و برای « تضمین » سرمایه ها ومنافع مونوپولهای کشور خود هرچه بیشتر دهه جاز رژیم‌های فاشیستی وشبه فاشیستی بوجود آورند .

مبارزه‌ای که برسربازارهای جهانی درگرفت همچنان رو بشدت وحدت است اینرابرطبق شرایطی که‌در « نقشه مارشال » گنجانده شده ، ممالك مارشالیزه شده مجبور هستند احتیاجات خودرا با ورود کالاهای امریکائی تامین نمایند وامریکا درحینی که‌این کشورهارا با کالاهای خود تپاه‌میکند، آنها راواميدارد که بخاطرتحصیل بازار بیرحمانه بر سر کول هم بزنند . احیای صنایع مدرن وروز بکه‌بکك امریکا وباسرمایه های امریکائی صورت‌میگیرد، صنایع عقب مانده فرانسه وانگلستان را تهدیدبرقابت میکند واین امر درموقعی روی میدهدکه بحران اقتصادی در جلو پای این دو کشورقرار گرفته‌است .

شیخ یك بحران اقتصادی مخوف‌سراسر جهان سرمایه‌داری‌را فراگرفته است . این بحران کوششهای تجاوزکارانه وتوسعه طلبانه امپریالیسم امریکا را شدیدوشدید تر میکند .

توسعه طلبی امپریالیسم امریکا بخصوص برروی انگلستان فشار میآوردو موجودیت امپریالیسم بریتانیا را تهدید می کند .

تضادهای‌امپریالیسم روزبروز دامنه دارتر میگردد و ممالك امپریالیسم ، به خصوص امریکاوانگلستان ،برای‌هم‌دندان تیز می کنند .

سیستم‌کاپیتالیسم،درکام‌شیطانی‌بحران اقتصادی فرو میرود و دسته‌بندی های امپریالیستی امریکا وانگلستان در میان تضادها وبرخوردهای اقتصادی شکاف بر میدارد .

نویسندگان کتاب « بحران اقتصادی وجنك سرد » از تحلیل خود باین نتیجه منطقی وصحیح میرسند که هزینه های هنگفت دولت‌درراه « جنك‌سرد» نمیتوانداز توسعه بحرانی که بر اثر تولید اضافی امریکا را تهدید مینماید جلوگیرد ، و کوششهای مزبوحانه مونوپولهای امریکائی‌در راه فرمانفرمائی جهانی قادر نیست برقدرت روز افزون جبهه صلح و دمکراسی جبهه ضد امپریالیستی که‌تمام ملت‌ها بپوا داری آن برخواسته اندتسلط حاصل کند .

آرزوهای‌شوم آدم کشان‌بی‌آزرم و سودپرستان ،دیوصفت بوسیله اتحاد انسان های صلح دوست و مردم بیدار جهان بگور سپرده خواهد شد :

« بدینطریق موقعیت سرمایه‌مالی‌امریکا دائم بنا امیدی میگرایید . بهمین جهت تعجب‌آورنیست اگرمی‌بینیم که‌الیگارشی حاکمه دست و پامی‌زند تا این مسئله را با اقدامات‌یاس‌انگیزی‌حل کند یعنی‌جهان را بجنك نوینی بکشاند ومردم امریکارا در منگنه فاشیسم خفه‌نماید» (صفحه ١١٢ و ١١٣)

• • •

دستگاه تبلیغاتی امریکا کوششهای زیادی مینماید که زندگی امریکائیان‌را عالی‌ترین‌نمونه زندگی انسان‌های سعادتمند وبچهان معرفی کنند .

هم اکنون در روی میز نگارنده کتابی قرار دارد که از طرف یکی از سازمانهای کارگری بنام‌عنوان « واقعیت های کار » درجواب آنچه که « صدای امریکا » باسام « دولت زندگی امریکائی جعل کرده است » منتشر شده و حاوی یك سلسله مدارك غیر قابل انکار میباشد .

این کتاب که به سال ١٩٤٩ در ١٩١ صفحه در نیویورك چاپ شده‌نشان میدهد که زندگی مردم امریکا چنان با بدبختی و فقر توام گردیده است .

(درشماره های بعد در اطراف این کتاب نیز بحث خواهیم کرد) .

سرمایه های انحصاری امریکا « تنها بروش ملتهای غیر از امریکائی بلکه بر دوش خود ملت امریکا نیز سنگینی میکند و این‌سنگینی از هرجهت طاقت فرسا میشود .

امروز حقوق سیاسی مردم این سر زمین بازیچه اراده مشتی سرمایه دار

بقیه درصفحه ٩

سرد

از ایلیا ارنبورك

ترجمه یاروخ

((ما رای میدهیم))

تدارهم واز خرازی فروشهای ماوراء اقیانوس نمی‌ترسیم ، حتی‌اگر بخواهند بجای بند تنبان‌های معترم خود بسپهای نا محترم رابرایمان تبلیغ کنند . ما‌رای این رای میدهیم که خانه ما تسلق نخودمان داشته باشد وکشور شوروی بصورت کشورشوروی ما باقی بماند .

مانمیخواهیم‌طرز زندگی خودرا بکسی تحمیل کنیم . ما‌معتقد هستیم که سوسیالیسم بر سرمایه‌داری، برادری بر گرك منشی ،عقل برخرافات ودوستی ملتها بروشنی ژادی تفوق دارد .

ولی‌مانیامده‌ایم آنهارا تربیت کنیم .ما اینکاررا بعهده‌تاریخ واگذار کرده‌ایم .

ما بآنها میگوئیم : شما فکر میکنید که چیزی بهتر از سیستم‌اقتصادشما - بلوف‌وبحران ،تب ونوبه‌بورسها ، ورشکستگی ها ونقاط سیاه وجود ندارد .

بسیار خوب اگر اینهارا دوست دارید همانطور بزندگی خود ادامه بدهید روزی خواهد آندوشما عاقل میشوید . ولی این روز بسبب اینکه مامیخواهیم راهنمای شما بشویم پیش نخواهد آمد ، زمان‌بجلومیرود وقرن بیستم قرن‌دهم نخواهدبود .

ما بهیچوجه درنظر نداریم شمارا درس بدهیم. ما اطفال خودرادرس میدهیم‌وکار خلاق‌وبشر دوستی‌رابآنهامیاموزیم .

شما میتوانید سازمان صنعتی خودرا طبق سیستم خودتان بر قرار سازید واطفالتان‌رابا‌روش‌خودتان تربیت کنید م کتابهای پلیسی بنویسید ، فیلمهای احمقانه بسازید ، حتی میتوانید باهایتلرزا روی میز بگذارید اما فقط بیك شرط - میز مال خودتان باشد نه‌مال دیگران‌آینده نشان‌خواهد داد حق با کیست . مابایده‌های خودایمان کامل داریم و لزومی ندارد که ایمان خود با بسب تقویت کنیم .

ما از بدوتشکیل جمهوری خود طرفدارصلح بودیم‌واکنون نیز بطرفداری از آن استوار هستیم .

ما رای‌صلح رای میدهیم و با اینعمل خود کلیه‌ملتها و از آنجمله ملت امریکا را از خونریزی نابود کننده ای بر حذر میداریم .

آیا این را نیز باید تذکر داد که تمام ملتهای اروپای کهن کارگران پراك و پاریس داشتندان فرانسه و انگلستان ودهقانان ایتالیا و لهستان با ما هستند .

آیا باید گفت که تمام ملتهای بیدار شده آسیا و قبل ازهمه برادر بزرك ما چین «قدیمی» جوان در صفوف ما قرار گرفته . چند روز قبل که‌نمایندگان کینه‌دائمی هواداران صلح بکاخ کرملین آمدند نماینده سیاه پوستی از افریقای استوائی در میان آنها بود ملتهای تحت سلطه افریقا نیز با ما هستند .

تما آقایان ساکنین کاخ سفید و کاخ زرد متقول بسب تکانی و بسب سرائی بودند ٥٠٠ میلیون نفوس را از دست دادند و اگر مثل سابق به بسب تکانی و بسب سرائی خود ادامه‌دهندبیش از ٥٠٠ میلیون از دست خواهند داد این کار هم مانند سایر کارها اولش سخت است .

من تلگراف خبرنگار امریکائی رادرسال ١٩٤٦ ازآنکارا بخاطر میآورم :

« امیدهست امسال در روسیه خشکسالی سختی شود »

بله ، بعد از جنك بدبختی دیگری بر سرمان نازل شده و شقالهای امریکائی سرهای خود رابانبه کرده‌اند، اما ملت ما بکار وقتی که‌من درآمریکا بودم درمیان‌سایر چیزهای جالب‌توجه جنتلمنی‌را بمن نشان دادند . من‌پرسیدم که اوچه کاری مشغول است . بمن جواب دادند :

« این یك مامور برجسته انتخاباتی دمکراتها است‌جمهوری خواهان برای اینکه اورا بطرف خود بکشند حاضرند پول زیادی خرج کنند - کسی قبل از جنك او توانست برای یکنوع روغن مارگارین که مردم از خوردن آن مسریض می‌شدند پروپاگاند خوبی بکند . اوچنان‌تبلیغی نمود که این نوع‌خراب روغن‌مارگارین بردیگرمارکها برتری پیدا کرد . »

آنها میتوانند مارگارین خراب را بجای مارگارین خوب و مارگارین خراب را بجای کره قلب کنند آنها همچنین قادرند جمهوریخواهان ویا دمکراتها را دوستان ملت وشقال‌های‌خونخوار را بزه معصوم معرفی نمایند .

قبل ازانتخابات حتی چرچیل منحصرا در باره صلح صحبت میکرد . بعداز پایان انتخابات آنهاشانه‌های زیتون خودرابیایکانی می‌سپارند وبکارهای معمولی خود میپردازند ؛ تحریکات نوین رااز سرمی گیرند و با بسبهای جدید خود مشغول می‌شوند .

قبل از انتخابات خروارها اشك بردیده دارند - آنهابرای اندوه زحمتکشان اشك‌میریزند . ولی پس ازپایان انتخابات کازهای اشك‌آور برای زحمتکشان آماده میسازند .

ماری میدهیم و خوب میدانیم برای چه رای میدهیم .

مردمی که درواس حکومت مارا قرارگرفته اندحقیقت‌را از ما پنهان‌نمی کنند .

وقتی درسال ١٩٤١ خطرمرك ملت وحکومت مارا تهدید میکرد - رهبرماعلنا این حقیقت رابماگوشزد کرده .

وقتی درسال ١٩٤٦ خرابه‌های شهرها و زخمهای التیام نیافته درمقابل ما قرار داشتند - استالین علنا گفت که ما فقط باکار مصرانه وصرف‌تمام نیروهای خود میتوانیم زندگی راازسر بگیریم .

ما رای میدهیم و خوب میدانیم به که رای میدهیم .

ما برای هنرپیشگان کمدی نمایشات ومعرکه گیرهای‌سیرك ارزشی قائل‌هستیم ولی در کشور ما برای جنتلمن‌هائی که روغن مارگاریناهای فاسدو «دموکراسی مارگاریني» را تبلیغ کنندجائی چندی قبل ازجاده مسکوبریگا عبورمیکردم .

این جاده را من ازایام جنك میشناسم . خاکسترهای‌استرا ، چوبه‌های دار ولوکلاسك وجنگهای وحشتناك در نزدیکی رژف و ولکی لوکی بسیاری از دوستان ورفقای ما برای همیشه در آنجا باقی مانده‌اند .

آنها از شرافت استقلال وآزادی وطن مدافعه نموده و کشته شده‌اند ما هیچگه به‌آنچه که‌باخون قهرمانان خریداری‌شده خیانت نخواهیم کرد .

ما دوراه شرافت استقلال وآزادی میهن خود وای میدهیم . هیچوقت ملت ما طبق دستور دیگران زندگی نخواهد کرد . ترومن بیخود ما را می‌ترساند و ماك ماهون بیهوده فکر می کند که ماورا بابول میشود خریداری کرد .

نیروی ملت ما باآهن آزموده شده . آن را در مباشات ، مسابقات ورزشی ورژمها امتحان نکرده بلکه آنرا درژرف لنین - گراد ، استالینگراد ،دنیپرو اودر آزموده‌اند .

مابنصایح برده داران بی‌تربیت « کروپلنای جنوبی» احتیاجی نیست .

بحران اقتصادی

بقیه از صفحه ٤

گردیده است و دروطن جفرسن‌ولینکلن میلیونها نفر بشراز آزادیهای اولیه یك انسان زنده محروم هستند .

روزی نیست که عده‌ای از انسانها بجرم اینکه رنك پوست آنها سیاه است « لینچ » نشوند و دهها نفر بانهام نشر حقایق گرفتار دستگاه تفتیش عقایدفعالیت ضد امریکائی نگردند .

دهها میلیون‌نفر امریکائی صدبار بد تر از عبوتوم زندگی می کنند گوئی آسمان خراشهای امریکا چون هیولائی عظیم الجثه بر کروه مردم این کشورنیا شده است .

زنجیر اسارتی که در هیئت های مدیره تروستها و کارتل‌ها ساخته و پرداخته میشودبوسیله زمامداران‌اتازونی بدست و پای توده‌ها می پیچد آزادی‌عقاید مورد هجوم وحشیانه خداوندان سرمایه قرار می گیرد .

اگر مقاومت ملت امریکا و قدرت جبهه صلح و آزادی جهانی نبود شایدهم اکنون خیاشه های حیوانی این گروه کاملا جامه حقیقت می‌پوشید چنانچه کوششهائی که از طرف مقامات دولتی امریکابرای غیرة توئی کردن‌حزب کمونیست حبس و تبعید رهبران این حزب بعمل آمد فقط براثر اعتراض دسته جمعی مردم و دانشمندان‌امریکائی به نتیجه نرسید

ازلحاظ اقتصادی‌نیز بواسطه‌تمرکز سرمایه در دست عده معدودی از بانك داران و صاحبان کارخانه های بزرك ، استثمار طبقه کارگر امریکا بحدسرسام آوری رسیده است .

میزان استثمار (نسبت بکار اضافی بکار لازم) کارگران امریکا در دنیا کمتر نظیر ندارد .

در کتاب « بحران اقتصادی وجنك سرد » با استنادبمدارك مثبته نشان داده شده که درسال ١٩٤٨ ازهریك نفر کارگر امریکائی در عرض سال بطور متوسط ١٤٨٠ دلارسود به سرمایه داران‌رسیده است .

اگر در نظر بگیریم که حدمتوسط سودی که‌در سال ١٩٣٩ از هر کارگر امریکائی بجیب صاحبان وسائل تولید سرازیر میشد از ٤٧٠ دلار تجاوز نمی کرد بهتر میتوانیم بشدت استثمار زحمت کشان امریکا پی ببریم .

در حقیقت در عرض ١٠ سال درجه استثمار طبقه کارگر امریکا سه برابرشده است (صفحه ٧٣) .

کارخانه داران امریکا برای‌افزایش میزان سود خودکارهارا چیزی کرده‌اند و بدینوسیله بدون آن که کوچکترین امکانی برای استراحت کارگران باقی گذارند از آن‌ها شیره کشی میکنند .

کسانی که بعلم اقتصاد آشنائی‌دارند خوب میدانند که زنجیری کردن کارتا چه اندازه کارگری را که باندازه کافی مواد غذائی دریافت نمی کند فرسوده وناتوان میسازد و درهمین حال چقدر بسر منافع کارخانه داران میافزاید .

برای صاحبان وسائل تولید « شدید کردن » کار در حکم کاهش دادن مزد است . ولی برای کارگران این‌امربمنزله انتحار میباشد .

« در صنایع افراد بیشتر ازامراض قلبی کشته می‌شوند و امراض قلبی نیز نتیجه سریع شدن حرکت کار زنجیری است» (صفحه ٧٧-٧٦) .

وضع دهقانان امریکائی از وضع کارگران بهتر نیست .

در اقتصادیات روستائی نیز آثار بحران ظاهر شده و برزندگی زارعین تاثیر خود را بخشیده است .

مثلا صادرات محصولات کشاورزی از ٣/٩ بلیارد دلار در سال ١٩٤٧ به ٣/٤ بلیارد دلار در سال ١٩٤٨ تقلیل یافته است .

• • •

افزایش مداوم هزینه‌های جنگی چون بار سنگینی بر دوش کارگران و سایر زحمتکشان امریکا فشار میآورد . میزان مالیاتی که از طبقات پائین‌اجتماع (کسانی که‌درآمد آنها کم است) گرفته می‌شود ، طبق احصائیه‌های سال ١٩٤٨ ، نسبت بسال ١٩٣٩ چهاربرابر شده است در حالیکه مقدار مالیاتی که ازصاحبان‌درآمدهای‌هنگفت‌اخذ می گردد در همین مدت‌تا ٤٤ درصد تقلیل پیدا کرده است .

در کتاب « بحران اقتصادی و جنك سرد » مولفین برای نشان دادن وضع بد زندگی مردم امریکا بیك کارش دیگر علمی هم متوسل شده‌اند . آنها بااستناد باحصائیه‌های منتشره ثابت کرده‌اند که براثر فشار زندگی مادی ، امراض‌روحی روزبروز در امریکا شدیدتر می گردد چنانچه اکنون ٨ میلیون نفر از مردم این سرزمین (یعنی‌از ١٧ نفر یکی) از امراض‌روحی‌رنج می‌برند . (صفحه ٩٧) .

« در نتیجه جنك (هم‌جنك « گرم» و هم‌جنك« سرد ») و همچنین براثر سیستم زنجیری کار ، فشارها ، منازعات و بی‌اعتمادی روز افزونی که « تمدن » سرمایه‌داری معاصر بما بمب اتمی خود نسبت بآینده‌ما بجاد نموده‌است شماره‌حوادث ناشی ازامراض عصبی و روحی افزایش یافته‌است» (صفحه ٧٨) .

بقیه درصفحه ٦

سرخشانه و مداوام خود ادامه میدهد وماکنون ثمرات اولیه آنرا ملاحظه میکنیم .

من سه سال تمام به ریگا نرفته بودم و موقع ورود خیلی کنجکاوی نکردم ؛ بندر از نو ساخته شده و بکار خود ادامه میدهد خانه های جدید احداث شده اند کارخانه های بزرك بکار پرداخته اند و در راه آنجائی که زمزهای بحرمانه ای جریان داشتندومات، قصبات و شهرهای جدیدی نمایان بودند .

وقتی که من غیر تنزل قیمتها را از رادیو گوش میکردم صدای گوینده آهنك گفتار او روزهای ایام جنك رابخاطرم آورد . «باحمله‌ای‌مرکز فهم‌دفاعی دشمن شهر بر سلاو را متصرف‌شدند.»

ولی اکنون بجای اسامی شهر کلمات « کره کاه. ملاس. » گفته میشدند . من بفکر فرو رفتم واقعاهم ملت ما قلعه دیگری را فتح کرده باکارخستگی نا پذیر خود کامیابیهای جدیدی کسب نموده و یك‌قدم بسوی خوشبختی بزرك و کاملی نزدیك‌شده ما برای اقتصادیات شوروی برای کارخود و برای خوشبختی رای میدهیم : ملت‌عادل ، خوش‌نیت و شجاع ما این‌حق‌را بدست آورده است. آنهابدلار خدائی می‌بخشند در امریکا من شنیدم که مرد جوانی بدختری‌میگفت :

«شما امروز باندازه یك‌میلیون دلار زیباشده‌اید » اگر این جمله را بیك دختر شوروی بگویند او عصبانی میشود و حق هم‌دارد .

برای ما روبل فقط روبل است - پول است نه خداما‌بسیار مسرورایم از اینکه پول ما بیوسته محکمتر میشود ما ثمره کارخود و روزهـای استراحت را در آن می بینم

اما خدای آنها مثل خدایان رفتار نمیکند :شروع بنوسان مینماید گوئی خدای ٤٨ ایالت متحده‌نیست بلکه‌یك «فوت استرلینك» زنده‌ای است .

آنها درباره «حکومت جهانی» خیلی حرف میزنند اماهنوز نمیتوانند بین خودشان موافقت حاصل کنند :

فرانسه باایتالیا توافق ندارد ، انگلستان بافرانسه نمیسازد حتی ایالت تنسی بـا ایالت ایلیانویس آبشان دریـك جوی جریان‌ندارد .

آنها با دشمنی‌وحشیانه ای نسبت به افراد سایـر نژاد ها زندگی میکنند .

بعضی ها سیاه پوستـها را میسوزانند عده برای یـهودیان سم‌باشی‌میکنند، دسته‌ای‌به پرتو یکابیهاتوهین مینمایند و چهارمی‌ها (متولدین لهستان و ایتالیا رانقیب میکند .

ما ازدشمنی ، بردهکشی، وترنیش های آنها متنفریم . من بار دیگر معنی دوستی واقعی ملتهارا در ریگا دیدم .

ما برای برادری تمام افراد شوروی که برای میهن کبیـر خود که توسط افراد ملت مابزبانهای مختلف تمجـید میشود رای میدهیم . ما در جمهوری ها و شهرهای مختلف‌رای‌میدهیم کشور ما بسیار پهناور است :

حالا غروب است اما درولادیوستك روز شروع میشود و اولین رای‌دهندگان بصندوق نزدیك‌میگردند .

سرزمین ما بسیار بزرك است ؛ هنوز سرما در یاکوتسك حکمفرمائی میکند ولی باغهای کریمه وآنجا زیبا با کرك صورتی‌رنك بهار پوشیده شده‌اند .

ما کاندید زیاد داریم ، اما میدانیم بچه کسی رای میدهیم - بصورت هریك نگاه کنید . هر کجاکه مارای بدهیم‌مایه مردی‌بزرك و عالی‌رای میدهیم که کشتی مارازامیان طوفان عبورداده و اکنون‌در کنارفرمان‌ایستاده‌وبساحل‌سرسبز خوشبختی هدایتمان می کند .

پایان

١-منظور اصولی است که در سال ١٩٠٣ مبانی آن در کنگره دوم یکی‌از احزاب سوسیال دمکراسی‌اروپای شرقی گذارده شده .

اطاق شماره ۶

بقیه ازصفحه ۱

صحیح است که من پیش از رسیدن آنروز خواهم مردو آن ایام رانخواهم دید ولی خانواده های مادر آن زندگی پرسعادت شرکت میکنند . من از صمیم قلب بآنها شادباش میفرستم واز زندگی باسعادت آنان شاد و مسرورم ! رفقا ! به پیش ! خدا یارشما باشد!»

داستان اطـاق شماره ۶ یکی از هالیترین و جالب توجه ترین کتابهای چخوف است . وی این کتاب را هنگامی که باوج شهرت و افتخار خویش رسیده بود انتشار داد و کتاب نیز در سراسر روسیه موفقیت و اعتبار فوق العاده یافت آنتون چخوف‌دربن کتاب مطالب‌بسیاری را بیان کرده و بحل بسیاری از مسائـل اجتماعی توفیق یافته است .

قهرمانان کتاب باندازه‌ئی زنده ، روشن وجاندارند که‌انسان موقع روبرو شدن با آنان نمیتواند تصور کند که‌بهتر ازین نیز ممکن است قهرمانی برای تهیه یك رمان مترقی و درست بتمام معنـی انتخاب کرد .

اطاق شماره ۶ یکی از اطـاقهای یك‌بیمارستان است . اطاقی است که‌خاص بیماران روحی است اطاقی است کـه در وپنجره ومنفذهای آن گرفته شده است در این اطاق هرگـز برای رها کردن بیماران‌باز نمیشود . فقط گاهگاه‌دراطاق باز میشود نی کتیـادربان نفـهم و خشن اطاق شماره ۶ یکی دیگـر را بعنوان بیماری دربن سیاه چال وحشتناك زنـده بگور میکند .

اطاق شماره ۶ مرکز کسانی است که بفساد اجتماع آنروز تن در نداده‌اند و اجتماع ، اجتمـاع فاسد و منحط آن روز ، آنها را از خویش رانده است .

روسیه آنروز ، سر تـاسر اجتماع روسیه آن روز ، اطاق شماره ۶ بود . دربن اطاق‌وسیع تمام مردم‌رنج میکشیدند تمام مردم شکنجه میشدند تمام مردم‌روی رهائی نمیدیدند و زندانیانان کوربـاطن و تیره دل این اطاق هرگز بفکر روزی نبودند که‌مشت گره کرده مردم‌دیوارهای این اطاق را فرو ریزد و بساط ظـلم و زور را درهم نوردد.

آندره یفی‌میچ ، طبیب بیمارستان ، مرد خوش‌قلب و آرام و مهربان یکی‌از همان روشنفکرانی است که‌مثل‌«اخوان الصفای »خودمان ، دربرابر فسادهـا و تباهیها شانه خود را بالا می‌اندازد و با اینکـه خود را ناگردن در متجـلاب فساد وپوزدی فرونمیبرد اما از رنج مردم از بدبختی بیماران اطاق شماره ۶ متاثر نمیشود و مانند هنگیوتی که درمیان تار های‌خویش بخواب میرود و درمیان رؤیا های فریبنده‌یی که زائیده تخیلات دوراز حقیقت منفی اوست فرومیرود .

بهترین سرگرمی دکتر آندره یفی میچ همین است که یك گیلاس آبجونوشد و روی صندلی راحت خـویش لمیده در تفکرات بسیارعمیق منفی خویش غوطـه ور شود در حالی بین خواب و بیـداری دردو رنج را ــ درد ورنجی را که‌هرگز نکشیده است تحقیر کند .

این رئیس بیمارستان وقتی می‌بیـند فساد سراسربیمارستان را فراگرفته‌است هنگامی که مشاهده می‌کند کثافت از سر و روی بیماران بالامیرود ، وقتی‌می بیند کاربردازی بیمارستان دزدی و حقه بازی میکنند و سند خرجهای دروغین را با رسانیدن بامضای او حس میکـنند و پولش را بجیب میریزند ، باخود فـکر میکند که این بیمارستان نیـز جزئی‌از اجتماع فاسد و پوسیده است .

وآنگهی آدم برای کشیـدن درد آفریده شده است و بنابراین کوشش او برای‌اصلاح وضع ناملارم است و نه‌بجائی میرسد .

این آندره یفی‌میچ لیبرال ومهربان ، وقتی که‌نادرستی و خلاف ترتیب‌آشکاری را می‌بیند مثل دختران تازه بالغ سرخ میشود ولی بازهم بروی خود نمی آورد

اما همین که این آندره یفی میچ ، این دکتر بی قید ولاابالی و درستکار ، و بطور خلاصه همین آدم بسیار خوب مزاحم سوء استفاده دیگران میشود یـا دست کم بر آنها بصورت یك مترسك یا لولوی سر خرمن در می‌آید میکوشند تا بانواع وسایل اورا طرد کنند و سر انجام این کوشش آنها به نتیجه‌میرسدو دکتر آندره یفی میچ برای اینکـه تا اندازهٔ چشمش باز شده است در ردیف بیماران اطاق شماره ۶ در می آید و در همان‌اطاق منحوس ، همان اطاقی که‌وی با بیقیدی بیماران آنرا ور انداز میکرد و در ماه دوماه بسراغشان نمیرود، زنده درگور میشود .

اما بمجرد اینکه آنـدره یفی میچ دربن اطاق ، دربن اطاق شماره ۶ وارد میشود ، حقیقت تلخ وزننده‌یی را که در دوران ریاست بیمارستان از آن بی خبر بود در میابد . میفهمید که درد کشیدن‌را نمیتوانست تحقیر کرد . متوجه میشود که اعصاب خود او نیز در مقابل رنج کشیدن و شکنجه دیدن‌مرتعش میشود و مزه‌شور خونی که‌براثر مشت نی کیتا ازدهان او میریزدروی‌زبان خویش احساس می کند.

منظره اطاق بسیار وحشتناك بود.

آندره یفی‌میچ دراز کشیده و نفسش‌رادر سینه حبس کرده‌بود و بارنس و وحشت انتظار میکشید تا یکرتبه دیگر او را بزنند .

مثل اینکه شخصی باداسی باوحمله کرد و چندمرتبه داس را درسینه وشکم او فرو برد و چرخانید . از شدت درد بالشرا گازمیگرفت ودندانهارا روی‌هم فشار میداد . ناگهان در میان این هرج‌و مرج اندیشه وحشتنـاك و فکر تحمـل ناپذیری در دماغش خطور کرد . بخود میگفت :

لابد این مردمی راکه اکنـون در روشنائی ما چون سایه های سیاه بنظر می آیند باید روزها ماهها و بلکـه همینطور شکنجه و آزار کشیده باشند راستی چطورشد که او در تمام این‌مدت بیست سال این موضوع را درك نمیکردو یا نمیخواست آنرا بفهمد ؟ چون از آن اطلاع‌نداشته و مفهوم درد و رنج رادرك نمیکرده پس گناهی ندارد ولی این‌بهانه تراشیها اورا آرام نمیکرد وجدانش او را عذاب میداد‌سرتاپا از عرق ترشده بود ناگهان از جا برخـاست . . . امـا از سینه‌اش صدائی بیرون‌نیامد پاهایش‌لرزید و خم‌شد ، نفسش‌درسینه شکست ، به‌لباده و پیراهنش چنك انداخت گریبـانش را پاره کرد و بپهلوش روی تختخواب افتاد

آندره یفی‌میچ نمانده تیپ روشن فکرانی است که چربانات اجتماع‌وزمان خویش‌را ندیده می گیرند و بزرگوارانه فساد و تباهی اجتماع را بـروی خویش نمی‌آورند و بعنوان افراد « بیطرف» خیانتها و فسادها و بدبختیهایا را که‌در اطرافشان وجود دارد ندیده می گیرند و ناروائیهای اجتماعی‌را بطور ضمنی‌تسجیل می کنند .

اینان برای این بدین روش‌تـوسل میجویند که از دستبرد حوادث در امان باشند و در پناه « بیطرفی »مصـونیتی برای خویش‌ایجاد کنند اما پیداست کـه وقتی دستگاه فاسدو پوسیـده‌یی که‌اجتماع را اداره میکند ، این قبیل عناصر را نیز مانع تامین مقاصد پلیـد خویش تشخیص دهد بیرحمانه آنها را درومی کند وبرای « بیطرفی » دروغین آنها فاتحه بی‌العـدد هم نمیخواند !

اطاق شماره ۶ داستان زندگی ، داستان‌اطاق ، داستان سرودهـائی است که تاپایان‌خوانده‌نشده است . اماچخوف نویسنده نامدار این داستان اظهار امیدواری میکند و همانگونه که صدر مقال گفته آمد مردم روسیه را برسینـه سپیده دم سعادت و خوشبختی نوید میدهد .

باوجود غلطنامه مفصلی که دارد ، زیبا وکم‌غلط چاپ شده است مقدمـه مشروحی نیز که درباره شرح حال‌چخوف و تغییر بعضی نکات داستان نوشته شـده است نیزبرنفاست و ارزش کتاب می‌افزاید خوانندگـان عزیز خودرا بخواندن این کتاب بی‌نظیر توصیه میکنیم .

درباره دو بخشنامه آقای نخست وزیر

بقیه ازصفحه ۱

اگر آقای نخست وزیر میخواهند نشان بدهند که با دخالت خارجی‌در امور داخلی ایران مخالفند می بایستی صریحا تحریکات اخیر امریکائیها را در ایران نامی‌بردند ، آن را محکوم میساختند و برای جلوگیری از رشد و نمو تخم های فتنه و فسادی که دو کلاس در بین عشایر ایران پاشیده‌اند قدم جدی و عملی بر می داشتند وگرنه صدور دو بخشنامه کلی و مبهم و بعد از آن که زمینه چینی تمـام تحریکات انجام یافته و مراحل عمل آن شروع شده است نمیتواند کوچکترین نتیجه مثبتی برای کشور ما داشته باشد .

دربرنامه‌های سیاست خارجی دولت‌ها غالباً مخالفت با دخالت خارجی درامور داخلی ایران دیده میشود .

ولی درمورد همه دولت های ایران این تظاهر بمخالفت جنبه ظاهر سازی و عوام فریبی داشته است .

مسئله دخالت کشورهـای خارجی در امور داخلی ما خیلی مهم تر ووسیع تر از مسافرت بی اجازه فـلان وابستهٔ خارجی و یا استقبال چنـد مامور جزئی دولت از کنسول فلان دولت خارجی در شیراز است (که بادعای بخشنامه آقای نخست‌وزیراز کاردولتی بر کنار شده‌اند) ریشه های نفوذ خارجی در ایران را باید در مسافت‌و حتی پشتیبانی مقامات موثر و رسمی کشور درقبال‌دخالت‌هاوتحریکات امپریالیستهای خـارجی دانست . امروز مسلم است کـه سیاست استعمارطلبان امریکائی عبارت از مسلح کردن عشایر ایران برای جنگ‌های پارتیزانی و قدرت دادن به سران ایل است ، اما مگرخود آقای نخست‌وزیر که اکنون ادعـای مخالفت با دخالت خارجی دارند بابیانات واقدامات خوداین‌سیاست راتایید نکرده‌اند؟ چه کسی غیر از آقای نخست‌وزیر بود که در مصاحبه خـود بـا خبرنگـاران آمریکائی صحبت از «دفاع » ایران در هنگام جنك بوسیله « جنگجویـان غیر نظامی » کرد و اعلام‌داشت که‌سیاست «دفاعی» دولت ایشان برپایه «جنك‌های غیر نظامی » با شرکت دسته‌های عشایر مسلح ایران استوار است ؟ آیا در این مصاحبه آقـای نخست‌وزیر عین همـان سیاست آمریکا را که وابسته نظامی و یا دو کلاس‌ها و دوهزها مأمور اجرای آن هستند پشتیبانی نکرده‌اند ؟

یا فی‌المثل آقای نخست‌وزیر چرا این اندازه‌روی‌موضوع تشکیل‌انجمن‌های ایالات وولایـات و شهرستانها و دادن اختیارات بدانها اصرار ورزیدند و حالا هم پافشاری میکنند ؟ مگر خیال میکنند واقعاً اجرای این نقشه کشور ما را که اینك دچار هزاران‌دردآست‌می‌تواند شفا بخشد ؟ هیچوقت ما آقای نخست‌وزیر را آنقدرها ساده نمیدانیم که چنین تصوری بخاطر خود خطور دهند.

مسئله این است که اجرای سیاست تفویض‌قدرت به‌انجمن‌های‌ایالات‌وولایات در هنگامی که همه جا ایلات ایران مسلح گردیده و قدرت و نفوذ خانها و سران ایل تا حد زیـادی افزایش یافته است درحقیقت مساوی باتشکیل‌دولت‌های نیمه‌مستقل و دارای آرتش مجزا‌بریاست سران‌عشایروخانهای غارتگرو گردنکش خواهد بود . اجرای این نقشه ایـران را تجزیه خواهد کرد ، تمامیت ارضی کشور ما را بخطر خواهد انداخت و میهن ما را در قبال نقشه‌های جنك‌طلبانه و ماجراجویانه امریکائیها قربانی‌خواهد ساخت .

رسوائی این سیاست بحدی رسیده است که بقرار اطلاع روزنامه آتش آقای استاندار فارس ضمن گزارش‌خود به نخست‌وزیر علنا اظهار داشته است که اگرانجمن‌های‌ایالتی‌وولایتی‌تشکیل‌شودبا وجودکانونهای‌خطری که‌اینك‌درایالات مسلح فارس مشغول فعالیت است و زمـام امور کاملا بدست خانها و سران عشایر خواهد افتاد دیگر جائی برای نمایندگان دولت مرکزی و استاندار نخواهد بـودوروی ناچار ازخودسلب‌مسئولیت‌نموده‌و بطرف تهران‌حرکت خواهد کرد .

آقای دکتر ملك اسمعیلی‌نماینـده اعزامی دولت به‌فارس برای‌تشکیل‌انجمن های ایالتی وولایتی نیز گزارشی نظیر گزارش‌آقای استاندار به دولت‌فرستاده است .

با این ترتیب آیا مسلم نیست که اصرار و پافشاری آقای نخست‌وزیربرای اجرای چنین نقشه خطرناکی نتیجه تمایل سیاست بازان امریکائی است‌که‌میخواهند ایران را بوضع ملوك‌الطوایفی بیاندازند ونقشه های نظامی نابودکننده خودرا در کشور متمدیده ایران بمعـرض آزمایش گذارند وموجب قتل و کشتار وفلاکت هم‌میهنان مظلوم ما گردند ؟

آیا آقای نخست وزیر که مسافرت وابسته‌های نظامی و اخذ تماس مامورین جزئی دولت را با مقامات خارجی منع مینماید بدیـن مسائل توجـه ندارند که خودشان با ابراز موافقت رسمی و عملی نسبت به نقشه‌های اصلـی سیاست امریکا مسئولیتی بمراتب عظیـم تر بـر دوش خواهند داشت ؟

ماعقیده داریم که دو بخشنامه آقای نخست وزیر بهیچوجه برای جلوگیری از دخالت و اعمال نفوذ خارجی ها در امور داخلی‌ایران‌کافی نیست . این بخشنامه‌ها فقط ظاهر سازی است . جلوگیری از فعالیت خارجی هـا راه هـای دیگر و موثرتری‌دارد .

باید دولت از مقام رسمی خوداستفاده کند جهت اینکه تحریکات و دخالتهای علنی امریکائیها رادر امور داخلی ایران فاش‌سازدتشکیل دولت های مسلح کوچك در داخل‌دولت ایران را که بوسیله‌ارسال کشتی‌های اسلحه‌امریکائی بطور قاچاق تقویت میشوند آشکارو‌علنی نماید صریحا تقاضا کندمامورین‌امریکائی که تا اینحد از حدود قوانین ومقررات بین‌المللی تجاوز نموده‌وبه استقلال کشورما تخطی‌مینمایند فراخوانده شوند علنا بـدولت امـریکا بمناسبت این دخالت های استقلال‌شکن‌و تحریکات خائنانه بر انداز که نتیجه اش کشتارهزارهانفوس ایرانی است اعتراض نماید و بمراجع بین‌المللی رسما شکایت کند .

اگر دولت وقت را بـه بطالت و مسامحه میگذارند و در قبـال تحریکات خارجی سکوت‌میکند در آصورت‌نبایستی حتی همین‌بخشنامه های کم اهمیت آقای نخست و زیرا جدی‌بنداشت بلکه باید آنرا مانوری برای فریب افکار عمومی ایران که بشدت از دخالت هـاو اعمال نفوذهای‌اخیر آمریکا در کشورمامنزجرو خشمناك شده‌اند دانست .

آقای نخست وزیرمطمئن باشند که مردم ایران‌بدان‌اندازه تجربه دارند تااقدامات جدی را از عملیات شوخی‌و ظاهر سازی بازشناسند .مردم ایران قطع‌کامل دخالت هاو اعمال نفوذهای خارجی را در ایران میخواهد .

آنهامیخواهند که دست‌های‌جنایتکار امپریالیسم آمریکا از ایران کوتاه شود وتحریکات‌متوقف‌گردد . آنها میخواهند که استقلال و آزادی ایران تا مین گردد ومقدرات ایران بخود ملت ایران سپرده شود . آیا آقای‌رزم آرا قدم جدی‌برای ارضای تمایل افکار عمومی ایران خواهند بر داشت یا فقط بهمین بخشنامه پراکنی ها واعمال‌ظاهرفریبا کفا خواهندنمود ؟

بحران اقتصادی

بقیه ازصفحه ۵

نویسندگان کتاب مورد بحث‌پس‌از آنکه اسناد خیانت رهبران « کنگره سندیکاهای تولیدی » و « فـدراسیون امریکائی کار » را روی میز می‌ریزد به جنبش وسیع طبقه کارگـر آمریکا اشـاره میکنند و گوشه‌ای از پیکار عظیم این طبقه را بخوانندگان نشان‌میدهند. زحمت‌کشان امریکاباهشیاری روزافزونی برمیخیزند وباشدت تمام از حقوق خود ، ازآزادی خود ،از صلح ودمکراسی‌دفاع می کنند . آنها افکارا می‌بینند که شبح فاشیسم برفراز سرآنها پرواز میناید. آنها تشنیات دژخیمان بشریت راحس می کنندومی‌فهمند که‌دستگاه‌دولتی‌امریکابرضد آنهاو برضدتمام‌انسان ها،بجهز شده‌است .

«فوستر»دانشمندمعروف امریکائی درمقدمه‌ای که‌برای کتاب «بحران‌اقتصادی وجنك سرد» نوشته‌است میگوید :

« نظم اجتماعی موجود را نمی‌توان به شکلی که بتواند خدمتگذار منافع مردم بشود ، اصلاح‌نمود. سرمایه داری بـا ناامیدی تمام بسوی ارتجاع گـرائیده و درلب پرتگاه واقـع شده است .حیات آینده سرمایه‌داری‌فقط درراه‌هرج ومرج اقتصادی شدیدتر، درراه فاشیسم و جنك میتواند ادامه یابد . حکـومت سرمایه انحصاری را باید عنان زد ودر مـرحله نهائی درهم شکست . سرمـایه‌داری را بایدبایك سیستم اقتصادی وسیاسی نوینی عوض کرد ...» (صفحه ۱۰)»

کتاب « بحران اقتصادی و جنـك سرد » صـرف نظر از نقایص کوچکی که دارد ، معـرف رشد فکـری مردم امریکاست‌و نشان‌میدهد که ایده ئولوژی نوینی در میان توده‌های امریکائی نفوذ نموده است .

ترجمه وانتشار این کتاب برای شناساندن امریکائی واقعی امریکائی که در میان ها ای از جملیات فریبنده پنهان شدهٔ ، ضروری‌است. ترجمه‌وانتشار « بحران اقتصادی وجنك‌سرد» بیشرفت‌صلح‌برسوا شدن افروزندگان جنك کمك میکنند امید است که این توفیق‌برای‌پیش‌تازان‌ایرانی صلح ودمکراسی حاصل گردد.

نخستین فیستیوال

بقیه ازصفحه ۱

مرتکب‌نمیشوند ؟

آیا جنایت‌نیست که مردم‌را ازدیدن چنین قطعه‌های عالی هنری بازدارنـد و فیلمهای تهوع آور و پست هولیوود را بخورد مردم بدهند مردم هنردوست‌ایران از دولت تقاضا دارند که هر چه زودتر موانع فیلم های عالی شوروی را در سینماهای تهران مرتفع سازد و بگذارد مردم ما ازتمدن عالی ونمونه‌های‌برجسته وشاهکارهای هنر مردم همسایه ودولت سوسیالیستی بهره‌برگیرند.

فستیوال فیلم های شوروی موفقیت عظیمی کسب کرده است و ما امیدواریم در شماره آینده ارزش مجموعه فیلم های نمایش داده شده را بـرای خواشنـدگان گرامی توصیف نمائیم.

ما به‌هنردوستان توصیه می کنیم که حتماً فیلمهای مزبوررا به‌بینند.

منظره جالبی ازوضع ...

بقیه ازصفحه ۲

این قدرت روز افزون باعث میشود که دستنشاندگان فیلی پینی قریه هارا از بین برده و خانه ها را آتش زده و صاحبان آن را در زندان جای دهند و نمونه این قریه های ویـران‌و سوخته شده در لوزن مرکزی زیاد دیده‌میشود. تانکها و خمپاره اندازهای امریـکائی بر ضد ایـن ارتش آزادی بخش مشغول اقدامات میباشند امامردم کمك‌های‌بیدریغ به این ارتش میکنند و قول نوشته‌جریده « شیکاگو دیلن نیوز » در تمام جهات که سربازان آزادی مشغول ستیزنداهالی و ساکنین از ارتش « هونك بونك » بعنوان‌ارتش‌نجات بخش استقبال‌مینمایند.

رادیوی مانیل چندی قبل اقرارنمود که امریکائیهاو دیگر خارجیها دراین کشور مثل آنست که روی بشکه باروتی نشسته‌اند و زیر سم ستوران امریکائی‌و هالشان قحط و غلا حکـفرما ونطقهای آزادی و وارستگی بسته میشود.

پست وزارت خارجه را که بشخصی بنام « بالوبرت » دست نشانده امریکا سپرده‌اند و قبلا فرماندار ایالت پانیانگا در لوزان مرکزی بود بواسطه اقدامات ضد بشری که انجام داده بود اهالی‌اورا آنروزها « ژنرال فرانکو پانیانگا » خطاب مینمودند .

امروز پس از ٤ سال هیئت دست نشانده واشنگتن و اربـابانشان اقـرار مینمایند که نمیتوانند با دخالت آزادی خواهان توده‌ها بجنگند و از این جهة از امریکائیهای بشر دوست درخواست دارند از تمدنی که بر اهالی کـره روا داشته اند برای اهالی کره روا داشته‌اند برای اهالی این سر زمین نیز بیدریـغ ارسال دارند و ترومن نیز هلنا خودرا داخل نبود و زمامداران امریکائی در قبال حقایق و سیر تاریخ چشم‌های خود را بسته اند.

امریکائیها باید بدانند و فراموش نکنند که نهضت‌آزادیخواهی را درفیلی بین و سایر کشور های آسیائی نمیتوان خفه نمود و روزبروز آتش‌این‌احساسات بیشتر زبانه خواهد کشید.

جوراب اورانوس

فقط یك جفت جوراب
اورانوس تهیه نمائید
تا مزیت آن از هرحیث
برشما معلوم گردد

دقت فرمائید جورابهای اورانوس دارای
علامت ستاره میباشد

عمده فروشی بازار دالان‌ماهو تفروشها
جزئی فروشی مغازه های معتبر

آژانس مترو ۱-۳

با اتوکارهای تك صندلی
وسیلی‌شرکت سهامی لوان تور
کـه تفریف در کرایه آن‌منظور
گردیـده به تمـام‌خطوط کشور

مسافرت کنید برای تهیه‌بلیط در تهران‌به شرکت سهامی لوان تور یا بنگاه وی بسرویس مخصوص شرکت واقع در خیابان ناصر خسرو تلفن ٤٤٦٦و در تمام شهرستانها به نمایندگان این‌شرکت مراجعه فرمائید .

بزودی در راه آزادی اثر معروف هواردفاست

ترجمه آقای ر ـ ناهور از طرف بنگاه مطبوعاتی صفی‌علیشاه

منتشر می شود

کسانی که هواردفاست را می‌شناسند و به ترجمه‌های‌آقای ناهور آشنائی دارند یقین بدانند تاکنون کتابی باین پرمغزی برشته تحریر در نیامده است .

نوید آزادی

مدافع حقوق زحمتکشان

بزودی منتشر میشود

چاپ سینا

دکتر کهن

پزشك بیماریهای درونی ــ کـودکان وآبستی صبح ها از ساعت ۸ الی ظهر وبعد از ظهرها از ساعت ۵ تا ۸ درمطب ۳ راه سیروس وبقیه ساعات در منزل واقع دربیدان ۲٤ــ اسفند ازبیماران پذیرائی مینماید

سدور

هفتگی-روش هشانا کیپور

و شالوش رغالیم صیصیت و تفیلین وارد شد

سفارش از شهرستانها با ارسال وجه پذیرفته میشود

کتابفروشی نسترین- خیابان نادری تلفن ٤٧٥٣ ۳-۳

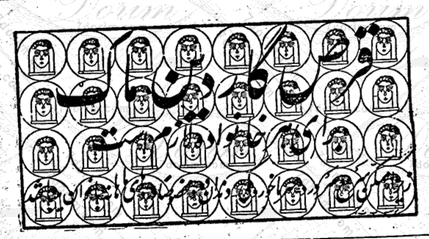

جهانگرد

بهترین وسیله ایست که با اتوکارهای لوکس وآخـرین سیستم در اسرع اوقات شمارا بمقصد میرساند

از تخفیف بهای بلیط های آن استفاده فرمائید .

اصفهان وشیراز	همه روز صبح وعصر
مشهد	همه روز
قم و محلات	همه روز
جهانگرد مرکز میدان بهارستان.	تلفن ۸۷۸۵
جهانگرد شعبه بازار خیابان بوذرجمهری ش ۲۰	تلفن ۵۹۹۲

باتوکارهای آخرین مدل

ایران پیما

همه روزه به گیلان گرگان مازندران...

نشانی: خیابان سعدی پشت بانك شاهنشاهی‌تلفن ۵۷۱۱

شعبه خیابان بوذرجمهری مقابل بازار آهنگرها ۷۲۹۱

«پامنار ۹۳۷۹

کشتیرانی نشید

اتوکارهای کشور تور همه روزه به چالوس ــ شهسوار ــ رامسر ــ رودسر لاهیجان ــ آمل ــ بابل ــ قم ــ اراك ــ ملایر ــ بروجرد ــ خرم‌آباد حرکت مینماید .

نشانی کشور تور پشت بانك شاهی ــ کاراژ سرچشمه رو بروی مسجد محمودیه

رشت	همه‌روزه
اصفهان	»
شیراز	»
تبریز	یکشنبه ــ سه شنبه ــ پنج شنبه
مشهد	همه روزه
وضایه	مستقیم بزودی

برای تهیه‌بلیط به ت‌ت‌خیابان شاه‌رضا ت‌ت‌چهارراه یوسف‌آبادو باشبات آن مراجعه فرمائید تلفن ۵۱۲۳

صاحب امتیاز ش انور

محل‌اداره سه راه سیروس

نهم ژانویه

منتشرشد حتماً بخوانید

نیمروز آن

شماره ۴۷ — ۶ مهر ماه ۱۳۲۹ — تکشماره سه ریال

نظر به تنزل جزئی بهای کاغذ قیمت روزنامه سه ریال میباشد

افکار عمومی ایران توسعه روابط اقتصادی

با اتحاد شوروی را جداً میخواهد

موضوع قرارداد تجارتی بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی هم اکنون مرکز اصلی توجه افکار عمومی ملت ما را بخود معطوف داشته است.

بقرار اطلاع رسمی که روزنامه‌های هفته پیش دادند قرار بود قرارداد نامبرده در یکشنبه همین هفته امضاء گردد و بدنبال آن مصاحبه رسمی از طرف آقای نخست وزیر با نمایندگان جراید و خبرگزار بها بعمل آید، ولی روز یکشنبه امضاء قرارداد تجارتی صورت نگرفت و مقامات وزارت خارجه اظهار داشتند که مقصود آنها از قراردادیکه روز یکشنبه امضاء می شود گویا قرارداد مودت ایران و ایتالیا بوده است. تعویق امضاء قرارداد و مخصوصاً اظهارات مبهم وزارت امور خارجه بیشتر بر سوءظن مردم ایران که جداً علاقمند به بسط روابط اقتصادی با همسایه شوروی ما هستند افزود و توجه عمومی را به جریاناتی معطوف کرد که از طرف مقامات خارجی و داخلی برعلیه قرارداد تجارتی ایران و شوروی بوجود آمده بود. بطوریکه در جرایه منعکس گردید، سفارت کبرای امریکا و مخصوصاً شخص گریدی سفیر کبیر برای تعویق امضاء قرارداد جدیت نموده‌اند. گریدی بطور رسمی به نخست وزیر ایران توصیه کرده است که امضاء قرارداد بازرگانی با اتحاد شوروی را تا رسیدن خبر موافقت بانک ادرات وصادرات آمریکا درباره دادن قرضه به ایران متوقف سازد. «استدلال» آقای گریدی این بوده است که درغیر اینصورت دیگر در صورتیکه قرارداد بازرگانی با شوروی زودتر از قرضه امریکا عملی گردد «حیثیت» امریکا در ایران از میان خواهد رفت و همه خواهند فهمید که تمام وعده‌ها و قول‌های امریکا سرتاپا دروغ بوده است. بقرار اطلاع جراید آقای رزم‌آرا نیز این خواهش غیرقانونی و مبتذل سفیر کبیر امریکا را پذیرفته و درباره انجام آن بوی قول داده است پس از آنکه اعلام گردید قرارداد روز یکشنبه امضاء میشود باز سفیر کبیر امریکا به تثبیت پرداخته و قول گرفته است که حتماً امضاء قرارداد بتعویق افتد. بنظر ما این جریانات غیر منطقی و سراپا تحمیل که حتی از طرف بعضی از روزنامه‌های نزدیک به مقامات دولتی عنوان میگردد بزرگترین دلیل بر ضعف و تسلیم دولت به سیاست‌های ضد ملی است و گرنه چه معنی دارد که سفیر کبیر امریکا چنین خواهش بی مورد بکند و

بقیه در صفحه ۸

ساعتی در اداره روزنامه نیویورک تایمز

درصفحه ٤

سیاست جنگ و سیاست صلح

در سازمان ملل متفق

پنجمین دوره اجلاسیه مجمع عمومی سازمان ملل متفق روز نوزدهم بنا بر در فلشینگ میدوز افتتاح شد. مقارن با افتتاح مجمع عمومی که وجود آن صرفاً برای حفظ صلح وامنیت جهانی است، سه وزیر امور خارجه کشورهای غربی برای تغریب بازهم بیشتر صلح، تهیه یک جنگ تجارتی کارانه برضد اتحاد جماهیر شوروی و کشورهای دمکراسی توده و تبدیل سازمان ملل به آلت جنگ و تجارتی بتوطئه جدیدی پرداخته بودند.

نتیجه این توطئه میتوانست بوداز تجدید سلاح آلمان غربی ومنضم ساختن آن به قوای مسلح بلوک تجارتی کارانه آتلانتیک وتنظیم پیشنهادها واقدامات جهت مسموم کردن محیط مجمع عمومی. نکته جالب توجهی که در تصمیمات وزرای خارجه اردوگاه امپریالیستی بچشم میخورد تصریح این امر است که کشورهای آتلانتیک هر گونه تجاوزی به آلمان (البته منظور آلمان غربی است) بمنزله تهاجم بخود تلقی خواهند کرد.

اگر درنظر گرفته شود که پیمان آتلانتیک امضاء کنندگان آن وامثلرم میکند که درصورت وقوع تجاوزی بیکی از اعضای پیمان بطور اتوماتیک وارد جنگ شوند، چنین تحریک آمیز این «تضمین» کاملا آشکار میشود.

زیرا که رفتار امریکا ودست نشاندگان آن در مورد جنگ کره واظهارات ترومن در مورد «تجاوز کمونیستی» بخوبی نشان میدهد که مفهوم حقوقی «تجاوز» بدانسان که از طرف کمیسیون مخصوص جامعه ملل تعریف شده وبطور کلی معنای خودرا برای امپریالیسم هارشده ومحتضر ازدست داده است. آتش افروزان آتلانتیکی جنگ، که ازاشتباهات واشکالات خودرو کره درس گرفته‌اند، این بار درصدد تهیه مکانیسمی هستند که باراده آنان بطور خود کار در آلمان بکار بیفتد.

«تضمین استقلال آلمان» بدین معنی است که هر وقت واشنگتن یک جنگ بین المللی را لازم دانست باتحریک یک جنگ داخلی شبیه به جنگ کره در آلمان، همه کشورهای عضو پیمان آتلانتیک را بیهانه دفاع از آلمان وارد عرصه جنگ کند. اعزام ده لشکر امریکائی به اروپا توام با اعطای استقلال سیاسی وحقوقی به آلمان غربی، از این حیث مفهوم خاصی پیدا میکند.

ولی آنان فقط به این دسیسه قانع نیستند. وزارت امور خارجه امریکا می خواهد علاوه بر آرتشهای اتحادیه های نظامی تحت امر واشنگتن، کلیه ملتهای عضو سازمان ملل را هم بجنگ بکشاند.

پیشنهادهای آچسن در مجمع عمومی، کاملا این منظور را آشکار میسازد.

دربرنگرام پیشنهادی امریکا بمجمع عمومی اولا ایجاد یک آرتش سازمان ملل متفق. وثانیا تشکیل فوری وفوق العاده مجمع عمومی (فاصله بیست وچهار ساعت) درصورت وقوع تجاوزی در هر نقطه از جهان تقاضا میشود.

قسمت اول این پروگرام بااساسنامه ملل متفق مغایرتی ندارد زیرا که تشکیل یک نیروی پلیس بین المللی در منشور سانفرانسیسکو پیش بینی شده ولی یگانه مقام صلاحیت دار برای فرماندهی این نیرو فقط وفقط شورای امنیت است. زیرا که بعلت ضروری بودن اتفاق آراء پنج کشور بزرگ امکان بکار

بقیه در صفحه ۸

در باره انتخاب آقای انتظام نماینده ایران

بریاست پنجمین دوره اجلاسیه مجمع عمومی

سازمان ملل متفق

انتخاب آقای انتظام سفیر کبیر ایران در واشنگتن و رئیس هیئت نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد، بریاست پنجمین دوره اجلاسیه آن سازمان ازنظر ایرانیان حادثه شایان توجهی است.

شاید بعضی از ساده‌دلان خوش‌باور که از چگونگی و پیچیدگی بازی های سیاسی تا اندازه ای بی خبرند ونمی توانند ریشه حوادث را آن‌چنان که هست ببینند تصور کنند که این انتخاب نشانه «شخصیت» بارز نماینده ایران و یا نشانه حیثیت و اعتبار دولت ایران در محافل بین المللی است.

البته دولت و روزنامه های دولتی می کوشند از واقعه ای که به باراده آن ها و نه باحترام آن‌ها پیش آمده است سود جوئی کنند.

آنرا بحساب توجه جهانیان به «روش دنیا پسند» دولت ایران گذارند و چنین وانمود کنند که گویا نمایندگان دولتهائی که در سازمان ملل متحد عضویت دارند باعتبار دولت ایران و نماینده‌اش دست بچنین انتخابی زده اند.

اندکی توجه بچگونگی کار سازمان و جریانهای سیاسی که در آن وجود دارد نشان می دهد که این تصور بکلی غلط است. دولتهای امپریالیستی امریکا وانگلستان با نفوذ اقتصادی و سیاسی که در دستگاه های حاکمه تمام کشور های سرمایه داری دارند و با خرید اعضای این دستگاهها

بقیه درصفحه ۷

خروش ملت خواهان آزادی

زندانیان سیاسی است

یکسال و هفت ماه پیش از این حیله گران استمرار برای تحکیم وتثبیت موقعیت خود، به توطئه وحشیانه ای دست زدند؛ هرچند که نقشه آنان باهمه مهارتی که در طرح واجرای آن بکار رفته بود بطور کامل و دلخواه عملی نشد، مذاقات هجومی که از پیش طرحش پخته شده بود آغاز گردید، مطبوعات ملی همگی بمعاق تعطیل افتادند جمعیت ها واحزاب تعطیل شدند وبدنبال این عملیات وبرای تکمیل آن گروهی از پراج ترین ودانشمندترین فرزندان میهن ما بزنجیر کشیده شدند، جرم اینها طبق «مقررات» این بود که از بر گزیده ترین وشرافتمند ترین افراد میهن ما بودند، جرم اینها این بود که انسانهای نمونه ای از بشردوستی و هنروکمال بودند و بالاخره گناهشان این بود که به تمایلات ضد ملی طبقات حاکمه روی ناخوش نشانده بودند.

بقیه درصفحه ۳

انتقاد کتاب

م. صبحدم

دختر سروان

اثر الکساندر پوشکین - ترجمه حسین نوروزی - قطع رقعی ۱۲۶ صفحه - ناشر بنگاه مطبوعاتی ناقوس - تیرماه ۱۳۲۹ - چاپخانه اقتشجهان - بها ۲۵ ریال

دختر سروان، یکی از آخرین آثار الکساندر سرگیویچ پوشکین نویسنده وشاعر هالیقدر روس است

پوشکین نه تنهایکی از نامدارترین وسرشناس ترین نویسندگان وشعرای روس، بلکه یکی از بزرگترین ادبای عالم بشمار میرود.

این شاعر نابغه از نخستین بنیان گزاران ادبیات عالیگیر روس بشمار می رود و پایه‌های ادبیات فعلی روس توسط قریحه عالی و نبوغ شگفت انگیز وی بنا شده است.

نویسندگان بزرگی مانند گوگول ودستایوسکی پوشکین را باستادی پذیرفته اند وا درنظر مجسم کرده باشد چیزی ننوشته و قلمی بروی کاغذ نگذاشته است.

این نویسنده هالیقدر همواره، در اولین فرصت نظر پوشکین را در باره

بقیه در صفحه ۵

اخلال در راه عقد پیمان

بازرگانی ایران وشوروی

ازآنهنگام که زمزمهٔ عقد قرارداد بازرگانی میان کشورهای ایران واتحاد جماهیر شوروی بگوش رسید همچنانکه انتظار میرفت، فعالیتهای خرابکارانه وکارشکنانه نیز آغاز یافت.

ملت ایران بارضایت بسیار و امید فراوان، اخبار مربوط بادامهٔ مذاکرات بازرگانی را دنبال کرد، زیرا علی رغم هرگونه دسیسهٔ دروغ پردازان، ماهیت سوسیالیستی کشور شوراها را می شناخت و بطبع ضد استعماری آن واقف بود، ملت ایران یقین قطعی داشت که باشروع روابط بازرگانی، می تواند روزهای خوشی را، دوضع اقتصادی خویش منتظر باشد و بروزگار پریشان امروز خاتمه یابد، ملت ایران که در اثر تاخت وتاز بیحسابانهٔ سیاستهای استعماری، در نتیجهٔ

بقیه درصفحه ۲

«سوگوت» عید جمع آوری محصول برای

اکثریت جامعه یهود ایران باچه شرایطی برگزارشد

این روزها مصادف باعید «سوکوت» یکی از اعیاد ملی یهودیان است.

قوم یهود در حدود ۳۰ قرن پیش در آن ایامی که هنوز اصول بردگی در بین آن پدیدار نگشته و اسلوب استفاده یک فرد از محصول کار و کوشش افراد بیشمار مفهومی پیدا نشده بود.

این روزها رابعنوان جشن جمع آوری محصول با شادی و سرور برگذار می نمود.

بقیه درصفحه ۲

ماگوشزد میکنیم!

بقیه درصفحه ۵

برای نجات اقتصاد ایران چه باید کرد؟

بقیه از صفحه ۱

اینک مبین ما بتاخگاه مصنوعات و محصولات مبتذل کشورهای سرمایه داری و استعماری بدل گردیده و سطح تولیدات داخلی بحد بی سابقه ای تنزل یافته است، کارخانه ها یکی پس از دیگری تعطیل می شوند، کشتزارها خشک و بایر میمانند، کله داری متروک میگردد و سیل گرسنگان و بیکاران بسوی شهر های بزرگ روی می آورند و در آنجا نیز جز گدائی، کاری در انتظار خویش نمی یابند، اینست دره جانفرسای اقتصاد ایران که سیاستهای استعماری فراهم آورده و بدینخانه همه جا با تسلیم، با قبول و رضای هیئت حاکمه ایران روبرو شده است.

اینک سالهاست که سیاست جهانخوار استعماری امریکا تنها بوعده کمک، تنها بپوی پول، دستگاه فرقانروای ایران را بدنبال خویش کشیده و کیسه فقیر ملت ایران را تهی کرده است.

چه بسا هیئت های اقتصادی که آمدند و رفتند، بمطالعات دامنه دار پرداختند واز آن همه، تنها هزینه های سرسام انگیز آمدورفت ومهمانیها وضیافتهای مجللرا برای ما باقی گذاشتند.

بانک «بین المللی» که بمثابهٔ آلتی درراه تنفیذ سیاست استعماری امریکا به کارمیرود، سالهاست که بوعده اعطاء وام، هیئت حاکمه «خوش باور» ایران را بدنبال خویش می کشد، دولت ایران که تقاضای وامی بمبلغ ۳۵۰ میلیون دولار نموده بود؛ نه فقط ثمره ای از کوشش بیحساب خویش نیافت بلکه منافع هنگفتی بجیب مأمورین اعزامی بانک مدکوررفت، چه بسا هیئت‌ها که آمدند ورفتند پرسشنامه‌ها که فرستادند وپاسخ ها که بردند؛ چه منتها که گذاشتند و چه خفتها که روا داشتند، اینک پس از همه کشمکشها، پس ازهمه آمدورفت‌ها، پس ازدریافت پاسخ ۱۱۱ پرسش که مستقیما ارسال داشته و ۱٤۰ سئوال دیگر که حضوراً توسط نمایندگان بانک مدکور بعمل آمد سرانجام اینست تصمیمی که بقرار اعلام روزنامه اطلاعات اتخاذ شده است:

«برنامه هائی که تا حال بوسیله متخصصین ایرانی وکارشناسان بنگاه مشاورین ماوراء بحار تنظیم شده هنگی حاوی طرحهای، عملی ومفیدی که باید درآتیه بمورد اجراگذارده شود میباشد، ولی چون این طرحها بتنهائی نمی‌تواند شامل آمار واطلاعات جامع ودقیقی از کلیه امور اقتصادی و اجتماعی کشور ایران باشد لذا این بانک نمی‌تواند با دریافت گزارشات هیئت اعزامی بطور قطع تشخیص دهد که عوامل و شرایط اقتصادی واجتماعی کشور ایران علاقتضمین حسن اجرای برنامه وطرحهای موردنظر را خواهد نمود یاخیر؛ وازطرفی چون گزارشات ارسال‌شده هم نمی‌تواند بعمومی وضعیف واقعی امور کشاورزی؛ حرفه های بدی، صنایع ومعادن، توزیع و پخش کالا؛ درآمد ملی وبودجه واقعی کشور امور بانکی و بازرگانی، بهداشت و کمک و بخصوص توانائی تشکیلات اداری و ملکتی و میزان کمک مردم در اجزاء برنامه و امثال چنین مطالبی را روشن نماید لذا فعلاً تا تکمیل و برطرف شدن نقص مطالعات انجام شده بخصوص تکمیل قسمت اعظمی از گزارش تفصیلی مشاورین ماوراء بحار راجع به برنامه هفت ساله، تقاضای ایران بایگانی میشود.»

این بود همه آنچه که از دویسه بسیار استعمار ملل فقیر و سر زمینهای اسیر بکار افتد، اما از اینحال چه استفاده ای میتوان کرد، حتی اطلاعات هم از قول سخنگوی سفارت امریکا می نویسد: «بنظر من اعزام متخصصین فنی بمراتب بهتر از دادن وجه نقد می باشد زیرا در حال حاضر هایا وکارگران و صنعتگران ایرانی باکمال مشقت کار می کنند اغلب محصول آنان فاقد ارزش اقتصادی بوده و بسیار ناچیز می باشد و در واقع بایستی گفت که رهبت و کارگر ایرانی نمی‌داند چگونه محصول خوب بدست می آید و کلیه محصولات و محصولات قبلی ایران از حیث جنس فاقد ارزش صادراتی و حتی مصرف داخلی بوده وکیفاوزر و کارگر ایرانی حتی از حداکردن محصول خوب از بد نیز بی اطلاع است وبایستی آن‌ها را راهنمائی کرد.

اگر بوسیله متخصصین فنی آن‌ها را راهنمائی کنیم در این نزدیکی وضع اقتصادی ایران بکلی تغییر خواهد کرد.»

بازهم متخصصین فنی! اینبار کارشناس، متخصص، مشاور مامور مطالعه و از اینقبیل برای پیشرفت مطامع امریکا کافی نیست. باز هم بایستی زیر عنوان «کمک» بکشور عقب مانده ایران، «متخصصین فنی» باینسرزمین گسیل داشت، باز هم بایستی کشور محروم ما را بیشتر عرصه تاخت و تاز مطامع استعماری قرار داد!

«فعالیت» حکومت ایران برای «بهبود» وضع اقتصادی تنها متوجه درگاه خداوندان دولار نیست، حکومت ایران با شرکت در کنفرانس «اقتصادی» کشور های اسلامی منعقده در کراچی که پایتکار مقامات دولتی پاکستان، دومینیون انگلیس تشکیل شده بود نشان داد که حاضر است بهمدردی بزند، بشرط آنکه متضمن سودی نباشد، بشرط آنکه در زیر لفافه ها و عناوین ظاهر فریب، هر چه بیشتر بر اغلاقات خلق ما بیفزاید!

اینک دومین کنفرانس اقتصادی مذکور در تهران تشکیل خواهد شد و اصولا معلوم نیست که برنامهٔ دولت ایران چیست و از کنفرانس مذکور چه امیدی دارد؟ آیا در کشورهای نیمه مستقل اسلامی از نظر اقتصادی چه کمکی بیکدیگر می توان کرد؟

ایران، افغانستان، پاکستان، ترکیه هربستان، عراق، کویت وازینقبیل که درشرایط تقریباً مساوند اقتصادی بسر میبرند چه یاری از کرده اقتصاد پریشان هم دیگر می توانند گرفت؟ همه کس میداند که مفهوم واقعی اینکه‌ونه کنفرانسها چیست وچگونه سیاستهای استعماری از اینگونه وسته بندیها سود می‌جویند ودرراه ارضاء مقاصد تجاوز کارانه خویش، در یک قسمت حساس جهان، درچهار راه شرق و غرب و محاورت دیوارهای اتحاد شوروی بهره می گیرند! هر جاکه امید خیری باشد هرگونه کارشکنی بکارمی رود وباینکه مدت هاست که مذاکرات اقتصادی با اتحاد شوروی ادامه دارد وهنوز سرانجام آن معلوم نیست کشوری که بنابر طبع اجتماع و اقتصاد وسیاست خود نمی‌تواند در روابط خویش باملل دیگر، جز راه برابری و مواسات جوید باقامات دولتی ایران برای ایجاد روابط اقتصادی وارد مذاکره شده وهر روز خبری از یک بهانه جوئی میرسد تا مانع حسن ختام کار شوند آقای نخست وزیر، ضمن مصاحبه درباره قرار داد بازرگانی ایران و شوروی گفتند:

«اینمذاکرات بطرز رضایتبخشی پیشرفت میکند، امضاء قرارداد بازرگانی بین ایران و شوروی فواید زیادی برای مردم ایالات شمالی ایران دربر دارد، ازاین ایالات. بازرگانان وکارگران مدتی است که برای تهیه کار بتهران رومی آورند.

ارتباط بازرگانی بین استانهای شمال وشوروی بنفع طرفین است زیرا مسافت بین آنها کم است واز طرف دیگر برای عدهٔ زیادی کار تهیه خواهد شد ومرا نجام موجب خواهد گردید که مهاجرین باوطان خود باز گردند وباین طریق باقتصادیات عمومی مملکت کمک شود...»

وحتی «تهران مصور» نماینده ارتجاعی ترین جناح طبقه حاکمه ایران اعتراف کرد که: دولت شوروی بدولت ایران اعلام نمود که حاضر است باشرایط بسیار آسانی مقدار زیادی کارخانه برای کارهای تولیدی باو ایران بفروشد درزمینه دیگر مذاکراتی هم که تا بحال بین ایران وشوروی جریان داشته سفارت شوروی شرایط بسیار آسانی پیشنهاد نموده است.

سفیر کبیر شوروی در یکی ازملاقات های خود با نخست وزیر صریحا گفته است دولت شوروی حاضر است کارخانه هائی باقساط باقیمت بسیار ارزان در اختیار دولت ایران بگذارد تادولت ایران دیگر محتاج نباشد برای این نوع کارخانه ها و وسایل تولیدی قرض کند.

پیشنهادات دولت شوروی آن قدر آسان است که دربعضی محافل دولتی گفته شده است هرطور ما بخواهیم شوروی‌ها حاضرند معامله کنند...»

درانصورت، هنگامی که مذاکرات اقتصادی با چنین کشوری پیش می آید وامید ایجاد روابط منظم تجاری در دلها زنده می‌شود، روابطی که نه بر اساس منجل فروشی بلکه کمک در بالا رفتن سطح تولیدی وغنای ملت ایرانست بهانه جوئی‌ها وکارشکنی‌ها آغاز میشود وبی دربی سنگ درسرراه می افتد!

اینگونه سیاست اقتصادی، سیاستی که براساس تسلیم بمطامع جهان خواران کین توزی نسبت بتیک خواهان بنیان یافته است جزراه فنا وزوال را نمی پیماید.

ملت ایران خواهان ترک قطعی این گونه رویه‌های خانه بنیان کن است، برای بهبود وضع اقتصاد ایران بایستی از پیروی سیاستهای خانمان سوز چشم پوشید وبایستی قطع امید از «کمک» سیاستهای مغرب که بنام دوستی پوست ازتن مردم ما برمیگیرند چشم بپوشید ودربی روابط متقابل، بر اساس منافع طرفین، رفت بایستی چیزی را بکشور وارد کرد که برای مردم ما مفید باشد، که برای مردم باقی بماند، که بتواند ازآن دروراه بالا بردن سطح تولید، در راه سامان بخشیدن بوضع نابسامان موجود کمک گیرند، بتواند صنعت مشرف بموت ایران را احیا کنند، که بتواند اراضی بایر را باصول علمی دایر سازند، که بتواند از منابع عظیم تحت الارضی بهره گیرند، که بتواند جنگل‌های تمربخش ایران را مورد بهره برداری صحیح قرار دهند، که بتواند از گله‌داری بشکل امروزی آن ثروت ملی بیافریند، که بتواند اجتماع و معاش خود را براساس مطمئن و برومند بنیان ریزند وسربلند و مفتخرانه اسیر وموهون سر برند.

این راهی است که بسر منزل نجات می پیوندد، این راه سعادت بخشی است که علی رغم هر گونه موانع، هر گونه اشکال تراشی، هر گونه تخریب بدخواهان، خلق ما سرانجام پایان خواهد برد.

نامه سرگشاده

بقیه ازصفحه ۱

دادگاه بدوی وتجدید نظرهم البته دستور شما رابموقع اجرا گذاشت، آیا چه منظور بود بهترین وجهی معمول داشت درصورتی که بجهات زیر تشکیل دادگاه وحکم آن باسامواز بین قانونی مغایرت داشت:

۱ - ماده واحده مصوب ۲٦ مرداد ۱۳۲۷ کلیهٔ شرکت کنندگان دروقایع آذربایجان وزنجان راباستثناء وزراء آن حکومت مورد عفو قرار میدهد.

۲ - برفرض محال که نتوان ما را مشمول ماده واحده خوانده اتهامی که دادستان بمناسبت داد «قیام مسلحانه برضد مملکت» یعنی ماده ۳ قانون مجازات مقدمین برعلیه امنیت واستقلال مملکتی مصوب ۲۲ مرداد ۱۳۱۰ است که باستناد ماده ۱ قانون دادرسی و کیفر ارتش و ماده واحده مصوب آبان ۱۳۲۲ ومستفاد از بند ۳ ماده ۲۰ آئین نامه صلاحیت محاکم حکومت نظامی مصوب ۱٦ مرداد ۱۳۲۲ رسیدگی آن درصلاحیت دادگاه دادگستری است بخصوص که بموجب فرمان عمومی ۹۰۵۱۰ - ۱۱ درسال ۱۳۲۵ قبل از وقایع آذربایجان از خدمت نظامی اخراج شده وبنابراین عنوان «نظامی» را از دست داده بودیم.

بنابراین دادگاهانی که ما را به جسباهای طولانی محکوم کرده است هیچ گونه صلاحیت رسیدگی نداشته است.

اگربعضی ازبست پروندهٔ اتهامی ما را بعنوان عالی کشور احاله نمایند تا آنکاه غیرقانونی بودن احکام صادره دو محاکم نظامی آشکارتر شود.

جناب آقای نخست وزیر تصدیق خواهند فرمود که قضات محاکم دائمی نظامی چون استقلال ندارند وتابع امر مافوق هستند وبلاوه داد گاهی برای رسیدگی بتخلفات قانونی آنان موجود نیست از اینرو هرچه مافوق بگوید بانجام می رسانند وبلاوه اساسا برعایت قوانین مملکتی تقید ندارند و جز امر ما فوق کاری انجام نمیدهند واما اینکه ما راباعدام تهدید کردید عقیده داریم که حرفی قانونی نبوده است شاید حق داشتید این تهدید را برزبان آورید زیرادرحکومت مشروطه که شما اینک نخست وزیر آن هستید هرگز کسی را بدون محاکمه ودفاع یک ساعت حبس محکوم نمیتوان کرد چه رسد باعدام وبی شك مصلحت شخص شما هم اینست که از تفوه بنظایر این عبارات خود داری فرمائید.

شادروان دان دزبان ومجلس سنا ما را «خائن» نامیدید، محققا کسانی بمملکت خود خیانت میورزند وکسانی شایستگی عنوان «خائن» را دارند که میلیون‌ها ریال ذخیره دارند وزندگانی آماده دارند وتامین دارند وآنانکه ایام جوانی خود را بادستبند وبابند حکومت نوری سپید باشد بسر میآورند ویك خانه خشت وگلی هم ندارند دوستان ملت ونگهدارندان مملکتند.

جناب آقای نخست وزیر! مجلس شورای ملی شرکت کنندگان وقایع آذربایجان را عفو کرده است

ماچیزی جز اجرای قانون نمیخواهیم شما اگر درشول این قانون حرفی دارید بروید. ما را بدیوان عالی کشور بفرستید تاملوم شود حکمی که با وجود تصویب قانون عفو درباره ما افسران وطن دوست صادر شده است تا کجا با موازین قوانین کنونی کشور منافات دارد.

باکمال بیصبری منتظریم که باظهارات مارسید گی وهرچه زودتر ترتیب استخلاص ما را فراهم نمائید.

- محمود تیوای - جواد ارتشیار
- ابوالحسن نفرشیان - مرتضی زربخت
- علی اصغر احسانی.

ساعتی در اداره روزنامه نیویورک تایمز

سر دبیر نیویورک تایمز میخواهد چنین نشان دهد که نیویورک تایمز اکنون از «کوششهای یکجانبه» صرفنظر نموده «مسائل زیادتری را در محیط وسیع تری بررسی مینماید» «نسبت بعقاید دیگران بردباری بیشتری بخرج میدهد» و «برای سرخها سم پاشی نمیکند». ولی در مورد مطبوعات مانند سایر کار های خارجی نباید برای حرفها و اعلامیه ها اهمیت زیادی قائل گردید بلکه باید از روی مدارک قضاوت کرد. و مدارک بنوبه خود نشان میدهند که هم در مسائل سیاست خارجی و هم در مسائل سیاست داخلی امریکا روزنامه «نیویورک تایمز» کاملا در جناح راست قرار گرفته است. مادر این روزها در نیویورک شاهد وقایع مهمی بوده ایم و بخوبی میدیدیم که نیویورک تایمز آنها را چگونه تلقی میکند.

بدینطریق ما می بایستی از لابراتواری دیدن کنیم که در جریان سالهای متمادی طبقه حاکمه امریکا بوسیله آن «افکار عمومی کشور را» بنفع خود تولید و هدایت میکند. ما همچنین میدانستیم که صاحبان نیویورک تایمز از بذل طلا در راه تکمیل فنی این لابراتوار ابا ندارند و میگویند که اکنون برای موسسه نیویورک تایمز ارزشی متصور نیست زیرا هیچ میلیاردی در امریکا پیدا نمیشود که قادر بخریدن آن باشد.

آشنائی با چنین موسسه که مجهز به آخرین و کاملترین سیستم ماشینهای چاپی میباشد برای ما بسیار آموزنده و جالب توجه بود.

آسمان خراش سه گوشه ای و باریک نیویورک تایمز چون چاقوئی سر بآسمان کشیده و میدان (تایمز سکور) را در مرکز مانهاتان واقع شده از روبرو مسدود میکند از چپ و راست بترتیب خیابانهای «برودوی» و خیابان هفتم در میان ساختمان های بلند چندین اشکوبه منشعب شده و در روی کف آنها چون دره عمیقی سیل ماشینها بدون توقف در حرکتند. اعلانهای بزرگی خانه ما را بهم فشرده هزاران چراغ قوی چشمك میزنند.

آسمان خراش نیویورک تایمز در بلندی طبقه ششم دوش با روزنامه برقی معاصره شده و در تمام ۲٤ ساعت حروف الکتریکی در هر سه طرف سوسوزده و آخرین اخبار را بتابلوهایچیان اطلاع میدهد ولی خود روزنامه در اینجا چاپ نمیشود، طبقات متعدد آسمان خراش برای ادارات کمکی روزنامه ودفتر قبول آگهی ها تخصیص داده شده. خود اداره و چاپخانه نیویورک تایمز در ساختمان بزرگ دیگری که در همان نزدیکی در کوچه ساکت و بدرختی واقع شده مستقر گردیده.

پس از عبور از دالان کوتاه تاریکی ما بوسیله آسانسور بالا آمدیم و وارد سالن بزرگ سرباز خانه مانندی شدیم که از هر جهت شبیه کارگاه کارخانه بزرگی بود.

تمام اداره روزنامه در این سالن جا داشت و وضع آن بخوبی نشان میداد که این سالن بهیچوجه منبع هنری و مرکز ایجاد فکر زنده نمی باشد.

مادر میان سالن کارخانه ای قرار گرفته بودیم که اینده ها را طبق دستور و سفارش اربابان خود کنسرو بزه کرده و بدون دورنك ببازار عرضه میدارد.

صدای تك تك ماشینهای تحریر بر خود کار که اخبار جدید کشورها را ثبت میکردند از سالن کناری بگوش میرسید مخبرینی که تازه از راه رسیدهٔ بودند گزارشهای خودرا با ماشین تحریر مینوشتند متصدیان رادیو و کارکنان لابراتور عکاسی بادقت بسیار مشغول کار بودند و روسای دوایر چون استادان کارگاه در میان میز ها باهستگی قدم میزدند.

تمام عملیات در اینجا مانند سایر کارخانجات امریکا که کالاهای زیاد تولید میکنند بطور اتوماتیك جریان دارد.

وبدین ترتیب محصولاتی که جریان اداری واطی میکنند دارای تمام خصوصیات کارخانه مذکور یعنی «کارخانه نیویورک تایمز» میباشند.

اخباری که مدام توسط تلفون، تلگراف، رادیو و یا مستقیما توسط خبرنگاران بدفتر روزنامه واصل میگردند بیدرنك بدوایر مالی، حرفهٔ، شهری، حومه شهری، داخلی و خارجی و ورزشی، فرهنگی متوقیات و نکاهی فرستاده میشوند.

در آنجا مواد خام را برای اولین بار کنترل میکنند. اخباری که بدرد نیویورک تایمز نمیخورند توی سبد ها انداخته میشوند و آنهائی که برای نیویورک تایمز و اربابانش مثمر ثمر میباشد و منافع آنها را منعکس مینماید در هانجا اصلاح گردیده و به کالای نا تمام مبدل میشوند.

بعد از ۱ — ۲ دقیقه اخبار به قسمت دیگر کارخانه که در قسمت انتهائی سالن واقع شده انتقال مییابد.

در آنجا مواد (نعل) مانندی قرار دارد و ٦٤ نفر کارمند در پشت آن نشسته اند کارکنان اصلی روزنامه همین ها هستند.

سه نفر سردبیران روزنامه یکی در وسط و دو نفر دیگر در دو سر میز جای گرفته اند و هریك مشغول انجام کارهای مختص بخود میباشند.

اخبار داخله نزدیکی و اخبار شهری نزد دیگری و اخبار خارجی نزد سومی انباشته میشود نزدیکی کنار سردبیران معاونین آنها که از گروگان قدیمی مطبوعات هستند و معنی کلمات ناتمام روسای خود را بخوبی درك میکنند نشسته اند.

اخبار در امریکا بسیار ساده و یکنواخت تهیه می شوند معنی اصلی آنها در تیترهای چندین اشکوبه خلاصه میشود.

تعبیه خبررا با حروف بسیار درشت در بالای صفحه چاپ میکنند ودر سر سطر پائین تر توضیحات بیشتری با حروف ریز تر داده میشود و قسمت بقیه که با حروف بسیار ریز چاپ شده اطلاعات وسیعی در دسترس خواننده میگذارد در اینجا دیگر کار مربوط به خود خواننده است اگر وقت کافی و حوصله داشته باشد تمام مندرجات را می خواند و یا توضیحات مختصر بالا را مرور میکند و یا فقط بخود تیتر میپردازد.

وظیفه سه نفر سر دبیر و معاونین آنها این است که غذای لازم را برای خوانندگان خود آماده ساخته و درهرش مدت قلیلی تیترها را تهیه نموده واخبار را باسر فصلهای مهیجی میامیزند.

اما وظیفه سر دبیران و معاونین آنها با اصلاح فنی اخبار واصله خاتمه پیدا نمی کند.

وظیفه آنها مودبانه تر و مشکل تر از اینهاست.

آنها اخبار را با الفاظ ادبی سایه میزنند و هر خبری را که بخواهند بشد خودش مبدل میکنند.

البته بعللی معلوم ما امکان ملاحظهٔ جریان اینکار را نداشتیم ولی هر روز در روزنامه چیزهائی میخواندیم آنکه با آنچه که دیده بودیم بکلی تفاوت داشت.

همشهری سردبیر و ناشر «نیویورک تایمز» ویلارد که خود سابقا ناشر روزنامه بود در کتابی بنام «روزنامه درحال ضرر» بی غرضانه شهادت میدهد که چگونه هیئت تحریریه خبر فرستاده شده توسط هربرت ماتیوس خبرنگار نیویورک تایمز را معکوس نموده و بچاپ رسانید. هربرت ماتیوس در موقع جنك داخلی اسپانیا خبری مخابره نمود حاکی از اینکه فرانکو را سربازیه های متجاوزین خارجی نگاه داشته اند.

در جائی ماتیوس از حمله واحدهای فاشیست خبر داده مینویسد که: «اینها واحدهای ایتالیائی بودند». در روزنامه البته این جملات درج نشدند. بجای آنها مطالب بکلی مخالفی گنجانیده بودند: «اینها واحدهای شورشیان و نقطه شورشیان بودند»

و بلا ورد اضافه میکند که این ماجرای کثیف بوسیله روزنامه ای که زمانی مغفیانه بوسیله کارمندان «نیویورک تایمز» منتشر میشد علنی گردید. نامه مزبور بیشتر اوقات این قبیل اسرار هیئت تحریریه را برملا میکرد.

سردبیران و معاونین آنها بدون اینکه کمر خود را راست کنند مشغول کار هستند. در بالای سر آنها در تمام طول میز دستگاه نقالهٔ سیدهای کوچکی عین همانهائیکه اخبار آقای مدیر قلم ابدی خود را دست گرفته امضاء برائی میکند آنروز آقای مدیر سه ستون از اخبار دایره خارجه و یکی یك ستون از اخبار دوایره مالی، شهری و متوفیات کسر نمود.

وقتی که قطع روزنامه تقریبا مشخص گردید.

مالك کوی با معاون خود مشغول صفحه بندی نمونه ای میشوند تا معلوم شود کدام اخبار باید در صفحه اول و کدام اخبار در صفحات بعدی قرار بگیرند درباره چه وقایعی باید پروپاگاند کرد و کدام تیترها را باید با حروف درشت بچاپ رسانید تا افکار خواننده فردا متوجه آنها بشود.

آن شب اخبار هیجان آوری وجود نداشتند و مالك کوی صفحه بندی را طوری مرتب نمود که چند خبر پهلوی هم قرار بگیرند و تبعیضی درباره بعضی از آنها واقع نشود.

برای دو واقعه مهمتر آقای مدیر خبری درج کرد اولی حاکی از این بود که ممکن است کمیسیون شورای امنیت به بالکان اعزام شود و دیگر اینکه در مسابقات فوتبال افتضاح بزرگی شده میخواستند بازیکنان تیم هیکاکورا رشوه خور نمایند.

در همین صفحه اخبار دیگری نیز وجود داشتند از قبیل: دیوئی کاندید انتخابات ریاست جمهوری نیست. فرود گاه لاگاردیا در اسرع اوقات باید تجدید ساختمان بشود. ترومن پیشگوئی میکند که سال بسر برکتی خواهد بود! همه مشغول کار خواهند شد. در هارلم ترست جنایتکارانی کشف گردیده که مواد مخدره میفروختند واینکه سناتور بیلبو خودرا در رشوه خواری مقصر نمیداند.

وقتی نمونه صفحه اول حاضر شد مالك کوی ومعاونش بصفحات دیگر پرداخته ومقالات را درستونهائی که بوسیله آگهی ها اشغال شده بودند جامیدادند.

آگهی ها همانطور که میدانید در مطبوعات امریکا تقریبا نصف ستونهای روزنامه را اشغال مینمایند ودرمقابل اخبار حق تقدم دارد.

آنها قبلا تهیه میکردند واداره آگهی ها اصلا با اداره روزنامه ارتباط ندارد.

حتی حروف چینهائی که آگهی ها را تهیه میکنند با حروف چینهای اخبار فرق دارند ودر اتحادیه دیگری عضو هستند.

مدیر مطبعه مجبور است نمونه صفحه بندی آگهی ها را از دایره آگهی ها گرفته و اخبار را طوری جا بجا کند که ستونهای آگهی ها دست نخورند.

یکی پس از دیگری نمونه های صفحه بندی تمام ٥٢ صفحه روزنامه بمطبعه میرود و در آنی کار پر حرارتی شروع می شود.

حروفچینها با حداکثر سرعت کار می کنند. ساعت هفت عصر مطالب روزنامه را به مطبعه می دهند و ساعت ده وربع چاپ اول روزنامه برای فروش حاضر و آماده می شود فرماندهی کل ارتش حروف چینها و صفحه بندها بعهده معاون اول مدیر شب واگذار شده این مرد تاسش ماك نیل است شانه هائی پهن دارد اخلاقش بسیار آرام است و در اداره او را (بول بن) یعنی قلم گاوتر نام داده اند.

قلم بی رحم او از مقدار ستونهای اخبار وقتی که طبق نمونه داده شده در صفحه جای نگیرند بی ملاحظه کسر می کند.

او بزرگ گران باران دیده مطبوعات است:

۲۹ سال است که شب کار می کند. دیل ساعت ۹ شب سر کار می آید و تا ساعت ٤ بعد از نصف شب در اداره می ماند.

بقیه در شماره آینده

ترجمه: از مطبوعات خارجی

«گوشزد میکنیم»

ما بنام میلیونها نفر،
میگوئیم
گوشزد میکنیم،
بشما!
«بشما آتش افروزان جنك»
که در اتشهای یاران خود،
غوطه نخورید

. . .

ساعت خوبی نیست
ما را بخونریزی
تهدید نکنید

. . .

زمین مستعد است
هوا مساعد است
آب مواج است
آتش سرکش است

. . .

امید ها، آرزوها، را
تفته کنید
با دست حقیقت
خوشبختی انسانها را
بکوبید

. . .

اما، اسرار شما!
اسرار شما! . . . .
دگر اسراری نیست

. . .

ما پشتیبان صلحیم
آماده بجنك
جنك با جنك
جنك بر ضد جنك

. . .

چاره چیست ؟!
بیمهای خود را
برسر خود
منفجر کنید!

. . .

چاره چیست ؟!
در زیر پای خود
زمین را
آتش بزنید!

. . .

بچه های عزیز ترانرا
زنده در گور کنید
در آتش جنك بسوزانید

. . .

جنك اول . . . .
دوران سیاه
اسلاف شاهانرا
معدوم کرد

بقیه در صفحه ۷

قطعاً اگر دیروز من این خبر را در وضع با حالت دیگری دیده بودم حالا باشا خیلی نرم تر و آهسته تر از این صحبت میکردم. باید هم در آهنك صحبت من حالت خواهش والتماس احساس میکردید. ولی نه، دیگر امروز من باید خیلی جدی حرف بزنم. حالا که من این خبر را از آن دهان کثیف ونتهم کننده، در زیر برق یك جفت شیشه عینك حلقه سیاه باآن طرز مزورانه وبست، شنیده ام، دیگر راضی نیستم حالت زبونی والتماس ازخود نشان بدهم.

امروز حس میکنم که سختی ها ومحرومیت های فراوان زندگی غرور دخترانه مرا عمیقتر، یا کشر و سنگین تر کرده است. میتوانم مثل یك مرد، یك مرد زنده و جسور باشما صحبت کنم.

قیافه او، این مردی که مرا بپای میزش آورده بود نه ابدا زننده نبود.

شاید هم اگر در آن اطاق تقریبا تاریك که همه اشیاءش تیره رنك و کثیف بود وپنجره های آنرا پاپیله های ضخیم وسیاهی پوشانده بودند، نبود، قیافه اش مطبوع وقابل پسند بنظر میامد. نه، از آن قیافه های سوخته واستخوانی و ترباکی پلیس کشور های شرقی نبود. چهره ای سفید جوان وغریب داشت.

باوجود عینك بزرگش، چشمان او کمی ریز بنظر میرسید. بی هیچ دلیلی از آنجا میترسم، هم ترس دارم وهم نفرت. دیروز هم خودم رفتم، مرا بردند.

نخست ترسیدم. بعد باخود گفتم محققاً اشتباه کرده اند. تنها نگرانی من برای مادر وبرادر کوچکم بود. فکر های پریشانی داشتم. اما وقتی بآن اطاق داخل شدم سعی کردم که آرام باشم.

چند سوال راجع باسم وشغل ومحل اقامتم کردند. آنگاه آن یك جفت شیشه سفید عینك با برق زننده اش که نگاه مرا میکشت بطرز وحشتناکی بصورتم نزدیك شد و آن دهان گوشتالود سرخ رنك بدبو، باهوای گرم ولحن مسخره کننده واحمقانه اش بمن گفت:

— شما را باتهام همکاری با جاسوسان و خائنین مملکت جلب کرده ایم!

بالحنی که بهیچوجه اراده در آن نمیتوانست تصرف کند پرسیدم

— همکاری باجاسوسان؟

خواست پوز خندی بزند ولی قیافه جدی وگرفته من باو اجازه نداد.

در آن لحظه او رابیچاره ترین وپست ترین مردم دنیا میدیدم ودرهمین حال، وضع وروحیه خودرا درست نمیتوانستم درك کنم. کینه بود یا خشم، بهت بود یا تاسف، شاید همه اینها بود که با کمال شدت خودروح مرا میفشرد واعصاب مرا میلرزاند. کوشیدم آرامش خود را بدست آورم.

اما او باز بایشرمی تمام پرسید:

— آیا صحت این اتهام را تصدیق میکنید؟

خواستم بخندم. اما بغض مفرطی گلویم را میفشرد و نزدیك بود خفه ام کند. خودراجمع کردم. بالحن تقریبا قاطعی که لرزش سنگین آنرا خود نیز احساس میکردم گفتم:

— هروقت کوچکترین دلیلی نشان دادید من همه اتهامات شما را قبول میکنم.

— البته اگر مدارکی دردست نداشتیم شما را احضار نمی کردیم.

بااطمینان تمسخر آمیزی گفتم:

— بسیار ممنون خواهم شد اگر یکی از آنها را بمن نشان بدهید!

لحن صحبت من اورا اذیت میکرد پرونده ای را که روی میز گشوده بود ورق زد. باکتمی ازمیان آن بیرون آورد و بیدرنگ خانه گفت: — این!

من این باکت را هرگز ندیده بودم. باحیرت وترس چلو رفتم که آنرا بگیرم. اما او که بادقت مزورانه وشیطانی بمن مینگریست دست خودرا عقب برد. گفتم:

— من این باکت را نمی شناسم.

— خط آنرا چطور؟

— هنوز ندیده ام. باید ببینم.

یك قسمت از بالا باکت که نشانی بیمارستانی که در آنجا کار میکنم نوشته شده بود، بمن نشان داد. خیلی دقت کردم. ولی نشناختم. گفتم:

— نمی شناسم.

پرسید: — باچه اشخاصی مکاتبه دارید؟

— بعد از مرك برادرم باهیچکس

— برادرشما کجامرد؟

— در سربازخانه

— چرا؟

— معلوم نشد!

چند لحظه سکوت در آن اطاق تاریك حکمفرما شد. شیشه اتومبیلی که در خیابان، مقابل وزارتخانه روبرو پیچید نور آفتاب را برای یك لحظه بدرون اطاق تابانید و بازباخود برد.

پرسید: — مطمئن هستید که باهیچکس مکاتبه ندارید؟

یك لحظه فکر کردم وجواب دادم:

— باهیچکس!

— این نامه را بشما نوشته اند؟

— نه بدام!

میتوانید حدس بزنید چه کسی نوشته؟

— نه!

— این جواب نامه ایست که شما باو نوشته اید!

— من بهیچکس نامه نوشته ام.

بازسکوت، سنگین تر ازدفعه پیش برقرار شد. اونمیدانست دیگر چه بگوید ومن هنوز میل نداشتم که زودتر این مسئله روشن شود. اصرار نداشتم که این نامه را که ظاهرا بمن نوشته شده بود، بخوانم. اما ناگهان حدس مبهمی درباره نویسنده آن پیدا کردم. آیا ممکن است آن دانشجوی پزشکی که در بیمارستانی که من آنجا پرستارم کار آموزی میکرد، این نامه را بمن نوشته باشد ولی روزی که اوبا من وداع گفت ابدا در این باره اشاره ای نکرد وحتی دربرابر خواهش لجوجانه من سکوت کرد، وچون باز اصرار کردم آهسته گفت: — مصلحت نیست!

حالا اشتیاق شدیدی داشتم که بدانم آیا این نامه را اونوشته است؟ زودتر خط اورا که هرگز ندیده بودم ببینم. اوه! این نامه واز کجا نوشته است؟

آیا حتما از خود اوست؟.. نه، دیگر تردید نداشتم که این نامه را خود اونوشته وهمه این ماجرا ها، این تحقیق ها، این جستجوهای کودکانه، همه بخاطر اوست، بخاطر او که «مظنون» بنظر میرسید.

...

داستان

بقلم: ر. صحرائی

از مرز گریخته

کار من، پرستاری کار خسته کننده و کسالت آوری است مخصوصا اگر در بیمارستان های شلوغ، کثیف و بی نظم دولتی باشد ولی من مجبورم که این کار پرمشقت شبانروزی را برای اعاشه مادر علیل وبرادر خردسالم تحمل کنم.

این کار پررنج، لطف زندگی را در من کشته است، حتی شکل چهره دخترانه مرا عوض کرده است.

من هرگز نمیتوانم شوهر کنم: هیچ شوهری باادامه کار من در بیمارستان — مخصوصا اگر بدانکه در آمد ماهیانه ام را بباید بخرج مادر وبرادر برسانم — موافقت نمی کند، وخود او هم حاضر بتامین معاش آنها نخواهد بود آری، این آرزو، آرزوی شوهر داشتن زن شدن، مادر شدن زارها کرده ام. برادرم اقلا تا دهسال دیگر سرپرست لازم دارد. ومادرم... اوه!... بهیچوجه حاضر نیستم که حساب کنم تا چند سال دیگر زنده خواهد ماند... بگذارید او همیشه زنده بماند. من این بار سنگین زندگی را تا ابد باصبر و گواراتی تحمل خواهم کرد.

من در بیمارستان خیلی چیزها می بینم: از فقر و بی نوائی، از بیماریها ودردهای طولانی ومزمن مردم که فشار زندگی هرگز بآنها مجال حال پرسیدن ازخودشان را نداده است. گاهی فکر میکردم که باید وضع همینطور بماند ولابد همه جای دنیا همین طور است. گاهی فکر میکردم که ممکنست اصلاح بشود. ولی دیگر مدتها بود که این امیدواری را ترك کرده بودم.

شبها وقتی بخانه میروم آنقدر خسته هستم که همه آنچه را که دروز دیده ام ازیاد ببرم: همه مریضهائی که تازه آمده یا ماههاست که آنجا خفه اند وهنوز دردهان تشخیص داده نشده است، همه دکترها، همه دانشجویان پزشکی، همه روسا، پیش خدمتها... یکروز دراطاق عمل جریان تازه ای پیش آمد: جراح بیمارستان که گویا استاد دانشکده پزشکی هم هست، پهلوی مریضی را که بیهوش کرده بود، می شکافت. در حین عمل راجع بهر قسمت برای دانشجویان که اطرافش جمع شده بودند توضیحات میداد. منهم آنجا بودم و گوش میدادم. یکی ازدانشجویان که بارها باقیافه جدی و قدری عصبانی وکاملا بی تظاهر اورو برو شده بودم، از استاد جراح چیزی پرسید ویك اصطلاح علمی نیز بکار برد که من معنی آنرا نفهمیدم.

استاد چند لحظه دست ازکار کشید، باوقت وملایمت باو جواب داد. بعد درحالیکه دوباره مشغول کار میشد گفت:

— آفرین! سئوال خوبی بود... شما باید تشخیصتان قوی باشد یکی ازدانشجویان، یك آقازاده، باپوزخنه گفت:

— البته فقط درمورد امراض!

او طاقت نداشت تمجید معلم را از همدرسش بشنود. او آنطور که ظاهر و اسمش نشان میداد ازاعیان بود وکاملا از خود راضی بنظر میرسید. میخواست همه باو احترام کنند. لحن صحبتش همیشه زننده و غیر قابل تحمل بود.

پزشك جراح از حرف او تعجب کرد و پرسید:

چطور؟

آقازاده لوس جوابداد:

چون در مسائل اجتماعی تشخیص او کاملا غلط است.

یکی دو تن از دانشجویان خندیدند و چند نفر دیگر سخت اعتراض کردند. زمزمه های موافق و مخالف شنیده شد. ناگهان همان دانشجوی بی تظاهر و عصبانی که سوالش مورد تمجید واقع شده بود با صدای نسبتا بلند و کمی خشن گفت:

من ممکنست بتوانم ثابت کنم که تشخیصات اجتماعی من از تشخیصات این آقا خیلی صحیح تر و منطقی تر است ولی البته نه به خود ایشان. ایشان را فقط آینده میتواند متقاعد کند، آینده ای که اگر آنها هم چیز ما را بگیرند دیگر آن را نمیتوانند بگیرند...

اما آینده چقدر سخت و بیرحمانه آن ما را متقاعد خواهد کرد...

سکوتی سنگین و مقدس در اطاق حکمفرما شد. جراح نگاه دقیق و احترام آمیزی باو کرد، هیچکس چیزی نگفت. پزشك باز بکار خود ادامه داد.

...

«آینده را نمیتوانند از ما بگیرند»

این کلام آن روز و آنشب چند بار بذهنم آمد. اما معنی آن برایم مبهم بود، و تاثیر آن را نمیتوانم بتاثیر یك شعر عمیق یا یك آواز پرشور تشبیه کنم. چنان بود که از خواب ملایمی بیدار شده باشم.

ولی هنوز نمی فهمم که در کجا هستم و چگونه بیدار شده ام! مثل اینکه میل داشتم فکر کنم، اما خستگی مدتها چندین ساله ام هر نوع کوشش فکری را مانع میشد. معهذا از این حال که داشتم لذت میبردم لذتی مبهم و غیر محسوس مانند امیدواری به یك چیز نا معلوم...

شاید اگر دیگر آن جوان دانشجو را نمی دیدم این کلام را فراموش میکردم. ولی از فردای آن روز هربار که او را بربالین بیماران یا در داروخانه یا در اطاق عمل می دیدم گفته یا حسارت و عصبانی او بیادم میآمد. خیلی ساکت بود و کم حرف میزد. همیشه کتابهای متعددی با خود داشت. نسبت بپرستاران دلسوز و مهربان بود. من احترام خاصی نسبت باو پیدا کردم و یکروز بی اختیار باو سلام گفتم و او با تعجب بمن جوابداد:

تصادفی که باعث آشنائی نزدیك من و او شد از این قرار بود. بفاصله یك هفته از این واقعه یکروز که او جزوه های درسی و کتابهای خود را روی میز کنار تخت خواب یکی از بیماران گذاشته ورفته بود. من با کنجکاوی زنانه ای آن ها را برداشتم و ورق زدم. می خواستم ببینم او چه چیزهائی می خواند که در نتیجه عقیده اش با دیگران فرق دارد فقط دوتا از این کتابها درسی نبود.

روی یکی نوشته بود:

«تاثیر لهجات های ملی در تحولات تاریخی»

روی دیگری: «انسان نوین». از اسم این کتابها چیز زیادی نفهمیدم. یکی را باز کردم از وسط کتاب شروع بخواندن کردم.

این قسمت برای من کاملا قابل فهم بود از قیام طبقه غلامان روم قدیم بحث میکرد و من از ایام مدرسه با تاریخ آن دوره مختصری آشنا بودم. شرح دقیق و مهیجی بود در چند دقیقه سه صفحه آن را خواندم.

دراینموقع صاحب کتاب رسید ومن آنرا بستم وروی میز گذاشتم شاید از خجالت قدری سرخ شده بودم.

او ایستاد و با کنجکاوی پرسید:

چرا کتاب را بستید؟ بردارید و بخوانید... اشکالی ندارد... این کتابها را باید همه کس بخواند.

من چیزی نگفتم حتی تشکرهم نتوانستم بکنم. او کتاب را برداشت و گفت:

بگیرید برای رفع بیکاری هم شده است آن را بخوانید.

من نگرفتم و گفتم:

متشکرم هیچوقت بیکار نیستم.

با لحن تقریبا آمرانه ای گفت:

چرا، هیچهای کثیف بیکاریه بلاوه می توانید ببرید منزل بخوانید.

من کتاب را گرفتم و او رفت.

آیا من توانسته بودم مورد توجه او واقع شوم؟ چرا این همه اصرار میکرد، آیا بیهانه کتاب میخواست بمن نزدیك شود؟ این فکر او را در نظر من کوچك کرد. ولی بلا فاصله با خود گفتم:

«نه من نظر او را جلب نکرده ام. او وظیفه خود را انجام میدهد، این وظیفه که باید فکر مردم را روشن کرد، هر کس میخواهد باشد ودراینموقع من برسر راه او قرار گرفته ام...

او در موردمن وظیفه خود را انجام میدهد و با شخص من کاری ندارد. نه من نتوانسته ام توجه او را «...»

با این فکر درنظر خودم خوار شدم. آیا ممکنست اشتباه کرده باشم؟...

کتاب را همانشب که اتفاقا نوبت کشیك من بود تمام کردم ولی فردای آنشب او بمریضخانه نیامد. روز بعد آمد. وقتی مرا دید چیزی نپرسید و من کتاب را بردم و باو دادم.

با تعجب گفت — چرا نخواندید؟

با غرور جوابدادم: — دیروز تمام کردم.

اوه! خیلی تند کتاب میخوانید. کاش منهم مثل شما بودم! اما این نوع کتاب ها را باید با تامل بیشتری خواند. من کتاب دیگری دارم و برای شما میاورم.

بقیه در صفحه ٦

اخلال در راه عقد پیمان

بازرگانی ایران و شوروی

بقیه ازصفحه ۲

معلوم نیست بالاخره آقای دکتر مصدق درباره اتحاد شوروی چه عقیده‌ای دارند اگر دولت مذکور را «استعماری» می‌شمارند که گویا این از یك دکتر حقوق خوانده بعید باشد؛ در کشوری که سرمایه‌داری دامن برگرفته در کشوریکه اصول طبقاتی برای همیشه بزباله دانی تاریخ سپرده شده و در آن استثمار گروه استثمار وجود ندارد دیگر نمی توان چنین تصوراتی را لا اقل از مردی که به تبحر در علم حقوق شهره گردیده است توقع داشت، وانگی خود آقای دکتر بکرات و حتی ضمن همین نطق خود، ماهیت ضد استعماری شوروی را ستوده اند، آیا بازهم اظهارات ایشان را در این زمینه بایستی بر «تجربه سیاسی» بر «پختگی دیپلماتیك» ایشان حمل کرد؟

باین ترتیب هنگامی که اتحاد شوروی با اصل «استثمار» نتواند موافقت داشته باشد با هر عملی که نتایج سوء آن دامنگیر ملل باشد، با هر توطئه‌ای که در راه استقلال کشورها گسترده شود طبعا مخالفت خواهد کرد و این مخالفت اصولی نمی‌تواند قابل انعطاف و تغییر و تبدیل باشد.

حالا آقای دکتر چگونه تصور می کنند کمیسیون سه جانبی از طریق دیگری دارد جامهٔ عمل می‌پوشد؟ ایشان نخستین اماره براین سوء ظن را با فشاری دولت درراه ایجاد انجمنهای ایالتی و ولایتی می‌شمارند.

بشهادت اوراق «نیسان»، ما بارها بتفصیل در باره مقاصدی که تحت عنوان ایجاد انجمنهای محلی، تفویض اختیارات بمردم وازینقبیل دور میزند سخن رانده و ماهیت ضد ملی مقاصد مذکور را بر ملا کرده‌ایم، ثابت کردیم که در تحت این عناوین ظاهر فریب می‌خواهند از یك طرف مردم وطن مارا زیر فشار قوای عقب مانده وارتجاعی منکوب سازند و ازطرف دیگر علیه نهضتهای آزادیخواهانه ملل اسیر مشرق و بالاتر از همه بر ضد کشورهای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی پایگاههای حمله وتجاوز فراهم نمایند، در این صورت این مغالطهٔ عجیبی است اگر آقای دکتر مصدق بخواهند سیاست تسلیح عشائر، سیاست تشکیل قدرت‌های فئودالی را در عین حال بنفع حکومت سوسیالیستی شوروی بشمارند و ویرا بشرکت دراین نقشه‌های خانمانسوز متهم نمایند، این تهمتی است که نشاندارترین خصمان اتحاد شوروی، شهره‌ترین مراجع مخالف ایجاد حسن روابط باهمسایه بزرك شمالی تاکنون از اقامه آن عاجز بوده ومتاسفانه قرعه این فال بنام آقای دکتر مصدق داده شده است تا دریك نقشه جهان خوارانه که علیه کشور شوراها چیده شده است هم اورا شریك دانند!

دومین دلیل آقای دکتر بر وجود نقشه‌ای درراه اجرای مقاصد کمیسیون سه جانبی، عقد قرارداد بازرگانی با اتحاد شوروی است که همه تمهید مقدمات برای این «ذوالمقدمه» بوده است، دراین باره آقای دکتر مصدق گفتند:

«مطلب دیگر مطلب عهد نامه تجارتی است من تا آخر دیشب اطلاع نداشتم، دیشب اطلاع پیدا کردم که با این عهد نامه بدولت شوروی در شمال امتیازاتی داده میشود واین امتیازات در جنوب بدولت شوروی داده نشده و قهرا بدولت انگلیس امتیازاتی داده میشود که در شمال بآن دولت داده نشده است.

... اگر ما برای دولت شوروی امتیازاتی درشمال اختصاص دهیم نتیجه این خواهد شد که دولت جنوب هم همان امتیازات را که در شمال دولت شوروی گرفته است بخواهد و ما بهیچوجه قادر نیستیم از چنین تقاضائی امتناع کنیم بنا براین اگر ما هر چه را در شمال برای شوروی ودرجنوب برای انگلیس تصدیق کنیم دومنطقه نفوذ درست کرده‌ایم.

آنها خوب فهمیدند که قرار داد ۱۹۰۷ امروز باروحیهٔ دنیا مطابقت ندارد و اگر بخواهند چنین قراردادی ببندند برخلاف افکار عمومی دنیاو برخلاف آمال و آرزوی ملت ایرانست؛ البته اینها را که می گویم شنیده‌ام، امیدوارم که اینطور باشد ولی مکلفم آنچه را که می‌شنوم وتصور می کنم تذکر دهم...»

این اطلاعات را چه کسی در اختیار آقای دکتر مصدق گذاشته است، ایشان از کجا پی برده اند که ضمن قرار داد بازرگانی، «امتیازاتی» باتحاد شوروی داده شده است؟

حتی «باختر امروز» ارگان آقای دکتر مصدق و رفقای ایشان، پنجشنبه گذشته همان روز که «نطق غرای» آقای دکتر ادا گردید ضمن اخبار خود نوشت:

«در تهران بطوری که خوانندگان اطلاع دارند جز شخص نخست وزیر کسی از کم و کیف مذاکرات اطلاعی ندارد... نخست وزیر حتی وزیر خارجه واقتصادملی ودارائی خودرادرجریان این مذاکرات نگذاشته است... حدس زده میشود حکومت فعلی خارجی هارادر جریان مذاکرات خود گذاشته است و درینمیان فقط افکار عمومی ایرانیانست که ازجریان پشت پرده بیخبر مانده است...» وقتی اخبار مذکور را در نظر گیریم که حتی وزرای کابینه از جریان مذاکرات بیخبرند وفقط «خارجی‌ها» بر کم و کیف آن اطلاع یافته اند وآنگاه اظهارات آقای دکتر مصدق را باآنجمله تطبیق کنیم که: «من تا آخر دیشب اطلاع نداشتم، دیشب اطلاع پیدا کردم که بااین عهدنامه بدولت شوروی درشمال امتیازاتی داده میشود» آیا حق نداریم اطمینان یابیم، دستهای مرموز خارجی که محیط روابط ایران وشوروی را تیره و متشنج می خواهند اطلاعات خودرا «که انحصارا در اختیار دارند» باتصورات، توهمات ونیات سوء خود درهم آمیخته و با القاء آن در «آخر دیشب!» توانسته اند در محیط مجلس شوری، هیاهو وجنجال برانگیزند واز آن در راه پیش بردن مقاصد سیاه خود ثمره گیرند؟

آقای دکتر مصدق اعتراف میکنند که بصحت مسموعات خوداطمینان ندارند وفقط آنچه راکه شنیده‌اند «مکلفند» تذکر دهند، اما آیا یك مردسیاسی که خودرا «اعقل ناس» می‌شمارد حق دارد تنها با مسموعات خود محیط روابط عادی دو کشور رااز آنچه که هست بیشتر تیره ودرهم سازد؟ این «تکلیف» راچه کسی بعهدهٔ ایشان گذاشته است؟ آیا آقای دکتر نمی داند که ابرازاینگونه توهمات القاءشده تاکجا بزیان ملت محروم ایران است؟ مگر می‌توان سر نوشت ملتی را ملعبهٔ تصورات وتخیلات خویش قرارداد؟

او چه می‌خواهد وچه می‌پسندد، دولتی پا برجا ومستقراست که به خواستهای ملت توجه کند و در راهی که او میرود گام بردارد، منافع مقدس او را بحساب بیاورد و خلاصه خیانتکار ونمك نشناس نباشد.

هم‌میهنان ماجدا خواستار رفع توقیف و آزادی زندانیان سیاسی هستند، ما انتظارداریم که این موضوع مورد توجه مقامات مسئول قرار گیرد.

ی خواهان آزادی

زندانیان سیاسی است

ه ازصفحه ۱

آنها را بدام کشیدند و از خاطر رده‌ایم که چگونه یك دادگاه «ملی!» «قانونی!» تشکیل دادند وچطور نهارا به حبسهای طولانی محکوم کردند.

هرچند آب را گل آلود کردند و اهی گرفتند ولی باهمه اینها نتوانستند لت بیدار مارا که ازاین ماجراها تجربه‌های یادی بدست آورده است باشتباه بیاندازند همه کوششها وتلاشها جز بیدار تر کردن ردم و واضح‌تر کردن توطئه‌ای که گسترده بودند اثری نبخشید.

درهرحال مدتها گذشت ساعد قهرمان اختناق بهمن ۲۷ در سکوت مرگباری که بوجود آورده بود دست باجرای عمل ضد بشری دیگری زد و بنام «کمك» و «رعایت حال» زندانیان سیاسی آنها را بدون هیچ مجوز ودلیلی بزندانهای جنوب وبیغوله‌های گرم وسوزان بندرعباس تبعید کرد و با این عمل یك صفحه سیاه دیگری برتاریخ عملیات قانون شکنانه دولت خود افزود، او گمان می کرد که بااین ترتیب خواهد توانست آسوده خاطر وفارغ از بیم رسوائی ماموریت های محوله را بانجام رساند، اوخیال می کرد که بامحکم کردن بندها آزادی عمل بیشتر بدست خواهد آورد.

تبعید زندانیان سیاسی شیل اعتراضات شدید وخشم طبقات مختلف هم میهنان ما را روانه کرد، مردم میخواستند که باین قانون شکنی‌های آشکار هرچه زودتر خاتمه داده شود، میخواستند که دولت لااقل این عمل غیر قانونی خودرا جبران کند، این اعتراضات آنقدر وسیع و دامنه‌دار شد وآنقدر بی گیر ومحکم و منطقی دنبال شد که سرانجام دولت در تنگنای اعتراضات مجبور به عودت زندانیان سیاسی بطهران گردید

متاسفانه هنوز همه زندانیان سیاسی را به طهران نیاورده‌اند وهنوز عده دیگر آنان درسیاه چالهای کرمان وبندرعباس بسر میبرند ما، خواستار رفع تبعید از کلیه زندانیان سیاسی هستیم

بعلاوه اکنون آزادی زندانیان سیاسی و جبران عمل غیرقانونی توقیف اینها موضوعی است که جداً مورد توجه افکار عمومی ملت ما قرار گرفته است و مردم ایران می‌خواهند که دولت زندانیان سیاسی را آزاد کند

پس از سالها تجربه، تجربه تلخ این مطلب باید روشن شده باشد که از قانون شکنی وشکنجه وعذاب آن‌هم در مورد غریزانی از فرزندان میهن ما جز تنفر وانزجار شدید چیزی حاصل نخواهد شد همچنین باید آشکارشده باشد که محروم ازپشتیبانی مردم طرفی برنخواهند بست.

همه میدانند که جریان محاکمه و محکومیت زندانیان سیاسی در دادگاه فرمایشی صورت گرفته است و هیچگونه ارزش قانونی وقضائی ندارد وتازه هنوز تشریفات قانونی همین محاکمه قلابی هم بانجام نرسیده است

اسارت علم ودانش راهی است که برای حفظ موقعیت نظام پوسیده نشان داده شده راهی است که کورکورانه دولتهای ما طی کرده اند، راهی است که سرانجام رهروان را بفنا ونیستی می کشاند

تاکی باید گوش بفرمان دیگران بود، آنکه جاوید و پایدار است ملت بود، آنکه زحمتکش وعزیزماست، صاحب این آب وخاك وممالك حقیقی این سرزمین است، گوش بفرمان او باشید توجه کنید که از آن کارگر محروم که بتاخت وتاز بنجل فروشان بیگانه، در آرزوی یك لقمه نان اشك میریزد، از آن دهقان هستی برباد شدهٔ مازندرانی که ساتری برای عودت زن وفرزند خود نمی یابد، ازآن پیشه‌ور گیلانی که دکان بیرونق خودرا بسته و گرسنه بکنج خانه خزیده است، ازآن بازرگان ورشکسته که سالهاست در اثر سوء سیاست هیئت حاکمه، در اثرقطع روابط بازرگانی با اتحاد شوروی بدلال ادوات منافی عفت امریکائی بدل گردیده است باید پرسید که از این حماسه سرائیها ومرثیه خوانیهای آقای دکتر مصدق که تنها براساس «مسموعات» بنیان ریخته شده است چه می کشند وآنراچگونه تلقی می کنند!

آقای دکتر مصدق در عالم خیال «امتیازاتی» درشمال بوجود می آورند تا بتوانند درقبال آن امتیازاتی برای «سیاست جنوب تثبیت وتسجیل نمایند»، آیا اگر ایشان بخواهند رل وکیل مدافع منافع سوء وشوم امپریالیستها رابازی کنند بازهم حق دارند بعنوان «وکیل اول تهران» و «پدرملت» و از این قبیل عناوین که تنها زادهٔ تصورات «توی سالنی» ایشان وهمفکرانشان است عرض وجود کنند؟

ازقرار گویا هنوز انگلستان درجنوب ایران امتیازاتی ندارد که باز هم بایستی برای ایجاد آن جای مهر گذاشت!

امروز نه فقط جنوب، بلکه همه جای ایران بپهنه تاخت و تاز سیاستهای استعماری بدل گردیده است: مردم محروم خوزستان، اینك روی گرانبهاترین منابع ثروتی جهان ازبیماری، فقر وگرسنگی میلرزند ومیمیرند، اینك فارس بعنوان پایگاه دفاع از منافع سوء سود پرستان در کام مشتی فئودال یغماگر شکنجه می بیند ودرد می کشد، اینك دشمنان ملت ایران، از خون برادران رشید کرد ما سفره حرص خودرا هرچه رنگین‌تر میسازند اینك مردم آذربایجان، خراسان و همه جای ایران بشومی سیاستهای استعماری درمعرض مرك ونیستی جای دارند، اما اینهمه بازهم آقای دکتر مصدق رااقناع نمیکند، بازهم بایستی برای این گرگهای «معصوم» «امتیاز» فراهم آورد، بازهم باید درراه تاخت وتازخانه ویران کن آنان، محمل تراشید و یقه درانید! خروج جمعی از نمایندگان ازجلسه وعدم امکان ادامه نطق آقای دکتر مصدق دربارهٔ تصمیمات هیئت تصفیه ومشمولین بند «ج» بایشان فرصت داد تامحیط متشنجی راکه فراهم ساخته بودند همچنان پا برجا دارند و روزهای تعطیل جمعه و شبه گذشته را بهمراه رفقای خوددرمجلس باقی بمانند ومتحصن شوند!

آقای دکتر که درقبال تمام فجایع استعمار بسکوت بر گزار می کنند حالا که می آید یك قرار داد عادی بازرگانی منعقد گردد، قرار دادی که امید میرود در بهبود وضع معیشت مردم مفید افتد، پیمانی که نظائرش راحکومتهائی از نوع دولت «کارگری» اتلی-بوین ودولتهای بیست ساله ایران باشوروی روامیداشتند آقای دکتر مصدق مانع فراهم می‌سازد وبرای جلوگیری از انعقاد آن محیط متشنج ایجاد می کنند و دست بسلاح «تحصن» می‌زنند!

آقای دکتر مصدق همه جا بنام «ملت ایران» بیان ادعا می کنند و تحت عنوان دفاع از «استقلال» و «وطن» و ازاینقبیل آرا وعقایده خودرا طرح می نمایند

ما می‌پرسیم که چرادر مقابل مظالمی که برملت ایران رفته است لب فروبسته اند آیا آقای دکتر مصدق فرصت ندارند از دریچه اتومبیل خویش نظری به بیرون افکنند و اگرچه سرسری از آنچه بر مردم محروم وطن مامی گذرد آگاه شوند؟ آیا ایشان نمی‌بینند که چگونه کالاهای بنجل امریکائی، ازمفهوم استقلال اقتصادی برای کشورما اثری باقی نگذاشته است؟ آیا آقای دکتر مصدق نمی بینند که آشکارا یك جاسوس اجنبی بنام «قاضی کوه‌نورد» درمیان عشایر تیره بخت ایران آتش برمی‌انگیزد و بخون مردم محروم وطن ما مطامع بیحساب خداوندان نفت و دلار را ارضاء می کند؟

آیا ایشان نمی بینند که استعمار انگستان سالهاست خون ملت مارا می‌مکد وبوسیله لوله های قطور و کشتیهای کوه پیکر بسوی پایگاههای استعماری خویش سرا زیر می‌نماید؟ پس چرا درقبال اینفجایع سکوت می کنند؟ پس چرا در دوره چهاردهم، هنگام تصویب «منع اعطای امتیاز» حاضر نشدند تنها امضا خودرا در زیر طرح «الغاء قرار داد نفت جنوب» بگذارند؟

آیا همه ناله‌ها و شیونها همه گریه ها وضعف و غش‌ها همه تحصن‌ها و مرکه آرائیها را تنها برای جلوگیری ازامضاء یك قرار داد عادی بازرگانی میان ایران و شوروی بایستی ذخیره کرد؟!

«وطن پرستی» و استقلال دوستی یك مفهوم آسمانی وماوراء الطبیعه ندارد، سکوت درقبال دسایس استعمار وتحریك دربرابر گامهائی که بصلاح ملت محروم ایران برداشته میشود بادعای مکرر آقای دکتر مصدق براینکه گویا منحصراً «درد وطن» دارند مغایر است!

بهرحال! اینك امضاء پیمان بازرگانی بعهده تعویق افتاده وبقراریکه گفته شده برای حفظ «پرستیژ» امریکا موکول بوصول «کمك» آنکشور گردیده است!

سیاست امریکا که سالهاست بعناوین مختلف شیره ملت مارا مکیده و بوعده «کمك» هیئت حاکمه ایران را بدنبال خود کشیده است هنوز نمی‌خواهد مارا از خیر «الطاف» خود معاف دارد و یك نفس آسوده را مهلت دهد، بازهم باید ملت ما در آرزوی یکمترچیت آه بکشد برای آنکه «پرستیژ» امریکا حفظ گردد، اینست نتایج فرمانروائی حکومتهائی که بملت متعلق ومتکی نیستند وتنها باهتهای دیگران نان میخورند!

اما هرچه که این «سیاست ضعف و تسلیم» ادامه یابد، هرچه که مقامات فرمانروای ایران؛ گوش بفرمان اغراض و شهوات سیاه مستعمره خواهان تیره نهادنهند، هرچه که برای حفظ «پرستیژ» دیگران خفت وخواری برخود روا دارند برکوشش ملت ایران در احیاء حقوق مغصوبه خواهد افزود، تاسرانجام صاحب میهنی آزاد شوند، تا سرانجام بنیانی تنها براساس حفظ مصالح خویش بوجود آورند، تاحکومتی وجودیابد که بجای «پرستیژ» سودپرستان، تنهاسود ونفع طبقات محروم ایران را مبنی ومقیاس تصمیمات خویش قرار دهد.

ورزشکاران اسرائیل توجه فرمایند

از روز شنبه ۸ مهرماه ۱۳۲۹ برابر باهیچ «سوکوت» مسابقات ورزش سال ۱۳۲۹ اسرائیل در محل باشگاه ورزش شارت تحت نظر فدراسیون باشگاه آغاز میگردد وقهرمانان هرقسمت بدریافت کاپ رسمی باشگاه نائل میگردد. ورزشکاران محترم میتوانند در قسمت های کشتی. دو. هالتر. بکس. والیبال. بسکت بال پینك پنك و دوچرخه سواری شرکت نمایند.

ضمنا متذکر میگردد مسابقه کشتی از روزشنبه ساعت ٦ بعدازظهر درمحل باشگاه انجام میشود

ثبت نام تا تاریخ جمعه ۷ مهرماه ۱۳۲۹ میباشد

نشانی. خیابان پهلوی مقابل بوت کلاب خیابان بهار باشگاه شارت

درباره انتخاب آقای انتظام

بقیه ازصفحه ۱

می کوشند رژیم های پوسیده ، فاسد و با بمرك آنها را برملتها تحمیل کنند .

و برای این کار بهیچوجه حتی از آدمکشی و خونریزی هم رو گردان نیستند. روش دولتهای امریکا و انگلستان در چین ، ویتنام ، مالزی و برمه شاهد این مدعاست. این دولتها با وارد کردن نمایندگان دولتهای دست نشانده خویش بسازمان ملل متحد، اکثریت آرائی گوش بفرمان و چشم بسته بوجود آورده اند . آن ها می کوشند تا آن جاکه میتوانند این سازمان جهانی را در سراشیب هوسهای جهانخوارانه خویش بغلطانند.

اگر در این راه تاکنون بیش از اینها پیش نرفته اند فقط و فقط بواسطه ایستادگی دولت های آزادیخواهست که در این سازمان نماینده دارند .

روش سازمان در مورد جنگهای فلسطین و کره ومقایسه آن دو با یکدیگر نشان میدهد که امپریالیستها میخواهند سازمان ملل متحد را بکجا ها بکشانند. برای جلوگیری از جنك فلسطین که بر اثر رقابت دو امپریالیسم امریکا و انگلستان پیش آمده بود سازمان دست بهیچگونه اقدام مثبتی نزد .

ولی در مورد مبارزه ضد استعماری و آزادیبخش مردم کره با دار و دسته لی سینمان ، بفشار دولت امریکا اکثریت شورای امنیت و دبیرکل سازمان کوشیدند نیروهای دولتهای آزادیکش را بضد ملت قهرمان کره بسیج کنند. و پرچم سازمان ملل متحد به امپریالیستهای تجاوزکار امریکائی بخشیده شده تا در پناه آن آزادی ملتی را زجرکش کنند

دولت های امریکا ، انگلستان و سپس فرانسه کوشش دارند از سازمان بعنوان وسیله ای برای گسترش مطامع پایان ناپذیر و جهانخوارانه خویش استفاده کنند و اقدامات ضد ملی خود را بنام آن بانجام رسانند.

جریان کار سازمان ملل متحد در سالهای اخیر نشان داده است که رئیس هیچیك از دوره های اجلاسیه بدون نظر امپریالیستها انتخاب نشده است .

برگزیدن دکتر اوات وزیر امور خارجه سابق استرالیا و رمولو وزیر خارجه فیلیپین که هر دو نمایندگان دولت های کوچك ، مستعمره و دست نشانده انگلستان و امریکا بودند بهترین دلیل این ادعاست.

اینك انتخاب نماینده ایران بریاست سازمان نشان می دهد که امپریالیستها بهمان چشمی بایران می نگرند که به فیلیپین یا استرالیا، نشان میدهد که دولت ایران باندازه دولتهای استرالیا و فیلیپین مورد « لطف » امپریالیستهای جنك طلب است

بالاخره نشان میدهد نماینده دولت ایران بهمان سرعت در راه مورد نظر امپریالیستها گام بر میدارد که نمایندگان دولتهای فیلیپین و استرالیا، والبته نباید فراموش کرد که این دو دولت بطور رسمی مستعمره امپریالیستها هستند . چگونه ممکن است وجود همه گونه کار شکنی در امور سازمان ملل متحد، دولتهای امپریالیستی در انتخابات رئیس بی نظر باشند و سکوت نکنند.

با در نظر داشتن ماشین آراء که دستور دولتهای امریکا و انگلستان بکار میکند هیچ کسی نمیتواند بدون نظر آنان ریاست دوره های اجلاسیه برگزیده شود.

از جانب دیگر نباید تضاد دو سیاست امپریالیستی را در داخل سازمان ملل متحد از نظر دور داشت .

امپریالیستها در ضمن که بضد همه ملتها و آزادی مردم جبهه واحدی تشکیل داده اند در داخل این جبهه برسر منافع خصوصی با یکدیگر دست بگریبانند و پنهان و آشکارا باهم میجنگند. این تضاد بداخل سازمان ملل نیز کشیده شده است ودر کارهای مهم آن تظاهر میکند. در دورهٔ اجلاسیه کنونی برای انتخاب رئیس این تضاد بخوبی مشاهده میشد. نمایندهٔ پاکستان ازطرف دار ودسته انگلیسی داخل سازمان پشتیبانی میشد و نامزدی آقای انتظام رئیس هیئت نمایندگی ایران از طرف دستهٔ امریکائی درون سازمان، بهمین جهت پس از انتخاب ایشان بریاست ، خبرگزاریها خبر دادند .

« در انتخاب رئیس امریکا، بر انگلستان پیروز شد» باین ترتیب دیده میشود که نه تنها انتخاب آقای انتظام بریاست دوره اجلاسیه کنونی سازمان ملل موجب سرافرازی دولت ایران نیست بلکه در حقیقت سبب سرشکستگی و ننك دولت ماست این هیئت نمایندگی امریکاست که در جلد آقای انتظام رفته و کرسی ریاست را اشغال کرده است نه هیئت نمایندگی ایران. باید بدولت امریکا « تبریك » گفت که در این زد و بند بر همقطار انگلیسی خود پیروز شده است نه بدولت ایران .

بدیهی است چنین رئیسی باید بلندگوی نظریات تجاوزکارانهٔ امپریالیسم امریکا باشد نه زبان درخواستهای ملت استعمار شده ای که بخرج آن سالها در اروپا و امریکا زندگی آسوده و مرفه داشته است .

روزنامه ها خبر دادند : نخستین کار رئیس جدید تبریك بجوانان « شجاع و فداکاری » بود که در زیر پرچم سازمان ملل متحد بخاطر « آزادی » در کره پیکار میکنند . » « نمایندهٔ » ملتی که سالیان دراز از برکت حرص و جهانخواری امپریالیستها انواع بدبختی ها را تحمل کرده بسربازان تجاوزکاری که ملت آزادیخواهی را سرکوب میکنند درود میگوید . وی **باین ترتیب نه تنها بنام سازمان ملل متحد بملت قهرمان کره دشنام میدهد بلکه بهمه مردم و دولتهای آزادیخواه بتمام ملتهائی که در زیر سلطه خونخوار مستعمره طلبان مبارزه میکنند و از جمله بملت ایران دهن کجی میکند.**

اکنون بحث در بارهٔ مهمترین مسائل در دستور این دوره اجلاسیهٔ سازمان ملل متحد گذاشته شده است ، مسائلی که با زندگی ، خوشبختی یا بدبختی همهٔ مردم جهان سروکار دارد . پایاردادن بجنك تجاوزکارانه امپریالیسم امریکا در کره ، قبول عضویت هیئت نمایندگی چین و بیرون انداختن نمایندگان کومین تانك تحریم سلاح اتمی و کاستن از هر نوع سلاح دیگر در شمار این مسائل است نتیجه گیری درست و منطقی در باره این مسائل خواست همه ملتهای جهان است . همه مردم جهان میخواهند که دستهای تجاوزکاران از کره بریده شود ، ملت بزرك چین نمایندگان واقعی خویش را بسازمان بفرستد ، سلاح اتمی اسلحه کشتار دسته جمعی تحریم شود و به پیشنهادات ویشینسکی رئیس هیئت نمایندگی شوروی در باره تقلیل سلاح و عقد پیمان عدم تجاوز بین دولتهای بزرك ترتیب اثر داده شود . حل منصفانه و منطقی این مسائل بزرگترین کمك بصلح جهانی و دوستی میان ملتهاست . ازطرف دیگر اگر این مسائل آنطور که امپریالیستها میخواهند « حل شود » راه برای تجاوز بحقوق ملتها ، شتافتن بسوی جنك و انسان کشی هموارتر خواهد شد.

بدیهی است رئیس در این گیرو دار می تواند نقش موثری داشته باشد .

او بعنوان رئیس سازمان می تواند بلندگوی امپریالیستها و یا صدای مردم آزادیخواه و ملتهای زجردیده و استثمار شده جهان و مخصوصا کشورش باشد .

آیا آقای انتظام کدام یك از این دو نقش را ایفا خواهد کرد ؟

نگاهی بسابقه سیاسی ایشان ونقش هائی که تاکنون بازی کرده اند و مخصوصا نگاهی بروش ایشان در دوره های اجلاسیه پیشین سازمان ملل متحد می تواند جواب روشنی باین سئوال بدهد

بقیه درصفحه ۸

ما گوش زد میکنیم

بقیه ازصفحه ٤

جنك دوم ..!
مردم جهانرا آزاد نبود
خط سیر دنیا را
تغییر داد

. . .

ها !
چاره چیست ؟!
عجله می کنید ؟!
ها !
جنتلمن ها ؟
شما سومی هستید !

. . .

مطمئناً !
چهارمی نخواهد بود
فکر کنید
تادیر نشده
آتش جنك را
دامن نزنید

. . .

مارشد می کنیم
قوی تر میگردیم
محکمتر می شویم
دقیقه بدقیقه
روز بروز
سال سال

. . .

درزیر پای شما
از خشم ملت ها
زمین می سوزد
وسرانجام
پاهای شمارا
می سوزاند

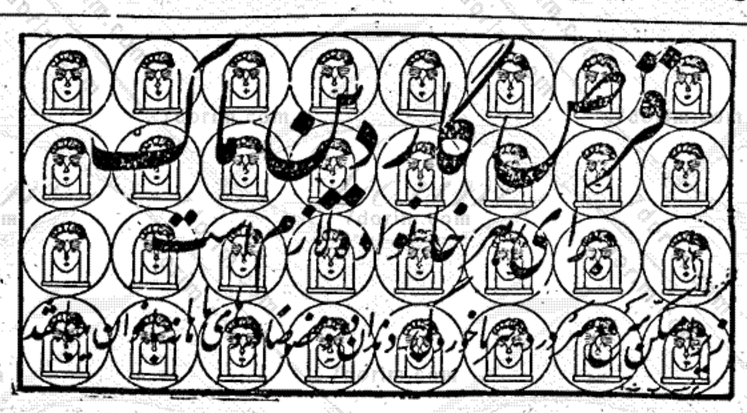

دختر سروان

بقیه از صفحه ۱

آثارخویش می‌خواست واندرزهای اورا درکار نویسندگی خویش بکار می‌بست داستایوسکی ، نویسنده بزرك روس نیز روزی در مجلسی وقتی سخن از پوشکین و مقایسه‌وی با ویکتورهوگو شاعرنامدار فرانسه می‌رفت و درضمن صحت هوگو به پوشکین برتری داده شد بسخنی بر آشفت و درهمان مجلس منظومه‌یی از هوگو را بایکی ازمنظومه‌های پوشکین ازبر بخواند وآنهارا باهم مقایسه کردو باز نمود که مقام پوشکین در ادبیات کمتر ازمقام ویکتورهوگو نیست و حتی او را برشاعر فرانسوی ترجیح داده.

پوشکین ، درطی عمر کوتاه خویش (۱۷۹۹ - ۱۸۳۷) آثار بسیار ازخود بیادگار گذاشته و قریحه عالی وطبع وتعادش بنیانی چنان استوار برای ادبیات و فلکور و شعر وداستان نویسی روس گذاشته است که هنوز هم نویسندگان بزرك روس از وی الهام می گیرند و روش اورا سرمشق و نمونه شاعری و نویسندگی قرار می‌دهند و آثارش را بعنوان حجت و سند شاهد مثال می‌آورند .

پوشکین ، در میان ادبای اتحاد جماهیر شوروی نیز بسیار مورد تجلیل و احترام است و شاید آثار هیچ شاعر ونویسنده درزمان حکومت تزاری باندازه آثار پوشکین در اتحاد جماهیر شوروی طبع و توزیع نشده باشد

علت این امر نیز آنستلاه پوشکین برای نخستین بار درزندگی روس ، اساس تازه‌یی برای ادبیات بر پا کرد و قهرمانهای خود را از میان مردم برگزید و بجای استعمال جملات وعبارات مطنطن و موضوعات مبتذل و کلیشه شده کلاسیك کوشید تا سیمای حقیقی مردم روس را در کتابهای خویش ترسیم کند و مردم را چنانکه هستند باز نماید و از زبان دهقانان ، کارگران سربان و افسران جزء سخن بگوید .

این امر چنانکه گفتیم ــ در ادبیات روس بی‌سابقه بود و بهمین سبب بعلت طبع انقلابی وی زعمای قوم و زمامداران روسیه تزاری آثار او را نمی پسندیدند و حتی بانواع وسایل از انتشار آن جلوگیری می کردند زیرا پوشکین اززبان مردم سخن میگفت و بآنان نوید آزادی وآزادگی میداد واین امر با روش ضد ملی طبقه حاکمه وخوی مستبد آنها سازگاری نداشت .

پوشکین در آثار خویش هیچگاه از واقع بینی گامی فراتر نمی نهد و حقیقت بینی خویش را هرگز با خیالبافی و بازی با کلمات نمی آلاید .

پوشکین در منظومه و آثار خویش می کوشید که سنتهای ملی و وقایع تاریخی ملت روس را زنده کند . پوشکین شاعری مترقی و امیدوار و آشنا با رموز اجتماعی بود و همواره در سلك ترقی خواهان و آزادگان روسی جای داشت با تمام قوا با روش منحوس بردگی مخالفت می کرد .

بهمین سبب پوشکین که مقامات دولتی آنروز آرزومند مرك و نابودی وی بودند امروز لقب شاعر ملی روس را بخود گرفته است .

« دختر سروان » را پوشکین درفاصله سالهای ۱۸۳٤ - ۱۸۳٦ نوشته است . این داستان مربوط بوقایع شورش دهقانان روسی تحت رهبری ریاست پوگاچف است .

پوشکین دراین کتاب با واقع بینی خاص خویش وقایع این شورش را شرح می دهد و می کوشد که با بی نظری کامل زشت و زیبای اقدامات « شورشیان » یعنی دهقاناتی را که برای بچنك آوردن گوهر گرانبهای آزادی خویش از جان گذشته بودند ، باز نماید .

وی میگوید که سیمای پوگاچف رهبر دهقانان انقلابی را ــ چنانکه معلومات اجتماعی آنروز بدو اجازه میداده است ــ نقاشی کند وبهمین سبب ، از باز گفتن جوانمردیهای وی نیز امتناعی نمیکند ومخصوصاً این نکته را تذکر میدهد که پوگاچف در اوج قدرت خویش بجای اینکه فرمان بدار آویختن افسری را که در جلو او مقاومت کرده بود بدهد ، او را آزاد میکند حتی معشوقه ویرا ازرفیقش باز میگیرد وبدو میسپارد وپول نقد واسب وپوست گوسفندی نیز بدو هدیه میکند و بعد ، باصدای آهسته ، بطوریکه دیگران نشنوند اضافه میکند : **« من گیلاس عرق تو وپوست خرگوشت را فراموش نکرده‌ام ، می بینی آنطور که مردم بشما میگویند ، من ظالم نیستم . »** و بدین ترتیب ؛ بی اینکه از تعقیب مستبدین دستگاه تزاری پروائی داشته باشد ؛ حقایقی را که باید گفت باز میگوید وبااین زمله ها همت عالی پوگاچف را میستاید :

« پوگاچف باخوشحالی عجیبی گفت : گوش کن . حکایتی را که زن پیری از افراد قبیله کالموکها برای من گفته است ؛ برایت بگویم روزی شاهینی از کلاغی پرسید کلاغ ؛ بمن بگو ؛ برای چه توسیصد سال عمر میکنی ومن فقط سی وسه سال زندگی میکنم ؟

کلاغ پاسخ داد : رفیق باینجهت که من بالاشه تغذیه میکنم ، توخون تازه میخوری. شاهین فکری کرد وگفت امتحانی بکنیم ، منهم ازغذای توخواهم خورد سپس شاهین وکلاغ بپرواز آمدند . مرده اسبی رادیدند ، پائین آمدند و بر آن نشستند . کلاغ باخوشحالی شروع بخوردن کرد . شاهین یکبار پنجه ای بآن زدو وبار دیگری پنجهٔ خودرا در آن فروبرد وبعد بالهایش راگشود وبکلاغ گفت :

نه برادر ، کلاغ ، ما اهل اینکار نیستیم ، بجای اینکه سیصد سال ازین لاشه ها بخورم ، یکبار خون تازه می آشامم ، یکبار خون زنده خوردن ازسیصد سال لاشه خوردن بهترست ، این قصه کالموکی را پسندیدی ؟ » (ص ۱۰۱)

« کتاب دختر سروان شهرت جهانی دارد وبه بیشتر ازشصت زبان ترجمه شده است . تنها ۱۲ ترجمه آلمانی ازاین رمان دردست است . »

ترجمه کتاب نیز ، بااینکه دارای غلطهای فاحش دستوری نیست ، امادر انتخاب جمله‌های خوش آهنك والفاظ زیبا اهتمام زیادی بکار نرفته وعبارات کتاب زیاد محکم ومنسجم نیست وپیداست که مترجم جوان درکار خویش هنوز چیره دستی ومهارت لازم را نیافته اند . غلطهای چاپی نیز کمتر در کتاب میتوان یافت .

ماتوفیق آقای حسین نوروزی را درادامه این قبیل خدمات فرهنگی واجتماعی خواستاریم.

نیروی آن

شماره ۴۸ — ۱۳ مهرماه ۱۳۲۹ — تکشماره سه ریال

نظری به اوضاع

نظامی و سیاسی در کره

حقایق مقاصد امریکا آشکار میشود

دو پیشنهاد برای حل مسأله کره

وقتی که جنگ کره آغاز گردید، تبلیغات کشورهای باختری بااصرار تمام براین نکته تکیه می کردند که گویا «تجاوز ابتدا از شمال آغاز شده است».

در صورتیکه روز ۲۵ ژوئن در اعلامیه‌های وزارت کشور جمهوری دمکراتیک کره آغاز تهاجم از جنوب خبرداده شده بود.

دلائل و قرائن متواتری صحت این مدعارا تائید می کرد.

این قرائن بکرات در یادداشتهای رسمی جمهوری دمکراتیک کره و در اظهارات نمایندگان اتحاد جماهیرشوروی درشورای امنیت وسازمان ملل متفق خاطرنشان گردیده است.

بقیه در صفحه ۲

کنفرانس اقتصادی کشورهای اسلامی

چه ثمره‌ای برای ملل شرق نزدیک میتواند داشته باشد؟

روز دوشنبه گذشته، دومین کنفرانس اقتصادی کشورهای اسلامی در تهران افتتاح گردید که جلسات آن تا اواخرهفته آینده ادامه خواهد داشت

آقای علی اصغر حکمت که بریاست هیئت نمایندگی ایران در کنفرانس شرکت می کنند روز پنجشنبه گذشته اطلاعاتی درباره کنفرانس وهدفهای آن بخبرنگار روزنامه «اطلاعات» دادند.

آقای حکمت یادآور شدند که از کشورهای ترکیه، مصر، پاکستان، افغانستان، اندونزی، عراق، سوریه، لبنان، ماوراء اردن، عربستان سعودی و

درصفحه ۸

یکمین سال تاسیس جمهوری

توده‌ای خلق چین

اکنون یکسال تمام از تشکیل دولت توده ای چین می گذرد.

دولت توده ای چین پس از یك مبارزه دامنه دار وبی‌امان بیست و چندساله ملت چین تشکیل شد.

از همان زمان که چیان کای شك و دار و دسته او بانقلاب خونین ملت خیانت کردند ناچار حزب کومین تانك از مردم جدا شد.

تااینکه بالاخره سال گذشته رهبرانش مانند یك دسته راهزن جهانی از کشور آسمانی چین گریختند.

زمانیکه هنوز بساط خیانتکار چیان کای شك برچیده نشده بود چهارخانواده فئودالی بزرك بر سراسر کشور فرمان میراند

بقیه درصفحه ۶

متجاوز از ۱۴۲۰۰۰ امضا در زیریانیه استکهلم

ملت ایران دوستدار جدی

صلح است

ارقام امضای های جمع آوری شده نمودار رشد ملت ایران است ملت ما باطرفداری جدی از صلح نفرت شدید خود را نسبت بجنك وجنك افروزان آشکار می‌سازد

بقیه درصفحه ۳

بمناسبت مصاحبه تورنبرك با مخبر

روزنامه گیهان

۷۰۰۰۰۰۰۰ دولار باضافه اعتبار واستقلال وآزادی ایران فداشد بامید اینکه ۳۰۰۰۰۰۰۰ دولار وام از امریکا بگیرند! درمدت یکسال ۲۱۰ میلیون تومان یعنی معادل هفتاد میلیون دولار بدست سازمان برنامه وتحت نظر آقای تورنبرك بمنجلات ریخته شده تا معلوم شود که:

۱- ایران اصولا یك کشور فلاحتی است: ۲- تاسیس کارخانه در ایران خبط است: ۳- برنامه نخست وزیر برای تجزیه کشور ایران مطابق میل‌های تورنبرك است: ۴- مشاورین ماوراء بحار ازاین ببعد رسما بسمت مدیر عامل درراس امور قرارگیرند.

آقای تورنبرك میگوید:

«بطور کلی نظریه مشاورین ماوراء بحار بانظریه به‌سفارت امریکا هم‌آهنگی دارد: ...وسنخ فکرهردو یکجااست.»

دوطی این هفته شرح مصاحبه‌ای از طرف خبرنگار روزنامه کیهان باآقای تورنبرك رئیس هیئت مشاورین سازمان برنامه در روزنامه مزبور منتشر گردید که گریه بدون توجه و بی‌سر و صدا گذشت ولی برای ما که ناظر خراب کاری‌ها و عملیات ضد ملی واسارت‌آور این مأموریت امریکائی ازیکطرف ورنج فلاکت و محرومیت شکننده و نابود کننده ملت ایران ازطرف دیگر ولاقیدی سست عنصری و اغماض مقامات رسمی قبال این خرابکاریها از جانبی می شویم، نمیتوانیم‌در این‌مورد ساکت بمانیم مخصوص که این‌مصاحبه یکباره پرده از بسیاری از مقاصد این مشاورین در کشور ما برمی‌دارد وخطوط اصلی‌راهی که هیئت مشاورین در پیش دارد بما نشان می‌دهد.

بقیه درصفحه ۳

سی سالگی سینمای

روز روشن وقلدری دفاع میناید همه ك و در برابر آثار مغرب گون دارای وضعی تقریبا شانند.

فستیوال موفقیت آمیز اخیر فیلم های شما، نوبها و هواپیما های عنوس ملت ایران را بطرف سینمای شوروی جلب کرد.

اکنون که سینمای شوروی جشن سی امین سال حیات خودرا برپا میدارد توجه به این نظر هنری درخشان اجتماع شوروی برای همهٔ هم میهنان ما لازم ومفیداست روزنامه نیسان بدین مناسبت مقام جامعی راکه تاریخچه سینمای شوروی واهمیت نقش برجسته آن را روشن میسازد انتشار میدهد ماخوانندگان عزیز را به قرائت این مقاله مفید دعوت میکنیم:

موقعیت دولت رزم آرا

و مسئله بازرگانی ایران وشوروی

دولت آقای رزم آرا دوره بحرانی سختی را میگذراند.. پس از سه‌ماه از روی کار آمدن دولت فعلی و بعدازآنهمه سروصداها در این باره که این دولت از دیگر دولت های بعداز شهریور متمایز است. اکنون بخوبی ضعف و زبونی کابینه آقای رزم آرا در برابر تضادهای خارجی و داخلی عدم موفقیت های آن ظاهر گردیده است.

اکنون دولت درمقابل استخفاف قریب ۱۵ نفر از نمایندگان قرار گرفته و زمینه آن درمجلس روز بروز به‌وخامت می رود.

دو دولت امپریالیستی آمریکا و انگلیس که برای روی‌کار آوردن دولت فعلی اتحاد مقدسی تشکیل داده بودند اینك باسردی مخصوص خود نشان میدهند که آرزوها ومقاصد آنها بوسیله این‌دولت انجام نیافته است.

آنها باز هر کدام بفکر آزمایش تازه‌ای هستند. مسئله اختیارات به‌ایالات و ولایات و تشکیل انجمن‌های ایالتی که مرکز اصلی برنامه دولت رزم آراء را تشکیل میداد اکنون دچار مقدرات رقت آوری‌شده ونخست وزیر دربرابر مخالفت های مجلس ناچار به تعویق اجرای تشکیل

بقیه در صفحه ۸

پاسخ به گفتار آقای دکتر بقائی

نامه زیر ازطرف آقای عبدالحسین نوشین هنرمند نامی که درزندان قصر بسر میبرند یادداشت روزنامه واصل شده وماعین آن را ازنظر خوانندگان گرامی میگذرانیم

آقای دکتر بقائی دریکی ازجلسات محاکمه حسن جعفری چنین‌اظهارداشته‌اند که حزب توده ایران مرکب بود از عده‌ای‌اشخاص‌صدیق وساده لوح وعده‌ای جاسوس که مامور بیگانه بودند و چون در یك جلسه بیش دقاعی از این جانب کرده بود این نتیجه پیش میاید که من نیز یکی از ساده لوحان صدیقی بوده ام که فریب دسته‌جاسوس ووطن فروش‌را خورده‌ام.

زمانی که از این اظهارات اطلاع حاصل نمودم بدینجهت که مبادا عده‌ای چنین گمان برند درین هنگام که دو جناح طبقه حاکمه در جدال هستند ـ جدالی که منافع ملت ایران درآن‌ملحوظ نیست ـ این جانب با جواب گوئی به بیانات آقای دکتر بقائی خواسته‌ام‌بطرفداری از جناح دیگر بر آیم بنا بر این سکوت را ترجیح دادم وتاکنون درمقام پاسخ برنیامده‌ام.

ولی از آن موقع تابحال دوستان زیادی که بدیدن ما زندانیان سیاسی آمده اند غالبا در ضمن صحبت این نکته را متذکر شدند که برای آقای دکتربقائی از جهت وسیله تراشی برای جدال خود بچه جهت ترا بوسیله قرارداده وبرای تاسزاگوئی عوام فریبانه‌بحزب توده‌ساده لوح و فریب خورده‌ات قلمداد کرده است.

بدینجهت لازم میدانم با چنین گناهه و وجدانی آرام اعلام دارم که من تنها ساده لوح‌وفریب‌خورده نیستم، بلکه‌ایمان کامل داشته ودارم که درتمام‌مدت‌فعالیت سیاسی‌خودبامردانی شرافتمندووطن‌پرست همکاری کرده‌ام.

افتخار من اینست که بنام عضویت حزبی بزندان‌اقتدام که بهترین وپاکترین فرزندان ایران در آن شرکت دارند؛ بطوری که حتی دوجریان مخاکمات ما دادستان این گستاخی را بخرج نداد که حتی یکنفر از افراد حزب توده ایران‌را جاسوس بیگانه بنامد.

حزبی که مرسخت ترین دشمن امپریالیسم واستوارترین‌مدافع ملت‌ایران است.

حزبی که فقط عوامل امپریالیسم و دشمنان ملت باروشی کینه توزانه بآن حمله‌ور میشوندوآن‌راماموربیگانه معرفی مینمایند.

بقیه در صفحه ۷

از آن‌تاریخ با افتخاری که حکومت جوان انقلابی روسیه بوسیلهٔ فرمان مخصوصی‌اساس‌سینمای‌شوروی‌را گذاشت فقط سی سال میگذرد.

سینمای‌شوروی قبل از آنتاریخ چه وضعیتی داشته است؟

درروسیه‌تزاری‌هم، مانند هر کشور کاپیتالیستی دیگر کنونی، بور ژوازی سرمایه‌داری خودرا واردسینماتوگرافی میکرد نه فقط برای اینکه سود فراوان میبرد بلکه علاوه‌برآن به‌این منظور که از سینما بعنوان وسیله تاثیر فکری و درونی‌قوی‌در توده‌های کثیر مردم، بعنوان بهترین آلت و وسیلهٔ تثبیت سازمان قدیمی و برای‌حکمفرمائی فکری‌وآرمانی آن سازمان‌استفاده کند.

بقیه درصفحه ۴

ساختی در اداره روزنامه نیویورك تایمز

در صفحه ۵

افکار عمومی

بقیه ازصفحه ۱

چه معنی دارد که نخست وزیر ایران چنین تحمیل ضد مصالح ملت ایران را قبول نماید و به‌دستورات آقای گریدی گردن گذارد. سیاست‌های استعمار خارجی البته از برقراری ارتباط اقتصادی بین ایران‌وشوروی ناراضی هستند ولی گوش دادن به ناراضایتی آنها بمنزله فدا کردن مصالح ومنافع ملت ایران‌درراه منافع و مقاصد استعمارگران خارجی است و از نظر ملت ایران جرمی عظیم ونابخشودنی محسوب میشود.

نه‌تنها امپریالیست‌های خارجی‌مستقیما در بهم‌زدن قرارداد تجارتی ایران‌وشوروی فعالیت میکنند بلکه عمال داخلی آنها نیز با سالوسی و ریاکاری خاصی همین مقصد را منتها با شکل و روش دیگری تعقیب می نمایند.

جریانات اخیر مجلس را در این باره نمیتوان نادیده انگاشت. نطق آقای دکتر مصدق درمجلس برضد قرارداد تجارتی با شوروی زندگی مخصوصی داشت و همه میهن‌دوستان وآزادیخواهان ایران را جدا ناراضی ساخت. آقای دکتر مصدق در جلسه پنجشنبه گذشته مجلس بدون آنکه هیچ دلیل و مدرکی ارائه دهند ادعا نمودند که قرارداد تجارتی گویا بدولت اتحاد شوروی امتیازاتی در شمال ایران میدهد که‌فردا انگلیسها هم درجنوب‌همان امتیازها رامی‌خواهند. ایشان‌بدون هیچگونه مناسبت و ارتباطی موضوع قرار داد سال ۱۹۰۷ و طرح کمیسیون سه جانبه سال ۱۷۴۵ رابیش کشیدند و قرار داد بازرگانی‌باشوروی را با این قرار داد های استعماری‌مقایسه نمودند و دولت اتحاد شوروی را از تبعیت روشی مانند کشورهای استعماری بر حذر داشتند.

واضح است تمام اظهارات آقای دکتر مصدق بتمام معنی پوچ بود. نه صحبت از امتیازاتی در شمال ایران‌برای اتحاد شوروی در میان است، نه دادن چنین امتیازات موهومی در جنوب ایران می‌تواند مطرح باشدو نه قرارداد‌تجارتی با پیمان استعماری ۱۹۰۷ وطرح‌اسارت آمیز کمیسیون سه‌جانبه قابل ارتباط‌است. اینها مسائلی است که از شدت وضوح احتیاج به‌استدلال نیست و فقط کسی که محتاج‌به‌سالوسی است و هم با بر قراری روابط اقتصادی با اتحاد شوروی‌مخالف می‌تواند به چنین مغلطه های خنده آوری دست بزند.

بقرار اطلاع روزنامه ها اظهارات آقای دکتر مصدق بسا سیل مخالفت و اعتراض عمومی مواجه شده است.

در جلسه روز یکشنبه‌نیز آقای‌دکتر مصدق به حال تجاری اظهار دلسوزی کردند که سهمیه وارداتی خود راسفارش داده‌اند و درصورتی که سهمیه های‌جدیدی برای کالاهای وارداتی شوروی‌داده شود آن‌ها دچار خسارت و زیان می‌شوند.

آقای دکتر مصدق در اینجا منافع تمام‌ملت ایران را که چارهٔ‌بحران‌اقتصادی فعلی را در ایجاد روابط بازرگانی با شوروی می‌داند فراموش کرده‌اندوبرای سرپوش گذاشتن این فراموشی از منافع تجار وارد کننده صحبت می کنند‌درصورتی که تاکنون صدها از این تجار وارد کننده از دست اجناس بنجل آمریکا ورشکسته شده اند و آقای دکتر مصدق در این باره اظهار دلسوزی ننموده‌اند.

کار روزنامه‌اطلاعات هم‌به‌سالوسی و ریاکاری محسوسی کشیده‌است اطلاعات تصدیق می کند که قرار داد بازرگانی با اتحاد شوروی قیمت های معمولی لیره و دلار را در بازار ایران خواهدشکست و آنها را هم اکنون تنزل داده‌ودرآینده نیز تنزل خواهد داد.

ولی اطلاعات بجای اینکه از این پیروزی و موفقیت‌ریال ایران‌وتثبیت‌آن خوشوقت شود و از منافع ملی دفاع کند، بنام تشویق صادرات با ارزان‌شدن قیمت لیره و دلارمخالفت می کند وبکلی فراموش می‌نماید که قرار داد تجارتی ایران و شوروی براصول پایاپای است و خودابن قرارداد‌بزرگترین کمکی‌است که‌می‌تواند به‌صادرات‌ایران بشود.

آنچه نمی‌توان‌انکارکرد این است که هنوز قرار داد بازرگانی ایران و شوروی امضانشده‌حتی‌انتشارخبر انعقادآن خود باعث تغییرات زیادی در بازار ایران بنفع میهن ما گردیده است.

سیر سعودی‌قیمت‌ها محسوساًمتوقف شده و اجناس وارداتی شروع به تنزل کرده‌است.

کاغذ روزنامه ماشین آلات، چیت، چینی، بلور، قند و شکر و بعضی‌دیگر از اجناس وارداتی که درصورت انعقاد قرار داد، از اتحاد شوروی وارد می شوند بطور قابل توجهی تنزل یافته است.

برعکس آن اجناس صادراتی که‌در گذشته بواسطه قیمت بسیار ارزان باعث ورشکستگی تولید کنندگان کشاورزی می‌شد بطور محسوسی ترقی کرده است. بقراری که روزنامه ها خبر میدهند در مازندران و گیلان اجناسی مانند پنبه، کنجد، شالی‌ودیگرمحصولات کشاورزی حتی‌صد درصدترقی یافته وباعث‌جلوگیری از ورشکستگی زارعین و توقف تولید گردیده است.

مسلما در صورت انعقاد رسمی قرار داد وشروع‌به اجرای آن وضع بازارایران می‌تواند سروسامانی بخود بگیرد ومنافع ملت ایران که امروز لگدمال سیاست استعمارگران آمریکائی وانگلیسی است بطورمحسوسی جبران گردد.

برعکس اظهارات آقای دکترمصدق ملت‌ایران یقین دارد که روش‌شرودوستانه دولت سوسیالیستی وضداستعماری‌شوروی هیچگاه وهیچ مناسبتی با روش پست و اسارت آمیز دولت های استعماری قابل تشبیه نیست و بنا بر این انعقاد قرارداد تجارتی باشوروی جزاینکه به‌رفع بحران اقتصادی در ایران کمك مؤثر نماید، جز اینکه بازارایران را جنبش‌درآورده صادرات کشوررا تقویت بخشد، از نفوذ اسیر کنندهٔ کالاهای بنجل آمریکائی‌بکاهد وروبهم رفته اقتصادیات کشور راتاحدی از ورشکستگی قطعی نجات بخشداثری نخواهد داشت.

امروز دربین همه طبقات مردم‌ایران روابط بازرگانی با شوروی بشدت حسن استقبال شده و کمتر می‌توان موردی را در روابط خارجی ایران سراغ گرفت که تا اینحد مورد موافقت و پشتیبانی عموم مردم‌باشد واین موضوع خودبخودی میرساند که ملت و دولت اتحاد جماهیر شوروی علی رغم همه تبلیغات دروغ امپریالیستهای انگلیسی و آمریکائی و عمال ایرانی آنها در بین مردم ایران محبوبیت کامل دارند و ملت ما به روش ضد استعماری و آزادیخواهی‌واقعی همسایه بزرگ سوسیالیستی ما بی برده است.

دولت آقای رزم‌آراء وروزنامه‌های طرفداروی سعی دارند از ابراز علاقه‌ای که مردم ایران دراین‌باره می کنند‌بیشتر برای تظاهر بموفقیت خود در سیاست خارجی استفاده نمایند و کمتر ازآن‌بفکر انعقاد رسمی و عملی قرارداد و دقت در اجرای صحیح آن هستند.

دولت آقای رزم‌آرا باابرازموافقت

سیاست جنگ و سیاست صلح

بقیه از صفحه ۱

بردن این لیره و جهت‌تامین اغراض‌ومنافع استعماری یك دسته از دولتها که همیشه از اکثریت برخوردارند، دربین نیست. علاوه‌براین یگانه مرجع صلاحیتدار جهت حل اختلافات و جلوگیری از جنگ و تجاوز همین شورای امنیت است. مجمع عمومی، فقط هر سال یکبار برای رسیدگی بگزارشها و بیان اقدامات شورای امنیت و تجدید انتخابات ارگانهای مختلف کمیسیونها و اعضای غیر دائمی شورا و اتخاذ تصمیم درباره مسائلی که در شورای امنیت مورد موافقت قرارنگرفته باشد، تشکیل می‌شود.

و همین اصل مانع از آنست که دسته بندیهای‌سیاسی و نظامی کشورهای امپریالیست سازمان بین‌المللی معاصر را نیز مانند جامعه ملل‌آلت دست خود قرار دهند.

اکنون کلیه اقدامات امریکامصروف بر این است که شورای امنیت را بیك ارگان بیمه‌جان و بی‌مصرف مبدل کند و با ارجاع ملاحیت های آن به مجمع عمومی، تجاوزات آینده خود را جامه حقوقی و قانونی بپوشاند.

چنین اقدامی بزرگترین ضربت بر وتسلیم نسبت به‌فشار سفارت‌آمریکامبنی برتوبق امضاء قرارداد عمل بسیار قابل سرزنشی را مرتکب شده‌است.

روزنامه‌های تهران ازمخالفت‌بعضی دیگر از معافل متنفذ داخلی با قرارداد تجارتی ایران وشوروی گفتگو میکنند چنانکه جلسه هیئت دولت‌در دوشنبه‌هفته گذشته که درآن قرارداد تجارتی مورد بحث قرارگرفته برخلاف معمول دوشنبه در سعدآباد تشکیل نشده و در نخست وزیری انعقاد یافته است.

همچنین گفته میشود پس از ملاقاتی که آقای گریدی باسفارت متنفذ مزبور نموده‌اند ازطرف مقامات مزبور به‌دولت توصیه هائی برای اجرای نظریات آقای گریدی شده‌است.

این جریانات‌بهیچ‌وجه موردموافقت ملت ایران نیست ومردم ایران ازاینکه می‌بینند با یك‌موضوع حساس وحیاتی که نفع قطعی ملت ایران درآن است چنین مخالفت میشود خشمگین میشوند و چنین مخالفت‌هائی را جزناشی ازدشمنی باملت ایران بچیز دیگری‌نمی‌تواند تعبیر کنند

ماامیدواریم علی‌رغم این مخالفت‌ها وکارشکنی‌ها، فشار افکار عمومی ایران وکوشش مقامات رسمی اتحاد شوروی به کمك به اقتصادیات ایران نتیجه بخش شود و قرارداد بازرگانی ایران و شوروی رسماً امضاء گردیده وفورا شروع به اجرا شود.

این‌امید وآرزوی همه ملت ایران است که روابط ما با اتحاد جماهیر شوروی صورت حسنه بخود بگیرد وکشور ما از کمك های گرانبهای دولت و ملت اتحاد شوروی بهرمندشود. ملت ایران کسانی را که برضد تحقق این آرزو فعالیت می کنند دشمن‌منافع خود میشمارد‌و آنها را بهیچ قیمتی عفو نخواهد کرد.

درباره انتخاب...

بقیه ازصفحه ۷

ایشان دردورهای قبلی نیز که ریاست هیئت نمایندگی ایران را داشته‌اند پیوسته قدم بقدم علی‌رغم منافع میهنش جای پای امپریالیستها قدم گذاشته است.

او می کوشید ملتش‌را باشاره‌جنك طلبان و بخاطر آنان بسوی خونریزی‌و ویرانی بکشاند. در واقع او همیشه نمایندهٔ امپریالیستها بود و هر کرنماینده یابرهنه‌ها و تراخمی های زرد وسارو‌و کرمان نبود هیچگاه کوچکترین‌صدائی بدفاع‌از این مردم از گاوی ایشان‌نیرون نیامد.

پیداست در این دوره نیز ایشان ازهمان‌راهی‌خواهندرفت که‌تا کنون‌رفته‌اند

دولت های ایران بایستی چشمهای خود و ندیده‌گرفتن واقعیت‌ها لبی تواند آنها را واژگونه کند. هرچه‌دولت‌های ایران و طبقه حاکمه ما خود را بکوچه علی‌چپ بزنند و بروی مبارك نیاورند تاریخ همان‌راه‌جاودانی‌خودرا خواهدپیمود

بهتر است‌دولت‌ایران‌لحظه‌ای‌چشمهای نابینایش‌را بگشایدبنبرد دنیا کبیرومظیم جهان ما توجهی کند. درخواستها و آرزوهای ملت‌زجر دیده مارابدیده‌بگیرد دوستان و دشمنان خارجی ملت‌ما را بازشناسد وآنگاه بامورخودوسازمان، آقای انتظام، دستوردهد روشی درپیش گیرد که بسود میهن ما باشد.

از تبریك و تهنیت بدژخیمان‌آزادی درکره خود داری کنند و مقام ریاست سازمان وهیئت نمایندگی‌ایران رابااندازهٔ آنکاه اگر این‌آقای رئیس‌وسفیر کبیرو همه‌کاره‌نخست‌وزیر دستورات‌دولت‌متبوع‌خودرا اجرا کنند وبسرا ازمقامی که بناحق اشغال کرده است باین‌بکشد. مردم ما میخواهیم‌رئیس هیئت نمایندگی ایران‌مدافع حقوق‌تباه‌شده آنها باشد، پشتیبان دوستانشان باشد و با دشمنانشان دشمنی بورزد. مردم‌ما میخواهند نماینده ایران درواقع نیز نمایندهٔ ایران باشد نه بلندگوئی که فقط امپریالیستهای امریکائی و سپس انگلیسی حق داشته باشند صدای ناهنجارخویش را ازپشت آن سردهند وگوش جهانیان را بخراشند.

عده‌ئی از این جرائد بالحن تحقیر آمیزی مینویسند که گویادراظهارات ویشینسکی چیز تازه‌ئی وجود نداردزیرا که وی همان پیشنهاد ما و استدلالات دوره اجلاسیه سابق راتکرارمی کند. درصورتیکه آچسن گویا با پیشنهادهای خود؛ ابتکاررا دردست گرفته است.

اصرار اتحاد شوروی در حمایت از صلح بجائی رسیده وبی گیری و پایداری دیپلماسی شوروی در این زمینه بحدی معجز و مسلم گردیده که حتی مناسبت ارتجاعی نیز نمی‌توانند منکرآن شوند و بهمین جهت در پیشنهادهای ویشینسکی چیز تازه‌ئی نمی‌بینند.

در اعلامیه‌وزارت امور خارجه‌اتحاد شوروی بسال ۱۹۴۸ بمناسبت انعقادپیمان آتلانتیك گفته شده بود که انعقاد این قبیل دسته بندیها اتحاد شوروی را در مبارزه برای صلح پایدارتر خواهد کرد ودر این مبارزه یقینا ازپشتیبانی کلیه‌ملل برخوردارخواهد شد.

روش ویشینسکی درمجمع عمومی سازمان ملل معرف این واقعیت است ازین جهت نمی‌توان چیز تازه‌ئی در آن پیدا کرد، همچنانکه بر خلاف ادعا مقتدرین ارتجاعی هیچگونه تازگی ماهیت‌روش‌آچسن (یعنی‌تهیه جنك جدید) وجود ندارد.

موجودیت و اساس سازمان ملل متفق است ودست امریکاراجرای تجاوزهای جدید کاملا باز خواهد گذاشت.

آقای آچسن میخواهد دریك جنك پیش بینی شده که درآلمان آغاز خواهد شد علاوه بر فرمان سازمان ملل متفق و علائم سازمان ملل متفق که باید بر سب های آتشی منقوش شود وعلاوه برسربازان وافسران کشورهای پیمان آتلانتیك، ارتشی مرکب از همه ملل نیز در اختیار داشته باشد.

و اگر در موارد دیگری اتحادیه های مشابهی وجود نداشته باشد، ارتش سازمان ملل متفق در اختیار متجاوزین قرار بگیرد.

...

درمیان تصمیمات کنفرانس نیویورك ازدیاد نیروهای ملی کشورهای آتلانتیك تشکیل یك ارتش آتلانتیك تقلیل بازو کانی با منطقه سوسیالیستی احیاء قدرت صنعتی جنگی آلمان و سرکوبی سازمان های احزاب‌دمکراتیك ومدافعین‌سرسخت صلح در سرتاسر جهان نیز وجود دارد.

و همه این‌تصمیمات هموطنان‌باتجاوز وحشیانه درکره و نقض حاکمیت چین‌و صرفا برای مرعوب کردن مبارزین اردو گاه صلح ودمکراسی جهت تحمیل قطع نامه های غیرقانونی درسازمان ملل‌متفق اتخاذ شده است.

...

در مقابل این‌سیاست جنك طلبانه و ماجراجویانه سیاست پایدار و بی‌گیر صلح، با تجلی وقدرت هر چه تمامتر خودنمائی میکند.

قطعنامه و پروگرامی که از طرف آنده ونیشنسکی وزیر امور خارجه کشوروشوروی درمجمع عمومی پیشنهاد شده، گواه بزرك و قاطع این حقیقت است اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی پیشنهاد میکند:

پیمان صلح میان پنج کشور بزرك منعقد شود، نیروهای مسلح و تسلیحات کشورهای‌بزرك یك ثلث تقلیل یابد بسب آتمی تحریم گردد و اولین دولتی که آنرا بکاربرد جنایتکارجنگی‌شناخته‌شود.

اتحاد شوروی پیش از هر چیزی خواهان آنست که نماینده دولت واقعی چین در سازمان ملل پذیرفته شود.

مقارن با تسلیم این قطعنامه بمجمع عمومی اقدامات و تصمیماتی جهت توسعه و ترقی ساختمانهای زمان صلح بمرحله اجرا در میاید.

در برابر شمار وفرتار توپ‌بجای کره، که بیشتر از نصف بودجه های کشورهای‌امپریالیستی‌را بمصارف جنگی تخصیص میدهد، طلیعه نقشه پنجساله‌دوم بعد از جنك در اتحاد شوروی‌با ساختمان های عظیم مراکز برق آبی استالینگراد کوئی بی شف، دنیپروکانال عظیم ترکمنستان ظاهر میشود.

در برابر تقلیل روزافزون سطح زندگی‌زحمتکشان‌در کشورهای‌امپریالیستی میزان دستمزد مردم در اتحاد شوروی و کشورهای دمکراسی توده ترقی میکند.

اردوگاه صلح ودمکراسی برخلاف اردوگاه امپریالیستی که برای حفظ سیستم‌پوسیده خود نیازمند جنك واقتصاد جنگی است، برای وصول بهدف های عالی و ارائه برتری سیستم سوسیالیستی خواهان صلح است.

بهمین علت از ۱۹۴۵ باین طرف، دراساس ومضمون قطعنامه‌های اتحاد شوروی درمجمع عمومی‌سازمان ملل‌متفق تغییری روی نداده‌است.

این نکته راحتی جرائد ارتجاعی و چیره خوار غربی نیز نمی توانند پنهان کنند.

نظری به اوضاع سیاسی در کره

بقیه ازصفحه ۱۲

درمیان این مدارك می توان اظهارات کیم‌ای سك وزیر کشور سابق «حکومت هاسینان» راذکر کرد.

دراظهارات مورخ ۸ ژوئیه وی خاطرنشان شده بود که در سفر بهاره هاسینان به توکیو مقدمات وتدابیر مربوط به «اردو کشرشال» تهیه شده واز طرف مالك آرتور به لی‌سینمان اطمینان داده‌شده بود که امریکا بوسیله نیروهای هوائی ودریائی خود ویك آرتش داوطلب ژاپنی ازاین عملیات حمایت خواهد کرد.

بنا بنوشته سولیوان مخبر نیویورك تایمز درسئول (۲۶ ژوئن) «تقریبا کلیه پیشنهادهای مربوط بجنك از سران جنوب کره برمیخاست» و «دربسیاری ازموارد لی‌سینمان رسما کوشزد کرده بود که ارتش وی بمحض جلب موافقت واشنگتن وقت بتمرض خواهد رد».

علاوه براینهایکه‌نقه پیش از آغاز جنك داخلی کره لی‌سینمان دربرابر «مجلس جنوب کره» ودرحضور جون فوستردالس مشاوروزارت امور خارجه امریکااظهار داشت: «اگر ما در جنك سرد موفق بدفاع از دمکراسی نشویم. در جنك سوزان کامیاب خواهیم‌شد»

دالس درپاسخ به لی‌سینمان اطمینان داده بود که‌در مبارزه‌با کمونیسم امریکا هر گونه کمك معنوی ومادی به‌وی خواهد کرد.

قید سایر اظهارات جنك طلبانه سران میسیونهای نظامی امریکا در کره‌و رئیس هیأت امریکائی کمك بکره بعلت کمی جا غیرممکنست. قابل ذکر است که ۱۵ نفراز نمایندگان مجلس جنوب کره رسما باتهام مخالفت با اردو کشی همال از ۱۰ال ۱۵ سال حبس محکوم شده‌اند.

با این وجود در تبلیغات امریکائی وانگلیسی ادعا میشد که [illegible] «ارتش جنوبی امریکا در کره فقط برای عقب راندن متجاوز» انجام گرفته وهیچگونه مقاصد سیاسی ونظامی تجاوز کارانه دربشت این اقدام نهفته نیست.

در اظهارات نخستین سران امریکا برای استثمار مقاصد واقعی تجاوزامریکا اصرار می‌شد که گویا امریکا فقط خواهان آن است که نیروهای جمهوری دمکراتیك کره به‌آن سوی مدار ۳۸ عرض جغرافیائی عقب‌نشینی می کنند.

این اظهارات درهنگامی بعمل‌میآید که ارتشهای امریکا دروز بر ضربات ارتش کره عقب‌نشینی می کرد.

حتی در تصمیات غیرقانونی شورای امنیت نیز از ارتش‌های جمهوری دمکراتیك کره خواسته شده بود که بمواضع نخستین خود در پس مدار ۳۸ عرض جغرافیائی باز گردند.

ولی اکنون به‌تغییر موقتی اوضاع جنگی در کره لحن امریکائیها بکلی دگرگون شده‌است.

آنها هم‌اکنون آشکار خواهان آن چیزی هستند که در ابتدا باریاکاری کامل پنهان میکردند.

...

تحول اوضاع نظامی کره در اثر تعرض قوای عظیم زمینی و دریائی و هوائی امریکا (که نسبت افراد آن بارتش مدافع ۱۰ بریك بود) این خیال خام را بوجود آورده است که استقرار نفوذ امریکا در سرتاسر خاك کره کار آسانی و سهل‌الوصولی است

[illegible] چند خبر منتشر شده ازمنابع امریکائی وانگلیسی چنین امیدی راتکذیب میکنند.

درحدود ۱۰ روز پیش ژنرال والتون والکر فرمانده ارتش هشتم امریکا در کره اظهار داشت که «ارتشهای کمونیست با اینکه دچار شکست‌شده و عقب نشینی‌میکنند.

کوچکترین آثارهزیمتی‌در آنها دیده نمیشود»

این اعتراف فرمانده امریکائی بخودی خود موید این حقیقت است که فرماندهی ارتش دمکراتیك کره با نقشه دقیق ومنظمی عملیات عقب نشینی را در مرحله کنونی اداره میکند.

یك خبر دیگر از منبع رویتر (که موثق ترین آژانس غربی است) حاکی ازاین بود که

«ارتشهای کمونیست در مناطق جنوب کره باانظم‌و ترتیب خاصی بکوهستانها میروند و در آنجا بصورت پارتیزان در میآیند.»

یك خبر دیگر که در جراید ایران نیز انتشار یافت حکایت‌از این‌میکرد که

«۴۰ هزارنفر ازقوای دشمن که درحلقه محاصره قوای‌امریکائی درآمده بودند بطورناگهانی و مرموزی ناپدید شده اند»

اگر این اخبار دو کنار هم گذاشته شود بخوبی واضح میگردد که پیش‌بینی‌های مادر باره جنگ کره وروش آتیه ارتش جمهوری کره دربرابر تفوق‌با این دشمن تا چه حد مقرون به حقیقت بوده است.

قطع جنگهای معظم جبهه ئی ودر برابر دشمنی فعلا از تفوق ماد، وعددی برخوردار است در مرحله بعدی که با ماههای سخت‌زمستان نیز مصادف‌خواهد گردید به ملت کره امکان خواهدداد که نیروهای امریکائی اتفاقگرا به تفرقه وقبول جنگهای مجزا وغافلگیرانه‌واداد استمرار [illegible] طولانی و گرانی به‌امریکا کنند [illegible] جهان [illegible]

تحمیل نمایند.

ولی دستگاه دیپلماسی و نظامی امریکا میخواهد از پیروزی موقتی و زودگذری کنونی بعنوان یك اتوی‌سیاسی استفاده کند.

از یك طرف رئیس جمهور امریکا دربرابر سئوالات‌روزنامه نگاران میگوید که درباره هیرو و یاعدم هیرواز مدار ۳۸ به ژنرال ماك آرتور ازنظر جنگی اختیار تام داده شده است

بمناسبت این‌روش گستاخانه اظهاراتی ازجانب چندسیاستمداردیگر غیرامریکائی بعمل آمد که بسیار در خور توجه است.

وینستون چرچیل وزیر امور خارجه فرانسه که اکنون در نیویورك بسر میبرد در یك مصاحبه رادیوئی بعقیده من قوای ملل متفق نباید از مدار ۳۸ تجاوز کنند زیرا که هدف‌اعاده وضع قبل‌از ۲۵ ژوئن بدست آمده است»

اظهارات پاندیت جواهر لعل نهرو بعنوان نماینده یك کشور آسیائی مهمتر از این بودوی طی نطق گفت: «جنك کره تاکنون‌خطه بین‌المللی‌ایجاد نمیکرد ولی باعبور از مدار ۳۸ وضع بسیار خطرناکی بوجود خواهد آمد»

بااین‌وصف‌روزاول‌اکتبرماك‌آرتور طی یك پیام رادیوئی‌از فرماندهی آرتش توده جمهوری دمکراتیك کره گستاخانه درخواست کرد که‌سلاح را بزمین‌بگذارد ودست بسته تسلیم‌شود.

بدین ترتیب دیده میشود که امریکا علی‌رغم تذکرات سیاستمداران کشورهای هم‌پیمان‌ودولت خوددراجرای نقشه‌تجاوز کارانه خویش اصرارمیورزد.

همزمان‌باتجاوز نیروهای لی‌سینمان از مدار ۳۸ قطعنامه ها بامضاء هیئت کشورامریکائی- انگلیسی یکپیکه‌سیاسی تقدیم گردیدکه تاسیس یك کره واحدرا ازطریق اجرای انتخابات درزیر سرنیزه های امریکا ونظارت یك کمیسیون قلابی وبی صلاحیت ملل متفق پیشنهادمیکرد

ماهیت رژیم لی‌سینمان - که‌منتخبی ازهمین قبیل‌بود - نشان‌میدهد که‌درصورت اجرای چنین‌طرحی،خواب چه‌نوع‌حکومتی برای کره‌دیده‌میشود.

ولی‌خودداری حکومت جمهوری دمکراتیك کره‌از قبول اولتیما توم ماك آرتور وادامه یك‌جنك طولانی‌در شمال وجنوب کشور درعمل این نقشه را محکوم بشکست‌خواهد کرد. زیراعلاوه براینکه درجنوب جنگهای پارتیزانی ادامه خواهدیافت.

پیشروی‌درشمال کره، بهیچوجه‌آسان نخواهد بود، زیراکه اراضی دشوارو کوههای عظیم ومواقع‌طبیعی شمال‌چنین کاری را امکان ناپذیر میسازد.

برای اثبات این مدعا کافیست یاد آوری شود که درمدت سی‌سال استیلای ژاپن در کره، ژاپنیهاهرگز نتوانستند هسته مقاومت ملی کره‌را که در مرتفع ترین وصعب‌العبورترین کوههای کره در شمال باختری آن کشور مستقربود ورهبری آن بدست کیم‌ایرسن رئیس جمهور جوان معاصر آنکشور بود. نابود کنند،

جریان حوادث نشان خواهدداد که امیدواری‌امریکائیهابه‌حصول یك‌پیروزی سهل‌الوصول تاچه حد مقرون بحقیقت است.

ازطرف دیگر اظهارات چوئن‌لدی نخست‌وزیر چین نشان میدهد که‌نظر جواهر لعل نهرو دائر به جریانات کره خیلی‌هم بی‌اساس نیست.

نخست‌وزیر چین‌طی نطقی بمناسبت اولین سال تاسیس جمهوری دمکراتیك [illegible] کره اظهار داشت که «ملت چین نمیتواند نسبت بتجاوزات امریالیستی‌در کشورهای همجوار خود بیقید بماند».

اظهارات چوئن لای حاکی ازاین است که چین که تاکنون‌نسبت بتجاوز امریکا در کره روش بیطرفی کامل در پیش گرفته بود درصورت ادامه تجاوز امریکا بیطرف نخواهدماند.

اتحاد جماهیر شوروی که‌از آغاز مداخله تجاوز کارانه امریکا و بمباران های وحشیانه مناطق مسکونی کره‌از قبول اولتیما توم ماك آرتور وادامه یك‌جنك طولانی‌در شمال وجنوب کشور درعمل این نقشه را محکوم بشکست‌خواهد کرد. زیراعلاوه برابر

سی سالگی سینمای شوروی

بقیه ازصفحه ۱

بوچ وبی معنی‌وساده بودن ظاهری درام های سالونی‌سینمائی ، یا کمدی‌های های پست وفیلم‌های پلیسی فقط پوشش ظاهری‌بردهٔ‌استثماری بود که‌درپشت آن زهر بسیار قوی ایده‌ئولوژی فاسد کننده ومنحط بورژوازی نهفته بود .

ولادیمیر ـ ایلیچ ـ لنین درسال در ۱۹۰۷ یعنی ده سال‌قبل ازوقوع انقلاب کبیرسوسیالیستی اکتبر باطالعه‌ی‌دوران کودکی رشد وترقی سینماتوگراف‌پیش گوئی مینمود ، که سینما دربد قدرت مردان حقیقی تمدن‌وفرهنگ سوسیالیستی یکی ازبرومند ترین وسایل تنویرافکار توده‌های کثیر مردم ونشرمعارف خواهد بود، لیکن تازمانی که سینما در اختیار محتکرین وسودجویان پست میباشدزیان آن خیلی بیش‌ازسود آن‌است زیرا غالباً با مفاد نفرت انگیز نمایشنامه های خود توده‌های کثیر مردم رامتحرف و فاسد می‌نماید .

یك موضوع بسیارمهم ومخصوصی را نباید فراموش کرد که : آن پیس هائی دارای نفرت انگیزترین مفاد بودند که‌تجارتخانه های‌خارجی سیلاب وار ببازار جالب توجه وپرمنفعت روسیه میریختند ، یا آن‌پیس‌های سینمائی که سود پرستان سینمای روسیه به‌تقلیداز نمونه های خارجی تهیه میبودند .

مهمدا خاصیت‌تاریخی‌سینماتوگرافی روسیه در دوره‌ی قبل از انقلاب عبارت از این بوده که درمقابل‌این توسعه طلبی سینمای‌غربی وتاثیر فاسد کننده‌ی مقلدین یا پیروان آن ؛ سنن تمدن باعظمت و دموکراتیك روسی که بوسیله‌ی چرنیشفسکی ، پ‌آرله نف،بانوو ، ماسالی تینوو او سایر استادان صحنه‌ی روسی قرار گرفتند ـ زرق‌وبرق‌های‌قلب و مصنوعی در مقابل نور خیره کننده‌ی استعداد آنان فروغ و برتش رااز دست دادند ، چراغهای و کلام بازاری که برای اشتهار و افتخار « ستارهای سینمای » باخترى روشن شده بودند، خاموش‌شدند.

لیکن با تمام موفقیتهائی که در تجسس‌های شیفتگان و هنرمندان منفرد نصیب آنان میگردید ، با اینکه‌اولویت فکر خلاق و علمی ـ فنی‌هنرمندان‌روس مسلم بود ، در بسیاری از رشته‌های مهم سینماتوگرافی تمام‌آن‌موفقیتهاوتجسس‌ها توسعه‌و رشد لازم‌رانمییافتندونمیتوانستند بیابند ، از حدودمرحله‌ی بدوی‌ونطفه‌ای خارج نمیشدند و نمیتوانستند بشوند ، زیرا صاحبان مملکت‌روسیه همان‌صاحبان سینما بودند.

• • •

فقط بعد از وقوع و پیروزی‌انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر که سازمان اجتماعی جدید رابرقرار نمودو درترتیب‌های آن‌خود ملت‌مالك وصاحب کلیه ذخایر و نفایس گرانبهای‌باطنی و ظاهری‌زندگانی شد تمام وسایل و امکنات بسیط برای ترقی و تکامل سینما بعنوان‌هنری فراهم شد ، که آن‌هنر نیز مانند علم از ملت اجتناب نمیماید و بین خود وملت‌حاجب و حائلی قرار نمی دهد ، بلکه متعلق بمردم است و با صمیمیت و دوستی بملت خدمت میکند.

بموجب فرمان حکومت شوروی سینماتوگرافی در اتحاد شوروی چه بعنوای صنعت، چه بعنوان رشته‌ای از تمدن و فرهنگ‌ملت‌ملك‌طلق و پیشرو هموم ملت‌شناخته شد .

از تاریخ صدور آن فرمان دیگر راه‌ترقی و تکامل سینما بوسیله درجه‌ی سود یا زیان آن از نظر مالکیت فردی تعیین نمیگردد ، هیچ‌نوع مه(روزبینندی) که‌ازباختر بورژوازمنش‌به‌ازمان‌می‌آید در راه‌ترقی وتکامل‌آن کمترین تاثیری‌ندارد وهمچنین ذوق و سلیقه‌ی جمال پسند‌نه‌ای هیچیك ازکارکنان سینما نمی‌تواند آن‌را از راه مشخص خود منحرف سازد .

مصالح‌وطن ، مسائل توسعه وترقی کامل و همه‌جا نبی تمدن وفرهنگ سوسیالیستی ، احتیاجات باطنی و روحی ملت شوری که در جریان انقلاب مدلی و فرهنگی برسرت رشد میمانند ،شگفتن استعداد های عمومی که سرزمین شوروی از آن حیث بسیار مستغنی است اینهاآن مسائلی هستند که راه و مقیاس ترقی و و تکامل هنر سینمائی شوروی را مشخص و تعیین می کنند .

برهمه معلوم است که و ، ای. لنین توجه زیادی به سینمای شوروی که در شرف تکوین بود مبذول می‌داشت

در سالهای خارجی و گرسنگی او شخصا باین مهمترین هنر ها کمکهای همه جانبی مینمود و شخصا بسیاری از مسائل تشکیلاتی‌آنرا حل می کرد .

وی موضوع ها را تلقین می کرد و کیفیت فیلم‌های اخباری و علمی وعمومی را تعیین مینمود ومراقبت فعالیت نخستین دستگاههای سیار سینما در قطارهای تبلیغاتی بود .

در آن موقع سینمای شوروی با اشکالات ومواقع مافوق تصوری مواجه بود .

در زمان حیات و ، ای. لنین نه توانستند آن حد اقلی را که او تعیین نموده بود در این رشته انجام بدهند .

ی . و . استالین در مساه مه سال ۱۹۲٤ در سخنرانی خود در سیزدهمین مجمع عمومی حزب این نکته را تایید نمود که : وضعیت سینما بد است . سینما عظیمترین وسیله‌ی تبلیغات عمومی است . وظیفه ما این است که‌این کاررا خود بدست گیریم .

تمام تاریخ بعدی سینمای شوروی ـ تاریخ پر افتخار ترقی و تعالی دائمی می باشد و با نام شخص ی . و . استالین پیوستگی و ارتباط دارد .

قریب ۱ـ ۱۵ سال بعد از آن که استالین حزب را دعوت نمود که سینما را بدست گیرد و نخستین موفقیت های هنر سینمائی شوروی نمایان گردیدند . در فیلم های «نازوزه دار » پاتیومکین «ومادر» هنرمند کورگوئی بروی مضامین سال ۱۹۰۵ ، یعنی سال تمرین بزرك (ره‌به‌تیمبورژازال) انقلاب روسیه‌نیروی خلاقه‌ی خویش را آزمایش می کرد تا بزودی در فیلم‌های «هاقیت سنت پترسبورك «اکتبر» تکه‌ای از «امپراتوری» زمین کاملا بمضامین انقلابی معاصر نزدیك‌بشود

در زمینه‌ودوستی استالینی ملل‌تمدن و فرهنگ‌ملل واقوام تازه‌ی سوسیالیستی شکفته شده است .

هر ملتی از خانواده‌ی برادر وار ملل شوروی بانرقی دادن‌تمدن و فرهنگ خود درهماهنگ تمدن سوسیالیستی کلیه ملتهای شوروی را ترقی میداده است

هریك از ملل شوروی بانرقی و توسعه دادن سینما توگرافی ملـی خود خدمات گرانبهائی به‌هنر سینمائی‌شوروی مینمود که بعنوان هنر کشور کثیرالملتی پیشروی می‌نماید ذخایر تمدن و فرهنگ ملی خود را وارد گنجینه‌ی عمومی تمدن سینمائی شوروی می کرده است .

• • •

نخستین آثاری که موجب شهرت و تقدیر جهانی هنر سینمائی شوری گردیده اند فیلم‌های نازوزه دار پاتیومکین‌اتوس فیرنشتاین ومادر» اثر« پودوفکین‌میباشند

فیلم های مذکور نخستین بار روی پرده‌ی سینما ملت انقلابی و هیجـان و حماسه‌ی انقلاب را ازنظرهدف ومنظور عمیق و تازه‌ی فکر و درخشان بودن شکل و قالب و درخشنده گی استعدادهای جوان انقلابی جلوه‌گر ساختند .

استادان‌جوان سینمای شوروی‌بطور قطعی سنن و قوانین محـدود و زایـده سینما توگراقی کهنه‌را طرد نموده بعنوان متعهدین(نوآتورهای)باجرئت‌وموجدین انقلاب در سینما قدعلم کردند .

سینمای شوروی بعنوان هنر حقیقت زندگی و افکار و هدفهای عالی توسعه و ترقی می نمود و مضامین و تمثالها را از زندگی و مبارزه‌ی‌انقلابی‌طبقه‌ی‌کارگر و روستائیان کشور شوروی کسب و اقتباس مینمود .

درموقع خود فیلم‌های‌مهم وبزرگی مانند«تکه‌ای‌از امپراتوری»،«هاقیت‌سنت پترسبورك»، «زراد خانه »و چندفیلم دیگربه مضامین‌ملـ کوراختصاص یافته اند .

سینمای شوروی بعنوان هنری که‌از حیث شکل و قالب ملی ، و ازحیث‌مفاد سوسیالیستی میباشد توسعه و ترقی‌می‌یابد ملتهای مختلف کشور اتحاد شوروی ذخایرگرانبهای استعدادهای خودرامانند کلیه‌ی رشته های هنری دیگر وارد هنر سینما توگرافی مینمایند .

کیك های استادان سینماتوگرافی روسیه در ترقی وتکامل سینماتوگرافی جمهوریهای متحده نقش عظیمی انجام می دهند .

کادر های رژیسور های سینمائی ، کارگردانان ، نقاشان ، هنر پیشگان ، کارکنان فنی و مهندسین بسرعت رشد می‌یافتندوسینماتوگرافی‌شوروی‌راباقدرت پیش میبردند و ترقی میدادند .

شبکه سینماهای کشور هم‌فوق‌العاده توسعه می‌یافت.

شوروی همرده شدند.

درآن سالها هنر سینمائی شوروی مسئله ای پرمسئولیت وبسیار مهمی‌را حل‌نمود که عبارت بود از ـ مجسم‌نمودن تمثالهای رهبران باعظمت انقلاب ، یعنی لنین و استالین درفیلم های هنری ، فیلم های جالب توجهی مانند «شفق عظیم» اثرس . یوتکه ویچ ، « کوی‌وبیورك» اثر ك . کوزین تسف ول . تراوبورك بوجودآمدند .

مخصوصاو ، شچوکین هنرپیشه‌تمثال و ، ای . لنین وم . کلووانسی هنرپیشه تمثال ی . و . استالین را با استعداد و ابتکارزیاد بوجودآوردند.

درسالهای قبل‌از جنك توجه‌فراوان به‌تهیه‌ای فیلم‌های تاریخی ـ پیوگرافیك بذل میشد تاوقایع بااقتدار مبارزه‌ا‌جداد واسلاف مردم کنونی شوروی باغاصبین خارجی برای‌استقلال‌وآزادی ویرومندی وطن عزیز درآنهاجلوه‌گر شود ازقبیل: «آلکساندرنفسکی» اثرس . ایزنشتاین، «پیوتراول» (دردوسری) اثرو ، پترو، «مینین وپازارسکی» ، « سوووروف» اثر و ، پودوفکین ، «باگدان‌خمایتسکی» اثرای ، سافچنکو.

هنرسینمائی شوروی بـاایجاد تمثال های مثبت باروح جلاب و جاندار بقایای خرافی جامعه‌ی‌سرمایه‌داری قدیمی‌تازیانه میزد . بالاخص این موضوع مـربوط به کمدی سینمائی است .

از صفات ممتاز بهترین کمدیهای سینمائی‌آن زمان (ازقبیل «عروس‌دارا» و «ترا اکتوریتها» اثر ای . پیوویف ، «ولگا ـ ولگا» و «سیرك» اثر ك . الکساندروف ، «داستان موزیکال» و «آتتون ـ ایوانوویچ‌اوفات‌تلخ‌میکند» (اثر آ . ایوانوفسکی)اهمیت فوق‌العاده‌ی تربیتی فیلمهای مذکور بود . کمدیهای مذکور علاوه بر اینکه فرح‌بخش هستند و درآنها حسن ابتکار و قریحه‌ی کامل بکار رفته است ، دارای مفاد معنی‌عمیق پرورشی نیز میباشند . فیلم‌های‌مذکور نقاشی‌بعضی‌اشخاص عقب‌مانده‌وراانتهزاء نموده،آن مقیاس اخلاقی راتثبیت مینمایند که از خصائص افراد جامعه سوسیالیستی است .

سینماتوگرافی شوروی‌توجه کاملی بایجاد فیلم‌هـای مخصوص کودکان و نوباوگان مینماید . فیلم‌هـای مذکـور فکر و عقل اطفال‌را وسعت‌میدهند و بهترین صفات انسانی ـ یعنی شرافتمندی، پشردوستی ، عشق بعلم‌وکار ، شجاعت ، ابتکار ، استقامت در وصـول بهدف و مقصود ، عشق بوطن را به آنهـا تلقین می نمایند .

مضامین و موضوع‌ها و ژانرهـای فیلم‌های کودکان متنوع میباشد . هم از رومانهای ژول ـ ورن که مورد علاقه‌ی نوباوگان میباشند (از قبیل « فرزندان کاپتین گرانت»، « جزیره‌ی مرموز ») هم از کتابهای معمولی روی میزی جوانان شوروی ـ مانند « فولاد آب دیده» اثر ن . آستروفسکی و « کارد جوانان» اثر آ . فادیف و بسیاری تالیفات‌دیگر فیلم‌های‌خوب تهیه میشوند.برای کودکان خردسال هم از افسانه‌هـای ملی روس فیلم‌هائی تهیه میشوند و نیز فیلم‌هـای ترکیبی (مولتیپلیکاسیون) هنر عـالی بوجود میآورند.

موفقیت‌های سینمای شوروی‌رشته‌ی مستقلی‌در ادبیات شوروی بوجودآوردند که عبارت‌است‌از نمایشنامه نویسی‌سینمائی (در اماتورزی سینمائی) و درآن‌علاوه بر صحنه آرایان حرفه‌ای از قبیل ی. پاشچیکوف ، ك . گربنوك ، ایسایف ب ، چیرسکـوف ، ك . کالتوسوف یانوك . ویناگرادیکایا ، یانوم . اسپ نورا ، م . بایاوا ـ بسیاری ازشرنویسها

بقیه صفحه ۳

آ . ف . شورین وپ.ك. تاکر دانشمندان شوروی در سال ۱۹۳۰سیستم ثبت و ضبط صوت را روی فیلم اختراع نمودند .

پیدایش فیلم گویا تنها تحول فنی عظیمی در سینما توگرافی نبوده بلسکه بمنزله‌ی مرحله‌ی جدیدی در تکامل هنر سینمائی نیز بود . کلام و صوت برقدرت منظوری ـ هنری و تاثیر باطنی سینما افزوده‌راههای‌جدیدبیکرانی برای‌فعالیت آفرینشی درآرزمینه‌ی بهناور باز کرد.

تا آزمان سبك و مشی‌هنر سینمائی شوروی نیز بطور نهائی مشخص‌ومتبلور میگردیدآن‌سبك ـ رهآیـم سوسیالیستی است.

درسالهای اجرای نخستین نقشه های پنجساله‌ی استالینی استادان‌سینمای شوروی فیلم های هنر هالی بوجـود آوردند که مظهر شور و هیجان‌ساختمان‌سوسیالیستی قهرمانی در کار و تغییرات‌واصلاحات با عظمت اجتماعی واقتصادی‌مملکت‌شوروی بودند

در همان زمان با جدیت بی نظیری تجسس هالی درجهات مختلف برای تهیه مضامین وموضوع‌های تازه تمثالهای‌جدید ووسایل نوین بیان مطلب بعمل‌می‌مدند. وسایل نوین بیان مطلب بعمل‌می‌مدند. دونه تنوع موضوعی و مضمونی رژانوی سینمای شوروی بالاخص یك سلسله فیلم های خوب کمدی‌بودند واز آنجمله‌اولین کمدی ـ موزیکال ك : الکساندروف بنام «بچه‌های خوشحال» بود

توجـه زیادی بروی بوده آوردن بهترین آثار کلنیك روسی و خارجـی ابراز میشد .

باین ترتیب فیلم‌های « رگبار » (برژیسوری د . پیترف) « پترسبورك» (برژیسوری و . استروپیلوك روشال) ، « کلاولیوف بوودا صفت (برژیسوری ایوانوفسکی) و « یك» (بر ژیسوری م . رود) بوجودآمدند.

درسال ۱۹۳٤ در فستیوال سینمائی بین‌المللی درشهر«ونیز»سینما توگرافی جهان نتیجه فعالیت خود را برای استیلا یافتن برصوت وصدا نمایش میداد. فیلم ـ های شوروی « رگبار » ، « شب پترسبورك » ، « بچه های خوشحال » و «چه لیوسکین» جایزه اول ـ یعنی جام فستیوال را بعنوان‌تصدیق اولویت جهانی دریافت‌نمودند .

برای هفدهمین سال انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبرك . واسیلیف وس واسیلیف دونفر رژیسور اثر پر جنبه‌و مهم سینما توگرافی شوروی ـ یعنی فیلم «چاپایف» رابوجودآوردند.

حزب زمامدار ودولت و تمام ملت شوروی ارزش عالی برای آن اثر قائل شدند ،زیرا درآن بااقدرت فوق‌العاده و سادگی و حقیقت عمیق‌حیاتی تمثال‌قهرمان جنگهای داخلی جلوه‌گر شده ، تمثال‌او بتمام معنی بمنزله تمثال قهرمان ملی شده است .

پس ازفیلم «چاپایف » یك سلسله فیلم های جذاب تازه دیگر در ستایش عظمت کار های تاریخی مبارزه برای زمامداری کارگران و روستائیان اتحاد شوروی بشرح زیر بوجود آمدند :

«ماازکرونشتادت هستیم» (اثری . دزیگان) ، « وروزهای والاچایسك» اثر دوبرادرك . و.س . واسیلیف‌ها ، « برای وطن شوروی » اثر ر . رویو . موزیکالت‌ها ، فیلم «شچورس» اثرآ . دووژنکو وفیلمهای دیگر.

فیلم «بانیانه‌ای بالتیك» اثر آ. زارخی وای . خنیفیتس‌وترلوژی‌راجع‌به ماکیسم اثر ك . کـوزین تسف و ل. ترائوبرك ازموفقیت‌های مهم‌هنرسینمائی

بقیه صفحه ۳

سی سالگی سینمای شوروی

بقیه از صفحه ٤

و نمایشنامه‌نویسان نامدار نیز هرکت می‌نمایند مانند : ك . سیمونوف ، ن . و برتا ، پ . کاربانوف ، و ، پادکودین آ . کارنیچوك . آ . پروکنتسف ، یو. گرمان‌ودیگران.

مهارت هنر پیشگی درهنر سینمائی شوروی فوق‌العاده ترقی نموده است .

درعکس‌برداریهای سینمائی بهترین نیروهای هنرپیشگی تئاتر های شوروی نیز که‌نوع تیلیوبها نفر تماشاچیان‌دارای شهرت و محبوبیت کامل می باشند بنحو بسیطی شرکت می نمایند از قبیل : ن . چرکاسوف . بانو ونا تسکاریان آخلو یکوف و. واتین‌ای‌ایلینسکی،آ. دیکی آ .خوراوا، آ بوچیا، ن اوژوی آ آبریکوسوف، ن مارد وینوف م آستنا نکوت‌پ با بوچکین ك اسکارا باکا توف ، ن ژو کوفسکی م . ژاروف ، ن باکالیو بوف بانو آ تارا سووا ، یو . تالوبه‌یف،ب ایوانوف و به‌لاکوروف ی.سامویلوف ای. لیوبزنوف ت.ن‌تین آ آوه‌تیسیان،بانوآسمیك . وآنجا باریده‌زه آ کارلی یف ، و نیچیپلنکو.

سینما توگرافی‌همچنین هنرپیشگان سینمائی مخصوص خود را پرورش داده است که آنهاهم‌دارای شهرت زیاد و علاقه‌ی تماشاچیان می‌باشند مانند . ب . چین کوف،ن کوبوچکوف، و ژاکوف . بانول آرلووا،بانوت ماکاروووا بانو م . لدی نینا، بانو و. ژبن‌بنووا ، بانوژتسار سکایا آو ویسیلك‌و.واچنادزه،ب آندره یف،بانوی . کوزمینا، پ آلیشیکوف م بلستر و . کاردین پ کادوچنیکوف ، آ.خوبلیا،یا.ژمبو .

کارگردانان سینمای شوروی‌هم از قبیل آ . گالاینا ا . تیه، پ،والچوك‌و یه‌کاچیك،آ ماسکوین‌و کازدانوف آ دیکه‌لوف و یاولوف آ.ه‌لنکوف م . کریلوف،م . گنیدین ،د، دموتسکی،ب ماناشیرسکی،آ. کینتسبورك ،آنکایف آ. کالساتی، و زایوبورت ،و.یاکوولف ای. مارتوف. کازانتوف ، م‌کیسون،ن زنکوف خودرا استادان بااستعداد ماهرو کامل معرفی نموده اند .

در میان تماشاچیان سینمائی استادان ماهر آزموده و با استعدادی از قبیل : د . بکوزوف ، س . ـ کارلوفسکی، آ . باسولایف ، ن . سوووروف ،آ. اوتکین ، ب . دوبروفسکی ـ تکه ا .اشپینل،ی.یه تی، و .شرستا کوویچ، ت . خـوانیکوف ، یو . شابورین ، ن. کریوکوف ، آ . خاچاتوریان،ای. دونایفسکی ، آ . بالانچوزاده ، س . پرا کوفییف و دیگران . بسیاری از آواز ها و آهنگهای فیلم های سینمائی بنام معنی‌آوازهای ملی شده‌اند، اینهم یکی‌از خدماتی است که هنرتوده‌ای‌سینما انجام داده است.

دررشته‌بسیارمهم‌دیگرسینماتوگرافی شوروی نیز همپردیف سینما توگرافـی هنری بدیع رشد و ترقی نموده‌اند. آن در رشته‌ی‌بازتاندا ـ فیلمهای‌مستند وفیلم های علمی ـ عمومی .

از نکات اختصاصی سینما توگرافی مستند شوروی دارای هدف سیاسی و اجتماعی بودن و قدرت تربیتی‌آن میباشد قهرمانان فیلم های‌مستندنیزمانندقهرمانان فیلم های هنری ،مردم‌سادهٔ شوروی‌هستند که نقشه های یا عظمت ساختمان جامعهٔ نوین‌بدون‌طبقات (کمونیستی)رادرزندگی عملی و اجراء میکنند .

همه ساله ضدهازار نزل‌های‌سینمائی، اطلاعات سینمائی تهیه میشوندکه درآنها بدرستی و بنحو درخشانی زندگانی همه جانبی اتحاد شوروی انعکاس می یابد . سینمای مستند دارای کادر های بیشمار متخصصین عالی میباشد که بازحمت‌پرشور و جدی خویش سینمای اجتماعی شوروی را پیشرفت میدهند .

در امر تبلیغات‌معلومات‌علمی‌سینمای علمی ـ عمومی‌وسینمای تعلیماتی‌در کشور شوروی نقش مهمی را عهده دار است .

صدها فیلم علمی ـ عمومی،علمی فنی ، تعلیماتی و دستوراتی تقریبا در کلیه رشته های علوم در مدارس و آموزشگاهها و مدارس عـالی شوروی کمکهای گرانبهائی مینمایند و بزحمت کشان شوروی نیزدر توسعه‌ی سطح‌فکر و افق معلومات آنان یاری‌می کنند ؟

در سالهای اجرای نقشه هـای پنج ساله ی استالینی تکیه گاه مـادی و فنی سینما توگرافی شوروی در اتح.ش.س از نو ایجاد گردیده است .

کارخانه‌های نیرومندی ساخته شده اندکه سینما توگرافی شوروی را از انواع فیلمهای مختلف تامین مینمایند . همچنین کارخانه‌های مکانیکی مخصوص سینما تاسیس یافته اند که تمام دستگاه های سینمائی را تهیه میکنند.

قبل از وقوع جنك عظیم میهنی که کشور شوروی دارای وسیع ترین شبکه سینمائی جهان بود که دردسترس عده‌ی بسیار زیادی تماشاچیان قرارداشت .

مثلا مجموع عده تماشاچیان سینمادر درسال ۱۹۳۹ در اتحـاد شوروی بیش از سه میلیون نفربوده که از مجموع‌تماشا چیان سینما در فرانسه و آلمان و ایتالیا یا هم درهمان سال بیشتر بوده است.

• • •

در سالهای جنك عظیـم میهنی تمام قوا واستعدادکار کنان‌سینمای‌شوروی صرف تهیه محصولات سینمائی خاصـی میشد که ملت شوروی را برای‌مبارزه دلیرانه با فاشسین هیتلری بسیج وتشوق می کرد .

برای عکس برداری از عملیات جنگی بهترین‌کارکردانان‌سینمای شوروی اعزام شده بودند .

یکماه پس از آغاز جنك روی پرده سینما های کشور مجموعه های رزمی هنری تحت عنوان :

« ما پیروز خواهیم شد » نمـایش داده شد . نوول‌های سینمائی که جزو این مجموعه هـا بودنـد نزد تماشاچیان شوروی کسب موفقیت زیادی نـموده بودنـد .

فعالیت برای تهیه‌ی فیلم ها درسال اول جنك از این حیث دشوار بـوده که بعضی استوره‌بوهای سینمائی باسیای وسطی انتقال یافته بودند .

بقیه در شماره آینده

ساعتی در اداره روزنامه نیویورك تایمز

بقیه ازشماره قبل

مطبعه نیویورك تایمز بجدیدترین ماشین های چاپی مجهز است .

ناشر روزنامه ازصـرف پول جهت تکمیل فنی آن بهیچوجه کوتاهی‌نمیکند درشرایط رقابت شدیدروزنامه‌ای قبل‌از روزنامه‌های دیگر امری بسیارمهم‌است.

از شروع صفحه بندی تا آماده‌شدن کلیشه صفحه بیش از ۲۰ دقیقه نمیگذرد واز آماده شدن کلیشه صفحه‌تاآغازچاپ ۱٤دقیقه طول‌می کشد.

کارگاه‌بزرك‌صفحه سازی(درامریکا صفحه‌روزنامهٔ‌راچنانکه‌روی‌یك‌صفحه‌فلزی ویا پلاستیکی مثل‌پول‌فلزی خوب‌میزنند) در روز می تواند ٤تا ٥ هـزار صفحه ضرب بزند.

طبیعی است‌که باچنین عجله‌ای‌اداره تنها قادر به کنترل نوشته‌های خودنیست بلکه درتصحیح مطالب سخت نیـزباد توجه نمی کند.

تصحیح کنندگان ستونهـا را فقط یکبار میخوانند و سپس اغلاطی را که تصحیح شده‌اند دوباره مرور میشایند.

سطور روزنامه رانه‌مدیر ولـه‌رئیس دایره ونه مدیر شب ونه جانشین او هیچ کدام نمیخوانند زیرا برای اینکار وقت زیادی نداردند.

باچنین شرایط در صفحات روزنامه بسیاری اوقات اغلاط فاحش دیده میشود میترهای مقالات مغلوط میشوند و بعضی معکوس بچاپ میرسند تمام این معایب‌را دراینجا نمیده میگرنند

توجیهشان‌فقط باین است که‌روزنامه روزنامه رااز زیر چاپ بیرون بیاید و آن را زودتر ازرقبای دیگر بدست فروشنده گان برسانند !

مهم‌ترین‌موضوعی که‌هیئت تحریریه را ناراحت میکند اینست که نگذارند فلان خبرمهم انتشار یابد و یا اینکه آن رابایدبطرق دلخواه ارباب تفسیر نمایند.

بعضی اخبارا روزنامه بـا یکنوع (وتو) مطبوعاتی تحریم میکنند وبسیاری وقایع را مطبوعات بامؤافقت بـی‌سر و صدائی بسکوت میگذرانند.

درجائی که ویلارد در کتاب خود از یکطرفی بودن و « آلژدگی روز نامه های امریکا گفتگوی‌کند چنین‌میگوید: مردم وقتی کـه هدم خبر نگاررا درتالار جلسه می‌بینند ولـی بعدا میخواهند یك کلمه راجع به کنفرانس آن روزهـا در روزنامه بخوانند! امّا پیدا نمی کنندبسیار متعجب میگردند.

دربهترین صورت ممکـن است‌فقط چند سطر کوچك درروزنامـه گنجانیده باشند »

وقتی ما در کنـفرانس شورای ملل حضور داشتیم و گـزارشهای مربوطه روزنامه‌های‌امریکا را میخواندیم کلمات بلا را بخاطر می‌آوردیم .

روزنامه‌ها از صرف جا جهت این گزارش کوتاهی‌نمی کردند .مامیتوانستیم بفهمیم که مثلا دیروزستاتوز کلی چه نوع گزارشی زده بود و شاد کوروس‌نماینده انگلستان چه نوع گلی بسینه داشت ویا سناتور اوستین چگونه تبسم میکرد .

مامیتوانستیم متن کامـل نطق های ایراد شده در کیسینوها و سوکسیونها را در روزنامه مصالحه کنیم ولی چیز عجیبی است نطقهای اصلی و موثر رادر بسیاری از اوقـات ماشین چاپ، جا می اندانخت وما صفحات روزنامه را بیخودی زیرورو میکردیم ومطلب لازم‌رانمی‌یافتیم

یکطرفی بودن‌اصلا روش‌مطبوعات امریکا است در صفحات اول بسیاری از روزنامه‌های امریکا وحشیانه‌ترین، دروغ ترین و عجیب ترین مقالات‌توهین‌آمیز در باره کشور شوروی و مردمان آن وکشورهای اروپای شرقی درج میشود

محال‌است خبر تحریك آمیز کثیفی منتشر شود و مطبوعات‌امریکا آنرا در صفحات خود منعکس نکنند .

لازم است فقط اسـمی از شهرهای شوروی و نامی از افراد شوروی برده شود .

در امریکا دوست دارند از استقلال مطبوعات امریکا سخن برانند واصـرار نمایند که روزنامه‌های امریکا هرآنچه را که مدیران و یا کارکنان روزنامه بخواهند چاپ میکنند

ولی هر خواننده آشکار می‌بیند که بیشتر روزنامه های امریکا افکار یك نواخت را در قالب‌ای یکنواخت بعورد مشترکین خود می‌دهند :

در روزهای کنـفرانس‌پـاریس و سپس در جلسه ملل متـفق ساده ترین و مبتذل‌ترین مطلب را میدیدند که چگونه سیل یکنواخت‌داستانهای «بلوك‌اسلاوها «وسیاست ناسازگار روسها» و « خطر سرخ » در مطبوعات امریکا تکـرارمی شدند و تمام این بحثها را بامقدار زیادی اخبار دروغین می‌آمیختند موج حملات‌ضد شوروی تشدید می‌یافت

وقتی که باروزنامه نگاران‌امریکائی در باره‌اینهمه مدارك که صورت معنوی مطبوعات‌امریکا را آشکار بکنند گفتگو می کنیم آنها سعی می کنـند موضوع‌را بشوخی بگذرانند .

در دالان جلسه سازمان‌یکی‌ازخبرنگاران بمن گفت :

برای شما مشکل است که‌خصوصیات ما را دریابید . موضوع های اصلی برای روزنامه های ما اخبار مهیج وغیر عادی هستند .

ما یك مثل قدیمی داریم : « اخبار روزنامه یعنی موقعی که انسان پای سك وازگاز بگیرد » اگر سك پای انسان را گاز بگیرد عمل غیر مترقبه و غیر عادی نخواهد بود ، میفهمید .

اما اگر شما بنویسید که انسانی سگش را گاز گرفته این داستان رامیشود خواند . !

همسایه من یك روزنامه نگار یوگوسلاوی خود رابوسط انداخته پرسید آیا شما فکر نمیکنید که با این طرزکار خود روزنامـه مبدل بسك شده دمش را زمین گذارده و عوعو خواهد کرد ؟

وآیاشما گمان نمیکنید که خوانندگان بالاخره از ترس اینکه مبادا او راگاز بگیرند ازخواندن‌چنین روزنامه‌ها‌احتراز خواهندنمود ؟

هم صنعیت ما مودیانه لبخندی زد و موضوع صحبت راعوض کرد .

البته‌تعجب اینکه‌نماینده‌گان‌اجتماعات مترقی امریکا از اظهار نظردرمطبوعات بکلی محروم هستند کار غلطی‌است.

در امریکا مقدار معینی مطبوعات مترقی وجود دارند که حقایق دربین‌توده ها میبرا کنند .

درجـه اول دیلی ورگـر و سپس بعضی مجلات و انتشارات متعدد‌اتحادیه‌ها کارگری از جمله مطبوعات مترقی‌هستند روزنامه های پ . م، شیکاگـوسان و نیورپولیك را که والاس سردبیر آن بود باید جزء مطبوعات بالا بشمار آورد.

تمام این روزهاناهه برله‌دوستی‌ملل معظم و رعایت قرار دادها قیام نموده و بر ضد افکار باید انحصار چیان امریکا که خیال فرمانروائی جهان را در سر میپرورانند بمبارزه برخواسته‌اند .

از نقشه کـه یك یونان و ترکیه که بدستور ترومن‌علی گردیده بسختی‌انتقاد میشود .

مثلا شیکاگوسان نوشت :

«که روش پیشنهادی‌ترومن‌باروش امپریالیستی هیچ فرقی ندارد .

ملت امریکا بـرای پیروزی چنین امپریالیزمی نجنگیدمو از چنین سیاستی جانبداری نخواهد کرد زیرا این سیاستی است که اگر در مورد یونان عملی شود منطقا باید در مورد بقیه جهان‌نیز اجرا گردد .

روزنامه مترقی (بوس ایزرور) که در شور رالبی کشور کارولینای شمالی منتشر میگردد نوشت که امریکا بایـد میلیونها دلار به یونانیان گرسنه کمك کند و حتی ازصرف یك سنت وبکاربردن یك سرباز امریکائی جـهت تثبیت دولـت و شاه بی‌اعتبار آن‌خودداری نماید و از سیاست امپریالیستی کـه جنك و لشگر کشی بدنبال خود میاورد صرفنظر کند

روزنامه ب . م سیاست ترومن را سیاستی میداند که «قادر است‌ظلم وجور غیرقابل وصفی مابد مردم‌نماید»

مفسر اصلی(روزنامه (لزار) گفت که کمك امریکابه‌ت یونان داده نخواهد شد بلکه یکعده بانکدار ،ملاك وژنرال ازآن استفاده‌خواهند کرد .

باوجود این باید بیادداشت که در مقابل‌روز نامه نگار و مبارز اجتماعی که حقیقت گوئی را وظیفه خود میداند ومایل نیست وجدان خود را پامال‌سازد موانع زیادی وجوددارند .

این موضوع‌را سیمونف‌در نمایشنامه خود بنـام (مسئلهٔ روسیـه) بخوبی نشان داد.

آنهائی که‌این نمایش را دیده و یا خوانده اند بیاد دارند که اسمیت قهرمان اول این داستان بچه‌روز سیاهی نشانده شد زیرا وقتی که ناشر باو دستور داد یك کتاب ضد شوروی بنویسد اسمیت کتابی‌نوشت که‌حقایق کشورشوروی‌رادر آن منعکس نمود .

من میخواستم بسرایشان از واقیت مثلی بیاورم خیلی ها یـوهانس ستیل روزنامه نگارمترقی امریکا رامیشناسند. اوبشنوندگان رادیوئی خودهمیشه حقایق را اظهار میداشت و همین موضوع سبب شد که صاحبان دستگاه فرستنده از ستیل بدهان بیایند .

بعد از خانه جنك استیـل را از رادیو بیرون کردند .

ستیل حلم خرابی‌پیدا کرد ودیگر نمیتوانست که‌مقابل شنوگان‌خودسخنرانی کند . او می‌بایستی یکی از دو راه‌را انتخاب کند : یامغلوب اربابان خود شده هرچه دستور دادند اجراء کند و یااینکه نسبت بوجدان خود وفادار بماند .

ستیل راه دوم را انتخاب کرد و شروع بانتشار بولـتن کوچکی نمود . کسی که سرمایه بزرگی دراختیارنداشته باشد محال‌است که بتواند نشریه‌ای‌اداره کند ولی استیل‌بکار خود ادامـه داد و بولتنش درهفت هزار نسخه انتشارمیافت بعضی از روزنامه ها که تفسیرات او را در صفحات خود دو باره درج میکنند از مشترکین اوهستند .

ایـن قبیل اشخـاص در میـان روزنامه‌نگاران امریکا کم‌یافت‌میشوند ولی کار شرافتمندانه است .

اوسوالد ویلارد در کتاب خودبنام (روزنامه در حال‌ضرر) این قماش مردم را درنظرداشت و درباره آنها مینوشت « امروز هرقدر قلم و گیراباشد کسی که در زیر شیروانی خانه منزل بگیردو آنجا کار کند نباید انتظـار داشته باشد که صدای او را شنوندگان‌بشنوند زیرا شنوندگان فعلی تعدادشان بر شنوندگان ایام گارسیون ولینکلن ۹۰ میلیون فزونی دارد و ازحیث‌درك مطالب‌واستفاده‌اصول آزادیهای امریکا.

حداقل ۲۰۰ سال‌از آن‌روزهاعقب مانده‌اند . با اینهمه پیغمبر آینده ، اگر بوسیله

یکمین سال تاسیس جمهوری توده خلق چین

بقیه ازصفحه ۱

یکی ازآنها خانواده چیان کای‌شك بود که خود باسه‌خانواده دیگربندوبست داشت . نزدیك به پانصد میلیون نفر را چهار خانواده دست نشانده خارجی چپاول میکرد . امپریالیسم جهانی و بیش‌ازهمه امپریالیسم امریکادرسالهای‌اخیر تکیه‌دار دستگاه سراپا فساد چیان کای‌شك وتحمیل کننده آن بتغزیه گردانی چیان کای‌شك جنگ داخلی درگیر شده.

از همان نخستین سالهائی که پای سرمایه داران آزمند بآسیا گشوده شد یعنی از قرنها پیش ، چین بمانند کشور پهناور و بی پایانی که میتوانست حرص تمام نشدنی آنان را تا اندازه‌ای سیراب کند در نظرشان جلوه‌گر شد.

امپریالیستهای انگلیسی ، روسی ، آلمانی ، فرانسوی ، ژاپنی و بنالاخره امریکائی برای بلعیدن این بازار فروش بی مانند و اختصاص آن بخود ، بامللت چین جنگها کردند همه گونه‌دوزو کلکی ساختند وتاآنجاکه می‌توانستند کوشیدند که توده های چینی را خواب‌آلود و بیخبر نگهدارند زیرا خوب میدانستند که چپاول یك‌ملت بی‌خبر ساده‌تروآسان تر است .

در ضمن آن‌ها برای تصاحب سر زمین و نیروی کار مردم چین با یکدیگر کشمکش ها و جنگهای فراوان کردند. در سالهای اخیر بیش از جنك امپریالیسم تازه نفس و هار ژاپن بجان ملت چین افتاد و با این تصور که درطی‌چند سال کوتاه بزرگترین ملت جهان رادر کیسه آز خویش فرو خواهد برد جنك‌با چین را درگیر ساخت .

امپریالیسم ژاپن باشعار « آسیا برای آسیائی ها » درحقیقت میخواست « آسیا برای سرمایه داران ژاپون» را عملی کند .

پس از حمله دولت ژاپن بچین ؛ ملت تمام نیروی خویش را برای نبردبا اشغالگران گرد آورد و بالاخره‌یکیك ملتهای دیگرامپریالیسم‌ژاپون‌راسرنگون کرد . ولی پس از پایان جنك جهانی یکبار دیگر بتحریك گردانی چیان‌کای‌شك جنك داخلی درگیر شد.

حتی در زمان اشغال خاك چین‌نیز او پیوسته می‌گفت « دشمن اصلی‌ما در داخل است » و باین ترتیب‌می کوشید دستگاه نظامی خویش را بضدملت‌تجهیز کند آن را از جلوی مهاجمین ژاپنی‌پس بکشد و بجنك با ارتش توده‌ای که با ژاپنی ها دلیرانه می‌جنگید وا دارد.جنك خانگی که چیان کای‌شك بزرگترین آتش بیار آن بود بالاخره با پیروزی‌ملت‌چین و شکست دشمنان خارجی و داخلی آن در سال گذشته تقریبا پایان یافت.

امپریالیسم امریکاکه می کوشید بهر ترتیب حکومت فاسد چیان‌کای شك را نگهدارد می‌خواست بدست داوردوسته کومین تانك بازار بی نظیر ، پربرکت و بزرك چین را در انحصار خود داشته باشد.

سرمایه های امریکائی مخصوصا در سالهای اخیر بکلی چین را تسخیر کرده بوده امپریالیسم امریکا با بهره کشی از کار توده های بیشمار چینی‌سودهای کلان می‌برد .

از طرف دیگر چین برای دولت جنك طلب امریکا بصورت یك پایگاه جنگی بضد اتحاد شوروی درآمده بود. آنها درآرزوی روزی‌بودند که ازمنچوری و مغولستان‌نواحی صنعتی‌اورال‌راببمباران کنند .

گذشته از همهٔ اینها چین مانند سر پل حمله بهمهٔ کشور های آسیائی را در اختیار متجاوزین امریکائی بود .

آن ها تمام نیروی ذخیره خود را در آسیا درون این کشور انبار کرده‌اند بودند . از آنجا برای شکار توده‌های آسیاکین کرده بودند ومی کوشیدند به دست‌چیان‌کای شك « برچمدار مبارزه با کمونیسم‌درآسیا» بهترترتیب که‌شده‌مبارزه آزادیخواهانه مردم مستعمرات را سر - کوب کنند .

اکنون یکسال تمام است که ملت چین بکلی خورا از اردو گاه جنك طلبان جهانی بیرون کشیده است .

هیئت حاکمه خیانت‌کارش‌را بیرون رانده وراده زندگیش‌را خود بدست گرفته است .

اکنون یکسال‌تمام‌است که‌این بزرك ترین کشورجهان ، ٤٧٥ میلیون نفر به اردو گاه‌صلح ودموکراسی جهانی‌پیوسته اند . بارهائی مردم‌چین ازقید امپریالیسم بنحو یارز وتردیدناپذیری‌ازنیروی جهان خواران کاسته و بنیروی ملت‌ها افزوده گشت .

باین ترتیب دیده می‌شود که پیروزی ملت چین‌ازنظر بین‌المللی‌یك پیروزی‌بزرك صلح ودمکراسی بوده.

دولت توده‌ای چین دولتی است که ازنمایندگان کارگران ، کشاورزان و بورژوازی ملی چین تشکیل شده است‌و ازهمان نخستین روزهای حکومت خویش روشی بود مردم چین در پیش گرفت .

بلافاصله دست امپریالیست‌های‌سود پرست ازچین کوتاه‌شدزمین‌میان دهقانان بیشمار و عریان چینی‌تقسیم شد ،کار خانه‌ها و موسسات بزرك ملی‌شد . به خلاف گذشته که‌دولت‌دردست‌عده‌محدودی از متنفذین حزب کومین تانك بود که از جانب خارجیان و بنفع‌آنان حکومت‌می کردند ، دولتی ازاحزاب مختلف درون یك جبهه توده‌ای تشکیل گشت .

در این دولت حتی جناحی ازحزب کومین‌تانك که سنت‌های‌قدیمی این‌حزب راکه از زمان سوت‌یات‌سن انقلابی‌بزرك چینی بجا مانده حفظ کرده است ، نیز شرکت دارد.

دولتی که پس از مبارزات طولانی وخونین‌ملتی بوجود آمده وبریك چنین پایه‌های ملی استوارباشد پیداست که در صحنه جهانی‌هم روشی سودملتها درپیش خواهد گرفت .

دولت چین ازهمان روزهای نخستین ایجاد خود ، مخالفتش را باسیاست جنك طلبانه امپریالیست ما با جنون جنك که سرمایه داران جهانی آن‌را دامن‌می‌زنند با استعمار ملتها وسرکوب کردن آن‌ها اعلام داشت .

پس‌از رهائی ملت چین وتشکیل دولت توده‌ای چین امپریالیستها با یك واقعیت دردناك ودرعین حال غیر قابل انکاری مواجه شدند. نه تنها بزرگترین بازاری را که دربست در اختیار داشتند از دست دادند ، بلکه یك نیروی بزرك و بی‌نظیری باردو گاه ملتها و دولتهای آزادیخواه پیوست .

ازطرف دیگر این حادثه بزرك جهانی بزرگترین ضربت را باقتصاد محتضر و ازهم گسیخته آنان زد .

اقتصاد امپریالیستی از روز پایان جنك گذشته بمد کوشیده است با ایجاد تشنج مصنوعی در محیط سیاسی جهان ، براه انداختن مسابقات‌تسلیحاتی وافزودن پتدارکات جنگی از ورشکستگی‌وبحران خویش جلوگیری کند .

واقعیات نشان داده است که همه این کوششها بیهوده بوده است و روزبروز امپریالیسم امریکا ببحران نزدیکتر میشود . آزادی ملت چین و بیرون رفتن این بازار بی‌نظیر و بسیار بزرك ازدست امپریالیستهای امریکائی بدون‌تردید این بحران‌راتسریع میکند.

امپریالیسم در برابر این واقعیت تاریخی یعنی تشکیل دولت توده‌ای چین تاکنون در روش بظاهر مختلف درپیش گرفته است.

امپریالیستهای انگلیس که خطر بحران را نزدیکتر می‌بینند برای ایجاد روابط بازرگانی با دولت چین آن را برسمیت شناختند .

ولی دولت امریکا که بی پرده از دستگاه پوشالی چیان‌کای‌شك در برابر ملت چین پشتیبانی میکرد هنوز دست از لجاج در برابر واقعیت‌ها برنداشته است و شاید می پندارد که با ندیده گرفتن آنها میتواند دگرگونشان سازد .

در حقیقت دولت امریکا برای حفظ « حیثیت » سیاسی خود و بامید بیهوده تسلط دو باره برچین ، از خیانتکاران فراری کومین‌تانك که جزیره فرمز را غصب کرده‌اند پشتیبانی‌میکند.

اکنون در سازمان ملل‌متحد وضع مسخره‌ای پیش‌آمده که بهترین معرف کارشکنی‌هائیست که‌ازطرف‌امپریالیستها در داخل این‌سازمان‌جهانی‌میشود.

دولت امریکا و بتحریك وی عده‌ای از اعضای‌سازمان‌هنوزنماینده کومین‌تانك را بنام نماینده چین درداخل سازمان ملل نگهداشته‌اند و بزرگترین کشور جهان در سازمان ملل نماینده‌ای نداره . ولی بدیهی است که امپریالیستها نمیتوانند با ندیده گرفتن واقعیات آنها را بنیل خود هوش کنند و بالاخره ناچارند دربرابرآن تسلیم‌شوند.

بعضی از دولتهای جهان و از جمله دولت ایران که در بهنه سیاست دنیائی پای خود راجای پای‌امپریالیسم‌میگذارند پیروی از آن و علی‌رغم منافع ملتهای خویش هنوز دولت چین را برسمیت نشناخته‌اند .

حتی بطوریکه چندی‌قبل روزنامه‌ها خبر داده‌اند سفیر کومین تانك در مصر برای زدوبندهای سیاسی بتهران آمد. پیداست که‌چنین‌روشی قطعی‌نتواند‌خوشایند جهانخواران باشد نه افرادملت ایران که خواهان روابط صمیمی‌و دوستانه با مردم چین است .

اکنون مدتیست که نیروی بسیار بزرگی در آسیای کهن‌سال‌بوجود آمده است که در رهائی مردم زجردیده این قاره ازجمله مردم میهن ما تأثیر شگرف دارد. بهمین‌سبب جادارد که دولتهای ایران — اگر واقعاً خواستار زهائی‌ملت ما هستند قبل‌از حفظ « پرستیژ امریکا» بفکر مردم ایران باشند دست از لجاج بیهوده‌شان بردارند و با مردم و دولت چین‌روابط‌صمیمانه ایجاد کنند.

جوراب اورانوس

فقط یك جفت جوراب
اورانوس تهیه نمائید
نامزیت آن از هرحیث
برشما معلوم گردد

دقت فرمائید جورابهای اورانوس دارای
علامت ستاره میباشد

عمده فروشی بازار دالان‌ماهو تفروشها
جزئی فروشی مغازه های معتبر
آژانس مترو

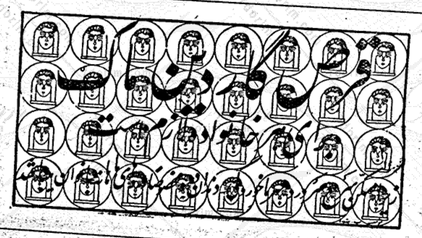

جهانگرد

بهترین وسیله ایست که با اتوکارهای لوکس وآخرین سیستم در اسرع اوقات شمارا بمقصد میرساند

از تخفیف بهای بلیط های آن استفاده فرمائید .

اصفهان وشیراز	همه روز صبح وعصر
مشهد	همه روز
قم و محلات	همه روز
جهانگرد مرکز میدان بهارستان	تلفن ۸۷۸۵
جهانگرد شعبه بازار خیابان بوذرجمهری	تلفن ۵۹۹۲

ش ۲۰

دکتر کهن

پزشك بیماریهای درونی — کودکان وآمیزشی صبح ها از ساعت ۸ الی ظهر وبعد از ظهرها از ساعت ۵ تا ۸ درمطب سه راه سیروس وبقیه ساعات در منزل واقع درمیدان ۲٤— اسفند ازبیماران پذیرائی مینماید ۲—۳

باقرص ترک تریاك ویتامینه ویرا

که باآخرین اسلوب فنی تهیه شده است بدون هیچگونه عارضه وکسالتی
تریاك را ترک کنید .

خردس

۱—۵

متجاوز از ۱٤۲۰۰۰ امضاء...

بقیه از صفحه۳

ین آقایان باید متوجه باشند که اگر ردیا آنش روشن گردد خار و گل‌باهم خواهند سوخت

درحالیکه استادانی‌شرافتمند‌اززمره جناب آقای ملك‌الشعراء بهار آقایان کتر شایگان — مهندس قاسمی — دکتر حمد علی حکمت — دکتر آشتیانی — ندس رضوی — مهندس بازرگان — ندس صفا — دکترعقیلی — دکتر صفوی کابیگان—مهندس سرهنك‌نیکو—مهندس وفی — دکتر مجتهدی و بسیاری از شمندان حریف و ارجمند دیگر که اداره امورفرهنك و دانشگاه مملکت ما عهده ایشان است‌ذیل بیانیه استکهلم را امضاء نموده اند یکی ازروزنامه‌ها خبر میدهد که :

« درشیراز خانم « الاجوارد » نگلیسی مدیره دبستان‌دخترانه مهرآئین وشیرازگانی‌را که برای صلح امضاء جمع میکنند تهدید و توقیف کرده است

. . . . خانم جرارد روزدوشنبه‌سوم مهر بوسیله جاسوسان خودمطلع‌میشوند که چهارتن ازدوشیرگان مقداری بیانیه استکهلم همراه دارند و در میان دانش آموزان امضاءجمع‌میکنند. پس‌ازتفتیش بدنی ازهیچگونه توهین و تحقیر نسبت بدوشیرگان معصوم فرو گذار نمیکنند.

. . . . خانم مدیر درنظر دارند با موافقت رئیس فرهنك دخترانرا اخراج کند . »

روزنامه مصلحت مینویسد

« در همین تهران شاگردانی‌را که ازصلح جانبداری میکنندبتحریك اولیای مدارس کتك میزنند و در صورت امکان ازتمام ادامه تحصیل میشوند»

گر این قبیل حملهایی ازطرف‌دیوانگان و مجنونین که بخیات خود و فرزندان خویش علاقه ندارند سر میزد بهیچوجه جای تعجب و مایه تاسف نبود ولی در جائی که مدعیان فرهنك کسانی که میبایستی روح و جان فرزندان‌این کشور را پرورش دهندخود بستیزه‌برعلیه زندگی و شادمانی و رشد و نمو برخیزند بسیار جای نگرانی و حیرت است —جای‌پرسش است که آیا بهترین استادان وباارجترین دانشمندان و معلمین‌ومهندسین و پزشکان و نویسندگانی که بیانیه استکهلم‌راامضاء و جانبداری از آن‌را بفرزندان ودانش آموزان و عموم هموطنان خود توصیه نموده اند بهتر مسائل را درك می کنندیا فلان خانم بیگانه و فلان مجنون‌فرهنگی شما که جوانان کشور را از جانبداری‌صلح باز میدارد ؟

باز هم روزنامه مصلت مینویسد :

« درآخرین‌ملاقاتی که بوسیله نماینگان جمعیت هوا داران صلح بامتصدیان اداره کار آگاهی (برای رفع مزاحمت از مبارزین صلح) صورت گرفت. آقای معتمدی معاون اداره کار آگاهی اظهار داشت :که چون بما دستور لازم در این خصوص داده نشده است لذا اجبارا جلو فعالیت جمع آوری امضا راخواهم گرفت همین مناسبت هم دستور دادند نامامضای شدند نفر ازکسانیرا که باداره‌کارآگاهی طلب شده بودند ضبط نموده و با انجام تحقیقات پرونده‌رابدارسی‌ارتش‌بفرستند»

از این قبیل آقایان سئوال می کنیم با زن و فرزند و برادر و خواهر و لاخره موجودی که بآن علاقه داشته شند دراین جهان ندارند که آنقدرنسبت مرصلح کینه می‌ورزند وفعالیت کنندگان این راه را مورد زجر و آزار قرار دهند .

ما از این افراد سئوال می کنیم اگر بمیی ولو عادی بر سرآنان بریزد چه خواهند کرد — اگردرگوشه ازشهر و مسکن آنان یك بمب کوچك اتمی‌فرو ریزد مسلما مسند و مقام و زندگی و حیاتی برای آنان باقی نخواهد ماند که کبرو نخوت بفروشند .

از این گذشته مگر بیانیه استهکلم همان نیست که ذیل آنرارئیس و اعضاء بسیاری‌از قوه مقننه که شما حافظ‌منافعشان هستیدامضا وتائید نموده اند گوباآقایان روحانیون معروفی که این بیانیه راامضا نموده اند — رئیس مجلس دادستان کل و بسیاری دیگر از افراد برجسته کشور که شعارهائی برای حفظ صلح در ذیل بیانیه استهکلم‌نگاشته اند بزعم مامورین شهربانی مرتکب جرمی جبران ناپذیر شده اند .

آیا این‌تناقض‌راچگونه‌تفسیرمیتوان کرد که شخصیت های معروف و مستنفذ کشور اولیا امور و اکثر افراد طبقه حاکمه موضوعی راتائید و به پشتیبانی‌از آن فتوی داده اند ولی‌مامورین جز شهربانی خود سرانه فعالیت در آن راه را جرم و مستحق تعقیب میدانند

خوبست اندکی دراین باره فکر کنند بمغز و عقل‌خود مراجعه نمایند و بیش‌از این به اعمالی که مایه ننك‌وشرم ساری است دست نزنند

پاسخ بگفتار ...

بقیه ازصفحه ۱

از این گذشته هم‌اکنون نیز ازهم زنجیری بادانشمندان ، نویسندگان وکار گران شرافتمندی که قهرمانانه با ازخود گذشتگی بی‌مانندی منافع شخصی رازیر پانهاده ، از زندان و آوارگی و دوری از عزیزان خود نهراسیده ، حتی تا پای جان برای دفاع از حقوق ملت ستمدیده ایران حاضر شده‌اند افتخار می کنیم و بسیار سر افرازم که نامم در ردیف چنین فرزندان فداکار وصادق‌القول ملت ایران قرار گیرد .

آقای دکتر بدانند در میان‌مردان شرافتمند و فداکاری که جز برای منافع ملت خود قدمی بر نمی‌دارند فریب دادن وفریب خوردن وجود ندارد .

تنها زیربا گذارندگان حقوق‌ملت، ریاکاران و هوام فریبان فریب‌خورده‌اند وبس .

نکته‌دیگری که در گفتار آقای‌دکتر بقائی‌بود اینستکه ایشان اظهار داشته‌اند باینجانب‌توصیه کرده‌اند که هنرراازسیاست مجزا نمایم ومن‌توصیه‌ایشان رابذیرفته‌ام اولا من این‌موضوع‌را تکذیب‌میکنم‌زیرا بین ما چنین گفتگوئی نشد تامن چنین توصیه ایرا بپذیرم یا رد کنم .

ثانیا گفته ایشان غیر منطقی است زیرا هنر چیزی‌خارج از سیاست زندگی نیست بگلستان وبوستان سعدی و آثار شعرای دیگر مانند ناصر خسروها وعبید زاکانیها وغیرهم‌رجوع کنید.

سراسر آنها تشریح همین سیاست است .

بقیه‌درصفحه ۸

رشت	همه‌روز
اصفهان	»
شیراز	»
تبریز	یکشنبه —سه شنبه — ۵ شنبه
مشهد	همه‌روزه
رضائیه	مستقیم بزودی

برای تهیه بلیطاً ۲ تت‌خیابان شاه رضا تت‌تجهاراه یوسف آبادو باشمیات‌آن مراجعه فرمائید تلفن ۵۱۲۳

با اتوکارهای تك‌صندلی و مبلی شرکت‌سهامی لوان‌بور که تخفیف در کرایه آن منظور گردیده به تمام خطوط کشور مسافرت کنید برای تهیه‌بلیطدر تهران‌به شرکت سهامی لوان تور یا بنگاه وی بسرویس مخصوص هر کت واقع در خیابان ناصر خسرو تلفن ٤٤٦٦٥ و در تمام شهرستانها به نمایندگان این‌شرکت‌مر اجعه فرمائید .

اتوکارهای کشور تور همه روزه به چالوس — شهسوار — رامسر—رودسر لاهیجان — آمل — بابل — قم — اراك — ملایر — بروجرد — خرم‌آباد حرکت مینماید .

نشانی کشور تور پشت بانك شاهی — کاراژ سرچشمه رو بروی مسجد محمودیه

خیابان فردوسی تلفن ۷۱۲۹ شماره تلفن ۸۹۹۹

آستارا — اردبیل — تبریز — رضائیه — پهلوی — رشت — رامسر — چالوس — تهران — مشهد — شاهرود — قزوین — زنجان — همدان — کرمانشاه — بغداد — اصفهان — شیراز

همیشه همه جا با میهن تور

خط سیر مسافربری شرکت میهن تور

نمونه ای از خودسری

اولیای دبیرستان مهرآئین شیراز

رونوشت بروزنامه های «مصلحت » نیسان . فروغ آزادی بسوی آینده ستاره صلح . انتقاد

درحینی که عده ای از دوشیرگان دبیرستان مهر آئین شیراز برای رهائی از جنك و مبارزه درراه دفاع ازصلح در دبیرستان نامبرده امضاء جمع آوری مینموده اند رئیس دبیرستان خانم (الاجراره) که شایدهنوز فکر نکرده جنك آینده خود ایشان را هم از پشت میز ریاست به یار نیستی خواهدکشاند،باعصبانیت و دست‌پاچگی مانند اینکه جنایت بزرگی راکشف کرده است قطعنامه های‌صلح راکه دانش‌آموزان‌آن‌را باعلاقه شدیدی امضاء مینمودندبربودهو بافرادی که جمع میکرده اند توهین کرده است.

ایشان در حالیکه دانش آموزان را بصف کرده به کسانی که برای خاطر صلح و برای حفظ جان همان خانم مدیره و خانواده ایشان از جنك جهانی که دنیا را تهدید مینماید فعالیت میکردند بی‌تربیت قلمداد کرده و تهدید بمعرفی بدادگاه می‌نماید.

ایشان در حالی که کلیه ارزش های اجتماعی را لایق زن ندانسته است بدانش آموزان میگوید (شما هاکه‌حق رای دادن ندارید چه‌کار بامضاء بیانیه صلح ...)

درحالی که کلیه مردمان شرافتمند جهان برای حفظ‌صلح بپا خاسته اند . درحالیکه دانشمندان و استادان و نمایندگان با اقتدار تمام زیر بیانیه صلح را امضاء می کنند معلوم نیست که بچه حق و قانونی و باجازه کدام مرجع رسمی این گل سرسبدان اجازه دارند که چنین مخالفت‌هائی با آرزو وایده ملت‌ایران‌باصلح که ملتهای جهان برای برقراری آن کوشش میکنند بنمایند .

مهر آذردانش آموز

تعلیم رانندگی اتومبیل

رانندگی در همه جا بدرد شما میخورد

(بدارالتعلیم رانندگی دوخانگی مراجعه فرمایند)

(از هرحیث نظر شما راتامین مینماید)

شاهرضا دروازه دولت جنب‌خیابان بهار

درسابق لازم بود که بایك کیف پراز دارو بمسافرت برید
ولی امروز کافی است که فقط یك قرص نورامون ویرا
همراه داشته باشید !
قرص نورامون ویرا درمان دردهاست

نیشابور

کنفراس ...

بقیه از صفحه ۱

بین دعوت شده است که در کنفرانس شرکت نمایند ونیز موافقت شده است که نمایندگان اقلیتهای مسلمان درجلسات حضورباینند .

سپس آقای حکمت درباره هدف کنفرانس متذکرشدند : «ممالک اسلامی سه عامل مهم دارند که لازمست درامور اقتصادی با یکدیگر تشریك مساعی نمایند

یکی از لحاظ عقاید است که دین اسلام ، دین کار وعمل است و هر فرد مسلمان بایـد عملش منتی بیك نتیجه‌ای بشود .

دوم وحدت مشکلات یعنی این ممالك اسلامی درطی قرون اخیر در تحت فشار های دول سرمایه‌داری بودند وفعلا کـه از خواب بیدار شده‌اند همه بادول مزبور مبارزه کرده ویك هدف واحد را تشکیل بدهند .

سوم وحدت منابع اولیه است ،چون ممالك اسلامی دریك منطقه گرمی واقع شده که محصولات فلاحتی و مواداولیه مثل هم است وعلاوه حالا کـه زندگی صنعتی هم شروع شده همه مثل یکدیگر میباشیم .»

اما بنظر نیرسد که این اظهارات قانع کننده باشدوبتواند اتحادیه اقتصادی ممالك اسلامی را باین صورت که بوجود آمده است توجیه نماید ، اگر بقول آقای حکمت کار و عمل هرمسلمانی باید نتیجه بخش باشد آیا این نتیجه را از کنفرانس کشورهای اسلامی می‌توان چشم داشت ؟

همه کس میداند کـه هدف تشکیل این اتحادیه چیست و چه مقاصد ضد ملی را درآن انتظار دارند ، امروزپاکستان رکن اصلی اتحادیه وسلسله جنبان است پاکستان بعنوان مبدع ومبتکـر تشکیل اتحادیه ، بدعوت [illegible] دست زد ونخست [illegible] بایتخت آن [illegible] پاکستان کـه اینك درخاورمیانه با مشکلات گوناگون روبرو است وبیداری ملل اسیر شرق و نیرومندی روزافـزون جبهه جهانی دموکراسی از یکطرف مداخلات سیاست استعماری امریکا از طرف دیگر اورا باتخاذ تدابیر تازه‌ای در ادامه استثمار این سرزمینهای پر برکت خیز وغنی وامی دارد برهم تشکیل «اتحادیه اقتصادی اسلامی» رابدست پاکستان،عضو کشورهای «مشترك المنافع» خویش بسپارد آن درواه پیش‌بردن نیات ومقاصدخویش بهره میگیرد اهمیت خاورمیانه از نظر مصالح سوق‌الجیشی ، اقتصادی و سیاسی استعمار طلبان بر کسی پوشیده نیست ؛ خاور میانه که درمجاورت کشورهای اتحاد جماهیرشوری قرارداد از سوی چند سال پیش تاکنون همیشه بعنوان یك پایگـاه تهدی وتجاوز از طـرف امپریالیستهای انگلستان وسپس امریکا مورد استفاده قرارمی گرفته است ؛ منابع گـرانبهای ثروت وبخصوص نفت اینمنطقه خودچیزی است مشام سوداگران بین المللی را تحریك میکند وبتسلط قطعی‌تربر خاور میانه برمی انگیزد اینك ورود امریکا باینصحنه پر برکت کار را بر انگلستان دشوار کرده‌است امریکا منابع عظیم نفت عربستان سعودی ؛ کویت وبحرین را تصاحب کرده وبطور مستقیم وغیرمستقیم نیز نفت ایران وعراق را مورد تجاوز قرار داده است بدنبال این نفوذاقتصادی همچنان که بایستی انتظار داشت نفوذ سیاسی امریکابزوکم کم جایگیر میشود

وپایگاههای تازه در میان هیئت های حاکمه کشورهای خاورمیانه بدست می آورد اگرقدرت ونیروی امپریالیسم‌تازه نفس امریکا رابز در نظر بگیریم و با قیافه محتضر استعمار انگلستان مقایسه کنیم بآسانی پی‌می‌بریم که تا کجاسیاست اخیر می‌بایستی از ریشه‌های کهنه و عمیق خود ازتجربیات چند صد ساله خودکمك گیرد تابتواند قوای درهم ریخته خود را تاحد امکان مجهز ومتشکل سازدودر مقابل حریف بمقاومت برانگیزد .

درعین‌حال همچنانکه گفتیم بیداری ومقاومت ملل خاورمیانه و کوشش‌مداوم ایشان درراه آزادی واستقلال خودعاملی است که استعمار انگلستانرا بطرح‌ریزی های نوامی‌دارد تا مگر بتواند بادامه استثمار بقاگرانه توفیق یابد واز گسترش رنجبر های بردگی ممانعت نماید .

دراینصورت کنفرانسی که بدست عمال سیاست مذکور برپامیشود و برای ارضاء مقاصد سوء استعماری بکارمی‌افتد خیلی عجیب‌است اگر تصور شود که می تواند برای مردم مسلمان «کارثمربخش» فراهم آورد اگربارور کنیم کـه‌ممکن است درآن‌دمی بسود ملل اسیر شرق‌برداشته شود :

آقای حکمت می گویندملل اسلامی مشکـلات واحـدی دارنـد کـه در اثر سلطه مـداوم سیاست دول سرمایه‌دار فراهم آمده‌و اینك که بیدار شده‌اندمیبایستی در مبارزه‌بافشار سیاست مذکورمتحد گردند .

بدون احتیاج باین تذکر، ملل‌اسیر شرق ، اینك بمبارزه‌ای‌مؤثروانجات‌بخش با استعمار و عوامل آن سر گرمندو آثار این مبارزه بی‌امان ، درهمه شئون حیاتی این ملل نمایانست ،اما بهرحال کنفرانس اقتصادی کشورهای اسلامی نمی توانند در این راه گامی بردارد و کوچکترین بهره‌ای ببخشد ، اگر ملل اسلامی بـا استعمار مبارزه میکنند در عین حال این مبارزه ایادی و عمال استعمار را که در جامهٔ هیئتهای حـاکمه ملل اسیر شرق خودنمائی میکنند نیز دربرمی گیردوحال آنکه نشانه‌ارترین وبؤثرترین شخصیتهای حکومت کشورهای اسلامی را دوردیف اداره کنندگان اتحادیه اقتصادی اسلامی می‌یابیم ، چطور میتوان تصور کرد غلام محمد خـان وزیـر دارائـی حکومت دست نشانده پاکستان ، کسیکه در اثر مداخله مستقیم استعمار ، برملت ستمدیده خود تحمیل گردیده و اینك نیزبر کسی ریاست کنفرانس « اقتصادی » نشسته است قدمی در راه مبارزه با پیشاکـری سرمایه‌داران بتواندبرداشت،در کنفرانس اقتصادی کشورهای اسلامی ، با وجود تمدن عمیق و عظیم ملل خاورمیانه ، زبان‌انگلیسی ،بعنوان زبان‌رسمی‌ومشترك قبول شده است ، شرکت کنندگان ،تنها باین‌زبان ، حرف همدیگر را می‌فهمند ، نمایندگان دولت پاکستان، کرسی‌ریاست اغلب کمیسیونها وابسته بکنفرانس را اشغال کرده‌اند ، در اینصورت ، ایـن خیلی عجیب است اگر در چنین محیطی از مبارزه بـا فشار دول سرمایه‌داری گفتگو شود!

آقای رئیس هیئت نمایندگی‌ایران، وهدف منابع اولیه و محصولات فلاحتی را در ممالك اسلامی بعنوان سومین‌دلیل بر لزوم همکاری اقتصادی آنان ذکـر کرده‌اند ، کشورهای اسلامی‌از این‌لحاظ در چه‌شرایطی بسر میبرند ؟ این ممالك در یك‌فقرموحش‌اقتصادی‌غوطه‌ورند،آنها درحالیکه عظیمترین وغنی‌ترین منابع‌ثروت رادراختیاردارند دراثرهجوم‌سرمایه‌داران بین‌المللی ، فاقد همه‌چیزمی‌باشند فلاحت این کشورها از شرائـط بدوی انسانیت برخوردارند ، کشاورزان‌خاورمیانه هنوز درپشت گاوآهن‌های متعلق باعصار اولیه تمدن جان می کنند و تازه محصول نا

موقعیت دولت رزم آرا

بقیه از صفحه ۱

انجمن های ایالتی و ولایتی دستور داده و آشکارا عقب نشینی کرده است

گذشته از عدم موفقیت های واضح در سیاست اقتصادی و مالی دولـت از لحاظ سیاست خارجی نیز باشکست‌مواجه گردیده است .

عدم موفقیت دولت دربرابرموضوع نفت جنوب بیش از همه چیز به چشم‌می خورد .

در این باره حتی‌خود آقای نخست وزیر اعتراف نمودکه اقداماتش‌تاکنون بهیچ نتیجه نرسیده است بعلاوه روش تردید آمیز دولت دربـاره قـرار داد الحاقی سلب‌شد که تمام اعضاء کمیسیون نفت بالاتفاق دولت رامورداستیضاح‌قرار دهند .

در دوره آقای رزم آرا بود کـه موافقت قطعی بانك بین‌المللی نسبت بـه دادن قرضه به دولت ایران اعلام گردید و دولت و مقامات سفارت آمریـکا در تهران بانهایت اصرار خواستند برای جبران شکست خود از بانك صادرات و واردات آمریکا چیزی دریافت دارند

چیزی‌را که ازاین راه بدست می‌آورند تقدیم خداوندان خود ، خان ها ، امراء فئودالها و مقامات حکومتی محل می نمایند و خود در اندوه‌بارترین شرائط روزگار می‌گذرانند .

قسمت عمده‌ازمردم این‌ناحیه بصورت عشائرو ایلات‌وسیع ،خانه بدوش‌بسرمیبرند و ازمحل اقتصادکهنه شبانی که آن‌نیز در معرض چپاول بی دریغ گردن کشانست ارتزاق کنند .

صنعت‌دراین کشورها تازه پاگذاشته وآن‌هم دراثرهجوم بیسابقه‌ای‌کالای کشور های سرمایه‌دار ، درنطفه در حال سقوط است، منابع عظیم‌نفت که مهمترین‌ثروت این ناحیه است به یغمای بی‌دادگرانه مستعمره‌جویان می‌رود از آن میان تنها دود ورنج و سیهروزی نصیب صاحبان واقعی آن می‌شود .

درچنین شرائط رقت‌بار کشور های اسلامی‌چه کمکی‌می‌توانند متقابلا به یکدیگر بنمایند وازآن گذشته، کنفرانس‌اقتصادی که ازایادی استعمار ، از زندانبانان ملل‌اسیر شرق فراهم‌آید چه کوششی می‌تواند در راه رفع نیازمندیهای مردم محروم بکار برد ؟

آقای حکمت دربایان مصاحبه ، کنفرانس اقتصادی کشورهای اسلامی را قدمی‌درراه تحقق موازین و منشور ملل متفق محسوب داشته‌اند که همکاری میان کشورهای همانند وهمسایه‌را مقرر نموده است ، اما روح منشور ملل متفق ؛ تنها خواستارهمکاری‌و کوشش‌دسته‌جمعی است که در راه بهروزی و سعادت ملل بکار افتد . دسته بندی که‌بدست‌هیئت‌های‌حاکمه غیر ملی ، در راه ارضاء مطامع شوم استعمار بر پا شود ، در راه‌تحکیم زنجیر اسارت بکارافتد ، منابع ثروت و حاصل رنج و کوشش مدام ملل‌محروم رابدرگاه سودپرستان اهداء نماید وبالاخره دربرز عناوین ظاهر فریب ، مساعدت اقتصادی وهمکاری بین‌المللی وازاین‌قبیل ،امن و مسکن ملل اسیررا بیایگاه تعدی‌وتجاوز برضد ملتهای‌آزاد ، علیه صلح وامنیت‌بین المللی بدل‌سازد .

چنین دسته‌بندی‌هائی‌نمی‌تواند مورد تأیید منشور ملل متحد قرار گیردو بلکه این توطئه ایست علیه یگانگی و حسن تفاهم بین‌المللی ، کوشش‌است درراه تیره تر ساختن محیط صلح‌ورفاه‌جهانی وضربه ایست بر پیکر منشور ملل‌متحد !

پاسخ بگفتار آقای

بقیه از صفحه ۷

ورقی دردم استبداد وتوصیف‌سیاست صحیح جهانداری ـ ورق‌دیگر در کوشش بشربرای بدست آوردن شیوه صحیح تر زندگی .

آیامیتوان گفت شکسپیر با داشتن آثاری مانند ماکبث که تا زبانه سخن برای حکومتهای استبدادداست و زور سزار و هانری هشتم و اثر دیگریکه ترجمه نام آن تقریبا اینست : مقوبت باندازه جنایت و آثار دیگـر مانند اینها هنر را از سیاست جدا ساخته است ؟

نگاهی بآثار ویکتورهوگومخصوصا آثار دراماتیك اومانند موبیلاس ـ هرنانی وکرومول نظری‌بآثار شیلرها ـ آناتولفرانس‌ها ـ بتهوون ها ـ پوشکین‌ها ـ تولستوی‌ها ـ ماکزیم گورکی‌ها وصدها مانند آنان ـ خلاصه جزئی دقت در گنجینهٔ ادبیات و هنر جهانی این گفتار میتواند به هنر از سیاست جدا نیست و نمیتواند جدا باشد .

هنر بدون‌سیاست‌زندگی‌بیکروح یا مردارمیست که ممکن است کفتار ها از آن بهره مند شوند ولی بشر مترقی آن را در غسالخانه فراموشی مدفون می سازد .

وظیفهٔ عالی‌هنر نشاندادن‌راه‌زندگی وطریق حصول آنست . وهنر،ندیکه به وظیفه عالی خود آگهاشاست‌هرگز نمیتواند هنر را از سیاست دورنگهدارد .

من نیز که کوشش‌میکنم از استادان بزرگ سرمشق گرفته روش بدین افتخار برسم که کوچکترین شاگردوظیفه شناس ووفادار آنان باشم‌هرگزاین‌نظریه خطا را که مخصوصا دردوره‌ما امپریالیست برای‌فریب‌ملت‌ها انتشارمیدهند ،نپذیرفته ونخواهم‌پذیرفت .

چون در این مقال فرصت آن نیست تا درباره چنین مسئله مهمی که برای تشریح آن مقالات مفصلی لازم است با تفصیل بپردازم وتنها مضمون تکذیبی گفته آقای دکتر بقائی وابراز نظر خود دربارهٔ هنر وسیاست است بدین مختصر اکتفا میکنم تا در موقع و محل مناسب این موضوع را به تفصیل‌تشریح نمایم .

عبدالحسین نوشین

موافقین داخلی امضاء قرارداد بااتحادشوروی را بتصویق اندازد .

اگر دولت تصور میکند که با تصویق امضاءقرارداد،مبتوانداز‌زمینه‌مناسبی برای بلاتکلیف گذاشتن امور و بقای لیم‌جان کابینه فراهم سازداشتباه بزرگی می کند .

اتفاقا همین عدم‌قطعیت وابهام‌است که دولت رزم‌آرا‌را را به سقوط‌خواهد کشانید و از نقطه‌اتکاء خود جدا خواهد ساخت .

پیش گرفتن سیاست تردید و ابهام آنهم در قبال چنین مسئله حیاتی مانندقرارداد بازرگانی با اتحاد شوروی بمنزله خیانت بزرگی به‌ملت ایرانی تلقی‌میشود .

دولت رزم‌آرا بایدهرچه‌زودتر تصمیم بگیردوقرارداد‌بازرگانی با اتحاد شوروی رافورا امضاء کند .

رای اعتماد بدولت رزم‌آرا و نقش شرکت نفت

درهفته گذشته دولـت رزم آرا از طرف مجلس باکثریت ۹۷ رای دربرابر ۸ رای مخالف و یك رای ممتنع تثبیت شد ـ همه میدانند که‌دولت رزم آرا در نقطه‌های اخیر وضع رضایت بخشی نداشت همه جااز سقوط آن صحبت میشد ولی کمپان دراثر بند و بست‌های سیاسی در خلو خارج کشور ، قرار بر این شد بازهم‌دولت برای اجرای «وظایف» مورد پشتیبانی قرار گیرد . نطق افتتاحیه مجلس سنا از این لحاظ جالب توجه است که نشان‌داد کوشش‌هائی برای برطرف کردن فوقتی تضاد بین دولت ودربار بعمل

بقیه در صفحه ۶

نیشابور

شماره ۲۹ — ۳۰ مهرماه ۱۳۲۹ — تکشماره سه ریال

جنبش صلح شکست ناپذیر است

در این هفته اعلامیه ای از طرف آقای دادستان ارتش در رادیو وجراید تهران انتشار یافت که در ضمن آن‌جمعیت ایرانی طرفدار صلح مورد حمله واتهام قرار گرفته و کوشش کنندگان دورراه‌صلح به تعقیب و مجازات تهدید شده بودند. آقای دادستان ارتش بدون درنظر گرفتن ماهیت جمعیت هوا داران صلح و جنبهٔ عمومی آن که پیروان‌مسالك‌سیاسی‌مختلف را در بر میگیرد ، سعی کرده است این جمعیت را به حزب تودهٔ ایران که پس‌از ۱۵ بهمن ۱۳۲۸ از طرف دولت ساعد غیر قانونی اعلام گردید منتسب سازد و نتیجه بگیرد که فعالیت در راه صلح به امضاء بیانیه استکهلم و مبارزه با جنگ «ملی « غیر قانونی » است و اقـدام کنندگان بدان مطابق قوانین مربوط به « مقدمین علیه امنیت کشور » خودتروریج مرام اشتراکی » قابل تعقیب ومجازات هستند !

در حقیقت هیچ چیز مسخره آمیزتر از این ادعاهای بی اساس نیست چنانکه همه میدانند جمعیت ایرانی طرفدارصلح جمعیتی شامل پیروان مسلك های سیاسی مختلف است ونمی تواند اختصاصا،منتسب به یك دستهٔ‌سیاسی معین باشد،اگرنظری

بقیه در صفحه ۸

نخستین سال تشکیل جمهوری دموکراتیك آلمان

یکسال پیش در چنین روز هائی جمهوری دموکراتیك آلمان تشکیل‌شد. البته ایجاد جمهوری دموکراتیك آلمان ناگهانی و بدون مقدمه نبود ، بلکه پیدایش یك چنین دولتی درسراسر خاك آلمان از کنفرانس پتسدام پیش بینی شده بود .

در این کنفرانس که پس از سرکوبی فاشیسم آلمان بوجود آمد در نظر گرفته شد که در سراسر آلمان انتخابات آزاد انجام یابد فاشیستهای پنام و جنایتکاران جنك زندانی و مجازات شوند ، یك حکومت دمکراتیك و واحد در تمام آلمان تشکیل شودو ارتش های اشغالی خاك آن‌را ترك گویند.

اما متاسفانه ازهمان‌آغاز کار در راه اجرای این‌مقاصد ازطرف دولت‌های باختری متاسفانه‌اخته شده امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی از همان نخستین روزهای پایان جنك در اندیشهٔ ایجاد جنك تازه ای بضد اتحاد جماهیر شوروی بودند و هستند .

بقیه درصفحه ۳

کارگردان کنفرانس اقتصادی کشورهای اسلامی نقشه‌های زیرپرده را برملامیسازد

دومین کنفرانس اقتصادی کشورهای اسلامی درشرف اختتام است واگـر از چندی ترین طرفداران اینگونه‌اجتماعات برسیده شود که چه‌نتیجه عملی بـرای ملل اسلامی برآن مترتب بوده است جز مشتی‌سخن پردازی وجمله بافی‌چیزی‌ندارد که‌درمیان گذارد ، کنفرانس‌دوم‌اقتصادی بدون اخذ نتیجه‌ای بپایان خواهد رسید همچنانکه سال گذشته کنفرانس بغدادی

بقیه درصفحه ۷

استیضاح ازوزیر دادگستری چه حقایقی را روشن ساخت

درجلسات اخیرمجلس استیضاحی،مطرح بود که دقت درجریان آن‌ازلحاظ‌شناسائی ماهیت‌دستگاهی که برملت ایران‌حکومت میکند جالب توجه‌است ـ مـا دراینجا بعضی دسته بندیهای سیاسی از اینگونه مانورها تعقیب نمیدانند مورد بحث قرار بدهیم وباین موضوع نمی پردازیم که استیضاح کنندگان واستیضاح شوندگان هیچکدام راهی که بروفق مصالح ملت ایران باشد نمی‌پیمایند ـ برای ماروشن است که دراین مشاجرات تنها موضوعی که مورد نظر است مسائل خصوصی و افراش‌سیاسی‌دسته‌هائی‌است که کوچکترین بستگی‌بامللت ایران ندارند ـ اگرمنافع ملت مورد نظراست چگونه کسانی که‌دو روزپیش ازطرح استیضاح از راه‌دیگری دولت را استیضاح نموده اند اکنون‌به دولت رای اعتماد می‌دهند ـ اگردولت

بقیه درصفحه ۳

گفتارها و کردارها درباره صلح جهانی

تایید تجاوزمسلحانه‌امریکادر کره ومطلب اساسی آن‌عبارتست از تبدیل‌سازمان‌ملل‌متفق بیك آلتادیس‌وزارت‌امورخارجه امریکا و این پیشنهاد های امریکائی‌وحمایت از صلح ، با آب و تاب وحسن استقبال بی نظیری از طرف‌نمایندگان معافظه‌کارترین مواجه گردید .

و رادیو های غربی ادعا میکردند که‌اگر ویشینسکی در گفتار خود صادق بود دولت شوروی با استقرار کنترل بین‌المللی بر منابع انرژی آتمی موافقت میکرد ، درهای‌خود را بروی‌بیگانگان میگشود و مطالبی از این قبیل ...

البته‌این‌را آنها‌عمدا فراموش میکردند که در سال ۱۹۴۸ همین ویشینسکی بود که در سومین دوره‌اجلاسیه مجمع عمومی در پاریس انهدام بمبهای اتمی واستقرار کنترل مؤثر بین‌المللی بر انرژی آتمی را در یك‌زمان پیشنهاد کردو آقای‌باروخ پرلجیهای اوازقبول این پیشنهاد خیانت بعمل آوردند .

بقیه درصفحه ۸

ملاحظه کنید چگونه غمانگیز و مرگبار آمیز باغریان کردن زنان کرده‌ای آنها را از «جاوزا» نجات میدهند

خلاصه نطق آندره ویشینسکی در مجمع عمومی سازمان ملل متفق

درجلسه ۲۰ سپتامبر پس از نطق های نماینده برزیل و آچیسن،ویشینسکی رئیس هیئت نمایندگـی شوروی صحبت کرد و قطعنامه زیررا در مجمع عمومی قرائت نمود :

مجمع عمومی معمولا کار خودرا از مبتنی شروع میکند کـه در آن نتایج فعالیتهای سال گذشته سازمان ملل متفق ذکرمیشود وپیش مسائل جدید وروش حل آنهارا طرح میکند .

بقیه درصفحه ۲

((بشر دوستان)) چه فجایعی بنام سازمان ملل متحد در کره مرتکب می‌شوند

«امروزهنگامی که اجساد کشتگان جنك در خیابانهای سئول پـراکنده و ستونهای مرتفع آتش ودود بر فراز شهر زبانه میکشید ازطرف نمایندهٔ

این کودك معصوم تنها بافیمانده یك خانواده کرده‌ای است

بقیه درصفحه ۲

از تقی زاده عاقد قرارداد ۱۲۱۲ ناجیه‌ملی و آقای دکتر مصدق

گویا چهار سال قبل از این بود که آقای دکترمصدق درباره تقی‌زاده عـاقد قرارداد منفور ۱۳۱۲ و رئیس کنونی مجلس سنا اظهار داشتند که «مادر دهر خائنی چون او نبود ندیده است» این دهنگامی بود که بعضی افرادمی بایست برای اجرای نقشه‌های آینده تحصیل وجهه‌ای بنمایند قرارداد ۱۳۱۲ چنان جنبه‌ضدملی و خیانت آمیزی‌است وضمن‌این قـرارداد حقوق اساسی ملت ایران باچنان گستاخی وبی باکی پایمال شده که‌امروزدرسراسر ایران کمترفردی رامیتوان یافت که از نتایج آسارت آور این قرارداد برای‌ملت ایران بی‌اطلاع باشد .

بقیه درصفحه ۳

اعلامیه جمعیت ایرانی طرفدار صلح رادر پاسخ اعلامیه آقای دادستان ارتش نظر به اهمیتی که‌دارد ازروزنامه مصلحت ارگان جمعیت‌ایرانی طرفدارصلح برای استفاده خوانندگان نقل میکنیم .

اعلامیه‌هواداران صلح

دیروز اعلامیه زیرین ازطرف‌آقای دادستان‌ارتش صادرو درساعت ۲و۵ عصر دررادیوی تهران قرائت‌ودر جرایدعصرمنتشرشد :

«بموجب مدارك مثبته که اخیرا بدست آمده اعضای حزب‌منحله توده‌بنام طرفداری از صلح اشخاصی را وادار باضای بیانیه صلح نموده ودر تحت عنوان جمعیت طرفداران صلح باندامات قبلی خودبضرر کشورادامه میدهند دادستان‌ارتش در حدود صلاحیت قانونی خود اهالی‌محترم کشوررامتوجه‌این نکته نموده و با توجه بماده وارده مصوب ۲ مرداد۱۳۲۸ ناظربمواد مربوط بمجازات مقدمین علیه امنیت کشور مصوب خرداد ۱۳۱۰ مجلس شورای ملی اقدامات حزب منحله توده واتحت‌عنوان جمعیت‌طرفداران صلح‌مورد تعقیب‌قانونی قرارخواهدداد» بقیه درصفحه ۵

بشر دوستان چه فجایعی

بنام سازمان ملل متحد در کره مرتکب میشوند

بقیه ازصفحه ۱

ژنرال ماك آرتور پرچمهای «سازمان ملل متحد» و کره جنوبی در پایتخت کشور کره باهتزاز در آمد» این خبری است که خبرگزاری آسوشیتدپرس باسربلندی اعلام میکند، کره‌ای ها کشته شدند شهر در آتش و خون غرق شد تاسپاهیان « فاتح » ژنرال ماك آرتور توانست بازروی‌خود و اشغال پایتخت ستول برسد.

آقای ترومن مدافع و حامی تراست ها و خدایان صنایع آمریکا چشم طمع بسرزمین سپیده دم آرام دوخت ! تصرف این سر زمین برای ایجاد پایگاهی جهت جنگ آینده شوروی‌و لازم بنظر میرسید، با تصرف این کشور علاوه از آنکه یك پایگاه نظامی مهمی برای حمله بکشور بزرگ چین ایجاد میشد، تحریك و جنگ داخلی هم ممکن بود که جنبه جهانی بخود گرفته و آرزوئی را که سالیاست آقای ترومن ودوستانش برای تحقق آن مصرانه تلاش میکنند برآورد .

بدنبال اینها پس از تصمیمات لازم قرار شد که اتجاوزی صورت گیرد و نیز تصمیم گرفته شد که این تجاوز بحساب کره شمالی گذاشته شود و سپس شورای امنیت یا شبه‌وزارت امور خارجه ایالات متحده بااتحبیل تشکیل و حمله دستوری آقای ترومن به کره شمالی را تجاوز از طرف کره شمالی تشخیص داده ودستور رفع تجاوز بخاطر حفظ صلح و امنیت بین الملل »داده شدوسپس ارتش سازمان ملل متحد بهبراهی تانکها و توپها و هواپیماها بسوی کشور کره روان شد.

ایوه لشکرها وهواپیما مانندتهاجم هشت خورد! این شکست هفته ها وبدنبال هم وسرعت ادامه یافت سربازان کره شمالی که بخاطر آزادی خود ازچنگال خونین استعمار قهرمانانه می‌جنگیدند تامدار ۳۴ درجه جغرافیائی بوتاپشت دروازه های تاگو نزدیك پوسان پیش رفتند .

در خلال این احوال هواپیما های آمریکائی وحشیانه شهرهای بی دفاع و مردم غیرنظامی را بباران می کردند چه پرستیژ ایالات‌متحده بخطر افتاده بود همان پرستیژی که آقای گریدی برای حفظ آن دربوزان «مردانه» کشتار کرد همان پرستیژی که در چین برای همیشه برباد رفت .

برای رهائی همین پرستیژ بود که آرتش ماك آرتور و اسکورت جهانیش بجملهٔ سیمانهای دست زد و بطورناگهانی یکدك ۲۰۰ کشتی و تعداد زیاد هواپیما درشهرهای آزادشده کره واز جمله ستول ایرو پیاد کرده این کار پس ازبمباران وحشیانه وبی دریغ ستول و سایرشهرها صورت گرفت ، آنها بالارتکاب فجایعی که وحشیگریهای هیتلر و گوبلز و موسولینی را در منزهای بیدار عصر ما زنده می کردباشل و کشتارصدهاوهزارها مردم بیگناه و ویران کردن بیمارستانهاو کودکستانها پس از مدتها زدو خورد طولانی تسلط جابرانه خود را در ستول برقرار کردند ، نبرد مدتها در خیابان ها و کوچه‌های شهر ستول ادامه داشت ، نبرد حق با باطل، نبرد آزادی و استعمار نبردی که انسان را بیاد جنگ قهرمانانه آوتش سرخ در استالینگراد می اندازد سرانجام چیانکه ماك آرتو دژخیم پیر اعلام کرد ! «هنگامی که ستونهای مرتفع دود آتش بر فراز شهر زبانه می کشید و اجساد کشتگان در خیابانهای ستول پراکنده بود پرچم سازمان ملل متحد و کره جنوبی در پایتخت ستول باهتزاز در آمد » .

بالاخره «ملل‌متحد» در پرتواتحاد و «هم‌آهنگی»خود توانستند ازآزادی مردم کره دفاع کنند توانستند در آنجا نیز بروزی کشتگان و بر بالین فرزندان بی‌پدر و زنان‌بی‌شوهر خلق کره «نظم» را برقرار کنند ! !

شاید رقص بدار آویختگان آزاده بربالای چوبه دار برای چشمان پیرماك‌آرتورلذت بخش باشد،شاید ناله وانین که از سینه مشبك زن آبستن کره ای برمیخیزد برای گوش‌های فرتوت فرمانده اعظم ! مفید باشد .

ولی حقیقت اینست که آنهادرراهی قدم می گذارند که سرانجام آنانرا در میان خشم و طغیان ملتها رسانده و محو و بر بادشان خواهد داد .

زمانیکه خون درشهرهای کره‌جاری است هنگامی که بیمارستانها وخانه‌هادر آتش بمب و مسلسل می سوزد اسلحه فروشان وکارخانه‌داران ازاین‌بازار گرمی جنگ بربا می کنند و سراز پانمی‌شناسند، آنها همه سعیشان اینست که هرقدرممکن است جنگ دامنه دارتر ووحشت‌انگیزتر باشد ، هر اندازه‌بسلاح مهیب‌تر وکشنده تر احتیاج بود معامله آنها گرمتر و سودشان چربتر خواهد شد چه فروش یك بازوکا وهواپیماپیراب بیشترازفروش یك تانرجنت و سر نیزه منفعت خواهد داشت.

خبر گزاری آسوشیتدپرس‌خبر می دهد که « آمریکاییبادر یك‌روزتوانستند ۵۰۰ تن بمب بروی شهر پیونك تانك پایتخت کره شمالی بریزند » و نیز در جای دیگر گزارش می‌دهد که « در یك روزتوسط آمریکائیها ۱۸۸۰ خانه‌مسکونی ویران شد.»

روزنامه اطلاعات ازقول شیکاگو تریبون اینطور خبرمیدهد«...برای‌نبوته کافی است بدانید که آمریکائیها روزی اقلا صد و پنجاه تن بمب برخطوط‌دشمن میریزند » ازهمین یك‌رقم‌می‌توان‌دریافت که ارتش آمریکاچطور بی‌مضایقه‌مهمات مصرف می کند...» اطلاعات‌شماره ۳۱ تیرماه می نویسد : «...از اعلامیه ای که ساعت دو و نیم بوقت گرینویچ در توکیو صادر گردیده است چنین برمی‌آید که نیروهای آمریکائی وانگلیسی شهر پانگدونگ‌را با خاك یکسان کردند»

اینها هستند فجایعی که بنام‌وسازمان ملل متحد » در کشور کوچك کره‌صورت می‌گیرد آقایان در پس پرچم سازمان ملل متحدبه‌تسطیح کره پرداخته‌اند

روزی ۱۸۸۰ خانه مسکونی خانه‌بی‌پناه و بدون دفاع ، خانه ای که درآن زن و کودك معصوم کره‌ای با ترس ووحشت پناه برده‌اند وبران‌می کنند ، ودریك‌روز با « چابکی » و « زرنگی » ۵۰۰ تن بمب بروی یك شهر می‌ریزند.

« متحدین » باکمال‌حسن نیت‌زنان بیگناه کره ای را از آغوش هوپراشان بیرون کشیده هربان و دوره می کنند.

تازه اینها فجایعی است که خودشان اقرار دارند و اعلام می کنند آن‌ماهیدیگر لیمگویند که چگونه دختران جوان را تیرباران می کنند ، نمی گویند که چطور یا خبازه ناله محزون یك کودك بی‌پناه کره ای را خاموش می کنند . بگذریم ! اینروزها صحبت ازتشکیل‌دولت‌واحد کره وایجادانتخابات آزادبانظارت سازمان‌ملل

خلاصه نطق ...

بقیه ازصفحه ۱

چنین تبادل افکاری برای امکان حصول اتحاد نظر، بین نمایندگان ،عامل موثریست و همچنین اخذ روشهائی که برای «اتحاد نیروی» ما جهت یافتن تصمیم‌هائی مورد قبول همه اعضاء باشد کاملامفید است

نماینده دولتی ایالات متحده امریکا درنطق خود ازحملات خشن برعلیه اتحاد جماهیر شوروی کوتاهی نکرد اوسعی کرد مارا براهی جلب کند که‌هیچگونه وجه مشترکی باسائلی که درمقابل‌مجمع عمومی قرار گرفته‌اند نداشته باشد، و این کوشش موقعی انجام میشود که شرایط فعلی بین‌المللی نماینده‌گان رامازم میکند خودرا درمقابل رفتار و گفتارخود مسئول دانند.

نماینده‌گان‌شوروی‌این رامرا انتخاب نخواهند کرد

مالازمتر میدانیم بموضوع اصلی که بخاطرآن در پنجمین مجمع عمومی جمع شده‌ایم توجه کنیم باید موضوعی مطرح شود که درعین حال‌مستقیما وظایف‌مجمع عمومی وتمام افراد شراکتمند رادر وضع بین‌المللی فعلی روشن کند.

باید بشایل صاحبجویانه ملیونها نفر وتنفر آنها ازجنك پاسخ صریح وقاطعی داده شود.

بقیه در صفحه ۸

است ، آنها خودرا فاتح نهائی تشخیص داده وراه تسلط بی چون وچرای‌خویش را هموار می کنند ، ماك‌آرتور در دو هفته پیش پیامی فرستاد و اعلام کرد که : «... باید هرچه زودتر مردم کره بدون قید‌وشرط تسلیم شوند ویا خودرا برای نابودی کامل‌آماده سازند»

ولی حقیقت اینست که این خانه بر فرش هم که ساخته شود بسرآب نباشده است ، فاشیستها هم چندین بار وقت‌نهار خودرا درمسکو اعلام کردند ولی خود آقای ترومن هم میداند که این نهار عاقبت در کجا وباچه وضعی صرف شد

آنهااگرسازمان ملل و شورای امنیت را نوکرباله گوفرمان‌خود سازند تاریخ راکه‌دیگرنمیتوانند باطاعت خویش در آورند ملت کره‌بمبارزه‌خودادمه‌خواهدداد وبه‌پیروزی نهائی‌خواهد رسید اینحاست که آزادی ملتها ، شادی خلقها وسرور ملیونها بچشم می‌خورد درآنوقت است که علی رغم تانکها وتوپها و بازوکاها پیروزی نصیب ملتها شده است

آنها که امروز درپناه‌ستون های آتش و دود از جنگال عدالت میگریزند فردادردومین و آخرین دادگاه بین المللی محاکمه خواهند شد ، بگذارید هرقدر که میتوانند شهرها و قصبات کشورها را منهدم و ویران کنند ، دادگاه نورنبرك هم‌درخرابه‌های مرگباری‌تشکیل شد .

آنها بادکاشته‌اند و طوفان دروخواهند کرد

سی سالگی سینمای شوروی

بقیه ازشماره قبل

باوجودواضاع وشرایط‌بسیاردشوار فنی تولیدی ، هیئتهای کارکنان آن استودیوها محصولات سینمائی جدید تهیه می کردند .

از فیلم های‌بزرك جنگی فیلم های زیرین دارای اهمیت فراوانی بودند : «دبیر کمیته‌ی‌بخش » ، « او از وطن دفاع میکند » ، «دوجنگجو» ، زیردریائی ت-۲۹ » ، «رنگین کمان» ، « رام نشده‌گان »، «تحول‌عظیم» ، «آدم‌شماره‌ی ۲۱۷» ، «زوبا» ، «هجوم » ، « پنام وطن» ، «جبهه » ، « ایوان -نیکولین ناری‌روس » ، «آسمان‌مسکو» ، «نبرد» وفیلم‌های‌دیگر.

دراین فیلم‌ها مضمون‌و موضوع‌وطن پرستی شوروی بنحو دوخشانی جلوه‌گر شده‌است .

دوره‌ی فیلم‌های تاریخی-بیوگرافیك درسالهای‌جنك‌میهنی بافیلم‌های‌برجسته‌ای تکمیل می گردید از قبیل:

بقیه‌درصفحه ٤

زارع شیکاگو
اقتباس ازمارك‌توین
ترجمه کریم کشاورز
منتشرشد
بها : ۱۲ ریال

کسب و کار میسیز وارن
اثر
برنارد شاو
ترجمه
بزرك‌علوی
بها :۲۵ ریال

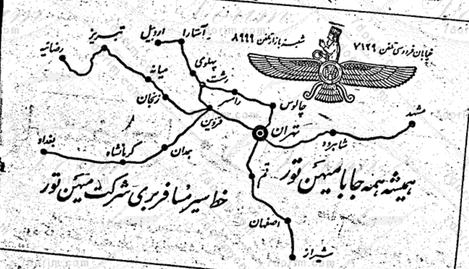

در راه آزادی
اثر معروف هواردفاست
ترجمهٔ آقای ر - نامور از طرف بنگاه مطبوعاتی صفی‌علیشاه منتشر شد
کسانی که هواردفاست را می‌شناسند و به ترجمه‌های آقای نامور آشنائی دارند تاکنون کتابی باین پرمغزی برشته تحریر در نیامده است .

اتو کرمانشاه
اگر نظم و آسایش درمسافرت‌راطالبید باتو کرمانشاه مسافرت کنید

باتو کارهای آخرین مدل
ایران پیما
همه روزه به گیلان گرگان مازندران...
نشانی: خیابان سعدی پشت بانك شاهنشاهی تلفن ۵۷۱۱
شعبه خیابان بوذرجمهری مقابل بازار آهنگرها ۷۳۹۱
۹۳۷۹
پامنار

نخستین سال تشکیل ...

بقیه‌ازصفحه ۱

نا صالح است پس چرا وبرا تقویت می کنند واگرصالح است پس استیضاح آنها را بچه‌چیز میتوان تفسیرنمود — این تناقضات وقتی روشن می‌شود که ماهیت این افراد را درنظر بگیریم‌واین‌موضوع را فراموش ننمائیم که افرادی که‌ملت در انتخاب وبروی کارآوردنشان کوچکترین مداخلهٔ نداشته است نمیتوانند قدمی در راه منافع ملت بردارند برای این‌استیضاح هاوراى اعتمادها کوچکترین جنبهٔ‌ملی‌نمی توان قائل‌شد

چیزی که برای‌ملت ایران‌اهمیت‌دارد حقایقی‌است که‌درجریان این مشاجرات خصوصی رخش میکرد واسراری است که پرده ازروی آن برداشته میشود ، استیضاح کنندگان عملیات دولت وادر نقض آزادی فردی واجتماعی ملت ایران در فشار بمطبوعات وتوقیف دسته‌جمعی آنان چنین‌مطرح‌نمود: «ماهنوزدر کشور خودمان موفق نشده‌ایم درپناه این‌داد-گستری که‌جناب وزیردر راس آن قرار داردازحقوق مقدماتی وحقوقیکه مردمان زنگبار جبشه ازآن متمتع میشوند بر خوردار باشیم- این حقوق درمرحله‌اول آزادی وجدان وعقیده است که با تحدید مطبوعات وتوقیف خودسرانه ارباب‌قلم وبااین عمل توهین آوری که‌دادگستری ضابط شهربانی شده وآلت دست پلیس قرارگرفته هیچکس در ایران نمیتواند ادعاکند که درپناه قانون‌آزادی فکر و عقیده او تامین‌است »

قبل‌ازاینکه به‌پاسخ وزیردادگستری باین موضوع بپردازیم لازمست نکته را تذکر دهیم و آن اینست که این تنها دادگستری که این جناب وزیر در راس آن قرار دارد اینست ، که حقوق ملت را سلب نموده آزادی فکر وعقیده‌را از بین برده‌است — فشاروایجادتضییقات برای زندگی مردم معدود ومنحصر بیك کابینه ویك وزیر مخصوص نمیباشد — اصولا

البته از نظر سیاسی نیز نمیتوان دولت « بن » را بادولت دموکراتیك آلمان مقایسه کرد، درقانون اساسی‌دولت «بن» حتی روی کاغذ نیز اسمی از حق حاکمیت وایجاد روابط سیاسی با کشور های بیگانه برده‌نشده‌است . درصورتیکه دولت دموکراتیك آلمان باهمه‌دولتهای آزادیخواه جهان‌رابطه سیاسی‌برقرار کرده است .

اینتک دشمنی دیرین میان مردم‌آلمان و کشورهای خاور اروپا که از جانب طبقات حاکمه آلمان دامن زده میشد از بین رفته است و دولت دموکراتیك آلمان میکوشد بجای آن هرچه بیشتر دوستی و همکاری برادرانه را برقرار سازد .

کوشش بزرك دولت دموکراتیك آلمان پیش‌ازهمه درراه برقراری وحدت آلمان و قطع ریشه های فکری فاشیسم از میان مردم کشور خود است . تا به این ترتیب آنان‌را در راه کار صلحجویانه و برادری با دیگر ملتها بسوی زندگی و جهان بهتر رهبری کنند .

زیرا همچنانکه بیتالین رهبر خلق شوروی در تلگراف تبریکی که‌بمناسبت تشکیل دولت دموکراتیك آلمان به ویلهلم‌پیك‌رئیس‌جمهور آلمان‌مخابره کرده متذکر شد : دولت ملت‌شوروی وآلمان در جنك گذشته بزرگترین قربانیها را متحمل شدند و اگر اینك بخاطر صلح در کنار یکدیگر جای گیرند هیچ‌نیروئی نخواهد توانست صلح اروپا را بخطر اندازد . »

در یك چنین جنگی بطوریکه خودشان‌ها گفته اند آلمان « بهترین ذخایر انسانی » را داراست . ساده تر بگویم برای جنك طلبان مردم آلمان طعمه توپ مناسب ومورد بسندی هستند. آنها از همان آغاز کار کوششی براه انداختند تا آلمان را از همه جهت مبدا حمله بضد شوروی وکشور های اروپای خاوری قرار دهند واین کوشش نامیمون هنوزهم با شدت هرچه تمامتر ادامه‌دارد بهمین سبب امپریالیستها پیوسته برای تشکیل یك‌دولت واحد درسراسر آلمان، همه گونه کار شکنی کرده‌اند . آنان خواستار دستگاهی هستند که بی چون و چرا در راه نظریات جنك طلبانه شان گام بردارد، همچنانکه باصطلاح «دولت آلمان غربی » چنین‌کاری میکند . از طرف دیگر بر خلاف تصمیمات پتسدام صنایع جنگی آلمان باغتری نیز بنحو موثری از بین برده نشد چگونه چنین تصمیمی میتواند اجرا شود در حالیکه گردانندگان دولتهای باغتری شرکتها و تراست های بزرك خود در این‌صنایع سهم دارند واین شرکت «و همکاری » حتی درزمان جنك نیز ازبین نرفت .البته بر اثر فشار افکارعمومی جهان‌درمنطقه اشغالی امپریالیست ها دست به ظاهر سازیهائی زده شد ، ظاهر سازیهائی که باطن و ماهیت امور را بهیچوجه تغییر نمیداد .

اکنون ، همچنان که روهر ، زراد خانه میلتاریسم آلمان ،محصولات جنگی خود را تهیه میکند تا بکبار دیگر از ازاین هزیمت گاه بسوی مردم اروپای خاوری وبطور کلی همه مردم‌جهان‌هجوم برده شود .

سرمایه داران امریکائی بیش‌ازپیش درمعادن وکارخانه‌های این منطقه نفوذ کرده اند و درراه توسعه صنایع جنگی دست به‌همکاری روزافزونی با«دشمنان» دیروز خود ، سرمایه‌داران آلمانی زده اند .

پیداست در چنین شرایطی دیگر بر کنار کردن فاشیستها از مشاغل حساس عنوان مسخره ای‌بیش نیست . زیرا این فاشیستها همان اداره کنندگان صنایع جنگی آلمان و همان شرکای معتبر سرمایه‌داران آنسوی دریا هامیباشند . فقط بدست چنین کسانی نقشه های اقتصادی ، و نظائی امپریالیست هاقابل اجراست . فقط همین فاشیستها هستند که میتوانند و میخواهند بخاطر منافع بیحساب خود و همکاران انگلیسی و امریکائی خود یکبازدیگر ملت‌آلمان را بقربانگاه جنك بکشانند . اگر دیده میشود که درآلمان باختری نازیهابنام‌و دوآتشه برسرمشاغل حساس‌باقی مانده‌اند باین علت است استکه هنوز نقش ضد بشری آنهاپایان‌نیافته است .

و بهمین‌جهت است که اشخاصی‌چون «شاخت » گردانندهٔ تمام‌چرخ اقتصادی فاشیسم آلمان ، کسیکه در زمان جنك همهٔ ملتهای اروپا را بسود سرمایه‌های آلمانی میچاپید ، « تبرئه » و آزاد می شود .

و باز بهمین‌جهت است که شخصی چون « الزاکوخ » « شیمی‌دان » معروف نازی ، کسیکه از چربی بدن مردم لهستان‌برای « آلمان‌برتر ازهمه» صابون میساخت و از موی بدنهای آنان فلس‌وغیره ... « تبرئه »وآزادمیشود درشهر « کیل » فاشیست‌ها در زیر چشم انگلستان و در زیر عکس پیشوا رقص میکنند .

استیضاح ازوزیر دادگستری ...

دستگاهی که برملت‌ایران‌حکومت‌میکند بهرشکل وصورتی که درآمده‌است‌راهی جز محروم‌نمودن‌ملت‌ازاساسی‌ترین‌حقوق وی علی‌نمونه‌است

تمرکز کلیه فسادهای اجتماعی در یك نقطه نسبت دادن جمع مشکلاتی که دوزنده‌گی ملت‌ایران وجود دارد بیك‌فرد معین امری صحیح ومنطقی نیست.

کلیه پیچ وپهره های این دستگاه فرمانروا دربدبختی ومحرومیت ایران درازدیاد فشار مردم‌شریك وسهیم‌نمیباشند ازاین تذکر بگذریم وبجواب وزیر دادگستری در این باره توجه نمائیم — ایشان بدون اینکه بتوانند بانواع قانون شکنی‌هائی که درودوره وزارت ومعاونت خود واسلافشان انجام شده است پاسخی بدهند تنها خواسته اند فشار دولت بر مطبوعات و توقیف دسته جمعی آنها را توجیه نمایند وبرای‌آن محملی بتراشند.

یکی ازدلائل ایشان این‌است که : « درمملکت ما بعضی از جرائید رعایت آبرو وحیثیت اشخاص را نکرده و حتی درقضایای ناموسی مردم وارد شده و با الفاظ رکیك ومستهجنی‌استعمال‌مینمایند»

دراین باره باید گفت که اگربین مطبوعات علف‌های هرزه‌هم پیدا میشوند که بجای توسل بمنطق بحث وخرفهای رکیك و مشاجرات خصوصی می‌پردازند اینکونه جراید کوچکترین وابستگی بملت ندارند —

جناحهای مختلف دستگاه حاکمه خود این قبیل جراید را تقویت مینمایند وبرای به نام نمودن مطبوعات و بدست آوردن‌وسیله‌برای‌ایراد فشار ومعدودیت نسبت بشریات ملی از یکطرف و حمله بمخالفین خصوصی خود ازسوی دیگرآنان را پیمبدان می‌فرستند —

مسلمااینکونه جراید که موردنظر ولطف مخصوص دستگاه فرمانروا است بهیچوجه گزندی نخواهند دید بلکه با هدای کافهٔ مجانی وذادن آگهی بآنان وسایل‌ترقیشان نیز فراهم میگردد —

این تنها مطبوعات ملی هستند که فشار می‌بینند و مورد توقیف و تهدید واقع میشوند.

هنوز فشراموش نشده است دولت کنون دوماه پیش قریب ۵۰ روزنامه‌را توقیف وتحت فشار قرارداد، آیا میتوان باور کرد که همه این ۵۰ روزنامه ها فحاش‌وهتاك هستندوتنها یکی‌دوروزنامه مخصوص پاك وصفا میباشند.

آقای وزیر بدلائل خود درباره فشار بمطبوعات چنین ادامه دادند ، و بعضی از جرائید نیز بجای‌انتقاد ازسیاست دولت که باید درلباس نزاکت هرش اندام کند عبارات وجملاتی بکار میبرند که نه تنها اهانت بدولت است بلکه اثرات بسیار زشتی در میان مردم باقی گذاشته درسیاست خارجی مملکت تاثیر خیلی بدی دارد ..»

آن وقت بعنوان نمونه منفرجات یکی‌از جرایدرا بعنوان‌مثال‌ذکرنموده‌اند این جریده نوشته است «آقای رزم‌آراء مردم متوجه شده‌اند جز باسارت دادن ملت‌ایران- جز تحویل دادن منابع‌ایران بامپریالیسم امریکاوانگلیس‌قبل دیگری انجام‌نخواهدداد..» آقای‌وزیردادگستری ابراز این‌گونه مطالب را جرم عظیم و گناه نابخشودنی می‌شمارند و نویسنده آن‌را مستوجب مجازات وعقوبت میدانند آیا این‌صحیح نیست که نفوذ امپریالیسم امریکاوانگلیس ملت ایران را روزبروز تیره روزتر و زندگی را بر وی تلخ‌تر می‌گرداند .

در این عبارات که شما بعنوان مشت جرم فلان روز نامه ارائه دارید حقایق بارزی نهفته است .

اگر امپریالیسم امریکا و انگلیس بازارهای ایران را تسخیر نموده و در ازاء کالا وخواد بوسیله وغیرضروری که مانند سیل‌بکشورما روان میسازند ثروت وهستی مردم فقر را بتاراج نمی‌برند پس تیره‌روزی وفقر عمومی درنتیجه چه‌عاملی است . چه عاملی سبب می‌شود که کارخانجات نیمه جان کشور ما بورشکستگی وتعطیل گرایند ، عده کثیری از هموطنان مابیکار وسرگردان گردند تامجبل فروش برای شانه و منچاق امریکائی باز گردد اگر این‌را امپریالیسم انحصارجوی امریکا وانگلیس سبب نمی‌شوند پس‌چه کشوری است که اینهمه باعث بدبختی و عقب افتادگی مردم سرزمین ما گردد .

این همه مستشاران وکارشناس که کلیه امورحیاتی ما را قبضه نموده‌اند از فرهنك گرفته تا موسسات صنعتی ما را مرکز تاخت وتاز خود قرار داده‌اندجز تامین نفوذ کشورهای‌مستعمرطلب ونفوذ جوی امریکا و انگلیس چه نقشی دیگر بعهده دارند که آثاری از آن جز خرابی ونکبت بختی برای ملت ایران بروز نمیکند —

آن قاضی کوه اورد امریکائی که مدتها در اطراف و اکناف کشورما بدون کوچکترین مانعی بگردش پرداخت — با ایلات تماس گرفت وبین آنان بتحریکات خانمانسوز پرداخت چه وظیفه جز اعمال نفوذ دولت متبوع خود در ایران بعهده داشت .

آیا این مندرجات جرایدند هستند که بقول آقای وزیر باعث می‌شوند ایلات بدستور حکومت مرکزی وقتی نهند با تحریکات ویلیام دوگلاس ها و دوهرها که بعنوان کوه‌نوردی‌وزیانشکی عشایر سفارت امریکا در کشور ما فعالیت می کنند و اولیاء امور نیز دست آنهارا برای هرگونه تحریکات باز می‌گذارند و حتی در راه فعالیت آنان تسهیلات فراوانی هم قائل میشوند .

این گونه انحراف حقایق و جواب گوئی ها برای اقناع مجلسیان ممکن است کافی باشد ولی کوچکترین تاثیری در ذهن مردم نخواهد داشت .

- ملت ایران مدتها است به ماهیت حقیقی این دستگاه پی برده و راه حقیقی خود را تشخیص داده است

نوید آزادی
مدافع حقوق زحمتکشان
هرهفته روزهای شنبه منتشر میشود

نهم ژانویه
از ماکسیم گورکی
بتوسط بنگاه مطبوعاتی ناقوس منتشر شد
بها ۱۰ ریال

از ایلیا ارنبورك
نورنبرك
دادرسی جنایتکاران جنك
ترجمه احمد صادق
منتشرشد
از کتابفروشیها خریداری کنید

سی سالگی سینمای شوروی

بقیه ازشماره قبل

«کوتوزوف» «ایوان مهیب» (سری اول) ، «کشور کی ـ ساکادزه» (دوسری) «داویدیك» وهمچنین فیلم‌های «دفاع شهر تارشین» ، «آلکساندر پارخومنکو» و «کاتوفسکی» . تمام این فیلم‌ها افراد جنگجویان جبهه و زحمت کشان پشت جبهه را تشویق مینمودند وسنن دلیرانه‌ی رزمی قهرمانان وبهترین افراد کشور شوروی را بخاطر آنان می آوردند.

درسالهای جنگ مقدار کثیری فیلم‌های کمدی وموزیکال تهیه شده اند.

برجسته ترین آن فیلم ها عبارتنداز «آیتوشا ـ دیکین» ، «ساعت شش عصر بعد از جنگ» ، «سرگذشتهای جدید» «هوا یك» و «ملا نصرالدین دربخارا» .

درسالهای جنگ میهنی کارکنان فیلم‌ه ی مستند فعالیت های مهم و شایانی نمودند .

آنها دوست شده بودند وقایع باعظمت تاریخی را روی فیلم ثبت و ضبط نمایند ودلیریهای فداکارانه وقهرمانی های ارتش شوروی وقدرت ونیروی اسلحه شوروی وافتخارات اصول جنگی استالین را حتی القدور کاملتر ودرخشانتر منعکس سازند. مدارك وعکس های بی نظیر تکرار نشدنی که بوسیله کارکردانهای جبهه‌ای سینماتوپه شده اند دارای ارزش فوق العاده‌ی تاریخی میباشند و وارد فیلم های مستند مختلف ، فیلم‌های مخصوص جبهه وژورنالها گردیده ذخیره‌ی خاصی بنام « تاریخ سینمائی جنگ میهنی » تشکیل داده اند.

دولت برای فداکاریهای سینماتوگرافی شوروی درسالهای جنگ عظیم میهنی اهمیت و ارزش عالی قائل گردیده، در سال ۱۹٤٤ به ٤۹۰ نفر از کارکنان سینما نشانها ومدالهای اتحاد شوروی را اعطا نموده است.

بیشتر ده فیلم هنری و بدوازده فیلم مستند برجسته که درروز کار جنگ تهیه شده اند جوایز استالین تعلق یافته واعطاء گردیده اند.

سینما توگرافی ملی بعد از جنگ بموفقیتهای مهمی نائل شده است. پایه و اساس شوروی برای رشد و ترقی هنر سینمائی درجبه جهوری جوان شوروی ـ لنوئی ؛ استوئی و لیتوانی بوجود آمده است.

همه میدانند که در آن جمهوریها دردوره‌ی حکومت بورژوازی سینما توگرافی اختصاصی وجود نداشته است. در آن جمهوریها فیلم‌های مهمی ازویدگائی ملتهای آن جمهوریها باشرکت هنر پیشگان ملی تهیه شده اند که بیشتر آنها عبارتند از : «زندگی در قلعه» ، «مارته» ، «مراجعت پیروزمندانه» ، «رافیتس» .

سازمان‌های سینمائی سایر جمهوری های متحده نیز رشد وکمال خودرا بتدریج ظهور رسانده اند. مثلا سینما توگرافی ازبکستان چند فیلم تهیه نموده ، ازآن جمله فیلمی است راجع بشاعر نامدار وجل فرهنگ بزوه ملت از یك در سده‌ی ۵ ـ «علی شیرنوائی» .

سینما توگرافی تیرکنستان فیلم کمدی باحقیقت واز حیث رنك آمیزیهای ملی خود درخشانی را بنام «دوعروسی» تهیه کرده است.

سینما توگرافی اوکراین فیلم جذاب «فداکاری مامور اکتشاف» وفیلم هنری مستند «ضربت سوم» را بوجود آورده است.

• • •

بهترین گواه استادی و مهارت روزافزون کارکنان سینماتوگرافی شوروی فیلم‌های عالی میباشند که بمناسبت جشن سی سالگی آن تهیه وصادر شده اند. هنر سینمائی شوروی باآثار برجسته‌ای مستغنی گردیده است. ازقبیل «سقوط برلن» اثر م. چیاتورملی و «فراقان کوبان ـ یا بازار شادی» اثر ای . پیریف . فیلم هدف‌دار وموثر وکاملا حزبی «سقوط برلن» از چیاتورملی و «کاتوفسکی» . تمام این فیلم‌ها افراد جنگجویان جبهه و زحمت کشان پشت جبهه را تشویق مینمودند وسنن دلیرانه‌ی رزمی قهرمانان وبهترین افراد کشور شوروی را بخاطر آنان می آوردند.

درسالهای جنگ مقدار کثیری فیلم‌های کمدی وموزیکال تهیه شده اند.

برجسته ترین آن فیلم ها عبارتنداز «آیتوشا ـ دیکین» ، «ساعت شش عصر بعد از جنگ» ، «سرگذشتهای جدید» «هوا یك» و «ملا نصرالدین دربخارا» .

درسالهای جنگ میهنی کارکنان فیلم‌ه ی مستند فعالیت های مهم و شایانی نمودند .

آنها دوست شده بودند وقایع باعظمت تاریخی را روی فیلم ثبت و ضبط نمایند ودلیریهای فداکارانه وقهرمانی های ارتش شوروی وقدرت ونیروی اسلحه شوروی وافتخارات اصول جنگی استالین را حتی القدور کاملتر ودرخشانتر منعکس سازند. مدارك وعکس های بی نظیر تکرار نشدنی که بوسیله کارکردانهای جبهه‌ای سینماتوپه شده اند دارای ارزش فوق العاده‌ی تاریخی میباشند و وارد فیلم‌های مستند مختلف ، فیلم‌های مخصوص جبهه وژورنالها گردیده ذخیره‌ی خاصی بنام « تاریخ سینمائی جنگ میهنی » تشکیل داده اند.

دولت برای فداکاریهای سینماتوگرافی شوروی درسالهای جنگ عظیم میهنی اهمیت و ارزش عالی قائل گردیده، در سال ۱۹٤٤ به ٤۹۰ نفر از کارکنان سینما نشانها ومدالهای اتحاد شوروی را اعطا نموده است.

بیشتر ده فیلم هنری و بدوازده فیلم مستند برجسته که درروز کار جنگ تهیه شده اند جوایز استالین تعلق یافته واعطاء گردیده اند.

سینما توگرافی ملی بعد از جنگ بموفقیتهای مهمی نائل شده است. پایه و اساس شوروی برای رشد و ترقی هنر سینمائی درجبه جهوری جوان شوروی ـ لنوئی ؛ استوئی و لیتوانی بوجود آمده است.

همه میدانند که در آن جمهوریها دردوره‌ی حکومت بورژوازی سینما توگرافی اختصاصی وجود نداشته است. در آن جمهوریها فیلم‌های مهمی ازویدگائی ملتهای آن جمهوریها باشرکت هنر پیشگان ملی تهیه شده اند که بیشتر آنها عبارتند از : «زندگی در قلعه» ، «مارته» ، «مراجعت پیروزمندانه» ، «رافیتس» .

سازمان‌های سینمائی سایر جمهوری های متحده نیز رشد وکمال خودرا بتدریج ظهور رسانده اند. مثلا سینما توگرافی ازبکستان چند فیلم تهیه نموده ، ازآن جمله فیلمی است راجع بشاعر نامدار وجل فرهنگ بزوه ملت از یك در سده‌ی ۵ ـ «علی شیرنوائی» .

سینما توگرافی تیرکنستان فیلم کمدی باحقیقت واز حیث رنك آمیزیهای ملی خود درخشانی را بنام «دوعروسی» تهیه کرده است.

سینما توگرافی اوکراین فیلم جذاب «فداکاری مامور اکتشاف» وفیلم هنری مستند «ضربت سوم» را بوجود آورده است.

• • •

بهترین گواه استادی و مهارت روزافزون کارکنان سینماتوگرافی شوروی فیلم‌های عالی میباشند که بمناسبت جشن سی سالگی آن تهیه وصادر شده اند. هنر سینمائی شوروی باآثار برجسته‌ای مستغنی گردیده است. ازقبیل «سقوط برلن» اثر م. چیاتورملی و «فراقان کوبان ـ یا بازار شادی» اثر ای . پیریف . فیلم هدف‌دار وموثر وکاملا حزبی «سقوط برلن» از چیاتورملی و «کاتوفسکی» . تمام این فیلم‌ها افراد جنگجویان جبهه و زحمت کشان پشت جبهه را تشویق مینمودند وسنن دلیرانه‌ی رزمی قهرمانان وبهترین افراد کشور شوروی را بخاطر آنان می آوردند.

درسالهای جنگ مقدار کثیری فیلم‌های کمدی وموزیکال تهیه شده اند.

برجسته ترین آن فیلم ها عبارتنداز «آیتوشا ـ دیکین» ، «ساعت شش عصر بعد از جنگ» ، «سرگذشتهای جدید» «هوا یك» و «ملا نصرالدین دربخارا» .

درسالهای جنگ میهنی کارکنان فیلم‌ه ی مستند فعالیت های مهم و شایانی نمودند .

آنها دوست شده بودند وقایع باعظمت تاریخی را روی فیلم ثبت و ضبط نمایند ودلیریهای فداکارانه وقهرمانی های ارتش شوروی وقدرت ونیروی اسلحه شوروی وافتخارات اصول جنگی استالین را حتی القدور کاملتر ودرخشانتر منعکس سازند. مدارك وعکس های بی نظیر تکرار نشدنی که بوسیله کارکردانهای جبهه‌ای سینماتوپه شده اند دارای ارزش فوق العاده‌ی تاریخی میباشند و وارد فیلم‌های مستند مختلف ، فیلم‌های مخصوص جبهه وژورنالها گردیده ذخیره‌ی خاصی بنام « تاریخ سینمائی جنگ میهنی » تشکیل داده اند.

دولت برای فداکاریهای سینماتوگرافی شوروی درسالهای جنگ عظیم میهنی اهمیت و ارزش عالی قائل گردیده، در سال ۱۹٤٤ به ٤۹۰ نفر از کارکنان سینما نشانها ومدالهای اتحاد شوروی را اعطا نموده است.

بیشتر ده فیلم هنری و بدوازده فیلم مستند برجسته که درروز کار جنگ تهیه شده اند جوایز استالین تعلق یافته واعطاء گردیده اند.

سینما توگرافی ملی بعد از جنگ بموفقیتهای مهمی نائل شده است. پایه و اساس شوروی برای رشد و ترقی هنر سینمائی درجبه جهوری جوان شوروی ـ لنوئی ؛ استوئی و لیتوانی بوجود آمده است.

همه میدانند که در آن جمهوریها دردوره‌ی حکومت بورژوازی سینما توگرافی اختصاصی وجود نداشته است. در آن جمهوریها فیلم‌های مهمی ازویدگائی ملتهای آن جمهوریها باشرکت هنر پیشگان ملی تهیه شده اند که بیشتر آنها عبارتند از : «زندگی در قلعه» ، «مارته» ، «مراجعت پیروزمندانه» ، «رافیتس» .

سازمان‌های سینمائی سایر جمهوری های متحده نیز رشد وکمال خودرا بتدریج ظهور رسانده اند. مثلا سینما توگرافی ازبکستان چند فیلم تهیه نموده ، ازآن جمله فیلمی است راجع بشاعر نامدار وجل فرهنگ بزوه ملت از یك در سده‌ی ۵ ـ «علی شیرنوائی» .

سینما توگرافی تیرکنستان فیلم کمدی باحقیقت واز حیث رنك آمیزیهای ملی خود درخشانی را بنام «دوعروسی» تهیه کرده است.

سینما توگرافی اوکراین فیلم جذاب «فداکاری مامور اکتشاف» وفیلم هنری مستند «ضربت سوم» را بوجود آورده است.

• • •

بهترین گواه استادی و مهارت روزافزون کارکنان سینماتوگرافی شوروی فیلم‌های عالی میباشند که بمناسبت جشن سی سالگی آن تهیه وصادر شده اند. هنر سینمائی شوروی باآثار برجسته‌ای مستغنی

بقیه ازشماره قبل

«کوتوزوف» «ایوان مهیب» (سری اول) ، «کشور کی ـ ساکادزه» (دوسری) «داویدیك» وهمچنین فیلم‌های «دفاع شهر تارشین» ، «آلکساندر پارخومنکو» و «کاتوفسکی» . تمام این فیلم‌ها افراد جنگجویان جبهه و زحمت کشان پشت جبهه را تشویق مینمودند وسنن دلیرانه‌ی رزمی قهرمانان وبهترین افراد کشور شوروی را بخاطر آنان می آوردند.

درسالهای جنگ مقدار کثیری فیلم‌های کمدی وموزیکال تهیه شده اند.

برجسته ترین آن فیلم ها عبارتنداز «آیتوشا ـ دیکین» ، «ساعت شش عصر بعد از جنگ» ، «سرگذشتهای جدید» «هوا یك» و «ملا نصرالدین دربخارا» .

درسالهای جنگ میهنی کارکنان فیلم‌ه ی مستند فعالیت های مهم و شایانی نمودند .

آنها دوست شده بودند وقایع باعظمت تاریخی را روی فیلم ثبت و ضبط نمایند ودلیریهای فداکارانه وقهرمانی های ارتش شوروی وقدرت ونیروی اسلحه شوروی وافتخارات اصول جنگی استالین را حتی القدور کاملتر ودرخشانتر منعکس سازند. مدارك وعکس های بی نظیر تکرار نشدنی که بوسیله کارکردانهای جبهه‌ای سینماتوپه شده اند دارای ارزش فوق العاده‌ی تاریخی میباشند و وارد فیلم‌های مستند مختلف ، فیلم‌های مخصوص جبهه وژورنالها گردیده ذخیره‌ی خاصی بنام « تاریخ سینمائی جنگ میهنی » تشکیل داده اند.

دولت برای فداکاریهای سینماتوگرافی شوروی درسالهای جنگ عظیم میهنی اهمیت و ارزش عالی قائل گردیده، در سال ۱۹٤٤ به ٤۹۰ نفر از کارکنان سینما نشانها ومدالهای اتحاد شوروی را اعطا نموده است.

بیشتر ده فیلم هنری و بدوازده فیلم مستند برجسته که درروز کار جنگ تهیه شده اند جوایز استالین تعلق یافته واعطاء گردیده اند.

سینما توگرافی ملی بعد از جنگ بموفقیتهای مهمی نائل شده است. پایه و اساس شوروی برای رشد و ترقی هنر سینمائی درجبه جهوری جوان شوروی ـ لنوئی ؛ استوئی و لیتوانی بوجود آمده است.

همه میدانند که در آن جمهوریها دردوره‌ی حکومت بورژوازی سینما توگرافی اختصاصی وجود نداشته است. در آن جمهوریها فیلم‌های مهمی ازویدگائی ملتهای آن جمهوریها باشرکت هنر پیشگان ملی تهیه شده اند که بیشتر آنها عبارتند از : «زندگی در قلعه» ، «مارته» ، «مراجعت پیروزمندانه» ، «رافیتس» .

سازمان‌های سینمائی سایر جمهوری های متحده نیز رشد وکمال خودرا بتدریج ظهور رسانده اند. مثلا سینما توگرافی ازبکستان چند فیلم تهیه نموده ، ازآن جمله فیلمی است راجع بشاعر نامدار وجل فرهنگ بزوه ملت از یك در سده‌ی ۵ ـ «علی شیرنوائی» .

سینما توگرافی تیرکنستان فیلم کمدی باحقیقت واز حیث رنك آمیزیهای ملی خود درخشانی را بنام «دوعروسی» تهیه کرده است.

سینما توگرافی اوکراین فیلم جذاب «فداکاری مامور اکتشاف» وفیلم هنری مستند «ضربت سوم» را بوجود آورده است.

• • •

بهترین گواه استادی و مهارت روزافزون کارکنان سینماتوگرافی شوروی فیلم‌های عالی میباشند که بمناسبت جشن سی سالگی آن تهیه وصادر شده اند. هنر سینمائی شوروی باآثار برجسته‌ای مستغنی

برای صلح در تمام دنیا در اساس آن قرار دارد .

قهرمانان عمده واصلی فیلم‌های کنونی بورژوازی عبارتند از ـ میلیاران به اخلال حواس (میزوفرنی) خاران (دتیکاران» اشعاسیکه روحا فاسد هستند، کوسموپولیتها ئیکه از داشتن وطنی برای خود استنکاف دارند وافکار پست «وطن جهانی» را موعظه مینمایند . فیلم های مذکور دارای مضامین مهمل جنائی خلاف انسانیت وسرا با با مطالب خلاف عفت و اوهام وخرافات اشباع شده اند .

درتمام محصولات سینمائی کشورهای کاپیتالیستی روح بدبینی ویاس ، حرمان و ناامیدی از آینده وسوخ نموده است. تمدن وهنر سینمائی کشورهای کاپیتالیستی دچار بن بست گردیده اند.

لنین کبیر تعلیم میداد ، که تمدن و فرهنگ فقط بس از طرد نمودن ملاکین وسرمایه داران میتواند نصیب توده های کثیر ملت بشود . تجربه ی هنر های شوروی و از جمله هنر سینمائی ـ که جوانترین هنرهای آن است ـ کاملا این موضوع راتایید مینماید .

۱ـ رشد تکیه گاه مادی سینمای شوروی در نقشه پنجساله ی بعد از جنگ

بطوریکه همه میدانند ، فاشیسن فاشیست در سالهای جنگ خسارت عظیمی به اتحاد شوروی وارد نمودند . صد ها استودیوی مذکور برای موفقیتهائی که در توسعه و ترقی سینما توگرافی حاصل گردیده و خدماتی که آن استودیو در این راه انجام نموده است بدریافت نشان لنین سرافراز گردیده است.

موفقیت هر فیلم تازه ـ گذشته از اینکه موفقیت آفرینشی است سایه‌ی سرافرازی تمام هیئت کارکنان استودیو نیز میباشد . در ایجاد فیلم‌های «مستقیم» افرادی که در ۱٤۰ شغل وپیشه‌ی مختلف تخصص دارند همکاری می‌نمایند . در آنجا هم معمارانی هستند که صدهاسال اینیه و مدخل و داخل آنها را طراحی میکنند، هم‌دوزی‌هائی که در دکاهای خود هزاران دست لباسهای تمام اندازه ، و ملل را میدوزند ، هم ساکت سازانی که عبارات با عظمت عصر حاضر را بنقاش کوچك (مینیاتور) چنان دقیق می سازند، که روی پرده‌ی سینما آزموده‌ترین چشمها قادر به تشخیص آنها از کاخ‌های فرهنگ، ترمه‌ها، کارخانه‌های برق‌ابی نیست . استودیوی « مستقیم » زمین پهناوری را اشغال نموده ، بنام یعنی شهر کوچکی است و مؤسسات مختلفی در آن بکار اشتغال دارند .

بطور مثال از کارگاههای نجاری، مکانیکی ، نوردادن بوتیله‌ی برق ذکری مینمایم . هر کدام از آنها کارخانه‌ی کوچکی است ، که کارکنان آنها کارگران با مجریان سادی فنی نیستند ، بلکه افراد خلاق و با ابتکاری میباشند که در کارمشترك عمومی شرکت آفرینشی دارند. دیتوان تصور نمود ، که حتی یکنفر از هر کدام از کارگاههای « مستقیم » با نمایشنامه‌ی سینمائی (صحنه آرائی) وفکر ابتکاری رژیسور واسکریپت‌های نقاشان کاملا آشنا نشده باشد . هر کدام از آنها در قسمت کار خود کوشش میکند به بهترین نحوی در حل مسئله‌ی مشترك کمك نماید . تکنیك پلرایج و هموعمومی و اپتیك مکانیکی و نور دادن پیچیده‌ی برق ، کارگاههای عظیم فرعی، یا کمکی، کارهای ماکت سازی، بکسازی‌های مرکب ـ مجبوراً محتاج عده‌ی کثیری استادان دارای تخصص عالی میباشد.

در سالهای حکومت شوروی استودیوهای سینمائی تنها در مسکو ولنینگراد تاسیس نشده اند ، بلکه تقریبا درتمام جمهوریهای ملی نیز ایجاد گردیده اند . بزرگترین کارخانه ی فیلم ا . ج . ش . س . کارخانه‌ی «مستقیم» است .

«مستقیم» ـ کارخانه ای است که میلیونها تماشاچیان کشور شوروی وممالك خارجه آن را میشناسند و نام آن را در بسیاری از فیلم های برجسته دیده اند. از ۸٦ فیلم سینمائی که نائل بدریافت جایزه‌ی استالین شده اند ۳۰ فیلم ساخت این بزرگترین استودیوی کشور شوروی می باشد .

مات شوروی فیلم های « لنین در ماه اکتبر » و « لنین درسال ۱۹۱۸ » را بعنوی بنیاد دارد و فیلمهای مذکور را دوست دارد ، زیرا در آن فیلم ها نخستین بار تداو ، ای ، لنین ـ وستی ـ و ، استالین رهبران باعظمت ملت مجسم گردیده است . فیلم های مذکور را « مستقیم » تهیه نموده است .

در دورترین زوایای ا . ج . ش . س وخیلی خارج ازحدود و مرزهای کشور شوروی فیلم‌های مانند «ماآگر و نشادت هستیم» ، « آلکساندر ـ نفسکی » ، « کوتوزوف » ، « سوورورف » ، « دریا سالار ناخیموف » و فیلم‌های متعدد دیگر که همه ساخت کارخانه ی « مستقیم » میباشند ، شهرت بسزائی یافته اند . استودیوی مذکور برای موفقیتهائی که در توسعه و ترقی سینما توگرافی حاصل گردیده و خدماتی که آن استودیو در این راه انجام نموده است بدریافت نشان لنین سرافراز گردیده است.

موفقیت هر فیلم تازه ـ گذشته از اینکه موفقیت آفرینشی است سایه‌ی سرافرازی تمام هیئت کارکنان استودیو نیز میباشد . در ایجاد فیلم‌های «مستقیم» افرادی که در ۱٤۰ شغل وپیشه‌ی مختلف تخصص دارند همکاری می‌نمایند . در آنجا هم معمارانی هستند که صدهاسال اینیه و مدخل و داخل آنها را طراحی میکنند، هم‌دوزی‌هائی که در دکاهای خود هزاران دست لباسهای تمام اندازه ، و ملل را میدوزند ، هم ساکت سازانی که عبارات با عظمت عصر حاضر را بنقاش کوچك (مینیاتور) چنان دقیق می سازند، که روی پرده‌ی سینما آزموده‌ترین چشمها قادر به تشخیص آنها از کاخ‌های فرهنگ، ترمه‌ها، کارخانه‌های برق‌ابی نیست . استودیوی « مستقیم » زمین پهناوری را اشغال نموده ، بنام یعنی شهر کوچکی است و مؤسسات مختلفی در آن بکار اشتغال دارند .

بطور مثال از کارگاههای نجاری، مکانیکی ، نوردادن بوتیله‌ی برق ذکری مینمایم . هر کدام از آنها کارخانه‌ی کوچکی است ، که کارکنان آنها کارگران با مجریان سادی فنی نیستند ، بلکه افراد خلاق و با ابتکاری میباشند که در کارمشترك عمومی شرکت آفرینشی دارند. دیتوان تصور نمود ، که حتی یکنفر از هر کدام از کارگاههای « مستقیم » با نمایشنامه‌ی سینمائی (صحنه آرائی) وفکر ابتکاری رژیسور واسکریپت‌های نقاشان کاملا آشنا نشده باشد . هر کدام از آنها در قسمت کار خود کوشش میکند به بهترین نحوی در حل مسئله‌ی مشترك کمك نماید . تکنیك پلرایج و هموعمومی و اپتیك مکانیکی و نور دادن پیچیده‌ی برق ، کارگاههای عظیم فرعی، یا کمکی، کارهای ماکت سازی، بکسازی‌های مرکب ـ مجبوراً محتاج عده‌ی کثیری استادان دارای تخصص عالی میباشد.

در نتیجه‌ی کار آفرینشی مجدانه‌ی کارکنان « مستقیم » هم فیلم‌های عالی بوجود میآیند که دارای اهمیت هنری و آرمانی هستند.

یکی از بزرگترین استودیوهای سینمائی اتحاد شوروی « لنفیلم » است که ۲۵ سال قبل بوجود آمده است . استودیو در بنای تنك نا مناسبی که برای فعالیت آفرینشی آماده نبود شروع بکار کرد.

اکنون استودیوی مذکور عبارت است از ـ آتلیه ها ، آزمایشگاهها ، کارگاههای بیشماری که کوی وسیعی را اشغال نموده اند.

استودیوی مذکور دارای دستگاههای درجه‌ی اول عکس‌برداری ، ثبت وضبط صوت و نورافکن و کارهای مخصصین عالی می باشد ، که بر تمام اصول فنی و فنون بدیع وپیچیده‌ی کار خود استیلا دارند.

در فیلم‌های استودیوی « لنفیلم » هنرپیشگان نامدار شوروی شرکت نموده اند از قبیل : یانو کارچاگینا الکساندروفسکایا، یانوتارا سووا، اچرکاسوف یابوچیکین ، یاگالیوبوف، یانومارتسکایا چیرکوف ، یانومالکاروواو دیگران .

فیلم‌های پرارجی مانند : « چاپایف » تریلوژی راجع به ماکسیم» ، « همه‌ی کبیر » ، « مردتفنگدار» ، «پیوتراول» ، «معلم» در استودیو « لنفیلم» تهیه شده ، جزوخاطرگرانبهای سینماتوگرافی شوروی بشمار میآیند.

استودیوهای سینمائی جمهوریهای ملی ، منجمله استودیوهای بزرگی مانند استودیوی کی یف ، تفلیس ، ادساواستال (او کرائینای) ، «جوینده‌گان خوشبختی» ، «سالهای آتشبار» ، (به لوروسیائی) ، «باد کوبه‌ای‌ها» (آذربایجانی) و امثال آنها .

کارکنان استودیوهای سینمائی در جمهوریهای ملی بنحو بسیطی تاریخ مبارزات انقلابی ملل ا . ج . ش . س . را جلوه گر نموده ، فیلم‌هائی بشرح زیر مضامین روز بوجود آورده اند: («عروس دارا» ، «دریانوردان» ، «دورسون» ، «سیلاب کوهستانی» وغیره) .

برای ترقی هنر سینمائی درسه جمهوری شوروی نسبتا جوان ـ یعنی در استونی ، لتونی ولیتوانی پایه واساس ضروری به وجود آمده است .

دردوره‌ی زمامداری بورژوازی جمهوریهای مذکور دارای سینماتوگرافی اختصاصی بعود نبوده اند وفقط درسالهای حکومت شوروی در آن جمهوریها فیلم های مستند وهنری زیبا راجع بتاریخ گذشته ملل آن جمهوریها بوجود آمده اند .

استونی علمی ـ تحقیقی دولتی سینمائی وعکاسی درمسکو درترقی تکنیك سینمائی کشور شوروی نقش عظیمی ایفاء مینماید .

بقیه در صفحه ۵

(۱) ـ ج . و . استالین در سال ۱۹۲۳ در نخستین مجمع عمومی دهقانان بیشتاز مزارع اشتراکی در نطق خود چنین گفت : « کارگران ودهقانان مزارع اشتراکی ، که بدون هیاهو و تظاهر کارخانه ها وفابریکها ، کاها وراه آهن ها ؛ مزارع اشتراکی ومزارع خالصه و میسازند ، تمام نعمتهای زندگی را بوجود میآورند ، بتمام دنیا نخواهیم میدمنعت اینها قهرمانان حقیقی و بانیان زندگانی نوین نامیده اند »

بقیه ازصفحه ۱

جمعیت ایرانی هواداران صلح لازم میداند که بمناسبت صدور اعلامیه مربوط مراتب ذیل را باطلاع هموطنان عزیز برساند :

در دو سال قبل عده‌ای از دانشمندان و مردمان خیرخواه جهان که دنیا را براثر اقدامات جنون آمیز عده‌ای از سوداگران مرك و جهانخواران در آستانه جنگ تازه‌ای میدیدند جمع شدند و جمعیت بین المللی هواداران صلح را تشکیل دادند این اوضعت در تمام دنیا بخصوص در نقاطی که آسیب زیادی ازجنك اخیردیده‌بود و خطررا نزدیك میباشد رونق فراوان گرفت .

درهمه جا فوج فوج، گروه گروه مردم رنجدیده جهان‌دور هواداران صلح حلقه زدند هواداران صلح می گفتند که چه احتیاجی بجنك داریم درحالی که هراختلافی را میتوان بامذاکرات مسالمت آمیز حل کرد مردم دنیا که حاضر نبودند اسیرمین جنك خانه و کاشانه آنهارا بویرانه‌ای مبدل سازد وقتی گفتار آن سناتورامریکائی را می‌شنیدند که :

«دولت امریکا درجنك جدیدی باید مردم کشورهای دیگر را بجای سربازان ممالك متحده جلوی گلوله و توپ بفرستد » و بااز تهدید مستر ترومن که گفته‌بود «همانطور که در ژاپن عمل کردیم درصورت اقتضا بار دیگر سلاح اتمی را بکار خواهیم برد» اطلاع حاصل می کردند لهضت طرفداری از صلح را بیشتر تایید مینمودند .

تشکیل نخستین کنگره‌جهانی هوا داران صلح و سپس‌صدور اعلامیه استکهلم در تاریخ ۱۸ مارس ۱۹۵۰ و استقبالی که مردم جهان برای تائید بیانیه مزبور کردند آتش افروزان جنك را دچار وحشت کرد . از این جا تهمت‌ها و افتراها علیه جمعیت های هوا دار صلح شروع‌شد .

بعداز آنکه در تاریخ خرداد ۱۳۲۹ جمعیت ملی هواداران صلح درمهین ما تشکیل و رسمیت بین‌المللی یافت دعوت موسین مواجه با استقبال کم نظیر مردم‌شد .

مردم ایران اولین درخواست جمعیت را که تائید و امضای بیانیه صلح استکهلم باشد باعلاقه و میل وافری اجابت کردند و در مدت کمی تعداد امضاهای ذیل بیانیه صلح بدویست هزار نزدیك‌شد جمعیت ما زیرنظر شخصیت‌های وطن دوست که موردحسن اعتماد مردم ایران بوده و هستند تشکیل یافت و از روز اول بعموم افراد توصیه شد که این منظور و مشروع مقدس‌را با افکار و فعالیتهای شخصی و سیاسی دیگر مخلوط نسازند و جس بشر دوستی و ادای وظیفه انسانیت را که مملکت ایران درآن بایدسهم عالی و وافر داشته باشد مدنظرقرار داده و جز اقدامات صلح طلبانه‌قدمی بر ندارند .

رئیس جمعیت در اولین‌سخنرانی این جمعیت بالصراحه گفت که ما اطلاع داریم که‌اولیای امور بر ضداقدامات ما عملی نخواهند کرد که موجب زحمت و تشویق کار شود و اگر از طرف قوای انتظامی گاهی برخد افراد جمعیت ما سخت گیری میشود از لحاظ امر ودستور مقامات عالیهٔ کشوری نیست و امیدواریم که‌این‌زحمات نیز بزودی مرتفع گردد .

ولی کسانیکه از طرف معافل امپریالیستی وظیفه دارند در تمام نقاط دنیا وحشت و اضطراب ایجاد نموده و زمینه جنك را فراهم سازند دست بکار شدند و توطئه علیه طرفداران صلح در ایران نیز آغاز گردید . شهربانی ماموریت یافت که جلو هل جمع آوری امضا را بگیرد ولی ماموربن شهربانی مستمسکی برای این کار نداشتند پس از چند مراجعت اولیه سیل اعتراض جراید پشتیبان جمعیت و مردم هوا دار صلح شهربانی رابعقب نشینی مجبور ساخت و رئیس شهربانی ضمن نامه رسمی که در جریده شریفه نامور و روز نامه مصلحت منتشار یافت اعلام کرد که ماموربن شهربانی قطعاً وبتاً مزاحم کسی بعنوان جمع آوری امضا نخواهند شد .

با اینحال توطئه برعلیه طرفداران صلح منقطع نگشت و لیك بینی صیبانه رئیس جمعیت صورت واقعیت نیافت چه شهربانی در مرحله تازه ای مزاحمت خود را بیش از پیش دنبال کرد . گرفت و گیر مجددا شروع گردید دانش آموز را از مدرسه ، قاضی ممون از تقیدرا در حین‌انجام وظیفه ، روحانی را در مسجد گرفتند و توقیف کردند .

وزارت عدلیه بجای اینکه در قبال این سلب آزادیها‌اقدام کند سکوت نمود . هر چه ما اعلام جرم کردیم آقای وزیر دادگستری نه‌تنها‌اقدامی ننمودبلکه‌طبق‌اطلاعاتی که داریم شهربانی وارتش را برای ایراد تضییق به هواداران صلح تشویق و تشجیع کرد .

این مقدمات و بعلاوه فشار ازمقامات عالیه باعث شد که دادستان ارتش اعلامیه فوق را صادر نماید .باید گفت که متاسفانه این بار هم آتش افروزان جنك و بعضی از ماموربن نا راحت داخلی ارتشیان را وسیله اجرای اعمال خلاف قانون و انسانیت قرار دادند .

مستمسکی که همیشه بمنظور ایراد تضییق بکار برده میشود بالاخره تهیه شد .

آقای دادستان ارتش برای اینکه اعلامیه خود را موجه جلوه دهد پای حزب توده را بجمعیت ما کشیده است ، در صورتی که جمعیت ایرانی هواداران صلح کاری به مسلك سیاسی و عقیده مذهبی اشخاص نداشته و هر کسی که دعوت عام او را برای حمایت از صلح خواه بعنوان عضویت خواه بعنوان جمع‌آوری امضاء و یا امضای بیانیه اجابت کند اورا فرد صلحخواه و بشردوستی می‌شناسد بعلاوه درجمعیت هواداران صلح دستگاه تفتیش عقایدوافکار وجود ندارد .

ما هر کسی را که برای جلوگیری از اشتعال نایره جنك بما یاری کند صلحدوست می‌نامیم و در این‌بیکار شرافتمندانه شریك می دانیم .

موقعی که خانه ای در معرض حریق است هر شخصی در راه اطفاء آتش قدمی بردارد وظیفه انسانی خود را انجام داده است .

آقای دادستان ارتش اعلامیه‌خود راطوری تنظیم کرده است که در بادی نظر اذهان ساده را مشوب ساخته و چنین می نماید که این جمعیت خود تشکیلاتی ازحزب‌توده است درصورتی که خود جناب آقای نخست وزیر و مقامات دولتی و ملی میدانند که چنین نیست وجمعیت ما جدا و فارغ از دسته بندیهای سیاسی و معمولی میباشد .

آقای داد ستان ارتش جمع آوری امضا را در بعضی موارد که بوسیله « اعضای حزب منحله توده » صورت گرفته باشداقدام علیه امنیت کشور تلقی کرده و تهدید نموده است طبق قانون‌دوم مرداد ۱۳۲۸ متخلفین را تحت تعقیب قرار خواهند داد . ما ضمن اعلام اینکه افرادی از حزب توده را نمیشناسیم که برای جمعیت صلح فعالیت نمایند بیك بحث قانونی میپردازیم

بدیهی است نظر دادستان ارتش متوجه رجال ، شخصیت ها قضات ، پزشکان ، وکلای دادگستری ، هنر مندان و دانشمندان که عضویت جمعیت ما را پذیرفته اند و مسلك و روش سیاسی آنهاهم بر عموم معلوم است نمی‌باشد واز طرفی دیگر هرفردصلح خواهی که در ذیل بیانیه استکهلم امضاء جمع آوری میکندعضو جمعیت‌ما نیست عضویت در جمعیت مستلزم اجراز شرایطی است که درمرام نامه و اساسنامه جمعیت ذکر شده است لذا باید گفت که منظور دادستان فقط امضائی از حزب توده است که مبادرت بجمع آوری امضاء مینمایند . در این صورت هم دادستان بین کسی که عضو حزب توده است باکسی که عضو حزب‌نو در نیست ازلحاظ فعالیت صلح فرق قائل شده است و عمل افراد توده‌ای را در جمع آوری امضاء مشمول قانون خرداد ۱۳۱۰ دانسته است .

ما به آقای دادستان ارتش میگوئیم عملی یا جرم است یا جرم نیست اگر جرم است دیگر تفکیك عضو فلان حزب از غیر آن مجوز قانونی ندارد اگر جرم نیست پس مزاحم کسی نمیتوان‌شد مگر اینکه به تبعیت از طرفداران نظریهٔ نژاد برتر بگوئیم که زندگی حق نژاد عالی است و قانون لنج ـ سرنوشت سیاهان ، از طرفی دیگر طرفداری از صلح را چه مناسبتی با قانون مجازات مقدمین علیه امنیت است بنا برین بنظر آقای داد ستان ارتش هوا داری از جنك است که موافق امنیت کشورمی باشد! زهی‌ت استدلال نارسا !

خوب بود آقای‌دادستان ارتش که بعقیدهٔ خود از زبان‌قانون صحبت میکنند توجه میکردند که قانونی بنام قانون دوم مرداد ۱۳۲۸ وجود ندارد و ما نمیدانیم این قانونی چه قانونی است که آقای دادستان نظامی مردم را باستناد بآن تهدید میکنند .

آقای دادستان ارتش ! تاکنون در باره تمام پرونده هائی که «باتهام» جمع آوری امضای صلح بدادرسی ارتش فرستاده‌شده قرار منع تعقیب صادر گردیده است چه شده که امری دیروزقابل تعقیب نبود ولی امروز قابل تعقیب شناخته میشود .

آقای دادستان نظامی اعلامیه شما پرده از روی‌کاردولت‌بر میدارد وبخوبی روشن میکند که آنهمه ادعای دولت بطرفداری ازصلح بهرهای ازحقیقت ندارد ونیز ثبوت میرساند که شما درراه استقرار صلح وعمل بشر دوستانه جمعیت ما کارشکنی می کنید ولی ما بکار خود که بنفع میهن ما ، بنفع شماوما ، بنفع فرزندان ما و شمامی‌باشد ادامه‌خواهیم‌داد واز کوشش درراه پیکار مقدس صلح از ما نخواهیم‌ایستاد ما درمقابل هراقدامی که بر خلاف قانون از

از تقی زاده عاقد قرارداد ۱۳۱۲

بقیه ازصفحه ۱

نه تنها ازچهار سال پیش بلکه از مدتها قبل عنوان مخالف باقرارداد نفت و انتقاد ازسیاست بریتانیا که مورد بغض فرد فردمردم کشور ما میباشدبرای عده‌ای از رجال ویاکار ماوسیله تظاهرو هوامفریبی و کسب‌وجاهت بوده است .

باید گفت نقش این قبیل رجال که همیشه مشکی از اشك بدوش مژه دارند کمتر از نقش امثال آقای تقی زاده نیست .

آقای تقی زاده نقش خود را انجام داده است .

بازیگری است که بید وفرتوت‌شده وسیمای اورا ملت ایران شناخته است .

بعد از انعقاد قرار داد ننگین و اسارت آور ۱۳۱۲ ممکن نبود نقشی مستقیماً بعهده او واگذار گردد . این سیمای منفور را ملت ایران برای همیشه از خود رانده بود تاچندی بعنوان سفیر کبیر ایران دردربار لندن وچندی نیز بعنوان نماینده رئیس مجلس سنا باقی مانده عمر خود رابسرمیبرد .

درمقابل حوادث تازه افرادی تازه نفس‌تر لازم بود افرادی که‌فقط برای دقایق ولحظات خطیر نگهداشته شده‌اند .

از روزی که‌مبارزه‌بر علیه انتخابات تهران آغاز گردید حدس زده میشد که برای انجام مقاصد پشت پرده از کارخانه قهرمان سازی ، قهرمانان جدیدی بیرون افکنده شوند . ذخیره‌های احتیاط بمیدان بریزند و این ها اختیار داشته باشند که بازیگران سابق‌را بباد انتقاد بگیرند عیوب کار آنها را برشمرند ، حتی بانها ناسزا بگویند و پس ازآن نیز مطابق نقشه معینی پیش بروند و مقدمات کاررا با زدن نعل های وارونه فراهم سازند .

ظاهرا با تشکیل جبهه ملی چهار منظور اساسی برای اخذ یك‌نتیجه اصولی تعقیب می‌شد .

۱ – درحالی که این افراد وارد صحنه مبارزات می‌شدند جنجال ها وزد وخوردهای آنها بحساب مبارزات‌اصولی برای تامین آزادی ، انتخابات گذاشته میشد .

این جنجال ها و هیاهوها باعث میگردید که افکار عمومی مشوب و از جریان مبارزات اساسی و واقعا اصولی منحرف گردد کسانی که واقعا وصمیمانه بر علیه مقاصد استعماری دولتهای امپریالیست و جهانخوار نبرد میکنند ازجنجال طلبان خودنما و خودسازدر یاکار شناخته نشوند . مردم گیج وسرگردان گردند و بالضروره‌عده‌ای ازآن‌ها که هنوزماهیت جریانات سیاسی را تشخیص نمیدهند در دامن جبهه ملی بیفتند و مبارزات موثر و واقعی مبارزین آزاده لوث گردد .

۲ – جبهه‌ملی بالفعل‌یگانه قهرمان اردوی انتخابات بقام برود و در حالی که دست بترکیب انتخابات هزار بار مفتضح‌تر ولایحات زده بشود . مبارزات انتخاباتی تهران با فتح جبهه ملی پایان یابد و این قضیه بمنزله یك تحول اصولی واساسی در اوضاع خراب کشور بقلم برود .

۳ – دولت وقت همان دولتی که دستش تا مرفق در خون آزادگان و فرزندان شرافتمند ملت ایران آغشته بود همان دولتی که‌سراسرعمرآن عبارت بود ازقانون‌شکنی ، تجاوز بحقوق مسلم واساسی ملت ایران ، تمهید توطئه برای زنجیر کردن ملت ایران و سلب تمام آزادیها ، همان دولتی که درطول عمران بزرگترین خیانت‌ها بملت ایران شد ؛ قطعی‌ترین قدمها برای تشدید اسارت خلق کشور ما برداشته شد ، در انظار عمومی تبرئه شود . چنین وانمود شود که این دولت‌تسلیم افکار عمومی مردم میباشد و درمقابل خواست مردم سپر می اندازد و بدینوسیله جنایتها و فجایع سابق آن نیز لوث شود .

٤ – درنظر مردم کشورما و در برابر افکارعمومی دنیاچنین وانمود گردد که مجلس شانزدهم یك مجلس ملی است .

یك مجلس آزاد است . دارای اقلیتی است که بصرف مبارزه و بانیروی ملت ایران بمجلس راه‌یافته نه تصمیات آن قانونی است و مصوبات آن خدشه‌بردار نیست .

٥ – و در نتیجه ، پس از فراهم شدن مقدمات مزبور، زمینه تصویب لایحه اخیر نفت و تصویب حتمی قرارداد شوم و ضدملی ۱۳۱۲ فراهم گردد و نگرانی دولت بریتانیای کبیر از این بابت مرتفع شود .

در مورد قرارداد‌مزبور بایددانست که همه وقت این امکان بوده و هست که اگر روزی‌ملت‌ایران‌خودبرسرنوشت خویش حکومت پیداکند ، می‌تواندبعلت اینکه قرارداد ۱۳۱۲ تحت شرایط مخصوصی و در زیر سرنیزه استبداد‌بسته شده و هیچگاه مورد تایید ملت ایران واقع نگردیده است ، بطلان انرا اعلام نماید . تقی‌زاده عاقد قرارداد شاید از نظر تهدید مقامات مخصوصی که ارعاب آن مورد نظر بود یك گوشه از فاجعه قرارداد را نشان داد . منظور اصلی او از عنوان کردن آن حقایق پس ازسالها سکوت محض هرچه که‌بود ، بالاخره قاطع‌ترین سند برای محکوم ساختن قرارداد بدست ملت ایران افتاد . این وزیر مالیه زمان دیکتاتوری بود که حرف‌میزد و گوشه‌ای از فاجعه‌را نشان میداد : این‌همان «آلت فعل» بود که بوسیله او فجیع‌ترین عملیات در مورد ملت ایران اعمال گردید . این کسی‌بود که بپاس گذراندن قرارداد سالها در کوچه لندن بافراغت‌خاطر سنت سفیر کبیری داشت و چون بایران بازگشت سرانجام دررأس مجلس‌سنا قرار گرفت .

قرارداد ۱۳۱۲ بمنزله‌خون سیاوش بود که در هر موقع امکان بجوش‌آمدن آن میرفت مگر اینکه این‌قرارداد‌بطور ضمنی بتصویب مجلس برسد که پدرملت دربین نمایندگان آن‌قرارداد و مبارزین جبهه ملی نیز مانند سد سکندر ریزاموون آن را گرفته‌اند . نقشه‌ای که‌طرح گردید چنین بود :

در اواخر مجلس پانزدهم که بزرگترین قدمها را در راه‌تضییع حقوق اساسی ملت ایران برداشت لایحه‌الحاقی نفت تهیه و تدوین‌شد . این‌طرح‌میبایست مانند گوی پیدان‌مجلس پانزدهم‌افکنده شودولی‌تصویب آن‌بوسیله‌مجلس‌مزوربازاز هم محلی برای اعتراض‌ملت ایران باقی میگذاشت زیرا این مجلس مخصوصا در اواخر عمر خود ثابت کرد که بهیچوجه بستگی با منافع ملت ایران ندارد بلکه آلت فعل برنده‌تری است دردست‌دشمنان خارجی و داخلی ملت ایران . باینجهت «قهرمانانی» مجاز شدند که‌قدم بمیدان مخالفت بر علیه آن بگذارند و «تا پای جان» در مقابل آن مقاومت کنندو آنرا برای یك مجلس‌دموکراتیك‌تری ذخیره نگهدارند .

این قهرمانان نیز پیداشدند ؛ بآنها مجال‌داده‌شد که‌دوسه جلسه آخرعمرمجلس را با نطقهای غرا و مطمئن خود بگیرند تا وقت مجلس بپایان رسد .

همین کار راهم کردند و مجلس مستبد که‌در قبال ملت ایران و آنچا که پای حقوق ملت ایران بود با مستبدانه‌ترین وضعی پای برسر این حقوق می گذاشت ناگهان دراین مورد قلب ماهیت میباشد و درمقابل خواست مردم سپر می اندازد و بدینوسیله جنایتها و فجایع سابق آن نیز لوث شود .

٤ – درنظر مردم کشورما و در برابر افکارعمومی دنیاچنین وانمود گردد که مجلس شانزدهم یك مجلس ملی است .

یك مجلس آزاد است . دارای اقلیتی است که بصرف مبارزه و بانیروی ملت ایران بمجلس راه‌یافته نه تصمیات آن قانونی است و مصوبات آن خدشه‌بردار نیست .

٥ – و در نتیجه ، پس از فراهم شدن مقدمات مزبور، زمینه تصویب لایحه اخیر نفت و تصویب حتمی قرارداد شوم و ضدملی ۱۳۱۲ فراهم گردد و نگرانی دولت بریتانیای کبیر از این بابت مرتفع شود .

در مورد قرارداد‌مزبور بایددانست که همه وقت این امکان بوده و هست که اگر روزی‌ملت‌ایران‌خودبرسرنوشت خویش حکومت پیداکند ، می‌تواندبعلت اینکه قرارداد ۱۳۱۲ تحت شرایط مخصوصی و در زیر سرنیزه استبداد‌بسته شده و هیچگاه مورد تایید ملت ایران واقع نگردیده است ، بطلان انرا اعلام نماید . تقی‌زاده عاقد قرارداد شاید از نظر تهدید مقامات مخصوصی که ارعاب آن مورد نظر بود یك گوشه از فاجعه قرارداد را نشان داد . منظور اصلی او از عنوان کردن آن حقایق پس ازسالها سکوت محض هرچه که‌بود ، بالاخره قاطع‌ترین سند برای محکوم ساختن قرارداد بدست ملت ایران افتاد . این وزیر مالیه زمان دیکتاتوری بود که حرف‌میزد و گوشه‌ای از فاجعه‌را نشان میداد : این‌همان «آلت فعل» بود که بوسیله او فجیع‌ترین عملیات در مورد ملت ایران اعمال گردید . این کسی‌بود که بپاس گذراندن قرارداد سالها در کوچه لندن بافراغت‌خاطر سنت سفیر کبیری داشت و چون بایران بازگشت سرانجام دررأس مجلس‌سنا قرار گرفت .

قرارداد ۱۳۱۲ بمنزله‌خون سیاوش بود که در هر موقع امکان بجوش‌آمدن آن میرفت مگر اینکه این‌قرارداد‌بطور ضمنی بتصویب مجلس برسد که پدرملت دربین نمایندگان آن‌قرارداد و مبارزین جبهه ملی نیز مانند سد سکندر ریزاموون آن را گرفته‌اند . نقشه‌ای که‌طرح گردید چنین بود :

در اواخر مجلس پانزدهم که بزرگترین قدمها را در راه‌تضییع حقوق اساسی ملت ایران برداشت لایحه‌الحاقی نفت تهیه و تدوین‌شد . این‌طرح‌میبایست مانند گوی پیدان‌مجلس پانزدهم‌افکنده شودولی‌تصویب آن‌بوسیله‌مجلس‌مزوربازاز هم محلی برای اعتراض‌ملت ایران باقی میگذاشت زیرا این مجلس مخصوصا در اواخر عمر خود ثابت کرد که بهیچوجه بستگی با منافع ملت ایران ندارد بلکه

کارگردانان کنفرانس اقتصادی

بقیه ازصفحه ۲

در کراچی آغاز گردید و پایان یافت کوچکترین اثری دربهبود وضع بریتان اقتصادی کشورهای اسلامی از خود باقی نگذاشت ، این دیگر حساب ساده‌ایست که‌هیئتهای حاکمه کشورهای خاورمیانه، بخلاف افکار واحساسات عمومی در اثر فشارسیاستهای استعماری‌تحمیل گردیده‌اند ودر نتیجه کنفرانس اقتصادی نیز که از اجتماع نمایندگان این حکومتها فراهم آمده باشد جز در راه تثبیت وتسجیل‌نفوذ استعماری قدمی نمیتواند بر داشت‌اینندها را حتی از خلال سخن رادیهای تشریفاتی که در جلسات عمومی‌ایراد می گردیدمی توان جست ، اما شاید هیچیك ازشرکت کنندگان در کنفرانس ، مثل غلام محمد خان وزیر دارائی پاکستان وکار گردان «اتحادیه اسلامی اقتصادی» نتوانسته باشند، ف تشکیل‌این‌اجتماع را بی‌پرده ودرمیان گذارند وبصراحت ، مقاصدپنهانی درامطرح سازند .

رئیس هیت نمایندگی پاکستان ،در جلسه روز شنبه گذشته ضمن نطق خود چنین گفت :

«ملل‌ماسالهاست که‌انتظار کشیده‌اند و به نامیدیها بر خورد کرده‌اند .

آنها بردبارند ولی فکر آنها دارد بطرفهای دیگر جلب‌میشود

افکار دیگر ممکن است نامناسب و غیر کابل باشد ولی چون از وضعیت داخلی نا امید میشوند تعجب‌آور نیست که توجه آنها بسوی خارج کشانده شود وحاضر بامتحان افکار خارجی باشند ، زمان می گذرد وناخیرخطری بارمی‌آورد که شاید زودتر از آنچه ماتصور میکنیم منتهی‌به بدبختی ومصیبت گردد ... »

هیچ چیز گویا تراز این کلمات نمی تواند اضطراب وتشویش استعمار رااز بیداری ملل شرق نمایان سازد ، وزیر دارائی پاکستان ، اعتراف می کند که تا کنون «بردباری» ملل شرق ، اووحامیان اورا آسوده خاطر می داشته است ، آنها می‌توانستند بفراغ بال خون‌میلیونهامردم رابمکند ، از منابع بیحد وحصر ثروت خاورمیانه ، وحشیانه استثمار کنند وصاحبان واقعی آنمنابع را بخاك سیاه بنشانند، تنهاامروز که‌شرق درزیرضربات ولطمات قرنها بهوش می آید و بجنبش بر میخیزد تا غبار رخوت و ضعف‌را از رخسار بشوید وبحفظ حقوق انسانی خویش پای فشارد ، تنها امروز است که وزیر دارائی پاکستان ، طوطی صفت جملیات و افتراات حامیان خویشرا تکرار کند و کوشش بیشائبه‌خلق را در راه‌آزادی، بحساب «جلب‌توجه بطرفهای دیگر» و «امتحان افکار خارجی» می گذارد ، وزیر دارائی پاکستان موقع است که‌تا کنیا بریاست رنج کار کشمیری ، کارگر آبادانی، جوبان هزائی وتوتون‌کارترك جان میکنند و مثل گاو شیرده ، شیر خود را بسکان درگاه استعمار نیاز نمایند و اگر بحکم تاریخ و کوشش مداوم بشر تجدیدة قیود زنگ‌زده اسارت ، سستی گیرد ودرهم‌فرو ریزد ، آنگاهست که فریاد برمی‌آوردو ازخطر «امتحان‌افکار خارجی» هشدارمی گوید!

وزیردارائی پاکستان که‌باقیون‌خانه‌نشین کن استعمار خانه گیر معتاد است ، زیرا جزاین زهر کشنده ، در «افکار خارجی» بحساب میآورد و هر کوششی که در راه بهبروزی ملل اسیر شرق بکار رود بجناق تکفیر درهم‌می کوبد، معلوم است که این عملهٔ استعمار از کجا این جرأت را فراهم آورده‌اند تا تنها خودرا حامی و مدافع استقلال ، شئون ملی ؛ افتخارات‌وطنی ... و ازیتقبیل ناوین بحساب آورند و دهان هر کس را که کله‌ای بخلاف‌شهوات بیحساب ایشان و اربابان ایشان گوید باشت «فشارعقیده» «داشتن افکارخارجی» «ماجراجوئی» «وطن‌فروشی» و ازاینگونه ترهات درهم‌شکنند ؟!

وزیر دارائی پاکستان ، سپس برای جلوگیری از «خطر» بزعم خود درمقام «چاره‌جوئی» بر می آید و چنین می گوید :

« ما باید کاملا روشن باشیم که منظور از این سازمان اقتصادی اسلامی تشویق و تقویت سرمایه‌های بکار افتاده نیست بلکه بالابردن سطح زندگی توده‌هاست ... »

اما با آنچه که آقای وزیردارائی در مقدمه گفته‌اند مشکل بتوان کسی را جست که مدعای ، اخیر ایشانرا بباور نماید . کسانی که خود اعتراف می‌کنند «بردباری» مردم اسیرایشانرا آسوده‌خاطر داشته واکنون که آثار بیداری وهوشیاری را آشکار می‌بینند ناجوانمردانه‌باجن‌مال کردن تمنیات مردم بر میخزند و « زنك خطر » را بصدا درمی‌آورند چگونه می‌توانند جز در راه ارضاء شهوات سوداگران و چپاولچیان گام بردارند ، چگونه می‌توانند جزدراستحکام زنجیرها جز در دوام‌سیه‌روزی توده‌های محروم بکوشند ، چگونه می توانند در بالا بردن سطح‌زندگی توده‌ها ، این قربانیان راه امیال‌پست‌خویش‌بذل‌جهد کنند؟

وزیر دارائی پاکستان ، هنوز از وعدهٔ دروغین خویش در « بالا بردن زندگی توده‌ها » نپرداخته بسار دیگر فیل‌وار بیاد هندوستان‌می‌افتد و او راه مخصوص درگاه استعمار را که‌قرنهاست نشخوار بندگان آست ، زمزمه میکند : « سطح مادی زندگی فقط یکی‌ازعوامل زندگی انسانست و میتوان آنرا بالا برد و اصلاح کرد بدون اینکه یك هدف معنوی آنرا تقویت کند و بآن روح بخشد . انسان فقط به نان زنده نیست ! »

اینست طرز تفکر کسانی که « کنفرانس‌اقتصادی» برپاکرده‌وبادعای خود در مقام تهیه نان برای ملل اسلامی برآمده‌اند ، دیگر شاید ساده‌ترین مردم شرق مفهوم « معنویات » را در قاموس استعمار و خدمه وی می دانند ، اسیر افکار خرابی بودن ، بسموم عقایده‌پوسیده تعبدیر شدن ، دل بر تعبیلات واهی بستن ، دیده از دنیای نو فرو دوختن و در بند تعلقات دنیای عتیق تنیدن ، ستم دیدن و بردباری کردن ... اینهاست آنچه بعنوان « معنویات » اصطلاح میشوند، اماگویا حتی‌خود آقای سخنران محترم نیز بر بیشتری بودن این ترهات اعتراف کرده اند واگر همکاران خود رااز خطر « افکار خارجی»میترساند یا آه و حسرت از پایان یافتن دوران «بردباری» ملل شرق یاد می کنند تودار اختتام عصر « معنویات » ایشان وحامیان ایشانست ، تنها با بهبودی نان مردم،تنها با تغییر اساسی شرایط‌اقتصادی است که میتوان از معنویات بمفهوم‌حقیقی و انسانی آن ، از فرهنك ،هنر، ادب ، اخلاق‌وهمه مظاهر و تحقیقات پاك‌فکر انسانی بهره ور گردید و بیان اجتماعی برومند وشایسته را فراهم‌آورد و این همان چیزی است که ملل بیدارشده شرق درراه آن میکوشند و در قاموس وزیر دارائی پاکستان ، بنام «افکار خارجی» اصطلاح شده است ! سخنران ، در پایان گفتار ، ببهبودی وضع استخدام رادر کشورهای اسلامی،شرط بهروزی‌اقتصادی محسوب داشته اندتاستخدمین پاکدامن‌و درستکار مورد تشویق و ترغیب قرار گیرندو خدمتگزاران فاسد و نادرست‌از کاربر کنار شوند ، اگرآقای‌وزیردارائی پاکستان دراینندعا حسن نیت داشته‌باشند بایستی بایشان یاد آور گردید که در اینصورت ،در دستگاه اداری کشور های اسلامی ، دیگر جائی برای عملهٔ‌استعمار باقی نخواهدماند .

در اینصورت دریك کنفرانس‌واقعی کشورهای اسلامی ، بجای ایشان یك بافنده لاهوری داد سخن خواهند داد و در عوض‌مستمعین ایشان ،نمایندگان‌واقعی مردم ،چاپکار جاده ای ، ملاح عرب ، دهقان آذربایجانی و معدنچی موصلی بگفتار گوینده ، گوش فرا خواهدداشت و این تنها در شأن ملتهای محروم‌غارت زمین است تا بکوشش‌بی گیر خویش ، بساط فاسد اداری و اجتماعی را در هم فرو بزند ودستگاهی‌متناسب‌بانیازمندیها وآرزوهای‌خویش‌فراهم‌آورند.

وزیر دارائی پاکستان این شعار را هم‌داده است :

«باید بعمله بردازیم و رویه دفاع ونا امیدی راکنار بگذاریم.»

اما بانهایت تاسف «برای ایشان و همکارانشان » بایستی یاد آور گردید که دوران تاخت و تاز دستگاههائی که ایشان منتسب باآنند پایان پذیرفته‌است ، «نا امیدی» نقشی است که فرمان تاریخ واراده‌ملل اسیر برپاشانی رژیم زوال یابنده‌ایشان منقوش داشته‌است و دراینصورت گمان نمیرود که باحساب‌سرائی وسخن پردازی بتوان درمقام علاج برآمد وبافرمان (حمله) ، از زوال قطعی و حتمی‌جلوگیری کرد، این فرمان نسخ نا پذیر ملل است که حملات رهائی بخش خویش را آغاز کرده‌اند،حملاتی که‌بیشك متضمن رستگاری وامحاء ایادی عوامل سیهروزی خواهدبود.

رای اعتماد بدولت رزم آرا

بقیه ازصفحه ۱

آمده وبه نتیجه رسیده است زیرادراین نطق موافقت ضمنی با سیاست داخلی و خارجی دولت بعمل آمد ونه تنها تصویب لایحه اختیارات انجمن‌های ایالتی مورد توصیه قرار گرفت بلکه از خاتمه یافتن کار نفت جنوب بدست دولت رزم آرا صحبت شده .

این رای اعتماد و پشتیبانی ناگهانی از کابینه‌مخصوصا موقعی که استیضاح‌های مربوط به‌نفت مطرح است وامکان طرح موضوع قرار داد الحاقی پس از پایان این استیضاح هادر دستور روزقرار دارد بسیار جلب توجه میکند . هم اکنون صحبت ازاین است که باید تکلیف‌نفت معلوم شود و موضوع از صورت ابهام بیرون آید .

بدون‌تردید منظور از معلوم شدن تکلیف نفت تامین منافع شرکت نفت است واکنون که دولت مواضع‌خود رابا پشتیبانی مقامات استعماری بریتانیا و شرکت نفت مستحکم کرده است‌مهیاست تا مانور های بعدی‌راانجام دهد وسیاستی برپایه نظریات عمومی استعمار انگلستان پایه‌ریزی‌شود .

جالب توجه است که رای اعتماد درست مقارن بیرون راندن دکتر مصدراز کابینه صورت گرفته وصحبت ازاین‌است که پس‌ازپایان تمام استیضاح ها ضمن ترمیمی که صورت میگیرد و بقایای باند دکتر مصدر یعنی‌وزیر اقتصادملی‌ووزرای فرهنك وبهداری هم‌تغییر کنند . ازاینجا روشن میشود که وضع کابینه فعلی برای انجام مانور های خالص انگلیسی مساعد شده است .

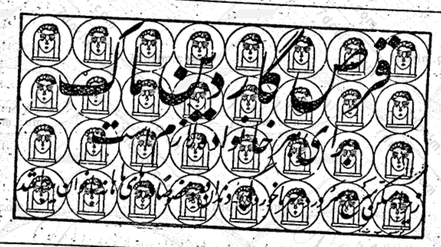

دکتر کهن

پزشك نیاریهای درونی – کودکان وآمیزشی صبح ها از ساعت ۸ الی ظهر وبعد از ظهرها از ساعت ٥ تا ۸ درمطب سه راه سیروس وبقیه ساعات در منزل واقع درمیدان ۲٤– اسفند ازبیماران پذیرائی مینماید ۲–۳

جوراب اورانوس

فقط یك جفت جوراب اورانوس تهیه نمائید

تامزیت آن از هرحیث برشما معلوم گردد

دقت فرمائید جورابهای اورانوس دارای علامت ستاره میباشد

عمده فروشی بازار دالان‌ماهو تفروشها

جزئی فروشی مغازه های معتبر

آژانس مترو

آیندگان

دوشنبه‌ها منتشر میشود .

آنرابخوانید

گردانندگان سیاست نفت بوجود نیامده وآنچه مطمح نظر آن‌میباشد منافع ملت ایران است . ودرغیر اینصورت بایددید که‌ازآقای تقی‌زاده عاقدقرارداد ۱۳۱۲ ناچیده ملی آقای دکتر مصدق بتصویب رسانیدگان این قرار داد در مجلس «دموکراتیك» شانزدهم چقدرفاصله‌است

صاحب امتیاز ش انور

محل اداره

طهران خیابان بوذرجمهری سه‌راه سیروس

بهای اشتراك

یکساله	۱۳۰	ریال
ششماهه	۷۰	ریال

مقالات وارده مسترد نمیشود واداره در اصلاح و درج آن‌مختاراست

بهای آگهی بادقراراداره است .

چاپ سینا

کتیبه

• اتوکارهای کشور تور همه روزه به چالوس – شهسوار – رامسر وسمنان لاهیجان – آمل – بابل – قم – اراك – ملایر – بروجرد – خرم‌آباد حرکت مینماید .

نشانی کشور تور پشت بانك شاهی – کاراژ سرچشمه رو بروی مسجد میرزا

جهانگرد

بهترین وسیله ایست که با اتوکارهای لوکس وآخرین سیستم در اسرع اوقات شمارا بمقصد میرساند

از تخفیف بهای بلیط های آن استفاده فرمائید .

اصفهان وشیراز — همه روز صبح وعصر

مشهد — همه روز

قم و معلات — همه روز

جهانگرد مرکز میدان بهارستان تلفن ۷۲۸۵

جهانگرد شعبه بازار خیابان بوذرجمهری تلفن ۵۹۹۲ ش ۲۰

با اتوکارهای تك‌صندلی و مبلی شرکت‌سهامی لوان‌بور که تخفیف درکرایه آن منظور گردیده به تمام خطوط کشور مسافرت کنید برای تهیه‌بلیط‌در تهران‌به شرکت سهامی لوان تور یا بنگاه وی بسرویس مخصوص شرکت واقع در خیابان ناصر خسرو تلفن ٤٤٦٦ و در تمام شهرستانها به نمایندگان این‌شرکت مراجعه فرمائید .

رشت	همه‌روز
اصفهان	«
شیراز	«
تبریز	یکشنبه سه شنبه ـ پنجشنبه
مشهد	همه‌روز
رضائیه	سه‌شنبه پنجشنبه

برای تهیه بلیط به شرکت خیابان شاه رضا نبش چهارراه یوسف آباد و باشعبات آن مراجعه فرمائید تلفن ٥١٢٣

با قرص ترك تریاك و تیاتینه ویرا که با آخرین اسلوب فنی تهیه شده است بدون هیچگونه عارضه کسالتی ترياك را ترك کنید .

خورش

نیمروز

شماره ۴۰ — ۲۷ مهرماه ۱۳۲۹ — تکشماره سه ریال

جنبش صلح

بقیه ازصفحه ۱

به شخصیت اعضاء جمعیت و حتی هیئت مدیرهٔ آن و اسامی امضا کنندگان ذیل بیانیهٔ استکهلم بیافکنیم این حقیقت بعمومی روشن خواهد شد که هیچ منطق عقلی نمیتواند چنین افرادی را منتسب ومربوط به حزب تودهٔ ایران بداند.

همه میدانند که بیانیه صلح استکهلم که متاسفانه آقای دادستان ارتش از آن با لحن خصومت آمیزی نام میبرند مورد تایید وامضاء قاطبهٔ افراد فهیم وروشنفکر ایران قرار گرفته وتا کنون طبق اعلامیه های انجمن ایرانی طرفدار صلح باوجود کار شکنی ها و تضییقات مقامات دولتی قریب دویست هزار نفر از مردم ایران آنرا امضا کرده‌اند. آیا آقای دادستان ارتش راجع به این دویست هزار نفر چه میگویند؟ آیا همه را اعضاء حزب تودهٔ ایران میدانند و طبق قانون مجازات مقدمین علیه امنیت کشور تعقیب میکنند؟ آقای دادستان ارتش در بیانیه صلح استکهلم چه دیده‌اند که امنیت کشور ما را تهدید کند؟ آیا تحریم اسلحه اتمی امنیت ایران را مورد تهدید قرار میدهد؟ آیا مردم ایران طرفدار استعمال اسلحه اتمی وخرابی شهرها و دهات میهن ما هستند؟

برقراری کنترل بین المللی بر اسلحه اتمی وجلوگیری شدن دولتی که در استعمال اسلحه اتمی پیشدستی کرده است چگونه میتواند به زیان و ضرر کشور ما باشد وچگونه میتواند مغایر با «امنیت کشور قلمداد شود؟

آیا افرادی از قبیل آقایان سید ابوالقاسم کاشانی، سیدضیاءالدین طباطبائی سردار فاخر حکمت، سرلشکر شفائی، دکتر مصدق، جاری دادستان کل پیدا و را میتوان مربوط بحزب تودهٔ ایران دانست و یا جرم و فریب خوردگان» تصور نمود؟

آیا همهٔ این ادعاها مضحکه و خنده آور نیست واسباب آبروریزی تنظیم کنندگان اعلامیه نخواهد شد؟

روشن ترین دلیل بر سوء انعکاس اعلامیه دادستان ارتش این است که علاوه برمواجه شدن با تنفر افکار عمومی هیچ روزنامه‌ای حاضر نشد آنقدر تنزل یابد تا از آن پشتیبانی کند بلکه حتی جرایدی که در مسائل دیگر سیاست دولت را تایید میکنند زبان به انتقاد از این اعلامیه گشودند آنرا برخلاف حقوق بشر و آزادی های دموکراسی دانستند ومعصومانه ارتباط ادعائی فعالیت درراه صلح را دخدمت نسبت به امنیت کشور» مورد تمسخر واستهزاء قرار دادند.

بدون تردید میتوان گفت که انتشار چنین اعلامیه‌ای از طرف دادستانی ارتش تادرجه زیادی این دستگاه را بی اعتبار نمود وبه همه کس نمایاند که قوانین ایران بدست چه کسانی مورد اجرا قرار امی گیرد وچگونه بعضی ها میخواهند از کوچکترین وسیله ای برای تشدید اسارت و بردگی ملت ایران ومحو کامل آخرین بقایای آزادی سوءاستفاده نمایند.

بنظر ما اعلامیه دادستان ارتش نه صحیح ونه قابل اجراست؟

چگونه می‌توان از حق ملتی برای ابراز علاقه نسبت به صلح جلو گیری کرد؟

چگونه میتوان دویست هزار نفر که نامشان ذیل بیانیه صلح موشح شده است بزندان انداخت ویا تهدید کرد؟

چگونه میتوان صلح طلبی را مخالف با امنیت کشور وطرفداری از جنگ را موافق با آن دانست؟

دولت آقای رزم آرا لازم است بدین حقایق توجه کند واین اعلامیه بی اساس را پس بگیرد وآزادی فعالیت ملت ایران در راه صلح را اعلام دارد.

همانطور که در جلسهٔ مجلس نیز گفته شد، اعلامیه دادستان ارتش همهٔ دوستداران آزادی را متوجه یک خطر بزرگ نمود و نشان داد در صورتیکه بعضی مقامات هوس کنند استنکاف نمایند از اینکه برای فشار به ملت ومحو کامل دموکراسی بیهوده ترین ادعاها را بعنوان «منطق» و «قانون» جا بزنند ومردم ایران را سرکوب نمایند.

اعلامیهٔ مزبور بخوبی نشان می‌دهد که دستگاه دادرسی ارتش برای عهده‌دار شدن اجرای قوانین سیاسی هیچ وجه صلاحیت ندارد. تصمیم کمیسیون دادگستری مجلس دوره پانزدهم راجع به اعطاء صلاحیت بدادرسی ارتش قانونی آزمایشی بوده است. اکنون آزمایش یکسال ونیم اخیر به ثبوت رسانده است که باید صلاحیت دخالت در اجرای قوانین سیاسی را از دادرسی ارتش گرفت وبه محاکم صالحه دادگستری سپرد. لازم است مجلس در این باره تصمیم بگیرد و راضی نشود که گروه زیادی از افراد مختلف المسلک حتی رئیس مجلس ونمایندگان آن باستناد این قبیل قوانین قابل تعقیب تشخیص داده شوند.

ما به تصمیم ضد قانونی تعقیب طرفداران صلح اعتراض میکنیم و از دولت میخواهیم که فورا دادرسی ارتش را متوجه عمل اشتباه آمیز خود نماید واعلامیه آقای دادستان ارتش بلااثر اعلام گردد.

ما اطمینان داریم که ملت ایران کوشش خود را در راه صلح بهیچ قیمتی ترک نخواهد کرد و دوش بدوش همه ملت های جهان در این راه خیر که متضمن سعادت وخوشبختی کلیه بشریت است گام های محکم برخواهد داشت.

گفتارها و کردارها در باره

بقیه ازصفحه ۱

زیرا که آقای بالوخ ازمفهوم کنترل «استقرار یک کارتل بین المللی امریکائی بر سرتاسر منابع انرژی آتمیک جهان» را استنباط میکرد.

ولی وقوع حادثه‌ئی در لیک ساکسس تبلیغات ضد شوروی وضد صلح را دچار مشکل عجیبی کرد. زیرا درست درهمان روزها عده‌ئی از طرف انجمن هوا داران صلح ایالت مریلند امریکا «انکتی مرکب ازچهار سئوال برای باکوب مالیک نماینده دائمی اتحاد شوروی درسازمان ملل متفق فرستادند مفهوم سؤالات چنین بود:

۱ـ آیا دولت شما قول میدهد که در استعمال سلاح اتمی پیشقدم نشود؟

۲ ـ آیا دولت شما حاضر است یک کنترل بین المللی موثر بر تولیدات انرژی اتمی خود بپذیرد؟

۳ ـ آیا شما ملاقات سران دو کشور را برای حل اختلافات فیمابین را ممکن میدانید؟

۴ ـ آیا دولت شما حاضر است مبادله آزادانه اطلاعات و اخبار را بپذیرد؟

پاسخ نماینده شوروی بهر چهار پرسش فوق مثبت بود. اثر روحی پاسخ موافق مالیک در افکار عمومی جهانی ومخصوصا امریکا بقدری زیاد بود که سخنگوی رسمی وزارت امور خارجه امریکا مامور رد تقاضای مردم ایالت مریلند گردید.

در اظهارات سخنگوی وزارت امور خارجه ادعا میشد که اولا در شرایط کنونی جهان، قبل از حصول «موازنه» و «ایجاد نقاط قدرت» در جهان ملاقات با سران اتحاد شوروی برای «صلح جهانی مضر است».

دوم اینکه دولت امریکا «هرگز حاضر نیست درباره مسائلی که مربوط به سرنوشت و اراده ملل دیگری است با اتحاد شوروی وارد مذاکره بشود».

وزارت امور خارجه انگلستان نیز بلافاصله به تفسیر این اظهارات پرداخت وملاقات وبحث در باره مسائل بین المللی را در شرایط کنونی غیرمناسب اعلام کرد.

عجب آن بود که بی.بی.سی حتی پس از قبول چهار شرط کمیته مریلند از طرف مالیک، به اتهامات پوچ خود درباره «سوء نیت» مقامات شوروی ادامه میداد.

انتشار بیانات کمیته صلح مریلند در میان مردم امریکا و استکاف مقامات دولتی امریکا از ملاقات باسران شوروی تاثیر بسیار بدی در افکار عمومی امریکا باقی گذاشته است.

در اظهارات وزارت امور خارجه امریکا نکته بسیار مضحکی وجود دارد که گویا دولت امریکا در باره امور و سرنوشت کشورهای دیگر هیچگونه بندو بستی نمیکند.

در صورتیکه مسافران انتشار این اظهارات سران سه کشور امریکا، فرانسه و انگلستان در نیویورک برای تعیین سرنوشت قسمت اعظم جهان سرمایه‌داری اجتماع کرده بودند و نیز هرچند ماه یکبار برای تحمیل شرایط و نظریات استعماری خود بیک یا چند ملت گروهم میآیند.

فقط حضور دو کنفرانسی که همه اعضای آن حاضر به معاملات و بندوبستهای امپریالیستی نیستند و بعضی از آنها میکنند سد راه مطامع استعماری باشند، برای رئیس جمهور امریکا غیر مقدور است.

ملاقاتهای افکار عمومی امریکا بجهت حل اختلافات با اتحاد شوروی بحدی زیاد است که در جریان انتخابات سال ۱۹۴۸ ترومن با وعده حل اختلافات با اتحاد شوروی وارد عرصه مبارزات انتخاباتی شد و موفق گردید.

اکنون رقیب انتخاباتی ژنرال ژوله استاسن لیدر حزب جمهوریخواه امریکا با ارسال نامه‌ئی خطاب به ژنرالیسمو ستالین داعی به آمادگی جهت مذاکرات مستقیم با مشارالیه وارد صحنه مبارزه انتخابات فرعی کنگره شده است.

در برابر میل ورغبت افکار عمومی امریکا، آقای آچسن سیاست قدرت و زور ودیپلماسی تنوقال خودرا در پیش می‌کشد ومیگوید که فقط پس از حصول قدرت باندازهٔ کافی میتوان باسران اتحاد شوروی بزسر یک میز کنفرانس گرد آمد.

...

گردانندگان چرخ سیاست خارجی امریکا، درحالیکه پیشنهادهای صریح صلحی راکه حتی از جانب خود ملت امریکا پیشنهاد شده، عقب میزنند، در سازمان ملل متفق بایشکار واصرار مجیبی، مشغول اجرای نقشه‌هائی جهت تخریب باز هم بیشتر پایه‌های سازمان ملل متفق هستند.

قطعنامه امریکایی دائر به تجدید صلاحیت و اختیارات شورای امنیت، و احاله قدرت بمجمع عمومی نشانه بارزی ازاین سیاست است.

آقای آچسن میخواهد که با یکبار انداختن ماشین رای فرمانبردار مجمع عمومی درموقع مقتضی، مسئله اساسی اتفاق آراء چهار کشور بزرگ را از بین ببرد.

در قطعنامه امریکا پیشنهاد شده است که در صورت وقوع «تجاوز» مجمع عمومی فاصله ۲۴ ساعت حق تشکیل جلسه داشته باشد وقوای مسلحی راکه باید بنام «سازمان ملل» و با اسلحه و مهمات آمریکا تشکیل شود برای سرکوب این «تجاوز» بکار ببندازد.

بموازات این اقدامات تجاوز در کره ادامه دارد.

مرزهای منچوری بکرات مورد تجاوز قرار میگیرد، هواپیماهای جنگی امریکائی صدکیلومتر در اعماق خاک شوروی پیش میروند و فرودگاه شوروی را بسلسل می‌بندند. وسپس در برابر اعتراض منطقی اتحاد شوروی میگویند که «هواپیماها مال سازمان ملل متفق» بوده و ربطی به امریکا ندارد.

چنین است سیاست «صاحبجوبانه» متکی بزور وقدرت که آقای آچسن علمدار وپیامبر آن شده است.

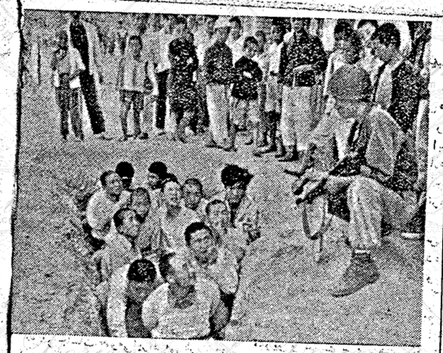

در این گودال هم «نظم» برقرار شده است، سرانجام تاریخ نشان خواهد که این چاله ها گور چه کسانی خواهد بود

خلاصه نطق آندره ویشینسکی

بقیه ازصفحه ۲

سپس ویشینسکی خاطرنشان ساخت که اتحاد جماهیر شوروی، بسازمان ملل متفق اهمیت زیادی قائل است و گشتار «ای»، و «سالین» را مشعر براینکه «اتحاد جماهیر شوروی سازمان ملل را وسیله موثری برای حفظ صلح وامنیت عمومی میشمارد» تکرار نمود.

درخاتمه نطق خود ویشینسکی اعلام کرد که: نماینده گان شوروی بدستور حکومت شوروی بمنظور تحکیم صلح و امنیت ملل و رفع خطر جنگ و اعلامیه زیرا بنظر مجمع عمومی میرساند:

طرح برای رفع خطر جنگ جدید و تحکیم صلح وامنیت ملل

یادر نظر گرفتن اینکه مهمترین مساله سازمان ملل متفق عبارت از حفظ صلح بین المللی و امنیت ملل و تحکیم تعاون وتوسعه روابط دوستانه بین ملل جهت همکاری دوجل امور بین المللی میباشد

تصمیم قطعی خودرا برای رفع خطر جنگ جدید اعلام میکنم.

اراده ملل بصلح که بصورت امضاء صدها ملیون نفر زیر بیانیه صلح ابراز شده است

و همچنین تصمیم متخذه در مجمع عمومی سال ۱۹۴۶ دائر برمنع استفاده از انرژی اتمی درمقاصد جنگی این نتیجه را که استعمال سلاح اتمی و سایر وسایل کشتار عمومی بزرگترین جنایت بر ضد بشریت محسوب شود.

باندکر اینکه جریانات موجود کره وسایر نقاط اقیانوس آرام فعالیت وادوار صلح تایید میکند هدف پنج کشور عضو اصلی شورای امنیت مسئولیت حفظ صلح بین المللی را دارد ملوم میکند که درباره امور مربوط بحفظ صلح اتحاد بیشتری داشته باشند.

درنظر گرفتن مطالب فوق بیانیه مطرح بخصوص تصمیمی آن مورد است

۱ ـ مجمع عمومی، کشورهائی که تبلیغات بر له جنگ جدید می‌کنند محکوم میکند و تمام دول را میکند در کشورهای خود از چنین تبلیغات جلوگیری شود و مسئولین تعقیب شوند.

۲ ـ مجمع عمومی استعمال اتمی را که اسلحه اعدام دسته جمعی مردم میباشد بر خلاف شرافت انسانی مغایر با بشکی داشتن به سازمان متحد بشمارد ومنع بدون شرط اتمی وبرقراری کنترل شدید بین المللی برای منع ساختن دقیق دستور منع خواهد شود تا در این باره تصمیم اتخاذ مجمع عمومی همچنین اعلام میدارد حکومتی که بر علیه کشور دیگری در استعمال اسلحه اتمی یا سایر وسایل اعدام جمعی مردم، پیشقدم باشد جنایتکار بشریت مرتکب شده است و با آن مانند یک خیانت کارجنگی رفتار خواهد شد.

۳ ـ مجمع عمومی باد رنظر گرفتن لزوم تحکیم صلح وبا استحباب مسئولین خاصی که اعضاء دائمی شورای امنیت تامین صلح جهانی بعهده دارند قرار را تصویب می کند.

الف ـ ایالات متحده امریکا، بریتانیا، فرانسه، چین، و شوروی نیروهای صلحجویانه خودرا مجتمع وبین خود قراردادی برای تحکیم صلح برقرارسازند.

ب ـ کشورهای بزرگ مدرک تسلیحات: ارتش زمینی، نیروی هوائی ازهمه نوع، نیروی دریائی، خود درعرض سال ۱۹۵۰ بقدار یک سوم موجود تقلیل دهند وتقلیل بیشتر نیروی صلح به یکی از جلسات نزدیک مجمع عمومی واگذار شود ویشینسکی خود را باد عوت مجمع برای تاسیس و تحکیم روابط متقابل بین ملل خاتمه داد.

سیاست صلح اتحاد شوروی

و دلائل و قرائن آن

اخیرا آقای ترومن وسما اعلام داشت که حتی پس از خاتمه جنگ در کره امریکا تغییری در سیاست ازدیاد تسلیحات و تجهیزات خود نخواهد داد و مبلغی که برای ازدیاد تسلیحات سال ۱۹۵۰ پیش بینی شده بود از ۳۶۰ ملیون دلار نیز تجاوز خواهد کرد.

این اظهارات فقط شامل خود اتا ـ رونی نیست بلکه صدور مجانی اسلحه و مهمات بعنوان کمک نظامی آتلانتیک و تبدیل اعتبارات نقشه مارشال باعتبارات نظامی صرف نیز مشمول آن می‌شود.

یکی از سران نیروی هوائی امریکا چند روز پیش اظهار کرد که امریکا اکنون دارای چهارصد و پنجاه بمب اتمی است و فقط چند ساعت پس از آغاز جنگ می‌تواند چندتا از آن‌ها را بر مراکز حساس دشمن بریزد.

تقاضای وامها و اعتبارات نظامی (ازداخل و خارج) از امریکا ادامه دارد.

دولت فرانسه برای مبارزه با ملت ویت نام مبلغ هفتصد میلیون دلار اعتبار اضافی طلب می کند و همه این تقاضا ها در چارچوبه «سیاست قدرت» مشهور امریکا قرار دارد.

دربرابر این هیستری لجام گسیخته جنگ طلبانه روش اتحاد شوروی گفتار ها و کردار های سران دولتی آن اهمیت و برجستگی خاصی پیدا می کند. تمام کوشش دشمنان جانی رژیم شوروی هم نمیتوانسته از اهمیت و ارزش واقعیت صلحدوستی آن کشور در برابر انظار مردم هادی جهان بکاهد.

نظری به جنجالها و اظهارات آمیخته بوحشت سران کشورهای غربی با وجود اتکاء بر «ذخائر بمب اتمی» و عظیمترین پتانسیل صنعتی و مسابقه دیوانه وار تسلیحاتی آنان ابهت و شکفتی روش اتحاد شوروی واستحکام وقدرت اعصاب زمامداران آن کشور را آشکار تر می سازد. با آنکه در شبانه روز بیش از صد بار در گفتارها، مقالات، مصاحبه ها، اظهارات رسمی وغیر رسمی محافل باخبری بصراحت گفته می‌شود که اولین هدف

بقیه درصفحه ۲

دولت رزم آرا در برابر

مسائل مهم سیاست داخلی و خارجی

اخذ رای اعتماد ۹۷ نفری درمجلس از طرف دولت بدون دلیل نبود. هم اکنون مسائل مهمی چه از لحاظ سیاست داخلی و چه از جهت سیاست خارجی در دستور روز قرار گرفته و روش دولت رزم آرا نسبت به تمام این مسائل متاسفانه برخلاف منافع ملت ایران و درست در جهت موافق افکار ونظریات سیاست‌های متفاوت داخلی و خارجی است که از این دولت تقویت کرده و برایش رای اعتماد ۹۷ نفری فراهم ساخته الله. اکنون مختصراً این مسائل را طرح کنیم.

۱ ـ موضوع تغییر قانون اساسی

پس از تشکیل و افتتاح مجلسین سنا و شورای در بهمن ماه سال گذشته، توصیه مجلس باصطلاح مؤسسان که دو مجلس سنا و شورای را قبل از قانون گزاری به تشکیل یک جلسه مشترک و تغییر موادی از قانون اساسی مجبور می‌ساخت اصل ۴۹ ملزم ساخته بود در اثر مخالفت های داخلی و خارجی انجام نشد وموضوع برای ۷ ماه مسکوت ماند.

در نطق افتتاحیه مجلس سنا در ۱۵ مهرماه از مجلس سنا تقاضا شد که توصیه مجلس باصطلاح مؤسسان را انجام دهد و قانون اساسی را «تکمیل» بنماید.

مجلس سنا نیز نامهٔ جوابیه‌ای نوشت و در آن تذکر داد که می‌بایستی جلسه مشترک سنا و شوری از طرف دولت دعوت شود تا در این باره تصمیم اتخاذ شود.

این نامهٔ جوابیه در حقیقت نشانه یک بند و بست عمیق برای تغییر مجدد قانون اساسی بود زیرا مسئله دعوت از طرف دولت تاکنون هیچ جا عنوان نشده و جز یک «ارائه طریق» از طرف رئیس مجلس سنا چیز دیگری تغییر نکرده.

پس از این نامهٔ جوابیه بود که در

بقیه درصفحه ۲

ارزیابی مبارزه ملت کره در

نبرد باتجاوز گران امریکائی

مبارزه درخشان و سر سخت مردم کره با امپریالیستهای وحشت زده وهار تا کنون بسیاری از چشمهای نابینا را گشود.

بسیاری از جهانیان میکوشند چنین وانمود کنند که درمبارزه میان صلح جنگ و انسان وضد انسان درنبرد میان نیکی وبدی کره و بمب، خانه و تانک «یطرف هستند کاری باین کارهانه دارند، باسایش زندگی ناچیز خود چسبیده اند و ازاین «کشمکش» ها بر کنارند نبرد کره، هجوم افسار گسیخته و دیوانه وار جنگ طلبان بسردم بی چیز و بینا شده، قرو ریختن روزی هشتصد تا نهصد تن بمب بر شهر های بیدفاع و هزار و چند بار بباران یک شهر در مدت دو روز، بسیاری از وجدانهای خفته را بیدار کرد.

بقیه درصفحه ۸

عکس از نقاش معروف آمریکائی (گرابر) درمجله آمریکائی (ماس‌اینده‌نیشرام)

نکاتی چند راجع به استیضاح

نفت

ملت ایران خواستار القاء بدون قید وشرط

امتیازنامه وقرارداد نفت است

«دولتهائی که سرکار آمده‌اند همیشه با دسته بندیهای مختلفی کار میکرده‌اند که تنها عامل مشترک بین آنها تامین منافع شرکت نفت علی رغم حقوق ملت ایران بوده‌است.»

ما از این بیان آقای مکی در باره بیانات دیگر ایشان ورفقای ایشان اتخاذ ضد میکنیم.

بقیه درصفحه ۲

طرح اصلاح قانون حکومت

نظامی ناقص است

درجلسه علنی روز سه‌شنبه هفته گذشته مجلس شوری، طرحی از طرف نوزده نفر ازنمایندگان مجلس واز جمله اعضاء «جبهه ملی» درباره حکومت نظامی بقید یکفوریت تقدیم مجلس شوری گردید که بموجب آن:

بقیه درصفحه ۷

محاکمه رهبران واعضاء

حزب توده در دیوان جنائی تهران

پس از لغو حکومت نظامی در مرداد ماه ۱۳۲۸، سیزده نفر محکومین دادگاه یکم و شش نفر محکومین دادگاه دوم حکومت نظامی بدادستان استیناف تهران شکایت کردند که حکم محکمه تجدید نظر بی حضور آنان و در جلسه اداری، بی نشریفات محاکمه نوشته شده و چون با لغو حکومت نظامی دادگاه نظامی از میان رفته باید در دیوان جنائی تجدید محاکمه بعمل آید، این

بقیه درصفحه ۷

همه چیز در خدمت خلق
سی سالگی سینمای شوروی
ص ۴

اطلاعات دریکربع قرن

قرنهاست ملت ایران دچار ظلم وستم صاحبان قدرت است «طبقه» حکمروا در جنب غل و زنجیر برای اسارت فکری مردم از نشریه‌ها وروزنامه های گوناگون استفاده میکنند ـ دستبند و شلاق چشم وجان افراد ملت را میآزارد و قلم مزدور، روح مردم را دچار فریب وبندمیسازد طبقه فرمانروا برای اینکه جور فشار وارد برملت را بصورت عدالت وحقیقت جلوه گر سازد به وسائل تبلیغاتی وسیعی متشبث میگردد ـ برای اینکه صاحبان قدرت خود را مظهر عدل و داد معرفی سازند و فجایع ومظالم خویش را خدمت بملت والمود نمایند محتاج به بلندگویان و مبلغینی هستند.

بقیه درصفحه ۳

بتبعید غیر قانونی بقیه

زندانیان سیاسی خاتمه دهید

درمیهن ما هردولتی که روی کار میآید و برمسند حکمرانی تکیه می زند محکم‌تر کردن بندها وزنجیر ها کاری

بقیه درصفحه ۳

پرونده قطورهیئت حساکه ما از تنگین ترین پرونده‌هاست دولت‌های مادو اجرای «دستور ها» آن قدر پافشاری می کنند که درعقل نمی گنجد، آنها مزورانه بهر سازیکانگان می‌رقصند و سر انجام باگریز از انکار عمومی وخشم توده‌ها به بالک اروپا و آمریکا پنام سفیر وروابط ومطالعه وغیره پناه می برند.

بقیه درصفحه ۳

بسرك

نکاتی چند راجع باستیضاح نفت

بقیه ازصفحه ۱

افتاده کشور ماخوب میداند و خوب احساس میکند .

درهین حال بیان این واقعیت ها بنحوی بوده واز آنها استنتاجهائی شده که ما با کمال تاسف ناگزیم انگشت ابهام برروی آنها بگذاریم وسرانجام نیز از خود به پرسیم : منظور ازاین همه صغری و کبری وبحث مجاله وبیانات غیر متجانس چیست؟ چرا جبهه ملی باوجود اعتراض باین همه حقایق تلخ و ناگوار، آن نتیجه صریح و منطقی وقطعی را که ملت ایران انتظار دارد نمیگیرد، وچرا باصراحت وقطعیت، بدون ابهام وتردید خواستار الغاءامتیاز زیان انگیز نفت جنوب نمیگردد و این خواست روشن وبدون ابهام ملت ایران را بشکل یك قطع نامه وطرح مثبت وقاطع بشرکت نفت وبدنیا اعلام نمیدارد؟

نمایندگان این جبهه تصدیق میکنند که پول وزور در دست شرکت نفت متمرکز است : تصدیق میکنند که در تمام مدتی که امتیازمربور بدارضی داده شده پیوسته دولتهای مختلف بنابانتخاب شرکت ،وخواست شرکت وبرای اجرای مقاصد ضدملی شرکت علی رغم ملت ایران بروی کار آمده اند . تصدیق میکنند که تمام قراردادهائی که تاکنون باشرکت نفت بسته شده تماماً بزیان مادی ومعنوی ملت ایران بوده است .

این مسئله برای تمام افراد ملت ایران بدیهی است که امتیاز نامه دارسی وبدنبال آن قرار داد خامان بزیاد ده ۱۹۳۳ که ضمن آن صریح ترین خیانت ها بملت ایران شد منشاء بدبختی ها ورنج ها واسارتهای مادی ومعنوی این ملت میباشد. در تمام این مدت چهل پنجاه سال سیاست منحوس واستعماری شرکت نفت بشکل یك برنامه سیاسی ازطرف دولت بریتانیا ودرمورد ایران بموقع اجرا گذارده شده ونتیجه منطقی آن برای خلق کشور ما ازدیاد فقر ، فلاکت ، بیماری جهل ، خرافات ،تریاك وهزارها امراض مزمن اجتماعی بوده است . این خاصیت چاره ناپذیر مقاصد استیلاء جویانه دولتهای مستعمراتی است . وچه امتیاز یك دولت استعماری وامپریالیست از یك دولت ضد استعماری همین آقاو نتایج میباشد . وابستگی مقابل دولتهای استعماری با فاسدترین و خائن ترین طبقات حاکمه ضد ملی که نتیجه قهری آن سلب کلیه آزادی‌های مادی و معنوی یك ملت می باشد مبنی بر همین اصل است .

آقای حائری زاده اظهار تعجب می کنند که چطور شده که هرچه قاچاقچی انگلیسی است آمده‌اند ودستگاه شرکت نفت را اداره می کنند .

این اظهار نشان می دهد که آقای حائری زاده و همکاران ایشان تتایجی را که از قرارداد ایران و شرکت نفت در مورد ملت ما ناشی می‌شود نتیجه طرز عمل افراد میدانند. اولین و بزرگترین اشتباه همین است .

این آقایان فراموش میفرمایند تمام این‌ها خاصیت تفکیك ناپذیر رژیمی می باشد که بر این شرکت حکومت می - نماید نه نتیجه سوء نیت فلان فرد یا فلان انگلیسی خاصیت آتش سوزاندن وخاصیت زهر مسموم ساختن است و خاصیت یك رژیم استعماری نیز اینست که برای ملتی فقر و فلاکت و جهل و عقب ماندگی ببار بیاورد .

زیرا بهره کشی از دستزنج مردم وحمت کش که اساس این رژیم‌را تشکیل می‌دهد جز بهمین جهت بهیچ جهت دیگری نمیتواند برود و برای همین است که استعمارگران برای اسیر کردن ملتها به جبار ترین دستجات حاکمه غیر ملی وارد معامله می گردند و خرید ها و فروشها را در ماوراء منافع حیاتی ملت انجام می‌دهند و بهیچوجه ودر هیچ‌مورد با خود آن ملت روبرو نمیگردند .

سیاست استعماری فاسدترین دستجات را بر ملتی مسلط می‌سازد تا رژیم ترور و وحشتی که بدست‌این دستجات درمیان آن ملت برقرار میشود نیروی مقاومت را در آن ملت سلب نماید .

تنها این‌نیست‌در این میان بازیهای خطرناك دیگری انجام می گیرد .

سیاست استعماری سراسر کشوررا در حال تاخر و عقب ماندگی نگه می‌دارد و مخصوصا قطعه زرخیز خوزستان را مبدل بویرانه‌ای میسازد ، تا زاهدی تیره بخت زنهای آبستن خود رابه خیش ببندند و در نتیجه هر موقع صدای کار اختلاف ایران و شرکت راجع به نفت نام نهاده بودند چه بود ؟ مگر نه همین قرار داد شومی که بیکباره اسارت ملت ایران را در دست سلسله جنبانان سیاست نفت مسجل ساخت؟ این «معاقل بین المللی» که آقایان نماینده گان بجبهه ملی سخن دارند امید خودرا برای استیفاء حقوق ملت ایران به آنها ببندند مگر جز دست نشاندگان زردو خودآنها کسان دیگری هم هستند؟

مگر بدست همین معاقل بزرگترین و جنایت بارترین تجاوزات بحیات وحقوق ملل صورت نگرفته است؟

ما بهیچوجه باا ین بیان موافق نیستیم زیرا اگر قرارداد نفت بهر نحوی از انحاء که باشد بتصویب برسد بازهم مواد مفید بحال ملت ایران در آن مندرج خواهد بود.

بازهم شرکت که نمیتواند تمامیت استعماری خودرا تغییر دهد تمام آنها را زیر پا خواهد گذاشت وبازهم دولت های دست نشانده درهرمورد بدست آن مقاصا حساب خواهند داد وبازهم اگر برای ظاهرسازی هم کار بحکمیت بین المللی بکشد نتیجه برای ملت ایران قرارداد دیگری است نظیر قرار داد ۱۹۳۳

ماقطع ماده فساد را به تسکین موقتی درد ترجیح میدهیم

چه امتیاز نامه دارسی وچه قرار داد منحوس ۱۹۳۳ هردو بدون چون وچرا بملت ایران بضربت شمشیر تحمیل شده است، این امتیازنامه وقرارداد مطمئن ترین وسیله اجرای سیاست های استعماری در کشور ما میباشد.

امکان ندارد این قرارداد تجدید شود و کوچکترین تغییری دراوضاع کشور ما در روابط متقابل شرکت نفت ودستجات غیر ملی حاکمه داده شود.

این دو قدرت هم بهم بسته اند . برای قطع ریشه فساد برای قطع ریشه نفوذ دستگاهی که بناحق وبضرب شمشیر بر ملت ما حکومت میکند باید ابتدا دست حامیان این دستگاه وگردانندگان چرخ سیاست نفت را از ایران کوتاه کنیم.

ما دانیم که حامیان بین المللی این دستگاه های فاسد وخائن وضدملی دستشان ازامور مملکت ما کوتاه نشده هرگونه عنوان مخالفت باین دستگاه جز بر باوظاهرسازی وجز بمنظور اتلاف وقت بهیچ چیز دیگر تعبیر نمیشود.

زیرا درعصر ما سرانوشت تمام دستجات حاکمه فاسد وضد ملی وخائن به سرانوشت قدرتهای استعماری وابسته است.

جز این راه هر راه دیگری تعقیب شود ازراهی که ملت ایران درپیش دارد جدا است .

سیاست صلح اتحاد شوروی

ودلائل وقرائن آن

بقیه ازصفحه ۱

بیمهای آتمی و سایر سلاحهای غیرانسانی و وحشت انگیز آنها را مسکو ولنین گراد وسایر مراکز حیاتی اتحاد شوروی تشکیل میدهد ، از ارگانهای اتحاد شکست انگیزی ندای صلح بلند است و برخلاف ادعای مخالفین ، دفاع از صلح فقط کشور خالی نیست و نقشه‌های عظیم ساختمان های اقتصادی ،تشویق و ترغیب کنفرانسهای صلح ، تصویب بیانیه استکهلم در بزرگترین مراجع قانون گذاری و تقدیم آن بعنوان قطعنامه اتحاد شوروی به انجمن ملل متفق این واقعیت را تائید میکند.

نقشه های شگرف اخیر ، در باره کانال عظیم ترکستان ، سدهای شگرف لیبرو الکتریك کوکی بیشف ستالینگراد و کایوتکا بر روی رود های ولگا و دنیپر که هر یك در نوع خود در سرتاسر جهان نظیری ندارد و در مدت بسیار کوتاهی بمرحله ساختمان درخواهد آمد، نشانه و دلیل قانع کننده فی بسر صلح طلبی اتحادشوروی است .

توجهی بخصائص و نتایج حاصله از اجرای این نقشه ها ایمان ملت شوروی و زمامداران آنرا به امکان و لزوم صلح پایدار در جهان آشکار میسازد .

اولین خصیصه این نقشه ها که هدف آنها تبدیل یك سر زمین وسیع شرار لم‌یزرع در جمهوریهای ترکستان و تاجیکستان بزارع و مراتعی صاحبین است و هدف دو نقشه دیگر ایجاد میلیارد ها کیلووات ساعت برق برای مصارف تولیدی صنعتی و کشاورزی در محل و در مسکوست ، عبارت ازاینست که اتحاد جماهیر شوروی بر خلاف تبلیغات شایع ورائج صنایع کشور رابیك منطقه محدود و منحصر و محفوظ (در ناحیه اورال) اختصاص نداده است و با اجرای این نقشه ها دامنه ساختمان اقتصادی راحتی باقصی نقاط کشور ، در نزدیکترین مناطق بحساسترین و آسیب پذیرترین مرز ها (در صورت وقوع جنگ) نیز کشانده است .

اصولا مهمترین خصیصه سیاست عمومی و ازآنجمله سیاست اقتصادی و فرهنگی اتحاد جماهیر شوروی عدم تبعیض دربین ملتهاست . تمام نقشه های اقتصادی با توجه به استعداد و مقدورات خاص هر منطقه بی طرح و بموقع کذشته میشود . صنعت سنگین بزرگرائی برخلاف سیستم امریکائی حالت تمرکز هولبودی را ندارد و کلیه جمهوریها و ملیتهای شوروی دارای مرکز فیلم برداری و صنایع سینماتوگرافی مخصوص خود میباشند . دیده میشود که اعتماد به پایداری صلح و قدرت طرفداران صلح باعث شده است که کوچکترین انحرافی دراین روش حاصل نشود .

دومین نکته قابل توجه اینست که در هنگامیکه کشورهای بزرگ باعثری برای تقویت قدرت نظامی از برنامه های ضعیف و ناچیزی همرائی خود کاملا صرفنظر مینمایند و دست کمکی بسوی امریکا دراز میکنند، اختصاص مبالغ سرسام آور بهودیه های ساختمان مسالمت آمیز در اتحاد شوروی نمیتواند ، تضاد بسیار بارزی با میلیارد ها دلار مصارف تسلیحاتی باعثر تشکیل دهد .

این همه خونسردی وسکات وبی اعتنائی به چنجالها و تهدیدات روز افزون آتمی یکی از عوامل اساسی وحشت و هراس سران دنیای باعثری را تشکیل میدهد .

تاثیر این نقشه های غول آسای ساختمانی در افکار عمومی جهانی ، در میلیونها نفر کارگر و دهقان و روشن‌فکران روز مزدی که در کشور های باعثری بملت برنامه های نظامی وجنگی سنگین در معرض فلاکت اقتصادی بازهم بیشتر قرار گرفته‌اند و بچشم خود ناظر مستقیم وناتمام ماندن عملیات ناچیز عمرانی و ساختمانی هستند بسیار بزرگ است .

تعداد امضاها درزیر بیانیه استکهلم هم اکنون ازپنج میلیارد تجاوز کرده است کلیه حقه بازیها ، فشارها و اتهامات از عهده جلو گیری و تقلیل جریان امضای دسته جمعی بیانیه حتی درامریکا وانگلستان برنمیآید .

رفتار اتحاد شوروی بهمین حدود محدود نمیگردد. دیپلماتها وماموریت سیاسی آن کشور در تمام مجامع و کنفرانسهای بین المللی موثرترین پیشنهادها وقطعنامه های مربوط بحفظ صلح جهانی را ارائه میکنند .

درمورد جنگ تجاوزکارانه امریکا در کره و طرز خاتمه دادن بآن منطقی ترین پیشنهادها عبارت از قطعنامه اتحاد شوروی بود.

درپنجمین دوره اجلاسیه مجمع عمومی پیشنهاد مربوط به تحریم سلاح اتمی کنترل موثر انرژی آتمی ، تقلیل ثلث قوای مسلح و تجهیزات کشورهای بزرگ اتفاق قرارداد صلح بین پنج کشور بزرگ ازجانب هیات نمایندگی شوروی تقدیم گردیده است.

تقاضاهای چهارگانه کمیته طرفداران صلح ایالت مریلند امریکا درباره ملاقات سران دو کشور شوروی و امریکا طرف نماینده شوروی باحسن قبول مواجه گردید. درصورتیکه سخن کوریان انگلیس وامریکائی آنرا رد کردند.

دیپلماسی شوروی از کوچکترین فرصتها برای اثبات علاقمندی واطمینان خود بصلح جهانی و همزیستی دوسیستم سرمایه داری و سوسیالیستی موجود در جهان ونشان دادن واهمه و وحشت کشورهای غربی ازصلح وسوء نیت وجنگ طلبی آنها استفاده میکند.

خشم ونفرت آتش افروزان جنگ از اتم بازان از همینجا سرچشمه میگیرد. نفوذ معنوی انکار ناپذیر اتحاد شوروی درجهان وهم آهنگی صدها میلیون هادی باشعارهای صلح طلبانه اتحادشوروی آنها را بناتوانی وعدم امکان نهائی تشجیع بجنگ اتمی محکوم میکند.

باغ آلبالو

اثر معروف آنتون چخوف

منتشر شد

محل فروش کتابفروشی سپهر

چهار راه عبدالدوله

صاحب امتیاز ش انور

محل اداره

طهران خیابان بوذرجمهری سه راه سپه

بهای اشتراك

یکساله	۱۳۰
ششماهه	۷۰

مقالات وارده مسترد نمیشود وا

وز اصلاح و درج آن مختاراست

بهای آگهی بادفتراداره است

بتبعید غیر قانونی ...

بقیه ازصفحه ۱

دولت خائن ساعد ازاین قماش بود، واوباعملیات جنایتکارانه اش ،نام منحوس خودرا دربالای سیاه ترین صفحات تاریخ خیانت کاری دولت ها ثبت کرده است،او بدستور بیگانگان،عزیزترین وبرازترین فرزندان میهن را نامردانه بزنجیر کشید وسپس برای تکمیل عملیات واجرای فرمانها آنان‌را به تبعید گاههای جنوب، بزندانهای مرگبار فرستاد .

مدتها گذشت ، بفریاد های اعتراض زندانیان ترتیب اثر ندادند ، کفتار های قانونی ومنطقی آنان‌را ندیده گرفتند وبا این کار خود، آتش خشم ونفرت مردم میهن مارا دامن زدند وزمامیکه گرمی این آتش چهره جنایت کار آنانرا برافروخته کرد ، هنگامی که مقاومت را در مقابل سیل اعتراضات طبقات وسیع مردم بی فایده دیدند ، باعودت زندانیان سیاسی موافقت کردند .

بدنبال این تصمیم عده ای اززندانیان سیاسی را به تهران بازگشت دادند ویقیه هنوز با وجود وعده های دولت رزم‌آرا مبنی برمراجعتشان در بیغوله های جنوب زجرمی کشند .

اگردولت قبول کرد که تبعیدزندانیان سیاسی یك عمل وحشیانه ویك کار غیر قانونی است پس چرا همه آنها را بمحل های اولیه خود عودت نمی‌دهند؟

این کج‌دار و مزبرها را بچه چیز حمل توان کرد .

دولت که خود را طرفدار آزادی و قهرمان اصلاحات والدوه میکند با وجود قبول غیر قانونی بودن تبعید زندانیان سیاسی هنوز قسمتی از آنان را در تبعید گاههای جنوب نگهداشته است .

طبق دستورصریح وزارت دادگستری و موافقت وزارت جنگ دولت میبایستی مدتها قبل زندانیان مقیم بندر عباس را بمحل های اولیه عودت دهد ولی شهربانی این وارث با وفای مختاری که خود را مافوق و ماورای همه تشکیلات دیگر مملکت می‌داند،طی نامه‌ای وقیحانه اظهار کرده است که دستگاه پلیس علنا وعلنا مافوق وزارت دادگستری ووزارت جنگ است و بعد نتیجه گرفته است که دستور وزارت دادگستری و موافقت وزارت جنگ مبنی بر عودت زندانیان بعلت بیماری یك دستور پوچ و بی ارزشی بیشتر نیست؛ اینست عقیدهٔ قوه مجریه نسبت بقوه قضائیهٔ در میهن ما !

دولت آقای رزم آرا گوش شنوا دیده بینائی در این مواردنداره،قدرت حکومت مقتدر ، در زنجیر کردن زاده‌خواهان و خاموش کردن صدای اعتراض‌هم میهنان ماست ولطف شایستگی دولت « حلقه طلائی » در هجز و بی اراده گی نسبت باجرای تصمیمات هیئت تصفیه می باشد.

آنها که گمان کردند باتبعیدزندانیان سیاسی خواهند توانست بمنظور هائی که شنیده ودیدند که چگونه اشتباه کرده اند نیزمشاهده کردند که باوربند کردن آنها ازمت ما نه تنها در مبارزه قدم سست نمی شد بلکه بایمان راسخ تروعزمی استوار وکینه ای فزونتر به پیش خواهد رفت .

مدتی قبل اعتراض نسبت به تبعید زندانیان سیاسی در مطبوعات کشورهای خارجی و حتی انگلستان نیز منعکس شد ولی باز بدولت ایران بعلت ارتکاب قتل و شکنجه و تبعید زندانیان سیاسی اعتراض کردند ، رمانیکه طبل رسوائی جهانی و وزارت جنگ،دررو زنامه‌های انگلستان نیز کوفته شد آقای حسن‌زادی دبیر سفارت ایران در لندن،شرحی بروزنامه‌های لندن نوشته واصول اعتراض ملت انگلستان‌را تکذیب کردند ، واقعا مسخره است چه چیز را تکذیب می کنند ، شکنجه و آزار وبی قانونی وبیعدالتی نسبت بزندانیان سیاسی را ، فریاد اعتراض میلیونها نفر مردم‌محروم‌میهن ماراو یا فجایع وخیانت کاریهای دولت ساعد‌را،شاید دبیرسفارت ایران درلندن به تبعیت از آن «ارباب فاشیست» که گفته «دروغ‌هم چه بزرگتر باشد بیشتر قابل باور است » به چنین تکذیبی دست زده‌است ، ولی آنچه که محقق است اینست که با این کتمانها وانکارها ملتی را نمی توان فریب‌داد این کارحتی در قرنها پیش هم ممکن نبود

همین را درواجرای نقشه‌های بلید واستعماری بیگانگان بزندان افکندن و درداد گاه فرمایشی محکوم کردن‌وسپس برخلاف تمام مقررات ونظامات وحتی بر خلاف حکم صریح همان دادگاه،فرمایشی تبعید کردن بهیچ‌وسیله وباهیچ‌نقابی قابل پوشاندن وتکذیب کردن نیست این‌عمل مذبوحانه‌هم‌هماننند سایر اعمال ضداسانی دیگر رسوا کننده‌است .

ماجدا از دولت آقای رزم‌آرا میخواهیم که باعتراضات منطقی و قانونی زندانیان سیاسی تبعیدی توجه کنند وهرچه زودتر آنهارا بتهران بازگردانند وگرنه آشکارا عملی بر خلاف قانون مرتکب شده‌اند

اطلاعات در یکربع قرن

بقیه ازصفحه ۱

طبقه ممتاز برای تحکیم سلطه جابرانه خودوسائلی میخواهد که بدیها را نیکو، زشتیها رازیبا — پلیدیهارا پاك — دروغ ها را راست حق کشی ها را عدالت — و سیاهی را سفید بنمایاند — یکی از این وسائل روز نامه های وابسته بطبقه زورمند و جبار است .

دربین اینگونه جراید روز نامه‌ای که اخیراجشن ۲۵ سال بلند گوئی بیدادگران را باسر وصدای فراوان و گذار نمود درجه اول را حائز است — یك ربع قرن است که این جریده‌انواع سموم را در محیط کشور ما میپراکند — این روز نامه روزگاری مظالم،بختاریها وبزرگك احمدیها را میستاید وهنگامیکه این آدمکشان جای خود را بدیگران دادند بدهاگوئی جانشینان میپردازد — چه بسا خونهای بیگناهان که در مدت یك ربع قرن اخیر ریخته شد و این جریده شریف ؛ کوشش‌در موجه جلوه‌دادن آن نمود — در این‌مدت آزاد مردان وکسانی که جان خود را درراه رهائی ملت‌ایران گذاشتند . بزندان وتبعیدافتادند درحالی که این جریده صفحات خود را وقف خدمت بزندانیان و زنجیر کنندگان ملت نمود و کوشش فراوانی در پرده پوشی فجایع بخرج داد .

این روزنامه اعتقاددارد که دراینمدت کمربخدمت ملت بسته است بایددیدملت از نظر این آقایان‌چه مفهومی‌دارد.

ملت از لحاظ ایشان یعنی طبقهٔ حاکمه — طبقهٔ که بر ملت واقعی ظلم روامی‌دارد رمق اورا میکشد،خون‌اورا میریزد — جان‌اورا می گیرد و کاخ های مرتفع وقصور زیبا ووسائل‌مجلل—املاك وسیع —تجارتخانه—شرکت‌های چاپ با سرمایه‌های هنگفت برای‌خودتهیه می نماید وملت واقعی —بیرهنگان وکارمندان بی‌چیزی که تاشام جان‌میکنند وسرانجام برای‌ستر عورت وسیرنمودن فرزندان خودمعطل و سرگردانند نزد مزدوران طبقه‌فرمانروا کوچکترین ارزشی ندارند که بحساب آیند واین گروه کسربخدمت آنسان بیندند .

این آقایان دراین‌مدت ۲۵سال هر وقت بطور استثنا صحبت ازاقدامی بنفع ملت‌واقعی‌بمیان‌آمد بزرگترین کارشکنیها را برای جلوگیری‌ازآن نمودند

بالعکس تاجائی که دستشان‌رسیده‌در تصویب قوانین‌ضدملی کوشش بخرج‌دادند جدیت وپشتکار آنان دراین بوده است که تاهراندازه بتوانند قوانین‌رابنفع خود تفسیر نمایند —

بایندوبست باهردولتی که روی کار است بر کلیه رشته های حیاتی‌ملت‌تسلط یابند واز آن بنفع خود بهره بردارند .

آقای‌قرامرزی در نامهٔ که بروزنامه اطلاعات فرستاده‌اند نوشته‌اند :« بعقیده من اولین‌روزنامه نویسی که فکر کرده روز نامه نویسی میتواند شعله‌ای‌باشد که بتواند وسیله زندگی باشد عباس مسعودی بوده است وروی این فکر روزنامه اطلاعات را بجائی رسانده که‌نه تنها خود وخانواده‌اش‌توانسته‌اند یکربع قرن‌ازآن زندگی کنند...»

ولی باید دید چگونه درکشوری که صخن ازحق وعدالت بمیان آوردن‌در نظر اولیاء امور جرم وگناه عظیمی به حساب میآید باروزنامه نویسی میتوان صاحب مکنت عظیمی گشت .

وکالت ووزارت را درحیطهٔ تصرف خود ورفقای خود قرارداد ودر عین‌حال بملت خدمت نمود .

درکشورما خدمت بملت معادل باگرسنگی بیکاری محرومیت وتضیقات است - آیا میتوان تصور نمود که‌اداره اطلاعات از راه مشروع از راه خدمت به‌وطن موفق شده باشد خود رادر سلك یکی از ادارات دولتی درآورد

درکشوریکه فرخیها درتتیجه حق نویسی درگوشه زندانها- تسلیم جلادان دستگاه مورد حمایت اطلاعات ونظائر— گردانیدن قلم درخدمت مردم واقعی نمی توان خود را درسلك زورمندان وجنایت پیشگان قرارداد ملت ایران مدتها است بیدارشده است ودوشنان خودرا درهر رنك ولباس وتحت هرگونه ماسك‌شناخته است .

هنگامیکه بیروی حیات بخش ملت توانست صحنه اجتماع را از خارها و علف‌های هرزه پاك سازد آن‌روز دیگر جائی برای این رجزخوانیها ودز فشانیها وجود نخواهد داشت .

یادقت درشماره‌های این روزنامه در هر دوره ، بخوبی میتوان نقش آنرا در آن دوره ازتاریخ اجتماعی و سیاسی ملت ایران تشخیص داد

در دوران قبل از شهریور

دورانی که‌طبق مندرجات‌اطلاعات‌تاریکی استبداد سراسر کشورما را فراگرفته و حق اظهارات از افراد ملت سلب شده بوددرروزهائی که بوسیله کتاب اطلاعات در یکربع قرن باابن وضع توصیف می گردد که : «شهربانی فشار بسیار بمردم وارد میاورد —زهر چشم میگرفت میادا نقشهٔ مخالفتی آغاز گردد » آن ایامی که آزادیخواهان وفرزندان ملت در گوشه زندانها درزیر سرنیجهٔ دژخیمان جان میسپردند و روزنامه اطلاعات کشته شدن آنانرا بصورت مرك طبیعی منعکس می ساخت واکنون ناچارمیگردد برای تبرئه خود درکتاب «اطلاعات در یکربع قرن » اینطور دلیل تراشی نماید : « گاه بگاه بنایش میزند که چرا اطلاعات کشتن‌معجوسی را در زندان بعنوان‌خبر مرك منتشر میکرد — »

خوانندهٔ عزیز—آیا کسی‌راسراغ‌دارید که‌نه‌انه‌مقصود ازخبرمرك بکسرد سیاسی در زندان‌در آن موقع‌چه‌بود؟ وکسی هم دانست روزنامه‌های آنروز که پنج شش روزنامه بودند جرئت انتشار خبری‌راجز آنچه ازدستگاه سانسور میگذشت نداشتند ... اگر ترس بود برای همه بود — ماهم بهمان اندازه‌که آزادیخواهان‌جان خود را دوست داشتند ونفس نکشیدند — ماهم بحیات خود علاقمند بودیم وزن وبچه خودرا دوست می داشتیم .. »

در چنین دورانی مدیر اطلاعات یکی از مشاورین و خدام بارگاه دیکتاتوری بود —

یکی از کسانی‌بودکه در آن رژیم وحشت و ترور مقام والائی داشت — تقرب او بحدی بود که خود می‌نویسد « آقای عباس مسعودی .. هم برحسب دستور شاه نقید در این مسافرت تاریخی «مسافرت به ترکیه در سال ۱۳۱۳ » دعوت شد و در تمام مراسم و تشریفات رسمی شرکت نمود .

در آن موقع چند تن از روزنامه نگاران متفقد شاه بودند در این‌مسافرت همراه باشند و تشبثات بسیار نیز کردند که در لیست همراهان شاه قید قرار گیرند لکن شاه که در شناسائی اشخاص هوش فوق العاده داشت — بدون هیچ — گونه توسل و تشبث .. اورا طرف‌توجه خود قرار داد او را انتخاب کرد . »

در این دوران روزنامه اطلاعات نقش تایید کننده مظالم رژیم دیکتاتوری را بعهده داشت —

یکی از عواملی بود که جور وظلم وارد ازطرف دستگاهی را که در بدو امر زیر نفوذامپریالیسم انگلستان قرار داشت و سر انجام فاشیسم آلمان اداره امور آن را فرمان میداد توجه مینمود و بر روی فجایع آن پرده می کشید—

نقش روزنامه اطلاعات در جریان تمدید قرار داد نفت با در نظر گرفتن درجه‌تقرب وی‌نسبت بدستگاه‌دیکتاتوری بسیار جالب توجه است :

درابتدای صحنه که قرارداد دارسی لغو میگردد اطلاعات درشماره مخصوص خود مینویسد :

در این قدم بزرك دولت صفحه پر افتخاری در تاریخ ایران باز کرد —

این زنجیر موهوم یا امتیازنامه از دست‌پای مملکت بازشد و ... ولی‌در آخر صحنه که‌ماموریت‌ها انجام یافته و قرارداد جدید بضرر ملت ایران تمدید یافت‌طبق‌مندرجات کتاب (اطلاعات در یك‌ربع قرن) «تمام‌آن‌سروصدا هائی که درباره‌نفت‌بلند شده بود یکباره خوابید. هیچکس اظهارعقیده مثبت ومنفی‌در این باره‌نکرد .

ودرمطبوعات تهران‌یك‌سطرمطلب دراینخصوص‌نوشته نشد»

مسلم‌است که‌دستگاه اطلاعات‌همان طور که خود نوشته است‌درایجادابن سرو صداها مسلما بطوردانسته موثربوده‌است ونقش تبلیغاتی امروزا بعهده‌داشته است . اگرچه اکنون سکوت‌خودو نمایندگان آن دوره را علامت عدم رضایت ملت ایران ازقرارداد معرفی میسازد و می نویسد.

«این سکوت اجباری کاملا نشان داه که ملت‌ایران ازتجدید قرارداد در قسمت تمدیدناراضی است» .

این صحیح است که ملت ایران از قرارداد نه‌تنها درقسمت‌تمدید آن بلکه اصولا ازپایه واصول آن‌ناراضی‌است ولی سکوت روزنامه اطلاعات درتتیجه‌وظیفه دیگری‌است که آن‌روزهابعهده‌داشته‌است

اگر واقعا آقایان‌باقرارداد‌مخالفند چرا این روزها بامزاورسیله وتشبث و براه انداختن استیضاح‌میخواهند آنرا تثبیت سازند وجنبه قانونی بدان بخشند روزهائی که کشورماداشت‌رفته‌رفته‌جولان گاه جاسوسان آلمان‌نازی‌قرارمی گرفت، بازهم روزنامهٔ اطلاعات‌نقش دفاع‌ازآنها وتایید آنان را بعهده گرفت اصولا مدیراطلاعات‌رل موثری‌درترخنه دادن عوامل فاشیم بکشورما بعهده‌داشت .

شمار «نقط از آلمان وزیر نظر آلمانی» که‌درصفحه۸۹ کتاب(اطلاعات دربکربع قرن)مندرج‌است‌نباید‌سرسری تلقی‌شود:

اطلاعات کوشش فراوان‌بخرج داد تادرضمن مقالات عدیده‌خود جاسوسان آلمانی‌را بصورت‌عناصرمفیدوموثر در اقتصاد وصنعت ایران قلمداد نماید»

« در مورد اینکه ماشینها از کدام کشورخریداری‌شود روزنامه‌اطلاعات عقیده قطعی‌داشت ازآلمان‌خریداری شود هنگامیکه منفقین‌ازدولت‌ماخواستارشدند که‌جاسوسان آلمانی از کشور اخراج گردند اطلاعات دردفاع وپشتیبانی‌ازعوامل فاشیسم کوشش فراوان‌بخرج داد امروز خود در کتاب‌اطلاعات در یکربع قرن مینویسد :

«درهمین‌اوان بودکه سرمقاله اطلاعات‌تحت‌عنوان تاثرملت‌ایران انتشار یافت ...دراین مقاله از...اخراج آلمانیها اظهارتاسف وتاثرشده‌بود... ونوشته‌شده‌بود که‌راست‌است که‌مابادولت آلمان‌وایتالیاجزیك‌روابطعادی‌واقتصادی وروابط‌دیگری نداشته‌ایم ولی میل داشتیم بااین روابط حسنه ما خللی‌وارد نیاید ... متاسفانه‌دولت ما امروز ناگزیر شده‌است که سفارت خانه های آلمان‌و ایتالیا ... را در ایران بر چیند ولی سفارتخانه های ما در پایتخت این کشور ها مانندپیش دایر و روابط سیاسی ما هم‌با آنها بر قرار خواهد ماند »اینها نه‌نوداری بود از وظایفی که اطلاعات در دوران بیست ساله دیکتاتوری بعهده داشت : که تایید مظالم دیکتاتوری خشن - تأمین- نفوذ استعمار انگلستان در کشور- ایجاد و جبهه سیاسی برای فاشیسم آلمان و ایتالیا نزد مردم و تثبیت نفوذ آنان تا جائی که هم اکنون نیز مینویسد «وشك نیست که مردم ایران‌نیز خواهان پیشرفت آلمانیها بودند و این روحیه در تمام‌ملل مشرق تعمیم داشت و در آنروز آلمانها نفوذ بسیاری در کشور های شرق بین مردم پیدا کرده بودند »

روزنامه اطلاعات پس از تغییر رژیم‌ظاهری کوشش نمود وضع

سابق را تثبیت نماید — بان آبرو بخشد اختناقی را که خود نیز از آن شکایت کرده است بهمان صورت باپرجابگذارد خود مینویسد . « در بین جراید آنروز تنها روزنامه اطلاعات بودکه با جرئت و جسارت مدافع اوضاع سابق شناخته میشد » آری روزنامه اطلاعات اکنون هم مدافع اوضاعی است که در آن بهترین فرزندان ملت را درزندانها جای میدهند وناشایستگان و دغلکاران را بر کرسی مسند وزارت و وکالت می‌نشانند... اطلاعات از اینکه چند روزی ملت ایران توانست دردهای خود را ابراز دارد بسیار ناراحت شده

بقیه درصفحه ۶

سی سالگی سینمای شوروی

ازوطن پرستی باحرارت شوروی و اخلاقیات عالی انسان شوروی میباشند.

اعطاء جوایز سالیانه ی استالین برای بهترین آثارسینما توگرافی شوروی بمنزله ی جشن بزرگ عمومی ملت است.

...

سال ۱۹٤۷ – سال ترقی و تعالی جدید آفرینشی درعالم سینما توگرافی شوروی بود. هفت فیلم هنری بدیع و شش فیلم مستند بدریافت جوایز استالین نائل گردید.

کار بر شور مردم شوروی، که از انتشار و استقلال وطن شوروی خود. دفاع نموده اند، بنحو درخشانی در فیلم «آهنگ سیبیر» اثر پیریف و بامشیچیکوف وراز کوف نشان داده شده است. این فیلم فرح انگیز وامید پرور که درآن رنگ آمیزیهای طبیعت روسیه بنحومعجز آسائی میدرخشید و بوسیله ی باولوف کارگردان مجسم گردیده اند و در آن آوازهای دلربای روسی شنیده میشوند که بوسیله ی کوپ و کوف آهنگساز تصنیف شده اند، حاکی ازقدرت خلاقه ی عظیم انسان شوری میباشد.

فیلم رنگین «آهنگ سیبیر» اثر بزرگ چدایی است.

درآن باعلاقه ودانائی وراستی کامل سیبیر شوروی نشان داده شده، که در سالهای اجرای نقشه های پنجساله بکلی تغییر یافته، اصلاح شده است، همچنین مردم آن جلوه گر شده اند، که در روزگار جنگ میهنی دلیری و فداکاری خود را هم دررزم هاهم درکار وفعالیت نشان داده ثابت نموده اند که وطن پرستان آزموده ای میباشند. فیلم مذکور اثر درخشان ملی می باشد.

فیلم «معلمه ی دهکده» (طبق نمایش نامه ی بانو اسیر اوورا بروبوری دانسکوی) لیزدر کشور شوروی شهرت کاملی دارد.

فیلم «معلمه دهکده» زن فروتن روس، معلمه دهکده‌ای را بنام دمارتینو را توصیف وجلوه گر میسازد که تمام عمرش را صرف خدمت بملت نموده، نور مشعل علم ودانش را برای اطفال روستا. تابان آورده است.

در موقع انقلاب هم باتفاق ملت پیروز شده، برای اشتراکی و عمومی نمودن کشاورزی مبارزه کرده، درجنگ عظیم میهنی نیز درمبارزه‌ی برای پیروزی شرکت نموده است.

بانو مارتسکایا ایفاء کننده‌ی نقش مارتینوا معلمه توانسته است تمثال زن حقیقی روس و زن حقیقی شوروی یعنی زن با قدرت، پاك، خردمندی‌را بوجود بیاورد.

فیلم جذاب شوروی موسوم به (موضوع روسیه) علیه ایده‌های امریکنی ضد دموکراتیك آتش افروزان جنگ یا کشتار جدید عالم میباشد.

در این فیلم هنری و زیبای رژیسور دوم و هیئت کارکنان آفرینشی آن (کارگردانان و ولچك، نقاش مانه‌ل آکسیونوف بانو کوزمینا، تیه‌نین آستان کوف ناروانوف هنر پیشگان) دشنان ملت امریکا، دشنان صلح و دموکراسی افشاء و رسوا شده‌اند.

... پیراکوف جراح عظیم‌الشان روس علم مترقی را بخدمت ملت کماشت در فیلمی که رژیسور کوزین تف تهیه نمود و به پیراکوف اختصاص یافته است (نمایشنامه کرمان) مبارزات آن دانشمند وطن‌پرست برضد شیادان خارجی توصیف میشود. که چگونه نامبرده در بیمارستان های میتلایان به وبا و تالارهای بیمار – ستانهای ثابت و در میدان‌های جنگ در دوره‌ی جنگ دلیرانه ی کریمه و دفاع

بقیه از شماره قبل

موفقیت فیلم از این حیث تامین گردیده‌است که گراسیموف رژیسور هنگامیکه تصمیم گرفت اثری حاکی ازوطن پرستی جوانان بوجودبیاورد – با جرئت و جسارت جوانان هنرپیشه‌را برای همکاری‌طلب نموده،

درنقش های عمده‌ی این فیلم‌دانشجویان دانشکده‌ی هنرپیشگی استیوی سینماتوگرافی نخستین بار درتهیه‌ی فیلم وصحنه‌ی سینماشرکت نموده‌اند.

درفیلم «دادگاه شرف» که رژیسوردوم تهیه نموده‌است آرمانهای باعظمت خدمت صمیمانه بوطن ومات‌با هیجان وقدرت بیان‌شده، نقاب دروغین «او و کتیو» بودن‌علوم ارتجاعی که کوسموپولی‌تیسم (جهان وطنی)‌رامعوطه مینمایند‌دریده‌شده‌است.

تمثالهای افراد پیشتازشوروی که علم‌راتوسعه‌می‌دهند وپیش میبرند‌باعلاقه وحرارت مجسم گردیده‌اند.

درفیلم «تلاقی درورد الپا» (رژیسور، الکساندروف)، که‌درسال ۱۹٤۹ روی پرده‌ی‌سینما ها نمایش‌داده شده حماسه‌ی اجتماعی باجذابیت وقدرت‌موضوع وصنعات درخشان و بر جسته‌ی تمثالهای قهرمانان اصلی توام گردیده‌اند.

قدرت واقعی فیلم عبارت از این است که‌مؤلفین‌آن‌حقیقت زنده‌گی‌راحکایت کرده‌اند.

روز های آخر جنگ عظیم میهنی است. تلاقی تاریخی متفقین در کناررود الپا واقع میشود.

سربازان امریکائی بساحل شرقی رود خانه شتاب میکنند‌تا دست‌سربازان شوروی، از عشانرند و باهم چین‌پیروزی را بر گذارد کنند. جانها برای پیروزی اسلحه‌ی متفقین بلند میشوند. سربازان روس و امریکا صمیمانه بیکدیگرتهنیت میگویند.

ژنرال امریکائی این منظره را در ساحل مقابل رود خانه به افسران خود نشان داده‌بالحن استهزاء میگوید:

آقا یان به این‌وضع عجیب‌شاعرانه نگاه کنید. صحنه ترین نتایج جنگ همین است.

آجودان ژنرال شوروی هم‌میگوید تمام‌مردم روی زمین میتوانستند همینطور زندگی کنند.

تفاوت‌دودنیای مذکور درزندگانی شهر آلتن‌شتادت که بوسیله رودخانه‌به دو منطقه‌ی اشغالی تقسیم گردیده‌بخوبی مشهودمیگردد. سرکرده کوزمین‌ژیان شوروی قسمت شرقی شهر را اداره می کندوسرگرد «جمی‌هیل‌افسر امریکائی قسمت‌غربی‌شهر‌را. سرگردهیل‌بسرگرد کوزمین میگوید:

مدتی است که من میخواهم با شما صحبت کنم. شما در اینجا بکار های صحیح مجنونانه‌ای دست زده اید. تمام مدرسه‌ها را مجددا بنا میکنید و ترمیم مینمائید کتابهای درسی تازه چاپ‌میکنید برای چه اینکار ها را میکنید؛ مگر واقعا دلتان به حال‌آلمانی ها وسرنوشت آنها میسوزد؛

توجه صمیمانه‌ی کوزمین نسبت به آتیه‌ی دموکراتیك آلمان احترام وعلاقهٔ تمام آلمانیهای شرافتمند‌ومترقی‌رانسبت‌به‌اوجلب‌مینماید.

.... در منطقه‌ی اشغالی دیگر بازار سیاه رواج دارد و در آن افسران به‌احتکار‌وخدعه‌های‌سودجویانهٔ ازرگانی می‌پردازند‌نفایس گرانبهای‌هنری‌ونقاشی را می گیرند و در مقابل‌آن‌ها سیگار و وامی گیرند و در مقابل‌آن‌ها سیگار و وکنسرو بمردم گرسنه میدهند، اخلاق و عادات تخریب نژادی (راسیستی) را احیاء نموده سربازان سفید پوست سربازسیاه پوستی را که دوشادوش آنان راه‌میکنان جنگی را طی نموده است درحال مستی از می‌خانه بیرون می‌اندازندولکد کوب می کنند پیشه‌های قدیمی درخشان گرانبها را برای این نابود می کنند که ژنرال‌آن ها امیدواراست آن‌درختها را با فح‌زیادی بعنوان مصالح ساختمانی بفروشد...

فیلم مذکور آتش افروزان جنگ را رسوا نموده، بنحو مشعشع و متقاعد کننده‌ای نیرو و قدرت کشور شوروی، پرچمدار صلح‌ومایهٔ امیدواری تمام‌بشریت مترقی راجلوه‌گرمی‌سازد.

تصویر لنین و استالین در سینما

تماشاچیان‌ممالك خارجه کراراشاهد و ناظر فیلم های شوروی بوده‌اند، که‌در آنها تمثالهای رهبران باعظمت‌ملت‌اتحاد شوروی و تمام بشریت زحمتکش– یعنی استالین – ایلیچ –لنین و یوسیف – ولادیمیر – ایلیچ استالین تجسم یافته‌اند.

باریواوویچ استالین تجسم یافته‌اند.

«شفق عظیم»، «مردتفنگدار» «کوی دیوبورك»، «لنین‌درماه‌اکتبر» «در سال ۱۹۱۸»، «والهٔ‌ری چکالوف»، «سوگند»، «شربت سوم»، «ابرد استالینگراد»، «سقوط برلن» – اینها فیلم های شاهکار هنر سینما توگرافی شوروی شمرده می‌شوند بازی با استعداد شروکین هنر پیشهٔ ملی و نیز همین عمل اشتراوخ هنرپیشهٔ ملی ا.ج.ش.س.ر.س.ر وسیه که با «رارت و ی.ش.س.ر وسیه که با «رارت و ی.ش.س.ر وسیه که تمثال و.ای.لنین را در فیلم های «لنین در ماه اکتبر» و «لنین در سال ۱۹۱۸» بوجودآورده اند‌ایفاء نموده‌است‌وبازی دیگی‌ور گلروانی هنر پیشه که روی پردهٔ سینما تمثال ی.و.استالین را بوجود آورده جلوه گر نموده‌اند از طرف عامهٔ مردم مورد تقدیر واقع شده است.

در سال ۱۹٤۹ استادان‌هنرسینمائی شوروی بموفقیت نمایان جدیدی نائل‌شده اند– فیلم «ابرد استالینگراد» بوجود آمده که سری‌دوم آن مقارن‌جشن‌عمومی ملی – یعنی هفتادسالگی ی.و.استالین روی پردهٔ سینماهای‌شوروی‌بمعرض‌نمایش در آمده است.

... ابرد استالینگراد مظهر مرحلهٔ باعظمت‌علم‌سوق‌الجیشی(استراتژی) استالینی، دلیری و شهامت بی‌پایان‌مردم شوروی‌وقهرمانی آنان‌می‌باشد که‌مولود عشق آن‌ها بوطن خود و علاقهٔ بی‌نظیر نسبت به ی.و.استالین رهبر با عظمت ملت است.

مولفین فیلم مذکور و.پتروف (کارگردان)، ن.و.برنا – (صحنه آرا)، ن.دوستال (رژیسور)، آ.ه. دیکی، م.م.اشتراوخ، م.در ژاوبن و سایر هنرپیشگان در تهیهٔ این فیلم وظیفهٔ مهم و نجیبانه‌ای را در مقابل‌خود طرح نموده‌اند که عبارت است ازتصریح و تشریح ماهیت بی‌نظیر مهارت جنگی ژنرالیسیم ی.و.استالین و توصیف افتخارات جنگی و قهرمانی های ملت شوروی و عظمت جانبازی فداکارانه و وطن پرستانه‌ی‌ملت مذکوره.

فیلم «سقوط برلین» که اخیرا بمعرض نمایش در آمده، به استحقاق کسب موفقیت مهمی نموده است. فیلم مذکور تحت نظر م.چیاتوره‌لی‌رژیسور با استعداد از طرف هیئت کارکنان با ابتکار بوجود آمده است.

(صحنه آرائی آن متعلق به م.چیاتوره لی‌وپ. پاولنکو میباشد).

جریان وقایع در فیلم اندکی قبل از آغاز جنك عظیم میهنی شروع‌میشود و بامنظره تسلیم‌بقایای ارتش‌هیتلروجشن پیروزی‌ارتش‌شوروی‌درماه‌مه‌سال ۱۹٤٥ پایان می‌یابد.

مولفین فیلم مضمون و موضوع‌جنك عظیم میهنی راتشریح می کنند و تصرف برلن و پیروزی نهائی جلوه‌گر میسازند.

در حوادث بدوی فیلم در تصویر صبح صاف و روشن تابستان، دراشعار مهیبج کودکان راجع‌بخوشبختی‌و بهار در کشوربر نور ما،وضعیت شادی بخش کارمسالمت آمیز مردم شوروی به‌بهترین نحوی نمایان گردیده است. در آن روز کار الکسئی –ایوانوف فولاد ریز نامدار نخستین بار با دخویزه ناتاشا – رومیانته‌وا معامله مصادف میگردد. در رومیانته‌وا صفات عادی و خاص‌مردم تمثالهای آن‌دو صفات عادی و خاص‌مردم معمولی و سادهٔ شوروی جلوه‌گر شده اند.

آنها کارهای مهمی انجام میدهند، که فقط در خور توانائی افراد کشور سوسیالیستی میباشند. قدرت و نیروی الکسئی – ایوانوف و ناتاشا – رومیا تسه وا افراد فروتن و محبوب شوروی در این است، که‌آنها فرزندان کشور عظیم شوروی‌میباشند و حزب کمونیست و استالین کبیر آنها را پرورش داده، دارای روحیهٔ وطن پرستی شوروی و قهرمانی درکار و مبارزه میباشند وصحنه ملاقات‌الکسئی – ایوانوف‌بای‌واستالین و اعضاءدفتر سیاسی(بولیت بورو) کمیته مرکزی حزب کمونیست کل‌اتحادشوروی (بالشویکها) تاثیر محو نشدنی مینماید استالین‌آن فولادریز نامدار را به‌مسکو و سپس بمنزل خود بمهمانی دعوت‌میکند بدواوقتی که الکسئی ایوانوف بمهمانی نزدی.و.و.استالین می‌آید فوق‌العاده سراسیمه و شرمسار است، لیکن سادگی و توجه وگرمی پذیرائی ی.و.استالین و همکاران نزدیك‌او بزودی خجالت الکسئی را دفع نموده او را تشویق مینماید. آنوقت فولاد ریز مذکور برای‌آن رهبر کبیر طرز کار و شرح غم و شادی خود را چنان بیان میکند که گوئی‌برای پدر گرامی خود حکایت میکند.

در فیلم به بهترین نحوی تهاجم غافلگیر و خدعه آمیز دشمن بسر زمین شوروی، وبرانی‌ها، حریق‌ها‌نشان‌داده شده اند. جنك موجب مفارقت طولانی بین الکسئی و ناتاشا میگردد.

نام‌استالین سرکرده‌ی‌ارتش‌شوروی الکسئی – ایوانوف‌را که راه پیروز مردانه را از استالینگراد تابرلن طی نموده است تشویق و تهییج مینماید و به ناتاشا – رومیا تسه‌وا نیرو می‌بخشد.

اردوگاههای آلمانی برای تمرکز اسیران وشکنجه‌ها دهشت زای هتل هیتلر نتوانستند مردانگی و شهامت آن‌دختر شوروی را مضمحل نمایند.

... استالین در اطاق کارخودش کاخ کرملین دیده میشود، وی‌دربان‌بزرگ عظیم را اداره میکند، مهمترین مسائل سیاست بین المللی را حل مینماید که سرنوشت صد ها میلیون مردم را تعیین میکند.

وقایع بزرگ‌تاریخی قهرمانان‌فیلم مردم ساده را در حجاب قرار نمیدهند مخصوصا‌شخاصی مانند الکسئی‌ودوستان او و تمام ملت نقشه‌های مدبرانه‌ی‌جنگی فرمانده عالی کل‌قوا را بمرحله‌ی‌اجرا در میآورند.

راه الکسئی و ناتاشا مظهر رزمی تمام ملت است و همین موضوع راستی وواقعیت حیاتی و نیروی مهم اثر مذکور را خیلی موثر میکنند.

بقیه‌درصفحه

آنقدر کوچك بود که‌وقتی اتومبیل در دوسه قدمیش‌رسید تازه متوجه شد جسمی ریزه جلوش‌سبزشده و با مهارت عجیبی‌قوسی خورده و کمی آنطرفتر با ناله وضجه گوشخراشی ایستاد.

شاگرد شوفر با قیافه وحشت زده مثل برق پرید پائین وبا حالتی شبیه بلنك میخواست‌خودش را روی او بیاندازد اما یکدفعه یکه خورد. مثل آنکه کوچکی او مقدس‌تر و بیگناه تر از آن بود که بشود‌باو تجاوز کرد. رنك شاگرد شوفر مثل گچ دیوار شده بود و باحدت و التماس و تغیر و بلا تکلیفی غریبی میگفت:

«آخر چرا اومدی جلو ماشین. مگه نمیدونی این‌ماشینه. نه‌ات‌کجاست؛ چرا تو ولت کرده این تنك غروبی توخیابونها حتماً رفته دور که تو ویلون شدی هان؛» بعد چند قدمش آنطرفتر و کوبك هم شار نه‌که کرد وقتی برای باز دهم و بیستم ازش پرسید چرا آمده جلو ماشین، او فقط گفت:

«میشه من روهم بزارین تو ماشین؛ تو بخونه پیاده میشم خونه مون خانی آباده از تو بخونه پیاده میرم اما از اینجا خیلی راس»

شاگرد شوفر حسابی از جا در رفته بود اما شوفر گفت: «بزار بیاد بالا» آنقدر یك و بدو نکن ـ همین الانه که اصغر شکبه برسد و مایه راه عقب میفتیم. اهوی! اتوبوچك بیا بالا. بیابالا معطلش نکن» شاگرد شوفر‌تواتومبیل هم او را ول نکرد و مدام ستوالش را تکرار میکرد. اما او همینطور مات نگاه میکرد. مثل آنکه خودش هم میدانست چقدر کوچکست و تنها چاره را در همین میدید که خود را بچشم چراغ ماشین بکشد تا شوفر متوجه وجود اوشده و نگاهداره

دستهایش آنقدر کوچك و بیحال بودند که آدم خیال میکرد همین الان دسته بلیطهای بخت آزمائی که بحال سر گردانی برا کنده و ول بودند وته آن دردسنش مانده بود بزمین خواهد افتاد. عوضش چشمهایش تا بخواهید درشت و بیدار بود. سوش کاملا پرخی و کلاه لبدی رنك ورو رفته ای کله اش را میپوشاید. گونه‌های‌بوسیده و پلاسیده‌اش پژمردگی وکار شدیدی را نشان میداد. بدنش‌آنقدر ضیف ونحیف بود که لباس وصله وصله اش‌ازآن‌ریزیخت‌ازظاهرش پنج شش ساله دیده میشد فقط بینی تسیر کشیده، چانه محکم و چهار گوشش قیافه یك ده‌ساله وغیر عادی رابادداده‌بود

تو اتوبوس هم مدتی ماتش برده بود. هیبت اولیه حمله شاگرد شوفر، اگرچه تا باو رسید سنك‌روی‌یخ شد، اما باز او را ترسانید

او اصلا از این‌قیافه‌ها وحشت داشت قیافه‌هائیکه رویشان مهر سنگدلی و بیرحمی خورده، همه چیز برای آنها ازپس مکرر دیده اند عادی شده. ریخت کثیف وسیاه وروغنی شاگردشوفر با چشمهای بیحیا وخنده پرمدایش وحشتی دردل او ایجادمیکرد. بعد هم یك روز رابیاد آورد که زمستان سردی بود. سرما پوست را میتراکانید و او پیساده از خیابان‌ناصریه بطرف خانه اش میرفت: آرزو هیچ نفروخته بود از بس داد زده بود «امروز چهار بعداز ظهر، شانس آخر وبیست وپنج هزار تومن برنده» گلویش گرفته بود. دیگر بالتماس افتاده بود. حرفهائی را که طوطی واریادش داده بودند بهر کس میرسیدپس‌میداد،

«آقا جون، خانم‌جون، دست‌من‌خوبه این یکی رو بخرین. بیست وپنج هزار تومن شانسه‌ش» اماسرما مثل‌آنکه همه رابیحال کرده بود هیچکس دلش نمی‌آمد دستش‌را از جنبش در آورد. همه میدیدند، عجله داشتند، میخواستند از سرما فرار کنند. سرما تا مغز استخوان را میسوزانید، ولی او فقط موقعی ملتفت سرمای سوزنده شد که جلوی دریك‌خانه بغلیی التماس میکرد یك بلیط بخرد در این موقع در بازشد وخانم که دربالتو پوست خزش از سرما میلرزید بعجله گفت «صفرا کرسی خوب گرمه؟ وای مردم ازسرما. نفسم برید دیگر اگرقلم هایم را هم‌خرد کنند کوچه نمیرم» بعد روبش‌را بطرف او که باچشمهای امیدوار و منتظرش ویرا میگریست کرده گفت:

«برو، بروبسر برو خونه‌ات. تواین سرما کی بلیط بخت آزمائی میخره. نمیبینی چقدر سرده» بعدرویش را بطرف کسیکه دررا باز کرده بود کردو گفت:

«اینها جون سك‌دارن ازروهم نمیرن» وتندی رفت تو و دروبست.

بغض گلویش راگرفته بود. سمی میکرد خودش‌نگاهداره اما سرپیچ‌خانی آباد که‌منتهی بدروازهٔ غار میشود غلغلهٔ دسته بلیطهای بخت آزمائی ازپس‌دستهایش هلو‌بیرمق شده بود برروی زمین گلی افتاد وتا نصفه توگل فرورفت: آنوقت حسابی بغضش ترکید و ساعوت یکی از آن هیولاها، ازهمانها که وقتی میخندند‌دروح آدم ازدرد کزم‌خورده‌تا پناگوشش پیدا می‌شد باو رسید «داوی جوجو جون چرا گریه میکنی. بلیطتات گلی شده؟ عیب نداره او و تمام ملت نقشه‌های مدبرانه‌ی‌جنگی خودم یکی خوبه شوبرات میخرم. گریه نکن، وای چقدر جوجو وملوسه» بعداورا توبغلش‌کشید و چندتا ماچش کرد و خواست باخویسردش که او فریاد زد وتوگل وشل افتاد وخیزان اکرد.

گل وشل تاساقهای او بالا میآمد وکفش تکه‌تکه وپاره‌و شکافهٔ او تحمل سنگینی آنهمه گل رااداشت.

ازآنوقت از این‌هیولاهاوحشت‌عجیبی‌داشت وحالاهم‌با‌آنکه تو اتوبوس موقعیتش کمی ثابت ومحکم شده بودباز ازنگاه کردن بشاگرد شوفر احترازمیکرد.

تو اتوبوس هرکس چیزی میگفت. یکی میگفت: «وای چقدر کوچولو است. آدم خیال نمیکند روی این‌قلبهای نازك‌من شود ایستاد» دیگری ازش پرشید: «کوچولو اهل کجائی. مادر هم داری؟» و همه باتعجب بدسته بلیطها نگاه میکردند. حتی یکنفردوتا دهشامی کف دست او گذاشت. اما او همانطوربانگاه ثابت وپرحدتش نشان داد که محتاج آن نیست وآنقدر کف دستش راشل کرد تا دهشامی‌ها کف اتوبوس ریخت. اوحادث نکرده‌بود کار نکرده مزد بگیرد. حتی بارسال عید که تو مدرسه او راهم از لحظ سر و وضعش جزء فقیر فقرا رقم زده آقا مدیر یك دست کت‌وشلوار متوسط بادست خودش بتن او کرده بود وقتی‌آمد خانه‌ بدرش خیلی ملایم وپر نوازش باو فهماند که این تربیت گدائی است و او بچهٔ .... اما بیان این حقیقت برای او خیلی مشکل بود ناچار سر بزیر سکوت کرد. اما مثل آنکه ازومسی هم نداشت بگوید. او خودش خیلی خوب میدانست پسر کیست. زیرا «اصغری» دوبروی خانه شان بارها از پدر او سر کلاسش صحبت کرده بود؛ ولی با اینهمه معلوم بود قانع شده، یك سئوال آشکار سر زبانش خشك شده بود بدرش تشخیص داد باید همه‌چیز با زبان ساده باو فهمانده شود وتقریبا او راقانع کرد وباو گفت که او هم لباس تو خواهد پوشید وآن آتیه زیاد دور نیست. بعد هم بهش فهماند مجالنا بچه چه کسانی رخت نو وقشنك‌میپوشند و او اینرا خیلی خوب درك کرد. زیرا فردایش لباس تعدل‌سری را باکا مدیر کامات ومبهت به پسرك نگاه میکرد و ازسرفهای قلبیه و سلبیه او دهانش از تعجب باز مانده بود ودکرد.

نوشتهٔ «ترانه»

پسرك

از یاد آوری‌این‌قضیه بادی در گلویش انداخت وسرجایش محکمتر نشست... اما این غرور شادی خیلی زود جایش رابه یك ناراحتی و گرفتگی وبلا تکلیفی داد، میخواست بزنه زیر گریه، خاطره آنروز عصر سخت آزارش میداد آنروز عصر که از مدرسه بابچه ها فریاد کنان بخانه آمد. چند نفر از دم‌خانه‌شان دید که همه قیافه‌های نا آشنا و تو سری خورده داشتند. قیافه های غیر طبیعی، مثل آنکه مسخ شده‌اند و حال که خوب فکر میکرد میدید این قیافه‌ها باهیولاهائی که بعدا بهشان‌برخورده بود چندان‌اختلافی نداشتند. مردها‌بعداز آنکه سر تاپای‌او راورانداز کردند پرسیدند «تو پسر کی هستی؟» و از هم خیلی شجاع همانطور که بدرش یادش داده بود جواب‌داد‌آنهاهم بیلاحظه‌ریخته تو خانه و تمام اثاثیه را زیرو رو کردند. او حتی میتوانست الان بوضوح صدای گریه وضجه مادرش را بشنود که فریاد میکرد «آخر تو آنجا چیز های زنانگی‌است‌قباحت داره مگر شماخودتان زن و خواهر ندارید» اما آنها گوششان بدهکار نبود. بدرش یکطرف بالابروان گره کرده و با تعجب فراوان ایستاده بود، از حرکات آنها از کاوش آنها، از منظورشان سردر نمیآورد آنهاهم بعداز کاوش وجستجوی زیاد کتابی متر طاقچه نظرشان را جلب کرد «آهان پیداش کردیم .... اوهو ... عکس ازمابیتهران هم روی‌جلدش است» بعد یکی از آنها دفترچهٔ کهنهٔ کوچکی‌از جیب بغلش در آورد «این کاررا باتانی واطمینان کامل‌انجام‌داد»

بعد از مکثی‌ابروانش بهم گره‌خورد: «قد متوسط (بااحتیاط) هیکل کمی، نه خیلی کم لاغر، چشمان قهوهٔ تند، ابروهـا نسبتا پرپشت، موخرمائی. صورت مرد گرفته شده بود چشمان بیحال‌و نا امیدش، حرکات لجوجانه و عصبانیش، خیالهای شیرین نقش بر آب شده ای‌را نشان میدادند، بوحست بعرف آمد «اه... اما چرا این موهاش مشکی است»

دیگری خاطر جمعش کرد «دراین دوره و از این آدمها هیچ چیز بعید نیست. موهایش را رنك کرده!» صورت مرد دو مرتبه از هم باز شد چشمهایش رمقی گرفت.

دستهایش دیگر حرکات عصبی نداشتند. حالت یقین‌پیدا کرد «خوب ... ده یالله بیفت‌جلو» گریه و فغان زن و فرزند ودفاع خود او از بیش ابزه‌گفتند «ما نمیدونیم» کاری ندارم؛ باید بیائی خودت جواب بدهی، اگر عوضی است آن‌ها خودشان معلوم می کنند.» ... «بازار و سیروسفر بشینه، تویخونه اش بیاده بشه. این رو و اونرو. اونورنیگر نمیدارم: میای آقا؛ ده زودتر، میخواهم‌بریم. خانم معطلش نکن رفتیم. ده دیگرش دار. صنیه‌اش چقدر برزوره! وای نیتوله به!» صدای نعرهٔ خنك شاگرد شوفر چرت او را پاره کرده کرد. از اتوبوس پاده شد. حاشیه خیابان جلیل آباد‌را گرفت و رفت. خانه شان بیشترها محله عربها تو خیابان ناصریه بود.

اما از وقتی پدرش را بزندان مادرش تقریبا ذره ذره همه چیز را فروخت و بعد هم مجبور شد بیاد اینجا. خودش می گفت اینجا غریب هستیم‌و کسی مارو نمیشناسد که جلو سر وهمسرخجالت بکشیم.

منهم میتوانم اینجا گاه‌گداری برم رختشوئی. درطول راه با خودش میگفت «یعنی میشه یك روزی باز بابام بیاد آن وقت من دومرتبه میرم مدرسه» از فکر مدرسه و هنشاگردیها تیم معصومی‌گوشهٔ لبش مهر شد. اما نمیفهمید‌چرا‌مادرش در جواب سئوال او که چرا آن‌ها بابام را بردند‌گریه میکرد یاهیچی‌نمیگفت همانطور‌که نمیفهمید چرا همه مردم او را کوچولو خطاب‌می کردند مادرش بعدازمدتی گریه‌قطعی گفت «میاد... میاد. آخر خودشون گفتند عوضی است.

اما حالا روشون نمیته اقرار کنن» یادش بود بدرش‌باو می گفت جن و دیو شاخدار دروغ است ولی او همان هیولا ها بنظرش دیو شاخدار میآمدند.

هیچکس نبود این معما را برایش حل کند جز پدرش‌باز با خودش گفت «آره بابام میاد. حتما میاد، آن‌وقت من بیتتن از همیشه دمشتو بوس می کنم. مثل آنوقتها که می گفت جان دلم و شیره عمرم، ده بوس کن باز هم پشت گوشو. بعد قلم دوشش میشم. پروشونه‌هاش بالاتس میزنم و وقتی خسته شد رو پشتش راه‌میرم تاخستگی هایش دربره. بابام دیگه بمن کوچولو نمیگه. بابام‌خوبه، مگه صد دفعه بمن نگفت تودیگه حالابرای خودت مردی شدی.»

در همین موقع سوزشی که پایش احساس کرد، این‌روز ها از بس پیاده‌راه رفته بود کف پایش تاولو زده بود. دهنه کلوبندك به چند تابچه هفتد خودش برخورد آن‌ها قاب بازی می کردند و سر کول هم بالا میرفتند و هرچند گاهی هم جلو کسی را می‌گرفتند و با التماس تقاضای دهشامی بول میکردند.

لباس همه شان زنده وپاره بود، جیب شلوار یکی از آن‌ها در کشاله رانش دریدگی آشکاری داشت که تا سر زانویش میرسید و تمام جانش را نشان میداد جرات نکرد بآنها نزدیك‌شود فقط از وضع ژنده و پاره آن ها یاد میآمد تا بلیط فروخته، دم دکان دوچرخه سازی به دوچرخه ها نگاه کرد بدرش گفته بود وقتی او تصدیق شش بگیرد یك دوچرخه برایش می‌خرد.

بعد حسابکرد سه سال دیگر مانده و باز آرزو کرد بایاش بیاید. چند قدم آن طرفتر دکان اسباب بازی فروشی، اگر چه بسیار محقر بود، توجهش را جلب کرد. دکان اسباب بسازی فروشی همیشه برای او جالب بود. بارها موقعیکه بپادرش تو خیابان بودند، او را بزور پشت وپشت‌پن این مغازه ها میکشاند. اسباب بازیها آن‌قدر مختلف بودند که او نمیتوانست اسم یکی‌یکی را حفظ کند اما مدرسه‌شان بچه هاتفنت وهفت تیر و تانك داشتند او هم از اینها میخواست بدرش گفت من تانك نمیخواهم چون اصغری گفت تانك مسکنه یکدفعه بیایند از رخانه شمارد بشه و آنجا را تل خاك کنند، اما تفنك میخواهم، وبدرش‌ش گفت: مگه بادت رفته خود اصغری هفت تیرش را در کرد وچوب بچهٔ آن بیشانی ترا زخم کرد، مگه بادت رفته چقدرخون از پیشانیت آمد و چندروز خوابیده بودی.

اینها تفنك دارند برای آنکه عرضه ندارند یا آن چوبها خانه وکارخانه بسازند وبالاخره هم برای آنکه دل اورا شکسته باشد یك آدمك که دستش بیرقی سفید بود برای او خرید وقول داد توخانه حکایت بیرق سفید را برای او بگوید. یاد چوبها‌سخت مشغولش کرده بود احساس میکرد ازخانك وتفنك نفرت دارد.

یکدفعه متوجه شد هرشب که از دوره گردی بدرش‌جمعهٔ اسباب بازیهایش همیشه باو چشمك میزده، اما او آنقدر خسته و کوفته‌بوده که هرگز میل نکرده بسراغ آنها رود واداوی عهد کرد وقتی بخانه رسید، آن خانه‌ای را که بدرش سعی می کرداو بسازد ونمی‌توانست امشب سعی کندبسازد وآن حروفی را که‌بدرش خودش ازچوب بریده بود روی آن درست بچینند. اما یادش‌نیامد آن کلمه چه بود... چی بود؟... چی بود... ده چی بود؟

..... اوه! یادم آومد (خانهٔ پیروزی) بود. دیگر قدمهایش را تند کرد. سوزشی در پایش‌احساس نمیکرد. به‌پیچه‌های ویلائی که سرو کله هم بالا میرفتند اعتنائی نداشت. دیگر از آن هیولاها ترسی در خود نمیدید تابا احتیاط اطراف را بیاید، حتی بادش رفت نان شب را هم از نانوائی سر گذر بگیرد. باعجله قدم بردمیداشت. تقریبا میدوید، میدوید که زود تربخانه برسد.

امروزش باروزهای دیگر فرق بسیار داشت ماه ها هرروز صبح زود بلند میشد همیشه خواب آلوده. اغلب روزها صبح چای نداشتند مادرش میگفت نه به‌جون قندپاین گرانی کی زورش‌میرسد چای بخوره. تازه قند خالی که پس چائی میخواد، زغال میخواد، سماور میخواد که ما نداریم» فقط نان میخوردند. نان خالی واو یك تکه نمیتا ترك هم برای ناماوش در یك دستمال می‌پیچید و زیر بغلش میگذاشت. آنوقت بعض اینکه از دربیرون میآمدمجله «بخت آزمائی ملی وپس فردا» را طوطی وار میگفت و میرفت حتی اگر ده روز بفرجه کشی مانده بود باز او داد‌میزد «بخت آزمائی وپس فردا» این کارش بود تا غروب که بخانه برمیگشت، اما امروز باروز های دیگر فرق داشت امروز می‌خواست کاری انجام دهد، کاریکه امروز بدرش دوست میداشت ومیخواست‌او فردا خودش...

تهران اردیبهشت ۱۳۲۹

سی سالگی سینمای شوروی

بقیه از صفحه ۱

به این ترتیب در این فیلم خصاصیت مهم ره آلیسم سوسیالیستی — یعنی حد اعلای احترام نسبت به زندگی و عالم باطنی مردم ساده ای که سرنوشت ملت را تعیین میکنند، جلوه گر میشود.

فیلم با تصویر هالی فروه گاه برلن پایان میپابد. جنگاوران شوروی و نمایندگان ملت های آزاد شده ی اروپا ی. و. و. استالین رهبر ملت فاتح را استقبال میکنند. هزاران نفر اشخاص از ملل واقوام مختلف باشور و هیجان سردار نامداری را پیشوار میکنند که بشریت را از بربریت و وحشیگری های هیتلر و همالش نجات داده است. نور محبت صمیمانه و علاقه بی پایان ازچشمهای نمایندگان ملل میدرخشد و تهنیت های متشاقانه ی آنان پایانی ندارد. پیروزی استالین — پیروزی تمام ملل شوروی و مایه ی خوشبختی میلیونها نفر مردم زحمتکش است.

پیروزی موجب خوشبختی کامل تاتاشا و آلکسی میشود. در لحظه ی باشکوه استقبال ی. و. استالین در برلن آلکسی، تاتاشای گمشده اش رامیبابد. تا دیگر هرگز ازهم جدانشوند.

داستان ساده ی دونفر جوان خوب شوروی بدین نحو پایان میپابد. هنرمندان سینما فیلم مذکور را دارای مفاد عمیق اجتماعی نموده اند.

سخنان نهائی ی. و. استالین که در پایان فیلم میکوبد بشرح زیر بتمام بشریت زحمتکش خطاب شده است:

« این پیروزی بقیمت گرانی تحصیل شده است. قربانیهائی را که داده اید فراموش نکنید. از اکنون تاریخ در مقابل ملت هائی که به آزادی علاقه دارند شاهراه وسیعی افتتاح مینماید. هرملتی باید برای حفظ صلح در تمام دنیا، برای خوشبختی مردم ساده ی تمام کشورها وتمام ملل مبارزه کند. فقط در چنین صورتی میتوان گفت، که قربانی های ما بیهوده نبوده اند. وهر کدام ازماخواهیم توانست با اطمینان به آینده خویش امیدوار باشیم وبنگریم ... پس صلح را بنام آینده ی امیدبخش حفظ کنیم. دوستان من، خواهان صلح و خوشبختی برای همه ی شما هستم! »

نقش ی. و. استالین رام. گلووانی هنر پیشه ایفامینماید. در تمثالی که نامبرده بوجود آورده است نکات وصفات گرامی ومانوس رهبر عزیز را مشاهده میکنیم — یعنی عظمت، سادگی، آرامش صمیمیت و علاقه ی مفرط به ملت را می بینیم.

ب. آندره یف هنر پیشه در نقش آلکسی — ایوانوف تمثال جذاب کارگر پیشرو جوان شوروی و سرباز فداکاروا تصویر و مجسم نموده است. ب. آندرویف با حفظ تمام بهترین نکات استعداد فردی خویش آن رنگ آمیزیهای هنری رایافته است که با صفات قهرمان مذکور مطابقت دارد.

بانو م. کاوالیووا (ناتاشا) و بانو س. گیاتسین توو (مادر آلکسی — ایوانوف) بنحو قانع کننده ای وظیفه ی خود راایفاء نموده اند. تمثالهای موثر زنان وطن پرست شوروی کاملا درخاطر نقش می بندند.

تمثال های سربازان شوروی نیز از حیث نجابت باطنی ممتازند. آن تمثالها رایو. تیماشنکو (زابچینکو) و آ. اوراز علی یوف (یوسف) بوجود آورده اند مجریان نقش ها به بهترین نحوی خاصیت ملی ملتهای اوکراینا و ازبك رانمایان ساخته درهما بحال صفات وخواص عمومی سربازان شوروی رانیز ازقبیل وفاداری نسبت به حزب، دوستی سربازی صمیمانه، پی باکی واستعداد از خود گذشتگی وفداکاری برای کار باعظمت عمومی را جلوه گر نموده اند.

لازم است بازی باروح ومتقاعد کننده ومهارت هنرپیشگی ب. ساوه لیف (هیتلر) را جداگانه ذکر نمائیم هنرپیشه ی مزبور هیتلر را در حالات مختلف و وضعیت های متفاوت — از حالت خود ستائی تصنعی صرعی در آغاز فیلم تا پی اعتنائی وبی ادراکی حیوانی در آخر فیلم که اومانند یکنفر دزد رو بسته (کانیکستر) یا قمارباز پاك باخته تصمیم میگیرد از دادگاه ملل خود را خلاص نماید — بخوبی نشان داده است. بانوی هنر پیشه (و. و. — آنجا باربدزه (ماشین نویس هیتلر) باقدرت فوق العاده حادثه ی تراژیك رانمایان ساخته است.

مولا رومن — رولان چنین نوشته است: « سینمای شوروی بزرگترین هنر ملتی است، که برای همه سخن میگوید صدای همه وچشم همه است. هنر مندان شوروی که کارهای آزمایشی آنان کارهای استادانه بوده است، بدون اینکه خودشان بدانند، بهترین هنر توصیفی و اختصاصی دنیای جدید شوروی را بوجود آورده اند واین هنر چنان در هماهنگی طبیعی و خاص خود صریح و مبین است که عینا مثل تراژدی قهرمانی برای دنیای متحق میباشد هنر سینمائی شوروی راه خود رابرحمت بخودی خود باز کرده، تمام مراحل راهی که طی نموده است با یاد گارهای فراموش نشدنی و تزلزل نا پذیر نمایان ساخته است.

روزنامه ی امریکائی «دیوز» در سال ۱۹۳۹ چنین نگاشته بود: فیلم شوروی «پتراول» بقدری عالی است که تمام صفت‌ها برای وصف آن وبیان لذت ما از آن خیلی بی رنگ و سست بنظر میآیند.»

اهمیت جهانی سینمای شوروی قبل ازهرچیز بوسیله ی منظور های مترقی و تمثالهای فراموش نشدنی فیلم های آن و تصویر و تجسم ره آلیستی زندگانی که منعکس کننده ی مزایای سازمان سوسیالیستی شوروی می باشد مشخص و معین میشود.

همچنین از حیث کیفیت عالی هنری محصولات سینمائی آن تعیین میگردد.

اکنون فیلم های شوروی در تمام کشورها نمایش داده میشود و نزد تمام مردم مترقی جهان موفقیت و محبوبیت کامل دارند.

فقط در سال ۱۹٤۸ فیلم های شوروی را در ممالك خارجه ۲۸۵ میلیون نفر تماشا کرده اند. فیلم های شوروی بر قلوب ملیونها نفر مردم ساده در ممالك خارجه استیلا یافته است. حقیقت منظورها وآرمانهای بشردوستی و صلح طلبی که درآنها بیان شده است بر دروغ های ارتجاعی واختراعی عمال مزدور امپریالیسم جهانی غلبه کرده است.

۵ — پیروزی بین المللی هنر سینمائی شوروی

تمثالهای هنری فیلم های شوروی در ملت های جهان فوق العاده تاثیر مینماید وهرچند دشمنان ترقی وتکامل میخواهند بوسیله ی سدهای زهرآگینی از دروغ ها وبهتان ها مانع میل طبیعی ملتهای خود شده، نگذارند آنها باملل اتحاد شوروی دوست ونزدیك بشوند، معهذا فیلم های شوروی آن سدهای زهرآلود را بکلی محو ونابود میکنند.

با اینکه مطبوعات ارتجاعی نهایت کوشش را مینمایند که فیلم های شوروی را لکه دار نمایند و انواع تهمت ها را به هنر سینمائی شوروی روا میدارند، معهذا بشریت مترقی در تمام جشن های بین المللی سینمائی (فستیوال ها) تاج افتخار برتارك آن نصب میکند. هرویز، سال ۱۹۳٤ شهر مسکو سال ۱۹۳۵ شهر ونیز و شهر کان سال ۱۹٤٦ ... شهر ونیز سال ۱۹٤۷ . همیشه عالیترین جوایز نصیب فیلم های شوروی شده اند.

بالاخره فستیوال بین المللی سینمائی در سال ۱۹٤۹ درچکوسلواکی باشمار برای بهترین انسان و کاملترین جامعه ی بشری» در آنجا ۳۲ فیلم دارای متراژ کامل (فصل) و قریب ٦۰ فیلم کوتاه متفاق به کشورهای مختلف نمایش داده شدند.

از ۱۸ جایزه ی فستیوال ۸ جایزه نصیب کارکنان سینمای شوروی گردیدند از سه جایزه ی عمده ۲ جایزه: «کره ی بلورین» برای سری اول و «برد استانلیکنراد» و «جایزه ی صلح» برای فیلم «تلاقی در رود البا» به فیلم های شوروی اعطاء گردیدند. جوایز اختصاصی نصیب فیلم های «میچورین»، «اول ماه مه سال ۱۹٤۹ در مسکو» «کل هفت رنك»، «گردن خاکستری»، «داستان یك انگشتر» گردیدند.

آ. باریوسف هنر پیشه برای ایفا نقش آکادمیسین پاولوف بدریافت جایزه بهترین بازی و هنرپیشگی نائل شد.

بزرگترین مردان تمدن و فرهنگ کشورهای خارجه و رژیسورهای سینمائی و مطبوعات مترقی کرا را در بسازمی قدرت فکری و آرمانی هنر سینمائی شوروی قلمفرسائی نموده اهمیت تکاملی فوق العاده ی سینمای شوروی را برای تمام سینما توگرافی جهانی خاطرنشان ساخته اند.

مثلا رومن — رولان چنین نوشته است: « سینمای شوروی بزرگترین هنر ملتی است، که برای همه سخن میگوید صدای همه وچشم همه است. هنر مندان شوروی که کارهای آزمایشی آنان کارهای استادانه بوده است، بدون اینکه خودشان بدانند، بهترین هنر توصیفی و اختصاصی دنیای جدید شوروی را بوجود آورده اند واین هنر چنان در هماهنگی طبیعی و خاص خود صریح و مبین است که عینا مثل تراژدی قهرمانی برای دنیای متحق میباشد هنر سینمائی شوروی راه خود رابرحمت بخودی خود باز کرده، تمام مراحل راهی که طی نموده است با یاد گارهای فراموش نشدنی و تزلزل نا پذیر نمایان ساخته است.»

روزنامه ی امریکائی «دیوز» در سال ۱۹۳۹ چنین نگاشته بود: فیلم شوروی «پتراول» بقدری عالی است که تمام صفت‌ها برای وصف آن وبیان لذت ما از آن خیلی بی رنگ و سست بنظر میآیند.»

اهمیت جهانی سینمای شوروی قبل ازهرچیز بوسیله ی منظور های مترقی و تمثالهای فراموش نشدنی فیلم های آن و تصویر و تجسم ره آلیستی زندگانی که منعکس کننده ی مزایای سازمان سوسیالیستی شوروی می باشد مشخص و معین میشود.

همچنین از حیث کیفیت عالی هنری محصولات سینمائی آن تعیین میگردد.

اکنون فیلم های شوروی در تمام کشورها نمایش داده میشود و نزد تمام مردم مترقی جهان موفقیت و محبوبیت کامل دارند.

فقط در سال ۱۹٤۸ فیلم های شوروی را در ممالك خارجه ۲۸۵ میلیون نفر تماشا کرده اند. فیلم های شوروی بر قلوب ملیونها نفر مردم ساده در ممالك خارجه استیلا یافته است. حقیقت منظورها وآرمانهای بشردوستی و صلح طلبی که درآنها بیان شده است بر دروغ های ارتجاعی واختراعی عمال مزدور امپریالیسم جهانی غلبه کرده است.

در راه آزادی
اثر معروف هواردفاست
ترجمه آقای ر - نامور از طرف بنگاه مطبوعاتی صفی علیشاه منتشر شد
کسانی که هواردفاست را می شناسند و به ترجمه های آقای نامور آشنائی دارند بدانند تاکنون کتابی باین پرمغزی برشته تحریر درنیامده است

اطلاعات در یکربع قرن

بقیه از صفحه ۳

است از اینکه آزاد مردان همه در کنج زندانها در زیر چکمه مغازیها ویابوسیله آمپول هوای بزشك احدیها تلف نشده اند تا آنها توانستند از زندان خارج گردند بسیار نگران است.

تا جائیکه اکنون مینویسد: «واولین قدمی که با سرعت مجلس شورای ملی تحت تاثیر عوام فریبی برداشت آزاد کردن زندانیان بود که بی مطالعه انجام گرفت.»

مختصر آزادی که در سالهای اول بعد از شهریور در زندگانی ملت ایران بوجود آمده بود بقدری فکر مدیر اطلاعات را ناراحت نموده وبخودمشغول داشته است که حتی بفکر شکستنی رخ برای سیاست استعماری انگلستان رخ داده است افتاده و برای آن نوحه سرائی میکند: «اما چندی نگذشت خارجی ها بخصوص انگلیسها دریافتند که این وضع آشفته مضرات سیاسی دیگری دربردارد ولی دیر باین فکر افتادند، کار از کار گذشته بود. موقعی بود که رشته ها ازهم دررفته بود. افکار طوری متقلب شده بود که دیگر نمیشد تمرکزی بآن داد بدینی بخصوص نسبت بانگلیس هاشدت یافته بود وازآن ببعد هرچه بجستجوی حکومت مقتدری که رشته هارا دردست گیرد میرفتند نائل نمیشدند.»

آری اکنون هم همین حکومت های مقتدر است که هر روز امپریالیسم انگلستان وامریکا بدست آفایان بملت ایران تحمیل مینمایند تاکشور مارابصورت بازار اجناس بیمصرف آنان درآورند.

هستی مملکت را خواه بصورت ارز وخواه بشکل نفت بربایند وملتی را تقیر وگرسنه وبی سواد نگهدارند.

بیهوده نیست که آقای گریدی و نظایر ایشان درچشن اطلاعات بتحسین و تشویق این روزنامه پرداخته میگویند: «اطلاعات یکی ازموسسات بسیار خوبی است که تاثیر هیچی درمردم مینماید.»

این روزنامه شباهت زیاد بطرز فکر و کارامریکائی دارد. این موسسه بایدمورد قدردانی واقع شده.. این روزنامه خدمت بزرگی بملت ایران میکند...»

خوبست آقای گریدی وهمکارانشان بدانند که ملت ایران این دوستان عالی قدر و معرفی کننده کانشان را دیر گاهی است شناخته است.

ازاین گونه خدمت ها که جزغل و زنجیر اسارت وبندگی بیگانگان نتیجه دیگری ندارد سیر شده است و بدان نیازی ندارد

باتو کارهای آخرین مدل
ایران پیما
همه روزه به گیلان گرگان مازندران...
نشانی: خیابان سعدی پشت بانك شاهنشاهی تلفن ۵۷۱۱
شعبه خیابان بوذرجمهری مقابل بازار آهنگرها ۷۳۹۱
۹۳۷۹
پامنار
شنبه بازمانده ۸۹۹۹ — خیابان فردوسی تلفن ۷۱۲۹
تبریز — اردبیل — آستارا — رشت — پهلوی — رامسر — زنجان — قزوین — تهران — چالوس — مشهد — شاهرود — همدان — کرمانشاه — بغداد — اصفهان — شیراز
همیشه همه جا با میهن تور
خط سیر شما فریبی شرکت میهن تور

اتو کرمانشاه
اگر نظم و آسایش درمسافرت راطالبید باتو کرمانشاه مسافرت کنید

طرح اصلاح قانون حکومت

بقیه از صفحه ۱

«دولت نمی تواند چه در مواقع فوق العاده که ضرورت ایجاب کند اعلان حکومت نظامی بدهد و آنهم باید با تصویب مجلس شورایملی باشد، اگر وقتی درجائی ضرورت فوری ایجاب کرد دولت می تواند آنرا اعلام کند ولی باید درظرف دوروز، پیشنهاد آنرا با ذکر علت بمجلس شورای ملی بدهد وموافقت آنرا بخواهد، مدت حکومت نظامی نیز باید دراعلان معین گردد وتمدید آن اگر لازم شود محتاج باجازه جدیداست.»

دراین چندساله دموکراسی ظاهری، شاید هیچ مسئله حتی موضوع نان مردم بالاه، «مسئله حکومت نظامی» مورد بحث جرائد قرار نگرفته وسخن نرفته است، این یك امر طبیعی است، آزادی زبان، قلم، اجتماعات ومطبوعات در بالاخره مصونیت جان ومال ومسکن و شرف مردم، همیشه دشمن خودرا درلباس حکومتهای نظامی وشبه نظامی میبابدو ناچار بااین مجسمه عناد ولجاج، بیش از همه می ستیزد.

قانون حکومت نظامی برای یك دوره موقتی بوجود آمد، هنگامی که استبداد تیمه جان، دوباره بحرکت آمده وبقصد جان مشروطیت برخاسته بود، محمد علی میرزای مخلوع که در نهایت پستی بدامن دیگران گریخته بودمجددا باز آمده وبهمراه برادرخودسالارالدوله بایتخت را تهدید می کرد، عوامل و ایادی استبداد، در داخل پایتخت، بسر سربستهای حساس باقی مانده و از داخل در صدد منفجر ساختن اساس حکومت ملی بودند، درچنین شرایطی، آزاد مردان، «وکلای باصمن نیت مجلس دوم» قانون حکومت نظامی را بوجود آوردند وآزان بعنوان سلاحی علیه خرابکاران و خیانت پیشگان مدد گرفتند، حتی ازمتن قانون بخوبی مستفاد میشود که نفوذ قانونی آن، تنها بیکدورهٔ موقت، تا ریشه کن ساختن دسیسه محمدعلی میرزا ودیگر ایادی مزدور استبداد، منحصر بوده وسپس ازاثر قانونی می افتاده است، وقتی ماده٦ قانون حکومت نظامی مقرر میدارد: «هرگاه هیئت حاکمه محاکم نظامی تخفیف، مجازات، مصری راه قتش بداا این حق راخواهند داشت که بتوسط وزراء مسئول ازمقام نیابت سلطنت تخفیف مجازات شخص مقصر را درخواست نمایند...» می توان نتیجه گرفت که قانون مخصوص بدوره ای موقت، تنها زمان انشاء آنست، که احمد میرزا ساحار پادشاه وقت، بسبب صغر سن از عهده انجام وظائف محوله برنمی آمده وشورای سلطنتی، برای اداره امور مربوط باو نیابت سلطنت را مقرر داشته بوده است والا لازم می آمد که برای زمانهای بعد، نیز پیش بینی های لازمه را مقرر میداشت ومثلا هنگام اختیار نایب السلطنه را بشخص شاه اعطاء می کرد.

با اینحال متاسفانه قانون حکومت نظامی، بقوت خود باقی ماند و درست، خلاف مقاصد موجدین و مقنین آن بکار رفت و همچون سلاحی دردست ایادی استبداد علیه آزادی اعمال گردید.

پس از کودتای «۱۲۹۹» هنگامی که قرارداد دیکتاتوری بیست ساله استحکام یافت، از قانون حکومت نظامی بهره گرفتند وازآن درسر کوبی آزادیخواهان استفاده بردند و بالاخره پس از زوال دیکتاتوری، بمحض آنکه نسیم آزادی وزیدن گرفت، عفریت حکومت نظامی هنوز پس از نه سال مردم از درد وشکنجه می نالند و از «مزایای» آن بنحو احسن بهره ورند!

اینك «جبهه ملی» که از آغاز پیدایش، اصلاح قانون حکومت نظامی را وجهه نظر خود قرارداده وبعنوان یکی ازهدف های خود معرفی نموده بود بهمراه جمعی دیگر ازنمایندگان، طرحی را که درآغاز کلام، در میان گذاشتیم بقید یك فوریت بمجلس تسلیم داشته وتصویب آنراخواستار شده است، تصویب این طرح بهرحال قدمی خواهد بود ودست دولت را تاحدی در سوء استفاده از مقررات حکومت نظامی خواهد بست، اما شاید این تنها یك قدم از صدها قدمی باشد که باید برداشته شود تا مکرصولت و سطوت حکومتهای قانون کش نظامی درهم شکند ومقرراتی که تنها می بایست علیه دشمنان امنیت واستقلال و آزادی بکار افتد در قبال آزادیخواهان و دوستداران مردم ازحرکت بازماند.

طرح تهیه شده این معایب ونقائص را دارد که:

اولا — در اصل قانون حکومت نظامی هیچگونه سخنی نرفته و در تعدیل مقررات حقوقی قانون آن پیش بینیهای لازم بعمل نیامده است.

قانون حکومت نظامی، هنگامی بوجود آمده که زیان قانون گزاری الکن بوده و بخصوص ابودن قوانین جزائی و مقررات مربوط بادرسی کیفری، قانون مذکور را بیشتر بصورت قوانین سلاطین و فرمانروایان هر استبداد شبیه ساخته و بر شدت وخشونت آن افزوده است، مثلا ماده ۲ قانون مذکور می گوید: «باید محاکم نظامی موقتی تشکیل داده شود که باسرعت و شدت در تقصیرات و اقداماتی که برضد امنیت وآسایش عمومی است رسیدگی نماید.»

که ماده مذکور با اصل ترمش قوانین جزائی ورأفت اصولی نسبت بمتحین مغایرت دارد وهمچنین مادهٔ ٤ همین قانون مقرر می دارد: «اشخاصی که عملا برضد دولت مشروطه و امنیت و آسایش عمومی اقدام و خیانت آنها مدلل شده باشد محکوم بقتل خواهند بود.»

که حتی در عبارات آن نارسائی در قانونگزاری و شدت آشکار است و میدان وسیعی بسوء استفاده کنندگان از قانون میدهد تا هرچه که میخواهند بکنند وساطور قصابی را برضد هر کس که ازامیال و مطامعشان سر بپیچد بکار اندازند.

امروز بیست چهل سال فاسگرازی، بس از آنکه اینهمه مقررات برای تعقیب وتعقیق و مجازات متهمین ومرتکبین جرائم فراهم آمده است، ناشایست است که هنوز مقررات مذکور قانون حکومت نظامی با همه نارسائی و تاریکی وخشونت مطاع ومتبع باشد وملاك ومورد اعتناء قرار گیرد.

موادد یگر قانون حکومت نظامی ازاینها هم فاحشتر و نامناسبتر است، مادهٔ قانون بقوه مجریه اجازه میدهد تاهر کسی را که مظنون «مخالفت بادولت مشروطه وامنیت وانتظام عمومی» قرار گیرد مورد استنطاق ومجازات قرار دهد وتازه اگر دلائلی علیه او بدست نیاید چنانچه سوء ظن «یکلی» رفع نشده باشد ویرا در زندان باقی دارد وپس ازاختتام حکومت نظامی بعدلیه تسلیم نماید که تاکنون بتجربه دیده ایم چگونه از اینماده بهره گرفته اند وچگونه «دشمنان آزادی، «مخالفین خودرا بنام «مخالفت بادولت مشروطه و امنیت وانتظام عمومی» در کنج زندانها، مقلول داشته اند!

مادهٔ ۷ قانون بمامورین «تامین شهر» که ماهیشان بر همگان آشکار است اختیار می دهد که بهرخانه ای «سوء ظن» یافتند برای تفتیش بدرون آن روند و اگر مخالفتی بعمل آمد چیرا داخل کردند و مخالف و مقاوم را «قهرا» دستگیر نمایند تا موافق حکم محکمه نظامی «قهرا» تسیاست شوند.

مادهٔ ۸ مقرر می دارد که اگر جرائم باشارات مخالف دولت دست زنند توقیف شوند و «نمرات» روزنامه و ادارهٔ آن توقیف گردد وچنانچه تحریك «بضدیت با دولت» شده باشد متصدیان و مدیران آن‌ها طبق حکم محکمه نظامی مجازات شوند.

و بالاخره مادهٔ ۱۰ اجتماعات و انجمنها را موقوف و متروك می دارد و هرگونه اجتماعی بیجرد اخطار پلیس باید منفرق گردد وگرنه هرکت کنندگان جلب و بموجب حکم محکمه نظامی کیفر خواهند دید.

با وجود اینهمه شداید که ازقانون حکومت نظامی مستفاد میشود وبخصوص با توجه بطرز عمل مجریان که سراپا حق کشی وقانون شکنی است، تهیه کنندگان طرح اصلاح قانون حکومت نظامی بهیچوجه درصدد تعدیل و ترمیم آن برنیامده و هیچگونه تامینی درقبال تاخت وتاز بیحساب مامورین نظامی ایجاد ننموده اند.

ثانیا — طرح مذکور بدولت اجازه میدهد درموارد یکه فوریت ایجاد حکومت نظامی را «تشخیص» دهد رأسا باعلام و برقراری آن اقدام نماید وپس از دو روز مجوز آنرا از مجلس شورای کسب کند و حال آنکه بتجربه دیده ایم همیشه در آغاز اعلام حکومت نظامی شدت و خلاقکاری بنهایت میرسدو دستگاه حاکمه اکثرا در آغاز کار بتصفیه حساب های شخصی میپردازد.

ما در همین تهران، با «عدالت اتوماتیك» دستگاه حکومت نظامی روبرو بودیم که مرد نیمه مجنون ومصروعی را که متهم بقتل مادر خود بود بانهایت سرعت محاکمه کرد وباعدام او مصمم شد و بعض آنکه متهم اظهار داشت از حقوق تجدید نظر و تمیز صرفنظر کرده است وبرابر خلاف همه «قررات قانونی» بدون آنکه اجازه دهد از مهلت قانونی برای استیناف و تمیز استفاده کند شاید در آخرین لحظات بفکر بنده گیری از حق قانونی خود و کوشش در راه نجات افتاده و خیانت آنها مدلل شده باشد محکوم بقتل خواهند بود.»

ثالثا - در اواخر پانزدهمین دوره قانونگزاری ودر محیط تاریك پس ازبهمن ماه ۲۷، کمیسیون دادگستری مجلس شورای، بر خلاف صریح قانون اساسی، رأسا بقانونگزاری پرداخت و تعقیب و محاکمه، متهمین سیاسی وقضاوت درباره عقیده ومسلك اجتماعی و سیاسی را از محاکم دادگستری باز گرفت وبنظامیان واگذاشت، تصویب غیرقانونی لایحه ضد آزادی مذکور، حکومت نظامی رادو معنی تعمیم داد وبرای همیشه ودرسراسر کشورمستقر داشت، اصولا بینی که ازقانون حکومت نظامی وجود دارد خطری است که از آن نسبت بحیات سیاسی وافکار آزاد متحمل می باشد، مردم ازحکومت نظامی نفرت دارند، ازآن می ترسند به بسرای آنکه مثلا مقرر می دارد فلان ساعت شب بخانه ها باز گردند و شب زنده داریهای مجالس رقص وته دانسان دچار دهواری شوند، بیم مردم از مبارزه غیر قانونی وکین کشی وخشیانه ای است که هنگام استقرار حکومت نظامی علیه سیاست ومردان اجتماعی وسیاسی وبالاخره افکار وعقاید بیدار اعمال می شود و تا تصمیم کمیسیون دادگستری دموکراتی تعقیب ومحاکمه متهمین سیاسی بمحاکم نظامی، مجری ومتبع است بالبآل حکومت نظامی عملا وجود دارد بدون آنکه نیازی به اعمال علنی آن باشد، امامتاسفانه تنظیم کنندگان طرح «اصلاحی»، هیچگونه فکری در نسخ وفسخ تصمیمات غیرقانونی کمیسیون دادگستری نکرده اند.

رابعاً و بالاتر از همه، «جبهه ملی» که تصویب طرح «اصلاح» قانون حکومت نظامی را بعنوان یك «هدف اصلاحی» بحساب می آورد گویاوفراموش کرده است که بهترین قوانین چنانچه در دست مجریان نادرست باقی بماند کوچکترین سودی ازآن عائد مردم نمی شود وبهره ای را ازآن نمیبایستی انتظار داشت، امروز «منشور ملل متحد» این صریح ترین وپاك ترین مقررات درچنك امپریالیسم امریکا وا کثریت دست نشانده سازمان ملل متحد، بصورت آلتی برای تعدی وتجاوز بملل محروم وکوچك بدل گردیده است! امروز درزیر پرچم

بقیه از صفحه ۱

دادخواست بشعبه دوم دادگاه استان ۱ و ۲ محول شد و دادگاه بدین عنوان که مرجع استیناف در اعلام محاکمه جنحه استان اول و دوم ست نه احکام دیوان جنائی که استینافی ناپذیر است قرارعدم صلاحیت صادر کرد و با تقاضای تیمور دادستان شعبه ۵ دیوانعالی کشور بریاست آقای حشمت الله قضائی عدم صلاحیت مسلك دوم و صلاحیت دیوانجنائی تهران را تائید کرد، دیوانجنائی تهران بدین بهانه که احکام محکومیت بهر حال قطعی است برخلاف اصول و بدون تشکیل جلسه مقدماتی قرار رد دادخواست را صادر کرد براثر تقاضای متهمین پرونده ازنو بهمان شعبه دیوان کشور محول گردید، شعبه مذکور محکومیت را غیابی تشخیص داده قرار دیوان جنائی را نقض کرد واز نو دستور تجدید محاکمه داد ولی دیوان جنائی باز با وجود دستور لازم الاجرای دیوان کشور وبا آنکه مورد اتهام تنها تشکیل «حزب ضد سلطنت» بوده ونسبت بدیگر اتهامات ازقبیل تشکیل «حزب اشتراکی» موضوع در محکمه نظامی نیز مسکوت مانده و دادستان نظامی ادعای خودرا تلویحا پس گرفته بود وبالاخره باوجود بقای صلاحیت محاکم عمومی، قرارعدم صلاحیت خودرا صادر کرد و مراجع نظامی را صالح در رسیدگی تشخیص داد.

اینك سومین بار شعبه ۵ دیوان کشور بدین استدلال که محکمه باقبول صلاحیت خود قرار عدم صلاحیت کرده و این قرار عدم صلاحیت بهیچوجه عنوان قانونی نداشته و نیز باتوجه بموضوع اتهام «تشکیل حزب ضدسلطنت» صلاحیت دیوان جنائی را تائید و دستور رسیدگی صادر کرده است

محاکمه رهبران و اعضاء

باایناوصف شك نیست که محاکمه ۱۹ نفر متهمین مذکور درشعبه یك دیوان جنائی آغاز خواهد گردید وچنانکه اطلاع یافته ایم دیوان جنائی متهمین سیاسی مذکور را روز شنبه ۲۹ مهرماه ۱۳۲۹ برای تعیین وکیل احضار کرده است.

نباید فراموش کرد که احکام محکومیت صادره از مراجع نظامی ٤ بهیچوجه اساسی نداشته و تنها درشرایط تاریك پس از حادثه ۱۵ بهمن ۲۷ وبر اساس محاکمه حسب الامری وجود یافته است.

اعضاء محکمه، خود جمعی ازافسران نظامی بوده اند که اکثرا از بدوی ترین مقررات قضائی و جزائی اطلاع نداشته و تنها مطیع و پیرو دستورمقامات مافوق بوده اند و با وجود این، حتی درچنین «محکمه» ای نیز حکم براساس اکثریت و اقلیت صادر گردید، یعنی یك تن از قضات نظامی بررأیات همهٔ متهمین نظر داد و همین سبب خلع درجه و حبس و زجر او شد!

اینك افکار عمومی منتظر است که دیوان جنائی تهران مهر بطلان بر همهٔ اوراق «زور و مجهول پرونده زند وبا صدور حکم برائت، جمعی از ارجدارترین فرزندان وطن را که دوست و دشمن، پاکی و گرانمایگیشان معترفند از شکنجه و آزار برهاند.

مردم بحیثیت و مصونیت مردان سیاسی میهن خویش علاقه خاص دارند و حاضر نیستند آنرا ملعبه هوسهای سوء این و آن ببینند.

قضات دیوان جنائی بایستی بتعهدات خویش درقبال حق وجدان، درقبال هم میهنان خویش و بالاخره در مقابل دنیای آزاد که بیدار و هوشیار ناظر اینمحاکمه است بیندیشند و بدون در نظر گرفتن تمایلات و اغراض سیاه خداوندان زور و زر؛ بصدور حکم دست زنند.

عشق بی پیرایه

از: ژاندا و اسیلوسکایا
بزودی
توسط بنگاه ناقوس منتشر میشود

روزنامه مستحکم

روزچهار شنبه سوم آبان ماه با مقالات تحلیلی بطور هفتگی منتشر خواهد شد از خواندن غفلت نفرمائید

چاپ سینا

سازمان ملل، بسب برسر زبان و کودکان ویران از کرامانده کره می ریزند وخانه ها، مدارس وبیمارستانها را زیر وزبر میکنند

آنها که دم از «اصلاح» میزنند چنانچه در مدعای خود صادق باشند می بایستی نیروی مبارزه خود را برضد دستگاه فاسد موجود متمرکز نمایند و نه آنکه تنها اصلاح ناقص یك قانون حامد را وجهه همت قرار دهند ودر مقابل مردم بصورت یك «هدف» طرح نمایند، اما آیا تنظیم کنندگان طرح «اصلاحی»، می توانند ادعا کنند که درایزمینه حتی گامی برداشته اند، می توانند مدعی شوند اندك مقاومت اصولی درقبال زشتیها و مفاسد موجود از خود نشان داده اند؟!

نیروی سوم

شماره ۴۱ — ۴ آبان‌ماه ۱۳۲۹ — تکشماره سه ریال

قرارداد الحاقی نفت باید مردود و بی اعتبار اعلام گردد

دولتی که با این طرح شوم موافقت کند هیچ وجه مورد اعتماد ملت ایران نیست

نقض اصل ۴۹ متمم قانون اساسی

نسخ ضمنی اساس حاکمیت ملی و ابطال مجموعهٔ قانون اساسی است

بنظر میرسد که هم اکنون وقایق حساس اجرای نقشه‌های شوم شرکت نفت جنوب فرا رسیده است .

فعالیت های مقدماتی در کمیسیون‌ها و جار و جنجال های استیضاح و سئوالات نمایندگان مجلس و سناتورها بالاخره منجر باظهار نظر قطعی رزم‌آرا نخست وزیر مبنی بر موافقت باقرارداد الحاقی گردید .

نخست وزیر درسنا ومجلس صریحا اظهار داشت که اگر دولت وی با قرار داد الحاقی نفت جنوب موافق نبود و نه بروندهٔ نفت را به کمیسیون مبتدا و نه نماینده خود را برای توضیح به کمیسیون نفت میفرستاد .

با ختم تعطیل تابستانی « سنا » و افتتاح مجدد آن، مسئله تجدید نظر در برخی از مواد قانون اساسی و بخصوص ایجاد حق « وتو » نسبت بتصفیه قوانین برای اعلیحضرت شاه، این « وظیفه » ایرا که مجلس مؤسسان در سال گذشته بعهدهٔ هیئت مختلط مجلسین شوری وسنا گذاشته بود بار دیگر مطرح گردید و بالطبع خطری که از این رهگذر متوجه اساس حکومت مشروطه و قانون اساسی بود بار دیگر افکار عمومی را بخود متوجه ساخت .

ما یکبار دیگر، در سرمقاله شماره «۲۰ لیسان» در تاریخ ۲۸ اردیبهشت ماه گذشته، هنگامی که مثل امروز، مسئله حلی مساختن تصمیمات مجلس مؤسسان مطرح بود نظر خودرا بتفصیل در میان گذاشتیم و مغایرت امر را با اصل حاکمیت ملی بنحوی بارز بثبوت رسانیدیم و اینک که پس از چند ماه سکوت، مجدداً مسئله، بعنوان دستور روز مطرح میشود

بقیه درصفحه ۸

خطری که آذربایجان را تهدید میکند

به آنهائی که اشك تمساح میریزند

خبرهائی که هرروز از آذربایجان میرسد حکایت از ازدیاد روز افزون بیکاری ، فقر ، بلاتکلیفی وفلاکت مردم آن سامان مینماید . سالها است خدای ناله و ندبه آذربایجان شهید بلند است سال های دراز است سرنوشت فرزندان فداکار

بقیه درصفحه ۲

تصویب بودجه بشکل یك دوازدهم

نشانه ورشکستگی مالی و سیاسی دولت و مجلس است

یکی ازوظایف اساسی مجلس شورا دقت در امور مالی کشور و رسیدگی ببودجه و تصویب دخل و خرج مملکت است .

اکنون سالها است بموازات سایر اهمال کاریها وغفلت هائی که در نحوهٔ اداره امور کشور اعمال می گردد این مسئله اساسی نیز عملا دچار مسامحه وعدم توجه دولت و مجلس گشته است ، در شرایطی که امور بروفق ارادهٔ ملت جریان پیدا نماید ،

نمایندگان پارلمان منتخب ملت باشند ودولت‌ها اراده وخواسته‌های مردم را هدف وبرنامه کارخود قرار دهند عملا کلیه جریان امور ازنظر مجلس خواهد گذشت و پارلمان بربودجه و هزینه و درآمد نظارت دقیق خواهد داشت درآمد کشور برپایهٔ صحیح ومنطقی بدون آنکه فشارآن بدوش اکثریت وارد آید وسود آن را اقلیت متشفذی بربساید استوار خواهد بود .

بقیه درصفحه ۶

از مطبوعات خارجی

ترجمه: ا. ده‌میرجی

موقعیت نظامی جمهوری دموکراتیك ویتنام

هنگامیکه خوانندگان اطلاع دارند ارتش جمهوری توده‌ای ویت نام اخیراً بموفقیت های درخشانی نائل آمده است و در چند هفته اخیر شهر های مهمی از قبیل ، دنك دانك ، نانام ، دونك‌نه کاتونك و غیره را آزاد کرده است ، این ارتش که برای آزادی ویت نام از چنگال استعمارگران فرانسوی و اربابان امریکائی آنها می‌جنگد ،استعمارگران راسخت بوحشت انداخته است بطوری که بدمن امریکائیان توسل جسته اند ما برای اطلاع خوانندگان محترم از وضع جنك در ویت نام ، مقاله زیررا چاپ می کنیم .

پنجسال است که ملت ویتنام قهرمانانه برای آزادی و استقلال خود مبارزه میکند .

در این مدت، استیلاگران فرانسوی میان انگلیسی و امریکائی آنها ، اظهار داشته اند که بکار جمهوری داده ورزیم سابق استعماری رادر چین مستقر خواهند کرد . ولی هدفهای اشغالگرانه امپریالیستها در هندوچین باشکست روبرو شد. مطبوعات سرمایه داری انگلیس و امریکا نیز اعتراف دارند که امپریالیستهای فرانسه در جنك غارتگرانه برعلیه ویتنام ، از انجام هدف خود خیلی دور هستند

بقیه درصفحه ۴

کار حلاقه در

اتحاد جماهیر شوروی

درصفحه ۴

ترومن رئیس جمهور امریکا

حقایق تاریخی را تحریف میکند

همچنانکه آگاهیم چندی پیش رئیس جمهور کشورهای متحده امریکا، ترومن بازنرال ملك آرتور خدای امریکا، ژاپن در یکی از جزایر اقیانوس آرام ملاقات کرد . و این ملاقات بدید و بازدید دو رئیس کشور بیشتر شباهت داشت تا ملاقات ژنرالی از رئیس جمهور کشور خود ترومن پس از بازگشت از «ویک» و رسیدن به سانفرانسیسکو تعلقی درباره این ملاقات ایراد کرد .

بقیه رصفحه ۸

۱۸ میلیون بیکار در آمریکا

باتکدار وال استریت : پس ازاین همه!...هیجده میلیون بیکار درتمام مدت سال نوه فقط دریك هفته !!

مباحثات در مجمع عمومی سازمان ملل متفق

در بارهٔ مسئله کره

وپشینسکی توطئه آتش افروزان را فاش میسازد

اخیرا در مجمع عمومی سازمان ملل متفق اکثریت ماشینی آمریکائی ، قطع نامهٔ کشور را در بارهٔ کره که روی اصول تجاوز صریح استوار بود تصویب کرد و پیشنهادات منطقی نمایندهٔ اتحاد شوروی را رد کرد . مباحثات پرشور جلسهٔ مجمع عمومی در این مورد را برای خوانندگان نیسان ترجمه می کنیم تا درجه رسوائی تصمیم اکثریت آمریکائی سازمان را دریابند .

بقیه درصفحه ۳

اجرای اصل چهارم ترومن

ووام بانك واردات و صادرات

گام های جدیدی درراه اسارت اقتصادی میهن ماست

اقتصاد ایران پیوسته بویرانی میکشد وارداتما روز بروز بر صادرات فزونی میابد هستی ملت وارز کشور آزادانه از ایران خارج میشود با چند تصویبنامه در خیال ،صادرات کشور را رونق میدهند کارخانه ها یکی بعد از دیگری دراثر رقابت کالاهای خارجی تعطیل میشود ، از تولید خبری نیست ، کارگران بیکار میشوند ارتشاء رواج میابد ، نالایقترین افراد مصدر کارهای مهم کشور میشوند و موقعی که بوسیله خود هیئت حاکم قانون

بقیه درصفحه ۷

اعلامیه دبیرخانه جمعیت ایرانی هواداران صلح

دعوت عام

برای شرکت در دومین کنگره جهانی هواداران صلح

هموطنان عزیز ،

دومین کنگره جهانی هواداران صلح درتاریخ ۲۲ آبان ۱۳۲۹ در شهر لندن تشکیل خواهد شد . در این کنگره بروی کلیه مردمی که خواستارصلح درجهان می باشند بازاست .

بقیه درصفحه ۷

دولت رزم آرا

بقیه ازصفحه ۱

انتشار یافت که برودی (و بقولی پس از ماه محرم) دولت مجلس وابرای تشکیل جلسه مشترك دعوت خواهد کرد تا باز قانون اساسی ایران را بضرر ملت تغییر دهند .

همه میدانند که تغییر اصل ۴۹ بترتیبی که اختیار عدم قبول قوانین مصوبه را به اعلیحضرت شاه بدهد و یك نوع حق وتو برای مقام سلطنت قائل گرددرست برخلاف منظور پایه گذاران قانون اساسی است که همه قوا را ناشی از ملت می دانستند و تصمیم ملت را غیر قابل خدشه می شمردند .

افکار عمومی ایران بشدت باتغییر قانون اساسی در این جهت مخالف است و اکنون که دولت رزم آرا چنین بازی مسخره‌ای را عهده‌دار شده است جز نفرت افکار عمومی ایران چیزی دربرابر خود حس نخواهد کرد . ماجدا می خواهیم که این توطئه‌ها متوقف بماند .

۲ - موضوع قرضه امریکا

در نتیجه اصرار دولت رزم آرا در هفتهٔ گذشته بانك صادرات و واردات آمریکا ضمن اعلامیه ای دادن یك قرضه ۲۵ میلیون دلاری را بدولت ایران اعلام داشت . شرایط این قرضه بسیار کمرشکن است .

اولا این قرضه برای اجرای طرح‌ها ونقشه‌هائی داده خواهد شد که ازطرف مقامات امریکائی تصویب شده باشد یعنی منافع اقتصادی، سیاسی ونظامی آمریکا را تأمین کند ثانیا این قرضه نه بشکل پول بلکه بصورت اجناس بنجالی که آمریکائیها بهواهند داده خواهد شد و پول بجیب انحصارهای فروشنده خواهد رفت .

ثالثا- قرضه مزبور بمدت ۱۲ سال با ربح ۳/۵ درصد داده شده است که در این مدت منافعش بالغ بره میلیون دلار میشود یعنی برای یك قرضه ۲۵ میلیونی باید ده میلیون ربح بپردازد!

دولت رزم آرا این قرضه تحمیلی وزیان بخش را با جار و جنجال بحساب موفقیت خود درسیاست خارجی میگذارد وآنرا بدون تصویب مجلس، هل تمام‌شده تلقی می کند! در صورتیکه این امر بر خلاف قانون اساسی است و مجلس باید طرح این قرضه را بخواهد و آنرا که آشکارا مضر بحال ملت ایران است بطور قطع رد کند.

۳- مسئله نفت

شرکت نفت با اطمینان کامل حاضر بطرح قرار داد الحاقی وبحث در باره مسئله نفت جنوب شده است واین خود میرساند که ازطرف دولت ومجلس نگرانی بخود راه نمی‌دهد. استیضاح‌ها ومخالفت ها ضرر زیادی بشرکت نفت نمیرساند زیرا برای وی محیط باصطلاح «دموکراتیك» جهت اجرای نقشه های خود تامین می‌نماید.

اصرار مقامات مختلف برای «استیفای حقوق ایران از نفت جنوب » فقط بمنظور مطرح کردن هرچه زودتر مسئله نفت وفیصله دادن آن بنفع شرکت نفت انگلیس است .

دولت رزم آرا که این روزها از طرف فراماسونها و سیاستمداران نفتی مورد پشتیبانی قرار گرفته است بدون تردید در این نقشه‌های ضد ملی بنفع شرکت نفت شریك است وبقول روزنامه های انگلیسی که هنگام آغاز زمامداری او نوشته بودند بایستی قرار داد اضافی (یانظیر آنرا) ازتصویب مجلس بگذراند .

۴- مسئله قرارداد تجارتی با شوروی

دراین میان تنها موضوعی که درصورت حل، قدم مفیدی برای منفعت ایران واقتصادیات آن است یعنی برقراری روابط بازرگانی باشوروی مورد کارشکنی وسیاست خدمه آمیز مقامات دولتی قرار گرفته است .

بااینکه از مدتها قبل گفته اند قرار داد بازرگانی حاضر وآماده برای امضا است ولی هرروز بهانه‌ای برای تعویق امضاء میتراشند .

بقراریکه روزنامه کیهان مینویسد رزم‌آرا در حضور اکثریت طرفدار خود گفته بود که اگر درانعقاد این قرارداد عجله شود بجای منفعت برای ایران ضرر خواهد داشت این اظهار عقیده بکلی نادرست است .

اولا همه میدانند که موضوع «عجله» اصلا مطرح نیست زیرا مذاکرات برای تعیین سهمیه جهت قراردادی که قبلا تصویب شده است بهیچ وجه احتیاج به بیش از سه ماه مذاکره ندارد .

ثانیا هر روز که تعویق تعمدی و بی‌معنی دولت زودتر پایان یابد وقرار داد سریع‌تر امضاشود یك قدم بنفع اقتصادیات ایران وملت ایران است .

این حقیقت را باهیچ حرف مرموز ودو پهلوئی نمیتوان پوشانید . شاید آقای رزم‌آرا مقصود داشته اند که اگر این قرارداد زود تر بسته شود بحال مقامات دولتی وسیاست‌های استعماری خارجی که خودرا همه کارهٔ ایران میدانند زیان بخش است .

ولی نباید فراموش کرد که منافع ملت ایران درست درنقطهٔ مقابل منافع سیاست های ضد ملی داخلی و خارجی قرارداد .

دولت آقای رزم‌آرا از یکطرف میگوید قبل از استیضاح نمی‌تواند قرار داد امضا نماید واز طرف دیگر مسائل کوچك وبافیر مربوط به‌قرارداد بازرگانی را پیش کشیده واختلافات مصنوعی ایجاد می کند .

این همان روشی است که دولتهای گذشته ومخصوصا دولت ساعد درروابط بادولت همسایه ماهشوروی داشتند ومنجر بتیرگی بیشتر مناسبات دودولت وتنفر ملت ایران نسبت بسیاست کابینه گردید .

دولت رزم‌آرا باید بداند که نمیتوان باحیات ومنافع مردم بازی کرد .

نمیتوان موضوع‌های مورد علاقه ملت ایران را برای حفظ صندلی نخست وزیری بازی گرفت .

نمی‌توان به‌سیاست‌های استعماری تسلیم شد ودر روابط بادولت‌های آزادی خواه روش خدمه‌آمیز پیش گرفت و در عین حال ادعای «ملی» بودن کرد .

آینده نشان خواهد داد که دولت آقای رزم‌آرا درراه نادرستی که پیش گرفته است تا چه اندازه پیش خواهد رفت ؟

ارزیابی مبارزه ملت کره

بقیه ازصفحه ۱

آنها دانستند که بسب همان اندازه بیرحمانه بر « بی‌طرف» ها فرو میافتد که بر با طرف ها، و هر دو را یکسان میکشد . و از طرف دیگر ، جنگ‌طلبان بی محابا همه را میکشند . آنها که در این گیرودار بکمك « بیطرفی » میخواهند فقط کلیم خود را ازآب بیرون کشند آنها نیز دراولوله امواج جنك غرق میشوند . نبرد کره و بیداد گریهای امپریالیسم امریکا در آسمان حقایق تلخی را بمردم جهان نمود و نشان داد که امپریالیسم هیچگونه فرصتی رابرای آدمکشی «تلف» نمیکند . بهمین علل در گیر و دار مبارزه مردم کره نهضت صلح طلبی بیش از پیش گسترش یافت مردم همه دنیا با هیجان بیشتری بپایه معروف استکهلم را امضاء کردند . وعلی‌رغم جنك طلبان نفرت از انسان کشی و عشق بصلح در قلبها ریشه دار تر جا بگرفت تا آنجا که شماره امضا های زیر بیانیه استکهلم تاکنون به نهم میلیارد رسیده است

نبرد دلیرانه ملت کره و استقامت بی‌نظیر آنها در برابر تجاوز کاران امریکائی نشان داد که جبهه اصلی و دموکراسی تا چه اندازه نیرومند است فراموش نکنیم که مدت کوتاه ۵ سال است که نیمی از کشور سی‌میلیونی کره باردو گاه دموکراسی پیوسته ودرشرایط آزاد زندگی میکند ، فراموش نکنیم که کره مانند بیشتر کشور های خاوری از نظر صنعتی و غیره عقب افتاده بود . اگر با همه اینها مبارزه شگرف ملت کره را با امپریالیسم امریکا ستاد دنیای امپریالیستها در نظر بیاوریم درمی‌یابیم که مردم کره در مدت کوتاه پنج سال نیروی انسانی بی پایان خود را تاچه حد بسیج کرده اند . و آنگاه وقتیکه به خاطر بیاوریم کره یکی از کشورهای کوچك وابسته با ردوگاه عظیم صلح و دموکراسی است ،

آنگاه توانائی بی‌نظیر این جبهه بخوبی آشکار میشود .

حوادث کره بخوبی قدرت مقاومت ناپذیر کشورهای توده ای را نمودار میسازد حوادثی که بدنبال نبرد کره پیش آمد بیشتر از گذشته جهت سیاسی سازمان های اجتماعی مختلف جهان را آشکار ساخت ونشان داد چه کسانی خواستار مرگ وویرانی هستند وچه کسانی خواستار زندگی وآبادانی . سازمان ملل متفق بزرگترین سازمان بین‌المللی در ضمن حوادث کره بخوبی ماهیت خودرا پدیدار کرد ، نشان داد اکثریت کذائی آن خواستار دشمنی ملتها وآشفتگی محیط سیاسی جهان است نه برعکس ونیز نشان داد که ماشین آراء سازمان فقط باشارهٔ یك چنین اکثریتی ودر راه اجرای نظریات ضد صلح آن بکار میافتد . شورای امنیت با نبودن نمایندگان شوروی وچین وپس از حملهٔ ارتش امریکا بی‌معنی دولت زودتر پایان یابد وقرار داد سریع‌تر امضاشود یك قدم بنفع اقتصادیات ایران وملت ایران است .

این حقیقت را باهیچ حرف مرموز ودو پهلوئی نمیتوان پوشانید . شاید آقای رزم‌آرا مقصود داشته اند که اگر این قرارداد زود تر بسته شود بحال مقامات دولتی وسیاست‌های استعماری خارجی که خودرا همه کارهٔ ایران میدانند زیان بخش است .

ولی نباید فراموش کرد که منافع ملت ایران درست درنقطهٔ مقابل منافع سیاست های ضد ملی داخلی و خارجی قرارداد .

دولت آقای رزم‌آرا از یکطرف میگوید قبل از استیضاح نمی‌تواند قرار داد امضا نماید واز طرف دیگر مسائل کوچك وبافیر مربوط به‌قرارداد بازرگانی را پیش کشیده واختلافات مصنوعی ایجاد می کند .

این همان روشی است که دولتهای گذشته ومخصوصا دولت ساعد درروابط بادولت همسایه ماهشوروی داشتند ومنجر بتیرگی بیشتر مناسبات دودولت وتنفر ملت ایران نسبت بسیاست کابینه گردید .

دولت رزم‌آرا باید بداند که نمیتوان باحیات ومنافع مردم بازی کرد .

نمیتوان موضوع‌های مورد علاقه ملت ایران را برای حفظ صندلی نخست وزیری بازی گرفت .

نمی‌توان به‌سیاست‌های استعماری تسلیم شد ودر روابط بادولت‌های آزادی خواه روش خدمه‌آمیز پیش گرفت و در عین حال ادعای «ملی» بودن کرد .

آینده نشان خواهد داد که دولت آقای رزم‌آرا درراه نادرستی که پیش گرفته است تا چه اندازه پیش خواهد رفت ؟

مایل که اگر نمایندگان آن بفرض محال نماینده ملتهای خودباشند تازه نماینده اقلیت مردم جهان است در شعله‌ور ساختن آتش جنك کره پافشاری میکنند. خنده آور است که رای نماینده ملاد دولت اکواتر باد نزوئلا درباره چگونگی سرنوشت مردم کره بحساب می آید ولی رای نماینده جمهوری چهارصد وهفتاد میلیونی چین در اینمورد نادیده گرفته می‌شود.

سازمان ملل متحد مخصوصا در مورد حوادث کره نشان داد که بدرجه شبهه‌ای ازوزارت امور خارجه امریکا تنزل یافته است

جنك کره بمردم جهان آموخت که امپریالیستها برای تجاوز ودست اندازی بحقوق ملتهای کوچك هیچ حدی قائل نیستند .

هجوم بملت کره که بدون هیچگونه بهانه‌ای انجام یافت باحمله بخاك چین ، دست اندازی پیوز بر فرمز صدور اعلامیه‌ای برای «حفظ آزادی» در هندوچین وجلوگیری از «تجاوز کمونیست‌ها» در آنسامان و «کمك» بملت فیلیپین همراه بود. هایها های امریکا چند بار سرزمین منچوری را بمباران کردند ودراین راه حتی از تجاوز بخاك اتحاد جماهیر شوروی نیز باز نایستادند وسیاچگی و سراسیمگی امپریالیسم در پایمال کردن حقوق ملت های آسیائی نشانه ایست از ناتوانی سیستم اقتصادی وسیاسی سرمایه‌داری جهانی .

بحران بزرگ وبی نظیری که زندگی امپریالیسم راتهدید می کند وهم اکنون قدم بقدم نزدیکتر میشود ، خداوندان کارخانه های اسلحه‌سازی وتهیه کنندگان مواد جنگی را واداشته است که بهر تقدیر ساخته های خود را درجائی مصرف کنند .

پیوسته لیست که روزنامه های تراست های آمریکائی خبر میدهند «جنك کره نه تنها زیانی بکالاهای امریکائی وارد نکرده ، بلکه قیمت بسیاری از کالاها را ترقی داده است»

واین همان چیزیست که سازندگان توپ وتفنك وتانك میخواهند .

درجریان جنك کره ازطرف کنگره میالغ گزافی دراختیار رئیس جمهور گذاشته شد تابسازمان جنگی برسد .

محیط بین‌المللی آنطور که خواست امپریالیستها بود بازهم تیره شد .

تمام اینها ممکن است برای مدت بسیار کوتاهی همچنان چرخ دستگاه اقتصادی امریکا رابگردش درآورد ولی نتیجه این اقدامات آنستکه پرحجم تولید جنگی از هم افزوده خواهد شد .

باین ترتیب ممکن است بحران برای زمان بسیار محدودی عقب بیفتد ولی شدیدتر واجتناب ناپذیرتر خواهد شد .

هرمان باهجوم بملت کره نظریات تجاوز کارانه امپریالیسم امریکایی پرده‌تر ازهمیشه آشکار گشت .

دراعلامیه ملك آرتور گفته شد که چه‌بزیره فرمز باید ردست امریکا بماند واز آن چون نارو هواپیما بری برای تسلط برخاور آسیا استفاده شود .

ویژه کره برای بمباران سیبری منچوری وچین لازم است .

همزمان با هجوم بملت کره که پس از زمینه سازیهای قبلی آغاز شد دورهٔ تازه‌تری درسیاست توسعه و تجاوز آمریکا کشایش یافت .

امپریالیسم امریکا درهمان راه پیشین قدمهای بزرگتری بسوی جنك و تجاوز بملتهای کوچك برداشت .

ژرژ مارشال بوزارت «دفاع» منصوب شد .

بنفوذ ملك آرتور در داخل جناح جمهوری‌خواه طبقه حاکمه امریکا افزوده شد واز هم اکنون گفتگوست که در صورت پیروزی وی در پایمال کردن زندگی ملت کره ازطرف حزب جمهوریخواه کاندید ریاست جمهوری در انتخابات آینده خواهد شد

اکنون بروشی که دنیای صلح و دموکراسی در برابر حادثه کره در پیش گرفته است نظری بیفکنیم . اتحاد جماهیر شوروی ازهمان آغاز کار خواستار حل مسالمت آمیز مسئله کره بوده وهست . ونظر خودرا بارها چه در شورای امنیت وچه درمجمع عمومی پیشنهاد کرده است .

اما اکثریت سازمان بر هبری امپریالیسم امریکا وانگلیس از اجرای این پیشنهاد جلوگیری میکند دولت امریکا بابمباران خاك چین وشوروی کوشیده است دامنه تجاوز را توسعه دهد . درقبال همه این حوادث دولتهای شوروی وچین میخواهند که جنك کره پایان پذیرد، تجاوز کاران امریکائی خاك کره را ترك کنند وملت کره خود حاکم برسرنوشت خویش گردد . روش منطقی وصلح طلبانه دولت شوروی وتمام جبهه صلح ودموکراسی در حادثه کره هربه بیشتر حیثت واعتبار این جبهه را درنظر جهانیان بالابرد . وآنها دریافتند چه نیروئی خواستار صلح وچه نیروئی خواستار جنك است .

امپریالیستها می کوشند قیام دلیرانه وبحق ملت کره رابشده متجاوزین خارجی ویکدسته خیانتکار داخلی سر کوب کنند، تابااین ترتیب اندیشه استقلال وآزادی را از سردیگر ملتهای ستمدیده خاوردور بیرون کرده باشند . آنها می کوشند با ایجاد هراس وفرو ریختن بیم ملتها را از راهی که درپیش گرفته اند بازدارند ولی اعلامیه دولت چین مبنی براینکه این دولت نمی‌تواند تجاوزی را که بهمسایگان وی شده است نادیده بگیرد و همچنین پیروزی‌های بزرگ ویسابقه اخیر ملت هندوچین بخوبی نشان میدهد که این حساب تاچه اندازه غلط بوده است.

اهمیت پیروزیهای مردم هندوچین بالاتر ازاینست که یك افسر عالیرتبه انگلیسی درباره آن گفته است : «حوادث هندوچین بیرو زیهای مارا در کره خنثی کرده.» بدیهی است که وحشیگری‌های امپریالیسم امریکا ودستیاران انگلیسی فرانسوی . . . او در کره نیز هرگز نتواند ملت قهرمان کره را بهراسانند از مبارزه باز دارد . تنها نتیجه این آدمکشی‌ها آنستکه صفوف ملت کره فشرده تر وعزم آنان را دررسیدن بآزادی راسخ‌تر خواهد ساخت . ونیز روشن است که درپایان ملت کره ازمبارزه‌ورزی که درپیش گرفته سربلند و پیروز خواهد آمد منتها همانطور که تیر پیروزی دولت ودموکراتیك کره گفته رئیس جمهوردولت بآسانی بدست نخواهد آمد

هموطنان عزیز

هرجا که هستید با ما هم‌آواز شوید وبا امضای بیانیه استکهلم بجلوگیری از اقدام تمدن و بشریت کمك کنید . اگر بما دسترسی ندارید همین قسمت از روزنامه را ببرید و با امضای ذیل بیانیه آن را برای ما بفرستید .

جمعیت ایرانی هواداران صلح

بیانیه استکهلم

ما می‌خواهیم استعمال سلاح اتمی یعنی سلاح وحشت زائی که وسیله کشتار دسته جمعی مردم است مطلقاً ممنوع گردد .

ما میخواهیم نظارت بین‌المللی دقیقی برقرار شود تا اجرای آئین منع استعمال سلاح اتمی را تامین کند .

ما یقین داریم هر دولتی که در استعمال سلاح اتمی بر ضد کشور دیگری بیندستی نماید جنایتی بزیان بشریت مرتکب می گردد و چون جنایتکار جنك با او رفتار خواهد شد .

ما کلیه مردمان خیر خواه را بامضای این بیانیه دعوت می کنیم

اسم ونام خانوادگی _____

نشانی _____ محل امضاء _____

شغل _____

نقض اصل ۴۹ متمم قانون اساسی

بقیه ازصفحه ۱

باز هم ناچاریم برای صیانت اساس حکومت عامه مخالفت صریح خود را ابراز داریم وبا همه آن کسان که عللی ازعلل، بدرهم شکستن بنیان قانون اساسی تن درنمیدهند همداستانی کنیم.

اصولا معنی حکومت ملی؛ تنفیذ خواستهای ملت است؛ همیشه استقرار حاکمیت ملی؛ با انقلابات دامنه‌دار توام بوده وپس از کشش و کوشش فراوان، فرمانروائی از گروه محدود فرمانروایان سلب و طبقاتی وسیعتر ازملت، آنها که در نخستین رده های انقلابیون، صف آراسته بوده‌اند تفویض گردیده است، انقلاب مشروطیت ایران نیزازاین خاصیت عام مستثنی نبوده‌است؛ انقلاب مشروطیت ایران؛ باوجود همهٔ نقائص خود. باوجود نبودن سنن انقلابی، با وجود مشخص نبودن کامل صفوف و بالاخره فقدان یك دستگاه منظم رهبری، یك انقلاب دموکراتیك بورژوازی بوده است که طبقات وسیع متوسط الحال و بی چیزرا بسوی پیروزی سوق داده وحاکمیت را از شاهان؛ فئودالها؛ خانها ودرباریان، بایشان منتقل نموده است.

قانون اساسی که بخون رادمردان این سرزمین ممهور و ممضی گردیده و سند پیروزی خلق است. این انتقال حاکمیت را تسجیل نموده وصریحا تاکید کرده‌است که «قوای مملکت ناشی از ملت است وطریقه استعمال آن قوی را قانون اساسی تعیین می کند.»

قانون اساسی، طریقهٔ استعمال قوای ناشیه از ملت را تعیین کرده و قوای سه گانه مقننه، اجرائیه وقضائیه‌را برای تنفیذ ارادهٔ عامه مقررداشته است. در اینصورت وقتی قوهٔ مقننه بقانون گزاری دست می‌زند وتمایلات عمومی‌را بصورت مواد و مقرراتی تنظیم می نماید. این عجیب است اگر مانعی در راه اجرای خواست ملت؛ این تنها منبع فرمانروائی بوجود آورند و مقامی را اختیار باشد تا بتواند قوانین را «وتو» کند و ارادهٔ ملت را ملغی الاثر دارد.

بخصوص اگر توجه کنیم که این مانع، مقام سلطنت خواهد بود، مقامی که بموجب اصول چهل‌وچهار وچهل وپنج م. ق. ا. از هر گونه مسئولیت مبری شناخته شده و تقریرات وی تنهاهنگامی مجری خواهد بود که بامضاء وزیری مسئول رسد و باین ترتیب مقامی مسئول در قبال قدرت‌حکمران، اراده ملت قبول مسئولیت تقریر مذکور را بنماید.

آیا این سر گویی آشکارای قانون اساسی و حکم صریح الغای حکومت ملی نیست اگراراده عمومی‌را معلق بخواست مقامی داریم که خود فاقد مسئولیت است و از هر گونه باز خواست مبری است؟

اعلیحضرت شاه، ضمن نطق افتتاحی «سنا»، لزوم اجرای تصمیمات مجلس موسسان و از جمله ایجاد حق «وتو» را برای مقام سلطنت متذکر گردیده‌اند و آقای تقی زاده رئیس سنا نیز ضمن خطابه جوابیه «سنا» مبنی بر آماده کسی بکار، در تاریخ سه شنبه ۱۸ مهر ماه گذشته یاد آورشده‌اند: «تکمیل قوانین اساسی و رفع بعضی نقائص آنها که منظور نظر مبارك است البته محتاج بدعوت مجلسین سنا و شورای ملی از طرف دولت و تشکیل مجلس مختلط خاصی خواهد بود و مسلما اعضای مجلس سنا هم در انجام سهم خود در تدقیق ومطالعه وشور و اظهار آراء خود در آن مجلس مختلط همه گونه سعی صادقانه مبذول خواهند داشت...»

دراینصورت بزعم آقایان سناتورها، گویا «نقص» قانون اساسی، اصالت حاکمیت ملت است و اینك که میخواهند اینحق را از ملت سلب کنند ومعلق باراده یك مقام غیر مسئول سازند «رفع بعضی نقائص» خواهد گردید!

آقای تقی‌زاده، همچنین ضمن مصاحبه با مخبر «اطلاعات»، مندرج درشماره پنجشنبه گذشته آنروز نامه، وظائف هیئت مختلط مجلسین شوری و سنا را به تحوزیر خلاصه کرده‌اند: «آنچه ازچندی پیش اظهار می شد این بود که ابتدا در نظر بود عدهٔ اعضای مجلس شورای ملی که بموجب اصل‌چهارم، یکصدوشصت و دونفر وبعدها بیکصدوسی وشش نفر قرارداده شده بتناسب تقسیمات فعلی مملکتی نزاید یابد ونیز مدت‌دورهٔ تقنینیهٔ مجلس‌شورای ملی که فعلا بموجب اصل پنجم قانون اساسی، دوسال تعیین شده زیاد تر شود وهمچنین حدنصاب‌برای شروع مذاکرات ودادن رای که دراصل‌هفتم قانون‌اساسی تعیین شده‌برای‌سهولت جریان امورقدری پائین آورده‌شود.

ونیز در نظر بود که راجع باصل ۴۹ متمم‌قانون‌اساسی هم که اجرای‌قوانین مصوبه را بدون حق اظهارنظر و تعوق از حقوق پادشاه‌دانسته تجدید نظری‌بعمل آید باین کیفیت که‌اگراعلیحضرت‌همایونی باقانونی که از مجلس شورای‌ملی گذشته موافقت نداشته باشند بتوانند آنرا برای تجدید نظر بمجلس شورای ملی اعاده فرمایند...»

باین ترتیب، نه فقط‌مجلسین شوری و سنا وظیفه دارند با تغییر اصل ۴۹ متمم قانون اساسی، براساس‌مشروطیت قلم نسخ کشند و برای‌مقام‌غیر مسئول‌سلطنت اختیار مطلقه فراهم سازند، بلکه در اینمیان ضمنا با افزایش تعداد نمایندگان و بالا بردن سنوات و کالت، رضایت نمایندگان، رای دهندگان بنقض قانون اساسی فراهم خواهد آمد و از طرف دیگر باتقلیل عده لازم برای تشکیل جلسات پارلمان و شروع مذاکره و اخذ رای، موانع‌در راه گذراندن‌لوایح‌دولت تقلیل خواهدیافت وقوه مجریه نیزصرفه ای در اینجریان خواهد داشت!

در اینصورت؛ این ملت است که بحساب او بهره می گیرند و هر یك از حکمروایان نفع‌خودسهم‌میستانند، بهره برداری که بلکه‌مال‌ساختن اساس‌حاکمیت ملی تمام خواهد شد.

اگر برپای دارندگان‌مجلس مختلط لغو قانون اساسی، عمل خود رابتصمیمات مجلس موسسان سال گذشته‌مستندمیدارند و بدین بهانه بر «صحت» تصمیم خویش دلیل می آورند که گمان نمیرود مدعای بجائی باشد، همه کس‌از ماهیت آن‌مجلس و شرایطی که سبب ایجاد آن گردید بخوبی آگاهست، «مجلس موسسان» در شرائط حمله حاد و وحشیانه استعمار بوجود آمد، درروز هائی که مشروطیت بالمره دچار تعطیل گردیده وبر اساس حقوق عمومی قلم نسخ کشیده شده بود در روزهائی که زبانها بسته قلمها شکسته و جرائد آزاد و اجتماعات انجمنها در محاق تعطیل مانده بودند، در روزهائی که اثری از مصونیت جان و مال و مسکن باقی نمانده وبازار زندانها شکنجه خانه هاو محاکم فرمایشی‌نظامی گرم بود، اینك اگر کسی مدعی «قانونی» بودن آن‌نجایح گردد می‌تواند ترکیب مجلس موسسان دروغی و تصمیمات آنرا نیز «قانونی» انگارد مجلسی که روح ملت از آن بیزار و بیخبر بود، مجلسی که بر اساس رای سازی، بر پایه جعل و تزویر بنیان یافته بود چگونه‌می‌تواند قابل اعتنا باشد و تصمیماتش نافذ شمرده شود؟

مجلس موسسان مذکور راساً بقدر کافی در راه «تکمیل» قانون اساسی کوشید، مجلس مذکور با فراهم‌آوردن امکانات برای انحلال مجلسین، با ایجاد «مجلس سنا» این زائده عصر استقرار فئودالیسم که پس از چهل و چندسال‌از تاسیس مشروطیت، مخالفت صریح‌عمومی امکان وجودی را ازآن سلب کرده بود، خود «وظیفه» ایرا که برای‌نقض اساسی حکومت‌ملی داشت بانجام رسانید و اینك ملت با «وصایای» آندستگاه بی بنیان رو بروست و گویامی بایستی تاوان این «وصایا» را با از دست دادن آخرین حق واختیاری که بنا بریك انقلاب مقدس ملی بدست‌آورده است جبران نماید!

امروز، نه دنیای آزاد، دنیای متعلق بملتها ونه هوشیاری و بیداری افکار ملت ما اجازه یك حرکت شدید ارتجاعی، یك بازگشت باعماق قرون مظلمه، باعصار اسارت ومقهوریت ملتها را میدهد واگر کسانی دراین توطئه ضد ملی شرکت جویند؛ اگر بخواهندروی کاغذ باطال حاکمیت مردم رأی دهند، بدون تردید بانتایج عملی خشم عمومی روبرو خواهند شد، بی شك انتقامی‌موحش رادرانتظارخویش خواهند یافت!

خطری که آذربایجان را تهدید میکند

بقیه ازصفحه ۱

و شرافتمند این سرزمین زرخیز بدست عده‌ای ستمکر بنام مالك و مامورودولت افتاده که برای حرص و از خود حدود پایانی نمیشناسند.

آنها که‌اقتصادو تجارت‌و کشاورزی آذربایجان را تیول خود ساخته‌اند وبنام نماینده و مامور سرنوشت پنج‌ملیون‌مردم این سامان‌رادر دست دارند کسانی هستند که از گرسنگی ها، رنجها، مرگها و داغهای فرزندان زحمتکش آذربایجان بکلی بی اطلاعند.

درهمان‌لحظه که ناله وندبه آذربایجان‌ازظلم و جور گرسنگی و بیکاری بلند است کارخانه های‌معدودان‌یکی بعدازدیگری بدست تعطیل سپرده می‌شود - راه کسب و کار بر مردم آن بسته می‌شود،سرنیزه مامورین ستم پیشه پشت وپهلوی مردان و زنان آنرا می‌شکافد، کودکان بینوای آنجا با چهره های بی خون و زرد رنك نگاه‌حسرت بار خود برای یك وعده‌غذای گرم بدست پدرها و مادر های درمانده میدوزند شرح خدمات و جانفشانی های مامورین شاه پرست آن سامان که در تاراج بی بند و بارمردم بهترین‌سرمشق شقی ترین مامورین بوده‌اند در صفحات بعضی از روزنامه ها منعکس‌میگرددولی در عین حال از خلال بعضی‌سطورروزنامه میتوان بمیزان رنج و درد آذربایجان پی برد.

روزنامه ستاره از «اوضاع خراب و اسف آور آذربایجان» سخن‌میگوید واز قول یك‌روزنامه نگارجوان آذربایجانی از خطری که در زمستان آینده بکمین مردم نشسته و از بیکاری‌و فقرسیاه‌مردم دم میزند واز قول‌همان «روزنامه‌نویس جوان» مینویسد. هر وقت ازطرف‌یکی از نمایندگان در جلسه علنی بهارستان‌در باره آذربایجان مطلبی برزبان می‌آورند و اندکی از دردها را علنا بیان میکنند انعکاس آن در آذربایجان و خصوصا در بین دانشجویان چنان باحسن قبول و رضایت تلقی می‌شود که تا چند روز بنام قدردانی و قدر شناسی ازآن نماینده محترم درهر محفل‌و مجلس‌صحبت نماینده ناطق در میان است و با اینکه میدانند ترتیب اثر و توجهی هم نمی‌شود معهذا حس‌قدرشناسی نسبت بآن نماینده که لااقل به‌ذکر محن و مصائب‌پرداخته است بانواع و اقسام وسایل تجلی‌مینماید مردم‌بقدری‌مایوس‌وناامیدهستند که بحرف زنده مانده‌اند.

آذربایجان در آتش بیداد و فقر و فلاکتی که بدست یك کمپانی‌مشترك‌مرکب از مامورین ستم کش و مالکین تاراجگر افروخته شده است می‌سوزند؛ محنت و رنج و فلاکت آن ها روز افزون است: مرك سیاه در کمین آن‌ها نشسته‌و بقدری ازاوضاع مایوسند که صرف‌بیان دردآن‌مارا تسکین‌میدهد!

باکمال تاسف بایدبگوئیم‌این بیان دردها جزدریچه‌های اطمینان چیزدیگری نیست:

باکمال تاسف بایدبگوئیم‌این اشك تمساح که‌از کاه‌بگاه‌بحال‌مردم‌آذربایجان یاسایرنقاط ایران ریخته‌می‌شود جز برای ذخیره کردن آبرو بقصد تجدید انتخاب، جزبرای فریب مردم وجوانان پرشور و ساده دل جز برای تبرئه اعمال‌سیاه همان ریزندگان‌اشکهای دروغین چیز دیگری نیست.

این جوان پرشور روزنامه نویس که روزنامه‌ستاره اسم اورا ذکر نکرده است میداند رنج وداغ آذربایجان‌بقدری است که‌تنها ذکرآن نیز باعث «تسکین» خاطر مردم میشود.

میداند که این تذکرات اثری در تغییر اوضاع وسرنوشت سیاه مردم ندارد ولی گویا متوجه این نکته اصولی نیست که موجد تمام این شرایط طاقت شکن خود همان کسانی هستند که بنام وکیل ونماینده‌معنا با اعمال دولت‌ها شریکند.

توجه ندارد که‌سربقای دولت‌های ضد ملی همین است که چنین نمایندگانی از یکطرف برای فریب دادن جوانان پرشور شمه ای ازفلاکت عمومی مردم را بروی دایره می‌ریزند ولی عملا دستشان دردست دولتها ومامورین‌تاراجگر است ودرموارد‌حساس‌همینهاهستند که‌بدولت‌ها رای اعتماد می‌دهند وآنها رابرسرنوشت مردم مسلط میسازند! این جوان پرشور آذربایجانی وصدها نظایر آن‌بملت‌ساده دلی خود فریب مانورهای‌ریاکارانه این نمایندگان‌را میخورند هیچ نمیدانند که دولتها ومامورین، بیدادگران‌و جباران همه را رای آن‌ها بروی‌کار آورده برسر کار نگاه می‌دارد ومادام که اغراض خصوصی آنها بدست‌دولت‌ها تامین می شود درعین اینکه‌از ریختن چند قطره اشك برجسد آذربایجان شهید دریغ نمی ورزند ولی‌بار وپشتیبان دولت‌ها هستند وبه‌غیر ملی ترین لوایح آنها رای می دهند ودر حساسترین موارد آنجاکه از افتضاح‌علنی بیم‌دارند رای‌سکوت‌میگیرند اگر این‌گونه جوانان پرشور احساسات خود را توام باتعقل نمایند وبه تجزیه و تحلیل‌اوضاع بپردازند آنوقت خواهندديد گناه آن‌نماینده هوامفریبی که سالوسانه برای‌مردم غمخواری‌می کندولی‌تمام عمال وروش های‌او بنفع‌دولت‌هاودستگاههای ضدمردم تمام می‌شود از آنکسی که علنا وبدون ریاکاری دست‌دردست دولت‌هادارد بیشتراست.

این نمایندگان سالوس با دروغ، خدعه ریای مکارانه مردم را فریب می دهند وبدروغ وریا سرگرم می‌سازند.

اینها محکم‌ترین ستون‌های‌دولتهای‌بیداد گرهستند.

هیچ دلیلی برای اثبات این نظریه قاطع تر از این وجودندارد که خاصیت وجودی آنها رای‌مردم بی‌پناه‌آذربایجان ازدیادروزافزون فقر ومذلت‌وورشکستگی ملی‌می‌باشد.

سال گذشته گرسنگی و استیصال چندین‌هزار ازفرزندان آذربایجان‌را که در شرایط مساعد نیروی بازوی آنها می‌تواندمنبع برکت‌برای‌میهن‌آنها باشد بتهران کشانید.

عده کثیری‌ازآنها در اثر سرما، گرسنگی؛ بی‌مکانی ازپای در آمدند

ومانند بی ارج ترین حیوانات در کناروبرانه‌های تهران، دروسط راهها، جان دادند. دولت آنها را باذربایجان باز گردانید. به معدودی‌ازآنها وامهائی برای کشت‌و کار داده شد ولی بانهایت تاسف اطلاع میرسد محصولی که بدست آنها رسیده بابت این وامها از دشان رفته وبار دیگر گرسنگی عمومی‌آنهارا تهدید میکند. از هم اکنون میتوان‌بیش بینی کرد که اگر برای روز های سخت زمستان آنها یك فکر اساسی نشود اوضاع سال گذشته بنحو وسیع‌تر ودامنه دار تری تجدید گردد. ما امروز تاهنوز فرصت برای اقدام متناسب و موثربافی است این خطر را گوشزد میکنیم. بجای این روضه‌خوانیها و حماسه سرائیها باید برای نجات‌فرزندان‌زحمتکش آذربایجان فکری بشود. والا فرداهر اظهارتاسف و تاثر ریاکارانه‌ای بیهوده وعبث خواهد بود و سر نوشت سیاه و مرگبار آنها را تغییر نخواهد داد.

محدودیت بیشتر درروابط بازرگانی ایالات‌متحده‌امریکا باکشورهای‌جمهوری‌توده‌ای

واشنگتن - قانون جدیدی که وزیر بازرگانی ایالات متحده امریکا صادر کرده در روابط بازرگانی آن کشوربا اتحاد جماهیر شوروی، لهستان، چك واسلواك، هنگری، رومانی، آلبانی آلمان‌شرقی، کره شمالی وچین‌محدودیت بیشتری ایجاد میکند.

طبق این‌قانون‌از این پس‌بیگانگان که میخواهند باکشتی‌های امریکائی‌در امریکابکشورهای نامبرده‌دربالایابرهکس کالا حمل کنند باید از شعبه بحر پیمائی وزارت بازرگانی اجازه نامه مخصوص کسب نمایند.

اجرای نقشه‌اقتصادملی‌در لهستان

ورشو - شورای دولتی لهستان که ماموراجرای نقشه اقتصادملی‌است‌اعلامیه زیررا راجع باجرای نقشه اقتصاد ملی‌در سه ماهه‌سوم‌سال ۱۹۵۰ انتشارداده‌است طبق آمارهای تقریبی و موقتی‌نقشه‌تولید محصولات صنعتی آنکشور در سه ماهه سوم تا ۱۰۵ درصد ودرفاصله زمان بین ماههای ژانویه وسپتامبر تا۱۰۶ در صد اجرا شده‌است.

میزان اجرای نقشه تولیدمحصولات صنعتی در سه ماهه‌سوم بقرار زیراست

زغال‌سنك ۱۰۰ درصد-زغال کوك ۱۰۲ در صد

نیروی‌برق ۱۰۶ درصد- فولاد۱۰۲ در صد

تراکتور ۱۱۱ درصد- اتوموبیلهای باری۱۱۳ درصد

ماشین های فاز تراش و دروگری ۱۰۶ در صد

ماشینهای الکتریکی ۱۰۹ در صد

ماشینهای نساجی پارچه های نخی ۱۰۷ در صد

ماشینهای نساجی پارچه های پشمی ۱۱۰ درصد.

مباحثات در مجمع عمومی سازمان ملل متفق

در جلسات روزانه سازمان ملل متفق بحث در باره مساله کره جریان یافت . نمایندگان پرو و فرانسه ضمن سخنرانی مفصل خود از تصمیمات و نقشه‌های انگلو-آمریکن داثر بتوسعه جنك کره پشتیبانی کردند .

سپس نماینده « بلوروسی » ضمن نطق خود اظهار داشت که تجزیه و تحلیل طرح پیشنهادی هشت کشور که از طرف ویشینسکی صدر نمایندگان اتحادشوروی صورت گرفت با کمال وضوح نشان میدهد که این طرح با مقاصد و مبانی ایجاد سازمان ملل متفق منافات دارد و فقط در راه استثمار و پوشش تجاوز امریکا علیه ملت صلحدوست کره بکار میرود که در راه آزادی ملی و استقلال کشور خود دلاورانه پیکار میکنند .

نماینده « نوروسی » باخبار مندرجه در مطبوعات و اظهارات ناظرین اشاره کرد و شمه‌ای از ترور خونینی که رژیم ارتجاعی «لی-سین-مان» با کمك و یاری کشور امریکا علیه ملت قهرمان کره براه انداخته است ، بیان کرد وچنین اضافه نمود که :

بهیچوری جای تعجب وشگفتی نیست که ملت کره لی-سین-مان را « چیانکای شك خونخوار حقیر » نامیده‌است . پس از مقایسه وضع جمهوری توده ای کره شمالی با وضع توان فرسا و تحمل ناپذیر مردم کره جنوبی که شماره پیکاران آن از ٤ ملیون نفر متجاوز است، نماینده بلوروسی اظهار داشت که هدف و منظوری که اکنون جهان خواران و استعمار گران آمریکا بزور اسلحه در راه وصول آن میکوشند این است که استثمار گران ملت کره راجانشین امپریالیستهای ژاپنی گردانند.

نماینده بلوروسی بمقالات و اخبار مطبوعات انگلیسی و امریکائی استناد کرده تاکید نمود که انگیزه مداخله و تجاوز در کره نه فقط از آرزوی استثمار ملت کره و غارت و یغمای منابع طبیعی آنکشور سرچشمه می گیرد بلکه دراینمورد کوشش بسیاری از انحصار چیان که در آستانه بحران بسر می برند نیز بی تاثیر نیست . آنهاامیدوارند تا شاید بدینوسیله توفیق یابند مدتی بحران اقتصادی را که حتمی الوقوع است بعقب بیندازند.

طرح پیشنهادی هشت دولت بمنظور حل مسالمت آمیز مساله کره وضع نشده بلکه منافع انحصار جویان وصلح شکنان را تامین می کند.

نماینده بلوروسی سازمان ملل متفق را دعوت کرد تا این طرح را رد کنند و طرح پیشنهادی ٥ نماینده دیگر را دائر بترك مخاصمات ، بیرون کشیدن قشون بیگانه از کره و اعلام انتخابات آزاد در سراسر آن کشور ، کمك سازمان ملل برای احیای اقتصادی کره و پذیرفتن آنکشور بعضویت سازمان ملل متحد پس از ایجاد رژیم مستقل و دمکراتیك در آن کشور را بپذیرند .

نماینده ، چك اسلواك اظهار داشت که طرح پیشنهادی انگلو آمریکن باامر استقرار صلح و اصول سازمان ملل متفق مطابقت ندارد بلکه برعکس نکات اصلی آن با منشور ملل متفق بکلی مغایرت دارد زیرا تجاوز مسلحانه دول بیگانه را در کشور کره مجاز می‌شمارد و اشکارا اصل استقلال و حاکمیت ملل را نقض می کند .

طرح پیشنهادی انگلیس و امریکا آشکارا بعنوان بهانه ای برای توسعه تجاوز جنگی بیگانگان در تمام سرزمین کره بکار میرود در عین حال ملت کره را از حق حاکمیت و استقلال محروم می‌سازد.

دلائل و ادعاهای امریکا بیشتر بر پایه گزارشات کمیسیون سازمان ملل مامور حل مساله کره، متکی است که باروش غیر قانونی تشکیل شده ودرراه ایجاد جنك داخلی کره باتوسعه طلبان همکاری کرده است و پس از آنکه آتش این جنك برافروخت سخنرانیها و گزارشات و فعالیتهای این کمیسیون اساس تصمیمات غیرقانونی شورای امنیت را تشکیل داده.

اکنون نیز گزارشهای این کمیسیون اساس طرح پیشنهاد هشت کشور را تشکیل میدهد واین طرح نتیجه وپایان یك سلسله اعمال نارواوغیرقانونی است.

سازمان ملل متفق باید باپذیرش پیشنهاد کشور اتحاد جماهیر شوروی دائر باعلال فوری کمیسیون مامور حل مساله کره دراصلاح و جبران این وضع بکوشد.

نماینده چك سازمان ملل متفق را دعوت کرد تاپیشنهاد کشور اتحادجماهیر شوروی را مبنی بر قطع بمباراتهای وحشیانه اهالی صلحدوست کره ازجانب آرتش امریکا بپذیرد.

نماینده چك از چهره نیرنك بازان وخدمه کاران که میکوشند بادلائل نارسا وغیر منطقی ولفاظی از طرح پیشنهادی ٨ دولت حمایت وپشتیبانی کنند نقاب تزویر را برداشت وگفت :

درحالیکه کشورهای طرح کننده این پیشنهاد قول میدادند پس از پایان مخاصمه انتخابات آزاد را در تمام خاك کره برقرار نمایند روزنامه های امریکائی و درشمار آنها روزنامه « نیویورك هرالد تریبون » اعلامیه لی-سینمان را انتشار میداد مبنی برآنکه پس از اتحاد قسمتهای شمال و جنوب کره هیچگونه انتخاباتی صورت نخواهد گرفت.

نماینده چك در پایان نطق خود بار دیگر اعضاء مجمع را دعوت کرد تا بمنظور حل مساله جنك کره و پایان بخشیدن بمخاصمه طرح پیشنهادی اتحاد جماهیر شوروی را بپذیرند و از بنراه بوضع هیستری کنونی جهان وروابط تیره بین ملل پایان بخشند.

پس از نمایندگان زلاند جدید و بولیوی که همان دلائل وادعاهای نمایندگان امریکا را تکرار میکردند، ویشینسکی نطق پرشور ومنطقی خودرا آغاز کرد.

نخست سیاست کشور اتحاد جماهیر شوروی را که درجهت حل مسالمت آمیز مخاصمات کره سیر میکند بتفصیل شرح داد و اظهارات خدعه آمیز نمایندگان ایالات متحده امریکا را که بوسیله آن میکوشند تابتجاوز خوددرخاك کره صورت قانونی بدهند فاش ساخت.

ویشینسکی درآغاز نطق خودثابت کرد که گزارشهای کمیسیون سازمان ملل ، مامورحل مساله کره ، بقدری یك طرفه است که نمیتواند درحل مساله تامین استقلال کره بمجمع عمومی ملل متفق کمك ویاری کند.

تمام فعالیت این کمیسیون از آغاز تاپایان درراه حفظ منافع انحصار طلبان امریکائی بکاررفته ونهیچوجه هدف ایجاد یك کشور واحد و مستقل کره را تعقیب نمیکرده‌است.

این کمیسیون که تنها در راه تامین منافع انحصار جویان امریکائی راه میسپرد چنان گزارش خودرا یك جانبه تنظیم کرده است که براساس آن حتی تصویر وتجسم صحنه حقیقی حوادث کره امکان پذیر نمیباشد. این کمیسیون فقط عامل و مجری دستورات واراده تجاوزکاران و مداخله جویان امریکاست.

آن کسانی که عملیات این کمیسیون را پرده پوشی وتوصیه و تنظیم میکردند میخواستند که کمیسیون الحاق کره شمالی را بکره جنوبی تاکید نماید ومداخله و تجاوز آمریکا را بسرزمین کره برسمیت بشناسد.

درانهتکام که نقشه تجاوز بخاك کره تنظیم میشد برای جلب وشرکت دادن سازمان ملل متفق دراین جنایت نقشه‌های دیگر نیز طرح میکردند واز همان آغاز کار تجاوزکاران باین مساله میاندیشیدند که چگونه باید برای استتار تجاوز و مداخله خود از نام و پرچم سازمان ملل متفق استفاده نمائید .

این منظور باکمك و پشتیبانی جلسه غیر قانونی شورای امنیت حاصل شد و اکنون مجمع عمومی اظهارمیدارد که آرتشی که در کره مشغول عملیات جنگی است متعلق بآمریکانیست بلکه از آن سازمان ملل متفق است .

امروزصبح نماینده انگلیس « ماتگر » راجع بآرتش سازمان ملل متفق گفتگو میکرد درصورتیکه دوازدهم سپتامبرسال جاری اتلی نخست وزیر انگلستان در پاسخ سئوال چرچیل گفته بود که مپنگر لشگر کشی بسر زمین کره امریکاست و انگلستان فقط بخواهش امریکائیان عمل میکند . حال معلوم نیست که حق با کیست ؟ آیا گفته یانگر صحیح است یا سخن اتلی ؟ من بسهم خود میل دارم که حق را به اتلی بدهم .

حوادث کره ثبوت رسانده است که جنك کره راامریکا آغاز کرده‌است و اکنون نیز در ادامه آن میکوشد ، کشور امریکا سیاست کهنه مداخله در امور دیگران را در زیر پرده لفظی و رعایت مصالح عالیه دنبال میکند . در اینمورد نیز کشور امریکا و شرکاء وی میخواهند با رعایت همین اصول و مصالح عالیه جنایات خویش را از انظار ملل مستور سازند .

در ژوئن سال جاری درطلار جلسه شورای امنیت که گوئی آنجا را خانه خود تصور میکنند گرد آمدند و بااتخاذ تصمیمی بدون حضور دوتن از اعضاءدائمی شورای امنیت یعنی نمایندگان اتحادجماهیر شوروی و جمهوری توده ، چین منشور ملل را نقض کردند ، موادی از منشور را که مربوط بتجاوز است درباره جنك داخلی کره بکار بستند و آن موادی را هم که بنا بر آن باید طرفین مخاصمه بسازمان ملل دعوت شوند نا دیده انگاشتند .

رفتار بسیاری از نمایندگان در کمیسیون سیاسی ثابت میکند که اکنون نیز دسیسه ای در کاراست تا تصمیمات جدیدی مطابق با نقشه های پیشین اتخاذ شود و هرگونه مانعی مانند پیشنهاد ٥ دولت راجع بحل مسالمت آمیز جنك کره از سر راه برداشته شود .

حقیقت این دسیسه بدینوسیله ثابت میشود که طرفداران طرح پیشنهادی هشت کشور حتی مطالعه در اطراف پیشنهاد تلفیقی نماینده هندوستان را در کمیشون سیاسی رد کردند . نماینده امریکا « اوستین » پیشنهاد نماینده هند را رد کرد و نطق مفصلی بمنظور اشغال تمام خاك کره ایراد نمود .

اما تسلیم ملت سی ملیونی کره بخلاف اراده اش کار سهل و ساده ای نیست .

ویشینسکی ثابت کرد که انحصار طلبان امریکائی از جنك کره استفاده شایانی میبرند ودر این باب بمقاله روزنامه « ژورنال اوف کومرس » اشاره کرد. درسوم ژوئن این روزنامه نوشته بود که اگر در کره جنگی نبود در اینصورت قطعا بحرانی در امریکا آغاز میشد . بهمینترتیب مجله هفتگی « بیزنس ویك » در یازدهم ژوئیه نوشته بود : « حوادث کره ثابت کرد که دیگر تشویش ونگرانی از تقلیل منافع انحصار طلبان امریکا ازومی ندارد . خبر نگاری اسوشتیدپرس نیز در ماه ژوئن اطلاع داد که « بورس داران از پیام ترومن بکنگره درباره جنك کره راضی و خشنود بنظر میرسند.»

ویشینسکی در نطق خود اهمیت سیاسی این اخبار و اخباری نظیر آنرا در بحل سوداگران امریکا و سودی که از جنك کره عائد سرمایه داران میشود توضح داد .

سپس ویشینسکی بیك سلسله اسنادی که در جلسه کمیته سیاسی سازمان ملل قرائت کرده بود تکیه کرد و گفت که این اسناد تجاوز آشکار حکومت دست نشانده لی‌سینمان را بکره شمالی ثابت میکند آن کسانیکه از طرح ٨ دولت حمایت میکنند بهیچوجه در رد این حقایق بخود زحمت ندادند بلکه کوشیدند تا با اظهار مشتی کلمات وهن آور والفاظ عوام فریبانه آنرا نادیده انگارند . با این وجود این اسناد بخوبی مینماید که دولت بوشالی لی‌سینمان وسائل حمله بخاك کره شمالی رافهما میساخته وبالجاج وسرسختی هرگونه پیشنهادی را ازطرف کره شمالی برای انعقاد پیمان اتحادبین دو قسمت ازسرزمین کره رد کرده‌است .

دولت لی‌سینمان که انعقاد پیمان اتحاد ویگانگی کره شمالی و جنوبی را موهن می‌شمرد درعین حال با نمایندگان کشورهای دیگردرواشنگتن ونیویورك و ستاد آرتش ملك آرتور توطئه میکرد وخود را برای شروع حمله آماده میساخت .

در پائیز سال ١٩٤٩ کره جنوبیها دونقطه از سرزمین کره شمالی را غصب کردند وبرای بیرون راندن آنها شمالیها ناگزیر متوسل به نیرو شدند . اما آنها خود را برای حمله بکره شمالی دوباره آماده کردند وسبب بتعویق افتادن تجاوز دولت لی‌سینمان این بود که تصمیم گرفت نخست باتصاحب و کشتار پارتیزانها ، پشت جبهه را محکم کند .

ویشینسکی گفت که در آغاز سال جاری سیزده تن از نمایندگان مجلس کره جنوبی توقیف وزندانی شدند . گناه اصلی ایشان این بود که علیه تجاوز بکره شمالی نطق کرده بودند .

سپس ویشینسکی اظهارات ژنرال امریکائی « رابرتس » را که میگفت حکومت لی‌سینمان نقشه تجاوز را آماده ساخته است ، شاهد آورد واضافه نمود: « چنانچه شورای امنیت ومجمع عمومی ملل متفق میخواست ازروی وجدان و عدالت بمسئله کره رسیدگی کند قطعاً نمایندگان کره شمالی رانیز دعوت میکرد وبدلائل واظهارات ایشان گوش میداد . رد این پیشنهاد سبب کاهش اقتدار وحیثیت سازمان ملل متفق است .

ویشینسکی با منطقی محکم دلائل مشکوك طرفداران بلوك امریکائی راعلیه طرح پیشنهادی اتحادشوروی و کشورهای دیگر رد کرده گفت که دلائل بلوك انگلو امریکن فقط بهانه ای است که منظور اصلی از آن جلوگیری از حل مسالمت آمیز مساله کره میباشد .

ویشینسکی تاکید کرد که طرح پیشنهادی اتحاد جماهیر شوروی و ٤ کشور دیگر فقط دارای سه نکته اصلی است : « قطع عملیات جنگی ، بیرون کشیدن قوای بیگانه واقدامات لازم برای تشکیل حکومت واحدومستقلی در سرزمین کره.»

چنانکه مخالفین این طرح ادعا می کنند نه تنها این نکات غیرعملی و تخیلی نمیباشد بلکه بر خلاف عملی ترین پیشنهاد برای حل مسالمت آمیز مخاصمات کره بشمار میرود . برعکس طرح پیشنهادی دولت دست نشانده امریکا که بر اساس اشغال سرزمین کره و پشتیبانی از رژیم غیرقانونی لی‌سین‌مالی متکی است غیرعملی میباشد . امریکائیها میکوشند تابجای کیفر دادن مقصر حقیقی گناه را به گردن کره شمالی بیندازند .

ویشینسکی در پایان نطق خود مجمع ملل متفق را متنبه ساخت که تعقیب راهی که طرح پیشنهادی هشت کشور نشان میدهد هرگز بحل موفقیت بخش ومسالمت آمیز مساله کره نمیتوان امیدوار بود و سپس اضافه کرد که طرفداران طرح پیشنهادی اتحاد جماهیر شوروی و ٤ کشور دیگراز هیچگونه اقدامی درراه حل مسالمت آمیز مساله کره واستقرار صلح استوار درسراسر جهان فروگذار نخواهند کرد .

آگهی رسمی

بمنظور خرید و فروش رادیو — واردات صادرات — نمایندگی کمیسیون خرید وفروش هرگونه کالای مجاز شرکتی بنام شرکت سهامی ادیسون با سرمایه چهارصد هزار ریال نقدی که تمام آن پرداخت گردیده وطبق اظهار مدیران شرکت در تحویل ایشان است و در محلی توزیع نشده است به‌هشتاد سهم پنجهزار ریالی بی اسم تقسیم می گردد .

از تاریخ اول مهرماه هزار و سیصد و بیست و نه بمدت نامحدود در تهران خیابان فردوسی کاشی ٢٢١ مقابل مهمانخانه فردوسی تشکیل گردیده در تاریخ ١٩ر٧ر٢٩ در دفتر ثبت شرکت‌های داخلی بشماره ٣٣٢٥ به ثبت رسیده است آقای مرتضی ترکیان رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت به تنهائی با مهر شرکت حق امضاء دارد و آقای ابراهیم شیلی عضو هیئت مدیره و آقای ابراهیم افشانی بسمت بازرس شرکت تعیین شده است .

تهران بتاریخ ٢ ابان ماه ١٣٢٩ رئیس اداره ثبت شرکتها محمدعلی عبادی

راه آزادی

اثر معروف هواردفاست

ترجمه آقای ر - نامور از طرف بنگاه مطبوعاتی صفی‌علیشاه — منتشر شد

کسانی که هواردفاست را می‌شناسند وبه ترجمه‌های آقای نامور آشنائی دارند میدانند تا کنون کتابی باین پرمغزی برشته تحریردرنیامده‌است

ش آ٨٢ ٢-٢

دید میکند

بنها محکم‌ترین ستون‌های دولتهای بیداد گرهستند .

هیچ دلیلی برای اثبات این نظریه قاطع تر از این وجودندارد که خاصیت وجودی آنها رای مردم بی‌پناه آذربایجان ازدیادروزافزون فقر ومذلت وورشکستگی ملی می‌باشد .

سال گذشته گرسنگی و استیصال چندین‌هزار ازفرزندان آذربایجان‌را که در شرایط مساعد نیروی بازوی آنها می‌تواندمنبع برکت برای میهن آنها باشد بتهران کشانید .

عده کثیری ازآنها در اثر سرما ، گرسنگی ؛ بی‌مکانی ازپای در آمدند

ومانند بی ارج ترین حیوانات در کنارویرانه‌های تهران ، دروسط راهها، جان دادند . دولت آنها را باذربایجان باز گردانید . به معدودی ازآنها وامهائی برای کشت و کار داده شد ولی بانهایت تاسف اطلاع میرسد محصولی که بدست آنها رسیده بابت این وامها از دستشان رفته وبار دیگر گرسنگی عمومی آنهارا تهدید میکند . از هم اکنون میتوان پیش بینی کرد که اگر برای روز های سخت زمستان آنها یك فکر اساسی نشود اوضاع سال گذشته بنحو وسیع‌تر ودامنه دار تری تجدید گردد . ما امروز تاهنوز فرصت برای اقدام متناسب و موثربائی است این خطر را گوشزد میکنیم . بجای این روضه‌خوانیها و حماسه سرائیها باید برای نجات فرزندان زحمتکش آذربایجان فکری بشود . والا فرداهر اظهار تاسف و تاثر ریاکارانه‌ای بیهوده وعبث خواهد بود و سر نوشت سیاه و مرگبار آنها را تغییر نخواهد داد .

محدودیت بیشتر درروابط بازرگانی ایالات‌متحده امریکا با کشورهای جمهوری توده‌ای

واشنگتن - قانون جدیدی که وزیر بازرگانی ایالات متحده امریکا صادر کرده در روابط بازرگانی آن کشوربا اتحاد جماهیر شوروی ، لهستان ، چك واسلواك ، هنگری ، رومانی ، آلبانی آلمان‌شرقی، کره شمالی وچین محدودیت بیشتری ایجاد میکند .

طبق این‌قانون‌از این پس بیگانگان که میخواهند باکشتی‌های امریکائی در امریکابکشورهای نامبرده‌دربالایابرعکس کالا حمل کنند باید از شعبه بحر پیمائی وزارت بازرگانی اجازه نامه مخصوص کسب نمایند.

اجرای نقشه اقتصادملی در لهستان

ورشو — شورای دولتی لهستان که ماموراجرای نقشه اقتصادملی‌است اعلامیه زیررا راجع باجرای نقشه اقتصاد ملی‌در سه ماهه‌سوم‌سال ١٩٥٠ انتشارداده‌است طبق آمارهای تقریبی و موقتی نقشه تولید محصولات صنعتی آنکشور در سه ماهه سوم تا ١٠٥ درصد ودرفاصله زمان بین ماههای ژانویه وسپتامبر تا١٠٦ درصد اجرا شده‌است .

میزان اجرای نقشه تولیدمحصولات صنعتی در سه ماهه‌سوم بقرار زیراست

زغال‌سنك ١٠٠ درصد—ذغال کوك ١٠٢ درصد

نیروی‌برق ١٠٦ درصد— فولاد١٠٢ درصد

تراکتور ١١١ درصد —اتوموبیلهای باری١١٣ درصد

ماشین های فلز تراش و درودگری ١٠٦ درصد

ماشینهای الکتریکی ١٠٩ درصد

ماشینهای نساجی پارچه های نخی ١٠٧ درصد

ماشینهای نساجی پارچه های پشمی ١١٠ درصد .

نظری بکارهای خلاقه

در اتحاد شوروی

در کرانه های رود بزرگ و زیبای ولگا اکنون دو ایستگاه عظیم دستگاه قوه برق در نزدیکیهای « کوئی بیشف » استالینگراد در دست ساختمان است طراحی این نقشه های عظیم بوسیله مهندسین و علماء کشور شوروی صورت گرفته است.

ایستگاه کوئی بیشف که ده میلیارد کیلووات ساعت درسال مقدار نیروی آن و همچنین ایستگاه مولد برق استالینگراد که قدرت آن یك میلیون و هفتصد هزار کیلووات ساعت و استفاده برقی آن در سال همان ده میلیارد کیلووات ساعت است از بزرگترین کارخانه های دستگاه مولد برق جهانست.

در نقشه ٥ ساله بعد از جنگ اتحاد شوروی بزرگترین کارخانه نیروی برق که در کرانه رود دنیپر ساخته شد در اروپا بی سابقه بود اما این دو کارخانه جدید در دنیا نظیر ندارد و این تفاوت بین ایجاد دو کارخانه یکی در حین نقشه و یکی در این زمان سند کاملی از پیشرفت صنعت شوروی در این مدت قلیل است.

و این پیشرفت مرهون همان نقشه های سوسیالیستی است که کشور شوروی را در چهش های سریعی قرار داده است.

برای آنکه بهتر بتوان بارزش این کارخانه های غول پیکر پی برد لازم است مقایسه‌ای بین آنها با سایر کارخانجات کشورهای خارجی بشود.

با اینکه بزرگترین کارخانه نیروی برق دهنده تاکنون درمیکو قرارداشت با تمام این اوصاف این کارخانه ها به مراتب ابرویشان از آن بیشتر است.

جمع نیروی ذخیره برق مربوط به کارخانه های استراخان — ساراتو وغیره ٦ میلیارد و ٤٠٠ میلیون کیلووات ساعت است درصورتیکه کارخانه‌های جدید یعنی کوئی بیشف و استالینگراد باز بمراتب افزون‌تر از آنهاست.

مجموع نیروی برق در کشورهای ایتالیا، سوئد و سوئیس هنوز پایه نیروی این کارخانه‌ها نمی رسد.

اما کارها و اعمال با ایجاد نمودن این دستگاهها پایان نمی‌یابد منظور از ایجاد آن آبیاری مزارع — ایجاد قراء و قصبات و حتی شهرها و استفاده روشنائی بطور کامل می‌باشد.

قریب چهارده میلیون هکتار زمین بایر ولم بزوع بوسیله همین کارخانه بعد از این سر سبز و خرم خواهند شد، ده‌ها هزار تراکتور و کمباین در این مزارع مشغول شخم و بهره برداری خواهند گشت

با ایجاد وکاشت درختان باد هـای مسموم وموسمی دیگر در این ناحیه وجود نخواهد داشت، با ایجاد این دستگاهها در آمد خالق شوروی افزون خواهد گشت در کشور شوروی در هر چند وقت یکدفعه قیمت های کالاها را پائین میاورند کارهای بیشتری بمردم بیشتری واگذار مینمایند. در کشورهای سوسیالیستی سعی می نمایند خالق خود را بمقام انسانیت وانمی‌سازند، زندگی مادی و معنویش را هر آن بجلو ببرند، فدیه به پیر زنان را هر راه مفاسد جهانگشایانه وغشه‌های دمدمشانه بکار نبرند دستر نج دهقانی وکارگران را صورت اسلحه درنیاورند کودکان آنانرا از آنها جدا نسازند، این است برنامه کشوریکه در آن اثری از رنج وبیکاری و بیکاری و چهل وجود ندارد.

در بریتانیا ، در فرانسه در ایتالیا در حالی که مردم صلحدوست آنها میل دارند، دسترنجشان درراه برادری وپیشرفت و جهش پیوی زندگی بهتری مصرف شود هنوز هزینه ها گران است، هنوز در بعضی قسمت ها جیره‌بندی قسمتی از مواد غذائی وغیره بابرجا است.

درحالیکه خـالق شـوروی در راه ساختمان جهان بهتری کار خلاق خود را ادامه میدهند، درامریکای کاپیتـالیست بازوان کارگران رادرراه ساختن سب‌های ماوراء اتمی بکارمی اندازد، درینکقسمت از جهان که بوسیله کارهای خلاق، بوسیله ایجاد منابع برق وآب زندگانی بهشت زمینی را برای انسانها مهیا میسازند، در کشورهای سرمایه‌داری علاوه برآنکه قسمتی از زمینهایشان لم‌یـزرع مانـده بواسطه فشار مقامات امپریالیستی وبیکاری نمیتوانند کاری تهیه نمایند که نانی بخورند، هنگامی که درسرزمینهای شرقی اروپـا انسان برطبیعت‌شان میزند، درقسمت های غربی؛ بیشترین های حاصلخیز نیز ازبین رفته است ، ونوبه آن وضع ممالك غربی اروپا است که ازلحاظ اقتصادی حالت اسف آوری دارند.

مادر اینجا دو لوح سینما ازدو نوع جهان می‌بینیم یکی آنکه بمرك امپیت میزند، خوشی وشادکامی را درخود میبرد، اند ؛ زندگی مرفه وفرهنگ همگانی دارد دیگری ملواز بیکاری، اندوه، دربدری وبالاخره مرك کارهای علمی — صنعتی و کشاورزی که درشوروی در حال تکامل است و هر روز اثری از آن در زندگی خالق شوروی نمودار میشود دورنمای آینده شوروی و حالق آنرا درنظر مجسم میسازد و این آینده افزوده و در تربیت خود کوشا باشند.

بانیان این دستگاهها قسمت اوپائی نشین کشور شوروی نیز استفاده خواهد بود در آنجاها نیز میتوان جنگل کاری و آبادانی را رونق داد و با این ترتیب میلیونها هکتار زمین بکردو قسمتی از خاك شوروی به تسخیر انسانها درخواهد آمد.

هنگامیکه کشور های سرمایه‌داری جهة فرار از بحران کنونی تحت شعار « کمك به صلح جهانی » تهیه جنگ جدید را می‌بینند و در قسمتی از کـره ارض دودمانها را بدود میدهند در جهان سوسیالیستی پایه های کار خلاق و ثمر بخش بی‌دیزی می‌شود شهرها وقراء تازه ایجاد می‌شود، زندگی شاداب و بافرحی درجریان است. این کارها فقط در زیر پرچم سوسیالیسم و برهبری برنامه های سوسیالیستی امکان پذیر خواهدبود.

انجام اینگونه امور ، پیشرفت بسوی علم و دانش ، حرکت بطرف زندگـی باشاط درسایه صلح و صفا ومودت ودوستی بین ملل امکان پذیر است . تبدیـه بسیار بارز جنك و صلح را همه میتوانند اکنون بعینه شاهد باشند، درحالیکه در کشور کره شهرها ویران می شود در اتحاد شوروی شهرهائی برپا میگردد ، در حالیکـه در کشور های سرمایه داری کار گران دراثر مرد کم وقیمت های گران اعتصاب میکنند. در کشور شوروی در هر چند وقت یکدفعه قیمت های کالاهارا پائین میاورند کارهای بیشتری بمردم بیشتری واگذار مینمایند. در کشورهای سوسیالیستی سعی می نمایند خالق خود را بمقام انسانیت وانمی‌سازند، زندگی مادی و معنویش را هر آن بجلو ببرند، فـدیـه پیـر زنـان را هر راه مفاسـد جهانگشایانه وغشه‌های دمدمشانه بـکار نبرند دسترنج دهقانی وکارگران را صورت اسلحه درنیاورند کودکان آنانرا از آنها جدا نسازند ، شهـر و قصبه بنا نهند مدرسه و آسایشگاه بنانهند و برنسل خود افزوده و در تربیت خود کوشا باشند.

بانیان این دستگاهها قسمت اوپائی نشین کشور شوروی نیز استفاده خواهد بود در آنجاها نیز میتوان جنگل کاری و آبادانی را رونق داد و با این ترتیب میلیونها هکتار زمین بکردو قسمتی از خاك شوروی به تسخیر انسانها درخواهد آمد.

هنگـامیکه کشور های سرمایه‌داری جهة فرار از بحران کنونی تحت شعار « کمك به صلح جهانی » تهیه جنگ جدید

موقعیت نظامی جمهوری دموکراتیك ویتنام

بقیه ازصفحه ۱

تایمز لندن دره ۱۹۵۰ اوشت که اگر فرانسویها درنتیجه « یك نبرد شدید » قسمتی از دلتـای تـونکن و «تقریبا نصف کوشن‌شین » را نیزاشغال نمایند ؛ درکنترل این سر زمین باشکال برخواهند خورد .

فرماندهی فرانسه در شروع جنك میخواست با اشغال این نواحی، جمهوری را از منابع اصلی آذوقه برنـج محروم ساخته و با ایجاد گرسنگی آنرا خفه کند با وجود این بطوریکه تایمز مینویسد؛

اگرچه این نواحی، ازنظر محصول برنج غنی هستند ... در نواحی آزاد شده جمهوری نیز ، در مرحله کنونی ، مواد غذائی ارزان و خیلی فراوان میباشد

در مناطقی که از دست اشغالگران فـرانسوی آزاد شده اند ، اصلاحـات دموکراتیك مهمی انجام گرفته است ؛ کشور های سرمایه داری کار گران دراثر مرد کم وقیمت های گران اعتصاب میکنند. در کشور شوروی در هرچند وقت یکدفعه قیمت های کالاهارا پائین میاورند کارهای بیشتری بمردم بیشتری واگذار مینمایند. در کشورهای سوسیالیستی سعی می نمایند خالق خود را بمقام انسانیت وانمی‌سازند، زندگی مادی و معنویش را هر آن بجلو ببرند، فـدیـه پیـر زنـان را هر راه مفاسـد جهانگشایانه وغشه‌های دمدمشانه بـکار نبرند دسترنج دهقانی وکارگران را صورت اسلحه درنیاورند کودکان آنانرا از آنها جدا نسازند ، شهـر و قصبه بنا نهند مدرسه و آسایشگاه بنانهند و برنسل خود افزوده و در تربیت خود کوشا باشند.

بانیان این دستگاهها قسمت اوپائی نشین کشور شوروی نیز استفاده خواهد بود در آنجاها نیز میتوان جنگل کاری و آبادانی را رونق داد و با این ترتیب میلیونها هکتار زمین بکردو قسمتی از خاك شوروی به تسخیر انسانها درخواهد آمد.

هنگـامیکه کشور های سرمایه‌داری جهة فرار از بحران کنونی تحت شعار « کمك به صلح جهانی » تهیه جنگ جدید

درشماره ۲۹ مه تایمز میخوانیم که تاکنون حکومت باودائی بیش ازچهار گردان که عدة افراد شان ٤٠٠٠ نفر می‌باشد، نتوانسته است جمع کند .

ولی، از نظر سانـدردی ایوینك پست، این گردانها استعداد جنك بهـوجه نـدارند ، و از « دزدان دریـائی ، راهزنان، و پست ترین عناصر جامعه » تشکیل یافته اند .

در پنجـال جنك ، امپـریالیستهای فرانسه ، با وجود از دست دادن بیش از ۱۵۰۰۰۰ نفر و خـرج تقریباً ۱۱۵ میلیارد فرانك در سال ، فقط توانستند بعض از شهرهای بزرك واقع در کرانه دریای چین‌جنوبی و کنارراه آهن‌ماوراء هندوچین را حفظ کنند. قشون فـرانسه بیش از ۱۰درصد خاك و ۲ میلیون نفر جمعیت در دست ندارد ، در صورتیکه جمعیت سرزمین آزادشده جمهوری به ۲۰ میلیون نفر میرسد.

نیروی مسلح جمهوری ضربات شدیدی بشت سر هم بدشمن واردمیآورد در بهـار امسال رزمهای شـدیدی انجام گرفت. در ۲ ماه مه ، واحدهای ارتش تودة، یك قلعهٔ فـرانسوی را در دولـا واقع در ایالت تین — بین درصد کیلو متری جنوب هانوئی ویران کرده و ۱۲۰ سرباز فرانسوی را با تمام سازوبرگشان اسیرنمودند.

در ۳ و٤ مه در طی رزمهای تین — بین ۱۸۰ نفر فرانسوی کشته یا اسیر شدند .

در ۲۰ مـه بعـد از یك نبرد شش ساعته، بین میتراش و کزوآنفوردرایالت کوالکپین واقع در ۱۵۰ کیـلو متری شمال هوئه، واحدهای ارتش تودهٔ ۳۰۰ سرباز قشون منظم و کمکی فرانسه را مقتول و٤٠٠ نفرزخمی نمودند. دراین نبرد سرن فرمانده فرانسوی و چندافسر دیگر کشته شدند.

درهمین روز، در یك قسمت دیگر جبهه واقع در ایالت هاتر دوانك واحد های ارتش تودهٔ ویتنام یك گـردان فرانسوی را شکست داده و ۸۰ نفـر کشته و ۲۰۰ نفر اسیر گرفتند.

در ۲۷ مه ، ویتنامی هـا قلـعهٔ فرانسوی دونك خه واقع دربین کاوبانك ولایك سوورا ویران نموده و یکدسته چتربـاز دشمن را که میخواستند ناحیهٔ اشغال شده را پس بگیرند معدوم کردند در این نبرد تلفات فرانسوی ها از حیث کشته وزخمی واسیر به ۲۰۰ نفر سرباز وافسر میرسید. غنایم جنگی که بـدست ویتنامی‌ها افتاد عبارت از ٦ توپ سنگین ۱۰۰ تن مهمات، چند اتومبیل، ۱۰ خزن خواروبار، ۱ انبار ذخیرهٔ اسلحه ومقدار زیادی اسلحه گرم بود.

ارتش تودهٔ مستقین در قسمت بین تربتین (ویتنام مرکزی) و در قسـمت تراوین، بین هوآ و سوك — ترانك (ویتنام جنوبی) برنـامهای پیروزمندانهٔ دست زده .

پارتیزانهای ویتنامی در پشت جبهه دشمن عملیات ارتش تودهٔ را تسریع مینمودند.

۱۵ مه در نام‌دین (۷۰ کیلومتری متری هانوئی) پارتیزانهـا ٥٠ سربـاز فرانسوی را کشتند . مردم یـك پارتیزانها میآیند . در ایالت لاکی — سو ایزقیام توده‌ای شروع شده و ۳۰۰۰۰ نفر سکنه ایالت از لیه اسارت استعمار چینان فرانسه آزاد وحکومت تودهٔ درسر زمین خود برقرار گردند.

فصل پارانهای تروبیك، که از لیه ماه ژوئن شروع میشود ، فعالیت ارتش ویتنام و پارتیزانها را کندنموده ولـی هرگز قطع نمی کند.

باین جهت ، موقعیکه درآخر ماه ژوئن قشون فرانسوی سعـی میکرد که موقعیت خـود را در جنوب ویتنام بهبودی بخشد ، ویتنامـی هـا پیروزمندانه بآنها پاسخ داده و پس از پنجروز نبرد دشمن را مجبور بعقب نشینی نمودند

درآخر ژوئن ویت نامی ها لین تین ومیتراش را که در ۱۵۰ کیلومتری شمال هوئه واقع شده‌اند ، آزاد کردند . در ۲۱ ژوئن مابین کوانك بین و کوانك تری یك ستون موتوریزه فرانسوی درنبرد با واحدهای توده‌ای ۳۰۰ نفر کشته ومقدار زیادی اسلحه ومهمات ازدست داده .

دراین نبرد دو هواپیمای فرانسوی سرنگون گردید .

۲۹ ژوئن، درحمله‌ای که آرتش ویت نام و پارتیزا ها بقصبهٔ دونك لو درشمال هانوئی بردند ۱۰۰ فرسـرباز فـرانسوی کشته وتقریباً ٥٠٠ فراسیر گشتند.

اول ژوئیه درناحیه تین — دو، در ۳۰ کیلومتری شمال هانوئی ، آرتش ویت نام یك ستون فرانسوی را از هم پاشید بنابا طلاع خبرگزاری آسوشیتدپرس، ٥ ژوئیه قشونهای ویتنام درقسمت بین تـره واقع در ۸۰ کیلومتری جنوب سایگون بـاسکنه فرانسوی حمله بردند .

باوجود اینکه هواپیماها و کشتی های جنگی فـرانسه وارد عمل شدند ویتنامی ها دوقلعه دشمن را بتصرف درآوردند .

بطوریکه روزنامه ایتـالیائی پابوته سرا مینویسد تلفات قشونهای فرانسوی دروزی به ۳۰۰ — ٥٠٠ نفر کشته ، زخمی ویامبلا بامراض مناطق حاره میرسد . افسران ازاین لحظ حساسیت بیشتری دارند .

این تلفات سنگین چشم سرمازان فرانسوی را کشوده . اواخر ماه ژوئن قشون های ویت نام درقسمت لوموسـاشائی، ایالت کاوبانك بند ازاشغال امکه فرانسویها قوطی‌های کنسرو در میدان جنك پیـدا کردند که روی آنها جملات زیر نوشته شده بود :

« مارا مجبور می کنند که دراینجا برهلیه خودمان بجنگیم » .

« مصلحت ویتنام درمبارزه بـرای استقلال خود مصلحت ماست.»

موازی دیده میشود که تنها سربازان فرانسوی بلکه حتی واحدها بین بچه‌موری ویتنام می‌پیوندند .

موفقیت‌های نظامی ویتنام در نتیجه عملیات بهار وتابستان ، آرتش دموکراتیك ویتنام بشرح زیر خلاصه میشود :

ارتش ویت‌نام

در شهر های لایی — شو ، لاو — کای ، کاو — بانك ، و لایك — سون واقـع در ویتنام شمالی قشونهای فرانسوی را محاصره نموده و پادگانهای این شهر ها را مجبور کرد که آذوقه ومهمات وغیره، از راه‌های هوائی تهیه کنند .

فقط ازراههای هوائی تهیه کنند .

درمرکز ویتنام ، بسار شکافتن خطوط دفاعی دشمن فرانسویها را در شهرهائی که اشغال کرده بودند محاصره نمودند . (هوه ، دونك هوئی ، دالات وغیره) . ما معنی جزایر کوچك فرانسوی فقط بوسیلهٔ هوا ودر قسمتی بوسیلهٔ دریا ارتباط دارند . در جنوب ، قشونهای فرانسوی فقط بنیر سایگون وحومه‌اش شولون و بیزار های اطراف آنرا در دست دارند .

بقیه درصفحه ٤

بقلم : ناصر

قایق ران

— « آهای ... رفیق ... تو این سرما چرا نمیری خونت ... ؟!»

— « خونه‌ی ندارم آقا ! هوام سرد نیس ! »

— « د چطور میشه ؟ هواسرده . من دارم میلرزم ، حالا چکار میکنی . بازی میکنی . ها ؟

— « میکنم آقا ... کار نیس که ... بیکارم »

— « سابقا چکاری کردی ؟ »

— « قصلش پرتقال میفروختم . اما بدشانسی راهاز برف بند اومده ... انبار بهام یخ زده . دیگه کسی نمیخره . مرغایم که گیر نمیآد . تادیروزکه می‌فروختم (البته سیزبان ومی‌ماز نداریم انبها یك نوع مرغ دریائی است) ولی تواونم مشتری پیدا نشد . تابستونم که نیس مسافر قایق پیدا بشه ... »

— « فعلا چکاره هستی ؟ این سك نگیره ! اسمش چیه ؟ »

— « آ ... او ... نه آقـا ... این رفیـق منه ! لترسید ... »

— « نمیترسم ... اما چرا آنقدر مودب وایسادی ... فارسی خوب حرف میزنی ولی مثـل اینکه تازه ازسرباز خونه بیرون اومدی » ها ؟ ... اینطوره ؟ »

— « نه خیر ... چطور مگه ؟

— « آره دیگه ! پس‌که وظیفه‌داری که اینطوری بهمودب بشی وبامن حرف بزنی ... راحت باش . به لباس وکیف و کفش من نگاه نکن . منم مثـل خودت هستم . آمدم‌ام باتو رفیق بشم قایقت کو — مثـل اینکه مسافرم پیدا نمیشه . ها ؟ »

— « خیر ، مستون کسی نیاد که قایقم برای ماهی توآب انداخته‌ام اونم کرایه‌ی به اولی ماهیم گیر نیاد . »

— « مسافرم همینطور ! » « شانکا ، شانکا ! چه سك قشنگیه ... »

— « دوسال پیش از یه خانم روسی یادگاری گرفتم »

— « خب رفیق ! بگوببینم میل داری باهم بریم روی دریا یکخورده گردش کنیم من بدریا علاقه‌جیبی دارم . »

— « هوا خوب نیس ... ولی خیب ... خب ... بریم ... شانکا ، شانکا »

...

بادخنك ومرطوبی ازروی دریابلند میشدوزوزه کنان بکنار قایق میخورد . سپس درداخل آن نعره میزد . واز طرف دیگر می گریخت.

... مه غلیظی سرتاسر دریا و تاتاردیکی‌های شهرراپوشانده بود . دریا مثل استخر بزرگی شده بود که اطراف آنرا دیوار بلند وکبود رنگی گرفته باشند ازشهرجزمهباخانهٔ بزرك و بزدیکتراز آن برج فکـهٔ فار دیده نمیشد .

امواج مثل پاره‌های بلور، از دور دیده میشدند ولی جلوتر باصدای طنین داری بیدنهٔ قایق میخوردو کف کنان از گوشهٔ دیگر زیر قایق میافریدند .

قطرات آب را درهوا بروی آنها میتشاند و قایق را مثل اینکه روی فنر گذاشته باشند میرقصاند.

درگوشهٔ جنوبی آسمان یك خط ماربیچ کهربائی را برق زد ویك لحظه حد صدای غرش ترس آوری مملوازکرد مه‌ها دریا را فرا گرفت ومثل گردبادی چرخ کنان، توی شهر، در آن کلبه های بوریائی دهقانان، کنار السانهای گرسنه و سپید، در آغوش بدنهای بی‌رمق ولی پاك دهاتی‌ها لحظه شد . گوئی میخواست با این غریو ترس آور تمام سعادت مردمان آن طرف دریا را برای دهقانان و رنجبران مازندران بیان کند.

دقیقهٔ بعد بـرق دیگـر زاویـه دیگـر آسمان را درخشان کرد و در یك لحظه سایه های قایق وسرنشینان آن و آنکه در دمدمهٔ آن پارو بدست داشت روی امواج مـلام دریا لغزید و در دنبال آن مثل اینکه غیش اندوه طبیعت بشکند، شروع ببارید کرد قطرات باران روی دریا میریخت . و جنباهای کوچك و نا پایداری میساخت . وهرآن بخارآب هجو بالا پوش سنگینی بهمه جا فشارمیآورد.

قایق آنها نه باری بود ونه میشد با آن ماهی گـرفت . آخر ماهیگیری هم وسائلی میخواهد. فقط خیس بود. واز زیـر تخته های وسطی آن آب از سوراخهای ریزی فواره میزد . در مقابلش روی لبسکت کوچك دمامهٔ قایق جوانی ژنده پوش بیحرکت نشسته بود.

وستهایش روی پاروها تکیه داشت و سوت میزد .

صورت دراز ، دماغ کشیده ، چشمهای مشکی ، ابروهای پر پشت ، رنك زیتونی ؛ موهای بلند و ژولیده قیافه‌ای بودکه روی گردن باریکش جمجمه یك جوان مازندرانی را تشکیل میداد.

یك کت کهنه و پاره با آستینهای خیس و یك شلوار آبـی رنك رفته تشن بود . از زیرکت ، پیرهن متقالی وبـی یقه او ، تنه سفیدش را نمایان میکرد که مثل دم بزرگی آرام آرام بالا و پائین میرفت مسافر تازه او که اول دیده بودش خیلی خوشحال بود.

لب رودخانه ، روی اسفالت‌های تمیز ، جلوی ویلاهای سفید نازی میکرد و ابن ور و آن ور می پرید . بی اعتناء بدریا و صدای آن، فقط بخندیدو با لهجه بومی مازندرانیش با او حـرف زد و از دور برای او تنها سرش حرکت داشت و صـدائـی از بر خورد امواج دریا بساحل و یا قدمهای خشك تك تك عابرین بهم مستغدمین ویلاها چیز دیگری نبود .

— « آهای ... رفیق ... تو این سرما چرا نمیری خونت ... ؟!»

— « خونه‌ی ندارم آقا ! هوام سرد نیس ! »

— « د چطور میشه ؟ هواسرده . من دارم میلرزم ، حالا چکار میکنی . بازی میکنی . ها ؟

— « میکنم آقا ... کار نیس که ... بیکارم »

— « سابقا چکاری کردی ؟ »

— « قصلش پرتقال میفروختم . اما بدشانسی راهاز برف بند اومده ... انبار بهام یخ زده . دیگه کسی نمیخره . مرغایم که گیر نمیآد . تادیروزکه می‌فروختم (البته سیزبان ومی‌ماز نداریم انبها یك نوع مرغ دریائی است) ولی تواونم مشتری پیدا نشد . تابستونم که نیس مسافر قایق پیدا بشه ... »

— « فعلا چکاره هستی ؟ این سك نگیره ! اسمش چیه ؟ »

— « آ ... او ... نه آقـا ... این رفیـق منه ! لترسید ... »

— « نمیترسم ... اما چرا آنقدر مودب وایسادی ... فارسی خوب حرف میزنی ولی مثـل اینکه تازه ازسرباز خونه بیرون اومدی » ها ؟ ... اینطوره ؟ »

— « نه خیر ... چطور مگه ؟

— « آره دیگه ! پس‌که وظیفه‌داری که اینطوری بهمودب بشی وبامن حرف بزنی ... راحت باش . به لباس وکیف و کفش من نگاه نکن . منم مثـل خودت هستم . آمدم‌ام باتو رفیق بشم قایقت کو — مثـل اینکه مسافرم پیدا نمیشه . ها ؟ »

— « خیر ، مستون کسی نیاد که قایقم برای ماهی توآب انداخته‌ام اونم کرایه‌ی به اولی ماهیم گیر نیاد . »

— « مسافرم همینطور ! » « شانکا ، شانکا ! چه سك قشنگیه ... »

— « دوسال پیش از یه خانم روسی یادگاری گرفتم »

— « خب رفیق ! بگوببینم میل داری باهم بریم روی دریا یکخورده گردش کنیم من بدریا علاقه‌جیبی دارم . »

— « هوا خوب نیس ... ولی خیب ... خب ... بریم ... شانکا ، شانکا »

...

بادخنك ومرطوبی ازروی دریابلند میشدوزوزه کنان بکنار قایق میخورد . سپس درداخل آن نعره میزد . واز طرف دیگر می گریخت.

... مه غلیظی سرتاسر دریا و تاتاردیکی‌های شهرراپوشانده بود . دریا مثل استخر بزرگی شده بود که اطراف آنرا دیوار بلند وکبود رنگی گرفته باشند ازشهرجزمهباخانهٔ بزرك و بزدیکتراز آن برج فکـهٔ فار دیده نمیشد .

امواج مثل پاره‌های بلور، از دور دیده میشدند ولی جلوتر باصدای طنین داری بیدنهٔ قایق میخوردو کف کنان از گوشهٔ دیگر زیر قایق میافریدند .

قطرات آب را درهوا بروی آنها میتشاند و قایق را مثل اینکه روی فنر گذاشته باشند میرقصاند.

درگوشهٔ جنوبی آسمان یك خط ماربیچ کهربائی را برق زد ویك لحظه حد صدای غرش ترس آوری مملوازکرد مه‌ها دریا را فرا گرفت ومثل گردبادی چرخ کنان، توی شهر، در آن کلبه های بوریائی دهقانان، کنار السانهای گرسنه و سپید، در آغوش بدنهای بی‌رمق ولی پاك دهاتی‌ها لحظه شد . گوئی میخواست با این غریو ترس آور تمام سعادت مردمان آن طرف دریا را برای دهقانان و رنجبران مازندران بیان کند.

دقیقهٔ بعد بـرق دیگـر زاویـه دیگـر آسمان را درخشان کرد و در یك لحظه سایه های قایق وسرنشینان آن و آنکه در دمدمهٔ آن پارو بدست داشت روی امواج مـلام دریا لغزید و در دنبال آن مثل اینکه غیش اندوه طبیعت بشکند، شروع ببارید کرد قطرات باران روی دریا میریخت . و جنباهای کوچك و نا پایداری میساخت . وهرآن بخارآب هجو بالا پوش سنگینی بهمه جا فشارمیآورد.

قایق آنها نه باری بود ونه میشد با آن ماهی گـرفت . آخر ماهیگیری هم وسائلی میخواهد. فقط خیس بود. واز زیـر تخته های وسطی آن آب از سوراخهای ریزی فواره میزد . در مقابلش روی لبسکت کوچك دمامهٔ قایق جوانی ژنده پوش بیحرکت نشسته بود.

وستهایش روی پاروها تکیه داشت و سوت میزد .

صورت دراز ، دماغ کشیده ، چشمهای مشکی ، ابروهای پر پشت ، رنك زیتونی ؛ موهای بلند و ژولیده قیافه‌ای بودکه روی گردن باریکش جمجمه یك جوان مازندرانی را تشکیل میداد.

یك کت کهنه و پاره با آستینهای خیس و یك شلوار آبـی رنك رفته تشن بود . از زیرکت ، پیرهن متقالی وبـی یقه او ، تنه سفیدش را نمایان میکرد که مثل دم بزرگی آرام آرام بالا و پائین میرفت مسافر تازه او که اول دیده بودش خیلی خوشحال بود.

لب رودخانه ، روی اسفالت‌های تمیز ، جلوی ویلاهای سفید نازی میکرد و ابن ور و آن ور می پرید . بی اعتناء بدریا و صدای آن، فقط بخندیدو با لهجه بومی مازندرانیش با او حـرف زد و از دور برای او تنها سرش حرکت داشت و صـدائـی از بر خورد امواج دریا بساحل و یا قدمهای خشك تك تك عابرین بهم مستغدمین ویلاها چیز دیگری نبود .

وحالا مثل اینکه دیگر حرفی با مسافرش نداشت . سگش هم هوشیار وسط قایق روی شکم دراز کشیده بود . گوشهای نازك و بلندی داشت .

بوزه‌اش باریك بود و در موهای کوتاه و روبهم خوابیده اش برق افتاده بود و مثل راه رفتن مار برق روی پشتش از طرف و آنطرف میخزید و نفس زدن حیوان را مینمود مثل اینکـه « شانکا » چیزی بداند با یك دستش روی فـوارهای ته قایق را میپوشاند و بعد بوزه‌اش را روی آن دیگری میگذاشت و دومرتبه سر بر میداشت ، و هی تکان میـداد و با آب بازی می کـرد و همینطور ...

مسافر تازه جوانی بود سیاه پوش ، مومشکی ، عصبانی که برای اولین بار پس از یکماه فارغ از تحصیل از تهران بشـام یك نماینده اقتصادی یکی از کارخانجات ملی عازم شمال شده و برای گردش کنار دریا آمده بود .

قیافه اوخیر از رنجهای متراکمی در گذشته و زندگی او میداد . بارانی سیاهی تنش بود و کلاه آبی رنگی که نوار زردی در جلو داشت موهایش را از حمله باد نگهمیداشت ولی درموهای جوانك قایق ران باد افتاده بود و براحتی باآن‌ها بازی میکرد.

گاهی توی چشمهایش میریخت . لحظه پیشانیش را میگرفت و گاه دیگر مثل دستمال سیاهی پشت سرش بد بد میکرد .

.. ولی بی اعتناء بهمه اینها گوشهٔ را می‌بافید و سوت میزد و تنها حرکات لو سانی قایق در او تکانی تولید میکرد ، باآرامش مخصوص فکر می کرد ولی مسافر تهرانی او خیلی مایل بـود از افکار افسانه او باخبر شود . از صدای آسمان نهراسید . باطراف هم چشم نیانداخت . برق افق را هم ندید . و رگبار کوتاه هم‌در او موثر نیفتاد .

« شانکا » از او خونسرد تر بافواره‌ها بازی می کرد . برای مسافر تازه هیچ جائی تعجب آور نبود در همین حال که باتنشـ چنون آمیزی دور و برش را نگاه میکرد . میدانست کـه آنها باین جریان عادت کرده‌اند .

.. بخارغلظ همه جا سنگینی می کـرد و او روی بدنش لیزی حس می کرد و قطرات باران تندتر و درشت تر میشد وبـا صدای هم آوری روی آبها از هم باز میشد ودر سینه امواج کف آلود کم میشدند .

.. قایق ران مثل اینکه از خواب جسته باشد نگاه سریعی بدهانهٔ رودخانه ، که آبش ساکت بود ، انداخت و بعد رویـش را باو برگرداند و نوك زبانی گفت :

— « ها ... بریم . هوا خیلی خراب شده ... »

وقبل از آنکه منتظر جواب باشد با پاروش آهسته روی کمر شانکا زد . بعد صدائی شبیه به فرمان‌دادن از خود در آورد. « شانکا » خیزی زد و پادستهایش لبهٔ قایق را گرفت . یك ستون براق و میان تارك کناره دیوار قایق مثل تاو دادنی برق میـزد . اندام شانکا خیلی زیبا بود و پاچشمهای نافذ و گوشهای تیزش توی دریا و می‌بافید .

قایق ران که مسافرش او را « رفیق » صدا میزد . پاروهایش را در آب انداخت و بدون آنکه از او جوابی بگیرد . بزیر آب فرو برد . قایق حرکت رفت و آمدی کرد و با پارو های سوم و چهارم یك نوار پهن و سفید که رفته رفته تارك تر میشد درعقب قایق روی امواج کف کرده آبها ساخته شد .

شانکا این ورو آنوریی برید وزوزه میکشید و « او » کیف دستی بزرگش را که « جا دستش بود وحتی پتوی کوچك هـم توی آن داشت کناری زیر نیمکت قایق جا جابیکرد .

باران شلاق‌زنان روی دریا میریخت وبخارا بمثل قلیظ‌هـمه جارا گرفته بود . بطوریکه یکدیگر را که چند قـدم بیشتر باهم فاصله نداشتند مبهم میدیدند . مسافر کنجکاو وقتی جابجا کردن کیفش تمام‌شد . سرش را بلند کرد . قبل‌ازهرچ ز متوجه کت‌رفیقش که آب از گوشه و کنارش میریخت وبادستهایش بسرعت پاروهارا بزیر آب میبرد شد ، نوار عقب قایق دوست مثل‌رودخانهٔ کوچکی شده‌بود . شانکا گوشهٔ لبهٔ قایق را گرفته بود وباران‌روی سرش میریخت واز روی پشتش مثل نهرباریکی رد میشد .

« او » از جابلند شد ، مثل اینکه چیزی تودلش ناراحتـش کرده باشد .

چندقدم بیخودی بسرعت برداشت وودومرتبه سرجایش نشست. دو مرتبه بلند شد کاشهایش سنگینی میکـرد وبف‌ف کـان روی کف قایق کشیده میشد . دستی محکـم روی شانهٔ قایـق‌ران کـه کوئی تازه یك دقیقه پیش از دریا بیرون آمده بود ، زدوبیدالعنی خشکین گفت :

« غب .. توداری خیس‌میشی ا ... بسته پاروها را بدهبین.. بیا . این پاروئی راهم بپوش .. اگه سرماخوری کمی لیس که از توپرستاری بکنند .. بیا بیا بپوش .. زودباش ... »

نگاه تیز ومستدی باو انداخت . ازابروهایش توهم رفته بود و یکمرتبه باغندنه فریادزد :

« خیر آقا ... ماباین چیزا عادت کرده‌ایم . آنقدرسرما خورده‌ایم که دیگه سرماازماغرارمی کنه شاخودتونو بیاد انداختنا کا ! »

و بعد یك چیزهائی بزبان بومی خودشان بشانکا گفت که او چیزی از آنها سر دربیاورد . از جوابیکه گرفته بود نگران بود ولی راحتی و لذت مبهمی بالای خیالش احساس میکرد . دومرتبه چشمهایش را باز انداخت و بالحن آرامتری گفت :

— « اگه بهترین رفیقت مثل من پاروئیشو بتومیداد باوهم اینطوری جواب میدادی . ها ؟ ... »

سرش را بلند کرد . ابتداء میخندید و او تنها دو ردیف دندانهای سفیدش رادقت میکرد که زحر کت زبان وبلند شدن دندانهایش چه تأثیری حس خواهد کرد ، و بالاخره اینطور جواب شنید :

— « ای آقا ... بهترین رفیقمونم مثل خودم بی چیزه ... قایق رانه ... کجا باروئی داره ... کجا فکر سرما و میکنه... تازه اگرهم چیزی ازاینا گیرمون بیفته ... فرداش مجبوریم فروشیم و نون کنیم گرسنگی . می‌نانی ... بیکاری ... نداری ... مگه میشه ؟ ... »

دیگر خنده زیرلبهایش نبود ولی رفتن غم انگیزی مثل‌طف امواج دریا تمام صورتش را گرفته بود . دندانهایش بهم میخورد و صداهائی مثل فندق شکستن میداد .

باران مرتب میبارید ولی نمیتوانست کمترین اثری درحرفهای جدی و پر حرارت آنها بکند .

آن رنك غم انگیز مثل ابری قیافه وسرتاپای مسافرش را گرفت . دلش بطپش افتاد . نفسش عمیقتر شد . لرزه محسوسی بدش را تکان میداد . مشتهایش خود بخود گـره شده بود ومثل عقابیکه بالای شکارش پنجه بازمیکند . سینه‌اش بجانب جوانك قایـق ران کشیده میشد . هیچ چیز نمی‌فهمید . فقط میخواست بـا یـك مشت محکم باو بفهماند که همه کس را نمی‌شود از درجه ظاهـربینی نگاه کرد .

کجا اوچیزی داشت که اونداره . کدام دلخوشی و کـدام رضائیتی را او داشت کـه رفیق قـایق رانش از آن محروم بود . بالاخره درحالیکه بغضش راقورت میداد یا صدای خراش‌اری گفت

— « آهای ... پسر ا ... تو آنقدر که باین شانکا اعتماد داری بمن نداری ! ... میفهمی ! ... ها ! ... ها

موفقیت نظامی ...

بقیه ازصفحه ٤

فرانسویها برای اینکه در محل های روستائی اشغال شده ـ مخصوصاً نیزار ها بهتر نظارت داشته باشند، بیستم اصطلاح «برجهای نگهبانی» که درطول راههای ارتباط روستاها ای وزمینی درهر کیلومتر ساخته شده ، توسل جستند.

اما بطوریکه تایمز مینویسد ، ایـزنهـاور تنها در روز قابـل استفاده میباشد ، وشب هنگام ، کشتی ها پست های خودرا عوض کرده ، وتاصبحدم در آنجا مشغول سنگربندی میباشد .

پارتزانها باین برجها موفقیت حمله برده وغالب اوقات پادگانها را با ضربت نارنجکها نارومار مینمایند .

اکنون ، آرتش ویتنام ، پایرداختن به نیروهای فرعی ، در بعضی از قسمتهای جبهه ، نیروی های خودرا فراهم آورده، بر تعداد آنها افزوده و بعملیات خود ادامه میدهد . طبق اطلاع مورخ ۳۱ ژوئیه دوردمین ، خبرنگار نیویورک تایمز در سایگون ، فرمانده‌هی نظامی جمهوری ویتنام دیاباستفاده از آرامشی که بملت پارتزانها وهمهٔ مردم ویتنام آماده می کنند پارتزانها وهمهٔ مردم ویتنام آماده می کنند

فرمان ترومن راجع بازدید کمک به قشونهای فرانسوی در هندوچین علاوه‌خاک امریکا را در جنگ برضد مردم ویتنام میرساند . امریکائیها ، هواپیماهای حمل و شکاری کینگ کبرا ، هواپیماهای حمل و نقل داکوتا ، تانک ، توپ ومهمات ، به هندوچین میفرستند .

در اتازونی ، کشتیهائی برای پناه کردن نیروومهمات، برای استفاده درعملیات ضد ویتنامی ، ساخته میشود . یک میسیون نظامی امریکائی مرکب از ۱۶ نفرعضو بریاست جان‌ملین ، ۱۵ ژوئیه بهندوچین وارد شد که عملیات ضد ویتنامی رادهبری کند . این میسیون ، آموزیت دارد که به قشونهای فرانسوی طرز استعمال اسلحهٔ جدید امریکائی را بیاموزد . ژنرال گریوس ارسکین یکی از سران میسیون، در کنفرانس مطبوعاتی ۲۰ ژوئیه اظهار داشت که هدف میسیون بازهم خیلی وسیع است ، تشکیل دسته های « کثیرالعده » ، مقیاس بین‌المللی » . از اینجهت باید انتظار تشکیل آرتشی را در هندوچین داشت که برضد جنبش آزادی ملی مردم آسیا، مورد استفاده قرار گیرد .

خبرنگار آسوشیتد پرس درسایگون اطلاع میدهد که اتازونی اعزام میسیونها جدید نظامی ، سیاسی ، تبلیغاتی وهمچنین یک میسیون ۱۵۰ ـ ۲۰۰ نفری برای اجرای نقشه مارشال را بسایگون تهیه می‌بیند . اعضای میسیون های نظامی ، دریائی ، وهوائی درنزدیک‌اودائی افرایش یافته است . اداره تمام قوای مداخله جویان امریکائی درهندوچین ، بعهدهٔ وزیر اتازونی دوبالدهیث ، رئیس ستاد جاسوسی امریکا، که در بانفارستان ساکسن دریده شده میباشد. هیث خیلی پیشتر وارد سایگون شده است .

مداخله امریکائیهای امریکادر امور داخلی ویتنام بمقاومت مردم را باز هم بیشتر تشدید میکند . اگر نگوییم بانی که تاندان صلح هستند، نبودند مداخله گران امریکائی را ، درسرزمین اشغالیشان نیز خطرتهدید میشود .

مبارزه ملت ویتنام برای آزادی و استقلال خود یکی از عوامل مبارزه عمومی اردوی دموکراسی ومترقی برضد قوای امپریالیسم میباشد .

حوادث ویتنام ، شدت استقامت ملل آسیا را در مقابل سیاست تجاوزکارانه اتازونی نشان میدهد . ملت ویتنام با اطمینان کامل به پیروزی نهائی خود پنجمین سال تشکیل جمهوری خودرا جشن میگیرد.

تصویب بودجه بشکل یك دوازدهم

بقیه ازصفحه ۱

خرجها بروفق احتیاجات مردم ، بر طبق مصالح ومنافع اکثریت ملت تنظیم خواهد شد نه برای تأمین اغراض تنی چند که بیهوده خودرا بملت تحمیل نموده‌اند.

واضح است که شرایط نامبرده اکنون وجود ندارد.

امروز نه نظرملت در بوجودآوردن مجلس دخالتی دارد و نه دولتهائی که روی کار میایند و میروند خواسته‌های ملت را درنظر می گیرند واراده وی را برحله عمل واجرادرمیآورند.

نمایندگان مجلس ازطرف عدهٔ‌خاص وبرای حفظ منافع تنی چند که بر کرسیه امور کشور تسلطدارند برگزیده‌شده‌اند.

دولتهائی که این نمایندگان وسایر عوامل موثر را روی کار میآورند از لحاظ خارجی حافظ منافع ششمره طلبان هستند که بازار کشور مارا قبضه نموده ونفوذخودرا بر کلیه امور مملکت گسترده‌اند .

از لحاظ داخلی اینگونه دولتهامجری اوامر طبقهٔ ممتازوخاص معینی میباشند که بسرجان ومال اکثریت ملت تسلط جابرانه دارند مسلم است که این چنین دولتها ومجلس‌هاچگاه نخواهندتوانست حافظ منافع مردم باشند وقدمی بسود ملت بردارند .

بودجه مملکت اکنون وسیلهٔ است که باآن جناحهای مختلف مجلس وهیئت حاکمه رقبای خود را تحت فشار قرار میدهند .

دولتها را وادار میسازند که منافع واغراض خصوصی آنان را هرچه بیشتر تأمین نمایند .

بهمین علت است که تصویب‌بودجه بصورت قطعات ۱ـ دوازدهم ۲ـ دوازدهم ویا ۳ـ دوازدهم انجام میگیرد.

اگرقرار باشد که بودجه بشکل کامل خود دراول هرسال تصویب شده ودولتها ازاین لحاظ احتیاجی به مجلس نداشته باشند مسلما تأثیر متولیان‌مجلس برروی دولتها ضعیف خواهد شدحربه آنهابرای وادار نمودن وزراء به تأمین نظریات آنان کند خواهد گشت ویکی ازوسائل تقویت ویاسقوط دولتها از کف نمایندگان خارج خواهدشد بامختصر توجهی بوضوح تصویب قطعات بودجه درماههای اخیربخوبی این مسئله واضح خواهد شد.

دراوائل کار که دولت کنونی‌عهده دار انجام بعضی‌امور مورد نظر معاقل خارجی وتدقین داخلی شد و لازم بود برای ایفای وظایف محوله چندی بر سر کارباشد مجلسیان برای وی یك بودجه سه ماهه تصویب نمودند ودستش را تا مدت ۳ماه دراجرای امور آزاد گذاشتند.

اکنون که شرایط ۳ماه قبل متفق شده است و پایه‌های سست بعضی‌موافقت ها لرزان‌تر گشته است دیگر احتیاجی بدوام دولت کنونی برای مدت مدیدی بنظر نمیرسد از اینرو دولت که خود اینوضع راحس‌میکند تنها به تصویب ۱ دوازدهم بودجه اکتفا میکند.

اما از طرفی دولت خود اصراری در تصویب بودجه کامل حتی بدست این قبیل نمایندگان ندارد چه بهتر که همراه تکه‌ای‌ازبودجه بدون توجه باشتاب‌وعجله تمام و بیهاء تنگه‌ستنی و گرسنگی و احتیاج کارمندان تصویب گردد ـ دولت آزاد باشد هر قدمی در راه خرج دارائی ملت بردارد . هرگونه فشاری بمردم‌از راه‌مالیاتهای گوناگون که بارآن‌بردوش مردم ضعیف سنگینی می کند وارد آورد بدون اینکه کسی بتواند کوچکترین‌ابراز مخالفتی بنماید .

وزیر فرهنگ در یکی از مجلسین‌از بودن معلم شکایت میکند و باکمال شجاعت نموده میدهد ا که سال‌آینده‌عده از کلاسها را خواهد بست . مسلما این موضوع را وزیرفرهنگ ورفقایش فقدان بودجه قلمداد مینمایند در حالی که قلم اساسی ثروت مملکت وقدمت اعظم‌حاصل دسترنج دهقان ، کارگر ، کاسب وکارمند بی چیز صرف اموری میگردد که نه تنها کوچکترین نفعی بحال مردم ندارند بلکه ضرروخسارت جبران ناپذیر ببار میاورند محصول کار و کوشش‌مردم کشور ما که بصورت مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم از آنان گرفته می‌شود بجای توسعه فرهنگ و تعمیم بهداشت صرف ساختمان وتوسعه زندانها برای دربند نگاهداشتن فرزندان ملت میگردد در راه خرید اسلحه ومهمات و سپردن آنان بدست مشاور برای ایجاد جنگ برادر کشی مصرف میشود این وضع حدی آشکار و واضح گشته است که حتی فلان سناتورهم ناچارمیگردد نسبت آن اعتراض نماید ؛ «چنگه چگونه میتوانم‌برای بدهم یك دوازدهم بودجه را بیك دولتی بدهند که از بول این مردم فقیر اسلحه بخرد و آن اسلحه را بدست مشاور بدهد و هر جاهم مشاوری نبوده است عشایر بتراشد. بنده چگونه میتوانم بدولتی اعتماد بکنم که میخواهد رژیم مالوف الطوائفی را در این کشور احیاء نماید » .

ما از اعتبارات فرهنگ که یگانه دوای دردهای ما است بکاهیم ـ مدارس و آموزشگاههای خودمسازا در مضیقه نگاهداریم و هر سال بر بودجه وزارت جنگ بیفزائیم برای آنکه شما بدست عناصری ...اسلحه بدهید وآن‌هابرا بجان و جان مردم مسلط بکنید .

دولت بول یك دوازدهم را از کجا میاورد همان مالیاتهای غیر مستقیم است که تحمیل بر فقرا و مردم بی بضاعت و غیره است که بزرگترین عامل گرانی زندگی است . ثروت عمومی بتاراج و غارت برده میشود ـ صرف تعیش افراد معدودی می گردد ـ از بودجه فرهنگ ـ وبهداشت ـ تقویت صنایع و امور عام المنفعه کاسته میشود و در راه اجرای نقشه های ضد ملی ـ در راه بر گردن کیه طمع و حرص وآز چند تن معین بکار میرود ـ مسلم است دولت علاقه ندارد که بودجه بشکل کامل خود در مجلس مطرح گردد ـ گو اینکه ازطرف نمایندگانی از این قبیل که امروز کرسی‌های پارلمان را اشغال نموده‌اند مزاحمتی در راه اقدامات وی ایجاد نشود ولی ملت واقعات عمومی ناظر عملیات او هستند. اگر اقلام بودجه علنی گردد و نقشه‌های دولت در تفریط و اتلاف دارائی کشور واضح شود برای اولیاء امور متوجه شوند ایجاد خواهدشد . اگر مردم متوجه شوند که حاصل دسترنج آنان صرف حقوق مشتاران کوبا کوبی میشود که در کلیه امور کشور رخنه نموده ـ صنایع ملی را دچار وقفه و ورشکستگی می‌نمایند تا کشور ما محتاج لباسهای کهنه واجناس بیمصرف دولهای متبوع آنان گردد .

اگر ملت ایران بدانند که فرمانروا یان او زمینه اسارت اقتصادی و سیاسی وی را تهیه می بینند ، بطور عمد قدمی در راه ایش تولید و بهبود وضع زندگی و پرده استتار و مکر وریا بر روی عملیات خود بکشند زحمت بیهوده بر خود هموار میسازند ـ ملت دیر گاهی است قیافه قیالا آوردن میزان ثروت عمومی بر ـ نمیدارند بلکه بالعکس میکوشند باخارج بیهوده و اسراف و تبذیرهای گوناگون را از جلو بردارند . فرمانروایان و اولیاء امور بر دانسته است و به ماهیت واقعی عملیات و اقدامات گروهی که بر امور ملت تسلط دارند پی برده‌است هنگامیکه درنتیجه کوشش مداوم مردم محروم‌خارها از سر راه زندگی ملت برداشته شود اشکالات فراوانی که اکنون در زندگی عموم وجود دارد بر طرف خواهد گشت

در اینصورت دیگر مشکلی بنام مسئله بودجه نیز وجود نخواهدداشت .

اگرمردم‌بفهمند که مدارش رابعنوان فقدان بودجه می‌بندند . و زنده‌انها را بروی فرزندان ملت میکشانند کارمندان و معلمین زحمتکش را در مضیقه مالی قرار میدهند وگرسنه نگهمیدارند و برای لورچشی‌ها خرج سفر و اضافه کاربهای موهومی می‌تراشند . دسته دسته کارگران را بیکار میکنند و کارخانجات رامی‌بندند ولی بابول بیوه زنان واطفال یتیم و بی‌چیز اسلحه و توپ و تانك و گاز اشك آور میخرند اگر اقدامات از این مسائل اطلاع پیدا نماید قطعا نسبت باینگونه فعالیت‌های مخرب وخائنانه برابندار اعتراض خواهد نمود و در راه اجرای آن سدی بوجود خواهند آورد بنا بر این از نظر دولت بهتر آن است که بودجه بشکل قطعات $\frac{1}{12}$ و $\frac{2}{12}$ و ... تصویب گردد بدون آنکه ملت از چگونگی آن اطلاع کافی داشته باشد از نظر مجلس هم از لحظ اینکه بودجه در گرو تامین منافع خصوصی نمایندگان و معاملی که آنانرا فرمان میدهند باشد رویه «قطعه قطعه» نمودن بودجه تعقیب میشود .

تنها ملت است که از ایتراه ضرر می‌بیند ـ ثروتش بر باد میرود و فدای نظریات خصوصی خیانتهای مختلف هیئت حاکمه قرار میگیرد ـ اگر آنایان کوشش دارند ملاقاتهارا و اقدامات ضد ملی خود را از نظر ملت مخفی نگهدارند و پرده استتار و مکر وریا بر روی عملیات خود بکشند زحمت بیهوده بر خود هموار میسازند ـ ملت دیر گاهی است قیافه ادامه‌دارد و مکر وریا بر روی عملیات آنانرا بخوبی شناخته است پرده‌دروبرو با و ایاء امور بر دانسته است و به ماهیت واقعی عملیات و اقدامات گروهی که بر امور ملت تسلط دارند پی‌برده‌است هنگامیکه درنتیجه کوشش مداوم مردم محروم‌خارها از سر راه زندگی ملت برداشته شود اشکالات فراوانی که اکنون در زندگی عموم وجود دارد بر طرف خواهد گشت

در اینصورت دیگر مشکلی بنام مسئله بودجه نیز وجود نخواهدداشت .

فعالیت خرابکارانه امپریالیست های امریکا در خاور دور

پکن ـ خبرگزاری سین خو خبر می‌دهد که امپریالیستهای امریکادرقرمز و ژاپون و هونك کنك ضد ملل چینی و سایر کشورهای آسیائی دست بفعالیتهای خرابکارانه و اعمال جاسوسی زده‌اند . در کشورهای هجوار چین سازمان‌های نزرك جاسوسی و خرابکاری تشکیل شده که شبکه های آن از کره‌جنوبی تامنچوستان کشیده‌می‌شودو مرکز آن درشهرتو کیو است.

بنا بقول خبرگزاری نامبرده‌در اواخر ژوئیه سال جاری درجزیره‌فرمز بیك‌ساز ان جاسوسی بنام « اتحادیه چین وامریکا » تشکیل شد که رهبری آن با کوك‌ماده نیرو . دریائی امریکا درقسمت غربی اقیانوس آرام، چون کای‌میان‌رئیس‌مامورین سری کومین تانك است .

در ماه اوت سازمان دیگری نظیر همین اتحادیه بنام «دفتر اطلاعات اتحادیه بین‌المللی خاور دور » در هونك کنك تشکیل شد که تمام جاسوسان هیئت اکتشافی کومین تانك و امریکا که « ساکو » نام دارد بخدمت خودگماردده است تاعملیات های خرابکارانه ضد کشور چین‌را رهبری کند .

دیرزمانی است که ازطرف امریکائیان سازمان جاسوسی وسیعی درتو کیو تشکیل شده و قسمت اعظم اعضاء آن‌ازجنایتکاران جنگی ژاپون و خائنین چین میباشد . بنا فرمان مالك آرتور سازمان فاشیستی ژ پون بنام « احیای ملت » دوباره‌روی کار آمده و همچنین جنایتکاران جنگی امثال سایدوز سوئد و کارامو بعنوان مامورین مخفی بکار گماردده شده‌اند.

بسیاری از اعضاء کور و پلدانیك‌را که‌سرزمین چین را ترك گفته امپینطور ادامه فعالیتهای خرابکارانه و جاسوسی برضدکشور چین درسفارتخانه های کشور های هجوار چین سکنی داده‌اند .

امپریالیستهای آمریکا برای تعلیم و آموزش کادر جاسوسی بمنظور ادامه فعالیتهای جاسوسی خود در چین و دیگر کشورهای آسیا آموزشگاههای جاسوسی در فرمز و ژاپن و فیلیپین و کره جنوبی تاسیس کرده اند . مدیران این آموزشگاه ها امریکائی هستند و فارغ التحصیلهای آن بمنظور جاسوسی بکشور توده‌ای چین فرستاده می‌شوند.

قرار داد محرمانه بوین و آچسن راجع بجزیره فرمز

روزنامه «دوارخبه» ازقول خبرنگار خود درلندن انعقاد قرارداد محرمانه ای رامیان بوین و آچسن راجع بتجاوز آمریکا بجزیره فرمز چنین خبرمیدهد :

« چنانکه از محافل نزدیك به‌وزارت خارجه بما خبر رسیده است میان آچسن وبوین قرارداد مخفیانه‌ای راجع بپشتیبانی انگلستان از نقشه های امریکا در جزیره فرمزمنعقد شده‌است » اکثریت امریکائی مجمع عمومی سازمان ملل متفق ازاینرو تصمیم گرفت مسئله فرمز را در دستور روز مجمع‌قرارندهد تابدین‌وسیله تصمیمات پیچیده اینکه حکومت جنوبوزی توده در چین را بسرسیت شناخته از دادن رای خودداری کند .

ـ اما طبق موافقت قبلی نمایندگان انگلیس در پشت پرده‌نمایندگان دیگر کشورهارا تحریك خواهند کرد تابوسیله دادن رای بنفع آمریکا وایجاد اکثریت از نقشه های تجاوز کارانه دولت‌درمجمع ملل متفق پشتیبانی کند .

چاپ سینا

دعوت عام

بقیه ازصفحه ۱

هرمصلح دوستی دارای هر عقیده مذهبی و مسلکی که باشد وبدون تمایز جنسی و نژادی می‌تواند باتوجه بمراتب پائین دراین کنگره شرکت نماید و یا آراء و نظریات خود را ازطریق کمیته های ملی باطلاع کنگره برساند .

کمیته جهانی هواداران صلح ابتدا اعلام داشته بود که شرط شرکت در کنگره قبول وامضای بیانیه صلح استکهلم می‌باشد ولی در جلسه عمومی اخیر کمیته جهانی که در پراك تشکیل گردید این شرط وقید هم برداشته شد بنا بر این اکنون برای آن‌صاحبدوستی که حتی بیانیه استکهلم‌را هم امضاء نکرده باشد امکان شرکت در کنگره لندن وجود دارد و بطریق اولی برای کسانی که عضو جمعیت ماهم نبوده ولی در مقام چاره ـ جوئی ازوقوع جنك‌وجلو گیری ازتجاوز و تهاجم باشند حضور در کنگره مقدور است .

چرا چنین تصمیمی گرفته شد ؟

با کمی توجه بوضع حاضر دنیا علت این امر را می توانیم درك کنیم دنیا در معرض جنك جدیدی قرار گرفته است ، جهان خواران و جنك افروزان بدون پرده پوشی جنك دیگری را تهیه می بینند صاحبان صنایع جنگی و عمال و دلالان آن‌ها علنا مردم رنجدیده جهان‌را باستعمال اسلحه اتمی وایجاد جنك تهدید می کنند . جنك کره این مسئله را برای همه روشن ساخت .

ازطرفی دیگر کسانی هستند که‌می گویند تنها تحریم سلاح اتمی کافی‌نیست و بیانیه استکهلم این دردوا دوا نمی کند البته هدف جمعیت های هواداران صلح و مرام کنگره جهانی هم تنها تحریم اسلحه کشتار دسته جمعی نبود چنان‌که هدف جمعیت ایرانی هواداران صلح هم در مرامنامه ذکر شده علاوه از « تحریم قانون‌استعمال انواع‌سلاح اتمی ومیکربی» که در ماده سوم ذکرشده «طرفداری و حمایت از صلح و تحریم جنك تجاوز کارانه » و « مبارزه با جنك و جنك طلبی » نیز می‌باشد با وجود این و با اینکه بیانیه استکهلم را بیش از ۵۰۰ میلیون یعنی ربع سکنه دنیا امضاء کرده اند کمیته جهانی بر آن شد که نهضت صلح و کنگره دوم وسعت بیشتری داشته باشد مردم صلح‌خواه جهانی بوسیله نما ـ یندگان خود درلندن جمع آیند و هرچه برای جلو گیری از جنك تجاوز بنظرشان میرسد اظهار داشته و بمباحثه پردازند تا کنگره‌جهانی هواداران صلح یك‌مجمع واقعی از همه مردم جهان باشد .

ـ بدین مناسبت کمیته جهانی در پراك تقسیماتی گرفته پیشنهادهائی بمنظورتهیه زمینه بحث عرضه داشت که‌مادر روزنامه مصلحت باستحضار ملت ایران رسانیدیم و اینك خلاصه آن پیشنهادها را ذیلا نقل می کنیم .

۱ ـ تحریم مطلق بمب اتمی

۲ـ تقلیل و کنترل تسلیحات از هر نوعی که باشد،

۳ـ جلوگیری ازهر قبیل تبلیغات جنگی،

۴ـ معرفی مقصرین ومتجاوزین حقیقی که ارتش آنهادرامور داخلی کشور های دیگر مداخله می کنند،

۵ـ ارجاع موضوع کره به شورای امنیت وحل مسالمت آمیز آن .

کمیته جهانی هواداران صلح تمام مردمی‌را که از جنك تنفر دارند دعوت می‌نماید که برای بحث درباره‌این پیشنهاد هامجالس مذاکره ومباحثه بزرگی تشکیل داده‌و کسانی‌را که نماینده وحامل ندا‌های صلح طلبانه ایشان باشند بدومین کنگره جهانی اعزام دارند .

هموطنان گرامی

مادرین فرصت بزرك‌تاریخی ـ شما را طرف‌خطاب قرار داده ودرخواست می‌ـ کنیم هر کجاکه هستید،هرمذهب‌ومسلکی که دارید،عضو هرانجمن وجمعیت وحزب وباشگاه وکاروواتحادیه‌ومجمع ودسته و هیئت و بنگاهی که هستید،درهراداره و کارخانه‌وکارگاهی که کارمی کنید،به‌بحث در باره پیشنهادهای کمیته جهانی‌پرداخته و نظریات خودرا برای مارسال‌دارید و درصورتی که بخواهید‌نمایندگانی‌ازطرف شماهم در کنگره لندن شرکت جویند آنان‌راسا بنامعرفی‌فرمائید تا همراه نمایندگان جمعیت بکنگره رهسپار گردند

دبیر جمعیت ایرانی هواداران صلح

اجرای اصل چهارم قانون

بابران صرف‌نظرمیشود

جان وایلی سفیر کبیر امریکا که این و عده‌ها را داده بود وپوچ در آمد جای خودرا بسفیر «لایقتر» و «با کفایتری» دادوعده‌ها ازنو شروع شد صحبت قرضه ازبانك صادرات و واردات امریکا میان آمد مدتی این مثنوی هم تاخیر شد در رادیو ، درمجلس ،درروزنامه‌های وابسته به‌هیئت حاکمه هم جسا صحبت از این میشد که عقریب این قرضه حلی شده مشکلات‌را رفع خواهد کرد .

برای اینکه توجه مردم را ازاین موضوع بمسئله دیگری معطوف دارند. اخبار هیجان انگیزی جعل کردند باینکه تسلط اقتصادی خودرا در ایران برقرار کرده بازار ایران را قبضه کرده بودند باتبلیغات ناروای خود آرتش شوروی را درخیال بدروازه های ایران رسانیدند واوضاع ایران را سخت‌وخیم جلوه دادند تا بدینوسیله بهتر بتوانند هستی این ملت را غارت کرده موضوع وام را فراموشی بسپارند .

باکلیه این احوال درزمانی که اوضاع ایران را متشنج کرده هردم مردم را از جهتی متوحش میساختند سفیر کبیر اتحاد جماهیر شوروی برای چندمین بار دست دوستی بسوی ایران دراز کردوحاضر شد قراردادی‌را که‌مدتها دراثرغفلت وخیانت زمامداران ایران فراموشی سپرده‌شده بود وهردو کشوراز آن‌متنعم میشدند بموقع اجرا گذارد وهردو کشور کالای خود را مبادله کرده ودهقان وکارگر ایرانی محتاج‌باین نباشند که دستریج خود را بسرایکیان از دست بدهند و احتیاجات خود رابقیمت گزاف از همان کلاهبرداران خریداری نمایند .

چون قش اخلالگری مزدوران استعمار فاش گردید پرده ازرخسار ریاکارانه آنها برافتاد و مردم باشوق و ذوق قرارداد ایران و شوروی را استقبال کردند ویکی ازبندهم ملاحظه را کنار گذاشته جدااز دولت آقای رزم آرا که گوش فرمان والی‌استریت داده بود خواستند که‌ازعملی شدن قرارداد خودداری نمایند تا وام امریکابرسد.

وام‌امریکا عبارت بود از ۲۵ میلیون دلار ازبانك‌صادرات و واردات امریکا ودومرتبه تبلیغات‌شروع شد خبر آن با حروف ٤۸ درصفحات روزنامه‌های‌منسوب به‌جبهه سرمایه داری خارجی باتداق و تمجید توصیف گردید رجز خوانیهاشروع شد گویا ایندفعه باه ۲۵ میلیون وام‌وضع پریشان ایران بسامان خواهد رسید غارتگران دست از چپاول خواهند کشید واردات ممنوع ودهقانان صاحب‌زمین‌و تولید اضافه‌خواهدشد ؟

درخلال این‌بگومگو ها بازیخبر تازه ای انتشاریافت گمنند .

بانك صادرات وواردات درصورتی حاضر می‌شود که‌امریا به پردازد که اولا بوسیله خود آمریکائیان وسزپرستی آن‌ها خرج‌شود ثانیا اصل وفرع آن از پول ذخیره نفت‌ایران دربانکهای لندن نقدا تادیه شود وتضمین‌شود که از سرمایه‌های نامبرده که قابل تبدیل به‌دلار است بامریکا مسترد‌خواهد گردید. خلاصه شرایط را طوری گمرشکن‌پیشنهاد کردند که‌بایستی از ذخیره‌ارزی دولت‌ایران در بانکهای لندن برای مدتی چشم بوشید تازه معلوم نیست دوصورت‌پرداخت آن‌هم بصورت کالای اسقاط وفاسد ملت‌ایران از آن چه استفاده‌ای‌خواهدبرد .

صحبت از وام ۲۵ میلیون دلار و خوشرقصی نوکران سرمایه داری‌امریکا و توجه های آن جهت پر کردن جیب خود بود که یکدفعه پرده آخری‌بالارفت و صحبت‌از وام پانصد هزار دلاری‌بمیان آمدگفتند کنگره امریکا طبق‌اصل‌چهارم ترومن پانصد هزار دلار با ارسال ماشین های کشاورزی و تسطیح جاده‌های ایران بسر پرستی کارکنان امریکائی به ایران می‌پردازد .

این خبریکدفعه‌در گلبه‌محافل‌دستگاه حاکمه سوء اثر بخشیده وهمه از درگله و شکایت در آمدند دیدند نقش رسوای آن‌ها در برابر ملت ایران برملا شد و اربابان امریکائی آن‌ها چون تردستان ماهری هرچه‌خواستندبردند‌وهرامتیازاتی خواستند بدست آوردند و درمقابل این خرید و فروش مزد آنها را بدینطریق دادند .

آن‌هم بصورت آلات و ابزاریکه حتما مدتهاست‌درزمینهای‌بکی‌ازمستعمرات امریکائی عاطل و باطل مانده یا رنك و روغن کردن آن‌ها را بایران تحویل خواهند داد .

چنانکه شایع است دولت چون کارش در ایران بافشاخ کشیدحاضرنشد این قرار داد را بطور رسمی امضاءنماید ولی با اصرار آقای گرایدی قرار داد پانصد هزار دلار را که حتی یك‌تاجر یا برهنه ایرانی هم میتواند همان مبلغ را بدولت بپردازدباشرمندگی‌وسرافکندگی امضاء کرده .

در قبال این موفقیت درخشان که دولت امریکا بوسیله ماموروزیر دست‌و حیله گرخود توانسته است قراره‌ادشوروی را با پانصد هزار دلار عقیم و بابلا اجرا گذارد آقای گرایدی مفتخر بنشان پایانت مدال گردید و در همان‌روز امضاء قرار داد در همان صفحات روزنامه ها که خبر قرار داد درج گردیده بود عکس موفقیت‌آمیز آقای گرایدی‌نیززینت‌بخش صفحات آن بود .

این قرارداد نمونه ای از انحطاط و سقوط دستگاه حاکمه مامی‌باشد چه هیچ فرد شرافتمندی یادستکاهی که متکی به ملت باشد حاضر نخواهد شد شرف و حیثیت ملی خودرا این‌قدر تنزل دهد که اینطور از غارتگران خود صدمه دریافت دارد .

هنوز از یادها نرفته که چند سال قبل پس ازخاتمه‌جنك‌چند تاجربی‌شخصیت درحدود ۱۲ ملیون دلار اجناس فاسد و آهن پاره ها وماشینهای اسقاط‌شده‌قوای امریکا راکه بایستی بدریا ریخته‌شود با ارزهای ایران خریداری نموده خیال اربابان آنور دریا ها را راحت کردند المان همین سرمایه داران حقه‌بازی سرمایه‌ای جمع کرده‌اند ملیونها دلار دریانکهای امریکائی ذخیره ارزی دارند فارتگران بین‌المللی باید بدانند که با تشبث باین وسائل خریدن حکومتها ، در معامله گذاشتن نیروی‌افراد کشور ها گول‌زدن ها ، ملتی را نمیشود برای همیشه فریب داد چه هرچه‌آنها نیرنك ودسیسه بکار میزنند تا ازدستریج دیگران کیسه‌خودرا پرسازند محرومان وغارت‌شده‌ها هم روز بروز بحقایق امور آشنا میشوند ملتهها بیدار میشوند، آنروز نیز دور نیست که کاخ متکبری آنان را و ژکون کرده خود سرنوشت خویش‌را بدست گرفته ، و نظریات خودرا برای مارسال‌دارید و درصورتی که بخواهید‌نمایندگانی‌ازطرف شماهم در کنگره لندن شرکت جویند آنان‌راسا بنامعرفی‌فرمائید تا همراه نمایندگان جمعیت بکنگره رهسپار گردند

باقرص ترك تریاك ویتامینه ویرا
که باآخرین اسلوب فنی تهیه شده است بدون هیچگونه عارضهٔ کسالتی
تریاك را ترك کنید .
خزریس

تشکر و معذرت

از آقایان وبانوان محترمیکه در مراسم تشیع جنازه‌ومجلس ختم‌مرحومهٔ مریم گئولا حضور یافته ویاکتبا وشفاهاظهار همدردی فرموده‌اند بدینوسیله تشکر نموده چنانچه بمناسبت ناملات روحی در باره‌ایشان قصوری شده‌طلب عفو می‌نمائیم

خانوادهٔ گئولا .

نیمروز

قرار داد الحاقی نفت

بقیه‌ازصفحه ۱

با این اظهار نظر صریح ، دولت رزم‌آرا خود را بعنوان مدافع منافع شرکت نفت انگلیس معرفی نمود و نشان داد که ارباب نفت درانتظار خود نیست بدولت رزم‌آرا که از همان آغاز وی را مامور تصویب موافقت نامه اضافی نفت میدانستند تا چه اندازه صائب بوده‌اند .

این اظهار نظر به پشتیبانی قرارداد اضافی نفت بقدری مهم است که تنها همین هدل کابینه کافی است که وی را مورد عدم اعتماد قطعی ملت ایران قرار دهد .

قرارداد اضافی نفت که در حقیقت تثبیت کننده قرارداد تمدید امتیاز سال ۱۹۳۳ است که حتی خود عاقد قرارداد تقی زاده به بی اعتباری آن اعتراف نمود و خود را در امضای قرارداد تنکین مزبور « آلت فعل » نامید .

تصویب قرارداد اضافی که در آن چندین بار به صحت امتیاز قرار داد ۱۹۳۳ اشاره شده که در حقیقت سندی است که شرکت نفت از دولت ایران می‌گیرد تا بعد از این بتواند همه ادعاهای دولت را درباره غبن بی‌اعتبارسازد و آن را بنوبه تصدیق نظامی تثبیت منافع شرکت همیشه بعنوان مدرکی غیر قابل انکار مورد استناد قرار دهد .

ملت ایران با قرارداد امتیاز دارسی، قرارداد تمدید امتیاز سال ۱۹۳۳ و هم چنین قرارداد تحمیلی ساعد کس مخالف است زیرا همه این معاهدات تنکین را بسود امپریالیسم انگلستان و شرکت نفت و استعمار اقتصادی و سیاسی ملت ایران میداند. موافقت با قرارداد اضافی نفت بمعنی موافقت با قرارداد ۱۹۳۳ و قرارداد دارسی و کلیه مظالم سیاسی و اقتصادی شرکت نفت جنوب است .

دولتی که باچنین قراردادهای خصوصی موافقت کند نشان میدهد در مبارزه‌ای که بین ملت ایران و امپریالیسم نفتی انگلستان در گیر شده است وی درجبهه امپریالیسم انگلیس در جبهه استعمار ملت ایران ودرجبهه مخالف منافع ملت ایران قرار گرفته است . چنین دولتی جز تنفر و عدم اعتماد قطعی نمی‌تواند چیزی از ملت ایران انتظار داشته باشد زیرا موافقت با قرار داد الحاقی نه تنها بمنزله وارد آوردن یک ضرر مالی واقتصادی بزرگ بملت ایران است بلکه همانند دشمنی آشکار باآزادی واستقلال سیاسی ملت ایران تلقی میشود .

اینجاست که نقش تنکین اکثریت قریب باتفاق مجلس که نسبت بچنین مسئله مهمی هنگام استصلاح نفت رای سکوت دادند واضح میشود .

درحقیقت دولت قبل از اخذ رای درباره استصلاح نظر خودرا نسبت به قرارداد الحاقی بعنوان موافق بیان داشته بود وبنا بر این موافقت اکثریت مجلس بارای سکوت در حقیقت بمنزله سایدن پشانی به خاکپای منافع شرکت نفت انگلیس است .

بهانه مجلس درهنگام رای سکوت این بود که چون هنوز کمیسیون نفت نظر خودرا نسبت به قرارداد الحاقی ابراز نداشته است نمی‌توان نسبت باین موضوع قضاوت درستی کرد و بایستی تاسیدن گزارش کمیسیون مزبورمسئله رابحالت تعویق گذاشت .

چنین استدلالی در حقیقت بمنزله تسهیل نقشه‌های استعماری درموقعی است که شرکت نفت با کمک دولت رزم‌آرا حمله خود را برای تحکیم موقعیت متزلزل خویش آغاز کرده است .

مانوورای سکوت بمنزله چشم برهم گذاشتن واظهار لاقیدی نسبت بحیاتی ترین منافع ملت ایران تلقی میشود و میتکرین آن از نظر ملت ماخلوشنی هستند

مانوورای سکوت بمنزله این است که مجلس جرأت نمیکند بدولتی که آشکارا خودرا موافق بااسارت اقتصادی وسیاسی ایران معرفی کرده و در جبهه بیگانگان برضد ملت ایران قرار گرفته است رای عدم اعتماد بدهد.

همه ملت ایران یکدل ویکزبان با قرارداد الحاقی مخالفند وعقیده دارند که این سند تنکین باید بطور قطع ردشود ونظریه اساسی ملت ما درالغاء امتیاز نفت جنوب اعلام گردد

دولت رزم‌آرا با اظهارموافقت نسبت به قرارداد اضافی درچه چین وفرمانبرداری خود را نسبت بشرکت نفت جنوب نشان داده وثابت کرده‌است که برای استیفای حقوق ملت ایران صلاحیت ندارد و بنا براین تاموقعیکه دولت رزم‌آرابموافقت خود بااین قرارداد تنکین باقی است نمی‌تواند مورد اعتماد ملت ایران باشد .

ما از طرف ملت ایران رد قرارداد تحمیلی اضافی رامی‌خواهیم. ما میخواهیم که کمیسیون نفت مخالفت قطعی خود را با قرارداد اضافی رسماً اعلام‌دارد و آنرا جدا رد کند. ما از مجلس میخواهیم که قرارداد الحاقی را بطور قطع رد کند. واگر دولت رزم‌آرا موافقت با چنین سند ننگینی دست نکشد عدم اعتماد خودرا نسبت بدان اعلام‌دارد.

ترومن رئیس جمهور امریکا

بقیه‌ازصفحه ۱

وی مانند گذشته و مانند همه تجاوز کاران دیگر کوشید تاتوسعه‌طلبی امپریالیسم امریکا وپایمال کردن حقوق ملتها را بحساب آزادی و رفاه ملل آسیا و ... بگذارد .

ترومن پس از درخشانیهائی درباره سازمان ملل متحد چنین گفته است: «تنها هدف ما نسبت بکره بر قراری صلح و آرامش وتضمین استقلال و آزادی آن کشور است .» بدیهاست که این دلسوزی دروغ و دروغ تا چه اندازه ناشیانه ومسخره است .

گویا تجاوز بخاک کره و حمله نظامی و مستقیم باستقلال آن فقط بخاطر حفظ استقلال کره بوده است . رئیس جمهور امریکا تصور میکند «استقلال» نیز چیزی شبیه سنگ و بادکنک است که بتوان آنرا کشتی کشتی بکره صادر کرد. استقلال و آزادی کالا های صادراتی نیستند تاهمراه بمب افکنها و ناوچه‌ها آنرا بخاک کشوری فرستاد . سپس همین آقای رئیس جمهور میگوید : « ما بخاک هیچ کشوری چشم طمع نداوخته ایم وطلب هیچگونه امتیاز مخصوص نیستیم این مطلب بایستی برای عموم مثل آفتاب روشن باشد که ما نسبت بکره با نسبت بهیچ کشور دیگری مقاصد متجاوزانه‌ای نداریم» معلوم نیست که باید سخنان رئیس جمهور امریکا را باور داشت یا ژنرال مک‌آرتور مجری سیاست دولت امریکا درخاوردور . گویا آقای رئیس جمهور خیلی فراموشکارند و ازیاد برده‌اند که چندی پیش همین ژنرال ایشان گفته بود باید کره را برای بمباران منچوری وسیبری نگهداشت و از فرمز چون ناو هواپیمابری استفاده کرد . » گویا رئیس جمهور امریکا حادثاتی مهم‌تر از این را نیز از یاد برده است . فراموش کرده است که در کنفرانس قاهره سران دولتهای انگلیس و امریکا و شوروی رسما تعهد کردند پس از پایان جنگ فرمز را بصاحب واقعی آن چین باز گردانند .

پس از یک چنین پیمان بین‌المللی، دیگر نگهداری از فرمز و صدور فرمان برای حفظ آن چه معنائی میدهد . آیا این تجاوز بسرزمین ملتهای دیگر نیست؟ شاید امپریالیست‌های امریکائی از تجاوز چیز دیگری می فهمند غیر از آنچه که دیگر مردم جهان از مفهوم این کلمه در می‌یابند . شاید هم «نگهداری » کره و فرمز برای بمباران وتسلط برآسیا خاطر حفظ واستقلال وآزادی سرزمینها ومردمیست که باید «بنابنفقه» امپریالیستها بمباران شوند .

رئیس جمهور امریکا اعتراف میکند که «خرابی و خسارت بی حد و حصری بر کشور کره وارد آمده است . ولی گناه این خرابیهای بی حد و حصر را بگردن « کمونیست های کره شمالی » میگذارد .

پنداری « این کمونیست های کره شمالی » چیزی هستند شبیه بمب افکنهای امریکائی که میآیند شهرها را با خاک یکسان میکنند مردم را بسخون میکشند باین آرزو که آینده‌را از چنین سقط کننده متحده کمی بواقعیات توجه میکرد و در نظر میگرفت که هنوز هم بین از چندماه رادیوهای کشور ایشان چون یک «پیروزی درخشان ونابغه آسا» هر روز خبر میدهند هشتصد تن را بقتل رسانده و بیشتر یا کمتر بمب بر شهر های کره ریخته شد . آخر آقای رئیس جمهور این بیچاره ویران میکند ، میکشد نابود میکند ، و همان «خرابی بی حد و حصری» را موجود میآورد که گویا « کمونیست های کره» بمردم کره هدیه کرده اند .

آخر این شمشیر کش ها و وکیل باشی ها کارخانه داران و اسلحه سازان کشور شما هستند که «استقلال وآزادی» را درون آن بملت کره و دیگر مردم آسیا هدیه میکنند . براز همین «هدیه خیر خواهانه » است که باعتراف ترومن « هزاران هزار مردم بیچاره کره‌اکنون بی‌خانمان و آواره شده اند و احتمال قحطی و شیوع امراض مخصوصاً در ماههای زمستان آینده ملت کره‌راشدیداً مورد مخاطره قرار داده است . سازمان ملل متحد از هم اکنون بملت کره مساعدت میکند و بآسیب‌دیدگان آن کشور خوراک پوشاک و دارو و لوازم دیگر میدهد» ملتی را از دم مسلسل میگذرانند آواره و بی خانمانش میکنند شهرهایش را با خاک یکسان میکنند و بهمه گونه ناخوشی دچارش میکنند و آنگاه سخاوتمندانه خوراک و پوشاک بوی عطا میکنند .

آنگاه بهمین سخنان افزوده میشود « سازمان ملل متحد در نظر دارد بملت کره در ترمیم خرابیها وخسارات وارده کمک کند و اقتصادیات و صنایع و کارخانه های این کشور راآبادنماید .»

سازمانی که تحت نظر امپریالیستها « وظایف» خویش‌را اجرا میکند چگونه خواهد توانست صنایع و کارخانه های کره‌را احیا نماید . اگر این کارخانه‌ها دوباره بکار افتند دیگر سرمایه داران امریکائی بنجل های خویش را در چه جائی آب خواهند کرد اگر همین سرمایه داران نیستند که کره جنوبی‌رابورشکستگی شدید اقتصادی دچار کردند؟ سازمانی که فرمانبردار آنانست چگونه جلوی آز بی پایان آنان را خواهد گرفت .

ترومن پس از یک سلسله لاف و گزافهای دهان پر کن از قبیل آنچه که بآن اشاره شد تا معمول ومثل همیشه دولت شوروی و سیاست آنرا آیاد دشنام میگیرد .

وی میگوید «اتحاد جماهیرشوروی وکشورهای تابع آن‌دارای نیروی نظامی عریض‌وطویلی هستند» .

هم در اروپا و هم در آسیا این قدرت نظامی شگرف صلح وآرامش جهان را بمخاطره انداخته است .» واقعیات دروغ گوئی ها را نفی میکند. اینک دیگر همهٔ مردم جهان میدانند که نزدیک به هشتاد درصد از بودجه امریکا صرف امور نظامی میشود و حال آنکه درشوروی فقط ۱۷ درصد بودجه برای کارهای نظامی درنظر گرفته شده . این امپریالیسم امریکاست که تا دندان مسلح شده وباکاردی که بمیان این دندان های مسلح نگهداشته همهٔ ملتهای جهان وآن جمله خود ملت امریکا را تهدیدمیکند امپریالیسم امریکا از همان نخستین روز های پس از جنگ تاکنون مرتباً بحجم تولیدات نظامی خود افزوده است . روز بروز در این راه باگامهای بلندتر و سریع تری پیش میرود .

رئیس جمهور امریکادرهمین سخنرانی بلافاصله خیلی ناشیانه میگوید:

« ما در امریکا با همکاری سایر ملل آزاد قدرت نظامی عظیمی ایجاد می کنیم .»

بدیهی است که این « قدرت نظامی عظیم » درراه بخشیدن « استقلال » به ملت های جهان بکار خواهد رفت . همچنانکه می گوشد چنین « استقلالی» بملت کره عطا کنند .

چندی پیش بمه از سالیان دراز شوتربری و آدمکشی چنین « استقلالی» بملت یونان عطا شد و نیز فرانکو از کسانی است که این « استقلال » نوع امریکائی‌را خوب برای اربابان خود نگهداشته است . وبرای همین ازحمایت اربابان خویش بهره‌مند است .

« استقلال» مجیبی‌است، میکشد و ویران میکند واستبداد سرمایه‌هارابرروی ویران ها بنشخت می‌نشاند .

ترومن می گوید دولت شوروی با آرمش صرح جهان را « تهدید» میکند و آنگاه خود می‌افزاید:

« ما باید برمیزان تولید محصولات مورد نیاز آرامش همچنان بیفزائیم و قدرت و نیرومندی قوای صلح خود یعنی نیروی زمینی و دریائی، هوائی خودرا دائماً بالا بریم وقسمت بیشتری از منابع خودرا برای مقاصد نظامی اختصاص دهیم و کمتر از آن منابع برای مصرف غیر نظامی استفاده کنیم .»

یعنی باید گلوله ساخت بجای نان و تانک بجای پیراهن وسرپوشه بجای سرقلم . این فریادنامنجار جنگ وانسان کشی است که از گاوی رئیس جمهور جنگ طلب امریکا بیرون میزند . وبرای تکمیل این نعره نامیمون وگوش خراش میگوید : «ما با اشتیاق کامل به تقویت وسائل دفاعی خویش ادامه میدهیم و هیچگاه بخاطر موفقیت هائی که درکره بدست آورده‌ایم از کوشش و مجاهدت خود در اینسراه باز نخواهیم ایستاد .»

اینست سیمای زشت وخون آشام جنگ طلبانی که خواسار «امنیت » بین‌المللی و «استقلال وآزادی » ملتهای کوچکند وهمچگونه «طمع» وغرضی‌نسبت بکشور های دیگر ندارند اینست سیمای گرگان صلح وآزمندی که نگهبانی کله‌ها را با کمال دلسوزی وغمخواری بعهده گرفته‌اند.

هرچه زودتر وهرچه سریعتر به سوی جنگ ، غارت ، ویرانی و آدمکشی اینست شعار امروز همهٔ بمب‌افکنهای جهان .

خنده‌آور است که پس ازیک چنین اقرار رسوا کننده‌ای دائر به جنگ طلبی و «تقویت وسائل دفاعی با اشتیاق کامل» و نیز پس از اقرار به «صرف بیشتر منابع برای مقاصد نظامی وکمتر آن برای مصارف غیر نظامی» باز ترومن میگوید : «قدرت ونیرومندی ما از اینستکه ماهیچگاه از کوشش وفعالیت خودبرای بهبود وتعلیم وتربیت کلیه افراد خودمان وتأمین دستمزد خوب و زندگی بهتر باز نمی ایستیم .» آخر آن یکی را باور کنیم یا این یکی صرف میشود وبرای بهبود زندگی کارگران و کشاورزان ؟ حقیقت اینست که وقایع سخن اولی رئیس جمهور را ثابت میکند وبروی تهمات وتداوکارت جنگی وتهیه وسائل آدمکشی .

سپس رئیس جمهور میگوید « هم اکنون سربازان مادر آسیا مشغول جنگ هستند تاآزادی و استقلال ملت کوچکی را که هدف حملات وحشیانه‌ای قرار گرفته تأمین کنند .» گویا برهم آقای رئیس جمهور حملات بمب افکنهای امریکائی که مردم بی‌دفاع وغیر نظامی را بخون میکشد و حملات کشتی های جنگی که بندر گاهها را باخاک یکسان میکند و نیز حملات سربازان امریکائی که ملتی را قتل‌عام می کنند به تنها وحشیانه نیست بلکه خیلی هم «مهربانانه» است . این مردم کره هستند که حملات « وحشیانه» می کنند

ترومن پس از یک سلسله اشک تمساح ریزی برای مردم آسیا نطق خود را با این جملات پایان میدهد : « این سیاستی که امریکا تعقیب میکند سیاستی است که از بدو پیدایش جمهوری ما بوجود آمده است و امروز قویتر از هر موقع دیگر در دوران تاریخ ما می‌باشد . هزم ما بر این است که آنرا بهمین منوال قوی تر بپرورند نگاه‌داریم .» اگر آقای رئیس جمهور ندانند لااقل مردم عادی جهان خوب میدانند که این سیاست نه تنها دنباله سیاست آزاد مردان و بنیاد گزاران جمهوری امریکا نیست بلکه نفی آنست ، خیانت بآنست . سیاست ترومن درست در جهت مخالف روش جفرسن و لینکلن پیش میتازد . ودیر یا زود امپریالیسم امریکا این غول سرکشی که زندگی ملتها را لگد مال میکند و بسر خویش وعربده‌جوی « نیرومند قوی » در جهت مخالف جریان تاریخ پیش میدود سکندری خورده بزمین خواهد افتاد همچنانکه فاشیستهای آلمانی باهم «قوت» «و قدرتشان» افتادند

قابل توجه ریاست محترم شهربانی

اطلاع رسیده که دیشب عده‌ای درحدود سی نفر وحشیانه باداره روزنامه آینده گان ریخته و قصد ضرب و توهین بدبیر و کارکنان روزنامه داشته اند ، گویا این « آقایان » قصد دارند که بشیوهٔ « پیشوا » زهرچشم بگیرند ولی آنها فراموش کرده‌اند که چگونه « پیشوا » سرانجام همراه‌اسک وهمراهانش ازترس خود کشی کرد ماهم امیدواریم که باین دلقک بازهای مشتی وچه دیوانه هرچه زودتر خانه‌دهند

نیمروز

شماره ۴۳ - ۱۱ آبان‌ماه ۱۳۲۹ - تکشماره سه ریال

پنج سال از عمر سازمان ملل متفق میگذرد

سازمان ملل متفق روزبروز بیشتر براه

جنگ وویرانی کشیده میشود

پنج سال پیش درماه اکتبر ۱۹۴۵ بیاسخ آرزوی همهٔ مردم جهان که از جنگ و ایلان کشی بستوه آمده بودند ، سازمان ملل متفق گشایش یافت .

مردم جهان آرزو داشتند بااینجاد چنین سازمانی اختلافات میان دولتها از راه گفتگو ودر چهارچوب این سازمان حل شود تاآنها یکباردیگر دست باسلحه نبرند، بمبها فرو نریزد ، خانه‌ها ویران نشود وانسان‌ها کشته نگردند .

مردم ساده ومعمولی جهان درآن آغاز کارشاید هرگز نمی‌توانستند گمان برند که پس ازیک عمر کوتاه پنج سالهٔ سرنوشت چنین سازمانی تا این اندازه اسف انگیز خواهد شد که اینک هست. شاید آنها هرگز گمان نمی کردند این سازمانی که بنا بآرزوی آنان میبایست نگهدار صلح ودشمن تجاوز بملت‌های کوچک باشد متاسفانه خود وسیلهٔ تجاوز گشته وبهمان راهی کشانده‌خواهد شد که آتش‌افروزان جنگ خواستارآنند .

یک نگاه گذرا بعمر کوتاه سازمان ملل متفق بخوبی نشان میدهد که وی نه تنها وظیفهٔ دشوار وبزرگ خودرابنیکی انجام نداده ،بلکه بکلی ازآن‌رو گردانده است .

فکر ایجاد یک سازمان جهانی برای حل اختلافات میان دولتها چیزی نیست که تازگی داشته باشد .

در همان اولین سالهای قرن ما بنا بدرخواست مردم جهان جامعه ملل متحد تشکیل یافت .

ملت ها آرزومند بودند جامعهٔ ملل نگهدار صلح وحقوق ملتهای کوچک باشد واز تاخت وتاز امپریالیستها بزندگی مردم کشور های عقب افتاده جلوگیری کند. ولی بواسطهٔ نفوذ و دست‌بندیهای سیاسی امپریالیستهای انگلیس وفرانسوی کار جامعه باشکست پایان یافت وسرانجام بارسوائی بعمر خود پایان داد .

علت اساسی شکست رسوای جامعهٔ ملل متحد این بود که این سازمان بین‌المللی بجای آنکه در راه آرزوی توده های سراسر جهان گام بردارد ، بواسطهٔ تحریکات سیاسی دولتهای انگلستان و فرانسه وایتالیا ودیگر امپریالیستها در سراشیب بی‌عدالتی‌ها فرو غلطید . تاآنجا که دو برابر هجوم فاشیستهای ایتالیائی

بقیه درصفحه ۸

((صدای امریکا)) ندای جنگ درمیدهد مردم صلحجو این ندای شوم را خفه خواهند کرد

دراینهفته دبیر خانه جمعیت ایرانی طرفدارصلح اطلاع‌داد که تاکنون نزدیک ۳۵۰۰۰ امضاء در ذیل بیانیه صلح استکهلم جمع شده است . جالب توجه است که صد هزار امضاء از مجموعه امضاهها متعلق بده روز اخیر بوده وبنا براین پس از اعلامیه «دادستان ارتش» نه تنها ملت ایران مرعوب نگردید بلکه با شجاعت و جدیت بیشتری احساسات عالی صلح طلبی خود را بیان نمود . اطلاعات دیگری نشان میدهد که با وجود فشار وتضییق پلیس درشهرستانهای ایران جنبش طرفداری از صلح مرتباً دامنه بیشتری می یابد وبیانیه استکهلم حتی در شهرستانهای دوردست شمال وجنوب رسوخ یافته است .

چند شب پیش « صدای امریکا » بلندگوی امپریالیسم وال استریت دربرنامه فارسی خود وقیحانه جنبش صلح طلبی ملت ایران وجمعیت ایرانی طرفدارصلح را مورد حمله کثیف توزانه قرار داد وبا بی‌شرمی هرچه تمامتر به امضاء کنندگان بیانیه استکهلم یعنی نخبه بهترین و فهیم ترین و مهین دوست‌ترین فرزندان ایران حمله برد، همه‌شخصیت های مذهبی و سیاسی را که امضاهایشان ذیل بیانیه استکهلم مشاهده میشود « افراد اغفال شده» و « فریب خورده » ! معرفی نمود که گویا از طرف کسانی که نقش «ستون پنجم » رادر کشور خود بعهده گرفته اند گمراه شده اند ! صدای امریکا بدروغ ادعاکرد که عده ای از ایرانیانی که ذیل بیانیه استکهلم را امضاکرده‌اند امضا های خود را پس گرفته اند ! صدای امریکا به‌این استدلال مسخره آمیز دست زد که اگر اعلامیه استکهلم راست است چرا فقط از اسلحه

بقیه درصفحه ۸

از روزنامه فرانسوی «دموکراسی نوین»

درچین نوین چه میگذرد؟

((کومنتانگ)) یک بوته آزمایش انقلاب

با قرائت این مقالهٔ جالب خوانندگان نیمروز بقسمتی از اسلوب کار خلاق و انقلابی حکومت دمکراتیک چین برای ساختمان نوین اجتماعی وتکامل فرهنگی پی‌خواهند برد .

روش سریعی که ارزش توده‌ای برای آزادی خاک اصلی چین اتخاذ نمود موجب مطرح شدن مسائل جدیدی گردید .

بقیه درصفحه ۵

حقایقی چند درباره ایلات و عشایر = آقای ایلخان بختیاری

جسابها را مخلوط میکنند و نتیجه مغلوط میگیرند

دامنه دعوا های خصوصی وستجات مختلف طبقه ای که تمام امتیازات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی کشور را در قبال اسارت مسلم خلق ایران بخود اختصاص داده اند بمجلس سنا نیز کشیده شد . آقای دکتر متین دفتری عامل لشاندار سیاست استعماری بریتانیای کبیر برای اینکه « دوستان» سست‌مهد بریتانیا

بقیه درصفحه ۷

انتقاد کتاب — م.صبحدم

زارع شیکاگو

در ایالات متحدهٔ امریکای شمالی، رشد سریع سرمایه داری و کلان شدن سرمایه های کارتلها وتراست های بزرگ باعث شده است که خداوندان نفت وآهن وزغال وکائوچو، تمام شئون اجتماعی و

بقیه درصفحه ۶

درباره آرتش

تبدید غیر قانونی خدمت افسران وظیفه از یکسال بیکسال ونیم سبب شد ستوانی در این زمینه از طرف یکی دوتن از نمایندگان بعمل آید که در نتیجه پرونده ستوان مذکور مطرح گردید ووزیر جنگ برهم خود در مقام دفاع ازرویهٔ دولت بر آمد ، همچنین سوء جریانات ، دودستگیها وغرض‌رانیهای خصوصی ، افکار مردم را در این اواخر بیش ازهمیشه متوجه ارتش ساخته ومسائل مربوط بآن، با وسعت بیشتری در جرائدمطرح شده است .

این نگرانی عمومی بیمورد نیست،

بقیه درصفحه ۲

درباره جریانات روز

مسئله نفت = قرارداد بازرگانی = موضوع مجلس موسسان = ترمیم کابینه وموضوع تصفیه

گرچه بنظر میرسد مسائلی ازقبیل طرح موضوع نفت، امضاء قرار داد بازرگانی ایران وشوروی ، وبا تشکیل مجلس مؤسسان بمراحل نهائی خودرسیده است ولی درمحیط سیاسی ایران هنوز نسبت بهریک ازاین مسائل حالت انتظاری مشاهده میشود .

بقیه درصفحه ۸

متن کامل اعلامیه مهم وزیران خارجه ۸ دولت

اعلامیه اتحاد جماهیر شوروی ، آلبانی ، بلغارستان ، چک‌واسلواک ، لهستان ، رومانی، هنگری وجمهوری دمکراتیک آلمان راجع بتصمیماتی که وزیران خارجه سه کشور امریکا ، انگلستان وفرانسه درجلسه مشورتی نیویورک برای احیاء میلیتاریسم منطقه غربی آلمان اتخاذ کرده اند .

لوزدهم سپتامبر سال جاری اعلامیه ای انتشار یافت و مفاد آن چنین میشود که وزراء امور خارجه کشورهای امریکا و بریتانیای کبیر و فرانسه در جلسه مشورتی محرمانه خود در نیویورک یک رشته تصمیات جدید راجع بمساله آلمان اتخاذ کرده اند .

مندرجات این اعلامیه نشان میدهد که دولتهای امریکا و بریتانیای کبیر و فرانسه قصد دارند مساله قطع وضع جنگی با آلمان را مطرح کنند و در عین حال آلمان غربی را در همان شرائط وضع اشغال نگهدارند .

بقیه درصفحه ۳

آمریکائی های جنتلمن در بلژیک

مقاله زیر درجه اعمال نفوذ استعماری آمریکا را در بلژیک نشان میدهد:

(۱) شینکولو به

هیئت حاکمه فعلی بلژیک موضوع های زیادی برای بحث دارد بعضی از این موضوعها خوش‌آیند وبرخی متوسط وخیلی از آنها بسیار نامطلوب است .

مثلا اظهارات سفیر آمریکا در بلژیک موضوعهائی است که درمحیط خانوادگی هیئت حاکمه باخوشروئی تلقی میشود . فنکو درباره وعده های عملی نشده مارشال وبیت طولانی وخسته کننده انتخاب کنندگان بلژیکی بیزار ، وخوشحالی کوچندان باراجتی تولیدنمی کند .

اما وقتی صحبت ازشینکولو به بمیان آید دراینجا است که زبان هیئت حاکمه بلژیک بسقف دهانشان میچسبد .

شینکولو به نام معادنی است در کنگوی بلژیک درناحیه کوهستانی کاتانگا، زمانی این معادن بواسطه داشتن رادیوم معروف شده بود، درسال ۱۹۴۳ که ارتش شوروی باآلمان فاشیست درمبارزه بود ومتفقینش بیوسته سعی داشتند افتتاح جبهه دوم را بتاخیر بیاندازند، ناگهان دسته کوچکی از امریکائی‌ها وارد معادن شینکولوبه شدند .

بقیه درصفحه ۴

درباره «اصلاح» قانون انتخابات انجمن شهر

دشمنان ملت از تامین حقوق ملت صحبت میکنند

تابرای ربودن حقوق آنان بهانه بجویند

« ملت » « آزادی » و لغاتی‌از این قبیل نزد هیئت فرمانروا و گروه حاکم بر امور کشور حکم بازیچه را پیدا نموده است و تظاهر بطرفداری از ملت برای فریب افکار عمومی و انحراف اذهان ساده مردم‌وسیله بسیار خوبی‌بدست طبقه حاکمه می‌باشد - با کمال بی‌رحمی حقوق اساسی وطبیعی اکثریت عظیم ملت را سلب مینمایند و برآن نام « تحکیم

بقیه در صفحه ۶

برای بدست دادن دنبالهٔ ازرفتار دولت های ازروپای شرقی بافرنقه‌های مذهبی متن موافقت‌نامهٔ ذیل رابرای خوانندگان عزیزترجمه می کنیم

متن موافقت‌نامه ۳۰ اوت میان دولت مجارستان وکلیسای کاتولیک

دولت جمهوری توده‌ای مجارستان وشورای اسقفهای کاتولیک بمنظور تامین همکاری مسالمت جویانه بین کلیسا و دولت و همچنین بمنظور کمک باتحاد و کار خلاق ملت مجارستان وبمنظور تکامل مسالمت آمیز کشور وارد مذاکره شده وموافقت‌نامه زیررا منعقد نموده اند :

بقیه درصفحه ۴

در بـــــــاره ارتش

بقیه ازصفحه ۱

ارتش که قاعدتاً برای ایجاد امنیت و صیانت از مداخلات منافی بااستقلال و حاکمیت ملی وجودمی یابد متأسفانه در گذشته نقش واقعی خودرا ایفاء ننمود و بعکس درموارد گوناگون بعنوان سلاحی علیه مصلحت عامه مورد استفاده قرار گرفته است . بنیان آرتش ایران ببنیانی امروزی آن در آغاز دیکتاتوری بیست ساله ریخته شد وهمچنانکه خاصیت پیچ ومهره‌ها و اجزاء چنان دستگاهی بود به بعنوان ضامن اجرای مطامع استعمار و مصالح استبداد ومورد استفاده دشمنان آزادی وبهروزی ملت ماقرار گرفت .

«اسلحه» بعنوان دستور روزحکومت بر بالای سرهر متنفسی خودنمائی میکرد و مجال آسوده نفس کشیدن رابافی نمیگذاشت هزینهٔ هنگفت نگاهداری و تسلیح یک ارتش کثیرالعدد بردوش ملت محروم ما سنگینی میکرد در حالیکه حتی مجلسهای ساختگی وفرمایشی حق طرح و تصویب هزینه های مذکور را نداشتند ، صولت میلیتاریزم هر لحظه فزونی میگرفت و کم کم همه دستگاه های اداری کشور و همه طبقات مردم را بنحوی از انحاء متأثر می‌داشت ، درهمهٔ ایالات و ولایات فرماندهان نظامی ، ادارات محلی وحتی فرماندهان واستانداران راتحت سلطه و نفوذخویش داشتند ودر کوچکترین مسائل مداخله کردند وحرف خودرا بکرسی نشاندند یك نوع کنترول نظامی روی کارخانه ها و بخصوص کارخانه های دولتی حکمروا بود و بشدت ، هر صدائی راخفه می کرد ، مامورین جزء نظامی که بر ایالات و عشائر حاکمیت مطلق داشتند بی پروا ، مال ، جان ، ناموس وهمه چیز عشائر محروم میهن ما را دستخوش شهوات و امیال خویش می دانستند ومطلق العنان هرچه که میخواستند میکردند ، کم کم بیماری « میلیتاریزم » مؤسسات فرهنگی رانیز مستبدانه بسیطره گرفت و قسمت عمدهٔ وقت دانشجویان ، در زمینهای جلالیه ودیگر میدانهای مشق نظامی و نیز در سر کلاسهای درسی ، بآموزشهای عملی وعملی نظامی معروف میگردید ، شعار میلیتاریستی «انضباط روح ارتش وارتش روح کشور است » در محیط محدود سربازخانه ها یافرا تر نهادود انشکده‌ها ودبیرستانها آموزشگاهها را نیز گرفت ، اما علی رغم اینهمه تظاهرات ، واقع حال اوضاع بود وستی وبی پایگی دستگاه ارتش از همه سو بچشم میخورد ، همه کس میدانست ارتشی که بر اساس زور گوئی وزورشنوی استوار است ارتشی که دوسال‌هم جوانان مارا بباطل هدر میدهد ، ارتشی که تنها بمی ارسال را مصروف ترین رژه سوم اسلحه‌می کند جوانان دهقان وکارگر را امر می دهد تا چندان پارا ازکشاله ران بکشند ! » وپیش بگذارند، تا چندان «قدم آهسته» برود که خون دفع کنند ، چنین ارتشی راامی توان واجد ارزش نظامی دانست، ارتشی که احساسات وتمایلات عمومی را درآن راه گذر نبود چگونه می توانست جز بعنوان مترسکی برای ادامه بقای هستی ملت وایجادقبرستانی سرابا مرگ وسکوت بکار آید ودر راه منافع مردم بکاربرخیزد .

در سپیده دم سوم شهریور ۱۳۲۰ واقعیت حال برملا گردید و همه کس از ارتش دستگاه نظامی که همه فشارها ، مظالم و تعدیات در زیر سایه آن اعمال می گردید آگاهی یافت فرماندهان نیروی دریائی جنوب که مست و خراب از شب نشینی شرکت « غیر سیاسی ! » نفت باز می کنند بگلوله سربازان مستعمراتی انگلستان از پای درآمدند ، کشتیهائی که بپهای هستی بیوه زنان فراهم آمده بود برخی درقعر دریا جای گرفتند وبعضی در تمام طول جنگ ، بیارکشی هیزم و زغال درخدمت نیروی عظیم دریائی بریتانیا گماشته شدند، نیروی هوائی منحل گردید و چند هوا پیمای کهنه و از کار افتاده که از دوران جنگ جهانی نخست «سابقه خدمت» داشتند بکنج آشیانه ها خزیدند فرماندهان « با جبروت » سربازان بی گناه را در کوه و دردشت گرسنه وبرهنه یابسد سرنوشت سردادند وخود باکامیون های پراز غنائم جنگی « که دلیرانه از ستون های تحت فرمان‌خود بغارت برده بودند ! » بسوی پایتخت بازگشتند .

فرمانده لشکر خراسان ناگهان غایب شد و سپس درحدود یزد و کرمان آفتابی شد .

بقول مرحوم کسروی در روزنامه « پرچم » آقای سرلشکر مینو فرمانده نیروهای نظامی آذربایجان غربی « که امروز نیزدوراز کردنهای ارضی وسماوی گویا بر مسند بازرسی گل نخست وزیر تکیه دارند » «متهوراته !» عمل یک زبر دریائی را انجام دادند .

یعنی در رضائیه فرود رفتند وناگهان از ملایرسربرآوردند . شمشیرها بگوشه صندوقخانه ها رفت و تسبیح جای آن‌همه گرفت و « رزم آوران » ترجیح داوند که بجای قدم آهسته دادن واشتلم کردن ، بکنجند در بقاع متبرکه قم و مشهد « نایت الزیاره » یافتند !

در این‌صورت وقتی که می بینیم اینك نیز پس از چند سال « آرامش مصلحتی » مجددا برای ارتش خواب‌های شیرین و دراز میبینند حق داریم که نگران باشیم و این فعالیت‌هارا با سوء ظن تلقی کنیم .

بخصوص که وضع ارتش از نظر اصولی هیچگونه تغییری نکرده ، همان فرماندهان برآن فرمان میرانند و جریان کار بهمان منوالست که در مدت بیست سال دیدیم و چشیدیم و از شرنك آن چه بسا صدمات مادی و معنوی کشیدیم با این تفاوت که اینك نفوذ آشکارای استعمار طلبان بمقیاس وسیعتری در آن ریشه دوانده و علنا و رسما به آلتی در راه امیال شوم خود بدل کرده است .

در چند ساله اخیر ، مرسوم‌چنین‌بود که برای دوره احتیاط دانشکده افسری تنهاهده مهدوی‌درحدودسه‌تا دویست نفر، آن‌هم تنها بکنار در سال بخدمت‌دعوت می کردندوپس از طی شش ماه آموزش و شش ماه خدمت عملی ، بکارشان پایان می‌دادند ؛ اما اینك ملاحظه می‌شود که از یکی دو سال قبل تاکنون اولا تعداد احضار شدگان‌هر بار بقریب یکهزارو احضار نفر بالغ می‌شود و ثانیا احضار ، بانصد نفر بالغ می‌شود و ثالثا احضار ، هر سال دو بار در آغاز بهار و پائیز صریح قانون نظام وظیفه ، خود سرانه دوران خدمت نظامی را شش‌ماه تمدید می کنند .

در جلسه پریروز مجلس ، آقای وزیر جنك در قبال سئوالی که در این زمینه بعمل آمد باسفسطه عجیبی بدفاع برخاست ، او چنین گفت :

« در ماده ۸۰ می‌نویسد کسانیکه دوره‌تحصیلات آن‌هامعادل‌لیسانس‌یادکترا باشد بطور کلی ۱۲ ماه خدمت زیربرچم خواهند کرد . این مطلب صحیح است، ولی باید بگویم که‌وضع نظام و تعلیمات نظامی در تغییر است وزارت جنك بعلت احتیاجی که بوجود این افسران از نظر دادن تعلیمات لازمه بآن‌ها داردمتوجه‌هد که در این مدت این افسران‌نمی‌توانندازتعلیمات لازمه برخوردار شده و استفاده کامل کنند ولذا آن‌ها را شش ماه زیاد تر نگاهداشته‌ولی وزارت جنك درانجام اینعمل نیز متکی بمواد قانون بوده‌است.

۱۲ ماه خدمت زیر برچم که‌درماده ۸۰ ذکر گردیده در ماده ٤ قانون نظام وظیفه عمومی نیز که اساس خدمت نظام شده و می‌گوید مدت خدمت سربازی دارای تقسیمات ذیل است :

دوره زیر برچم جز در مواردی که مستثنی شده دو سال است و در ماده ٦ همین قانون گفته شده در مقابل مدت خدمت که متجاوز ازمدت مقرره درماده ٤ بنا بر مقتضیات و عوامل مخصوصی انجام شود دو برابر از ادوارمدت‌خدمت کسر می گردد ...»

سپس آقای‌وزیرجنك،رویه‌دولت را در تمدید دوران خدمت افسران وظیفه منطبق بر ماده ٦ مذکور دانسته است و حال آن که این مدعای نابجائی است . زیرا اولا ماده ٦ قانون متوجه خدمت عادی‌سربازی‌بوده‌ودرمورد افسران‌وظیفه که‌صراحتا دوران خدمت شان‌فقط‌یکسال مقرر گردیده‌است‌هیچگونه وضع‌استثنائی قائل نشده ، گذشته ازاین‌قوانین الحاقی بقانون نظام‌وظیفه،متجاوز مجموعهٔ دوران خدمت زیربرچم افسران وظیفه رایکسال تعیین کرده و بنا برقاعدهٔ کلی که در موارد مخالف ومتناقض ، قانون‌لاحق حاکم برقانون سابق است مادهٔ ٦قانون نظام وظیفه در مورد افسران وظیفه غیر نافذ خواهد بود وبالاخره ازهمه اینها گذشته مدعای آقای وزیر جنك درمورد تمدید خدمت به سایر سربازان عادی نیز با بجاست، چه آنکه بعضی ازاراء قانون استعمار بدل شده است در کشوری که مردم فقیر آن ، درحوالی پایتخت ، با برك درخت زیتون تغذیه می کنند تا صاحبان‌ثروتهای‌اسلحه‌دردلندن‌ونیویورك آسوده خاطر بخندند وبرقصند ! برای‌چه جوانان ما را سالهای دراز زیربرچم‌باقی میدارند ؛ برای چه‌برزگرزاده کان ما را سالها از مزرعه و خانهٔ اودور می‌دارند برای مدت نامحدودی منطقه وقدرت‌خود را در آلمان غربی باقی نگهدارند.

علاوه براین در اعلامیه ذکر شده است که سه دولت اشغال کننده پیرامون قدرت « ارتش خود در آلمان خواهند افزود و قدرت نظامی‌خود رادرآسمان تقویت خواهند کرد» از آمارهای‌منتشر شده چنین بر میآید که در نتیجه این‌عمل مخارج ارتش اشغال کننده‌در آلمان‌غربی تقریبا دو برابر میشود وبر میزان‌مالیات که مردم زحمتکش‌آن کشوربایدبپردازند نیز بمقدار قابل ملاحظه افزوده میشود.

لازم باثبات‌نیست که تصمیم‌سه‌دولت راجع بافزایش نیروی اشغالی خود در آلمان غربی جز کوشش روز افزون این دول برای تجاوز بکشورهای‌صلحدوست اروپا دلیل دیگری ندارد .

اکنون دیگر جای هیچگونه‌تردید نیست که عبارات قلب و خدعه آمیز در باب تصمیم باصطلاح «قطع وضع‌جنگی با‌آلمان» فقط حجابی است که دول‌رهبر و میتکرپیمان نظامی اتلانتیك‌شرقی‌خود را در پس آن مستور میدارند.

این دولتها میکوشند تااز مردم آلمان وسایط طبیعی‌آن کشور برای‌حفظ منافع سیرناپایستی خود وعملی ساختن نقشه‌های تراتژیکی که کوشش وتلاش‌محافل‌حاکمه آمریکا بعنوان‌نخوارای واستعمارگران رویس آن پنهان است ، استفاده کنند . چنانکه قطع‌وضع جنگی با‌آلمان میخواهند برابطی را فراهم‌آورند تا اشکارآلمان غربی رابجر که‌متجاوز باصطلاح اتحادیه آتلانتیك شرقی وارد نمایند و آنکشور را بطور قطع ویقین بصورت سلاحی‌در راه‌اجرای نقشه‌های‌جنگی واستراتژیکی خوددر اروپابکارآندازند .

این دول مساله قطع وضع جنگی‌را بدین‌سبب پیش کشیده‌اند تا هرچه ممکن است بیشتر انعقاد قرار داد صلح را با آلمان بتعویق اندازندودر نتیجه ازاتحاد آلمان واحدی جلوگیری نمایند . البته تصادفی نیست که در اعلامیه بلند بالای نیویورك بهیچوجه از قرارداد صلح با آلمان وتهیه زمینه برای انعقاد این‌قرار داد سخنی بمیان نیامده است ، با آنکه پنج سال پیش دول امریکا وبریتانیای کبیر وفرانسه‌طبق‌موافقت نامه پوتستدام متعهد گشته‌اند که زمینه انعقاد قرار داد صلح را با آلمان فراهم سازند ولی تا کنون از اجرای مفاد آن موافقت نامه بپهانه‌های گوناگون سرباز زده‌اند این مساله بخوبی نشان میدهد که‌تا چه‌اندازه سیاست امریکا وبریتانیای کبیر و فرانسه از موافقت‌نامه پوتستدام‌منحرف‌بین چهار کشور بزرك بدورافتاده‌است .

سیاست کنونی امریکا وبریتانیای کبیر وفرانسه که‌موافقت‌نامه پوتستدام را رسماً‌نقض‌میکندبامنافع کلیه ملل صلح دوست‌اروپابکلی‌متضاد ومتباین است

۲ – دراعلامیه گفته‌شده که «وزرای امور خارجه با این مطلب موافقت کرده اند که تجدید نظر میزان تولید بعضی از شعب صنایع که منع شده و یا محدودیت یافته است با رعایت دوستی و روابط متقابل با جمهوری فدرال یعنی آلمان غربی انجام گیرد »

اعلامیه هنگام گفتگو درباره‌قطع وضع جنگی با آلمان تاکید میکند که این عمل بهیچوجه « حقوق و مقررات سه دولت » را در آلمان تغییر نخواهد داد چه‌آن کشورها طبق مقررات‌اشغالی سلطه نامحدودخود رادرآلمان غربی باقی خواهند گذاشت .باین ترتیب‌این‌دولت‌ها دوباره از غیر قابل تغییر بودن «مقررات اشغال » سخن میرانند و میخواهند با استفاده از نتایج حاصله از این مقررات برای مدت نامحدودی منطقه وقدرت‌خود را در آلمان غربی باقی نگهدارند.

اعلامیه براین در اعلامیه ذکر شده است که سه دولت اشغال‌کننده پیرامون قدرت « ارتش خود در آلمان خواهند افزود و قدرت نظامی‌خود رادرآسمان تقویت خواهند کرد» از آمارهای‌منتشر شده چنین بر میآید که در نتیجه این‌عمل مخارج ارتش اشغال کننده‌در آلمان‌غربی تقریبا دو برابر میشود وبر میزان‌مالیات که مردم زحمتکش‌آن کشوربایدبپردازند نیز بمقدار قابل ملاحظه افزوده میشود.

لازم باثبات‌نیست که تصمیم‌سه‌دولت راجع بافزایش نیروی اشغالی خود در آلمان غربی جز کوشش روز افزون این دول برای تجاوز بکشورهای‌صلحدوست اروپا دلیل دیگری ندارد .

اکنون دیگر جای هیچگونه‌تردید نیست که عبارات قلب و خدعه آمیز در باب تصمیم باصطلاح «قطع وضع‌جنگی با‌آلمان» فقط حجابی است که دول‌رهبر و میتکرپیمان نظامی اتلانتیك‌شرقی‌خود را در پس آن مستور میدارند.

این دولتها میکوشند تااز مردم آلمان وسایط طبیعی‌آن کشور برای‌حفظ منافع سیرناپایستی خود وعملی ساختن نقشه‌های تراتژیکی که کوشش وتلاش‌محافل‌حاکمه آمریکا بعنوان‌نخوارای واستعمارگران رویس آن پنهان است ، استفاده کنند . بهانه قطع‌وضع جنگی با‌آلمان میخواهند برابطی را فراهم‌آورندتا اشکارآلمان غربی رابجر که‌متجاوز باصطلاح اتحادیه

دولت آقای رزم‌آرا ووزیر جنك‌ایشان، حتی دوسال خدمت سربازی را کافی‌نمی‌دانند وبا کمیسیون نظام‌در مجلس تماس گرفته‌اند تاآن را به‌سال افزایش‌دهند!

«وضع نظام وتعلیمات نظامی» باصطلاح آقای وزیر جنك که گویااز‌دوم یکسال وایم خدمت افسری احتیاط وسه سال خدمت سربازی عادی را ایجاب می کند دلیلی نیست که برای‌مردم‌هوشیار وطن ما قابل قبول باشد ، مانور چندماه قبل در جاجرود که بیش‌ازماتور بیك هروسك بازی شباهت داشت و بالاتر از آن‌مانور «تصرف دوشان‌تپه»، که‌جریان آن مفصلا در مطبوعات مورد بحث و استهزاء قرار گرفت نشان داد که این «هنرنمائی» ها ، حساجتی بمحارست و کوشش طولانی ندارد ،اگر بجای تصرف تپهٔ موجود در محل ، باغ ارباب مهدی، را در پنج کیلومتری مقصد ، هدف اصابت گلوله های توپ قرار دهند و حوض و گل خانه رازبر و رو کنند بالاخره اگر بجای چتر باز ، کبوتر بزمین پرتاب نمایند ، اینکارحاجتی بپرانج ماهها وسالها ندارد و نمی‌بایستی نصف بودجه کشور را بچنین بازیها مصروف داوند .

امروز تنها در کشور ترکیه است که سربازان گرسنه‌و بیچاره را سه‌سال زیر برچم نگاه‌می‌دارند ، در کشوری که بر اثر تسلیم دربست زمامداران آن بدرگاه خداوندان لیره و دولار بسنگر استعمار بدل شده است دو کشوری که مردم فقیر آن ، درحوالی پایتخت ، با برك درخت زیتون تغذیه می کنند تا صاحبان‌ثروتهای‌اسلحه‌دردلندن‌ونیویورك آسوده خاطر بخندند وبرقصند ! برای‌چه جوانان ما را سالهای دراز زیربرچم‌باقی میدارند ؛ برای چه‌برزگرزاده کان ما را سالها از مزرعه و خانهٔ اودور می‌دارند بر جمعیت و کثیف کشور ماست همراه وی می کنند و سراسر میهن ما رابفسادو بیماری می‌آلایند و مزارع را مترو‌ك و بیسامان می‌گذارند.

برای‌چه‌کارگران‌والاریشت‌کارگاهها برای مدتهای طولانی بسربازخانه‌ها می کشند و زن و فرزند او را گرسنه و صنعت نو بنیان ملی را تعطیل می‌دارند ؟

ما با هیچکس سر جنك نداریم و نمی خواهیم برادران ، پدران وفرزندانمان فدیه مطلوب استعمار شوند . تنها یك آرزش کوچك برای‌محافظت‌وتامین‌کشور ماکافی است‌آنهم بشرط آن که ازعناصر مغرب وایادی استعمار مصفی گردد،بشرط آنکه پای‌مامورین بیگانه که‌بصورت خیل مستشاران ، در آن لانه کرده اند بریده شود ، که دودستیها وچند دستیها ، اختلافات و کشمکشها که امروز در آرتش حکمرواست بالمره دوراز ساحت خواست ملت ایران است ، هم اینك ما در مرکز شاهد این کشمکش هستیم .

لشکر اول که اخیرا نام « لشکر گارد شاهنشاهی » را بخود گرفته است با لشکر دوم دائما در ستیز است و فرماندهان هرطرف می کوشند تاخواست های خود را برحریف تحمیل کنند ، یك روز صحبت از انتقال لشکر گارد بمحل لشکر دوم است ، روز دیگر از نقل لشکر دوم بقزوین سخن بمیان می‌آید و بالاخره روز سوم از انحلال اساسی آن دم میزنند . اگر بایستی ارتش ملی و متعلق بملت باشد پس چرا مردم هرینهٔ گزاف آن‌را بپردازند تا بمیدانی برای ارضاء مقاصد این و آن بدل گردد ؟

ارتش ایران با ترکیب فعلی خود، باوضع نابسامان‌خویش‌همان‌راهی‌راپیموده که‌در حکومت بیست ساله پیمود ، ارتشی که تنها می‌تواند در درجه اول بعنوان وسیله‌ای در راه ترهیب عمومی ، بعنوان آلتی در راه‌اختناق آزادی مورد استفاده واقع شود و در درجه دوم ، در یك‌جنك تهاجمی و استعماری ، بعنوان خدمتگذار و راهدار بکار گماشته شود و این‌درست خلاف آن‌چیزی‌است که ملت ما میخواهد این طی راهی است بخلاف‌مصالح‌ومنافع ملی ما !

کسانی که‌می‌خواهند ارتش را با ترکیب‌فعلی آن توسعه دهند ، کسانیکه بخلاف قانون ؛ عمر فرزندان میهن مارا در سربازخانه‌ها تلف‌می کنند ، کسانیکه نقشه می کنند تا مگر با تغییر قانون ، دوران خدمت سربازی را باز هم از دو سال افزون نمایند .

بی اعتنائی کامل خودرا بمنافع‌ومصالح ملت خویش بثبوت می رسانند ، **تطویل دوران‌سربازی برای آنکه‌آهن پاره‌های امریکائی باز هم‌بیشتر مجال « خودنمائی » یابد گامی است در راه تقویت اساس‌میلیتاریسم،وامحاءآزادی.قدمی‌است در راه ورشکست صنعتی و کشاورزی میهن‌ما ، اقدامی‌است درراه‌افساداجتماع ما وبالاخره کوششی است در راه‌اسارت ملت وتبدیل‌میهن‌ما‌بپایگاه‌استعماری وبخدمت‌گماشتن فرزندان وطن ما در راه ارضاء شهوات جهانخواران!**

آگهی

برنامه جدید گفتار رادیو مسکو بزبان فارسی

ساعت بوقت تهران	طول امواج به‌متر
۱۳٫۲۹–۱۳٫۰۰	۱۹٫۵۳–۲۵٫۰۱–۲۱٫۲۵–۱۷
۱۸٫۰۹–۱۸٫۳۰	۲۱–۲۵٫۰۷–۷٤–۲۵٫۲۱
۲۰٫۲۹–۲۰٫۰۰	۷٦–۴۱٫۰۱–۲۱٫۲۵–۳۰٫۰۷–۴۸٫۰۱–۸۷٫۲۵–۵۰٫۰۲
۲۱٫۲۹–۲۱٫۰۰	۵۰٫۰۲–۲۵٫۰۱–۴۱٫۰۷–۴۸٫۰۷

با اتوکارهای تك‌صندلی و مبلی شرکت‌سهامی لوان‌بور که تشفیف درکرایه آن منظور گردیده به تمام خطوط کشور مسافرت کنید برای تهیه‌بلیط‌در تهران‌به شرکت سهامی لوان تور یا بنگاه بسرویس مخصوص هر کت واقع در خیابان ناصر خسرو تلفن ٤٤٦٦ و در شهرستانها به نمایندگان این‌شرکت‌مراجعه فرمائید .

متن کامل اعلامیه مهم وزیر ان امور خارجه ۸ دولت ...

بقیه ازصفحه ۱

دراعلامیه یاد گفته شده که‌درتصمیمات سابق راجع بمنع برخی از شعب صنایع آلمان تجدید نظر خواهد شد ولی در این‌مورد‌بهیچوجه نارسائی‌وسیله‌جلو گیری از احیای صنایع جنگی آلمان تکذیب نشده‌است .

این اعلامیه بخوبی نشان میدهد که‌مساله اصلی موردبحث سه وزیر خارجه همان مساله احیای ارتش آلمان و تجدید قوای نظامی آلمان غربی است.

تنها مطالعه همین چند نکته‌اساسی از اعلامیه آشکار میسازد که تصمیمات دول امریکا و بریتانیای کبیر و فرانسه بدون حضور اتحاد جماهیر شوروی در جلسه مشورتی نیویورك راجع بمساله آلمان نقش صریح مفاد موافقت نامه پوتستدام است که اجرای آن را این دول تعهد کرده اند بملاوه این تصمیمات متضمن تهدید صلح قاره اروپا است و با منافع کلیه ملل صلحدوست ودورشدن آن‌ها با منافع ملی ملت آلمان متضاد و متباین است.

۱ – اعلامیه دول امریکا وبریتانیای کبیر و فرانسه دائر باینکه قصددارند مساله « قطع وضع جنگی با آلمان» را مطرح کنند بکلی خدعه آمیز و مکارانه است و اصولا با مساله انعقاد صلح با آلمان وجه مشترکی ندارد.بدیهی است که ایجاد وحدت آلمان جز درسایه انعقاد قرار داد صلح با آن کشور امکان پذیر نخواهد بود .

اعلامیه هنگام گفتگو درباره‌قطع وضع جنگی با آلمان تاکید میکند که این عمل بهیچوجه « حقوق و مقررات سه دولت » را در آلمان تغییر نخواهد داد چه‌آن کشورها طبق مقررات‌اشغالی سلطه نامحدودخود رادرآلمان غربی باقی خواهند گذاشت .باین ترتیب‌این‌دولت‌ها دوباره از غیر قابل تغییر بودن «مقررات اشغال » سخن میرانند و میخواهند با استفاده از نتایج حاصله از این مقررات برای مدت نامحدودی منطقه وقدرت‌خود را در آلمان غربی باقی نگهدارند.

علاوه براین در اعلامیه ذکر شده است که سه دولت اشغال‌کننده پیرامون قدرت « ارتش خود در آلمان خواهند افزود و قدرت نظامی‌خود رادرآسمان تقویت خواهند کرد» از آمارهای‌منتشر شده چنین بر میآید که در نتیجه این‌عمل مخارج ارتش اشغال کننده‌در آلمان‌غربی تقریبا دو برابر میشود وبر میزان‌مالیات که مردم زحمتکش‌آن کشوربایدبپردازند نیز بمقدار قابل ملاحظه افزوده میشود.

لازم باثبات‌نیست که تصمیم‌سه‌دولت راجع بافزایش نیروی اشغالی خود در آلمان غربی جز کوشش روز افزون این دول برای تجاوز بکشورهای‌صلحدوست اروپا دلیل دیگری ندارد .

اکنون دیگر جای هیچگونه‌تردید نیست که عبارات قلب و خدعه آمیز در باب تصمیم باصطلاح «قطع وضع‌جنگی با‌آلمان» فقط حجابی است که دول‌رهبر و میتکرپیمان نظامی اتلانتیك‌شرقی‌خود را در پس آن مستور میدارند.

این دولتها میکوشند تااز مردم آلمان وسایط طبیعی‌آن کشور برای‌حفظ منافع سیرناپایستی خود وعملی ساختن نقشه‌های تراتژیکی که کوشش وتلاش‌محافل‌حاکمه آمریکا بعنوان‌نخوارای واستعمارگران رویس آن پنهان است ، استفاده کنند . بهانه قطع‌وضع جنگی با‌آلمان میخواهند برابطی را فراهم‌آورندتا اشکارآلمان غربی رابجر که‌متجاوز باصطلاح اتحادیه اتلانتیك شرقی وارد نمایند و آنکشور را بطور قطع ویقین بصورت سلاحی‌در راه‌اجرای نقشه‌های‌جنگی واستراتژیکی خودبدر اروپابکارآندازند .

این دول مساله قطع وضع جنگی‌را بدین‌سبب پیش کشیده‌اند تا هرچه ممکن است بیشتر انعقاد قرار داد صلح را با آلمان بتعویق اندازندودر نتیجه ازاتحاد آلمان واحدی جلوگیری نمایند . البته تصادفی نیست که در اعلامیه بلند بالای نیویورك بهیچوجه از قراردادصلح با آلمان وتهیه زمینه برای انعقاد این‌قرار داد سخنی بمیان نیامده است ، با آنکه پنج سال پیش دول امریکا وبریتانیای کبیر وفرانسه‌طبق‌موافقت نامه پوتستدام متعهد گشته‌اند که زمینه انعقاد قرار داد صلح را با آلمان فراهم سازند ولی تا کنون از اجرای مفاد آن موافقت نامه بپهانه‌های گوناگون سرباز زده‌اند این مساله بخوبی نشان میدهد که‌تا چه‌اندازه سیاست امریکا وبریتانیای کبیر و فرانسه از موافقت‌نامه پوتستدام‌منحرف‌بین چهار کشور بزرك بدورافتاده‌است .

سیاست کنونی امریکا وبریتانیای کبیر وفرانسه که‌موافقت‌نامه پوتستدام را رسماً‌نقض‌میکندبامنافع کلیه ملل صلح دوست‌اروپابکلی‌متضاد ومتباین است

۲ – دراعلامیه گفته‌شده که «وزرای امور خارجه با این مطلب موافقت کرده اند که تجدید نظر میزان تولید بعضی از شعب صنایع که منع شده و یا محدودیت یافته است با رعایت دوستی و روابط متقابل با جمهوری فدرال یعنی آلمان غربی انجام گیرد »

اعلامیه هنگام گفتگو درباره‌قطع وضع جنگی با آلمان تاکید میکند که این عمل بهیچوجه « حقوق و مقررات سه دولت » را در آلمان تغییر نخواهد داد چه‌آن کشورها طبق مقررات‌اشغالی سلطه نامحدودخود رادرآلمان غربی باقی خواهند گذاشت .باین ترتیب‌این‌دولت‌ها دوباره از غیر قابل تغییر بودن «مقررات اشغال » سخن میرانند و میخواهند با استفاده از نتایج حاصله از این مقررات برای مدت نامحدودی منطقه وقدرت‌خود را در آلمان غربی باقی نگهدارند.

مفهوم حقیقی اعلامیه نیویورك این است که اکنون صنایع سنگین منطقه روهر آشکارا در اجرای مقاصد جنگی و استراتژیکی دول غربی بکار افتاده است . اعلامیه سه دولت برای احیای صنایع جنگی آلمان غربی که بموقع خود بعنوان نقطه اتکاء اصلی امپریالیزم آلمان و تجاوز هیتلر خدمت میکرده راه باز کرده است .این تلاشها بخوبی نشان‌میدهد که چگونه‌حکومتهای امریکاوبریتانیای کبیر و فرانسه باخشونت و بدون تشریفات تصمیماتی را که چهار کشور بزرك با کمك و همکاری اتحاد جماهیر شوروی متفقا گرفته اند ومنظور از آن منع احیای صنایع جنگی آلمان و جلو گیری‌ازرشدو تکامل میلیتاریسم آلمان بود و با رضامندی و خشنودی کامل ملل صلحدوست اروپا و دیگر کشور های جهان استقبال شده نقض میکنند .

اتحادیه فوق انحصاری صنایع‌ذغال و فلز سازی آلمان غربی و فرانسه با همکاری چند کشوردیگر اروپابزیر بهمان منظور و هدفی خدمت میکند که احیای صنایع جنگی آلمان در فورم اقتصادی‌آن کشور طبق نقشه‌های‌بلوك انگلو امریکن خدمت مینماید . این کوششهای‌انحصار طلبان آلمان‌غربی و سرمایه داران فرانسوی بدستور مستقیم حکومت‌آمریکا که تنها بر شمار معدودی از دستجات ارتجاعی آلمان غربی متکی است‌دربطن خود خطر جدی احیای نیروهای‌شیطانی آلمان را پنهان کرده و طبیعی است که بامقاومت‌شدیدوقاطع‌محافل‌دموکراتیك فرانسه و آلمان غربی و دیگر کشور های اروپا روبروخواهدشد.

این سیاست دول ، آمریکاوبریتانیا کبیر و فرانسه آشکارا با مواد اساسی موافقت نامه پوتستدام مباینت دارد که منظور از ایجاد آن‌یك آلمان‌دمکراتیك و صلحدوست و احیای صنایع آلمان و راه صلح و احیای وضع کشاورزی و شعب دیگر اقتصاد آن کشور میباشد . مسیرسیاست سه دولت در جهتی‌سیرمیکند که اقتصاد آلمان‌را در راه تهیه‌وتدارك جنك‌جدید اروپااحیامیگرداند وبهیچوجه امکانات لازم را برای احیای اقتصاد صلحجویانه و بهبودی و علاج جراحات جنك و ساختمان مرمت‌شهرهای‌ویران و بهبود وضع زندگی مادی زحمتکشان که اتحاد جماهیر شوروی‌بعملی‌شدن‌آنها اصرار میورزد ، در اختیار ملت آلمان نمیگذارد .

۳ – چنانکه گفته شد مسأله اصلی که در شورای وزیران خارجه آمریکا و بریتانیای کبیر و فرانسه مورد بحث قرار گرفته مساله احیای آرتش آلمان بوده‌است . اگر چه کوشش‌بسیاربکار رفته تا در متن اعلامیه این مساله‌مکتوم بمانه ولی طبق مفاد اعلامیه سه وزیر خارجه موافقت کرده اند تا علاوه بر دستجات پلیسی که در آلمان غربی‌وجود دارد «اجازه‌تشکیل‌دستجات‌پلیس‌موتوریزه» رانیز بدهندبدینکه‌دراین اعلامیه‌مکرارانه اظهارشده‌است که «احیای آرتش‌ملی‌آلمان با مصالح عالیه و منافع آلمان واروپا» مخالف است معهذا وزیران خارجه سه دولت عملا تشکیل آرتش آلمان وامکان شرکت آن کشور را درجرگه نیروهای مسلح متحد مورد شور و مطالعه قرار داده‌اند .

طبق آمار هیتلری‌منتشر نشده درمنطقه های‌اشغالی آلمان‌غربی ودرمنطقه‌اشغالی برلن،٤٥٦ هزارنفردرتشکیلات‌وموسسات جنگی‌ودردستجات پلیسی گوناگون‌شرکت دارندوقسمت‌عمده‌ این‌افراد ازسربازان و افسران ارتش هیتلری تشکیل شده است

تجهیزات این دستجات و تشکیلات و تعلیمات نظامی‌آن مدتها‌آماده ساختن کادر افسری در مدارس خصوصی شرکت این دستجات در مانورهای جنگی دوشا دوش قوای نظامی اشغالی‌دول‌غرب نشان میدهد که این تشکیلات‌وتقسیمات اصولا برای اتحاد نظامی باکشورآلمان بوجود آمده‌است .

برای‌این‌تشکیلات نظامی واحدهای تانك و توپخانه تخصیص داده‌اند . بنا این حال در اعلامیه سه‌وزیر امورخارجه بازهم ازاجازه تشکیل‌دستجات موتوریزه پلیسی جدیدی گفتگو میشد که با وضع کنونی متناسب باشد .

از این مطالب آشکار میشود که حکومت امریکا و بریتانیای کبیروفرانسه کوشش می کنند برتعداد دستجات پلیسی آلمان وظیفه خود میدانند اظهار کنند که بیشتهاد وارزیابی عمومی سه‌دولت‌راجع بساله آلمان که درجلسه مشورتی‌روشن اظهارشده کاملا‌باثبات رسید.

درحال حاضر دول اتحاد جماهیر شوروی ، البانی ، بلغارستان ، چك‌اسلاواك ، هنگری وجمهوری دمکراتیك آلمان وظیفه خود میدانند اظهار کنند که بیشتهاد وارزیابی عمومی سه‌دولت‌راجع بساله آلمان که درجلسه مشورتی‌روشن اظهارشده کاملا‌باثبات رسید.

اعلامیه مذکور نشان می دهدکه اکنون دیگرحکومت امریکا وبریتانیای کبیر وفرانسه نمیخواهند تنها به‌تشکیلات پلیسی قناعت کنندوآشکارا مساله «شرکت آلمان را در اتحادیه نیروهای مصلح » مطرح کرده‌اند .

اگرچه در اعلامیه ذکر شده که این مساله درحال حاضر فقط یك «موضوع مشورتی است » ولی این شکل بیان فقط بدین منظور بکار میرود که افکار و عقاید عمومی‌را بقبول تصمیمات متخذه سه‌دولت‌درباره احیای ارتش‌آلمان‌آماده سازد .

اکنون دیگرآین مساله جزو اسرار نیست که برای امراحیائی ارتش آلمان‌از وجود گالدر و گودریان‌ومانتی‌فل وسران نظامی دیگر آلمان استفاده میشود، از متن اعلامیه چنین برمیاید که پس‌از این مرحله هدف بکارگیرادن آرتش احیا شده منطقه غربی آلمان در خدمت بلوك انگلو امریکن و بمنظور اجرای نقشه های تجاوز آن‌ها تعقیب خواهد شد .

با چنین وضعی جای تعجب نیست که دول امریکا و فرانسه و بریتانیای کبیر مساله تغییرمحدودیت‌های سابق درصنایع جنگی آلمان را که امپریالیست های امحصارچوی آلمان غربی با کمال سرسختی در طلب آنسند مطرح کرده‌اند، دیروز بود که ملت های فرانسه وبریتانیای کبیر وامریکا باتجاوز کاران هیتلری وامپریالیستهای آلمان‌بیکار میکردند وامروز محافل حاکمه این کشورها بادست خود آرتش آلمان‌غربی را احیا می کنند ، جنایتکاران جنك را تبرئه مینمایند واز کیفر آنها چشم می‌پوشند ، دراحیای صنایع جنگی آلمان غربی‌می کوشند وامپریالیسم آلمان‌غرب را دوباره زنده می‌سازند.

مفهوم این اعمال این است که‌دول امریکا وبریتانیای کبیر و فرانسه بطور سیاست تجاوز شده‌اند که با منافع صلح در اروپا و آزادی کلیه ملل جهان مباینت دارد .

٤– چنانکه میدانیم‌درجلسه‌مشورتی جداگانه لندن که از سه دولت امریکاو بریتانیای کبیر وف

امریکائی های جنتلمن در بلژیك

بقیه ازصفحه ۱

سیاهان امریکائی مدت زیادی زمین های اطراف را که بواسطه کمی رادیوم مورد استفاده قرارنگرفته بود وراندازکرده ومثل اکثر سبزها چنین وانمود کردند که از ناچاری حاضر بفروش آن شده‌اند، البته امریکائی‌ها موافقت کردند رادیوم استخراج شده و محصولات دیگر این معادن را هم ببلژیك تقدیم کنند و حتی نقدا نیز پولی بپردازند . معامله بوودی صورت گرفت و امریکائی‌ها پیشنهاد کردند که درموقع حمل محصول بامریکا خاك این معادن را در بارنامه‌ها باسم فلزشکسته نام ببرند .

علت خریداری این معادن وعلاقه شدید امریکائی‌ها باین خاکهای بیمصرف بعداً درسال ۱۹۴۵ که بمب اتمی امریکا برفراز ژاپن منفجر شد معلوم گردید . مواد خام این بمب همان اورانیوم معادن هیتکولوبه بوده .

موافقت نامه مخفی راجع بمعادن هیتکولوبه چندی بعد تبدیل بمعامله کاملتر وسری‌تر دیگری شد . این بار انگلیسها را نیز در مالکیت معادن فوق شرکت دادند امامه اینکارها برای صورت ظاهر بود زیرا کلیه محصول معادن را مثل سابق امریکائی‌ها میبردند بطوریکه مطبوعات خارجی اطلاع دادند معادن اورانیوم هیتکولوبه یکی از بزرگترین معادن اورانیوم دنیاست واکثر احتیاجات کارخانه‌های بمب اتم امریکا از این معادن بدست میآیند

طبیعی است که معافل مترقی بلژیك از رولی که هیئت حاکمه بلژیك درتهیه اورانیوم برای آتش افروزان جنك بعهده گرفته اظهار تنفر و نگرانی مینمایند ولی تمام تقاضاهای افراد پیشرو ومترقی، که بدولت بلژیك پیشنهاد نموده بودند معادن هیتکولوبه رادودسترس دولتهای صلح طلب که از ماده فوق برای رفع احتیاجات مردم جهان استفاده میکنند واگذار شود باسکوت مطلق مواجه شده است گفتگو از هیتکولوبه بدادگاه هیئت حاکمه بلژیك خوش آینده نیست .

دولت بلژیك بدون اطلاع مجلس آنکشور قرار دادی باامریکائی‌ها امضاء نموده و تاکنون مواد آنرا مخفی نگاه داشته است ولی عواقب این معاهده نشان میدهند که تا چه حد منافع ملی بلژیك را در آن ناچیز شمرده اند . فلیریك دان معروف بلژیکی بنام «ماکس کوزینس» چندی قبل دراین باره اظهاراتی نموده گفت که دانشمندان بلژیکی از تجربیات خود درباره استعمال انرژی اتمی درموارد صنعتی نتایج درخشانی کسب نموده واز اتیست‌های امریکائی جلو افتاده‌اند لکن متاسفانه قادر بادامه آزمایش های خود نمی باشند زیرا ماده اورانیوم دردسترس ندارند . این دانشمندان بقدر بسیار کمی اورانیوم احتیاج دارند : یکنوازم آنچه که درهیتکو لوبه استخراج میشود برای آنها کافی است، دولت بلژیك که آن چنان قرار دادی باامریکا امضاء نموده‌از دادن پروانه حمل بدانشمندان جلوگیری میکند .

کار باینجا کشید که آزمایشگاههای اتمی بلژیك مجبور شدند احتیاجات خود را از بازار سیاه که آنهم در دست امریکائی‌هااست تهیه کنند در صورتیکه خاك معادن اورانیوم هم اکنون بقیمت بسیار ارزانی بامریکا فروخته میشود . طبق محاسبه‌ای که کوزینس بعمل آورده بلژیك هر سال ۲۰ میلیارد فرانك ازفروش مواد اتمی بامریکا زیان وخسارت متحمل می‌شود .

«استقلال وجورابهای نایلون»

بلژیکیهادوست دارند بروکسل را پاریس کوچك بنامند اما باریسیهائی که به بروکسل میآیند آنقدراعلانهای تجارتی ونگارنك می‌بینند که مجبور میشوند اذعان کنند که بروکسل ازپاریس هم بزرگتر است . اعلانهای فوق شمارا بسوی خود میخوانند وتخفیف کلی در قیمت اجناس خود میدهند وآنها راباقساط طولانی و باورنکردنی بشمامیفروشند .

چنین بنظر میرسد که امریکائی ها درخیابانهای مهم شهر بازار مکاره‌ئی باراکرده‌اند . مغازه‌ها ازاجناس امریکائی انباشته شده و صاحبان مغازه ها بانتظار ورودمشتری در پشت دستگاه خودخیازه میکشند .

تمام اجناس ازکلاه زنانه گرفته تا لباس زیر، قوری‌های الکتریکی، جاروبهای برقی ، بازیچه های لاستیکی و مرغهای بیچیده هده در کاغذهای مخصوص همه مارك امریکائی‌دارند .

درخیابانهای شهر تاکسی‌هاوماشین های سواری مارك امریکا رامی‌بینید، در رستوران بوی توتون وبرجینیاراستشمام میکنید در کافه‌ها قهوه امریکائی باشیر خشك امریکائی مینوشید . آبجورا از منطقه متصرفی امریکادرآلمان بابرچسب امریکائی (آبجو اتیزه) بخورد شمامی دهند وپنیر کنسرو شده امریکا را با نان هائی که از آردامریکائی تهیه شده بنام ساندویچ بشما قالب میزنند ، ۹ دهم فیلم هائی که نمایش داده می شوند ساخت هالیوود است ، مدهسا از امریکا میایند .

رومان‌های جنائی و پلیسی بزرچاپ امریکا است حتی مستراجهای بروکسل گرفته اظهار تنفر و نگرانی مینمایند ولی تمام تقاضاهای افراد پیشرو ومترقی، که بدولت بلژیك پیشنهاد نموده بودندمعادن هیتکولوبه رادودسترس دولتهای صلح طلب که از ماده فوق برای رفع احتیاجات مردم جهان استفاده میکنند واگذار شود باسکوت مطلق مواجه شده است گفتگو از هیتکولوبه بدادگاه هیئت حاکمه بلژیك خوش آینده نیست .

دولت بلژیك بدون اطلاع مجلس آنکشور قرار دادی باامریکائی هاامضاء نموده و تاکنون مواد آنرا مخفی نگاه داشته است ولی عواقب این معاهده نشان میدهند که تا چه حد منافع ملی بلژیك را در آن ناچیز شمرده اند . فلیریك دان معروف بلژیکی بنام «ماکس کوزینس» چندی قبل دراین باره اظهاراتی نموده گفت که دانشمندان بلژیکی از تجربیات خود درباره استعمال انرژی اتمی درموارد صنعتی نتایج درخشانی کسب نموده واز اتیست‌های امریکائی جلو افتاده‌اندلکن متاسفانه قادر بادامه آزمایش های خود نمی باشند زیرا ماده اورانیوم دردسترس ندارند . این دانشمندان بقدر بسیار کمی اورانیوم احتیاج دارند : یکنوازم آنچه که درهیتکو لوبه استخراج میشود برای آنهاکافی است، دولت بلژیك که آن چنان قرار دادی باامریکا امضاء نموده‌از دادن پروانه حمل بدانشمندان جلوگیری میکند .

کار باینجا کشید که آزمایشگاههای اتمی بلژیك مجبور شدند احتیاجات خود را از بازار سیاه که آنهم در دست امریکائی‌هااست تهیه کنند در صورتیکه خاك معادن اورانیوم هم اکنون بقیمت بسیار ارزانی بامریکا فروخته میشود . طبق محاسبه‌ای که کوزینس بعمل آورده بلژیك هر سال ۲۰ میلیارد فرانك ازفروش مواد اتمی بامریکا زیان وخسارت متحمل می‌شود .

سقوط معنوی و فقدان احساسات ملی این طبقه حتی بعضی از روزنامه‌های بورژوازی را وادار بحمله نموده ویکی از روزنامه‌های بلژیکی چنین نوشت :

(بورژوازی بلژیك وضع نامطلوبی بخود گرفته و تنفر ملی را بخود جلب نموده‌است) .

این تنفر البته درباره اربابان امریکائی نیز صادق است چون که همینها هستند که بلژیك برای قدردانی ازآن ها مجبور است علاقه ملی واستقلال خودرا فدا نماید .

در بلژیك اکنون تحریم کالا های امریکائی معمول گردیده و مردم تقاضای کالاهای ساخت میهن می کنند اینموضوع مدتی سبب دردسر احتکارچیان امریکائی شده بود زیرا طبق‌قوانین بلژیك کالاهای خارجی بایستی برچسب کشور سازنده را داشته باشند ولی بنا بدستور آمریکائی ها دولت بلژیك این قانون را لغو نمود و خیال اربابان‌را از این حیث هم‌راحت کرد و اجازه داد کالاهای امریکا را در بسته بندی های بلژیکی به فروش برسانند .

در سالهای اول بعد ازجنك هوسام امریکائی علاقه شدیدی نسبت به‌بلژیك نشان میداد . این علاقه چندان‌بدون‌دلیل نبود . بلژیك برخلاف ممالك دیگراروپا ۳۰۰ میلیون دلار وجه نقد در بانکهای امریکا سپرده بود و آنگهی معادن بکر و دست نخورده مستعمره کنگوراکیز در اختیار داشت اما اکنون دیگراحساسات امریکائی ها خاموش شده و بلژیك مارـ هالیزه گشته‌ودیده و هوسام بولهای قد را بجیبك زده و بنجل های خود را آب نموده است حالا امریکائی ها درکانکانا خود مانی شده اند و توجهشان بسوی آلمان معطوف شده و بلژیك روز بروز تنفر رویه امریکا را بیشتر حس میکند .

استرداد یکی از بنادر بزرك دنیا است و دارای جوشوچه‌ای بمساحت ۱۴۰۰ هکتار مربع است که دارای اسکله های است بطول ۴۵ کیلو متر . این بندر اکنون کار نمیکند و اصف کار کنان آن بیکار میباشند. سبب این بیکاری امریکائی ها هستند زیرا سعی میکنند کشتی های بارکش را به بنادر ها مبورك وبر من که بنادر آلمانی ورقیب امستردام میباشند اعزام دارند .

چون امریکا بتجدید سازمان صنایع « رین ووستفالی» علاقمند است واحصار های امریکائی مقدار متنابهی ازسهام کارخانجات این ناحیه را خریداری نموده اند از اینرو میخواهند صادرات آلمان غربی را علورغم منافع بلژیك تشویق و ترویج کنند .

اقدامات امریکائی ها برای از بین بردن صنایع الماس بلژیك که دارای رتبه اول در دنیاست باتنفر و انزجارشدیدی مواجه گردیده است امریکائی هامقدار زیادی الماس قاچاق بالمان‌وارد کرده‌و تراش کاران گرسنه آلمانی را با مزد کمی بکار گماشته اند .

باید اضافه نمود که امریکائی ها اینکار را تنها بخاطر منافع هنگفت انجام نداده اند الماس در صنایع جنگی نیزدل مهمی را بازی میکند . زمانی آلمان از خریداران خوب اجناس نساجی وچرمی بلژیك بود ولی اکنون آمریکائی هاازورود اجناس بلژیکی بالمان جلوگیری میکنند چندی قبل امریکائی هامانع صدور کفش های بلژیکی بالمان غربی شدند اماطولی نکشید که چندین میلیون کفش کتانی که مدت ۲۰ سال در انبار های امریکا بجا مانده بود وارد آلمان نمودند.

آنها پنبه کنگوبلژیك واخریداری کرده بالمان میبرند ودر آنجا تبدیل به پارچه نموده و دوباره در کنگو بفروش میرسانند درصورتیکه هزاران نفرازکارگرـ ان نساجی بلژیك بیکارمانده اند

امریکائی هابسیار جنتلمن هستندقربانی خودرا باحیله بتور انداخته وسپس خفه‌اش میکنند .

متن موافقت نامه ۲۰ اوت

بقیه ازصفحه ۱

۱ـ شورای اسقفها بنا بر وظایف میهنی خود رژیم وقانون اساسی جمهوری توده ای مجارستان را برسمیت میشناسد و تایید می کند ، شورا اعلام میدارد برعلیه آن شخصیتهای کلیسائی که فعالیت خصمانه ای علیه نظم مستقر شده بوسیله قوانین جمهوری توده‌ای وکار خلاق حکومت آن رهبری می کنند طبق قوانین کلیسا اقدام خواهد کرد

۲ـ شورای اسقفها هرگونه فعالیت تخریبی را که علیه رژیم ودولت مجارستان هدایت میشود، ازهرمنبعی که باشد ،بطور قاطع محکوم میکند، شوراازاجازه نمیدهد که احساسات مذهبی مومنین و کلیسای کاتولیك برای هدفهای سیاسی خصمانه نسبت بدولت مورد استفاده قرار گیرند.

۳ ـ شورای اسقفها کلیه مؤمنین را بعنوان آزادگان و میهن دوستان دعوت می کند تا باکلیه قوای خود در کارعظیمی که تمام ملت مجارستان بارهبری حکومت جمهوری توده‌ای انجام میدهد، با اجرای نقشه پنج ساله جهت افزایش سطح زندگی وجهت تحقق دادن عدالت اجتماعی شرکت نمایند ؛

شورای اسقفها بویژه هیئت روحانیون کاتولیکی را دعوت می کند تا با جنبش کشورپراتیوی تولید زراعتی مخالفت نورزند زیرا که این جنبش که متکی برشرکت آزادانه دهقانان میباشدبرپایه اصول اخلاقی معاشدت بشری قراردارد.

٤ ـ هیئت اسقفها جنبش بخاطر صلح را پشتیبانی مینمایدو اراده ملت و دولت مجارستان را در دفاع از امر صلح تایید می کند ، هیئت اسقفها هر نوع فعالیت جنگجویانه واستعمال بمب اتمی را محکوم می کند و از این جهت اعلام میدارد دولتی که برای نخستین بار آن را استعمال نماید جنایتی علیه بشریت مرتکب شده است .

...

۱ـ حکومت جمهوری توده ای مجارستان طبق‌قانون‌اساسی جمهوری توده‌ای برای همه مومنین‌کاتولیك آزادی مراسم مذهبی‌را و همچنین برای کلیسای کاتولیك آزادی فعالیت را تامین مینماید.

۲ ـ حکومت جمهوری توده‌ای مجارستان قبول می کند،که، هیئت موسسه آموزشی کاتولیکی‌را دوباره افتتاح نماید (٦مدرسه بسراته و دو دخترانه) همچنین قبول می کند که آموزگاران زن و مرد بتعداد کافی بانجام وظیفه در این موسسات بپردازند .

۳ ـ حکومت جمهوری توده‌ای حاضر است طبق‌مفاد قرار داد هائی که قبلا با سایر فرق مذهبی منعقد کرده است مخارج مادی کلیسای کاتولیك را بشکل زیر برعهده بگیرد.

در مدت هیجده سال‌آینده یعنی تازمانی که کلیسای‌کاتولیك برفع نیازمندیهای خود ازطریق منابع خود قادر می‌شود باوسایلی که هر سه سال یبنا پنج سال مقدارش تنزل یابد پرداخت کند ، حکومت جمهوری توده‌ای بخصوص مایل است از محل کمك دولتی حد اقل زندگی کشیشهای نهی‌دست‌را تامین نماید .

برای اجرای این قرارداد باید کمیته مختلطی ازنمایندگان حکومت جمهوری توده‌ای و هیئت اسقفها تشکیل گردد .

[ترجمه از روزنامه فرانسوی پارالل

از « مجله هفتگی چین » چین از کمك امپریالیستی صرفنظر خواهد کرد .

خلاصه وضعیت چینست ۲ـ ما احتیاج فوق‌العاده‌ای به کمك آجسن و تولاند نداریم . باید قبول کرد که تمام ماها برای گذراندن زمستان و بهار ، کمربندهای خود را سفت کرده‌ایم. ولی حال میبینیم که از مرحله دشوار گذاشته و افق امید وا می‌بینیم.

اگر کمك خارجی بریك پایه‌دوستی صمیمانه و غیر سیاسی گذاشته میشد خوشوقت‌میشدم که‌از طرف‌امریکائیها،انگلیسیهایامردولت‌خارجی‌دیگر آنرا بپذیریم ولی اگر باغل ها و زنجیرها همراه باشد ترجیح خواهم داد که پرس روزانه برنج خود را کنار گذاشته ، بیشتر سبزی و کمتر گوشت خورده بجای سواری در درشکه حتی‌الامکان‌پیاده بروم ، لباسهای کهنه‌ام را یك فصل بیشتر بپوشم و از این‌قبیل صرفه جوئی‌ها، برای آنکه مواد غذائی و سایر وسائلی که بمتاعلق دارند ، چاله چوله‌ها را پر کنند .

تا اول وی ـ این

نهم ژانویه
از ماکسیم گورکی
بتوسط بنگاه مطبوعاتی ناقوس
منتشر شد
بها ۱۰ ریال

در چین نوین چه میگذرد ؟

از بین ۶۰۰۰ نفر شاگردان دوره دوم شش ماهه مثلا ۲۱۰۰ نفر کسانی بودند که بتازگی از مدارس بورژوائی بیرون آمده بودند و ٦٤٠ نفر کارمند دولتی‌قدیمی کومین تانك بودند. پیش از ٤٠٠ نفر معلم و وکیل عدلیه، ۵۰۰ و ۵۰۰ نفر از ارتش‌یا پلیس کومین تانك ۱٤۰ نفرکارگر ، ٦۰ نفر ازسرمایه‌داران بزرك. ۵۰ نفر صاحبان زمین و ٤۰ نفر تاجر، هر چند ۲۱۰۰ نفردانشجویان قدیمی بالقوه از انقلابیون بودند ولی در بین آنها ۵۰۰ نفر کسانی که منسوب بخانواده های ثروتمند بودند وجود داشت ، باتصد نفر از قشر های‌خرده بوژوا فرستاده شده بودند ، ۵۰۰ نفر از دهقانان متوسط و ۵۰۰ نفر دیگر از بورژوازی ۳۵۰ نفر متعلق بخانواده های کسانیکه کار آزاد داشته و ۵ نفر از خانواده تاجر های ثروتمند بودند . بسیاری از آنها بکومین تانك بنا بتشکیلات جوانان کومین تانك « سان بین ، شو ـ بی » تعلق داشتند .

تربیت نوین گروهی

چگونه ممکن است جمعیت تا این اندازه مختلفی را که و داعیه های مختلفی در سر دارند درعرض ٦ماه بدانشوران نوع‌جدیدی تبدیل کرد که از روی خلوص‌نیت جسماً و قلباً برای آسایش توده زحمتکش کار کنند .

دکر گونی بوسیله معجزه رخ‌نمی‌دهد بلکه این دگرگونی بوسیله منطق محکم و معمون از تعرض و مطالعه شدید و از روی حوصله انجام میگیرد .

این مدرسه تئوریسینهای مارکسیست خبره‌تربیت‌می کندزیرا چنین چیزی در عرض این مدت کم غیر ممکن است .

آنجا یك هدف موجود است :از ریشه کندن طرز تفکرغیر پرولتاریائی یاضد پرولتاریائی؛ این‌موضوع‌بدین‌شکل‌تحقق‌می‌پذیرد که دراین مدرسه پایه دروس اساسی را ماتریالیسم دیاکتیك وتاریخی تشکیل میدهد که بآن‌چهار ماده درس دیگر افزوده می‌شود که عبارتند از انترناسیونالیسم ، مسائل اساسی‌انقلاب‌چین ، تاریخ‌حزب کمونیست چین و نکات اصلی سیاست حزب.

مدرسه مبدل بمیدان بیکار افکار میشود که در آن اولین قربانی،تئوری «خالص» و تجربی غیر علمی است .

وهم پرستی وایده‌آلیسم جنك‌بدون موفقیتی‌را بانتوری نسهضت و ماتریالیسم تاریخی‌سرمیدهند.

دوهفته اول دوره درس‌در «کـ‌تا» صرف بررسی اوضاع حالیه چین ،تشریح هدف این‌دوره‌های درس ومطالعه درمتد های جدیدتربیتی میگردد.

چهار ده‌هفته بعد بمقدمه‌ای از ماتریالیسم‌دیالکتیك وتاریخی تخصیص داده میشود ؛ کتابهائیکه دراین دوره خوانده میشودخلاصه از «تاریخ تکامل اجتماع » است که مخصوصا بدین منظور تهیه گردیده‌است.

در مدت دوهفته بعد شاگردان مسائل اساسی انقلاب چین را مورد مطالعه قرار میدهند. دوهفته دیگر مختص مطالعه سیاست حزب کمونیست درباره اصلاحات ارضی،محصول، تشکیلات توده ها و غیره است .

سپس یك‌دوره‌دوهفتگی‌دیگر صرف تعلیم برنامه‌اساسی‌حزب کمونیست چین می‌شود.

ماه آخر صرف دوره کردن دروس‌تدریس شده درمدت پنج ماه ، تجزیه و تحلیل عقاید شخصی دانش آموزان درباره نتائج این دروس و تطبیق تئوریهای مطالعه شده در زندگی‌شخصی‌میگردد . شاگردان این مطالعات را دسته جمعی انجام‌میدهند.

در جریان‌شش‌ماهه دوم گروه دانش آموزان به قسمت‌تقسیم میشوند (قسمت چهارم اعضای حزب هستند که می‌خواهند سطح معلومات سیاسی خود رابالا ببرند ،ولی برنامه کار این‌دسته‌غیر از آن موادی است که بسایرین تدریس می‌شود.)

هریك از این قسمتها بدهقسمت کوچکتر تقسیم‌میشوند که‌این قسمت‌های کوچك‌نیز بنوبه خود بدسته های۲۰ تا ۲۵ نفری تقسیم می گردند.

هرچند که از نظر تسهیل مطالعه وبحث همین دسته‌ها نیز بدسته‌های کوچکتر ۷ یا ۸ نفری تقسیم میشوند ولی این دسته ۲۰ تا۲۵ نفری‌واحد مبنای کارمدرسه‌است .

اعضای دسته بیشتر ساعات روز باهم هستند و فن زندگی کردن بصورت اجتماعی و همچنین مطالعه دسته‌جمعی را میاموزند.

ازهمان‌ابتداشاگردان‌میآموزند که قبل‌از کسب‌موفقیت‌فردی‌در تحصیل‌بایدبیشترقی‌دسته‌خوه‌بود.

شاگرد بسیار عالی تا وقتیکه حاضربکمك بعقب ماندگان دسته خود نگردد مورد تبریك قرار نمیگیرد .

در حین کار دسته جمعی شاگردان برای شناختن و ریشه کن کردن افکارارتجاعی که‌ازاجتماع کهنه بر ایشان باقیمانده‌است بیکدیگر کمك میکنند.

تئوری و عمل ارتباط بسیار نزدیکی دارند ، بعد از هر کنفرانس تئوریك ، شاگردان ، موضوع تعلیم داده شده را مورد بحث قرار داده از نظر تجارب شخصی خود مورد بررسی قرار میدهند .

درآخر هر دوره درسی ، شاگردان ، خلاصه ای‌ازدرسهای شنیده شده‌را مینویسند، این خلاصه درحضور گروه همدرس خوانده میشود و نویسنده هر تکلیف خودش نمره ای را که مناسب ورقه اش است تعین میکند . هر شاگرد در موقع نوشتن اثر مخصوص خویش فهم خود را درباره تئوری مارکسیستی وقابلیت‌خود را در اجرای اصول آن ارزیابی میکند .

هرگاه شاگردی در موقع نمره دادن بکار خود در فهم سیاسی خود غلو کند،سایر رفقای دسته اش اشتباهش را متذکر میشوند . اگر بر عکس شاگردی خیلی محجوب‌وفروتن‌باشدبعنوان عمل‌ریاکارانه‌بورژوائی انتقادمیشود .

این سیستم جدید نمره دادن بکتالیك طبق رضایت عموم ، بنام « نمره دادن دموکراتیك » معروف شده‌است . سرموفقیت در این‌نوع تعلیم ، انتقاد و انتقاد ازعوه مارکسیستی است.

برای دانشور اینکه از نوع قدیم هستند مخصوصاآنهائیکه ازمحیط‌تئورالی‌خارج‌شده‌اندمشکل‌است که‌ازاین‌اسلحه‌اساسی‌استفاده نموده‌خودرا بطور شایسته ای‌اصلاح کنند .

ابتدا این تمایل لیبرال دیده میشد که اغلب برای مباشات نسبت بتکبر و غرور یك رفیق از شدت انتقاد میکاستند . بعضی از شاگردان فرصتی را که در این اجتماعات انتقادی پیش میآمدغنیمت شمرده برفقای خود بشیوه غیر دوستانه و نا آموزنده‌ای انتقاد میکردند .

عدهٔ دیگر با بکار بردن چندین جمله پر طمطراق « چپ نما » غیرکافی بودن معلومات‌ایده‌ئولوژیك خود را سرپوشی‌مینمودند با وجود این در این مدت کم‌اغلب ها گردان آموخته‌اند که‌چگونه از انتقاد و انتقاد از خود بمعنی درست بمنظور جستجوی حقیقت استفاده کنند و با شناختن شایستگی‌ها و عیوب با صداقت‌وصمیمیت برای تشویق اولی وریشه کن کردن دومی کوشش کنند .

بایطرح این است که شاگردان کم کم قادر ببالا بردن سطح معلومات سیاسی خود میگردند.

در خدمت خلق

یك قسمت مهم برنامه تربیتی «کـ‌تا» عبارتازفعالیت‌خارج از مدرسه است .

شاگردان تشویق‌میشوند که خود را بعنوان داوطلب برای کارهای مختلف در اطراف دهستان معرفی نمایند .

نه تنها آنها بکار پاکیزه کردن اردوگاه خود وبرخانه‌های مختلف تولید میپردازند بلکه آنها ۱٤۰ «مو» زمین بایر را که در اطراف مدرسه واقع است خواسته‌اند برای اینکه یك قسمت از خوراك خود را در آن زمینها کاشت و کار نمایند . بدین طریق آنها در اثر چنین فعالیتهای خاص خود بتعقیب‌یکه دانشوران سبك قدیم نسبت باین نوع کار های‌دستی میکنند پشت پازده و اهمیت‌نمیدهند. آنها بدینوسیله پایه های ایده‌ئولوژیك بمنظور تحکیم روابط خود با طبقات زحمتکش بوجود میآورند .

وقتیکه پایان شش ماهه نزدیك میشود بیشتر دانشجویان از اینکه طرز تفکرشان از وقتیکه بمدرسه آمده‌اند اینقدر از ریشه فرق کرده است متحیرند .

این یك توضیح نمونه‌ای است که بوسیله یکی از شاگردان در کتابچه یاد داشتش نوشته‌شده‌است .

«من عادت کرده‌بوم چنین فکر کنم که فقط اشخاصی از» «قبیل ناپائون ، هیتلر چیانکایشك وغیره هستند که تاریخ را می» «سازند. من‌خودم آرزوداشتم یکی از این مردان باشم.اکنون» «می‌فهمم که ملت جریان تاریخ را معین میکند یا بعبارت دیگر» «این‌ملت است که مرا تربیت‌نموده است ومنهم‌باید دانش خودرا» «در خدمتش‌بگذارم» . من هیچ آرزو ندارم جز خوب خدمت» «کردن بملت .من خوشحال خواهم‌بود وقتیکه کاری را(هرکاری» «باشد) که دولت توده‌ای بمن رجوع میکند ازجان ودل و باتمام» «قوا انجام دهم.»

از بین ۶۰۰۰ نفریکه در ششماهه دوم اسم نوشتند فقط ۵ نفرشان غیر قابل اصلاح بودند . این پنج شاگرد در این کوشش ثابت قدم بودند که بادزدی وبا انتشار میاهوهای مرتجعانه‌زندگی دیستانی را مختل سازند . ولی‌دریك جلسه عمومی‌شاگردان‌این عده بالاخره از مدرسه اخراج گردیدند .

اما دانشجویان با اکثریت خورد کننده خود در پرتوپروری فوق‌العاده باعظمتی‌متحد گشته ومشتاق کار کردن برای اجتماع‌میباشند درصورتیکه آنها با سانی میتوانستندیك گروه بدبختن‌وازده که‌بدون هدف برضد اجتماع کار کنند باقی بمانند. در دومین دوره‌ششماهه ۱۵۷۸ نفر شاگرد وضعیت طبقاتی بسیار استواری بدست آوردند وبعنوان کاندیدای اتحادیه جدید دموکراتیك جوانان‌تعیین شدند . ۱۵۵ نفر دیگر آنقدر لیاقت نشان‌دادند که بعضویت‌حزب کمونیست پذیرفته گردیدند. در آخر شش ماه هریك از شاگردان‌این‌تعهد عمومی رانموده‌اند :

رفتن بهر جائیکه ملت مرا میفرستد وانجام‌دادن هر کاری که‌ملت بعهده‌ام‌میگذارد .

برروی کتیبه‌ای که بربالای درمدرسه‌قراردارداین‌شعاربرنگ چینی نوشته شده‌است :«بوته آزمایش انقلاب»

یافتن شعار دیگری که ازاین‌مناسب تر باشد برای «کـ‌تا» وسایر مدارس‌شبیه بآن که در دیگرنواحی‌چین پرورش کادرمینمایند بسیارمشکل‌است .

زارع شیکاگو

بقیه ازصفحه ۱

سیاسی این کشوررا تحت نظر و نفوذ خویش قراردهند ودراموری دخالت کنند که درولهٔ اول بنظرما خیلی عجیب میرسد.

درهین امریکای ترومن که پرچمدار دنیای « آزاد » تشریف دارد، براثر دخالت سرمایه داران ؛ ترك در امور اجتماعی بقدری سطح فرهنك و معرفت عمومی تنزل داده شده است که حدی بر آن نمیتوان قائل شد.

شاید عجیب باشد! گربگویم اطلاعات سیاسی واجتماعی توده های ملل اسیرشرق ومعلومات عمومی آنها درباره مسائلی که درجهان اتفاق می افتد، براتب وسیع تر وفوقریز از شعور و ادراك سیاسی و اجتماعی توده های امریکائی و انگلیسی است ولی واقعاً اینطور است. در حقیقت تودهٔ امریکائی را ازلحاظ روشن بینی و دارا بودن رشد و درك سیاسی با توده فیلی پین یا ویت نام نمیتوان قیاس کرد.

این امر مولود آنست که انحصارهای بزرك وصاحبان سرمایه های کلان نمی‌خواهند عمومی بیعنی مسائل آشنا شوند وفعلا بفهمند که چرا بایدیك جوان امریکائی سینه خود را هدف گلوله قرار دهد تا سلاحهای سودآوران امریکائی بیشتر بفروش رود و یا فرضاً فلان کارخانه تانك سازی سفارش زیاد تری از دولت دریافت دارد؛ یعنی دولت مالیات بیشتری از مردم بگیرد وبکیسهٔ سرمایه داران والی استریت بریزد.

توده های انگلیسی اگر باین مسائل آشنا شوند وبفهمند که هر واقتدارزهای قوم و «سناتور»های امریکائی و «لرد» های انگلیسی حاصل دسترنج وزحمات آنهاست واین آسمان‌خراشهای سربفلك کشیده با اشك چشم وخون دل آن ها برای خداوندان دلار ساخته وپرداخته شده است؛ دراینصورت این بنای ستمگری از تو میباشد و ازهیچ سلسله و اقتدار اربابان ازخارج ودداخل باهم گسیخته میشود.

ازین نظر، درامریکا وانگلستان، افکار عمومی «فرمایشی» بوجودمیآید. دراین دو کشور « آزاد» مطبوعات بهیچوجه آزادی ندارند ، یعنی اساساً محیط طوری است که درآن مطبوعات قائم بذات نمیتوانند رشد کنند وغالب جرایدکثیر- الانتشار آن سامان از منابع مخصوصی آب میخورند وبادسته های خاصی وابسته اند در امریکا وضع جرایدازین نیز بدتر است.

هر ترسی برای حفظ منافع و بانجام رسانیدن مقاصد تبلیغاتی خویش مقداری روزنامه را اداره میکند ومخارج آنها را میپردازد و ازین گذشته جرایدوابسته بدستگاه حاکمه و سرمایه داران بزرك خود ترسی دارند و بیکدیگرنان قرض میدهند وبرای توسعه سرمایه داری و حفظ تسلط اربابان خویش زمینه میسازند و افکار عمومی ترتیب میدهند و آتش جنك را دامن میزنند و « وضع » فلان نقطه جهان را « خطرناك » جلوه میدهند.

این ترسنهای روز نامه نویسی، راهرا بر جرایدآزاد وحقگو و آنانکه واقعا میخواهند وظیفه نامه نگاری را چنانکه هست - انجام دهند میبندند و آنانرا آنقدر از لحاظ کاغذ و چاپ و آگهی و غیره در مضیقه میگذارند تا صاحبش مجبوربه تعطیل شود و میدان را به «همکاران» زورمند تر و پولدارتر خویش واگذارد.

طبیعی است که در چنین وضعی، روزنامه از صورت حقیقی خویش منحرف و بشکل تریبولی برای اجرای مقاصد اربابان خویش درمی آید. بدین ترتیب دیگر این روزنامه ها آینه افکار عمومی ووسیله هدایت وراهبری مردم نیستند، بلکه سلاح زهر آلودی است که بوسیله آن افکار وامسموم میکنند و دانش ها را در پرده فراموشی میپوشانند و حق را باطل جلوه میدهند وباطل را بلباس حق می آرایند و از این آب گل آلود بنفع گردانندگان دستگاه خویش ،ماهی میگیرند!

ستونهای این قبیل جراید بامطالب عجیب و احمقانه ئی پرمیشود که برای ما شاید شگفت آور باشد . یکروز صبح وقتی «خوانندگان» ازخواب برمیخیزند می بینند یك صفحه از بزرگترین روز نامه های کشور (واحیاناتمام آنها) داستان حشیش کشیدن سیمون سیمون را با درشت ترین حروفی که ممکن است در بالای صفحه اول خود درج کرده و با آب و تاب فراوانی تفصیل این قضیه را - مثل اینکه جنایتی بر ضد بشریت اتفاق افتاده یا شعر صالح تبدیل به خر دجال شده است، شرح داده است ؟!

کم کم خوانندگان یعنی توده مردم نیز بر اثر تکرار و تلقین جرایدبنابن قبیل، ماجراهای « هیجان انگیز » عادت میکنند و آهسته آهسته مردم طوری تربیت میشوند که یك وسته چندین هزار نفری از جوانان ، زن و مرد «هرچه بدست میگیرند» برای امضاییش «ریتاهیورت» یا « بتی گریبل » میبرند و آنچنان قشقرقی راه ـ راه انداز ند که پلیس «ناچار» به «دخالت» میشود و گریبان ستاره «مشهور» رااز دست عشاق و دوستدارانش رهامیکند!

طبیعی است که یك نویسنده حساس و باریك بین مانند مارك توین دربرابر چنین وضعی زبان باانتقاد میگشاید و این قبیل روزنامه و روز نویسی رابیاد استهزا میگیرد و ماهیت آنها را چنانکه هست بمردم باز مینماید.

« زارع شیکاگو » نمایشنامه ئی است که در آن روزنامه های فرمایشی آمریکا بهترین وجهی انتقاد شده است.

مدیر یك مجله کشاورزی بعد از بیست و چند سال انتشار مجله خویش با رعایت قواعدعلمی وفنی تعدادخوانندگان خودرا توانسته بودازحد مختصر بالاتر ببرد اما وقتی که اداره روزنامه را بعهده یك سر دبیر تمام آمریکائی واميگذارد تیراژ مجله بسرعت بالا میرود. این سر دبیر «آمریکائی» شارلاتانی بیش نیست که احتکار کرده ، مفترض دار و برای از بین بردن رقیل بسا شده ، موسسه تولیدمر کب خشك کن هائی که مرکب خشك نمیکند ، تاسیس کرده ، بعدالی وحق العمل کاری واسانسورچی گری وهوچگیری در اجتماعات انتخابات پرداخته و سر انجام بعد از اینکه «هیچیك را یاد نگرفته » روزنامه نویس شده است!

این سر دبیر با نوشتن مطالبی که بهذیان بیماران حصبه بی بیشتر از «مطلب» شبیه است تیراژ مجله را بالا میبرد و آنراچنان شهره آفاق میکند که حساب کار از دست منشی و پیشخدمت وجارو کشو مدیر مجله بدر میرود.

اما در همانحال ، کمیک « دارای دیپلمهای متعدد درفن کشاورزی است ، درهمان ادارهٔ مجله بجاروکشی اشتغال دارد و هیچکس ازو برای تهیه مطالب مجله کمك نمیخواهد!

نمایشنامه بسیار خوب تنظیم شده و «امریکائی بازی» ماجراجویان وشارلاتانهائی را که دنبال حادثه می گردند وبا این دوران در زمن خودرا بشهرت وثروت میرسانند درآن با کمال مهارت نقاشی شده است.

معلوم نیست مترجم محترم «زارع شیکاگو» این کتابرا از روی چه زبانی ترجمه کرده اند که درآن بجای سیب زمینی لغت ترکی آن یعنی «برآلماسی» آمده است.

ازطرف دیگر، دراین نمایشنامه که ظاهراً بالحن محاوره نگاشته شده است، این لحن دربعضی جاها تبدیل به لحن ادبی شده است. مطالعهٔ این نمایشنامه که در نهایت شیرینی نگاشته شده است برای بی بردن بحقیقت روزنامه نگاری در آمریکا ضروری است.

دربارهٔ اصلاح قانون انتخابات انجمن شهر

بقیه ازصفحه ۱

اساس وپایه! انتخابات « آزاد » میگذارند «اصلاح قانون انتخابات انجمن شهر » تصویب نمود - روز نامه اطلاعات در این باره مژده داد که : « با تصویب این ماده واحده استقلال شهرداریها وحکومت مردم بر مردم و واگذاری امور شهرها بخود مردم صورت حقیقت پیدا کرده و یك قدم موثر بمصلحت جامعه برداشته شد » اکنون به ببینیم این ماده واحده چیست و چگونه با تصویب آن حکومت مردم بر مردم واقعیت پیدا کرده است.

اطلاعات خود در این باره توضیح کافی میدهد :

«بموجب این قانون که باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد مردمانی که بتوانند نام وکلای خود را در معل مخفی بنویسند حق شرکت در رای پیدا نمودند و باین ترتیب انتخاب نمایندگان شهر بمردم حقیقی ... واگذار گردید » تا کنون کسی از مردم کشور ما در ردیف مجانین از حق رای و انتخاب نماینده محروم بودند اکنون اکثریت قریب باتفاق افراد ملت ما طبق تشخیص طبقه حاکمه درزمره دیوانگان بشمار میآیند و فاقد قوه تمیز معرفی میگردند بنظر آنها مردم واقعی تنها گروه قلیلی است که نوشتن میدانند و قادر است «نام و کلای خود را درمحل مخفی بنویسند » .

مردمی که از بام تا شام جان میکنند ، محصول کار و دسترنجشان برای تمیش و تفرعن ارباب وارباب زاده ربوده میشود تنها باین علت که در نتیجه تسلط جابرانه طبقه حاکمه وکوشش فرمانروایان امور خواندن و نوشتن نیاموخته اند محکومند باینکه کلیه حقوق حیاتی آنها سلب گردد و کسانی که کوچکترین اطلاع از درد ورنجشان ندارند بنام آنان کلیه امور وابسته بزندگی مردم را قبضه نمایند.

میگویند تنها با سوادان حق رای وانتخاب و کیل دارند . فقط عدهٔ بسیار کمی ازمردم که نسبت آنها بجمعیت کلی کشور شاید ده درصد هم نرسد حق دارند در امورمربوط بزندگی- معاش- فرهنك بهداشت - اجتماع اظهار نمایند. این ادعای آنها است .

عملا کسانی از این گروه با سواد میتوانند در انتخاب نماینده شرکت نمایند که خودرا چشم بسته تسلیم اغراض و نظریات اولیاء امور نموده باشند و الا تاوقتی که این اوضاع جریان دارد بی سواد وباسواد هیچکدام قادر نیستند از حق اساسی خود استفاده نمایند .

در شرایطی که همه چیز در دست عدهٔ ممتاز است . وسائل تبلیغاتی بنفع افراد مخصوص که چاکری هیئت حاکمه را بعهده گرفته اند بکارمیافتد. پول و زور منحصر بکسانی است که بدشمنی باملت مشهورند و کوچکترین قدمشان کامی درراه ضرر وبدبختی مردم است ، رای زیر نظر خدمهٔ ظلم و ستم داده میشود و صندوق آراء بوسیله دست نشاندگان طبقه حاکمه نظارت میگردد چگونه میتوان از آزادی انتخابات و مسائلی از این قبیل سخن بمیان آورد.

میگویند افراد با سواد حق دارند اعضای انجمن شهر را انتخاب نمایند . ببینیم اعضاء انجمن شهر قاعدتاً برای چه انتخاب میشوند .

مسلماً در شرایطی که مردم واقعاً باوضاع سیاسی و اقتصادی کشور خود مسلط باشند انجمن شهر برای اداره امور شهر - برای تهیه ونظارت درنان و آب،مواد، برای تهیه مسکن و نظافت محیط زندگی مردم بوجودمیآید دراینصورت صحبت ازاینکه تنها افراد باسواد حق دارند کسانی را بنمایندگی خود برای ترتیب اینگونه امور برگزینند بمثابه اینست که افرادبی سواد حق زندگی، حق نان خوردن واستفاده ازآب وهوای شهر خودرا ندارند.

این مانند آنست که بگوئیم مردم کشور ما که اکثریت عظیم آنان را افرادی تشکیل میدهند که بنظر آنان اعضاءهیئت حاکمه حق رای دادن ندارند وظیفه دارند بانیروی کارخویش ثروت مملکت راایجاد نمایند، وسایل تعیش وخوشگذرانی بالانشینان راتهیه کنند، بودجه دولت را بپرداخت مالیات تامین نمایند ولی کوچکترین حق اظهار نظری درچگونگی امورندداشته باشند ؛ اگر گرسنه مانده اند، اگر فاقد بهداشت بودند ، فرهنك نداشتند -از سرما و گرما تلف شدند ، خانه و ممکن نداشتند ،ملت اینکه طبقه حاکمه خواسته است که بسواد بمانند نباید بتوانند دخالتی درامور مربوط بزندگی خود بنمایند و قدمی در رفع درد ورنج خود بردارند. بهانهٔ آقایان در این عدم عدم ملی این است که افرادی سواد معمولا آلت دست این و آن قرارمی گیرند.

«درانتخابات اهالی نفوذمی‌شود

رای مردم درمعرض خرید و فروش واقع میشود این صحیح است که سالها است حقوق اساسی ملت دستخوش اغراض عده‌ای منتفذ میباشد کسانی که درگذشته و اکنون کرسیهای پارلمان رااشغال نموده اند با اهمال نفوذو بکاربردن انواع خدعه و تزویر وفریب افکار عمومی توانسته اند برحقوق ملت تسلط پیدا نمایند ولی کسانی که اکنون مسلك طرفداری از انتخابات آزاد را بسینه میگویند وبهانه ایجاد شرایط «حکومت مردم برمردم» اکثریت مردم را از شرکت در انتخابات و برگزیدن نماینده محروم میسازند همان گروهی هستند که درشرایط فشار و ترور افکار،حبس وتبعید وزجر مردم آزاده بر مسند قانونگزاری تکیه زده اند - این عده تصمیم دارند که اگر کوچکترین راهی برای مبارزه ملت برای بدست آوردن حقوق از دست رفته خود بیابند جلوی آنرا سدنمایند.

کمترین وسیلهٔ را که دردست مردم برای بهبود وضع زندگی خود سراغ دارند ازبین ببرند. والا با تمرکز همه گونه قدرت بدست آقایان هیچگاه آزادی انتخابات ،مفهومی پیدا نخواهد کرد ،

مگر افرادباسوادرا نمی توان فریفت. مگر آنان رامیکن نیست تحت فشار قرارداد کسانی که امروز زمام امور را دردست دارند همه گونه امکان برای تقلب - خدعه وفریب - تمویض آراء وپر کردن صندوقهای انتخابات دردست دارند.

باوجود اینان سخن ازتامین آزادی انتخابات و «واگذاری امور بخودمردم» واین قبیل سخنان فریبنده که در مجلس سنا وروزنامه های وابسته بمحافل حاکمه بمیان میآید جز ریاکاری و دروغ معنی دیگری ندارد.

کسانی که میکوشند سلطهٔ غیر قانونی وجابرانهٔ خودرا هم چنان حفظ کنند آن قدر قدرت دارند که اگراانجمن نظاری برحسب تصادف و برحسب غلط انداز پیدا شد و خواست وظیفهٔ حقیقی خویش را بطور صحیح انجام دهد آنرا معرض همه گونه تهدید ونشارقرارمیدهند. صندوق هارا عوض کنند بانواع حیله ها و شیادی ها دست بزنند و نام دشمنان ملت را از صندوقها خارج سازند.

تنها از این راه مردم بیداری که مصیبتند نمایندگان واقعی خود را انتخاب نمایند بیهانه های واهی که یك روزدردست نداشتن کوپن جیره بندی بوده وروزدیگر نداشتن سواد درسایه هیئت حاکمه است از حق قانونی خود باز داشته می گردند ودر مقابل آراء ونظریاتشان سدی ایجاد می گردد.

می گویند این فکر که تنها با سوادان حق شرکت درانتخابات راداشته باشند سبب می‌شود که مردم بیشتر برای رفع بیسوادی خود کوشش نمایند این موضوع سفسطهٔ بیش نیست ورجائی که هرروز از بودجه فرهنك بنفع خرید اسلحه وپر کردن کیسهٔ طمع وحرص وآز غارتگران کاسته میشود کلاسهائی بقول وزیر فرهنك تعطیل می کردند تابه زندانهای افراد آزادیخواه توسعه بیشتری داده شود سخن از تعلیمات عمومی وبالا بردن سطح دانش و رفع بی سوادی مردم چیز دیگردی جز تسخر افکار عمومی بشمار نمیرود - دهقان بی چیزی که هستیش بوسیله خان و ارباب و زاده ارم فارت میشود - کارگر نکوبختی که از صبح تا شام جان میکند وشب بازن وفرزند بیمار وگرسنه ولخت وعریان خود مواجه میگردد فرصتی برای کوشش در راه باسواد نمودن خودپیدا نخواهد کرد- ملت ایران مدتها است دست طبقهٔ حاکمه خودرا خوانده است - به ماهیت این سفسطه‌ها وسینه درایهای دروغین وی پی برده است واین موضوع برای وی مسلم شده است که نجات ورستگاری ازاین وضع فلاکت بار جز درنتیجهٔ کوشش وستجعی مردم محروم وبیدار میسرنیست

نوید آزادی

مدافع حقوق زحمتکشان

هرهفته روزهای شنبه منتشر میشود

صاحب امتیاز ش انور

محل اداره

طهران خیابان بوذرجمهری سه راه سیرو

بهای اشتراك

یکساله	۱۳۰	ریال
ششماهه	۷۰	ریال

مقالات وارده مسترد نمیشود واداره در اصلاح و درج آن مختاراست

بهای آگهی بادفتراداره است.

عشق بی‌پیرایه

ازبوالداو اسیلوسکایا

بزودی

توسط بنگاه ناقوس منتشرمیشود

حقایقی چند در باره ایلات

بقیه ازصفحه ۱

را که بروی فرستادگان وسلسله جنبانان سیاست رقیب لبخند زده بودند گوشمالی بدهد شبه ای از مسلح شدن عشایر را بدهد شبه ای از مسلح شدن عشایر را بطور سربسته در مجلس سنا بیان نمود. آقای دکتر متین دفتری را همه میشناسیم ایشان کسی نیستند که بتوان انتظارداشت حتی یك قدم نیز بسود ملت ایران بردارند ایشان همکار صمیمی و مطیع مختاری و نخستین کسی بودند که بر علیه قانون اساسی ایران قیام کردند وراه برهم زدن مواد قانون اساسی را به امثال خود یاد دادند . بسیاری از فجایع حکومت بیست ساله ، قانون شکنی ها تجاوزات علنی و صریح بحقوق اساسی ملت تحت نظر ایشان و یا مشارکت مثبت ومؤثر ایشان صورت پذیر گردید ولی در آنچه که ایشان بمنظور ارعاب خوانین بختیاری و سایر روساء ایلات بطور سربسته گفتند همه ای از واقعیت موجود است چنانکه در جوابهائی که آقای ایلخان بختیاری بگفتار ایشان دادند واقعیت های بسیاری دیده میشود که از این واقعیت ها بمنظور خلط مبحث و استتار استفاده شده است ، در بیانات ذیل آنچه که ایشان توضیح دادند حقایقی است که تازمیکی از هزار گفته نشده است.

«ازطرف دولتها باین ایلات خدمتگذار چه از لحاظ بهداشت و فرهنگ وچه راه و غیره یك قدم برداشته نشده وحتی یك عمل مثبت و یك کمك مختصری ازطرف دولت در باره آنها نمیشود وآن ذره که در کشتگان آن هارا میخوانند بسیار کلی و بدبختی ورنج انتهای نا پذیر آنهاست ، همان جناب خان که برای اجرای مقاصد خود سعی دارد همیشه آنها را در وادی ظلمانی جهل و بیخبری نگه داردتا نداشته که در پیرامون آنها چه میگذرد ، همان جناب خان بآنها گفته است که سلاح در دست گیرند و از مقابل آقای دو کلاس رژه بروند .

بوسه نزنند بزبان آمده و برای ایلات اشك تمساح میریزند ؟ این مسئله اول است . فوراً نکته دوم جلب توجه می کند .

آقای ایلخان بختیار با ذکر این مسائل و اشاره بعدم توجه دولت درباره ایلات تنها نصف واقعیت را ذکر کرده اند وباذکر این قسمت خواسته اند با کمال مهارت نصف دیگر واقعیت را که خیلی مخوف تر ورسوا کننده تراست درزیر پرده اشتباه کاری وخلط مبحث بپوشانند و سپس با مغلوط ساختن حسابهایك نتیجه مغلوط و مسفطه آمیز بگیرند .

آیا این فقط دولت های وقت هستند که مسئول فقر و فلاکت و ادبار وعقب ماندگی افراد ایلات هستند ؟

آیا آقای ایلخان بختیاری میخواهند چنین وانمود سازند که مسئول سیه روزی این ایلات تنها دولت های وقت هستند و خوانین و ایلخان ها در این جنایت اجتماعی" دستی نداشته و مقصر نبوده اند ؟ آیا آقای ایلخان بختیار میخواهند بفهمانند که اعمال دولت هائی که غالبا دست نشانده ایلخان ها ونئودالهای بزرك و مالکین عظیم بوده اند برخلاف تمایل ومصالح این آقایان بوده است؟ آیا میخواهند بگویند روبه خود این آقایان درایلات میتوانسته است نتیجه ای جز ازدیاد فقر و فلاکت و محنت برای افراد ایل در بر داشته باشد ؟ فراموش کرده اند که بدبختی و دربدری و مظلومیت افراد ایلات ایران نتیجه تجاوزات ومظالم همین خوانین می‌باشد که تمام حقوق زندگی را بضرب شمشیر و داغ ودرفش ازافراد ایلات باز گرفته اند ؟

فراموش فرموده اند که بزرگترین دشمن اشاعه فرهنك در بین ایلات و عشایر خود همین خوانین هستند که ضامن بقا و دوام عزت و شوکت آن‌ها جهل و بی‌خبری مردمان ایل نفین است ؟

در عین حال مثل اینست که خواسته اندبگویند دراین بدبختیها ومحرومیت‌ها خود ایشان نیز با افراد ایل خودشان شرکت دارند. خواسته اند این مظلومیت را بحساب خودشان و سایر خوانین و ایلخانان بگذارند. این روش کلی مجموعه دستگاه حاکمه ایران است که بنام ملت ایران سخن می گویند وخود بزرگترین فجایع را برعلیه حقوق ملت ایران مرتکب می‌شوند . آقای ایلخان بختیاری هم حق دارند از این روش کلی تابعیت کنند ؛

آقای ایلخان بختیاری می فرمایند تا بحال شنیده نشده است که ایلات وعشایر بتحریك خارجی خیانتی بمملکت کرده باشند . اگرمنظور ایشان از لفظ ایلات و عشایر افراد سیه روز و اسیر و جاهل ایلات است که جز گرسنگی ومحرومیت و رنج درزیردست خوانین جابر ومامورین دولتی جابرتر از زندگی بهره نداشته و اصولا در نتیجه جهل کامل وبیسوادی مطلق کوچکترین اطلاعی از رموز سیاست و بندوبست ندارند ؛ ما البته با آقای ایلخان موافقیم. ماهم شهادت میدهیم که این افراد علیل وبدبخت وسیه روزباهمه رنج ودربدری و فلاکت ، باز میهن خود را دوست دارند، بنام یادگاریهای موطن خود ،بقبرستانهائی که اجداد مظلوم و محروم خود را در خودفرو برده و بلعیده بکوهستانهائی که هرسنگی از آن‌ها هزار داستان از بدبختی و فلاکت گذشتگان آن‌هارا برای آن‌هابرو میخواند دلبسته هستند. اینرا ماتصدیق می کنیم. ولی اگر آقای ایلخان میخواهند یاذکر آنها یك چیز میدانند . همان جناب خان که عاقل اساسی جهل وعقب ماندگی و بدبختی ورنج انتهای نا پذیر آنهاست ، همان جناب خان که برای اجرای مقاصد خود سعی دارد همیشه آنها را در وادی ظلمانی جهل و بیخبری نگه داردتا نداشته که در پیرامون آنها چه میگذرد ، همان جناب خان بآنها گفته است که سلاح در دست گیرند و از مقابل آقای دو کلاس رژه بروند .

بوده اند تیرکه فرمایند که این دیگرقابل قبول هیچ کودك دبستان نیست : باکمال تاسف بایدبگویم که قسمت اعظم سیاستهای ضد ملی و ایران بربادده استعمار گران بدست این آقایان ایلخانان و خوانین و روساء ایلات صورت گرفته و اینها از جهل کامل افرادایل خود برای بکرسی نشاندن مقاصد مستعمراتی منتهای استفاده را نموده اندودرموقع ضرورت این افراد بدبخت و بی اطلاع‌را بجنك کشانیده اند!

در موقع ضرورت آن‌ها راتسلیم مامورین دولتی نموده اند! درموقع ضرورت آن‌ها را در اطراف و اکناف کشور بفلاکتهائی وا داشته اند که دولتهای وقت را در تنگنا گذاشته و آن‌هارا در برابر خواست دولتهای استعماری به تسلیم مجبور کرده اند و آنگاه بافراد بیخبر ایل فرمان آتش بس داده اند .

اگر منظور آقای ایلخان از اینکه افراد ایل هنوز راه اروپا و امریکا را یادنگرفته اند، واقعاً همان افرادخشك و محروم ایل باشد که ما در آن حرفی نداریم ولی البته ایشان نمیتوانند حساب این افراد محروم و تیره بخت را بسای خوانین آن‌ها بگذارند که یکپایشان در موت کار لو می‌باشد و یك پایشان در لوس انجلز امریکا، که عالیترین ویلاهارا در امریکا برای معشوقه های سیمین تن خود اختیار کرده اند و هر روزیقدرتمام هزینه میخانواده ایل نشین برای دلبران ها لیوودی خود خرج می کنند !

آقای ایلخان مسلح شدن ایلات بختیاری را ازطرف امریکائی ها تکذیب فرموده اند ولی هنوزخاطره مسافرت آقایی و گلاس در بین ایلات وعشایر خاطره ورود کشتی مملو از تسلیحات دربندر جنوب که خبردادند معمولات آن ازطرف بعضی ایلات «بنارت» برده شده فراموش نگردیده است . ماتصدیق می کنیم که افرادایل از علوم‌تاء این مانور ها بی اطلاعند، که آنها نمیدانند امروز چرا جناب خان بآنها اسلحه میدهد و فردا اسلحه را از آنها میگیرد : که چرا باید باید امروز در مقابل فلان عامل امریکائی رژه بروند وفردا بکارهای دیگر بپردازند.

آنها یك چیز میدانند . همان جناب خان که عاقل اساسی جهل وعقب ماندگی و بدبختی ورنج انتهای نا پذیر آنهاست ، همان جناب خان که برای اجرای مقاصد خود سعی دارد همیشه آنها را در وادی ظلمانی جهل و بیخبری نگه داردتا نداشته که در پیرامون آنها چه میگذرد ، همان جناب خان بآنها گفته است که سلاح در دست گیرند و از مقابل آقای دو کلاس رژه بروند .

هموطنان عزیز

هرجا که هستیدبا ما هم‌آوازشوید وبا امضای بیانیه استکهلم بجلوگیری از انهدام تمدن و بشریت کمك کنید. اگر بما دسترسی ندارید همین قسمت از روزنامه را بریده و با امضای ذیل بیانیه آن را برای مابفرستید . جمعیت ایرانی‌هواداران صلح

بیانیه استکهلم

ما می‌خواهیم استعمال سلاح اتمی یعنی سلاح وحشت زائی که وسیله کشتار دسته جمعی مردم است مطلقاً ممنوع گردد .

ما میخواهیم نظارت بین‌المللی دقیقی برقرار شود تا اجرای آئین منع استعمال سلاح اتمی را تامین کند .

ما یقین داریم هر دولتی که در استعمال سلاح اتمی بر ضد کشور دیگری پیشدستی نماید جنایتی بزیان بشریت مرتکب می گردد و چون جنایتکار جنك با او رفتار خواهد شد .

ما کلیه مردمان خیرخواه‌را بامضای این بیانیه دعوت می کنیم

اسم ونام خانوادگی _____

نشانی _____

شغل _____ محل امضاء _____

امروز درسراسر کشور کسی نیست که ازچگونگی ارتباط مستقیم عده‌ای زیاد از سران عشایر باسلسله جنبانان بین‌المللی اسارت ملت مابی اطلاع باشد و نداند چگونه ایلات آنها در دست هم میباشد.

آقای ایلخان از «خدمات بی شائبه سران بختیاری در تثبیت اساس مشروطیت» سخن گفته اند . متاسفانه فعلا مجال آن آن نیست که این ادعا را درمحك امتحان بسنجیم .

در جریان مشروطیت ایران عوامل بسیاری که بر کردید وبرانگیخته دشمنان داخلی وخارجی مشروطیت ایران بودند راه یافتند وبا کمال تاسف موفق گردیدند لوشت مشروطیت راتوقف سازند . ما بحث در پیرامون این قضیه را بوقت دیگری موکول مینمائیم ولی در اینجا همین قدر تذکر میدهیم که آقای ایلخان بختاری با ذکر مصائب ایلات بختیاری خواسته اند دست بیك مغالطه بزنند ولی ملت ایران بیدار است و هیچگاه در محاسبات صحیح ودقیق خوداشتباه نخواهد کرد ونه تنها دولتهای ایرانرا بلکه سران ورؤساء ایلات را مسئول مستقیم تاخیر وعقب افتادگی ومحرومیت کامل ایلات میدانند . نه ایشان میتوانند باین تظاهرات مردم را فریب بدهند ونه آقای دکترمتین دفتری قادر خواهند بود با این حمله‌های پرخاشگرانه مردم را در باره ماهیت خود باشتباه اندازند .

چاپ سینا

با ایران پیما مسافرت کنید

اتوکارهای میهن‌تور وسائل مسافرت شمارا از هرحیث فراهم میسازد

نورآمون ویرا درمان دردهاست

همیشه نورآمون ویرا همراه داشته باشید

زیرا هرکس نورآمون ویرا مصرف نموده دیگر از قرصهای جدید امتحان نشده استفاده نخواهد کرد

نورآمون ویرا دوازده سال است که بحسن اثر مشهور است

نیروهای آزاد

شماره ۴۳ — ۱۸ آبان‌ماه ۱۳۲۹ — تکشماره سه ریال

موافقت‌نامه بازرگانی ایران و شوروی

و تاثیر عظیم آن در اقتصادیات ایران

ملت ایران امضاء این موافقت نامه را با احساسات قلبی استقبال میکند

روز شنبه گذشته قرار داد تجارتی بین ایران و شوروی که درحقیقت تجدید قرار داد بازرگانی و بحر پیمائی سال ۱۹۴۰ بود بوسیله آقای رزم‌آرا نخست وزیر ایران و آقای سادچیکف سفیر کبیر فوق‌العاده اتحادشوروی درایران به امضاء رسید انعقاداین قرار داد پس از آن که سالها در دوره دولت های سابق وماهها در دوره دولت حاضر از آن صحبت میشد و یا اشکال تراشی‌های کشورهای‌مستعمره طلب خارجی و مقامات مغرض داخل ایران مواجه میگشت واقعه جالب توجه و مهمی بشمار میرود بنحوی که اکنون توجه‌ودقت‌همه مجامع‌سیاسی و پارلمانی و مطبوعاتی و افکار عمومی ملت ایران را بخود جلب نموده است .

قرار داد تجارتی ایران و شوروی بعدی برای منافع ملت ما مفید است که علاوه برابر از احساسات بسیار مساعد همه ملت ایران نسبت بدان ، هیچیک از دشمنان دوستی ایران و شوروی جرات نکردند بطور آشکار مطلبی برضد آن اظهار دارند

تقریبا همه روز نامه های تهران از همه مسلک های مختلف سیاسی مقالات مفصل درباره فوائد عظیم روابط تجارتی واشوروی جهت اقتصادیات ایران انتشار داده‌اند

حتی یك روز نامه هم نبود که آن قدر خود را تنزل دهد تا برضد این اقدام مفید مخالفتی ابراز دارد . بطوری که روز نامه اطلاعات باشخصیت‌های اقتصادی و مالی کشور نظیر آقایان دکتر دفتری ، دکتر پیرنیا ورد مصاحبه نموده بود همه این آقایان محاسن قرار داد جدید را برای اقتصادیات ایران اعتراف کرده اند . پیش از همه بازرگانان و مردم استانهای شمالی ایران آذربایجان ، گیلان مازندران و خراسان نسبت به انعقاد قرار داد تجارتی اظهار خوشوقتی کردند و تلگرافهای متوالی تبریك و اظهار رضایت از همه این نقاط رو بتهران سرازیر شد.

بقیه درصفحه ۸

انقلاب کبیر اکتبر

جید همه آنکسان که با مفتخوارگی بیگانه‌اند

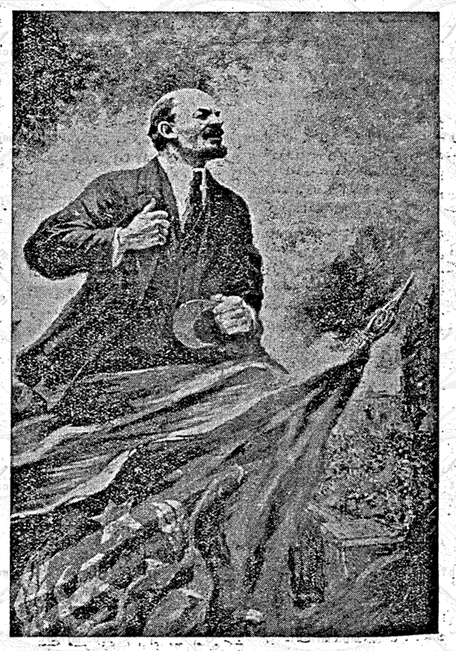

بریروز ، روز سه شنبه، خلق کثیر- العدد اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ملل آزاد شده چین ، آلبانی دموکرات و کشورهای توده ای ، کارگران ، دهقانان و زحمتکشان همه کشورها، ملتهای مبارز سر زمینهای اسیر و بالاخره همه مردم شرافتمند جهان که از فساد وطفیلی گری و مفتخوارگی بیزارند سی و سومین سال انقلاب کبیر اکتبر را با شور و شعف فراوان استقبال کردند و جشن گرفتند، امسال « انقلاب اکتبر »

بقیه درصفحه ۲

انقلاب اکتبر نیروی خلاقه و ابتکارات مردم میهن ما را بکار انداخت تحت رهبری حزب کمونیست ، مردم شوروی موانع مهمی را مرتفع ساخته و حتی مدت قلیلی جامعه سوسیالیستی راتشکیل دادوا کنون بسوی هدف کمونیست پیش میرود.

جریان حوادث صحت تعلیمات مارکسیسم راراجع بزوال سرمایه‌داری که اینك بمراحل نهائی خود رسیده‌است برای ما ثابت می کند .

ملل جهان برتری سوسیالیسم نسبت بکاپیتالیسم وزودرست بودن تئوریهای مارکسیسم لنینیسم را بچشم می‌بینند

پیروزیهای تاریخی و سیر تکامل داخلی

مردم شوروی سی وسومین سال انقلاب کبیر اکتبر را با احراز کامیابی

بقیه درصفحه ۷

زمستان آسیا و پیروزیهای

ضد استعماری درهندوچین، تبت و کره

زمستان آسیا، با پیروزیهای درخشانی در مبارزات ضد استعماری ملل این قاره کهن آغاز میگردد ، اخبار واصل از پکن ، لهاسا ، هانوی وپیونگ‌یانك هر کدام بنوبتی خبر از حریت و شکست

بقیه درصفحه ۸

خلاصه نطق بولگانین

معاون رئیس شورای وزیران اتحاد شوروی

بمناسبت جشن سی وسومین سال انقلاب اکتبر

بولگانین معاون رئیس شورای وزیران اتحاد شوروی در جلسه باشکوه شورای مسکو که درتاریخ ششم نوامبر ۱۹۵۰ تشکیل شد نطق بسیارمهم وجالب توجهی ایراد کرد ، ماباینك برای اطلاع خوانندگان خلاصه این نطق را درج می کنیم و سعی خواهیم کرد که متن کامل نطق را در هفته آینده در اختیار خوانندگان بگذاریم.

رفقا ! امروز ملل شوروی سی و سومین سال انقلاب کبیر اکتبر را که عهد نوین ، عهد آزادی زحمتکشان از قید اسارت سرمایه ایجاد کرده است جشن می گیرد .

سازمان ملل متفق را بشعبه

وزارت خارجه امریکا تبدیل کرده‌اند !

ابقای تریگوه‌لی برای سه‌سال دیگر بسمت دبیرکل سازمان ملل متفق

نقض اساسنامه سازمان است

روزهای اخیر هرسازمان ملل‌متحد بایك سلسله تحریکات و دسته‌بندیهای سیاسی دائمه دار امپریالیستی همراه بوده که ازحیثیت این سازمان بیزان زیادی کاسته است .

بقیه درصفحه ۳

بندو بست چندتن ناسازگار!

« قوام‌السلطنه و حزب دموکرات ایران »

قوام‌السلطنه پس از یك غیبت طولانی پس از آنکه مدتی درفرانسه وانگلستان زیر دست پزشکان حاذق گذراند وبعداز تلاقیاتهائی که با سران دولت بریتانیای کبیر نمود بالاخره بایران بازگشت ، و مراجعت او فرصتی بدست فرصت طلبان دادتا

بقیه در صفحه ٤

باردیگر برای تجدید اوضاع ناگواری که آقای قوام‌السلطنه وحزب دموکرات ایشان موجد اصلی آن بود به تکاپو بیفتد و بعضی ازروزنامه‌ها که درروزهای اخیرهر کابینه « جناب اشرف » ارام‌ارام ازایشان دل برگرفتند و به صف مخالفین ایشان پیوستند باردیگر متوجه « جناب اشرف » شوند ، باردیگر سر قلم را برگردانند وباردیگر راجع بحزب وحزب سازی به حماسه سرائی بپردازند . از هم اکنون

بقیه درصفحه ٦

آیا لازم است روابط

از ایلیا ارنبورك

حقایق جالبی درباره کشور

سوئیس

چندماه پیش ایلیا ارنبورك نویسنده مشهور شوروی به چهار کشور اروپائی آلبانی ، چکوسلواکی ، بلوك و سوئیس مسافرت کرد وپس ازبازگشت خاطرات خود را بشکل مقالات مسلسل تحت عنوان « پنج کشور » در روز نامه ادبی « لیتراتورنایا گازتا » منتشر ساخت . ضمن این گردش چنانکه خود میگوید او میخواست به کشور فرانسه نیز مسافرتی کند تابرای تکمیل دنباله رمان معروف خود « طوفان » تاثراتی توشه سازد ولی دولت « آزاد » فرانسه

بقیه درصفحه ٤

ایران و ایسرائیل قطع شود؟

در یکی از جلسات مجلس شورا ازطرف یکی از نمایندگان جبهه ملی سئوال زیر از دولت بعمل آمد .

« فائده اعزام مامور بفلسطین غیر از رنجش ملل عربی و اسلامی چه بوده است و آیا ضروری دارد که مامور خود

بقیه درصفحه ۳

اولیاء دولت اسرائیل

چگونه سرنوشت ملت خود را تسلیم امپریالیسم آمریکا میکنند

بقیه درصفحه ٦

نظری به ماهیت سیاست

خارجی هندوستان

این مقاله عوام فریبی‌های دولت هندوستان را آشکار میکند

پس از انتشار فرمان دولت توده ای چین دائر بر آزادی تبت ازچنگال امپریالیسم انگلوساکسون ، روزنامه‌ها خبر دادند که دولت هند بدین عمل طبیعی که حق قانونی ملت چین است اعتراض کرده است . درحقیقت این اعتراض و مخالفت میتواند تظاهرات اخیر سیاست خارجی دولت هند را که میکوشید خود را طرفدار ملت چین وانمود نماید فاش سازد .

مقاله زیر بطور کلی نشان میدهد که تظاهرات وعوام فریبیهای هندوستان در سیاست خارجی از منبع « سوء نیت » بازر و آشکار سرچشمه میگیرد.

بقیه درصفحه ٥

نیروهای آزاد

صدای امریکا

بقیه ازصفحه ۱

اتمی نام‌برده ومثلا « تانك » رااز نظر دور داشته است ؟

همه‌این اظهارات صدای امریکافقط یاوه‌های بی‌شرمانه و دروغ های‌مسخره آمیز است .

آیا جمعیت ایرانی طرفدار صلح جز تبلیغ هدف عالی صلح و فاش‌ساختن تشبثات و توطئه‌های جنگ‌طلبان‌عمل‌دیگری انجام میدهد ؟

آیا حمله بدین جمعیت صلح خواه‌و صهبی نشان میدهند که دستگاه دروغ پرداز صدای امریکاآلت‌دست‌جنگ‌طلبان، سودپرستان وآتش افروزان وال‌ستریت است ؟ آیا اتهام وناسزا بیك جمعیت‌صلح جو خود دلیل محکومیت متهم کننده نیست ؟

چگونه میتوان همه شخصیت های مذهبی وسیاسی مجرب را که به امضاء اعلامیه استکهلم مبادرت ورزیده اند تحقیر کرد وآنها رافریب خورده وانغفال شده وانمود ساخت ؟ آیا افرادی نظیر آقایان سید ابوالقاسم کاشانی ، سردار فاخر حکمت ، دکتر مصدق ، بهبهانی ، سیدضیاءالدین ، ابوالقاسم بختیار ، سر- لشکر شفائی و دیگران را میتوان « گمراه شده » ازطرف « ستون پنجم » مصرفی نمود؟

آیا این اظهارات صدای امریکا بمنزله توهین غیر قابل بخشایش‌نسبت به همه امضا کنندگان ذیل بیانیه استکهلم نیست ؟ آیا چنین توهین بی شرمانه ای قابل تحمل است و بایستی برضد این اراجیف گوش خراش « صدای امریکا » صدا بلند کرد ؟

آیا توهین به ملت ایران نیست که فداکارترین و فهیم ترین پیشاهنگان راه آزادی و استقلال آن را « ستون پنجم » معرفی نمایند ؟

آیا چنین توهین‌های پستی رادشمام بازادی و استقلال میهن ما نباید تلقی کرد ؟

تمام سئوالات بالا را ملت ایران به صورت اظهار تنفرنسبت بامپریالیسم سیه کار آمریکا جواب میدهد .

ملت ایران بخوبی میداند که « ستون پنجم » درایران‌همان اقلیت معدود و منفوری هستند که گوش بفرمان امپریالیسم امریکا و انگلیس مصالح ملت ما را فدای منافع اربابان جنگ طلب و ماجراجوی خود میکنند .

ستون پنجم مزدوران بلید استعمار آمریکا و انگلیس هستند و ملت ایران تنفر خود را نه تنها نسبت بدین ستون پنجم بلکه نسبت به‌الهام دهندگان‌خارجی آن‌ها اعلام میدارد.

مدیر روزنامه صدای مردم که ذیل بیانیه استکهلم را امضاء کرده است در شماره پریروز خود به توهین بی‌شرمانه « صدای آمریکا » پاسخ داده وصریحا اظهار داشته است که وی نه بواسطه تبلیغات وتهدید بلکه دراثر علم واینان قطعی خود به مضار اسلحه‌اتمی و درنظر داشتن مصالح ملت‌ایران بامضاء این‌بیانیه مبادرت ورزیده و استعمال کنندگان اسلحه اتمی‌را جنایتکار تشخیص میدهد. این روزنامه‌ صدای امریکا و سرمایه داران منفعت طلب وال‌ستریت‌را آتش افروز جنگ خوانده وصریحا ابلاغ‌داشته است که ایرانیان برای جلوگیری از استعمال اسلحه اتمی کوشش خواهند کرد و با امضاء بیانیه استکهلم فریاد صلح طلبی خود را بگوش جهانیان خواهند رسانید .

سرمقاله پریروز صدای مردم نمونه ای از طرز اظهار نظری‌است که بایستی از طرف تمام امضاء کنندگان اعلامیه استکهلم که مورد توهین و دشنام صدای آمریکا قرار گرفته‌اند تاکید گردد و بدروغگویان و تهمت زنندگان بی‌شرم آمریکائی پاسخ دندان شکنی داده شود .

بنظرما این یاوه سرائی های‌صدای آمریکا نه تنها ملت ایران را از تعقیب راه صلح و مبارزه آشتی ناپذیر برضد آتش افروزان جنگ‌منصرف نخواهد کرد بلکه مبارزه صلح طلبانه ملت ایران که باعث ترس و وحشت امپریالیسم آمریکا شده است بیش از پیش با شدت و دامنه بیشتری ادامه خواهد یافت .

اکنون از نظر مردم ساده ایران جبهه جنگ و تجاوز کاملا مشخص شده است . امپریالیسم آمریکا و بانده گوی دروغ پرداز آن خود را دشمن جنبش صلح طلبی‌ملت ایران معرفی نموده و ثابت کرده‌اند که آن ها می‌خواهند ملت ایران را به دوزخ جنگ بکشانند .

ملت‌ایران میداند که تشبثات مذبوحانه صدای امریکا درمقابل متجاوز از پانصد میلیون مردم صلح طلب بشرکه امضاء های خود را ذیل بیانیه استکهلم گذاشته اند بجائی نخواهد رسید جبهه صلح پیروز خواهد شد و امپریالیسم جنگ طلب آمریکا نتیجه‌ای جز فلاکت و ورشکستی قطعی نخواهد دید .

پنجسال از عمر سازمان ملل

بقیه ازصفحه ۱

وژاپنی بخاك حبشه ومنچوری دست‌روی دست گذاشت وبشماها اکتفا کرده .

آنچه که زمانی جامعهٔ ملل متفق را بروز رسوای ناکامی وشکست کشاند اینك دارد سازمان ملل‌متفق راهم‌بهمان جانب‌بجانب شکست اخلاقی می کشاند .

سازمان ملل متفق از نخستین روز های آغاز کار خویش نشان‌داد که بخلاف آرزوهای ملتها نمیتواند‌بنند گوی نظریات آنان باشد . دولت‌های آمریکا وانگلستان باوارد کردن گروهی‌ازدست نشاندگان سیاسی ودولتهای مستعمراتی، سازمان را بیك ماشین‌آرا تبدیل‌نموده‌اند امپریالیستها بدست‌دولتهائی نظیر فیلیپین پاکستان و . . . که‌هنوزهم‌بطور آشکار وپنهان باسیستم مستعمراتی اداره میشوند میکوشند همه نظریات خودرا جامه عمل بپوشانند .

جنگهای فلسطین که بظاهرمیان اعراب ویهود ودرباطن میان‌امپریالیست های و انگلیسی و امریکائی بر سر منافع خصوصیشان درگرفته بود ، سبب شد که از اعتبار وحیثیت سازمان ملل متفق بمیزان‌زیادکاسته‌شود .

مردم دنیا دیدند که دودولت بزرگ درسرزمینی ، گروهی ازجهانیان رابخاطر منافع پلید خویش‌بجان‌یکدیگرانداخته‌اند و آتش‌بیار اختلافات آنان‌شده‌اند. ودر این گیرودار سازمان ملل متفق نه تنها اقدامی برای جلوگیری ازجنك ننمود بلکه امپریالیستها باشدت هرچه‌بیشتر بتحریکات‌خود‌درداخل آن‌نیزادامه‌دادند ماشین‌آرائی که‌امپریالیستهادرداخل‌سازمان بوجودآورده‌اندموجب شده‌است که‌اراده گردانندگان دولتهای امریکا وانگلیس و فرانسه‌سرمایه‌داران بزرگ‌بر ملتها تحمیل‌شود

اکنون‌کار انضباط دسته بندی های امپریالیستی در داخل سازمان ملل متفق بجائی کشیده است که حتی مقامات‌رسمی و باصطلاح « دوستداران » آن نیز لبی توانند‌ازذکر آن‌خودداری کنند .

مثلا دکتر متین‌دفتری رئیس‌جمعیت ایرانی دوستداران سازمان ملل متفق درنطق خود بمناسبت پنجمین سال تاسیس سازمان ملل متفق چنین گفته‌است :

« نمایندگان‌دول بزرگ‌میان دار هستند و نمایندگان دول کوچك و عقب افتاده را تحت الشعاع « میکنند» ! و با نهایت فرصت اظهار وجود و داد خواهی را نمیدهند »

اگر نمایندگان دولت های بزرگ میاندارند وبقول‌آقای دکتر نمایندگان‌دول کوچك وعقب‌افتاده‌را تحت‌الشعاع‌می کنند(!) برای اینستکه این نمایندگان دول کوچك نمایندگان دولت‌هائی مثل‌ایران مصر واکوادر نمایندگان‌مردم میهن خود نیستند ، فقط نمایندگان دولت های خودند. واین دولت‌ها نیز فقط بزور امپریالیسم جهانی ، بزور سر نیزه های امریکائی وتوپ‌های انگلیسی بر ملتهای خویش فرمان‌می‌رانند.

بدیهی‌است نمایندگان چنین‌دولت هائی قدمی بارادهٔ اربابان‌و نکبه‌ایران خویش‌برنخواهند داشت .

این‌اواخر سازمان ملل متفق بیش ازهمیشه مورد هجوم امپریالیستها قرار گرفته است . بعد از حملهٔ سنیاتهٔ امپریالیست های امریکا بمردم کره ، شورای امنیت آن تصمیم غیر قانونی خویش رابدون- شرکت نمایندگان دولت شوروی وچین اتخاذ کرد . پس‌از حمله دولت امریکا بملت کره اجازهٔ این حمله را صادر کرد. بابی‌ترتیب شورای امنیت بطور غیر قانونی تجاوز بحقوق و زندگی ملت های کوچك را روا دانست وتجویز کرد.

اکنون که در صحنه سیاست جهانی بی‌دربی نقابهای گوناگونی که جنگ‌طلبان برچهره گذاشته‌اند دریده میشود ، مقامات رسمی امریکاعلنامیگویند کره برای بیماران منچوری وسیبری لازم است . برای همین منظور جنگ‌طلبانه امپریالیستهای امریکائی بکره تجاوز کرده‌اند تاآنطور که تصور میکنند آنرا برای خود « حفظ » کنند . ولی در این هجوم بملت کره تمام سازمان ملل متفق دستاویز مهاجمین است . در پشت پرچم آن خودرا مخفی کرده‌اند و چنین وانمود میکنند که بدستور سازمان دست بچنین جنایتی زده‌اند .

درحقیقت اکثریت رسوای سازمان بیوقشار امپریالیسم امریکاچنین‌دستوری صادر کرده‌است .

حوادث کره حیثیت سازمان‌ملل‌متفق را در برابر دیدهٔ مردم‌جهان بمیزان‌زیاد پائین آوردو آنان‌دریافتند که این‌سازمان بهوس‌جنك‌افروزان‌بیه جا کشیده‌خواهد شد

این روزها که پنجمین دوره‌اجلاسیه سازمان‌ملل‌متفق منعقدشده‌است‌امپریالیستها مانند گذشته بریشه های آن تیشه میزنند ومیکوشند باتغییراتی‌در‌اساسنامهٔ سازمان آنرا بیشتر از گذشته بمیل‌خودبکردانند. از جمله سعی دارند حق وتورا که بنابر آن تصمیات شورای امنیت باید باتفاق آراء انعقادشود، ازمیان‌بردارند تاآزادانه تر درراه جنك بتازند .

بواسطهٔ فشاراهمال نفوذامپریالیسم امریکامنوز اکثریت معلوم‌الحال‌سازمان نمایندهٔ دراودستهٔ خائن جهان کاشك را بنام نمایندهٔ مردم چین در داخل سازمان نگهداشته است . این نمونهٔ کوچکی‌از اقدامات‌وتحریکات امپریالیستهای‌امریکائی درداخل سازمان ملل متفق‌است . هرچه بیشتر پایهٔ های آنرا ویران‌میکنند و بناهنر فریاد ظرفداری از سازمان‌را بر می آورند .

اینك فقط‌اقلیت کوچکی ازنمایندگان دولتهای عضو سازمان ندای مردم جهان را بر میاورند وتمایلات آنان را منعکس‌میسازند، اقلیتی که باضافهٔ نمایندهٔ مردم چین در واقع نمایندگان اکثریت مردم جهانند .

سازمان ملل متفق اکنون در دست اکثریتی‌ازنمایندگان دولتهای‌امپریالیستها

درباره جریانات روز

بقیه ازصفحه ۱

۱- موضوع نفت

پس ازپایان استیضاح و اخذ رای سکوت ، مسئله مهم عبارت از جریان کمیسیون نفت وتصمیم آن دربارهٔ قرار- داد الحاقی بود. قراربود کمیسیون نفت بروزی نظر خود را دوباره قرار داد الحاقی بیان کند.

و چنانکه در معافل مطبوعاتی و پارلمانی گفته میشود قرار بود این نظر نسبت بقرارداد مزبور جنبه منفی داشته باشد ولی تعیین‌وزیردارائی جدیدفروهر باز هم اخذ این تصمیم را بعقب انداخت ووزیردارائی در کمیسیون حاضر شده و تقاضای مهلت نمود .

گرچه بدرخواست مهلت یك هفتهٔ او ترتیب اثر داده نشد ولی همین درخواست موجب این شد که تا حال‌نظر کمیسیون نفت اعلام نشده است . بسرای شروع صحنه جدیدی در مجلس در بارهٔ نفت بایدمنتظر اعلام‌تصمیم کمیسیون‌مزبور بود

۲- قرارداد بازرگانی

گرچه روزنامه های رسمی و نیمه رسمی مرتبا اخباری از جریان پیشرفت مذاکرات وهمچنین جریانات مربوط‌برفع اختلافات مرزی وتصفیه محاسبات ایران و شوروی میدهند وگرچه نخست وزیر هفته گذشته صریحا در مجلس سنا اعلام داشت که قرار داد بازرگانی تا هفته آینده بامضا میرسد هنوز امضاء قرارداد بتعویق افتاده‌است .

این تعویق های بی نتیجه بیش از پیش ناظرین سیاسی‌را بحسن نیت دولت رزم‌آرا مشکوك میسازد.

۳- مجلس موسسان

پس از مصاحبه تقی زاده که‌تقریبا لحن قاطع و حتی نسبت بتشکیل مجلس موسسان داشت خبر جدیدی در این باره مشاهده‌نشد. سکوت در جریان‌تشریفاتی پنجم‌آبان راجع باین موضوع بنظر بعضی روزنامه‌ها نشانه ای از یك عقب‌نشینی در این باره است .

هم نمودن روز نامه ها از تشدید فعالیت بر ضد تشکیل مجلس موسسان مخصوصا از طرف قوام السلطنه خبر میدهند. قوام از قرار معلوم خود را برای مبارزات سیاسی مهیا میکند و دار و دسته‌خودرا به جنبش واداشته‌است .

۴- ترمیم کابینه

در جریان هفتهٔ گذشته ترمیم کابینه رزم آرا و معرفی فروهر بعنوان وزیر دارائی وبرکناری دکتر آزموده باقیمانده باند و دکتر اعضر ازکابینه وبرقراری دکتر دفتری همکار سابق ابتهاج بسمت وزارت اقتصاد ملی جلب توجه کرده . جریان ترمیم کابینه اولا از این جهت که یك فرد امریکوفیل (دکتر آزموده) از کار کنار رفت ثانیا از جهت اینکه یك فرد مورد اعتماد دستگاه انگلوفیل (دفتری معاون سابق ابتهاج) وزارت اقتصادرا اشغال نموده ثالثا ازاین جهت که وزیر دارائی جدیدی برای عهده‌دار شدن تامین منافع انگلیس درنفت بجنوب

محاکمه رهبران ...

بقیه ازصفحه ۱

برانقض قرارعدم صلاحیت شعبه یکم‌دیوان عالی جنائی تهران بود ، قرار را نقض کرده سومین دیوان جنائی را موظف رسیدگی ورعایت‌تشریفات محاکمه‌دانست دیوان جنائی هم پس‌از وصول نظرقطعی دیوان کشور دربابه صلاحیت خود برطبق ماده۱ قانون راجع بمحاکم جنائی‌مصوبه اول مرداد ماه ۱۳۰۹ متهمین را برای تعیین وکیل فرا خواند‌وبعد از معرفی وکلاء باجازه ماده۲ همان قانون مقرر شد که ظرف ده روز اوراق اتهامی خودرا ازنظر بگذرانند و اگر ایراد و اعتراضی دارند درمیان آرند، موضوع «صلاحیت‌محکمه» قبلا برطبق‌نظرقطعی دیوان عالی کشور خاتمه یافته‌است.

از این رو ناچار دادگاه چنانچه تحقیقات را کامل داند بایه روز دادرسی را تعیین کند و وکلاء دومتهمین، وهیئت منصفه راقرارخواهندودادرسی رابانجام‌رساند

نکته‌ای که ازهمه مهم‌تراست‌اینست که‌هده ازرهبران حزب‌توده باستناد‌ماده ٥ حکومت نظامی بازداشت شده و قرار توقیف یا اخذ وجه الضمان ویا کفیل‌هم درباره آنان صادر نگردیده و بعد حکم بمحکومیت آنان داده شده است واکنون که ازطرفی حکومت نظامی از میان‌رفته ودر نتیجه ماده٥ آن هم‌قابل اجرائیست واز طرف دیگر عالی‌ترین مرجع‌قضائی محاکمه را غیرقطعی دانسته است بایدبی درنك دستور آزادی متهمین داده شود ویا اگردادستان استان یکم ودوم‌قضئی دانند قرارتامین درباره آنان صادر کنند

بطوریکه‌مخبرما اطلاع حاصل کرده است مدت بانزده روز است که متهمین ووکلاء آنان اولا درباره آزادی‌عده‌ای وثانیا درباره تخفیف تامین عده دیگر به‌دادسرای استان ۱ و۲ نامه نوشته‌اندولی دادستان استان ۱ و ۲ که برای رفت مسئولیت اظهار نظررا بآقای‌بیدارمعاون خود رجوع کرده‌اند هنوز تصمیمی در این باره که علی القاعده باید بیش از ٢٤ ساعت طول نکشد نگرفته‌اند .

منتظریم تاهرچه زودتر آقای‌دادستان استان ۱و۲ وهیئت قضات دیوان عالی جنائی بارعایت کامل قوانین ایران‌شخصیت واستقلال‌لازم خود را بملت و علاقمندان حقوق سیاسی وآزادی بشری نشان‌دهند.

موضوع های دیگرانتخاب شده‌استرجیلی بنفع انگلستان باید تلقی‌شود .

۵- مسئلهٔ تصفیه

درجریان‌این هفته کمیسیون‌داد گستری مسئله « تصفیه » را بکلی ماست مالی کرد وهمه تصمیمات هیئت تصفیه گذشته و اصولا قانون تصفیه‌را کان لم یکن ساخت و تصمیم گرفت که‌همان مراجعه بدیوان کیفر و راههای رسمی موجود برای هرمسلامی کافی خواهدبود‌بدین‌ترتیب کمیسیون‌داد گستری‌وضع رابهمان‌حالت‌اول یعنی قبل‌ازتصویب‌قانون تصفیه برگردانده‌اند.

این تجربه بخوبی واضح ساخت که دستگاه فاسدحاکمه عاجزقادر بکوچکترین تغییری‌درخط‌مشی ناپدرست وتبه کارانه خودنیست

دوست‌نشاندگان آنان بصورت‌دستگاهی برای اجرای نظریات آزمندانه جهان‌خواران در آمده‌است . و این اکثریت باقیام وقعود های‌ساده بزرگترین‌ضربات را بصلح جهانی می‌زند ودنیا را بسوی جنگ میکشاند .

سازمان فقط‌وقتی میتواند نقش‌خود را بدرستی و آنطور که آرزوی مردم جهان‌است بازی کند که شرکت کنندگان درآن نمایندگان دولتهائی باشند که‌آن دولتها بسهم خود نمایندهٔ واقعی مردم میهن خویش باشند ، نه‌نمایندهٔ دولتهائی که بزورامپریالیستهابر ملتهایشان‌تحمیل گشته‌اند وناچارند بنار اربابان خود برقصند .

نیروهای آزاد

صدای امریکا

بقیه ازصفحه ۱

اتمی نام‌برده ومثلا « تانك » رااز نظر دور داشته است ؟

همه‌این اظهارات صدای امریکافقط یاوه‌های بی‌شرمانه و دروغ های‌مسخره آمیز است .

آیا جمعیت ایرانی طرفدار صلح جز تبلیغ هدف عالی صلح و فاش‌ساختن تشبثات و توطئه‌های جنگ‌طلبان‌عمل‌دیگری انجام میدهد ؟

آیا حمله بدین جمعیت صلح خواه‌و صهبی نشان میدهند که دستگاه دروغ پرداز صدای امریکاآلت‌دست‌جنگ‌طلبان، سودپرستان وآتش افروزان وال ستریت است ؟ آیا اتهام وناسزا بیك جمعیت‌صلح جو خود دلیل محکومیت متهم کننده نیست ؟

چگونه میتوان همه شخصیت های مذهبی وسیاسی مجرب را که به امضاء اعلامیه استکهلم مبادرت ورزیده اند تحقیر کرد وآنها رافریب خورده وانغفال شده وانمود ساخت ؟ آیا افرادی نظیر آقایان سید ابوالقاسم کاشانی ، سردار فاخر حکمت ، دکتر مصدق ، بهبهانی ، سیدضیاءالدین ، ابوالقاسم بختیار ، سر- لشکر شفائی و دیگران را میتوان « گمراه شده » ازطرف « ستون پنجم » مصرفی نمود؟

آیا این اظهارات صدای امریکا بمنزله توهین غیر قابل بخشایش‌نسبت به همه امضا کنندگان ذیل بیانیه استکهلم نیست ؟ آیا چنین توهین بی شرمانه ای قابل تحمل است و بایستی برضد این اراجیف گوش خراش « صدای امریکا » صدا بلند کرد ؟

آیا توهین به ملت ایران نیست که فداکارترین و فهیم ترین پیشاهنگان راه آزادی و استقلال آن را « ستون پنجم » معرفی نمایند ؟

آیا چنین توهین‌های پستی رادشمام بازادی و استقلال میهن ما نباید تلقی کرد ؟

تمام سئوالات بالا را ملت ایران به صورت اظهار تنفرنسبت بامپریالیسم سیه کار آمریکا جواب میدهد .

ملت ایران بخوبی میداند که « ستون پنجم » درایران‌همان اقلیت معدود و منفوری هستند که گوش بفرمان امپریالیسم امریکا و انگلیس مصالح ملت ما را فدای منافع اربابان جنگ طلب و ماجراجوی خود میکنند .

ستون پنجم مزدوران بلید استعمار آمریکا و انگلیس هستند و ملت ایران تنفر خود را نه تنها نسبت بدین ستون پنجم بلکه نسبت به‌الهام دهندگان‌خارجی آن‌ها اعلام میدارد.

مدیر روزنامه صدای مردم که ذیل بیانیه استکهلم را امضاء کرده است در شماره پریروز خود به توهین بی‌شرمانه « صدای آمریکا » پاسخ داده وصریحا اظهار داشته است که وی نه بواسطه تبلیغات وتهدید بلکه دراثر علم واینان قطعی خود به مضار اسلحه‌اتمی و درنظر داشتن مصالح ملت‌ایران بامضاء این‌بیانیه مبادرت ورزیده و استعمال کنندگان اسلحه اتمی‌را جنایتکار تشخیص میدهد. این روزنامه‌ صدای امریکا و سرمایه داران منفعت طلب وال‌ستریت‌را آتش افروز جنگ خوانده وصریحا ابلاغ‌داشته

بقیه درصفحه ۸

انقلاب کبیر اکتبر

بقیه ازصفحه ۱

بصورت یك عید جهانی بر گزار گردید.

در حقیقت « انقلاب کبیر اکتبر» متعلق بتمام انسان‌هاست؛ زاده رنج مجموعه بشریت است که از قرنهامبارزه جانانه فراهم آورده‌اند.

از قدیمترین ادوار تاریخی ،از آن زمان که نخستین آثار فساد در روابط آدمیان پدیدار گردیده وگیاه‌زهرآگین اختلاف و تفرقه ، تقسیم اجتماع بدوار- دوی متمکرو متشکن ، بدوسیله‌استثمار کننده‌گان و استثمار شونده‌گان نخستین جوانه ها را بارور شده است.

رنجدیده‌گان بدفع جرثومه فساد بر خاسته و در راه‌بهبود درد مزمن‌اجتماع، بدل همت کرده‌اند.

تاریخ اجتماع سراپا از این‌مبارزه مداوم مشحونست ، فراصار مظلم‌ساله، آنگاه که ننك فروش‌انسانی ، این گل سر سبد طبیعت ، محیطرا تیره کرده‌بود، بردگان سر تسلیم بر سیرهٔ زشت اجتماع فرود نیاوردند ؛ آنهامردانه بمبارزه‌پای فشردند و اگرچه بتمامی ـ آزادی‌ازدست رفته ، بازنستانند ، اما چون همگام‌جریان تاریخ بودند ، چون از تحولات اجتماعی و اقتصادی بهره می‌گرفتند لبه آزادی را باز یافتند و در دوران تئوریالیسم ، براساس بردگی‌لم نسخ کشیدند ومردان لبه آزاد « سرف» بشمار آمدند.

اما مبارزه انسانی در اینجامتوقف گردید ، بشر پوینده همچنان بسوی سر چشمه جانبخش آزادی‌راه‌میپیمود تاانگاه که باپیدای نضج اقتصادصنعتی و کشف نیروی بخار ، دستگاه اقتصاد دهقانی ؛ بساط اقطاع از رواق‌افتاد ، نئودالهاوارباب خود کام راه زوال سپردند و در زیر گام طبقات پیشرو ومتکامل‌بموزه تاریخ تحویل گردیدند ، انقلاب کبیر فرانسه نمودار این تحول‌تاریخی بود ، تحولی که مظاهر جهان کهن ،شاهان خود رای، کشیشهای ریاکارو نئودالهای خودپرست را بزیر گیوتین‌می کشید و خواست‌طبقات وسیع ملت را بکرسی می‌نشاند.

اماهنوز کار بپایان‌نرسیده بود،طبقات نو خاسته،صنعتگران و بازرگانان ، خود دندان تیز می کردند و یار دیگر بقصد جهان خلق بر میخاستند ، فساد و خیانت اینجبار ، نتایج انقلاب را نقش بر آب می کرد و از « کنوانسیون» مظهرارادهٔ انقلابی مردم ، ناگهان غول استبدادبر پیکره نابلئون بناپارت بجلوه‌گری بر میخاست ؛ سرمایه داری‌باشیشر آخته ، روزهای سیاهی را در انتظار اجتماع‌می گذاشت وبسوی‌وادی‌موحش «امپریالیسم» رهسپار میشد.

می بایست دندان گرك را کشید ، می‌بایست براساس مدنخواهی ، براصل استثمار انسان قلم بطلان کشید ، بشریت درانبراه‌بکوشش‌افزود وسرانجام در سر زمین روسیه ، واسطةالعقد تضاد های لاینحل سرمایه‌داری ، ارادهٔ خلل ناپذیر خویش را جامهٔ عمل بپوشاید.

در چه زندان ملل بودودراینصورت طبیعی است که آخرین جهاد انسانی در راه قطع ریشهٔ فساد، نخستین‌آثارخویش را در آنسر زمین بنمایاند وتخم کوشش مداوم بشری ، در آنجازود تر بار گیرد.

قرن اوزدهم میخواست پایان یابد که تازه اصول «سرواژ » ملغی گردید، اما درحقیقت همچنان قشارستم بر دوش دهقانان سنگینی می کرد ، اربابان‌بانحاء وسائل ، ایشارا غارت می‌نمودند و در ایشراه‌سپاه عظیمی ازژاندارم‌ها،داروغه‌ها وپلیسها را پشتیبان خویش می‌یافتند ، کارگران بیرحمانه استثمار می شدند ، آنها درقبال روزانه تا ۱۵ ساعت کار تنها در هر ماه ۷ یا۸ منات دریافت می داشتند وشبانگاه در زاغه های تنك و تاریك می غنودند ، اشار بر کردهٔ ملل مستعمره ، ترکها ، گرجیها ، ارمنیها ، تر کمن‌ها ،ازبك‌ها ،تاجیکها،و یهودیها صد چندان بود ، هرچند یکبار بتحریك دشمنان انسان، کشتارهامی‌شدوارمنی کشی ترك کشی ویهودی کشی‌دامنه می گرفت، دستگاه حاکمه در لجن زار فساد غوطه میخورد و توده در زیر ضربات ، بهوش می‌آمدوبجنبش‌بر میخاست.

نهضت کارگری که در آخرین دهه های قرن نوزدهم ولادت یافت بزودی نضج‌ونمو گرفت وبیك‌نیروی‌عظیم‌انقلابی مبدل گردید.

تودهٔ ساده دل که روزی بتحریك لیدرهای سازان ، برای «استیفاء حق » با علم‌وشمایل قدیمی‌بدرگاه‌تزار روی می آورد وبانالهٔ وشیون معروض می‌داشت:

«شهریارا ! ما کارگران شهر پترزبورك ،زنان‌و کودکان‌وپدران ومادران بی پشت وپناه سالخوردهٔ ما به‌پیشگاه تو روآورده‌ایم‌که حقیقتی وپشت وپناهی یابیم ، ما بکلی بی یافده ایم ، برماستم روا می دارند ، بوسیلهٔ رنجهای طاقت‌فرسابه‌آزاروجور میرسانند ، مارامورد سخریه قرار می‌دهند، مارا درشمارانسان نمی آورند ...

ماتاب هم می آوردیم ، ولی رفته رفته ما را بورطهٔ گدائی ، محرومیت از حقوق و جهالت می اندازند ، خود سری‌وبیدادگری مارا بجان می آورد... شکیبائی ما بآخرین درجه رسیده ،برای ما آن لحظه ترس‌آوری فرارسیده که مرك بهتر از ادامه این شکنجهٔ تحمل ناپذیراست ...»

هنگامی که پاسخ خودرا از دهانه لوله مسلسل شنید ، هنگامی که در پیشگاه تزار ، بخاك وخون غلطید باز هم بیشتر تجربه اندوخت و عبرت گرفت ، آنگاه بود که اولین جواب گلوله را باگلوله داد ، آنگاه بود که بمبارزهٔ مثبت دست زد و«حقیقت وپشت وپناه» را تصاحب قدرت لایزالی اجتماع جست.

آن‌روز وحشیانه ، صدای ملت را خفه گیرمی ساختند ،اماستگاه حاکمه که درمقابله بارقبای‌خارجی وبرخورد باتضاد های داخلی ناتوانی وعمر خودرا بثبوت رسانیده بود نمی‌توانست درزمانی دراز روی سرنیزه بنشیند و بمکیدن خون‌خلق مداومت‌نماید ، از شکست نخستین‌انقلاب تنها دوازده سال می گذشت که ازمیان وحشت استبداد ، بسار دیگر آتش خشم ملت زبانه کشید وآتش بربنیان تزاریسم انگند «فوریه ۱۹۱۷» وسپس بورژوا های ریاکاروا که بارویکر میآمدند تابا «دشمنهای انقلابی» ، همچون موریانه در بنای خلق ، خلل وارد آورند ازبشت میزهای ظریف بیرون کشیدوبحکمت‌ملت فراخواند «اکتبر۱۹۱۷».

بلشویکها ، رهبران طبقات انقلابی ملت ، مقدمات ایراد آخرین ضربه را بر دستگاه‌تبهکارحاکمه بدقت‌فراهم‌میآوردند.

کمیته مرکزی حزب بلشویك،ضمن جلسه تاریخی‌دهم اکتبر۱۹۱۷ ، قطعنامه ایرا که از طرف لنین ، رهبر داهی انقلاب تنظیم شده بود بتصویب رسانید، کمیته مرکزی ضمن قطعنامه ، بااعتراف باینکه قیام مسلح ناگزیر وکاملا رسیده است بهمه سازمان‌های حزب دستورمیداد این امررا دردستور روز قراردهند وهمهٔ مسائل روزمره‌را ازهمین نقطه‌نظرمطرح وحل نمایند.

کمیته مرکزی ، جمعی از فعالترین رهبران‌حزبی رابرای تهیه قیام‌بشهرستان ها ، بمراکز کارگری وصنعتی وبمعوف ارتش گسیل داشت.

بنا بدستور کمیته مرکزی حزب،در جنب شورای پترو گراد کمیته جنگی انقلابی تشکیل گردید که ستاد عملی قیام محسوب می‌شد.

درجلسه عمومی کمیته مرکزی حزب ((۱۶ اکتبر)) متتالین برهبری قیام مسلحانه انتخاب گردید و زیر نظر او یك « مرکز حزبی » برای این منظور ایجاد شد .

دشمنان انقلاب که بوسیله خیانت پیشگان خودپرست،ازتاریخ شروع قیام آگاهی یافته بودند کوشیدند تا مگر پیش از گشایش کنگره دوم شوراها به دانشگاه‌اسولنی که پایگاه کمیته‌مرکزی حزب بلشویکها بود،حمله‌برند ، آن جا را اشغال کنند ومرکز رهبری بلشویکها را نابود سازند ؛ بدینمنظور سپاهیانی‌را در پترو گراد گردآوردند که حکومت به «وفاداری» ایشان‌نهایت اطمینان را داشت ، اما این کوشش مذبوحانه،نقش فنا را که بقلم تاریخ برجبین نا میمون دشمنان‌خلق منش گردیده بودنمی‌یارست زدوده‌ویا،به‌که حقیقتی وپشت وپناهی یابیم ، ما بکلی بی یافده ایم ، برماستم روا می دارند ، بوسیلهٔ رنجهای طاقت‌فرسابه‌آزاروجور میرسانند ، مارامورد سخریه قرار می‌دهند، مارا درشمارانسان نمی آورند ...

ماتاب هم می آوردیم ، ولی رفته رفته ما را بورطهٔ گدائی ، محرومیت از حقوق و جهالت می اندازند ، خود سری‌وبیدادگری مارا بجان می آورد... شکیبائی ما بآخرین درجه رسیده ،برای ما آن لحظه ترس‌آوری فرارسیده که مرك بهتر از ادامه این شکنجهٔ تحمل ناپذیراست ...»

هنگامی که پاسخ خودرا از دهانه لوله مسلسل شنید ، هنگامی که در پیشگاه تزار ، بخاك وخون غلطید باز هم بیشتر تجربه اندوخت و عبرت گرفت ، آنگاه بود که اولین جواب گلوله را باگلوله داد ، آنگاه بود که بمبارزهٔ مثبت دست زد و«حقیقت وپشت وپناه» را تصاحب قدرت لایزالی اجتماع جست.

آن‌روز وحشیانه ، صدای ملت را خفه گیرمی ساختند ،اماستگاه حاکمه که درمقابله بارقبای‌خارجی وبرخورد باتضاد های داخلی ناتوانی وعمر خودرا بثبوت رسانیده بود نمی‌توانست درزمانی دراز روی سرنیزه بنشیند و بمکیدن خون‌خلق مداومت‌نماید ، از شکست نخستین‌انقلاب تنها دوازده سال می گذشت که ازمیان وحشت استبداد ، بسار دیگر آتش خشم ملت زبانه کشید وآتش بربنیان تزاریسم انگند «فوریه ۱۹۱۷» وسپس بورژوا های ریاکاروا که بارویکر میآمدند تابا «دشمنهای انقلابی» ، همچون موریانه در بنای خلق ، خلل وارد آورند ازبشت میزهای ظریف بیرون کشیدوبحکمت‌ملت فراخواند «اکتبر۱۹۱۷».

بلشویکها ، رهبران طبقات انقلابی ملت ، مقدمات ایراد آخرین ضربه را بر دستگاه‌تبهکارحاکمه بدقت‌فراهم‌میآوردند.

کمیته مرکزی حزب بلشویك،ضمن جلسه تاریخی‌دهم اکتبر۱۹۱۷ ، قطعنامه ایرا که از طرف لنین ، رهبر داهی انقلاب تنظیم شده بود بتصویب رسانید، کمیته مرکزی ضمن قطعنامه ، بااعتراف باینکه قیام مسلح ناگزیر وکاملا رسیده است بهمه سازمان‌های حزب دستورمیداد این امررا دردستور روز قراردهند وهمهٔ مسائل روزمره‌را ازهمین نقطه‌نظرمطرح وحل نمایند.

کمیته مرکزی ، جمعی از فعالترین رهبران‌حزبی رابرای تهیه قیام‌بشهرستان ها ، بمراکز کارگری وصنعتی وبمعوف ارتش گسیل داشت.

بنا بدستور کمیته مرکزی حزب،در جنب شورای پترو گراد کمیته جنگی انقلابی تشکیل گردید که ستاد عملی قیام

بقیه ازصفحه ۱

سوسیالیستی را اعلام می‌داشت. « پیام بلشویکها بمردم روسیه » خاطر نشان می ساخت که : « حکومت موقتی بورژوازی سرنگون گردید و حاکمیت دولتی‌بدست شوراها افتاده‌است.»

کنگره دوم شوراها سراسر روسیه ، درساعت ده و۴۵ دقیقه بعد از ظهر ۲۵ ماه اکتبر «۷ اوامبرسال ۱۹۱۷» دراسمولنی ، موقعی که قیام پیروزمندانه در جوش و خروش و قدرت در پایتخت واقعا در دست شورای تروگراد بود ، گشایش یافت؛ نمایندگان پیشگامان،منشویکها ، « سوسیالیستهای انقلابی» و باندیستها معترضانه جلسه را ترك گفتند ومیدانرا بلامعارض بنمایندگان واقعی خالی واگذاشتند. از طرف کنگره، انتقال حاکمیت بشورا ها اعلام شد و در بیانیه ای که بهمین مناسبت صادر گردیده‌بود؛ اشعارمی گردید:

« کنگره باتکاء اراده اکثریت‌مهم کارگران ، سربازان و دهقانان و بانگاه قیام پیروزمندانه کارگران وپادگان که در پترو گراد انجام یافته است حاکمیت را بدست خودمی گیرد.

کنگره فرمان صلح راتصویب کرد و بکشورهای متخاصم توصیه نمود تا برای مذاکره صلح ؛بتاز که اقدام کنند؛ کنگره،بحکومتهاوبملتهای‌همه کشورهای متخاصم و در عین حال بکارگران آگاه سه ملت که بیشروترین ملل‌بشری‌بحساب می‌آمدند ؛ کارگران انگلستان ؛ فرانسه و آلمان مراجعه نمود و آنها را دعوت کرد که برای‌سرانجام‌کار صلح و همچنین برای‌هائی توده‌های زحمتکش‌ازهر گونه اسارت و استعمار بپاخیزند .

بفرمان کنگره،مالکیت خصوصی بر اراضی ملغی گردید و نخستین حکومت شوروی جهان با بمرسمه وجودنهاد.

اما دسته های ضد انقلابی هنوزنومید نشده بودند ؛ آنها همچون گدای‌هرزه گرد بهر دری میزدند و برای اعاده دوران‌تنکین فرمانروائی از تمام‌نیروهای اهریمنی و ضد انسانی ؛ چه داخلی و چه خارجی‌استمدادمی کردند؛ « کرنسکی» و دارو دسته او با نهایت فرومایگی ؛ همه‌چیزروسیه‌را در طبق اخلاص‌بدیگران تقدیم‌می کردند تا مگر روزی‌چند بحیات سراپا ننگ خود ادامه دهند . اما دیگر روسیه متداق بایشان نبود ؛ آنها بیهوده از کیسه حاتم‌می‌بخشیدند،روسیه‌راصاحبان واقعی آن‌کارگران و دهاقین ؛ازجان و دل محافظت می کردند.

سرمایه داران جهانخوار که ازبین دشت روسیه ؛ ناقوس مرك خویش را می شنیدند ، سیاه سینه صلیب بسینه می کشیدند و بجنك صلیبی ،صف آرائی می کردند ، دشمنان از داخل و خارج بنقشه کردن نوزاد ارجمند انقلاب‌بای می فشردند و «اشراف » و«بزرگان» بجاسوسی و نوکری بیگانگان افتخار می کردند .

کراسنوفها ، کورنیلوفها ، ایکسیف ها ، دنیکین ها ، کلچاك ها ، ورانگل‌ها و ما موتفها در راس قوای ضد انقلابی‌قرار گرفتند تابا پول ودسیسه غارتگران دوراه ویرانی بنای خلق بذل جهد نمایند ، سپاه استعمارطلبان ، ازهمه جانب تاخت آوردند ،قوای مسلح ژاپن، فرانسه ، انگلستان ، چکوسلواکی و لهستان آشکارا بکمك قوای ضدانقلابی دیگر به مند بندگی تن در نمیدادند ، دیگر باستثمارچیان فرو مایه سر تسلیم فرو نمی آوردند ، درطول یکی دو سال قوای استعماری خارجی رانده شدند ، ضد انقلابیها نابود گردیدند و حکومت شوراها از میان آتش و خون ، سربلند بر افراشت و باستحکام اساس خلق کبیر پست دشمنان بشریت که درسر کوبی « انقلاب اکتبر » ناتوان مانده بودند بازهم از تحریك و لوطنه بازنایستادند، آنها کوشیدند تاگردا گرد سر زمین شوراها ، « کمر بند صحت » فراهم آورند و با ایجاد یك‌سلسله حکومتهای استبدادی و ضدملی ، از یکطرف اراده ملل را منکوب سازند و ازنشرنهضتهای انقلابی ممانعت نمایند و از سوی دیگر پایگاههای تجاوز و تعدی علیه کشور شورا ها بوجود آورند مگر سرنفرست نیش زهرآگین خویش رابکارانداز ند . بدین نیت بود که بادسائس استعماری ، با لکه مال کردن خواست ملتها ، در کشور های مجاور شوروی ، فرؤاین چین ، افغانستان،ایران ،ترکیه ،رومانی، بلغاری ،لهستان وفنلاند حکومتهای کم و بیش هرنك ، براساس استبدادو ستشار سیاه بوجود آوردند ، فاشیسم ، این آخرین سلاح ناجوانمردانه استعمارآخته گردید وسر انجام جهانی‌را بخاك وخون کشانید .

کشور شوراها بنیان سعادت انسانی را می گذاشت و دشمنان روشنائی ، ونکها ونیرنکها درراه‌وی‌تنبیه‌می کردند امامهبه کس دید که بازهم علی رغم‌مطامع سودپرستان ، اتحاد شوروی نیرومند تر سرفراز تر از همیشه ،ازجنك‌جهانی‌دوم، این قوطئه امپریالستی بیرون آمدوبازهم کوشش مداوم توده‌های رنجدیده که از سرچشمه فیاض « انقلاب کبیر اکتبر » سیراب می گردید هکوفه های نو بوجود آورد، شکوفه‌هائی مانند چین‌نو، آلمان دموکرات و کشوروای‌آزاداروپای شرقی که هریك بدرخنی کشن‌بدل گردیده اند

جهانخوران هنوز هم بشدت هرچه تمامتر ، بدسائس سیاه خود علیه بشریت مداومت می نمایند تا مگرآتش جنك تازه‌ای را برافروزند ، بدین امید که در آتش آن ، شمشیر موریانه‌خورده‌خویش را صیقلی بخشند ، اما چه کسی می‌تواند شك کند که بازهم‌ازاین‌راه‌ناکامیاب باز خواهند گشت ؛ چه کسی تردیدداردکه آن‌ها هرچه بیشتر دست و پابزنندطناب دار برگردنشان محکمتر و استوار تر خواهد گردید ؟

ملت معصوم ایران ؟ درود گرم صمیمانه خویش را بمناسبت سی‌و سوم سال انقلاب کبیرا کتبربملل اتحادشوروی و برهبران فرزانه آن مردم آزاد تقدیم می‌دارد ، ملت حق شناس ما ، علی رغم هرگونه‌تحریك‌فریب کاران ؛ نقش‌مهم « انقلاب کبیر اکتبر » رادر اعتلاءو استقلال‌و حاکمیت خویش هرگز فراموش نخواهد کرد .

اگر « انقلاب کبیر اکتبر» نبود تزاریسم روسیه وامپریالیسم‌را، کشتار نشانی ازملت‌تاریخی مایافی‌نمی گذاشت

« انقلاب کبیر اکتبر » همچنان برای همه ملل اسیر ، مبشر آزادی بملت ستمدیده ما نیز جان تازه‌ای میدمد نخستین صدائی که از کشور شوراها بکوش ملت ما رسید بیانیه مشترك بزرگ رهبر خلق شوروی ورئیس‌شورا کمیسر های ملی وستالین کبیر ، که امور ملیتها و خلف شایسته لنین بود اعلام میداشت ؛

« سلطنت وحشیانه درندگانی ملل عالم را بنده خود قرار داده بود و باقراض است . عمارت کهنه پوسید بندگی ملل درزیر ضربات امواج روس خراب می‌شود .

ای مسلمانان‌شرق،ای‌ایرانیان،ترکها عربها ، هندوها وهمه‌طوایفیکه‌درنده اروپائی زندگی و آزادی شما را ما التجاره کرده‌بودند ، اکنون‌حکومت غارت و زور رو باضمحلال است .

ما اعلام میکنیم که عهد نامه در باره تقسیم ایران ما

بقیه درصفحه ۳

سازمان ملل متفق را بشعبه وزارت ...

بقیه ازصفحه ۱

اندکی بیش از تشکیل‌نخستین‌دورهٔ اجلاسیه سازمان ، بشار امریکا ،شورای امنیت بدون حضور نمایندگان شوروی‌و چین و بخلاف اساسنامهٔ سازمان تجاوز بکشور کره‌را اجازه داد ، و برچم‌سازمان ملل را بدست آدمکشان و کارچاق کن های امپریالیسم امریکاسپرد ، تنهامجمع عمومی ازاین تجاوز آشکار بحقوق‌ملتها که بشار و بخواست امپریالیسم صورت گرفته بود جلوگیری نکرد ، بلکه در همین راه، درراه جنك وتجاوز ، گامهای تازه‌تری برداشت .

ماشین آراء دولت امریکا بکار افتاد و آن اکثریت کذائی ، تجاوز بآن‌سوی‌مداز ۳۸ درجه رائیز جایزدانست این اجازه وقتی صادر شد که گروهی از باصطلاح «رزیدان ملل متحد » از مدار گذشته بودند .

امپریالیسم امریکا درحقیقت‌سازمان را دربرابر عمل انجام شده‌ای قرارداد . قطعنامهٔ امریکا که بمنظور محدود کردن اختیارات شورای امنیت وهمواره کردن راه تجاوز وجنك پیشنهاد شده بود مورد گفتگوقرار گرفت .

خواننده‌گان گرامی بخوبی آگاهند که اصل اتفاق آرا در تصمیمات شورای امنیت باینجهت درنظر گرفته شد تاهمهٔ قصمیمات بزرك سازمان ملل که باسرنوشت جهانیان بنرخورد دارد بـاموافقت همهٔ دولتهای بزرك انجام یابد.

بدیهی است باین ترتیب دیگر یك اکثریت ساختگی و بی اراده نخواهد توانست تحت تأثیر زور دولتـی ، آرا خویش را براقلیتی تحمیل کند .

قطعنامهٔ پیشنهادی امریکااصل‌اتفاق آراء را کنه از اصول اساسی سازمان ملل متفق است ، از میان برمیدارد و مقرر میدارد کـه درصورت عدم توافق درشورای امنیت مسئله مورد اختلاف به مجمع عمومی ارجاع خواهد شد. بدیهی است که‌درمجمع‌عمومی امریالیسم‌امریکا بایك قیام وقعود ساختگی کاربرابدلخواه خود پایان خواهد داد.

ازطرف دیگر مطابق این قطعنامه؛ «هموم ملل عضوسازمان بایستی‌واحدهای نظامی مخصوصی را همواره زیر پـرچم نگهدارند.» امپریالیسم امـریکا باین وسیله می کوشد همیشه دولت های دست نشانده خود را آماده هجوم نگهدارد. چنانچه میدانیم این قطعنامهٔ ضد صلح و جنك افروزانه بوسیله همسان اکثریت کذائی سازمان ملل متفق ، بوسیله دست نشاندگان امپریالیسم‌امریکا وانگلستان بتصویب رسید ویکی‌از بزرگترین گامها درراه جنك ودشمنی باصلح برداشته شد. سازمان‌ملل‌متفق که چند سال پیش‌رژیم آدمکشانه فرانکو را غیرقانونی دانسته و بهمین جهت از دولت‌های عضو خواسته بود کـه روابطهٔ سیاسی خـود را بآن قطع کنند اینك علی‌رغم تصمیم چند سال پیش خود داشتن رابطهٔ سیاسی بادولت فرانکو را مجاز دانست . تابان ترتیب اندك اندك پای فـرانکو عامل هیتلر و سرسپرده امپریالیست‌های امـریکائی را بمجامع بین المللی باز کنند وامپریالیستها لیز در بندوبست‌های نظامی و اقتصادی با این خدمتگذارخـود آزادتـر و بی پرواترباشند.

در میان همهٔ این اقدامات ضد صلح سازمان ملل متفق که بتحریك امپریالیسم جهانی صورت میبندد ابقای تـریگوه‌لی درمقام دبیر کلی سازمان طـلـل بسیار با معنی است.

این انتصاب‌نشان‌میدهد که امپریالیست ها بهیچوجه‌حتی بظاهر ،پای‌بند‌اساسنامهٔ سازمان ملل متفق نیستند. واینك دیگر اساسنامهٔ سازمان تبدیل شده است بهوس امپریالیسم ، آنچه جنك افـروزان هوس کنند همان اساسنامهٔ سازمـان ملل متفق است .

اساسنامه سازمـان میگوید که دبیر کل باید بتوصیه شورای امنیت وتصویب مجمع عمومـی انتخاب شود» بخلاف ایـن نص صریح اساسنامه ، بدون توصیه شورای امنیت تـریگوه‌لی بشار امپریالیسم امریکا سه‌سال دیگردر مقام خود ابقاشد .

دبیرکل سازمان ملل متفق باوظیفه بسیار سنگین و بزرگی که دارد ، باید شخص بی‌نظری باشد تابتواند در شرایط حاد بین المللی کنونی سازمان ملل‌متفق را آن طور کـه هایسته آنست اداره کند. درمبارزهٔ هندوچینی ساقه‌ای که اینك بین تمام جبههٔ صلح ودمکراسی ازطرفی و جبهه آتش افروزان جنك از طرف دیگر درگیر شده دبیر کل سازمان باید دارای چنان شخصیتی باشد که آلت‌دست جنك افروزان بضد توده های صلح طلب جهان نشود.

دبیر کل سازمان نباید اجازه دهد که امپریالیستها بدست وی وبنام سازمان، آتش جنك‌جهانی تازه‌ای‌را درگیر سازند .

بدیهی است باین ترتیب دیگر یك اکثریت ساختگی و بی اراده نخواهد توانست تحت تأثیر زور دولتـی ، آرا خویش را براقلیتی تحمیل کند .

قطعنامهٔ پیشنهادی امریکااصل‌اتفاق آراء را کنه از اصول اساسی سازمان ملل متفق است ، از میان بـرمیدارد و مقرر میدارد کـه درصورت عدم توافق درشورای امنیت مسئله مورد اختلاف به مجمع عمومی ارجاع خواهد شد. بدیهی است که‌درمجمع‌عمومی امریالیسم‌امریکا بایك قیام وقعود ساختگی کاربرابدلخواه خود پایان خواهد داد.

ازطرف دیگر مطابق این قطعنامه؛ «هموم ملل عضوسازمان بایستی‌واحدهای نظامی مخصوصی را همواره زیر پـرچم نگهدارند.» امپریالیسم امـریکا باین وسیله می کوشد همیشه دولت های دست نشانده خود را آماده هجوم نگهدارد. چنانچه میدانیم این قطعنامهٔ ضد صلح و جنك افروزانه بوسیله همسان اکثریت کذائی سازمان ملل متفق ، بوسیله دست نشاندگان امپریالیسم‌امریکا وانگلستان بتصویب رسید ویکی‌از بزرگترین گامها درراه جنك ودشمنی باصلح برداشته شد. سازمان‌ملل‌متفق که چند سال پیش‌رژیم آدمکشانه فرانکو را غیرقانونی دانسته و بهمین جهت از دولت‌های عضو خواسته بود کـه روابطهٔ سیاسی خـود را بآن قطع کنند اینك علی‌رغم تصمیم چند سال پیش خود داشتن رابطهٔ سیاسی بادولت فرانکو را مجاز دانست . تابان ترتیب اندك اندك پای فـرانکو عامل هیتلر و سرسپرده امپریالیست‌های امـریکائی را بمجامع بین المللی باز کنند وامپریالیستها لیز در بندوبست‌های نظامی و اقتصادی با این خدمتگذارخـود آزادتـر و بی پرواترباشند.

در میان همهٔ این اقدامات ضد صلح سازمان ملل متفق که بتحریك امپریالیسم جهانی صورت میبندد ابقای تـریگوه‌لی درمقام دبیر کلی سازمان طـلـل بسیار با معروف اعلامیه‌ای صادر کرد ودر دست داشتن کره را برای بمباران سیبری و منچوری ضروری دانست و اینك وی با همکاری تریگوه‌لی روزی چندین صدتن بمب بر مردم کره فرو میریزد تاآن را برای «بمباران منچوری وسیبری» دردست بگیرد ،ملت کره راقتل‌عام کند و آنگاه بگوید :

«چشمهای پرمن از دیدن اجساد کشتگان شادمان میشود».

تریگوه‌لی نه تنها بعنوان دبیر کل سازمان ملل متفق به نقض اساسنامه آن سازمان اعتراض نکرد بـلکه همه جـا کوشید بعنـوان کسی که در راس این تشکیلات جهانی قرار دارد سازمان ملل را بدنبال هوسهای‌جنون‌آمیز امپریالیسم امریکا درراه جنك بکشاند .

وی تا کنون در باره همه اقدامات امپریالیسم آمریکا که هر یك بنوبه خود پایه هـای سازمان ملل متفق‌را فرو میریزد سکوت رضایت آمیزی اختیار کرده است . و حال آنکه دبیر کل سازمان ملل متـفق مسئول حفظ اساسنامه و حیثیت سازمان است ، تا آنجا که میتواند باید در اجرای وظیفه خویش کوشا باشدوبی گمان‌این فعالیت‌بی‌ثمر نخواهد ماند .

بهمین علل دولت‌شوروی بارهاموزی مجدد تریگوه‌لی بسمت دبیر کلی سازمان ملل‌مخالفت کردونیز بهمین‌علل‌امپریالیسم امریکا خواستار ابقای وی‌در این مقام است .

زیرا کسی‌را نخواهد یافت که بخوبی تریگوه‌لی بتواند بنام سازمان نظریات جنك طلبانه اش‌را اجرا کند . دولت شوروی‌برای حصول توافق‌نامزدی‌لودز- لوسکی وزیر امور خارجه لهستان را پس گرفت ، بااینکه همه نامزدهای دیگر برای این‌مقام مانند راؤو(هندی)، رمولو (فیلیپینی)ازوابستگان دستگاه‌امپریالیسم میباشند بااینهمه دولت امریکاحاضر نشده دست‌ازتریگوه‌لی بردارد .

بالاخره بر اثر فشار امریکا، برخلاف اساسنامه سازمـان و بدون توصیه شورای امنیت تریگوه‌لی سه سال‌دیگر درمقام خود «ابقا » شد . و حال آنکه در اساسنامه صریحا صحبت از انتخاب‌است‌نه‌ابقا.اگرتریگوه‌لی واقعا خواستار حفظ اساسنامـه سازمان ملل و احترام آن میبود بایدخود وی‌باین‌عمل‌امپریالیسم که با اساسنامه ضدیت آشکار دارد مخالفت میورزید ، و میخواست که یا ویرا برای پنج سال دیگرانتخاب کنند ویاهیچ.

رئیس هیئت نمایندگی شوروی وپشینسکی اعلام داشت :

« چنانچه تریگوه لی برای هر مدت جدیدی در اثر فشار ایالات متحده امریکا بمقام دبیر کلی‌منصوب شوددولت شوروی نسبت باین انتصاب بی‌اعتنا بوده آنرا برسمیت نخواهد شناخت.» بدیهی است که دولت شوروی نمیتواندباانتصاب‌شخصی‌چون‌لی بمقام دبیر کلی موافقت کند.زیرا اوهیچ وظیفه ای بـرای خـود نمیشناسد جز اینکه سازمان ملل متفق را بـدنبال هوسهای جنك طلبانه‌امپریالیسم بهمه‌ماجراهای جهانی بکشاند .

با درنظر گرفتن نقشی که این مرد تاکنون بازی کرده، تحمیل تریگوه‌لی از جانب امپریالیسم امریکا بسازمان نتیجه ای جـز وخیم‌تر کردن‌اوضاع بین‌المللی نخواهد داشت . و این همـان چیزی‌است که‌امپریالیستهای‌جنك طلب‌خواهان‌آنند.

آیا لازم‌است‌روابط ایران‌و

بقیه ازصفحه ۱

را احضار نمایند و رفع سوء تفاهم بین ایران و ممالك عربی بشود » در اینجا دو مسئله اساسی وجود دارد :

۱ ـ نماینده مجلس کسی که عمر خودرا درسیاست‌وامور اجتماعی گذرانده است گویا هنوز امیدانـد ملتها از ارتباط با یکدیگر از ایجاد روابط صمیمانه و قرادادبا یکدیگر چه سودی میبرند ـ ایشان می‌پرسند فائده‌اعزام مامور بفلسطین چیست ؟

پاسخ‌این‌سئوال‌برای کسی که وابسته بملت باشد و قدمهائی بنفع مردم بردارد بسار روشن است ، درفلسطین مردمـی ساکنند که تمدنی دارند، دارای فرهنگی میباشند ،صنایعی‌دارند ـ ارتباط با آنان باعث بهم پیوستگی دوملت‌خواهد گشت. ممکن است کـه روابط موجود بین فرمانروایان کشور ما و اولیاء کشور اسرائیل‌بر پایه تمایل‌سیاست‌های‌استعماری برقرار باشد .

البته اینگونه‌روابط‌هیچگونه‌سودی بحال افراد دو ملت نخواهد داشت .

قرار و مدارهـای سیاسی طبقات حاکمه که از ملت ها جدا هستند مسلما نتیجه مفیدی بنفع ملت ها نخواهد داد ولی این موضوع‌با ایجاد روابط دوستانه متقابـل بین ساکنین دو کشور تفاوت دارد .

۲ ـ منظور سئوال کننده این بوده است که‌ملت ایران نبایستی با مردم‌ساکن ایسرائل روابطی داشته باشد زیرا بقول ایشان ملل عربی از این موضوع رنجیده خاطر میگردند ـ بازهم در اینجا باید حساب ملل عربی‌را ازحکومت های ستم پیشه‌ای که آنان‌راتحت فشارقرارداده اند جدا نمود.

برقراری‌روابط بین دو ملت کوچك ترین زیانی بحال ملل عـربی نخواهد داشت در حالی که ممکن است بـرای طبقات حاکمه این ملل که از امپریالیسم انگلستان الهام میگیرند‌خوشآیند باشد. ملت ایران نمیتواند توجهی بتمایلات طبقات پوسیدهٔ که اکنون بردنیای عرب تسلط دارند داشته بـاشد وبعض رضای خاطر آنها از اقداماتی که ممکن است بنفع خود تمام شود صرفنظر نماید.

جلب خوش‌آیند این‌طبقات درواقع ارضای خاطر استعمار انگلستان است که سالها است رشته های حیاتی ملت های عربی را در اختیار دارد ـ ملت ایران از اینگونه رضایت خاطرها چه سودی خواهد برد.

لنگر این گروه چه قدمی میتوانند بنفع ما بردارند. کسانی که ملت های خودرا درتحت فشار فقر وگرسنگی و حبس و کشتار قرار می دهند و متافـع کشور خودرا فدای امیال استعمار جویان می‌سازند چه تأثیری می‌توانند درزندگی مردم کشور مـا داشته باشند که ملت ایران ناچار شود دراقدامات سیاسی‌خود مراعات رضایت خاطر آن‌هارا بنماید . طبقات حاکمه ملـل عـربی خود طبق دستورات استعمار جـویان بیگانه قـدم بر می‌دارند در جریان جنگهای فلسطین این موضوع بخوبی روشن شد که اینان برای تثبیت موقعیت انگلستان‌جان‌ملتهای خود را فدا نمودند .

بین ملل ساکن فلسطین و نواحـی مجاور دشمنی و اختلاف انداختند وآتش برادر کشی برپا نمودند تنها نتیجهٔ که از این کشتار مردم عاید شد سازش موقتی امپریالیسم انگلستان وامریکابایکدیگر، تقسیم پایگاهها و نفرذ های سیاسی خود در خاورمیانه از یکسو و فقر وبدبختی و گرسنگی بیشتر ملل عربی از سوی دیگر است .

اکنون جریانات بین المللی ملـل عـرب و یهود را بیدار نموده است اکنون افراد روشن و فهیـم این دو ملت تشخیص می دهنـد کـه تنهـا راه نجاتشان از بدبختی و فقر این است که دست اتحادو صمیمیت‌بیکدیگربدهند با مشارکت و همکاری یکدیگر سایه طبقات ظالم و متجاوز و استعمار گران بیگانه را از سر خویش دور سازند در اینصورت خواهندتوانست بکمك‌یکدیگر بوضع اقتصادی خود سر وصورتی بدهند. برای بهداشت و نان و آب خود چاره بیندیشند.

ایجاد روابـط بـا ملت ایسرائیـل هیچگاه مورد رنجش مردم بیدار عرب قرار نمیگیرد هم‌چ

حقایق جالبی در باره کشور سویس

بقیه‌ازصفحه ۱

آشنائی من باسویس بیطرف پیش‌از ورود من‌بخاك‌سویس وبایهتر بگویم بسفارت سویس در «برن کل» آغاز شده است • پیش از آنکه ویلیات پاسپورت مرا ویزا کند • پیشنهادکاغذی را که نام‌دهن پر کن «اعلامیه» داشت‌بمن‌دادتا‌امضاء کنم •

این «اعلامیه»را در «برلن»دروزارت امور خارجه‌ترتیب داده بودند • سویسی‌های «برلن» بزبان‌آلمانی صحبت میکنند،ولی اسناد سیاسی را باوجود اینکه زبان‌فرانسه نمیدانند بزبان‌فرانسوی مینویسند‌من کوشش میکنم که‌درترجمه سبك ادبی «اعلامیه» را حفظ کنم • این «اعلامیه» هم‌ازلحاظ مندرجات‌وهم‌ازلحاظ شکل، عجیب‌و غریب‌بود : «امضاء کننده زیر آقای‌ایلیاارنبورك متعهدمیشود که‌در هنگام اقامت خود درسویس از کلیه کارهای سیاسی وعلی‌الخصوص ازابرازدسخنرانیها خودداری‌نمایدودر اجتماعات‌اعم‌ازعمومی‌وخصوصی حضور بهم نرساند و کنفرانس مطبوعاتی‌تشکیل ندهد» •

من باانتظار نتیجه صحبت تلفونی نشستم • پاسخ رسیده نمی توانست مرا تسلی دهد : حکومت سویس‌اصلاح‌را نپذیرفته بود و معلوم بود که حضور من‌به‌تنهادر اجتماعات‌سیاسی ، بلکه همچنین‌در اجتماعات « ادبی ، فرهنگی ، اقتصادی ومذهبی » نیز ممنوع شده است • باید خاطرنشان سازم که دیلیمات بامبریانی بمن اجازه‌رفتن سینما وکلیسا را داد • من از دیلیمات پرسیدم «اجتماعات‌خصوصی یعنی‌چه ؟» • اگر ناهر کتابهای من ، مرا دعوت نماید ، آیا می توانم دعوت اورا بپذیرم یانه ؟ دیپلیمات فکری کرده و در جواب گفت :

« بلی » – «اگر ناهر متمایل باشد چطور؟ » – « این کاملا طبیعی است » – « اگر ناهر دوستان خود را نیز دعوت نماید‌آنوقت چی ؟ » دیپلمات جالی گرفت وبا عجله پرسید : « چند نفر ؟ » درپاسخ گفتم ، من سویسی نیستم ، درفرد ما « آسیائی ها استفسار ازمیزبان درباره عده مدعوین دیگر عملی دور از اراکت شمرده میشود •

دیپلمات نفسی کشید وگفت که او باید از تو دراین باره با « برن » مشورت‌نماید • پس از یکساعت انتظار فهمیدم حکومت سویس پیشنهاد میکند که بجای کلمات « اجتماعات خصوصی » « مجامع خصوصی » بنویسند •

خنده مرا خفه میکرد ولی خودداری کردم و با اراکت از دیپلمات تشکر کرده وگفتم : « شما واقعا بزرك منش هستید ، شما برای مقاله من سوژه های عالی بدست من‌دادید » •

هم مندرجات و هم شکل « اعلامیه » حتی روزنامه‌های ضد شوروی را نیز شرمگین ساخته بود • مدیر « گازت دولوزان» آقای «بکین» نوشته بود :

« ما از طرفداران روش کمونیستی نیستیم ، ولی رژیم شوروی واقعیتی است که ما باید آنرا بدانیم • ما باید با رژیم شوروی نه تنها از روی مقالات و یا سخنرانی‌های دشمنان آن، بلکه همچنین بوسیله مماشرت با کسانی که به تفوق آن معتقدند ، آشنا شویم • سخنرانی های ایلیا ارنبورك درباره ادبیات شوروی برای ما جالب توجه و تماس او با نویسندگان سویسی که در کنفرانس « سن ـ گال» گردآمده بودند ، مثمر خواهد بود • نه ، همه اینها ممنوع شده است • ارنبورك از پیش ما میرود ، در حالیکه تماس آزادانه با مردم را احساس نکرده است ، درحالیکه هیچ‌گونه اطلاعی در باره زندگی ما ، درباره احوال‌و روحیه ما، درباره‌شکل زندگی ما بدست نیاورده است » •

مقارن زمانی که من در سویس بودم ، ژنرال « سپاتس » آمریکائی وارد این کشورشد • از او نخواستند که اعلامیه‌ای امضا نماید • واگرهم او « سخنرانی ایراد نکرد » برای آنست که‌او تخصص دیگری دارد :

« بمباران هوائی دوردست » او ؛ البته میتوانست در هر جائی که میخواهد « حضور پیدا نماید »و درواقع هم هر جائی که دلش خواست حضور پیدا کرد ، نه در کنفرانس نویسندگان بلکه در « ژان‌گستاد » در فرودگاه نظامی‌سویس « بیطرف » •

از «بیطرفی» سویس مثالهای دیگری‌نیز میتوان‌آورد• ایراد سخنرانی درسویس برای «لیورسا»ی نقاش ، «پیر کوت» نماینده مترقی پارلمان فرانسه ، «سیمون‌تری » نویسنده زن ، ژنرال «پاتی»و«ساپان» رجل اتحادیه کارگری،وسایر هواداران صلح ممنوع‌شده است •درعوض آقای چرچیل بدون هیچگونه مانعی در «زوریخ»صحبت کرد وصحبت‌های او بیشتردرباره جنك‌بود تا صلح. آقای «آدناور » صدراعظم «بن» جنایات‌نازیها را در« بن » آزادانه تبری‌می کرد • وکیل«پتن» آقای«ایزورمن»دلنا در دفاع ازخیانت‌سخن‌میراند • در« کنفرانس اروپائی»در«لوزان»درحضور دوشیزه دانشجوئی‌را دوشهر « بین » برای آن‌ازدانشگاه اخراج کرده بودند که برفقای خود قطعنامه تحریم اسلحه اتمی را داده بود • من گمان میکنم در اینجا می توان داستان « بیطرفی » سویس را خاتمه داد •

پس از پایان جنك کشور هـای هجوار سویس ، بشمارش کشتگان خود وجمع بندی خرابی‌های وارده از جنك پـرداختند ؛ ولی سویس با آمار دیگری مشغول بود : او منافع خودرا حساب میکرد• روزنامه‌ها اقتخارمیکردند که درپایان دومین جنت جهانی درسویس کوچك ۱۹۱۲ نفر میلیونر پیدا شده که مجموعه سرمایه آنها بچهار میلیارد وسیصد میلیون فرانك سویسی یعنی یك‌میلیارد دولارمیرسد •

سویس متوسط هنوز باتصورات واهی زیادی زندگی‌میکند مثلا ، اوچنین گمان میکند که علت ثروتمند شدن او در سالهای جنك برای آن نیست که شانس آورده بلکه برای آنست که او خردمند تر از دیگران است • من کسی را ندیده ام که در قمار ببرد وخود را سقراط بشمارد، ولی سویسی‌هابمن میگفتند : « مادر پرتو عقل سیاستمداران ونیروی‌ارتش‌خود از خطر جستیم » •

سویسی ها ساده لوحانه فکر میکنند که حصار کوهها آنها را از ارتش ملل دیگر جدا کرده است و حال آنکه آنهاازافکار ملل دیگر جدا شده اند(آنهم البته نه بوسیله کوهها) بیست سال پیش من درباره سویس نوشته بودم : «چنین است سرنوشت این کشور ، ساختمانی بسازد که وقت را بـا دقت کاملی نشان بدهدو دهها سال دردنیا عقب بماند» از آنزمان کشورهای هجوار سویس خیلی چیزها ازسرگذرانده‌اند :بر سرکار آمدن هیتلر ، جنك‌مهیب، حماسه پارتیزانهای فرانسه آزاد ، اعدام موسولینی ،تجزیه‌آلمان ، مبارزه فرانسویهاو ایتالیاییها علیه اربابانی که شیئته سهام جنگی این «زادگان جنك» شده‌بودند •

ولی سویس مانند سابق در حال درست کردن ساعتها ، نمیخواهد بگذشت زمان گوش فراداده • مقصودم آن نیست که زندگی بورژوای سویس تغییر نکرده ، اینجا نیزمانند سایر کشور- های اروپای باختری میتوان‌با نشانه‌های امریکائی شدن پر خورد کرد• سرمایه دارکمتر میخواهد (کمتر از پدرش) ، با مسائل فلسفی وسیاسی زمان آشنا نیست ، با وجود تکامل،بخیال برقی‌و کروتومتر حالی ، او شهرستانی عقب‌مانده ای‌را بخاطر میآورد • من بخودا‌جازه میدهم که مثال خنده‌آوری نقل کنم. دوتوخانه‌اینکه بخودا‌جازه میدهم که مثال خنده‌آوری نقل کنم. دوتوخانه‌اینکه «دستوبوسکی» درآن زندگی میکرد،حفظ شده است• میخواستند بر بالای این خانه تابلوئی نصب نمایند : « ف • م دستوبوسکی در این خانه روی زمان « ابله » خود کار میکرد • اربابِ خانه اعتراض کرد و همشهریانش از او پشتیبانی کردند ، «ابله» توهین بزنواست وممکن است توی‌ذوق‌جهانگردان بزند •

ـ در«زوریخ» مرا بمهمانی دعوت کردند • چون من از میزبان عده معدودی را پرسیدم،دراطاق پذیرائی ۲۰ نفرکه‌در بین آنها شهردار«زوریخ » نیزبودحضور یافته‌بودند • یکی‌ازمهمانان که مانند‌زیگلوها لباس پوشیده‌بود ، باصدای کسلی‌بمن گفت :«شما میگویید که روزنامه های‌مادرباره کشور شما دروغ مینویسند امن فکر نمیکنم ... مثلا ، من مقاله‌ای خواندم که ترن‌های‌شما اغلب تاخیر میکنند ،در کشور ماایننطور نیست • چرا مانباید درباره‌تاخیر ترنهای شما دررورنامه «زوریخ» بنویسم ؟ »من‌جواب دادم :

«مسائل‌حمل ونقل راه‌آهن مربوط بتخصص من نیست • ولی من میخواهم بگویم که یك ترن روسی بموقع خود رسید آن ترن برلین بود ، فقط در سایه این بود که شما زنده مانده‌ید و آسیب ندیدید » •

چهار راه اصلی اروپا گاهی‌بن بست را بخاطر آدم‌میاورد، معذالك مردم اینجا نیز بیدار میشوند ، بدون خود نظر میافکنند و بفکر فرو میروند •

خطر جنك ،سویس ها را از بی‌حسی بیرون آورده‌است • عده زیادی ازنمایندگان مشهور روشنفکران بجنبش در راه صلح ، ملحق شده‌اند • دربین‌آنها یونانشناس «بونار » ،مؤلف کتابهای گرانبها درباره فرهنك یونان باستان ونقاش نامدار «اولی »را میتوان نام برد.

رجاله های بورژوازی این انسانها را تکفیر میکنند • من مقالات رذیلانه ای در باره « بونار » خواندم ، اما آنچه که مربوط به « اولی »است، اینست که بعد از آنکه او تابلوئی‌برای هواداران صلح کشید ، اسکناسهائی که از روی مدل او تهیه شده بود ، توقیف گردید • این انسانهای واقعا بزرك ،نشان‌میدهند که‌سویس تنهاجای اداره سیاشی،سرگرد«راب» ،نمایند گیهای‌بورس وگاوهای‌شیرده‌نیست •

آقای « بکن » بیهوده بیم داشت که من با سویسی‌ها‌خوب بر خورد کنم ، آرزوهای مردم را درك نمایم• درست‌است که‌من موفق نشدم در کنفرانس نویسندگان سویس حاضر باشم ، ولی از رس‌تو گراروشماپیدائم ، ادبائی که در « سن ـ گال » گرد آمده بودند ، منحصرا در باره نجات کودکان سویس سخن نمیگفتند •

ولی من انسانهای زیادی دیدم ، بـدون اینکه برفـاه مادی‌خود اهمیت بدهند ، شرافتمندانه در راه‌صلح و در راه‌انتخار سویس مبارزه میکنند •

بقیه‌در صفحه ۶

به پیروی از اربابان پولدار ینگی دنیای خود ازدادن روا دید ورودی باو خود داری کرد وحتی برای یك ساعت اجازه اقـامت پاریس باو داده‌نشده •

اربنورك بناچار از فروه گاه پاریس به سویس عازم‌شد • او میگوید ناگزیر در باریك وسویس که هردو همسایه فرانسه‌اند مدتی اقامت کرد تا باعده ازدوستان و آشنایان بیشمار فرانسوی‌اش ملاقات کند ومطالب جالب ونوی اززندگی فرانسه پس از جنك برای کتاب خود بدست آورد •

مقاله‌زیر یکی ازمقالات پنجگانه نامبرده ومربوط بسویس است و برای کسانیکه نسبت به‌چگونگی « بیطرفی » این کشور علاقمند اند وهمچنین برای کسانیکه «بیطرفی» کذائی سویس را سر مشق بیطرفی میدانند ، مطالب گویای فراوانی دارد.

نظامی‌ها‌تنها صحبت‌می کنندویاماقاله‌می‌نویسند،–آنهادست بکار عملی هستند •درناحیه «فورت‌بوفورت» (در ایالت کانزاس امریکا)مدرسه نظامی امریکائی‌وجود دارد •رئیس این‌مدرسه ژنرال «منتون‌ادی» دراین‌اواخر توضیح‌داد که در این مدرسه افسران خارجی مشغول تعلیم گرفتن هستند و این کار « پیمان آتلانتیك را مستحکترمیکند» •

سویس بطوررسمی بپیمان آتلانتیك ملحق نشده،ولی‌افسران سویسی با افسران فرانسوی وبلژیکی ولوکزامبورکی‌وهلندی درمدرسه نظامی امریکائی مشغول تعلیمات هستند • جای تعجب نیست که در مطبوعات آمریکا با اعترافات علنی درباره اینکه : « بایدعقربك سویس نقش خود را در پیکار آینده بخاطر اروپا بازی کنند» تصادف میکنیم •

باچنین روحیه ای « تیراندازان » جوان را تربیت‌میکنند در۲۱ آوریل سال جاری در شهر « سیون» دبیر دبیرستان آقای «کارل گنن تینا » بشاگردان کلاس بالا، متن زیررا برای ترجمه اززبان فرانسوی بآلمانی‌دیکته میکرد:

« بگذار روسها بیایند، آنها شجاعت ما را خواهند دید. ما از این خرسها ، بخاطر دوستان خفه شده وزنان ربوده شده انتقام خواهیم کشید • این راهزنان میخواهند میهن ما را از دستمان بربایند ، آن‌ها سربازگرد آورده اند وبنزدیکی کوههای آلپ رسیده اند... برای مقابله با دشمن پیش! ما اورا برای تمام تحریکاتش مجازات خواهیم کرد! خدا مارا حفظ کند! زنده‌باد آزادی! مرك‌بروسها!»

این نوشته اشتزا آور وبست در مطبوعات انتشار یافت• پروفسور «کارل گن تینا» مجازات نشد• تبلیغات برای جنك در سویس « بیطرف » مجازات نمیشود ولی تبلیغات برای صلح در سویس « بیطرف » مجازات میشود•

چهارنفر دانشجوی دانشگاه سویسی ، چون برفقای خـود ، امضای بیانیه استکهلم را پیشنهاد کـرده بودند ، توبیخ شدند•

نظری بماهیت سیاست خارجـــــــــی هندوستان

بقیه‌ازصفحه ۱

اخیراً حکومت هندمیل دارد که «استقلال» سیاست‌خارجیش را برخ بکشد• تارگی‌ها نهرو نخست وزیر بوسیله رادیو سازمان ملل متفق اعلامیه‌ای منتشر نموده که بنابرآن هند دراموربین‌المللی دارای «سیما ونظریه متفاوتی بخود» میباشد . سابق بر این درهمین زمینه ،بوسیله‌رئیس‌جمهور هندراجند را پراز‌اداعلامیه‌دیگری‌انتشار یافت• سی ویکم ماه ژانویه درنطقی که برنامه پارلمان را تشریح مینمود اظهارداشت که :

«اساس سیاست حکومت من حفظ صلح ودوستی باکلیه ملل عالم وکمك نمودن بانمام وسائل ممکنه برای نگاهداری صلح جهانی است• » پرازاد تاکید کرده است که «هند با ادامهٔ رژیم استعماری بهرشکل وفرمی شدیداً مخالف است وهمچنین نسبت بـه انواع برتری ژادی» •

هم چنین درمحافل دولتی دهلی‌چنین اظهار میدارند که هند قصد الحاق به بلوکهائی که امتریالیست‌های انگلوآمریکن برپا می کنند ندارد•

خلاصه ، وضعیات گواهی میدهند که سیاست هیئت‌حاکمه هند بااین اعلامیه‌ها تطبیق نمینماید• این مطالب تااندازه‌ای مربوط بوضع عمومی هند میباشد

زیرا : درصورتیکه هند رسما استقلال یافته ،ولی هنوز در زیر بوغ امپریالیست انگلستان باقی‌مانده است وبیش از پیش زیر نفوذ امپریالیست‌های آمریکائی میفتلطد •

مراکز حساس اقتصادی مانند بانکها ، دریانورد ،شرکتهای بیمه‌دردست‌سرمایه‌داران انگلیسی‌هستند • بریتانیای کبیرفروشنده‌اصلی اسلحه ومهمات بهند باقی‌مانده• پست‌های عالی درنیروی دریائی‌و هواپیمائی هند توسط افسران بریتانیائی اشغال‌شده‌است•

قرض جنگی که انگلستان بهند مدیون است کشور اخیرا طبیعتا داخل دربلوك داران انگلیسی نموده است• و از طـرف دیگر ، بزبان منافع ملی ،حکومت هند اقتصادیات کشور را تحت سیطرهٔ آمریکا در آورده• وبدین وسیله‌ازتوسعهٔ بازرگانی‌بااتحادشوروی وکشورهای دموکراسی‌نوین جلوگیری میکنند•

درماههای اول پس ازاستقلال هند در دهلی گفتگوی‌زیادی از جدائی کامل از دومیثیون جدید امپراطوری بریتانیا میشد •

ولی بالاخره کنفرانس نخست وزیران کامن‌ولث، کشورهای «مشترك المنافع» متشکله درلندن درمـاه آوریل ۱۹۴۹ آشکار ساخت• و پارلمان هند نیز رسما اعلام نمود که جمهوری هند جزء تفکیك ناپذیر امپراطوری بریتانیا باقی میماند•

درحالیکـه انگلستان بدنبـال سیاست تهـاجمی واشنگتن کشیده می‌شود ، هند نیز بنوبهٔ خود بدنبال امپریالیستهای‌امریکائی میرود•

باوجود اینکه وزراء هند وعده دادند کـه خودرا ازبلوك متعرض دور نگهدارند ، مطبوعات هند معتقدند کـه در کنفرانس وزیران امور خارجه امپراطوری بـریتانیا متشکله درکلمبو درماه ژانویه ۱۹۵۰ هند «بطور وضوح اگر نه بالقوه اقلا بالفعل بلوك غربی پیوست» است•

بنا بگفته وزیر کشور « پاتل » درهند گروهی‌ازآمریکائی ها که به ۳۵۰۰ نفرمی‌رسند مستقر گردیده‌اند• اکنون مدت‌طویلی است که یك مسیون آمریکائی بعنوان «کمك فنی » درهند اقامت دارند ، بتازگی دسته جدیدی از خبرگان آمریکائی به دهلی‌رسیده تا نسبت «کمك » به هند راکه برابر بند معروف ترومـن داده خواهد شد تعیین برنند• بـدون گفتگو این برنامه شامل هند می گردد•

اتارونی کمترین کمکی به هند نکرده است • لکن خواسته های خود راکه دارای اهمیت فوق‌العاده هستند باو تحمیل می کند. روزنامه ، بهارت‌ژیوتی ، باستناد اطلاعات محافل رسمی تاکیدمی کند که واشنگتن با اصرار ازحکومت هند می خواهد که‌بسرمایه های آمریکائی که در هند بکار افتاده همان امتیازاتی راکه‌ساکنین هند واجدند اعطا نماید• حکومت هند در مقابل این تقاضاتسلیم‌می شود• این «تساوی» امتیازات بین اقتصاد کم رونق‌هندو کرکهای حریص آمریکا می‌تواند بنتایج بسیار وخیمی منجر گردد.

از یکطرف هیئت حاکمه هند بنفع واشنگتن کار کرده و وانمود میکنند باینکه حقیقتا بادامه کمك امریکا معتقدند• ازطرف دیگر در عین حال ، آن‌ها نمی‌توانند فشار شدیدی راکه نسبت‌بآن ها اعمال می گردد مخفی نمایند • نهرو در بازگشت خودازاتازونی از فشار ناهنجاری که در واشنگتن باو وارد آمده است پارلمان مذاکرات کلمبو در بارهٔ مشارکت مثبت هند در بلوك‌غربی که می خواهند در اقیانوس آرام منعقد نمایند نیز اظهاره کردیده است و بدینطریق می‌خواهند هند را به سربلی علیه جنبش‌آزادی ملی کشور های آسیائی تبدیل نمایند• ترس از اینکه این موضوع در هند باعث اشکالات داخلی گردد طبقه حاکمه را از اعمال علنی این موضوع باز داشته است ، از آنجهت است که توافق بین سیاست‌داران آمریکائی و نهرو جز بر روی مسائل اقتصادی‌تحقق شکایت کرده وگفته است که « دوست ندارم مرا تهدید نمایند •»

فیلم جنایتهای آمریکائیان در کره

چنانکه خبر نگار سین خو از پکن اطلاع میدهد درکنفرانس‌مطبوعاتی شهر پکن فیلم مستندی از وقایع کره نشان داده شده که معرف تهمکاری و اعمال زشت و محکوم‌کننده تجاوز کاران امریکائی در کره میباشد • بزودی این فیلم برای مجمع ملل متفق‌ارسال خواهد شد •

این فیلم روش جنك تجاوزکارانه امریکا را در کره نشان میدهدو اعمال وحشیانه ای که بوسیله سرمایه داران امریکا و حکومت‌دست نشانده ایشان لی سین‌مان بوقوع می‌پیوند آشکارا میسازد • برای گرفتن این‌فیلم از روزنامه‌ها و فیلمهای خـبری که دشمن درستول‌بجا گذاشته استفاده شده است• تماشاچی دربرابر خود می‌بیند که چگونه « جون‌نوستردایس» با دسته‌ای از افسران ارتش لی سینمان خائن وضع تدارك جنگی را در مجاور منطقه مـدار ۳۸ درجه بازدید و آزمایش میکنند ، چگونه بمطالبه‌نقشجات جنگی و استراتژیکی پرداخته انـد و با دور بین ها بسمت شمال‌داخل خاك‌جمهوری کره شمالی که بزودی باید مورد تهاجم واقع شود، نگاه‌میکنند •

این فیلم‌سندی چند روز پیش از شروع جنك غاصبانه بضد کره شمالی برداشته شده‌است •

تماشاچی سیمای متعجب لی‌سینمان را بچشم می بیند که باخنده شیرینی برلب تعظیم کنان‌دستهارا بهم‌میمالد •

مشاهده‌این فیلم که وحشیگریهای امریکائیان و هرکاه ایشان ، دار و دسته لی‌سینمان رانشان‌میدهد انسان را بلرزه میاورد •

تماشاچی گودالهای عظیمی را می بیند که با اجساد مردگان پرشده، ساحل دریا را آبوه کشتگان دست بسته فراگرفته که چشمانشان رابیرون آورده‌و شکمشان را پاره کرده اند •

هـوا بـیماهای بمب افکن سنگین امریکائی بشهر «یخنیان» نزدیك میشوند • تمام‌شهر را بکباره دود غلیظ و شعله های آتش فرا میگیرد • خلبانان امریکائی بار های خود را بدون نظم و تـرتیب بر خانه‌های مسکونی دهاقین وروستائیان فرو میریزند. بیمهای آتش زا و مرگبار بروی بیمـارستان ها که پرچم‌های‌سرخ بزرك بر فرازشان در اهتزاز است ، بروی معابد و کودکستانها ومدارس و ساختمانهای غیرنظامی دیگر افکنده میشود •

این فیلم نتایج وآثار تیر باران‌ساکنین غیر نظامی‌را نشان میدهد •

جاده ای که بنزره میرود با انبوه اجساد پر شده ، زن مقتولی دیده میشود که در همان نقطه که هدف گلوله خائنین واقع شده روی زانو نشسته‌است، لباس اوهنوز میسوزد و دود میکند • اطفال کوچك ضجه وناله میکنند و کنار جسد مادر خودبسروروی خود میزنند •

دسته‌ای از اطفال بسلسل بسته شده انـد • تماشاچی در این‌فیلم مشاهده میکند که چگونه مردم صلح طلب کره معدوم میشوند وشهرهای آنها یکی پس ازدیگری زیر بمبهای‌غاصبان امریکائی‌طعمه‌حریق و ویرانی میگردد •

فیلم با این‌زیر نویس پایان می‌یابد :

اگر مجمع ملل متفق بخواهد چون سازمان تحکیم و استقرار صلح درسراسر جهان باقی بماند ، بایدباین‌خونریزی وجنایت که بنام او انجام میشود ، خاتمه دهد •

نپذیرفته است، کسی بعد از مراجعت نخست وزیر هند از اتازونی روزنامه لبنانی الشرق این اطلاعات را از واشنگتن منتشر کرده است که :

در واشنگتن بین اتازونی وهند موافقتی حاصل شده است که بنا بآن آمریکا حق تقدم بکار انداختن سرمایه های خـود را در اقتصاد هند بدست آورده است ... باضافه آمریکاتضمین‌های مخصوصی برای حمایت سرمایه هایش نیز کسب کرده است

بدینطریق هیئت حاکمه هند تسلیم مراکز اقتصادی هندرا به انحصار طلبان وال استریت پذیرفته لیکن از الحاق ملی‌به‌پیمان تهاجمی اقیانوس آرام بیم دارند،ظاهرا سرنوشت غم‌انگیز دسته کوچین تاتك درس عبرتی برای آن‌ها بوده است •

لیدر های کنگره ملی هند ـ حزب دولتی ـ در این باره متمایل باحتیاط بیشتری‌هستند درصورتی که چنین احتیاطی موردپسند همکار های آمریکائی آن‌ها نیست •

مجله ایسترن اکونومیست کـه متعلق بیکی از بزرگترین سرمایه داران صنعتی هند است درتفسیر رفتار دولت هند چنین می- نویسد که هند باید «دوصف آتازونی قرار گیرد »ولی «مشکلات روحی » مانع این کار است •

این مشکلات عبارتند از ترس از اتهامات « همکاری بـا امپریالیسم » • بعبارت دیگر هیئت حاکمه هند ترس‌دارند ازاین که ماسك آنها در مقابل دیدگان توده ها دریده شود • در برابر نفوذنهای نیرومند جنبش آزادی ملی در کشور های آسیا و شرق دور • هیئت‌حاکمه هند از ملت خـود می ترسـد • جنبش ضـد امپریالیستی در هند تضعیف نگردیده • حکومت دهلی درك کرده باید‌پرفتن‌سیاست‌آمریکائی‌وضع‌خود رادرداخل کشوربخطرمیاندازد. آن موضوع بطور وضوح توسط یکی از نمایندگان کنفرانس‌اخیر هند و امریکا که در دهلی در باره روابط اقیـانوس آرام تشکیل گردید تأیید شده است هیئت حـاکمه هند امیدوارند که با بـازی کردن نقش بی طرفی یا سیاست « حد وسط » آن‌ها می‌توانـند توده ملت های آسیا را فریب دهند • لکن ،مقابل‌رفتار دوپهلوی آن‌ها را بخوبی روشن می‌سازد •

در ماه مارس گذشته معلوم شد که نهرو تصمیم گرفته در کنفرانس ضد کمونیستی آسیای جنوبی و آسیای‌شرقی که بوسیله رئیس جمهور خیمه‌باز فیلی پین کیرمیو تشکیل شده بودشرکت کند • سخنگوی وزارت خارجه هند باشتابزدگی تصریح نمود که حکومت هند دعوت کیریلو را رد نکرده است بلکه فقـط انعقاد چنین کنفرانسی را « بیموقع » تلقی کرده است • ولی بعدا‌معلوم شد که دولت هند در ۲۶ ماه مه یك نماینده باین کنفرانس گسیل داشته است •

در نیمه ماه مه درسیدنی کنفرانسی از ممالك امپراطـوری بریتانیا برای همان هدف تشکیل گردیده بود و آن هدف «برپا ساختن یك بلوك ارتجاعی در کشورهای آسیائی میباشد»حکومت هند هم چنین کوشش نمود که در آن کنفرانس وضع‌اعتدالی‌بخود بگیرد • در عین حال حکومت هند باندازه مقدورات خود بزرژیـم ضد ملی کشورهای آسیا و مخصوصا بحکومت ارتجاعی بیرمانـی کمك مینماید• با وجودیکه‌یکی ازشرائط برقراری روابط‌دیپلماسی هند با جمهوری ملی چین این بود که در ورود کشور اخیربسازمان ملل متفق موافقت نماید ممثالك نمایندگان هند در سازمان ملـل متفق سیاست دو پهلوئی در این مورد اتخاذ نموده اند•

عکس العمل وحشیانه نسبت به عناصر دموکراتیك ، ترور اعمال ضد هلیه کارگران که برای‌حقوق دموکراتیك واقتصادیات ابتدائی خود در مبارزه هستند • اینها حقایقی هستند از عملیـاتی که سیاست ارتجاعی حکومت هند را مشخص می کنند • از طرف دیگر رفتار نامنجار حکومت، هند دلالت از توسل درمقابل‌مقاومت روز افزون توده ملیت است • مقاومتی که یك همکاری علنی با بلوك امپریالیست مهاجم را برای حکومت هـند مشکل‌می‌سازد•

هند یکی ازحلقه های خیلی ضعیف زنجیر امپریالیست‌میباشد بدین جهت است که لیدرهای کنگره ملی هند مجبور از استتار اتحاد مخفی خود با امپریالیستها شده اند • لکن مخفـی نمـودن تسلیم بیش از پیش ایشان در مقابل امپریالیستها آنگلو آمریکن بر ایشان مشکل است • هیئت حاکمه هند بیش از پیش از دفاع ملی شانه خالی می کنند • قدا ساختن منافع ملـی در راه منافـع امپریالیستها نتیجه اجتناب نا پذیر سیاست ارتجاعی در این کشور است •

بالنتیجه لیدر های کنگره ملی هند بیش ازپیش‌درمخالفت با ملت قرار گرفته کشور را به طریقی که‌بنتایج‌شوم منتهی‌میگردد سوق میدهند •

عشق بی‌پیرایه
ازنوالداواسیلوسکایا
بزودی‌توسط بنگاه ناقوس منتشرمیشود

نوید آزادی
مدافع حقوق زحمتکشان
هرهفته روزهای شنبه منتشرمیشود

بند و بست چند تن ناساز گار

بقیه ازصفحه ۱

عده‌ای ازهمان اشخاص استفاده جو که مانند کاه بدنبال هرجریانی میروند، همیشه شخصیت خود وقلم خود را در خدمت زور وقدرت میگذارند ، امروز بقوام‌السلطنه می پیوندند وپست او وپشتیبانی اوبزرگترین دشمنی هارا با آزادی خلق روا میدارند ، وفردا بصف مخالف پیوسته وبا تائید تمام اعمال ضد انسانی وضد بشری ان خط‌نسخ بروی کلیه حقوق‌ملت میکشند ، باردیگردربرامون قوام‌السلطنه حلقه‌زده وباردیگر دربرامون قوام‌السلطنه حلقه‌زده وباردیگر ویکارانه ، زیرعلم‌وانام «حکومت ملی» «دموکراسی» و تحکیم اساس مشروطیت سینه می زنند مادر این مورد حرفهای زیادی داریم.

این مدعیان دروغ پرداز آزادی و دموکراسی و حکومت ملی اینها که در مدت هشت نه سالی که از حکومت «دموکراسی» لبه بند میگذرد وبارها رنگ‌عوض کرده وچندین صف مختلف و متناقض پیوسته‌اند ، در آنروزهائی که به دست حکومت چهار نظامی بزرگترین ضربه بربیکر آزادی‌ومشروطیت» وارد میشد ، آنروز که تمام آزادیهای خلق‌با یك توطئه خائنانه بزیر پا گذاشته شد و مامورین سرنیزه بدست حکومت نظامی با ایجاد حکومت ترور ووحشت کشورما را مبدل بزندان بزرگی نمودند ، آنروز که تجاوزات مامورین قلدر حتی حرمت مسکن‌ملت ایران‌را ازمیان بردوآنروز که حمله‌دسته جمعی علیه‌مطبوعات کشور ماانجام یافت وتمام‌مخالفین‌دستگاه‌بیدادگری یکجا توقیف شدند ،

آن روزی که حتی زنها و بچه ها در درون خانه‌ها ایمنی وامنیت نداشتند این پاوه سرایان دروغ پرداز چه کردند جز اینکه قلم‌خود وروزنامه خود را در اختیار زور و قدرت گذاشتند ؟

آن‌روز که توطئه برعلیه‌حیات‌وحقوق ملت ایران انجام گرفت وآقایان کوچك ترین جریان خلاف اصل وقانون در آن ندیدند بلکه درحماسه‌سرائیهای حکومت جبارنظامی‌شرکت میکردند و درمذبحی که‌آزادی ملت ایران قربانی میشد زانو میزدند وسجده میبردند .

همینها امروز میخواهند بار دیگر خود را یار و یاور «حکومت ملی» و اساس مشروطیت و نگهبان آزادی وحقوق خلق بقلم بدهند .

آیا ملت ایران را تا این حد فراموشکار و دور از مرحله تصور کرده‌اند ؟

ازاین‌مسئله بگذریم‌ـ حزب‌دموکرات ایران که «جناب اشرف آقای‌قوام‌السلطنه» به تجدید حیات‌آن هست‌بسته‌اند در کشور ما چه نقشی داشته وچه‌نقشی ایفاء نموده است . آیا نقش اساسی این حزب جز ایرادضرب‌به‌برمبارزه‌منطقی‌وبی گیرملت‌ایران بود؟ حزب دموکرات ایران برای اغفال مردم‌مملکت با یادگارهای فریبنده‌بمیدان آمد وعده مبارزه برعلیه حشرات موذیه داد . از تعدیل روابط مالکین وزارعین سخن بمیان آورد ، ولی خود مبدل به لانه همین حشرات موذیه شد . مبدل به پاتاگاه وکمینگاهی شد که از آنجا ذوالفقاریها و قوام‌الملك‌ها و کلیه فئودالهای ستم پیشه وجبار آخرین آثار آزادی خلق را پایمال کردند . تجاوزات خود را علیه حیات مردم با شدت بیشتری ازسرگرفتند وکاری بروز کار کشاورزان آوردند که هیچ تشون‌خارجی وتاراجگر ممکن نبود بدتر از آن را روابدارد .

بهمین دلیل بعضی اینکه ارکان دولت قوام‌السلطنه متزلزل شد حزب دموکرات‌ایران که بضرب سرنیزه وادارام برسرپامانده بود مانند برف در تموز آب شد زیرا تشکیل‌دهندگان‌حزب نه از بین مردم ونه برای صیانت حقوق مردم بلکه برای دشمنی با مردم گرد هم آمده بودند وتنها هدف مشترك بین‌آن ها همان‌منهدم کردن بنیان نهضت‌های‌ملی وآزادیخواهانه بود .

در حقیقت جز این نیز نمیتوانست باشد زیرا حزبی که از بالا بپایین روی آورد وبجای طبقات اصیل‌مردم متکی به مشتی بند و بست جی باشد طبعا نخواهد توانست در بین مردم ریشه‌ای بدواند .

باوجود این در بعضی از این قبیل روز نامه‌ها واقعیت هائی دیده میشود . روز نامه ستاره پس از یك مقدمه بسیار طولانی در شماره روز جمعه گذشته‌خود باصراحت بیشتری از «تجدیدحیات‌حزب دموکرات ایران» دم زد و باز هم خواسته است تکاپوئی را که برای یك سلسله‌بندو بستهای‌در ورای‌محیط‌زندگی مردم ، و در بالای سر مردم بقصد اغفال مجدد مردم میشود بحساب «تحکیم اساس مشروطیت» بگذارد .

در مقدمه بسیار طولانی آن‌بنا چار واقعیت‌هائی بطور پراکنده ذکر شده حقایقی ببیان آمده وآنگاه سعی شده است از مجموعه این گفته های پراکنده نتیجه‌ای غلط و گمراه کننده گرفته شود . کیست امروز در تمام‌ایران که نمیداند اعضاء مجلس شورای ملی منتخب ونماینده ملت ایران نیستند ؟ کیست که نمیداند نمایندگان مجلس پانزدهم بودند که در روزهای آخر عهد آن مجلس قلم نسخ بر آخرین بقایای حقوق‌اساسی‌ملت ایران کشیده و حکومت ملیست را در آستان‌حکومت‌زور و سرنیزه سر بریدند. ولی وقتی کسی این مسئله بسیار بدیهی را مقدمه قرار میدهد تا بار دیگر جائی برای «تجدید حیات» حزب دموکرات ایران باز کند باین روش او جز مغالطه و سفسطه چه میتوان نام نهاد ؟

درهمین روزنامه پس از نقب و منقبت‌حکومت بسیاردموکراتیك‌برینانیای کبیر که معلوم نیست چرا باید نتیجه طبیعی وقهری واجتناب ناپذیرآن‌برای یك میلیارد مردم شرق کند و زنجیر و اسارت‌مادی ومعنوی باشد بار دیگر از مزایای تحزب (البته به سبك انگلستان ومورد‌پسند آقای بوین واتلی)سخن‌بمیان آمده‌است .

دراین مقاله گفته شده است که وقتی نمایندگان مجلس مبعوث حزبی متشکل بودند ناگزیرند راه حزب را بروند ، ناگزیرند از خواسته های حزب دفاع کنند . این گفته اصولا صحیح است .

ولی وقتی نویسنده پس ازاین‌مقدمه پردازی بسراغ حزب دموکرات ایران میرود فورا این سئوال پیش میآید که مگر مجلس پانزدهم که ازحیث نقض حقوق ملت ایران بزرگترین مسئولیت تاریخی را بعهده گرفت ساخته وپرداخته حزب دموکرات ایران نبوده .

مگر نمایندگان آن مجلس را سر نیزه حکومت نظامی و ژاندرمری بمردم تحمیل نکرد ؟ ومگر درهمان روزهای اول این مجلس درراهی درست برخلاف وعده‌ها و وعید های «جناب اشرف» قدم نگذاشت

ماهم موافقیم که « بدون حزب اساسا دموکراسی‌وجود نخواهدداشت» ولی شاوماخوب‌میدانیم که‌نه «جناب‌اشرف آقای‌قوام‌السلطنه»و«سر کل» نه‌آقای‌دکتر مصدق‌السلطنه ، نه آقای‌سید ضیاء‌الدین موجد کودتا ونه‌آقای تقی زاده هاقبه زاده که ملت ایران‌چهره‌های‌واقعی‌آنها را خوب‌می‌شناسد ،طبعا نمی‌توانند قدمی بسود مردم وتجدیده ومحروم بردارند . راه اینها از راه ملت ایران جداست . ملت ایران راه خود را می‌پیماید و بامبارزات منطقی و منظم خود این داد های‌اهریمنی‌رابارمی‌کند‌وزنجیرهای‌اسارت را میگسلد .

اولیاءدولت ایسرائل

چگونه‌سرنوشت خودرا تسلیم امیال امپریالیسم امریکا میکنند

در هفته‌های اخیر حوادث مهمی‌در جریان سیاست کشور ایسرائل رخ داده است ـ این‌حوادث هنگامی‌روز نمودند که تصمیم دولت درباره جیره‌بندی‌پارچه ولباس و کفش درپارلمان آن کشور مطرح شد (اوآوت) ـ مسلما‌این‌موضوع معرف شکست سیاست اقتصادی دولت ایسرائل است که بوسیلهٔ لیدرهای حزب مپای اداره‌میگردد ـ ولی با وجود این نخست‌وزیر، بن گوریون ، از طرح‌دولت دراین‌باره دفاع نمود وباین بهانه‌متوسل گشت که توسل به‌جیره‌بندی برای « بالا آوردن سطح زندگی عموم طبقات ملت میباشد !» ـ بن‌گوریون‌برای اینکه این ادعای غلط وپوچ خودرا باثبات‌رسانده بالحن پرطمطراق وحکیمانه‌ای‌اعلام‌داشت که «کشور ایسرائل‌نه دارای رژیم سرمایه داری است و نه سوسیالیست می باشد»[وزیر خواربار و جیره‌بندی وارد صحبت شد ونخست‌وزیر را ازبحثی که خود ناشیانه‌بوجودآورده بود رهاساخت؛ وی گفت : «دولت چارهٔ جزاین برای رفع بحران اقتصادی وخطر افلاس و ورشکستگی که دستگاه‌مالی کشور را تهدیدمی‌نماید نداشته است» ـ مسلما با توسل به جیره‌بندی کفش و شلوارنمیتوان جلوی‌خرابی وضع اقتصادی و افلاس را گرفت‌طبیعی‌است که باید منتظراقدامات دیگر دولت در این زمینه بود ـ این موضوع واقعیت پیدا کرد ـ روز سوم سپتامبر کنفرانسی برای بررسی بامور اقتصادی در اورشلیم تشکیل شد ـ بجز افراد دولت‌عدهٔ ازلیدرهای صهیونیست وگروهی امریکائی از کارخانه داران و بانکداران عظیم آن کشور در این کنفرانس‌شرکت‌نموده بودند‌ـ بن گوریون برای اینکه توجه مهمانان ماوراء بحار واجانب نماید وآنانرا بکمك ! بدولت خودوادارد سخن‌از جنگ کرده بمیان‌آورد

ـ تجاوزکاران امریکائی‌را ستودو دولت شوروی ودموکراسی‌های توده را مورد حمله قرارداد سپس باکمال فروتنی و تواضع از مهمانان تقاضای یك‌ملیارد‌قرضه برای اجرای برنامهٔ ۳ساله‌وتوسعه‌صنایع بعمل آورد :

نمایندگان وال استریت قبول‌این‌موضوع بن‌گوریون بیش از پیش در راه ورود سرمایه های خصوصی بیگانه تسهیلاتی فراهم آورد و فعالیت آن‌ها را درداخل موسسات صنعتی و بازرگانی کشور باز مانع سازد .

لیدر های مپای برای اینکه در مقابل این پیشنهاد سر تسلیم فرودآورند وآنرا تائید نمایند یا هیچه تمام شورای عمومی‌هستدروت (اتحادیه‌عمومی کارگران ایسرائل) را دعوت نمودند وبا اکثریت نسبی که دارا میباشند موفق گشتند رای برخروج‌و کناره‌گیری‌هیستدروت‌ازف س بگیرند و این نظر را بکرسی بنشانند اکنون نمایندگان وال استریت هنگامی که بامریکا وارد می‌شوند این‌حقیقت را باولیاء خود تذکر خواهند داد که لیدر های مپای سرانوشت ملت اسرائیل را کلادگر وسیاست ماجراجویانه‌امپریالیست امریکا قرار داده‌اند .

حقایق جالبی درباره کشور سویس

بقیه ازصفحه ٤

یکروز پیش از حرکت من از این کشور ، در « بین » کنفرانس‌ملی‌هواداران‌صلح تشکیل‌شده‌بود من‌نتوانستم در کنفرانس حاضر بشوم : کنفرانس طرفداران صلح ، فردو گاه‌نظامی وابوینده شوروی ، ژنرال امریکائی نیست ولی مرا با تمام قلب‌خود بادوستان سویسی بودم ، غروب بمن خبر دادند که کنفرانس علیه جلو گیری ازحضور من در کنفرانس طرفداران‌صلح ، قطعنامه اعتراض آمیزی صادر کرده است .

من نامه‌ای از کمیته جوانان آزاد سویس دریافت کردم : « با احساس‌انزجار عمیق ، ما دانستیم که دولت سخنرانی شمارا در کشور ما قدغن ساخته است . اجداد ما خون شود را در راه آزادی نثار کرده‌اند . ولی اکنون سخن آزاد در کشور ما خفه میشود . جوانان از شما خواهش می کنند درود قلبی آن‌ها را به جوانان شوروی برسانید و بگوئید که دوشیزگان وجوانان‌سویس علیه سوء قصد کننده‌گان برضدآزادی‌وجمع‌امضاء زیر بیانیه‌استکهلم مبارزه می کنند ، »

شخصی بساکنین « زوریخ » گفته بود که در شهر آن ها نویسنده شوروی اقامت دارد . اشخاص ناشناسی برای مشایعت من آمده بودند ، عده آن هاخیلی زیاد بود ـ کارگران‌دانشجویان دوشیزگان و پیر مردان . من میدانستم آن ها برای آن آمده بودند که بملت شوروی و بحس برادری او نسبت بهمه ملت ها اطمینان دارند . من با این احساسات دوستانه ، بشری و همدردی از سویس حرکت کردم . نمیدانم « میانس » ژنرال آمریکائی با چه احساسی سویس را ترك گفت ، آیا فهمید که اکنون قرن هیجدهم‌زمانیکه سربازان مزدور سویس بخاطر پادشاه فرانسه کشته میشدند نیست .

زمان در اینجا اگرچه یکندی ولی معذالك حرکت میکند و من گمان میکنم که جوانان‌سویس ازاغش کم‌ارزشی که آمریکائیها بآنها پیشنهاد میکنند ، اعتراض خواهند کرد ، نواده های «تیل» در راه منافع سهام « زادگان جنك » تیر اندازی نخواهند کرد .

قرارداد خیانت بار ۱۹۳۳ هیچیك نمی وانند نماینده وانعکاس دهنده نیازمندیهای ملت‌ایران باشند .

ما قبول داریم که بین این‌قبیل‌عناصر ازلحاظ بستگی آنها با دستگاه مدیره کشور درداخل وبادشمنان ملت‌ایران در خارج سنخیتی وجود دارد : قبول داریم که این‌سنخیت ممکن‌است چندصباحی بازهم آنها را بهم نزدیك کند ، ولی نه دوست دشمنان ملت ، نه‌دوست فریب دهندگان واغفال کننده‌گان‌ملت را نمیتوانیم‌بحساب «تحریب» بگذاریم . اینها که امروز باقویترین مرا کزقدرت داخلی‌و خارجی بندوبست دارند نمی‌توانند حافظ منافع ملت‌ایران‌باشند ، نه «رهبر حزب‌دموکرات ایران» یانه‌گرار مظالم‌مجلس‌پانزدهم، نه‌آقای‌مصدق « رهبر محبوب‌جبهه‌ملی» که عوام فریبانه ترین نقشها را همیشه بسود قدرت‌های ستمگری بازی کرده ، نه آقای سید ضیاء‌الدین و تقی

صاحب امتیاز ش انور
محل اداره
طهران خیابان‌بوذرجمهری سه‌راه سیدو

بهای اشتراك

یکساله	۱۳۰ ریال
ششماهه	۷۰ ریال

مقالات وارده مسترد نمیشود واداره در اصلاح و درج آن‌مختاراست
بهای آگهی بادفتراداره است .

رشت هرروز
اصفهان «
شیراز «
تبریز یکشنبه ـ سه‌شنبه ـ ۵ شنبه
مشهد هرروز
رضائیه مستقیم بزودی
برای تهیه بلیط بهٔ ت‌ت‌خیابان شاه و ت‌ت‌چهارراه یوسف آبادو باشعبات آ
مراجعه فرمائید تلفن ۵۱۲۳

اتو کرمانشاه
اگر نظم و آسایش درمسافرت راطالبید با اتو کرمانشاه مسافرت کنید

خلاصه نطق بولگانین معاون‌شورای وزیران

بقیه ازصفحه ۱

در کلیه رشته‌های سیاسی واقتصادی وفرهنگی استقبال می کنند ، رژیم شوروی شرکت توده‌ها در کلیه امور اجتماعی وغیره تامین می‌نماید وبهترین وسیله ابراز نیروی خلاقه آنها می باشد

موفقیت‌هائی که اتحاد شوروی بدست آورده حس میهن پرستی مردم مارا بیش از پیش تقویت کرد ، این حس چنانکه وفق‌استالین می گوید : «براساس نظریه‌نژادی وبرتری ملتی برملت دیگر نیست ، بلکه بر اساس همکاری برادرانه مابین ملل‌شوروی است »

براثر کارهای خلاقه عظیمی که‌در کشور ما جریان‌دارد این‌همکاری برادرانه بین ملل‌شوروی‌تحکیم میشود وتقویت می‌یابد .

کلیه جمهوریها دره‌له دولت نه‌ملل طی سالیان اخیر موفقیت‌های عظیم اقتصادی‌وسیاسی وفرهنگی‌بدست‌آورده‌اند ، وحدت سیاسی ومعنوی‌جامعه‌شوروی روزبروز محکم‌تر‌میشود .

نتایج انتخابات شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی وشورای‌عالی‌جمهوری های ملی بعداز جنك بهترین دلیل این مدعاست . تفوق رژیم اجتماعی شوروی که درجنك گذشته‌بعوی‌ثابت شد درسالهای‌کارسالت‌آمیز بنحوبارتری‌ثابت میشود .

سپس بولگانین‌بنقشه پنج‌ساله‌ای که پس‌ازجنك‌تصویب‌شداشاره کرده‌وچنین گفت : خسارات وارده بکشور ما در زمان جنك آنقدر زیاد بود که دشمنان ما میخواستند آن‌را وسیله اجرای مقاصد سوء خود قرار دهند ، و پیش خود حساب میکردند که ماقادرنیستیم چنین خسارات عظیمی را جبران کنیم ، لیکن حساب آن‌ها غلط درآمد ودولت شوروی برای ترقی صنایع ازهرنوع درخود نیرو و مقدوراتلازمه پیدا کرد.

مردم شوروی تحت رهبری حزب برای اجرای نقشه پنج ساله پس‌ازجنك از صرف مساعی فرو گزار نکردند این نقشه مرحله نوینی در سیر تکامل کشور ما بشمار میرود ، منظور عمده عبارت بود از احیای نواحی آسیب دیده ازجنك ورساندن سطح اقتصاد کشور بسطح قبل‌ازجنك وتجاوز از آن، امروزه‌با کمال افتخاری‌توان گفت که این منظورعملی شده‌است .

برطبق نقشه پنج ساله میبایست کـه حجم کلی‌تـولیدات نسبت به قبل از جنك بمیزان ٤٨ درصد ترقی کند ، صنایع ما نه فقط باین سطح رسیده بلکه از آن نیز تجاوز کرده‌است

درسال ۱۹٤۹ میزان تولید ازسال ۱۹٤۰ پنجاه درصد تجاوز کـرد در این جا بولگانین بترقیات شگـرف مردم شوروی در رشته‌های مختلف صنعتی و کشاورزی اشاره کرده و با ارائه دادن آماری از وضع فعلی صنایع نشان داد کـه در کلیه رشته‌ها نـه فقط منظور نقشه پنج ساله عملی گـردیده بلکه از میزان پیش بینی شده در آن تجاوز شده است . وسپس بولگانین چنین گفت .

در کشورهای سرمایه‌داری قسمت اعظم درآمد ملی بجیب‌طبقات‌استثمارگر ریخته میشود ، در میهن ما درآمد در اختیـار زحمتکشان است و بنظر ترقی روز افزون سطح زندگی مـردم میهن ما تقسیم می‌شود . و بـه این جهت افـزایش درآمـد در شوروی بمیزین گـواه تـرقی وضع زندگـی توده زحمت کش است

باتقلیل قیمتی که ازطرف دولت درسال ۱۹۵۰ برای‌سومین بارصورت گرفت قوه خرید «روبل» ترقی کرد وسبب تحکیم‌آن شد

در کشور ما اینك درآمد کارگران بمیزان ۲٤ درصد از درآمـد قبل از جنك بیشتر شده است ونیز درآمد دهقانان تا ۳۰ درصد فزونی یافته است

ادبیات وهنر های زیبا باموفقیت شایانی تـرقی می کند شبکه موسسات علمی و تحقیقاتی بنحو بارزی گـسترده می‌شود ، دانشمندان شوروی ایـن منظور رفیق استالین را که «دراسرع اوقات باید بسطح علم درخارج از کشوررسید و ازآن نیزتجاوز کرد» بطور شایانی عمل کرده‌اند.

دانشمندان ما پس‌از کشف نیروی اتم کمك زیادی به‌پیشرفت وتوسعه‌صنایع عظیم شوروی مینمایند.

اتحاد شوروی در مبارزه در راه تحکیم صلح در تمام جهان

اتحاد شوروی ضمن انجام کارهای عظیم ساختمانی با اصرار تمام در راه دوستی وصلح و همکاری بین ملل مبارزه میکند .

ملل کشورهای جمهوری دموکراسی توده‌ای دوش بدوش دولت شوروی در این راه مقدس گام برمیدارند ملت کبیر چین تحت رهبری حزب کمونیست که در راس آن رفیق ماوتسه تونك قرار گرفته است در راه صلح مبارز میکنند جمهوری دموکراتیك آلمان با قدرت کامل در راه صلح قرار دارد ملت قهرمان کره در راه آزادی میهن خود بجنك آزادی بخش مشغول است این ملتی هستند که جبهه صلح و دموکراسی و سوسیالیسم را تشکیل می‌دهند .

رفیق استالین گفته است که اختلاف مرامی مانع هم‌زیستی ملل بخصوص اتحاد شوروی و ایالات متحده امریکانیست برای همکاری لازم نیست که ملل دارای سیستم یکسان باشند باید سیستم هائی که ازطرف مردم پشتیبانی میشود محترم شمرد . باید بین امکان همکاری و تمایل به همکاری‌فرق قائل شد .امکان بهمکاری همیشه موجوده است ولی تمایل بهمکاری همیشه موجودنیست .

تمام مردم دنیا از اقدامات دولت ما در راه صلح و همکاری بین ملل باخبراند و می دانندکه در مقابل جبهه صلح دموکراسی جبهه امپریالیسم قرار دارد که زمام آن بدست محافل حاکمه ایالات متحده آمریکا است این جبهه شروع جنك و سیاست حکومت اقویا بر ضعفا را پیش گرفته است .

امپریالیست های امریکا حساب میکنندکه با ایجاد جنك سوم می توانند جبهه صلح را از بین برده و لهجت‌های کارگری‌را درهمه کشورها خفه کنند بدین منظور است که‌مسابقه تسلیحاتی دراین کشورها جریان دارد وزیاد میشود وبقایای آزادیهای دموکراتیك تدریجا از بین میرود ومردم صلح دوست وآزادیخواه تحت تعقیب قرار میگیرند .

مقامات جاکمه انگلیس وفرانسه که زمانی سیاست مستقل خارجی داشتند اکنون بطور دربست اوامر وزارت امور خارجه آمریکا را تبعیت میکنند .

امپریالیست های آمریکا اخیرا از سیاست تهیه تجاوز به تجاوز علنی دست زده اند .

دوله این امر تجاوز آن‌ها بکره است ، دولت‌شوروی‌بسیاست‌صلح خود ، وفادار است و از اول امر او داشت که مسئله کره با مسالمت حل گردد ، بهمین منظور پیشنهاد کرد که عملیات جنگی قطع شود نیروهای‌خارجی خاك کره‌ازخلیه کنند و بملت کره امکان داده شود که مسائل داخلی خود را خود حل کند ، ولی آمریکائیها که در راه تجاوز گام برداشته بودند این پیشنهادات مسالمت‌آمیز را رد کردند و همه ملل دیدند که چه کسی طالب صلح است و چه کسی درراه‌جنك قدم بر میدارد .

امپریالیست های آمریکا جنك را در کره ادامه دادند البته ازشکست‌های پی درپی، تمام نیروی خود را در اقیانوس کبیر متمرکز کرده وحتی به نیرو های خود امیدوار نشده و نیروی انگلیس و دول دیگر را بکمك طلبیده وبدین‌وسیله موفقیت هائی در جنك کره کسب کردند ، ملت کره که قهرمانانه در راه استقلال و آزادی میهن خود مبارزه می کنند در مقابل نیرو های متجاوز که چندین برابر برتری دارد بناکامیهای جنگی دچار شد ولی بهیچوجه اراده ملت کره در مبارزه سست نشده در هر جنگی ناکامی هست ، زمانی مردم شوروی هم دچارناکامی‌های جنگی‌شدند.

اما بالاخره صفوف متجاوزین را درهم شکسته وبیرون‌ریختند.

ملت کره بواسطه مبارزه قهرمانانه خود احساسات دوستانه‌ملل رابسوی خود جلب نمود ، کره پرچم مبارزه آزادیبخش تمام‌ملل مستعمره گردیده‌است

سپس بولگانین درباره نقشه‌های امپریالیست‌های امریکا برای شروع جنك بین المللی دیگر اشاره کرده واظهار داشت :

روشی که از طرف امپریالیست های امریکاوانگلیس ، پیروی می شود امکان هرگونه همکاری بین‌المللی را از بین برده است نقض آئین‌نامه سازمان ملل متفق وتشکیل اتحادیه تجاوزکارانه آتلانتیك وجلوگیری از اتفاق قرار داد صلح با آلمان وسعی هرچه بیشتر در اشغال آلمان واحیای مجدد آرتش آلمان‌و از این قبیل راهی است که امپریالیست‌ها در پیش گرفته‌اند همواره پیشنهادات شوروی که برای تحکیم صلح صورت می گیرد ردمی کند و آمریکا سعی می کند که سازمان ملل متفق وشورای امنیت را ضمیمه وزارت‌خارجه خود کند

بدین ترتیب‌نشان‌می‌دهد که مایل نیست برای باز کردن راه همکاری کوشش کند، آن ها کوشش می کنند سیاست صلح طلبی ما را تبلیغاتی برای گمراه کردن اشخاص جلوه دهند ، وحال‌آنکه دولت شوروی درمجمع عمومی سازمان ملل‌متحد پیشنهاد کرد که برای جلوگیری از جنك مذاکره پنج دولت بزرك شروع شود و تبلیغات جنگی‌ممنوع شود و اسلحه اتمی تحریم شود و بهتر نظارت بین المللی وقتی براین تحریم برقرارشود و تعداد نیروهای صلح تا یك سوم تقلیل یابد و باز هم این تقلیل ادامه داشته باشد .

بنظر میرسد که قبول این پیشنهادات کار ساده ای است ولی آن ها با اکثریت فرمانبردار خود در سازمان ملل ترجیح دادند که این پیشنهادات را رد کنند زیراکار آنهارا عقیم میگذارد.

این آقایان نسبت بشوروی روش تهدید پیش گرفته اند، اینها باید بدانند که مردم شوروی از تهدید نمی‌هراسند ، باید تجربه بآن‌ها نشان داده باشد که سیاست صلح ما دلیل ضعف ما نیست . و مردم ما بدفاع ازصلح قادراست وحتی اگرلازم شود بااسلحه ازمنافع میهن‌خود دفاع‌خواهد کرد.

مللی که درراه صلح مبارزه میکنند اطمینان‌دارند که پیروزخواهندشد.

سیاست حزب لنین ـ استالین می‌باشد نقش رهبری کننده حزب در همه قسمت ها هویداست، حزب منافع مردم را مافوق همه چیز قرار داده و در راه آن مبارزه میکند ، این حقیقت منبع نیروهای اتحاد شوروی میباشد.

زنده باد پرچم شکست ناپذیر انقلاب کبیراکتبر!
زنده باد مردم پرقدرت شوروی !
زنده باد حزب کمونیست پرشهامت ما !
زنده باد صلح درتمام جهان

انقلاب کبیراکتبر

بقیه ازصفحه ۲

پاره شد و همیشه عملیات جنگی خانه یافت قشون روس از ایران خارج شده حق تعیین‌مقدرات ایران را بدست خود ایرانیان خواهند سپرد.

در اینموقع که حتی مسلمانان هند باوجودکوبیده شدن بدست ظلم و غشار بیگانه باز برعلیه ستمکاران‌سر بشورش برداشته اند ، ما ملل مظلوم را بـرای استخلاص بزیر پرچم خود می‌خوانیم.»

قرار دادِ ۲٦ فوریه ۱۹۲۱ ، در حکم یك سند انقلابی است ، بیانی که تنها در شأن یك کشور ضد استعماری ، یك کشور متعلق بطبقات زحمتکش مـی تواند باشد ، اتحاد شوروی‌ضمن‌این‌بیمان کریمانه ، تمام قیود استقلال شکن‌را از پای ملت ایران برداشت وامتیازات ها و بنا های دوران تزاری رادر ایران برایگان بملت ما بخشید .

اتحاد شوروی میهن ما را از خطر فاهیم نجات بخشید و بنیروی ارثش نجات بخش خود وطن مـا را از ایـن بلای عظیم ایمن داشت .

کمکهای مادی و معنوی فـراوان که دوماری ازآن ،موافقتنامهٔ بازرگانی اخیر منعقده میان ایران و شوروی است هیچگاه ازخاطره‌ملت‌زنجیده‌مافراموش نخواهد شد.

ملت مابامهرفراوان کامیابی های بزرك اتحاد شوروی‌رادر راه صلح و آزادی ـ درراه‌بنیان ریزی جهان تابناك فردا ، می ستاید ملت ایران در مبارزه پی گیرخویش باعمال‌ستم، بااستعمار گران تبهکار خارجی و ایادی مزدور ایشان ، از سنن مبارزهٔ نخستین مردم‌رهائی‌یافته‌جهان، خلق عظیم شوروی لهام‌میگیرد، ملت ما ، درخت‌برومند «انقلاب کبیر اکتبر » را هرچه بار ورتر میخواهد وهرروزشکوفه‌هائی شاداب‌تر ودل انگیز تـر آرزو میکند .

نهم ژانویه

از ماکسم گورکی
بتوسط بنگاه مطبوعاتی ناقوس
منتشر شد
بها ۱۰ ریال

نورامون ویرا درمان دردهاست
همیشه نورامون ویرا همراه داشته باشید
زیراهرکس نورامون ویرامصرف نموده دیگراز قرصهای جدیدوامتحان نشده استفاده نخواهدکرد
نورامون ویرا دوازده سال است که بحسن اثرمشهوراست

نیمروز

موافقت نامه بازرگانی

بقیه از صفحه ۱

یك تاجر آذربایجانی که در تهران متوقف است به روز نامه اطلاعات گفته بود که بعد از امضاء این قرار داد دوباره امکان یافته است تا فورا به موطن خود مراجعت کند. علاوه بر مطبوعات و افکار عمومی در مجلس شورای ملی نیز از طرف قاطبه فراکسیونها و دسته های مجلس نسبت به امضاء این قرارداد ابراز رضایت شد.

پس از نطقی که آقای نخست وزیر مبنی بر گزارش جریان امضاء موافقت نامه به اطلاع مجلس رساندند ابتدا آقای سردار فاخر حکمت رئیس مجلس و بعدا آقای قائم مقام رفیع رئیس کمیسیون امور خارجه و بعدا یك یك نمایندگان فراکسیونها نسبت به اهمیت قرار داد بازرگانی و فوائد بیشمار آن برای اقتصادیات ایران و حسن نیت دولت اتحاد شوروی نسبت به ایران سخن گفتند. حتی نماینده فراکسیون جبهه ملی، فراکسیون مخالف دولت نیز ضمن نطق خود این اقدام دولت را جدا تائید کرد و نخواست زیر بار این اتهام برود که با قرار داد تجارتی ایران و شوروی مخالف است.

اگر این اندازه نسبت به امضاء قرار داد تجارتی ابراز احساسات میشود و حتی رادیو ها و خبر گزاری ها و مطبوعات انگلیسی نیز مجبور به اعتراف فزاینده این قرار داد میگردند و صدای آمریکا اجبارا در این باب سکوت میکند، از این جهت است که این قرارداد حقیقتا و واقعا برای ایران مفید است فوائد آن بحدی مسلم است که حتی هیچ فرد مغرض و سفطه جوئی نمیتواند آن را انکار نماید، خاصیت عمده اقرار داد بازرگانی ایران و شوروی در این است که بر اصول پایاپای استوار است یعنی اگر کشور ما جنسی از دولت شوروی بخرد مانند موارد معامله با امریکا و انگلیس لازم نیست بهای آن را از ارزهای محدود ذخیره کشور بدهد بلکه میبایستی با فروش جنس محصول ایرانی به اتحاد شوروی قیمت محصول وارداتی را جبران نماید.

از این امر دو فایده حاصل میشود یکی آنکه ارزهای ذخیره کشور سرجای خود میماند. و دیگر اینکه تولید اجناس محصول ایران ترقی میکند، کشاورزی و گله داری به حرکت میآید، بیکاران برسر کار میروند و بحران بیکاری و کمی تولید تا اندازه زیادی جبران میشود.

اگر نظری به لیست اجناس وارده افکنده شود بخوبی مشاهده خواهد شد که این اجناس بر خلاف اجناس امریکائی اجناس غیر لازم و بنجل نیستند بلکه اجناسی هستند که کشور ما صد در صد بدان احتیاج دارد. دولت شوروی این اجناس ضروری برای زندگی مردم ایران را با قیمت هائی بمراتب ارزان تر از قیمت های نظیر آن در کشور های امریکا و انگلیس در دسترس ما میگذارد و در هوش باخرید برنج، توتون، کتیرا، پوست، زیره و خشکبار ایران به کشور خاطرنشان میدهد تا فعالیت دامنه داری برای احیاء اقتصاد کشاورزی خود که اینك در اثر عملیات غاصبانه استعمار گران دچار ورشکستگی و بحران شده است بعمل آورد.

دولت اتحاد شوروی یك دولت ضد استعماری است. دولتی است که بحران اقتصادی مازاد تولید گریبانگیر اقتصاد سوسیالیستی آن نیست و از این جهت بر عکس کشورهای استعمار گر نمیتواند در روابط تجارتی خود با کشور های دیگر جز روابط مساوی، برادرانه و کمك بیغرضانه بکشور مورد معامله نظر دیگری داشته باشد

بهمین جهت است که امضاء قرار داد بازرگانی باشوروی به اقتصادیات و پول ما اعتبار داده است. روزنامه ها خبرهائی منتشر میکنند که با انتقاد این موافقت نامه قیمت لیره و دلار نسبت به ریال پائین آمده است.

خبر های دیگر حکایت میکند که اجناس وارداتی خارجی تنزل یافته اند و مثلا بقول روزنامه کیهان جلوار امریکا پس از امضاء موافقت نامه تجارتی بقوریت از متری ۱۷ ریال به متری ۱۳ ریال تنزل پیدا کرده است و میتوان انتظار داشت که بر قراری عمل روابط بازرگانی باشوروی نه تنها سطح تولید و کارورا در کشور ما بالا خواهد برد بلکه کمك های ذیقیمتی به ارزانی هزینه زندگی در ایران خواهد بود.

چنین است فواید مسلم این قرارداد که تا اینحد در افکار عمومی ایران مورد تجلیل قرار گرفته است

برقراری چنین روابط تجارتی با اتحاد شوروی طبعا سبب خواهد شد که ملت ایران این روابط درست و شرافتمندانه را با روابط مبنی بر سودجوئی و افسونگری کشورهای امپریالیستی مورد مقایسه قرار دهد و بظلم فاحشی که کشور های آمریکا و انگلستان نسبت به اقتصاد کشور ما روا میدارند پی ببرد و حقوق حقهٔ خود را جدی تر بخواهد. مسلم است قرار داد مزبور این اثر را خواهد داشت که دولت های استعماری وادار میشوند در ظاهر هم شده است در روابط کنونی ظالمانه فعلی خود با کشور ایران تا حدی تجدید نظر نمایند

آقای رزم آرا حین نطق هاو تبلیغات خود سعی دارند امضاء قرار داد مزبور را بحساب فعالیت خود بگذارند و بدین ترتیب برای دولت خود که تا قبل از امضاء این قرار داد هیچ قدم مثبتی بنفع کشور برنداشته بود اعتباری کسب کنند. نمایندگان مجلس نیز چنان در نطق های خود حرف میزنند که گویا آنها همیشه طرفدار ایجاد روابط حسنه بین ایران و شوروی بوده اند. و این موضوع باید دلت بیشتری مبذول داشت. آقای رزم آرا و همچنین نمایندگان مجلس که در بارهٔ تمایل به روابط حسنه با اتحاد شوروی دادسخن داده اند بایستی واقعا به حرف های خود عمل کنند نه آنکه صحبت از علاقه به دوستی باشوروی را وسیله ای برای کسب اعتبار از دست رفته خود قرار دهند.

ملت ایران از دولت و اکثریت مجلس میخواهد که مراقب باشند قرار داد بازرگانی ایران و شوروی ملعبه بازیهای استعماری دولت های خارجی نشود بلکه بنفع ملت ایران بطور دقیق و کامل اجرا گردد.

ملت ایران میل دارد با اتحاد جماهیر شوروی دولت بزرگ ضد استعماری همسایه ما روابط دوستانه تر و وسیع تری داشته باشد. میل دارد از کمك های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و هنری این کشور بزرگ نسبت بکشور عقب مانده ما استفادهٔ برد، میخواهد با داشتن روابط حسنه با اتحاد شوروی به پیشرفت آزادی و استقلال خود کمك نماید. دولت بایستی به این تمایل ملت ایران توجه کند و سعی کافی مبذول دارد تا جمیع مسائل مورد اختلاف ایران و شوروی حل شود و روابط دو کشور بر مبنای دوستی صمیمانه و احترام متقابل استوار گردد.

دولت و اکثریت مجلس در صورتی واقعا آحرفشان اعتبار خواهد داشت که راه دوستی و حسن همجواری با اتحاد شوروی را با پافشاری و جدیت تعقیب نمایند و ادامه دهند و گرنه واضح است مانورهای موقتی و زود گذر هیچکس را فریب نخواهد داد

زمستان آسیا و پیروزیهای ضد استعماری

بقیه از صفحه ۱

مظاهر عقب ماندگی، فساد و اوتجاع و حامیان استعمار جوی آن میدهد.

از یکطرف در هندو چین ایروهای ملی ویت نام که در مدت پنجسال تمرض یك ارتش سیصد هزار نفری را، مواجه ساخته وقسمت اعظم کوه ودشت وجنگل و مناطق مسکونی غیر شهری را از تسلط قوای فرانسوی خارج کرده بود از اوایل ماه اکتبر از حالت تدافعی خارج شده و با اجرای یك سلسله عملیات منظم نظامی کلیه پستهای مستحکم و تکیه گاههای نظامی فرانسوی را در طول مرز شمال تونکن و چین بدست آورده است.

آخرین دژ فرانسوی در منتها الیه شمال غربی تونکن موسوم به لاکوکای طی هفته اخیر باعتراف آژانس فرانس پرس «با موفقیت تخلیه» و تسلیم قوای هوشی مین گردید.

بطوری که در اعلامیه های رسمی ارتش نجات ملی ویت نام گفته میشود، این عملیات تازه طلیعه تمرض اساسی قوای ملی ویتنام را تشکیل میدهد.

نظری به اعلامیه های ستاد ارتش فرانسوی مقیم هندو چین نشان میدهد عملیات منظم وسیستماتیکی با تکاء قدرت عظیم توده ویت نام برای آزاد کردن مراکز نظامی کوچکتر و آغاز عملیات قطعی و نهائی جهت تصرف هانوی (مرکز مهم دریائی و حاکم نشین تونکن) آغاز شده است.

جنگ اکنون در بعضی از مناطق کمتر از ده فرسخ با هانوی فاصله دارد.

آغاز تمرض قوای ملی ویت نام در هنگامیکه مقامات رسمی فرانسه از «بهبود وضع» در هندوچین و پیروزی های آینده نظامی سخن میگفتند، ضربت شدیدی بسازمان دهندگان جنگ کثیف استعماری ویت نام در برابر افکار عمومی فرانسه و اربابان ماوراء اقیانوس آنها وارد آورد.

کوشش فرانسویها در مورد اجرای کمدی استقلال ویت نام بدست خائن بی آبروی معروف «بائودائی» (که حتی بانمایندگی نهرو از رسمی شناختن حکومت وی خودداری کرد) جهت جلب عناصر ویت نامی بجبهه استعمار جویان فرانسوی کاملا عقیم مانده است. تا شروع حمله اخیر قوای هوشی مین «امپراطور» در دربار لهاسا مستقر سازد و از اجرای اوامر دولت پوسیده کومین تانك در لهاسا جلوگیری کند.

در سال ۱۹۴۹ در روزهای شکست نهائی کومین تانك کبیر عمالی دولت نانکن با تحریك عوامل انگلیسی از لهاسا اخراج شدند و زمزمه استقلال از تبت برخاست.

امریکائی ها نیز بشرط استقرار مراکز نظامی در بام دنیا و بدست آوردن امتیاز کاوش معادن و مواد اولیه ستراتژیك از قبیل اورانیوم و سایر فلزات غیر آهنی بییل باجرای این نقشه بودند. نباید فراموش کرد که اجرای سیاست دیرین وزارت مستعمرات و اداره مجاسوسی انگلستان اکنون بهندوستان و ماوربن هندی واگذار شده است.

در ظرف یك سال که از تاسیس حکومت مرکزی، مردم چین میگذرد، کلیه اقدامات مسالمت آمیز و مذاکرات دائر بآزادی تبت و استقرار قدرت و حاکمیت حکومت مرکزی در این ناحیه بعلت کارشکنی های علنی وسری لندن و دهلی جدید عقیم مانده.

کومینیم ؟ از فرانسه (که یك عضو اتحادیه آتلانتیك است) میخواهد که در برابر نهضت نجات ملی ویت نام مقاومت کند از طرف دیگر سران دولت فرانسه که بضعف و افلاس خود پی برده اند، از امریکا درخواست میکنند که مانند کره، قدم رنجه فرموده رل ژاندارم را شخصا بعهده بگیرد.

این تقاضای فرانسویها بدان معنی نیز میباشد که امریکائی ها که خواهان استقرار نفوذ اقتصادی و سیاسی در هند وچین هستند وبهمین علت حامی جدی رژیم بائودائی بشمار میروند، خوب است بجای استفاده از ریختن خون فرانسویها سربازان امریکائی را بصحنه جنگ بفرستند البته بعهده گرفتن این رل در ویت نام بعد از کره، برای همیشه افسانه «جبهه استعمار» بودن امریکا را پوچ خواهد کرد و ملل آسیا بزرگترین جلاد خود را بعد از فرانسه وانگلستان و ژاپن در وجود امریکا خواهند یافت.

پیروزی های ملت ویت نام مقارن با ایامی که قوای متجاوز و خونخوار امریکائی در کره بموفقیت های تساکیکی نظامی نائل می آمدند، ضعف و پوسیدگی جبهه استعماری را درخاور دور آشکار میساخت وهمچنین، پوچ بودن امید امریکائیان را درحصول پیروزی نهائی و آسان در کره علنی می کرد.

دولت امریکا تقاضای مقامات فرانسوی را در این مورد فعلا رد کرده ونقط ارسال مقدار بیشتری اسلحه ومهمات را جهت تجهیز افراد ویت نامی وعده داده است.

از طرف دیگر در اواخر مهر اکثریت ارتش ملی دولت توده چین موجب برنامه ای که در برابر دولت مرکزی توده ای قرار داشت فرمان آزادی تبت را دریافت کرد.

بطوریکه می دانیم تبت که دارای چهار میلیون نفر جمعیت می باشد، از بدو تاریخ خود قسمتی از خاك چین است. از اواخر قرن نوزدهم دولت انگلیس برای استقرار نفوذ خود در این منطقه وبجزی کردن آن از چین میکوشید، در طی چند ده سال اخیر انگلستان موفق شده بود از طریق اعزام جاسوسان و افرادی بعنوان مامورین فنی ومستشاران مامور ایجاد خطوط تلگرافی و سایر امور از این قبیل نفوذ نامرئی خود را در دربار لهاسا مستقر سازد واز اجرای اوامر دولت پوسیده کومین تانك در لهاسا جلوگیری کند.

در سال ۱۹۴۹ در روزهای شکست نهائی کومین تانك کبیر عمالی دولت نانکن باتحریك عوامل انگلیسی از لهاسا اخراج شدند و زمزمه استقلال از تبت برخاست.

امریکائی ها نیز بشرط استقرار مراکز نظامی در بام دنیا و بدست آوردن امتیاز کاوش معادن و مواد اولیه ستراتژیك از قبیل اورانیوم و سایر فلزات غیر آهنی بییل باجرای این نقشه بودند. نباید فراموش کرد که اجرای سیاست دیرین وزارت مستعمرات و اداره مجاسوسی انگلستان اکنون بهندوستان و ماوربن هندی واگذار شده است.

در ظرف یك سال که از تاسیس حکومت مرکزی، مردم چین میگذرد، کلیه اقدامات مسالمت آمیز و مذاکرات دائر بآزادی تبت و استقرار قدرت و حاکمیت حکومت مرکزی در این ناحیه بعلت کارشکنی های علنی وسری لندن و دهلی جدید عقیم مانده.

بریتانیا بهیچوجه حاضر به از دست دادن نفوذ نامرئی خود در لهاسا نبود. بهمین جهت دولت مرکزی چین ناچار فرمان آزادی تبت را بارتش نجات ملی ابلاغ کرد.

علت دستپاچگی وسراسیمگی سران هندی و انگلیسی را در همین جا باید جستجو کرد.

یادداشت اول و دوم هندوستان به جمهوری توده ئی چین بعنوان اعتراض به «حمله ی چین به تبت از همین جا سرچشمه میگیرد.

دولت چین در پاسخ خود بصراحت وبحق تذکر داده است که «هیچ دولتی حق مداخله در امور داخلی چین را نخواهد داد». پیروزیهای ارتش دمکراتیك چین در تبت از این جهت ضربت نوی بعوامل استعماری در آسیا بشمار میرود.

اما باز هم مهمترین حادثه آسیائی در کره جریان دارد. حوادث یك هفته اخیر در کره؛ تجدید تمرض ارتش جمهوری دمکراتیك کره، هیکلت های آشکار اعتراف شده قوای متجاوز آمریکائی در کره جنوبی، صدور اعلامیه ۱۱ حزب وسازمان دمکراتیك چین دائر بدعوت از ملت چین بکمك ملت دوست و همجوار و قهرمان کره و حضور داوطلبان چینی در کنار ارتش توده کره، اعتراف بفعالیت روز افزون پارتیزانها در جنوب وشمال کره وجبهه واقعی مسئله کره را آشکار میسازد.

در آخرین مقاله ای که در شماره ۱۳ مهر ماه روزنامه ما در باره کره انتشار یافت چنین گفته شده بود: تظاهر جنگهای منظم جبهه ئی در برابر دشمنی که فعلا از تفوق مادی و عددی برخوردار است در مرحله بندی، که تا ماههای سرد زمستان نیز مصادف خواهد گردید بلکه کره امکان خواهد داد که نیروهای امریکائی اشغالگر را تفرقه و قبول جنگ بمیزان غافلگیرانه وادار کنند و جنگ بطور وگرانی بامریکا تحمیل نمایند.

بعلاوه در این مقاله پیشروی سریع وقطعی در شمال کره و دخول پیروزمندانه قطعی آمریکا غیر ممکن تلقی شده و با اشاره باظهارات نخست وزیر چین چو لای، از امکان شرکت مردم چین در دفاع از موجودیت مردم کره و مردم چین یادی شده بود.

جریان حوادث اخیر کره بشارت میدهد که خواه از حیث سیاسی و اجتماعی خواه از جنبه نظامی اوضاع به نفع امریکا تغییر تحول نمی یابد.

جنگ کره، جنگی طولانی و اشکالی است که ایفای رل جلاد در جبهه آمریکا گذاشته شده.

با در نظر گرفتن مجموع وقایع هند و چین، تبت و کره دیده میشود که مبارزه استقلال طلبانه ملل آسیا باز در مرکز مسائل بین المللی قرار دارد. حضور نمایندگان چین در برابر شورای امنیت (۱۵ نوامبر) برای ادای شکایت از تجاوز آمریکا به مرزهای هند و منچوری در هنگامیکه ملك آرتور و حضور افراد چینی را به شورای امنیت مراجعه کرده است، بوجود آمدن پیچیدگی امور مربوطه آسیا را افزایش میدهد.

نیمروز

شماره ۴۴ — ۲۵ آبان ماه ۱۳۲۹ — تکشماره سه ریال

در پیرامون مصاحبه نخست وزیر

برنامه دولت چگونه اجرا میشود؟

دیروز و امروز - عذر بدتر از گناه - چگونه می توان احترام قانون اساسی را مرعی داشت؟

حکومت مردم - مسئله «بحرین»

روز پنجشنبه گذشته، آقای رزم آرا نخست وزیر، یك مصاحبهٔ مطبوعاتی با حضور مدیران و خبرنگاران روزنامه ها تشکیل دادند. شرائط مساعدی که پس از امضاء موافقتنامهٔ بازرگانی با اتحاد شوروی، برای دولت فراهم آمده و حسن استقبالی که در اینزمینه از طرف عموم طبقات مردم مشهود گردیده است نخست وزیر را تشجیع کرد تا در جلسهٔ مصاحبه مطبوعاتی، آنچه را که «دل دارند بر زبان رانند» و «وظایفی» را که بر عهدهٔ ایشان مقرر است با صراحت تمام در میان گذارند، اما گمان میرود این رایگانه سوء استفاده از فرصت بایستی تلقی کرد، اگر ملت ایران، هم آهنگ با پیمان موافقتنامه بازرگانی با شوروی برخاست برای آن بود که صلاح خودرا در ایجاد روابط منظم تجاری با همسایه بزرك شوروی خویش میداند است، برای اینکه هجوم سیاستهای استعماری و عجز و تسلیم پیقید و شرط دستگاه حاکمه، وطن ما را بر تگاه سقوط و زوال سوق داده و بناخناگاه مصالح اقتصادی و سیاسی سود پرستان بدل ساخته است، ملت ایران نوشدارو روی درد های مزمن معاشی خویش را در حسن مراودت با اتحاد شوروی میجوید، ملت ایران، علی رغم دسائس، نفاق افکنیها و دروغ

بقیه در صفحه ۷

طبقه حاکمه (ایسرائل) ملت خود را بورطه هولناکی میکشاند

هفتهٔ گذشته درباره روش غیر ملی دولت ایسرائل مختصری سخن راندیم— گویا این مقاله برای افراد غیر وارد در امور اجتماع سوء تفاهمی ایجاد نموده و اذهان سادهٔ بعضی جوانان بی اطلاع از جریانات سیاسی راهلیه ما برانگیخته است اینان طبقهٔ حاکمه ظالم ملتها را ازخود ملتهای مظلوم جدا میدانند سه طبقه بندی های موجود درجوامعی که هنوز دچار بحران و بدبختی و تضاد هستند آشنا نیستند اینان گمان میبرند کسانی که اکنون بر

در صفحه ۳

تحولات از بالا، ولی در نپال

هزمان با آزادی تبت، حوادثی در نپال کشور کوچك راج نشین و تحت الحمایه انگلیس، هم مرزبان دنیا روی میدهد که درخور کمال توجه است. با قلت اخبار و اطلاعاتی که درباره این نقطه دور افتاده وعقب مانده دردست است، از خلال اخبار و اطلاعاتی که در روزهای اخیر در جراید خارجی انتشار یافته میتوان تاحدی باهمیت وچگونگی وقایع آنجا پی برد.

در نپال مانند کلیه مناطق آسیا یك رژیم فئودال وخشانه حکمفرماست، بعد از جنك دوم جهانی بعلت توسعه نهضت انقلابی درسرتاسر کشور های خاوردور، در نقاطی که برای کشور های استعماری اهمیت حیاتی دارند، کوشش شد که از طریق احاله قدرت بدست بورژوازی و اجرای بعضی اصلاحات ورفرمهای ظاهری بدست طبقه سرمایه دار از طغیان عوامل انقلابی وسرنگون شدن رژیمهای استعماری ممانعت بعمل آید.

روش انگلستان درهندوستان واحاله قدرت بدست حزب بورژوازی کنگره هند نمونه کاملی از این سیاست بود. از ۱۹۴۹ باینطرف که آزادی تبت درسرلوحه برنامه دولت توده مرکزی چین قرار

بقیه در صفحه ۸

مصاحبه با
ایلیا ارنبورك
نویسندگان درجنبش

در صفحه ۴

کنگره دوم صلح قبل از تشکیل پیروز شده است

در حدود بیست روز پیش مساژور کلمنت اتلی نخست وزیر «کارگر» بریتانیای کبیر طی نطقی در مجلس عوام انگلستان گفت که «وی مغضوصا برای ارائه این امر که تبلیغات کمونیستی و دروغین صلح خواهی تاثیری در افکار مردم انگلستان ندارد، «ورژیم حکومتی و روش آن مورد تائید بی چون وچرای ملت است، نسبت به تشکیل کنگره صلح درشفیلد مخالفتی نخواهد کرد». بقیه در صفحه ۳

ایران در هفته گذشته

افتضاح صدای امریکا، انتصاب مجدد شاهرخ، تحریکات فتی، ابستر کسیون ادامه دارد وتکلیف ۲۵ میلیون دلار معلوم نیست!

دراین هفته بدنبال وقایع هفته های گذشته تحریکات استعماری و ارتجاعی در کشور ما ادامه داشت:

۱- افتضاح صدای امریکا

چند شب پیش «صدای آمریکا» که انعکاس شوم و نامنجسار آن از رادیو تهران شنیده میشود و گوش هم میهنان ما را آزار میدهد به یك عمل بی شرمانه دست زد و به دولت همسایه ما اتحاد شوروی و سفیر کبیر آن دولت در ایران آقای سادچیکف حمله کرد و به جملات دشنام آلودی مبادرت جست.

رادیو تهران عین اراجیف «صدای آمریکا» را پخش نمود. این اقدام صدای آمریکا و رادیو تهران درموقعی که دولت اعدای دوستی و حسن تفاهم با اتحاد شوروی دارد بسیار باعث تنفر و انزجار مردم ایران شد و بیش از پیش قیافهٔ منفور امپریالیسم آمریکا را در ایران نشان داد.

بقیه در صفحه ۲

قرارداد بازرگانی با اتحاد جماهیر شوروی و مفهوم «کمك» امریکا

ازروزی که صحبت از انعقاد قرارداد بازرگانی بین ایران واتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بمیان آمد دو نوع عکس العمل راجع بآن در دو قطب مخالف ایجاد گردید.

از یکطرف طبقات مختلف ملت، وتمام مردمی که پیوسته در زیر بار مطامع ومفاسد طبقات صاحب امتیاز داخلی و تمایلات ضد ملی و امپریالیستی دولت های جهانخوار رنج برده ودرین دو سنك آسیاب له شده اند وبطور کلی همه مردم شرافتمندی که از نظر حفظ منافع توده های اصلی مردم ایران خواهان روابط دوستانه با اتحاد شوروی هستند

بقیه در صفحه ۲

پرشکوه باد پرچم پرافتخار جنبش بین المللی صلح!

جمعه هفته گذشته نخستین کنگره عمومی جمعیت ایرانی هواداران صلح در منزل آقای ملك الشعراء بهار لیدر جمعیت با حضور قریب هزار نفر از اعضاء جمعیت تشکیل گردید.

تشکیل این کنگره بمنزله موفقیت بزرگی برای نهضت صلح ایران بشمار میرفت. دراین کنگره همه اعضاء باشوق و هیجان بی سابقه ای علاقه صرف نظر از فکر دلی خود و ملت ایران را نسبت به امر صلح اعلام داشتند.

در صفحه ۸

مبارزه علیه تجاوزات امریکا

پکن - هفتم نوامبر جلسه کمیته توده ای «دفاع صلح جهانی ومبارزه علیه تجاوزات آمریکا» باشرکت بیش از ۷۰۰ نفر از نمایندگان احزاب دموکراتیك وسازمان های اجتماعی وکارگران و دانشجویان تشکیل شده.

پرفسور «چژان - سی - ژو» بنام هیئت رئیسه جلسه را افتتاح کرد وسیس معاون رئیس کمیته ملی «دفاع از صلح جهانی ومبارزه علیه تجاوزات امریکا» نیز با تذکر اینکه چون مدتی است با کشور یوگوسلاوی قطع رابطه شده ولی توان دقیقا پاسخ داد بدرج مقالهٔ مبادرت نموده که ما خلاصه آن را از نظر خوانندگان بیان میگذرانیم. بقیه در صفحه ۵

تیتو و شرکاء در یوگوسلاوی چه میکنند؟

اخیرا یکی ازخوانندگان استرالیائی مجله «عصر جدید» بوسیله مجله مزبور خواسته است از وضع اجتماعی وسیاسی کشور یوگوسلاوی و روش حکومت تیتو اطلاعاتی حاصل نماید، مجله نیز با تذکر اینکه چون مدتی است با کشور یوگوسلاوی قطع رابطه شده ولی توان دقیقا پاسخ داد بدرج مقالهٔ مبادرت نموده که ما خلاصه آن را از نظر خوانندگان بیان میگذرانیم. بقیه در صفحه ۵

قرارداد بازرگانی با اتحاد جماهیر شوروی

بقیه ازصفحه ۱

این خبر را باشوق و شعف فراوان استقبال نمودند و آنرا بمنزله روزنه امیدی برای خلق ایران تلقی کردند و دربحبوحه این فشار و گرفتاری وبدبختی و گرسنگی و بیکاری تاحد زیادی به بهبود اوضاع عمومی امیدوارشدند:

تمام جراید ملی باخرسندی زیاد از نتایج مثبت این قرار داد درکاستن از فشار بازگرانی که بردوش خلق ایران سنگینی میکند سخن گفتند و بطور کلی افکار عمومی در کلیه نقاط ایران باروشن بینی کامل وامیدواری زیاد خواست خود را برای ترسیم در انعقاد پیمان ابراز نمودند.

ولی متقابلا در دونوع محافل مختلف که باهم بستگی عمیق و مستقیم دارند این خبربا ناراضایتی وتنگرانی شدید تلقی شد.

یکی در محافل خارجی انگلو-آمریکن، مخصوصا محافل مربوط به سفارت امریکا که امروز درتمام دنیا نقش پشتیبان ضدملی ترین دستجات را بازی می کند ومیدل به دژدشمنان داخلی ملتها گردیده است ویکی درمحافل داخلی و همان دستجات ضدملی که در کلیه روابط داخلی وخارجی خویش ملاک عمل آنها فقط ونفط منافع خصوصی آن‌هـا است ودر تمام بند وبست‌های خـویش جـز تحکیم وضع ممتاز خود نمیتوانند خواهان چیز دیگری باشند.

همان‌طور که بارها تذکـر داده ایم منافع و مصالح این دستجات در جهتی کاملا درنقطه مقابل منافع ملت ما سیر میکند و آنها مجبورند که برخـلاف ماهیت وضع خاص طبقاتی خود سود خود را درجائی بجویند که بـرای خلق ایران کانون شر وفساد و تباهی و اسارت می باشد.

بهمین جهت ازهمان آغاز امر چه ازطرف منابع خارجی و محافل منصوب به‌سفارت امریکا و چه از طـرف این محافل داخلی دست بیك سلسله تحریکات ماجرا جویانه بر علیه این قرار داد زده شد.

البته در مقابل مسائل مختلفی کـه ملت ایران در پیش داردا گر سروکارش صاف ومستقیم باایـن دستجات مشخص و بدون ماسك ومارك‌دار باشد حل ایـن مسائل زیاد اشکال نخواهـد داشت وبسیار سر راست خواهد بود.

ولی وقتی مابتاریخ گذشته خـود مخصوصا دراین نیم قرن اخیر مراجعه می کنیم این نکته برای‌ماروشن‌می گردد که آنجا که کمیت این دستجات ضد ملی وهرکای خارجی آن‌ها لنك‌میماندو دربرابر خواست مردم دیگر کاری ازاین دستجات رسوا ساخته نیست فورا نیرو های احتیاط که همیشه دروزیر ماسکی از زیا وعوام فریبی پنهان‌نگاهداشته‌شده‌اند بمیدان می‌ریزند، دراین‌مورد نیز چـون دربرابر افکار روشن‌عمومی ملت ایران ضد ملی ترین محافل از ابراز مخـالفت بیم داشتند باین نیروهای ذخیره متوسل شده و آنها را بمیدان ریختند تا آنچه را که خود از انجامش عاجزند بدست آن‌ها بموقع اجرا بگذارند.

این بار محافل مزبور ناگزیرشدند از نفوذ و «وجیه» جبهه ملی بـرای برهم زدن تمام مقدمات کار استفاده کنند واین آخرین نیروی ذخیـره راهبیـدان بریزند.

روز نامه های جبهه ملی از مواد عجیب و غریب قرار داد خبر دادنـد. «رهبر» جبهه ملی بار دیگر بنام‌ملت الله. روزنامه‌ی کوشش پس از شکایت زیاد از بدی وضع اقتصادعمومی بالاخره چنین اظهار نظر نموده:

این موضوع مهم‌حیات جدیدی بامر تولید ومصرف و احتیاجات عمومی‌خواهد داد و بدون تردید استانهای شمالی که بکلی رشته‌های اقتصادی آن بهم پیچیده و اغلب بازرگانان‌آن در تهران اقامت کرده بودند وضع تازه‌ای پیدا خواهد کرد.»

روزنامه طلوع که تا چنـدی پیش امیدوار بنیایات امریکابودچون بالاخره واقعیت امر را دریافت درباره قرارداد ایران و شوروی چنین نوشت. «با این عمل ظاهـرا ساده یکصد و بیست ملیون‌تومان‌برنج‌و پوست وپشم وخشکبار و دانه‌های روغنی میدهیم و در مقـابل قند و پارچه نخی وآهن و کاغذ و تخته میگیریم.»

ما سابقا برای‌وارد کردن‌این مقدار کالاهای قوق ناگزیربودیم یکصدوبیست ملیون‌تومان‌ارزازهای‌خودرابه‌صاحبان کالا درامریکا یا انگلستان بپردازیم وامروز برای خرید آنهـا بجای لیره یا دولار خشکه بار وپشم و پوست کـه تاکنون در انبارها میپوسید میدهیم و این مقدار ارز در خزانه مـا باقی میماند و بهمین نسبت از میزان تقاضـاهای ارزی بکاهد و بالنتیجه موادی که با پرداخت لیره ودولار باید از کشورهای گروه‌استرلینك و دولار وارد کرد وبملت پائین آمدن نرخ ارز ازانتر وارد خواهدشد.

ولی‌تاثیر مثبت قراردادشرافتمندانه و عادلانه بازرگانی شوروی بهمین جـا ختم نمی‌شود. صدور این کالاها درتمام نقاط کشور وبخصوص در استانهای‌شمالی فعالیت بیشتری ایجاد خواهد کرد چندین هزار نفر از مردم کشور ما که تاکنون مواد نبودند میتوانند با پرداختن بتولید این‌مواد ازدسـت‌عفریت‌بیکاری وبالنتیجه از فقر سیاه نجـات پیدا کنند و رونقی بزندگی خود بدهند.

درمقابل میتوان تاثیرات‌زیان‌انگیز و ضدملی «وام» امریکا را ازهم‌اکنون احساس نمود.

گرایدی بالاخره تحت‌نفوذ سفارت-خانه خود درایران توانست دولت‌ایران را وادار نماید.

تا از این مرحمت و عنایت‌وال استریت با هزاران سلام و صلوات یاد کند.دولت آقای رزم آراء که با امضاء قـرار داد بازرگانی‌خاطر خاطر گرایدی‌نمایندهٔ‌سود جویان امریکا را از خوه رنجانیده بود معاقب این امر خبر از یك «موفقیت» دیگری داد ـ دولت امریکا حاضرشده است اعتباری بمبلغ بیست و پنج میلیون دولار بایران بدهد!

واقع امر چیست؟ دولت امریکا اعتباری بمبلغ بیست و پنج ملیون‌دولار با ربح صدی سه بدولت ایران بدهد. ولی آیا تصور می کنید حتی یك دولار پول بدولت ایران برای گشایش کارهای آن خواهد پرداخت؟ خیر. مسئله چیز دیگری است جریان امر تجارت از یك کلاه برداری ماهرانه تجارتـی است که دولت ایران نیز حاضـر شده است آن را بعنوان «کمك امریکا» بملت ایران قالب بزند.

دولت امریکا حاضر شده‌است‌معادل بیست و پنج ملیون دولار ماشین آلات اسقاط را بانضمام تعدادی اتوموبیل‌های آخرین مینستم از محل این اعتبار بدولت ایران بفروشد علاوه بر نرخ عادی این کالا ها سود آنرا از قرار صدی‌سه ولیم بزرك‌مهر و آیا تقبید بزرك‌مهرو باقی دریافت دارد و دست‌آخر نیز عین مبلغ را به ارز خالص از دولت ماخوذ دارد. نتیجه این کلاه برداری که دولت سعی دارد، نام «کمك امریکا» را بر آن اطلاق کند اینست که ملت تنگدست‌ایران بایدسالیانه ۸۷۵۰۰۰ دولارسودمقداری ماشین آلات اسقاط و اتومبیل های کادیلاك‌را که‌برای‌سواری‌عده‌ای‌نوردیدگان ارجمند وارد خواهد شد از جیب خود بپردازد تا وقتی که اصل «وام» بامریکا پرداخت گردد! در مقابل‌این کلاه‌برداری تجارتی علاوه براین ربح سنگین ملت ما باید غرامات دیگری هم بپردازد: نفوذ روز افزون «مستشاران» رنگـارنك امریکائی‌در کشور ما تحمیل‌قراردادهای اسارت آور جم-آلن و ساعد-دریفوس که وزارت جنك ما را مبدل به شعبه‌ای از وزارت خارجه امریکا نموده است، دست اندازی دیپلمات های امریکائی در کلیه‌شئون سیاسی و اجتماعی کشورما، اینها قسمتی است از غرامات ی که ملت ایران باید براهزنان بین المللی بپردازد صدای منحوس امریکا که هرروزازرادیو تهران شنیده می‌شود، صدای این جغـد ویرانه نشینی که مانند واعیز افسانه ای با خون ملتهای جهان زندگی می کند و و هر روزباگستاخی بیشتری بکلیه‌مظاهر ملی ما توهین می کند از آثار این کلاه برداری‌است.

ولی در این میان کسانی که برای جلوگیری از امضاء قرار داد بازرگانی شور و شیون بر پا کرده بودند، «رهبر بزرگوار جبهه ملی که به عبارات مبتذل «تجزیه ایران» متوسل شد، ومعامله ناجوانمردانه و بیغاگرانه آمریکا هیچ چیزی که موجب نگرانی‌باشد نمی‌بینند؛ خاطرشان آسوده است که اگـر ایـن معامله خائنان بر باده جان ملت‌را بلب میرساند در مقابل‌منافع خود آنهامحفوظ است.

واسکا
ازماکسیم گورکی
ترجمه:علی‌اصغرسروش
از طرف بنگاه مطبوعـاتی
ناقوس
بزودی منتشر میشود

چاپ سینا

ایران پیما
همه رزوه به گیلان
گرگان مازندران...
تلفن ۵۷۱۱ ۷۲۹۱ ۹۴۷۹

نهم ژانویه
از ماکسیم گورکی
بتوسط بنگاه مطبوعاتی ناقوس
منتشر شد
بها ۱۰ ریال

ایران درهفته گذشته

بقیه ازصفحه ۱

۳ ـ انتصاب مجدد شاهرخ

ناگهان از طرف دولت اعلام شد که باز بهرام شاهرخ بریاست تبلیغات ایران منصوب گشته است.

این‌خبرنشان‌داد که‌تاچه اندازه‌دولت درعملیات‌نابجای خودبی‌پروائی‌نشان‌میدهد شاهرخ دراثر مخالفت افکارعمومی از کار بر کنار شد وبسیار زشت و توهین آمیزاست که‌دوباره بر سرکارمستقر گردد خبر مسخره ای در روزنامه‌هامنتشر شد که دولت آقای رزم آرا بمناسبت انتشار حمله صدای آمریکا به‌سفیر کبیر شوروی «مدیر سابق‌تبلیغات»، بزرك مهر را ازکار بر کنار کرده وشاهرخ راجای وی آورده است.

باید پرسید:

اولا ـ آیا محرك اصلی اخلال در روابط ایران وشوروی صدای آمریکاست یا بزرك‌مهر و آیا تقبید بزرك‌مهرو باقی گذاشتن بخش صدای آمریکا از رادیو تهران مسخره‌نیست؟

ثانیا ـ آیا با آوردن آقای‌شاهرخ که سوابق وی معلوم‌است‌به‌بهبودروابط ایران و شوروی کمکی خواهدشد؟

اما می‌خواهیم که اولا انتشار صدای آمریکا از رادیو تهران موقوف‌شود.

ثانیا ـ به‌افکار عمومی توجه شود وشاهرخ‌ازریاست تبلیغات‌بر کنار گردد.

۴ـ تحریکات نفتی

شرکت نفت برای کارگذاشتن قـرار داد الحاقی فعالیت می کند، پول‌میدهد برای افراد مورد نظر در بانك شاهنشاهی حساب باز می کند، به‌حساب بعضی‌عناصر صد ها هزار ریال می‌ریزد، مهمانی می دهد، افراد را جمع و جور مـی کند، قوای خود را مجهز می نماید، مقالات مینویسد و در روزنامه ها چاپ‌می کند، رادیو تهران را آلت خود قرار میدهد و بالاخره همه نوع فعالیت برای‌تصویب لایحه تحمیلی اضافی‌میدول می‌دارد. هفته گذشته هم کار کمیسیون نفت به نتیجه نرسید یعنی پس از آنکه بحث در مواد لایحه الحاقی تمـام شد بیهانه سئوال از دولت وبایحث‌دربارهٔ جنبه‌سیاسی‌قرارداد اخذ تصمیم‌را بتعویق‌انداختند. این‌تعویق برای‌این است که شرکت نفت بافرصت دقت کافی‌بتواند نقشه‌های‌خودرا اجرا کند.

۴ـ ابستروکسیون ادامه داد

هنوز در مجلس تـکلیف خـائن ابستروکسیون معلوم نشده است. بنظر میرسد که موضوع تصفیه وسیله‌ای برای معامله و سازش در موضوع های دیگر سیاست داخلی و خارجی شده است موقعی ابستروکسیون تمام خواهد شد که این‌معاملات‌وسازش‌ها بسته شده‌وموافقت لازمه حاصل گردیده باشد.

۵ـ تکلیف ۲۵ میلیون دلار قرضه معلوم نیست!

از خبری که رادیو تهران‌درروزنامه های رسمی راجع به هزینه‌هیئتی بر است دکتر مقبل در هفته گذشته بمقصد آمریکا دادند بخوبی‌معلوم میشود که‌هنوزتکلیف ۲۵ میلیون دلار قرضه بانك صادرات واردات برخلاف ادعاهائی که آن‌راقطعی می‌پنداشتند معلوم نیست این هیئت با به آمریکا برود و سه ماه مذاکره کند و شرایط بانك را بتهران گزارش دهد تا اگر تهران قبول نمود موافقت‌نامه‌ای راجع به این موضوع‌امضا نماید. فرومند وزیر دارائی نیزهفته گذشته در مجلس اظهار داشت که تاکنون دولت قرضه نگرفته است که مورد حمله نمایندگان واقع شود و اگر خواست کاری بکند البته بدون نظر مجلس نخواهد بود آیا این جریانات کار سیاست اقتصادی امریکارا دراین‌باره به‌مسخره‌نکشانده‌است

کنگره دوم صلح قبل از...

بقیه ازصفحه ۱

هنگامیکه کمیته اجرائیه جمعیت جهانی هواداران صلح، شفیلد رابرای انعقاد کنگره صلح در نظر میگرفت، یقینا بدونکته توجه اساسی داشته وروشن کردن بعضی حقائق را بر افکار عمومی جهانی وجه نظر قرار داده بوده است.

اولا افشای‌این واقعیت که درمرحله کنونی‌مبارزه‌آشتی ناپذیر طبقاتی‌جهانی وتناسب موجود بین نیروهای سوسیالیسم وسرمایه داری دیگر از آن دمکراسی وآزادی معروف وخاص انگلستان که‌حتی درقرن هیجدهم‌افکار وافرادی نظیرولتر را پناه میداد و در طول قرن نوزدهم بسیاری از کنفرانسها وکنگره‌های‌انقلابی بین‌المللی یا ملی یا بر خورداری ازستن دمکراسی در لندن‌تشکیل میبافت، اثری باقی نمانده‌است.

ثانیا نشان‌دادن ترس ووحشت‌فوق‌العاده‌ئی کـه در نتیجه تبلیغات صلح آمیز برسران کشورهائی سرمایه‌داری و مخصوصا امریکاوانگلیس‌متولی گردیده وثالثا آشکار کردن پوچی افسانه‌استحکام مبانی‌رژیم‌سیاسی‌واقتصادی که‌در انگلستان حکمفرماست وتاثیر عمیقی که ندای صلح باوجود اتهامات وپاوسرسایهای متواتر ومتوالی دربارهٔ هواداری ازصلح‌روزانه بخورد مردم انگلستان‌داده‌میشود.

هنگامیکه اظهارات اتلی دائر بـه موافقت با تشکیل کنگره صلح‌درشفیلد انتشار یافت، چنین احتمال داده شد که «مدافع سوسیالیست‌های ساختمان‌استعماری دولتی انگلستان، دل پدر پازده‌وخواسته است در برابر اثرات عمیق کار کنگره در میان مردم هادی انگلستان دندان روی جگر بگذارد وافسانه «دمکراسی مطلق انگلیسی»را از خطر پوچ شـدن نجات بخشد.

درمدت بیست روزیکه تنـا تشکیل کنگره باقی‌بود، ارکستر مطبوعاتـی معروف انگلستان کـه از روزنامه چپ نمای رینولدز نیوز تا ارتجاعـی تریـن جراید دست راست نظیردیلی تلگراف‌اند مورنینگ پست ودیلی‌اکسپرس همـواره نقطه نظر دولت انگلیس‌را هم آهنـگ منعکس میکنند، یکدل ویك‌زبان کنگره شفیلدرا ساخته وپرداخته کمونیستها» نامیدند ونوشتند که‌این کنگره‌صرفاازکمونیستها تشکیل میشود.

همزمان با این تبلیغات و در دنبال نطق اتلی، مورگان فیلیپس لیدر حزب لیبوریست اعلامیه‌ئی انتشارداد وشرکت در کنگره شفیلد را برای اعضای حزب و ریدوبیون‌های کارگری ممنوع ساخت و پنین‌کاری را باعضویت حزب لیبوریست مغایرداشت.

بسیار مایه کنجکاوی بود که‌ماموربن اسکاتلندیارد و وزارت داخله بریتانیای کبیر با چـه حقه‌ئی نمایندگان مختلف‌السلك کنگره صلح را بصورت کمونیست صرف درخواهند آورد؟ وچگونه کاتولیك ها، پروتستانها، روحـانیون یهودی، بودائیان، مسلمانان، دمکراتها و ضد کمونیستهای بنام را برنك سرخ گـریم خواهند کرد!

حواديث روزهای اخیر و طرز عمل ماموربن اداره مهاجرت و اداره گمرك‌و وزارت امورخارجه انگلستان و عده‌ئی ازحکومت‌های دست نشانده و یا متفق انگلستان این معما را حل کرد. از یك طرف حکومت‌هائی نظیر حکومت‌دمکرات منش معاصر ایران او دادن گـذرنامه به نمایندگان کنگره خودداری کردند و از این‌حیث مسئولیت حذف آزادی‌ودمکراسی را ازدوش ارباب اتلی برداشتند.

سخنگوی‌وزارت‌امور خارجه‌امریکا ضمن توضیح علت ممانعت از عـزیمت نمایندگان امریکائی بـا صـراحت قابل تحسین «شرکت در کنگره‌صلح‌را‌مغایر با مصالح دولتی‌امریکا» نامید.

ولیکن همه دولت هـ‌ئل ایران و امریکا این اندازه شهامت بخرج ندادند و درنتیجه‌کارهای اتلی‌را مشکل‌تراساختند دراین مورد دستور انگلیسی تمام عیاری مورد اجرا گذاشته شد.

اولا اداره مهاجرت انگلستان از ۲۱۰۰ نفر نماینده‌کنگره فقط حاضر به‌قبول یك سوم (هفتصد نفر) بودند. سفارتخانه های انگلستان در پایتخت کشورهای جهان‌بهمین نسبت وبرای‌ورود دادندوا‌گر در‌بعضی‌مواردازدست‌شان‌در رفت، مابوربن بلیسی انگلستان‌با‌دادب وتراکت‌خاصی‌واردیزن‌را ازفرودگاههای انگلستان پس‌فرستادند.

برای اینکه کنگره شفیلد مطابق ادعای نخست وزیر و جرائد انگلستان صرفا جنبه کمونیستی داشته باشد،دراغلب موارد از دادن روادید بنمایندگان غیر کمونیست سرشانی خودداری گردید ودر مقابل ازعده پذیرفته شده هم روا دیـد بکمونیستهای معروف‌داده‌شد. وآژانس رویتر وبی. بی. سی جهت نشـان دادن میزان دمکراسی، دادن ویزا به پیکاسو ومادام ژولیو کوری‌را با بوق و کـرنا بدنیا اعلام داشتند. در حالیکه خـود ژولیو کوری رئیس انجمن با «تراکت انگلیسی» توقیف‌واز‌انگلستان‌اخراج‌شد. دربارهٔ‌پذیرکنرین دانشمند آلمنی فرانسه ژولیو کوری نویسنده معروف‌فوروی ایلیا ارنبورك‌اسکاتلند یارد بملت احتمال «اخلال امن» از پذیرفتن آنها در کشوراانگلیس‌امتناع‌ورزید.

جراید مزدور و آمریکائی‌فرانسه در باره موافقت‌اتلی نسبت به تشکیل کنگره در شفیلد بآب و تاب فراوان ستایشنامه هائی انتشارداده وادعا کرده بودند که «مدافعین ادعائی صلح»، که میخواهنـد کنگـره را در انگلستان تشکیل دهند، هرگز رضا نمیدهند کـه چنین مجامعی دربشت پرده آهنین‌تشکیل یابد.

این شائبه عظمت دمکراسی‌است که انگلستان حتی‌باتشکیل کنگره‌ئی که بر ضدسیاست‌رسمی‌خودش‌است‌روی‌توافق نشان میدهد»

عمال دولتی بریتانیا با رفتار خود در تکذیب‌این‌ادعاهای‌پوچ تعجیل کردند و دولت لهستان‌بادعوت کنگره به‌ورشو یاوه سراهائی این نویسندگان مزدور فرانسوی را آشکار ساخته‌است.

روش مزورانه دولت انگلیس‌نسبت به‌کنگره شفیلد، بزرگترین‌نشانه‌پیروزی صلح‌و مبارزه صلح در سرتاسر جهان‌و معرف وحشت و هراس روز افزون‌آتش افروزان جنك از نهضت هوا خواهـی صلح است.

کنگره‌دوم هواداران‌صلح‌بدینگونه نخستین پیروزی خود را بدست آورده است.

صاحب‌امتیاز ش-انور
محل اداره
طهران خیابان‌بوذرجمهری سه‌راه سیروس
بهای اشتراك
یکساله ۱۳۰ ریال
ششماهه ۷۰ ریال
مقالات وارده مسترد نمیشود واداره در اصلاح و درج آن‌مختاراست
بهای آگهی بادفتراداره است.

طبقه حاکمه «ایسرائل» ملت خودرا...

بقیه ازصفحه ۱

مسند امور کشور ایسرائل تکیه‌زده‌انـد مظهر ملت ایسرائل میباشند واگر کسی طبقهٔ حاکمه‌را مورد اعتراض قـرار داد به‌ملت توهین وارد آورده است ـ چنین تصوری غلط است: ملت ایسرائل‌اکنون دارای اجتماع‌یك نواخت ومتجانس‌نیست طبقات مختلفی درآن وجـود دارند که دارای منافع اقتصادی وسیاسی متضاد می باشند ـ طبقات دهقان ـ کارگر ـ پیشه‌ور رنج میکشند ـ تحت فشار شدیداقتصادی قرار دارنداز هستی‌محروم می‌باشنـددر حالی که طبقهٔ سرمایه‌دار تازه بـدوران رسیده‌حکومت میکنند. بازار سیاه‌بوجود میاورد و عملی مردم را بفارت میبرد ـ هرقدر از زمانی که‌ملت ایسرائل‌توانست از زیر فشار و قیمومت انگلستان خارج شود بیشتر میگذرد جدائی بین طبقات وماهیت حکومت بهتر واضح میگردد ـ برای بدست آوردن استقلال، طبقـات کارگر ودهقانان جان خودرا فدا کردند جوانان مبارز خلوتس جانفشانی‌مانودند ـ سربازانی که از بین ملت‌محروم خارج شده بودند حیات خودرا از دست‌دادنـد ولی اکنون کسانی حکومت را بدست گرفته اند که توجهی به‌زندگـی ملـت رنجدیده ندارند وبرای تثبیت حکومـت خود راهی جز آستان‌بوسی بدر گاه‌دکان داران ومستعمره جویان امریکائی‌درپیش پای خود نمی بینند ـ ملت‌زحمتکشی که درعرض این چند سال آزادی ظاهـری ممکن بود ـ بوضع اقتصادی خـود سر وصورتی بدهد از منابع‌ونیروهای‌موجود در کشور خود برای‌بالابردن‌سطح‌زندگی عموم‌استفاده‌نماید ـ فکروروش‌ونیروی‌خلاقهٔ نهفته‌در اجتماع‌خود را برای‌ایجادزندگی مرفه و آرام بکار‌اندازد در نتیجه عدم لیاقت کسانی که چشم‌پاستان امریکـا دوخته‌اند اکنون دچـار چنان بحران ومحرومیت و تنگدستی شده است کـه حتی پارچه لازم برای‌ستر‌عورت و کفش و هلوار ویرا تابع مقررات جیره بندی نموده‌اند. می گویندمزد حدود ۸ ماه‌است آقای «کابلان» وزیر دارائی ایسرائل در امریکابابن در و آن دزمیدند ـ دست و پای دلالان وال استریـت را میبوسد تا شاید برای اداره امور مالی کشـور خود از آنان صدقه واعانه بگیرد تصور نمیرود این آقا بطرز کار کاسب‌کاران امریکائی آشنا نباشد ونداند که اگـر این آقایان بکسی بکشاهی بدهند صد شاهی پس خواهند گرفت ـ کی هست که از ماهیت کمك آمریکا بکشورهای یونان و اروپای غربی اطلاعی نـداشته باشد کمك امریکا بمردم یونان جز دار و تیرباران و کشتار دسته جمعی مـردم آزادیخواهی که می‌خواستند خود رااز دست طبقه حاکمه‌فاسد و همکاران‌هیتلر و موسولینی‌رها سازند چیز دیگری‌نبود.

کمك بکشورهای اروپای غربـی یعنی از بین بردن صنایع‌داخلی آن کشور ها و محتاج نمودن آنان بمحصولات‌کار ـ خانجات آمریـدائی ـ کشورهائی کـه قبل از جنك،خودراصادر کننده کان‌بسیاری از کالاهای صنعتی بودند اکنون درسایه کمك مارشال بشکل دبالاه های صنایـع امریکا در آمده اند ـ قرضه هاو کمك هائی که باین ممالك‌داده‌میشودوعبارت‌است از اسلحه فراوانی که برای برادر کشی ها و جنك های تجاوز کارانه مانند سیل بسوی این کشورهاسرازیرمیشود ـ اکنون مدتها است علی رغم مخالفتهای‌محافل‌ملی و مبارزات‌احزاب‌مترقی‌ایسرائل‌میخواهند این کشور نوبنیاد را هم دچار سرنوشت ممالك اروپای غربی سازند ـ روزگاری جنگهای مصنوعی بین دو برادر دیرین «عرب و یهود» براه انـداختند سیل اسلحه را بسوی کشور های‌عربی گسیل داشتند و ملت یهود گفتند اگر اسلحه میخواهی و بدفاع خود علاقمند هستی نقشه های جنگی و اسرار حیاتی کشور خودرا باختیارامریکا گذار تا باتقاضای خرید اسلحه تومواقفت‌شود! عوامل امریکائی که دروس دولت‌قرار دارند عملا قدمی درراه رفع بحران‌مالی برنمیدارند وضع زندگـی مردم را دچار تشنج میسازند.

بدون داشتن نقشه صحیح مهاجرین کثیری را وارد کشور می‌سازنـد در مقابل بازار سیاه که هستی ملت رابتاراج میبرد رویـه اغماض ومسامحه در پیش می گیرند.

دست سرمایه‌داران خودی وبیگانه را بـرای غارت منابع حیاتی و دارائی کشور باز می گذارند آن وقت فریاد برمیآورند که اوضاع اقتصادی مملکت وخیم است وبرای رفع آن بـاید دست نیاز بسوی آمریکا دراز کرد. لابد تجار «سخاوتمند» آمریکا هم حاضرندتقاضای قرضهٔ عمالی وفادار خودرا بپذیرندبشرط اینکه آزادی مردم هر چه بیشتر محدود گردد.

کشور ایسرائل قدمهای جـدیتری در راه امریکائی شدن بردارد روشن-کـنندگـان آتش جنك سوم ـ تقویت کننده کان مجدد آلمان نازی بنام‌صاحبان سرمایه وتاجر رهنمای‌اقتصادی وحیات ملك‌را دردست بگیرند. تجارامریکائی همه گونه آزادی برای‌فعالیت‌های‌اقتصادی و بالنتیجه سیاسی در داخل بنگاههـای اقتصادی کشورداشته باشند.

این است شرایط قرضه که‌امریکای «سخاوتمند» میخواهدبکشورایسرائل‌به‌هد این شرایط، استقلال سیاسی و اعتمادی ملت ایسرائل را که‌برای بدست‌آوردن آن خونها ریخته شد از بین میبرد. آن کشوررا به جولانگاه معرکین جنك‌سوم تبدیل میسازد. و می کوشد ملت ایسرائل را مانند سایر مللی که گـرفتار بذل و بخشش‌های‌وال استریت میباشند بکوشت دم‌توپ تبدیل سازد.

البته شکی نیست که ملتی بیدار و مردمی‌فهمیده وسختی کشیده، کسانی کـه هنوزوقایع‌جنك گذشته رافراموش‌نشده‌اند باسانی‌حاضر نخواهند شد آلت تحریکات برده داران قرن بیستم واقع شوند ولی طبقهٔ حاکمه که اکنون بر اوضاع‌مسلط است در این راه قدم برمیدارد بفرمـان امپریالیسم امریکا بجبهه صلح می تازد- کشورهای صلح طلب را مورد حمله و تهمت قرار می‌دهد ـ بدون اینکه‌توجه داشته باشد ملت ایسرائل باید در بـین خانواده ملتها زندگی نماید،روابط ملت خودرا با ملل آزاد تیره می سازد طبقه کارگر را از یگانه پشتیبان واقعی خود سندیکای جهانی اتحادیه های کارگران جدا مینماید و متوجه سندیکای‌ساختگی سرمایه داران انگلو امریکن میگردد.

چنین سیاستی بضرر مصالح عمومی یهودیان است ـ ملت ایسرائل را یکبار دیگر دچار فاجعه هولناکی خواهد کرد این آقایان فکر نمی کنند‌اگر کشورشان پایگاه تجاوز امریکا بر علیه کشورهای صلح طلب قرار گیرد از ملت کوچك و کشور نو بنیاد چیزی باقی نخواهد ماند. ایسرائل میتواند بدون چشم‌داشت بکمك و قرضه امریکا زندگی شرافتمندانه و مستقلی داشته باشد.

با استفاده از سرمایه هـای ملی و منابع طبیعی موجود در کشور و باداشتن نقشه منظم و صحیح متینی بر اصول‌علمی می‌توان اشکالات اقتصادی موجود را حل کرد ـ شرط لازم برای این موضوع در نظر گرفتن منافع اکثریت بشت پا زدن به مطامع استعمار امریکا وسرمایه داران غارتگـر داخلی است ـ اگـر آزادیخواهان،جوانان و مردم ایسرائل اسلحه بدست گرفتند و جان خودرا فدا کردند مسلما بـرای این بوده است که از قیمومت امپریالیسم انگلیس خـارج گردندو در زیر فشار تسلط اقتصادی وسیاسی امریکاقرار گیرند وبمیل‌اربابان وال استریت زندگی اجتماعی خود را بچرخانند ـ اکنون جریان امور کشور بدست‌دوحزب‌طرفدار‌امریکا،یعنی «مپای» و «مپزاخی» است استعمار گـران امریکائی همانگـونه که در فرانسه و سایر کشور های اروپـای باختری با فشار و تهدیـد روسای دولتهـا را که‌ازدست‌نشاندگان خودبودهاندوادار کردند که احزاب آزادیخواه را از کابینه خود براندند. در ایسرائل از شرکت‌احزاب ملی از قبیل مپام در اداره امور کشور ممانعت بعمل میاورند وباین بهانه‌متوسل میشوند که «مپام» با احزاب دیگر سر سازش ندارد ـ اگر حزب مپام‌وسایر احزاب مترقی با آقایان سازش ندارند‌از اینجهت است که آنان نمیخواهند قدمی بسود ملت بردارند، نمیخواهندنقشه‌هائی بنفع ملت‌برای کوتاه‌نمودن‌دست‌غارت-گران داخلی و خارجی تنظیم و اجـرا نمایند ـ عملا بحران و نا راحتـی در زندگی عمومی تولید میکنند تا دخالت آمریکا را در کشور بنام قرضه‌دادن‌موجه قلمداد نمایند ـ مسلما ملت ایسـرائل و احزاب ملی آن ازاین اقدامات بیزارند و با آن بشدت مبارزه میکنند.

این است نظر ما نسبت بجریاناتی که در کشور ایسرائل‌میگذرد ما حساب ملت را که برادران ما هستند باحساب طبقه حاکمه کشور جدا میدانیم ـ ما در حالی که بملت زحمتکش ایسرائل مهر مورزیم و زندگی مرفـه و آرامی را برای وی طالبیم نسبت به فعالیت های ضد ملی طبقه حاکمه آن که نتیجه اش تسلط آمریکا بر کشور ـ غارت‌سرمایه ها و ثروت‌ملی‌بدست غارتگران‌خارجی، تبدیل‌کشور‌به‌پایگاه فعالیت های مغرب جنك طلبان جهانخوار، توسعه فقر و بدبختی عمومی ـ ایجاد تشنج در زندگی ملت با تقویت بازار سیاه و باز گزاردن دست‌بانگذاران وسرمایه داران‌امریکائی در کلیه امور کشور میباشد تنفر داریم و تنفر ما از لحاظ علاقه ایست که بزندگانی برادران خود داریم ـ بخاطر دوستی است که بین ما و عموم ملتهـا موجود است ـ این موضوع‌را جوانان ساده دلیکه در محافل خود می‌نشینند ـ و از رویه ما انتقاد مینمایند بایددرنظر بگیرند ـ اینان بایدسیاست کنونی‌دولت ایسرائل‌را که‌درزندگی‌اکثریت‌یهودیان‌دنیا تشنجاتی ایجاد نموده است مورد حمله قرار دهند

ترجمهٔ باروخ

مصاحبه با ایلیا ارنبورك

نویسندگـــــــان در جنبش مبارزه در راه صلح چه نقشی را ایفا مینمایند ؟

درزمان جنك نویسنده ای که موثراً بر ضد فاشیسم مبـارزه نمیکرد وجود نداشت .

نویسندگانی که خودرا ازاین‌مبارزه کنار می کشیدند تهدیل بافرادی‌بی ثمر گردیدند . آنها میخواستند موجودیت خود راحفظ کنندولی بنابودیشان منجرشد . اکنون هم ، مبارزه در راه صلح بهمان اندازه که مبارزه برضد متجاوزین فـاشیست اهمیت‌داشت جنبه انسانی پیـدا کرده است .

در بهار امسال نـامه‌سر گشـاده‌ای خطاب بنویسندگان‌غرب نوشتم واز آنها تقاضا کردم که بیانیه استکهلم را امضاء کنند .

در بین کسانی که بتقاضای‌من جواب نیمه موافق داده بودند می‌توان رمان‌نویس فرانسوی شامسون‌را نام برد که چندجلد از کتابهای اوبروسی ترجمه‌شده اند . او اسلحه اتمی‌وتهیه جنك جدید جهانی را جداً تقبیح می کند و اطمینان می دهد که‌بعاطر صلح حاضر است حتی جـان خود را فدا نماید ولی خود را از جنبش هواداران صلح کنار گرفته‌ومی گوید با مبارزه عملی‌ممکن‌است « ارزش معنوی خود را بنمایش نویسنده از دست‌بدهد » بنظر من اواشتباه‌میکند زیرانویسندگان بزرگی الحاق خود را به‌جنبش‌هواداران صلح اعلام کرده‌اند و گمان می کنم که عمل آنهاتیجه اش این بوده که ارزش معنوی‌خودرا بالا برده‌اند .

اگر ادبیات آلمانی‌را دونیم قرن اخیر درنظر بگیریم نام‌دو نفر نویسنده بورك را بعاطر میاوریم توماس مان و برادرش هنریش‌مان که اخیراً‌فوت کرده است . توماس مان بدون هیچ فکر و اندیشه ای بیانیه استکهلم را امضاء کرد .

آیا لازم است از مبارزه قهرمانانه «پابلونرودا» که من او رابهترین‌شاعر قرن اخیر می‌شناسم سخن بمیان‌آورد ؟

در جنبش‌هواداران صلح‌افرادی‌چون «لوئی‌آراگون» و «بل‌الوار» و رمان اویس‌آلمانی «انازکرس» و «هوارد فاست» امریکائی ودیگر کسانی که حتی‌از نظر عقیده باما اختلاف دارند ولی‌ازیك «ایده مشترك» دفاع می کنند مانند کاتولـیك فرانسوی مارتن‌شولیه ورمان‌نویس‌آلمانی ارلوند شویك شرکت‌دارند . «پیرنوا» مولف «اتلانتید» بیانیه استکهلم‌را امضاء کرده است .

نباید ازنظر دور داشت که امضـاء بیانیه استکهلم در امریکا کارخطرناکی است وشجاعت و از خودگذشتگی لازم دارد .

من نویسندگان امـریکا را بسه طبقـه تقسیم میکنم آنهائی را که عـلناً وارد مبارزه‌برضد آتش‌افروزان‌جنك گردیده‌اند جزو طبقه اول میدانم .

هوارد فاست درزندان بسر میبرد و اینموضوع بخـوبی نشان مـیدهد که طرفداری ازصلح در امریکا چه نتایجـی دارد .

بسیاری‌ازنویسندگان خوب‌امریکائی که دارای استعـداد سرشار ولی فاقـد شجاعتند در طبقه دوم جـای دارند . من معتقدم‌که آنهابابی‌افکار واحساسات طرفداران صلح ایمان عاوند ولی‌تاکنون سکوت اختیار کرده اند .

طبقه سوم آنهائی‌هستند که باجنك افروزان همقدم شده‌اند.

ایتون سینکلر از آنها است و من گمان نمیکنم که « ارزش معـنوی » چنین نویسنده‌ای که با ترومن در یـك اردوگاه قرار گرفته بالا برود ، ما بـا سر افرازی میتوانیم بگوئیم که بسیاری ازنویسندگان شوروی در جنبش‌مبارزه‌در راه صلح موثرتر آشرکت دارند ومن‌اطمینان دارم که اینموضوع درکارهای‌هنری آنها اثر نیکوئی بجاخواهد گذاشت.

بنظر شما در ممالك مختلف جهان نهضت طرفداران‌صلح چه پیشرفتهائی نموده‌وچه مشکلاتی درپیش دارد ؟

ـ موقع بحث در باره نـویسندگان امریکائی،موانعی‌را که در بعضی کشورها در مقابل نهضت طرفـداران صلح قرار دارند متذکر گردیدم . بغـیر از آنها مشکلات دیگری‌نیز وجوه‌دارند دروغها و افترا هائی که بوسیله‌مطبوعات انتشار یابند ماهیت جنبش طرفداران صلح را دگر گون جلوه میدهند،ملیونها افـراد کشور های مختلف که از جنك متنـفر هستندهنوز ندیدانند در مقابل تهدیدجنك چگونه باید مبارزه کرد.

مطبوعات امریکائی وامریکائی ـ منش سعی دارندنهضت طرفداران‌صلح را سیاست یك حزب بخصوص و بنفـع یك کشوربخصوص جلوه دهند . گرچه تمام دنیا میدانند که انحصاراسلحه اتمی وجود ندارد با اینهمه در کشورهای انگلستان و بلژیك و دیگر کشور ها میشنیم که بعضی میکوشند ثابت کنند که « بـب اتمی بنفع امریکا و بضرر شوروی‌است» وبالنتیجه بیانیه‌استکهلم «یکجانبه» است

درصورتیکه بمب اتمی دردرجه‌اول کشورهای کم وسعت و برجمیت مانند انگلستان و بلژیك را مورد تهدید قرار میدهد و این وظیفـه هر میهن پرست انگلیسی و بـلژیکی است که منـع استعمال سلاح‌دیوانه‌واراتمی‌راتقاضانماید میخواهم باین نکته اشاره کنم که در این اواخر بسیـاری از سیاستمداران دنیای‌بورژوازی مانند نیتی وبولـومی و اورلاند ونخست وزیران سابق ایتالیا و هانری رولن رئیس سابق مجلس سنای بلژیك و بعضی ازنمایندگان حزب کارگر و رادیکالهای‌فرانسوی‌تقاضای‌منع‌استعمال اسلحه اتمی را‌امضاء کرده‌اند.

مطبوعات امریکائی و امریکائی ـ منش درهفته‌های اخیر به نهضت‌هواداران صلح شدیداً حمله کرده میگویند که تمام اعمال آنها‌بامنع‌اسلحه‌اتمی‌خاتمه پیدامیکند این‌نیز بنوبه خود دروغ و افترای جدیدی است . شرکت کنندگان کنگره استکهلم در مراجعه نامه خود که همه جهانیان از محتوی آن بخوبـی اطـلاع دارند اعلام کردند که منـع اسلحه اتمی وضع‌وخیم‌جهان‌رابهبودی‌بخشیده واولین‌قدم برای نیل به صلح‌حقیقی‌شمرده‌خواهدشد .

هرفرد باشرافت و گمراه نشده ای میفهمد هواداران صلح در حالی‌که بلز اسلحه اتمی مخالف هستند از اختراعات مرك بار امریکائی امثال جنك باکتر ـ بولوژی و سلاح های‌دیگر ازقبیل آنهائی که در جنك دوم‌جهانی مورد استعمال‌پیدا کردند طرفداری نمیکنند .

طرفداران صلح تقاضا دارنداختراع امریکائی « جنك سرد» خاتمه پذیرد و مذاکرات صلح استوار آغاز گردد.

کنگره‌دوم هواداران صلح‌درا کتبر ویا نوامبر امسال بر گذار شده و نشان خواهد داد که‌نسبت به ایام کنگره‌پاریس چه اندازه پیشرفت نـموده است . در کشورهائی مانند فرانسه وایتالیا نهضت صلح بقدری قوی است که محافل وابسته بسیاست‌امریکابیش از پیش ایده بیطرفی این‌کشورها را تقویت میکنند . آن ها میفهمند که‌ملت فرانسه و ایتالیابرای‌منافع امریکاوارد جنك نخواهدشد.

چندی قبل من درانگلستان بودم . تا این‌اواخر نهضت‌صلح درآنجاضعیف‌بود وقایع کره بانگلیسی هـای ساده نشان‌داد که چنانچه دولت اقدامات کور کورانه واهنگنکن‌دست بردارد‌چه‌عواقبی در انتظار ملت خواهدبود . چند هفته‌قبل امریکا از کشور های زیر دست خـود درخواست کرد اقدامات جدیدی بـرای آماده‌گی بجنك اتخاذنمایند .

در انگلستان ، فرانسه،دانمارك و نروژ اعتراض داشته اند که بواسطه تدارکات نظامی سطح زندگی باز هـم پائین‌تر خواهد آمد . بدینطریق مسئله صلح و زندگی‌ازروی ستون‌های‌روزنامه ها خارج شده و روی سفره لهار افراد عادی قرار گرفته است .

محتاج ذکر نیست که اینموضوع جنبش هرداداران صلح را تقویت خواهد کرد و بالاخره آن انحطـاط معنوی که ارتباط مستقیم با تبلیغات جنگی‌دارد‌سبب خواهد شد هنرمندانی که در دو راهی قرار گرفته بودند بنهضت صلح بپیوندند. من فکر می کنم که فقط اشخاص بـی وجدان قادرند در تهیه جنك‌شرکت نموده و یا بآرامی‌خود را ازصحنه کنارکشند.

عمل نمایش نامه اوپـی انگلیسی « پریستلی » که‌ازامضاء بیانیه‌صلح‌امتناع نموده بسیار جالب توجه است . اوبکلی آرامش روحی خود را از دست داده و هرهفته رویه خود را که حتی‌برای‌خودش مجهول مانده در مقابل جمعیت تفسیر می کند . گرچه پریستلی خیال می کند بـا توضیحات خود عایه‌جنبش هواداران‌صلح مبارزه مینماید اما بنظر مـن او بجنبش فوق خدمت مـی کند و بخوانندگان و شنوندگان خود نشان میدهد که فرار از مسئولیت چه انتقامی دارد.

ـ شما اخیرا بعضی‌ازکشور های غربی مسافرت کرده‌ایدشما این‌کشور ها را قبل ازجنك‌هم میشناختید آیا زندگی درآنجا تغییر نموده است؟

ـ زندگی در این کشور ها بقدری عوض شده که بعضی اوقات بنظرم میآید داخل خانه آشنائی شده ام که صاحبخانه و طرز زندگی آن تغییر نموده است . البته شهرها و خیابانها بچرآن‌هائی که در نتیجه جنك نابود گردیده‌اند‌دوسرجای خود باقی هستند ، باید گفت که عمارات جدید در کشور هـای باختری کـمتر ساخته‌می‌شوند. بطوری که معلوم گردیده دولتهای این کشورها با وجود « کمك امریکا » بـودجه کافی بـرای ساختمان ندارند.

بسیار واضح است : **امریکائیان برای خرید بمب وگلوله پـول میدهند نه برای ساختمان‌خانه.** کار فرمایان خصوصی نیزصلاح رادر این دیده‌اند که بجای ساختمـان خانه سهام امریکائی را خریداری کنند .

در فرانسه‌بعضی‌از بنادر تا کنون‌بصورت تل خاکی باقی مانده‌اند . در قسمتهای غربی (برسن) حتی یك‌خانه‌جدیدبنانشده. در لندن من از تعداد زیادخانه های موقتی و خرابه هـای مرکز شهر تعجب کردم مردم زندگی کوتاهـی دارند. فردا یا پس فردای‌خود را هم نمی‌توانند در نظرشان مجسم سازند . اگـر روز نامه‌های فرانسوی،انگلیسی ویاایتالیائی را یکبار مرور کنید نه میل ساختن‌خانه خواهید کرد و نه برای آتیه‌خودنقشه خواهید کشید . مردمـا در فرانسه ۱۰ برابر و هزینه زندگی ۲۰ برابر ترقی کرده‌اند .

در تبعیه مردم دو بار بدترازسابق زندگی می کنند . درانگلستان تاامروز برای گوشت، قند چربی ، صابون ، چای و تخم مرغ سیستم جیره بندی بر قـرار است . دربسیاری‌ازخانواده های‌انگلیسی که با آنها تماس داشتم چائی را بدون قند و یاجیره‌های‌بسیار کوچك‌می‌نوشیدند چنین بنظر میآمد که‌این‌جیره های کوچولو کالای بسیار پر قیمتی است .

بارچه های پشمی خوب انگلیسی‌را در استکهلم و یا زوریخ خیلی‌آسانتر می‌توان پیدا کرد تا در خود لندن.

نقشه مارشال همه چیزرا بهم‌ریخت بنظر من این نقشه بی‌نقشه ترین طـرح هائی است که تاکنون دیده‌ام . مثلا نیست برای چه بایـد ماهی را از نروژ هنله وارد کشور فرانسه کنندو درعوض ماهیگیران فرانسه ساردین های خود را دوباره بدریا بریزند .

کشور بلژیك رااز منسوجات‌امریکا و آلمانی اشباع نموده‌اند در صورتیکه کارخانجات نساجی بلژیك یکی پس از دیگری بسته می‌شوند .

سویسی ها شکایت دارند کـه در خشك آنها بفروش نمیرود زیرا همـه های سویس مجبورند احتیاجات خود را با گرد هیر آمریکائی رفع کنند. ازاین قبیل نمونه ها بسیارند . مولفین شکایت دارند که مردم خیلی کمتـر از سابـق کتاب می‌خوانند . بجای کتاب‌های‌مفید مجلات کوچکی‌بسبك‌مطبوعات‌امریکائی منتشر میشوند که چندان‌هم جالب‌نیستند ولی‌ظاهر‌فریبنده دارند .

تماشاچیان تاتر بسیار تقلیل یافته‌اند .

سینماهائی که‌اکثرفیلمهای‌امریکائی نشان میدهند جای تاترهارا گرفته‌اند من‌نمی‌خواهم بگویم‌مردم اروپای غربی که وارث تمدن بزرگی هستند بکلـی وحشی شده‌اند لیکن قدر مسلم‌آنست که ملیونها افراد کشورهای غرب‌تمام‌هم خود را صرف مبارزه درراه نان میکنند و شبح جنك جدیدی‌بسیارهراسانند. اکنون

چه اثری‌دردست تألیف دارید

ـ اگر من‌شرکت نویسنده‌ای را در جنبش هواداران صلح کار برشمری‌تلقی کنم بهیچ‌وجه دلیلش این‌نیست که‌مبارزه مزبور وقت اوینسنده را نمیگیرد و او از تالیف کتابی باز نمیدارد . من بارها امیدوارم که بتوانم کتاب طوفان خود را ادامه دهم . این قسمت شامل تاریخ ایام بعداز جنك و شرح زندگی افراد روشنفکردر شوروی، فرانسه ، آلمان امریکا خواهدبود.

من دوباره‌بشرح ـ ترلوشت و کتر کوبنوف ناتاشا،ماه‌ی،لزان،لانسیه ودیگرقهرمانان «طوفان» خواهم‌پرداخت

پایان

نامهٔ وارده

اداره محترم روزنامهٔ بیان :

ـ این نامه برای اکثر مقامات قضائی ومسئول کشور فرستاده شده وروانوشت آن جهت درج درآن روزنامه فـرستاده می‌شود :

بیش از ۱۰ ماهست کـه بخاطـر هوسهای غرض آلود چند مامور کار-آگاهی یك کانون خانواده بعلت زندانی شدن مسئول اقتصادیش ازهم پاشیده‌شده است .

اینك مادری رنج کشیده ، مادری که از یکطرف یك فرزندش درزندان و از طـرف دیگر زندگی خود ودیگـر فرزندان خودرا متلاشی شده می‌بیند این دادخواست رابرای شمامینویسد.

گرچه کوششهای فـراوانی کـه تاکنون دراین زمینه نموده و مـراجع صلاحیتدار بیکباره‌سکوت کرده‌اندوچنانکه گوئی اتفاقی در این کشور نیفتاده ویا آن‌ها وظیفه‌ای دراین‌زمینه ندارند، ولی بهرصورت‌لازمست‌همه کسانیکه بزندگی خود و فرزندان خود علاقمندند درك کنند وبدانند کـه چگونه دردوران ما هوسهای تنی چند پرونده ساز ماجراجو کاشانه‌های زندگـی را خورد وویـران مینماید .

فرزند بیست وچهار ساله‌من پرویز شهریاری که اکنون درزندان بسرمیبرد چه گناهی داشته است ؟

اواز یکطـرف دردانشگاه تحصیل میکرد واز طـرف دیگـر باتدریس در دبیرستان‌هاو آموزشگاههای تهران‌زندگی خود ومادروبرادران خودرا تامین‌مینمود است .

آیا گناه این جوان این بود که‌از کودکی خوددریك‌خانواده پرازپدهقانی مرارت کشیده واز دوازده‌سالگی که‌پدر دهقان خـود را ازدست داده مسئول‌ادارهٔ اقتصاد خانـواده‌اش شده وبـا زحمـات جانفرسای خود از یکطـرف وسائل تحصیل واز طرف دیگر زندگی گلوراتی برای خانوادهٔ خود فراهم میکرده‌است؟

فرزندمن روزها را دردبیرستان و دانشگاه بسر میبرد و شبها تا ساعت ۱۰ بعد از ظهر بلا استثناء درآموزشگـاه شبانه تدریس‌میکرده است‌وتازه درساعت ۵ر۱۰ بعداز ظهر کـه خسته و کـوفته بمنزل میآمده میبایستی بمطـالعه دروس دانشگاه خودبپردازد.

یك مادر وقتی این جریان را بدقت می‌نگرد ، زمانیکه باطلاع‌کامل ازروحیهٔ فرزند خود اورا ساعی،صادق‌وزحمتکش می‌داند،وقتی که مطمئن است که فرزند اوهیچ گناهی نداشته جـز اینکه همیشه بمقابله باسختی‌ها شتافته واز کوششهای حقشت باز بخاطر تامین حد اقل زندگـی اقتصادی خانواده روگردان نبوده است، آن‌وقت حق دارد فکر کند که‌چرا او را از خانواده‌اش جدا نموده و بـزندان انداخته‌اند ؟

مگر تحصیل دراین کشور گناهست؟ مگر کوشش برای تامین زندگی یك خانواده آن‌هم با۱۶ ساعت کار روزانه کاریکه بقیمت تحلیل جوانی او تمام شود جرم‌است ؟

این‌ها چیزهائیست کـه بـرای من مبهم است وانتظار دارم که بآن‌رسیدگی شود .

باید این مسئله برای‌من روشن‌شود که یك خانواده چند نفری چه جرمی‌را مرتکب شده که محکوم به‌ازهم‌پاشیدن شده‌است ؟

باید معلوم شود کـه یـك جـوان دانشجوچه جنایتی انجام داده که باید سه سال در کنج زندان‌ها بسربرد ؟

یك مادر رنج دیده ازشما که‌دارای مسئولیتی بوده‌ووظیفه داریدتا در ایـن مسائل دخالت نمایند تقاضا دارد بپرونده فرزندم‌رسیدگی‌نموده‌واین‌ظلم و بی‌عدالتی را باسکوت خود دامن‌نزنید

« کاستان‌شهریاری‌ـمادر پرویزشهریار»

بقیه‌ازصفحه ۱

در سئوال اول که تاریخچه زندگی و فعالیت تیتو و این که چگونه اینها توانستند خود را وارد حزب کمونیست نمایند .

مجله بشرح زیرین پاسخ داده است :

ما برای آنکه خواننده عزیز خود آقای ویلیام ماتیوس را که سئوالات نسبتا جالبی از ما نموده‌اند بی پاسـخ نگذاریم مقدمهٔ سعی میکنیم پس از تشریحی از شرح حال‌تیتو خوانندگان خود را درجریان سیاست اقتصادی واجتماعی کشور یوگوسلاوی بگذاریم.

آقای ژوزف بروز (تیتو) رئیس هیئت دولت کشور یوگو-سلاوی درجنك اول جهانی که سمت سرجوخه جنگی لشکر مختلط اطریش وهنگری را داشت علیه روسیه می‌جنگید و در همان حین زندانی شد .

پس از استخلاص از زندان ومراجعت بکشور خود در سال ۱۹۲۰ توانست باز در آرمش شغلی جهته خود پیدا نماید . درهمان اوقات پلیسی سعی مینمود ازوضعیت حزب کمونیست اطلاعاتی کسب نماید وبدین منظور ایادی خود را در حزب داخل می کرد ، افراد روشن‌فکر عاملین سرشناس آن را مثل « سمیك » « گرکیك » و ملینیك را ازجرگه خود خارج نمودند .

دستگاه تفتیش عقاید و پلیس‌آن‌زمان ناگزیر بود حال که چند نفر از عمالش‌شناخته شده بودند وخیانتش برملا شده بوداشخاص جدیدی را درخدمت خود بگمارد، برای‌این امر تیتو بهتر ازهمه بود از این لحاظ در سال ۱۹۳۷ تیتو و باند خائن وابسته بشهربـانی توانستندحزب کمونیست رخنه‌نموده وبا سخن پراکنی های آتشین، خود را درجرگه سوسیالیستها قلمداد نمایند .

تیتو همچنین سعی مینمود رفقای خائن و دستیاران پلیسی‌خود را مثل آقایان رانکووچ ، کاردلیچ وچیلاس را نیز بمراحل عالیه حزبی نزدیك و بالا برد .

درسال ۱۹٤۱ هنگامی کـه حاکمیت یوگوسلاوی بوسیله نازیها مورد مخاطره قرارگرفت ، این دستیاران پلیس با مجاهدت کافی سعی نمودند خود را داخل کمیته مرکزی نموده وحتی بمقامات دبیر کل سیاسی وغیره نیز برسند ، ازهمان زمان سعی نمودند بوسیله باند بخصوص خود تفـرقه و تشتتی درحزب انداخته و دوگانگی بین اعضاء کمیته مرکزی را دامن زنند وغبار روز افزون فاشیست ها وعملات برق‌آسای آنـان نیز بیشتر از نقشه جنایت‌کارانه آن‌ها حمایت میکرد .

اماآن روز این باندتیتو ، قتابی نبودند بااینکه عده‌ای‌آنان را شناخته بودند،بااینکه عده‌ای‌نیز بوسیله همین‌ها زندگی خود را از دست داده بودند ولـی محاکمات سال قبل «را یك» خائن و همدستانش ، گذشته سالوسانه زندگی باندتیتورا آشکارساخت .

اکنون‌بخوبی مشهود است که اعمال‌ناجوان‌مردانه فاشیست ها درتابستان سال ۱۹٤۱ وقصابی‌های کلانی که صورت میگرفت‌همگی دراثر خیانت باندتیتو بود که توانستند عدهٔ از زبده‌ترین فرزندان خاك را نابود نمایند.

همان روزها بود که تیتو ورانکوویچ درشبکه پلیسی رل منحوس خودرا درحزب ایفاء نموده وبا ملاقات‌هائی که در ویلای تیتو صورت میگرفت نقشه امحاء دسته جمعی آزادیخواهان راطرح مینمودند. امروز نیزاینها همان رو ش خودرا ادامه میدهند ،اکنون نیز هرصدای مخالفی راخفه میکنند اصلاح طلبان را بعنوان مخالف اصلاحات درزاجیر میکشند فقط باند خودرا «سوسیالیست وشجاع» نامیده وسیاست خودرا «بشری وخواسته‌های‌خلق» میدانند !

آن روزها سعی مینمودند خود را سوسیالیست نشان دهند ، در حزب‌حمله آلمان بشوروی‌راتقبیح مینمودند ،اماطبق اسنادیکه‌سال گذشته درمعضر دادگاهها عرضه شد اینان در همان وقت بافاشیستها همکاری‌صادقانه‌ای مینمودند ، حالا دیگـر بخوبی معلوم شده کـه آقای رانکوویچ درتابستان ۱۹٤۱ باتشویق وحمایت فاشیست‌هادر حزب دست بخرابکاری میزد.

رانکوویچ خائن زمانیکـه داخل تشکیلات حـزبی ایالت بلگراد شد یك فاشیست پروپا قرص بود روی همین اصل بود کـه فرزندان برومندی از خلق اجیب یوگـسلاو را بادستیاری پلیس بدخمه‌های مرك اعزام داشت ، درجنك سرمایه‌داری اخیررانکوویچ یکی از عمال پروپا قرص هیتلربود . فعلادونه‌ای‌از عملیات آن‌هارا جهته خوانندگان عزیز میگذاریم .

درحمله ۱۹٤۱ آلمان‌ها یوگوسلاوی،عده زیادی ازرهبران برجسته حزبی درمحبس بودند دار ودسته توانستند عده‌ای از خودشان را که جزء آزادیخواهان بحبس اعزام‌نموده بودندخارج نمود وبقیه را که متعلق بملت بودند درزندان‌ها سالها نگاه دارند، این عملیات خائنانه‌آنها بهانهٔ بدست پلیس داده وبعنوان تبانی در فرار بآزاربهترین فرزندان خاك پرداختند‌گروه زیادی را نزدیك زاگرب بدخمه‌های مرك‌روانه نمودند .

درسال گذشته هویت یکی دیگر از دستیاران باند تیتو معلوم شد « آنتون روب » یکی از اخلال گـران و همدستـان پلیس که‌در زندان بین زندانیان تفرقه میانداخت وباعث‌اعتراضات دسته جمعی میشد ، این جمع را بعنوان تعویض اطاق وسلول ازدخمه های تاریکی عبور داده‌ومعلوم نبود عاقبت آنانرا بکجامیفرستادند.

تیتو وشرکاء در یوگوسلاوی چه‌میکنند؟

بیش‌از نودنفر آنهازندگی خودرا‌ازدست‌دادندو در میان آنها سینما های بر جسته از قبیل (اوجن بربکا)ـ (اتوکار کر سووانی) و غیره میبودند .

در بین خائنین تبعهٔ کشورهای دیگری هم پیدامیشد،شخصی بنام « دراز میهالویك» عامل اتیلجنت‌سرویس‌را می‌بینیم که‌باعمال فاشیستها وباندتیتوهمکاری نزدیك داشته است .

تیتو بوسیله همین شخص متجاوز از یا بصد قبضه‌تفنك و ۲۵ هزار نوع اسلحه دیگر و مهـمات برای براادو در آوردن مردم آزادشهرهابکار برد،برای‌ازبین‌بردن کسانیکه‌حق‌داشتندومیخواستند ازوزندگی‌عادی‌خوددفاع‌نمایند.

در محاکمات سال قبل یك افسر انگلیسی بنام « هودسن» نیز بجاسوسی خود اقرار نمود و رسماگفت باخرابکاران باند تیتو همکاری داشته و چطور از طرف دولت فقیده بریطانیاحمایت‌میشده چطور وسایل ملاقات های سیاسی‌بین سران دولت بریتانیا و«قائد یوگسلاوی »رافراهم میاورده‌است .

درمحاکمه‌سال‌قبل‌گفته‌شد که‌چطور «اس.اس» های‌فاشیست در سال ٤۱ باهمکاری همین خائنین توانهالان برومند‌جامعه‌رامحکوم باعدام وحبس های طویل‌المده مینمودند وهمچنین وانمود گردید که چطور اینها از سال های خیلی‌قبل ماموریت داشته در صفوف‌توده ها خود را جا بزنند و همچنین در همان بارسال میخواستند آشوبی در تمام‌حوضه‌بالکان براه‌اندازندومما‌لك شرق‌اروپا را از نوتحویل امپریالیزم هار نمایند .

هنگامیکه ملت دلیر یوگوسلاوی برای دفـاع از وطنشان میخواستند با ارتش شوروی همکاری کنند چگونه « جیلاس » و « پیاده » این دو خائن خودرا بتوده ها نزدیك نموده و سعی می-نمودند باشکاف درصفوف ملت منظور آلمان‌های خائن را برآورده و ارتش‌آزادهٔ‌را تسلیم بلاشرط بفاشیسم خونخوار‌نمایند.

« پیاده » بوسیله تحریك کردن و ایجاد نزاع بین‌کارگران ضربت محکمی بربیکر مردم وارد ساخت « جیلاس »همکارصدیق او نیز بارا فـراتر نهاد او دستور داشت که‌علاوه بر کارگران، ارتشی‌ها را نیز بدسته های مختلف تقسیم نماید، قوه مقاومت آنان را دربرابر فاشیست‌ها از بین ببرد و با خیال راحت نقشه‌های شوم فاشیستی و ضد ملی خودرا عملی کند ، تنها باین عمل نیز‌قانع‌نشدند بعنوان چندستگی افراد میهن‌پرست ارتش‌رازبین بردند وهزاران نفررا بعنوان مخالفت بدیار عدم روانه نمودند . این خورد کردن، این تشتت انداختن درزمان جنك همگی بوسیله باند تیتوهمکاران خائنش عملی میشد. همین ها بودند که قریب ۲۵ هزار افرازمردم را در کمند انداخته و آنان را بردوخانه های « بیوا » و « تارا» انداختند قریب ده‌هزارنفر از ارتش ملی جان خودرا ازدست دادند

این آقایان خائنین آنروز فورا پس از این عملیات خائنانه وضد بشری از مناطقی که اهالی را انجام می‌دادند دور شده ودر جای دیگری آفتابی میشدند ، طبعاً این ضربری برای همیشه نمی-توانست ادامه پیدا نماید وعملیات آنها از نظر روشن بینان مستور نمی‌ماند، این‌بود که این باند فورا مخالفینی‌را که از شیوه رذیلانه آنها اطلاع پیدا مینمودند بهروسیله بود ازبین‌میبردند.

این خائنین پس از چندی عده‌ای ازرهبران حزبی‌را مـورد استیضاح قرار داده‌و می‌خواستند وجهه خودرا در داخل حزب‌بالا برند،خیلی مضحك بود،بعضی از اوقات عده‌ازدار و دسته خود را «کوشالی» میدادند.

مثلا آقای « ناچ » که روزی در فرمان‌برداری ازاوامـر باندخودفلقتی نموده بود باگوشمالی تیتو مواجه شدامابس‌ازمعذرت-خواستن اکنون با مقام سپهبدی یکی از پست هـای حساس کشور یوگوسلاوی را در دست دارد، در محاکمه سال گذشته نام وی نیز جزء جاسوسان ذکرشده است .

اما امر مهم اینکه تمام این جریانات با نظر شبکه های جاسوسی انگلیس وامریکا صورت میگرفته و از چشم وفرمان‌آنها دور نبوده است.

نوید آزادی
مدافع حقوق زحمتکشان
هرهفته روزهای شنبه منتشرمیشود

چو جراید نسبتاً آزاد،بخواه آنروزیوگوسلاوی‌این‌موضوعات تا اندازهٔ نوشته میشد ، این باند انگلیسی بوسائل مختلف از راه زمین وهوا چهته جاسوسان خود دستگاههای فـرستنده و گیرنده میفرستاد یکی دوعدد ازاین دستگاهها که برحسب‌اتفاق‌پیداشدنشان میداد که چه‌درقوی ودارای ولتاژ زیادبوده است.

با همین دستگاهها فرمان صادر شده بود که در تـابستان ۱۹٤٤ تیتو وباندش درمزارع مختلف اطراف جزیره « ویـز » آتش سوزی عظیمی برپا نمایند، مزارع را آتش بزنند و دهقانان بیچاره را از هستی ساقط نمایند.

امپریالیزم آمریکا وانگلیس‌درخبر گزاری‌های خوداینگونه وطن پرستی‌های تیتورا می‌ستایند وهمان‌ها بودند و هستند که از خیانتکاران حمایت مینمایند چند صباحی آقـای « دکین » منشی مخصوص چرچیل جاسوسان‌را اداره میکرد، چندی‌سرتیپ «ماکلین» عهده دار امور بود وبالاخره پسر چرچیل آقای «رانالدولف» این خیانت‌را قبول کرد.

میسیون نظامی امریکا نیز بسر کردگی کلنل هالتینگتـون عملیات ضدملت یوگسلاو را ادامه میداد ، اما باندتیتو باز بـرای تفرقه مردم نقشه می‌چید بالاخره موفق‌شدند اشعابی در حزب‌ایجاد نمایند ، دوگانگی بین افرادانازند وسال گذشته در محاکمه‌رایك اهن ثابت شد که‌تمام‌این‌عملیات بدستوراسپریالیزم آنگلووامریکن صورت‌میگرفت

آنها میل داشتند بابدست گرفتن تمام امور کشورسایر کشور های کوچك همجواررا نیز بسرنوشت یوگسلاوی مبتلا سازند ، اما نهضت خلق وتاریخ، این دغلکاران‌را رسوا نمود ۱۰ کنون تیتوسعی می‌نماید حکومت خودرا ملت خواه ، وطن پرست ، وضـلح جـو معرفی کند اماجلوگیری‌ازامضاء صلح نیزباسعی‌است که ماهیت‌هار این‌باندخائن‌رابر ملا میکند .

۲ـا کنون‌بسئوال‌دوم‌بردازیم‌تیتوخودشخصاسرمایه‌داراست یا باهمکاری آنان‌حکومت‌مینماید‌وچه نفعی‌از آن‌عایدش‌میشود ؟

اسراف وتبذیر وحاتم‌طائی شغن‌ازمال‌مردم که بیشترهیئت‌های حاکمه درجهان‌سرمایه‌داری بدان‌مشغولندتیتورا مستثنی نداشته‌است، اوهم دراین گونه امور سهم بسزائی دارد ، زندگی تعیش ،قمار-بازیها ، اسراف وتبذیر بی‌مورد ، پول اینها از کجا بدست‌میآید؟ پول‌دستر نج چه‌اشخاصی صرف‌اینگونه‌امور میشود. مگر نه‌اینست که حتما غیرملت هیچکس زحمت آنرا نکشیده ؟ قوانیـن تیتوئـی راجع به مالیات‌های درشکن جدید بزمزارع ـ مراتع ـ کارگاه ها وغیره پشت ملت راخم کرده. مالیاتهای کلان وفدیه پیرزنـان جز در جیب تیتو وشرکاءاش دست چه کسی را میگیرد ؟با تصویب قانون ضدکارگری هر روز پرمصائب ملت مظلوم‌افزایند ، اعمـالشان و کردارشان جزمکیدن شیره مردم وخون‌ریزی بیدریغ چیزی‌نیست، امروز تیتو شخصا دارای املاك ومستغلات کلانی است . ویلاهای زیبا جهته خود تهیه نموده ـ تفریحگاه ، تاکستان‌هائی که‌ازاشخاص مختلف حتی مربوطه به عائوادهٔ سلطنتی «کارا گئو کیویك» واغصب نموده‌ودر مکانهای مختلف وجودداردند خود قیمت زیادی‌ارزش‌دارد، نه تنها تیتوبلکه دستیاران خائن اونیز از این گونه مزایابی بهره یـنند آنها نیز مال دیگران رابغصب گرفته وبهره‌برداری مینمایند در کنارسواحل‌دریای‌آدریاتیك‌دجزیره « لوباد» «ویلائی‌زیباجهته «قائد» ساخته شده اینها مگر چیست؟ بازهم راجع به‌روش‌ضد ملی تیتو بایدشك‌داشت !!!

می‌توان گفت‌اقتصاد یوگوسلاوی‌نیز امروز دردست‌همین باند اداره می‌شود با این جمله که حقیقت کارتل تیتو را بیان می کندبهتر میتوان بماهیت امپریالیستی وی‌پی‌برد اقتصاد آن‌جا راحیتوان این طور نام گذاری نمود(شرکت اقتصادی تیتو واشرکاء) که‌مؤسسات بزرك آمریکائی و انگلیسی نیز باوی همکاری‌میکنند. آیا بازهم میتوان در خائن بودن آن‌ها شك‌داشت ؟

اما در مورد سوال سوم که قید شده بالاخره‌اینهاچه میکنند و چه جواب می‌دهند ؟

باید گفت آنها روش سیمانه غیر انسانی خودرا ادامه میدهند حزب دست چپ درست کرده‌اند ، چپ نمائی می کنند ،سوسیالیست و کمونیست ورد زبانشان است ، تعداد زیادی از جملات ولغات‌مکتب سوسیالیسم ـ کمونیسم را بمارهٔ سرقت نموده و در برنـامهٔ خـود گنجانده‌اند. اما آیا واقعا جمعیت‌آن‌ها کارگری است،برای کسانی که وارد در اوضاع سیاست روز می‌باشند مفهوم احزاب کارگری دولتی بخوبی‌روشن است.

اکنون باند تیتو نیز با محروم کردن طبقات روشنفکر از کار ،بیرنامه کارگری خود ادامه می‌دهد،با حمایت مستقیم‌امپریالیزم انگلو آمریکن هرچه بیشتر کینه خود را نسبت بـکارگران نشان می‌دهد ، حالا دیگر عقب مانده ترین فرد یوگوسلاو درك مینماید که کشورش ملعبه خیانت کاران و امپریالیست های خارجی شده کماآنکه در چند ماه قبل در واشنگتن و لندن این‌قضیه مطرح بود واخوش خدمتیهای تیتو مورد تمجید واقع گشت .

در خاتمه بایـد گفت با رژیـم سخت پلیسی که اکنون در یوگوسلاوی حکمفرماست مردمان آزاد و حزب حقیقی کارگران با دخالت دول خارجی در امور یوگوسلاوی سخت مخالفت نموده و مبارزه خود را جهة بیرون راندن آنان ، ودور نمودن وطن‌ازآتش جنك همچنان ادامه‌می‌دهند.

بقلم آقای رضا یغمائی

یك مقاله بسیار جالب توجه در باره بلوچستان

یك شاهد عینی وضع رقت آور برادران ما را شرح میدهد

بخوانید و به بینید هم میهنان ما چگونه زندگی میکنند

این مقاله جالب بعلت کثرت مطالب بشماره آینده موکول گردید

کتاب

«راه و هدف هنرمند پیشرو»

اثر معروف ماتوقسه تونك رهبر و هنرمند خلق چین

روز شنبه منتشر میشود

خیابان فردوسی تلفن ۷۱۲۹ — شماره بازرگانی ۸۹۹۹

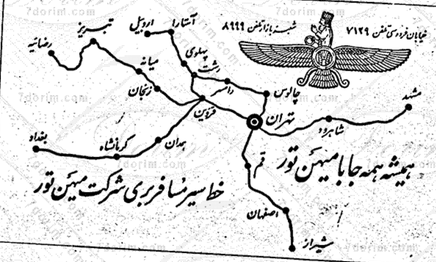

همیشه همه جا با میهن تور

خط سیر مسافربری شرکت میهن تور

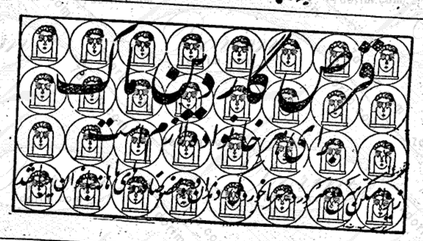

دوستداران آلیانس

چون از طرف آقای اوژن ویل دبیر کل آلیانس روز سه‌شنبه ۳۰ آبان جاری ساعت پنج بعد از ظهر در کلوب سینما سخنرانی بعمل خواهد آمد از کلیه دوستداران آلیانس «و» فارغ التحصیلهای مدارس اتحاد ایران خصوصا دعوت میشود درساعت معین حضور بهم رسانند.

رئیس انجمن کلیمیان - دکتر موسی برال

توسعه نهضت هواداران صلح

ژاپن

پکن - دهم نوامبر (تاس) خبرگزاری سین خوا باستناد خبرگزاری ژاپنی «رنکو - توسین» اطلاع میدهد که کمیته هواداران صلح ژاپن اخیرا برای توسعه نهضت هواداران صلح در کشور ژاپن بیك سلسله اقدامات دست زده‌اند.

کمیته هواداران صلح از اهالی کشور درخواست نموده تا فعالیت‌های: «منع سلاح اتمی، مخالفت با تجدید تسلیحات ژاپن، تسریع در انعقاد قرارداد صلح ژاپن و جمهوری توده‌ای چین، شرکت هووری و هواداری از سایر مسائل مربوط بحفظ صلح جهانی را توسعه دهند.»

در کنفرانس کمیته هواداران صلح ژاپن تصمیم گرفته شد بوسیله تشکیل ۰۰۰۰ کمیته محلی هواداران صلح که میباید ۱۰ ملیون ژاپنی را متشکل سازد، مجهود نهضت هواداران صلح را توسعه دهند.

نورامون ویرا درمان دردهاست

همیشه نورامون ویرا همراه داشته باشید

زیرا هرکس نورامون ویرا مصرف نموده دیگر از قرصهای جدید امتحان نشده استفاده نخواهد کرد

نورامون ویرا دوازده سال است که بحسن اثر مشهور است

بقیه از صفحه ۱

دفاع از صلح جهانی و مبارزه علیه

کارگران و دانشجویان طی نطقهای پرشوری اظهار داشتند که مبارزه علیه تجاوزات امریکا شرط لازم برای حفظ صلح جهان است و برای جلوگیری از تجاوزات امریکا باید بمردم کره کمك قطعی شود.

شرکت کنندگان در جلسه طی قطعنامهٔ اعلامیه مشترك احزاب دموکراتیك چین را تائید کردند. این قطعنامه چنین می‌گوید:

«امپریالیستهای امریکا علی‌رغم اعتراضات دولت و مردم چین بهمان روش تجاوزکارانهٔ ژاپنی، آتش جنك تجاوزکارانه را از کره تا مرزهای کشور ما توسعه دادند و امنیت ملی ما را در معرض تهدید و خطر شدیدی قرار دادند. اکنون مردم ما برای مبارزه علیه تجاوزات آمریکا و دفاع از استقلال و تمامیت ارضی کشور خود بکمك مردم کره‌بر - خاسته اند.. ما اعلامیه مشترك احزاب دموکراتیك چین را که مظهر اراده و نماینده خواسته های مردم چین است قویا تائید میکنیم و قول میدهیم که با اقدامات قطعی تجاوزات امپریالیستهای آمریکا خاتمه دهیم و بدینوسیله وظیفه مقدس خود را در جلوگیری از تجاوزات آمریکا و حمایت از کره و دفاع از کشور خود انجام دهیم».

روزنامه‌های چین و مبارزه علیه تجاوزات آمریکا و کمك بمردم کره

شانگهای - دهم نوامبر. تمام روزنامه های شانگهای اخبار مربوط به پیروزی عظیم آرتش توده ای کره را بهمراهی داوطلبان چینی باحروف درشت منتشر کرده اند. روزنامه «داکوئیا او» در سرمقاله خود چنین مینویسد: «تشکیل سازمان داوطلبان چین بمنظور کمك بمردم کره و شرکت آنان در مبارزه علیه امپریالیستهای آمریکا مظهر اراده مردم و روابط صحیح در مورد کشور همسایه ماست. این مبارزه خاطر نشان میسازد که نیروی داوطلب جلودار نهضت «مبارزه مردم چین علیه امپریالیست آمریکاست».

این نهضت تمام هم میهنان ما را دعوت میکند که خود را برای کمك بمردم کره و دفاع از میهن خود آماده کنند و نیروی داوطلب را برای اخراج متجاوزان از خاك کره تقویت نماید.

روزنامه «دین کوی پا او» می نویسد: بااحساب وضع جنگی که اخیرا در کوره ایجاد شده است، ما باید با تصمیم راسختر امپریالیست های امریکا را بکوبیم.

ما باید نیروهای خود را در مبارزه برعلیه امپریالیسم امریکا تقویت کنیم و تا نابودی کامل ارتش متجاوز امریکا و آزادی کامل کره و جزیره فرمز و همچنین نارفع کلی تهدید مرزهای ملی خود یکره کمك نمائیم.

روزنامه «تزه فان ژیبا او» می‌نویسد: در هانگهای شماره داوطلبانی که مایلند به جبهه کره اعزام شوند روز بروز افزایش می یابد.

این روزنامه همچنین خبر میدهد که نهضت «مقاومت علیه تجاوز امریکا و کمك به کره» بین کارگران شانگهای توسعه مییابد.

نتایج حقیقی فرهنك زمان صلح

لندن - سوم نوامبر (تاس) شخصیت های معروف اجتماعی انگلستان نماینده سازمان بین المللی حقوق دانان دموکرات و نماینده انجمن روابط فرهنگی باشوروی «د. هبریت» و خانم ایشان «م.ف بریت» که اخیرا بدعوت «انجمن روابط فرهنگی شوروی با کشورهای بیگانه» بشوروی مسافرت کرده بودند، در مجمع اعضاء روابط فرهنگی باشوروی گزارش مسافرت خود بشوروی را ایراد نمودند.

«م. ف بریت» اظهار داشت که آنها مدت ۹ هفته در شوروی توقف کردند و در هرش این مدت مسکو، کیف و شهرهای دیگر را دیدن کردند کارخانه ها، کلخوزها، تئاترها، موزه ها و آسایشگاههای زحمتکشان شوروی را بازدید کردند.

بریت گفت، من همه جا مردم خوشبخت شوروی را دیدم؛ آنها از موفقیتهای خود مفتخر و به نیروی خود مطمئن بودند، آنها میدانند که زندگی روز بروز بهتر و زیباتر میشود.

بریت از کارهای ساختمانی عظیم بعد از جنك و از موفقیتهای بزرك فرهنك و هنر شوروی برای حضار سخن گفت.

«م. ف» بریت، راجع به وفور مواد غذائی و اجناس دیگر در شوروی گفت که: در پایتخت و استان ها مغازه هائی دیده است که پر از انواع محصولات و اجناس درجه اول است، و مهمتر آنکه مردم برای خرید بهترین اجناس پول کافی در اختیار دارند.

بریت با اشاره به نشریات دروغی که در روزنامه های انگلیسی منتشر می‌شود گفت: «اینها دروغ محض است و از قلم اشخاصی تراوش می کند که نمیخواهند اقرار کنند که سیستم اقتصادی سوسیالیستی مترقی‌ترین سیستم است»

بریت گفت: «من بامطالعه دقیق در زندگی مردم شوروی و از مصاحبه با اینان دانستم که صلح خواهی از مشخصات همه مردم شورویست»

«د. هبریت» روی موضوع نقشه ساختمانی مسکو تکیه کرد و تذکر داد که توجه بآسایش مردم در نقشه های معماری ساختمان های جدید مسکو کاملا منعکس شده است.

بریت گفت: «ایجاد ساختمان های مرتفع دلیل بر اینست که مردم شوروی خیال جنك ندارند و مطمئن اند که خواهند توانست امپریالیستهای انگلو - امریکن را مهار کرده از ایجاد جنك جدید جلوگیری کنند.»

او گفت: با توجه به توسعه کلخوزها، می‌توان نتایج حقیقی فرهنك جدید را در اقتصاد جامعه سوسیالیسی ملاحظه کرد.

بریت، همچنین در اطراف نقشه های ساختمان مراکز قوی هیدروالکتریك و عملیاتی که برای تغییر طبیعت در جریانست توضیحات مفصلی داد.

او نتیجه گرفت که اقدامات ساختمانی بزرك که اکنون در شوروی عملی میگردد برهان قاطعی است بر تمایلات صلحجویانهٔ اتحاد شوروی.

شماره سکنه امریکا

واشنگتن - سوم نوامبر (تاس) نتیجه قطعی مربوط بسر شماری سکنه ایالات متحده امریکا در سال ۱۹۵۰ منتشر گشت، بنا بر آمار منتشره شمار سکنه ایالات متحده امریکا ۱۵۰۶۹۷۳۶۱ نفر میباشد.

ماهنامه ستاره صلح

با مزایائی بیش از شماره گذشته

بزودی منتشر میشود

درباره مصاحبه با نخست وزیر

بقیه از صفحه ۱

پردازیهای دشمنان داخلی و خارجی خود، کشور شوروی، محصول انقلاب اکتبر و مصنوع طبقات زحمتکش؛ کارگران و کشاورزان را از هر گونه آلایش سودپرستی مبری میدانند، در اینصورت طبیعی است اگر برای بهبود روزگار بر بشان خویش، درراه نزدیکی با همسایهٔ شوروی خویش پای‌فشارد و بذل جهد کند و امضاء موافقتنامه بازرگانی را بسا کشور مذکور، به عنوان نخستین قدم در راه صلاح خویش، بحسن قبول تلقی نماید، اما همچنانکه گفته شد این نخستین قدم است، مردم ایران می خواهند که قدمهای بلندتری در این راه برداشته شود، گامهائی که هدف ومقصد خودرا تنها صرفه و صلاح ما قرار دهند وتنها دولتی مورد تأیید مردم وطن ما می‌تواند واقع شود که در پیمودن این راه، بامردم همگامی داشته باشد وبا حسن نیت همنان ملت گردد.

بایستی اعتراف کرد که دولت آقای رزم آرا، جز عقد موافقتنامه بازرگانی با اتحاد شوروی که بنا بر فشار افکار عمومی وپس از هزاران اشکالتراشی بانجام آن دست زده هنوز قدم تازه‌ای بروفق تمایلات عمومی برنداشته است و متاسفانه درحالیکه همه مردم منتظر اقدامات مفید دولت هستند آن چنانکه از فحوای مصاحبهٔ نخست وزیر برمی آید گویا بایستی نقشه‌های دامنه داری بمرحله عمل آید، نقشه‌هائی که نه فقط تمایلات ومصالح عمومی را در آن راهی نیست، بلکه درست بخلاف آنست، دراین صورت بایستی بادآور شد که همه ملت هوشیار ما بیدار وناظر اعمال وافعال دولت است، مردم وطن ما همچنانکه امضاء موافقتنامه بازرگانی با شوروی را حسن استقبال کردند وعلی‌رغم هر گونه دسیسه درراه سرانجام یافتن آن بپای برخاستند اینك نیز قدرت آنرا دارند که باتمایلات ضد ملی، مردانه بستیز برخیزند و آن همه را نقش برآب کنند!

برنامه دولت چگونه اجرا میشود؟

آقای نخست وزیر در آغاز سخن متذکر شدند که برنامه دولت ایشان از سه مادهٔ تولیدکار، تهیه وسائل کشاورزی صنعتی وجاده سازی و بالاخره تنظیم وضع تجارت خارجی مرکب بوده وسپس مدعی گردیدند که در این راه قدمهای اساسی برداشته شده است، حالا ببینیم دلائل مدعای آقای نخست وزیر چه میباشد و گفتارشان تاکجا باحقیقت وفق میدهد:

الف: درمورد تولید کار برای بیکاران، آقای نخست وزیر از مبالغی که برای راهسازی صرف شده است یاد کرده‌اند، آقای رزم آرا اضافه کردند که اکنون در راههای آذربایجان، ۱۶ هزار نفر درراه آهن و ۵ هزار نفر در جاده هاکار می کنند و نیز جاده ای بین سیلوی تهران و آرامگاه شاه سابق در دست ساختمانست.

مائی دانیم اگر بایستی مبالغی هنگفت از کیسه فقیر ملت ماخرج شود چرا آن را بمصرف کار واقعی، کار تیربخش وطبق نقشه نمی‌رساند ما شاهد نمونه‌ای از این کار تراشیها بوده ایم، مدتها گروهی عظیم از کارگران آذربایجانی را بتسطیح زمینهای اطراف جاده کرج سرگرم داشته بودند و حال آنکه این کار نمی توانست تاثیری در بهبود وضع راههای کشور ماداشته باشد، نمیتوانست یك اقدام اساسی و مفید بحساب آید، یا ساختمان جاده بین سیلو ومقبره شاه سابق را بچه حسابی می توان گذاشت؟ یا شایسته است پول ملت ما صرف کاری شود که کوچکترین نفع اقتصادی برآن متصور نیست؟

خیلی عجیب است، سیاست اقتصادی دولت وتسلیم دربست به مطامع سودپرستان اقتصاد ما را بپرتگاه فنا سوق داده است، کارخانه‌ها یکی پس از دیگری تعطیل می‌شود، اراضی کشاورزی بایر می‌ماند، کارگران و کشاورزان از شدت گرسنگی و استیصال سربکوه و بیابان می گذارند و آنوقت دولت اندکی از قربانیان فراوان خود را یالقه‌ای نان، بیك کار بی ثمر و یادر هوا می گمارد و این را بحساب کوشش خودمو «تولید کار» می گذارد.

آقای نخست وزیر، همچنین گرد آوری گدایان را جزو اقدامات دولت خود در «تهیه کار» منظور داشته اند، بنا باظهار ایشان تنها دوهزار نفر گدا در امین آباد جمع آوری شده اند که بعدها، از عناصر سالم ایندیجنت، برای امور کشاورزی استفاده خواهند کرد.

مردم پایتخت وبخصوص کارگران، از این اردوگاه «امین آباد» که بعنوان «نمونه فعالیت» محسوب شده است خاطرات تلخی‌دارند، هنگامی که موسسه بسته بندی چای تعطیل شد دولت فعلی، ۷۰۰ نفر بیکار شده را بـاردوگاه امین آباد دعوت‌نمود، آنان را در شمار گدایان آورده و بزرگترین اهانت را بطبقه بیدارو بیشرو کارگر روا داشت، در اینصورت دراردو گاههائی نظیر «امین آباد» نه فقط برای گدایان کاری فراهم نیاورده‌اند بلکه کوشیدند تا زحمتکشان محروم وطن ما را نیز بخیل گدایان بیفزایند.

دولت برای گدایان چه کاری فراهم آورده است، کدام عمل اقتصادی رامی تواند نتیجه این جمع بشمارد، آنها گدا شده اند زیرا کار بدست نیاورده اند و اینرا جز بسوء سیاست دولتی بهیچ چیز نمی‌توان مرتبط نمود، اینانرا قربانیان رویه ضدملی دستگاه حاکمه باید محسوب داشت.

ب: در موردقیمهائی که دراجرای قسمت دوم برنامه دولت برداشته شده است آقای نخست وزیر چنین گفتند:

«قسمت دوم برنامه، تهیه وسایل کشاورزی، صنعتی وجاده‌سازی برای کماردن بیکاران بوده که خوشبختانه قرضه آمریکا اینوسایل را در اختیار ما گذارده وطبق برنامه ئی که تنظیم شده این وسایل در دسترس کشاورزان گذارده میشود.»

آنطور که دربرخی جراید تهران نوشتند گویا اصولا اینمصاحبه تشکیل شد تا رضای «آقای گریدی» سفیر کبیر آمریکا فراهم گردد، تاز سیاست امریکا که از حملات بجا و مستدل مطبوعات و محافل ملی سخت مشوش شده است دلجوئی شود؛ امت و ثنای بی پرده آقای نخست وزیر از «کمك های» آمریکا، صحت مندرجات جراید را در اینزمینه بثبوت میرساند

دیگر ماهیت «کمك» آمریکا برهمگان روشن شده‌است، دیگر مطبوعات و محافل داخلی از هر صنف و دسته بقدر کافی نقاب از رخسار «مساعدت» آمریکا برداشته و کلاهبرداریهای سودا گران و کار گردانان دیپلماسی آن کشور را که تنها باوعدهٔ کمك نسبت بملت فقیر ومحروم ما إعمال گردیده است بطور کامل برملا کرده اند، اما هنوز نخست وزیر با قیافهٔ جدی، از کمك امریکا دم میزند، هنوز ادعا می کند که گویا کمکهای امریکا درراه اعتلاء کشاورزی وصنعتی ما ادامه دارد و مردم وطن ما گویا کر و کورند واز این مساعدت ها، اثری نمی‌یابند!

شاید مقصود نخست وزیر از «وسائلی» که در دسترس کشاورزان گذاشته شده است وعده امریکا دراجیاد «مزارع نمونه» درقریه اصفهانیاد است که گویا بایستی ازمحل «صدقهٔ ترومن» انجام گیرد وباتظاهرات و کوس وشیپور، مراسم آغاز کار بر گزار شود، اما اگر عروسك بازی «رجال» را که بکار گردانی خانم گریدی، عنوان تهیه «بارك برای کودکان» رایافته بود بتوان جدی انگاشت، بتوان از خاك بازی «بزرگان»، خرابه های سنگلج را بباغ سرسبز بدل نمود، تظاهرات مسخره‌ای را که قرارداست در «اصفهانك» انجام گردد نیز می توان قدمی درراه «بهبود» وضع کشاورزی شمرد، خیلی عجیب است اگر مواعید بی‌پای دیپلماسی امریکا را وسیلهٔ آبادی زمین‌های بایر بنگارند و در عالم خیال نقش یك کشاورزی مدرن و مکانیزه را مرتسم دارند!

آقای نخست وزیر بازهم کوشیدند بار گناهان امریکا را نسبت بملت ما نا چیز وا نمود کنند؛ سعی کردند به قبولانند که گویا امریکا حاضر بهر گونه کمك بوده‌ولی دولتهای ایران نتوانسته اند از این (کمك) های خیالی استفاده نمایند، اما اعتراضاتی که در اینزمینه از طرف مدیران جراید بعمل آمد و دلائل مقتضی که بر فریبکاری سیاسی امریکا طرح گردید راه گریز را از هر سوی بر بست وآقای رزم آرا که ازهر کوشیدند بازهم با (سیاسگزاری) از امریکای (بشر دوست) و سفیر کبیر (نوع پرست) وی غرض اصلی ازتشکیل جلسه مصاحبه را سرانجام دهند بالاخره سر و بن موضوع را بالین جمل بهم - آوردند:

«آقایان، همه تقصیرها بگردن خودماست، بامریکا حمله نکنید، اگر هم ایرادی دارید بدولت حمله کنید..!

اما مردم بیدارملی وطن ما باین پرده پوشیها و (فداکاری های) هیئت حاکمه کاری ندارند، مردم ایران میفهمند که همه صدمات را از کجا می خورند، مقصرین واقعی را که جز استعمار گران تبهکار خارجی وایادی وعمال خودفروش داخلی نیستند خوب می شناسد و هدف حمله را نیکو دریافته اند.

ج: قسمت سوم برنامه دولت که بموجب اظهار نخست وزیر گویا گامهای بلندی در راه اجرای آن بر داشته شده تشویق صادرات و جلوگیری از ورود کالاهائی است که مشابه آن در داخل کشور تهیه میشود، آقای رزم آرا متذکر شدند که برای تسریع در اجرای این قسمت از برنامه مقرراتی برای تشویق صادرات وضع گردیده و جوائز و پاداشهائی بصادر کنندگان داده شده است.

اما بهتر بود اگر آقای نخست وزیر، جزاعضاء موافقتنامه بازرگانی با شوروی، نمودار هائی بر صحت مدعای خود می آوردند آقای رزم آرا بگویند که جز عقد این موافقتنامه که بر اثر حسن نیت و ماهیت ضد استعماری کشور شوروی و فشار عمومی انجام گرفت چه کاری در راه بهبود وضع صادرات و جلوگیری از ورود پنجلهای بیگانگان کرده اند؟ آیا نه آنکه هنوز سوداگران امریکائی حتی از ورود قالی وطن ما بنام (کلای لوکس) ممانعت می کنند و در مقابل حکومت (مستقل و دلسوز) ایران اجازه می‌دهند تله موش (ابریشمی) امریکائی بنام (کالای ضروری) سراسر بازار ما را فرا گیرد؟ آیا باد کنك و عروسك های نایلونی چرو (ضروریات معاشی!) مردم وطن ما محسوب میشود که دولت ورود آنچه را آزاد گذاشته است؛ آیا نسل کشاورزان و صنعتگران وطن ما منقرض شده است که باید (آلو خشك امریکائی) (بادام امریکائی) و کهنه پاره جامه مرضاء و مردگان امریکائی را مصرف کنیم؟! آقای نخست وزیر بازهم از (تهیه‌ات) دولت خود برای تشویق صادرات دم زده اند. ما یکبار بیش ازین مستدل و مفصل در این زمینه سخن رانده‌ویی ثمر بودن تصمیمات دولت را درین باره بثبوت رسانده‌ایم، در کشوری که دراثر هجوم سیاستهای استعماری و سلطه مطلق سرمایه های بیگانه وعجز وتسلیم هیئت حاکمه، تولید داخلی در سطح فوق العاده نازلی قرار گرفته است اصولا چگونه ممکن است کالاهای فراوانی، زائد بر مصرف داخلی وجود داشته باشد تابازرگانان بصدور آنچه‌ما دست زنند و پاداش و جایزه دریافت دارند، جائزه مقرره چیست؟ دولت طبق تصویب نامه صادره مقرر داشته است که ارز حاصل از صدور کالا را عینا بیازرگان صادر کننده می دهد که یا بمصرف کالا های واردهٔ برساند و یا درهر راه دیگری که خود می‌خواهد بکار برد دراینصورت ارزهای مذکور بجای آن که در دست دولت باقی بماند بموجب تصویبنامه بیشتی بازرگان صادر کننده که هنوز نفسی می کشند و اندك بضاعتی برای صدور دارند تحویل می گردد تادربازار آزاد بفروش رسانند معامله ارز را در بازار سیاه دامن زنند؛ آن جمله‌را بپهای گزاف در اختیار وارد کنندگان بگذارند و بازهم بر قیمت کالاهای وارده بیفزایند و فشار را بر کرده مصرف کنندگان محروم، هموطنان رنجدیده خود دو چندان کنند، اینست اقدامات حاصل «تشویق» دولت از امر صادرات و بالاخره اینها بود ماهیت کامهائی که بزعم آقای رزم آرا، در راه اجرای برنامه دولت برداشته شده‌است!

دیروز و امروز

مثل اینکه زمامداران ما عادت کرده‌اند از مقدمه درست نتایج نادرست بگیرند، در اینجمله های زیر ملاحظه میشود که چگونه نخست وزیر سخن را با معانی مردم پسند آغاز نموده و آن گاه چگونه بدفاع از تصمیمات ضدملی برخاسته‌اند

آقای نخست وزیر چنین گفتند:

ما همیشه افتخارات ایران باستان را ستایش مینمائیم ولی تنها گفتن این جمله فایده ندارد ما از تمدن دنیا عقب افتادیم، این تفکرات واهی که خود را در ردیف دیگران قرار دهیم بیجاست، صدها نفر مهندس که تحصیلات خود را در خارج و داخل تمام نموده‌اند امروز پشت میز نشین و آرشیو مستند راه تامین این نظر جاب سرمایه خارجی است مثلا لوله کشی آب کلیه شهرستانها را بیك شرکت خارجی واگذار میکنیم، بسیاری از شرکت های مزبور شامل دولتند یا تضمین است:

۱ - هر سرمایه‌ای که وارد مملکت می‌شود حق دارد با ارز خارج کند.

۲ - اگر ضمن کار پیش آمدهائی غیر عادی بشود وازطرف دولت ضرری بسرمایه او وارد شود آن را تامین کند. با این عمل که سرمایه‌های خارجی تضمین می‌شود موجب استقبال شده، اول خارجی آلمانی است که بتهران آمده و خود را برای انجام کارهای بزرك آماده ومعرفی نموده‌اند حسن این عمل اینست که تمدن ما که به پای مورچه بسته شده با سرعت جلو می‌رود

بوشك ما از گذشته افتخارات بزرك هنری وفرهنگی داریم که از کاوو کوشش خلاقه ملتمان مایه می گیرد ولیز داشهائی از نکبت بر رخسار داریم که از ملمنت خودکامان و اسیر کنندگان سرچشمه می گیرد، کاخهای سربرفلك بازار گادشانه ها از سطوت جانکش جباران ورنج وفسوس مدام ستمدیدگان دارد و دشت ما راتون و تنگه تومولیز اثرها از خون ده ها هزار بفزان اسیر ماست که طعمه حرص وجهانخواری فرمانروایان ستمگر گردیده‌اند

اما همچنان که نخست وزیر گفته است اینك بایستی باستخوانهای پوسیده فقر فروهیم و بر روی افتخارات بخواب مرك فرو رویم همچنانکه بضایعات گذشته نمی آویزیم و بسوك و دردنمی اشیلیم، آری امروز وضعی پریشان داریم، امروز مظالم بیعد و شمار استعمار کشور ما را بخاك سیاه نشانده و نه فقط بقول نخست وزیر جوانان دانش پژوه و مهندسین با ارج را در پشت میزها بچهار میخ کشیده بلکه هزاران هزار زحمتکش مرزو بوم ما را گرسنه و درمانده برجای گذاشته وسیاه فقر وسیهروزی از هر سوی گسیل داشته است، اما آیا علاج این دردها چیست؟ آقای نخست وزیر می گویند که باید وامها بر سرمایه های خارجی باز گذاریم وباتضمین آنچه‌ما؛ بورود تشویق نمائیم؛ سرمایه داری بیگانه مارا بروز سیاه نشانیده و اینك برای بهبودی، بازهم بادهای ایشان بایستی بسرمایه داری بیگانه متوسل شویم!

مگر استعمار گران چه می کنند؟ آیاجز آنکه با سرمایه خویش بسرزمین های اسیر هجوم می آورند وبنیروی پول حاصل کار و کوشش مردم، ثروت ملی آنها را می ربایند؟ آیا همین شرکت نفت که امروز همه سیهروزیهای خود را در آن دستگاه جنایت کار آن میجوئیم مگر نه آنکه بدست پیامبران سرمایه که بجامه کشیشان آمده وبیکدست انجیل و بدستی لیره داشتند بنیان یافت؟

آقای رزم آرا، مظاهر تمدن را از سرپنجه «معجز نمای» سرمایه‌داری خارجی می‌خواهند، آیا مظاهر تمدن که اینك سرزمینهای اسیر؛ مصر و هندوستان رافرا گرفته است؟ چه دردی از دل فلاح مصری و برنجکار هندی بر می دارد؟ آیا آنکه همه آنشهاز گور بر باد رانده گان این «مظاهر تمدن» برمیخیزد؟

آقای نخست وزیر خوشحالند که سرمایه‌داران «آلمانی» زودتر از همه، منیت دولت ایشانرا استقبال کرده اند، همه کس میداند که این، سرمایه دار از پای افتادهٔ دوران هیتلر و گورینك نیست که راه شرق را دمی نورد، بلکه این سرمایه داران وال استریت هستند که آلمان غربی را قبضه کرده، درچامه سرمایه داران آلمانی حلول نمود وبار دیگر به جهانگشائی اعزامشان داهته اند؛ وطن مابایدك باید صنعتی شود، باید از مظاهر تمدن بهره‌ور گردد؛ باید همگام جهان نوشود؛ اما این منظور تنها باراندن سرمایه داران بیگانه ممکن الحصول خواهد بود؛ ملت ما صاحب عظیمترین منابع ثروت است، ملت ما نیازی بسرمایه داران بیگانه ندارد؛ ملت ما در معیطی فارغ از نیرنك استعمار، می‌تواند بیا بر خیزد، با پیمانهای غرافتنده‌انه اقتصادی، بازار خویش را رونق بخشد، سطح صنعت و کشاورزی خویش را بالا برد، از ودایع کم مانندی که طبیعت باوارزانی داشته تا بهره گیرد، در این صورت او از مظاهر تمدن بمعنی واقعی خود متمتع خواهد شد؛ دراین صورت او صاحب حقیقی همه این مظاهر مدنیت خواهد گردید و نه، آنکه بعنوان مزدور، در خدمت سرمایه داران بکار گماشته شود و محصول رنج خویش را در بست تسلیم «صاحبان» داره، راهی که نخست وزیر مینمایاند راه اسارت واستعمار قطعی است طریقی است که سودپرستان واستثمار گران نشان میدهند!

عذر بدتر از گناه!

آقای نخست وزیر دربارهٔ «مسئله نفت» چنین گفتند:

«موضوع نفت از مطالب مهم امروز ایرانست، ما قرار دادی داریم که در ۱۹۳۳ امضاء شده است و دولت آقای ساعد نیز قرارداد الحاقی تهیه و بمجلس برده است ومجلس آن را مانند لوایح معمولی بکمیسیون ارجاع کرده است. دراین ضمن دولت اینجانب روی کار آمده است، دولت بنده چون دید نمی‌تواند لایحه‌ای بامواقت شرکت نفت تهیه کند لذا همان لایحهٔ قدیم را قبول کرد.... ازاین جهت ناچار مدافع آن میباشد و الان هم صریحا می گویم تا وقتی دولت لایحهٔ جدیدی در دست نداشته باشد نمی‌تواند لایحه فعلی را پس بگیرد، چون ناچاریم قرارداد سابق را قبول کنیم...»

بقیه در صفحه ۸

نیمروز

پرشکوه باد

بقیه ازصفحه ۱

آقای بهار بیان داشتند که تا کنون قریب پانصد هزار نفر در ایران بیانیه صلح را امضاء کرده‌اند . در این جلسه گزارش عملیات درخشان جمعیت صلح توسط آقـای دبیر جمعیت قرائت شد . پیام هیچ نخستین امضاء دومین کنگره جهانی به هواداران صلح بتصویب رسید . بعلاوه اعضاء کنگره با اتفاق آراء هیئت مدیره جمعیت و هیئت بازرسی آن را انتخاب کردند .

در قبال یاوه‌سرائی های صـدای آمریکا واعلامیه دادستان آرتش تشکیل و انجام موفقیت آمیز کارهـای مجمع عمومی جمعیت مخصوصا در آستانه تشکیل دومین کنگره جهانی هواداران صلح به منزله پیروزی بزرگی جهت جنبش صلح ایران محسوب می‌شود .

مجمع عمومی برای شرکت در دومین کنگره جهانی هیئتی را انتخاب نمود و بدین ترتیب ملت ایران خود را حاضر و آماده برای شرکت در جنبش عمومی بر شکوه صلح در سراسر جهان معرفی کرد

قرار بود هفته گذشته دومین کنگره جهـانی هواداران صلـح در انگلستان (شفیلد) تشکیل یابد ، تا یك هفته پیش زعمای حکومت باصطلاح ((کارگری)) اداره جاسوسی انگلیـس و مشاورین سفارت هند در کاتماندو گوش بدهند و بیك «تحول ازبالا » تن دردهند .

بالنتیجه ماشین انقلاب مصلحتی بکار افتاده وهمه عوامل بورژوازمش و دست نشانده اینتلیجنت سرویس انگلستان در وارد آوردن تیشه بریشه والاحضـرت مذکورودست یکی کرده اند.

با توجه به‌حقایق و واقـعیات فوق دیده میشود که وزارت مستعمرات انگلیس و عاملین، ماهرهندی آن برای ممانعت از انقلابی که ممکن بود برهبری عناصر افراطی دست چپ اساس حکومـت استعماری را از نپال بر انـدازد پیش از آنکه آزادی کامل ثبت صورت عمل بخود بپوشد ، قیامی بـرهبری عمال هندی ـ انگلیسی و پشتیبانی عـوامل سرمایه‌دار نپال بوجود آورده‌اند کـه هدف آن تاسیس حکومتی نظیرحکومت هند ، پاکستان و برمانی و مبارزه بـا استقرار یك حکومت تحت رهبری طبقات کارگر ودهقان و حذف کامل مـالکیت فئـودالی زمین است .

علت سکوت لندن و دهلـی را در برابرایـن «صدور انقلاب از هندوستان» و «یورش علنی مخالفین دولت نپال از خاك هند» در حالیکـه هندوستان در شورای امنیت به «تجاوزدولت مرکزی چین بتبت » اعتراض میکند، درهمین‌جا باید جستجو کرد .

استقرار قدرت مـرکـزی چین در منطقه‌ئی که باعتراف همه همواره قسمتی ازخاك چین بـوده ، «تجاوز» محسوب میشود ولی مداخلـه آشکار هندوستان درامور داخلی کشوری کـه هرگز جزو آن نبـوده ومـدت درازی قسمتی از امپراطوری مانچو (چین) بشمار میرفته ، لطمه‌ئی بحقوق و امنیت بین المللی وارد نمیآورد .

نمونه دمکراسی راکه‌در نپال باید مستقر شود و بـا وجود اعلیحضرت شاه مخلوع نپال قطعا جنبه مشروطه خواهد داشت باید در دمکراسی وطن خودمان جستجو کرد .

تحول ازبالا

بقیه ازصفحهٔ ۱

گرفت، بکرات درجرایـد هندی وانگلیسی نسبت پسرنوشت نپال اظهار «نگرانی » می‌شود .

روزنامه تایمز چندین بار نوشت که همسایه شدن «چین کمونیست» بانپال ممکنست باعث طغیان در میان سا کنین این کشور گردد .

تاثیر معنوی بسیار بـزرگ آزادی ملت ۴۷۵ میلیونی چین در میان سایـر ملل کوچك وبزرگ آسیابـدون تردیـد بسیار بزرگ است واستعمار جویان انگلیسی واهمه خود را از همین اثر معنوی پنهان نمیداشتند .

طی هفته گذشته ، در نپال اتفاقی روی داد بدین معنی پادشاه آن کشور که گویا درهمل بادرژیم دیکتاتوری و مطلق‌العنانی » نخست وزیر خود مخالف بود ازسلطنت خلع شد و به سفارت هند در کاتماندو پناهنده شد . دو روز بعد یك هواپیمای ارتش هندهاء مخلوع‌رابه دهلی جدیدبرد .

همان‌روز که این اتفاق درنپال‌روی داد ، روزنامه تایمز (زبان وزارت امور خارجه انگلستان) سر مقاله‌ئی به نپال اختصاص داد . در این مقاله گفته شده بود که درنپال همواره یك رژیم‌مطلق ـ النبائی حکمفرما بوده و با اینوصف در سالهای اخیر قرن بیستم عده‌ئی از جوانان و روشنفکران ،طرفدار استقرار رژیم دمکراسی (البته بمعنای بورژوازی آن توضیح از نویسنده این مقاله است) و ایجاد تاسیسات حکومت دمکراسی هستند این افراد در حزبی بنام حـزب کنگره نپال عضویت دارند که ازحیث برو کرام وتاکتیك دارای شباهت کاملی به حزب کنگره هندوستان است . بقول تایمزاین عده با « دیکتاتوری منورالفکر » که هم‌اکنون‌در نپال حـکومت میکندمخالفند و هرچند بیکار کوششی برای از بـین بردن آن بعمل میآید . این اقدامـات همواره منحصربه «انقلابهای‌درون کاخ» بوده وهمیشه به سرکوبی و اخراج‌شخصی که مخالف قدرت مرکزی بـود منجر گردیده است .

بازهم بعقیده‌جریده انگلیسی‌تیمـس مذکور خلع شاه نپال نیز از این قبیل حوادث بوده‌است .

مخبر رویتر اظهار عقیـده کرده بود که شاه نپال مهمان دولت هندوستان خواهد بود و معلـوم نیست که دولـت هند خلع شاه‌نوی را از سلطنت برسمیت بشناسد و درهرحال تاملوم شدن روش حکومت پاندیت باید مدتی منتظر بود.

در دنبال همین اخبار بود که خبـر آغاز جنك داخلی و هجوم عناصر منسوب بحزب کنگره‌نپال از مرزهای هند ونپال واشغال دومین شهر مهم نپال بیر کنك و ادامه تعرض بسوی کاتماند والتشارنیافت.

در اخباری که باز از ناحیه خبر گزاری رویتر است گفته می‌شود که‌قیام کنندگان طرفدارشاه ، خواهان استقرارژیم دموکراتیك و تجدید نظر در مالکیت اراضی هستند.

گویا درمیان عـوامل ارتشی نیـز طنیانهائی به‌نفع قیام کنندگان روی داده است . نخست‌وزیری که قیام بر ضد وی اتفاق افتاده .

« راجا موهن شمشیر جنك بهادر رانـا » نام داردو گویا این شخص که نمـونه دیگری از چانکایشك وسینماری است ، حاضر نشده به تصایح

در پیرامون مصاحبه نخست وزیر

بقیه ازصفحه ۷

چون شرکت نفت به «تجدیدنظر» حاضرنیست دولت هـم «تاجار» طـرح «کس گلشائیان» را می‌پذیرد و از آن دفاع میکند!

این را تنها یك علو بدتر از گناه می‌توان اسم گذاشت ، دولت بـانتظار «الطاف» شرکـت نفت نشسته است ، دولت از سرمایه‌دار میخواهد کـه‌لیره را از گوشهٔ‌جکرش بیرد ودرطبق اخلاص بوی تسلیم دارد وتازه این دولتی است که خودرا «منبعث» ملت میشمارد ،ملتی که از پایتخت گرفته تا دورترین‌صحاری بلوچستان ، انـرها از تازیانـه استثمار گران بیرحم نفت برسروشانهٔ هریان و لهیف دارد ، ملتی که یکدل و یکزبان انگلستان‌و مخصوصا شخص اتلی نخست وزیر تاکید مینمودند که در انگلستان آزادی ! برقرار است و ما از انعقـاد کنگره صلح ممانعتی نخواهیم کرد .

ولی عملا نشان داده هدکـه دولت «کارگری» اتلی باالهـام‌از امپریالیست های آمریکائی و آتش افروزان جنك شروع بایجـاد موانع در راه تشکیل کنگره نمود .

باعضاء کنگره که از جمیع کشور های‌دنیا میبایستی حاضرگردند کذرنامه نداد و بدین ترتیب عملا امکان انعقاد کنگره رادرشفیلد از میان‌برد .

دولت اتلی‌بااین فشار وحشیانه و تثبت ضد دموکراسی بخوبی قیافه منحـوس خودرا آشکارساخت وتنفر عمومی‌رانسبت بدولت جلب کرد هماینطور کـه جمعیت ایرانی طرفدار صلح نیز تنفر واعتراض شدید خودرا نسبت بدین‌عمل‌دولت جنـك طلب انگلستان اعلام نمود .

ولی بخوبـی معلوم است که اعضاء کنگره جهانی صلح بدون جانبی مانند زیرا جای آنها در قلبهٔ ملت‌هاست. فورا پس‌از آشکار شدن کار شکنی های انگلستان‌اعلام‌شد که کنگره‌دوم‌دوروشو باینتخت لهستان آزاد ودموکرات منعقد خواهدگشت . هم‌اکنون سیل نمایندگان کنگرهٔ صلح از همه اقطار جهان‌بجانب ورشو پـایتخت لهستان روان است . ملت‌آزادوصلح‌جوی لهستان‌ازنمایندگان ملت‌های صلح جوی‌جهان استقبال‌میکنند. کنگره درهمین روزها جلسات خود را افتتاح مینماید و فعالیت موفقیت آمیز خودرا شروع میکند . برنامه کنگره دوم در جلسه‌مقدماتی که‌در براك‌تشکیل شد تعیین گردیده‌است مطابق‌این برنامه کنگره‌قدم‌های‌برجسته ای درراه متشکل کردن جبهه صلح ، رسوا کردن آتـش افروزان جنك ، منع‌سلاح اتمی، کنتـرل بین‌المللی ، تقلیل همه‌تسلیحات ؛ اعتراض به تسلیح آلمان وژاپون ،اعتراض‌بتجاوز امریکادر کره، معرفی کردن آتش افروزان جنك در همه کشورها برخواهد داشت .

مابموفقیت دومین کنگرهٔ صلـح را خواستاریم . هیچ تردیدی نیست که ملت صلح جوی ایران ازتمام تصمیمات کنگره بنفـع صلح وامنیت بین المللی استقبال خواهد کرد . جمعیت‌ایرانی طرفدارصلح درپیام هیچ خودبه کنگره‌قول داده‌است که جمیع تصمیات آن را قبول کرده وبا علاق‌وصمیمیت‌بورداجرا خواهد گذاشت .

موفقیت‌های جنبش بین‌المللی صلح خیلی بزرك است مـا این موفقیت هارا بهمه جهان صلح طلب‌تبریك میگوئیم .مامردم‌ایران ازجنك‌متنفریم وصلح میخواهیم وبهمین مناسب هم برای صلح حاضر بهرگونه فداکاری‌وجان بازی هستیم.

لغو قرارداد تحمیلی نفت را میخواهد و بهیچ قید وشرطی جز ریشه کـن شدن دستگاه شقاوت پیشه سوداگران نفت رضا نمی‌دهد .

آقای نخست‌وزیر چنان از قرارداد ۱۹۳۳ یاد می‌کنند که گویا آن‌توطئه ننگین را « قانونی» می‌انگارند ،توطئه ایکه باخفه گیر کردن ملت ما ودربرتو خدمتگذاری چاکرانه بکشست دلال طماع ، یکدسته «آلت فعـل» برحلـه اجرا آمد ، پیمانی که بر اساس جعل‌و تزویر بنیان یافته‌و بالمره‌ازارزش‌قانونی بیگانه است ، قرار دادی که بنا بر اصل حاکمیت ملل ، حتی بتصدیق آقای‌دکتر مصدق ، قابل فسخ و الغاء است اگر چه بفرض محال ، در انشاء آن خللـی را متصور نشماریم !

آقای نخست وزیر بایستی‌بدانند که با جمله پردازی ، نمی توانند بهبـود دولت خود را «معصوم» جلوه دهنـد ، مدافع شرکت نفت و مدافع هرگونـه پیمان و قرار با آن ، در نظـر ملت مـا مترادف « خائن» می باشد ، ملت مـا جز الغاء قرار داد ظالمانه و غیر قانونی نفت ، بهیچ بندو بستی باسود پرستان و سوداگران بریتانیائی تن در نمی‌دهد و نتیجه امر را هرچه که می‌خواهد باشد فاقد ارزش قانونی میشمارد .

چگونه میتوان احترام‌قانون اساسی را مرعی داشت؟

در پاسخ پرسش نمایندگان جرائد در باره تشکیل مجدد مجلس موسـان و ایجاد «حق‌وتو» نسبت بقوانین ، برای اطمینحدرت شاه ، آقای نخست‌وزیر چنین گفتند : « هر کشوری‌دارای رژیم‌خاصی برای‌حکومت خودمی‌باشد رژیم‌حکومت ایران سلطنتی و قانـون اساسی طبیعی ترین قوانینی است که در دست‌ماپیشاند و بایستی آنرا محترم داشت‌وطبق‌قانون اساسی بایستی راجع بوظایف مملکت عمل کنیم ، اگر مـا قائلیم کـه رژیم حکومت ایران سلطنتی است بایستی اختیارات لازم‌را طبق سایر کشور هائی که دارای این رژیم می باشند قائـل شویم.....»

ما نیزچنرمایت احترام‌قانون‌اساسی چیزی نمیخواهیم ، ما می‌گوئیم قانون اساسی که بخون‌نیاکان مامضبی‌ومجراست بازیچه نیست تا بتوان آن را هر روز برنگی آراست ، ما می گوئیم قـانون اساسی ، همان قانونی که حتی بموجب تصدیق نخست وزیر قابل اتباع واحترام است قوای مملکت را تنها ناشی ازملت شمرده ، طبق اصل ٤٤ و٤٥متمم، مقام سلطنت را از هرگونه مسئولیت مبری نموده و بالاخره بموجب اصل ٤٩ متمم مانع‌قیام‌واقدام در راه استیفاء حقوق ملی موسسات و مقـررات قـوه مقننه موظف داشته است ، درین صـورت هنگامی احترام حکومت ملی و قانون اساسی‌مرعی‌میگردد که‌بموازین آن گردن نهند ،تنها مقامی را می‌توان‌محترم‌ومکرم دانست که بخواست ملت‌وبنتایج انقلاب ملی ، یعنی حکومت مشروطه و قـانون اساسی آن احترام گذارد و ازحدوحق خود فرا ترگام نگذارد، نخست وزیـر هنگامی می‌تواند بمدعای خودبدر احترام باساس مشروطه و اصول قانون اساسی صادق باشد که در راه حفظ آن پـای فشارد و موازین آنرا متبع داند ، اما کوشش ایشان در توجیه توطئه‌ای که بار دیگر در راه قانون اساسی گسترده شده‌است خلاف‌این رابثبوت‌میرساند !

حکومت مردم!

یکبار دیگر ، آقای نخست وزیر کوشیده‌اند ازسیاست‌دولت‌خود دروا گذاری اختیارات بشهرستانها دفاع کنند، «اتهام» تجزیه طلبی را از دامن خویش بشویند و خود را حامی اصل « حکومت مردم» بر مردم » معرفی نمایند ، ما بکـرات در اینزمینه سخن گفته ایم و اینك خود را محتاج نمی‌بینیم که باز هم بتفصیل‌مطلب را عنوان نمائیم ، تنها بایستی یاد آور شد که روح قانون اساسی ، ملازمه با حکومت مردم بر مردم دارد ، اما حکومت‌هائی که بادرهم‌شکستن خواست ملت بنیان می‌یابند ، کمانیکـه منبعث مجالس غیرملی میباشند، کسانیکه برای احترام بعقاید و آراء مـردم محلی از اعراب قائل نیستند نمی‌تـوانند دعـوی طرفداری‌از«واگزاری‌اختیارات‌بمردم» را داشته باشند ، واگـزاری اختیارات محلی را بفئودالها ، خانها و گردنکشان محلی ، نمی‌توان بحساب ملت گذاشت ، نمی‌توان « حکومت دهنمان مردم » را بجای «حکومت مردم» قالب کرد!

مسئله «بحرین»

آقای رزم‌آرا فراموش نکردند که مسئله «بحرین» راعنوان «حسن‌ختام» یکبار دیگر بمیان آوردند و شنوندگان «خوش باور» را شاد کام‌وامیدواروانه نمایند، آقای‌نخست‌وزیردراین‌باره گفتند:

«کلیه نقاطی که میهن عزیزماست ما نسبت بآنها نظر مخصوص داریـم و ضمن‌تقدیرحس وطنپرستی آقایان‌میگویم بحرین جـزو خاك ماست وانشاء الله در موقع مقتضی آنرا پس‌خواهیم گرفت.» بدون گفتگو بحرین جزو خـاك وطن ماست ، دلائل ومدارك کافی بر اینمدعا وجود دارد و سرمایه‌داران جهان خوار انگلیسی که از آنسوی جـهان خوار ثروت ملی ما آمده الله بهیچ دستاویزی نمی توانند بر (ثبوت حاکمیت) خویش در اینقطعه جدا شده از پیکر وطـن ما اقامه دلیل نمایند، در اینصورت معلوم نیست چه موانعی وجود داره که دولت ایران مدعای خود را در میان گذارد و رفع ید غاصبین راخواستار شود ، آیا دولت ایران ودولت بریتانیا هر دومعزو سازمان ملل متحد نیستند و بایستی اختلافات خود را درآنجا بداوری برند آیا نیابستی بدنیای متمدن ، بافکار عمو جهانیان اعلام داشت که بریتـانیای «دموکرات» ، انگلستان که همواره بعنوان «دلسوزی» برای حاکمیت ملل سنك بسینه میزند و بازور و غلدری قسمتی از سرزمین ما را هدوانا تصرف نموده وبپایگاه مقاصد جنگی و تجاری خویش بدل نموده است ؟ اگر حکومت ایران حسن‌نیت دارد برای‌چه‌این مسئله حیاتی را با (انشاءالله) بر گزار می کندوکارو(بوقع‌مقتضی)محول‌میدارد آیا امروزچه مقتضیاتی موجود است که مانع‌قیام‌واقدام در راه استیفاء حقوق ملی می تواند شد ، آیا این‌را جزعجز، جز تسلیم دستگاه‌حاکمه ایران بمطامع‌جهان خواران ،چیزی می‌توان مرتبط‌دانست!

• • •

آقـای نخست‌وزیر بایستی بدانندکه ملت ماباپایداری تمام ناظر اعمال‌واقعال گردانندگان وصحنه پردازان سیاست امروز ایرانند ، ملت رانمی توان فریب داد واگرکسانی تصور کنند که موقعیت نسبتاً مناسب‌موجود بدان‌را برای ارضاء مطامع‌ضد ملی هموار کرده است ، اگر کسانی از آب گل آلـود ماهی انتظارداشته باشند بایستی‌صراحتا گفت که درپندار خویش‌راه‌خطا راپیموده‌اند !

بقیه‌درصفحه ۳

نیمروز

شماره ۴۵ — ۲ آذرماه ۱۳۲۹ — تکشماره سه ریال

دومین کنگره جهانی هواداران صلح

نوید شکست روش جنك طلبان است

مردم شرافتمند جهان خواهان صلح و نگهدار آنند

روز شانزده نوامبر در شهر ورشو دومین کنگره جهانی هواداران صلـح گشایش یافت . همچنانکه خوانـندگان گرامی آگاهند این کنگره می‌بایست درشهر شفیلد در انگلستان تشکیل‌میشد دولت انگلستان در آغاز ریاکارانه بـا چنین امری‌موافقت کرد زیرا بقول‌آقای اتلی دووزارت کشور انگلستان‌متاسفانه قانونی برای منع تشکیل کنگره‌ندارد.» نخست‌وزیر بریتانیا در مصاحبـه هـای اخیر خودپوسته اظهار تاسف کرده‌است که نمی‌تواند قانونا ازتشکیـل کنگـره جلوگیری کند ودولت ونمایندگان‌دولت وی درخارج تاجاربایدبنمایندگان‌روا دید ورود بانگلستان را بدهند .اتلی دریکی از مصاحبه های اخیرخود گفتـه‌بود « کشور او سرزمین آزادیست ! سرزمین آزادی ،زبان‌وقلم‌است ! هرکس میتواند از آن برخورد دار باشد اگر چه گمراه باشد !» منظور او از این « گمراهان» مردم صلحدوست جهان بود . می‌خواست بگوید این « گمراهان» که به « کـوره راه» صلح خواهی افتاده‌اند میتوانند از «آزادی گفتار » در انگلستان برخورد دار شوند . منظور از این « گمراهان» نمایندگان مردم شرافتمند جهان بود کـه هتاسفانه وزارت کشور انگلستان نمی تواند جلوتشکیل کنگره آنان را بگیرد امپریالیستها وسرسپردگان آنهابـه همان اندازه که درهمل دشمن خونخوار آزادیند،در گفتار وفقطدر گفتاردوستداردو آتشه آنندحتی پیش از آنکه اتلی در باره «آزادی‌سخن واجتماع‌درانگلستان» داد سخن بدهد مقدمات کار رابرای ازهم پاشیدن کنگره فراهم میساخت . نامه اتلی بنمایندگان‌دولت انگلستان‌در خارج که اخیرا از‌طرف خبر گـزاری تله پرس انتشار یافت یکبـاره چهـره دسیسه‌کار دولت انگلستان ونخست‌وزیر

بقیه‌درصفحه ۸

مجلس باید قرارداد تحمیلی و خائنانه

گس و گلشائیان را قطعاً رد کند ملت ایران خواهان لغو کامل امتیاز

اسارت‌آمیز نفت جنوب است

هنگامه نفت بالاگرفته و مبارزه‌ای که از مدتی پیش بـر سرمسئله نفت بین دستجات مختلف وبمنظورهای‌مختلف درگیر شده اینك بنتیجا درجه‌حدت خود میرسد واز طرفی بـازار معاملات بین دلالان پست و سیه کار نفت گرم‌ترمیشود و از جانبی هرروزگوشه ای از واقعیت وحقیقت بازیهائی که در پس‌پرده برای واداشتن مجلسین بیزرگترین و ننگبار ترین خیانت تاریخی انجام میگیرد از نظر مردم کشور مـا میگذرد. شاید زائد باشد اگـر مـا بخواهیم راجع بماهیت موافقت نامه و آثار قانونی آن سخن‌بدرازاکشایم.

معهذا تکرار زیاد این حقیقت را مبتذل نمی کند که اگرنمایندگان مجلس بخواهندبرخلاف نظر صریح وقطعی ملت میرصد واز طرفی بـازار معاملات بین دلالان پست و سیه کار نفت گرم‌ترمیشود و از جانبی هرروزگوشه ای از واقعیت وحقیقت بازیهائی که در پس‌پرده برای واداشتن مجلسین بیزرگترین و ننگبار ترین خیانت تاریخی انجام میگیرد از نظر مردم کشور مـا میگذرد. شاید زائد باشد اگـر مـا بخواهیم راجع بماهیت موافقت نامه و آثار قانونی آن این علتو وبهانه را هم نمی‌توانندبتراشند زیرا آن‌ها بجای ششیری که آن روز برفراز سر خود داشتند، امروزمیتوانند قدمی غرانندنه‌ابرداروند وبنیروی ملت ایران اتکاء کنندودست‌رد برسینه‌راهزنان بین‌المللی بگذارند.

بقیه‌درصفحه ۲

همه چشمها به چین دوخته شده است

از قرار معلوم هیئت نمایندگـی دولت‌مرکزی‌چین فردا وارد‌لیك‌ساکسس میشود . این هیئت نماینده‌گی‌از طرف دولت متبوع خود ماموریت دارد کـه شکایت مربوط به تجاوز آمریکارانسبت به تمامیت ارضی و استقلال خاك چین‌در برابر شورای امنیت مطرح کند. اساس شکایت از دو موضوع مختلف تشکیل میشود :

۱ ـ مداخله علنی و اعتراف شده آمریکا در تایوان « فرمز » بیهانـه بیطرف ساختن فرمز ـ باستناد فرمان معروف مورخ ۲۷ ژوئن‌ترومن

۲ـ تجاوز از مرزهوائی منچوری بوسیله بمب افکنهای آمریکائی وبمباران مناطق مسکونی واهالی کشوری بی‌دفاع آن مناطق ، (در حدود بیش از ۹۰ بار).

جالب توجه ترین جنبه امر ،متنهای تا شکیبائی است که از جانب هیئـات نمایندگی آمریکا برای ورود این‌هیئات ابراز میگردد.در صورتیکـه دولـت آمریکا علاوه بر دشمنی و مخالفت‌بسیار شدید نسبت‌بعضویت‌حکومت تودەمرکزی چین در سازمان ملل متفق ، در حـدود چهل روز پیش‌حتی با اعضای نظریـات فرستادگان آن کشور(بدون داشتن حق رای)نیزمخالف‌بود.

آمریکا در مقابل پیشنهاد پاندیت جواهر لعل نهرو دائر بلزوم عضویت دولت قانونی چین در شورای امنیت و شرکت آن در حل مسالمت آمیزمسئله کره ، قدعلم کرده بود و آقای آچسن در نامه خود اظهار میداشت که موضوع چین و کره را نباید باهم مخلوط کرد. ولی اکنون آقای آستین بسیار شـایق است که هیئات اعزامی‌از پکن درمورد ورود داوطلبان چین بکره‌نیز توضیحاتی بدهد.

نظری به اخبارو‌تلگرافهای‌آژانس ها و مقالات روزنامه های باختر زمین نشان میدهد که بابورود هیئات‌نمایندگی چین . مسائل مربوط بآن کشور ودیگر کشورهای همجوار آن بی سابقه قرآن اهمیت را کسب‌خواهد کرد.

بطوریکه در اظهارات اخیر چوئن لای وزیر امور خارجه چین‌اشاره‌شده هیئات اعزامی از پکن ، فقطدر مورد شکایت از تجاوزات آمریکاوارد بحث و مذاکره‌خواهد شد. ولیکن آمریکاچها که در حین طرح‌شکایت اولیه چین‌دائر بتجاوز هوا پیماهای آمریکائی بخـاك منچوری ، تلویحا صحت آنرا تصدیـق کرده بودندبسیارمیکوشند که بادرپیش کشیدن‌هدفی‌دستاویزهای‌جعلی نمایندگان چین نورا از ضندلی مدعی‌بروی نیسـت متهمین بفرستند . برای‌درك این موضوع میتوان از چند مانور دسیسه آمیـز نام برد.

۱ ـ « گزارش » کذائی‌ملك‌ارتور

بقیه‌درصفحه ۷

سرانجام کار ((تصفیه))

نمودار‌ازسیمای موحش دستگاه حاکمه‌ایران بود

پایان کار«تصفیه» اینمسئله که یك سال وچند ماه بعنوان « مسئله روز » درمحافل‌پارلمانی،مطبوعاتی‌وغیرمطرح مذاکره بودبرمردم وطن‌ما فـرصت داد تاسیمای موحش هیئت حاکمه ایران را آن‌طور که هایسته است ، عاری‌ازهـر تصنع وپرده پوشی تماشاکنندو ترکیب مزور ، دورو وسوء پرست وبرا عزیان مورد مطالعه قرار دهنـد ؛ پایـان کار «تصفیه» نشان‌داد که کارگردانان این نظام منحط اگر درپیمای هستی مردم، درغصب حقوق‌خلق بی پروا پیشـمنی تازند ، درمین سال کوچکترین خدمه‌ای را برمصالح‌تباه‌خویش‌نمی‌بخشایند .

بقیه‌درصفحه ۲

هفدهم نوامبر روزبین‌المللی‌دانشجویان

درصفحه ٤

دخالت وقیحانه آمریکائیها

درامور داخلی‌ایران

دولت باید دربرابراین دخالتها روش جدی ومحکم در پیش گیرد

هفته گذشته روزنامه‌های آمریکائی باگزارش از خبرنگاران خود در ایران شروع کردند به ارعاب دولت و مجلس ایران جهت بر گرداندن آنها ازچندقدمی که در راه بهبودی روابط ایران بـا اتحاد شوروی با اصرار و فشار ملت ما برداشته بودند.

بعلاوه قطع صدای متعوس آمریکا از رادیو تهران که مورد تایید قاطبهٔ ملت ما قـرار گرفت وسیله ای بدست آمریکائیها داد تادولت ایران‌را«متهم» به « همکاری با شوروی » کنند وبدین وسیله وی را مرعوب سازند تا هر چه زودتر بجای چند دقیقه چند ساعت از اوقات رادیورا مجانا در اختیار صدای امریکا گذارد.

بقیه‌درصفحه ۳

در باره اجرای اصل چهارم ترومن در «اصفهانك»

بقلم آقای‌رضا یغمائی

یك مقاله بسیار جالب توجه

درباره بلوچستان

یك شاهد عینی وضع رقت آور برادران‌مارا شرح میدهد!

بخوانید وببینیدهم‌میهنان ماچگونه زندگی میکنند

بقیه‌درصفحه ٦

انتقاد کتاب — م .صبحدم

نهم ژانویه

«نهم ژانویه » را یك کتاب نمی‌توان نامید حتی نام رساله و داستان و رمول و نامهای از این قبیل‌نیز نمی‌توان بدان‌داد.

«نهم ژانویه» یك تابلو است ، یك تابلو جاندار و متحرك ، یك تابلو رنگین وعمیق ، تابلویی که‌نقاش چیره دستی مانند گورکی آن‌را ترسیم کرده‌است،

بقیه‌درصفحه ۳

مجلس باید قرداد تحمیلی

بقیه ازصفحه ۱

راه روشن ملت ایران اینست و نمایندگانی که راهی جز این در پیش گیرند باید بدانند که برای خود خشم و غضب و کینه شدید مردم کشور ما را ذخیره کرده‌اند و ملت ایران هیچگاه ممکن نیست تن بچنین اسارتی بدهد و نظر آن‌ها را صریحاً خائنانه می‌داند و نام آن‌ها را جزء تبهکاران که خاق کشور ما را اسیر نموده اند ثبت خواهد کرد .

بخلاف عده ای ازجرائد و ارباب مطبوعات که دانسته ونادانسته سخنسائی نا بجا وناروا در باره گنجینه های ذخار زیر زمینی ایران میگویند .

ما معتقدیم که آنچه دردلها بطلای سیاه معروف است وافراد کج سلیقه سعی دارند آن را برای ما بلای سیاه معرفی کنند می‌تواند وباید منبع خیر وبرکت و آزادی و رفاه اقتصادی، باشد و اگر می‌بینیم راهزنان برای ربودن این گنج های ذخار از ارتکاب هیچ جنایتی فرو گزار نمیکنند وعمال پست آن‌هادلالهای بازار مظلمه، بدون شرم وخجالت، بدون پروا ازننگ و افتضاح ارتکاب خیانت تسلیم خدایوندان نفت میکردند ، این جریان ، بهیچوجه از اهمیت حیاتی نفت و نقشی که این گنجینه می تواند در تهیه موجبات رفاه ملت ما بازی کند نمی‌کاهد و ما معتقدیم که اینگونه تبلیغات جزاینکه یك اثرمنفی ومعکوس ونابجائی بر روحیه مردم باقی بگذارد نتیجه دیگری ندارد ،راه ورسم مبارزه منطقی این نیست که ما از این موهبت بعنوان بلای سیاه یاد کنیم بلکه وظیفه روشن وصریح ما اینست که آن سلسله ازهواملی راکه برای مردم کشور ما بلاواسارت می‌آورد برملاسازند، وبه‌تماحقیقت و واقعیت را در باره آنها به خلق ایران بگویند بلکه راه ورسم مبارزه موثر و منطقی رابمردم بیاموزند وعلی رغم‌منفی بافیهائی که غالبا از منابع نفتی سرچشمه میگیردقدرت شگرف ملت را به‌اوخاطر نشان سازند .

شاید در تاریخ نیم قرن اخیر کشور ما کمتر موردی پیش آمده باشد که‌مانند امروز ماهیت وجود مدعیان نمایندگی خلق ایران در برابربوته‌محك آزمایش قاطع قرار گرفته باشد . امروز کمتر بازی درپشت پرده‌وتوسط‌متولیان‌سیاست مستعمراتی نفت انجام میگیرد که طبقات مختلف مردم‌مقدمات ونتایج آنرا تشخیص ندهند . امروز نیروئی از افکار عمومی بوجود آمده که اگر مدعیان نمایندگی خلق‌آنرا نادیده‌بگیرند‌بزرگترین دشمنی خلق را برای خود بازغربیده‌اند . نه تنها وجدان‌وشخصیت نمایندگان‌بلکه وجدان و شخصیت دولت نیز در برابر این محك‌عیار خود را بیکبار دیگر و به طرزی که جای چون وچرائی باقی نمی گذارد نشان خواهد داد اینها بایدبدانند دفاع‌ازمنافع‌ملت‌ازیادداشی که‌درقبال‌دلالی شرکت نفت ماخوذ خواهدداشت‌بسراتب باارزش‌ترخواهدبود .

نظر بدون ابهام و روشن ملت ایران که‌مورد تائید تمام طبقات‌خلق این کشور می‌باشد از این‌قرار است .

امتیاز دارسی سندی‌بود از اسارت ملت ایران که بدست درباریان فرومایه و سلاطین قاجار صادرگردید : این امتیاز نامه منفور نه تنها بزرگترین منابع ذخار زیر زمینی ایران را برایگان بدست تاراجگران سپرد بلکه اوضاع و شرایطی فراهم ساخت که رقیت سیاسی ایران رابدنبال‌اسارت اقتصادی آن تکمیل نمود :

این امتیاز نامه منفور که بدست یك سلطان‌بیسواد وبی اطلاع وضعیف وجبار صادرشد ملت‌مارادر دام‌سیاست‌مستعمراتی و ضد بشری بریتانیا افکند : در دنباله این امتیازنامه منحوس ، قرار داد ۱۹۳۳ در شرایطی بملت ایران تحمیل گردید که قدرت استبدادی‌ملت‌مارامختنق وخفه‌کرده‌بود : له امتیازنامه دارسی‌ونه قرار داد سیاهی که بامر یك دیکتاتور و بدست‌امثال آقای تقی زاده «آت‌فعل» منعقد شد ، هیچگاه مورد تایید ملت ایران نبوده است .

ملت ایران آن امتیاز نامه‌و این قرار دادرا خائنانه، ضد ملی ، ووسیله اختناق و اسارت خود می‌داند ومعتقداست آن‌چه استقلال واقعی آنرا بآن بازپس خواهد داد فقط و فقط پاره کردن این قرار داد ننگین و خارج ساختن منابع‌ثروت کشور از دست راهزنان بین المللی می‌باشد :

بهمین جهت هرگونه مقاوله نامه ای براساس یك قرار داد تحمیلی‌شنیدی است از خیانت صریح تهیه کنندگان‌این مقاوله نامه . موافقت نامه‌منفور کس‌ـ کشانیان صریح‌ترین‌سند خیانت مسلم مردمی است که تمام اصول شرافت را زیر پا گذاشته وبر علیه امنیت ملت ایران اقدام کرده است . ملت ایران هرگز تسلیم خیانت این عناصر فرومایه نشده و امروز نیز تصمیم قطعی خود را در باره اصل قرار داد و هر گونه‌مقاوله نامه‌ای بر اساس آن قرار داد اعلام می‌دارد .

امروز قدرت ملی برای‌این که‌دست وبه سینه کمپانی نفت و دولت جبار بریتانیا بگذارد بقدرکافی فراهم میباشد و ما جداً معتقدیم که دولت و مجلس با اتکاء باین نیروی جاودانی وزوال نا-پذیر نیروی ملت‌ایران، میتوانندبر مقابل شرکت نفت بایستند .

ما برای اینکه مبارزه صبیانه و منطقی ملت ایران برای گسستن‌این‌زنجیر اسارت بثمر برسد پیشنهاد میکنیم که‌از تمام محافل وعناصر وطن پرست ؛ ازتمام مردم شرافتمندی‌که می‌خواهند از محکم شدن‌مجددزنجیر اسارت ملت ایران جلو گیری کنند یك صف واحد بوجودآید ؛ صفی که دارای یك نظر روشن‌ومشخص و صریح باشد ؛

صفی که‌انعکاس و دهنده تمایل و اجرا کننده تصمیم ملت ایران باشد . ما بسایر افکارسیاسی مخالفان‌استیلاءشرکت نفت بر سرنوشت سیاسی و اقتصادی‌ملت ایران کار نداریم . این‌ها ممکن است در موارد دیگر اختلاف نظر هائی باهم داشته باشند ؛ ولی‌دربرابر این یك‌مسئله اساسی اگر دراده‌های خود صمیمی هستند میتوانند چنین صف واحدی‌تشکیل‌بدهند.

سرانجام کار «تصفیه» نموداری از...

نظامات ومقررات‌بظاهر«مقدس!» راکه هیچدون زنجیری بردست‌وپای‌حق‌و وعدالت ومنافع عمومی تعبیه‌شده است هنگامی که کوچکترین تراحی‌در راه شهوات پلید ایشان فراهم سازد بیمحابا هیچدون تار هنکبوت در هم می‌گسلند و لگد کوب اغراض‌ومطامع سیاه خویش می‌دارند .

قانون « تصفیه » درمرداد ماه‌سال ۱۳۲۸ بتصویب کمیسیون‌دادگستری رسید و بموجب‌آن،دولت‌موظف بتصفیه‌ادارات و‌مؤسسات دولتی ازعناصر «نامطلوب» گردید ، باآنکه در متن قانون ، ملاك تصفیه بر طرد مستخدمین نادرست وبیا بیکاره استوار بود همه کس از مقاصد واقعی بوجود آورندگان آن آگاهی یافت وهدف تصفیه مشخص بود .

آن‌روز حکومت ساعد ؛ بدنبال یك سلسله توطئه‌های دامنه دار و ضدآزادی پس ازآن که با پرونده سازیها ، فروغ پردازیها ، با حبس وشکنجه وآزار ، با لکه‌دار ساختن بدیهی‌ترین اصول و موازین انسانی ، بدفع همه آن کسان که بنحویکه از انحاء با مطامع و شهوات این دستگاه مشئوم سازکاری نداشتند کوشیده بود درصدد برآمد تا از قانون « تصفیه» نیز مدد بگیرد وآنجاهاراکه دامنه پرونده‌سازی نتوانسته‌اند بنحو «دلخواه» دامن بکشد،بعنوان «تصفیه عناصر نادرست!» مصفی دارد و خود و اربابان خویشرابکیره‌آسوده‌خاطر دارد بدین نیت پلید بود که وزیر کشور وکار گردان‌وقت‌دکتر اقبال، لایحه «تصفیه» را فراهم آورد .

و بخدمت نقشه‌های شوم خدام استعمار گماشت .

اما همچنانکه بایست انتظار داشت مظاهر نکبت و ادبار دستگاه منحط حاکمه ، بزودی آثار و نتایج خویش را در طرز اجرای این قانون نیزنمایاندند سستی ، ضعف ،نفاق ، مجادلات‌ومنازعات خصوصی‌جناحهای حاکمه ، درکارد«هیئت تصفیه » بخود نمائی برخاستند وسرانجام معجون عجیبی بوجود آوردند .

« هیئت تصفیه » در تمام یکسال « فعالیت »خویش،تنها توانست‌تشکیلات یکی دو وزارتخانه را مورد تجدید نظر قرار دهد و باصطلاح به « ترمیم و اصطلاح » ، آنچنانه بپردازد ، اما این اصلاحات جز این که فسادی‌بردیگرمفاسد بیفزاید نتیجه ای نداشت ، ظاهرا باین عنوان که از تورم تشکیلاتی و فساد بوروکراسی بکاهند اداراتی را متحل کردند ، اما این انحلال تنها در صورت ظاهر بود حتی یك پست ، یك میزویك صفحه از آنهم‌اوراق پریشان تقلیل‌نیافت بلکه بانعکس ادارات را در هم‌آمیختند و یك هرج و مرج بیسابقه فراهم آوردند ، تجدید سازمان وزارت دادگستری نمودداری از این بیحسابی و بهم‌ریختگی بود ، تصمیمات هیئت تصفیه در مورد وزارت کشور اصولا کان لم یکن شناخته شد و مجلس شوری بعنوان تناقض‌این تعلیمات باقوانین‌موضوعه بنسخ آن تصمیم گرفت .

اما درمورد قسمت دوم وظائف‌خود یعنی تصفیه ادارات دولتی از عناصر نادرست و زائد ، هیئت تصفیه پس از آنکه‌چند بار تجدید ترکیب کرد ، اعضائی از هیئت جای بدیگران سپردند، سرانجام در پایان سال ، هنگامی که دورهٔ قانونی اختیارات‌هیئت پایان‌میافت نتیجهٔ،اقدامات خود رادراین زمینه‌بدست وزیر تسلیم داشت و چیزی نگذشت که جرائد بدرج صورت‌مفصل‌مشمولین‌تصفیه دست زدند .

تصمیمات هیئت تصفیه دراینقسمت ، دارای مشخصات ذیل بود :

۱ـ هیئت تصفیه ، از یکصد و پنجاه هزارنفر کارمند دولت تنها وضع واظهار نظر قرار داده بود ، در این صورت چنین «تصفیه »ای‌نمی‌تواندمفهوم واقعی خودرا احراز نماید ، در حقیقت هیئت تصفیه بهیچوجه نتوانسته بود روی کارمندان دولت و اعمال و افعال ایشان مطالعه‌ای بانجام رسانده وتصمیمی اتخاذ کند ، بلکه هیئت مذکور، تنهابا پرداختن بکروهی از ایشان مرتکب تبعیض گردیده و ترجیحی بلامرجح قائل شده‌بود .

۲ ـ لیست مشمولین بند«الف» ، یعنی آنها که قاعدتاًمی‌بایست از عناصر ممتاز باشند وبسبب‌حسن سوابق خدمت خویش، باستفاده بیشتر از وجود ایشان توصیه شوند از عناصر عجیب و غریبی ترکیب یافته بود،جمعی‌از عناصر پوسیده اسکلت‌های سیاسی ، محضرین اداری دراین‌لیست گرد آمده بودند ، البته پیدا است که چه بهره‌ای از چنین عناصر از کار افتاده باید منتظر بود وتاچه اندازه مضحك است اگر چنین کسانی را برای نخستین دستگاه اداری ایران کاندیدا نمایند درعین‌حال کهنه‌کاران‌بهنه‌سیاست ، آنها که درزمره سرسپردگان عتیق درگاه استعمار بودند درشمارمشمولین بند «الف» جای گزیده بودند، آقایان حکیم‌الملك ، نصرالملك ، نجم الملك و ازینقبیل«زینت افزای» لیست بودند ، این آقایان‌از کارگردانان‌حزب«عامیون ایران » بحساب می آمدند که در عین حال مجمع کهنه فراماسونرهاواعوان و انصار صمیم سیاست بریتانیاست در این صورت هنگامی که این قماش از تصفیه « روسفید » بیرون بودند همه مردم‌روشن بین‌بخوبی‌فهمیدند که« تصفیه » بنفع چه سیاستی انجام گرفته وحربه‌تصفیه‌دوراه اوضاع چگونه مقاصدی بکار رفته است ، در عین حال آقای حکیم‌الملك ، ازك‌پست‌وزارت دربار را بعهده دارند واگر بخاطر بیاوریم که بمکس در بندهای «ب» و «ج »مربوط بمطرودین ، از بین نخست‌وزیران ، تنهاآقای قوام‌السلطنه وازمیان‌وزیران ، وکیلان و «رجال» ، گروه قابل‌توجهی از معتقدین و حمات ایشان جای گرفته بودند بار دیگر هدف «تصفیه» را از نظر گاه روشنفکری می‌توانیم مشخص کنیم‌و بمجادلات ومحاسبات خصوصی که در کار بوده است هنناساتردرنگریم .

۳ ـ درعین حال ، «تصفیه» ،هدف نخستین خود را در برکنار داشتن « مزاحمین » دستگاه حاکمه موجود بتمامی‌فراموش‌نکرده‌بود،عناصرشرافتمند ومقاوم که نمی خواهند درزیر چرخهای کجرو این رژیم‌منکوب شوند وبآلات بی ارادهٔ گردانندگان آن بدل شوند ، مستعدمیدانی که مورد خشم وسخط اصولی صحنه پردازان این نظام منحطمی‌باشند، در لیست های «ب» و «ج »

بقیه‌درصفحه ۳

واسکا

ازماکسیم گورکی

ترجمه:علی‌اصغرسروش

از طرف بنگاه مطبوعاتی

ناقوس

بزودی منتشر میشود

عشق بی‌پیرایه

از: والداوسیلواسکایا

جمعه آینده منتشر میشود

ت.ث.ث

رشت	همه‌روز
اصفهان	«
شیراز	«
تبریز	یکشنبه ـ سه شنبه ـ پنجشنبه
مشهد	همه‌روزه
رضائیه	مستقیم بزودی

برای تهیه بلیط به تلفن‌خیابان شاه رشت‌ت‌ت‌چهارراه یوسف آبادو یاشعبات‌آن مراجعه فرمائید تلفن ۵۱۲۳

بانوان ، دوشیزگان

روزنامه فروغ آزادی مدافع حقوق و راهنمای زندگی

شماست روزهای یکشنبه بخرید و از مطالب آن استفاده کنید

کتاب شراره

۱۵ آذرماه منتشر خواهد شد

کتاب

«راه وهدف هنرمند پیشرو»

اثرمعروف ماتوسه تونك رهبر وهنرمند خلق چین

منتشر شد

نهم ژانویه

بقیه‌ازصفحه ۱

تابلوئی که باتمام اختصار وسادگی و کوچکی همه‌چیز ـهرچیز راکه محتوی‌آن بوده است ـبقدری زنده وگویا نشان داده است که‌آدم حیرت‌می کند .

نهم ژانویه یك بیت از سرود پیکار مقدس بشریت برضد ظلم و استبداد است . نهم ژانویه یك تصویر کوچك از صحنه رزم شرافتمندانه‌ایی است که بین انسان‌ها ـ انسان‌های عادی ـو خدم وحشم‌ستم‌کاری وخود کامگی جریان داشته و امروز مراحل قطعی خود را ـبا اطمینان بپیروزی مردم ـ طی می کند .

نهم ژانویه داستان تهیج خاق برضد ژخیمان‌خویش است‌گورکی درین چند ورق کافذ ، درین کتاب بسیار مختصر با دقت ووسعت نظر و روشن بینی بسیار منظره‌یی از توفان خشم وغضب توده‌های خاق را با استادی بر روی کافذ آورده است .

اینجا دیگر قهرمانی وجود ندارد . قهرمان این داستان مردمند . مردمی که در برابر دشمنان خویش می ایستند وخون خود را روی برقها میریزند وبس از جراحت برداشتن تاو تلو خوران جلو میروند و لکه های سرخ درخشان از پس خود برروی برفها بجای میهنند .

لکه هائی که « چشمهارا خیره میکرد » لکه هائی که « دایم بزرگ‌میشد ، بخار میکرد وتوجه را بخود جلب مینمود.»

این داستان ، داستان مبارزه دامنه دار و بی‌گیرمردم برضد زوروفشار وخود سری ومطلق النانی‌توده‌مردم است . مردمی که ددوتادوتاوسه‌تاسه تا نا معلومی میروند و روی‌برف می‌خوابند.» مردمی که « دسته‌دسته پیش‌میرفتند تا مردگان و زخیمهارا جمع کنند ...» مردمی که حتی « زخیمهای آنان نیز فریاد می کشیدند و با مشتهای ناتوان خودتهدید میکردند»

از « نهم ژانویه » چیزی نمی‌توان گفت ؛ نمی‌شود آن را ستود ، برای معرفی آن باید سرتاسر کتاب رادرین مقاله‌دو ستونی نقل کرد و این کاری‌است غیر ممکن . هر جای‌آن را بخوانیدمطلب‌است ، تجربیاتی است که مردم باریخته شدن خون گلگون خویش می‌اندوزند ، مطالبی‌است که توده‌هاقفط با مقاومت در برابر دستگاه وحشی و بربر صفت استبداد در میابند . داستانی است که با اشك چشم و خون دل آمیخته شده و از ستمکشی خاق و بی چشم و روئی‌جلادان الهام گرفته است :

« در هشتی خانه‌ای دو نفر زن بکك شاگرد مدرسه ای دست کارگریکه تیر خورده‌بود می‌بستند . اوابروها را در هم کشیده‌بود وخشمناك باطراف مینگریست باکسانیکه‌دوراورا گرفته بودند حرف‌میزد :

ـ ماهیچ منظور مبهم وپنهانی نداشتیم . فقط مردمان‌پست فطرت ومفتشن نظمیه ممکن‌است بما نسبتهائی بدهند . ما ازوسط خیابانها آشکارا میرفتیم ، وزراء میدانستند برای چه میرویم . سواد عریضه ما اکنون هم روی میز آنهاست . این پست‌فطرتها ممکن بود بمابگویند که‌اجازه نداریدبیائید ••• وقت‌داشتند و میتوانستند بمابگویند که اجازه‌ندارید•اگر گفته بودندماامروز جمع نمیشدیم •••• همه میدانستند • هم‌پلیس میدانست ،هم وزراء میدانستند که ما خواهیم آمد • این غارتگران و پست‌فطرتها •••

پیرمرد سبیدمو ولاغراندامی بالحن جدی و متفکر پرسید :

ـ درعریضهٔ خودتان چه‌چیزی درخواست کرده‌اید ؟

درخواست کرده ایم که تزار از میان ملت اشخاصی را انتخاب کند و با آنها امورکشوررا اداره کند نه باکارمندان و نوکران خود . این پست فطرتها روسیه را ویران و ورشکست کرده اند ....»

نهم ژانویه داستان کشتار دسته جمعی کسانی است که از تزار درخواست کرده اند امور کشوررا با کسانی که از میان ملت انتخاب شده اند نه باکارمندان ونوکران خود، اداره کند.

این مردم، او را پدری مهربان و رئوف میدانند، آن ها عقیده دارند که « او » تزار روسیه « نیروئی مافوق تمام نیروهاست و نباید ازهیچکس بترسد، اصولا چه معنی دارد که ملت خود را با سرنیزه های بران‌وگلوله آتشین ازخود دور نماید.»

اما همین تزار مقتدر مهربان؟ از مردم ـ از نیروی خلاق و فیاض و پایان ناپذیر مردم ؛ از نیروئی که بدروغ خود را نماینده آن میخواند ؛ ترسید و دستور پراکنده کردن مردم را ـ بدون توجه بخواست آنان ، صادر کرد و خوش‌باوراني که « پیش پدر تاجدار خودشان ! » می رفتند در خون خویش غلطانید.

این مردم « چنین احساس میشد که از مدتها پیش. شاید هم هرگز ـ بطور جدی راجع باو فکرنکرده‌بودند.

شب نشینی درخانه فرهنگ

شب نشینی مخصوص اعضای انجمن روابط فرهنگی ایران با شوروی و میهمانان ایشان ازساعت ۸ عصر امروز در محل انجمن تشکیل میشود .

برای دریافت کارت قبلا بدفتر انجمن مراجعه فرمائید .

دخالت وقیحانه امریکائیها ...

روزنامه‌های آمریکائی موضوع انعقاد موافقت نامه بازرگانی باشوروی، تایید و تصویب شور انگیز آن ازطرف مات ایران ، مجلس و سنا ،همچنین قطع صدای امریکا و حملات بیجا وصحیحی که از طرف بیشتر مطبوعات ایران بر ضد عملیات خدعه آمیز امپریالیسم آمریکا بر ضد وعده های دوروغی کمك وی‌وبر ضد تحریك های بی‌شرمانه وی‌درسیاست داخلی و خارجی ایران میشد ، همه اینها را وسیله قرار دادند تا ازدولت‌ومجلس « گله » کنند و بعبارت های غیر مستقیم آنها را تهدید نمایند که درصورت ادامهٔ این راه ها گویا آسمان برسرآنهاخراب خواهد شد.»

هنیمه شد که سفارت آمریکا از تحویل چند تکه لوازم که خودشان به رادیو تهران وعده داده بودندخودداری کرده‌اند و مقامات سفارت بطور مستقیم و غیر مستقیم از « کمك »های دودویست سیصد میلیون دلاری ! و زبان رفتار دولت ایران در تضعیف « افکار عمومی که ایران در امریکا » صحبت کرده‌اند و بطور کنایه‌فهمانده‌اند که‌این « کمك» های دروغی حاضر و آماده بود منتهما این عملیات شما باعث شد که دادن این « کمك» هاموقوف گردد !

امریکائیها با انواع و اقسام‌وسائل دیگر تهدیدهای بی شرمانهٔ خود راکه دخالت زننده ای در امور داخلی ایران است ادامه میدهند و میل دارند دولت ایران را هرچه زودتر با زدر راه‌دشمنی باز موافقت‌نکرده‌اند . یعنی آنها می خواهند که‌درباره‌کالا هـای وارداتی شوروی به‌ایران وکالاهای صادراتی ایران به‌شوروی دوروش مختلف پیش گرفته شود .

همه‌می‌دانند که‌این گونه قواعدتبعیض آمیز درتجارت بین‌المللی وجودندارد و فقط کسانی که‌می‌خواهنددر روابط‌تجارتی با اتحادشوروی به‌میل امریکائی‌ها ، کار شکنی کنند بچنین استدلالات مسخره آمیزی‌دست می‌زنند .

ما ازدولت ایران و مطبوعات و مجلس انتظار داریم که در برابر روش تهدید آمیز ودخالت های‌وقیحانه‌امریکا درامور داخلی‌ایران روش‌جدی‌و محکم مطابق مصالح ملت ایران اتخاذ نماید . اداره تبلیغات بجای تکذیب‌های بی‌معنی بایستی زبان‌ها وتحریکات صدای‌امریکا رافاش‌سازد .

روزنامه های‌رسمی‌مثل اطلاعات بجای پیش گرفتن روش هاجرانه باید روش‌جدی در برابر تهدید های آمریکا اتخاذ کنند وعملاً ظهار دارند که ملت ایران ازاین تهدیدها نخواهد ترسید . دولت نیز بجای تعویق و کارشکنی در روابط تجارتی ایران وشوروی‌باید سعی کند قرار داد بااتحادشوروی رابا کمال دقت مراعات واجراناید و بهانه جوئی های مسخره را کنار گذارد و کاری کند که‌روابط تجارتی باشوروی حتی از اینکه طبق قرارداد مقرر شده است دامنه‌دارتر گردد. فقط‌باین‌ترتیب‌است که می‌توان مصالح ملت‌مارا‌حفظ کردو گرنه اگر دولت روش تسلیم دربرابر این تهدیدها و دخالت های بی شرمانه پیش گیرد و روشی مطابق تمایل اربابان امریکائی اتخاذ کند تنفر افکارعمومی را جداً بخود جلب‌خواهد کرد .

آمریکائیها نمی خواهند بگذارند کشور ما باشوروی روش دوستانه داشته باشد• آنها آرامش محیط سیاسی ایران را بر زیان خود می‌دانند• آنهامی خواهند ایران را میدان جنك سرد کنند. مردم ایران رابمیدان جنك باشوروی بفرستند ولی ملت ایران این تشبثات را شدیدا رد میکند

ملت ایران از دخالت های بی‌شرمانه آمریکا وتهدید های وقیحانه وی اظهارتنفروانزجار می کند واعتراض شدید خودرا نسبت بدان اعلام میدارد •

آمریکادشمن صلح، دشمن استقلال و رفاه ملت ها و دشمن زندگی طبیعی مردم است.

ولی بایستی ضربت‌موثر به این «اربابان متفرعن وبی مغزدلار » وارد آید .

آشکار نیست به اتحاد شوروی اندازند.

اتفاقا این‌تهدید های آمریـکائیها در محافل ترسوی ایران بدون انعکاس نمانده است ـ ادارهٔ تبلیغات مرتبا برای تبرئه دولت‌به تکذیب متوسل می‌شود.

روزنامه اطلاعات بالحنی عاجزانه ومتملقانه از اربابان آمریکائی می‌خواهد که‌به خبرنگاران خود گوش ندهند و اظهار میدارد‌که‌دوستی آمریـکا برای ایران گرانبهاست و با این‌که همه می دانندهمه وعده‌های‌کمك آمریکا دروغ وبی‌پایه‌است بازهم عاجزانه از امریکا استدعا میکند که‌لطف خود را از مـا نگیردو کمکی‌بما مبذول دارد . ازطرف دیگر نشانه های تاثیر این تهدید های آمریکا در روابط بازرگانی باشوروی آشکارا دیده‌می‌شود.

بطوری که روزنامه‌ها مـی نویسند مقامات دولتی ایران در اجرای موافقت نامه بازرگانی که تاآن اندازه مورد توجه وعلاقه‌افکارعمومی ایران‌بود راه تعلل وکارشکنی پیش گرفته‌اند . مدت های زیادی برسر قیمت حرف‌می‌زنند . نمایندگان تجارتی شوروی بطوری که روزنامه ها خبر میدهندپیشنهاد کرده اند که قیمت اجناس‌وارداتی‌وصادراتی از ماخذ قیمت بین المللی تعیین شود .

نمایندگان‌دولت گفته‌اند که‌ماجناس خودرا به‌قیمت‌آزاد خواهیم فروخت نه به‌قیمت‌بین‌المللی

وقتی‌بدانجاجواب داده شده است که‌بنابراین‌شوروی‌هم‌اجناس‌خودرابقیمت آزاد به ایران خواهد فروخت‌نمایندگان (او)را فرد زنده وواقعی تصور نمیکردند‌و نمیدانستند او کیست و علت وجود او . . . را زحمت درك‌میکردند . اما امروز وجود او لازم شده بود . . . وچون آنکسی راکه درحقیقت وجود داشت نمیشناختند بی اراده در مخلیه خود موجود عظیمی را خلق میکردند» و بصدای (گستاخی) که‌گاهی از میـان جمعیت بلند میشد ومیگفت (رفقاخودتانرا فریب ندهید!)توجهی‌نمیکردند

اما همین بی توجهی ، همین ساده دلی ، همین خوشباوری و سادگی که از طبیعت صاف وآرام و بی خدشه‌خلق سرچشمه میگرفت آنان را بجائی کشید که بجای قبول درخواستشان گلوله تحویل آن ها دهند و سر لـیزه در شکشان فرو برند .

آنهاتا امروز، بی اراده‌واز روی غرائز طبیعی زندگی میکردند . راجع بحکومت ،قانون ، دولت، اولیای امور و حقوق خودشان تصورات مبهم و نامفهومی داشتند ؛ معلوم نبود چگونه وچـه وقت این تصورات بر ایشان پیـدا شده است .

مثل اینکه‌مغز آنها را درپارچه‌های‌محکمی‌پیچیده‌بودندتا از خارج برآن‌هیچگونه تاثیری‌وارد نیاید. »

اما این تجربه خونین و تلخ، این کشتار بیرحمانه ، این‌مفاکی وحشتناکی که هاملین آن کودکان را بزازیر تیغ میگذرانیدند ،بآنان یکدرس ، یکدرس مهم وعبرت‌انگیز ،یك درس‌بزرك داد

«اماآنهائیکه کوشش‌میکردندبلکه دوباره مرده‌رازنده کنندبیکرشارشان الدك ونا محسوس بود ،سعی و کوشش‌آنها برای احیاءآن «شبح» بیفایده بود و فقط کینه وبغض ونفرت مردم را برمی‌انگیخت » مردم دشمنان خودشان راشناختند وبندای مردی که باآواز رسا میگفت :

« ـ هرکس میخواهد برای آزادی ، بخاطر ملت، برای حق حیات انسانی ، برای زحمت وکار مبارزه کند ، هرکس مایل است‌در پیکار ومبارزه بخاطرآیندگان بهمیرد بکمك‌بشتابد.» باشوروو اشتیاق باسخ موافق دادند.

گورکی این کتاب‌کوچك را با هنر مندی بسیار نوشته و نبوغ‌فراوان و عاطفهٔ انسان دوستی‌خودرابی‌برده . نشان‌داده‌است .

باید این کتاب را خواند تاآنهمید چگونه میتوان هنر را مـانند مشعل فروزانی براهنمایی خاق گماشت و از انوار درخشان آن برای خدمت باجتماع استفاده برد .

باید این کتاب را مطالعه کرد تا دریافت نویسندگانی که درزوایای روح آدمی‌به کنجکاوی نمیپردازند و اعصاب‌مردرا بسام افکار پوسیده و منحط خود تخدیر نمیکنند کجا میروند ، چه میکنند و قهرمانان‌داستان‌خودرااز میان‌چه‌اشخاصی‌برمیگزینند.

« نهم ژانویه » را « آذر » ترجمه کرده و بنگاه مطبوعاتی «ناقوس» آنرا باچاپ نفیس و قطع مناسب انتشار داده است .

صاحب‌امتیاز ش.ـانور

محل ادلره

طهران خیابان‌بوذرجمهری سه‌راه سیروس

بهای اشتراك

یکساله	۱۳۰	ریال
ششماهه	۷۰	ریال

مقالات وارده مسترد نمیشود واداره در اصلاح و درج آن‌مختاراست

بهای آگهی بادفتراداره است .

رمان نویسندهٔ امریکائی (استفان همپل کروارد) که بتازگی ترجمه شده ، درحال حاضر فاقدهٔ کاملا بغدوس داردوسیمای حقیقی ارتش امریکا را بما نشان میدهد. باین معنی که درون آنرا برای ما آشکار میسازد و مشخصات اخلاقی و سیاسی آنرا برای ماظاهر میکند. این رمان گواهی شاهدی است که در جنگ دوم جهانی شرکت داشته است. مؤلف در سرویس تبلیغات و اطلاعات کار کرده و آنچه را دیده بطرز بسیار دقیق و بقدرکافی کامل تشریح نموده است .

این نکته نیز صحیح است که میدان دید او بکاردیك لشکر محدود بوده و از پست دیده بانی خود نمی‌توانسته است کسانی را که ادارهٔ کلی نیروهای امریکائی را در دست داشتند ببیند وبهمین جهت او بجز از نقطه نظر لشکر خود روی آن‌ها قضاوت نمی‌نماید و از اینجا بعضی اشتباهات ناشی شده است که ما مجدداً از آن صحبت میکنیم.

بخودی خود یك دیدبان نمی‌تواند وقایع را با وسعت زیاد و بمقیاس جهانی بفهمد و تشریح کند مگر آنکه وقایع‌رادرمناسبات منطقی خودشان در نظر بگیرد و بتواند نیروهای مجرکه اساسی را تشخیص دهد . باین جهت نقطهٔ نظر یك لشکر قهراً غیر-کافی است .

ولی آنچه عمومیت دارد در حالت خاص نیز تجلی میکند. آنچه هم دیده و تشریح کرده است ، نه تنها لشکر ژنرال فارش بلکه تمام ارتش امریکارا نیز توصیف مینماید. مشاهدات نویسنده آنچه را که اکنون مردم دربارهٔ این ارتش، فرماندهان، افسران و سربازانش میدانند تأیید میکند .این ارتش رژیم سیاسی واجتماعی ممالك متحده را منعکس میکرد ونیزتوانست منعکس نکند.

پانکه های امپریالیست وصاحبان وال استریت، ارتش خود را بصورت و شباهت امریکای‌خویش بوجودآورده اند واگرمسلم شده است که استراتری آن‌ها ناقص است، علت این است که همان نقایص سیاسی امپریالیسم امریکا بآن برتوافکنده‌است.

کادر تاریخی رمان هیم بسال آخر جنك دوم جهانی و به نخستین ماههای پیروزی برآلمان هیتلری محدود میگردد.

پس از نبردهای ترماندی می‌بینیم که ارتش امریکا دردشت های فرانسه پیش میرود. ارتش امریکا شهرهای فرانسه‌را تقریباً بدون جنك اشغال میکند. مردم با خوشحالی از آن‌استقبال مینماید ولی چیزی نمیگذرد که تعجب و اضطراب جانشین خوشحالی‌میشود ملت فرانسه که از دژخیمان هیتلری رهائی یافته ، خطوط متشعبه ای را که بآلمان متجاسر تعلق دارد در «آزاد کننده‌گان» امریکائی خود می شناسد.

ارتش امریکا نسبت بفرانسویان مرتکب جنایت نشده ولی اهانت بفرانسویان و رفتار توهین آمیز بعضی از افسران آن بپایهٔ بی شرمی و رسوائی هتك ناموس کنندگان هیتلری می‌رسد.

(ترز بوران) دختر جوان ضد فاشیست، مثل بسیاری از اهالی پاریس ، امریکائی ها را باخوشحالی و اعتماد استقبال کرد ولی بالاخره با تنفر متقاعد شد که آن‌ها با فرانسه مثل کشور فتح شده ای رفتار میکنند.

اقامت امریکائی‌ها،در پاریس بوسیلهٔ مرق خوری‌ها،چپاول ها وغارتهای بی‌اندازه مشخص میشود. افسران امریکائی در حالی که ارابه‌های جنگی و توپها را بدون ذخیره مواد سوختنی می-گذارند ، بتزین ارتش را دربازار سیاه میفروشند. سرمایه‌داران فرانسه که با هیتلری‌ها همکاری کرده‌اند بزودی زمینهٔ سازشی با رؤسای امریکائی که از دفاتر تجارتخانه‌ها و ترستها بستاد های لشکرها منتقل‌شده‌اند میبابند.

ارتش امریکا، با بی فکری وبافراموش کردن مشکلاتی که هنوز فریش دارد و با اطمینان ازاینکه راه برلن برای او بازشده است، از پاریس راه خود را بطرف مشرق تعقیب میکنند و باین جهت ناگهان بارتش آلمان که بیك حرکت ناگهانی نومیدانه‌دست زده است تصادم مینماید .

فرماندهی آلمان که نیروهای اصلی آن درجبههٔ مشرق در دیرند، کوشش میکنندبا واحدهای درجهٔ دوم؛ پیشروی انگلستان وامریکا را متوقف سازد. همین موضوع کافی است که ارتش های انگلیس‌وامریکا پاترس عقب نشینی کنند.

اگرشکست انگلیس‌ها وامریکائی‌ها به سانحه ای‌تبدیل نشد، تنهابه این دلیل است که ارتش شوروی باچلو انداختن تاریخ متین برای تعرض جدید ومعجزه‌آسای خود ، جبهٔ آلمان را درشرق شکسته‌و راه برلن باز کردیده‌است.

هیم در رمان خود ، جنگهای آردن را با ذکای بسیاری تشریح می کند، او ناتوانی و بلاهت فرماندهی امریکا را ثابت مینماید .

زنده‌ترین ، ظاهرآراست‌ترین وکامل‌ترین شخصیت رمان ، ژنرال فارش، فرمانده لشکری‌است که این‌لشکر درتحت فرماندهی او در افریقای‌شمالی جنك کرده‌است. لشکرفارش‌دراروپا بعنوان بهترین‌لشکر ، جلودار ارتش امریکا است .

« ژنرال فارش مرد توانائی بنظر میرسید و بقدرت‌خویش اعتماد داشت و درهریك از عملیات خود، همینطور در صدا ، در روش ورفتار ، در وقت‌ها و درتمام صورت ظاهر خود تظاهر می کرد،بقسمیکه آنچه درآغاز فقط تقلید بود اینك صوری بودن خود را ازدست داده وجزء طینت اوشده‌است.»

فارش طرحهای نظامی خود را بخبر نگاران مطبوعات ارائه می‌دهد :

« ما همان راهی‌راکه ناپلئون پس از فتوحاتش پیمود ،

انتقاد کتاب

ترجمه از منابع خارجی

برای اطلاع از کیفیت پست ارتش ایالات متحده آمریکا مقاله زیر را حتماً بخوانید

ارتش امریکارا آنطور که هست ببینید

مظفرانه تعقیب خواهیم کرد . صدای درهم وبرهم ارابه های من صدای مهیب چکمه‌های آلمانیها را درشانزه‌لیزه خواهدپوشاند ودر خودمحوخواهد کرد.»

فارش تا وقتی که بمقاومت بر نمیخورد بدین ترتیب در پیشاپیش لشکر خود حرکت می کند. ولی‌کافی‌است که واحد های آلمانی بطور غیر مترقب حالت تعرض بگیرند تا لشکر ژنرال گرافه گودرحقیقت بحال خود واگذاشته شود .

عده‌ای ازواحدهای امریکا در محاصره هستند . فارش تصمیم می‌گیرد « بمسئولیت خودش » تصمیماتی اتخاذ کند . آن وقت است که کلیه خصوصیات خصائل سیاسی واستراتژی امریکائی تجلی میکند . خصوصیاتی که ازشخصیت‌های رمان بآن‌نام «سرعت انتقال » می‌دهد . او می گوید :

« مایك ملت بزرك سریع‌الانتقال هستیم . شما در امریکا متولد نشده‌اید باین‌جهت‌است که « سرعت انتقال » ما را احساس نمی کنید . ولی ما ، قاره ای را در اثر سرعت انتقال خود پر ارزش کرده‌ایم » .

این فلسفه اگر بتوان آن را فلسفه گفت ، متعاق بژنرال فارش وسایر شخصیت‌های رمان است . ولی این کلمه « سرعت انتقال » درحقیقت برای پوشاندن بی‌برنسیبی‌ها ، گمراهی‌ها ،ماجرا جوئی‌ها وبی‌شرمی‌هائی که بایستی توام‌است بکارمیرود وچنان‌که می‌دانیم این ها خواص استراتژی و فرماندهی هیتلر را مشخص می کردند . یادآوری می کنیم ومی گفتیم که تبلیغات هیتلری نیز گفتگو از «سرعت‌انتقال» را دوست می‌داشت .

قرامین بی‌شعورانه افسران ، نامربوطی عملیات محلی ، اهرام سربازان بیك مرك حتمی و بی‌فایده ، بطور خلاصه تمام جریانات وقایع ، این حقایق را تائید مینماید .

انتظار فارش مدیون‌فتح‌آسان افریقای شمالی‌است . فارش نه درآنجا ،نه ابتدا دراروپا ،با حریف‌های جدی تصادم نکرده و در مبارزات حقیقی که قابلیت‌ولیاقت نظامی را ایجاب نمایدشرکت نشوده است .

هنگامیکه او مظفرانه و درحالیکه ازخودبسنده‌ی‌وگستاخی درخودوستائی اشباع بود بسوی میرفت دیگران می‌جنگیدند . در نخستین آزمایش جدی ، بمنزله یك‌صفر کامل بنظر رسید ، باعث نابودی بهترین افرات لشکر خود شد و تنها تعرض شوروی در مشرق ، او را از بلیه هرم‌آوری نجات داد .

هیم هم‌چنین ما را بیك شهر صنعتی‌آلمان غربی یعنی شهری که لشکر فارش پس از خانه کشکش ها درآن اقامت گزیده است هدایت میکند .

ما « جنك » امریکا را دیدیم ، اینك «صلح » امریکائی را نیز میبینیم . هیم تابلو بسیار زننده و بسیار مورد اطمینانی از رفتار مامورین اشغالی آلمان غربی ترسیم می کند .

دارو و دسته نظامی آمریکاکه از مرتجعانه ترین اصول سیستم طبقکارانه مالکیت‌خصوصی تربیت یافته‌اند، بکلی جاهلانه ملت را تحقیر می کنند و برای ایجاد نظام دموکراتیك که اعلامیه های رسمی آن را با طمطراق اعلام مینماید قابلیت ندارند .

ژنرال ها و افسران امریکا ، همان نظام پلیسی سابق‌راکه نمیتواند قطعا رونق بگیرد با سابقه‌ناهیتلری ها بر قرار میسازند .

رمان ، فاشیست های آلمانی را نشان میدهد که بتدریج از خفا خارج میشوند و با سوداگران امریکائی شروع به «زدوبند» مینمایند. افسران سوداگر ارتش امریکا پاشیتبانی از رؤسای هیتلری « در موزد طرح اقتصادی همکاری می کنند » . اینك‌بیانیه کاری که یك سیاست ارتجاعی وقیحی که عناصر مترقی ودموکراتیك را هدف میدهد دوشادوش یکدیگر قدم برمیدارند .

فارش عقیده داروکه او فقط یك فرد نظامی است . وهر چند که در آخر رمان خواب یکی از کرسیهای سنا را می بیند ، سیاست را تحقیر می کند . او در باره‌هدف جنك نمی‌اندیشد. اگر در این باره از او سئوال کنند ، جواب قاطع او این است :

ابرای دموکراسی امریکائی میجنگد . ولی آن کدام‌دموکراسی است که یك ژنرال امریکائی تصور می کند؟ به فارش گوش‌دهید:

« دموکراسی به عقیده من این است :برگوئی ، بیهودگی سیاست ، با جلو یاگذاشتن و زمین زدن اشخاص ، مزدی عمارت وجود مردم ..... هنگام صلح ، هرکسی بتواند سر شلهای خود بر گردد : سیاستمدار به سیاست خود و دزد ها به حقه بازی های خویش»

فارش حقه بازی‌ها را قسمت لازمی از فعالیت اقتصادی میداند و کلاهبرداران را بعنوان یك عامل ضروری در یك اجتماع عادی تصور میکند. خود او «پرهیزکار» است ، یعنی خودش را مستقیماً برای پول نمی‌فروشد. این نمایندهٔ عالی ادارهٔ نظامی امریکائی در منطقه اشغالی خود فقط یك چیز می‌خواهد و آن «نظم» است بزیر دستان و آلمانیهای تحت حکمرانی خود اعلام میدارد: «من میخواهم که نظم حکومت کند !» و او از این کلمه، نظم‌پلیسی کاملا ظاهری را در نظر دارد.

فارش که از قدرت و خوشبختی ها سرمست شده است ، چون للهم و کوته فکر است ، درك نمیکند که رجال با هوش و سوداگران نظامی او را بازیچه خود قرار می‌دهند : «دیلوبای»ها و دلومیس» ها در لشکر فارش تحت عنوان استقرار «نظم» در آلمان اشغالی، کاملا مثل سابق ومثل ایام جنك عمل مینمایند . آنان خودرا در سایهٔ انضباط نظامی مخفی میکنند درتمام‌لشکر ، از بالا تا پائین، نفوذ طمعکارانی که جنك را جز یك منبع سود و یك نوع سوداگری نمی‌دانند حکومت می‌نماید .

سرگرد ویلوبای نیز خوب میداند که فارش جهالت برطنطنه ایراد می کند ولی در جریان روابطی که بین انحصار های صنعتی امریکائی و آلمانی بر قرار است می‌باشد . چیزی نمیگذرد که پس از رسیدن به فرانسه ، این روابط را جستجو میکند و این ارتباطات رابر قرار مینماید . وقتیکه همهٔ اینها کشف میشودوقیحانه اعلام میدارد:

« از درجه معینی به بالا ، معاملات دارای یك خصلت بین-المللی می‌شوند. این کار همکاری با دشمن نامیده نمیشود ، بلکه شرکت دریك کارتل است.»

- سرگرد ویلوبای برای ثروتمند شدن برای فروختن وخیانت

بقیه درصفحه ٥

هفدهم نوامبر

روز بین‌المللی دانشجویان

هفدهم نوامبر روز بین‌المللی دانشجویان با خون آزادگان و پیکار کنندگان راه سعادت بشری رنگین شده است

در نوامبر ده سال پیش هتلرکه دیوانگان‌فاشیست‌بدنبال اندیشه تصاحب دنیا قسمت اعظم اروپارا بخاك و خون کشیده‌بودند؛ مردم قهرمان چك روز استقلال خویش را جشن می گرفتند ،متینك عظیمی در خیابان‌های پراك بر قرار بود هیتلری‌های وحشی این تجمع را غیر قانونی تشخیص داده و در پی آن بشرکت کنندگان در نمایش وحشیانه حمله بردند و در این میان یك دانشجوی آزاده پراك بنام « ژان اوپیتال » از پای درآمد.

چند روز بعد در تشییع جنازه« ژان اوپیتال » ده هاهزار نفر از مردم چك شرکت داشتند و با تجلیل واحترام‌جسد این جوان قهرمان را بدوش می‌بردند .

خون‌خواران که همه‌جا از نیروی جمع‌وحشت دارند و عظمت و شکوه صفوف در هم فشرده و متحد چون خاری بردیدگان بی-شرمشان فرو میرود ؛ بیرحمانه مردم بیگناه را بگلوله‌بستند وصدها نفراز جوانان‌با کفن‌وشرافتمندرا ازپای‌درآوردندولی جوانان‌دوباره‌قدم سست نکردند، آن‌ها بهمراه‌استادان شرافتمندشان‌درراه دفاع ازدانش و فرهنك و در راه آزادی و استقلال میهن خویش قهرمانانه جهاد کردند.

از آن پس ، جوانان پرشور و شرافتمند و دنیای آزاداین روز را ، روز بین‌المللی دانشجویان نام نهادند . خاطره این روز بجوانان و دانشجویان پرارزشی که در راه‌آزادی و استقلال‌خویش پیکار می کنند نیرو می‌دهد. یاد این‌روز وحشیگری‌های هیتلری ها و دیوانگیهای فاشیست خونخوار را در خاطره‌ها زنده می کند وبدنبال آن جوانان را در راه مبارزه بخاطر صلح و آرامش‌جهانی در راه پیکار آشتی ناپذیربافروزندگان تهی مغز جنك یاری‌میدهد

هنوز فجایع هیتلری‌ها از خاطر ها محو نشده است که میرات خوارانش اندیشه تجدید یك فاجعه عظیم جهانی رادر سر می پرورانند و باکشتار ها و دیوانگی هاشان خود بیك کینهٔ‌شدید که در قشرهای‌وسیع مردم دنیا علیه ظالمان و چپاولگران رخنه کرده است دامن می‌زنند این کینه انگیزه یك پیکار همگانی‌علیه ظلم و فساد و زور می‌باشد ، جوانان همیشه در این پیکار سهم بسزائی داشته اند و در صفهای جلوی این مبارزه‌گام بر میدارند.

جهانخواران باتهدید سعادت و خوشبختی همه ، و با بخون کشیدن مردمان بی دفاع ، همگان را علیه خویش بمبارزه برانگیخته‌اند و سرانجام بهمت و کوشش پیکار کنندگان ، بیاری مبارزه بی گیر جوانان دوش بدوش همه مردم جهان ، دودمان پلیدشان برباد خواهدرفت‌وشبی بهمت همین جوانان‌ومبارزان‌دنیای آزاد ودوست‌داشتنی‌برپای خواهد شد.

جوانان ودانشجویان میهن مابر همیشه صادقانه درصف پرشکوه پویندگان راه‌آینده گام برداشته‌اند دانشجویان ما نیروی عظیم خویش را درراه دفاع از علم و دانش بکار میبرند. کوشش ومبارزات درخشان آنان درس فداکاری و پیکار بمردم میهن ما می آموزد و آن ها را در برچیدن بساط هوم ظلم و فساد نیرومی‌دهد.

زنده باد هفدهم نوامبرروز بین‌المللی دانشجویان !

پیروزی برقرارباد اتحادخلل ناپذیر دانشجویان !

بقیه ازصفحه ٤

کردن تمام ارتش حاضر است . این سرگرد درعین حال‌مردمرتجع و لشی است ، اگر از تنبیه در امان باشد برای کلیه جنایات شایستگی دارد. او در حقیقت قدرت را بدست گرفته است،وقتیکه بند و بست های او با فاشیست های آلمانی ، ساخت و باخت های او برای تحصیل بسته های سهمیه ، خلاصه عملیات کثیف او آشکار گردید ، فارش اورا از سرخود واکرد ، ولی باوامکان داد، در جای دیگر بکارهای زیان‌آور خود ادامه دهد.

سروان لومیس نیز یك دزد دریائی است . این شخص که پیش از جنك تاجر کوچکی بوده است ، طباع و معامله گرحریصی است . این سروان که‌در راس اداره اقتصاد یك ایالت اشغالی‌آلمان قرار داد ، ازروی روشهای دریافت حق‌السکوت راهزنان‌امریکائی به تجار و صنایع آلمان مالیاتهائی تحمیل می کند.

هر چند که اینها نمایندگان مشخص و تیپیك ارتش امریکا هستند ، ولی مسلما اینها تنها نیستند در ارتش امریکا مردان شرافتمندی هم وجود دارند، تعداد این دسته نیزبیاری‌است :سرهنك « دویت » ، سروان « تروی » ، ستوان « باتر » ،گروهبان « بنیك » ، سربازان ساده . مؤلف این اشخاص را بسا محبت توصیف می کند . اینان هیچگونه تصنعی در رفتار خود ندارند ، بوده است. درام دروسائی باتر جای مهمی را در کتاب هم اشغال می کند.

باتر رشته‌هائی را که افسران سوداگر آمریکائی را با تروست بین المللی وبا فاشیست‌های آلمانی بهم پیوند میدهد کشف وآشکار می کند. او از چهرهٔ خائنین نقاب برمیدارد ، ولی‌بخوبی احساس می کند که نه او و نه کسانیکه مثل اوفکر مینمایند نیرو، توانائی ومخصوصا شوق حقیقی رهبری مبارزه برضد طبقهٔ دزدانی‌را که برآمریکا حکومت می کنند ندارند.

عملیات جنگی درطول ماههای اول اشغال ، جریان می‌یابد. خطوط خاص امپریالیسم آمریکا بزودی وکاملا ظاهر می گردد. مؤلف این خطوط را تشریح کرده است .

ولی علامات بشارت دهندهٔ یك زندگی جدید ، نخستین‌جوانه های جنبش دموکراتیك ، ظهور انسان های نو دراجتماع آلمان ، تمام اینها درزمان جز باخطوط بیرنك واتفاقی طرح نگردیده‌است و باید بالاخره درآینده بسط داده شود.

همچنین شخصیت های مثبت‌خودرا دربرابر دورنماهای مبهمی قرار میدهد. او میداند که سرچشمه بدبهای جامعه که اجتماع از آن رنج میبرد در کجا است ، ولی نمیداند چگونه باید باآن‌مبارزه کند. این کار بحسب اتفاق نیست که هیم دربرابر این امریکائیهائی که سرگردانند ، دژ حالیکه طبق تقشیات سیاست صحبت میکند، یك درجه‌دار روسی را بنام کوالف که مردی فعال و فهیم است و میداند که بچه علت بر ضد فاشیست های آلمان می جنگد وبه پیروزی اطمینان دارد قرارمیدهد . این تنها فرد روسی رمان است که توسط هیتلری‌ها زنده‌ای‌شده ،فرار کرده‌و در عقب‌آلمان‌ها بپارتیزان‌بدل شده‌است.

این قضیه پرمعنی‌است که: هیم جرئت نکرده است ،نه‌ارتش شوروی‌نه اتحاد جماهیرشوروی را لااقل درحدودی که ارتش شوروی و اتحاد جماهیر شوروی نقش اساسی در سرنوشت

بقیه ازصفحه ١

گرائیده ، دهات وقرا وقصبات خراب خالی از سکنه گردیده است آن وقت انسان که خود سبب رنج ومحنت ملت ایرانند بتظاهر برخواسته، در اطراف یك قریه که نام «اصفهانك» بر آن گذارده‌اند سروصدا راه انداخت واجرای اصل چهارم‌ترومن» و « کمك‌معنوی!» دولت امریکا را برخ مردم میکشند.

کسانی که مشغول خرابی سرتاسر مملکت میباشند. آن‌ها که باید جواب-گوی پریشانحالی دهقانان و بدبختی کارگران ومردم ستمدیدهٔ این مرزوبوم باشند برای یك ده کوچك بتظاهرات خیالی پرداخته بنام «ایجاد یك مزرعه نمونه » ، تبلیغات وسیعی بنفع اربابان امریکائی خود براه میاندازند.

یك عدهٔ وزیر مدیر کل و خبرنگار داخلی وخارجی براه میافتند چندروزنامه نگاران های از صفحه اول خود را سیاه میکنند برای اینکه مجیزهای دولت و مالك بی‌کران مستر ترومن را ببلبل زبان وانمود سازند. به‌بینیم معجزه چیست .

آیا ناگهان آفتاب از مغرب‌طلوع کرده و دولت بفکر ملت افتاده است و اولین بار بنفع دهقانان برای‌تأمین کار وزندگی و بهداشت آنان سیاستی اتخاذ نموده‌است.

آیا درظل توجهات اولیاء امور و نامه‌های مستر ترومن ومستشاران و متخصصین مسائل اقتصادی از قبیل دکتر ... یکباره تحولی عمیق در شرایط اجتماعی یکی از نقاط کشور رخ داده است.

آیا ازنتیجه فعالیت وکوشش‌منظم و طبق نقشهٔ دولت‌ملی‌ودر یکی از نواحی کشور معض نمونه سدها بسته‌شده زمینها آبیاری گشته‌ومزارع سر سبز و خرم وباغات پراز محصول بوجودآمده. کشاورزی با اصول جدید رواج یافته صنعت توسعه پیدا کرده و کارخانجات و موسسات صنعتی بوجود آمده . مردم بر زندگی خود مسلط ومختار گشته .

بزرگران آزاد از هرگونه قید و بندی بکار زراعت مشغول گشته‌اند بدون اینکه گرسنگی ومرض وسرك از یکسو وجور و فشار و غارت ارباب و اربابزاده مباشر از سوی دیگر حیاتشان را مورد تهدید قرار دهند .

اکنون ازروزنامه‌هائی که خبرنگارشان درمراسم وتشریفات بازدید حضورداشته‌اند جریان کشف و کرامات و معجزه آقایان را بشنوید : اصفهانك مجموعا دارای ۱۲۰۰ هکتار زمین است که از همین‌مقدار ۳۱۰۰هکتارشورومزار ۵۰۰۰ هکتار مرغزار که بایستی زه کشی‌شده و ٤٥۰ هکتار هم زمین بایر میباشد.در این‌قریه جمعا ۲۱ خانواده زندگی‌میکنند ۲۱ خانوارساکن عبارتند از ۳۰ زن- ٤۳مرد - ۹۸ بچه - از لحظ ساختمان قریه ایست‌بسیارقدیمی که در زمان‌اقاقیه ساخته شده واکنون فاقد همه چیزحتی لوازم اولیه زندگی میباشد - مزدوران کاری فقط ۳٥ نفرهستند وتعداد باسواد در این‌قریه ۳ نفر است - اصولادبستان در قاموس این سامان معنی ندارد و کودکان‌وقت‌خودرا صرف کارهای فلاحتی می کنند ..»

این است آن قریه نمونهٔ که اینهمه سروصدا در اطراف آن راه انداخته اند ولی ازیك‌لحاظ این‌قریه نمونه است - نمونهٔ خرابی سراسر کشور ..نمونه‌فقدان عمومی فرهنك و بهداشت - نمونهٔ کار طبقهٔ حاکمه که‌جز قفرونی چیزی،مرض وبی‌سوادی چیزی نصیب اکثریت مردم نبوده‌است - هرجا که قدم بگذاریم‌وضع بهمین منوال است سراسر کشور مارا «اصفهانك » هاراگرفته‌است درنتیجهٔ غفلت وعدم توجه اولیاء امور و فرائر فشار وغارتگری مالکین بزرك داخلی و واستعمار جویان خارجی هم‌میهنان‌ما دچار وضع رقت باری شده‌اندفقر و تنگدستی بی سوادی و عدم بهداشت منحصر به‌قریهٔ بنام اصفهانك -نیست از شمال تا جنوب ازشرق تاغرب کشور همه جا درزیر تازیانه ارباب‌ستم پیشه وظالم میباشد وژاندارم بوبرائی که‌درآن‌مردمی خلیل‌وزنجیر گرسنه‌ولخت‌جان‌میکنند،تبدیل شده‌است ومحصول کارخودخودرادرست‌تسلیم مالك ونقوداد ومامور مالیات مینمایند. درقریه «اصفهانك» چه‌خبربود که‌اینگونه بازدیدها وسروصدا را راایجاب‌می کرد. یك وزیر- یك‌مدیر کل -چند خبرنگار قبول زحمت‌فرمودند - یك استاندار ویك لشکرباستقبال آنان‌رفتند-مقداری‌نطق وحماسه‌های‌غراردوبدل‌شدتنها برای‌اینکه مردم بفهمند که :

« وزارت کشاورزی ۳۰ تن بذر مرغوب ، یك تراکتور و دو تلمبه یکدستگاه هواشناسی باصفهانك فرستاده است » واز این راه شکرگذار مراحم دولت و اولیاء خدمتگذار آن گردند.

این همه برو و بیا برای این انجام شد که ملت ایران گذشته از اطمینان بدلبوزی و آشنا شدن بفضائیات دولت برای تامین رفاهیت مردم ! بسئله‌اساسی تری ! هم واقف گردد .

باید مردم محروم این سرزمین بدانند که « دولت آمریکا طبق اصل چهارم برنامه ترومن مبلغ ۲۵۰۰۰۰۰ دولار در ٥ سال آینده بایران مساعده خواهد داد» باید مردم دست از مبارزه برای تامین زندگی‌حرفه و بدست‌آوردن آزادی و استقلال حقیقی بکشند چشم به سوی امریکای رئوف و مهربان! بدوزند و متوجه باشند تا در موقع مناسب امریکای بشر دوست! با اسلحه وتانك و وسایل قتالهٔ دیگر همان کمکی را که بر اهالی کره روا داشت نثار مردم کشور ما کرده‌اند وبا بمب‌های آتش‌زای

ارتش آمریکارا...

باو پاسخ میدهد :

« گروهبان بنیك ، انقلاب ، عبارت است از تاریخ گذشته ، امروز اگر شما این کلمه را ادا کنید ، فریاد میزنند : « این‌یکی از سرخ‌ها است»..... تساوی در برابر قانون ؟ شما نیز بهتراز من میدانید که ملیون ها نفر در کشورما حق رأی ندارند .... دراینجا حکومت برسرنوشت خویش چه معنی دارد ؟ من ازآنهائی که برمملکت حکومت می کنند چیزهائی میدانم. و چنك هم هیچگونه تغییری نکرده است. همان نوع مردمانی که اروپا را اداره می کنند ، همان نوع مردمانی هستند که بآلمان حکومت مینمایند. وبمن نمی گویید که روش‌های آن‌ها مختلف است . در آمریکا ، ما هنوز برحله اردوگاهها و کشتار دسته جمعی اقلیت ها نرسیده‌ایم‌ولی‌اگر کسانی که صاحب قدرت هستند ضرورت‌آن‌را احساس‌نمایند مابدون تأخیردست باین‌کارها خواهیم زد.»

جنك بعده زیادی از آمریکائیها تعلیمات سیاسی داده‌است. قهرمان اول رمان ستوان باتر دکتر در فلسفه است که سابقاً فره آرامش طلب و به سرنوشت خود تسلیم و مطیع بالا تر از خود بوده است. درام دروسائی باتر جای مهمی را در کتاب هم اشغال می کند.

باتر رشته‌هائی را که افسران سوداگر آمریکائی را با تروست بین المللی وبا فاشیست‌های آلمانی بهم پیوند میدهد کشف وآشکار می کند. او از چهرهٔ خائنین نقاب برمیدارد ، ولی‌بخوبی احساس می کند که نه او و نه کسانیکه مثل اوفکر مینمایند نیرو، توانائی ومخصوصا شوق حقیقی رهبری مبارزه برضد طبقهٔ دزدانی‌را که برآمریکا حکومت می کنند ندارند.

عملیات جنگی درطول ماههای اول اشغال ، جریان می‌یابد. خطوط خاص امپریالیسم آمریکا بزودی وکاملا ظاهر می گردد. مؤلف این خطوط را تشریح کرده است .

ولی علامات بشارت دهندهٔ یك زندگی جدید ، نخستین‌جوانه های جنبش دموکراتیك ، ظهور انسان های نو دراجتماع آلمان ، تمام اینها درزمان جز باخطوط بیرنك واتفاقی طرح نگردیده‌است و باید بالاخره درآینده بسط داده شود.

همچنین شخصیت های مثبت‌خودرا دربرابر دورنماهای مبهمی قرار میدهد. او میداند که سرچشمه بدبهای جامعه که اجتماع از آن رنج میبرد در کجا است ، ولی نمیداند چگونه باید باآن‌مبارزه کند. این کار بحسب اتفاق نیست که هیم دربرابر این امریکائیهائی که سرگردانند ، دژ حالیکه طبق تقشیات سیاست صحبت میکند، یك درجه‌دار روسی را بنام کوالف که مردی فعال و فهیم است و میداند که بچه علت بر ضد فاشیست های آلمان می جنگد وبه پیروزی اطمینان دارد قرارمیدهد . این تنها فرد روسی رمان است که توسط هیتلری‌ها زنده‌ای‌شده ،فرار کرده‌و در عقب‌آلمان‌ها بپارتیزان‌بدل شده‌است.

این قضیه پرمعنی‌است که: هیم جرئت نکرده است ،نه‌ارتش شوروی‌نه اتحاد جماهیرشوروی را لااقل درحدودی که ارتش شوروی و اتحاد جماهیر شوروی نقش اساسی در سرنوشت ارتش آمریکا ودرزندگی هریك‌ازسربازان‌آمریکائی‌بازی کرده‌است بما نشان دهد.

هیم تابلو پررونك وبسیار زنده ای از عقب نشینی مشهور واحد های انگلیسی - آمریکائی درآلمان از نظر یك‌لشکرترسیم کرده‌است.

بوسیله یك حمله شدید ارتش هیتلری ، واحدهای امریکائی و انگلیسی که خود را در کنار بلیه‌ای می‌یافتند فرار کردند. چرا این بلیه دامنگیر آن‌ها شد وصورت نگرفت ؟ چرا واحد های انگلیسی - آمریکائی توانستند بحال آینده و تعرض را ازنو شروع کنند ؟

هیم بی‌اطلاع است ، یانمی خواهد بگوید که دراین لحظه بحرانی واحد های انگلیسی - امریکائی و مخصوصاً لشکری که اودرآن‌بود ، بوسیله تعرض‌شوروی نجات‌یافتند.

از این قضیه معروف ، مورخین ومردان سیاسی بورژوازی امریکا و انگلیس بطور غرض‌ورزانه‌ای دم‌نمی‌زنند . جای تاسف است که استفان هیم باوجود آن که امروز در جنبش هواداران صلح شرکت دارد جرئت نکرده است‌برضد این تاکتیك سکوت خدای خود رابلند کند.

رمان هیم درسطور فراز خود چنین است که تشریح کردیم جمعاً ارتش آمریکا همین‌طور است که توضیح دادیم یعنی روسای آن فاسد و زیردستان آن بی‌اختیاراند.

این کتاب راستگو تنها وقایع جنك‌را روشن نمیکند اجازه می‌دهد که اینده بسیار صریحی از تهاجم امریکا و جنك کره پیدا کنیم . از مالك‌آرتور و برادلی وسایرین ما مجدداً فارش‌را بنام خود ببینیش ، گستاخیش ، لاف و گزافها و سفاهت و کودنیش می شناسیم .

ما دراین‌جا «بدیهه گوئی» امریکائی را دراستراتژی و تاکتیك ، شکست‌های متوالی ، ترس که جانشین جوش و خروش متفرعانه شده است می‌یابیم . می توان از یك دکترین نظامی امریکائی صحبتاً با مقیاسی که میتوان از یك دکترین ماجراجویانه صحبت کرد گفتگو نمود.

هم چنین مجددا سرگرد ویلوبای و سروان لیبش را می یابیم : درجهٔ اینها بالا رفته‌است ولی فارتگر و دزد باقی‌مانده‌اند که ارتش آمریکا یك جنك تهاجمی جنایت‌کارانه‌رادر کره رهبری میکند ، گزافه گوئی ریاکارانه اش در باره « دموکراسی آمریکائی» برای پوشاندن مداخله مضر و جنایت کارانه‌ادامه دارد و ما این جنایت‌کاران را می بینیم که با خوشحالی بیرحمانه ای از فراز هواپیماهای خود،شهرها و قصبات کره راویران می‌سازند ، شکار انسان مینمایند ، زنان وبچه‌ها را قتل عام می کنند.

ودر این هنگام ، در ممالك متحده ، گستاپوی آمریکا ، بانزها ومتروی‌ها وآمریکائی‌های شرافتمندی را بجرم‌شرافتمندی وگفتگو از وضع شرم آوری که کشورشان رافرا گرفته‌است‌شکار مینمایند و به لقب «سرخ‌ها » توقیف می کنند. کلمهٔ «شرافتمند» و«سرخ» درممالك متحده مترادفند .

آنچه را که استفان هیم در رمان خود ننوشته است‌زندگی برای ما تکمیل می کند. تنها یك راه در برابر هر امریکائی شرافتمند باز است .

وآن راه مبارزه برای دموکراسی وسوسیالیسم است

خود مزارع نمونه کشور را سرسبز خرم و بارور سازد .

باید چشم‌وگوش مردم از فعالیت « پرفسور ترنرها» و دکتر «هربس» ها که بنا باظهارآقایان امروز« مامور اجرای اصل چهارم‌برنامه‌ترومن درایران» و فردا قاعده مامور اجرای برنامه های دیگری که حیات سیاسی ملت ایران را دچار وضعی خطرناك خواهد ساخت می باشند بر شود .

سروصدای مردم تبریز و با هوش بخواید وتمام اجرای اصلاحات کشاورزی در مقابل انتقاد منفعین صدی ایجاد گردد ولی‌آقایان بیهوده بخود زحمت میدهند دیگر هیچ یك از افراد زود باور ملت ایران هم فریب وعده هائی از قبیل مساعدت ۲۵۰۰۰۰۰ دولار را که‌آقای وزیر کشاورزی‌آن نام « کمك‌معنوی آمریکا » میگذارند نمی‌خورند .

ملت ایران ماهیت این نوع کمك ها و وعده‌ها را که نتیجه‌اش‌ازدست‌رفتن استقلال کشور وحق حاکمیت ملی است میشناسد .

وظیفه مستشاران و متخصصین امور فلاحتی - فرهنگی - بهداشتی وصنعتی را میداینبنقشی که‌آنان مانند رفقای نازیشان درتیره ساختن روابط سیاسی کشور با ملت دوست و همسایه ما شروری دارند آگاه است وبرای حفظ استقلال سیاسی و اقتصادی خود با اینگونه عوامل خارجی و ایادی داخلی‌آنها مبارزه‌خواهد کرد تنها نتیجه امیدبخش این مبارزه است که اشکالات زندگی ملت ایران را برطرف خواهد کرد .

در باره اجرای اصل چهارم ترومن در ..

در بلوچستان چه میگذرد

بقیه از صفحه ۱

برای استنباط این مسئله که آیا اجتماعی «داوای» چه سنخ طرز تفکر بوده وحالات روحی و نکات اجتماعی آن برچه منوال است ناگزیر قبلا بایستی به وضعیت مادی و اقتصادی آن ها دقیقاً توجه کرد .

اینک ضمن شمه ای از بر خوردها و مشاهدات خود نخست بطور اختصار بشرح اوضاع پریشان مادی بلوچها می پردازیم.

شب یازدهم اسفند ماه ۲۸ بنابخواهش آقای سرهنگ صدیق مستوفی فرمانده ژاندارمری مستقل جمازه سوار ایران شهر در باشگاه افسران مهمان ایشان بودیم ضمن مباحثات و گفتگو هائی که صورت می‌گرفت یکی از آقایان افسران که درجه سرگردی داشت اظهار میکرد که دیروز جمعی از بلوچها درب منزل ما را میزدند پس از گشودن درب این عده تقاضا داشتند که با آن ها اجازه داده شود تا از علفهای منزل من تقدیه کنند با کمال تاسف باید عرض کنم که پس از لحظه ای انسان هائی را دیدم که چون چارپایان با ولمی هرچه تمامتر بچرا مشغول بودند بعد از اظهارات آقای سرگرد وقتی که بحضار نظر کردم قیافه همه عادی بود مثل اینکه این تغذیه برای آنها تازگی نداشت و همه با این صحنه ها خوگرفته بودند .

یاز دهم اسفند ماه ۲۸ هنگامیکه با فرمانده ارایران شهر وعده ای از بازرسان کشاورزی «و» بخشداری «بیور ملاقات کردیم عده ای از بلوچها لخت و عریان درحالی که هریك مقداری علف در بغل داشته ومشغول خوردن بودند نزد فرمانده ارآمده و از گرسنگی خود و عائله خودشکایت کردند ولی آقای فرماندار فقط برای آنها تاسف خوردند.

موقعیکه از بنت به کوراسداب باجاره سفر میکردیم بین راه شتربانان دسته جمعی بشکار ملخ های معمولی میپرداختند و هنگام شب دور هم نشسته و پرملخها را با شعله آتش سوزانیده و تغذیه میکردند در این سفر قسمت عمده غذای همراهان بلوچ ما را ملخ ها وعلف تشکیل میداد .

کمان میرود که این نمونه های کوچك برای تجسم وضع رقت بار مادی بلوچها کافی باشد نان گندم در بلوچستان جنبه غذائی لوکس را دارد و فقط درخانه خوانین یافت میشود و نان معمولی اگر میسر شود نان ذرت است و قسمت عمده غذای بلوچ ها در صورت داشتن ، خرما است و الاعلف و ملخ بیابان میتوان گفت لباس و کفش تقریبا مفهوم خود را از دست میدهد اسکلت های عریان زیر برق آفتاب مرگ تدریجی میکنند . خانه بلوچ ها عموما از شبکه چوب خرما و پوشش از یك نوع گیاه بنام (داز) بنا میشود که شکل ظاهر آن کنبه مانند است .

قند و چای فقط در بلوچستان بغیر از منزل خانها و آن هم مختصر یافت میشود و شب ها از شعله آتش بعنوان روشنائی استفاده می کند .

(فرهنگ و بهداشت)

تقریبا میتوان گفت که از فرهنگ و بهداشت در تمام صفحه بلوچستان خبری نیست و اگر دبستانهائی ۳ تا ٤ کلاسه بندرت در بعضی نقاط دیده شود جنبه خصوصی داشته و فقط اطفال خانها و مالکین در آن درس می خوانند و گرنه خلق بلوچ با فرهنگ تماس ندارد بیسوادی و بی اطلاعی عجیبی بلوچها را احاطه کرده است پزشك و دارو در بلوچستان وجود خارجی ندارد مالاریا هرساله کشتار فراوانی از مردم مسکین میکند تراخم بیماری همگانی است . خلاصه فقر سیاه، گرسنگی، جهل و توحش سرسام آور، این است سیمای واقعی مردم بلوچ و خطوط برجسته زندگی او، این بدبختی ها را نمیتوان باقلم یا با بیان توصیف کرد باید با این صحنه ها روبرو شد واین پیشانی و پریشانی را از نزدیك لمس کرده و معاینه کرد .

(سیستم اقتصادی)

سیستم اقتصاد بلوچستان بر پایه اقتصاد شبانی و اصول خان خانی قرار دارد شما حتی اثری از صنعت عقب مانده در بلوچستان نمی بینید یك صنعتگر دستی مثلا یك آهنگر، یك نجار، یك کفاش، در بین بلوچها نیست و اگر بلوچی مختصر اطلاعی در این زمینه ها داشته باشد استقلالی از خود ندارد بلکه برای خان بیکاری میکنند و در حقیقت ضمیمه املاك خان و قدرت او میباشد در بلوچستان تقریبا کاسب کار وجود ندارد آن هائی که وسعتی دارند آذوقه خود را یك جا از خارج یا داخل ایران تهیه میکنند .

حشم داری خیلی ابتدائی و گله هامه از بز تشکیل میشوند که عده آن ها از ۱۰۰ تا ۵۰۰ راس تجاوز نمی کند خواربار و قماش مورد نیاز این اواحی اغلب از خارج ایران (مسقط دوبی یا کستان) وخیلی کم از ایرانشهر تهیه می‌شود روبه پاکستان بولهای مسقط و دوبی و فرانکهای خارجی بهتر از اسکناسهای ایران مورد معامله قرار میگیرد محصول کشاورزی مختصری که بدست میآید عبارت است از گندم، خرما، ذرت، برنج پست، تریاك . تنباکو است که هنگام خرید و فروش اغلب باهم مبادله می‌شود .

باکمال تاسف باید بگویم که هنوز در بلوچستان آثار برده فروشی و عهد غلامی وجود دارد و بعضی از خان ها با صدور برده و فروش آن ها در مسقط و دوبی و سایر نقاط ثروتی تهیه کرده اند من خودم دربنت بادر برده که دو طفل کوچك ۵ ساله و ۷ ساله بودند و که خدای بیت آن ها را از دست صاحبشان که قصد فروختن آن ها را در خارج داشته است باز گرفته بود ملاقات کرده و با آنها صحبت نمودم این دو طفل که دو برادر بنامهای بدیلك و الناس بودند اظهار میکردند که پدر ما بازاء قرضی که بصاحب داشت ما را باو واگذار کرد و او ضمن بردن ما برای این که سیاه تر شده و در نتیجه بایهای بهتری مورد معامله قرار گیریم اجبارا ما را از زیر تابش آفتاب و میداشت این برده ها را که باصطلاح بلوچ (بندی) گویند در خارج با پول فروخته و یا با اسلحه (تفنك) معاوضه می‌کنند

(روابط اجتماعی)

طبقه بندی بلوچها

۱ ـ طبقه غلامان و کنزان ـ این طبقه از خود اختیاری نداشته و تمام سرنوشت و حیات آنها در دست صاحبان آنها است شما در بلوچستان منزل هرخان یا سرداری وارد شوید عده ای غلام و کنیز سیاه و نفیه می‌بینید .

۲ طبقه (دراوه) این طبقه دهاقین و باصطلاح عمله جات را تشکیل میدهند که کار زراعت وجمع آوری محصول خرما و امور دیگر را بعهده داشته و اغلب وابسته بامالك زراعتی هستند .

۳ ـ طبقه رئیس ـ این طبقه از خرده مالکین تشکیل میشود .

٤ ـ طبقه باشنده از زعما و ریش سفیدها و قضات و شیوخ مذهبی بلوچها تشکیل میشود .

۵ ـ طبقه خوانین که در راس قوم بلوچ قرار دارند .

مسئله ازدواج در بین قوم بلوچ طبقاتی انجام میشود باین نحو که یك غلام با یك کنیز میتواند ازدواج کند وقس علیهذا .

(مسئله مالیات و بیکاری)

سردار ها و خوانین از تمام مالکین و خرده مالکین و دهاقین ده یك ازکل در آمد بعنوان مالیات میگیرند وقسمت عمده در آمد سردار ها را همین مالیاتها تشکیل میدهد که با خشونت و اجبرام فراوانی اخذ میشود و هر آینه اگر بلوچی در تادیه آن امتناع و یا تسامح و زرد مورد جریمه بولی و احیانا تنبیه بدنی قرار میگیرد درست در اوایل اردیبهشت ماه ۲۹ بود که در اطراف قریه هیچان بودیم و پسر سردار محلی هنگام اخذ مالیات در کناردان نزدیك دیگر بود و در نتیجه نفر مؤذی بلوچ مشاجره کرده هیجان بلوچها یکه در منطقه نوذخان و باسرداری موظفند برای او بیکاری کنند و این شیوه کاملا معمول و رایجی است بطوری که زراعت و برداشت محصول خرمای خواتین برایشان مجانی تمام میشود .

هرفرد بلوچ باید مالیاتهای زیرین را بپردازد :

۱ ـ سردار ۱۰ درصد

۲ ـ قاضی ۱۰ در صد جنبه بدهی دارد قاضی شیخ مذهبی محل است

۳ ـ کد خداه درصد

٤ ـ دهشیان ۵ درصد

۵ ـ باکارد ۵ درصد باکارد ماهمان بادوهای سردارها هستند .

(نکات روحی بلوچها)

بـاعوامل مهم مادی و اقتصادی و روابط اجتماعی که قبلا بطور اختصار بآنها اشاره شد طبعا روحیات یك فرد بلوچ بخوبی روشن میشود شرایط محیط قرون وسطائی وشداید ومصائب زندگی ماجرای نفر اصولا برای بلوچها روحیه ای باقی نگذاشته اتن اجداد نیمه زنده در کمال جهالت و بربریت از نسوك بینی خود جلوتررا نمی بینند .

قضات وشیوخ مذهبی در میان قوم بلوچ اقتداری کمتر از خوانین ندارند وسعی میکنند که ظواهر دینی را حفظ کنند مثلا در لیکشیر قاضی محل یك بلوچ را بعلت مسامحه در خواندن نماز دهلاه عام فلك کرد این مسئله موجب شده که فرد بلوچ درعین قتل نفس نماز خود را ترك نکند خوب متوجه شدم که درهمه جاعامه قاضی پشت سرتفنك های سردار دریك صف وبر محل غارت عمومی درحرکت بودند بلوچها احساسات ضد مامور دولتی عجیبی دارند بنام فارس ها فحش خطاب کرده و از آنها احتراز میکنند وتنفر مضعف قاجار است کشتار های دسته جمعی قاجاریه از قوم بلوچ ومتعاقب آن رفتار نکوهیده وغیرانسانی ژاندارمها که سیاهی در قلب بلوچها گذارده است که تاناسها باقی است یك مادر بلوچ برای ساکت کردن طفل خود درگهواره او را از قهر میترساند یك بلوچ بمحض دیدن یك فارس گوئی که فجایع و صحنه های خونین را آناتداعی کرده ومشتمز میشود بی پرده باید گفت که عملیات کذولی نکهبانها ومامورین دولتی درتثبیت این روحیه کمك میکنند این عوامل دست بدست هم داده و یك ضایعه خسران وجبران ناپذیر یعنی مهاجرت بلوچها را ازخاك ایران فراهم کرده است خجلت آور است که بگویم وقتی در کوهستان های دور افتاده ازپهلوی یك بلوچ رهگذر می گذشتم ازمن میترسیدند ودست بکارد خود میبرد حاضر بدفاع میشد .

مهاجرت و کوچ کردن بلوچها بخارج از ایران

بطور کلی یك نفر بلوچ هندوستان و کراچی و پاکستان و قسطط را بر اتب بهتر از تهران وایران می شناسد در کراچی بیش از ۱۷۰ هزار نفر بلوچ ایرانی بسر میبرند بلوچهامرتبا به هندوستان و پاکستان و مسقط و دوبی در مهاجرت هستند با این ترتیب دیری نخواهد گذشت که خاك بلوچستان از سکنه بلوچ خالی میشود روزی با یك نفر بلوچ ضمن صحبت علت این مهاجرت را سئوال کردم در پاسخ گفت مگر نمیدانی که ما بلوچها دیگر قدرت اطفاء مشتهیات وارضاء توقعات و تمایلات سرداران ها و ژاندارمها را نداریم مادر پاکستان باز هم زندگی بهتری داریم چرا مهاجرت نکنیم .

موقعی که از تنك سرحد عبور می کردم آقای مهندس وکیلی نماینده شرکت تساکه مشغول راه سازی بود اظهار می کرد تا دیروز در حدود دو هزار نفر کارگر بلوچ در تنك سرحه مشغول راه سازی بودند بعیض ورود چند نفر مامور جمع آوری مشغولین وظیفه باعاصله چند دقیقه دویست نفر باقی مانده و همه بقصد عبور از مرز بایه پاکستان فرار کردند وقتی که به نیکشیر رسیدیم حتی پیر مرد های هفتاد ساله و زن های کوه کان دسته جمعی خانه های خودرا ترك واز ورود مامورین نظام به بلوچستان فرار کرده و یا در کوهها متواری شده اند .

آیا در بلوچستان هم امنیت وجود دارد .

من فکر میکنم که در هیچ نقطه از بلوچستان برای مامور دولت هم امنیت وجود نداشته باشد اگر شنیده می شود که کاهگاه قتل وغارتی در بلوچستان صورت میگیرد این پیش آمد ما مربوط بنوده بلوچ نیست بلکه اصطلاحك منافع دوخان یا سردار موجب میشود که تفنك های آنها بجان هم افتاده وازهم کشته و یا مامور سوبل دولتی درهیچ نقطه از بلوچستان در مظان خطر و حمله چیاول نیست کسان میکنم کسانیکه از امنیت زیاد صحبت می کنند قصد مو دارند در تمام مدت ماموریت بدون تکیه در نقاط دور افتاده مشغول عملیات اکتشافی بودیم وهمین بلوچهای مسکین وگرسنه با اینکه همه نوع امکان چیاول ما داشتند از دیك ماهم نمیآمدند .

سر انجام کار ((تصفیه))

بقیه از صفحه ۲

برای خود جائی باز کرده بودند، «تصفیه» کنندگان فراموش نکرده بودند که وظیفه اصلی ایشان جنك نسا جوانمردانه با این گروه بوده است .

هیئت تصفیه با همه « گرفتاریها » باهمه سستی ها و بزدلی ها و بالاخره باهمه اشتغالات فکری و مجادلات و قیاسخصوصی، بازهم به مخالفان اصولی تاحد امکان پرداخته بودند !

با وجود این همه نقائص کار، لیست های منتشره از طرف هیئت تصفیه، تاحدی برای مردم مقنعم بود؛ مجادلات خصوصی، گروهی از رقبا را در دامهای « پ » و « ج » آورده بود .

مجلس که درعین حال از اعداء لشانه ملت بحساب می آمدند ، ضمن مشولین بند « ج »، کسانی از قماش دکتر اقبال « مبتکر قانون تصفیه » ، سپهبد شاه بختی ، مشرف نفیسی ؛ دکتر امینی، سردار فاخر حکمت گرد آمده بودند، بر کناری ایشان، خود گوشه ای از تمایلات عمومی را ارضاء میکرد و در اینصورت چنا چه دیدیم ، افکار عمومی ، نتایج تصفیه را با وجود همه معایب و نقائص ، حسن استقبال کرد و اجرای آن را خواستار گردیده . . .

اما دشمنان ملت ، آنها که تصمیمات هیئت تصفیه ، کوشه ای از منافع پلیدشان را خدشه وارد می‌ساخت نمی توانستند بدان تن در دهند ، حلقاتی از این زنجیر مشئوم که بنام حکومت « هزارخاندان» بر پای ملت محروم ایران استوار است اینك زیانی می دیدند در اینصورت نمی توانستند بسکوت و تسلیم بر قرار کنند،

در اینصورت چنا چه دیدیم ناگهان آشوب و جنجالی برپای گردند، معدل و جرائد وکاغذهای وابسته بعضویشرا هم آهنك بحرکت در آوردند « حزب بند جبهی ها » ، فراهم ساختند ، مطبوعات ایشان، خروش بر آوردند که گویا قیامت قیام نموده و بنیان « حق و عدالت » تزلزل یافته است ! آن ها مخالفین خویش را به « انقلاب » تهدید کردند و در مجلس شوری گریه و زاری وناله ونفرین سردادند و بالاخره دولت را واداشتند که لایحه ای فراهم سازد و تجدید نظر در تصمیمات هیئت تصفیه را خواستار گردد !

لایحه دولت هر روز برنگی آراسته شد ومطامع وامیال گوناگون آن را از این سوی بآن سوی پرتاب کرده تنا کار بدان پایه کشیده که در هوردوم، « نمایندگان ملت » آخرین آثار حجب و حیارا درهم اوردیدند و با وساطت دولت ، تصمیم گرفتند که از صورت تصفیه شدگان، نمایندگان مجلس وزیران و قضات دادگستری را مستثنی دارند و سپس تصمیمات هیئت تصفیه را در مورد دیگران روا انگارند ، باین ترتیب کارگزاران این رژیم منحط از قید « تصفیه » یکسره می‌رستند و تنها عناصر شرافتمند و پاکدامن ، آنها که مطامع صحنه پردازان ایندستگاه دوزخی تن درنمی‌دهند و یا جمعی مردم بی پناه که نتوانسته بودند با پشت هم اندازی و سازش با قسام تا آنجا هایش روند که در شمار « مصونیت یافتگان» در آیند، تنها این گروه در دام « تصفیه » اسیر می‌ماندند!!

دیگر کار بمنتهای فضاحت خود رسیده بود ، حتی در جلسه علنی مجلس ، اعلام گردید که برای الغاء تصمیمات هیئت تصفیه ۵۰۰ هزار تومان رشوه پرداخته شده است و بالاخره یکی از نمایندگان برای آنکه بتواند روشنتر از همه وقاحت و بی باکی و حق کشی هنقطاران خویش را « فرموله » نماید پیشنهادی بنحو زیر تقدیم داشت :

« پیشنهادمیکنم کسانی که دارای خانه شخصی و عایدات ملکی هستند از مقررات بند ج مستثنی باشند وقانون تصفیه فقط شامل فقرا باشد . . . »

بالاخره با یك قیام وقعود ، بهمه چیز پایان داده شد .

این واقعه تأثر آور از فجایع

بقیه از صفحه ۵

قریه جهان هر دامن مرتفع ترین کوههای شمال سیرواز و دنباله جبال البرز قرار گرفته عزیمت می‌نمایند و پس از چند روز توقف زد و خورد خیالی در ناحیه مزبور و تنظیم صورت جلسائی که حاکی از استعمال فشنگهای زیاد می‌باشد قصد مراجعت می‌نمایند ، و چون خود را در مقابل عملیات چند روزه بسیار خفیف و هرمنده می پنداوند درصدد بر میایند که دست خالی بشهر مراجعت ننمایند و باین منظور سرد فقیری را که نام آن پس از تحقیقات تاج محمد شناخته شده و گویا جهت تکدی زاندارمها مراجعه نموده متهم بهمدستی و همکاری با یاغیان نموده و اورا دستگیر می کنند و مرد چوپانی را که تصادفا از محل توقف آنها عبور نموده صدا زده و با دادن مبلغ ناچیزی ضمن تهدید با اسلحه اورا وادار می کنند که سر تاج محمد پیر مرد فقیر را می‌برد و سر آنرا برای تائید صورت جلسات تنظیمی مبنی بر استعمال قنبلهٔ برای « نمونه شجاعت خود بشهر می آورند .

این قضیه مورد توجه واقع شده و دادستان موضوع را باقای اراقی بازپرس احاله می‌دهد و بازپرس هم جهت تعیین تکلیف و روشن بودن قضیه و علت اینکه چرا پس از مدتی شخصی را با خود آورده اید که هیچگونه معروفیتی ندارد پزشکان را دعوت می‌نماید و در نتیجه رسیدگی و معاینه معلوم می گردد گزارش و ادعای ژاندارمهای بی وجدان بر خلاف واقع وکاملا ساختگی بوده بقیه حتی کوچك ترین آثار تیر در آن داده نشده است جریان برای تعقیب ژاندارمهای بداد گستری اعلام میشود و چون رسیدگی باین جرم در صلاحیت دادگاه دادگستری نبود بازپرس قرار عدم صلاحیت خود را صادر می کنند و اینك پرونده بعنوان آغشته تاج محمد بیگناه بلاتکلیف مانده است »

اینست مفهوم انجام وظیفه در نظر ژاندارم اصولا بلیدی و کثافت این تشکیلات هر نوع طفه وخوی انسانی را درروح مامورین گناح آن از بین برده است و آنان را تا پایه یك سبع ، یك خونخوار ، یك دیوانه پائین آورده است از ژاندارمری ای که بهدایت بیگانگان رسوا اداوه میشود جز این انتظاری نمی توان داشت .

این واقعه تأثر آور از فجایع

ژاندارمها را حتما بخوانید

در تاروپودار کانیسم پوسیده ای که هیئت حاکمه ما برای ادامه سلطه جابرانه و اهریمنی خویش برقرار کرده ظلم و فساد نهفته است ، حلقه های زنجیر اسارت مردم میهن ما را اجزاء مختلف این تشکیلات تشکیل می‌دهد و قسمتهای مختلف آن هر یك بنوبه خود بنوعی بچپاول و غارت مردم مشغولند .

کسی نیست که از فجایع ژاندارمها و دزدی های بی حد وحساب آن داستانها بیاد نداشته باشد ؛ بدون شك همه برل ژاندارم در این سر زمین آگاهی دارند و میدانند که چگونه در تحت فرمانده ی گروه مطیبی میتشار آمریکا بچپاول و آزار مردم مشغولند ؛ ولی آن چه که ما اینك میخواهیم بنظر خوانندگان عزیز برسانیم داستانی است که شاید تا کنون در تاریخ فجایع ژاندارمری اتفاق نیافتاده باشد ؛ این « ابتکار » و « هوشی » که ژاندارمها در این مورد بکار برده اند در عین افتضاح بی نهایت تأثر آور و غم انگیز است بهتر است این واقعیت تلخ را از زبان مخبر روز نامه داد در سیرواز بشنوید .

« طبق پرونده موجوده در دادگستری سیرواز ؛ در تاریخ ۳۱ر۶ر۱۹ چند نفر ژاندارم باسائقان رئیس خود که اسامی آنها طبق گزارش خودشان در پرونده موجود است برای دستگیری مهراب و چند دزد مسلح دیگر که چند سال است بقتل و غارت و هتك ناموس رعایای سیرواز پرداخته اند بعمل

بقیه در صفحه

بهبود و ترقی سطح زندگی کارگران چکوسلواکی

موفقیتهائی که نصیب صنایع ملی چکوسلواکی شده بوسیله ترقی دائمی سطح زندگی وفرهنگی مردم آن کشور آشکار میگردد .

عامل اصلی این آسایش روز افزون در مرحله اول حسن اداره اقتصادی آن کشور است که بوسیله کارگران انجام میگیرد ومنوط بافزایش دائمی وتکمیل تولید محصولات آن کشور میباشد .

این کیفیت نیز بطور محسوسی حدمتوسط دستمزد کارکنان صنعتی ـ کارگران وکارآموزان کشور چکوسلواکی راکه درسه ماه اول سال ۱۹۵۰ بمیزان ۳ر۸۴۹ کورون نسبت به ۲ر۲۵۱ کورون درسال ۱۹۴۶ بوده ترقی داده است بدین معنی که درمدت پنج سال دستمزد کارگران وکارآموزان بمیزان ۷۳ در صد افزایش یافته حال آنکه حقوق کارمندان برای همان مدت ۵۶ درصد ترقی کرده است .

برعکس لازم است ذکر گردد که نرخ محصولات مصرفی کشور چکوسلواکی ازابتدای سال ۱۹۴۹ سیزده بار تنزل یافته .

در سال ۱۹۴۹ کمك خرج خانواده های کارمندان باستثنای کارمندان دولتی بمیزان سه میلیارد ۹۴۵ میلیون نسبت بدو میلیارد ۴۶۶ میلیون در سال ۱۹۴۶ بالغ گردیده است .

کمك هزینه بهداشت که بکارمندان بیمار درسال ۱۹۴۹ پرداخت گردیده بالغ است بر ۹۶ر۰۱۲ میلیون کورون یعنی سه برابر بیش از رقم سال ۱۹۴۵ که در آن سال رقم این هزینه فقط ۴۱۹ر۴ میلیون کورون بوده .

چنین افزایشی هم در بیمه بازنشستگی و بیمه حوادث ثبت ومبالغی که درسال ۱۹۴۹ تادیه گردیده بالغ بر ۸۸۸ر۱۵ میلیون کورون نسبت به ۲ر۶۰۴۵ر۶ میلیون کورون درسال ۱۹۴۵ بوده .

عمل دیگری که افزایش سطح زندگی را در آن کشور آشکار میسازد ترتیب وتنظیم ایام مرخصی باحقوق کارگران ـ کارآموزان و کارگران معادن است که مدت آن سه برابر نسبت بقبل از جنك ترقی کرده است .

یکی از نتایج مفید آن توسعه پراهمیت اقامتهای تفریحی مجانی است که بوسیله لهوشت سندیکائی انقلابی ترتیب داده شده و بدین وسیله کارگران کشور چکوسلواکی میتوانند تعطیلات خود را درزیباترین نقاط کشور خود بگذرانند .

در صورتیکه در سال ۱۹۴۵ مراکز گذراندن تعطیل بیش از ۴۰۰۰ کارگر نمیپذیرفته ودر سال ۱۹۴۶ عده آنها به ۳۶ر۰۰۰ و در سال ۱۹۴۷ به ۸۱ر۰۰۰ ودر سال ۱۹۴۸ به ۱۳۰ر۰۰۰ ودر سال ۱۹۴۹ به ۲۰۵ر۶۰۰ بالغ گردیده ودراینسال عده آنها بحال به ۲۵۰ر۰۰۰ رسیده است .

همه چشمها بچین دوخته شده است

بقیه از صفحه ۱

در باره « مداخله چین در جنك کره»: قطعنامه ششم کشور بمضمون : « موظف کردن طرفین باخراج قوای خود از کره و دادن اطمینان به آن کشور مبنی بر اینکه هیچگونه تجاوزی از خاك کره باراضی چین صورت نخواهد پذیرفت »

۲ ـ تسلیم شکایتی از جانب سالوادر در مورد « تجاوز چین به تبت » و اصرار در باره ثبت آن در دستور روز مجمع عمومی .

۳ ـ تحریك دکتر تسیانك نماینده مسغره باندور شکست شده کومین تانك بطرح « شکایت مبنی به تجاوز اتحاد شوروی بچین »

٤ ـ اصرار در اینکه مجمع عمومی سازمان ملل متفق بازبر پا گذاشتن مقررات کنفرانسها قاهره و بالنا ، تایوان را ازچین مجزی سازد .

علاوه بر این چهار شکل تحریك شده ، غرض آلود تحریك آمیز مسئله چین ، موضوع چین از یك جنبه دیگر نیز در لیك سلکسس مطرح است ، بطوریکه میدانیم در برابر پیشنهادهای هندوستان و شوروی در اولین جلسه و پنجمین دوره اجلاسیه مجمع عمومی دائر، بعضویت حکومت حقیقی چین در سازمان ، بنا به پیشنهاد انگلستان و چند کشور دیگر این مسئله بکمیسیون خاصی ارجاع گردید.

یك نظر به فرم و محتوای چهار فقرهٔ مذکور کاملا آشکار میسازد که هدف خلوق کردن مطلب و کاستن از نفوذ کلام چین در حین طرح شکایت از تجاوز آمریکاست .

علاوه بر این با ایجاد چنین گروه کشیهائی برای یك « معامله سیاسی » زمینه چینی میشود .

با وصف همه این تمهیدات لکته بارزی از خلال منظره کلی مذکور چشم میخورد و آن ارتباط انکار ناپذیر مسئله تجاوز آمریکا در کره با موضوع شکایت چین ، شناسائی رسمی آن ، عضویت آن در سازمان ملل متفق تجاوز آمریکا به تایوان و منچوری و قطع جنك در کره وجود دارد .

این حقیقت در جریان روزهای غیر بطور غیر مستقیم بر زبان اولیای امور آمریکا نیز جاری شده است . آقای هاری ترومن که باتکاء نویدهای مك آرتور در انتظار حصول پیروزی آسانی بود پس از تعرض متقابله موفقیت آمیز ارتش توده کره و مسجل شدن شرکت داوطلبان چینی در دفاع از استقلال کره میکوشد از طریق « اعطای اطمینان » بمردم چین در باره مقاصد بسیار مسالمت آمیز آمریکا ، اشغال سهل و ساده سرتاسر خاك کره را بدست سربازان آمریکائی تامین کند و بزعم خودش جنك را خاتمه دهد . بقیه در صفحه ٤

نوید آزادی

مدافع حقوق زحمتکشان

هر هفته روز های شنبه

منتشر میشود

چاپ سینا

نمایندگی فروش تلفن ۷۱۲۹ — شماره تلفن ۸۹۹۹

همیشه همه جا با میهن تور

خط سیر مسافربری شرکت میهن تور

نور امون ویرا درمان دردهاست

همیشه نور امون ویرا همراه داشته باشید

زیرا هرکس نور امون ویرا مصرف نموده دیگر از قرصهای جدید و امتحان نشده استفاده نخواهد کرد

نور امون ویرا دوازده سال است که بحسن اثر مشهور است

شماره ۴۶ — ۹ آذرماه ۱۳۲۹ — تکشماره سه ریال

نیشابور

محکمه جنائی تهران بطلان مجموعه

تصمیمات محاکم نظامی را اعلام داشت

هنوز توقیف غیرقانونی زندانیان سیاسی ادامه دارد!

طرح مجدد پرونده اتهام زندانیان سیاسی مرکب از رهبران و اعضاء حزب توده ایران را در مراجع دادگستری، افکار عمومی با دقت و علاقه خاصی تعقیب کرده، این توجه بیهمتی که اخبار و مقالات و مباحث مطروحه در این زمینه در جرائد و محافل مختلفه، نمودار بارزی از آن میباشد بی‌جهت نیست.

مردم ایران که بزرگترین شداید را از دوران استقرار استبداد و اختناق افکار و عقاید چشیده اند هیچگاه بیاد ندارند آن ازمنه تاریک تن بدین پدهند مردم ایران، ترور عقاید و تحدید اجتماعات و تضییق زبان و قلم را نمی‌توانند بسکوت وکوارا کننده در این صورت بدیهی است اگر بروش غیر انسانی و وطنفروشانه ای که نسبت بجمعی از مردان نامور و بسا از وطن ما اعمال شده است، همسوا اعتراض کنند و رفع این تعدیات را بخواهند.

بعلاوه از تشکیل محاکم نظامی و بیجا که رژیم ایران سیاسی مبدکور بیش از بیست ویکی دو ماه نگذشته و هنوز

بقیه در صفحه ۸

مشت محکم بدهان مك آرتور

روز شنبه مك آرتور؛ برای نظارت در آغاز تمرین قوای آمریکائی ازتو کیو بجبهه جنگ کره رفت. طی نطق خطاب بسربازان امریکا این تمرین را « نهائی» نامید و گفت که «جنگ تا نوئل پایان خواهد پذیرفت و آن ها خواهند توانست عید را در میان خانواده خود بگذرانند.»

این تمرین با ورود نمایندگان دولت مرکزی چین بمقر سازمان ملل متفق هم زمان بود، و فرمانده امریکائی انتظار داشت با کسب « پیروزی نهائی» در میدان جنگ برگردد. بی در اخذ پاز آقای آوستین در شورای امنیت قرارداده آژانسهاو جرائد آمریکائی اخباری دائر بخودداری داوطلبان چینی از کمك بنیروهای مدافع جمهوری کره انتشار دادند حتی رادیو تهران از قول مخبر آژانس فرانس پرس پایان قریب الوقوع جنگ را به نفع متجاوزین آمریکائی، اوبه داد.

تمرین باچندین مقدمات پیکولوژیك آغاز شد. روز اول سخنگویان ستادهای نظامی ارتش متجاوز از پیشرفت موفقیت آمیز تمرین بر طبق نقشه سخن میگفتند ولی اعتراف میکردند که در نقاطی که پیشروی بوقوع می‌پیوندد قوای مهاجم باقاوت اساسی مواجه نشده‌اند.

روز دوم تمرین، قوای آمریکائی با ضربت متقابل بسیار غیر منتظره و نیرومندی روبرو گردیدند وهمان روز شکافی بین دو لشکر آمریکائی ایجاد

بقیه در صفحه ۸

مبارزه ملت ایران تا لغو

کامل امتیازنامه نفت جنوب ادامه خواهد یافت

جبهه باصطلاح «ملی» وروزنامه های رنگی وجیهه بدست نخواهند آورد

هفته گذشته جنجال نفت وارد مرحله جدیدی شد. کمیسیون نفت مجلس مقاوله نامه گس-گلشائیان را رد کرد و تحت فشار افکار عمومی مجبور شد تامین منافع ارباب نفتی را به موقع بهتری موکول کند. هم اکنون کمیسیون نفت میبایستی گزارش خود را به مجلس تسلیم دارد و فرمول گزارش مزبور گویا بدین نحو تنظیم شده است که دولت مکلف نباشد مدارکه جدیدی با شرکت نفت برای « استیفای حقوق ایران » شروع کند و ظرف چندماه مقاوله نامه جدیدی تهیه نموده به مجلس تسلیم نماید.

در کمیسیون نفت حرفهای زیادی زده شده و هوام فریبی های عده آمیزی بکار رفته است. جبهه باصطلاح ملی که در تمام جنجال های توخالی خود قصدی جز هوام فریبی آشکار ندارد برای بی نگم کردن و تمل وارونه زدن پیشنهاد الغاء امتیاز نفت و ملی کردن صنایع نفت را عنوان کرده است ولی اعضاء مردم فریب این « جبهه » خود بخوبی می‌دانند که در نتیجه اعمال ها و جارو جنجال های توخالی کسانی که از نزدیك شدن به ملت می ترسند و برای خود رتبه جنب مکالی می‌خواهند دست شرکت نفت از گریبان ملت ایران کوتاه نخواهد

بقیه در صفحه ۲

خاطرات لندن

از: ایلیا ارنبورك

در صفحه ۵

قرضه اسرائیل از دولت...

در صفحه ۲

آتش افروزان جنك در مکتب پیشوا!

استاد :- فرزندان عزیز نصایح مرا فراموش نکنید!

دستگاه «(مستقل)» قضائی

«وظیفه» خود را بانجام رسانید!

طبق آخرین خبر، باز پرس شعبه ۱۵ دادسرای تهران در مورد پرونده «متهمین» سیاسی، بار دیگر قرار عدم صلاحیت صادر کرد و اتهام را بعنوان « تشکیل جمعیت ضد سلطنت و مروج مرام اشتراکی!» قابل رسیدگی در محاکم نظامی دانست!

باین ترتیب، « قوه قضائیه » در این وسیعهٔ مزورانه استمرار نقش خود را ادامه کرده و وظیفه ایرا که بعمل گرفته

بقیه در صفحه ۸

ملت ایران بیدار است

یهودیان ایران بحقوق خود آشنا میشوند

در هر اجتماع که از طبقات مختلف المنافع و متضاد تشکیل شده باشد گروهی هستند که همه چیز را بخود انحصار داده اند. دستریخ هموم بنفع آنان متمرکز میگردد. امور سیاسی و اقتصادی بسود آنها جریان پیدا می کند. دولت برای رفاه حال آنها کار می کند و هر قدمیکه بر میدارد برای تامین منافع و تثبیت موقع و سلطه آنان است. دولت و مجلس تیول آنها است — رشته های حساس اجتماعی در اختیار این گروه است و بهر نحو که طبق دلخواه و بر وفق مصالح این طبقه باشد بحرکت درمیاید. کلیه وسائل کار و افزار لازم برای تامین معیشت اجتماع: مسافین، کارخانه، زمین، آب در اختیار و تملك این گروه است.

بقیه در صفحه ۳

دومین کنگره جهانی هواداران صلح نمودار پیروزی پشریت شرافتمند و

شکست جنك افروزان است

دومین کنگره جهانی هواداران صلح هفته گذشته بکارهای خود پایان بخشید. ملتهای جهان با چشمهای باز نگران کارهای کنگره بودند. نمایندگان کنگره که از جانب مردم ۸۱ کشور مختلف جهان مرور هر کرد آمده بودند باصمیمیت و همدلی بکار کارهای کنگره را آغاز کردند و پایان بخشیدند.

جمعیت هواداران صلح در سراسر جهان باین منظور تشکیل یافت که مردم هر افتند و دوستداران صلح را در همه دنیا متشکل کند و نیروی بیکران آن ها را در راه صلح، آرزوی بزرگ و شریف مردم عصر ما تجهیز نماید. پس از سرکوبی فاشیسم و پایان جنك دوم جهانی، ملت ها آرزو داشتند از صلح درازی برخوردار باشند.

بقیه در صفحه ۳

اوضاع اجتماعی و سیاسی کشورهای افریقای شمالی

اخیراً هیئتی از کارگران - دهقانان و روشنفکران کشورهای الجزیره و تونس بنمایندگی قاطبه اهالی افریقای شمالی از کشور اتحاد شوروی و شهرهای مسکو، استالین گراد، جمهوری از بکستان وسایر نقاط دیدن نموده اند. مخبر مجله «عصر جدید» با نامبردگان مصاحبه ای نموده که باخلاصه آن را جهت آشنائی خوانندگان ارجمند بیان باوضاع آفریقا و زندگی مردم آن سامان

بقیه در صفحه ۴

تعلیمات عمومی

اجباری در شوروی

در روسیه قبل از انقلاب، تعداد باسوادها زیاد نبوده. در حدود سال ۱۹۲۷ تعداد باسوادها فقط به صدی ۳۵ افراد میرسید تعداد زنان باسواد یك سوم مردان بود. مردم بعضی از نواحی مشرق وشمال بکلی بی سواد بودند.

حزب کمونیست وحکومت شوروی ازهمان ابتدای انقلاب سوسیالیستی کبیر اکتبر، مسأله باسوادنمودن تمام مردم کشور شوروی را در برابر خود طرح کرد.

بقیه در صفحه ۶

شماره ۴۵ — ۲۳ نوامبر ۱۹۵۰

نیشابور

دومین کنگره جهانی

بقیه از صفحه ۱

«کارگر» آنرا نمایان ساخت. اتلی مدتها پیش از تشکیل کنگره یعنی در اواسط سپتامبر دراین نامهٔ محرمانه خود میگوید «طبق پیمان اتلانتیك دولت انگلستان موظف است از کنگره جلوگیری نماید.» در حقیقت نه فقط بخاطر پیمان اتلانتیك بلکه بخاطر سرسپردگی بامیرالیستهای امریکائی تجربه کردانهای پیمان اتلانتیك ولیز بواسطهٔ ماهیت جنك طلبانه دولت انگلستان، نخست وزیر ایندولت نمی توانست با تشکیل چنین کنگره ای در خاك انگلستان موافق باشد. برای کسانیکه پیوسته نعره جنك و خونریزی میکشند ادای صلح کوشخراش ترین صداهاست. آرامش صلح وجدانهای تبهکاران را آشفته میسازد و آبادانی صلح روح ویران طلب آنان را آزار میدهد. فقط از میان خرابه های جنك است که سودهای سرسام آور بیرون کشیده میشود. طلا را از خون سربازان مادران ودختران باید ساخت. سود جویان وطلا سازان چگونه میتوانند با صلح خواهان دهنی نورزند.

نخست وزیر انگلستان در نامه محرمانه انشاء شده خود می گوید

«متاسفانه وزارت کشور انگلستان قانونی برای منع تشکیل کنگره ندارد. و بهمین جهت دولت انگلستان بوسائل دیگر از تشکیل کنگره جلوگیری خواهد نمود.»

اینك نگاهی به « وسائل دیگر» بیفکنیم. اتلی بدنبال نامه خود میافزاید: « اکنون وظیفه فرستادگان دولت انگلیس است که از دادن روادید به نمایندگان هواداران صلح امتناع ورزند.»

البته اکثر آن ها بعنوان کنگره روادید نمی گیرند.

اما این اشخاص بعد از ورود بانگلستان وشرکت در کنگره از خاك انگلستان اخراج خواهند شد. باید دقت دود که سازمان دهندگان کنگره ندانند این اقدامات چه وقت عملی خواهد شد.»

اینست آن راه « شرافتمندانه» ای که هاشقان جنك برای نبرد با دوستداران صلح در پیش می گیرند: به عده‌ای روادید نمیدهند. بگروهی دیگر بدهند ولی بعدا آن ها را از انگلستان خارج کنند. جالب توجه اینکه بنا به نامه اتلی « این اشخاص بعد از ورود بانگلستان وشرکت در کنگره» باید از انگلستان اخراج میشدند.

نقشهٔ پلیدوربا کارجنك طلبان بخوبی آشکار است. دولت انگلستان که خود را موظف بجلوگیری از کنگره میداند واز جانب دیگر از ترس افکار عمومی مردم صلحجوی جهان یارای دشمنی آشکار باآن را نداشت میخواست در وسط کار کنگره عده‌ای از نمایندگان را از انگلستان اخراج کند تا باین ترتیب کنگره از هم بپاشد.

جنك افروزان امید داشتند با برهم زدن کنگره دوم راه بر انتخار نهضت صلح بی‌مانند مردم شرافتمند عصر ما را ناهموار سازند.

دولت انگلستان بعده از نمایندگان که کنگره در نظر دارد در دوره آینده فعالیت خود، جنك طلبان بزرك و جنایت کارانی را که خواستار جنك جدیدی هستند بجهانیان بشناساند.

بدیهی است جنك طلب ها که پیوسته برای امکندن بمب اتمی نقشه می کشند وبا چون ملك ارتور می گوید « چشمان پیر من از دیدن اجساد کشتگان شادمان می‌شود » از رسوائی خود دربرابر افکار عمومی جهان بسیار هراسانند.

هواداران صلح از همان آغاز، خواهان حل مسالمت آمیز مسئله کره بوده‌اند. اکنون که بواسطه تحریکات جنك طلبانه امپریالیست های امریکائی کار کره کانون یك سلسله اختلافات بین‌المللی شده وبیم بروز جنك را بیشتر کرده، بدیهی است دوستداران صلح هرچه بیشتر خواهان حل مسالمت این مسئله می‌باشند.

ژولیو کوری رئیس کمیته دائمی در نطق افتتاحی خویش در این کنگره گفته است.

« ما باید از هر فعالیتی که بمنظور حل مسالمت آمیز اختلافات در کره باشد طرفداری کنیم وقت آن رسیده است که باقدام وعمل دست زنیم. زیرا وقایع کره برای نزاع عمومی تصمیم خطرناکیست.»

دیگر از کارهای اساسی دورهٔ جدید فعالیت هواخواهان صلح باز گرداندن سازمان ملل متفق بسراه گذشته و حفظ اساسنامه ملل متفق میباشد. این اواخر از طرف نمایندگان خود اعضاء کردند از طرف دیگر در کشورهای امپریالیستی و دست نشاندگان آن ها مثل امریکا یا ایران همه گونه کوششی از جانب معاملی حاکمه میشد تا کسی این بیانیه را امضاء نکند فشار دولت جنك طلب ترکیه برای جلوگیری از امضاء بیانیه ویا اخاج وشانه کشیدن دادستان نظامی دولت این دولته ای از این کوشش ها بود.

بهر حال دومین کنگره هواداران صلح خیلی نیرومند تر از نخستین و پس از یك رفته کوشش های بر ثمر و چمپانگیر کار خود را آغاز کرده است در دستور کنگره مسائل جهانی بزرگی قرار دارد که همگی آن ها با صلح و سرنوشت بشریت تماس جدائی ناپذیر دارد.

نخستین آن ها تقلیل سلاح پنج دولت بزرك است به ثلث ویا نصف. دهنشان صلح بارپا کاری تمام میکنند. چرا هواداران صلح « فقط » خواستار تحریم بمب اتمی هستند واز دیگر سلاح ها دم نمی زنند.

تحریم سلاح اتمی بنفع « روسها» است و هواداران صلح کنار گزاران سیاست « روسها» هستند. آن ها امید داشتند باین نیرنك روسا از شماره امضا کنندگان بیانیه استکهلم بکاهند. غافل از این که جمعیت جهانی هواداران صلح از همان آغاز کار پیوسته رسمی وغیر رسمی باهمه وسائل گفته است که خواستار تحریم سلاح اتمی وتقلیل هر گونه اسلحه و بودجه های جنگی میباشد. منتهی چون سلاح اتمی خطرناکترین و کشنده ترین همه سلاح ها است به بدیهی است تحریم آن در درجه اول اهمیت قرار داشت.

اینك بحث در باره تقلیل اسلحه دولت های بزرك واخذ تصمیم درباره آن از کارهای این کنگره است.

همه چشمها بچین دوخته

بقیه از صفحه ۷

ژوزمارشال وزیر دفاع، امریکا را از دوئلت قوای بسیج شده و موحش ترین وسائل انهدامی هوائی خود و یك نیروی دریائی بسیار نیرومند و مقدار معتنابهی افراد و وسایل متفاق به چند کشور دیگر، از عهده در هم شکستن قدرت یك ملت « عقب مانده شرقی » که تعداد نفوس آن از سی ملیون نفر بیشتر نیست و قدرت اقتصادی آن را در برابر امریکا باید بمقیاس چندصدم درصد اداره گرفت، برنمیآید.

سپری شدن فصل گرما و آغاز زمستان قطبی در کره که: بفلج شدن نیروی هوائی و شاید وسایل موتوری و مکانیزه زمینی نیز منجر خواهد شد توام با نا آشنائی سربازان آمریکائی با چنان آب و هوای سرد وضع بسیار دشواری برای متجاوزین بوجود میاورد. توسعه بسیار دامنه دار فعالیت پارتیزانها در پشت جبهه و حتی تصرف شهر چونجون (یکی از مراکز مراسلاتی بین شمال و جنوب) نشان میدهد که بدون یاری داوطلبان چینی نیز مدافعین کره (هم-چنانکه بکرات در نیسان اشاره شده بود) آرتش مك آرتور را در وضع فلاکت باری قرار خواهد داد. آخرین اخبار از منبع آژانس فرانس پرس حاکی از اینست که در حدود بیست هزار پارتیزان در خاور پینك پانك وده هزار پارتیزان در خاور سئول مشغول عملیاتند. بدین ترتیب کره بکره‌ای میدل شده بدون انقطاع سربازان امریکائی واطعمه خود خواهد ساخت.

واقعیت جنك در کره به سیاستمداران و نظامیان امریکائی بطور محسوس و قابل درك نشان میدهد که طرق وسائلی نظیر بمباران های استراتژیك و کشتار دسته جمعی مردم برای حصول پیروزی کافی نیست، و وقتیکه باهمه این وسائل نتوان ملت قهرمان کوچکی را از پای در آورد، چگونه میتوان بیك ملت دلاور پانصد میلیون نفری فائق آمد.

۳ - توجه به این نکته که با همه تدابیر، نقشه کشیدنها، کنفرانسهای متواتر جهت انتقال مرکز ثقل امور سیاسی و نظامی باروپا، مخصوصا تشکیل ارتش اروپ و مند در آن قاره، وضع خاص کشورهای خاور دور و قیام ملت ها برضد استعمار بناچار عده قوای همه کشورهای غربی را به این قاره جلب میکند.

شایعات مربوط به تمایل دولت پکن بسودا گری سیاسی درباره امور کره، تایوان و هند و چین از همین ناتوانی محسوس امریکا سرچشمه میگیرد. بنا باخبار رسمی در طی چند روز اخیر حل کشور فرانسه و انگلیس و امریکا مشغول مذاکراتی شده‌اند تا شاید بعنوان « قطع جنك در کره » که مانده آبروی امریکا و نجات دهند. اینان میخواهند شاید با ایجاد یك منطقه چند ده کیلومتری « بیطرف » در حاشیه مرز منچوری، استقرار استعمار امریکا را در کره تسجیل کنند. ولی از هم اکنون آشکار است که چین جز در صورت اجرای یك راه حل عادلانه که استقلال و تمامیت کره را تسجیل کند و جز بشرط بیرون رفتن نیروهای متجاوز امریکا از سرپل کره حاضر بمذاکره نخواهد شد.

اکنون همه چشمها بسوی میان نماینده چین دوخته شده است.

است که نیرومند ترین ونیرو گترین کشور سرمایه داری جهان با وجود بکار انداختن تمام قوای جهانی خود و یك نیروی دریائی بسیار نیرومند و مقدار معتنابهی افراد و وسایل متفاق به چند کشور دیگر، از عهده در هم شکستن قدرت یك ملت « عقب مانده شرقی » که تعداد نفوس آن از سی ملیون نفر بیشتر نیست و قدرت اقتصادی آن را در برابر امریکا باید بمقیاس چندصدم درصد اداره گرفت، برنمیآید.

علت تغییر لحن را در چند چیز باید جستجو کرد:

۱ - تردیدهای بسیار شدید انگلستان در پیروی از تاکتیك امریکا در خاور دور و مخصوصا در مواردی که ارتباط و اصطکاك مستقیم باچین دارد. بازرگانان سیتی و سیاستمداران داونینك ستریت و دست سینیستر که برای حفظ سرمایه های هنگفت و منافع اقتصادی خود در چین و در دست داشتن عده‌ئی از مرکز سیاسی و بازرگانی مجاور با آن کشور از بدو تاسیس حکومت مرکزی چین روش مستقل و ملایمی در مورد آن کشور در پیش گرفته‌اند، بهیچ قیمتی حاضر به درهم ریختن اساس خود در خاور دور نیستند.

اخطار بسیار شگفت انگیز چرچیل به دولت اتلی در یکی از جلسات هفته قبل پارلمنت دراین زمینه بسیار آموزنده و جالب توجه است. این لیدر افراطی ترین حزب دست راست انگلیس که در عین حال بزرگترین حامی و حمایت شده امریکا در انگلستانست و بارسال اتلی را بملت شتابزدگی و خوشامدگی روبروی چین پیاپی متوال کشید، بدولت اخطار کرد که « در مورد کره چین سیاستی اتخاذ نکند که منجر به تصادم با چین گردد ».

افزوده شدن این احتیاط کاری انگلیس به رفتار سابقه دار هندوستان و مصر و حتی فرانسه که بجای جنك در کره بسیار میل دارد که از خون سربازان امریکائی جهت حفظ ویت نام استفاده کند؛ تاثیر قابل توجهی در تغییر لحن امریکا دارد.

برای ادامه روش احتیاط کارانه انگلستان میتوان بفرانس دیگری نظیر اظهارات بی. ام. ام. درباره شرکت داوطلبان چین در جنك کره اشاره کرد. رادیو لندن بالصراحه از این که شرکت داوطلبان را بتوان مداخله رسمی یك دولت نامید، اظهار تردید میکرد. علاوه بر این یکی از اعضای انجمن دولتی انگلیس و امریکا طی مصاحبه‌ئی در یکی از شهر های امریکا گفت که سیاست اشتباه آمیز امریکا در خاور دور منجر بدان شده است که ملل آسیائی آن کشور را دشمن خود بشمارند و اتحاد شوروی را یگانه دولت ملت های آسیا تلقی کنند.

۲ - درس کره - اکنون قریب پنج ماه دولت پیروی از کینه سرمایه‌داران جنك طلب امریکائی نمیخواست صدای صلح از میهن مایز بگوش جهانیان برسد. در شهرستانها که نیروی شهربانی بیش از مرکز تاخت وتاز میکند دست وبال مردم برای امضاء بیانیه بسته تر بود.

اکنون که دومین کنگره جهانی هواداران صلح باشکوه وقدرتی هرچه بیشتر در روشوبکار خود پرداخته بدیهی است که ملت ما نیز چون همه ملتهای صلحخواه جهان هوادار، پشتیبان ومجری تصمیمات آنست.

مقاله وارده

م - خرم

قرضه ایسرائل از دولت آمریکا استقلال سیاسی آن کشوررا از بین میبرد

مدیر روزنامه‌ورزین نیسان

نظر باینکه آقای دکتر طوب در شماره اخیر مجله سینا مقاله‌ای تحت عنوان «طبقه حاکمه ایسرائل ملت خودرا به‌وطله هولناکی سوق نمی‌دهد» درج نموده بودند که ممکن است خواندن آن باعث گمراهی عده ای از خوانندگان آن روزنامه بشود لهذا از آن مدیر محترم تقاضامی نمایم درصورت امکان برای روشن شدن و آشناکردن خوانندگان بواقعیت اوضاع سیاسی دولت ایسرائل امر بدرج مقاله زیر نمایند.

هیچکس مخالف آن نیست که یک سیاه حبشی بتواند با یک زن آمریکائی هم‌زیستی نماید. وهیچ فرد پشردوستی نمی تواند استفاده از علم یک دانشمند آمریکائی راتقبیح کند.

انسانها از نظر اصولی. هیچ فرقی با یکدیگر ندارند و بایسته شرایطی آماده گردد که یک زندگی شرافتمندانه برای کلیه افراد بشر ممکن شودتا در آن شرائط یهود و مسلمان، سیاه وسفید و هر کس از هر نژاد و رنگ‌دار در کنار یکدیگر به زندگی برادرانه ادامه دهند.

مشترکاتیود زندگی رادرهم گسیخته از هنر وفرهنگ‌وداش یکدیگر استفاده نمایند و مجتمعاً برای یک زندگی آرام و دوستانه همکاری کنند.

این مسئله بسرای انسان قرن بیستم حل شده است وکم‌تر کسی است که در راهی بر خلاف آن گام‌بردارد.

اما صحبت یک فرد از جامعه یا کشوری با صحبت دولت آن کشور و حکومت آن جامعه کاملا جدا است مگر در موردی که حکومت واقعا از مردم باشد و آن فرد بتواند از جانب یک ملت صحبت کند.

آقای دکترعقیده دارند که گدائی یک فرد از یک بنگاه کار زشتی نیست و صدقه دادن هم عمل خلافی نمی باشد این مثال برای یک نفر و بعنوان مثال صحیح است. اما آیا دولت ایسرائل یک فرد تنهائی است که از یک بنگاه مستقل صدقه می خواهد و آیا آن بنگاه آمریکائی واقعا یک بنگاه خیریه متعلق بیک شخص خیرخواه است که با آغوش باز گدائی پذیرد و دستگیری می کند؟

مسلما چنین‌نیست! نه‌دولت ایسرائل می‌تواند بعنوان یک فرد کمک بخواهد و نه دولت آمریکا بنگاه‌خیریه است؛ بالاخره آقای دکتربه‌مطلب‌اساسی رسیده و چنین‌عقیده‌دارند:

«اگر در آن طرف بنگی دنیا هیئت‌دولتی نظر بوضعیت‌سیاسی واقتصادی و جغرافیائی بخواهد ازسرمایه داران امریکائی بنفع کشورخویش‌استفاده کند آیاشایسته است گفته‌شود:

«این هیئت وقتیکه ازسرمایه‌های یک کشور کاپیتالیست بهره مند می‌شود بی شک این هیئت دولت باسیاست کشور های امپریالیستی و سرمایه داری همراه است بنا بر این «ملت‌خویش‌رابوطله» هولناکی‌می کشاند»

اینجا است که آقای دکتر فقط بر توس مطالب اشاره کرده به‌ماهیت مطلب نپرداخته و خیلی بتعجیل از آن گذشته اند دولت ایسرائل یک کشور جوان و مستقلی است که‌دارای موقعیت جغرافیائی بسیار حساس است. چون یک نیکین انگشتر بین دولت های مستعمره و نیمه مستعمره قرار گرفته و دارای استقلالی است که ممکن است باعث بیداری ملت های اطراف خود شود.

اگروجه نفد است که ربح آن برای دولت ایسرائل کمرشکن‌خواهدبود و شاید تاسال‌های زیادی بواسطه مخارج سنگینی که‌داره نتوانند آن را مستهلك نماید. دولت ایسرائل دولت مقروضی خواهدشد، یعنی اقتصاد کشور ایسرائل درگرو وجوه آمریکائی‌خواهدرفت و بدنبال آن استقلال سیاسی هم‌معلوم‌است اگر ماشین آلات و لوازم صنعتی‌است. بایدباوجودموقعیت کشور ایسرائل اذعان کرد که کارخانه‌داران امریکائی خیلی خوب‌می‌دانند درآن‌نواحی‌نباید کارخانه وجود داشته باشد که باعث‌شکست یا کوچك شدن بازار آن‌هاشود.

بناچار وسائلی خواهند دادکه گردش چرخهای آن فقط چون مهره ای از دستگاه عظیم صنعتی کشور های متعدد باشد.

بعبارت‌دیگر یا وسائل‌اسقاط‌خواهد بود که باید هرساله دولت ایسرائل بسا قرضه بیشتری آفتابه خرج‌لحیم کند و یا آن که مستقیماً‌بهره آن بجیب بزرك سرازیر شود وبصورت لیره ایسرائل بصندوق آمریکا ریخته شود

قرضه‌ها هرسال رو بتزاید خواهد رفت تاجائی که همه‌چیز کشور ایسرائل درگرو قرضه ها قرار گیرد. و دولت ایسرائل برای ادامه حیات خویش چارهٔ جز انقیاد واطاعت بی‌اراده و بلاانقطاع نخواهد داشت.

تاریخ کشور های مستعمره و نیمه مستعمره گواه صادقی است و این مثال بسیار صحیح است که آزموده‌را آزمودن خطا است.

دولت جوان و مستقل ایسرائل می خواهد هرچهای اقتصادی و صنعتی خود را بگردش آورد. هر کشور دیگری هم میخواهد در راه دنیای نوین قدم گذارد اما باید این حقیقت‌را قبول کرد چرخی که بدست دیگری میگردد نفع آن فقط متوجه گرداننده آن خواهد بود قبول فرمایند.

با اینکه آقای دکتر اذعان دارند که «حیات هر کشور وابسته بفعالیت اقتصادی وی میباشد» معلوم نیست چرا از اقتصاد کشور اسرائل دفاع مینماید... وبرای این منظوربستله جذب مهاجرین و اشکال تهیه کار برای آنها متوسل شده‌اند.

جای انکار نیست مسئله جذب مهاجرین وتهیه کاربرای آن‌ها مسئله حیاتی کشور اسرائل است و گذشته از آن مخارج این مسئله شاید بزرگترین رقم مخارج دولت اسرائل است؟

اما آیا شایسته است با ابهودن وسائل کافی ده‌ها هزار مهاجر در ماه پذیرفت؟ وبرای تامین مخارج یك عده که موقتاً سربار خواهند بوداقتصاد کشوررادرگرو قرضه‌های خارجی گذاشت؟

آیابهتر نیست بجای گرفتن قرضه‌ازورود مهاجرین برای مدت کمی جلوگیری‌شود و یا لااقل از عدهٔ آن ها بکاهند آیا برای دولت ایسرائل میسر نیست که از نتیجه کار یك عده ده هزار نفری کارتازهٔ جهت یکهزار نفر تازه وارد تهیه کند؟

امروزه نحوهٔ کمك آمریکا بدنیا بدرستی ثابت‌شده است.

و یك نمونهٔ آن کشورصنعتی فرانسه است که طبق نقشهٔ مارشال ۱۹۰ میلیارد فرانك در سال جاری کسر بودجه داشته است. و شاید این کسر بودجه برای‌تمام کشور های دستگیری شده ومارشال‌زده و بال بی‌چون و چرائی گردیده است — باید کشور فرانسه در سال ۱۹۰ میلیارد فرانك کسر بودجه داشته باشد تاسیاستی را غیرآنچه که مورد نظر کمك کننده‌گان است‌دربیش نگیرد.

هر چند آقای دکتربخواهندوانمود نمایند که کمك فقط از طرف کاپیتالیست های یهودی نسبت به ایسرائل بعمل می آید اما این آزمایش برای‌همه یکسان است.

شاید منظور آقای دکتر از اینکه مرقوم داشته‌اند «دولت ایسرائل برای عمران کشور احتیاج بکمك دارد که فقط کاپیتالیست های یهودی میتوانند تهامین کنند» این است که سیاست حکومت آمریکا در دست کاپیتالیست‌های یهودی است وشاید‌بدینوسیله خواسته‌اند آرامش خاطری برای خوانندگان فراهم‌نمایند.

بر فرض که چنین باشد سیاست کلی جریان سرمایه انعطاف ناپذیراست یعنی سرمایه ها باید با سود کلان با بانکهای امریکا عودت داده شود. کارگر برزگر و تمام افراد کشور ایسرائل باید متحمل مالیات های سنگین؛ این قرضه شوند تا اصل آنرا باضافه ربح لازمه تهیه‌پل بدلار نموده‌به‌آمریکافرستند. واگرچنین‌نیست چرا دولت ایسرائل‌دست بدامان دولت آمریکاشده. آیا ممکن‌بود که کاپیتالیست های یهودی بدون سود صدامورد نیاز دولت‌ایسرائل را بپردازد؟ واقتصاد کشور ایسرائل‌در گرو قرضه دولت آمریکا نیافتد؟

پس‌بدین ترتیب سرمایه‌داری‌یهودی وغیر یهودی نیستاند. ودرغارت‌دسترنج توده‌هامذهب‌وملت‌بخصوصی‌رادرنظرنمیگیرد

در خانه آقای دکتر مخالفت خود شانرا از راه نوع پرستی و نوع دوستی باستعمار کشورها ابراز داشته و از راه نصیحت گفته‌اند اجازه ندهیم در سیاست داخلی کشور دیگری تا آنجا که جنبه جنایت بین‌المللی بخود نگرفته اظهار کنیم ودایه دل سوزتر از مادر نباشیم.

آقای دکتر بالحن بشر دوستانه مخالف استعمارند. امابملت‌واقعی استعمار هیچ نیاندیشیده‌اند — ملت واقعی‌استعمار در وحله اول انقیاد اقتصاد ملت هااست.

آقای دکتر باید اذعان داشته‌باشند که بین افراد بشر رشته های‌حلقه والفتی بوجود آمده است و در هر جائی ازدنیا که شیحی از انقیادنایان می‌شود — تمام دهشان زنجیر استعمار همه‌اشده حلقه ها را بهم نشان میدهند و مشترکا پیکار مقدس خود را بر علیه برانجیر کشیدن، انسانهای همنوع خود بی میگیرند.

مبارزه ملت ایران

بقیه‌ازصفحه ۱

هد. فقط ملت ایران و توده های زحمتکش آن باتکیه‌به‌جنبش‌دموکراتیك که جبهه باصطلاح ملی آکاهانه‌باچنین قوای نجات بخشی مخالفت‌می‌ورزد وبنا بر این ادعاهای‌توخالی‌وی‌جز‌دروغ و فریب‌چیز دیگری نخواهد بود.

رد‌قاوله نامه کس — گلشائیان‌بدین عوام فریبان و روزنامه های طرفدار آن‌ها منجمله شاهد، اداریا وباختراعروز فرصت داده است تابا وضع‌مضحکی‌برای خود وجبهه‌تراشی کنندوخودرا«قهرمان» مبارزه بر ضد شرکت نفت معرفی نمایند در صورتیکه همه می‌دانند‌یارد‌مقاوله نامه کس — گلشائیان‌کار مهمی بضرر شرکت انجام نشده و شرکت امیدوار است قراردادی ظالمانه تر را باکمك همین گونه مانور ها و عوام فریبی ها بملت ایران تحمیل نماید.

ملت ایران در عین حال که‌مبارزه عمومی را برای کسب حقوق خودبطور کامل ادامه می‌دهد و برای لغو امتیاز نامه دارسی و قرار داد تحمیلی ۱۹۳۳ و قطع کامل نفوذ شرکت نفت بیکار آشتی ناپذیری‌را تعقیب می کند بهیچ وجه تسلیم هوام فریبان‌و گرمان‌ماسکه‌دار استعمار که بنام «ملی» و عنوان‌مبارزه بااستعمار قیافه کثیف خودرا آراسته‌اند نخواهد خورد و درهرحال عوام فریبان را باتوطئه های استعماری‌شان فاش و رسوا خواهدساخت.

ملت ایران بخوبی میداند که نمی توان بوسیله دولت هائی‌مثل دولت‌نفلی که نخست وزیر و وزیر مالیه آن علنا از منافع شرکت نفت جنوب دفاع می می کنند حقوق ملت را حفظ کرد زیرا شرکت نفت این افرادرا بمنزله نوکران خود ونه بعنوان نماینده ملت‌ایران تلقی خواهد کرد.

منظور این جنجال‌ها و بقه و بست های‌ناپایدار فقط‌این است که‌دوباره شرکت نفت بر اسب مراد سوار شود وغارت‌گری‌های خود را بیش از پیش ادامه دهد وملت ایران از خط مشی مبارزه واقعی واساسی برضد استعمار منحرف گردد وبدنبال‌کسانی بیافتد که خود درحقیقت مزدور و نوکر پست استعمارند.

ولی این منظور های‌شوم‌در سایه توجه افکار عمومی ایران هیچگاه عملی نخواهد شد.

نه شرکت نفت خواهد توانست بعدازاین ازمبارزه آشتی ناپذیر ملت ایران بگریزد و غارت گری خود را باخیال‌راحت ادامه دهد، نه ملت ایران راه مبارزه واقعی بر ضد استعمار خارجی را ترك می گوید و بالاخره‌نه‌عوام‌فریبان‌ومزدوران استعمار برای خود موفق بکسب وجهه‌ای خواهندشد.

مبارزه ملت ایران برای سرکوبی شرکت نفت و پایان دادن به مظالم‌سیاسی‌واقتصادی و اجتماعی آن بایستی با کمال شدت ادامه یابد. این مبارزه جزئی از مبارزه عمومی ضد استعماری ملت ایران است که برهبری طبقات مترقی مردم تحت لوای‌دفاع ازصلح، آزادی و دموکراسی واقعی باید عملی شود.

درعین حال بایستی خارهای راه میان برداشته شوند و ملت ایران در مبارزه بااستعمار باتمام قوا به فعالیت بپردازد و ماسك هوام فریبان و نوکران ماسکدار کمپانی نفت‌را بدرد. تنهابدین ترتیب ملت ایران موفق به احقاق حقوق حقه خود درنفت جنوب خواهد گردید امپریالیسم نفتی انگلیس وآمریکارا میهن خودبیرون‌خواهد کرد.

دومین کنگره جهانی

بقیه‌ازصفحه ۱

کوشش امپریالیستها برای درگیر کردن جنگ‌دیگر، وراندن‌بشر بسوی قتلگاه، ملت‌ها را واداهاست تاخودبرای حفظ صلح دست بکارشوند. سازمان ملل متفق که برای همین منظور ایجاد گشت، درخواست‌های‌ملتها را دربرابرود. اکنون نزدیك بده سال‌ازتشکیل‌نخستین کنگره هواداران صلح جهان میگذرد. درطی این‌مدت کوتاه صلح خواهان‌جهان موفق شدند نیروی بزرك و وسیعی را متشکل سازند.

نیروی بی‌پایان خودرادرمسیردرست وهموارى بیندازند وراهی‌بیابندتا کوشش دسته جمعی‌شان‌هرچه زودترب‌نتیجه‌برسد. نظری‌بگذشته نشان‌میدهد نیروی‌دوستداران صلح در سراسر جهان تا چه اندازه رشد یافته وچه میزان بردامنه خود افزوده است.

درآغاز کار مثل همیشه امپریالیستها کوشیدندباتوطئه سکوت‌یاد این کوشش بزرك وهراسانند را از خاطرجهانیان بزدایند، مدتها رادیوها، روزنامه‌ها، وخبر گزاریهای امپریالیستی ابداً بروی خود نمی‌آوردند که کنگره‌ای‌برای‌حفظ صلح درجهان تشکیل شده است. هنگام تدوین بیانیه استکهلم بوسیله کمیته دائمی هواداران صلح، یکی از روزنامه های معروف انگلستان نوشت «اینها جمعی ازمیلیئن سرخ هستند.»

ولی بعدها امپریالیسم جهانی دیدند تنها «میلیئن سرخ» «وستدار صلح‌هستند» بلکه همه مردم تمام‌جهان باهر گونه‌جنك تجاوزکارانه جدیدی دشمنی دارند.

اکنون دیگراین توطئهٔ درهم‌شکسته‌شده است. روزی نیست که وسائل تبلیغاتی امپریالیست ها از دشمنکوش بدوستداران صلح کوتاهی کنند. هراس صلح طلبان از فعالیت جهانگیرهواداران صلح بهترین دلیل بشر رسیدن کوشش آنان و نیز بهترین نشانه درستی راه آنانست.

امضای بیانیه استکهلم نمونه‌ای از فعالیت درخشان و ثمربخش هوا خواهان صلح بود. بساسعه میلیون نفر از افراد جهان یعنی یك چهارم ساکنین زمین این بیانیه را امضا کردند. وجه. بسیار کسان که از جانب خانواده‌هاشان بیانیه‌رااامضا کردند.

این جمعیت ابوه اعلام داشت که نخستین دولت استعمار کنندهٔ بمب اتم را جنایتکارجنك‌می‌شناسد. هرچندامپریالیست ها در بی اعتنائی بافکار عمومی ملت‌ها پافشار باشند نمی‌توانند یك چنین ابوه بی فایده و بی ثمر ازآب درآمد. آن ها درآغاز کوشیدندابن حربه راآزمایش کنند، گفتند این صلح مال کمونیست‌ها است و آنها خواستارش هستند و صلح خواهان جهان مجری سیاست آنانند ولی آزمایش رسوا ازآب درآمد ونتوانست ملتها را بفریبند.

دومین کنگره‌هواداران‌صلح سراسر جهان در محیط بین‌المللی تیره و آشفته ای برگزار شد.

سازمان ملل متفق، سازمان رسمی حفظ صلح، نتوانسته است وظیفه بزرك خودراعملی کند. تحریکات‌امپریالیستها این سازمان را دوهمه جریانات سیاسی بزرك جهان بدنبال‌سیاست ماجرا جوی امپریالیسم‌امریکامیکشاند اکنون دیگر سازمان ملل متفق نه تنهانگهدار صلح نیست بلکه پرده‌ایست برای عملیات جنك طلبانه جنك طلبان، امپریالیسم ازمرحله تهدید و فشار بمنبهای کوچك یا بمرحله جنك آشکار و تجاوز علنی نهاده‌است.

بعضی از دولت‌های بزرك هرآن بیشتر و سریعتر در سراهیب مسابقه تسلیحاتی فرو می‌غلتند ومیکوشندبشریت را بسوی کشتگاه نازه‌ای برانند.

دومین کنگره جهانی هواداران صلح در چنین شرایط دشوار بین‌المللی گشایش یافت با توجه باین شرایط سخت و به نیروی بزرك و بی‌مانند پشتیبان کنگره، با توجه بارزوی بی دریغ ملتهابرای‌صلح و کارشکنی های‌امپریالیستها، وظیفه سنگین کنگره آشکار می‌شود.

کنگره پس از اقدام برای تقلیل تسلیحات دول بزرك وحل مسالمت‌آمیز مسئله کره دو قطعنامه خطاب بملت ها و سازمان ملل متفق صادر کرد.

در قطعنامه نخستین، از ملت ها خواست که برای نگهداری صلح، بیشتر ازگذشته گردهم‌آیند و بمبارزه جدی تری باجنك افروزان برخیزند.

درقطعنامه دوم پنبایندگی ازطرف ۸۱ ملت از سازمان مشئل متفق خواسته شده است تا باساسنامه خود بنز گردد، بدنبال سیاست‌های جنك طلبانه نرود برای نگهداری صلح بکوشد.

لکته جالب اینکه گفته شده است اگر سازمان در این باره بطور ثمربخش دست بکار نشود ملت ها خود این وظیفه سازمان را بعهده خواهند گرفت.

ازکارهای برجسته این کنگره‌تشکیل شورای صلح است بریاست ژولیو کوری کار این شوری رهبری مبارزه صلح خواهانه ملت ها در فاصله میان کنگره ها ونافتن عالی‌ترین راهها‌برای برقرار صلحی‌پایدارمی باشد گروهی‌ازبزرگترین شخصیت‌های فرهنگی، مذهبی، اجتماعی جهان عضو این شورا هستند.

اینك همچنان که گفته‌شد، کاردومین کنگره جهانی هواداران صلح‌پایان‌یافت دوره نوینی از فعالیت هواداران صلح سراسر جهان گشوده شد که بی‌تردید با پیروزمندی‌بفرجام خواهد رسید.

عظمت این کنگره و یگانگی افراد آن نمونه‌ای‌بود ازعظمت و همبستگی نهضت صلح در سراسر جهان وسیع ترین نهضتی که تاکنون، در تاریخ جهان‌دیده شده است.

ملت ایران بیدار است

بقیه‌ازصفحه ۱

درمقابل این گروه اکثریت عظیم مردم زحمتکش قراردارند که‌اصیبشان درینکونه‌جوامع ناپایدار چیزی‌جزمرك فقر، گرسنگی، عریان‌زحمت‌بسودیگران دربدری وبیخانمانی نیست.

درهر اجتماع طبقاتی‌این وضع‌بدون توجه بخصوصیات نژادی ومذهبی حکم‌فرماست. جامعهٔ یهود ایران هم دچار چنین تقسیم اجتماعی است عدهٔ قلیلی از خود راضی بدون کوچکترین لیاقت و ارزشی تنها از نتیجه سوء استفاده از شرایط غلط اجتماعی، بدون اینکه کمترین فهم وشعور سیاسی و اجتماعی داشته باشند.

بدون اینکه کوچکترین بهره از دانش برده باشند و کوتاه ترین قدمه و تاکنون بنفع اجتماع برداشته باشند کلیه امورجامعه را تحت سلطهٔ خود درآورده وجریان‌های اجتماعی، فرهنك، سیاست بهداشت، اقتصاد جامعه‌رابقبضه‌خودداشته اگرچه فرهنك مطرح است این گروه اینکه تاز میدان ویگانه عهده‌دار امور است. تنظیم کننده برنامه وبوجه‌است. مرکز هام ومنشاء امر است.

مال یتیم وبیوه زن را بطور مستقیم وغیرمستقیم یغما میبرد وبرای‌تحمیق‌مردم یك برکاه از خروار ها ثروت اندوخته از راه خدعه وتزویر را صرف تشکیل ناهارخوری وتهیه لباس برای چند طفل ازهمان مردم غارت‌زده مینماید.

از اموال ربوده شده ساختمانی برپا می‌سازد وبغارت شدگان اهدا می کند و نام خودرا بربالای آن حك مینماید ودر مجامع ومساجد وانجمن‌ها سر وصدا راه میاندازد ومبلغین وبلندگوهایش وبراز لحظ خیر اندیشی‌اومات دوستی ابرش اعلی میبرند.

اگر بین دوفرد ازاین گروه برسر مسائل خصوصی نزاعی درگیرد مثلا یکی از آنها ادعا کند که زوجین تنهامنوظف است به‌مدیریت داخلی‌دبیرستان‌وجوب‌زدن اطفال معصوم وزهر چشم گرفتن از دانش آموزان بپردازد وریاست کل و مدیریت امور خارجی، بند و بست با مراجع قدرت وتوسل بدبیر روزنامهٔ که دروصف خدمات ولیاقتش طومارها سیاه می کند‌منحصربخود اومیباشد بلا فاصله فعالیت‌ها هروع میشود.

حبرای «قدیم» و «جدید» بجنب و جوش بر می‌خیزد. نزاع بهردوطرف برسر اینکه‌مسائل خصوصی در گیر می‌شود و نام آنرا مبارزهٔ اجتماعی و کوشش در راه بهبود فرهنك‌اجتماع می گذارند. بلافاصله بازرس و منشی‌ودبیر براه میافتند، جلسات سخنرانی‌وپذیرائی و معرفی تشکیل میگردد — حبرای قدیم وجدید با هم ائتلاف می کنند و پس‌از اینکه نقار ها رفع‌شد — همه آب ها آسیا میافتد — فرهنك اصلاح می کردد! معایب و نواقص مدارس و امورفرهنگی از میان میرود و دیگر کسی را یارای کوچکترین انتقاد از جریان امر نمی‌باشد.

اخیرا موسسه فرهنگی بنام «ارت» برای تشکیل مدارس حرفه‌ای و صنعتی شبهٔ برای یهودیان ایران تاسیس نموده است — بلا فاصله این گروه در رشتهٔ فن و صنعت تبحر و تخصص‌پیدا کردند.

اطلاعات علمی و فنی و تخصص در امر تعلیم و تربیت و اقتصاد در وجود آنها آیا بوجود آمد — حلقه‌غیر قابل نفوذی بدور این موسسه بوجودآوردند. این آقایان‌برخودنام «کمیته عالی‌ارت» یا «کمیته مرکزی ارت» نهادند.

اولین اقدام موثر و مفیدی که‌برای ترویج فن و صنعت در بین یهودیان‌بعمل آوردند این بود که‌به نماینده‌ثروت‌دستور دادند ارتباط خود را با جوانان دانشمند و فعال، کسانی که واقعا از اطلاعات فرهنگی و اجتماعی بهرهٔ کافی دارند و برای فعالیت در راه‌بهبود وضع عقب افتاده اجتماع کوشش‌فراوان‌بخرج‌بدهند قطع نماید و هرگونه تماس‌بااین قبیل افراد و مشاوره با اشخاص مطلع‌جزخود آنان را بگسلد.

این گروه مقری فلج و شوری‌در حدود افراد بشر اولیه‌داود هنوز جریان‌موجود در سایر اجتماعات‌آن‌هارا ازخواب گران بیدارنموده است.

اینها هنوزتشخیص نداده‌اند که حساب سود فلان سودا یا جمع در آمد حاصل از مستغلات باداره امورفرهنك و اجتماع با تنظیم نقشه های اصلاحی‌برای بالابردن سطح دانش و زندگی عموم اختلاف‌دارد.

این گروه کمان میبردوباقیماندن جدا — فرهنك — اوست و سایرامور اجتماعی خواهد توانست تا ابد چهره خود را بپوشاند وخود را خادم ملت نشان‌دهد.

سرگردانی و بیهدافی عمومی — عقب افتادگی‌فرهنك — خرابی وضع بهداشت و بحرانی که اخیرا در داخل جامعه ما بوجود آمده است و در نتیجه عده‌کثیری از برادران‌مارا در گورستان‌ها ذلیل وسر گردان ساخته است‌همه‌معلول کار و کوشش این گروه است بیلان فعالیت و تسلط این طبقه چیزی جز بدبختی عمومی — بیدانشی وفقدان‌وسائل بهداشت وزندگی نیست.

دورانی که عده ای دوالیا خون ملت را بمکند و خود راخدمتگذارجامعه معرفی سازند.

دورانی که عدهٔ تلایق بعنوان‌داشتن امتیاز و تملك وسائل حیات مردم خود را نماینده ومظهر ملت‌نشان‌دهند و امور رابنام ملت ولی برای نفع نهائی خود بجریان اندازند در حال‌سپری‌است ملت‌ها بحقوق خود آشنا گردیده و اختیار زندگی خود را بدست می گیرند.

ملت ما از دنیا بر کنار نیست — مردم جامعه ماهم بیدارشده‌اند. بیکره های پرمدعا راکه ماسك خدمت بملت برچهره زده اند مدتی است شناخته‌است وهنگامی که در نتیجه کوشش ومنجمی‌مردم‌بیدار طیفهای هرزه از پیکر اجتماع زدوده‌شد انواع طفیلیها هم از صحنه جامعه رخت برخواهند بست.

آن‌وقت است! که مردم بدون‌بیم‌از گرسنگی ومرك درتنیجه نفرخودخواهند توانست اختیار زندگی وفرهنك و کلیه امور مربوطبحیات خود را در دست بگیرند.

تاآنروزز یادفاصله نیست.

عالم یهود

قابل توجه یهودیان ایران

اولین شماره دوره‌جدید عالم‌یهود دیروز منتشر شد

هر چهارشنبه از روزنامه‌فروشهامطالبه کنید

«قابل توجه اهالی‌محترم بابل»

بنگاه مطبوعاتی آزاد حاضر است روزنامه‌های اشتراکی شمارا بوسیله‌موزعین خود بشما برساند.

بنگاه مطبوعاتی پروانه

نماینده روزنامه نیسان درسنندج نمایندگی مطبوعات‌را می‌پذیرد

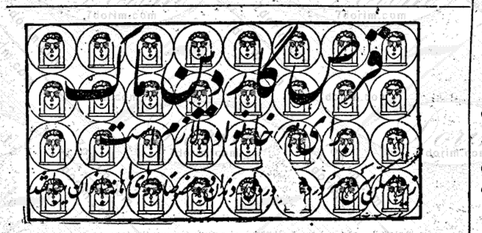

بقیه‌ازصفحه۱

آقای بشیر مراد منشی هیئت مزبور که مرد جوان و منظمی است از اوضاع کشور خویش برای هما سخن می گوید :

کشور الجزیره که با مساحت هشتصدو پنجاه ویك هزارو دویست هشتاد و چهار میل و جمعیت نزدیك به ۱۰ میلیونی خود در قسمت شمال آفریقا جنب دریای مدیترانه قرار گرفته است ؛ دیر زمانی قبل از جنك اخیر و پس از آن بمناسبت موقعیت خاص و معادنی که در این کشور وجود دارد ؛ فرانسویان اشغالگر و رفقای انگلو آمریکن آنها را لحظهٔ از بهره‌برداری و استعمار این کشور باز نداشته است ، در پایتخت و سایر شهر های بندری «آران» «فیلی پویل» و «قسطنطنیه» که در کنار دریای مدیترانه واقع شده‌اند امروز کارخانجاتی برپا گشته که بیشتر اسهام آن متعلق به‌سرمایه داران فرانسوی وسایر کمپانی‌های خارجی و یا ایادی و عمال آنانست . مثلا کمپانیهای انگلیسی بنام بازیکیها مشغول بهره برداری الفت در عقب آن‌ماسیهای کمپانی‌های آمریکائی هویدا است .

بنیر از تعدادی از شهر های ساحلی که بمناسبت موقعیت خود تا اندازهٔ مظاهر تمدن در آن نمودار است ؛ بقیه‌شهرها وبقیه اهالی کشور گرفتار فقر و فاقه شدید و بیشتر سر زمین‌های این خطه خشك و بایر است .

وضع کشاورزی در آن سامان خیلی‌عقب‌افتاده بیشتر زمینها در دست مالکین بزرك خارجی فرانسوی و سرمایه داران داخلی‌از قبیل آقای سیاح عبدالقادر می‌باشد .

بیشتر کشاورزان ، جز بهره برداری هوائی ، از زمینها ، هیچگونه پیوستگی بازمین ندارند و اربابان جهت بهره برداری‌بیشتر از زمین ظلم وجور زیادی بر کشاورزان روا میدارند .

هر هکتار زمین معادل چهار صدوپنجاه هزار فرانك‌فرانسه درآمد دارد که باید بدون چون وچرا به اربابان فرانسوی یاعمال آنان تادیه شود ، در بعضی از قطعات دور افتاده که شاربامالی بیشتر است مقدار کلان‌تری وجوه باید تسلیم آنان نمود ، این در-آمدهای هنگفت جز نتیجه زحمت و عرق جبین و مکیدن خون‌مردم آندیار از کجامی‌تواند فراهم‌آید ؛ این دهقانان با درآمد غیرمکفی جز باسیر نمودن خود یاران خالی بچه چیز زندگی می کنند که قریب بیشتر از دهاتین در خانه هائی زندگی می کنند که قریب دویست سال پیش بدست اجداد آنان بنا شده ، تازه این کلبه‌های مخروبه کثیف :این خانه های نشی بدهقانان‌تعلق ندارد ، هزصورتی اجازه سکونت در آن را خواهندداشت که جهة اربابان کارنمایند؛ بوسیله قوانین موضوعه قدیمی و سنن و آدابی که کم‌کم صورت حکم و قانون یافته است دهقانان در صورت ابراز اندك جنبش و اعتراض فورا از خانه خود بیرون رانده خواهند شد !

دهقانان وکارگران از صبح زود تاشامگاهان در کارگاهها و مزارع بکار مشغولند . کثرت ساعات کار هیچگاه اجازه‌نمیدهد که آنان روی زن و بچه و عائله خود را به‌بینند ، اطفال نیز در مزارع و کارگاهها ناگزیرند باوالدین خود همکاری کنند ـ غالبا اطفال و بچه های شیر خوار بوسیله طناب و ریسمانی به پشت مادر همان بسته شده‌اند آنان ، در زیر آفتاب گرم آفریقا ؛ و در زیر باران و برف هیمنطور باید با مادرشان باشند ؛ برای کسانیکه در کشور سوسیالیستی زندگی می کنند این قصه‌ها باور نکردنی و وحشت انگیز است .

ما حتی درجمهوری ازبکستان شما یك نمونه‌عقب‌افتادگی‌صنعتی و فلاحتی و فرهنگی دربین مردم‌ندیدیم .

اکنون آقای محمد بوعالم چون ۲۶ساله کارگر تعمیر گاههای بندری از وضعیت خود و کارگران آفریقا برای شما صحبت می کند :

آقای بوعالم می گوید من از سن ۱۳ سالگی ناگزیر در دکان و مغازه مربوط به صنایع مستظرفه بکار مشغول گردیدم ، فقر وعدم استطاعت والدین باعث شده که از وجود من برای کار استفاده‌شود .

درماههای اول بیش از سی فرانك اجرت باینجانب تعلق‌نمی گرفت ، مدتی بیکار، زمانی بلیط فروش سینما و اوقاتی کارگر بندری بوده ام ، هیچگاه درعمر خود موفق نشده ام پس اندازی داشته وچیزی برای ایام بیکاری داشته باشم .

آقای بوعالم درصنایع مستظرفه کار مینموده امثال او نیز روزانه بیش از ۷۳۵تا۶۳۵ فرانك (۴۵ تا ۶۰ ریال) دارند ، اما او که بیشتر روزها درماه و سال بیکاراست وامثال‌اوفراوانند دراین ایام نفرت و بی‌کاری باچه درآمدی‌میتواند زندگی ومعاش خود را تامین‌نماید ؟

غذای او و چهار بچه و عیال و عائله اش از کجا باید تامین‌شود ؟

چه دولتی و چه تشکیلاتی مسئول زندگی این مردم است؟

حداکثر حقوقی که تاکنون کارگران الجزیره توانسته اند دریافت دارند هر ماه بیش از ۱۵۰۰۰ فرانك (۱۰۰۰ تا ۱۶۰۰ ریال) نیست و حد متوسط تقریبا یازده هزار فرانك بسر آورده شده است .

آیا این پولها چه دردی را علاج خواهد کرد ؟ ـ غذای‌این مردم ، یعنی این کسانی که چرخ و مهره کارخانه‌ها دردست آنهاست جز سوپ برك گیاهان وسیب زمینی پخته چیزی نیست . اجاره بهای منازل ، همان کلبه خرابه ها که شرح آن فوقا ذکر شد ۲۰ درصد از مخارج زندگی آنان را تشکیل‌می‌دهد . تصور نکنید دراین منازل فقط کارگران باعائله آنها می‌توانند زندگی کنند

خیر مساحت این اطاقها که جمعا ۱۰ الی ۱۲ متر است اختصاص بچند خانوار دارد .

درهر گوشه از این اطاقها اشخاص معلول ونحیفی که‌همان کارگران و زحمتکشان کشور الجزیره هستند بزندگی‌مشغولند . فرش این اطاقها ، از پوست حیوانات ،حصیر وبوریا ونصف‌اطاقها حتی‌آن‌راهم ندارد .

کارگران بیش از یك جبه حایی ندارند که آن‌هم صورت جدان و کمدظرف‌غذاوغیره‌را دارد .

امپریالیزم سعی نموده است این بدبختی‌هاوبیچارگیها را بنام رسم‌وقسمت بآن‌ها معرفی کند ، رسم وقسمت براین است که ما در مغاك های مرطوب زندگی کنیم دربین انواع میکروبهاوبدبختیها غوطه خوریم و در این حالت روزگاری را طی کنیم ،ودیگران آنهائی که باخون ملت بزندگی سرتاپاناز خودادامه‌میدهند ،دارای اطاق های مفروش ، وسائل‌استراحت و غذای مکفی وزندگی‌مفرح ولو کسی باشند .

اکنون آقای دکتر سلیمان بن سلیمان رئیس‌هیئت‌نمایندگی برای شما قسمتی دیگر از زوایای زندگی مردم افریقا را تشریح می‌نماید :

میگوید الجزیره برای اهالی ۱۰ میلیونی خود فقط ۱۰ بیمارستان دارد که مجموع تخت خواب‌های آن بیش ازچهار هزار عدد نیست .

آفریقای شمالی را

بشناسید

کرایه اطاق و بستری شدن در مریضخانه بدون‌مبلغ ۸۰۰ تا ۱۵۰۰ فرانك‌است .

آمار متوفیات وهشانسانه‌ها درتونس نشان میدهدکه اغلب بچه‌ها یعنی ۲۰ تا ۵۰ درصد آنان قبل از سن ۲ سالگی بدرود حیات می گویند .

در تونس که جمعیت آن سه میلیون است حتی‌یك‌بیمارستان جهت اطفال وجودندارد .

یکدستگاه طبی مجهز برای‌کارگران موجود نیست . به الجزیره که نظر افکنیم نیز باینگونه آمارها برخورد میکنیم .در آنجا نیز قریب یك میلیون اطفال که بسن مدرسه رسیده‌اند ، قلت مدارس ـ عدم بضاعت ، وسخت گیری‌های مربوط بدخول آنان در مدرسه باعث شده که آنان ویلان وسرگردان باشند در خاك تونس که نزدیك به چهل و پنجهزار میل وسعت دارد فقط نود هزار نفر از بچه ها بمدرسه میروند و قریب نیم میلیون دیگر در مدرسه پرویشان بسته است . معلوم نیست سرنوشت این اشخاص‌بدست چه کسانی است ؟

محمد بوعالم میگوید پس‌از مدرسه تازه محصلین‌سرگردانند باآنکه به‌هرکاری راضی‌هستند .

اما بهر مکانی رجوع میکنند غیراز عده قلیلی بقیه بیکار خواهند ماند ، تازه آنها کارگرفته اند ـ ناگزیرند در بنادر ـ ایستگاه ها و خیابان‌ها مشغول کار گردند . عده‌که شمار اقتصادی مانع ادامه تحصیل آنها است از قبیل خود او نتوانسته است تحقیقات خود را پایان دهد ، ۹۶ درصدمردم بی‌سوادند ـ یك‌شاعر ملی‌الجزیره بنام‌آقای یاسین کاتب گفته است «این‌جهل‌وعقب‌ماندگی نمونه‌ای ازمظاهرتمدن سرمایه‌داران فرانسویست که جهت‌مرز و بوم ما سوغات آورده‌اند »

اما درموضوع تشکیلات و اتحاد کارگران های بشیر مراد ادامه میدهد : تصور نکنید با توصیفی که در بالا شد تمام‌مردم از زندگی مایوس گشته یا با آن بدبختی ها ساخته و مطیع بعض می باشند ، خیر ، افکارآنان بخصوص در سالهای اخیر روشن شده ، وضع و تربیت کارگران بمناسبت اینکه غیز از مردم‌بومی از ملیت های فرانسوی ، تازه واردین اسپانیا و سایر ممالك اروپائی در آنجا مسکن دارند رو به بهبود گذارده است .

در اوائل امر آن‌ها متشکل نبودند . امپریالیستها نیز با تفرقه اندازی با رجحان اروپائی بر بومی برحکومت خود ادامه میدادند ، اما از سال ۱۹۳۶ که اولین عملیات مکارانه پلیس را ملت شناخت و پی بماهیت استعمارگران برد ـ این جماعت مختلف العقیده را واداشت تا باهم برای آینده پیوستگی داشته باشند . و از آن روز که پایه گذاری این اتحاد گذاده شد تاکنون پیشرفت های محسوسی شده‌است ، مثلا آقای مراد مغنی رئیس کارگران بیمارستان فرانسویها بوده که ۸۰ درصد اعضاء آن مریضخانه را تشکیل میداده‌اند ، و همینطور قسمت تعمیر گاهها که ۹۰درصدآن را اعراب تشکیل میدهند . بوسیله اروپائیها روشن فکر رهنمائی و هدایت می گردند .

هیئت اعزامی آمار وسالهٔ‌ای را ارائه دادند که ازفعالیت کنگره چهارم اتحادیه ها در ماه مه امسال حکایت میکرد . دراین رساله ازفعالیت کارگران جهة بهبود وضع اقتصادی وهمچنین‌دخالت آن‌ها درزندگی وسیاست روزمره یاد شده ، مثلا فعالیت اتحادیه ها در مارس ۱۹۴۸ مربوط بانجمن های بلدی، اتحادیه مربوط بکشاورزان درتابستان همان‌سال، اعتصاب ۶۷ روزه‌در اکتبر وسامبرهمان‌سال، اعتصاب کارگران درآوریل۱۹۴۹، اعتصاب ۲۵ هزار نفرکارگران درنوامبر ۱۹۴۵ اعتصاب کارگران تعمیر کاهها که درمارس امسال بمناسبت ورود کشتی های جنگی جهة ویت نام صورت گرفت دراین‌آمار ذکرشده است .

آقای محمد بوعالم میگوید : شهرستان بندری (اران) تاکنون دربین اهالی بنام پیش قراول نهضت‌دموکراتیك‌واعتصابات شناخته شده ووری این اصل بل پیروزی با بقول امریکائی‌ها «بندر اتنی» نامیده میشود . بندری که در جنك اخیر نیز تمام توجه آمریکائی‌ها بدان معطوف بود .

مرکز حمل ونقل اجناس وتنها بندریست که می‌توان‌ازآنجا نیرو واسلحه ومهمات بسرزمین ویت نام ارسال واعزام داشت . ما نیز قصد داریم آن را بعنوان یك جای پایگاه از پایگاه صلح جهانی بمالیان معرفی کنیم و آمد ورفت آتش افروزان جنك را درآنجا قطع نمائیم .

بمناسبت تجربهٔ کافی که کارگران بندری در برخورد بامصائب پیدا نموده اند، می‌توانند بالاتفاق از همه نژاد ها در موقع سخنی بمالیان معرفی کنیم و آمد ورفت آتش افروزان جنك را درآنجا قطع نمائیم .

بمناسبت تجربهٔ کافی که کارگران بندری در برخورد بامصائب پیدا نموده اند، می‌توانند بالاتفاق از همه نژاد ها در موقع سخنی بمالیان معرفی کنیم و آمد ورفت آتش افروزان جنك را درآنجا قطع نمائیم .

نماینده ای که ازطرف آقای « جولیزمسوك » آمده بود اعلام نمود ؛ « من آمده ام که آن ها را با یك پنجه یا نیکاهبارم » اماکارگران آتش افروزان جنك را بایك پنجه پاسخ خواهند داشت .

پاسبانان مخفائی در خیابان‌ها کماشته شده ، این پاسبانان علنا بسوی هواداران صلح شلیك میکنند و روی این اصول جنك‌و گریزی در میگیرد ، اما مردم با عملیات متقابله پلیس را عاجز نموده اند .

زنان مسلمین که درفعالیت ها هرکت مینمایند میبند درجیب خود قدری فلفل دارند که با برخورد بپلیس درچشم اوریخته واسلحه آنان‌را ضبط می کنند . مردم از ملیت های مختلف دارای مشاغل- کارگری- طبی- معلمی- دهقانی در راه صلح فعالیت میکنند ، بل دموئستراسیون‌های‌عظیم‌به«واربابان» ایدوارادهملت‌رامی‌نمایانند ، در هرهفته یکی دو کشتی حامل مهمات به (اران) می‌رسد،اماکارگران بندری هیچگاه اجازه نخواهند داد حتی یکی از آن ها، بقصد ویتنام حرکت کند .

آن‌ها هرچقدر فقیر باشند ترجیح می‌دهند که حتی با قربانی کردن خود دروراه صلح نگذارند آتش جنك دوستان آنان را از بیخ ببرد .

تا ماه اوت قریب دویست وهشت هزار امضاء در ذیل بیانیه استکهلم جمع آوری شده بود . این جمع آوری امضاء با فشار روز افزون پلیس- خیرخواهی و آزادی دوستی‌وروشن‌شدن افکار آن سامان‌را میرساند .

یکی از دهاتین بنام آقای میاز می گوید او بتنهائی موفق شده است ۳۹۰۰ امضاء جمع‌آوری کند . نامبرده میگوید، ماقفیر وضعیف ومریض‌هستیم، اما امید بآینده داریم وبرای زندگی‌آینده که صلح سرچشمه فیاض آن‌است بامیدن بدن هـای تحیف مبارزه انسانی خودرا برای برافراشتن درفش‌صلح‌ادامه خواهیم‌داد، پیشواز وروزافزون مردم ازامرصلح بخصوص از زمانی که آمریکائیها وسنا جنك کره‌را شروع‌نموده‌اند آغاز گردیده است .

جنك کره بتمام جهانیان ، شرق‌وغرب ، مستعمره نشان داد که دموکراسی ترومن و آزادی اربابان ماوراء بحار کم از آزادی دادن ربا کاران فرانسوی نیست وچرنابودی‌هده‌ای‌جهت‌ملتی‌افریقا و آسیا در برندارد . باعکسها وآماری که از کره بدست ما رسیده بخوبی واضح شده که ملك آرتیر وشرکاء چگونه بیجها را بیدریغ پسر مردم میریزند . چگونه این عده معدود هوراییل جهانیان گردیده‌اند . روی این اصول کارگران ایام استراحت خودرابیشتر جهة جمع آوری امضاء صرف مینماید ، هیئت حاکمه فرانسوی و پلیس وطنی‌سعی میکند کوشش این رادمردان‌را مخالف مصلحت ملی ، قلمداد نماید ، جلوگیری مردم را از ارسال اسلحه عملیات ضدملی‌نام نهند ، اما ملت کماکان‌وراه صلح پیش‌میرود و با عملیات خود به اتفاق تمام ملل هستان بر دهان جنگجویان سرکش خواهند زد

بقیه‌درصفحه

پانزده سال بود که لندن را ندیده بودم ، شکی نیست که خیلی چیزها دراین مدت تغییر کرده است ، زرق وبرق فکلی‌هـای میدان پیکادیلی کمترشده ، خرابیهای منازل ظاهرگشته ، وبیشترین های منازه‌ها معمرتر گردیده وروزنامه‌ها کمتاختر بنظر میرسند . سابقا انگلیسی‌ها کلمات انگلیسی را که بالهجه غیر انگلیسی ادا می‌شد باشکال می‌فهمیدند ،

اینك آن‌ها از این حیث ترقی کرده اند زیرا لهجه‌ا کلاهها ومی سی سی بی بیش از اندازه بگوشش خورده است . کاخهـا مجسمه‌ها وبناهای یاد بود مانند سابق برشکوه و پـرطمطراقند . ولی تب ولرز امپراطوری درزندگی روز مره لندن نیز محسوس است . اکنون سیاستمداران لندن دیگرسردمدار نیستند بلکه آواز دیگران دم میگیرند .

مردم ساده آن بتدریج این موضوع را درك می کنند کـه بودجه ماهانه ، تکه گوشت وبا احتیاجات مطبخ آن ها بسته باین است که دیـروز آقای تـرومن چـه گفت و فـردا آچسن چه خواهد گفت .

لندن تغییر کرده است ، ولی باوجود این بصورت همان‌لندن سابق باقیمانده است . لندن باشکوه ـ لندنی که مانند هرطولانی ومثل زندگی پراز تضاد است . هربار که من در خیابان‌هـای این شهر بزرك پرسه میزنم وهرگاه بزاغه های‌آن نظر میافکنم بیاد دیکنس میافتم . کسی که انگلستان را نشناسد ممکن است دیکنس بنظر او نویسندهٔ رمانتیکی جلوه کند یعنی نویسنده ای که فقط دورنك را دوست دارد ، سفید وسیاه ، و شخصی که برای او فقط بهشت وجهنم، نیکوکاروبدکار وجودداردو .

ولی دیکنس دروافع رئالیست عمیقی بود ؛ آنچه را که او توصیف کرده است‌نه‌تنها وجود داشت بلکه امروز هم وجود داره از آن جمله «دختر بیچاره درخانـه سیاه هـرد زده» ،تعمل و فقر ، قربا نیان ساده لوح ، جنایتکاران سالوس ، اطفالان بدذات ، جنجال طلبان طمعکار، ریاخوار، بی‌رحم وخوش اطوار ، غم و اندوه دربدر شده‌ها ، درد ورنج‌آزردگان ، پرکاری ، شرافت ، تحمل وطاقـت تودهٔ مردم ، وتکبر ونخوت ، حمایـگری خـونـره وبـی رحمی سیتی (لندن)

ملت انگلیس درطی سالهای آزمـایش خصایل روحی خود را نشان داده است . خرابه‌های پاك نشده ، پرده‌های بیجان و بـی فروغ خانه‌های معقرچوبی که درزمستان سرد و در تابستان بطور طاقت فرسائی گرم است،مارا بیاد چیزهائی میاندازد که برسراین شهر گذشته است .

مردم ساده لندن درسالهای بمباران های هوائـی ، از خود آرامش ومردانگی بروز دادند ، باتحمل فشارها ومحرومیت‌هاشان دادند که متانت زیادی دارند . درلندن برخلاف همسایه خود فرانسه؛ «بازارسیاه» هرگز رواج نداشت . مردم باکارت‌جیره‌بندی زندگی می کردند . تاکنون هم جیره‌بندی برای اغلب مواد از قبیل کوشت ، چربی ، تخم مرغ ، قند ، چای وصابون برقراراست . این موضوع را نباید بحساب لیاقت حکومتی گذاشت که پرواز بمب افکن‌هارا بربالای سراهالی مالوی‌به قند بیروی میرانگلیسها ترجیح میدهد، معذلك‌آن خونسردی راکه به فردسادهٔ انگلیسی امکان میدهد که از قند واحتکارصرفنظر کند می‌توان و باید بحساب لیاقت فردسادهٔ انگلیسی گذاشت .

من دربارهٔ خرابه‌های مرکز لندن وراجع بمنازل محقرچوبی که مخصوصا در کوبهای فقیر آن مشهود است صحبت کردم . نمی توان گفت در لندن هیچ چیزی نساخته‌اند ، برعکس، میسازند ولی کافی نیست .

من یك ردیف ساختمان‌هائی رادیدم کـه حکومت برای رفع احتیاجات دولتی شروع کرده بود ولی حکومت بـرای تمام کردن ساختمان آن‌ها پول کافی نداشت و ناچار آن را بیك بنگاه بخصوصی فروخت وا لنون قسمتی ازآن خانه هـای ساخته شده را اجاره کرده است . انگلیسیها دراین باره با خندهٔ استهزاء آمیزی صحبت می کنند . انگلیسی‌هـا درسیاری از مـوارد مجبور بخندهٔ استهزاء آمیز میشونـد . باید صـراحتا گفت کـه اینهـا خندهٔ هادی نیست .

در کنفرانس مطبوعاتی ، یك روزنامه‌نگار انگلیسی از من پرسید که نظر من دربارهٔ مقالـه خـودم تحت عنوان « گفتگوی صادقانه» کـه در سال ۱۹۳۴ در روزنامـه « ایزوستیا» چاپ شده است چیست ؟ ایـن مقالـه بانتقـاد از « ایـتوریست » اختصاص دادهٔ شده بود که کارگاه خارجیها را در موقعیت ممتاز- تری از افراد شوروی قرار میداد : پاو جواب دادم ، حقایقـی را که نوشته بودم در واقـع هفتده سال پیش وجود داشت ومن آن وقت علیه این موضوع در روزنامه چاپ مسکو اعتراض کردم .

من‌بازروزنامه نگار خاطرنشان‌ساختم که درلندن مغازه‌های کثیری وجود دارد که اجناس‌آن‌ها فقط بسیاحان خارجـی فروخته می‌شود (این اجناس‌را باکشتی و یا هواپیما میآورند) انگلیس‌ها پیراچهٔ خوب ، مصنوعات پشمی واشیاء دیگری که درانگلستان‌تهیه شده وآنان حق خرید آن‌را ندارند ـ با نگاه حسرت مینگرنـد ـ تمام این‌ها به امریکائی‌ها اختصاص داده شده‌است .

من از روزنامه‌نگار مزبور پرسیدم آیا او یا همکاران او برضد این موضوع اعتراض میکنند یاخیر ؟

او بمن هیچ جوابی نداد .

انگلیسی‌ها چرا محرومیت ها را تحمل میکنند ؟ چرا آن‌ها با اطلاع از اینکه اشیائی که‌تهیه میکنند بآن‌طرف اقیانوس میرود کار میکنند : چرا آنان در منازل محقر چوبی میلولند ؛ در تمـام سالهای جنك بآن‌ها گفته میشد که این‌کار برای آزادی ازوابستگی اقتصادی و از قیمومیت امریکا لازم است .

یك فرد انگلیسی ساده که شخص شرافتمندی است میل دارد که بشرافت دیگران نیز اعتماد داشته‌باشد . مدت مدیدی ، شاید طولانی تر از حد معمول ، او بشرافت اداره کنندگان خود اعتماد داشته است ولی درتابستان برای اولین بار دراین باره بشك افتاد . وقایع خاور دور به فهم این مطلب که چرا او باید در منازل چوبی زندگی کند و یا چـرا بایـد گوشت نهنك بخورد بـاو کمك کـرد .

با وجود دروغ پردازیهای جرایده ، انگلیسی متوسط میفهمد که چه کسی اول بار بکره هجوم کرد ، او میداند که رژیمی که از طرف امریکائیها درجنوب این کشور برقرار شده‌است تفاوت زیادی بارژیم چیانکای هك ندارد .

انگلیسی ساده با اضطراب میخواهد که اشغال‌جزیره بزرك چینی (فرمز) ازطرف امریکائی‌ها خطر اشتغال‌نایره جنك‌جدیدی را دربر دارد . در اینجا حتی روزنامه های تروست هاهم نمیدانند چه دروغی اختراع کنند ، چگونه بخوانندگان خود این موضـوع را توضیح بدهند که انگلستان با وجودآن که جمهوری توده‌ای چین را برسمیت شناخته چرا باید از امریکائی‌هائیکه فرمز را اشغـال کرده‌اند پشتیبانی کند ؛

از: ایلیا ارنبورك

خاطرات لندن

درتاریخ سی‌ام ژوئیه آقای اتلی نطقی خطـاب بانگلیسها بوسیله رادیو ایراد کرد ، او اعلام نمود که ازامروز زندگی سخت تر خواهد بود زیرا آن‌ها باید مسلح شوند .

اگر تاکنون امپریالیست‌ها باگفتن این مطلب که « ما باید از وابستگی اقتصادی آزاد شویم » مردم را دعوت به قربانی شدن میکردند ، اکنون آقای اتلی به هم میهنان خود پیشنهاد می کند که کمربندخودرا بازهم تنگتر نمایند ، تاآن که سرانجام ازاستقلال سیاسی خلاص‌گردند و به سربازان واقعـی برای جنگی کـه بنفع دیگران است تبدیل شوند !

هر روز بانگلیسی ساده میگویند که روسها اسلوب زندگی خانه و جزیره زاد وبومی‌او راتهدید میکنند . نمایـ کان حکومت انگلیس درمسکو روزنامه‌ای منتشر مینمایند که اسم‌آن‌را سالوسانه « متفق بریتانیائی » نامیده‌اند . آن‌ها میخواهنـد خوانندگان معدود روسی را متقاعد کنند که گوئی بریتانیای رسمی متفق اتحاد شوروی است .

همین اشخاص درلندن به (خوانندگان خود که متاسفانه عده آنها زیاد است) تلقین میکنند اتحاد شوروی ، دشمن سوگند خورده بریتانیای کبیر است .

بمن فرصتی دست داد کـه این خصومت و گستاخی حقیقتا امریکائی یکعده از روزنامه‌های‌انگلیسی را نسبت بخود تجربه کنم روز ورود من به‌لندن روزنامه «ایوننك نیوز» مقاله‌ای تحت‌عنوان کاملا جنتلمن ! « چرا ایلیارا راه داده‌اند ؟ » چاپ کـرد . در میتینك میدان ترافالسگار خبرنگاری از من کیریت خواست . من باید قوطی کبریتی را دادم که روی برچسب آن داس وچکش ترسیم شده بود .روز بعد دو روزنامه‌ها عکسهائی از « کبریت‌های ایلیا» چاپ‌کردند . حکم مورد اثبات‌آنها این بود که روسها می خواهند دنیا را آتش بزنند !

پیروان موزلی ها (رهبر فاشیست‌های انگلیسی ـ مترجم) با الهام از عملیات‌زشت ضد شوروی امپریالیست‌ها سربلند کرده‌اند هنگـام متینك هـواداران صلـح ، فاشیست ها ترقـه پرتـاب می کردند و اوراق تحریك آمیز پخش می‌نمودند . یکی از این جنتلمن هاتریبون متحرکی را به در مهمانخانه اینکه من در آنجا زندگی میکردم کشانیده و در پناه پلیس های گردن کلفت « سرخها » را مورد نفرین ودشنام‌قرارمی‌داد .

باید گفت که بعضی از لیبرالیست ها در تحریك انگلیسی ها برضد اتحاد شوروی‌می‌توانند باقاشیست‌ها،جشمی کنند .

کارکنان روزنامه « دیواستین » مرا به صرف ناهار دعوت کرده بودند و توضیح دادند که این یك ملاقات دوستانه خواهـد بود . در میان‌سایر ادبا آقای کروسمن نماینده کارگرنیزدو سر میز ضیافت حضور داشت . اگر چه من مدتها است قریبه‌جوانـی هلکت زدگی را از دست داده ام معذلك آقای کروسمن مرا بـه هلکت آورد. او گفت که فقط ذخایر بزرگی از بمب آتمی‌در آمریکا می‌تواند به همکاران آقای کروسمن درانگلستان امکان ساختمان سوسیالیسم را بدهد . دو روز بعد این‌سوسیالیست «بیه آتمی » نطق بزرگی در باره سیاست خارجی انگلستان درپارلمان ایراد کرد و ضمنا قسمت مهمی از نطق خود را بمن اختصاص داد .

آقای کروسمن گفت که با من ملاقات کرده است . در طرف راست پارلمان خنده در گرفت . آقای کروسمن هجلـه کرد و خواست خود را تبرئه کند : « باید وشمنـان خـود را مطالعه نمود » ،بعد از آن آقای کروسمن سخنانی بمن‌نسبت داد که‌من‌البته نگفته‌بودم .

« انگلیسهامانندفرانسوی‌هاه‌ازلحاظ روحی‌ونه‌ازلحاظ‌مادی نمی‌توانندجنك کنند ولی‌تفاوتی که با فرانسوی‌ه دارند این‌است که انگلیسی ها باین موضوع پی نبرده اند » آقای کروسمن بدون آن که از عجبات سرخ شود ادامه داد . « ریتروپ هیتلرهیتلرو فکر می کرد » معذلك سابقه این جنتلمن چنان است که‌چندنفر از نمایندگان فورا در صحت گفتار او شك کردند . در اینرك‌نماینده کارگر محجوبانه در روزنامه « رینولدنیوز » متذکر شد که‌رفیق او اندکی سخنان میهمان شوروی را تحریف کرده است . دو روزنامه بزرك تایمز و منچستر گاردین نامه مرا چاپ کردند. من توضیح دادم که به کارمندان روزنامه « پنواستیستی » در باره اختلاف بین بورژوازی پیشرو فرانسه و بورژوازی انگلیس‌سخن گفته ام . من گفته ام که بورژوازی فرانسه شروع بدرك ایـن موضوع کرده است که وی نمی‌تواند در جنگی که آمریکا بـپا میکند فرانسویها را بعنوان سرباز وارد کندولی‌بورژوازی‌انگلیس هنوز این موضوع را درك نمی کند . در این نامه من توضیح دادم رینتروپ جنایت کارجنك فکر می کرد که انگلیسها قادر نیستند از میهن خود دفاع کنند این‌نه‌تنهاست‌بلکه‌احمقانه‌بود . واما من‌به آقای کروسمن‌وهمکاران‌او گفته‌بودم که به‌عقیده‌من‌ملت‌انگلیس‌قادربه شرکت در جنك تجاوز کارانه نیست و اگراین موضوع‌باعث‌رنجش آقای‌کروسمن‌شده است معذالك دشواربنظر می‌رسد که‌این‌موضوع بتواندانگلیسهای‌صلحدوست‌ودرستکاررابرنجاند .

در خود حزب کارگر سراسیمگی مخصوص مشاهده میشود بیش از بیست نماینده پارلمان بر ضد ماجرای کره اظهـار نظـر کرده اند . درست است که بعضی از آنها پس از اتمـام حجـت وستگاه رهبری حزب از قطعنامه متفقه‌معدول نبودند ولی‌عده‌دیگری که در راس آنها دویس قرار داشت تسلیم نشدند . آنان پشتیبانی مردم ساده انگلیس را که انتخاب کنندگان آن‌ها هستند احساس می کنند . من‌مدت زیادی باعده‌ای ازنمایندگان حزب‌کارگرصحبت کردم . این یك جمعیت رنگا رنگی است و بمن نشان داد که‌حزب کارگر انگلیس چه هفت جوشی است . مثلا یکی از نمایندگـان حاضر تمامی امید خود را بر روی بمب اتمی گذاشته بود ، بسیاری‌از نمایندگان خود را در وضع نا راحتی احساس میکردند . آن‌هـا که از طرف معدنچیان ، فلز کاران و بافندگان به‌پارلمان فرستاده شده بودند ، مایل نبودند سیاست چرچیل را که چندین بار‌از آن باهور و حرارت تـمام انتقاد کرده بودند اجرا نمایند . یکـی از نمایندگان بمن گفت : « من به معدنچیان خود گفته ام که‌از صلح دفاع خواهم کرد واکنون بمن می گویند که باید بـرای جنك رای بدهی ، نه تنها وجدان بلکه عقل سلیم بسیاری ازلیبرالیست ها بر ضد سیاست آقای بوین‌قیام‌می کنند .

بدین ترتیب ، اپـوزیـسیونی ایجاد میشود . ماههای آینده ازدیـك نشـان خـواهد داد که آیا ایـن اپـوزیـسیون در سنین کودکی خود تلف خواهد شد یا استعداد زندگی آن‌بروز خواهد کرد.

انگلستان یکی از تاریکترین و پرمعنی‌ترین دوره هـای تاریخ خود را میگذراند . تا این اواخر ملت‌انگلیس معتقد بود که سیاست لیبرالیست ها با سیاست‌آقای ترومن‌اختلاف دارد،انگلستان از جرارت «بانکی» ها میکاهد و آنرا ملایمتر می کند ، چین جدید را برسمیت شناخته است ، « جهاد » برضد کمونیستها را محکوم می‌نماید و بالاخره برخلاف ممالك متحبه صلحدوست‌است.

این یك پیروزی کلاسیك ریاکارانه است . تامین اواخیر جنبش هوا داران صلح ضعیف بنظر میرسید ، اکنون مثل این است که نیرو می گیرد ، هواداران صلح مزهم کشیش ، هم نمایندگان حزب‌کارگر ، هم کواکرها (کواکر نام فرقهٔ مـذهبی ضد جنگی‌است) و هم نمایندگان روشنفکرانی که کاملا از کمونیسم دور بودند دیدم . جنبش درمیان تودهٔ مردم توسعه میباید . شرکت عده‌ای ازنمایندگان اتحادیه‌های کارگری در کنفرانس تصادفی‌نیست این جنبش گل سرسید روشنفکران را در بردارد .

فرصت مصاحبه با چند نفر از بزرگترین دانشمندان‌انگلیسی بمن دست داد ، تا این اواخر آن‌ها خودشان را ازنهضت هواداران صلح بر کنار نگاه میداشتند و حتی امروز هم باطراف خود چشم میدوزند تا مبادادر اینجا دامی گسترده باشند ، معذلك آنان‌بعنوان مردم شرافتند و بعنوان دوستداران‌فرهنك، تهدیدجنك‌رامی‌بینند و حاضرند در راه صلح مبارزه کنند .

رفتار پرسنلی درام نویس انگلیسی از این لحاظ پر معنی است : او خود را باین در و آندرمیزند ، خودش باخودش‌مجادله میکند ، چاره می‌جوید و بازهم بیشتر سر گردان می‌شود . البته در سال ۱۹۵۰ ایمان به صلحدوستی حکومت انگلیس‌آسان‌نیست برای چنین‌تصوری بایابد نوزاد بود و یا وقیح . بهترین نمایندگان روشنفکران انگلیسی که بر گذشته ملت‌خود افتخار میکنند،میپرسند که جنگی که چند نفر منفعت طلب و غارتگر امریکائـی آرزوی آن‌را دارند ، برای انگلیس که خاکش نسبة کوچك ، شهرهایش بزرك ، صنایعش متمرکز و برای پیماران‌های هوائی طعمه مناسبی است بسیار مهلك خواهد بود . نهضت‌صلح درانگلستان‌میتواند جنبهٔ واقعا ملی بخود بگیرد .

اهالی لندن‌که دارای‌عقاید سیاسی مختلفی بودنه‌بمن‌میگفتند میتینك میدان ترافالگاربزرگترین‌متینك‌دورهٔ‌بعدازجنك بوده است .

بقیه‌درصفحه۶

خاطرات لندن

بقیه ازصفحه ۵

هنگامیکه در متینگ بر بالای تریبون قرار گرفته بودم و مردم لندن مردان و زنان از سنین مختلف و موقعیت های مختلف اجتماعی را میدیدم فهمیدم که جراید بیهوده سعی می کنند مردم لندن را بر ضد مردم استالینگراد تحریک کنند . بقدری در این جمعیت عظیم حرارت وجود داشت و استقبال پرشوری از مردم شوروی شد که... انگلیسی ها کترین شك مینمایند ، در فرانسه میتوان دید که کودکان چگونه اشارات شکاکانه ردو بدل می کنند ولی در انگلستان پیرمردان سپید موی با چشمان ساده و کودکانه خود همیشه مرا مبهوت می ساختند . معذلك زود باوری انگلیسی ها نیز حدی دارد . البته جراید انگلستان ، مداخله امریکائیها را در کره « عملیات جنگی ارتش های ملل متحد » مینامند ولی این نوشته ها کنترکسی را متقاعد می کند .

من نه تنها در کوبهای فقیر شرقی لندن بلکه در هیکترین رستورانها ، این کتابات طعنه آمیز را می شنیدم : « امریکائیها به جنگجویانی از آپ در آمدند . . . کره ایها آنها را می کوبند و آن هم چطور ! بیهوده آنها بهود میپالیدند » در این زهرخنده ها رنجش چندین ساله نهفته است : « تازه ، دوران رسیده ای از « کلرادو » می خواست شیر بریتانیائی را به قلاده بکشد و آن را بجای سگ « پوول » که پشم آنرا قیچی کرده اند قالب بزند ولی اکنون شیر از اینکه می بیند رام کننده اش باسرعت تمام ناچار بفرار شده است شادی میکند . »

یکی از نمایندگان کارگر در ملاقات مذکور از من پرسید : « چگونه ممکن است بدون آنکه به حیثیت امریکا لطمه ای وارد شود بچنك کره خاتمه داد ؟ » نمیدانم در این سئوال بیشتر طنه و یا عطش صلح وجود داشت در انگلستان همه میفهمند که نه به حیثیت امریکا بلکه به حیثیت حکومت امریکا لطمه وارد آمده است .

علاوه براین بسیاری از انگلیسی ها بخاطر دارند که سی سال قبل از این چگونه سربازان انگلیسی در بادکوبه ، اودوروسیك و آوخاتکلسك ص.ه.ه جوئی می کردند ولی سرانجام مجبور شدند دست از پادر از تر بخانه خود بر گردند . شکست مداخلهٔ مسلحانه در روسیه ضربت شدیدی بود که به حیثیت سیاستمداران انگلیسی و نه به حیثیت مردم انگلیس وارد آمد .

در انگلستان سازمانی بنام « شورای ملی صلح » وجود دارد . در این سازمان هم باسیفیست ها (باسیفیست مخالف جنگ است ولو آنکه به قیمت مخالفت با دفاع از میهن و آزادی آن تمام شود . مترجم) هم لیبرالیست ها و هم لیبرالها شرکت دارند . این سازمان تا این اواخر با شدت بر ضد هواداران صلح مخالفت میکرد و اعلام نمود که « میلی ندارد هیچگونه وجه مشترکی با کمونیست ها داشته باشد » . دو هفته قبل « شورای ملی صلح » جلسه ای ترتیب داد که بر حوادث کره اختصاص داشت .

تقریبا تمام ناطقین از مداخله امریکا در کره انتقاد کردند و تقاضا داشتند که انگلیسی ها در ماجرای جنایت آمیز کره شرکت نجویند . بین این سازمان و جنبش هواداران صلح نزدیکی احساس میشود . این نزدیکی را خطر روز افزون جنگ ایجاب کرده است .

همواره امضاها در زیر بیانیه صلح افزایش مییابد . اکنون بیش از یکمیلیون نفر این بیانیه را امضا کرده اند . ممکن است خواننده ایکه با زندگی انگلیسی آشنائی ندارد بگوید که این شماره کم است . من باجرئت مخالف این عقیده هستم و میگویم کم نیست . اگر مبارزهٔ تبلیغاتی جرایدی را که بیانیهٔ استوکهلم را کمونیستی قلمداد میکنند بحساب آوریم ، اگر بخاطر داشته باشیم که حزب کارگر اعضاء خود را از امضاء بیانیه منع کرده است و مقامات عالی مذهبی مانند اسقف اعظم یورك و اسقف اعظم کانتربوری برضد بیانیه مذکور اظهار نظر نموده اند ، این تعداد کم نیست .

تقاضای منع استعمال اتمی آزمایش قوا بود . انگلیسی ها چندین بار از من سئوال کردند که چرا هواداران صلح به محکوم نمودن استعمال سلاح اتمی اکتفا میکنند . من جواب دادم که این فقط اولین قدم است . اکنون مردم همهٔ کشورهای جهان ، قطع عملیات نظامی را در آسیا ، خاتمه دادن به جنك سردرا که ازطرف دیپلومات های امریکائی آغاز شده و آن را دامن می زنند و استقرار صلح پایدار را تقاضا میکنند .

ملت انگلیس نیز همین آرزو را دارد . آقای چرچیل در این کشور به یك هیکل برنقش ونگار بیشتر شباهت دارد تا کسی که به افکار مردم حاکم است . اما در بارهٔ دستگاه رهبری حزب کارگر باید گفت که بهیچوجه نمی تواند در مقابل تقاضاهای امریکائیها مقاومت کند . آقای ترومن میکند می نماید و آقای بوین سعی می کند اشتباه ننماید . ولی در این میان بیتان و افتراهای جراید ، دعوت « بجنك پیش گیری » ، تبلیغ نفرت در قلب انگلستان رسوخ کرده است . نباید تب ولرزسیتی (مرکز شهر لندن) مدیان « دیلی میل » و آه های سالوسانهٔ « دیلی هراله » را افکار واحساسات ملت انگلیس دانست .

آفریقای شمالی را بشناسید

بقیه ازصفحه ٤

یك مقایسه : آقای مراد میگوید لابد حالا میل داریـــد آنچه را که مادر کشور شما دیدیم وشنیدیم برایتان تشریح نمائیم . متاسفانه باید گفت نظریه و پاسخ دادن خیلی سخت و مشکل است زیرا آنچه را که ما هیقا دیده وحس نموده ایم زبان از شـرح آن قاصر است . مادر همه جای کشور با چهره های بشاش و دوستانه ملل اتحاد شوروی مواجه شدیم ، درهمه جا از ما پذیرائی گرمی به عمل آمد ، در همه جا قیافه های شاد ومصممی را داراه زندگی دیدیم ، که می توان گفت تنها در کشورهای سوسیالیستی وبابرنامه هـای سوسیالیستی اینگونه مردمان پرورش می یابند . از اختلاف فاحشی که بین وضع تمدن وصنعت واجتماع واقتصاد افریقا و کشور شوروی وجود دارد میتوان به گفتنته با عزم وجدیت مردم شوروی در بنای کشور سوسیالیستی خود پی برد ، وقتی بقیافه های شاداب جوانان شما وچهره های خود که در همین سن وسال هستیم مقایسه می نمائیم بیشتر پی برنج وبدبختی خود میبریم . بیشتر واقف میشویم کـه صحت وسلامتی وفرهنك واقتصاد مادر گروخواست چه کسانی است که نام انسان برخود نهاده اند ، وقتی ما خانه های زیبا ، مدارس عالی ، کار خانجات معظم ، سر زمین های سبز ، معادن و طرز استخراج آنان را باوسایل الکتریکی می بینیم ، بهتر درك میکنیم که چه اختلاف فاحشی بین مردمان مستعمرات و کشور شما وجـود دارد ، چه فرق کلانی بین مکتب کاپیتالیسم وسوسیالیسم موجـود است . سلامتی وصحت کارگران و کشاورزان شوروی باعث تعجب آقای دکتر سلیمان شده می گوید : من حتی یك رخساره زرد و قیافه رنجور در بین مردم شوروی ندیدم ، برعکس کشور خود که مردمانش غرق دردریای میکرب وبدبختی اند ، واتعجـب می کنـد که مثلا در یکی از بیمارستانهای کارگران شهر تاشکند ۱٦۰ دکتر حاذق مشغول کارهستند .

نماینده دیگر کمیسیون که ازدهاقین میباشد تعجب مینمود از این که وضع کشاورزی شوروی مکانیزه شده وچگونه دهقانان می توانند با اسلوب علمی از زمین ها حد اکثر استفاده را نمایند . چگونه میتوانند از زمینها همه گونه بهره برداری کنند و خلاصه صاحـب زمین و اختیار دار سر نوشت خود هستند ، شاعر جوان آنان میگفت واقعا زنان من عاجز تشریح آزادگی انسانهای سوسیالیست است ، هیئت اعزامی در خانه گفتند ، ما سعی خواهیم نمود بیشترفتهای ملل شما را بمردم خطه خود خاطر نشان کنیم ، مامیتاق خـود را تجدید مینمائیم که در مجاهدت همگانی برضد جور وستم و هـمچنین از پیش بردن و آگاه نمودن مردم کشور خـود ذره ای مسامحه ننمائیم ، کوشش خواهیم نمود بند ها و سدهائی که هیئت هـای حاکمه انگو ساکسن ها و فرانسویان جهة اختلاف بین ملیت ها وهمچنین عدم شناسائی کشور شوروی ایجاد نموده اند از میان برداشته و سیماء حقیقی سوسیالیسم را بملت خود بنمائیم ، و بالاخره ، رجاء واثق داریم که جهانیان روزی درفـش آزادی را با کمك صبیانه ها بر خواهند افراشت ، آن روز نزدیك است .

امریکائیها دوست دارند رجع به خویشاوندی خود با انگلیسی ها صحبت کنند : این فرزند گمراه از آن جهت یاد اصل ونسب میافتد که خانهٔ پدری را در قمار بر سیادت جهانی برباد داده است ، انگلیس ها مدت طولانی است که گوش داده اند ! گاهی هم سادهـ لوحانه مهربانی میکرده اند ولی اکنون دیگر صدا های اعتراض بلند میشود .

« آقا کافی نیست ؟ » این صدا ها شاید در آنطرف اقیانوس شنیده نمیشود زیرا بی سی آنرا پخش نمی کند ولی مردم سادهٔ انگلیس بصدا درآمده اند . من هنگام نطق در لندن گفتم « ضرب المثل روسی خوبی هست که می گوید : تخم مرغها به مرغ درس نمیدهند . ما شاهد منظرهٔ عجیب وناگواری هستیم . سالها است که تخم مرغهـا سعی می کنند به مرغ درس وحتی فرمان بدهند . من از تاریخ انگلستان قدری با اطلاعم ومیدانم که این چنین عاداتی برای هرفرد انگلیسی قطع نظر از معتقدات سیاسی او ، تحمل ناپذیر است . من بفرستی ضرب المثلی که گفتم صمیمانه ایمان دارم ومطمئنم آن ساعتی که مرغ جای تخم مرغها را به آن ها نشان دهد دور نیست . »

هواپیما در ارتفاع کمی برفراز شهر لندن پرواز می کند . گروه خانه ها ، خطوط قرمز اتوبوسها ، نقطه هـای سیاه و سفیـد اشخاصی که در میدان های ورزش با اسباب بازی میکنند دیده می شود . این شهر عظیم به یك ماکت (ماکت یعنی نمونه ومدل کوچك عبارت مترجم) منظم ، دقیق وجلا داده شـده ای شباهـت دارد . واقعا هم این شهر آرام نیست واگر درآن نور وحرارت جنوب ، نمایشهای خیابانی ، برچمها وفریادها دیده وشنیده نمیشود ، اینده خودداری آنرا به سربزیری ومنانت آنرا به تسلیم حمل کرد . ملت انگلیس هنوز حرف خود را خواهد زد ومن گمان نمیکنم که این حرف برای آقای ترومن خوش آینده باشد .

تعلیمات عمومی اجباری

بقیه ازصفحه ۱

درعرض ۱۰ – ۱۲ سال بعد از انقلاب اکتبر برای اجرای این منظور کارهای زیادی انجام شد .

برای کودکانی که سن مقتضی برای تحصیل داشتند مدارس زیادی افتتاح شد . آموزش افراد سالمند توسعهٔ بزرگی یافت ، کادر آموزگاران ملی ، برای تدریس به کودکان بزبان های ملی آن ها ، تربیت شدند ، کتابهای مقدماتی بچندین دوزبان تهیه شد . برای ملل مشرق وشمال که تا آن زمان خط نداشتند ، خطوطی تدوین گردید .

الفبای مشکل عربی که مانع توسعه سواد ملل مشرق بـود ابتدا بوسیله الفبای لاتین و سپس بوسیله الفبای روسی جـانشین گردید .

اقدامات فوق اجازه داد کـه درسال ۱۹۲۵ در جمهوری روسیه وبعضی جمهوریهای دیگر شوروی برای عملی ساختن مسأله تعلیمات عمومی اجباری تاحد آموزش ابتدائی اقدام شود .

اداره سوسیالیستی صنایع و عمومی کردن کارهای زراعتی به وضع مادی مردم شوروی بهبودی بخشید و در نتیجه شرائط مناسب برای توسعه فرهنك بوجود آمد ، مردم به بالا بردن آموزش خود راغب تر شدند .

در سال ۱۹۳۰ در شانزدهمین کنگره حزب کمونیست ، ای ؛ وستالین ، تذکر داد که باید مسأله تعلیمات اجباری مقدماتی هر چه زود تر در شمار اساسی ترین مسائل قرار گیرد . از این زمان تعلیمات عمومی اجباری بسرعتی پیش رفت که برای کشورهای دیگر بی سابقه بوده است .

در ۱٤ اوت سال ۱۹۳۰ کمیته احزاب مرکزی و شورای کمیسر های ملی شوروی قانون اجرای تعلیمات عمومی و اجباری برای کودکان را در میان سکنه ده نشین تا حدود مدرسه چهار ساله ابتدائی و بین سکنه شهر و مناطق کارگری تا حدود مدرسه هفتساله ؛ تصویب نمود .

برای اجرای برنامه تعلیمات عمومی و اجباری سازمان های اجتماعی :

سازمان کمونیستی جوانان ، اتحادیه ها ، سازمانهای تعاونی ، فعالانه شرکت نمودند .

نتایج این مبارزه عمومی مردم بخاطر دانش شگفت آور بود . تعداد کودکان نوآموز هرساله ۲ – ۳ میلیون ترقی جستنود و در تمام شوروی آمار زیر تهیه شد :

	تعداد محصلین (بامیلیون ها)		
کلاسهای	۵ – ۷		چهار ساله مقدماتی
سال ۱۹۲۹ – ۱۹۳۰	۱٦۱٤/۵		۱۱۵۸۳/٤
« ۱۹۳۳ – ۱۹۳٤	٤۰۸۳/۵		۱۷۷٤۹/٤
« ۱۹۳۸ – ۱۹۳۹	۸۷۸۰/۰		۲۱٤۰۲/٤

افزایش افراد با سواد تمام شوروی بوسیله ازدیاد سریع تعداد مدارس برای کودکان ، که مخصوصا درسال ۱۹۳۰ کاملا مشخص است تامین گردید ، همچنین توسعه تعلیمات سالمندان در افـزایش افراد با سواد تاثیر زیادی داشت .

درسالهای ۱۹۲۰ – ۱۹۲۹ سالمانه درحدود ۱/۵ میلیون سالمند تحصیل میکرد ولی در سال ۱۹۳۰ ، در تعـداد آن ها به ۵۷۷۱ هزار و در سال ۱۹۳۱ به ٦۱۸۹ هزار ودرسال ۱۹۳۲ به ۷٦٦۳ هـزار رسید . اکنون در شوروی تمـام افـراد باسواد هستند .

در زمان جنك بزرك میهنی کارهای مربوط باجرای برنامه تعلیمات عمومی متوقف نگردید . از آغـاز سال تحصیلی ۱۹٤٤ – ۱۹٤۵ تصمیم مهمی دراین باره اتخاذ گردید :

فروغ ش آموز اجباری از هفت سالگی اعلام گردید (سابقا برنامه تعلیمات اجباری شامل کودکان هشت سال میگشت) از پائیز سال ۱۹٤۹ ، تعلیمات عمومی و اجباری هفت سـاله در تمام نقاط بموقع اجـرا گذارده شد ، یعنی نه فقط در شهر و مناطق کارگری بلکه درمناطق دهقانی نیز حـد اقل برنامه تعلیمات اجباری اتمام مدرسه هفت ساله مقدماتی مقرر گردید ، این تصمیم درعرض سه سال باید کلا اجرا شود .

این اقدام بوسیله توسعه سریع مدارس هفت ساله ومتوسط در سالهای قبل تضمین شده است .

جمهوریهای ملی شرق ، خصوصا قزاقستان ، کیرگیزستان ، تاجیکستان ، ترکمنستان و اوزبکستان را میتوان نمونه ای از نتایج کار های بزرگی که برای اجزای قانون تعلیمات عمومی و اجباری در شوروی گذشت ذکر نمود .

توسعه فرهنك در میان اهالی محلی این جمهوری ها قبل از انقلاب بوسیله تزاریسم محدود شده بود . « درصد » افراد باسواد این ملل از ۲ – ۳ تجاوز نمی کرد ، زبان بکلی بی سواد بود ، حتی بعداز برقراری حکومت شوروی ، ملاها و ریش سفیدان محلی باسواد شدن زن را تحریم میکردند و آن را عمـل غیر ضروری معرفی میکردنـد .

این ملل از روشنفکران محلی ودر نتیجه آموزگارانی که بتوانند تعلیم کودکان را بزبان محلی بعهده بگیرند فاقد بود . با وجود چنین شرایط نا مساعدی ، در مدت کوتاه ، یعنی یك سوم قـرن وضع فرهنگی این ملل بکلـی تغییر نمود ! در

بقیه درصفحه ۷

محکمه جنائی

بقیه ازصفحه ۱

مردم ، خاطرهٔ آرزوهای مخوف را بـه روشنی درخاطر دارند ، روز یازدهـم بهمن ماه ۱۳۲۷ سوء قصدی که بموجب مدارك مسلمه از منابع استعماری واز افراش و اختلافات خصوصی سر چشمه میگرفت علیـه اعلیحضرت شاه بـوقوع پیوست وسیاست های ضد ملی که ارضاء مطامع سیاه خود را در شرائط اختناق عمومی می جویند با استفاده از فـرصت حمله را آغاز کردند و بقصد لیه آزادی موجود یورش آوردند .

جرائد آزادیخواه بمحاق تعطیل و توقیف افتادند ، و مدیران آن بمحاکمه کشیده شدند ، اجتماعات قدغن گردیدند و احزاب سیاسی و اتحادیه های صنفی « غیر قانونی » شناخته شدند و گروهی عظیم از مردان سیاسی ورهبران اجتماعی را در کنج زندانها جای دادند ، سر نیزه بعنوان « دستور روز » شناخته شد و حکومت نظامی فرمانروای مطلق گردید .

بزودی محاکم نظامی بکار پرداختند و توقیف شدگان سیاسی را به « داوری » فراخواندند ، ماشین پرونده سازی بکار و هر چه که محصول تعقیلات و اوهام مامورین پلیس ونظامی و ثمره پاپوش دوزیهای متداوله بود بعنوان « مدرك وسند جرم » قلمداد گردید !

همین چند روز قبل ، در مصاحبه ای که از طرف مخبر یکی از جرائد بـا زندانیان سیاسی بعمل آمده بود و منتشر گردید .

حقایق عبرت انگیزی از پرونده سازیهای مراجع نظامی بمیان آمـد و افکار عمـومی ، بیشتر از پیش ، از قانون شکنی ها و رسق کشی هائی که نسبت بدیگرهمی از مردان روشندل و نام آور اینسرز وبوم اعمال گردیده است آگاه شد .

زندانیان سیاسی ، ضمانتی از اوراق پرونده های خویشرا بر دیده خبرنگار گشودند ونشان دادند که تا کجـا در محاکم نظامی حق و عدالت پایمال شده وتا چه اندازه یکشت ورق پاره مجعول وبیرون در عذاب وشکنجهٔ ایشان مؤثر بوده است .

آقای دکتر یزدی ، مرد بـزرك اجتماعی وپزشك عالیقدر وورزیا اسپـق برداری را تنها باین عنوان بمحاکمه فرا خوانده اند که طبق « مدارك شبیه » ، بموجب تقاضای اتحادیه کارگران ، چند تن زن ومرد کارگر رادر بیمارستان بستری کرده وبمداوای ایشان اقدام نموده است ، کوشش دوراه بهبودی وبهروزی زحمت کشان محروم وطن ما ، از نظر هیئت حاکمه ، عنوان « جرم » رایافته است !

آقای احمد قاسمی دانشمند ونویسندهٔ نامدار بده سال حبس مجرد محکوم شده است تنها برای آنکه با دعای بازپرسی نظامی ، « طبق سوابق » موجـود در کار آگاهی گرگان مدتها مردم را تحریك بتشکیل ایران نوین می نموده است ! »

چه گناهی عظیم تر از این که در راه اعتلاء ونیکبختی وطن رنجـور ما بذل جهد نمود وایران را سعادتمند وبهروز میخواست !

درصفحه ۸

نوید آزادی
مدافع حقوق زحمتکشان
هر هفته روز های شنبه
منتشر میشود

پاسخ ما بخوانندگان

تهران – بانو پری علیزاده و صغری رضوی و آقایان احمد علیزاده و محسن رضوی – اظهار تنفر مردم شرافتمند میهن ما بالاخـره دولت را مجبور کرد که صدای منحوس آمریکا این بلندگوی وقیح و فعـالش بدنی می کند . درروز ۲۹/۸/۱۷ یکی از دانش آموزان را بطوری زده است که دو ساعت در دبیرستان بی هوش افتاده بوده وبدن او در اثر ضربات چوب کبود شده بوده است . باآنکه شکایاتی شده تاکنون رسیدگی نشده است . از وزارت فرهنك می خواهیم که باین عملیات ننگین پایه گار قرون وسطی خاتمه دهند .

آقای احمد مسافری کارمند سابق شرکت نفت می نویسند که هفت سال قبل یعنی از یازده سالگی وارد شرکت نفت شده ام و چندی قبل کسیوی مریضخانهٔ شرکت مرا بعلت بیماری از کار بر کنار کرده است ایشان می نویسند که از این دکتر های ایرانی نمایاید پرسید که علت بیماری ایشان چه بوده واین مریضخانه که شرکت دائما دم از آن می زند برای چیست وپول بینه را برای چه کاری کسر می کنند . سپس می نویسند که این مریضخانه برای ازبابان تخفه پس داده شده نه برای کارگران محروم شرکت نفت .

تعلیمات عمومی اجباری

بقیه از صفحه ۱

شهر مدارس هفتساله ودرنقاط دهقانی مدارس چهار ساله حد اقل برنامه آموزش اجباری را تشکیل داد و برای تعمیم مدارس هفت ساله جهت اجرای برنامه تعلیمات اجباری اقدام شده است .

در مورد آموزش افراد سالمند فعالیت های مؤثری ابراز شده است .

ملل مذکور با مدت های سریع عقب ماندگی سابق خود را جبران میکنند . تعداد افرادآموزنده در تمام جمهوریها چندین بار بیش از سابق گشته است .

تعداد محصلین در کلاسهای چهارساله اول (برحسب هزار)

جمهوری ها	سال ۱۹۲۹ – ۱۹۳۰	سال ۱۹۳۸ – ۱۹۳۹
قزاقستان	۳۱۸	۷۹٤
کیرگیزستان	۵۰	۲۳۳
تاجیکستان	۲٦	۱۳۵
ترکمنستان	٤۳	۱٦۲
اوزبکستان	۱۷۲	۸۸۸

در دانشسراهای مقدماتی و عالی جمهوری های فوق الذکر کادر آموزگاران ملی تربیت می شود .

کودکان ضمن این که بزبان های محلی آموزش می یابند زبان روسی را نیز فرا می گیرند همچنه مدارس هفتساله بقدری وسیع شده است که امکان اجرای برنامه آموزش عمومی کاملا فراهم می باشد .

بی سوادی درمیان افراد سالمند این جمهوری ها بکلی از بین رفته است .

شبکه وسیعی از مدارس متوسطه ایجاد شده و مدارس تخصصی و حرفه ای همچنین تعداد زیادی دانشکده بوجود آمده است .

توسعه فرهنك در جمهوریهای قزاقستان ، کیرگیزستان ، ترکمنستان ؛ تاجیکستان واز اوزبکستان و تبدیل آنها ازاستان های عقب افتاده به جمهوری های مترقی نتیجه سیاست داهیانـه وملـی ستالین کبیر و کوشش مداوم حزب کمونیست و حکومت شوروی برای بالابردن سطح فرهنك تمام ملل شوروی میباشد .

پرفسور . ا . مدینسکی
عضو اصلی . آکادمی علوم شوروی (درقسمت آموزش)

خیابان خیام روبروی تلفن ۷۱۴۹ — شماره تلفن ۸۹۹۹
تبریز — آستارا — اردبیل — رشت — پهلوی — قزوین — تهران — قم — اصفهان — شیراز — کرمانشاه — بندر شاه — بهبهان — خرمشاه — آبادان — مشهد — چابهار — تهران — شاهرود
همیشه همه جا با میهن تور
خاطر نشان مسافرین شرکت میهن تور

صاحب امتیاز ش . انور
محل اداره
طهران خیابان بوذرجمهری سه راه سیروس
بهای اشتراك
یکساله ۱۳۰ ریال
ششماهه ۷۰ ریال
مقالات وارده مسترد نمیشود واداره در اصلاح و درج آن مختاراست
بهای آگهی بادفتر اداره است .

نورامون ویرا درمان دردهاست
همیشه نورامون ویرا همراه داشته باشید
زیرا هرکس نورامون ویرا مصرف نموده دیگر از قرصهای جدید وامتحان نشده استفاده نخواهد کرد
نورامون ویرا دوازده سال است که بحسن اثر مشهور است

عشق بی پیرایه
از : واندا وسیلواسکایا
منتشر شد

واسکا
ازماکسیم گورکی
ترجمه : علی اصغر سروش
بزودی منتشر میشود

نیوزوات

محکمه جنائی

بقیه از صفحه ۷

بموجب محتویات پرونده، مامورین دروغ پرداز شهربانی، مطلب بانوئی بنام دکتر پیرا جودت «خواهر آقای دکتر جودت ا» درمجاورت کنسولگری شوروی قرار داشته ومتهمین سیاسی مذکور از راهرو فاصل بکنسولگری آمدورفت می کرده‌اند، اما در تعقیب اینگزارش سراپا کذب، هنگامیکه دادیار نظامی برای کشف حقیقت حال میرود ضمن رسیدگی می فهمند که اولا بانوی طبیب؛ خواهر آقای دکتر جودت نیست ثانیاً میان خانه و کنسولگری چهار خانهٔ دیگر فاصله است! از اینقبیل مجعولات در پرونده فراوان است درعین حال مراجع نظامی، بیك «کشف قضائی تازه!» نیز نائل شده وبرای نخستین بار، اتهام وجرم را ازصورت انفرادی بشکل «اجتماعی» در آورده‌اند؛ آنها بعنوان «دلیل جرم» مدعی شده‌اند که مثلادررامهرمز، یا قوت‌نام کارمند فرهنگ سیم تلگراف را قطع کرده ویا باتهام غارت خرمن مورد تعقیب واقع‌شده ونیز مثلا در میانه، زد وخوردی بین مالکین وکشاورزان به‌وقوع پیوسته ودراینمیان جمعی کشته وزخمی گردیده‌اند که بفرض صحت مدعا: معلوم نیست چه ربطی بین این اعمال و تعقیب جزائی آقایان دکتر یزدی، دکتر کیاوری و امثالهم می توان متصور دانست، مگر بفرض وقوع جرم و آن‌هم در صورت «ثبوت» جزء عامل و معاون و شریك و محرك جرم را می‌توان مورد تعقیب قرار داد؛ باآقای بقراطی و نوشین و دیگران چه ربطی دارد که وقتی در خانه خود آسوده خفته‌اند در فلان شهر فلانکس منازعه می کند و درفلان قریه، سیم تلگراف را قطع می نمایند؟

اینها هیچکدام برای مراجع نظامی قابل استماع نبوده، آن‌ها بهرجهت مامور بودند گروهی از پیشتازان ملت، را محکوم کنند و بکنج زندانها گسیل دارند، در چنین موقعی پیداست که سخن حق تا کجا می‌تواند مؤثر افتد!

متهمین سیاسی؛ بعنوان وسیله رد اتهامات، از محکمه نظامی تقاضا کردند پرونده وقایع زیراب و مدارکی دیگر از اینقبیل را حاضر آورد، اما گوئی برای هنیدن این خواهش قانونی وجود نداشت، متهمین سیاسی، احضار جمعی ازمردان سیاسی ایران و کشورهای بیگانه را بعنوان گواه خواستار شدند، اما محکمه جنائی نظامی این را نیز به بی اعتنائی برگزار کرد، متهمین احضار یوسف لنکرانی زندانی، مردی را که بعنوان قهرمان حوادث زیراب معرفی شده بود خواستار شدند اما نه فقط از قبول این تقاضا سرباز زدند بلکه اصولا اثری از زندانی مذکور مشهود نگردید وسرانجام لپر هیچکس ندانست که برسر او چه آمده است

قبل از اینهمه زندانیان سیاسی و وکلاء ایشان محکمه جنائی نظامی را فاقد صلاحیت رسیدگی دانستند زیرا بفرض محال که همه مدعیات دادستان نظامی بثبوت می رسید با توجه بتاریخ وقوع «جرائم» منتسبه که قبل از اعلام حکومت نظامی بود لازم می آمد که پرونده امر درمحکمه عادی دادگستری مورد رسیدگی قرار گیرد زیرا این دیگر یك اصل سادهٔ قانونی است که محاکم موقت نظامی تنها می توانند بجرائمی رسیدگی کنند که تاریخ وقوع آن مؤخر از حین اعلام حکومت نظامی باشد.

اما اینمدعای مستدل و بدیهی نیز در محکمه جنائی نظامی قابل استماع نبود دادگاه بدون توجه بمدعای قانونی متهمین سیاسی و وکلای ایشان «صلاحیت» خود را در رسیدگی اعلام داشت و بالاخره بصدور احکام غلاظ و شداد لازم الاتباع، چشم برهم نهاد و احکام بدوی را عینا تنفیذ نمود و تائید کرد!

دستگاه جابر حکومت که ازارتکاب این همه جرم وجنایت، باز هم ارضاء نشده بود بار دیگر بتوطئه تازه‌ای دست زد و در سرمای کشنده زمستان سال ۱۳۲۸ بدون حکم محکمه قانونی، رأسا بتبعید زندانیان سیاسی دست زده نیمه‌شبان، دور از چشم مردم، آنان را با دستبند به بیغوله های کشنده گسیل داشت.

اما سرانجام فشار افکار عمومی و اعتراضات قانونی و پی درپی زندانیان سیاسی، دیوان عالی کشور را واداشت تا اعمال تباه مراجع نظامی را باردیگر مورد مداقه قراردهد و با توجه بطرز «دادرسی» محکمه تجدید نظر نظامی که حتی کوچکترین ظواهر وتشریفات قانونی را مرعی ننموده بود، حکم وبرا غیابی تلقی کند ومحکمه جنائی تهران را برسیدگی ملزم دارد و نیز قرار محکمه مذکور را بر «عدم صلاحیت» فسخ نماید و با توجه بنوع اتهام «تشکیل بحزب ضد سلطنت» وبرا صالح در رسیدگی بشمارد.

بالنتیجه پرونده اتهام مطرح گردید و پس از آن که انتخاب وکیل و مطالعه اوراق پرونده از طرف «متهمین» پایان یافت روز دوشنبه گذشته، محکمه جنائی تهران جلسه مقدماتی خویش را طبق مقررات قانونی باحضور نماینده دادستان استان و وکلای متهمین سیاسی تشکیل داد و پس از کسب نظر نماینده دادستان که مبنی بر تسلیم برای محکمه بود و نیز بااستماع اظهارات و دلائل مشروح وکلاء متهمین درجلسه سری خود بررسی پرداخت و بلافاصله قرار خویش را اعلام داشت، مضمون قرار جز بطلان مجموعه تصمیمات مراجع نظامی نبود.

محکمه ضمن قرار مشروح صادره چنین اظهار عقیده کرد:

چون بموجب ماده یك قانون حکومت نظامی مصوب ۲۷ سرطان ۱۲۹۰ وقتی دادگاههای فرمانداری نظامی و وابستگان آن از بازپرس و دادستان صلاحیت تحقیق و صدور هر گونه قرار و تنظیم کیفرخواست وصدور احکام را دارند که بزه درزمان وجود حکومت نظامی رخ داده باشد ومطابق دو کیفر خواست مربوط بمتهمین فوق الذکر وسایر مندرجات پرونده، اتهام متهمین راجع بزمان قبل از اعلان حکومت نظامی میباشد بازپرس فرماندار نظامی درمورد قرارهائیکه صادر نمود ودادستان در تنظیم کیفرخواست ودادگاههای بدوی وتجدید نظر درصدور احکام صلاحیت نداشته‌اند و از اینجهت کلیه اقدامات واحکام مذکور ملغی الاثر میباشد....»

این همان چیزی است که دوسال پیش، متهمین سیاسی ووکلای ایشان درمحکمه نظامی گفتند، این همان چیزی است که هر کس بالفبای مقررات قانونی آگاهی داشت بصراحت درمیان میگذاشت، این همان چیزی است که اعتراض عمومی ملت ما وهمه دنیای آزاد بر صحت آن گواهی می کرد، معذلك بازپرس، دادستان و محاکم نظامی، آنها که جز اطاعت کورکورانه بشهوات عمال جور واستبداد هدفی نمی‌شناختند پنبه در گوش کردند و آشکارا بدیهی ترین حقوق انسانی را زیر پا گذاشتند وجمعی از مردان شرافتمند وپاکدل وطن‌مارا که گناهشان تنها دوستداری ستمدیدگان و عداوت ستم پیشگان بود نزدیك بدو سال در زندان ها شکنجه دادند، در سرمای زمستان در کوه و دشت آواره کردند و در گرمای گزنده و روح کش تابستان در شکنجه خانه جنوب معذب داشتند!

اما هم اینك نیز مامورین عذاب جانشینان شایسته ای دارند، هنوز عمال ستم در جامه‌های دیگری عرض وجود میکنند وباعمال ناهنجار مداومت مینمایند: اینك دادستان استیناف تهران، مردی که ظاهراً بحفظ وحمایت قانون مبعوث شده وظیفهٔ مراجع قانون‌شکن نظامی را بعهده گرفته است!

نماینده دادستان استیناف که درجلسه مقدماتی محکمه جنائی حضور داشت صریحا تسلیم خویش را بتصمیمات محکمه اعلام کرد، او همچنین هیچگونه اخذ تامینی را در مورد زندانیان سیاسی تقاضا ننمود وباین ترتیب با آزادی فوری و بدون قید و شرط متهمین سیاسی ابراز موافقت کرد، اما با اینهمه از ساعت ۲ بعد ازظهر روز دوشنبه گذشته، از هنگام اعلام قرار محکمه تاکنون زندانیان سیاسی هنوز در توقیف غیر قانونی بسر میبرند، هنوز درهای زندان «قصر» بروی ایشان گشوده نشده‌است.

دادستان استیناف تهران، ببهانه‌های رنگارنگ از حدود دستور آزادی زندانیان خودداری کرد و سرانجام نیز پرونده را بدادسرای شهرستان ارسال داشت تا یکی از شعب بازپرسی ازجاع گردد وآنگاه ازطرف بازپرس، نسبت به آزادی «متهمین» اخذ تصمیم شود!

اینك پرونده «اتهام» هوشمند ۱۵ بازپرسی تهران تحت مطالعه است و تا هنگامی که اینطور را مینویسیم هنوز از آزادی زندانیان سیاسی اثری مشهود نیست هنوز این جرم صریح. توقیف غیرقانونی توقیف باراده شخص و آن هم باراده مقامات «حافظ قانون» همچنان درحال استمرار است اینك «حامیان حقوق عمومی» بنوبهٔ خود عرض وجود می کنند و «خدمات» اسلاف را علیه آزادی تکمیل مینمایند!

ما جدا علیه این قانون‌شکنی آشکار، این حق کشی بی پروا اعتراض می کنیم، ما رفع این اهانت فجیع بآزادی و حقوق سیاسی ومدنی را جدا میخواهیم ما آزادی فوری و بدون قید وشرط زندانیان سیاسی را طلب می نمائیم، ما قانون شکنان را که بجامه عاریتی «پاسدار قانون» ملبس شده‌اند یادآور میشویم که ملت ما، ملتی که نیم قرن تمام درراه آزادی و استقرار حاکمیت ملی پای فشرده است هیچگاه حق کشیها وستمگری هارا نخواهد بخشود!

مشت محکم...

بقیه از صفحه ۱

شده، سخنگویان آمریکائی دو باره لب بسخن گشودند و گفتند که تعرض متقابل فقط دریك قسمت ازجبهه بوقوع پیوسته ولی درنقاط دیگر قوای آمریکائی بپیشروی ادامه میدهند.

اینك اخبار دو روز اخیر حاکی از شکست کامل تعرض آمریکائی است. تعرض متقابل قوای جمهوری دمکراتیك کره دوش بدوش افراد داوطلب چینی تمام سیستم نظامی آمریکائی را بخطر افکنده و در معرض محاصره قرار داده است. نظری باخبار خبرنگار آمریکائی مقیم کره نشان می‌دهد که مك آرتور کلیه قوای ذخیره خودرا برای نجات وضع بجبهه فرستاده وحتی تیپ اعزامی ترك که بعلت قلت «تجربه» نظامی در عقب نگاهداشته شده بود بجبهه اعزام شده‌است.

با این وصف مك آرتور ضمن اعلامیه‌ئی روز سه‌شنبه گذشته از خود سلب مسئولیت کرده و اظهار داشته است که «مداخله داوطلبان چینی درجنك کره وضعی ایجاد کرده که او نمی‌تواند شخصاً اقدامی بعمل آورد «این میکادوی آمریکائی، خواهان بمباران مراکز تجمع داوطلبان چین در داخل خاك منچوری و از بین بردن پتانسیل صنعتی آن منطقه است. اقدام به اینکار علاوه بر عواقب وخیم سیاسی و نظامی بین‌المللی، عملا تائید اتهام تجاوزکاری امریکا برعلیه چین خواهد بود. در صورتیکه ترومن وآچسن طی هفته‌های اخیر چندین بار وجود چنین قصدی را جداً تکذیب کرده و اصرار ورزیده اند که درباره مقاصد مسالمت آمیز آمریکا نسبت به ملت چین بدولت مرکزی چین اطمینان داده شود.

بهمین جهت مك آرتور طی اعلامیه پریروزی خود از سازمان ملل متفق تقاضا کرده است که ثبوت بوضع کره اتخاذ تصمیم کند. دست بدامن سازمان ملل‌زدن از طرف خونخوار ترین و گستاخ ترین افسران امریکائی که از روز اول خواستار حل وفصل مسئله کره ازطریق کشتار وانهدام جمعی بود، نشانه اعتراف به ناتوانی وعجز اوست. کلیه امید های تحمیل «صلح امریکائی» تا پایان سال نقش برآب شده‌است.

بدین ترتیب مسئله‌ئی که امریکائیها میکوشیدند از زمینه دیپلماتیك صرفاً به زمینه نظامی بکشانند، اجباراً بوسیله خود آنها به زمینه سیاسی برگردانده می شود. مذاکرات دوروز اخیر شورای امنیت مؤید این مدعاست.

بربروز هیات نمایندگی دولت مرکزی چین برای طرح شکایت بخواز تجاوز امریکا به تایوان (فرمز) در شورای امنیت حضور یافته است. در جلسه اول وارن آستین تقاضا کرد که موضوع فرمز و کره توأماً مطرح گردد. بطوریکه می‌دانیم اخیراً براساس گزارش مك آرتور دائر به «تجاوز چین در کره» مذاکرات در شوروی امنیت بعمل آمد ودر پایان امر اتخاذ تصمیم درباره یك قطعنامه امریکا ـ انگلیس در اثر تذکر نماینده اتحاد شوروی به تعویق افتاد. مالیك نماینده شوروی اظهار داشت که اگر این قطعنامه غیرقانونی، بدون حضور نماینده دولت مرکزی چین برای گذاشته شود، آنرا وتو خواهد کرد. در این قطعنامه گفته شده است که از جانب «قوای ملل متحد در کره هیچگونه خطری متوجه امنیت چین نیست و باید قوای چین از کره بیرون برده شود».

محافل امریکائی مقیم لیك ساکسس با کمال بیصبری انتظار ورود نمایندگان پکن را میکشیدند تا باحضور آنها گزارش مك آرتور وقطعنامه غربی مورد مذاکره قرار گیرد؛ وحتی «توضیحاتی از آن‌ها خواسته شود».

پیشنهاد اخیر وارن آستین دائر به توأم کردن بحث مربوط به فرمز و کره از همینجا سرچشمه میگیرد.

پیشنهاد مالیك در باره تغییر عنوان مسئله کره و تبدیل آن به «قطع تجاوز امریکائی در کره» رد شد و موضوع همان‌طور که آستین می‌خواست مورد مذاکره واقع گردید.

رضای امریکا به بحث مشترك در باره فرمز و کره بخودی خود موفقیتی برای چین بشمار میرود، زیرا بطوری که می‌دانیم که آچسن در ابتدا بامخلوط کردن مسائل مربوط به چین و کره جداً مخالفت میورزید. و پیشنهادهای بالدیت نهرو را در این زمینه بشدت رد کرد. و اکنون خود امریکا پیشنهاد میکند که نسبت به دو مسئله توأماً بحث شود.

البته مقصود وزارت امور خارجه امریکا اینست که باوارد کردن اتهام تجاوزکاری چین در کره خودرا از وضع دشوار تجاوز به فرمز و منچوری نجات بخشد.

لیکن نماینده چین درجلسه دوروز پیش شورای امنیت صریحا ابراز داشت که ملت چین نمی‌تواند نسبت به تجاوز امپریالیستی آمریکا در خاور دور بطور اعم و در کره بطور اخص بیتفاوت بماند و این اظهار نشانه آنست که مسئله از نظر چین بشکل کاملا دیگری مطرح است و فرستادگان پکن بهیچوجه نظر امریکائیها را قابل قبول نمیدانند.

در عرصه جنك کره قوای جمهوری دمکراتیك کره در جهت پیدا یابی پایتخت موقت سابق جمهوری پیش میروند. نیروهای بازتیران در سرتاسر عقب جبهه ضربات سهمگین بمتجاوزین وارد میآورند و امید پیروزی متجاوزین در میدان جنگ از میان رفته است. درچنین شرائطی پیشنهاد های مربوط بحل مسالمت آمیز مسئله کره، آنچنانکه، پاندیت نهرو پنجماه پیش، پیشنهاد میکرد و بطریقی که ویشینسکی درجلسات مجمع عمومی سازمان ملل متفق پیشنهاد کرد، منتفی اهمیت خود را کسب می کند.

مبارزه بی گیر اتحاد شوروی برضد تجاوز توام با عکس العمل شدید ملت چین و وجود شکاف سیاسی بین انگلیس و امریکا در مورد طرز حل مسئله کره تجاوز امریکا را در کره با ناکامی قطعی مواجه ساخته و به تحکیم صلح خدمت بی نظیری کرده است.

اکنون باید دید که باوجود چنین درس سخت و تلخی امریکائیها دامنه تجاوز را توسعه خواهند داد و یا اینکه برای قطع جنگ مرگبار کران و دشوار در کره برای مسالمت صلح قدم خواهند گذاشت!

دستگاه «مستقل» قضائی

بقیه از صفحه ۱

بود بپایان رسانید، دستگاه «مستقل» دادگستری نشان داد که تا حد یك شعبه کوچك اداره سیاسی شهربانی تنزل کرده است ودر عرض بندگی بدرگاه ستم پیشگان فرومایه سر از پا نمی‌شناسد.

بازپرس شعبه ۱۵، یکمشت ورقه پارهٔ مزور را بنام «اسناد اتهام» بعنوان «دلائل تشکیل فرقه اشتراکی» قابل تعقیب محاکم نظامی شمرد، اتهامی که حتی در شرائط ترور بهمن ماه ۱۳۲۷ در محکمه فرمایشی نظامی مردود و غیر قابل اعتنا شناخته گردید، از چوالك تازه بدوران رسیده ای که وظیفه دار «سرانجام دادن» همه پرونده های «نشاندار» است جز این چه انتظاری می‌توان داشت، جز آلت بی اراده ای در دست آزادی وحقوق ملی، چه نقشی را می‌تواند بازی کرد!!

اما بار یکران اصلی اینصحنه فجیع اگر تصور می کنند با دسیسه های کودکانه در ساحت عزم محکم ملت براه مبارزه نجات بخش ملی خللی وارد می‌آورند سخت در اشتباهند و خیلی زودتر از آن چه که می اندیشند از این خواب اوشین بسراسیمه بیدار خواهند شد!!